۹۶۷

توضیح المسائل مراجع

مطابق با فتاوای سیزده نفر از مراجع معظم تقلید

جلد اول

دفتر انتشارات اسلامی
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوای سیزده نفر از مراجع معظم تقلید

نویسنده:

محمدحسن بنی هاشمی خمینی

ناشر چاپی:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوای سیزده نفر از مراجع معظم تقلید – جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : بنی هاشمی خمینی،سید محمدحسن، ۱۳۳۶ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوای سیزده نفر از مراجع معظم تقلید/ گردآورنده بنی هاشمی خمینی، با همکاری اصولی...[و دیگران].

مشخصات نشر : قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.

فروست : جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی؛ ۹۶۷، ۹۶۸.

شابک : دوره : ۹۶۴-۴۷۰-۱۶۴-X ؛ دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۱۶۴-۱ ؛ ج. ۱ : ۹۶۴-۴۷۰-۶۳۰-۷ ؛ ۶۱۰۰۰ ریال (ج. ۱، چاپ سیزدهم) ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ پانزدهم : ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۶۳۰-۱ ؛ ۱۱۰۰۰۰ ریال (ج.۱، چاپ شانزدهم) ؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۱، چاپ هفدهم) ؛ ج. ۲ : ۹۶۴-۴۷۰-۶۳۱-۵ ؛ ۶۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ دوازدهم) ؛ ۷۵۰۰۰ ریال: ج. ۲،چاپ سیزدهم : ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۶۳۱-۸ ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ چهاردهم) ؛ ۱۲۵۰۰۰ ریال(ج.۲، چاپ شانزدهم) ؛ ۲۲۰۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ بیستم)

یادداشت : ج. ۱ (چاپ سیزدهم: ۱۳۸۵).

یادداشت : ج. ۱ (چاپ پانزدهم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۱ (چاپ شانزدهم: پاییز ۱۳۸۷).

یادداشت : ج. ۱ (چاپ هفدهم: پاییز ۱۳۸۸).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ دوازدهم: ۱۳۸۵).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ چهاردهم: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۲(چاپ شانزدهم: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۲ (چاپ بیستم: ۱۳۹۱).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده : اصولی، احسان

شناسه افزوده : جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفترانتشارات اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ب۸ت۹۳ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۸۷۲۶

ص: ۱

مقدّمه دفتر

(باسمه تعالی)

هر مسلمانی پس از رسیدن به حدّ بلوغ در دایره مکلّفین قرار می گیرد، و موظّف است همه واجبات الهی را انجام داده و نواهی او را ترک کند؛ و چون در دوران کودکی نمی توانسته به تحصیل علوم لازم برای استنباط احکام الهی بپردازد، هنگام بلوغ چاره ای جز مراجعه به متخصّصین مربوطه (که مراجع عظام تقلیدند) ندارد.

گذشته از اینها، بزرگسالان نیز بر دو گروهند: اقلّیتی خود را وقف کسب دانش و رسیدن به قلّه رفیع اجتهاد و تخصّص در احکام الهی می کنند، و پس از سالها قدرت استنباط احکام الهی را از کتاب و سنت پیدا می کنند؛ ولی اکثریّت قریب به اتّفاق آنها در پی تأمین سایر نیازمندیهای زندگی شخصی و اجتماعیند و طبعاً نمی توانند به مدارج رفیع علمی و استنباط احکام دینی ، نایل شوند. این اکثریّت نیز عقلًا و شرعاً باید به متخصّص این فن ّمراجعه کنند، و گر نه از عهده تکالیف دینی خود برنمی آیند.

خلاصه آن که : اکثریت قریب به اتّفاق مردم برای عمل به وظایف الهی خود، راهی جز مراجعه به آرای فقهای بزرگ و اسلام شناسان فقیه اعلم ندارند.

جای بسی خوشبختی است که حوزه های علمیّه شیعه همیشه غنی بوده و در هر عصر و زمانی شخصیتهای بزرگی مرجعیّت عالم تشیّع را به عهده داشته اند، به طوری که وجود آنان در طول تاریخ اسلام مورد افتخار پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است ؛ شخصیتهایی نظیر شیخ مفید، شیخ طوسی ، سیّد مرتضی ، علّامه حلّی .. تا مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی ، امام خمینی قدس سره و سایر مراجع معظّمی که در زمان معاصر، درخشیده اند.

اکنون نیز بحمد اللّه و المنّه فقهای ما مسئولیّت خطیر استنباط احکام را پذیرفته و نظرات فقهی خویش را تدوین کرده اند؛ اما چون رساله ها متعدّد بوده (و استفاده از همه آنها بویژه برای گویندگان مسائل شرعی مشکلاتی به همراه دارد) فاضل محترم جناب آقای سیّد محمّد حسن بنی هاشمی خمینی حفظه اللّه همّت گماشته و آنها را جمع و تنظیم نموده اند، تا وصول به فتاوای مراجع عظام مد ظلهم العالی آسان باشد.

این دفتر نیز در این زمینه ، نظارت دقیقی اعمال کرده و از هیچ کمکی برای وصول به این مجموعه علمی و فتوایی دریغ نورزیده است . و اکنون خداوند سبحان را سپاس گزاریم که آن چه را به جامعه اسلامی تقدیم می کنیم ، مورد اطمینان مراجع معظّم تقلید و مقلّدین محترم آنان است . فله الشکر و له الحمد. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم

مقدّمه گرد آورنده

الحمـد للّه رب ّ العالمین الّـذی علّم بالقلم ، علّم الإنسان ما لم یعلم ، و صـلّی اللّه علی حبیبه و نبیّه سـیّدنا محمّد و آله الطاهرین الهداه المهدیّین .

بی شـک ، یکی از اعمـال ارزشـمند و عـالی که سـعادت سـاز بوده و ضـامن نجـات انسـان از مهالـک دنیا و آخرت می باشـد تحصیل علم است ؛ زیرا با علم ، قرب به خدا ممکن ، درجات انسان ، عالی ، راه بهشت هموار و نیل به کمال ، آسان می شود. همان گونه که اگر کسـی بدون علم قدمی بردارد و عملی انجام دهد، فاصـله اش از خدا و دین الهی ، زیاد، گرفتاریش در دام شیاطین حتمی و راه بهشت برایش سخت می شود.

به همین جهت ، خـدای سـبحان جـل ّو علاـ در قرآن ، رفعت درجه و مقـام انسان را در سایه علم شـمرده است . و نبی ّ مکرّم صلی اللّه علیه و آله و سلم تحصیل علم را واجب و حتّی تا پایان عمر، لازم می داند؛ اگر چه مسیری طولانی و دور باید پیمود.

البته علم ، که تحصیل آن تا رفع نیاز، واجب و در روز رستاخیر از آن سؤال می شود، سه چیز است :

۱ عقاید ۲ اخلاق ۳ احکام .

باری علم به احکام ، یکی از علوم سه گانه ای است که مراجع عظام شیعه به آن اهتمام زیادی داشته و مُعظَم ِعمر خویش را صرف آن نموده و رسائل فقهی خود را مهیّا ساخته ، جهت اصلاح و الهی شدن جامعه ، در اختیار مردم قرار می دهند.

از طرف دیگر، هر مسلمانی طبق ضوابط دین و عقل ، یکی از مراجع تقلید را به عنوان مرجع دینی خود برگزیده ، خود را متعهّد و ملتزم می کند به فتاوای او عمل نماید. بدین جهت ، همواره و در هر زمان ، عدّه ای از علمای عِظام شیعه ، مرجعیت دینی و الهی داشته و رساله فقهی آنان در دسترس مقلّدین ، بویژه فضلا و مروّجین احکام ، وجود داشته است .

از طرفی امروزه مشکل است که مروّجین احکام به راحتی رساله های همه مراجع را با خود داشته یا به فتاوای آنان استحضار داشته باشند، و از سوی دیگر باید پاسخگوی مقلّدین مراجع پیشین قدّس اللّه اسرارهم و مراجع حی ّمدّ ظلّهم العالی باشند. لذا این جانب با استغاثه از ذات لا یزال الهی و استمداد از اولیای دین علیهم السلام تصمیم گرفتم رساله های مراجع عظام را با سبکی نوین ، در یک توضیح المسائل تهیّه و تنظیم کنم و در اختیار علاقه مندان قرار دهم ؛ که بحمد اللّه این کار (با صرف وقت نزدیک به چهار سال مستمر، از اول روز تا پاسی از نیمه شب و قرائت مکرر رساله های مراجع عظام و پس از آن به طور غیر مستمر برای هر ویراش جدید) در سایه عنایات ذات اقدس الهی و توجهات اولیای دین علیهم السلام ، در دو جلد به صورتی که ملاحظه می فرمایید انجام گرفت . « أنّه خیر ناصر و معین » إن شاء اللّه این کار ناچیز مورد رضایت خداوند سبحان جل ّو علا و اولیای دین بویژه حضرت بقیّه اللّه الأعظم حجّه بن الحسن العسکری روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء قرار گیرد، و خداوند پاداش این کار را ذخیره قبر و قیامت خود و والدین و اساتید و مربّیانم قرار دهد.

رجاء واثق دارم که اگر اهل فضل به اشکال و اشتباهی برخورد نمودند، حقیر را عفو فرموده و نظر اصلاحی خود را ارسال فرمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

در پایان چند نکته را متذکر می شوم :

۱ به دلیل رعایت اختصار، از آوردن القاب و عناوین مراجع محترم ، خودداری شده لذا از ارواح مقدّسه مراجع گذشته رضوان اللّه علیهم و ساحت مقدّس مراجع حاضر أدام اللّه ظلّهم عذرخواهی می شود، و برای مراجع گذشته ، علوّ درجات و برای مراجع حاضر، طول عمر با عزّت را از خداوند منّان خواهانم .

۲ رساله هایی که مورد استفاده قرار گرفته ، مطابق با آخرین رساله های تهیه شده از

سوی دفـاتر آیات عظام است . با وجود این ، قبل از چاپ این مجموعه فتاوای همه مراجع معظم را با آخرین نظرات فقهی آنها تطبیق کردیم و نماینـده ویژه هر یـک از مراجع معظم تقلیـد فتوای همـان مرجع معظم را ، کلمه به کلمه ، کنترل و تطبیق کرده اند، لذا آخرین نظرات و فتاوای فقهی مراجع حاضر مد ظلهم العالی در این رساله آمده است .

۳ از ویرایش رسـاله هـا خودداری شـده (و به همـان عبارات موجود در رساله ها بسـنده شـده) مگر در بعضـی از موارد بسـیار جزئی که به تصدیق نمایندگان مراجع معظم مضرّ به معنی نبوده است .

۴ هر چنـد حکم برخی از مسـائلی که در پـاورقی آمـده بـا متن اصـلی فرقی نداشـته ولی چون عبـارات آنهـا متفاوت بوده ، در پاورقی ذکر شـده تا امانتـداری شـده باشـد. البته در تفاوت بعضـی از عبارات ، فوایـد خاصّـِی هم وجود دارد که برای اهل فن سودمند است .

در پایان از حجه الاسـلام آقای احسان اصولی و چند تن از اعضاء خانواده ام که زحمات فراوانی کشیده اند، تشکر می نمایم . هم چنین لازم می دانم از بیوت مراجع محترم و اعضـای بخش اسـتفتاءات که در تطبیق این رسـاله با رساله های مراجع عظام ، متحمّل زحمات زیادی شدنـد، و نیز از دانشـمند محترم حضـرت حجه الاسـلام و المسـلمین فاکر خراسانی دامت برکاته و سایر صاحب نظرانی که با راهنماییهای مفیـد و ارزنـده خود در تشویق و یاری حقیر برای تهیه این مجموعه کوشـیده انـد، صـمیمانه سپاس گزاری کنم .

و آخر دعوانا إن الحمد للّه رب ّالعالمین سیّد محمّد حسن بنی هاشمی خمینی

راهنمای استفاده از توضیح المسائل مراجع

۱ متن اصلی این توضیح المسائل ، رساله قائد عظیم الشأن اسلام حضرت امام خمینی «قدس سره الشریف » است . و در هر موردی که عبارت رساله یکی از مراجع متوفّی یا حاضر با رساله امام مغایر باشد، روی همان مورد شماره ای قرار گرفته و در پاورقی طبق همان شماره عبارتِ مغایر (با حروف ریزتر) ذکر شده است .

بنا بر این اگر در پاورقی هر مسأله عبارت مغایری از مراجع تقلید نقل نشده باشد به معنای آن است که نظر او با متن اصلی موافق بوده است .

۲ در هر مسأله ای که یکی از مراجع معظم مطلبی اضافه بر متن اصلی یا جمله ای مغایر با آن داشته باشند در محل مورد نظر شماره ای گذاشته شده و مطلب اضافه یا جمله مغایر در پاورقی ذکر شده و سپس نقطه چین شده است (..) یعنی باید خواننده پس از مطالعه پاورقی به متن اصلی برگردد.

۳ در هر مسأله ای که فتوای یکی از مراجع با قسمتی از متن اصلی موافق ولی با بقیه آن مغایر باشد در پایان همان قسمت شماره ای گذاشته شده و بقیه نظر آن مرجع در پاورقی درج گردیده و سپس نقطه پایان یا عبارت [پایان مسأله] آمده است . یعنی مقلد آن مرجع پس از مطالعه پاورقی نباید به متن اصلی برگردد.

۴ اگر مسأله ای در متن اصلی آمده ولی در رساله یکی از مراجع عظام نیامده ، پس از پایان متن اصلی ، تذکر داده شده است .

۵ اگر مسأله ای در متن اصلی نیامده ولی در رساله یکی از مراجع آمده ، آن مسأله (با شماره ای که در رساله همان مرجع است) تحت عنوان «مسأله اختصاصی » درج شده است .

۶ اگر یکی از مراجع ، نظر خود را در باره مسأله ای در جای دیگری ذکر کرده باشند، نشانی آن داده شده است .

۷ در هر مسأله ای که رساله یکی یا عده ای از مراجع عظام با متن اصلی آن قدر مغایرت داشته که قابل تلفیق نبوده تمام آن مسأله (بعد از پنج ستاره) مطابق رساله یا رساله های مغایر آورده شده است ولی در چنین مواردی حتی المقدور عبارت رساله های مغایر تلفیق شده ، یعنی اگر قسمتهایی از عبارات آنها مشترک بوده ، مسأله مورد نظر از روی رساله مرجعی که تقدم زمانی داشته نقل گردیده و هر جا که عبارت رساله دیگران با آن مغایر بوده علامت مخصوصی گذاشته شده و پس از پایان آن مسأله با همان علامت در طول سطر کوتاهتر آورده شده است .

۸ چون توضیح المسائل مقام معظم رهبری «مد ظله » در دسترس نیست در پایان هر بخش از این کتاب ، نظرات ایشان از ترجمه فارسی رساله أجوبه الاستفتاءات که مربوط به همان بخش است عیناً درج شده است .

۹ در بخش پایانی رساله های مراجع عظام ، مسائل مستحدثه ای (در رابطه با معاملات بانکی ، سفته ، بیمه ، دفاع ، و غیره) آمده است . که چون با یکدیگر قابل تلفیق نبوده بصورت جداگانه تنظیم گردیده است ، هر چند سعی شده حتی المقدور نظراتی که نزدیک به یکدیگر است تلفیق شود.

بِسمِ اللّه الرَّحمن ِالرَّحیم الحَمدُ لِلّه ِرَبِّ العالَمین ، و الصَّلوةُ وَ السَّلامُ عَلی خَیرِ خَلقِه ِمُحَمَّدٍ وَ آلِه ِالطّاهِرین ، وَ لَعنَهُ اللّه ِعَلی اعدائِهِم أجمَعِین ِالی یَوم الدّین ِ

احکام تقلید

[مسائل تقلید از رساله حضرت امام]

[مسأله ۱ – اصول دین تقلیدی نیست]

اشاره

مسأله ۱ – (عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد)، (۱) ولی در احکام غیر ضروری دین (۲) باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند یعنی (۳) به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است ، مثلًا اگر عدّه ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند و عدّه دیگر می گویند حرام نیست ، آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند، آن را به جا آورد؛ پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند به احتیاط عمل کنند، واجب است (۴) از مجتهد تقلید نمایند (۵). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی بدون دلیل گفته کسی را قبول کند. ولی اگر از گفته غیر به عقاید دینی یقین پیدا کند در حکم به مسلمان بودن او کافی است ..

(خوئی ، تبریزی :) شخص مسلمان باید به اصول دین از روی دلیل اعتقاد پیدا کند و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی بدون سؤال از دلیل ، گفته کسی را قبول کند ..

(سیستانی :) شخص مسلمان باید عقیده اش به اصول دین از روی بصیرت باشد، و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی گفته کسی را که علم به آنها دارد به صِرف این که او گفته است قبول کند، ولی چنانچه شخص به عقائد حقّه اسلام یقین داشته باشد و آنها را اظهار نماید هر چند از روی بصیرت نباشد آن شخص مسلمان و مؤمن است و همه احکام اسلام و ایمان بر او جاری می شود ..

(نوری :) مسلمان باید به اصول دین ایمان و یقین داشته باشد و این ایمان باید برای هر مسلمانی به اندازه فکر و درک او بر پایه دلیل و برهان استوار باشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۲) (اراکی :) مکلّف در احکام غیر ضروری دین .. (گلپایگانی ، صافی :) و در احکام دین ..

(خوئی ، سیستانی :) در احکام دین در غیر ضروریات و قطعیات ..

(تبریزی :) در احکام دین در غیر ضروریات .. (۳) (خوئی :) بـدون سؤال از دلیل .. (۴) (تبریزی :) لازم است .. (۵) (نوری :) به این مطلب نیز باید توجه کرد که در بسیاری از موارد در خود عمل به احتیاط نیز باید یا مجتهد بود و یا تقلید کرد.

(فاضل :) مسأله در اصول دین انسان باید یقین و اعتقاد جزمی داشته باشد و این یقین از هر دلیل و طریقی حاصل شود کفایت می کند چه به واسطه استدلال و برهان باشد یا از گفته والدین و مبلغین ؛ هر چند نتواند استدلال کند و در احکام غیر ضروری دین یا بایـد مجتهـد باشـد و بر طبق اجتهاد خودش عمل نمایـد و یا از مجتهـد تقلیـد کند یعنی به دسـتور او رفتار نماید و یا در صورتی که آشـنا به کیفیّت احتیاط است ، عمل به احتیاط کند به طوری که یقین کند تکلیف خویش را انجام داده است . مثلًا اگر عـدّه ای از مجتهـدین عملی را حرام می دانند و عدّه ای دیگر می گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد، و اگر عملی را بعضـی واجب و بعضـی مسـتحب ّمی داننـد انجـام دهـد و هم چنین واجب است در کیفیّت احتیـاط نیز احتیـاط کنـد، یعنی چنانچه احتیاط از چند طریق ممکن باشد باید طریقی را اختیار نماید که مطابق با احتیاط باشد.

(بهجت :) دین اسـلام بر اساس اعتقادات صـحیح و حق و هم چنین اعمال و دسـتوراتی در زمینه های گوناگون بنا شده است . در اعتقادات تقلیـد جایز نیست هم چنین در اعمال و دسـتورات غیر اعتقادی که ضـروری دین باشـد، تقلید در آن لازم نیسـت ولی در غیر ضروریات اگر شخص مجتهد باشد، یعنی بتواند از روی دلایل شرعی وظیفه خود را تشخیص دهد، باید طبق نظریه خود عمل کنـد و در غیر این صورت عقل برای او دو راه معیّن خواهـد کرد: الف «تقلیـد» یعنی طبق فتاوی و نظریات مجتهدی که واجـد شـرایط است عمل کند. ب «احتیاط» یعنی بر اساس نظریه تمامی و یا گروهی از مجتهدین وظیفه خود را انجام دهد. به این معنی که اگر مجتهـدی کاری را جایز و دیگری حرام می دانـد، آن کار را ترک کند و اگر مجتهدی کاری را واجب و دیگری مباح می داند، آن را به جا آورد.

(مکارم :) مسأله هیـچ مسـلمانی نمی توانـد در اصول دین تقلیـد نمایـد بلکه بایـد آنها را از روی دلیل به فرا خور حال خویش بدانـد ولی در فروع دین یعنی احکام و دسـتورات عملی ، اگر مجتهـد باشـد (یعنی بتوانـد احکام الهی را از روی دلیل بدسـت آورد) به عقیـده خود عمل می کنـد و اگر مجتهـد نباشـد بایـد از مجتهدی تقلید کند، همان گونه که مردم در تمام اموری که تخصّ ص و اطّلاع ندارنـد به اهل اطّلاع مراجعه می کننـد و از آنها پیروی می نمایند. و نیز می تواند عمل به احتیاط کند، یعنی در اعمال خود طوری رفتار نمایـد که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است ، مثلًا اگر بعضـی از مجتهدین کاری را حرام و بعضـی مباح می دانند، آن را ترک کند و یا اگر بعضـی آن را مستحب ّو بعضی واجب می دانند آن را حتماً به جا آورد، ولی چون عمـل به احتیـاط مشـکل است و احتیـاج به اطّلاعـات نسبتاً وسیعی از مسائـل فقهی دارد، راه برای توده مردم غالباً همان مراجعه به مجتهدین و تقلید از آنها است .

(زنجانی :) مسأله شخص مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد، اگر چه از گفته دیگری برای او یقین حاصل شده باشد، و در احکام دین کسی که قطع ندارد، باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل بدست آورد، یا از مجتهد جامع شرایط تقلید کند، یعنی بدون سؤال از دلیل ، گفتار او را به پذیرد و بدان عمل کند، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است ، مثلًا اگر هیچ یک از مجتهدین عملی را واجب نمی دانند، ولی برخی آن را حرام دانسته و برخی حرام نمی دانند آن عمل را انجام ندهد. و اگر عملی را هیچ یک حرام نمی دانند، ولی برخی آن را واجب دانسته و برخی واجب نمی دانند آن را به جا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند به احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید کنند.

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۳ مکلفی که مجتهد نباشد و اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد و تقلید هم نکند، اعمال او باطل است یعنی نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طبق مسأله [۱۴] عمل کند.

[مسأله ۲ تقلید در فروع دین]

اشاره

مسأله ۲ تقلید در احکام ، عمل کردن به دستور مجتهد است (۱)، و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل با شد (۲). (و نیز بنا بر احتیاط واجب (۳) باید از مجتهدی تقلید کرد که حریص به دنیا نباشد) (۴) و از مجتهدین دیگر اعلم باشد (۵)، یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد (۶).
(۱) (اراکی :) یعنی عملش را به استناد فتوای او انجام دهد ..

(گلپایگانی ، صافی :) تقلید در احکام ، یاد گرفتن فتوای مجتهد است با التزام به عمل به آن ..

(تبریزی :) تقلید در احکام ، اعتماد کردن به دستور مجتهد در هنگام عمل یا بعد از آن است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و عادل کسی است که با ملکه عدالت کارهائی را که بر او واجب است به جا آورد و کارهائی را که بر او حرام است ترک کند، و ملکه عدالت عبارتست از حالتی که وادار کند انسان را به اطاعت و ترک معصیت و نشانه آن این است که اگر از اهل محل ـ یا هم سایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) (تبریزی : و نیز معتبر است سابقه فسق معروفی بین مردم نداشته باشد و از مجتهدی که تقلید می شود، غیر از اوصاف ذکر شده امر دیگری معتبر نیست) و عادل کسی است که کارهائی را که بر او واجب است ، به جا آورد و کارهائی را که بر او حرام است ترک کند، و نشانه عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد، که اگر از اهل محل ـ یا هم سایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند ..

(فاضل :) و مقصود از عدالت آن است که قدرت نفسانیه ای بر انجام واجبات و ترک گناهان کبیره داشته باشد .. (۳) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۴) (فاضل :) احتیاط واجب آن است که مرجع تقلید حریص به دنیا نباشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۵) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب ، در مسائلی که می داند فتوای اعلم با غیر اعلم اختلاف دارد

و هم چنین در مسائل محدودی که می داند در یکی یا بعضی از آنها اختلاف فتوی دارند (شبهه محصوره) باید از اعلم تقلید کرد. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) مجتهدی که انسان از او تقلید می کند در صورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیر بنا بر احتیاط واجب باید غیر ، اعلم از او نباشد مگر آن که فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط باشد (صافی : یا فتوای اعلم شاذ و نادر باشد که در این صورت باید به قولی که احوط است عمل نماید) و اعلم ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) در صورتی که اختلاف فتوی بین مجتهدین در مسائل محل ٔابتلاء و لو اجمالًا معلوم باشد لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، اعلم باشد ..

(فاضل :) لازم است از مجتهدین دیگر اعلم باشد ..

(نوری :) بنا بر اقوی در صورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیر در مسائل مورد احتیاج ، او باید اعلم باشد مگر آن که فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط باشد و اعلم .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) بهتر باشد. (سیستانی :) تواناتر باشد.

(فاضل :) در فهمیدن حکم خدا از همه مجتهدین عصر خودش عالمتر باشد [و] یکی از راههای شناخت عدالت ، حُسن ظاهر است یعنی با او رفت و آمد و معاشرت داشته باشد و در شرایط مختلف او را دیده باشد که مسائل شرعی را رعایت می کند و یا هم سایگان و اهل محل خوبی او را تصدیق کنند.

(بهجت :) مسأله تقلید از مجتهدی که مرد، بالغ ، عاقل ، شیعه دوازده امامی ، حلال زاده ، آزاد، زنده و عادل باشد جایز است و بنا بر اظهر باید از مجتهدین دیگر اعلم باشد یعنی در استنباط احکام الهی تواناتر باشد و یا اینکه از نظر علمی و اجتهاد مساوی دیگر مجتهدین باشد و در صورتی که شناختن اعلم یا بدست آوردن فتاوای او مشکل باشد (مستلزم عسر و حرج باشد) می تواند با رعایت الاعلم فالاعلم و سایر شرایط، از غیر اعلم تقلید نماید.

(مکارم :) مسأله حقیقت تقلید در احکام استناد عملی به دستور مجتهد است ، یعنی انجام اعمال خود را موکول به دستور مجتهد کند. مجتهدی که از او تقلید می کند باید دارای صفات زیر باشد: مرد، بالغ ، عاقل ، شیعه دوازده امامی ، حلال زاده و هم چنین بنا بر احتیاط واجب عادل و زنده باشد. (عادل کسی است که دارای حالت خداترسی باطنی است که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می دارد) [و] در مسائلی که مجتهدین اختلاف نظر دارند باید از «اعلم » تقلید کند.

(زنجانی :) مسأله تقلید به معنای پیروی کردن از دیگری در عقیده یا عمل می باشد، و در احکام دینی ، از کسی باید تقلید کرد که دارای این شرایط باشد: ۱ مرد باشد. ۲ بالغ باشد. ۳ عاقل باشد. ۴ شیعه دوازده امامی باشد. ۵ حلال زاده باشد. ۶ عادل باشد، یعنی از گناهان کبیره ، مانند: دروغ ، غیبت ، تهمت ، آدم کشی ، ربا خواری ، ترک نماز و ترک روزه ..، از روی ملکه اجتناب کند و مراد از ملکه ؛ حالت نفسانی است که انسان را به ترک گناه وادار می کند، گناه صغیره نیز با اصرار بر آن ، گناه کبیره محسوب می گردد نشانه عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد.

یعنی اگر از اهـل محل یا هم سایگان او یا کسانی که با او معاشـرت دارنـد حال او را بپرسـند، بگوینـد: ما خلاف شـرعی از او سراغ نداریم . ۷ مجتهد باشد. ۸ در صورتی که احتمال اختلاف بین مجتهـدین را در مسائل مورد ابتلا بدهد، باید مجتهدی که انسان از او تقلیـد می کند اعلم باشد، یعنی از تمام مجتهدهای زمان خود حکم خدا را بهتر بفهمد، و برتری این مجتهد از سایر مجتهـدین بایـد به گونه ای باشـد که متعارف افراد اهل فضل بتوانند آن را تشـخیص دهند، و اگر هیچ یک از مجتهدین چنین برتری نداشته باشند از هر یک از مجتهدین طراز اوّل می توان تقلید نمود. ۹ موثّق باشد، یعنی اشتباهش از متعارف بیشتر نباشد و کسـی که حریص به دنیا باشـد غالباً موثق نمی باشد، زیرا حبّ شدید به دنیا باعث اشـتباه زیاد در تشـخیص می گردد. ۱۰ با تفصیلی که در مسأله دهم خواهد آمد زنده باشد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲ اگر دو مجتهـد یکی اعلم و دیگری اورع باشـد و در سـایر جهات با هم مساوی باشـند، أظهر رجوع به اعلم است ؛ و اگر هر دو در علم مساوی باشند ولی یکی اعدل و اورع از دیگری باشد، ترجیح قول اعدل خالی از وجه نیست .

(فاضـل :) مسأله ۶ در صورتی که دو مجتهـد از نظر علمی مسـاوی باشـند احتیـاط لازم آن است که از کسـی که اتقی و اورع است تقلید کند.

[مسأله ۳ شناخت مجتهد]

مسأله ۳ مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت : اول : آن که خود انسان یقین کند، مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشـناسد (۱). دوّم : آن که دو نفر عالم ِعادل که می تواننـد مجتهـد و اعلم را تشـخیص دهنـد مجتهد بودن یا اعلم بودن کسـی را تصـدیق کننـد، به شـرط آن که دو نفر عالم ِعادل ِدیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند (۲). سوم : آن که عدّه ای (۳) از اهل علم که می تواننـد مجتهـد و اعلم را تشـخیص دهنـد، و از گفته آنان اطمینان پیـدا می شود مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند (۴). (۱) (مکارم :) اوّل : این که خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد .. (۲) (خوئی :) و ظاهر این است که اجتهاد یا اعلمیّت کسی به گفته یک نفر که مورد وثوق باشد نیز ثابت می شود ..

(تبریزی :) و در صورت اختلاف ، خُبره بودن هر کـدام بیشتر باشـد قول او مقدّم است . بلکه به گفته یک نفر عالم خُبره مورد وثوق نیز اجتهاد یا اعلمیّت ثابت می شود ..

(سیستانی :) بلکه اجتهاد یا اعلمیّت کسی به گفته یک نفر از اهل خُبره و اطلاع که مورد وثوق انسان باشد نیز ثابت می شود ..

(مکـارم :) دوّم : ایـن کـه دو نفر عـادل از اهـل علم به او خـبر دهنـد، به شـرط این که دو نفر عـالم دیگر بر خلاـف گفته آنها شهادت ندهند .. (۳) (سیسـتانی :) سوم : آن که انسان از راههای عقلائی به اجتهاد یا اعلمیّت فردی اطمینان پیـدا کند مثل آن که عدّه ای ..

(۴) (بهجت :) بلکه از هر راهی که انسان اطمینان به اعلم بودن کسی پیدا کند بنا بر أظهر می تواند به همان اکتفاء نماید.

(مکارم :) سوّم : این که آن چنان در میان اهل علم و محافل علمی مشهور باشد که انسان یقین پیدا کند او اعلم است .

(فاضل :) مسأله مجتهدِ اعلم را از سه راه می توان شناخت : اوّل خود انسان یقین و یا اطمینان پیدا کند، مانند این که انسان خود از اهل خُبره باشد و بتواند مجتهدِ اعلم را بشناسد. دوّم : دو نفر عالم ِعادل که می توانند مجتهدِ اعلم را تشخیص دهند اعلم بودن کسی را تصدیق نمایند، به شرط آن که دو نفر عالم ِعادل ِدیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. سوّم : اجتهاد و اعلم بودن ِشخصی به حدّی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت ، برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود.

(زنجانی :) مسأله مجتهد و اعلم و واجد سایر شرایط تقلید را از سه راه می توان شناخت : اوّل : آن که خود انسان از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم و واجد سایر شرایط را بشناسد و بدان یقین یا اطمینان حاصل کند. در تشخیص مجتهد و اعلم ، لازم نیست خود انسان مجتهد باشد. دوم : آن که از راهی برای انسان اطمینان حاصل شود یا برای نوع مردم در این شرایط اطمینان حاصل شود، مثلًا عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم و واجد شرایط را تشخیص دهند، واجد شرایط بودن کسی را تصدیق کنند و از گفته آنان برای شخص انسان یا نوع مردم اطمینان پیدا شود. سوم : آن که دو مرد عالم عادل که می توانند واجد شرایط تقلید را تشخیص دهند، بدان گواهی دهند به شرط آن که دو مردِ عالم ِعادل ِدیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. و بنا بر احتیاط واجب اگر یک نفر عالم ِعادل گواهی دهد باید احتیاط را رعایت کرد و چنانچه دو مرد عالم ِعادل یا بیشتر، به واجد شرایط تقلید بودن کسی شهادت دهند لازم نیست انسان تحقیق کند که آیا دو مردِ عالم ِعادل ِدیگر بر خلاف گفته آنها شهادت می دهند یا خیر.

[مسأله ۴ اگر شناختن اعلم مشکل باشد]

اشاره

مسأله ۴ اگر شناختن اعلم مشکل باشد به احتیاط واجب باید (۱) از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد (۲)، بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست (۳)، به احتیاط واجب باید از او تقلید نماید (۴) و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید کند (۵). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (اراکی ، فاضل ، نوری :) اگر شناختن اعلم مشکل باشد باید .. (۲) (خوئی :) اگر اختلاف بین مجتهدین و لو اجمالًا معلوم و شناختن اعلم مشکل باشد لازم است احتیاط کند، و در صورتی که احتیاط ممکن نباشد، باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد .. (۳) (خوئی :) باید از او تقلید نماید. [پایان مسأله] (۴) (فاضل :) اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و احتمال اعلم بودن دیگری را ندهد باید از همان کس تقلید نماید و همین طور اگر علم داشته باشد که مثلًا دو نفر یا مساوی در علم هستند و یا یکی از آنها بطور معیّن ، احتمالًا اعلم است و احتمال اعلمیّت دیگری را ندهد باید از آن شخص معیّن تقلید نماید ..

(۵) (اراکی :) از هر یک می تواند تقلید کند، هر چند أولی و أحوط آن است که پرهیز کارتر را انتخاب کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر شناختن اعلم مشکل باشد، می تواند از کسی تقلید کند که یقین به اعلم بودن دیگران از او نداشته باشد یا مخالفت فتوای او با فتوای اعلم معلوم نباشد. و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند. ولی چنانچه یکی از آنان پرهیزکارتر باشد بهتر آن است که از او تقلید کند.

(تبریزی :) مسأله اگر اختلاف بین مجتهدین و لو اجمالًا معلوم و شناختن اعلم مشکل باشد، چنانچه احتمال می دهد یکی از آنان اعلم از دیگران باشد لازم است از او تقلید نماید و در صورت احتمال اعلمیّت در هر کدام کافی است از یکی از آنها تقلید کند و گمان به اعلمیّت معتبر نیست و هم چنین اگر مجتهدین در اعلمیت مساوی باشند می تواند از یکی از آنها تقلید کند.

(مکارم :) مسأله هر گاه شناختن اعلم بطور قطع ممکن نشود، احتیاط آن است از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد، و در صورت شکّ میان چند مجتهد و عدم ترجیح آنها از هر کدام بخواهد می تواند تقلید کند.

(بهجت :) مسأله اگر شناختن اعلم مشکل باشد و انسان گمان به اعلم بودن کسی دارد، در صورتی که گمانش به حدّ اطمینان برسد باید از او تقلید کند. بلکه اگر اطمینان برای او حاصل نشد بعید نیست ترجیح کسی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد، ولی بهتر این است که در این صورت به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد. امّا اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست ، باید از او تقلید نماید. و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید کند.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان اختلاف بین مجتهدین را در مسائل مورد ابتلا احتمال دهد و یقین داشته باشد که یکی از مجتهدین از دیگران اعلم است و او را نتواند تشخیص دهد، باید در صورت امکان ، احتیاط نماید و اگر احتیاط ممکن نیست ، از کسی که به اعلم بودن وی گمان داشته باشد تقلید کند و اگر گمان نداشته باشد، از هر کسی که احتمال اعلم بودن او را بدهد می تواند تقلید کند. و اگر یقین نداشته باشد که یکی از مجتهدین از دیگران اعلم است باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد و احتیاط کردن لازم نیست ، بلکه اگر احتمال اعلم بودن یکی را بدهد و بداند دیگری از او اعلم نیست ، باید از او تقلید نماید، هر چند گمان داشته باشد که با هم مساویند و اگر هیچ یک از افراد در احتمال اعلم بودن بر دیگری ترجیح نداشته باشد، از یکی از آنها تقلید می نماید.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۵ در صورت مساوی بودن دو مجتهد، جایز است انسان در مسائلی که ارتباطی با هم ندارند، بعضی مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از مجتهد دیگر تقلید نماید.

(بهجت :) مسأله ۶ عـدول از مجتهـد زنـده به مجتهـد دیگر، در صورت تساوی دو مجتهـد در اعلمیّت ، در جمیع مسائل یا در بعضـی مسائـل که ارتبـاطی بـا هم ندارنـد، جـایز است ، ولی احوط ترک عـدول است مگر به اعلم ؛ و حکم اورعیّت نیز مانند اعلمیّت است .

[مسأله ۵ طرق به دست آوردن فتوی]

اشاره

مسأله ۵ به دست آوردن فتوی ، یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد (۱): اول : شنیدن از خود مجتهد. دوم : شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند (۲). سوم : شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راست گوست (۳). چهارم : دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله ، اطمینان داشته باشد (۴). (۱) (فاضل :) بدست آوردن فتوای مجتهد سه راه دارد .. (۲) (فاضل :) و اکتفا به خبر دادن یک نفر عادل اشکال دارد مگر آن که از قول او علم یا اطمینان حاصل شود .. (گلپایگانی ، صافی :) دوّم : شنیدن از دو نفر عادل .. (۳) (بهجت :) اگر اطمینان به کلام او دارد بنا بر أحوط ..

(اراکی :) سوم : شنیدن از کسی که مورد وثوق می باشد و از گفته او اطمینان پیدا شود ..

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) سوم : شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد .. [مورد سوم در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۴) (بهجت :) بنا بر أحوط.

(فاضل :) یعنی بداند که تمام رساله را خود مجتهد و یا افراد مورد وثوق وی ملاحظه نموده اند.

(تبریزی :) و در صورتی که نقل شخص معتبر با نوشته رساله معتبره مخالفت کند و اشتباه در یکی معلوم نگردد، شخص باید تا روشن شدن فتوای مجتهد عمل به احتیاط کند و اگر ناقل نقل خود را نسبت به رساله بدهد که در آن رساله خلاف نقل مذکور است ، نقل او اعتبار ندارد.

(زنجانی :) مسأله بدست آوردن فتوا، یعنی نظر مجتهد، دو راه دارد: اوّل : از هر طریقی که علم یا اطمینان برای خود انسان یا نوع مردم بیاورد مثل شنیدن از خود مجتهد یا دیدن در رساله مجتهد یا شنیدن از کسی که از گفته وی اطمینان حاصل شود، و در صورتی که انسان فتوایی را از خود مجتهد بشنود ولی به جهتی مثلًا مخالفت آن فتوا با رساله مجتهد احتمال بدهد که مجتهد در نقل فتوای خود اشتباه کرده است ، نمی تواند به گفته مجتهد اعتماد کند، هم چنین تا به درستی رساله مجتهد اطمینان حاصل نشود، نمی تواند بدان عمل کرد. دوّم : شنیدن از دو مرد عادل ضابط که فتوای مجتهد را نقل کنند، و مراد از ضابط کسی است که اشتباهش در نقل از متعارف مردم بیشتر نباشد.

(مکارم :) مسأله برای آگاهی از فتوای مجتهد چند راه وجود دارد: اوّل : شنیدن از خود مجتهد یا ملاحظه دست خطّ او. دوّم : دیدن در رساله ای که مورد اطمینان باشد. سوّم : شنیدن از کسی که مورد اعتماد است . چهارم : مشهور بودن در میان مردم به طوری که سبب اطمینان شود.

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۰ تقلید فقط در واجبات و محرّمات لازم است امّا تقلید در مستحبّات واجب نیست مگر این که مستحبّی باشد که در آن احتمال وجوب باشد.

[مسأله ۶ تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است]

مسأله ۶ تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است می تواند به آن چه در رساله نوشته شده عمل نماید، و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده جستجو لازم نیست (۱).

(۱) (تبریزی :) و هم چنین است اگر احتمال دهد مجتهدی را که از او تقلید می کرده ، در حال حاضر شرائط تقلید را ندارد.

(بهجت :) ولی اگر بعداً معلوم شود که فتوایش عوض شده بود باید نسبت به گذشته به وظیفه عمل نماید.

(مکارم :) مسأله اگر احتمال دهد فتوای مجتهد عوض شده می تواند به فتوای سابق عمل کند و جستجو لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر انسان احتمال عقلایی بدهد که فتوای مجتهد عوض شده است و تحقیق کردن برای وی حرجی نباشد کار حرجی : کاری است که به قدری مشقت دارد که معمول مردم در امور خود آن را متحمل نمی شوند لازم است تحقیق کند، و در زمان تحقیق می تواند به همان فتوای سابق عمل کند، به شرط آن که در اولین زمان ممکن در صدد تحقیق برآمده باشد. ولی اگر تحقیق را تأخیر انداخته باشد در زمان تحقیق باید احتیاط کند.

[مسأله ۷ در فتوی مقلد حق رجوع به مجتهد دیگر را ندارد]

اشاره

مسأله ۱۷ اگر مجتهدِ اعلم در مسأله ای فتوی دهد، مقلّد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می کند نمی تواند (۱) در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتوی ندهد (۲) و بفرماید: احتیاط آن است که فلان طور عمل شود، (۳) مثلًا بفرماید: احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی : «سُبحانَ اللّه ِ وَ الحَمدُ لِلّه ِ وَ لا إِلهَ إِلّا اللّه ُ وَ اللّه ُ اکبَرُ» بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجبش می گویند عمل کند و سه مرتبه بگوید، یا بنا بر احتیاط واجب (۴) به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است (۵) عمل نماید، پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند می تواند یک مرتبه بگوید و هم چنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محلِ تأمّل یا محلِ اشکال است . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط نمی تواند .. (سیستانی ، فاضل :) مقلّد آن مجتهد نمی تواند .. (۲) (فاضل :) و احتیاط واجب نماید، مقلّد می تواند یا به این احتیاط عمل کند یا به مجتهدی که علم او از مجتهد اوّل کمتر یا مساوی است رجوع نماید. [پایان مسأله] (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مثلًا بفرماید: احتیاط آن است که در رکعت اوّل و دوّم نماز، بعد از سوره حمد یک سوره تمام بخواند، مقلّد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجبش می گویند عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگری (خوئی ، تبریزی : که تقلیدش جایز است سیستانی : با رعایت الاعلم فالاعلم) عمل نماید، پس اگر او فقط سوره حمد را کافی بداند، می تواند سوره را ترک کند و هم چنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تأمّل یا محلِ اشکال است . (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست .] (۵) (بهجت :) بیشتر و یا مساوی است با احراز سایر شرایط تقلید ..

(زنجانی :) مسأله اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوا دهد، مقلّد آن مجتهد، یعنی کسی که از

او تقلید می کند نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند. لازم به ذکر است که علاوه بر مواردی که بدون هیچ قیدی ، نظری نقل می شود مواردی که در آن عباراتی نظیر «اقوی آن است »، «بنا بر اقوی »، «اظهر آن است »، و «بعید نیست » و مانند آن بکار رفته است فتوا می باشد. در این کتاب در برخی موارد کلمه احتیاط به کار رفته است ؛ احتیاط بر سه قسم است : الف : احتیاط مستحب ؛ در جایی است که قید «استحبابی » یا «مستحب » همراه احتیاط آمده است ، مثل آن که گفته شود: «احتیاط مستحب آن است که پیش از نماز اذان و اقامه گفته شود». عمل به احتیاط مستحب ، واجب نیست ، بلکه شایسته است . ب : احتیاط واجب : در جایی است که قید «وجوبی » یا «واجب » همراه احتیاط دیده شود، مثل آن که گفته شود: بنا بر احتیاط واجب نماز خواندن در مکان غصبی باطل است . عمل به این گونه احتیاط، واجب بوده و نمی توان در آن به فتوای مجتهد دیگری رجوع نمود. ج : احتیاط مطلق : در جایی است که احتیاط بدون هیچ قیدی بکار رفته است ، مثل آن که گفته شود: بنا بر احتیاط باید از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود اجتناب کرد. در احتیاط مطلق ، می توان به احتیاط عمل ننموده ، بلکه مطابق فتوای مجتهد دیگر با رعایت (الاعلم فالاعلم) رفتار کرد. عبارت «محل اشکال است » نیز در موارد احتیاط مطلق به کار می رود.

(مکارم :) مسأله در جائی که مجتهد صریحاً فتوی ندارد بلکه می گوید احتیاط آن است که فلان گونه عمل شود این احتیاط را «احتیاط واجب » می گویند، و مقلّد یا باید به آن عمل کند و یا به مجتهد دیگر مراجعه نماید و امّا اگر فتوای صریحی داده مثلًا گفته است اقامه برای نماز مستحب ـاست سپس گفته احتیاط آن است که ترک نشود این را «احتیاط مستحب» می گویند، و مقلّد می تواند به آن عمل کند یا نکند، و در مواردی که می گوید «محل تأمّل » یا «محل ـاشکال » است مقلّد می تواند عمل به احتیاط کند یا به دیگری مراجعه نماید، امّا اگر بگوید «ظاهر چنین است » یا «أقوی چنین است » این تعبیرها فتوا محسوب می شود و مقلّد باید به آن عمل کند.

مسأله اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۸ انسان نمی تواند برخی از مسائل را از یک مجتهد و برخی دیگر را از مجتهد دیگر تقلید کند، ولی اگر یکی از مجتهدین در یک باب مثلًا در باب نماز از دیگران اعلم باشد و مجتهد دیگر در باب دیگر مثلًا روزه اعلم باشد، باید در باب نماز از مجتهد اول و در باب روزه از مجتهد دوم تقلید کند.

[مسأله ۸ احتیاط مستحب]

مسأله ۸ اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله ای فتوی داده (۱) احتیاط کند مثلًا بفرماید: ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند مقلد او نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند (۲)، بلکه باید یا به فتوی عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوی که آن را احتیاط مستحب ـمی گویند عمل نماید (۳)، مگر آن که فتوای آن مجتهد نزدیکتر به احتیاط باشد. این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و زنجانی نیست

(۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یا پیش از آن .. (۲) (گلپایگانی :) مقلّد او می تواند در آن مسأله به فتوای او عمل کند و یک مرتبه بشوید و می تواند به فتوای مجتهدی که سه مرتبه شستن را لازم می داند رفتار کند و به عنوان احتیاط سه مرتبه بشوید. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مقلد او می تواند عمل به این احتیاط را ترک کند و این را احتیاط مستحب ـ می گویند. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷.

(صافی :) مسأله اگر مجتهد اعلم بعد از بیان فتوا در مسأله ای احتیاط کند، مثلًا بفرماید: یک مرتبه تسبیحات خواندن در رکعت سوم و چهارم کفایت می کند اگر چه احتیاط این است که سه مرتبه بخوانند، مقلّد می تواند به خواندن یک مرتبه اکتفا کند و می تواند رعایت احتیاط نموده ، سه مرتبه بخواند و این احتیاط را احتیاط مستحب گویند.

[مسأله ۹ تقلید ابتدایی از میت]

اشاره

مسأله ۹ تقلید میّت ابتداءً جایز نیست ، ولی بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد و باید بقاء بر تقلید میّت به فتوای مجتهد زنده باشد و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده ، (۱) بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همه مسائل از او تقلید کند. (۱) (اراکی :) کسی که در مقدار قابل توجّهی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده و همان گونه که متعارف و معمول است بنا بر عمل در بقیه هم داشته ..

(گلپایگانی :) مسأله اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلید کند. ولی کسی که در مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد، اگر چه احتیاط مستحب ـ آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

(نوری :) ولی کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهد عمل کرده ، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همه مسائل از او تقلید کند، مگر این که مجتهد زنده اعلم از میّت باشد که در این صورت رجوع به آن زنده واجب است .

(صافی :) بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست . ولی اگر مجتهد میتی که از او تقلید می کرده اعلم از حی ـ باشد بقا بر تقلید او بنا بر احتیاط، واجب است چنانکه اگر مجتهد حی ـ از میّت اعلم باشد عدول به حی ـ واجب است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود در صورتی که فتوای او در نظر مقلّد بوده و فراموش نکرده باشد حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است ؛ اگر فتوای او را یاد نگرفته (خوئی : یا فراموش کرده است) لازم است به مجتهد زنده رجوع کند (تبریزی : و بعید نیست در صورتی که فراموش کرده است باز بتواند به فتوای او عمل کند).

(سیستانی :) مسأله اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است بنا بر این اگر او اعلم از مجتهد زنده باشد باید با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلاء و لو اجمالًا بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اعلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنا بر احتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید در صدر این مسأله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معیّن است نه عمل کردن به دستور او.

(فاضل :) مسأله باقی ماندن بر تقلید میّت جایز است در صورتی که مجتهد میّت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است . و در باقی ماندن بر تقلید میّت ، فرقی بین مسائلی که عمل نموده و مسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

(مکارم :) مسأله هر گاه مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود باقی ماندن بر تقلید او جایز است بلکه اگر اعلم باشد واجب است ، به شرط این که عمل به فتوای او کرده باشد. عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست هر چند اعلم باشد بنا بر احتیاط واجب .

(زنجانی :) مسأله اگر انسان مجتهدی را در زمانی که می توانسته از او تقلید کند یعنی در هنگامی که ممیّز بوده و خوب و بد را می فهمیده (هر چند بالغ نشده) درک کند، می تواند پس از مرگ آن مجتهد از او تقلید کند، خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد، در غیر این صورت ، بنا بر احتیاط عمل کردن به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته جایز نیست . و چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود پس از وفات ، حکم زنده بودن را دارد، بنا بر این اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد یا در صورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشد، لازم است بر فتوای او باقی بماند و اگر مجتهد زنده اعلم شده باشد، باید به او مراجعه شود و اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است عمل نکرده باشد، از هر یک از آنها که بخواهد می تواند تقلید کند.

و اگر مجتهد پیش از عمل کردن به فتوای او از دنیا برود و انسان به فتوای مجتهد مساوی دیگر عمل کند دیگر نمی تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید.

(بهجت :) مسأله فقها حیات را شرط می دانند یعنی می گویند: برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد امّا اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت در این که آیا می تواند بر تقلید او باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، اختلاف است ، پس اگر کسی در این مسأله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می کند و گر نه طبق نظر مجتهد زنده اعلم عمل می نماید. باقی ماندن بر تقلید میّت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است در صورتی که مجتهد از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنا بر اقوی جایز است ، هر چند با اجازه مجتهدی دیگر بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی

مسائل به او عدول نماید.

مسائل اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۹ اگر انسان به فتوای مجتهدی عمل کرد نمی تواند از مجتهد دیگر تقلید کند، مگر مجتهد دیگر اعلم از مجتهد اوّل شده باشد که لازم است به فتوای مجتهد دیگر عدول کند.

(بهجت :) مسأله ۱۳ اگر مسائلی را از مجتهد میت یاد گرفته و بنا داشته عمل کند، چنانچه عمل نکرده و یا شک در عمل کردن دارد، در صورت بقاء بر تقلید میت ، نمی تواند در آن مسائل بر تقلید باقی بماند، هر چند مجتهد میت اعلم باشد.

(بهجت :) مسأله ۱۴ شخصی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وفات او بر طبق نظر مرجعی دیگر بر تقلید باقی مانده ، ولی در بعضی از فتاوی (از قبیل بلاد کبیره و شب مهتاب یا هر مسأله دیگر) به مرجع دوم عدول کرده ، بعد از وفات مرجع دوم ، در صورت بقاء، نمی تواند در این مسائل به مرجع اول برگردد ولی می تواند به تقلید مرجع دوم باقی باشد.

(بهجت :) مسأله ۱۵ کسی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وفات او به فتوای مرجعی دیگر به تقلید اوّل باقی بوده ، پس از وفات مرجع دوم ، در صورت جواز بقاء تنها در مسائلی که طبق فتوای مجتهد اوّل عمل کرده می تواند باقی بماند و اگر چند مرجع داشته و بعد از وفات هر کدام طبق موازین از دیگری تقلید کرده و با اجازه بعدی بر تقلید باقی مانده و در نتیجه از هر مجتهد چند مسأله عمل کرده است ، در آن مسائل می تواند بر تقلید مجتهدین قبلی باقی بماند، ولی در هر صورت در مسائلی که عمل نکرده باید به فتوای مجتهد زنده عمل کند.

(بهجت :) مسأله ۱۶ شخصی که مقلد مرجعی بوده ، بعد از فوت آن مرجع اگر احراز و یا احتمال اعلمیّت میت در بین نباشد، رجوع به مجتهد زنده جایز است و در صورتی که مجتهد زنده اعلم باشد یا احتمال اعلمیّت او در بین باشد، رجوع به او واجب است .

[مسأله ۱۰ اگر در مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کند]

مسأله ۱۰ اگر در مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید، دوباره نمی تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است انجام دهد. ولی اگر مجتهد زنده در مسأله ای فتوی ندهد و احتیاط نماید و مقلد مدّتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید. مثلًا اگر مجتهدی گفتن یک مرتبه «سُبحان َاللّه ِوَ الحَمدُ للّه ِوَ لا إله َالّا اللّه ُوَ اللّه ُاکبَرُ» را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل نماید و یک مرتبه بگوید، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید دوباره می تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته برگردد و یک مرتبه بگوید. (۱) این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل ، زنجانی ، سیستانی و مکارم نیست (بهجت :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی ۱۴، در همین صفحه . (۱) (خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در مسأله ای فتوای مجتهدی را یاد گرفته و بعد از مردن او در

همان مسأله بر حسب وظیفه اش از مجتهد زنده تقلید نماید دوباره نمی تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است انجام دهد.

[مسأله ۱۱ مسائل مبتلا به]

مسأله ۱۱ مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (مکارم :) مسأله هر کس باید مسائلی را که معمولًا مورد احتیاج او واقع می شود یاد گیرد یا طریقه احتیاط آن را بداند.

(زنجانی :) مسأله مسائلی را که انسان احتمال عقلایی می دهد به آنها احتیاج پیدا کند و نتواند احتیاط کند، باید پیش از عمل آنها را یاد بگیرد تا در هنگام عمل بر خلاف وظیفه شرعی خود رفتار نکند.

(سیستانی :) مسأله بر مکلف لازم است مسائلی را که احتمال می دهد به واسطه یاد نگرفتن آنها در معصیت یعنی ترک واجب یا فعل حرام واقع می شود یاد بگیرد.

[مسأله ۱۲ اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند]

مسأله ۱۲ اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند می تواند صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد، (۱) یا اگر احتیاط ممکن است به احتیاط عمل نماید بلکه اگر احتیاط ممکن نباشد چنانچه از انجام عمل ، محذوری لازم نیاید، می تواند عمل را به جا آورد (۲). پس اگر معلوم شد که مخالف واقع یا گفتار (۳) مجتهد بوده دوباره باید انجام دهد. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (اراکی :) اگر می تواند صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند، و اگر نمی تواند جایز است به غیر اعلم رجوع کند. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی :) لازم است که احتیاط کند، یا این که با شرائطی که ذکر شد، تقلید نماید، ولی چنانچه مخالفت غیر اعلم با اعلم را اجمالًا بداند و تأخیر واقعه و احتیاط ممکن نباشد و دستش به اعلم نرسد جایز است از غیر اعلم تقلید نماید.

(مکارم :) می تواند عمل به احتیاط نماید، یا اگر وقت آن نمی گذرد، صبر کند تا دسترسی به مجتهد پیدا کند و اگر دسترسی ندارد، یک طرف را که بیشتر احتمال صحّت می دهد انجام می دهد و بعداً سؤال می کند، اگر مطابق فتوای مجتهد بود صحیح است و گر نه باید اعاده کند.

(سیستانی :) لازم است که احتیاط کند، یا این که با شرائطی که ذکر شد، تقلید نماید، ولی چنانچه دسترسی به فتوای اعلم در آن مسأله نداشته باشد جایز است از غیر اعلم تقلید نماید با رعایت الاعلم فالاعلم . (۲) (نوری :) بنا بر یک طرف بگذارد تا استعلام نماید .. (۳) (بهجت :) مخالف واقع یا مخالف نظر ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که فتوای اعلم را نداند اگر مخالفت فتوای غیر اعلم با اعلم معلوم نباشد یا فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط باشد می تواند به غیر اعلم رجوع کند و می تواند از روی احتیاط وظیفه خود را

انجام دهد.

(زنجانی :) مسأله اگر برای غیر مجتهـد مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، لازم است احتیاط کند یا از مجتهد جامع شرایـط تقلیـد نمایـد و چنانچه احتمال مخالفت غیر اعلم را با اعلم بدهـد و تأخیر واقعه و احتیاط ممکن نباشـد یا با حرج همراه باشد و دستش به اعلم نرسد جایز است از غیر اعلم با رعایت الاعلم فالاعلم تقلید نماید.

[مسأله ۱۳ اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید]

اشاره

مسأله ۱۳ اگر کسـی فتوای مجتهـدی را به دیگری بگویـد، چنانچه فتوای آن مجتهـد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوی عوض شده ، ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده (۱) (در صورتی که ممکن باشد) (۲) باید اشتباه را برطرف کند. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (سیستانی :) و گفته او موجب آن می شود که آن شخص بر خلاف وظیفه شرعیش عمل کند، باید بنا بر احتیاط لازم اشتباه را در صورت امکان برطرف کند. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست .] (مکارم :) مسأله هر گاه کسی در نقل فتوای مجتهدی اشـتباه کرده باید بعد از اطّلاع ، صـحیح آن را بگوید، و اگر در منبر و سـخنرانی گفته بایـد آن را در جلسات مختلف تکرار کنـد تا کسانی که به اشـتباه افتاده اند از اشـتباه درآیند. امّا اگر فتوای آن مجتهد تغییر کرده اعلام تغییر بر او لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید و بعد بفهمد که اشتباه کرده در صورتی که حرجی نباشد باید اشـتباه را بر طرف کنـد، هم چنین بنا بر احتیاط، اگر فتوای آن مجتهـد عوض شده باشد، باید در صورت امکان و عدم حرج به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده است .

مسائل اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۳ رجوع کردن از مجتهـد زنـده به مجتهـد زنـده دیگر در صورت تساوی آنها جایز است و اگر دیگری اعلم باشد رجوع به او واجب است .

(فاضل :) مسأله ۱۴ وقتی فتوای مرجع تقلیـد تغییر کرد عمـل کردن مقلـد به فتوای قبلی جایز نیست ولی اگر فتوای قبلی مطابق احتیاط باشد عمل به آن بنا بر احتیاط مانعی ندارد.

(مکـارم :) مسأله ۱۶ عُـدول (یعنی تغییر تقلیـد از مجتهـدی به مجتهـدی دیگر) جـایز نیست بنـا بر احتیـاط واجب ، مگر آن که مجتهد دوّم اعلم باشد و اگر بدون تحقیق عدول کرده باید باز گردد.

(مکارم :) مسأله ۱۷ هر گاه فتوای مجتهـد تغییر کنـد بایـد به فتوای جدیـد عمل شود امّا اعمالی را که مطابق فتوای سابق عمل کرده (ماننـد عبادات یا معاملاتی که انجام داده) صـحیح است و اعاده لازم نـدارد. هم چنین اگر از مجتهـدی به مجتهـد دیگر

عدول کند اعاده اعمال سابق لازم نیست .

[مسأله ۱۴ اگر مکلّف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد]

اشاره

مسأله ۱۴ اگر مکلّف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد (۱) در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است ، (۲) یا عمل او (با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده ، یا) (۳) با فتوای مجتهدی که فعلًا باید از او تقلید کند مطابق باشد (۴). (۱) (مکارم :) سپس تقلید کند، اگر اعمال سابق مطابق فتوای این مجتهد باشد صحیح است و گر نه باید اعاده کند، هم چنین است اگر بدون تحقیق کافی از مجتهدی تقلید نموده .

(سیستانی :) اگر اعمال او مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که اکنون می تواند مرجع او باشد صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده و نقص عمل از جهت ارکان و مانند آن نبوده است عمل صحیح است و هم چنین است اگر جاهل مقصر بوده است و نقص عمل از جهتی بوده است که در صورت جهل صحیح است مانند جهر به جای اخفات یا به عکس و هم چنین اگر کیفیت اعمال گذشته را نداند که محکوم به صحّت است بجز در بعض موارد که در منهاج ذکر شده است . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی صحیح است که مطابق با واقع انجام شده باشد و اگر عبادی بوده به قصد قربت آن را به جا آورده باشد. و راه به دست آوردن مطابق شدن آن با واقع این است که یا بعد علم پیدا کند که مطابق با واقع بوده یا آن که مطابق فتوای مجتهدی که فعلًا وظیفه اش تقلید از اوست واقع شده باشد. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۴) (بهجت :) و عباداتی را که قبلًا انجام داده با قصد قربت انجام داده باشد.

(نوری :) مگر عمل را طوری انجام داده باشد که از گفته آنان به احتیاط نزدیکتر باشد که در این صورت هم صحیح است .

(خوئی :) مسأله اگر مکلّف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید نماید، در صورتی که آن مجتهد به صحّت اعمال گذشته حکم نماید آن اعمال صحیح است و الّا محکوم به بطلان است .

(زنجانی :) در صورتی که این مجتهد اعمال گذشته را صحیح بداند ..

(تبریزی :) نکته : نظر به این که استحباب اغلب اعمال مستحبی که در این رساله آمده است ثابت نشده است لذا باید به نیت رجاء آورده شود، یعنی هنگام عمل چنین قصد شود که این عمل را به امید آن که مطلوب و خواسته خداوند باشد به جا می آورم ، مگر در مواردی که تصریح به ثبوت استحباب شود.

(فاضل :) مسأله اگر مکلّفی مدّتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده و مقدار آن عبادات را نداند در این صورت اگر بداند آن عبادات را مطابق با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می کرده است انجام داده ، آن عبادات صحیح است و در غیر این صورت ، واجب است به مقداری که یقین به فوت آن دارد، قضا کند، البته در صورتی که مرجع تقلید فعلی او قضا را واجب بداند؛ و احتیاط مستحب این است که به مقداری قضا کند که علم به برائت ذمّه پیدا کند.

مسائل اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۶ واجب است بر مکلّف که در مسأله لزوم «تقلید از اعلم » یا « عدم لزوم » آن از یک مجتهد اعلم تقلید نماید.

(فاضل :) مسأله ۱۷ اگر مجتهدی در احکام عبادات اعلم باشد و مجتهد دیگری در احکام معاملات ، احتیاط آن است که مکلّف تقلید را تقسیم نماید یعنی در عبادات از اوّلی و در معاملات از دوّمی تقلید نماید.

(فاضل :) مسأله ۱۸ واجب است مکلّف در زمانی که در جستجوی اعلم است ، به احتیاط عمل کند.

(مکارم :) مسأله ۱۸ هر گاه مدّتی تقلید کرده امّا نمی داند تقلید او صحیح بوده یا نه ، نسبت به اعمال گذشته اشکالی ندارد، امّا برای اعمال فعلی و آینده باید تقلید صحیح کند.

(مکارم :) مسأله ۱۹ هر گاه دو مجتهد مساوی باشند می توان بعضی از مسائل را از یکی و بعضی را از دیگری تقلید کرد.

(مکارم :) مسأله ۲۰ فتوی دادن و اظهار نظر کردن در مسائل شرعی برای کسی که مجتهد نیست (یعنی قادر به استنباط احکام از مدارك و دلائل آن نمی باشد) حرام است و هر گاه بدون اطّلاع اظهار نظر کند مسئول اعمال تمام کسانی است که به گفته او عمل می کنند.

احکام تقلید (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

راههای سه گانه : احتیاط، اجتهاد، تقلید

[س ۱ آیا تقلید یک مسأله عقلی است]

س ۱: آیا تقلید، صرفاً یک مسأله عقلی است یا ادله شرعی نیز دارد؟

ج : تقلید، ادله شرعی دارد و عقل نیز حکم می کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کند.

[س ۲ احتیاط یا تقلید]

س ۲: به نظر شریف حضرت عالی ، عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟ (۲) ج : چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است ، بهتر آن است که مکلّف در احکام دین از مجتهد جامع الشرائط تقلید کند.

[س ۳ مرز احتیاط]

س ۳: قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوای فقها چه اندازه است ؟ آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است ؟

ج : مراد از احتیاط در موارد آن ، رعایت همه احتمالات فقهی است ؛ به طوری که مکلّف مطمئن شود که به وظیفه خود عمل کرده است .

[س ۴ سن تکلیف و تقلید]

س ۴: دخترم به زودی به سن تکلیف می رسد و باید برای خود مرجع تقلیدی انتخاب کند، اما درك مسأله تقلید برای او دشوار است ، وظیفه ما نسبت به او چیست ؟

ج : اگر وی به تنهائی نمی تواند وظیفه شرعی خود را در این باره تشخیص دهد، وظیفه شما ارشاد و راهنمایی اوست .

[س ۵ تشخيص موضوع]

س ۵: نزد فقها معروف است كه تشخيص موضوعات احكام به عهده خود مكلّف است و وظيفه مجتهد تشخيص حكم است ، ولى در عين حال مجتهدين در بسيارى موارد، در تشخيص موضوعات احكام نيز اظهار نظر مى كنند، آيا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نيز واجب است ؟

ج : تشخيص موضوع ، موكول به نظر خود مكلّف است و متابعت از مجتهد در تشخيص موضوع واجب نيست ، مگر آن كه به آن تشخيص اطمينان پيدا كند و يا موضوع از موضوعاتى باشد كه تشخيص آن نياز به استنباط دارد.

[س ۶ كوتاهى در يادگيرى احكام دينىِ]

س ۶: آيا كسى كه در آموختن احكام دينىِ مورد نياز خود كوتاهى مى كند، گناه كار است ؟

ج : اگر نياموختن احكام به ترك واجب يا ارتكاب حرام بيانجامد، گناه كار است .

[س ۷ افرادی که مرجع تقلید ندارند]

س ۷: گـاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی در باره مرجع تقلیدشان پرسش می شود، می گوینـد نمی دانیم ، یا اظهار می دارنـد که از فلان مجتهد تقلید می کنیم ، ولی عملًا التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوای او ندارند، اعمال این گونه افراد چه حکمی دارد؟

ج : اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهـدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صـحت است .

[س احتیاط واجب]

س ۸: با توجه به این که در مسائلی که مجتهـد اعلم قائل به وجوب احتیاط است ، می توانیم به مجتهد اعلم بعد از وی مراجعه کنیم ، اگر اعلم بعـد از او نیز قائـل به وجـوب احتیـاط در مسأله باشـد، آیـا رجوع به اعلم بعـد از او جـایز است ؟ و اگر فتوای مجتهد سوم هم همان گونه بود، آیا می توان به اعلم بعد از آنان مراجعه کرد؟ و همین طور ..، لطفاً این مسأله را توضیح دهید.

ج : در مسـائلی که مجتهـد اعلم فتوا نـدارد، رجوع به مجتهـدی که در آن مسـأله احتیـاط نکرده است و فتوای صـریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم ، اشکال ندارد.

شروط تقلید

[س ۹ تقلید از مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده]

س ۹: آیا تقلید از مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله عملیه هم ندارد، جایز است ؟

ج : در صـحت تقلیـد از مجتهـد جامع الشـرائط، تصدی مرجعیت یا داشـتن رساله عملیه شـرط نیست ، لذا اگر برای مکلفی که قصد تقلید از او را دارد، ثابت شود که وی مجتهد جامع الشرائط است ، تقلید اشکال ندارد.

[س ۱۰ تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه به درجه اجتهاد رسیده]

س ۱۰: آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه اجتهاد رسیده ، جایز است ؟

ج : فتوای مجتهـد متجزّی که تنهـا در برخی ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است برای خودش حجت است ، ولی جواز تقلید دیگران از او محل اشکال است ؛ اگر چه جواز آن بعید نیست .

[س ۱۱ تقلید از علمای کشورهای دیگر]

س ۱۱: آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد، جایز است ؟

ج : در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلّف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

[س ۱۲ عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید]

س ۱۲: آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟

ج : با توجه به حسّاسیّت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب ، شرط است که مجتهدِ مرجع تقلید علاوه بر عدالت ، قدرت تسلّط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

[س ۱۳ باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد]

س ۱۳: این که گفته می شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است ؟

ج : عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

[س ۱۴ اطلاع از اوضاع زمان و مکان]

س ۱۴: آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است ؟

ج : ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

[س ۱۵ امور سیاسی اقتصادی نظامی اجتماعی و رهبری عالم و آگاه باشد]

س ۱۵: بنا بر نظر حضرت امام راحل «قدس سره » مرجع تقلید باید علاوه بر علم به احکام عبادات و معاملات ، نسبت به همه امور سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، اجتماعی و رهبری ، عالم و آگاه باشد. ما در گذشته مقلّد حضرت امام بودیم ، بعد از رحلت ایشان با راهنمایی تعدادی از علما و تشخیص خودمان لازم دانستیم به جناب عالی رجوع نموده و از شما تقلید کنیم تا بین مرجعیت و رهبری جمع کرده باشیم ، نظر شما در این مورد چیست ؟

ج : شرایط صلاحیت مرجعیت تقلید، در تحریر الوسیله و رساله های دیگر به تفصیل ذکر شده است ، و تشخیص فرد شایسته تقلید موکول به نظر خود مکلّف است .

[س ۱۶ اعلميّت مرجع شرط است یا خیر]

س ۱۶: آیا در تقلید، اعلميّت مرجع شرط است یا خیر؟ معیار و ملاک اعلميّت چیست ؟

ج : در مسائلی که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد، احتیاط آن است که از اعلم تقلید کند و ملاک اعلمیت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از أدلّه استنباط کند و هم چنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است ، آگاه تر باشد.

[س ۱۷ از مجتهد غیر اعلم تقلید کرده]

س ۱۷: آیا تقلید کسی که از جهت احتمال عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلم ، از مجتهد غیر اعلم تقلید کرده است ، محکوم به بطلان است ؟

ج : بنا بر احتیاط، تقلید از غیر اعلم در مسائل مورد اختلاف ، به مجرد احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم ، جایز نیست .

[س ۱۸ اگر ثابت شود که تعدادی از علما در بعضی از مسائل اعلم هستند]

س ۱۸: اگر ثابت شود که تعدادی از علما در بعضـی از مسائل اعلم هسـتند، یعنی هر کدام از آنان در مسأله معینی اعلم باشند، آیا تقلید از هر یک از آنان جایز است ؟

ج : تبعیض در تقلیـد اشـکال نـدارد و اگر اعلمیّت هر یک از آنان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مقلّد، واجب است .

[س ۱۹ تقلید از غیر اعلم]

س ۱۹: آیا با وجود اعلم ، تقلید از غیر اعلم جایز است ؟

ج : در مسائلی که فتوای غیر اعلم مخالف ِفتوای اعلم نباشد، رجوع به غیر اعلم اشکال ندارد.

[س ۲۰ اشتراط اعلمیت مرجع تقلید]

س ۲۰: نظر جناب عالی در اشتراط اعلمیت مرجع تقلید چیست و دلیل آن کدام است ؟

ج : در صورت تعـدد فقهای جامع الشـرائط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب ، مکلّف باید از اعلم تقلید نماید، مگر آن که احراز شود که فتوای وی مخـالف احتیـاط است و فتوای غیر اعلم موافق بـا احتیـاط. و دلیـل وجوب تقلیـد از اعلم بنـای عقلاء و حکم عقل است ، زیرا که اعتبار فتوای اعلم برای مقلد یقینی و اعتبار قول غیر اعلم احتمالی است .

[س ۲۱ مجتهدی که جامع شرایطِ فتوا و مرجعیت است]

س ۲۱: از چه کسی باید تقلید کنیم ؟

ج : از مجتهدی که جامع شرایطِ فتوا و مرجعیت است ، و بنا بر احتیاط باید اعلم هم باشد.

[س ۲۲ تقلید ابتدائی از میّت]

س ۲۲: آیا تقلید ابتدائی از میّت جایز است ؟

در تقلید ابتدائی ، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم نباید ترک شود.

[س ۲۳ تقلید ابتدائی از مجتهد میّت]

س ۲۳: آیا تقلید ابتدائی از مجتهد میّت ، متوقف بر تقلید از مجتهد زنده است ؟

ج : تقلید ابتدائی از مجتهد میّت یا بقاء بر تقلید او باید به تقلید از مجتهد زنده و اعلم باشد.

راههای اثبات اجتهاد، اعلمیت و به دست آوردن فتوی

[س ۲۴ احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیت تقلید]

س ۲۴: بعد از احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیت تقلید به وسیله شهادت دو فرد عادل ، آیا لازم است در این باره از اشخاص دیگر نیز تحقیق کنم ؟

ج : شهادت دو فرد عادل و اهل خبره بر صلاحیت و جامع الشرائط بودن مجتهد برای جواز تقلید از او کافی است و تحقیق از افراد دیگر لازم نیست .

[س ۲۵ راههای انتخاب مرجع]

س ۲۵: راههای انتخاب مرجع و به دست آوردن فتوا کدام است ؟

ج : احراز اجتهاد و اعلمیت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین و لو از شهرت مفیدِ علم یا اطمینان ، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می گیرد. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از : ۱ شنیدن از خود مجتهد ۲ شنیدن از دو یا یک فرد عادل ۳ شنیدن از یک نفر مورد اطمینان ۴ دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که رساله وی مصون از اشتباه

باشد.

[س ۲۶ وکالت در انتخاب مرجع]

س ۲۶: آیا وکالت در انتخاب مرجع مثل وکالت پدر برای پسر و معلم برای شاگرد صحیح است ؟

ج : اگر مراد از وکالت ، سپردن وظیفه تحقیق و جستجو برای یافتن مجتهد جامع الشرائط به پدر، معلم ، مربی و یا غیر آنان باشد، اشکال ندارد و نظرشان در این مورد اگر مفیدِ علم یا اطمینان و یا واجد شرایط بیّنه و شهادت باشد، از نظر شرعی معتبر و حجت است .

[س ۲۷ از تعدادی از علماء که خود مجتهد بودند]

س ۲۷: از تعدادی از علماء که خود مجتهد بودند، راجع به فرد اعلم سؤال شد. فرمودند که رجوع به فلان مجتهد دامت افاضاته باعث برائت ذمه می گردد. آیا با آن که شخصاً اطلاع از اعلمیت آن مجتهد ندارم و یا در این باره شک دارم و یا اطمینان دارم که اعلم نیست ، زیرا افراد دیگری که با دلیل و بینه مشابه اعلمیت آنان ثابت شده است ، وجود دارند، می توانم به گفته آنان اعتماد کرده و از آن مجتهد تقلید کنم ؟

ج : اگر بیّنه شرعی بر اعلمیت مجتهد جامع الشرائط اقامه شود، تا زمانی که بیّنه شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بیّنه حجت شرعی است و به آن اعتماد می شود، اگر چه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد، در این صورت جستجو از بیّنه معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست .

[س ۲۸ کسی که اجازه از مجتهد ندارد]

س ۲۸: آیا جایز است کسی که اجازه از مجتهد ندارد و در بعضی از موارد مرتکب اشتباه در نقل فتوا و احکام شرعی شده است ، متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟ وظیفه ما در صورتی که این شخص احکام را از روی رساله عملیه نقل می کند، چیست ؟

ج : در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی ، اجازه داشتن شرط نیست ، ولی

کسی که دچار خطا و اشتباه می شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال ، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده ، به نقل او عمل کند.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

[س ۲۹ بقاء بر تقلید از میّت]

س ۲۹: تا به حال در بقاء بر تقلید از میّت ، به اجازه مجتهد غیر اعلم عمل می کردیم . اگر اجازه مجتهد اعلم شرط بقاء بر تقلید از میّت است ، آیا عدول به اعلم و طلب اجازه او برای بقاء بر میّت بر ما واجب است ؟

ج : اگر فتوای غیر اعلم موافق با فتوای اعلم در این مسأله باشد، عمل به فتوای غیر اعلم اشکال ندارد و نیازی به عدول به اعلم نیست .

[س ۳۰ عدول از یکی از فتاوای مجتهدی]

س ۳۰: آیا در عدول از یکی از فتاوای امام خمینی «قدس سره » واجب است به فتوای مجتهدی که از او برای بقاء بر تقلید میّت اجازه گرفته ام ، رجوع کنم یا آن که به فتوای سایر مجتهدین هم می شود عمل کرد؟

ج : احتیاط در رجوع به فتاوای همان مجتهد است ، مگر آن که مجتهد زنده دیگر اعلم از آن مجتهد و فتوای او در مسأله مورد عدول مخالف فتوای مجتهد اول باشد، که احتیاط واجب در این صورت ، رجوع به مجتهد اعلم است .

[س ۳۱ عدول از اعلم به غیر اعلم]

س ۳۱: آیا عدول از اعلم به غیر اعلم جایز است ؟

ج : احتیاط واجب ، عدم عدول از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر است ، مخصوصاً در صورتی که مرجع تقلید اول اعلم باشد.

[س ۳۲ تقلید مبتنی بر عدم بیّنه شرعی]

س ۳۲: جوانی هستم ملتزم به احکام شرعی ، در گذشته قبل از رسیدن به سن تکلیف مقلد حضرت امام (ره) بودم ، ولی این تقلید مبتنی بر بیّنه شرعی نبود بلکه بر این اساس بود که تقلید از امام سبب برائت ذمّه می گردد. بعد از مدّتی به مرجع دیگری عدول کردم ، در حالی که این عدول هم صحیح نبود و بعد از درگذشت آن مرجع ، به جناب عالی عدول کردم . لطفاً حکم

تقلیدم از آن مرجع و حکم اعمالم در آن مدت و تکلیف فعلی ام را بیان فرمائید.

ج : آن دسته از اعمال شما که بر اساس فتوای امام «قدس سره »، چه در حال حیات با برکت وی و چه بعد از رحلت ایشان ، بنا بر بقاء بر تقلید از امام «قدس سره » انجام گرفته ، محکوم به صحت است . ولی اعمالی که به تقلید غیر منطبق با موازین شرعی از مرجع دیگری انجام یافته ، اگر منطبق با فتوای کسی که هم اکنون باید از او تقلید کنید، باشد، محکوم به صحت و موجب برائت ذمه است ، و الّا قضای آنها بر شما واجب است . در حال حاضر شما بین بقاء بر تقلید از امام راحل طاب ثراه و بین عدول به کسی که بر اساس موازین شرعی او را شایسته تقلید می دانید، مخیّر هستید.

بقاء بر تقلید میّت

[س ۳۳ شخصی که مقلّد امام رحمه اللّه علیه بوده]

س ۳۳: شخصی که مقلّد امام رحمه اللّه علیه بوده ، پس از ارتحال ایشان از مرجع معینی تقلید نموده است . در حال حاضر می خواهد دوباره از امام تقلید نماید. آیا این تقلید جایز است ؟

ج : رجوع از مجتهـد زنده جامع الشـرائط به مجتهد میّت بنا بر احتیاط، جایز نیست . ولی اگر مجتهد زنده در زمان عدول به او واجد شرایط نبوده است ، عدول به او از همان ابتدا باطل بوده ، و این فرد در حال حاضر اختیار دارد که هم چنان بر تقلید امام (ره) باقی بماند و یا به مجتهد زنده ای که تقلیدش جایز است ، عدول کند.

[س ۳۴ من در زمان حیات امام خمینی (ره) به سن تکلیف رسیده بودم]

س ۳۴: من در زمـان حیات امام خمینی (ره) به سن تکلیف رسـیده و در بعضـی از احکام از ایشان تقلیـد کردم ، در حالی که مسأله تقلید به خوبی برایم معلوم نبود، اکنون چه تکلیفی دارم ؟

ج : اگر در اعمال عبادی و غیر عبادی در زمان حیات امام (ره) به فتاوای ایشان عمل نموده ایـد، و عملًا مقلـد ایشان ، هر چند در بعضی از احکام ، بوده اید، در حال حاضر بقاء بر تقلید حضرت امام (ره) در همه مسائل برای شما جایز است .

[س ۳۵ بقاء بر تقلید میّت اگر اعلم باشد]

س ۳۵: حکم بقاء بر تقلید میّت اگر اعلم باشد، چیست ؟

ج : بقاء بر تقلید میّت در هر صورت جایز است . ولی سزاوار است که احتیاط در بقاء بر تقلید میّت اعلم ترک نشود.

[س ۳۶ در بقاء بر تقلید میّت ، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است]

س ۳۶: آیا در بقاء بر تقلید میّت ، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و یا اجازه هر مجتهدی کافی است ؟

ج : در جواز بقاء بر تقلید میّت ، در صورتی که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نیست .

[س ۳۷ شخصی که از امام راحل تقلید می کرده]

س ۳۷: شخصـی که از امام راحل «قـدس سـره » تقلیـد می کرده و بعـد از رحلت ایشان در بعضـی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کرده است ، اکنون آن مجتهد نیز وفات نموده است ، این شخص چه تکلیفی دارد؟

ج : می تواند مانند گذشته ، بر تقلید از امام «قدس سره »، در مسائلی که از ایشان عدول نکرده ، باقی بماند. هم چنان که مخیّر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

[س ۳۸ بقاء بر تقلید میّت جایز]

س ۳۸: بعـد از وفات امام راحل «قدس سـره » گمان می کردم که بنا بر فتوای ایشان بقاء بر تقلید میّت جایز نیست ، لذا مجتهد

زنده دیگری را برای تقلید انتخاب کردم . آیا می توانم بار دیگر به تقلید از امام راحل رجوع کنم ؟

ج : رجوع به تقلیـد از امام «قـدس سـره » بعـد از عـدول از ایشان به مجتهـد زنده در مسائلی که عدول نموده اید، جایز نیست ، مگر این که فتوای مجتهد زنده ، وجوب بقاء بر تقلید میّت اعلم باشد، و شـما معتقد باشـید که امام (ره) نسبت به مجتهد زنده اعلم است ، که در این صورت بقاء بر تقلید امام (ره) واجب است .

[س ۳۹ آیا می توان در یک مسأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهد میّت رجوع کرد]

س ۳۹: آیـا جـایز است که در یـک مسـأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهـد میّت رجوع کنم و گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم ؟

ج : بقاء بر تقلید میّت تا زمانی که به مجتهد زنده عدول نشده ، جایز است و پس از عدول ، رجوع مجدد به میّت جایز نیست .

[س ۴۰ کسانی که قصد بقاء بر تقلید از مجتهد میت را دارند، اجازه گرفتن از یکی از مراجع زنده واجب است]

س ۴۰: آیا بر مقلّدین امام راحل «قدس سره » و کسانی که قصد بقاء بر تقلید از ایشان را دارند، اجازه گرفتن از یکی از مراجع زنده واجب است ؟ یا این که اتفاق اکثر مراجع و علمای اسلام بر جواز بقاء بر میّت کافی است ؟

ج : با فرض اتفاق علما، مبنی بر جواز بقاء بر تقلید از میّت ، بقاء بر تقلید امام (ره) جایز است و در این مورد نیازی به رجوع به مجتهد معینی نیست .

[س ۴۱ بقاء بر تقلید از میّت در مسأله ای که به آن عمل کرده و یا نکرده]

س ۴۱: نظر شریف جناب عالی راجع به بقاء بر تقلید از میّت در مسأله ای که مکلّف در حال حیات مرجع به آن عمل کرده و یا نکرده ، چیست ؟

ج : بقاء بر تقلید میّت در همه مسائل حتی در مسائلی که تا کنون مکلّف به آنها عمل نکرده است ، جایز و مجزی است .

[س ۴۲ جواز بقاء بر تقلید]

س ۴۲: بنا بر جواز بقاء بر تقلید از میّت ، آیا این حکم شامل اشخاصی که در زمان حیات مجتهد مکلّف نبوده ولی به فتاوای آن مرجع عمل کرده اند، هم می شود؟

ج : اگر تقلید شخص غیر بالغ از مجتهد جامع الشرائط به نحو صحیح محقق شده باشد، باقی ماندن بر تقلید همان مجتهد بعد از فوتش جایز است .

[س ۴۳ رجوع به مجتهد حی]

س ۴۳: ما از مقلدین امام خمینی «قدس سره » هستیم که بعد از رحلت جانسوز ایشان بر تقلید وی باقی مانده ایم . ولی چون در شرائط دشوار فعلی که ملت مسلمان با استکبار جهانی درگیر است ، با مسائل شرعی تازه ای روبرو می شویم و احساس می کنیم باید به حضرت عالی رجوع نماییم و از شما تقلید کنیم ، آیا این کار برای ما جایز است ؟

ج : بقاء بر تقلید از امام «قدس سره » برای شما جایز است و فعلًا نیازی به عدول از تقلید ایشان ندارید، در صورت نیاز به استعلام حکم شرعی در مسائل مستحدثه ، می توانید با دفتر ما مکاتبه نمایید.

[س ۴۴ وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید]

س ۴۴: وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید خود در صورتی که اعلمیت مرجع دیگری را احراز نماید، چیست ؟

ج : بنا بر احتیاط، واجب است در مسائلی که فتوای مرجع فعلی با فتوای مرجع اعلم اختلاف دارد، به مرجع اعلم عدول نماید.

[س ۴۵ جواز رجوع از مرجع تقلید]

س ۴۵: ۱ در چه صورتی جایز است ، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟

۲ آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتاوای مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است ؟

ج : ۱ عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، جایز نیست علی الاحوط، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله ای مخالف فتوای مجتهد اوّل باشد. ۲ تنها گمان به ناهماهنگی فتاوای مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوای او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی شود.

مسائل متفرقه تقلید

[س ۴۶ جاهل مقصّر]

س ۴۶: مراد از جاهل مقصّر چه کسی است ؟

ج : جاهل مقصر به کسی گفته می شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می داند، ولی در آموختن احکام کوتاهی می کند.

[س ۴۷ جاهل قاصر]

س ۴۷: جاهل قاصر کیست ؟

ج : جاهل قاصر کسی است که اصلًا متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

[س ۴۸ احتیاط واجب یعنی چه]

س ۴۸: احتیاط واجب چه معنایی دارد؟

ج : یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط.

[س ۴۹ فیه اشکال یعنی چه]

س ۴۹: آیا عبارت « فیه اشکال » که در بعضی از فتاوی ذکر می شود، دلالت بر حرمت دارد؟

ج : بر حسب اختلاف موارد، معنای آن فرق می کند. اگر اشکال در جواز باشد دلالت بر حرمت در مقام عمل دارد.

[س ۵۰ فتوا یا احتیاط]

س ۵۰: عبارت های « فیه اشکال »، «مشکل »، « لا یخلو من اشکال »، « لا اشکال فیه » فتواست یا احتیاط؟

ج : همه این عبارت ها دلالت بر احتیاط دارند، مگر عبارت « لا إشکال فیه » که فتوی است .

[س ۵۱ فرق بین عدم جواز و حرام]

س ۵۱: فرق بین جایز نبودن و حرام چیست ؟

ج : در مقام عمل بین آنها فرقی نیست .

مرجعیّت و رهبری

[س ۵۲ حکم و فتوا]

س ۵۲: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست ؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلًا اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسأله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است ؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد، کدام است ؟

ج : در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض ، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

[س ۵۳ اجتهاد متجزّی]

س ۵۳: همان گونه که مطّلع هستید در اصول فقه از مسأله ای تحت عنوان «اجتهاد متجزّی » بحث می شود، آیا اقدام امام خمینی «قدس سره » در تفکیک مرجعیت و رهبری ، گامی در تحقق تجزّی در اجتهاد محسوب نمی شود؟

ج : تفکیک بین رهبری ولی فقیه و مرجعیت تقلید، ربطی به مسأله تجزّی در اجتهاد ندارد.

[س ۵۴ اگر مقلد یکی از مراجع باشم]

س ۵۴: اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد،

آیا ملزم به رعایت نظر وی هستم ؟

ج : در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است ، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است .

[س ۵۵ تعارض حکم با فتوا]

س ۵۵: حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا می باشد؟ و در صورت تعارض با رأی مرجع تقلید اعلم ، کدامیک مقدم است ؟

ج : اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی تواند با آن معارضه کند.

ولایت فقیه و حکم حاکم

[س ۵۶ اعتقاد به ولایت فقیه]

س ۵۶: آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی ؟

ج : ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین شناس حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلائی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است .

[س ۵۷ حکم شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین بر خلاف آنها حکم نماید]

س ۵۷: آیا احکام شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین به دلیل مصالح عمومی مسلمانان ، بر خلاف آنها حکم نماید، قابل تغییر و تعطیل است ؟

ج : موارد این مسأله مختلف است .

[س ۵۸ رسانه های گروهی و ولایت فقیه]

س ۵۸: آیا رسانه های گروهی در نظام حکومت اسلامی باید تحت نظارت ولی فقیه یا حوزه های علمیه و یا نهاد دیگری باشند؟

ج : اداره رسانه های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان

و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده شود.

[س ۵۹ کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد]

س ۵۹: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می شود؟

ج : عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت «ارواحنا فداه » موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود.

[س ۶۰ آیا ولی فقیه ولایت تکوینی دارد]

س ۶۰: آیا ولی فقیه ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی ، نسخ نماید؟

ج : بعد از وفات پیامبر اکرم « صلی اللّه علیه و آله » امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم ، نسخ محسوب نمی شود، و ولایت تکوینی ، اختصاص به معصومین «علیهم السلام » دارد.

[س ۶۱ ولایت فقیه و امور حسبیه]

س ۶۱: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبیه ندارند، با توجه به این که بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می کنند، چیست ؟

ج : ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در

هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقّه اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است ، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست .

[س ۶۲ اوامر ولی فقیه]

س ۶۲: آیا اوامر ولی فقیه برای همه مسلمانان الزام آور است یا فقط مقلدین او ملزم به اطاعت هستند؟ آیا بر کسی که مقلد مرجعی است که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

ج : بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولائی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند، و این حکم شامل فقهای عظام هم می شود، چه رسد به مقلدین آنان . به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمّه معصومین (ع) نیست .

[س ۶۳ ولایت مطلقه]

س ۶۳: کلمه ولایت مطلقه در عصر پیامبر اکرم « صلی اللّه علیه و آله » به این معنی استعمال شده است که اگر رسول اکرم « صلی اللّه علیه و آله » شخصی را به انجام کاری امر کنند، انجام آن حتی اگر از سخت ترین کارها هم باشد بر آن فرد واجب است ، به طور مثال اگر پیامبر « صلی اللّه علیه و آله » به کسی دستور خودکشی بدهند. آن فرد باید خود را به قتل برساند. سؤال این است که آیا ولایت فقیه در عصر ما با توجه به این که پیامبر اکرم « صلی اللّه علیه و آله » معصوم بودند و در این زمان ولی معصوم وجود ندارد، به همان معنای عصر پیامبر « صلی اللّه علیه و آله » است ؟

ج : مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع الشرائط این است که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد دین حکومت و اداره امور جامعه است ، لذا همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدّی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسائل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد، حاکم مسلمانان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت ، باید در هر مورد که لازم بداند تصمیمات مقتضی بر اساس فقه اسلامی اتخاذ کند و دستورات لازم را صادر نماید. تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است ، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم ، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امّت مقدّم و حاکم است ، و این توضیح مختصری در باره ولایت مطلقه است .

[س ۶۴ اوامر حکومتی]

س ۶۴: آیا همان گونه که بقاء بر تقلید از میّت بنا بر فتوای فقها باید با اجازه مجتهد زنده باشد، اوامر و احکام شرعی حکومتی هم که از رهبر متوفّی صادر شده است ، برای استمرار و نافذ بودن احتیاج به اذن رهبر زنده دارد یا این که بدون اذن رهبر زنده هم خود به خود از قابلیت اجرائی بر خوردار است ؟

ج : احکام ولائی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت

نباشد، هم چنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

[س ۶۵ فقیهی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد]

س ۶۵: آیا بر فقیهی که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می کند و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است ؟ و اگر با ولی فقیه مخالفت نماید فاسق محسوب می شود؟ و در صورتی که فقیهی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارد ولی خود را از او شایسته تر به مقام ولایت می داند، اگر با اوامر فقیهی که متصدی مقام ولایت امر است مخالفت نماید، فاسق است ؟

ج : اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی و لو این که فقیه باشد، واجب است . و برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است ، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت ، مسأله به طور کلی تفاوت خواهد کرد.

[س ۶۶ مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت]

س ۶۶: آیا مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت ولایت بر اجرای حدود دارد؟

ج : اجرای حدود در زمان غیبت هم واجب است و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

[س ۶۷ آیا ولایت فقیه یک مسأله تقلیدی است]

س ۶۷: آیا ولایت فقیه یك مسأله تقلیدی است یا اعتقادی ؟ و کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ج : ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می باشد. با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادلّه شرعی استنباط می شوند و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده ، معذور است .

[س ۶۸ ولایت اداری]

س ۶۸: گاهی از بعضی از مسئولین ، مسأله ای به عنوان «ولایت اداری » شنیده می شودکه به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است . نظر جناب عالی در این باره چیست ؟ و وظیفه شرعی ما کدام است ؟

ج : مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست . ولی در مفاهیم اسلامی

چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

[س ۶۹ اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه]

س ۶۹: آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست ، واجب است ؟

ج : اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است ، صادر کرده باشد، مخالفت با آنها جایز نیست .

احکام طهارت

[مسأله ۱۵ آب مطلق و مضاف]

اشاره

مسأله ۱۵ آب یـا مطلق است یـا مضـاف : آب مضـاف آبی است که آن را از چیزی بگیرنـد، مثل آب هنـدوانه و گلاب ؛ یا با چیزی مخلوط باشـد، مثل آبی که به قـدری با گِل و مانند آن مخلوط شود، که دیگر به آن آب نگویند؛ و غیر اینها آب مطلق است و آن بر پنـج قسم است : اول : آب کر. دوم : آب قلیـل . سوم : آب جـاری . چهـارم : آب بـاران . پنجم : آب چاه . (۱) (مکـارم :) مسـأله آب یـا «مطلق » است یـا «مضـاف »؛ آب مضاف آبی است که به تنهایی به آن ، آب گفته نشود، مثلًا بگویند «آب میوه »، «آب نمـک » و «آب گِل ». امّا آب مطلق آن است که می توان بـدون هیـچ قیـد و شـرطی به آن آب گفت ، مثل آبهای معمولی . آب مطلق اقسامی دارد که هر کـدام حکمی دارد و آن پنـج قسم است : اوّل : آب کُر دوّم : آب قلیل . سوّم : آب جاری و آب های لوله کشـی . چهارم : آب باران . پنجم : آب چاه ، ولی همه این آب ها پاك و پاك کننـده اند امّا آب مضاف چیزی را پاك نمی کند، بلکه با ملاقات به نجس ، نجس می شود.

(زنجـانی :) مسـأله آب مطلق : مایعی است که بـدون قیـد و اضافه به آن آب گفته شود، هر چنـد به آن آب با اضافه هم گفته شود، مثلًا آب رود خانه که به گل مخلوط شـده باشد اگر چه به آن آب گل نیز بگویند چنانچه بتوان کلمه آب را بدون قید و اضـافه در بـاره آن به کـاربرد، آب مطلق می باشـد ولی اگر تنهـا آب گـل به آن گفته شود، دیگر آب مطلق نمی باشـد. آب مضاف : مایعی است که تنها با قید و اضافه به آن آب گفته شود، مانند آب هندوانه و گلاب .

آب مطلق بر پنج قسم است :

اشاره

اول : آب کر. دوم : آب قلیل . سوم : آب جاری . چهارم : آب باران . پنجم : آب چاه .

۱ آب کُر

[مسأله ۱۶ آب کُر]

مسأله ۱۶ آب کُر (۱) مقـدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنـا و گـودی آن (۲) هر یـک سه وجب و نیم (۳) است بریزنـد آن ظرف را پر کند. (۴) و وزن آن از صـد و بیست و هشت من تـبریز بیست مثقـال کمتر است (۵) و به حسب کیلوی متعارف بنا بر أقرب ۴۱۹/ ۳۷۷ کیلوگرم می شود.

(۱) (بهجت :) بنـا بر اقوی . (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .. (۲) (گلپایگـانی ، صافی ، مکارم :) در ظرفی که طول و عرض و عمق آن .. (۳) (خوئی ، تـبریزی ، بهجت ، صـافی :) سه وجب .. (۴) (صـافی :) و احتیاط آن است که هر بُعـد آن سه وجب و نیم باشد ..

(سیسـتانی :) آب کُر مقدار آبی است که مساحت ظرف آن سی و شش وجب باشد، و این تقریباً معادل ۳۸۴ لیتر است . [پایان مسأله] (تبریزی :) و بنا بر اظهر وزن اعتباری نـدارد. [پایان مسأله] (مکارم :) یا وزن آن ۳۸۴ کیلو گرم (۳۸۴ لیتر) باشد و معیار در وجب ، وجب های متوسّط است .

(زنجانی :) و وزن آن بی اشکال ۱۲۰۰ رطل عراقی است ولی در تبدیل این مقدار به اوزان کنونی در بین دانشـمندان اختلاف نظر دیده می شود، بنا بر نظر مشهور، مقدار کر ۹۱۲۱۷ ۳۷۷ (تقریباً ۴۲/ ۳۷۷) کیلو گرم می باشد، ولی ظاهراً مقدار کر بیشتر از این مقدار است ، برخی از بزرگان مقدار آن را تقریباً ۷۷/ ۴۶۲ کیلو گرم دانسته اند و برخی دیگر ۵/ ۴۷۸ کیلو گرم . بنا بر این اگر مقـدار وزن آب ۴۸۰ کیلـو گرم باشـد، طبـق نظر تمـامی دانشـمندان آب کر است ، حجم این مقـدار آب در آب مقطّر در دمـای چهار درجه ، ۴۸/ ۰ متر مکعب و در دمای صـد درجه ، حـدود ۵/ ۰ متر مکعب و در سـایر دماها بین این دو مقـدار می باشد و در آب غیر مقطّر از مقدارهای ذکر شده کمتر است . (۵) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی :) که تقریباً ۳۷۷ کیلو گرم است .

(بهجت :) و کافی است به حسب کیلو ۷۴۰/ ۳۷۶ کیلو گرم باشد و به حسب لیتر هم به همین مقدار می باشد.

(نوری :) و احتیاط این است که مقدار ۴۱۹/ ۳۷۷ کیلو گرم را در نظر بگیرند.

[مسأله ۱۷ اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کُر برسد]

اشاره

مسأله ۱۷ اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کُر برسد، چنانچه به واسطه آن ، بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند آب نجس می شود، و اگر تغییر نکنـد نجس نمی شود. (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، بهجت ، صافی ، سیسـتانی :) مسأله اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس به آب کُر برسد چنانچه آن آب ، بو یا رنگ یا مزه نجاست را بگیرد، نجس می شود و اگر تغییر نکند نجس نمی شود.

(زنجـانی :) مسأله اگر عین نجس ،ماننـد: بول یا خون ، یا چیزی که نجس شـده است ، ماننـد: لباس نجس به آب کر برسـد، چنـانچه بو یـا رنـگ یـا مزه آب به سـبب ملاقات نجاست آن چیز تغییر کنـد، نجس می شود، هر چنـد آب ، بو یا رنگ یا مزه نجـاست را نگیرد بلکه به اوصاف دیگری درآیـد بنا بر این آب کر، اگر به رنگ سـرخ خون در نیایـد بلکه رنگ آن به سـبب

ملاقات خون زرد شود، نجس می شود، و اگر هیـچ یک از اوصاف سه گانه آب به سـبب ملاقات تغییر نکند، آب نجس نمی شود.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۲۵ اگر چیزی که نجس شده (مانند لباس و ظرف) در آب کُر بشویند پاک می شود.

[مسأله ۱۸ اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند]

مسأله ۱۸ اگر بوی آب کر (۱) به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی شود (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) اگر بو یا رنگ یا مزه آب کُر ..

(زنجانی :) اگر بو یا رنگ یا مزه آب .. (فاضل :) اگر یکی از اوصاف آب کُر .. (۲) (بهجت :) و تا وقتی که مضاف نشده پاک کننده است .

(مکارم :) ولی خوب است از هر گونه آب آلوده اجتناب گردد.

(زنجانی :) هم چنان که اگر آب با نجس ملاقات نکند ولی به سبب مجاورت با آن تغییر کند نجس نمی شود.

[مسأله ۱۹ اگر عین نجس به آبی که بیشتر از کر است برسد]

مسأله ۱۹ اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد (۱) و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد تمام آب نجس می شود، و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد، فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس است . (۱) (مکارم :) و قسمتی از آن را تغییر دهد چنانچه باقی مانده به اندازه کُر یا بیشتر است ، فقط آن قسمت که تغییر کرده نجس می شود و الّا تمام آن نجس خواهد شد. [پایان مسأله]

[مسأله ۲۰ آب فوّاره اگر متصل به کُر باشد]

مسأله ۲۰ آب فوّاره اگر متصل به کُر باشد (۱) آب نجس را پاک می کند (۲) در صورتی که مخلوط با آن شود (۳) ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد آن را پاک نمی کند، مگر آن که چیزی روی فوّاره بگیرند تا آب قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود (۴) و با آن مخلوط گردد (۵). (۱) (فاضل :) در صورتی که قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود و بنا بر احتیاط واجب با آن مخلوط شود آن را پاک می کند ولی اگر بعد از قطره قطره شدن روی آب نجس بریزد، آن را پاک نمی کند. (۲) (بهجت :) آب نجس و هر متنجس را که قابل تطهیر با آب است پاک می کند .. (۳) [قسمت داخل پرانتز بجز رساله آیت اللّه مکارم در بقیه رساله ها نیست] (۴) (اراکی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۵) (خوئی ، بهجت :) بهتر این است که ((زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب) آب فوّاره با آن آب نجس مخلوط گردد.

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید آب فوّاره با آن آب نجس مخلوط گردد.

(سیستانی :) لازم است که آب فواره با آن آب نجس مخلوط گردد.

[مسأله ۱۲۱ اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کُر است بشویند]

مسأله ۱۲۱ اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کُر است بشویند آبی که از آن چیز می ریزد (۱) اگر متصل به کُر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد (۲) پاک است . (۱) (مکارم :) پاک است ، مگر این که بو یا رنگ یا طعم نجاست به خود گیرد.

(زنجانی :) چنانچه متّصل به کُر باشد و بو یا رنگ یا مزه آن به سبب ملاقات با نجاست آن چیز تغییر نکرده باشد پاک است . (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، اراکی ، صافی ، سیستانی ، بهجت :) و عین نجاست هم در آن نباشد ..

[مسأله ۲۲ اگر مقداری از آب کُر یخ ببندد]

مسأله ۲۲ اگر مقداری از آب کُر یخ ببندد و باقی آن به قدر کُر نباشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است . این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۲۳ آبی که به اندازه کر بوده است]

مسأله ۲۳ آبی که به اندازه کر بوده ، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه مثل آب کُر است ، (۱) یعنی نجاست را پاک می کند (۲) و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود. و آبی که کمتر از کر بوده (۳) و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه حکم آب کر ندارد (۴). (۱) (فاضل :) حکم آب کر را دارد .. (۲) (بهجت :) در صورتی که تفاوت بین آبی که الآن هست و آن چه قبلًا بوده کم باشد ..

(نوری :) چیز نجس شده را پاک می کند .. (۳) (زنجانی :) آبی که از مقداری که برای کر تعیین شده کمتر بوده .. (۴) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) حکم آب کمتر از کر را دارد.

(مکارم :) مسأله آبی که به اندازه کر یا بیشتر بوده چنانچه شک کنیم از کر افتاده حکم آب کر را دارد و به عکس اگر آبی کمتر از کر بوده و شک داریم کر شده حکم آب کمتر از کر را دارد.

[مسأله ۲۴ کر به دو راه ثابت می شود]

مسأله ۲۴ کر بودن آب به دو راه ثابت می شود:

اول : آن که خود انسان یقین (۱) کند. (۲) دوم : آن که دو مردِ عادل خبر دهند. (۳) (۱) (گلپایگانی ، فاضل ، سیستانی ، صافی :) یا اطمینان .. (۲) (نوری :) اوّل : آن که خود انسان تشخیص دهد ..

(زنجانی :) اوّل : آن که خود انسان یا نوع مردم یقین یا اطمینان کنند و چنانچه در موردی نوع مردم اطمینان ندارند و انسان بر خلاف متعارف اطمینان داشته باشد کفایت نمی کند .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) و بعید نیست که قول یک نفر مرد عادل بلکه قول کسی که مورد وثوق و اطمینان است نیز کافی باشد.

(سیستانی :) و امّا اگر یک عادل یا ثقه یا کسی که کُر در اختیار او است خبر دهد اگر مفید اطمینان نباشد اعتبار آن محل اشکال است .

(زنجانی :) و بنا بر احتیاط واجب قول یک نفر عادل کفایت نمی کند.

(فاضل :) و در ثابت شدن آن به خبر ذو الید اشکال است .

(مکارم :) مسأله کر بودن آب را از دو راه می توان شناخت : نخست این که خود انسان یقین پیدا کند و دیگر این که لا اقل یک نفر عادل خبر دهد.

(بهجت :) مسأله کر بودن آب به سه راه ثابت می شود: ۱ خود انسان یقین کند یا اطمینان داشته باشد بنا بر أظهر. ۲ دو مرد عادل خبر دهند. ۳ کسی که آب در اختیار اوست ، بگوید آب کر است مثلًا صاحب منزل بگوید حوض منزل کر است .

۲ آب قلیل

[مسأله ۲۵ آب قلیل]

مسأله ۲۵ آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد (۱). (۱) (بهجت :) و آب باران (در حال باریدن) هم نباشد.

(زنجانی ، فاضل :) مسأله آب قلیل : آبی است که کر و جاری و باران و آب چاه نباشد.

[مسأله ۲۶ اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد]

مسأله ۲۶ اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود، ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد (۱) مقداری که به آن چیز می رسد نجس (۲)، و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد (۳)، و نیز اگر مثل فوّاره با فشار از پایین به بالا رود در صورتی که نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می شود. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر با فشار روی چیز نجس بریزد ..

(بهجت :) اگر از بالا با فشار، بلکه با مطلق حرکت از بالا به پایین روی چیز نجس بریزد ..

(فاضل :) اگر از بالا روی چیز نجس بریزد ..

(زنجانی :) اگر با فشار به چیز نجس برسد هر چند از پایین به بالا باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و مقداری که به آن چیز نرسیده پاک است . [پایان مسأله] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله هر گاه چیز نجسی به آب قلیل برسد آن را نجس می کند (بنا بر احتیاط واجب) امّا اگر از بالا بریزند فقط آن مقدار که به نجس رسیده نجس می شود و اگر به صورت فوّاره از پایین به بالا رود و به چیز نجسی برسد قسمت پایین آن نجس نمی شود.

[مسأله ۲۷ آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود]

مسأله ۲۷ آب قلیلی کـه برای بر طرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شـود و از آن جـدا گردد، نجس است (۱) و هم چنین بنا بر اقوی باید (۲) از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشـیدن چیز نجس روی آن می ریزنـد و از آن جدا می شود، اجتناب کنند (۳). ولی آبی که (۴) با آن مخرج بول و غائط را می شوینـد (۵) با پنج شرط پاک است (۶): اول : آن که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشـد (۷). دوم : نجاستی از خارج به آن نرسـیده باشد. سوم : نجاست دیگری مثل خون ، با بول یا غائط بیرون نیامده باشد (۸). چهارم : ذرّه های غائط در آب پیدا نباشد (۹). پنجم : بیشتر از مقدار معمول ، نجـاست به اطراف مخرج نرسـیده باشـد. (۱) (سیسـتانی :) در چیزهـایی که بـا یک بار شسـتن پاک نمی گردد نجس است ..

(فاضـل :) آب قلیلی که روی چیز نجس ریخته شود و از آن جـدا گردد نجس است .. (۲) (نوری : و بایـد .. زنجانی :) و بنا بر احتیاط باید .. (بهجت :) و بنا بر احتیاط واجب باید ..

(۳) (گلپایگانی ، صافی :) آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن روی آن می ریزند و از آن جدا می شود و بعد از آن محل ّ پاک می شود، پاک است ..

(خوئی ، تبریزی :) آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، در صورتی که محل ّ به مجرّد شستن با او پاک شود آن آب پاک است ، مثلًا اگر محل ّ نجس چیزی باشد که به یک مرتبه شستن پاک شود و عین نجس هم نداشته باشد غساله آن یعنی آبی که از او در وقت شستن جدا می شود پاک است . و امّا چیزی که دو مرتبه شستن آن لازم است از غساله شستن اوّل بنا بر احتیاط واجب اجتناب لازم است و غساله شستن دوّم پاک است ..

(سیستانی :) آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می ریزند، و از آن جدا می شود بنا بر احتیاط لازم نجس است .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) و آبی که .. (سیستانی :) و آب قلیلی که .. (۵) (بهجت :) آبی که با آن مخرج غائط را می شویند .. (۶) (سیستانی :) با پنج شرط چیزی را که با آن ملاقات کند نجس نمی کند .. (۷) (زنجانی :) اول : آن که بو یا رنگ یا مزه آن به سبب ملاقات با نجاست تغییر نکرده باشد ..

(نوری :) اوّل : آن که بو یا رنگ یا مزه آب به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد .. (۸) (بهجت :) سوم : نجاست دیگری مثل خون یا بول با غائط بیرون نیامده باشد .. (۹) (زنجانی :) چهارم : ذره های غائط در آب نباشد ..

(مکارم :) مسأله اگر با آب قلیل پاک چیزی را که نجس شده بشویند پاک می شود (با شرایطی که بعداً گفته خواهد شد) امّا آبی که از آن جدا می شود و آن را «غُساله » گویند، نجس است مگر در آبی که با آن مخرج بول و مدفوع را می شویند که با پنج شرط پاک است : ۱ - یکی از اوصاف سه گانه نجس را به خود نگرفته باشد. ۲ نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد. ۳ نجاست دیگری مانند خون ، با بول یا غائط، همراه نباشد. ۴ بنا بر احتیاط واجب ذرّات مدفوع در آب پیدا نباشد. ۵ بیشتر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد، ولی پاک بودن این آب به آن معنی است که اگر به بدن و لباس ترشّح کند لازم نیست آن را آب بکشند، امّا سایر استفاده های آب پاک را از آن نمی توان کرد.

۳ آب جاری

[مسأله ۲۸ آب جاری]

مسأله ۲۸ آب جاری ، آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات (۱). (۱) (مکارم :) یا از برفهای متراکم در کوهها سرچشمه می گیرد و ادامه دارد.

(تبریزی :) و لوله کشی هایی که فعلًا در بلاد مرسوم است جاری نیست و حکم آب کُر را دارد.

(زنجانی :) مسأله آب جاری : آبی است که جریان داشته و ماده دار باشد (یعنی به منبعی متصل باشد) مانند آب چشمه ، آب رود خانه ، آب قنات و آب لوله کشی شهری .

(فاضل :) مسأله آب جاری ، آبی است که دارای مادّه است و جریان دارد مانند این که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد چون آب چشمه و قنات .

(سیستانی :) مسأله آب جاری به آبی گفته می شود که : ۱ منبع طبیعی داشته باشد. ۲ جاری باشد هر چند به وسیله ای آن را جاری سازند. ۳ فی الجمله استمرار داشته باشد؛ و لازم نیست به منبع طبیعی متصل باشد، پس اگر به طور طبیعی از آن جدا شود مانند ریزش آب از بالا ـ به صورت قطره ، با فرض جریان بر زمین ، جاری به حساب می آید. ولی اگر چیزی مانع اتّصال آن به منبع شود؛ مثلًا اگر مانع ریزش با جوشش آب شود، یا ارتباط آن را با منبع قطع کند، آب باقی مانده حکم جاری را ندارد، هر چند جریان داشته باشد.

[مسأله ۲۹ آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد]

مسأله ۲۹ آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست (۱) تغییر نکرده پاک است . (۱) (زنجانی :) به سبب ملاقات با نجاست ..

[مسأله ۳۰ اگر نجاستی به آب جاری برسد]

مسأله ۳۰ اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن ، که بو یا رنگ یا مزه اش (۱) به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است ، و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است (۲). و آبهای دیگر نهر، اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک ، و گر نه نجس است . (۱) (زنجانی :) به سبب ملاقات با نجاست تغییر کرده نجس است ، و آب طرف منبع اگر چه کمتر از کر باشد، پاک است و آب طرف دیگر اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف منبع متصل باشد، پاک و گر نه ، نجس است . (۲) (مکارم :) ولی طرف دیگر اگر کمتر از کر باشد نجس می شود مگر این که با آب تغییر نکرده اتّصال به چشمه داشته باشد.

[مسأله ۳۱ آب چشمه ای که جاری نیست]

مسأله ۳۱ آب چشمه ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می جوشد، (حکم آب جاری دارد (۱). یعنی (۲) اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است . (۱) (مکارم :) و با ملاقات نجاست نجس نمی شود، هر چند کمتر از کر باشد، هم چنین آبهای ایستاده کنار نهرها که متّصل به نهر است .

(سیستانی :) حکم آب جاری را ندارد، یعنی اگر نجاستی به آن برسد و کمتر از کُر باشد نجس می شود.

(زنجانی :) آب جاری محسوب می شود، یعنی اگر نجاست به آن برسد تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه ملاقات با نجاست تغییر نکرده پاک است ، و اگر بو یا رنگ یا مزه اش تغییر کرد با از بین رفتن تغییر، پاک می شود. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست]

[مسأله ۳۲ آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است]

مسأله ۳۲ آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است ، (۱) حکم آب جاری دارد. (۲) (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) در صورتی که به ملاقات نجس بو یا رنگ یا مزه اش تغییر نکند نجس نمی شود (زنجانی : و چنانچه تغییر کند، با از بین رفتن آن پاک می شود).

(فاضل :) اگر نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است . (۲) (سیستانی :) حکم آب جاری را ندارد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۱.

[مسأله ۳۳ چشمه ای که در زمستان می جوشد]

مسأله ۳۳ چشمه ای که مثلًا در زمستان می جوشد و در تابستان از جوشش می افتد، فقط وقتی که می جوشد ۱ حکم آب جاری دارد. (۲) (۱) (فاضل :) اگر کمتر از کُر هم باشد با ملاقات نجس متنجس نمی شود مگر این که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر کند. (۲) (زنجانی :) آب جاری محسوب می شود.

(مکارم :) مسأله چشمه ها و قناتها که گاه می جوشد و گاه از جوشش می افتد، در هنگامی که می جوشد حکم آب جاری دارد.

[مسأله ۳۴ آب حوض حمام که کمتر از کر باشد]

مسأله ۳۴ آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه به خزینه ای که آب آن به اندازه کر است متصل باشد ۱، مثل آب جاری است . این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و مکارم نیست (۱) (اراکی :) و یا مجموع آب حوض با آب خزینه کر باشد ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله آب حوضچه حمّام اگر کمتر از کر باشد، چنانچه به خزینه ای که آبش به ضمیمه آب حوض ، به اندازه کر است متّصل باشد و به ملاقات نجس ، بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکند نجس نمی شود.

(نوری :) مسأله آب حوض حمام اگر چه کمتر از کُر باشد، مثل آب جاری است ، ولی بنا بر احتیاط واجب باید به خزینه ای که آب آن به تنهایی یا با آب حوضچه به اندازه کُر است متصل باشد.

[مسأله ۳۵ آب لوله های حمام که از شیرها و دوشها می ریزد]

مسأله ۳۵ آب لوله های حمام (۱) که از شیرها و دوشها می ریزد (۲) اگر متصل به کُر باشد مثل آب جاری است (۳)، و آب لوله های عمارات اگر متصل به کر باشد در حکم آب کر است . (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) و عمارات .. (۲) (بهجت :) و آب لوله های ساختمان ، اگر متصل به کر باشد، در حکم آب کر است . (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی :) اگر به ضمیمه حوضی (سیستانی ، (تبریزی :) اگر به ضمیمه منبعی) که متّصل به آن است به قدر کر باشد حکم کر را دارد.

(مکارم :) مسأله آبهای لوله کشی شهرها و حمّامها و مانند آن که متّصل به منبع است حکم آب جاری را دارد به شرط این که آب منبع به تنهایی یا به اضافه لوله ها کمتر از کر نباشد.

(فاضـل :) مسـأله آب لوله های حمام اگر متصل به کُر باشـد مثل آب جاری است و آب لوله های ساختمانها اگر متصل به کُر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند پاك است .

(زنجـانی :) مسـأله آب لوله کشـی شـهری جاری است و فرقی بین آب حمام و غیر حمام نیست . در حمامهایی که به آب لوله کشـی متصل نیست ، آب لوله های حمام که از شـیرها و دوشـها می ریزد اگر به ضـمیمه حوضی که متصل به آن است به قدر کر باشد، کر محسوب می شود.

[مسأله ۳۶ آبی که روی زمین جریان دارد]

اشاره

مسأله ۳۶ آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشـد، چنانچه کمتر از کر باشـد و نجاست به آن برسد نجس می شود. امـا اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، (۱) چنانچه نجاست به پایین آن برسـد بالای آن نجس نمی شود (۲). این مسأله در رساله آیات عظام : زنجانی و مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر با فشار جاری باشد و (خوئی ، تبریزی : مثلًا) نجاست به پـایین آن برسـد، طرف بالای آن نجس نمی شود. (فاضـل :) اگر از بالا به پایین بریزد .. (۲) (گلپایگـانی :) و اگر فشـار ((صـافی :) و اگر با فشار) از پایین به بالا هم باشـد مثل فوّاره ، اگر به بالای آن چیز نجسـی برسـد، پایین آن نجس نمی شود.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۴۰ هر گاه ظرفی را زیر آب لوله کشـی بگذارند آبی که درون ظرف است حکم آب جاری را دارد به شـرط این که متّصل به آب لوله کشی باشد.

۴ آب باران

[مسأله ۳۷ حکم آب باران]

مسأله ۳۷ اگر به چیز نجسـی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران به بارد جائی که باران به آن برسـد، پاك می شود (۱) و در فرش و لبـاس وماننـد اینهـا فشـار لازم نیست ، (۲) ولی باریـدن دو سه قطره فائـده نـدارد، بلکه بایـد طوری باشد که بگویند باران می آید (۳). (۱) (سیستانی :) مگر بدن و لباسی که به بول نجس شده باشد که در این دو بنا بر احتیاط واجب دو مرتبه لازم است .. (۲) (تبریزی :) بنا بر احتیاط فشار لازم است .. (۳) (اراکی :) باید به مقداری باشد که اگر بر زمین سخت به بارد جاری می شود.

(بهجت :) بایـد بنا بر احوط، طوری باشد که بگویند باران می آید و به حدّ جریان برسد؛ و اگر زمین طوری است که آب ، به آن جریان پیدا نمی کند، کافی است به حدّی به بارد که اگر زمین سخت بود، بر آن جاری می شد.

(صـافی :) بایـد طوری باشـد که بگوینـد بـاران می بارد و در زمین سـخت جریان دارد. و اگر ظرف به ولوغ سگ نجس شـده باشـد أقوی این است که اول خاکمـال شود و سـپس یـک مرتبه در زیر باران بگذارنـد پاک می شود اگر چه احتیاط لازم این است که دو مرتبه با آب باران شسته شود.

(مکارم :) مسأله آب باران در حکم آب جاری است و به هر چیز نجسی برسد، آن را پاک

می کنـد، خواه زمین باشد یا بدن یا فرش و یا غیر اینها، به شـرط این که عین نجاست در آن نباشد و غساله یعنی آبی که با آن شسته شده جدا شود. بارش چند قطره کافی نیست بلکه باید به مقداری به بارد که به آن «باران » گویند.

[مسأله ۳۸ اگر باران به عین نجس به بارد]

مسأله ۱۳۸ اگر باران به عین نجس به بارد و به جای دیگر ترشح کند (۱)، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است (۲). پس اگر باران بر خون به بارد و ترشح کند، چنانچه ذرّه ای خون (۳) در آن باشد، یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشـد نجس می باشـد. (۱) (مکـارم :) احتیـاط واجب اجتناب از آن است . [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) بو یا رنگ یا مزه آن به سبب ملاقات با نجاست تغییر نکرده باشد، پاک است . [پایان مسأله] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) ذرّه های خون ..

[مسأله ۳۹ اگر بر سقف عمارت عین نجاست باشد]

مسأله ۱۳۹ اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن (۱) عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سـقف یا ناودان می ریزد (۲) پاک است و بعـد از قطع شـدن باران اگر معلوم باشد آبی که می ریزد به چیز نجس رسـیده است ، نجس می باشد. (۱) (زنجانی ، بهجت :) اگر بر روی بام عمارت .. (فاضل :) اگر روی سقف ساختمان .. (۲) (بهجت :) در صورتی که صفات عین نجس را نداشته باشد و مضاف نشده باشد ..

(مکـارم :) مسأله هر گـاه روی زمین یـا پشت بام عین نجس باشـد و باران روی آن به بارد احتیاط واجب اجتناب است امّا آن مقدار که روی نجس نباریده پاک است ، و اگر با هم مخلوط شود و از ناودان جاری گردد آن هم پاک است .

[مسأله ۴۰ زمین نجسی که باران بر آن به بارد پاک می شود]

مسأله ۴۰ زمین نجسـی که بـاران بر آن به بـارد پـاک می شود. و اگر باران بر زمین جاری شود. و (۱) به جای نجسـی که زیر سقف است برسـد، آن را نیز پاک می کنـد (۲). (۱) (گلپایگـانی ، خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، صـافی ، زنجانی :) و در حال باریدن ..

(بهجت :) و در موقع آمدن باران .. (۲) (اراکی :) به شرط آن که باران قطع نشده باشد.

(بهجت :) اگر مضاف یا متغیّر به نجاست نشده باشد.

(مکارم :) مسأله هر گاه آب باران جاری شود و به زیر سـقف یا جایی که باران نمی بارد برسد، آن را پاک می کند، به شـرط

این که باران قطع نشده باشد.

[مسأله ۴۱ خاک نجسی که به واسطه باران گِل شود]

مسأله ۴۱ خاک نجسی که به واسطه باران گِل شود (۱) و آب آن را فرا گیرد پاك است (۲)، اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پـاك نمی شود. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و علم به رسـیدن باران به وصف اطلاق به تمام اجزاء آن حاصل می شود پاك است ولی حصول علم به آن مشکل است . (۲) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، بهجت :) مسأله خاك نجسی که به واسطه باران گِل شود پاك است (بهجت : اگر

آب باران به همه خاک برسد، و بنا بر أحوط موقع مخلوط شدن با خاک ، مضاف نشده باشد).

(سیستانی :) مسأله خاک نجسی که آب باران همه اجزای آن را فرا بگیرد پاک می شود. به شرط آن که معلوم نباشد آب به واسطه رسیدن به خاک ، مضاف شده است .

[مسأله ۴۲ هر گاه آب باران در جایی جمع شود]

مسأله ۴۲ هر گاه آب باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه موقعی که باران می آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب ، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می شود. (زنجانی :) مسأله هر گاه آبی در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه موقعی که باران بر آن می بارد چیز نجسی را در آن بشویند و بو یا رنگ یا مزه آب به سبب ملاقات با نجاست تغییر نکند، آن چیز نجس پاک می شود.

(مکارم :) مسأله هر گاه آب باران در جایی جمع شود و متّصل به باران باشد حکم آب باران را دارد، و هر چیز نجسی را پاک می کند هر چند کمتر از کر باشد.

[مسأله ۴۳ اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران به بارد]

اشاره

مسأله ۴۳ اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران به بارد و بر زمین نجس جاری شود (۱)، فرش نجس نمی شود و زمین هم پاک می گردد (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) باران به بارد و در حال باریدن ، به زمین نجس برسد ..

(سیستانی :) باران به بارد و در حال باریدن از فرش به زمین نجس برسد ..

(زنجانی :) باران به بارد و به آن زمین برسد .. (۲) (بهجت :) مگر این که آب ، مضاف یا متغیّر شود.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۴۸ هر گاه باران بر حوضی که آب آن نجس است به بارد و با آن مخلوط گردد پاک می شود.

۵ آب چاه

[مسأله ۴۴ حکم آب چاه]

اشاره

مسأله ۴۴ آب چاهی که از زمین می جوشـد، اگر چه کمتر از کر باشـد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسـطه نجاست (۱) تغییر نکرده پـاک است (۲)، ولی مسـتحب ّاست پس از رسـیدن بعضـی از نجاستها، مقداری که در کتابهای مفصّل گفته شـده ، از آب آن بکشـند. (۱) (زنجانی :) بواسـطه ملاقات با نجاست .. (۲) (سیسـتانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله آب چاه پاک و پاک کننده است هر چند کمتر از کر باشد، و اگر چیز نجسی که عین نجاست در آن نیسـت بـا آن شسـته شود پـاک می گردد مگر این که به واسـطه رسـیدن عین نجس بو یا رنگ و یا طعم نجس به خود بگیرد. گر چه آب چـاه بر اثر افتـادن چیز نجس در آن نجس نمی شـود ولی مسـتحب ّاسـت مقـداری از آن را برای هر یـک از اشـیاء نجس بکشند و دور بریزند، این مقدار در کتابهای مفصّل فقهی تعیین شده است .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۵۱ چاههای عمیق و نیمه عمیق و معمولی که آب آن با موتور و تلمبه کشیده می شود هر گاه آبی که از آن کشیده اند به مقدار کر باشد، پاک کننده است و اگر کمتر از کر باشد ما دام که آب جریان مستمرّ دارد حکم آب چاه را دارد و با ملاقات نجاست نجس نمی شود.

[مسأله ۴۵ اگر نجاستی در چاه بریزد]

مسأله ۴۵ اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، (چنانچه تغییر آب چاه از بین برود) (۱)، موقعی پاک می شود (۲) که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد (۳). (۱) (اراکی ، تبریزی :) پاک می شود. [پایان مسأله] (خوئی :) پاک می شود و بهتر این است که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد.

(زنجانی :) پاک می شود ولی بنا بر احتیاط مستحب ، با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد.

(سیستانی :) پاک می شود، ولی پاک شدنش بنا بر احتیاط واجب ، مشروط به این است که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد.

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست .] (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب موقعی پاک می شود .. (۳) (فاضل :) و به سبب آن ، تغییر آب چاه از بین برود.

(بهجت :) بنا بر احتیاط واجب آن آب موقعی پاک می شود که به آبی که از چاه می جوشد متّصل باشد.

[مسأله ۴۶ اگر آب باران در گودالی جمع شود]

مسأله ۴۶ اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، چنانچه بعد از قطع شدن باران ، نجاست به آن برسد، نجس می شود. این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و مکارم نیست (خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر آب باران در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، پس از قطع باران به محض رسیدن نجاست به آن نجس می شود.

(زنجانی :) مسأله اگر آبی در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد و در حال باریدن باران بر آن نباشد، به رسیدن نجاست به آن نجس می شود.

(بهجت :) مسأله اگر آب باران بعد از آن که از باریدن افتاد، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود.

احکام آبها

[احکام آبها از رساله حضرت امام]

[مسأله ۴۷ آب مضاف چیز نجس را پاک نمی کند]

مسأله ۴۷ آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است .

[مسأله ۴۸ اگر ذره ای نجاست به آب مضاف برسد]

مسأله ۴۸ اگر ذره ای نجاست به آب مضاف (۱) برسد نجس می شود (۲)، ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد (۳)، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس و مقداری

که بالاتر از آن است پاك می باشد (۴). مثلًا اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آن چه به دست رسیده نجس و آن چه به دست نرسیده پـاك است (۵)، و نیز اگر مثـل فواره بـا فشـار از پـایین به بالا برود اگر نجاست به بالا برسـد، پایین نجس نمی شود (۶). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، بهجت :) هر قدر زیاد باشد ..

(سیستانی :) اگر چه به مقدار کر باشد .. (۲) (صافی :) بلی ، نجس شدن آب زیاد غیر متعارف و هر مایع دیگری مثل چاههای نفت محل تأمل است ..

(بهجت :) البته در موارد متعارف که احتمال نجس شـدن به وسـیله ملاقات داده شود .. (۳) (فاضـل :) چنانچه از بالا روی چیز نجس بریزد .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) چنانچه با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس است و مقداری که نرسیده است پاك می باشد .. (۵) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) بلکه در بعضـی از موارد که آب مضاف جریان دارد، اگر قسمت آخر آب ، نجس شود نجس شدن قسمت اوّل آن خـالی از تأمّـل نیست ، اگر چه سـطح اوّل و آخر آب یکی باشـد و از بالا به پایین جریان نداشـته باشـد در صورتی که عرفاً به سبب ملاقات ، تأثر و انفعال حاصل نشود؛ بلکه نجس نشدن قسمت اوّل ، خالی از وجه نیست . (۶) (گلپایگانی ، صافی :) اگر مثل فوّاره از پائین به بالا با فشار بیرون آید پائین ، به واسطه نجس شدن بالا، نجس نمی شود.

(زنجانی :) مسأله آب مضاف و هر مایع دیگر اگر به قـدر کر نباشـد اگر ذره ای نجاست به آن برسـد، نجس می شود و اگر به قـدر کر باشـد، بنا بر احتیاط از آن اجتناب شود و در هر صورت چنانچه با فشار به چیز نجس برسـد، مقداری که به چیز نجس رسـیده نجس می شود و مقداری که نرسیده پاك می باشد، مثلًا اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آن چه به دست رسیده نجس ، و آن چه به دست نرسیده پاك است .

(مکـارم :) مسـأله هر گـاه آب مضـاف با چیز نجسـی ملاقات کنـد نجس می شود مگر در سه صورت : اوّل : این که از بالا به پایین بریزد، مثلًا گلاب را از گلابـدان روی دست نجسـی بریزیم ، گلابهایی که در گلابـدان است نجس نمی شود. دوّم : این که ماننـد فواره بـا فشار از پایین به بالا رود در این صورت نیز تنها آن قسـمت که با نجس ملاقات کرده نجس می شود. سوّم : آن که به قـدری زیاد باشـد که بگویند نجاست به آن سـرایت نکرده ، مثل این که اسـتخر بزرگی از آب مضاف باشد و نجس در گوشه ای از آن بیفتـد یـا لوله طولانی از نفت باشـد و نجس با یک طرف آن ملاقات کنـد، در این گونه موارد، بقیه نجس نمی شود.

[مسأله ۱۴۹ اگر آب مضاف نجس ، طوری با آب کر مخلوط شود]

مسأله ۱۴۹ اگر آب مضـاف نجس ، طوری بـا آب کر یا جاری مخلوط شود (۱) که دیگر آب مضاف به آن نگوینـد، (۲) پاك می شود.

(۱) (زنجانی :) که به آن آب بدون قید و اضافه گفته شود، پاک می گردد. (۲) (بهجت :) بلکه مردم بگویند آب است (بدون ضمیمه کردن کلمه دیگری به آن) ..

[مسأله ۵۰ آبی که مطلق بوده]

مسأله ۵۰ آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه (۱)، مثل آب مطلق است ، یعنی چیز نجس را پاک می کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است . و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه ، مثل آب مضاف است ، یعنی چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است . (۱) (بهجت :) و با مختصر تحقیق و بررسی هم نشود وضع آن را روشن کرد ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) آبی که مطلق بوده و معلوم نیست که به حدّ مضاف شدن رسیده یا نه ..

(مکارم :) مسأله هر گاه آبی مطلق بوده ، شکّ کنیم مضاف شده یا نه مانند سیلابهایی که نمی دانیم به آن آب می گویند یا نه حکم آب مطلق را دارد، یعنی می توان چیزهای نجس را با آن شست ، و وضو گرفت و غسل کرد، امّا به عکس اگر آبی مضاف بوده شکّ داریم مطلق شده ، حکم آب مضاف را دارد.

[مسأله ۵۱ آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف]

مسأله ۵۱ آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف ، و معلوم نیست که قبلًا مطلق یا مضاف بوده ، نجاست را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است (۱) ولی اگر به اندازه کُر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، حکم به نجس بودن آن نمی شود. (۲) (۱) (مکارم :) امّا اگر چیز نجسی به آن برسد نجس نمی شود. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه نجاستی به آن برسد، نجس می شود اگر چه به اندازه کُر یا بیشتر باشد.

(سیستانی :) چنانچه نجاستی به آن برسد، و آب کمتر از کر باشد نجس می شود و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد بنا بر احتیاط واجب نیز نجس می شود.

(زنجانی :) حکم به طهارتش می شود.

[مسأله ۵۲ آبی که عین نجاست به آن برسد]

مسأله ۵۲ آبی که عین نجاست ، مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد نجس می شود. ولی اگر (۱) بو یا رنگ یا مزه آن ، به واسطه نجاستی که بیرون آن است (۲) عوض شود، مثلًا مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد نجس نمی شود (۳). (۱) (سیستانی :) بلکه اگر .. (۲) (زنجانی :) و به آن متصل نیست .. (۳) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم نجس می شود.

(مکـارم :) مسـأله هر گاه آبی بر اثر مجاورت و نزدیکی با عین نجس ، بوی نجس بگیرد پاک است مگر این که عین نجس به آن برسد، در عین حال اجتناب از آن بهتر است .

[مسأله ۵۳ آبی که عین نجاست در آن ریخته شود]

مسأله ۵۳ آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده (۱)، چنانچه به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن به بارد، یا باد، باران را در آن بریزد (۲)، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و (۳) تغییر آن از بین برود پاک می شود (۴). ولی باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد (۵). (۱) (زنجانی :) اگر به خودی خود تغییر آن از بین برود پاک نمی شود ولی .. (۲) (بهجت :) یا آب باران از ناودان در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود، پاک می شود و اگر قبل از اتّصال به کر یا جاری یا باریدن باران تغییر از بین برود همین قدر که آب کر یا جاری به آن متّصل شود و یا آب باران به آن برسد پاک می شود و لازم نیست با آن مخلوط شود. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و در تمام این صُوَر .. (۴) (اراکی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۵) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید آب باران (گلپایگانی ، صافی : در حال باریدن) یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

(خوئی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

(مکارم :) مسأله هر گاه آبی که بو یا رنگ و یا طعم آن بر اثر نجاست تغییر کرده خود به خود رنگ و بو و طعمش از بین برود پاک نمی شود، مگر این که با آب کر یا باران یا جاری مخلوط گردد.

[مسأله ۵۴ اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری فرو برند]

مسأله ۵۴ اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری فرو برند (۱)، و در چیزهایی که قابل فشار دادن است مانند فرش و لباس ، طوری فشار، یا در داخل آب حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود چنانچه از چیزهایی باشد که در دفعه اول پاک می شود، آبی که بعد از بیرون آوردن ، از آن می ریزد پاک است و اگر از چیزهایی باشد که باید دو مرتبه آن را در آب فرو برند تا پاک شود، آبی که بعد از دفعه دوم از آن می ریزد، پاک می باشد. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد پاک است . [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) مسأله اگر چیز نجس را در کر یا جاری تطهیر نمایند (خوئی ، سیستانی : در شستنی که با آن پاک می گردد) آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد، پاک است .

(گلپایگانی ، بهجت ، صافی :) مسأله اگر چیز نجسی را در آب کر یا جاری آب بکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن ، از آن می ریزد پاک است (بهجت : پاک و پاک کننده است).

(فاضل :) مسأله اگر چیز نجس که نیاز به فشار دادن ندارد را در آب کُر یا جاری آب بکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد پاک است ، ولی چیزهایی که مثل لباس و فرش بنا بر احتیاط در آب کُر و یا جاری هم نیاز به خارج کردن غساله آن با فشار و مانند آن دارد، بنا بر احتیاط غساله آن نجس است .

(زنجانی :) مسأله اگر چیز نجسی را در آب قلیل آب بکشند، از آبی که بعد از بیرون آوردن ، از آن می ریزد بنا بر احتیاط باید اجتناب کرد و اگر در غیر آب قلیل آب بکشند آبی که از آن می ریزد پاك است .

(نوری :) مسأله آبی که برای پاک کردن شی ء نجس شده استعمال می شود و آن را غُساله می نامند اگر تطهیر با آب قلیل باشد، نجس است ؛ ولی اگر در آب کر یا جاری تطهیر نمایند، آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد، پاک است .

[مسأله ۵۵ آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه]

مسأله ۵۵ آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه ، پاک است (۱). و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه ، نجس است (۲). (۱) (بهجت :) و پاک کننده نیز هست .. (گلپایگانی ، صافی :) محکوم به طهارت است .. (۲) (زنجانی :) و آبی که حالت قبلی آن معلوم نیست ، پاک است .

(گلپایگانی ، صافی :) محکوم به نجاست است .

[مسأله ۵۶ نیم خورده سگ و خوک و کافر]

اشاره

مسأله ۵۶ نیم خورده سگ و خوک و کافر (۱) نجس و خوردن آن حرام است و نیم خورده حیوانات حرام گوشت ، پاک و خوردن آن مکروه می باشد. (۲) این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (خوئی :) کافر غیر کتابی بلکه کتابی نیز بنا بر احتیاط واجب ..

(تبریزی :) کافری که از اهل کتاب یعنی یهودی و نصرانی و مجوسی نباشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) خوردن آن نسبت به غیر گربه مکروه می باشد.

(مکارم :) مسأله آب نیم خورده «حیوانات نجس » مانند سگ و خوک نجس است امّا نیم خورده حیوانات حرام گوشت (مانند گربه و جانوران درنده) پاک است هر چند خوردن آن مکروه است .

(زنجانی :) مسأله نیم خورده سگ و خوک و کافر غیر کتابی ، نجس و خوردن آن حرام است ، بلکه بنا بر احتیاط باید از نیم خورده هر کافری اجتناب کرد. و نیم خورده حیوانات حرام گوشت ، پاک و خوردن آن (مگر در مورد گربه) مکروه می باشد.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۶۲ مستحب است آب نوشیدنی کاملاً تمیز بوده باشد، خوردن آبهای آلوده که موجب بیماری می گردد حرام است ، آبهای شستشو نیز شایسته است تمیز باشد و از آبهای متعفّن و آلوده تا آنجا که ممکن است باید پرهیز شود.

احکام آبها (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۷۰ اگر قسمت پایین آب قلیلی که به طور سرازیر به پایین می ریزد]

س ۷۰: اگر قسمت پایین آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می ریزد، با نجاست برخورد کند، آیا قسمت بالای این آب هم چنان پاک باقی می ماند؟

ج : اگر سرازیری آب به گونه ای باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند، قسمت بالای آن پاک است .

[س ۷۱ آیا در شستن لباسهای نجس با آب کرّ و جاری ، فشردن هم لازم است]

س ۷۱: آیا در شستن لباسهای نجس با آب کرّ و جاری ، فشردن هم لازم است و یا این که بعد از زوال عین نجاست همین که آب آن را فرا گرفت ، کفایت می کند.

ج : باید بنا بر احتیاط آن را فشار یا تکان دهند.

[س ۷۲ آیا در تطهیر لباس متنجّس با آب کر و جاری ، فشار دادن خارج آب لازم است]

س ۷۲: آیـا در تطهیر لبـاس متنجّس بـا آب کر و جاری ، فشار دادن خارج آب لازم است یا با همان فشار داخل آب پاک می شود؟

ج : فشار یا تکان دادن داخل آب ، کافی است .

[س ۷۳ تطهیر گلیم یا فرش نجس]

س ۷۳: آیا گلیم یا فرش نجسـی را که با آب لوله کشی متصل به منبع آب شهری شستشو می دهیم ، به مجرد رسیدن آب لوله کشی به محل نجس ، پاک می شوندیا باید آب غساله از آن جدا شود؟

ج : در تطهیر با آب لوله کشـی ، جـدا شدن آب غساله شـرط نیست ، بلکه به مجرد رسـیدن آب به مکان نجس ، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب ، طهارت حاصل می شود.

[س ۷۴ حکم وضو و غسل با آبی که به طور طبیعی غلیظ است]

س ۷۴: حکم وضو و غسل با آبی که به طور طبیعی غلیظ است چیست ؟ ماننـد آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است ، مثل دریاچه ارومیه یا موارد دیگری که غلظت بیشتری دارند.

ج : مجرد غلظت آب به سـبب وجود املاـح ، مـانع از صـدق عنوان آب مطلق بر آن نمی شود، و برای ترتب آثـار شـرعی آب مطلق ، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است .

[س ۷۵ علم به کر بودن آب واجب است یا خیر]

س ۷۵: آیا برای ترتب آثار کر بودن آب ، علم به کر بودن آن واجب است یا این که بناء بر کر بودن آب کافی است ؟ (مانند آب موجود در دسـتشویی هـای قطار و غیره) ج : اگر حالت سابقه کر بودن آب احراز شود، بنا گذاشـتن بر کر بودن آن جایز

است .

[س ۷۶ در طهارت و نجاست به گفته کودک ممیز اعتناء نمی شود]

س ۷۶: در مساله (۱۴۷) رساله امام خمینی «قدس سره » آمده است : « در طهارت و نجاست به گفته کودک ممیز تا زمان بلوغ اعتناء نمی شود». این فتوا تکلیف دشواری است . زیرا به طور مثال مستلزم این است که پدر و مادر تطهیر فرزندشان را پس از قضاء حاجت تا سن پانزده سالگی به عهده بگیرند. لطفاً وظیفه شرعی ما را بیان فرمائید.

ج : قول کودکی که در آستانه بلوغ است در این باره معتبر است .

[س ۷۷ گاهی به آب موادی اضافه می کنند که آن را به رنگ شیر در می آورد]

س ۷۷: گاهی به آب موادی اضافه می کنند که آن را به رنگ شیر در می آورد، آیا این آب مضاف است ؟ حکم وضو و تطهیر با آن چیست ؟

ج : آن آب حکم آب مضاف را ندارد.

[س ۷۸ چه فرقی بین آب کر و آب جاری است]

س ۷۸: در تطهیر، چه فرقی بین آب کر و آب جاری است ؟

ج : هیچ تفاوتی با هم ندارند.

[س ۷۹ اگر آب شور جوشانده شود]

س ۷۹: اگر آب شور جوشانده شود، آیا با آبی که از بخار آن بدست می آید، می توان وضو گرفت ؟

ج : اگر آب مطلق بر آن صدق کند، آثار آب مطلق را دارد.

[س ۸۰ برای پاک شدن کف پا یا کفش]

س ۸۰: برای پاک شدن کف پا یا کفش ، راه رفتن به مقدار پانزده گام شرط است . آیا این کار

بایـد بعـد از زوال عین نجـاست صورت بگیرد یـا پـانزده گـام رفتن بـا وجود عین نجاست کافی است ؟ آیا پس از آن که عین نجاست با پانزده گام از بین رفت ، کف پا یا کفش پاک می شود؟

ج : کسـی که بر اثر راه رفتن روی زمین ، کف پا یا کفش او، نجس شده است هر گاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می شود مشروط به این که عین نجاست ، زائل شود.

[س ۸۱ کف پا با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده]

س ۸۱: آیا کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده ، پاک می شود؟

ج : زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده کف پا یا ته کفش نیستند.

[س ۸۲ آیا آفتاب از مطهّرات است]

س ۸۲: آیا آفتاب از مطهّرات است ؟ اگر هست ، شرایط مطهّریت آن چیست ؟

ج : تابیـدن آفتـاب باعث طهارت زمین و همه اشـیاء غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهائی که در آن بکار رفتهماننـد چوب ، در ، پنجره و ماننـد آن می شود، به شـرطی که عین نجـاست قبلًا از آنها زائل شـده باشـد و در موقع تابش آفتاب تر باشـند و به وسیله آفتاب خشک شوند.

[س ۸۳ لباسهای نجسی که در موقع تطهیر آب را رنگین می کنند]

س ۸۳: لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می کنند، چگونه پاک می شوند؟

ج : اگر رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها، پاک می شوند.

[س ۸۴ کسی که برای غسل جنابت آب را در ظرفی می ریزد]

س ۸۴: کسـی که برای غسـل جنـابت آب را در ظرفی می ریزد و در هنگـام غسـل قطرات آب به داخـل ظرف می چکـد، آیا موجب نجس شدن آب می گردد؟ و آیا مانع از تمام کردن غسل با آن آب می شود؟

ج : اگر آب از آن قسـمت بـدن که پـاک است به داخل ظرف بچکـد، پاک است و مانعی برای تمام کردن غسل با آن وجود ندارد.

[س ۸۵ تطهیر تنوری که با گِل آغشته به آب نجس ساخته شده است]

س ۸۵: آیا تطهیر تنوری که با گِل آغشته به آب نجس ساخته شده است ، امکان دارد؟

ج : ظاهر آن با شستن قابل تطهیر است و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می چسبد برای پختن نان کافی است .

[س ۸۶ روغن نجس با انجام فعل و انفعالات شیمیایی]

س ۸۶: آیا روغن نجس با انجام فعل و انفعالات شیمیایی بر روی آن به طوری که ماده ی آن دارای خواص جدیدی شود، بر نجاست خود باقی می ماندیا این که حکم استحاله را پیدا می کند؟

ج : برای تطهیر مواد نجس ، مجرّد انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد، کافی نیست .

[س ۸۷ بخار حمام]

س ۸۷: در روستای ما حمامی وجود دارد که سقف آن مسطح و صاف است و از آن قطرات حاصل از بخار آب بر سر استحمام کنندگان می چکد. آیا این قطرات پاک است ؟ آیا غسل بعد از چکیدن این قطرات صحیح است ؟

ج : بخار حمام و قطراتی که از سقف پاک می چکد، محکوم به طهارت است ، و چکیدن این قطرات بر بدن باعث نجاست آن نمی شود و به صحت غسل ضرر نمی رساند.

[س ۸۸ حکم فاضلاب ها بعد از تصفیه]

س ۸۸ حکم آبهای فاضلاب ها بعد از تصفیه با توجه به این که بر اساس تحقیقات علمی ، وزن آبهای فاضلاب ها در اثر اختلاط با مواد معدنی و آلودگی به میکرب ۱۰ در صد بیشتر از وزن طبیعی آب است ، اگر در این گونه آبها در

تصـفیه خانه ها تغییراتی به وجود آید و به وسـیله عملیات فیزیکی ، شیمیایی و بیولوژیکی ، مواد معدنی آلوده و میکروبها را از آن جدا سازند. به طوری که بعد از تصفیه کامل از جهت فیزیکی (رنگ ، بو، طعم) و از جهت شیمیایی (مواد معدنی آلوده) و از جهت بهـداشتی (میکروبهـای مضـر و تخم انگلهـا) به مراتب بهـداشتی تر و بهتر از آبهای بسـیاری از نهرها و دریاها بویژه آبهایی که برای آبیاری اسـتفاده می نماینـد، گردد. آیا این آبها که قبل از تصـفیه نجس هسـتند، با اعمال مـذکور پاک شده و حکم استحاله بر آنها جاری می گردد یا آن که پس از تصفیه هم محکوم به نجاست هستند؟

ج : در فرض مـذکور با مجرد جـدا سازی مواد معـدنی آلوده و میکربها و غیر آن از آبهای فاضـلابها، اسـتحاله تحقق پیدا نمی کند. مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره بخار به آب ، انجام شود.

احکام تَخَلّی

[احکام تَخَلّی از رساله حضرت امام]

بول و غائط کردن

[مسأله ۵۷ واجبات تخلی]

مسأله ۵۷ واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفنـد، اگر چه مثل خواهر و مادر (۱) با او محرم باشـند، و هم چنین از دیـوانه ممیّز و بچه هـای ممیّز (۲) که خوب و بـد را می فهمنـد، به پوشانـد ولی زن و شوهر (۳) لازم نیست عورت خود را از یکدیگر به پوشانند. (۱) (فاضل :) و برادر .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی :) هم چنین از دیوانه و بچه های ممیّز ..

(مکـارم :) هم چنین از بچّه های ممیّز .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و کسانی که در حکم آنها هسـتند (خوئی ، تبریزی : مثل کنیز و مالکش) ..

[مسأله ۵۸ لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را به پوشاند]

مسأله ۵۸ لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را به پوشاند (۱)، و اگر مثلًا با دست هم آن را به پوشاند، کافی است (۲). (۱) (بهجـت :) بلکـه در غیر نمـاز بـا دسـت هـم اگر آن را به پوشانـد کـافی است . (۲) (زنجـانی :) و هـم چنیـن اگر به جهت تاریکی یا فرو رفتن در گودال و مانند آن عورت دیده نشود، کفایت می کند.

(مکارم :) مسأله برای پوشانیدن عورت از هر چیز می توان استفاده کرد حتی با دست و آب کدر.

[مسأله تخلی و حرمت رو به قبله بودن]

مسأله ۵۹ موقع تخلّی باید (۱) طرف جلوی بدن ، یعنی شـکم و سینه (۲) رو به قبله و پشت به قبله نباشـد (۳). (۱) (سیستانی :) بایـد بنا بر احتیاط لازم .. (۲) (گلپایگـانی ، صافی :) و زانوها .. (فاضل :)ماننـد شـکم و سـینه .. (۳) (تـبریزی :) و مراد از قبله جهتی است که در حال علم و اختیار باید نماز به آن طرف خوانده شود.

(مکارم :) مسأله در موقع تخلّی بایـد رو به قبله یا پشت به قبله نباشـد و برگردانـدن عورت به تنهایی کافی نیست ، امّا اگر بـدن رو به قبله یا پشت به قبله نباشد احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله نکند.

[مسأله ۶۰ اگر موقع تخلّی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله باشد]

مسأله ۶۰ اگر موقع تخلّی طرف جلوی بـدن کسـی رو به قبله یا پشت به قبله باشـد و عورت را از قبله بگرداند کفایت نمی کند (۱)، و اگر جلـوی بـدن او رو بـه قبلـه یـا پشـت به قبله نباشـد، احتیـاط واجب آن است که عـورت را رو به قبله یـا پشت به قبله ننماید. (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط نبایـد موقع تخلّی طرف جلوی بـدن رو به قبله یا پشت به قبله باشد هر چند عورت را از قبله بگرداند ..

(سیسـتانی :) و احتیـاط واجب آن است که هنگام تخلّی ، عورت را نیز رو به قبله یا پشت به قبله ننمایـد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۹.

[مسأله ۶۱ در موقع تطهیرِ مخرج بول و غائط]

مسأله ۶۱ در موقع تطهیرِ مخرج بول و غائـط، (۱) رو به قبله و پشت به قبله بودن اشـکالی ندارد، (۲) ولی اگر در موقع استبراء، بول از مخرج بیرون آید ۳، در این حـال ، رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است . (۱) (فاضل :) یا استبراء .. (۲) (مکارم :) ولی در موقع «استبراء» احتیاط واجب ترک است .

(فاضل :) ولی احتیاط مسـتحب َاست که در این حال هم رو به قبله یا پشت به قبله نباشد. (۳) (بهجت :) یا این که بداند بول یا آب مشکوکی در حال استبراء خارج خواهد شد ..

(اراکی :) مسأله در موقع تطهیر مخرج بول و غائط، رو به قبله بودن اشکالی ندارد.

(گلپایگـانی ، خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، صـافی ، زنجانی :) مسأله احتیاط مسـتحب َآن است که طرف جلوی بـدن در موقع استبراء که احکام آن بعداً گفته می شود و موقع تطهیر مخرج بول و غائط رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

[مسأله ۶۲ اگر برای آن که نامحرم او را نبیند، مجبور شود رو به قبله بنشیند]

مسأله ۶۲ اگر برای آن که نـامحرم او را نبینـد، مجبور شود (۱) رو به قبله یـا پشت به قبله بنشـیند بایـد رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند (۲) و نیز اگر از راه دیگر (۳) ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله بنشـیند مانعی ندارد. (۱) (بهجت :) ناچار شود .. (۲) (سیسـتانی :) بنـا بر احتیـاط لازم بایـد پشت به قبله بنشـیند. [پایـان مسـأله] (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) اگر برای آن که نامحرم او را نبیند، مجبور شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند اشکال ندارد (نوری : مانعی ندارد) .. (۳) (فاضل : اگر به علت دیگر .. بهجت :) اگر از جهت دیگر ..

(مکارم :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی ۶۹، صفحه ۵۸.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان به جهتی مانند پوشاندن عورت خود از نامحرم ناچار باشد که در حال تخلی رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط در صورت امکان پشت به قبله بنشیند، و در صورتی که یا باید نامحرم غیر عورت او را ببیند و یا رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، مخیر است رو به قبله و پشت به قبله ننشیند و نامحرم او را ببیند یا این که خود را از نامحرم به پوشاند و در این صورت بنا بر احتیاط در صورت امکان پشت به قبله بنشیند.

[مسأله ۶۳ حکم تخلی بچه]

اشاره

مسأله ۶۳ احتیاط واجب (۱) آن است که بچه را در وقت تخلّی رو به قبله یا پشت به قبله ننشانند (۲)، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست (۳). (۱) (تبریزی ، سیستانی :) احتیاط مستحب.. (زنجانی :) احتیاط .. (۲) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (مکارم :) هر چند بهتر است .

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۶۸ در منزلهایی که مستراح آن رو به قبله یا پشت به قبله ساخته شده (خواه از روی عمد باشد، یا اشتباه ، یا ندانستن مسأله) باید طوری بنشینند که رو به قبله یا پشت به قبله نباشد و الّا حرام است .

(مکارم :) مسأله ۶۹ اگر قبله را نمی داند باید جستجو کند، و اگر طریقی برای جستجو نیست اگر می تواند تأخیر بیندازد، امّا در صورت ضرورت به هر طرف بنشیند اشکالی ندارد، در هواپیماها و قطارها نیز باید همین معنا را مراعات کرد.

[مسأله ۶۴ در چهار جا تخلّی حرام است]

مسأله ۶۴ در چهار جا تخلّی حرام است : اول : در کوچه های بن بست ، در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند (۱). دوم : در ملک کسی که اجازه تخلّی نداده است . سوم : در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است مثل بعضی از مدرسه ها (۲). چهارم : روی قبر مؤمنین (۳) در صورتی که بی احترامی به آنان باشد (۴). (۱) (سیستانی :) و هم چنین در کوچه ها و راههای عمومی در صورتی که موجب ضرر به عابرین باشد ..

(زنجانی :) اول : در کوچه های بن بست ، مگر همه صاحبانش اجازه دهند .. (۲) (زنجانی :) مثل دستشویی بعضی مدرسه ها .. (۳) (بهجت :) یا سایر مقامات مقدّسه دینی و مذهبی .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) (سیستانی : بلکه حتی اگر نباشد، مگر این که زمین از مباحات اصلی باشد.) و هم چنین هر جایی که تخلّی موجب هتک حرمت یکی از مقدّسات دین یا مذهب شود.

(زنجانی :) و هم چنین در جایی که بی احترامی به مؤمنی گردد یا تخلی سبب هتک حرمت یکی از مقدسات شریعت باشد.

(مکـارم :) مسـأله در چنـد محـل ـ تخلّی کردن حرام است (خواه بول یـا غائط): اوّل : در کوچه ها و جاده هایی که مسـیر مردم است . دوّم : در جایی که برای عدّه خاصّی وقف شده مانند مدرسه هایی

که مخصوص طلّاب است یا مساجدی که آبریز آن فقط برای نمازگزاران می باشد. سوّم : روی قبر مؤمن ، یا هر محل ِ دیگری که موجب بی احترامی نسبت به مؤمن یا یکی از مقدّسات شود.

[مسأله ۶۵ در سه صورت ، مخرج غائط فقط با آب پاک می شود]

مسأله ۶۵ در سه صورت ، مخرج غائط فقط با آب پاك می شود: اول : آن که با غائط، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد. دوم : آن که نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد (۱). سوم : آن که اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد. و در غیر این سه صورت می شود مخرج را با آب شست و یا به دستوری که بعداً گفته می شود با پارچه و سنگ و مانند اینها پاك کرد، اگر چه شستن با آب بهتر است . (۱) (سیستانی :) بجز رسیدن بول به مخرج غائط در زنان ..

(مکارم :) مسأله مخرج غائط را می توان با آب شست ، یا با سه قطعه کاغذ یا سنگ یا پارچه یا مانند آن تمیز کرد، مگر در صورتی که از حدّ معمول تجاوز کرده و اطراف مخرج را آلوده نموده باشد، یا نجاست دیگری مانند خون با آن بیرون آید، یا از خارج نجاستی به آن برسد، که در این حال فقط با آب پاك می شود.

در مواردی که می توان مخرج غائط را با غیر آب تمیز کرد، شستن با آب بهتر است .

[مسأله ۶۶ مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود]

مسأله ۶۶ مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود (۱)، و مردها اگر بعد از برطرف شدن بول یك مرتبه بشویند کافی است ، ولی زنها و هم چنین کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند. (۱) (اراکی :) و باید با آب دو مرتبه شسته شود. [پایان مسأله] (سیستانی :) و یك بار شستن کافی است ، گر چه احتیاط مستحب این است که دو بار شسته شود و افضل آن است که سه بار شسته شود. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی :) مسأله مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود و در کُر و جاری اگر بعد از برطرف شدن ِ بول یك مرتبه بشویند کافی است ولی با آب قلیل بنا بر احتیاط واجب باید دو مرتبه شست و بهتر آن است که سه مرتبه شسته شود.

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط باید ..

(بهجت :) مسأله مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود و اگر بعد از برطرف شدن بول یك مرتبه بشویند کافی است ولی کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می آید و یا این که از مخرج طبیعی می آید ولی از محلی که معمولًا نجس می شود به جاهای دیگر نیز برسد، احتیاط واجب آن است که بعد از برطرف شدن بول ، دو مرتبه بشویند و زن نیز حکم مرد را دارد.

(فاضل :) باید دو مرتبه بشویند خصوصاً اگر بیرون آمدن بول از آن مجرا غیر متعارف باشد.

(نوری :) احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند و نیز زن حکم مرد را

دارد و این در صورتی است که با آب قلیل بشویند، ولی با آب جاری و کُر، یک مرتبه شستن کفایت می کند.

(مکارم :) مسأله مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود، و اگر با آب قلیل بشویند واجب است دو بار بشویند، امّا با شیلنگهای متّصل به آب لوله کشی که در حکم جاری است یک مرتبه کافی است . در شستن مخرج بول و غائط فرق میان مجرای طبیعی و غیر طبیعی نیست ، ولی در مخرج غیر طبیعی غیر آب کفایت نمی کند.

(زنجانی :) مسأله مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود و در غیر آب قلیل اگر بعد از برطرف شدن بول یك مرتبه بشویند کافی است ولی با آب قلیل بنا بر احتیاط باید دو مرتبه شست و بهتر آن است که سه مرتبه شسته شود و در هر صورت اگر پس از برطرف شدن عین ، آب ادامه داشته باشد، یك مرتبه شستن به حساب می آید و لازم نیست برای محاسبه ، آب قطع گردد و دوباره بر مخرج بول جریان داشته باشد.

[مسأله ۶۷ اگر مخرج غائط را با آب بشویند]

مسأله ۶۷ اگر مخرج غائط را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد، و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۶۸ هر گاه با سنگ و کلوخ غائط را از مخرج برطرف کنند]

مسأله ۶۸ هر گاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غائط را از مخرج (۱) برطرف کنند (۲)، اگر چه پاك شدنش محل ِ تأمّل است ولی نماز خواندن مانعی ندارد (۳) و چنانچه چیزی هم به آن برسد نجس نمی شود و ذرّه های کوچک و لزوجت محل ، اشکال ندارد (۴). (۱) (بهجت :) با شرائطی که ذکر می شود .. (۲) (اراکی :) پاك می شود و بنا بر احتیاط واجب باید حد اقل با سه قطعه باشد. [پایان مسأله] (۳) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) بنا بر اظهر مخرج پاك می شود و نماز خواندن مانعی ندارد ..

(نوری :) پاك می شود و نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به آن برسد، نجس نمی شود. (۴) (بهجت :) مگر این که آن مقداری که معمولًا به وسیله سنگ و کهنه از بین می رود، باقی بماند.

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) مسأله با سنگ و کلوخ (خوئی ، سیستانی : و پارچه) و مانند اینها اگر خشك و پاك باشند می شود مخرج غائط را تطهیر کرد و چنانچه رطوبت کمی داشته باشند که به مخرج نرسد (سیستانی : که موضع را تر نکند)، اشکال ندارد. (گلپایگانی ، صافی : ولی سزاوار است از سه دفعه کمتر نباشد اگر چه أقوی آن است که پاك می شود اگر به یك مرتبه یا دو مرتبه مخرج پاکیزه شود).

(زنجـانی :) مسـأله بـا سـنگ و کلوخ و پـارچه و دسـتمال کاغـذی وماننـد اینها می شود مخرج غائط را تطهیر کرد، ولی بنا بر احتیاط باید خشک باشد و چنانچه رطوبت کمی داشته باشد که به مخرج سرایت نکند، اشکال ندارد.

(مکـارم :) مسـأله هر گاه مخرج غائط را با سه قطعه سـنگ یا کاغـذ وماننـد آن پاک کننـد و ذرّات کوچکی که معمولًا جز با آب برطرف نمی شود باقی بماند ضرری ندارد و می تواند با آن نماز بخواند.

[مسأله ۶۹ لازم نیست با سه سنگ مخرج را پاک کنند]

مسأله ۶۹ لازم نیست با سه سـنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کننـد، بلکه با اطراف یک سـنگ یا یک پارچه هم کافی است ؛ بلکه اگر با یک مرتبه هم غائط برطرف شـد کفایت می کند (۱)، ولی با اسـتخوان و سرگین و یا چیزهایی که احترام آنها لازم است ، ماننـد کاغـذی که اسم خـدا بر آن نوشـته ، اگر پـاک کنـد محل را ، نماز نمی توانـد بخوانـد. (۱) (بهجـت :) و اگر با سرگین یا استخوان پاک کنند، بنا بر أظهر پاک می شود.

پاک کردن مخرج غائط با چیزهای مقـدّس که احترام آنها لازم است ، ماننـد کاغـذی که اسم خدا یا پیامبران علیهم السـلام بر آن نوشـته شده ، حرام است و ممکن است در صورت علم و عمد، موجب کفر شود که در این صورت ، به سـبب کافر شدن ، تمام بدن نجس می شود ولی در صورت عدم علم و عمد یا غفلت یا خوانا نبودن نوشته ، أظهر حصول طهارت است .

(اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۸.

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) مسأله احتیاط واجب آن است که سـنگ (خوئی : و کلوخ) یا پارچه ای که غائط را با آن برطرف می کننـد، سه قطعه باشـد و اگر بـا سه قطعه برطرف نشود، بایـد به قـدری اضافه نمایـد تا مخرج کاملًا پاکیزه شود، ولی باقی مانـدن ذرّه های کوچکی که دیده نمی شود اشـکال ندارد؛ پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است ماننـد کاغـذی که اسم خـدا و پیغمبران بر آن نوشـته شـده حرام است و پـاک شـدن مخرج با اسـتخوان و سـرگین محل ـ اشکال است .

(گلپایگانی ، صافی :) معصیت و حرام است ..

(گلپایگانی ، صافی :) پاک شدن مخرج با استنجاء به سرگین و استخوان محل ـ اشکال است .

(تبریزی :) بنا بر احتیاط با استخوان و سرگین مخرج پاک نمی شود.

(سیسـتانی :) مسأله مخرج غائط را اگر یک مرتبه با سـنگ یا کلوخ یا پارچه کاملًا پاکیزه نمایـد کفایت می کند، ولی بهتر آن است که سه مرتبه انجـام دهـد. بلکه بـا سه قطعه هم باشـد و اگر با سه مرتبه پاکیزه نشود بایـد به قـدری اضافه نمایـد تا مخرج کاملًا پاکیزه شود، ولی باقی مانـدن اثری که معمولًا بـدون شسـتن از بین نمی رود، اشـکال نـدارد؛ پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است ماننـد کاغذی که اسم خدا و پیغمبران بر آن نوشـته شده حرام است و پاک کردن مخرج با استخوان و سرگین اشکال ندارد.

(زنجانی :) مسأله احتیاط آن است که سنگ یا پارچه ای که غائط را با آن برطرف می کنند سه قطعه باشد، بنا بر این تطهیر با سنگی که سه طرف داشته باشد خلاف احتیاط است ، هم چنین بنا بر احتیاط می بایست با سه مرتبه تطهیر صورت گیرد، هر چند با کمتر از آن مقدار نیز غائط برطرف شود و اگر با سه قطعه برطرف نشد، باید به قدری اضافه کنند تا مخرج کاملًا پاک شود،

ولی باقی مانـدن ذره های کوچکی که دیده نمی شود اشکال ندارد. پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است ماننـد کاغـذی که اسم خـدا و پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم نوشـته شده حرام است ، هم چنین بنا بر احتیاط باید از پاک کردن مخرج با اسـتخوان و سـرگین اجتناب نمود ولی اگر با آنها پاک نمود مخرج غائط پاک می شود، هر چنـد احتیاط مستحب در تکرار تطهیر با اشیاء دیگر می باشد.

(نوری :) مسأله لازم است با سه سـنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کننـد، با اطراف یک سـنگ یا یک پارچه کافی نیست و با اسـتخوان و سـرگین پـاک نمی شود و پـاک کردن بـا چیزهایی که احترام آنها لازم است ، ماننـد کاغـذی که اسم خـدا بر آن نوشته شده حرام است و اگر محل را با آن پاک کند، پاک نمی شود و نماز با آن نمی تواند بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه با سه طرف یک قطعه سـنگ ، محل ّرا پاک کند کافی است ، هم چنین با سه گوشه یک قطعه کاغذ و پارچه .

(فاضـل :) مسـأله لازم نیست با سه سـنگ یا سه قطعه پارچه مخرج را پاک کننـد، بلکه با اطراف یک سـنگ یا یک پارچه هم کـافی است ، ولی بایـد از سه دفعه کمتر نباشـد، لیکن اگر مخرج را بـا اسـتخوان و سـرگین و یـا چیزهایی که احترام آنها لازم است ، مانند کاغذی که اسم خدا بر آن نوشته شده پاک کند نمی تواند نماز بخواند.

[مسأله ۷۰ اگر شک ّکند که مخرج را تطهیر کرده یا نه]

مسأله ۱۷۰اگر شـک ّکنـد که مخرج را تطهیر کرده یا نه ، (اگر چه همیشه (۱) بعـد از بول یا غائط فوراً تطهیر می کرده) (۲)، باید (۳) خود را تطهیر نماید. (۱) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) اگر چه عادتاً همیشه .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (گلپایگانی ، اراکی ، فاضل ، بهجت ، صافی :) احتیاط واجب آن است که ..

(خوئی ، نوری ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) لازم است ..

[مسأله ۷۱ اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه]

مسأله ۱۷۱اگر بعـد از نماز شک کنـد که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه (۱)، نمازی که خوانده صحیح است (۲)، ولی برای نمازهای بعـد باید تطهیر کند. (۱) (خوئی ، زنجـانی ، تبریزی :) در صورتی که (زنجانی : مسأله را می دانسـته و) احتمال بدهد که پیش از شروع به نماز ملتفت حالش بوده ، .. (۲) (زنجانی :) و در غیر این صورت ، نمازش محکوم به بطلان است و در هر صورت بنا بر احتیاط برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

استِبراء

[مسأله ۷۲ تعریف استبراء]

مسأله ۷۲ «استبراء» عمل مستحبّی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند (۱) و آن دارای اقسامی است و بهترین آنها این است (۲) که بعد از قطع شدن بول ، اگر مخرج غائط نجس شده ، اول آن را تطهیر کنند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

(۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) برای آن که یقین کنند بول در مجرا نمانده است ..

(سیستانی :) برای آن که اطمینان کنند بول در مجرا نمانده است ..

(زنجانی :) برای خارج کردن بقایای آن انجام می دهند و در آن شرط است که پس از قطع شدن بول با انگشت سه بار از مخرج غائط تا بیخ آلت کشیده و سه بار از بیخ آلت تا سر آلت کشیده و سه بار سر آلت را فشار دهد. و بهتر آن است که استبراء به این صورت انجام گیرد که پس از قطع شدن بول ، سه بار با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا سر آلت بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

(مکارم :) به این ترتیب که چند مرتبه از بیخ آلت تا بالا دست می کشند و قسمت بالا را چند مرتبه فشار می دهند تا باقی مانده قطرات بول خارج شود، امّا استبراء از منی آن است که بعد از خروج منی ، بول کنند تا ذرّات باقی مانده خارج شود. (۲) (بهجت :) یک قسم آن که مطابق احتیاط است به این صورت می باشد ..

(سیستانی :) آن به گونه هایی انجام می شود، یکی از آنها این است ..

[مسأله ۷۳ آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می شود]

مسأله ۷۳ آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن (۱) از انسان خارج می شود (۲) (و به آن «مَذی » می گویند) پاک است (۳) و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می آید (و به آن «وَذی » گفته می شود) (۴) و آبی که گاهی بعد از بول بیرون می آید (و به آن «وَدی » می گویند) [اگر (۵) بول به آن نرسیده باشد (۶)]، پاک است . و چنانچه انسان بعد از بول استبراء کند و بعد (۷) آبی از او خارج شود و شک کند که بول است یا یکی از اینها (۸)، پاک می باشد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) با زن .. (۲) (سیستانی :) آبی که گاهی با تحریک شهوت از مرد خارج می شود .. (۳) – [عبارت «پاک است » در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر ظاهر محل ـ تطهیر شده باشد پاک است .. (فاضل :) پاک است .. (۵) (زنجانی ، بهجت :) اگر بعد از خروج .. (۶) [قسمت داخل کروشه در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۷) (صافی :) و بعد از تطهیر محل .. (۸) (بهجت :) و یا مخلوط است .. [قسمتهای داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (مکارم :) مسأله رطوبتهایی که از انسان خارج می شود غیر از بول و منی بر چند قسم است : اوّل : آبی که گاه بعد از بول بیرون می آید و کمی سفید و چسبنده است و به آن «وَدی » می گویند. دوّم : آبی که هنگام ملاعبه و بازی کردن با هم سر بیرون می آید و به آن «مَذی » می گویند. سوّم : آبی که گاه بعد از منی بیرون می آید و به آن «وذی » گویند، همه این آبها در صورتی که مجری آلوده به بول و منی نباشد، پاک است و وضو و غسل را هم باطل نمی کند. فائده استبراء از بول این

است که مجری را از بول پـاك مى کنـد یعنى اگر آب مشـکوکى بعـد از آن خـارج شود، پاك است و وضو را هم باطل نمى کند، امّا اگر اسـتبراء نکرده باید وضو را اعاده کند و محل ّرا بشوید. فائده اسـتبراء از منى این است که اگر رطوبت مشکوکى از او خـارج شود و ندانـد منى است یـا یکى از آبهـاى پـاك ، غسل نـدارد، و اگر اسـتبراء نکنـد و احتمال دهـد ذرّات منى در مجرى باقى بوده و همراه بول یا رطوبت دیگرى خارج شده باید دوباره غسل کند.

[مسأله ۷۴ اگر انسان شک کند استبراء کرده یا نه]

مسأله ۷۴ اگر انسان شک کند استبراء کرده یا نه ، (۱) و رطوبتى از او بیرون آید که نداند پاك است یا نه ، نجس مى باشد. و چنـانچه وضو گرفته باشـد باطل مى شود، ولى اگر شک کنـد اسـتبرائى که کرده درست بوده یا نه ، و رطوبتى از او بیرون آید که ندانـد پاك است یا نه ، پاك مى باشد؛ وضو را هم باطل نمى کند. (۱) (مکارم :) باید از رطوبتهاى مشکوك اجتناب کند امّا اگر اسـتبراء کرده ولى نمى داند درست بوده یا نه ، اعتناء به شک نمى کند. [پایان مسأله] (زنجانى :) مسأله اگر رطوبتى از انسان بیرون بیاید که نداند پاك است یا نه ، چنانچه استبراء نکرده باشد یا شک کند که استبراء کرده یا نه ، آن رطوبت نجس مى باشـد، و چنانچه وضو گرفته باشد باطل مى شود، ولى اگر شک کند که اسـتبرائى که کرده درست بوده یا نه ، در صورتى که مسأله را مى دانسته و احتمال مى دهد که در هنگام استبراء به شرائط صحّت آن توجه داشته ، رطوبت خارج شده پاك مى باشد و وضو را هم باطل نمى کند و در غیر این صورت ، نجس بوده و وضو را هم باطل مى کند.

[مسأله ۷۵ کسى که استبراء نکرده است]

مسأله ۷۵ کسـى که اسـتبراء نکرده اگر به واسـطه آن که مدتى از بول کردن او گذشـته ، یقین کند (۱) بول در مجرى نمانـده است (۲) و رطوبتى ببینـد و شک کنـد پاك است یا نه ، آن رطوبت پاك مى باشـد، وضو را هم باطل نمى کند. این مسأله در رسـاله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانى ، صافى :) یا اطمینان حاصل کنـد .. (سیسـتانى :) اطمینان کنـد .. (۲) (زنجانى :) کسـى که اسـتبراء نکرده یا شک کند که استبراء کرده یا نه ، اگر به جهتى ، مانند آن که مدتى از بول کردن او گذشته ، یقین کند از آن بول ، در مجرى نمانده است ..

[مسأله ۷۶ اگر انسان بعد از بول استبراء کند]

مسأله ۷۶ اگر انسان بعد از بول اسـتبراء کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتى ببیند که بداند یا بول است یا منى (۱)، واجب است احتیاطاً غسل کند، وضو هم بگیرد (۲). ولى اگر وضو نگرفته باشد فقط گرفتن وضو کافى است . (۱) (زنجانى :) نداند بول است یا منى .. (۲) (تبریزى :) لازم است وضو بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب ّغسل کند ..

[مسأله ۷۷ براى زن استبراء از بول نیست]

مسأله ۷۷ براى زن اسـتبراء از بول نیست و اگر رطوبتى ببیند و شک کند پاك است یا نه ، (۱) پاك مى باشد، وضو و غسل او

را هم باطل نمی کند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) شک کند بول است یا نه ..

مستحبّات و مکروهات تخلی

[مسأله ۷۸ مستحبات تخلی]

مسأله ۷۸ مستحب ّاست در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند، (۱) و موقع وارد شدن به مکان تخلّی ، اول پای چپ ، و موقع بیرون آمدن ، اول پای راست را بگذارد. و هم چنین مستحب ّاست در حال تخلّی سر را به پوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد. (۱) (مکارم :) که کسی مطلقاً او را نبیند، هم چنین مستحب ّاست هنگام تخلّی سر را به پوشاند. [پایان مسأله]

[مسأله ۷۹ مکروهات تخلی]

مسأله ۷۹ نشستن روبروی خورشید و ماه در موقع تخلی ، مکروه است ولی اگر عورت خود را به وسیله ای به پوشاند مکروه نیست . و نیز در موقع تخلّی ، نشستن روبروی باد و در جادّه و خیابان و کوچه و درب خانه و زیر درختی که میوه می دهد و چیز خوردن و توقّف زیاد (۱) و تطهیر کردن با دست راست ، مکروه می باشد. و هم چنین است حرف زدن در حال تخلّی ؛ ولی اگر ناچار باشد، یا ذکر خدا بگوید، اشکال ندارد. (۲) (۱) (بهجت :) در مکان تخلّی .. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مکروه نیست . (بهجت :) کراهت ندارد.

(مکارم :) مسأله این کارها در موقع تخلّی مکروه است : ۱ نشستن زیر درختان میوه ۲ نشستن در جایی که محل ّعبور و مرور مردم است ، هر چند کسی او را نبیند. ۳ نشستن اطراف خانه ها ۴ نشستن مقابل خورشید و ماه ، ولی اگر عورت خود را بپوشاند مکروه نیست . ۵ توقف زیاد ۶ سخن گفتن مگر به هنگام ضرورت ، ولی ذکر خدا در همه حال خوب است . ۷ ایستاده بول کردن ۸ بول کردن در آب ، مخصوصاً آبهای ایستاده ۹ بول کردن در سوراخ جانوران ۱۰ بول کردن در زمینهای سفت که از آن ترشّح می شود و در مقابل باد.

[مسأله ۸۰ ایستاده بول کردن]

مسأله ۸۰ ایستاده بول کردن و بول کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران و در آب ، خصوصاً آب ایستاده ، مکروه است (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۹.

[مسأله ۸۱ خودداری کردن از بول و غائط]

مسأله ۸۱ خودداری کردن از بول و غائط، مکروه است . و اگر ضرر برساند باید خودداری نکند. (۱) (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر برای بدن ضرر داشته باشد، حرام است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر برای بدن ضرر کلّی داشته باشد حرام است .

(زنجانی :) اگر موجب فساد بدن شود و ضرر اساسی داشته باشد، حرام است .

(مکارم :) اگر ضرر داشته باشد اشکال دارد.

(بهجت :) اگر به حدّی ضرر برساند که در حکم ضرر زدن ِحرام باشد، نباید خودداری کند.

[مسأله ۸۲ مستحب ّاست انسان پیش از نماز بول کند]

مسأله ۸۲ مستحب ّاست انسان پیش از نماز و پیش از خواب (۱) و پیش از جماع (۲) و بعد از بیرون آمدن منی ، بول کند.
(۱) [عبارت «پیش از خواب » در رساله آیت اللّه صافی نیست] (۲) [عبارت «پیش از جماع » در رساله آیت اللّه مکارم نیست]

احکام تخلی (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۸۹ تطهیر عشایر در ایام کوچ]

س ۸۹: عشایر بخصوص در ایام کوچ کردن ، آب کافی برای تطهیر در اختیار ندارند، آیا چوب و سنگ ریزه برای تطهیر مخرج بول کفایت می کند؟ آیا آنان می توانند با این حال نماز بخوانند؟

ج : مخرج بول جز با آب پاک نمی شود. ولی نماز کسی که توانائی تطهیر بدن خود با آب را ندارد، صحیح است .

[س ۹۰ حکم تطهیر مخرج بول و غائط]

س ۹۰: حکم تطهیر مخرج بول و غائط با آب قلیل چیست ؟

ج : برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است ، و برای طهارت مخرج غائط شستن تا مقداری که عین نجاست و آثار آن از بین برود، لازم است .

[س ۹۱ بعد از بول کردن استبراء نماید]

س ۹۱: بر حسب عادت ، نماز گزار باید بعد از بول کردن استبراء نماید. در عورت من زخمی وجود دارد که هنگام استبراء بر اثر فشار از آن خون جاری شده و با آبی که برای تطهیر استفاده می کنم مخلوط می شود و باعث نجاست بدن و لباسم می گردد. اگر استبراء نکنم احتمال دارد زخم زودتر بهبود یابد ولی با استبراء و فشاری که بر آن وارد می شود زخم باقی خواهد ماند و خوب شدن آن سه ماه طول خواهد کشید. خواهش می کنم بیان فرمائید که عمل استبراء را انجام بدهم یا خیر؟

ج : استبراء واجب نیست . و اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود. البته اگر استبراء نشود و بعد از بول کردن رطوبت مشتبه خارج شود، حکم بول را دارد.

[س ۹۲ گاهی بدون اختیار از انسان بعد از بول و استبراء رطوبتی خارج می شود]

س ۹۲: گاهی بدون اختیار از انسان بعد از بول و استبراء رطوبتی خارج می شود که شبیه بول است . آیا این رطوبت نجس است یا پاک ؟ اگر انسان بعد از مدتی بطور اتفاقی متوجه این مسأله شود، نمازهای گذشته اش چه حکمی دارد؟ آیا از حالا به بعد بر او واجب است در مورد خروج این رطوبت غیر اختیاری بررسی نماید؟

ج : اگر بعد از استبراء رطوبتی خارج شود که بول بودن آن مشکوک باشد، حکم بول را ندارد و محکوم به طهارت است ، و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست .

[س ۹۳ رطوبتی که گاهی از انسان خارج می شود]

س ۹۳: لطف بفرمایید در صورت امکان راجع به اقسام رطوبتی که گاهی از انسان خارج می شود، توضیح دهید.

ج : رطوبتی که گـاهی بعـد از خروج منی از انسـان خـارج می شود، وذی نام دارد، و رطوبتی که بعضـی از اوقات بعـد از بول خـارج می شود، ودی نامیـده می شود، و رطوبتی که بعـد از ملاعبه زن و مرد با یکـدیگر خارج می شود، مـذی نام دارد. همه این رطوبتها پاک است و باعث نقض طهارت نمی شود.

[س ۹۴ انحراف از سمت قبله در تخلی]

س ۹۴: اگر کاسه توالتها در جهت مخالف سـمتی که اعتقاد دارند قبله است ، نصب شودو بعد از مدتی متوجه شویم که جهت کاسه با جهت قبله ۲۰ تا ۲۲ درجه تفاوت دارد. آیا تغییر جهت کاسه توالت واجب است یا خیر؟

ج : انحراف از قبله به مقداری که انحراف از سمت قبله بر آن صدق کند، کافی است و اشکال ندارد.

[س ۹۵ بعد از استبراء، به شک در خروج بول اعتنا نمی شود]

س ۹۵: بر اثر بیماری در مجاری ادرار، بعد از بول و استبراء، ادرارم قطع نمی شود و رطوبت می بینم . برای معالجه به پزشک مراجعه نموده و به دستورات او عمل کردم ولی بیماری ام معالجه نشد. وظیفه شرعی من چیست ؟

ج : بعد از استبراء، به شک در خروج بول اعتنا نمی شود، و اگر یقین دارید که بول به صورت قطره قطره از شما خارج می شود، باید به وظیفه مسلوس که در رساله عملیه امام خمینی «قدس سره » ذکر شده ، عمل نمایید و تکلیفی زائد بر آن ندارید.

[س ۹۶ کیفیت استبراء]

س ۹۶: کیفیت استبراء قبل از تطهیر مخرج غایط چگونه است ؟

تفاوتی بین استبراء قبل از تطهیر مخرج غائط و بعد از تطهیر آن ، از نظر کیفیت وجود ندارد.

[س ۹۷ کشف عورت در برابر شخص دیگر]

س ۹۷: استخدام در بعضی از شرکت ها و مؤسسات مستلزم معاینات پزشکی است که گاهی مشتمل بر کشف عورت است . آیا این عمل در صورت نیاز جایز است ؟

ج : کشف عورت در برابر شخص دیگر، هر چند لازمه استخدام باشد، جایز نیست ، مگر در صورتی که ترک کار برای او مشقت آور بوده و مضطرّ به آن باشد.

[س ۹۸ تطهیر مخرج بول]

س ۹۸: در هنگام تخلّی ، مخرج بول با چند مرتبه شستن پاک می شود؟

ج : محل دفع بول بنا بر احتیاط واجب با دو مرتبه شستن با آب قلیل پاک می شود.

[س ۹۹ تطهیر مخرج مدفوع]

س ۹۹: مخرج مدفوع را چگونه می توان تطهیر کرد؟

ج : مخرج مدفوع را به دو گونه می توان تطهیر کرد: اول آن که با آب بشوید تا نجاست زائل شود و پس از آن آب کشیدن لازم نیست . دوم آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه پاک و امثال آن ، نجاست را پاک نماید و اگر با سه قطعه ، نجاست زائل نشد با قطعات دیگری آن را کاملًا پاک کند، و به جای سه قطعه می تواند از سه جای یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کند.

[نجاسات و مطهرات]

[نجاسات و مطهرات از رساله حضرت امام]

نجاسات

[مسأله ۸۳ نجاسات]

مسأله ۸۳ نجاسات یازده چیز (۱) است : اول : بـول ، دوم : غائـط، سـوم : منی ، چهـارم : مردار، پنجم : خون ، شـشم و هفتم : سگ و خوک ، هشتم : کافر، (۲) نهم : شراب ، (۳) دهم : فقّاع ، (۴) یازدهم : عرق شتر نجاستخوار. (۵) (۱) (خوئی ، بهجت ، سیستانی ، تبریزی :) ده چیز .. (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب یازده چیز .. (۲) (تبریزی :) کـافر که از طایفه یهود و نصاری و مجوس نباشد .. (فاضل :) هشتم : مشرک .. (۳) (زنجانی :) نهم : شراب و مایعهای مست کننده دیگر ..

(مکارم :) نهم : مایعات مست کننده .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) دهم : آبجو ..

(بهجت :) و مسائل مربوط به عرق جنب از حرام و عرق شتر نجاستخوار نیز در ادامه همین مسائل خواهد آمد.

(سیستانی :) دهم : عرق حیوان نجاستخوار.

(۵) (گلپایگانی ، مکارم ، صافی :) یازدهم : عرق حیوان نجاستخوار ((گلپایگانی ، صافی :) که بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد).

(زنجانی :) یازدهم : بول و غائط و عرق حیوان نجاستخوار.

[أقسام نجاسات]

(۱ خ ۲ – بول و غائط

[مسأله ۸۴ بول و غائط انسان]

مسأله ۸۴ بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می کند، نجس است (۱)، ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است . (۱) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی :) و بنا بر احتیاط واجب ((زنجانی :) و بنا بر احتیاط) باید از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند (زنجانی : مثل ماهی حرام گوشت) اجتناب کرد ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) (خوئی ، تبریزی : و بول) و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند، مثل ماهی حرام گوشت و هم چنین فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است . (سیستانی : ولی از بول حیوان حرام گوشت که خون جهنده ندارد باید بنا بر احتیاط لازم اجتناب کرد).

(بهجت :) و بنا بر احتیاط از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، در صورتی که عسر و حرج لازم نمی آید، اجتناب نمایند ..

(مکارم :) و احتیاط واجب آن است از بول حیوان حرام گوشت که خون جهنده ندارد نیز اجتناب کند، ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس و مانند آنها پاک است ، بنا بر این از فضله موش و گربه و حیوانات درنده و مانند آنها باید اجتناب کرد.

(صافی :) و بنا بر احتیاط واجب باید از بول حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند اجتناب کرد، ولی فضله آنها خواه بزرگ باشند یا کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است .

[مسأله ۸۵ فضله پرندگان حرام گوشت]

مسأله ۸۵ فضله پرندگان حرام گوشت ، نجس است (۱). (۱) (بهجت :) و فضله خفّاش بنا بر احتیاط نجس است .

(اراکی :) مسأله فضـله پرنـدگان حرام گوشت بنـا بر اقوی نجس نمی باشـد، اگر چه احتیاط مسـتحب ّاست که از آن اجتناب شود.

(گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) مسأله فضـله پرنـدگان حرام گوشت پاک است (گلپایگانی ، صافی : ولی خوب است احتیاطاً از آن اجتناب شود خصوصاً در خفّاش و مخصوصاً نسبت به بول آن).

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله بول و فضله پرندگان حرام گوشت پاک و بهتر اجتناب از آنها است .

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط، باید از فضله پرندگان حرام گوشت اجتناب کرد.

(مکارم :) مسأله فضـله و بول پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت نجس نیست ولی احتیاط مسـتحب ّپرهیز از حرام گوشت است مخصوصاً از بول خفّاش .

[مسأله ۸۶ بول و غائط حیوان نجاستخوار]

مسأله ۸۶ بول و غائط حیوان نجاستخوار (۱)، نجس است (۲) و هم چنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده ، یعنی بـا آن نزدیکی نموده (۳) و گوسفندی که استخوان آن (۴) از خوردن شیر خوک ، محکم شده است (۵). (۱) (بهجت :) که عـادت به خوردن فقـط نجـاست انسان ، بـدون اختلاط به چیز دیگری پیـدا کرده تا زمانی که اسـتبراء نشـده است .. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

(خوئی :) و هم چنین است بول و غائط گوسـفندی که شـیر خوک خورده به تفصیلی که خواهد آمد و حیوانی که انسان با آن نزدیکی نموده است .

(زنجانی :) و هم چنین است بول و غائط گوسـفندی که از خوک شـیر خورده و گوشت در بدنش روییده و اسـتخوانش از آن سخت شده است و نیز بول و غائط حیوانی که انسان با آن نزدیکی کرده است .

(تبریزی :) و هم چنین است بول و غائط گوسفندی که شیر خوک خورده ، که از آن شیر، گوشت آورده و استخوانش محکم شود یا حیوانی که انسان آن را وطی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده است .

(سیسـتانی :) و هم چنین است بول و غائـط بچه بزی که شـیر خوک خورده به تفصـیلی که در احکـام خوردنیهـا و آشامیـدنیها خواهد آمد یا حیوان چهارپایی که انسان با آن نزدیکی نموده است .

(بهجت :) و حیـوانی که انسـان آن را وطی کرده ، یعنی بـا آن نزدیکی نمـوده ، و گوسـفندی که گـوشت آن از خوردن شـیر خوک ، روییده شده است بنا بر أحوط ملحق به نجاسـتخوار است . (۳) (مکارم :) و از بول و مدفوع گوسفندی که شیر خوک خورده باید اجتناب کرد. (۴) (فاضل ، نوری :) گوسـفندی که گوشت آن .. (۵) (اراکی :) گوسـفندی که شیر خوک خورده است .

(گلپایگانی ، صافی :) گوسفند، بلکه بنا بر احتیاط لازم هر حیوان حلال گوشتی که گوشت آن از خوردن شیر خوک ، محکم شده است .

۳ منی

[مسأله ۸۷ منی حیوانی که خون جهنده دارد]

مسأله ۸۷ منی حیوانی (۱) که خون جهنـده دارد، نجس است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) منی انسان و هر حیوانی .. (۲) (مکارم :) خواه حرام گوشت باشـد یا حلال گوشت ؛ و احتیاط واجب آن است که از منی حیوانی که خون جهنده ندارد، نیز اجتناب شود.

(سیستانی :) مسأله منی مرد و هر حیوان مـذکّر حرام گوشتی که خون جهنـده دارد نجس است و رطوبتی که از زن با شـهوت خـارج می شود و موجب جنابت اوست ، به تفصـیلی که در مسأله [۳۴۶] ذکر خواهـد شـد، در حکم منی است و بنا بر احتیاط واجب باید از منی حیوان مذکّر حلال گوشتی که خون جهنده دارد اجتناب شود.

۴ مردار

[مسأله ۸۸ مردار حیوانی که خون جهنده دارد]

مسأله ۸۸ مردار حیوانی (۱) که خون جهنده دارد، نجس است ، (۲) چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معیّن شده ، آن را کشته باشند. و ماهی

چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد، پاک است . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مردار انسان و هر حیوانی .. (۲) (مکارم :) در صورتی که خودش مرده باشد؛ امّا اگر به غیر دستور شرعی آن را ذبح کرده باشند پاک است ، ولی احتیاط مستحبّ پرهیز است . بنا بر این گوشت و پوست حیواناتی که از ممالک غیر اسلامی می آورند پاک است ، ولی خوردن این گوشتها حرام است ، مگر این که یقین به ذبح شرعی آنها پیدا شود یا آورنده آن خبر دهد که ذبح شرعی شده است .

[مسأله ۸۹ چیزهایی از مردار که روح نداشته باشد]

مسأله ۸۹ چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان ، روح نداشته (۱) اگر از غیر حیوانی باشد که مثل سگ نجس است پاک می باشد. (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) پاک می باشد.

(نوری :) که روح در آن حلول نمی کند، از غیر حیوان نجس العین (حیوانی که ذاتاً نجس است مثل خوک و سگ) پاک می باشد. (مکارم :) مسأله اجزای مردار که روح ندارد مانند پشم و مو و ناخن پاک است ، ولی استخوان و قسمتی از دندان و شاخ که روح دارد یعنی اگر آسیبی به آن برسد ناراحت می شود، پاک بودن آن اشکال دارد.

[مسأله ۹۰ اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد]

مسأله ۹۰ اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد و در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند، نجس است . (مکارم :) مسأله اجزائی را که روح دارد اگر از بدن انسان یا حیوان زنده جدا کنند نجس است ، هر چند گوشت کمی باشد.

[مسأله ۹۱ پوستهای مختصر لب]

مسأله ۹۱ پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر (۱) بدن که موقع افتادنشان رسیده ، اگر چه آنها را بکنند پاک است (۲)، ولی بنا بر احتیاط واجب (۳) باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده اند اجتناب نمایند. (۱) (اراکی :) که از بدن جدا می شود، پاک است . [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (زنجانی :) و بنا بر احتیاط ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند (سیستانی : چنانچه روح نداشته باشد و به آسانی کنده شود) پاک است .

(مکارم :) مسأله پوستهایی که از لب و سر و جاهای دیگر بدن انسان جدا می شود پاک است ، امّا اگر آن را با فشار جدا کنند احتیاط واجب اجتناب است .

[مسأله ۹۲ تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می آید]

مسأله ۹۲ تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می آید (۱)، اگر پوست روی آن سفت شده باشد (۲) پاک است ، (۳) ولی ظاهر آن را باید آب کشید. (۱) (بهجت :) پاک است و بنا بر احتیاط بایـد پوست روی آن سـفت شـده باشد ولی ظاهر آن را باید آب کشید. (۲) (زنجانی :) اگر پوست روی آن کلفت شده باشد ..

(۳) (سیستانی :) هر چند پوست روی آن سفت نشده باشد پاک است ..

(فاضل :) اگر چه پوست روی آن سفت نشده باشد پاک است . [پایان مسأله]

[مسأله ۹۳ اگر برّه و بزغاله پیش از آن که علفخوار شوند بمیرند]

مسأله ۹۳ اگر برّه و بزغاله پیش از آن که علفخوار شونـد بمیرنـد (۱)، پنیر مایه ای که در شیردان آنها می باشـد پاک است ، ولی ظاهر آن را بایـد آب کشـید. (۲) (۱) (فاضـل :) اگر برّه و بزغاله بمیرنـد .. (۲) (مکـارم :) ولی بیرون آن را بنـا بر احتیاط واجب باید آب بکشند.

(سیستانی :) چنانچه ثابت نشود که معمولًا مایع است ، باید ظاهر آن را که با بدن میّت ملاقات کرده است بشویند.

[مسأله ۹۴ دواجات روان و عطر و روغن]

مسأله ۹۴ دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه (۱) می آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است . (۱) (فاضل ، بهجت ، زنجانی :) از کشورهای غیر اسلامی ..

(مکـارم :) مسـأله تمـام موادّ غـذایی و غیر غـذایی که از کشورهـای غیر اسـلامی می آورنـد، ماننـد کره و روغن و پنیر و انواع داروها و صابون و واکس و پارچه و عطر و امثال اینها، اگر انسان یقین به نجس بودن آنها نداشته باشد، پاک است .

[مسأله ۹۵ گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود]

مسأله ۹۵ گوشت و پیه و چرمی که در بـازار مسـلمانان فروخته شود پـاک است ، و هم چنین است اگر یکی از اینها در دسـت مسلمان باشد (۱)، ولی اگر بدانند آن مسـلمان از کافر گرفته و رسـیدگی نکرده که از حیوانی است که به دسـتور شـرع کشته شده یا نه ، نجس می باشد. (۱) (نوری :) و بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و احتمال بدهند آن مسلمان رسیدگی کرده که از حیوانی است که به دسـتور شـرع کشـته شـده است و نیز بدانـد مسـلمان با آن معامله پاکی نموده ، پاک است ؛ ولی اگر بداند رسیدگی نکرده ، نجس می باشد.

(اراکی :) مسأله گوشت و پیه و چرمی که از دست مسـلمانی و یا از بازار مسلمانان گرفته می شود، پاک است ، هر چند ندانند که به دستور شرع کشته شده یا نه .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله گوشت و پیه و چرمی که در بازار اسلام از دست مسلمانان گرفته شود، پاک است و اگر از دست کافر گرفته شود بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود مگر آن که بدانیم از دست مسـلمان گرفته و اگر در بازار کفّار از دست کفّار بگیرند، نجس است مگر آن که بدانیم از بلاد اسلام بوده و اگر یکی از اینها در بازار کفّار در دست مسلمان باشد احتیاط واجب اجتناب از آن است مگر آن که مسلمان با آن معامله طهارت کند و احتمال داده شود که طهارت آن را به دست

آورده که در این صورت پاک است .

(خوئی :) مسأله گوشت و پیه و چرمی که احتمال آن برود که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده پاک است ، ولی اگر از دست کافر گرفته شود یا این که دست مسلمانی باشد که از

کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه ، خوردن آن گوشت و پیه حرام است و نماز در آن چرم جایز نیست و امّا آن چه از بازار مسلمانها یا از مسلمانی گرفته شود و معلوم نباشد که از کافر گرفته شده ، یا این که احتمال آن برود که تحقیق کرده اگر چه از کافر گرفته باشد نماز خواندن در آن چرم و خوردن آن گوشت و پیه نیز جایز است .

(تبریزی :) بلکه احوط نجاست آن است ..

(سیستانی :) خوردن آن گوشت و پیه حرام است ولی نماز در آن چرم جایز است ..

(سیستانی :) اگر چه از کافر گرفته باشد خوردن آن گوشت و پیه نیز جایز است مشروط بر این که آن مسلمان در آن تصرّفی بکند که مختص ِ گوشت حلال است مانند این که برای خوردن بفروشد.

(فاضل :) مسأله گوشت و پیه و چرمی که در دست مسلمان باشد پاک است ولی اگر بدانند که آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه ، نجس نمی باشد ولی خوردن آنها حرام است و نماز در لباسی که از آن چرم باشد، جایز نیست .

(زنجانی :) مسأله گوشت و پیه و چرمی که احتمال برود از حیوانی است که به دستور شرع کشته اند در چهار صورت پاك است و خوردن آن جایز می باشد: ۱ در بازار مسلمانان تهیه شده باشد، هر چند از دست کافر گرفته شده باشد. ۲ از مکانی در سرزمین اسلام یعنی سر زمینی که مسلمانان بر آن حکومت می کنند تهیه شده باشد. در این دو صورت ، اگر از بازار غیر اسلامی یا سرزمین غیر اسلامی وارد شده باشد، چنانچه احتمال برود که در پاکی و نجسی آن تحقیق شده ، پاك ، و گر نه ، نجس است . هم چنین در برخی از فرضهای این دو صورت تفصیلی وجود دارد که در مسأله بعد خواهد آمد. ۳ اگر کسی که آن چیز در دست اوست به پاك بودن آن خبر دهد با تفصیلی که در مسأله بعد می آید. ۴ اگر ببیند که مسلمانان در آن نماز می خوانند. و در غیر آن چهار صورت ، در حکم مردار است و تمام احکام مردار بر آن بار می شود، بنا بر این نجس بوده و نماز خواندن در آن چرم جایز نیست و خوردن آن گوشت و پیه حرام است و خرید و فروش آن هم باطل است .

(مکارم :) مسأله گوشت و پوست و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته می شود، یا مسلمانی برای انسان هدیه می آورد پاك است ، ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی لازم را نکرده است ، مستحب ِاست از آن اجتناب شود ولی خوردن آن حرام می باشد.

مسأله از ۹۶ و ۱۰۴ اختصاصی

اشاره

(زنجانی :) مسأله ۱۹۶ اگر گوشت و پیه و چرم را از سرزمینی تهیه کرده باشد که بر خلاف نظر شیعه برخی از اقسام مردار را پاک می دانند مثلًا از سرزمین حنفیان و شافعیان که عقیده دارند پوست مردار با دبّاغی پاک می شود، در صورت اول و دوم که در مسأله پیش گفته شد می بایست از فروشنده سؤال شود که آیا این گوشت یا چرم مثلًا از حیوانی که به دستور شرع ذبح شده گرفته شده است یا خیر؟ در صورتی که پاسخ مثبت بود می توان احکام پاک بودن را بر آن گوشت و چرم بار کرد، مثلًا از آن گوشت خورد و در آن چرم نماز خواند، ولی نمی توان به مجرّد گفته فروشنده ، به دیگران خبر داد که این گوشت یا چرم از حیوانی است که به دستور شرع ذبح شده است ، و همین طور اگر کسی که این گوشت یا چرم در دست اوست در چنین

سرزمینی بگوید که از حیوانی است که به دستور شرع ذبح شده ، نمی توان به مجرد گفته او این مطلب را به دیگران گفت هر چند می تواند احکام پاک بودن را بر این گوشت یا چرم بار کند.

۵ خون

[مسأله ۹۶ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد]

مسأله ۹۶ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنـده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرنـد خون از آن جستن می کنـد، نجس است ؛ پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد، پاک می باشد.

[مسأله ۹۷ متخلف ذبیحه]

مسأله ۹۷ اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شـرع معیّن شـده بکشـند و خون آن به مقدار معمول (۱) بیرون آید، خونی که در بـدنش می مانـد، پاک است ، (۲) ولی اگر به علت نفس کشـیدن یا به واسـطه این که سر حیوان در جای بلندی بـوده خون به بـدن حیوان برگردد، آن خون نجس است (۳). (۱) (سیسـتانی :) به مقدار لازم .. (۲) (مکارم :) مگر این که سر حیوان را در جای بلنـد قرار دهنـد و خون به بـدن حیوان برگردد، و اگر به علّت نفس کشـیدن خون برگردد نیز احتیاط واجب اجتناب است .

(زنجـانی :) ولی اگر به علت نفس کشـیدن خون به بـدن حیوان برگردد، یـا به واسـطه این که سـر حیوان در جای بلنـدی بوده خون به مقدار متعارف بیرون نیاید آن خون نجس است ، و بنا بر احتیاط مستحب از خونی که در اجزاء محرمه از حیوان حلال گوشت مانـده ، اجتناب کنند. (۳) (گلپایگـانی ، صـافی :) و احتیـاط لازم ، اجتناب از خون باقی مانـده در اجزاءِ حرام ِ حلال گوشت است . (بهجت :) و هم چنین چیزی که با آن خون ملاقات کند آن هم نجس است .

[مسأله ۹۸ خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست]

مسأله ۹۸ خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست ، ولی به احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کند (۱) و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزننـد که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی نـدارد. (۱) (فاضل :) احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود. [پایان مسأله] (خوئی ، گلپایگانی ، اراکی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب ((زنجانی :) بنـا بر احتیـاط) از تخم مرغی که ذرّه ای خون در آن است ، بایـد اجتناب کرد ولی اگر خون ((خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) مثلًا) در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده ، سفیده پاک است .

(مکارم :) مسأله خونی که در تخم مرغ می باشد، نجس است بنا بر احتیاط واجب ، و خوردن آن نیز حرام است .

(نوری :) مسأله خونی که در تخم مرغ می باشـد، بنـا بر احتیـاط واجب نجس است ؛ ولی اگر در میـان پرده رقیقی است و آن

پرده پاره نشده است ، اجزاء تخم مرغ را نجس نمی کند.

(سیستانی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که از زرده تخم مرغی که ذره ای خون در آن می باشد اجتناب شود.

(بهجت :) مسأله از خونی که در تخم مرغ می باشد بنا بر احتیاط باید اجتناب کرد، ولی اگر خون در زرده باشد سفیده پاک است و اگر در سفیده باشد زرده پاک است .

[مسأله ۹۹ خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود نجس است]

مسأله ۹۹ خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود نجس است و شیر را نجس می کند.

[مسأله ۱۰۰ خونی که از لای دندانها می آید]

مسأله ۱۰۰ خونی که از لای دندانها می آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، (۱) پاک است (۲) و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد (۳). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اجتناب از آب دهان لازم نیست . [پایان مسأله] (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (گلپایگانی ، صافی :) پاک است ولی بهتر آن است که آن را فرو نبرند.

(زنجانی :) پاک است ولی احتیاط آن است که آن را فرو نبرند.

(مکارم :) مسأله خونی که از لثه یا جای دیگر دهان بیرون می آید هر گاه در آب دهان حل شود و از بین برود پاک است و فرو بردن آب دهان نیز در این صورت جایز است ولی عمداً این کار را نکنند.

(نوری :) مسأله خونی که از لای دندانها می آید نجس و خوردن آن حرام است ؛ ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است ؛ ولی فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال دارد.

[مسأله ۱۰۱ خونی که به واسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست می میرد]

مسأله ۱۰۱ خونی که به واسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است و اگر به آن خون بگویند (۱) در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود (۲) اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند (۳) و اگر مشقّت دارد (۴) باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود، بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه ، بر آن بگذارند (۵) و روی پارچه دست تر بکشند (۶). (۱) (بهجت :) نجس است و ..

(سیستانی :) و ظاهر گردد نجس است پس چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود به طوری که خون جزء ظاهر بدن حساب شود، اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل ، جهت وضو یا غسل مشقت زیاد دارد باید تیمم نماید. [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) اگر به آن خون بگویند در صورتی نجس است که ناخن یا پوست سوراخ شود، و در این صورت .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) اگر به آن خون بگویند نجس است و در این صورت چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل ، جهت وضو یا غسل مشقت (خوئی : مشقت زیاد) دارد باید تیمم نماید (تبریزی : و بنا بر احتیاط لازم وضو هم بگیرد به طوری که وقت وضو گرفتن ، آب وضو نجس نشود). [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) اگر به آن خون بگویند نجس است و در این صورت اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل آن را برطرف سازند ..

(زنجانی :) اگر به آن خون بگویند، نجس است و در این صورت ، چنانچه ناخن یا پوست سوراخ

شود، اگر مشقت زیاد ندارد باید برای وضو یا غسل خونی که دیده می شود بیرون آورند ..

(مکارم :) اگر به آن خون بگویند، ما دام که زیر پوست و ناخن است برای وضو و غسل و نماز اشکال ندارد، اما هر گاه سوراخ شود اگر ضرر و زحمت فوق العاده ای ندارد باید آن را بیرون آورند و اگر زحمت زیاد دارد باید برای وضو و غسل اطراف آن را شست و پارچه ای روی آن بگذارد و روی پارچه دست تر بکشد و احتیاطاً تیمم هم بکند. (۴) (زنجانی :) اگر مشقت زیاد دارد .. (۵) (اراکی :) و به وظیفه جبیره عمل نماید. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاطاً تیمم هم بکنند. (نوری :) و تیمم هم بکنند.

زنج (انی :) و اگر گذاشتن پارچه ممکن نبود، تیمم کند.

(بهجت :) همان طوری که وضو یا غسل جبیره ای می نماید.

[مسأله ۱۰۲ اگر انسان نداند که خون ، زیر پوست مرده]

مسأله ۱۰۲ اگر انسان نداند که خون ، زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده ، پاک است .

[مسأله ۱۰۳ اگر موقع جوشیدن غذا ذرّه ای خون در آن بیفتد]

مسأله ۱۰۳ اگر موقع جوشیدن غذا ذرّه ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن (۱) نجس می شود و جوشیدن و حرارت و آتش (۲)، پاک کننده نیست . این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (۲) (زنجانی :) جوشیدن و آتش ..

[مسأله ۱۰۴ زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود]

مسأله ۱۰۴ زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است ، (۱) پاک می باشد. (۱) (بهجت :) و به آن خون زرد نیز نگویند پاک است ، امّا اگر قبلًا می دانستیم خون بوده ولی حالا شکّ در خون بودن آن داشته باشیم ، نجس است .

(مکارم :) مسأله زردابه ای که گاه موقع خراشیدگی پوست یا در اطراف زخم پیدا می شود، چنانچه معلوم نباشد خون است یا با خون مخلوط شده پاک است .

مسأله ۱۰۵ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۱۱۰ پوست سرخ رنگی که بعد از شستن زخم یا هنگام بهبودی روی زخم ظاهر می شود پاک است ، مگر این که یقین حاصل شود خون در آن است .

۷ ۶ سگ و خوک

[مسأله ۱۰۵ سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند]

مسأله ۱۰۵ سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند حتّی مو (۱) و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است ولی سگ و خوک دریایی پاک است . (۱) (بهجت :) همه اجزاء، حتّی مو ..

(سیستانی :) مسأله سگ و خوک نجسند، حتّی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها.

مسأله ۱۰۶ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۱۱۲ حیوانی که از این دو، یعنی سگ و خوک متولّد گردد، یا از جفت گیری یکی از این دو با حیوان دیگری متولّد شود و به آن سگ و خوک نگویند پاک است .

۸ کافر

[مسأله ۱۰۶ کافر یعنی کسی که منکر خدا است]

مسأله ۱۰۶ کافر یعنی کسی که منکر خدا است ، یا برای خدا شریک قرار می دهد، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمّد بن عبد اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم را قبول ندارد، نجس است (۱)، و هم چنین است اگر در یکی از اینها شک داشته باشد. و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان (۲) جزء دین اسلام می دانند منکر شود چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز برگردد به انکار خدا یا توحید یا نبوّت ، نجس می باشد (۳) و اگر نداند احتیاطاً باید از او اجتناب کرد، گر چه لازم نیست . (۱) (اراکی :) و نیز بنا بر احتیاط واجب از کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین اسلام می دانند منکر شود باید اجتناب کرد. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) و نیز کسی که یکی از ضروریّات دین مبین اسلام را منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است ، نجس می باشد، و اگر نداند احتیاطاً باید از او اجتناب کرد (صافی : و نیز کافر کتابی بنا بر قول مشهور نجس است و احتیاط واجب رعایت این قول است).

(نوری :) مگر اهل کتاب ، که در آخر مسأله ذکر می شود ..

(زنجانی :) و انکار چه به قلب باشد و چه به زبان ، سبب کفر می گردد و هم چنین غُلاه (یعنی کسانی که یکی از معصومین علیهم السلام را خدا خوانده یا بگوید خدا در او حلول کرده است) و خوارج و نواصب (یعنی کسانی که اظهار دشمنی با معصومین علیهم السلام کنند) نجس اند و لکن نجاست اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان و زردشتیان بنا بر احتیاط است . و کسی که یکی از ضروریات دین مانند نماز و روزه را که تمام مسلمانان آنها را جزء دین اسلام می دانند انکار کند، چنانچه انکارش عرفاً ظهور در انکار رسالت حضرت پیامبر صلی اللّه علیه و آله داشته باشد نجس می شود، بلکه اگر ظهور در انکار رسالت هم نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از وی اجتناب کرد. (۲) (نوری :) یعنی چیزی را که مسلمانان .. (۳) (نوری :) و اگر ضروری دین بودن آن را نداند، به طوری که انکار آن به انکار خدا یا توحید یا نبوّت برنگردد، بهتر آن است که از او اجتناب کنند. کفاری که مانند یهود و نصاری اهل کتاب می باشند، ذاتاً پاک می باشند و تا هنگامی که علم به ملاقات بدن آنها با یکی از نجاسات که ذکر شد و می شود حاصل نشده است ، اجتناب لازم نیست .

(خوئی :) مسأله کافر یعنی کسی که : منکر خدا یا معاد است ، یا برای خدا شریک قرار می دهد. و هم چنین غلا (یعنی آنهایی که یکی از ائمّه علیهم السلام را خدا خوانده یا بگویند خدا در او حلول کرده است) و خوارج و نواصب (یعنی آنهایی که به ائمّه علیهم السلام اظهار دشمنی می نمایند) نجسند. و هم چنین است کسی که نبوّت یا یکی از ضروریات دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء

دین اسلام می دانند چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است منکر شود. و امّا اهل کتاب (یعنی یهود و نصاری) که پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمّد إبن عبد اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم را قبول ندارند نیز بنا بر مشهور نجس می باشند و این قول ، موافق احتیاط است پس اجتناب از آنها نیز لازم است .

(فاضل :) مسأله مشرک ، یعنی افرادی که خدایی غیر از خدای یگانه را بپرستند، (بت پرست) یا برای خدا شریک قائل باشند و دو یا چند خدا را بپرستند، نجس می باشد ولی کسانی که وحدت خدای سبحان را قبول دارند و یکی از پیامبران الهی را قبول داشته باشند (یهودیان ، مسیحیان ، زرتشتیان و صابئیان) پاک می باشند. و اهل کتاب اگر به واسطه تحریف در دین خود مشرک شده باشند حکم سایر مشرکین را دارند و نجس می باشند و هم چنین کسانی که بی دین بوده و هیچ خدایی را قبول ندارند نجس می باشند. ناصبی ها نیز که دشمن ائمه اطهار علیهم السلام هستند نجس می باشند. خوارج و نیز مسلمانانی که مشرک شده باشند و حضرت علی علیه السلام را خدا بدانند یا یکی از ضروریات دین را انکار کنند به نحوی که به انکار خدا و رسول خدا برگردد نجس می باشند.

(بهجت :) مسأله کسی که منکر خدا، یا برای خدا شریک قائل است یا پیامبری حضرت خاتم الأنبیاء محمّد بن عبد اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم را قبول ندارد و همین طور کسی که ایمان به خدا و پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم نداشته باشد، کافر و نجس می باشد. هم چنین کسی که یکی از ضروریّات دین اسلام مثل نماز یا روزه را با علم به این که ضروری دین است انکار نماید، نجس می باشد و اگر از روی تقصیر نداند و انکار نماید، احتیاطاً باید از او اجتناب کرد.

(مکارم :) مسأله کافر یعنی کسی که خدا یا پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم را قبول ندارد یا برای خدا شریکی قرار می دهد بنا بر احتیاط نجس است ، هر چند به یکی از ادیان آسمانی ، مانند آئین یهود و نصاری ایمان داشته باشد. کسی که ضروری دین اسلام یعنی چیزی را که همه مسلمانان جزء دین می دانند (مانند معاد روز قیامت و واجب بودن نماز و روزه و امثال آن) را منکر شود، چنانچه ضروری بودن آن را بداند، کافر است و اگر در ضروری بودن آن شک دارد کافر نیست ولی احتیاط مستحب آن است که از او اجتناب شود.

(تبریزی :) مسأله کافر یعنی کسی که منکر خدا یا نبوّت است و یا معترف به آن نیست و یا برای خدا شریک قرار می دهد، و هم چنین غلاه (یعنی آنهایی که یکی از ائمه علیهم السلام را خدا خوانده یا بگویند خدا در او حلول کرده است) و خوارج و نواصب (یعنی : آنهایی که با ائمه اطهار علیهم السلام دشمنی می نمایند) نجسند و امّا اهل کتاب (یعنی یهود و نصاری و مجوس) که پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمّد بن عبد اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم را قبول ندارند، نیز بنا بر مشهور نجس می باشند و این قول موافق احتیاط است و لکن بنا بر اظهر این طوایف پاکند. و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین اسلام می دانند منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است نجس می باشد.

(سیستانی :) مسأله کسی که معترف به خدا یا به یگانگی او نباشد و هم چنین غُلاه (یعنی آنهایی که یکی از ائمه علیهم السلام را خدا خوانده یا بگویند خدا در او حلول کرده است) و خوارج و نواصب

(یعنی آنهایی که به ائمه علیهم السلام اظهار دشمنی می نمایند) نجسند، و هم چنین است کسی که نبوت یا یکی از ضروریات دین مانند نماز و روزه را منکر شود اگر به نحوی باشد که مستلزم تکذیب پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم باشد هر چند فی الجمله . و امّا اهل کتاب (یعنی یهود و نصاری و مجوس) محکوم به طهارتند.

مسأله از ۱۰۷ تا ۱۱۰ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۱۱۴ کسانی که به خدا و پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم ایمان دارند، ولی وسوسه هایی برای آنها پیدا می شود و به مطالعه و تحقیق می پردازند پاکند و این وسوسه ها ضرری ندارد.

[مسأله ۱۰۷ تمام بدن کافر نجس است]

مسأله ۱۰۷ تمام بدن کافر (۱) حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است (۱) (نوری :) غیر اهل کتاب .. (فاضل :) تمام بدن مشرك ..

(مکارم :) مسأله آن چه در باره نجس بودن کافر گفته شد تمام اجزای بدن او و حتّی مو و ناخن را شامل می شود.

(زنجانی :) مسأله آن چه در مورد نجاست کافر گفته شد تمام اندام کافر، حتّی مو و ناخن و رطوبتهای او را شامل می شود.

[مسأله ۱۰۸ اگر پدر و مادر و جدّ بچّه نابالغ کافر باشند]

مسأله ۱۰۸ اگر پدر و مادر و جدّ (۱) بچّه نابالغ کافر باشند (۲) آن بچه هم نجس است (۳) و اگر یکی از اینها مسلمان باشد بچه پاك است . (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، فاضل ، بهجت ، صافی :) جدّ و جدّه .. (۲) (نوری :) اگر پدر و مادر و جدّ و جدّه بچه نابالغ ، کافر غیر اهل کتاب باشند، .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) مگر در صورتی که ممیّز و مظهر اسلام باشد ..

(سیستانی :) مگر در صورتی که ممیّز و مظهر اسلام باشد که در این صورت پاك است و اگر از پدر و مادر خود رو گردان و به مسلمانها تمایل داشته باشد و یا در حال تحقیق و بررسی باشد، حکم به نجاستش مشکل است و اگر پدر و مادر و جدّ و جدّه ، یکی از اینها مسلمان باشد به تفصیلی که در مسأله [اختصاصی ۲۱۰، صفحه ۱۲۸] خواهد آمد بچه پاك است .

(زنجانی :) مسأله طفل ممیّز اگر اظهار کفر کند، کافر و اگر اظهار اسلام کند، مسلمان است . و طفل غیر ممیّز و طفل ممیّزی

که نه اظهار کفر کرده و نه اظهار اسلام ، چنانچه پدر و مادر و نیز جدّ و جدّه نزدیک وی کافر باشند، آن بچّه هم نجس است و اگر یکی از آنان مسلمان باشد، بچّه پاک است .

(مکارم :) مسأله بچّه های کفّار به حکم آنها هستند، و بچّه های مسلمانان حتی بچّه ای که فقط پدرش مسلمان است ، پاک است ، امّا اگر فقط مادرش مسلمان باشد احتیاط، اجتناب است .

[مسأله ۱۰۹ کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه]

مسأله ۱۰۹ کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه (۱) پاک می باشد (۲) ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلًا نمی تواند زن مسلمان بگیرد (۳) و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود. (۱) (فاضل :) اگر چنانچه مسلمان یا کافر بودن آن در گذشته نیز معلوم نباشد ..

(سیستانی :) و نشانه ای هم بر اسلامش نباشد ..

(۲) (تبریزی :) و جایز است در قبرستان مسلمانان دفن شود و واجب است مثل سایر مسلمانها غسل داد و نماز خواند و دفن کرد. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر اماره ای بر اسلام او نباشد و در بلاد اسلام هم نباشد، احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلًا زن مسلمان نمی تواند با او ازدواج کند ..

(زنجانی :) مسأله کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه ، چنانچه سابقاً کافر بوده ، نجس است و چنانچه سابقاً مسلمان بوده پاک بوده و سایر احکام مسلمان را داراست و چنانچه حالت سابقه او معلوم نباشد، پاک می باشد ولی احکام دیگر مسلمان را ندارد، مثلًا نمی تواند زن مسلمان بگیرد و باید در قبرستان مسلمانان دفن نشود، مگر آن که در سرزمین اسلام باشد که ظاهراً تمام احکام مسلمان بر وی بار می شود.

(مکارم :) مسأله کسی که در جامعه اسلامی زندگی می کند و از اعتقادات او خبر نداریم ، پاک است و جستجو و تفتیش لازم نیست و نیز در جوامع غیر اسلامی چنانچه افرادی باشند که معلوم نباشد مسلمان هستند یا کافر، پاکند.

[مسأله ۱۱۰ سب النبی ص]

مسأله ۱۱۰ اگر مسلمانی (۱) به یکی از دوازده امام علیهم السلام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است (۲). (۱) (بهجت :) اگر کسی اعم- از مسلمان و غیر مسلمان .. (۲) (نوری :) و هم چنین است غلاه، یعنی کسانی که یکی از ائمه علیهم السلام را خدا می خوانند یا می گویند خدا در او حلول کرده است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله شخصی که به یکی از دوازده امام علیهم السلام (زنجانی : به یکی از معصومین علیهم السلام) از روی دشمنی دشنام دهد، نجس است (زنجانی : بلکه بنا بر احتیاط، از کسی که بدون دشمنی هم دشنام دهد اجتناب شود).

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی پناه بر خدا به خدا یا پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم یا یکی از ائمّه معصومین علیهم السلام یا فاطمه زهرا علیها السلام دشنام و ناسزا گوید یا عداوت داشته باشد کافر است .

مسائل از ۱۱۱ تا ۱۱۲ اختصاصی

اشاره

(فاضل :) مسأله ۱۱۵ اهل کتاب (یهودی و نصاری و مجوس) پاک می باشند.

(فاضل :) مسأله ۱۱۶ مرتدّ از لحاظ نجس و پاکی حکم گروهی را دارد که به دین آنها درآمده است ، بنا بر این اگر مشرک

شده باشد نجس و اگر به دین یهودی و نصرانی گرویده باشد محکوم به طهارت است .

(مکـارم :) مسأله ۱۲۰ کسـانی که در حق ـعلی علیه السـلام و سایر امامان علیهم السـلام غلوّ کننـد یعنی آن بزرگواران را خـدا بدانند یا صفات مخصوص خدایی برای آنها قائل باشند کافرند.

(مکارم :) مسأله ۱۲۱ کسانی که عقیـده به وحـدت وجود دارنـد یعنی می گوینـد در عالم هستی یک وجود بیش نیست و آن خدا است و همه موجودات عین خدا هستند، و کسانی که

معتقدند خدا در انسان یا موجود دیگری حلول کرده ، و با آن یکی شده ، یا خدا را جسم بدانند احتیاط واجب اجتناب از آنهاست .

(مکارم :) مسأله ۱۲۲ تمام فرقه های اسلامی پاکند مگر آنها که با ائمّه معصومین علیهم السلام عداوت و دشمنی دارند و خوارج و غلاه یعنی غلوّ کنندگان در حق ّائمّه علیهم السلام .

۹ شراب

[مسأله ۱۱۱ شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند]

مسأله ۱۱۱ شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است ، (۱) و اگر مثل بنگ و حشیش ، روان نباشد اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود، پاک است . (۱) (زنجانی :) و اگر مایعی زیاد آن مست کننده باشد مقدار کم آن نیز نجس است ..

(خوئی ، تبریزی :) شراب (خوئی : و نبیذی که مسکر است) نجس است و بنا بر احتیاط واجب هر چیزی که انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود روان باشد نیز نجس است ..

(بهجت :) شراب و هر چیزی که زیاد آن انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود مایع باشد نجس و خوردن آن حرام است اگر چه کم باشد یا مست کنندگی ِ آن خفیف باشد ..

(سیستانی :) مسأله شراب نجس است و غیر آن از چیزهایی که انسان را مست می کند، نجس نیست .

(مکارم :) مسأله شراب و هر مایعی که انسان را مست می کند نجس است بنا بر احتیاط واجب ، امّا اگر مثل بنگ و حشیش باشد که مخدّر و مستی آور است و ذاتاً مایع نیست پاک است ، هر چند آن را با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند، ولی استعمال آن به هر حال حرام است .

[مسأله ۱۱۲ الکل صنعتی]

مسأله ۱۱۲ الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند اینها به کار می برند (۱) اگر انسان نداند از چیزی که (۲) مست کننده و روان است درست کرده اند، پاک می باشد (۳). (۱) (خوئی :) تمام اقسامش پاک می باشد. [پایان مسأله] (تبریزی :) که خودش به تنهایی مست کننده نیست پاک می باشد. [پایان مسأله] (۲) (بهجت :) به تنهایی .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر انسان نداند که مست کننده است و یا نداند که آن را ابتداء از چیز مست کننده روان درست کرده اند پاک است .

(زنجانی :) اگر انسان نداند که مست کننده است یا نه ، پاک است .

(فاضل :) مسأله الکل سفید و طبی که الکل خالص می باشد و مصارف طبی دارد پاک می باشد. مگر این که از شراب و فقاع گرفته شده باشد که در این صورت نجس است . هم چنین مواد پاک کننده دیگر که از مشتقات الکل است و در مراکز درمانی کاربرد دارد پاک می باشد.

هم چنین الکل صنعتی که همان الکل سفید به اضافه مقداری مواد سمّی است و کاربرد صنعتی دارد پاک می باشد. ادکلن و مواد صنعتی دیگر نیز که مشتمل بر الکل می باشد پاک است .

(سیستانی :) مسأله الکل ؛ چه صنعتی ، چه طبّی ، به تمام اقسامش پاک است .

(مکارم :) مسأله الکل طبّی و صنعتی که انسان نمی داند از چیز مست کننده مایع گرفته شده پاک است ، هم چنین ادکلن و عطرها و داروهایی که با الکل طبّی یا صنعتی مخلوط است .

مسأله از ۱۱۳ تا ۱۱۴ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۱۲۵ الکلهایی که ذاتاً قابل شرب نیست یا جنبه سمّی دارد، نجس نیست ، ولی هر گاه آن را رقیق کنند و مشروب و مُسکر باشد، نوشیدنش حرام است و احتیاطاً حکم نجس دارد.

[مسأله ۱۱۳ اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید]

مسأله ۱۱۳ اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید، حرام ، ولی نجس نیست مگر آن که معلوم شود که مست کننده است (۱) و اگر به واسطه پختن جوش بیاید خوردنش حرام است ولی نجس نیست . (۱) (اراکی :) اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید، حرام و پاک بودن آن محل اشکال است ..

(خوئی ، فاضل ، تبریزی :) مسأله اگر انگور و آب انگور به خودی خود یا به واسطه پختن جوش بیاید، پاک است ولی خوردن آن حرام است .

(گلپایگانی ، صافی :) و آن چه به آتش جوش آمده اگر به آتش ، دو ثلث آن کم شود حلال می شود و آن چه به غیر آتش جوش آمده به سرکه شدن حلال می شود.

(زنجانی :) خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط نجس می باشد.

(مکارم :) مسأله هر گاه آب انگور به خودی خود جوش آید (جوش آمدنی که معمولًا مقدّمه شراب شدن است) نجس و حرام است ، ولی اگر با حرارت آتش یا غیر آن به جوش آید نجس نیست ، ولی خوردنش حرام است هم چنین آب خرما و مویز و کشمش بنا بر احتیاط واجب .

(نوری :) مسأله اگر آب انگور به خودی خود جوش بیاید نجس است و اگر بواسطه پختن جوش بیاید، خوردنش حرام است ؛ ولی نجس نیست . و اگر به واسطه جوشاندن به آتش ، دو سوّم آن کم شود حرام بودن آن نیز برطرف می شود.

(بهجت :) مسأله اگر انگور و آب انگور به واسطه پختن یا غیر آن ، جوش بیاید، بنا بر اقوی و احوط، نجس و خوردنش حرام است و باید از آن اجتناب نمود.

(سیستانی :) مسأله اگر آب انگور به خودی خود یا به واسطه پختن جوش بیاید، پاک ، ولی خوردن آن حرام است و هم چنین انگور جوشیده ، بنا بر احتیاط واجب حرام است ولی نجس نیست .

[مسأله ۱۱۴ خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند]

مسأله ۱۱۴ خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند، پاک و خوردن آنها حلال است (۱). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چه احتیاط غیر لازم آن است که از آنها اجتناب کنند.

(نوری ، زنجانی :) اگر چه احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند.

(بهجت :) اگر خود به خود یا با پختن جوش بیایند، پاک بودن و خوردن آن محل ّاشکال است .

(اراکی :) مسأله خرما و آب آن اگر جوش بیاید پاك و خوردن آن حلال است . و امّا کشمش و آب آن ، حکم انگور و آب آن را دارد.

(مکارم :) مسأله هر گاه خرما و مویز و کشمش را در غذا بریزند و بجوشد خوردن آن اشکال ندارد.

۱۰ فقّاع

[مسأله ۱۱۵ فقّاع از جو گرفته می شود]

مسأله ۱۱۵ فقّـاع که از جو گرفته می شود (۱) و به آن آبجو می گوینـد نجس است (۲)، ولی آبی که (۳) به دستور طبیب از جو می گیرند و به آن «ماء الشّعیر» می گویند پاك می باشد. (۱) (بهجت :) فقاع که غالباً از جو گرفته می شود .. (۲) (بهجت :) نجس و خوردن آن حرام است .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) غیر فقاع مانند آبی که ..

(سیستانی :) مسأله فقّاع که غالباً از جو گرفته می شود و موجب درجه خفیفی از مستی است ، حرام است و بنا بر احتیاط واجب نجس است . و امّا آب جوی که موجب هیچ گونه مستی نیست ، پاك و حلال می باشد.

(مکارم :) مسأله مشروب الکلی که از جو گرفته می شود و به آن «آبجو» می گویند حرام و از جهت نجاست مانند شراب است ، ولی آبی که برای خواص ّطبّی از جو می گیرند و به آن «ماء الشّعیر» می گویند و ابداً مسکر نیست ، پاك و حلال است .

مسأله از ۱۱۵ تا ۱۴۸ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۱۲۹ مخمّر آبجو که به آن «لوردوبیر» نیز می گویند و به صورت گردی است که مصرف طبّی دارد نه مسکر است و نه مایع ، پاك و حلال است .

عرق جُنُب از حرام

[مسأله ۱۱۶ عرق جنب از حرام ، نجس نیست]

مسأله ۱۱۶ عرق جنب از حرام ، نجس نیست ، ولی احتیـاط واجب آن است که بـا بـدن یـا لباسـی که به آن آلوده شـده ، نماز

نخوانند. (اراکی :) مسأله عرق جنب از حرام گر چه نجس بودن آن ، محل ِاشکال است ولی با بدن یا لباسی که به آن ، آلوده شده نمی توان نماز خواند.

(خوئی :) مسأله عرق جنب از حرام پاک است و بنا بر احتیاط مستحب ّنماز با آن نخوانند و نزدیکی با زن در حال حیض ، حکم جنابت از حرام را دارد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله عرق جنب از حرام پاک است چه در حال جماع بیرون آید یا بعد از آن ، از مرد باشد یا از زن ، از زنا باشد یا از لواط یا از وطی و نزدیکی کردن با حیوانات یا استمناء؛ (و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید) لکن بنا بر احتیاط واجب با بدن یا لباسی که آلوده به آن است ، نمی شود نماز خواند.

(بهجت :) مسأله عرق جنب از حرام نجس نیست ولی بنا بر أظهر و أحوط، با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده تا خشک نشده است نماز نخوانند.

(تبریزی :) مسأله عرق جنب از حرام پاك است و بنا بر احتیاط نماز با آن جائز نیست و بعید نیست احتیاط در این مسأله و مسأله [۱۱۹] واجب نباشد و نزدیکی با زن در حال حیض حکم جنابت از حرام را دارد.

(سیستانی :) مسأله عرق جنب از حرام پاك است و نماز با آن صحیح است .

(زنجانی :) مسأله عرق جنب از حرام پاك است ، ولی بنا بر احتیاط مستحب از آن اجتناب کنند، چه عرق در حال نزدیکی بیرون آید یا بعد از آن ، از مرد باشد یا از زن ، از زنا باشد، یا از لواط، یا از نزدیکی کردن با حیوانات ، یا استمناء.

(مکارم :) مسأله کسی که از طریق حرام جنب شود، خواه به واسطه زنا باشد یا لواط و یا استمناء، عرق او نجس نیست ، ولی ما دام که بدن یا لباس او عرق دارد، با آن نماز نخواند بنا بر احتیاط واجب . احتیاط مستحب آن است که از عرق جنب از حرام پرهیز شود و برای رعایت این احتیاط، بهتر است با آب ملایم غسل کند که به هنگام غسل بدن او عرق نکند، این در صورتی است که با آب قلیل غسل نماید و اگر با آب کر و مانند آن باشد اشکال ندارد، امّا بعد از پایان غسل یک بار همه بدن را آب بکشد (بنا بر احتیاط مستحب).

[مسأله ۱۱۷ اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن حرام است]

مسأله ۱۱۷ اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن ، حرام است مثلًا در روزه ماه رمضان (۱) با زن خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب (۲) باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید (۳). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (بهجت :) یا در حال حیض .. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۳) (بهجت :) در صورتی که عرق او خشك نشده ؛ و اگر وظیفه اش تیمّم باشد ولی تیمّم نکرده بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود، در حال نماز اجتناب نماید. و اگر تیمم کرده ، بنا بر اظهر اجتناب از عرقی که بعد از تیمم فوق حاصل شده حتّی اگر خشك نشده باشد، لازم نیست .

(خوئی :) عرق او حکم عرق جنب از حرام را ندارد.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب نباید با بدن و لباسی که آلوده به آن عرق است ، نماز بخواند.

(تبریزی :) عرق او پاك است و احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب از عرق خود اجتناب نماید.

(مکارم :) مسأله نزدیکی کردن با هم سر در حال عادت ماهیانه یا در حال روزه ماه مبارك رمضان حرام است و اگر عرق

کند، احتیاط واجب آن است که با آن معامله عرق جنب از حرام کند. منظور از عرق جنب از حرام عرقی است که در آن حال یا بعد از آن ، پیش از آن که غسل کند از بدن او بیرون می آید.

[مسأله ۱۱۸ عرق جنب از حرام]

مسأله ۱۱۸ اگر جنب از حرام ، به واسطه تنگی وقت ، عوض غسل ، تیمم نماید

و بعـد از تیمّم و خوانـدن نماز عرق کند (۱) بنا بر احتیاط واجب بایـد از عرق خود در نماز اجتناب نمایـد، ولی اگر به واسطه عذر دیگر تیمم کند، اجتناب لازم نیست . این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (نوری :) بعد از تیمم عرق کند ..

(اراکی :) مسأله اگر جنب از حرام به واسطه عـذری غیر از تنگی وقت ، بـدل از غسل ، تیمّم نمایـد، تا زمانی که عـذر او باقی است ، اگر عرق کنـد، اجتنـاب از آن لازـم نیست ، ولی اگر به واسـطه تنگی وقت تیمّم کرده ، پس از خوانـدن نمـاز، عرق او حکم عرق جنب از حرام را دارد.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله اگر جنب از حرام عوض غسل تیمّم نمایـد و بعـد از تیمّم عرق کنـد، تا عـذر او باقی است نماز خواندن با آن عرق مانع ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) حکم آن عرق ، حکم عرق قبل از تیمّم است (تبریزی : بنا بر احتیاط).

(زنجانی :) باز هم بنا بر احتیاط مستحب از عرق خود اجتناب نماید.

(فاضل :) مسأله اگر جنب از حرام نتوانـد غسل نماید و عوض غسل ، تیمّم نماید بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه جنب از حرام به واسـطه نداشـتن آب یا عـذر دیگر یا تنگی وقت تیمّم کند، عرقهای بدن او بعد از آن پاک و نماز خواندن با آن جایز است .

(بهجت :) مسأله اگر جنب از حرام ، بـدون عذر، به جای غسل تیمّم نماید و بعد از تیمّم عرق کند، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در حال نماز اجتناب نماید.

[مسأله ۱۱۹ اگر کسی از حرام جنب شود]

مسأله ۱۱۹ اگر کسـی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند (۱) بنا بر احتیاط واجب ، باید از عرق خود در نماز اجتناب کند، (۲) ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کنـد و بعـد از حرام ، جنب شود (۳)، عرق او وجوب اجتناب ندارد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : سیسـتانی و مکارم نیست (۱) (زنجانی :) یا اول با حلال خود نزدیکی کنـد، و بعد از حرام جنب شود، احتیاط مستحب آن است که از عرق خود اجتناب کند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که با لباس یا بدن آلوده به عرق خود نماز نخواند و اگر اول از حلال جنب شده و بعد از حرام ، نماز خواندن با آن مانع ندارد.

(خوئی :) احتیـاط مسـتحب ّ آن است که در نمـاز از عرق خود اجتنـاب نمایـد و چنانچه اوّل با حلال خود نزدیکی کنـد و بعد مرتکب حرام شود عرق او حکم عرق ِ جنب از حرام را ندارد.

(تبریزی :) احتیاط آن است که در نماز از عرق خود اجتناب نماید و چنانچه اوّل با حلال خود نزدیکی کند و بعد مرتکب حرام شود اجتناب لازم نیست .

(بهجت :) باید از عرق خود اجتناب کند؛ و اگر اوّل با حلال نزدیکی کند و سپس از حرام جنب شود، می تواند با آن نماز بخواند. (۳) (نوری :) می تواند با آن عرق نماز بخواند.

(اراکی :) مسأله اگر کسی ابتدا از حرام و سپس از حلال جنب شود و یا اول از حلال و سپس از حرام جنب شود عرق او، حکم عرق جنب از حرام دارد.

۱۱ عرق شتر نجاستخوار

[مسأله ۱۲۰ عرق شتر نجاستخوار نجس است]

مسأله ۱۲۰ عرق شتر نجاستخوار، نجس است (۱)، ولی اگر حیوانات دیگر، نجاستخوار شوند از عرق آنها اجتناب لازم نیست . (۲) (۱) (بهجت :) بنا بر اظهر پاک است اگر چه احتیاط مستحب در اجتناب است .. (۲) (اراکی :) عرق دیگر حیوانات هم ، اگر نجاستخوار شوند بنا بر احتیاط واجب نجس است .

(نوری :) و احتیاط واجب آن است که از عرق حیوانات نجاستخوار دیگر نیز، اجتناب کنند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله عرق شتر نجاستخوار و هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده ، اگر چه پاک است ، ولی نماز با آن جایز نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب باید از عرق شتر نجاستخوار و هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده اجتناب کرد.

(زنجانی :) مسأله بول و غائط و عرق حیوانی که به خوردن نجاست انسان (یعنی مدفوع او) عادت کرده نجس است .

(مکارم :) مسأله عرق شتر نجاستخوار بلکه حیوانات دیگر نجاستخوار نجس است بنا بر احتیاط واجب .

(سیستانی :) مسأله عرق شتری که به خوردن نجاست انسان عادت کرده باشد، نجس است و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب عرق حیوانات دیگری که این چنین باشند.

راه ثابت شدن نجاست

[مسأله ۱۲۱ نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود]

مسأله ۱۲۱ نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود: اول : آن که خود انسان یقین (۱) کند چیزی نجس است (۲)، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است لازم نیست از آن اجتناب نماید (۳). بنا بر این غذا خوردن در قهوه خانه و مهمان خانه هایی که مردمان لا ابالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنها غذا می خورند، اگر انسان یقین (۴) نداشته باشد غذایی را که برای او آورده اند نجس است اشکال ندارد (۵). دوم : آن که کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن

چیز نجس است (۶)، مثلًا هم سر انسان یا نوکر یا کلفت (۷) بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می باشد (۸). سوم : آن که دو مرد عـادل بگوینـد چیزی نجس است (۹) و نیز اگر یـک نفر عادل هم بگویـد چیزی نجس است ، بنا بر احتیاط واجب (۱۰) باید از آن چیز اجتناب کرد (۱۱). (۱) (گلپایگـانی ، تبریزی ، صافی :) یا اطمینان .. (۲) (سیستانی :) یقین یا از راه عقلائی ، اطمینان پیدا کند که آن چیز نجس است ..

(۳) (فاضـل :) مگر آن که به واسـطه گمـان ، اطمینانی که مردم عادی آن را علم به حساب می آورنـد حاصل شود که در این صورت اجتناب لازم است ..

(بهجـت :) اول : آن کـه خـود انسـان یقیـن یـا ظن ِ اطمینـان آور پیـدا کنـد که چیزی نجس است ، و گر نه لازم نیست از آن اجتناب کند ..

(زنجانی :) اول : آن که خود انسان یقین یا اطمینان کنـد و یا نوع مردم یقین یا اطمینان کننـد که چیزی نجس است ، و چنانچه در جـایی که نوع مردم اطمینان به نجاست ندارنـد، انسان بر خلاف متعارف اطمینان به نجاست داشـته باشـد، حکم به نجاسـت آن نمی شود. و اگر اطمینان شخصـی یا نوعی نباشد، اگر چه گمان داشـته باشد چیزی نجس است ، لازم نیست از آن اجتناب کند .. (۴) (گلپایگـانی ، صـافی ، تبریزی :) یـا اطمینان .. (۵) (مکـارم :) اول : آن که انسـان یقین پیـدا کنـد، ولی گمان حتّی گمان قوی کافی نیست ، بنا بر این غذا خوردن در بعضـی از اماکن عمومی که گاه انسان گمان قوی به نجس بودن آنها دارد، جایز است مگر آن که یقین به نجاست پیدا کند ..

(زنجانی :) تا یقین یا اطمینان شخصـی یا نوعی به نجاست غذایی که برای انسان می آورند نباشد، اشـکال ندارد .. (۶) (بهجت :) و از گفته او اطمینان حاصل گردد .. (۷) (زنجانی :) مثلًا هم سر یا خدمتکار انسان یا فروشنده .. (۸) (مکارم :) دوّم : آن که ذو الید یعنی کسـی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحب خانه و فروشـنده و خدمتکار) خبر دهد که آن چیز نجس است .. (۹) (سیسـتانی :) به شـرط آن که از سبب نجاست خبر دهند؛ مثلًا بگویند آن چیز با خون یا بول ملاقات کرده است و اگر یک مرد عـادل یـا شخصـی که مورد وثوق است خبر دهـد و اطمینـان از گفته او پیـدا نشود، احتیـاط واجب آن است که از آن چیز اجتناب شود.

(زنجانی :) و با گفتن یک مرد عادل ، نجاست ثابت نمی شود. (۱۰) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم .. (۱۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر یـک نفر عـادل ، بلکه شـخص موثّق اگر چه عـادل هم نباشـد بگویـد چیزی نجس است بایـد از آن چیز اجتناب کرد.

(فاضل :) اگر یک نفر عادل بگوید چیزی نجس است ، اجتناب از آن بنا بر احتیاط، لازم است .

(مکارم :) سوّم : دو نفر عادل و یا حتّی یک نفر گواهی دهد. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۲۲ اگر بواسطه ندانستن مسأله ، نجس بودن چیزی را نداند]

مسأله ۱۲۲ اگر بواسـطه ندانستن مسأله ، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلًا نداند عرق جنب از حرام (۱) پاک است یا نه ، باید مسأله را بپرسد (۲)، ولی اگر با این که مسأله را می دانـد، چیزی را شک کنـد پاک است یا نه ، مثلًا (۳) شک کند

آن چیز خون است یا نه ، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان ، پاک می باشد (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مثلًا نداند فضله موش .. (۲) (بهجت :) یا احتیاط نماید ..

(۳) (زنجـانی :) مثلًا شک کنـد که آن چیز فضـله موش است یا فضـله سوسک ، یا .. (۴) (گلپایگـانی ، صافی :) و تحقیق لازم نیست .

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) و وارسی کردن یا پرسیدن لازم نیست .

[مسأله ۱۲۳ چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه]

مسأله ۱۲۳ چیز نجسـی که انسـان شـک دارد پـاک شـده یا نه ، نجس است ، و چیز پاک را اگر شک کنـد نجس شـده یا نه ، پاک است (۱). و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست وارسی کند. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۲۴ اگر بداند یکی از دو ظرف که از هر دوی آنها استفاده می کند نجس شده]

اشاره

مسأله ۱۲۴ اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می کند نجس شده و نداند کدام است ، باید از هر دو اجتناب کنـد (۱)، بلکه اگر مثلًا نمی دانـد لباس خودش نجس شـده یا لباسـی که هیـچ از آن اسـتفاده نمی کنـد و مال دیگری است ، بـاز هم احتیاط آن است که از لباس خودش اجتناب نمایـد (۲)، اگر چه لازم نیست . (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، گلپایگانی ، نوری :) ولی اگر مثلًا نمی داند لباس خودش نجس شده یا لباسـی که هیچ از آن استفاده نمی کند و مال دیگری است ، از لباس خودش هم لازم نیست اجتناب نماید.

(خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی :) ولی اگر مثلًا نمی دانـد لبـاس خودش نجس شـده یا لباسـی که از تصـرّف او خارج بوده و مال دیگری می باشد، لازم نیست از لباس خودش اجتناب نماید.

(مکارم :) امّا اگر مثلًا ندانـد لباس خودش نجس شده یا لباس شـخص بیگانه ای که مورد اسـتفاده او نیست ، اجتناب لازم نمی باشد. (۲) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله اگر بداند یکی از دو یا چند ظرف یا دو یا چند لباسـی که از هر دوی آنها می تواند اسـتفاده کند نجس شده و ندانـد کـدام است ، باید از هر دو یا چند چیز اجتناب کند، ولی اگر مثلًا نداند لباسـی که می تواند از آن اسـتفاده کند نجس شده یا لباسی که عادتاً نمی تواند از آن استفاده کند، لازم نیست از لباسی که می تواند از آن استفاده کند اجتناب کند.

(صافی :) مسأله اگر بداند یکی از دو ظرفی که از هر دو اسـتفاده می کند نجس شده و نداند کدام است باید از هر دو اجتناب کنـد، ولی اگر یکی از دو لباسـی که از هر دو اسـتفاده می کند نجس شده و نداند کدام است می تواند دو نماز بخواند، با هر لباس یک نماز؛ چنانچه می توانـد از هر یک انتفاعات دیگر ببرد. بلی اگر در یکی از آنها نماز بخوانـد نمی توانـد به آن اکتفا کنـد. و اگر بـا هر دو لبـاس رطوبت ملاقـات کنـد محـل ملاقات نجس می شود چنانکه اگر با هر دو یک نماز بخوانـد نماز او باطل است .

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۳۹ افراد وسواسی نباید به علم و یقین خود در طهارت و نجاست توجه

کننـد، بلکه بایـد ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می کنند و به همان ترتیب عمل کنند، و برای ترک وسواس بهترین راه ، بی اعتنایی است .

(مکارم :) مسأله ۱۴۰ احتیـاط زیاد از حـد در مسأله طهارت و نجاست از نظر شـرع ، کار پسـندیده ای نیست ، بلکه اگر سـبب وسواس گردد، اشکال دارد.

(مکـارم :) مسأله ۱۴۱ هر گـاه گمـان کنـد چیزی نجس شـده ، تفحّص و جسـتجو و سؤال کردن لازم نیست ، و اگر جسـتجو موجب وسواس گردد، آن هم اشکال دارد.

(مکارم :) مسأله ۱۴۲ مستحب است علاوه بر رعایت مسائل مربوط به طهارت و نجاست ، نظافت و پاکیزگی در بدن و لباس و خانه و مسکن و مرکب و تمام محیط زندگی رعایت شود همان گونه که پیغمبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام رعایت می فرمودند.

راه نجس شدن چیزهای پاک

[مسأله ۱۲۵ اگر چیز پاک به چیز نجس برسد]

مسأله ۱۲۵ اگر چیز پـاک به چیز نجس برسـد و هر دو یـا یکی از آنهـا به طوری تر باشـد که تری یکی به دیگری برسـد، چیز پـاک نجس می شود (۱). و اگر تری به قـدری کم باشـد که به دیگری نرسـد، چیزی که پـاک بوده نجس نمی شود (۲). (۱) (خوئی :) و هم چنین اگر به چیز سوّمی با همان رطوبت برسد نجسـش می کند، و مشـهور فرموده اند که متَنَجّس به طور مطلق مُنَجِّس است ولی این حکم در غیر واسـطه اوّل محل ِاشکال است اگر چه بنا بر احتیاط واجب اجتناب از او لازم است «مثال »: در صورتی که دست راست به بول متنجِّس شود، آن گـاه آن دست بـا رطوبت با دست چپ ملاقات کنـد این ملاقات موجب نجاست دست چپ خواهـد بود و اگر دست چپ بعد از خشـکیدن با آب قلیل ملاقات کند آب نیز نجس می شود. ولی اگر با چیز دیگری با رطوبت ملاقات کند نجاست آن چیز محل ِاشکال است ، و احتیاط واجب در اجتناب از آن است ..

(تبریزی :) و هم چنین اگر به چیز سوّمی با همان رطوبت برسد نجسش می کند، و مشهور فرموده اند که متنجّس به طور مطلق منجّس است ، ولی این حکم در غیر واسطه اوّل و دوّم مورد اشکال واقع شده و فرموده مشهور بعید نیست .

(سیسـتانی :) ولی با تعدّد واسـطه نجس نمی شود. «مثال »: در صورتی که دست راست به بول متنجس شود، آن گاه آن دست بـا رطوبت جدیـدی بـا دست چپ ملاقـات کنـد، این ملاقات موجب نجاست دست چپ خواهـد بود و اگر دست چپ بعـد از خشـک شـدن بـا لبـاس مرطوب مثلًا ملاقات کنـد، لباس نیز نجس می شود ولی اگر آن لباس با چیز دیگری با رطوبت ملاقات کند حکم به نجاست آن چیز نمی شود .. (۲) (خوئی ، سیستانی :) اگر چه به عین نجس برسد.

(بهجت :) ولی اگر دست انسان به بدن میّتی که هنوز او را غسل نداده اند برسد اگر چه بدن میّت خشک باشد، احتیاط در این است که دست را بشوید.

(مکارم :) مسأله هر گاه چیز پاکی با چیز نجسی ملاقات کند و یکی از آن دو رطوبت داشته باشد نجس می شود، امّا اگر هر دو خشک باشند یا رطوبت به قدری کم باشد که سرایت نکند، پاک است (مگر در ملاقات چیزی با مرده انسان پیش از غسل دادن ، که احتیاط واجب اجتناب است هر چند خشک باشد).

[مسأله ۱۲۶ اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد]

مسأله ۱۲۶ اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه ، آن چیز پاک نجس نمی شود (۱). (۱) (تبریزی :) مگر حالت سابقه چیز پاک ، رطوبت مُسریه باشد.

(مکارم :) مسأله اگر در ملاقات ، یا در رطوبت داشتن شکّ کند، آن چیز نجس نمی شود.

[مسأله ۱۲۷ دو چیزی که انسان نمی داند کدام پاک و کدام نجس است]

مسأله ۱۲۷ دو چیزی که انسان نمی داند کدام پاک و کدام نجس است اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد (۱)، نجس نمی شود (۲) ولی اگر یکی از آنها قبلًا نجس بوده و انسان نداند پاک شده یا نه ، چنانچه چیز پاکی (۳) به آن برسد نجس می شود. (۱) (سیستانی :) اجتناب از آن لازم نیست ، مگر در بعضی از موارد مثل آن که حالت سابقه در هر دو نجاست باشد و یا آن که با طرف دیگر هم چیز پاک دیگری با رطوبت ملاقات کند. (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (بهجت :) با رطوبت ..

(مکارم :) مسأله هر گاه بداند قسمتی از فرش یا لباس نجس شده امّا نمی داند کدام قسمت آن است اگر دست ، به قسمتی از آن بزند نجس نمی شود، همین طور هر دو چیزی که می داند یکی از آن دو نجس شده ولی نمی داند کدام نجس است ، ملاقات با یکی از آن دو سبب نجاست نمی شود.

[مسأله ۱۲۸ زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد]

مسأله ۱۲۸ زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد، نجس می شود و جاهای دیگر آن پاک است (۱) و هم چنین است خیار و خربزه و مانند اینها. (۱) (مکارم :) مگر این که رطوبت به قدری زیاد باشد که از جایی به جای دیگر سرایت کند هم چنین خیار و خربزه و ماست و امثال آنها اگر رطوبت زیاد و مسری نداشته باشد، همان محلّ ملاقات نجس می شود.

[مسأله ۱۲۹ هر گاه شیره و روغن روان باشد]

مسأله ۱۲۹ هر گاه شیره و روغن روان باشد همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می شود (۱). ولی اگر روان نباشد نجس نمی شود. (۲) (۱) (مکارم :) اما اگر روان نباشد، به طوری که از جایی به جایی سرایت کند، فقط محل ِ ملاقات نجس است و می توان آن را برداشت و دور ریخت .

(نوری :) ولی اگر روان نباشد همان نقطه ای که نجس یا متنجس به آن اصابت کرده ، نجس است و اگر آن را با مقداری از اطرافش بردارند، بقیه پاک است .

(۲) (اراکی ، فاضل :) تمام آن نجس نمی شود (فاضل : بلکه فقط جایی که نجاست به آن رسیده نجس می شود).

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله هر گاه شیره و روغن و مانند اینها طوری باشد که اگر مقداری از آن را بردارند جای آن خالی نمی ماند، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می شود. ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند، اگر چه بعد پر شود، فقط جائی که نجاست به آن رسیده نجس می باشد. پس اگر فضله موش در آن بیفتد جائی که فضله افتاده نجس و بقیه ، پاک است .

(بهجت :) مسأله هر گاه شیره و روغن مایع باشد به طوری که اگر قدری از آن برداشته شود جای آن پر می شود، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می شود، ولی اگر مایع نباشد و یا این که مایع باشد ولی نجاست به جای دیگر سرایت نکند نجس نمی شود.

[مسأله ۱۳۰ اگر مگس یا حیوانی مانند آن ، روی چیز نجسی که تر است بنشیند]

مسأله ۱۳۰ اگر مگس یا حیوانی مانند آن ، روی چیز نجسی که تر است بنشیند (۱) و بعد روی چیز پاکی که آن هم تر است بنشیند، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده (۲)، چیز پاک نجس می شود، و اگر نداند پاک است . (۱) (مکارم :) و بعد روی چیز پاکی بنشیند نجس نمی شود، چون احتمال دارد پای این حشرات رطوبتی به خود نگیرد، امّا اگر بدانیم نجاستی را با خود حمل کرده و سرایت نموده نجس می شود. (۲) (زنجانی :) اگر یقین یا اطمینان دارد که هنگام نشستن بر روی چیز پاک ، نجاستش از بین نرفته ، آن چیز نجس می شود، بلکه اگر چنین یقین یا اطمینانی هم ندارد، آن چیز بنا بر احتیاط واجب نجس می شود. و هم چنین اگر مگس یا حیوانی مانند آن که به گونه ای تر است که تری آن به اشیاء دیگر می رسد، روی چیز نجسی بنشیند و بعد روی چیز پاکی بنشیند، چنانچه در هنگام نشستن بر روی چیز پاک ندانیم که تری آن به همان حالت سابقه مانده یا تری آن از بین رفته ، یا دیگر به اندازه ای نیست که سرایت کند، در این صورت نیز آن چیز پاک بنا بر احتیاط واجب نجس می شود.

[مسأله ۱۳۱ اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود]

مسأله ۱۳۱ اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد نجس می شود (۱) و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۳۲ اخلاطی که از بینی یا گلو می آید اگر خون داشته باشد]

مسأله ۱۳۲ اخلاطی که (۱) از بینی یا گلو می آید اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است ،

پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده ، نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده است یا نه ، پاک می باشد. (۱) (سیستانی ، زنجانی :) اخلاط غلیظی که ..

(مکـارم :) مسأله اخلاطی که از بینی یا گلو می آیـد، هر گاه غلیظ باشـد و نقطه ای از آن خون داشـته باشـد همان نقطه نجس است ، و اگر روان باشد همه نجس می شود.

[مسأله ۱۳۳ اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند]

مسأله ۱۳۳ اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند (۱) چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود، آب آفتابه نجس می شود (۲)، ولی اگر آبی که از زیر آفتابه خارج می شود در زمین فرو رود یا جاری شود به نحوی که با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب آفتابه نجس نمی شود. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در حالی که آب از آن بیرون می آید آب داخل آفتابه نجس نمی شود ولی در حالی که آب از آن بیرون نمی آید و آب نجس که در زیر آن جمع شده به واسطه سوراخ متّصل به آب داخل آفتابه باشد آب داخل آن هم نجس می شود. (۲) (بهجت :) ولی اگر آب آفتابه از داخل به بیرون با فشار جریان داشته باشد یا احتمال برود که نجاست بیرون به داخل سرایت نمی کند، حتّی اگر سطح آب بیرون و داخل مساوی هم باشد، آب آفتابه نجس نمی شود.

(نوری :) بلکه اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود، در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید از آب آفتابه اجتناب کرده ، ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب آفتابه نجس نمی شود.

(فاضل :) و اگر سوراخ آن به زمین نجس متّصل نباشد و آب زیر آفتابه با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب داخل آفتابه نجس نمی شود.

(خوئی :) مسأله اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند، چنانچه از جریان بیفتد و آب زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود آب آفتابه نجس می شود، ولی اگر آب آفتابه جریان داشته باشد نجس نمی شود.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط از آب آفتابه اجتناب شود ..

(سیستانی :) با فشار جریان داشته باشد ..

(مکارم :) مسأله هر گاه ظرفی را که ته آن سوراخ است روی زمین نجسی بگذارند چنانچه آب با فشار از آن خارج شود داخل ظرف نجس نخواهد شد.

(زنجانی :) مسأله اگر ظرفی مانند آفتابه را که پایین آن سوراخ است بر زمین نجس بگذارند چنانچه از جریان بیفتد و آب زیر آن جمع گردد که با آب ظرف یکی حساب شود، آب ظرف نجس می شود؛ ولی اگر آب ظرف جریان داشته باشد نجس نمی شود.

[مسأله ۱۳۴ اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد]

اشاره

مسأله ۱۳۴ اگر چیزی داخل بـدن شود و به نجاست برسـد، در صورتی که بعـد از بیرون آمـدن ، آلوده به نجاست نباشد پاک است ، پس اگر (اسـباب امـاله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود، یا) (۱) سوزن و چاقو و ماننـد اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمـدن ، به نجاست آلوده نباشد نجس نیست . و هم چنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد. (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست .]

(زنجانی :) مسأله اگر چیزی داخل بـدن شود در صورتی که یقین یا اطمینان کند که به عین نجاست خورده است بنا بر احتیاط نجس است و اگر نه ، پـاك است پس اگر اسـباب امـاله یـا آب آن ، در مخرج غائـط وارد شود و یقین یـا اطمینان کنـد که به غائـط خورده است ، یـا سوزن و چـاقو و ماننـد اینهـا در بـدن فرو رود و یقین یـا اطمینان کنـد که به خون رسـیده است ، بنا بر احتیاط نجس شـده است ، ولی آب دهان و بینی و ماننـد اینها که در داخل بـدن هسـتند اگر در داخل به خون برسـد و بعـد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد پاك است .

(مکـارم :) مسـأله هر گـاه چیزی ماننـد سوزن در داخـل بـدن بـا نجاستی ماننـد خون ملاقات کنـد نجس می شود بنا بر احتیاط واجب ، هر چند موقع بیرون آمدن آلوده نباشد، هم چنین است آب دهان و بینی هر گاه در داخل دهان و بینی با خون ملاقات کند احتیاط، اجتناب است .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۵۳ چیزی که نجس شـده ، مثلا دستی که با بول ملاقات کرده اگر با رطوبت با چیز پاکی ملاقات کنـد، آن هم نجس می شود.

احکام نجاسات

[مسأله ۱۳۵ نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است]

مسأله ۱۳۵ نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است ، و اگر نجس شـود بایـد فوراً آن را آب بکشـند. (خـوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی ، زنجـانی :) مسأله نجس کردن خطّ و ورق قرآن در صورتی که مسـتلزم هتک باشـد (خوئی ، تبریزی : بی اشـکال) حرام است و اگر نجس شـود بایـد فوراً آن را آب بکشـند، بلکه بنـا بر احتیـاط واجب در غیر فرض هتـک نیز نجس کردن آن حرام و آب کشیدن واجب است .

(زنجانی :) مستلزم بی احترامی به قرآن باشد بی اشکال حرام است ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط در غیر صورت بی احترامی ..

[مسأله ۱۳۶ اگر جلد قرآن نجس شود]

مسأله ۱۳۶ اگر جلـد قرآن نجس شـود (در صـورتی که بی احـترامی به قرآن باشـد) (۱) بایـد آن را آب بکشـند. (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست]

[مسأله ۱۳۷ گذاشتن قرآن روی عین نجس]

مسأله ۱۳۷ گذاشتن قرآن روی عین نجس (۱)، مانند خون و مردار (۲) اگر چه آن عین نجس خشک باشد حرام است (۳) و برداشتن قرآن از روی آن واجب می باشد. (۱) (مکارم :) چنانچه موجب بی احترامی باشد حرام است و باید آن را برداشت . (۲) (زنجانی :) در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد، حرام و برداشتن آن واجب است . (۳) (خوئی ، تبریزی :) حکم نجس کردن آن را دارد.

(سیستانی :) در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد حرام است . [پایان مسأله] (فاضل :) در صورتی که عرفاً هتک باشد حرام است ..

[مسأله ۱۳۸ نوشتن قرآن با مرکّب نجس]

مسأله ۱۳۸ نوشتن قرآن با مرکّب نجس (۱)، اگر چه یک حرف آن باشد حرام است (۲). و اگر

نوشته شود باید آن را آب بکشند (۳)، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود (۴). (۱) (مکارم :) حرام است و اگر عمداً یا سهواً نوشته شود باید آن را محو کنند یا آب بکشند. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) حکم نجس کردن آن را دارد ..

(زنجانی :) حکم نجس کردن آن را دارد. [پایان مسأله] (۳) (صافی :) و اگر ممکن نشود، به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود. (۴) (فاضل :) و چنانچه از بین نمی رود باید آن را آب بکشند.

(بهجت :) کاری کنند که عین مرکب نجس از بین برود و ورق متنجّس به آن ، آب کشیده شود.

[مسأله ۱۳۹ دادن قرآن به کافر]

مسأله ۱۳۹ احتیاط واجب آن است که از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن دست اوست در صورت امکان از او بگیرند. (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) مسأله دادن قرآن به کافر (صافی : اگر هتک و توهین شمرده شود و یا در معرض هتک باشد) حرام و گرفتن قرآن از او واجب است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله در صورتی که دادن قرآن به کافر مستلزم هتک باشد، حرام و گرفتن قرآن از او واجب است .

(فاضل :) مسأله باید از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن در دست اوست در صورت امکان از او بگیرند ولی چنانچه مقصود از دادن قرآن و یا داشتن قرآن تحقیق و مطالعه در دین باشد و نیز انسان بداند که کافری که محکوم به نجاست است با دست تر قرآن را لمس نمی کند اشکالی ندارد.

(مکارم :) مسأله دادن قرآن به دست کافر اگر موجب بی احترامی باشد حرام است و اگر امید هدایت او برود یا برای تبلیغ اسلام باشد جایز، بلکه گاهی واجب است .

[مسأله ۱۴۰ اگر چیزی که احترام آن لازم است در مستراح بیفتد]

اشاره

مسأله ۱۴۰ اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم یا امام علیه السلام (۱) بر آن نوشته شده ، در مستراح بیفتد بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد باید (۲) به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است (۳). و نیز اگر تربت (۴)

در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید (۵) تا وقتی که یقین نکرده اند به کلّی از بین رفته به آن مستراح نروند.
(۱) (زنجانی :) اسم خدا یا یکی از معصومین علیهم السلام .. (۲) (اراکی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۳) (بهجت :) آب کشیدن آن ، اگر چه خرج داشته باشد، بر کسی که آن را انداخته واجب است و اگر او این کار را نکرد یا نتوانست انجام دهد بر دیگران واجب می شود و خرج آن از بیت المال داده می شود و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، کسانی که مطّلع هستند نباید به آن مستراح بروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است ، ولی وجوب اعلام ، محل تأمّل است .. (۴) (زنجانی :) تربت کربلا .. (فاضل :) تربت سید الشّهداء علیه السلام .. (۵) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید ..

(مکارم :) مسأله هر گاه ورق قرآن و دعا یا ورقی که نام خدا یا پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و یا ائمّه علیهم السلام روی آن نوشته باشد در جای آلوده و نجسی بیفتد باید فوراً آن را بیرون آورد و آب کشید، هر چند مخارجی داشته باشد و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد احتیاط واجب آن است که اگر مستراح باشد به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده یا خطّ آن محو شده است .

نجس کردن تربت امام حسین علیه السلام حرام است و پاک کردن آن واجب و اگر در محل ّ آلوده ای بیفتد باید همانند ورق قرآن که گفته شد عمل نماید.

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۶۳ پاک کردن ورق قرآن فقط وظیفه کسی که آن را نجس کرده نیست ، بلکه اگر دیگران هم با خبر شوند وظیفه همه است که آن را پاک کنند، و اگر یکی این وظیفه را انجام دهد از دیگران ساقط می شود، ولی اگر قرآن مال دیگری است و با شستن از بین می رود یا ناقص می شود، آن کس که آن را نجس کرده باید خسارت آن را بدهد.

(مکارم :) مسأله ۱۶۵ نجس کردن مسجد حرام است و پاک کردن آن واجب است ، و شرح این مسأله در بحث احکام مسجد در مکان نمازگزار به خواست خدا خواهد آمد.

(مکارم :) مسأله ۱۶۶ بدن و لباس نمازگزار و محل ّ سجده او باید پاک باشد. شرح این مسائل نیز در بحث لباس و مکان نمازگزار خواهد آمد.

[مسأله ۱۴۱ خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است]

مسأله ۱۴۱ خوردن و آشامیدن چیز نجس ، حرام است (۱) و نیز خورانیدن عین نجس (۲) به اطفال (۳) در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می باشد، بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن خودداری کنند (۴)، ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل حرام نیست (۵). (۱) (نوری :) خوردن و آشامیدن نجس و چیز متنجس حرام است .. (۲) (مکارم :) مانند مسکرات به اطفال نیز حرام می باشد و بنا بر احتیاط واجب باید از خورانیدن غذایی که نجس شده به اطفال نیز خودداری کرد، امّا آن چه بر اثر نجس بودن دست خود آنها نجس می شود اشکال ندارد. (۳) (فاضل :) حرام می باشد، ولی اگر خود طفل غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد جلوگیری از او لازم نیست . [پایان مسأله] (۴) (بهجت :) و هم چنین است چیزهایی که پاک است ولی خوردنش حرام است بنا بر احتیاط ..

(اراکی ، نوری :) اگر ضرر هم نداشته باشد باید از آن خودداری کنند .. (۵) (بهجت :) امّا احتیاط مستحب ّ در اجتناب است .

(اراکی :) از خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل ، بنا بر احتیاط واجب ، اجتناب کنند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله خوردن و آشامیدن عین نجس مثل مردار و شراب و خورانیدن آن حتّی به اطفال حرام است بلکه باید طفل را از خوردن آن منع نمایند و خوردن و آشامیدن

چیزی که نجس شده و خورانیدن آن به اشخاص بالغ و هم چنین خورانیدن متنجّسی که ضرر دارد به اطفال ، حرام است و با عدم ضرر هم احتیاط مستحبّ ترک خورانیدن به اطفال است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله خوردن و آشامیدن چیز متنجّس حرام است و هم چنین است خوراندن آن به دیگری ؛ و در خوراندن آن به طفل یا دیوانه ، اظهر، جواز است و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد بی اشکال لازم نیست از او جلوگیری کنند.

(سیستانی :) خوراندن آن به طفل یا دیوانه جایز است ..

[کلمه «بی اشکال » در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (زنجانی :) مسأله خوردن و آشامیدن چیز نجس یا متنجس حرام است و هم چنین خوراندن آن به دیگری در صورتی که ضرر داشته باشد، و نیز خوراندن چیز مست کننده و چیزی که حیوانی مانند موش در آن مرده باشد، هر چند ضرر نداشته باشد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب باید از خوراندن سایر اشیاء نجس یا متنجس نیز خودداری کرد. خوراندن چیز مضرّ و چیز مست کننده به طفل یا دیوانه حرام است و اگر طفل یا دیوانه خود به خوردن آن اقدام کند، بر ولیّ او لازم است از وی جلوگیری کند و در غیر این دو صورت ، ظاهراً خوراندن چیز نجس جایز است و جلوگیری از آن بر ولیّ لازم نیست .

[مسأله ۱۴۲ فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می شود آن را آب کشید]

مسأله ۱۴۲ فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می شود آن را آب کشید اگر نجس بودن آن را به طرف نگویند (۱) اشکال ندارد (۲)، ولی چنانچه انسان بداند که عاریه گیرنده و خریدار، آن را در خوردن و آشامیدن (۳) استعمال می کنند باید نجاستش را به آنها بگویند (۴). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) بگویند .. (۲) (گلپایگانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (خوئی ، زنجانی :) اگر چه از قِسم خوراکی باشد. [پایان مسأله] (صافی :) ولی در غیر خوراکیها که شستن آنها متعارف نیست یا برای آن چه طهارت واقعی شرط آن نیست بکار برده می شود، اگر نگوید اشکال ندارد. (۳) (اراکی :) یا کارهایی که طهارت در آن شرط است مانند پوشیدن لباس در نماز .. (۴) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب .

(بهجت :) و اگر بداند که آن را در کار حرامی استعمال می کند اصل فروختن یا عاریه دادن ، محلّ اشکال است .

(فاضل :) مسأله فروش و عاریه دادن چیز نجس که استفاده از آن مشروط به طهارت نیست مانعی ندارد و در این فرض لازم نیست نجس بودن آن را به مشتری اطلاع دهد. امّا فروش و عاریه دادن چیز نجسی که استفاده از آن مشروط به طهارت واقعیه است در صورتی صحیح است که امکان تطهیر آن باشد و به مشتری اطلاع دهد. و فروش و عاریه دادن چیز نجسی که استفاده متعدد دارد بدون اطلاع به مشتری اشکالی ندارد و صحیح است ولی اگر می داند مشتری از آن استفاده هایی می کند که مشروط به طهارت است باید به او اطلاع دهد.

(تبریزی :) مسأله فروختن چیز نجسی که در خوردن و آشامیدن استعمال می شود و ممکن است آن را آب کشید، اگر نجس بودن آن را به طرف بگویند اشکال ندارد.

(سیستانی :) مسأله فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که قابل پاك شدن است اشکال ندارد، ولی لازم است که نجس بودن آن را به طرف بگوید، به دو شرط: اوّل : آن که طرف در معرض آن باشد که در مخالفت تکلیف شرعی واقع شود مثل این که او را در خوردن یا آشامیدن استعمال نماید و اگر این چنین نباشد، لازم نیست بگوید مثلًا نجس بودن لباسی را که طرف با آن نماز می خواند لازم نیست به او بگوید زیرا پاك بودن لباس شرط واقعی نیست . دوّم : آن که احتمال بدهد که طرف به گفته او ترتیب اثر دهد و امّا اگر بداند که ترتیب اثر نمی دهد، گفتن لازم نیست .

(مکارم :) مسأله فروختن و عاریه دادن چیز نجس اشکال ندارد و اطّلاع دادن نیز لازم نیست ، مگر در صورتی که بداند گیرنده ، آن را در خوردن و نماز و مانند آن استعمال می کند که احتیاط واجب ، اعلام است . هم چنین اگر نزد عاریه گیرنده نجس شود، به هنگام برگرداندن در همین صورت اعلام می کند.

[مسأله ۱۴۳ اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد]

مسأله ۱۴۳ اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند، لازم نیست به او بگوید (۱). (۱) (بهجت :) مگر این که با او طوری معاشرت داشته باشد که اگر نگوید، لوازم مشترك بین آن دو نجس خواهد شد.

[مسأله ۱۴۴ اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد]

مسأله ۱۴۴ اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است ، لازم نیست به آنان بگوید (۱). (۱) (بهجت :) مگر این که مثل مسأله فوق با آنها معاشرت داشته باشد.

(اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید به آنان بگوید.

(گلپایگانی :) بنا بر احتیاط لازم باید به آنان بگوید.

(خوئی ، تبریزی :) [اگر] در معرض این باشد که نجاست به مأکول و مشروب سرایت کند، باید به آنان بگوید. (مکارم :) احتیاط آن است که به او اعلام کند.

(سیستانی :) چنانچه او موجب این امر شده باشد، باید با دو شرطی که در مسأله پیش گذشت به آنان بگوید. (صافی :) وجوب

اعلام به آنان معلوم نیست .

(زنجانی :) به چهار شرط لازم است به آنان بگوید: شرط اول : آن که صاحب خانه آنها را دعوت کرده باشد و یا در مجالسی چون مجلس روضه دعوت عمومی شده باشد، پس اگر کسی بدون دعوت صاحب خانه وارد شود، بر صاحب خانه لازم نیست نجس شدن لباس یا بدن او را بگوید. شرط دوم : آن که جا یا چیز نجس به گونه ای باشد که تماس بدن یا لباس افراد با رطوبت ، با آن متعارف است مثلًا اگر دستمالی که در کنار دستشویی گذاشته می شود نجس باشد، بر صاحب خانه لازم است نجس شدن بدن یا لباس دیگران را به آنها بگوید، ولی اگر قسمتی از

دیوار اتاق که معمولًا دست تر به آنها زده نمی شود نجس باشد و بدن یا لباس دیگران با رسیدن ِ به آن نجس شود، لازم نیست به آنها گفته شود. شرط سوم : آن که در معرض آن باشد که نجاست به چیزهای خوردنی و آشامیدنی سرایت کند. شرط چهارم : آن که احتمال بدهد میهمانها به گفته او ترتیب اثر می دهند.

[مسأله ۱۴۵ اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است]

مسأله ۱۴۵ اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است ، باید (۱) به مهمانها بگوید، اما اگر یکی از مهمانها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد (۲)، ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می داند که به واسطه نگفتن (۳)، خود او (۴) هم نجس می شود باید بعد از غذا به آنان بگوید (۵). (۱) (سیستانی :) با شرط دوّمی که گذشت .. (مکارم :) بنا بر احتیاط باید .. (۲) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) فقط خودش باید اجتناب کند مگر این که با او معاشرت داشته باشند که برای جلوگیری از آلودگی خودش ، می تواند بعد از غذا خوردن به آنها بگوید تا دست و دهان خود را آب بکشند. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که ممکن است به واسطه نجس بودن آنان .. (۴) (بهجت :) لوازم خود او .. (۵) (صافی :) یا بعد از غذا به آنان بگوید یا خودش به وظیفه شخصی خود عمل کند.

(سیستانی :) چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که به واسطه نجس بودن آنان خود از جهت ابتلای به نجاست ، مبتلا به مخالفت حکم الزامی می شود باید به آنان بگوید.

(زنجانی :) چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که بداند بواسطه نجس بودن آنان لوازم منزل او نجس می شود و از نجاست آن به گونه ای غفلت کرده که باعث مثلًا خوردن چیز نجس می گردد یا سبب می گردد که در لباس یا بدن نجس نماز خوانده و دیگر در وقت ، نمازش را با لباس یا بدن ِ پاک نخواهد خواند، لازم است بعد از غذا به آنان بگوید.

[مسأله ۱۴۶ اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود]

مسأله ۱۴۶ اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود (۱) اگر بداند که صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن استعمال می کند، واجب است به او بگوید (۲). (۱) (سیستانی :) باید صاحبش را از نجس شدن آن به دو شرطی که در مسأله [۱۴۲] گذشت آگاه کند. [پایان مسأله (] فاضل :) یا بخواهد آن چیز نجس را عاریه بدهد .. (۲) (اراکی :) چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می کند مانند لباس که با آن نماز می خواند، واجب است نجس شدن آن را به او بگوید بلکه اگر در کاری هم که شرط آن پاکی است ، استعمال نمی کند بنا بر احتیاط واجب ، باید نجس شدن آن را به او خبر دهد.

(گلپایگـانی ، صافی :) چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شـرط آن پاکی و طهارت واقعی است اسـتعمال می کنـد مثل وضو و غسل ، احتیاط واجب آن است که نجس شـدن آن را به او بگویـد و اگر در کاری که شـرط آن طهارت ظاهری اسـت استعمال می کند مثل لباس نمازگزار، گفتن به او واجب نیست اگر چه مطابق با احتیاط است .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می کند، مانند ظروفی که در خوردن و آشامیدن استعمال می شود، واجب است نجس شدن آن را به او بگوید و امّا مثل لباس ، نجس شدن او را لازم نیست بگوید، اگر چه بداند صاحبش با او نماز می خواند (خوئی ، تبریزی : زیرا که پاك بودن لباس در نماز شرط واقعی نیست).

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۲.

[مسأله ۱۴۷ بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد]

مسأله ۱۴۷ بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد اگر تکلیفش هم نزدیک است اگر بگوید چیزی را آب کشیدم ، دوباره باید آن را آب کشید (۱)، ولی اگر بگوید چیزی که در دست اوست نجس است احتیاط آن است که از آن اجتناب کنند (۲) اگر چه بعید نیست اعتبار قول صبیّ مراهق . (۱) (بهجت :) مگر این که انسان بداند آن را درست آب کشیده است ولی اگر بگوید چیزی که در اختیار اوست ، نجس است ، احتیاط واجب آن است که از آن اجتناب کنند. (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) احتیاط واجب آن است که از آن اجتناب کنند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر بچّه ای که تکلیفش نزدیک است ، به پاك بودن یا نجس بودن چیزی که در دست خودش می باشد خبر دهد، پذیرفته است (صافی : به شرط حصول اطمینان) و اگر به پاکی یا نجس بودن چیزی که در دست او نیست خبر دهد، گفته اش پذیرفته نیست .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بچّه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده نباید حرف او را قبول کرد. ولی بچّه ای که تکلیفش نزدیك است اگر بگوید چیزی را آب کشیدم ، در صورتی که آن چیز در تصرّف او باشد یا آن بچّه مورد اطمینان باشد حرف او قبول می شود و هم چنین اگر بگوید چیزی نجس است .

(سیستانی :) بچه ای که ممیز است و پاکی و نجسی را به خوبی درك می کند ..

(سیستانی :) در صورتی که آن چیز در تصرف او باشد یا گفته اش مورد اطمینان باشد ..

(فاضل :) مسأله اگر بچّه ممیّزی که خوب و بد را می فهمد بگوید چیزی که در دست اوست نجس است و یا بگوید آن چیز را آب کشیدم ، بعید نیست حرف او معتبر باشد.

(مکارم :) مسأله هر گاه ذو الید یعنی کسی که چیزی در اختیار اوست خبر دهد که آن چیز، نجس یا پاك است باید قبول

کرد، خواه عـادل باشـد یـا نه ، به شـرط این که بـالغ باشـد، بنـا بر این خبر دادن غیر بـالغ در این باره قبول نیست ، مگر این که اطمینان از گفته او حاصل شود.

(زنجانی :) مسأله اگر بچه بگویـد چیزی نجس است یا چیزی را آب کشـیده و از گفته او اطمینان حاصل نشود، نباید حرف او را قبول کرد؛ ولی بچه ممیز که طهارت و نجاست را می فهمد اگر بدانیم چیزی را آب کشـیده ، می توان آن را پاک دانست ، هر چند اطمینان نداشـته باشیم که درست آب کشیده است و نیز اگر ممیز چیزی را که در دستش است بگوید نجس است و از قول او اطمینان حاصل نشود، بنا بر احتیاط باید از آن اجتناب کرد.

مُطَهِّرات

[مسأله ۱۴۸ ده چیز نجاست را پاک می کند]

اشاره

مسأله ۱۴۸ ده چیز، (۱) نجاست را پاک می کند و آنها را مطهّرات گویند: اول : آب ، دوم : زمین ، سوم : آفتاب ، چهارم : استحاله ، پنجم : انتقال ، ششم : اسلام ، هفتم : تبعیّت ، هشتم : برطرف شدن عین نجاست ، نهم : استبراءِ حیوان نجاستخوار (۲)، دهم : غائب شدن مسلمان (۳). و احکام اینها به طور تفصیل در مسائل آینده گفته می شود. (۱) (گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، فاضل :) یازده چیز ..

(خوئی ، مکارم ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) دوازده چیز .. (۲) (زنجانی :) دهم : انقلاب ، یازدهم : کم شدن دو سوم آب انگور، دوازدهم : خارج شدن خون متعارف از ذبیحه و احکام اینها به طور تفصیل در مسائل آینده گفته می شود. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) یازدهم : کم شدن دو سوم آب انگور، بنا بر قول به نجاست آن ؛ و گذشت که به جوش آمدن نجس نمی شود ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یازدهم : انقلاب ، دوازدهم : خارج شدن خون متعارف از ذبیحه ..

(فاضل :) یازدهم : سرکه شدن آب انگور .. (مکارم :) یازدهم : انقلاب ، دوازدهم : ثلثان شدن ..

(بهجت :) یازدهم : کم شدن دو سوم آب انگور ..

[اقسام مطهرات]

۱ آب

[مسأله ۱۴۹ آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند]

مسأله ۱۴۹ آب (۱) با چهار شرط، چیز نجس را پاک می کند (۲): اول : آن که مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق ِبید (۳)، چیز نجس را پاک نمی کند. دوم : آن که پاک باشد. سوم : آن که وقتی چیز نجس را می شویند، آب مضاف نشود (۴) و بو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد. (۵) چهارم : آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس ، عین نجاست (۶) در آن نباشد (۷). و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل ، یعنی آب کمتر از کر، شرطهای دیگر هم دارد که بعداً گفته می شود. (۱) (فاضل :) آب کُر .. (۲) (زنجانی :) برای تطهیر با آب چهار شرط در همه موارد لازم است : .. (۳) (زنجانی :) مانند هندوانه و گلاب .. (۴) (بهجت :) مگر این که قبل از مضاف شدن ، چیز نجس پاک شده باشد .. (۵) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) در

شستنی که بعد از آن ، شستن ِ دیگر لازم نیست باید بو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد، و در غیر آن شستن ، تغییر ضرر ندارد، مثلًا چیزی را با آب کُر یا قلیل بشویند و دو دفعه شستن در او لازم باشد، در دفعه اوّل اگر چه تغییر کند و در دفعه دوّم به آبی تطهیر کند که تغییر نکند، پاک می شود ..

(زنجانی :) سوم : آن که وقتی چیز نجس را می شویند، از مطلق بودن خارج نشود و بنا بر احوط در شستنی که بعد از آن ، شستن دیگر لازم نیست ، باید بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند و در غیر آن شستن ، تغییر ضرر ندارد، مثلًا اگر چیزی را با آب کُر یا قلیل بشوید و دو دفعه شستن در آن لازم باشد، در دفعه اوّل اگر چه تغییر کند چنانچه در دفعه دوم با آبی تطهیر کند که تغییر نکند پاک می شود .. (فاضل :) آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد ..

(۶) (بهجت :) یا چیزی که نجس شده و پاک نشده است .. (سیستانی :) اجزاء کوچک عین نجاست .. (۷) (زنجانی :) و در برخی موارد در تطهیر آب شرایط دیگری نیز لازم است که در مسائل بعد گفته می شود.

[مسأله ۱۵۰ ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست]

مسأله ۱۵۰ ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ، بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است ، اگر چه ارجح در کر و جاری یک مرتبه است (۱)، ولی ظرفی را که سگ لیسیده ، یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگر خورده ، باید اول با خاک پاک ، خاک مال کرد و بعد بنا بر احتیاط واجب ، دو مرتبه در کر یا جاری یا با آب قلیل شست (۲) و هم چنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب (۳) باید پیش از شستن خاکمال کرد. (۱) (نوری :) اگر چه أقوی کفایت یک مرتبه است ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) با آب قلیل باید سه مرتبه شست و در کُر و جاری یک مرتبه کافی است (اراکی : گر چه احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه شسته شود) .. (۲) (اراکی :) باید ابتدا با خاکی که مقداری آب بر آن ریخته شده خاکمال کرده و بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل شست ..

(گلپایگانی :) باید اول با خاک پاک ، خاکمال کرد و بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل شست ..

(صافی :) باید اول با خاک پاک خاکمال کرد و بعد با آب قلیل دو مرتبه و با کُر و جاری نیز احتیاطاً دو مرتبه شست ..

(فاضل :) ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ولی در آب کُر و جاری یک مرتبه کافی است و ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روانی خورده باید اوّل با خاک پاک خاکمال کرد و می توان خاک را با آب مخلوط کرد به نحوی که عرفاً از خاک بودن خارج نشود آن گاه ظرف را خاکمالی نمود، و بعد دو مرتبه با آب قلیل شست ، و احتیاط واجب این است که اگر با آب کُر و یا جاری شسته می شود باز دو مرتبه باشد ولی با آب باران یک مرتبه کافی است .. (۳) (اراکی :) بنا بر احتیاط مستحبّ..

(خوئی :) مسأله ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ، و در کر و جاری یک مرتبه کافی است ، ولی ظرفی را که سگ از آن آب یا چیز روان دیگر خورده باید اول با خاک با ریختن مقداری آب پاک خاکمالی کرد و بنا بر احتیاط خاک باید پاک باشد. سپس آب بریزند که خاک او زایل شود و بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا دو مرتبه قلیل شست و هم چنین ظرفی را که سگ لیسیده بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاکمالی کرد و اگر آب دهان سگ در ظرفی بریزد خاکمالی لازم نیست .

(تبریزی :) باید اول با ریختن خاک و مقداری آب پاک خاکمال کرد ..

(سیستانی :) مسأله داخل ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ، و هم چنین با آب کر و جاری و باران بنا بر احتیاط

واجب ، و ظرفی را که سگ از آن آب یا چیز روان دیگر خورده ، باید اول با خاک پاک خاکمالی کرد سپس خاک او را زایل نموده و بعد دو مرتبه با آب قلیل یا کر یا

جاری شست ، و هم چنین ظرفی را که سگ لیسیده باید پیش از شستن خاکمالی کرد، و اگر آب دهان سگ در ظرفی بریزد یا جایی از بدنش به آن اصابت کند، بنا بر احتیاط لازم باید آن را خاکمالی کرد و بعد سه مرتبه با آب شست .

(مکارم :) مسأله ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ، ولی در آب کُر یا جاری یک مرتبه کافی است ، هر چند سه مرتبه بهتر است (آبهای لوله کشی در حُکم آب جاری است).

هر گاه سگ ظرفی را لیسیده ، یا از آن ، آب یا مایع دیگری ، خورده باشد، اوّل باید آن را با خاک پاک که مخلوط با کمی آب باشد خاکمال کرد و بعد دو مرتبه در آب قلیل ، یا یک مرتبه در آب کر یا جاری شست و اگر آب دهان سگ در ظرفی بریزد، احتیاط مستحب آن است که همین کار انجام شود، امّا اگر جای دیگری از بدن سگ با رطوبت به ظرف ملاقات کند خاک مال کردن واجب نیست بلکه باید آن را در آب قلیل سه مرتبه و در آب کر یا جاری یک مرتبه شست .

(بهجت :) مسأله ظرفی که به غیر بول نجس شده اگر یک مرتبه شسته شود پاک می شود حتّی اگر با آب قلیل باشد بنا بر اقوی . ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب یا چیز مایع دیگر خورده أظهر این است که اگر با خاک ممزوج با آب ، خاک مالی شود و بعد از آن دو مرتبه با آب قلیل ، یا یک مرتبه با آب کر یا جاری شسته شود کافی است و أحوط آن است که قبل از همه اینها با خاک تنها خاک مالی شود. و هم چنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته شود بنا بر احتیاط باید پیش از شستن خاکمال کرد.

(زنجانی :) مسأله داخل کاسه نجس و مانند آن از سایر ظروف شُرب را با آب قلیل باید سه مرتبه شست و بنا بر احوط در کُر و جاری نیز سه مرتبه معتبر است و ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف ، آب یا چیز روان دیگر خورده ، باید اوّل با خاک ، خاک مالی کرده و بنا بر احتیاط، خاک باید پاک باشد، سپس دو مرتبه با آب قلیل بشویند و بنا بر احتیاط در آب کُر و جاری نیز بعد از خاکمالی ، دو مرتبه با آب بشویند. و غیر ظرف مانند دست انسان که سگ لیسیده یا از آن چیز روان خورده ، در حکم ظرف است و هم چنین چیزی را که آب دهان سگ در آن ریخته ، بنا بر احتیاط باید پیش از شستن خاک مالی کرد.

[مسأله ۱۵۱ اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده تنگ باشد]

مسأله ۱۵۱ اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده ، تنگ باشد (۱) و نشود آن را (۲) خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید کهنه به چوبی به پیچند و به توسط آن خاک را به آن ظرف بمالند (۳) و در غیر این صورت پاک شدن ظرف اشکال دارد (۴). (۱) (فاضل :) و نشود آن را به هیچ وجه خاکمال کرد در این صورت ظرف قابل پاک شدن نیست . [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید خاک را در آن بریزند و (خوئی ، تبریزی : مقداری آب ریخته) با شدّت حرکت دهند تا خاک به همه آن ظرف برسد و بعد به ترتیبی که ذکر شد، بشویند. [پایان مسأله] (زنجانی :) باید خاک را در آن بریزند و مقداری آب ریخته و به وسیله ای مانند داخل کردن چوب یا تکان شدید، آن را به تمام ظرف برسانند و بعد به ترتیبی که ذکر شد بشویند. [پایان مسأله] (۲) (اراکی :) به طور معمول .. (بهجت :) به راحتی ..

(۳) (اراکی :) خاك را به اطراف آن ظرف بمالند .. (بهجت :) خاك را درون آن ظرف بمالند ..

(مکارم :) خاك را با کمی آب به آن ظرف بمالنـد و اگر ممکن نشود مقداری خاك و کمی آب در آن بریزند و تکان دهند سپس طبق دستور [مسأله قبل] آب بکشند. (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) و اگر ممکن نیست باید خاك را در آن بریزند و (گلپایگانی ، صافی : به شدّت) حرکت دهند تا به همه آن ظرف برسد.

(بهجت :) ولی ممکن است خاك مالی را با حرکت دادن شدید خاك ممزوج با آب در همه اطراف داخل ظرف انجام داد.

[مسأله ۱۵۲ ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد]

مسأله ۱۵۲ ظرفی را که خـوك از آن ، چیز روانی بخـورد (۱)، با آب قلیل بایـد هفت مرتبه شـست و در کر و جاری نیز هفت مرتبه باید شست به احتیاط واجب (۲)، و لازم نیست آن را خاك مال کننـد (۳)، اگر چه احتیاط مستحب ّ آن است که خاك مال شود (۴)، و نیز لیسیدن خوك ملحق است به آب خوردن آن به احتیاط واجب . (۱) (گلپایگانی ، اراکی :) یا بلیسد ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) یا بلیسد یا این که در آن موش صحرایی مرده باشد ..

(صافی :) ظرفی را که خوك بلیسـد یا از آن ، چیز بخورد .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی :) در کُر و جاری یک مرتبه کافی اسـت (اراکی : گر چه احتیاط مستحب آن است که هفت مرتبه شسته شود) ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) با آب قلیل یا کُر یا جاری باید هفت مرتبه شست ..

(صافی :) در کُر و جاری نیز احتیاطاً هفت مرتبه بشویند .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله ظرفی را که خوك از آن ، چیز مایعی را خورده باید هفت مرتبه با آب شـست و لازم نیست آن را خاك مال کنند و در لیسیدن خوك و مردن موش صحرایی در آن نیز بنا بر احتیاط واجب باید هفت مرتبه شست .

(زنجـانی :) مسـأله اگر خوك کـاسه وماننـد آن از ظروف شُـرب را بلیسـد یا از آن چیز روانی بخورد، یا این که در آن موش صحرایی مرده باشد، باید هفت مرتبه با آب قلیل شـست و در آب غیر قلیل نیز بنا بر احتیاط، هفت مرتبه شستن لازم است و در هر حال لازم نیست آن را خاك مالی کنند.

(بهجت :) مسأله ظرفی را که خوك از آن چیز مایع بخورد، با آب قلیل بنا بر احتیاط بایـد هفت مرتبه شـست و در کر و جاری نیز بنا بر احتیاط واجب هفت مرتبه باید شست ، و بنا بر اظهر لازم نیست آن را خاکمال کنند، و نیز بنا بر احتیاط واجب لیسیدن خوك مانند آب خوردن آن است .

[مسأله ۱۵۳ اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند]

مسأله ۱۵۳ اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند باید سه مرتبه بشویند (۱) و بهتر است هفت مرتبه شسته شود.

(۱) (مکارم :) و دست در آن بمالند و مستحب-است هفت مرتبه شسته شود.

(بهجت :) بنا بر احتیاط باید سه مرتبه بشویند، ولی بنا بر اقوی شستن یک مرتبه کافی است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر ظرفی را که به شراب نجس شده ، با آب قلیل مثل سایر ظرفها آب بکشند پاک می شود ولی مستحب-است که آن را هفت مرتبه بشویند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ظرفی را که به شراب نجس شده باید سه مرتبه بشویند و فرقی بین آب قلیل و کر و جاری نیست .

(زنجانی :) مسأله ظرف شُربی را که به شراب نجس شده باید سه مرتبه بشویند و احتیاط مستحب آن است که هفت مرتبه بشویند و فرقی بین آب قلیل و غیر قلیل نیست .

(سیستانی :) مسأله ظرفی که به شراب نجس شده ، باید سه بار شسته شود، هر چند با آب کُر یا جاری و یا مانند آن باشد و احتیاط مستحب این است که هفت بار بشویند.

[مسأله ۱۵۴ کوزه ای که از گِل نجس ساخته شده]

مسأله ۱۵۴ کوزه ای که از گِل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته اگر در آب کر یا جاری بگذارند (۱) به هر جای آن ، که آب برسد پاک می شود. و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود (۲) باید به قدری در آب کر یا جاری (۳) بماند که آب به تمام آن فرو رود (۴) و فرو رفتن رطوبت کافی نیست . (۱) (زنجانی :) اگر در غیر آب قلیل بگذارند ..

(مکارم :) و آب در باطن آن نفوذ کند و خارج شود پاک می شود و اگر آب در آن نفوذ نکند ظاهرش پاک می شود، با آب قلیل نیز می توان ظاهر آن را شست . (۲) (بهجت :) باید بخشکانند و بعد به قدری در آب کر یا جاری بگذارند که آب به تمام آن فرو رود و احتیاط مستحب-این است که دو مرتبه بلکه سه مرتبه در آب به همین صورت قرار دهند مخصوصاً اگر به شراب و یا مردن موش بزرگ صحرایی نجس شود. (۳) (زنجانی :) در آب غیر قلیل .. (۴) (گلپایگانی ، زنجانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) و اگر ظرف رطوبتی داشته باشد که از رسیدن آب به باطن آن مانع باشد، باید خشکش نمایند و بعداً در آب کر یا جاری بگذارند.

[مسأله ۱۵۵ ظرف نجس را با آب قلیل دو جور می شود آب کشید]

مسأله ۱۵۵ ظرف نجس (۱) را با آب قلیل ، دو جور می شود آب کشید: یکی آن که سه مرتبه پر کنند و خالی کنند، دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند. (۱) (زنجانی :) کاسه نجس ..

(بهجت :) مسأله ظرفی را که به غیر بول نجس شده با آب قلیل ، به دو صورت می توان آب کشید: اول آن که بنا بر أقوی یک مرتبه از آب پر کنند و خالی کنند. دوم : یک بار قدری آب در آن بریزند و آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند و اگر به بول نجس شده باشد این کار را دو بار انجام دهند.

[مسأله ۱۵۶ اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود]

مسأله ۱۵۶ اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود، چنانچه سه مرتبه (۱) آن را از آب (۲) پر کنند و خالی کنند پاک می شود (۳) و هم چنین است اگر سه مرتبه (۴) از بالا، آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد (۵) و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می شود بیرون آورند و احتیاط واجب آن است که در هر دفعه (۶) ظرفی را که با آن آبها را بیرون می آورند (۷) آب بکشند (۸). (۱) (بهجت :) یک مرتبه .. (۲) (فاضل ، زنجانی :) آب قلیل .. (۳) (بهجت :) بنا بر أظهر .. (۴) (بهجت :) یک مرتبه .. (۵) (بهجت :) و باید آبی که ته آن جمع می شود بیرون آورند. [پایان مسأله] (فاضل :) و آبی که در ته آن جمع شده خارج کنند و در هر دفعه ظرفی را که با آن آبها را بیرون می آورند آب بکشند. (۶) (اراکی :) باید در هر دفعه .. (مکارم :) لازم است در هر دفعه .. (۷) (اراکی :) و دست خود را در صورتی که نجس شده باشد .. (۸) (خوئی ، تبریزی :) واجب است ((سیستانی :) احتیاط مستحب است) که در مرتبه دوّم و سوّم ظرفی را که با آن آبها را بیرون می آورند، آب بکشند.

(زنجانی :) واجب است که در مرتبه دوّم و سوّم ، اول ؛ ظرفی را که با آن آبها را بیرون می آورند، آب بکشند.

[مسأله ۱۵۷ اگر مِس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند]

مسأله ۱۵۷ اگر مِس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند، ظاهرش پاک می شود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (زنجانی :) مسأله هر گاه جسم نجسی مانند اجسام فلزی یا پلاستیکی را آب کنند همه جای آن نجس می شود و اگر پس از انجماد آن را آب بکشند ظاهرش پاک می شود. (مکارم :) مسأله هر گاه فلز نجس را آب بکشند ظاهرش پاک می شود، هر چند اعماقش هنگامی که ذوب شده نجس شده باشد.

[مسأله ۱۵۸ تنوری که به بول نجس شده است]

مسأله ۱۵۸ تنوری که به بول نجس شده است ، اگر دو مرتبه (۱) از بالاـ آب در آن بریزند به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد پاک می شود. (۲) و در غیر بول اگر بعد از برطرف شدن نجاست (۳) یک مرتبه به دستوری که گفته شد آب در آن بریزند، کافی است . (۴) و بهتر است که گودالی ته آن بکنند تا آبها در آن جمع شود و بیرون بیاورند، بعد آن گودال را با خاک پاک پر کنند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (سیستانی :) یک مرتبه .. (۲) (سیستانی :) و احتیاط مستحب آن است که این کار را دو مرتبه انجام دهد .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) اگر با برطرف شدن نجاست .. (۴) (زنجانی :) و بنا بر احتیاط در هر دفعه به طریقی آب را خارج کنند هر چند به این نحو که گودالی ته آن بکنند تا آبها در آن جمع شود و بیرون بیاورند.

[مسأله ۱۵۹ اگر چیز نجس را یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند]

مسأله ۱۵۹ اگر چیز نجس را (بعد از برطرف کردن عین نجاست ،) (۱) یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها را (۲) طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود (۳). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۲) (بهجت :) اگر با آب قلیل شسته شود .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست .

(خوئی ، تبریزی :) در فرش و لباس و مانند اینها فشار یا مانند آن از مالیدن پا یا لگد کردن (تبریزی : مالیدن یا لگد کردن) لازم است و در صورتی که لباس و مانند آنها متنجّس به بول باشد در کر نیز دو مرتبه شستن لازم است .

(سیستانی :) در فرش و لباس و مانند اینها فشار یا مانند آن از مالیدن یا لگد کردن لازم نیست و در صورتی که بدن یا لباس متنجّس به بول باشد، در کُر و مانند آن نیز دو مرتبه شستن لازم است ولی در آب جاری با یک بار شستن پاک می شود.

(مکارم :) مسأله اگر چیز نجسی را با آب کر یا جاری یا آب لوله کشی بشویند تا عین نجاست برطرف شود یا بعد از برطرف کردن عین نجس در آب کر یا جاری فرو برند پاک می شود، ولی فرش و لباس و مانند آن را باید فشار یا حرکت داد تا آب آن خارج شود.

(زنجانی :) مسأله اگر چیز نجس ، غیر ظرف شرب ، را یک مرتبه در غیر آب قلیل مانند کر و جاری بشویند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود، و در صورتی که لباس و مانند آن با بول نجس شده باشد در کر نیز بنا بر احتیاط، دو مرتبه شستن لازم است ولی در آب جاری یک مرتبه کافی است و اخراج غُساله در شستن با آب جاری و کُر لازم نیست .

[مسأله ۱۶۰ اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند]

مسأله ۱۶۰ اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید (۱) بعد از هر دفعه ، فشار دهند تا غُساله آن بیرون آید (۲) و غُساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود خود به خود یا به وسیله فشار می ریزد. (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۲) (سیستانی :) در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، پاک می شود مگر در لباس و بدن که باید دو مرتبه روی آنها آب بریزند تا پاک شود و در هر حال در شستن لباس و فرش و مانند اینها با آب قلیل باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید ..

(مکارم :) مسأله برای تطهیر چیزی که با بول نجس شده با آب قلیل دو مرتبه و در آب کر و جاری

و آب لوله کشی یک مرتبه کفایت می کند، امّا در غیر بول یک مرتبه با آب قلیل یا کر کافی است . برای شستن لباس و فرش و مانند آن با آب قلیل باید آن را مقداری فشار دهند تا آب از آن خارج شود.

[مسأله ۱۶۱ اگر چیزی به بول پسر شیر خواری که غذا خور نشده]

مسأله ۱۶۱ اگر چیزی به بول پسر (۱) شیر خواری که غذا خور نشده (۲) (و شیر خوک (۳) نخورده) (۴)، نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند (۵) (که به تمام جاهای نجس آن برسد) (۶) پاک می شود (۷) ولی احتیاط مستحب ّ آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند (۸). و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست . (۱) (مکارم ، سیستانی ، زنجانی :) یا دختر .. (۲) (فاضل :) که دو سال آن تمام نشده و غذا خور نشده .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و زن کافره .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، بهجت و زنجانی نیست] (۵) (سیستانی :) یک مرتبه آب ، هر چند کم باشد، روی آن بریزند .. (۶) (زنجانی :) یا کمی آب روی آن ریخته و با فشار به تمام جاهای نجس آن ، آب برسانند ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۷) (بهجت :) و شستن و فشار دادن آن لازم نیست و بنا بر احوط باید شیر کافر و شیر نجس و شیر غیر پسر نیز نخورده باشد و أحوط این است که به وسیله آب ریختن خود بول از بین برود یا این که قبلًا خشک شده باشد. (۸) (مکارم :) احتیاط مستحب ّ آن است که دو مرتبه بریزند ..

[مسأله ۱۶۲ اگر چیزی به غیر بول نجس شود]

مسأله ۱۶۲ اگر چیزی به غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست (۱) یک مرتبه آب روی آن بریزند (۲) و از آن جدا شود، پاک می گردد (۳) و نیز اگر در دفعه اوّلی که آب روی آن می ریزند (۴) نجاست آن برطرف شود (و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید) (۵) پاک می شود (۶) ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. (۱) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه با برطرف کردن نجاست .. (۲) (سیستانی :) چنانچه با برطرف کردن نجاست ، یک مرتبه آب قلیل روی آن بریزند .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ولی لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. [پایان مسأله] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) تا بعد از برطرف شدن نجاست ، آب ریختن را ادامه دهند به طوری که پس از زوال نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می شود ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. (۵) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی و فاضل نیست] (۶) (بهجت :) و اگر با آب قلیل چیزی را می خواهند پاک کنند بهتر این است که دو مرتبه آن را بشویند .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۰.

(زنجانی :) مسأله اگر چیزی به غیر بول در غیر مواردی که در مسأله [۱۵۰ تا ۱۵۳] گذشت

نجس شود و یـک مرتبه آب روی آن بریزنـد که بـا آن ، نجاست آن برطرف شود و از آن جـدا شود پاک می گردد؛ ولی در شسـتن لبـاس و ماننـد اینهـا در آب قلیل بنا بر احتیاط، بایـد آنها را فشار دهنـد تا غساله آن بیرون آیـد و در غیر آب قلیل فشار دادن لازم نیست .

[مسأله ۱۶۳ اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده در آب کر فرو برند]

مسأله ۱۶۳ اگر حصیر نجس را که بـا نـخ بافته شـده ، در آب کر یا جاری فرو برنـد، (۱) بعـد از برطرف شدن عین نجاست ، پاک می شود (۲). (۱) (مکارم :) یا زیر آب لوله کشی بگیرند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و اگر بخواهنـد آن را با آب قلیل آب بکشند، فشار دادن آن لازم نیست و رسیدن آب مطلق به باطن نخهای آن کافی است .

(سیستانی :) ولی اگر بخواهند آن را با آب قلیل آب بکشند باید به هر طوری که ممکن است اگر چه با لگد کردن باشد فشار دهند تا غساله آن جدا شود.

(بهجت :) اگر آب به همه جـای نجس رسـیده باشـد پـاک می شود، و اگر با آب قلیل آب بکشـند، در هر دفعه که شسـته می شود بنا بر أحوط باید غساله را خارج کنند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر حصـیر نجس را که با نخ بافته شده بخواهند آب بکشـند باید به هر قسم که ممکن است اگر چه به لگد کردن باشد فشار دهند تا غساله آن جدا شود.

(زنجانی :) مسأله در حصیر نجس که با نخ بافته شده ، فشار لازم نیست و رسیدن آب به باطن آنها کفایت می کند.

[مسأله ۱۶۴ اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود]

مسأله ۱۶۴ اگر ظاهر گنـدم و برنـج و صابون و ماننـد اینها نجس شود به فرو بردن در کر و جاری (۱)، پاک می گردد. و اگر باطن آنها نجس شود (۲) پاک نمی گردد (۳). (۱) (مکارم :) و یا گرفتن زیر شیر آب .. (۲) (مکارم :) باید آن قدر صبر کرد تا یقین حاصل شود آب داخل آن نفوذ کرده و خارج شـده . (۳) (اراکی :) اگر آب کر یا جاری در باطن آنها به مقـداری که نجس است ، نفوذ کند، پاک می شود.

(خوئی ، تبریزی :) اگر باطن آنها نجس شود، تطهیر آنها مثل تطهیر کوزه نجس است که در مسأله [۱۵۴] گذشت .

(زنجانی :) چنانچه آب به باطن آنها برسـد و در هنگام رسـیدن به باطن آنها ندانیم آب از مطلق بودن خارج شده است ، پاک می شود.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسأله اگر ظاهر گنـدم و برنـج و صابون و ماننـد اینها نجس شود، چنانچه آنها را در ظرفی ریخته و در آب کر یـا جـاری بگذارنـد و به قـدری بمانـد که رطوبت آب پـاک به بـاطن آنها، تا آنجایی که رطوبت نجس سـرایت کرده

برسـد بعیـد نیست که گفته شود همین انـدازه در تطهیر آنها (صافی : در تطهیر باطن آنها) کافی است به شـرط آن که رطوبت نجس باطن آنها قبل از تطهیر خشک شده باشد.

(سیستانی :) مسأله اگر ظاهر گندم و برنج و مانند اینها نجس شود، با فرو بردن در آب کُر

و جـاری پـاک می گردد. و بـا آب قلیل نیز می شود تطهیر کرد و اگر باطن آنها نجس شود، چنانچه آب کر یا جاری به باطن آنهـا برسـد پـاک می شونـد اگر ظاهر صابون نجس شود، می شود آن را تطهیر کرد ولی اگر باطن آن نجس شود، قابل تطهیر نیست .

(بهجت :) مسـأله اگر ظاهر گنـدم ، برنـج ، صابون وماننـد اینها نجس شود به وسـیله آب قلیل یا فرو بردن در آب کُر و جاری پـاک می شود و اگر بـاطن آنهـا نجس شود بـا آب قلیل ظاهر آنها پاک می شود، ولی باطن آنها پاک نمی شود، مگر این که در کر یـا جـاری به قـدری بمانـد که آب به باطن آنها نفوذ کنـد، یعنی آب به هر جایی از باطن که یقین دارد نجاست به آنجا رسیده بود، برسد و بنا بر أحوط باید آب مطلق به باطن آنها برود نه آب مضاف و قبلًا آنها را برای تطهیر باطن خشک کنند.

[مسأله ۱۶۵ اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده]

مسأله ۱۶۵ اگر انسان شک کنـد که آب نجس به باطن صابون (۱) رسـیده یا نه ، باطن آن پاک است . (۱) (مکارم :) به باطن چیزی .. زنجانی (:) به باطن صابون مثلًا ..

مسأله ۱۶۶ اگر ظاهر برنـج و گوشت یا چیزی ماننـد اینها نجس شده باشد ۱ چنـانچه آن را در ظرفی ۲ بگذارنـد و سه مرتبه ۳ آب روی آن بریزنـد و خـالی کننـد پـاک می شود و ظرف آن هم پـاک می گردد ۴. ولی اگر بخواهنـد لبـاس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه ۵ که آب روی آن می ریزند، آن را فشار دهند ۶ و ظرف را کـج کننـد، تا غساله ای که در آن جمع شده بیرون بریزد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) به غیر بول نجس شـده باشد .. (مکارم :) اگر چیزی نجس شده باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) در کاسه و مانند آن .. (۳) (بهجت :) یک مرتبه ..

(فاضـل :) سه مرتبه بـا آب قلیل .. [عبارت «سه مرتبه » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه آن را در ظرف پـاکی بگذارنـد و بعـد از زوال عین نجس ، یـک مرتبه آب روی آن بریزنـد و خالی کننـد پاک می شود و اگر به بول نجس شده بعد از زوال عین ، دو مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود و ظرف آن هم پاک می گردد ..

(سیسـتانی :) چنانچه آن را در کاسه پاک و ماننـد آن بگذارند و یک مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود و اگر در ظرف نجس بگذارنـد بایـد سه مرتبه این کار را انجام دهند و در این صورت ظرف هم پاک می شود .. (۵) (بهجت :) باید بعد از آن .. ۶ – (فاضل :) و غساله آن را کاملًا بیرون بریزند.

(زنجـانی :) مسـأله اگر ظاهر برنـج و گوشت و ماننـد اینها نجس شـده باشـد در جایی که تعـدد لازم نیست ، چنانچه آن را در کاسه و مانند آن بگذارند و یک مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود.

[مسأله ۱۶۷ لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده]

مسأله ۱۶۷ لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده ، (۱) اگر در آب کُر یا جاری فرو برند (۲) و آب (پیش از آن که

به واسطه رنگ پارچه مضاف شود) (۳) به تمام آن برسد آن

لباس پاک می شود (۴). اگر چه موقع فشار دادن آب مضاف یار نگین از آن بیرون آید ۵. (۱) (مکارم :) هر گاه لباس نجسی را رنگ کرده باشند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و یـا بـا آب قلیل بشوینـد چنانچه موقع فشار دادن آب مضاف از آن بیرون نیاید پاک می شود. [پایان مسأله (] مکارم :) یا زیر شـیر آب بگیرند .. (۳) (زنجانی :) اگر در آب غیر قلیل فرو برنـد و آب پیش از آن که به واسطه رنگ پارچه از مطلق بودن خارج شود .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۴) (سیستانی :) و اگر با آب قلیل بشویند چنانچه موقع فشار دادن آب مضاف از آن بیرون نیاید پاک می شود.

(مکارم :) هر چند موقع فشار دادن ، آب مضاف از آن بیرون آید. امّا اگر آب ، قبل از رسیدن به تمام لباس مضاف گردد باید آن قدر آن را بشویند تا آب مطلق به آن برسد. (۵) (بهجت :) و هم چنین است در شستن با آب قلیل با سایر شرائط.

[مسأله ۱۶۸ اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند]

مسأله ۱۶۸ اگر لباسی را در کر یا جاری (۱) آب بکشند و بعد مثلًا لجن آب در آن ببینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است . (۱) (زنجانی :) در آب غیر قلیل .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۱۶۹ اگر بعد از آب کشیدن لباس خُرده گِل یا اشنان در آن دیده شود]

مسأله ۱۶۹ اگر بعد از آب کشـیدن لباس و مانند آن خُرده گِل یا اشنان در آن دیده شود (۱) (در صورتی که بداند که خُرده گل یا اشـنان با آب شسته شده) (۲)، پاک است ، ولی اگر آب ِ نجس به باطن گل یا اشـنان رسـیده باشد ظاهر گِل و اشنان ، پـاک و باطن آنها نجس است (۳). (۱) (اراکی :) پـاک است . [پایان مسأله] (۲) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی که بـداند که آب مطلق زیرِ آن گِل یا اشنان رسیده ..

[قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، نوری و بهجت نیست] (۳) (بهجت :) [و] اشنان گیاهی است که در شستشو استفاده می شود.

(فاضـل :) مسأله اگر بعـد از آب کشـیدن ِ لبـاس و ماننـد آن خُرده گِلِ یا اشـیایی دیگر در آن دیـده شود چنانچه بدانـد مانع رسـیدن آب نشـده پـاک است ، ولی اگر آب نجس به بـاطن گِل یا اشیاء رسـیده باشـد ظاهر گِل یا اشـیاء، پاک و باطن آنها نجس است .

(مکارم :) مسأله هر گاه بعد از آب کشـیدن فرش و لباس ، مختصری گِل یا ذرّات صابون و اشیاء دیگر در آن دیده شود پاک است ، و اگر اشـیاء بزرگتری باشد ظاهر آنها نیز پاک است ، و اگر آب نجس به باطن آنها نفوذ کرده ، برای پاک شدن باطن آنها باید آب پاک نیز به آن برسد و خارج شود.

(سیسـتانی :) مسأله اگر بعـد از آب کشـیدن لباس و ماننـد آن خُرده گِل یا صابون در آن دیده شود، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسـیدن آب کرده ، آن لباس پاک ، ولی اگر آب نجس به باطن گِل یا صابون رسـیده باشـد، ظاهر گِل و صابون

پاک و باطن آنها نجس است .

(زنجانی :) مسأله خُرده گِل یا صابونی که بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن ، در آن دیده شود پاک است ؛ ولی اگر آب نجس به باطن آنها رسیده باشد، ظاهر آنها پاک و باطن آنها نجس است .

[مسأله ۱۷۰ هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی شود]

مسأله ۱۷۰ هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکننـد پاک نمی شود. ولی اگر بو یا رنگ (۱) نجاست در آن مانده باشـد اشـکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشـند و رنگ خون در آن بماند، پاک می باشـد (۲)، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ (۳) یقین کننـد یا احتمال دهند که ذرّه های نجاست در آن چیز مانده ، نجس است . (۱) (زنجانی :) بو یا رنگ یا مزه .. (۲) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (زنجانی :) بو یا رنگ یا مزه ..

(مکارم :) مسأله هر گاه چیز نجسـی را بشوینـد و عین نجس برطرف شود امّا بو یا رنگ آن بمانـد ضـرری نـدارد و اگر شک کند عین نجس مانده یا نه باید بیشتر بشوید تا یقین کند از بین رفته است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۷۳ حنای نجس را اگر به سر یا ریش ببندند بعد از شستن ریش و سر رنگ آن پاک است و آن چه از اجزاء کوچک آن باقی بماند بعد از شستن ، ظاهر آنها پاک می شود.

[مسأله ۱۷۱ اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند]

مسأله ۱۷۱ اگر نجاست بـدن را در آب کر یا جاری (۱) برطرف کننـد بدن پاک می شود (۲) و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست . (۱) (زنجانی :) در آب غیر قلیل .. (۲) (سیستانی :) مگر آن که بـدن به بول نجس شـده باشـد که در این صورت بـا آب کُر به یک مرتبه پاک نمی شود، ولی بیرون آمـدن و دو مرتبه در آب رفتن لازم نیست بلکه اگر در زیر آب به آن محل دست بکشند که آب از بدن جدا شود و دو مرتبه آب به بدن برسد کفایت می کند.

(مکـارم :) مسأله برای تطهیر بـدن در آب کر یا جاری یا زیر شـیر آب ، همین انـدازه که عین نجاست برطرف شود بـدن پاک است و بیرون آمدن و دوباره در آب فرو رفتن لازم نیست .

[مسأله ۱۷۲ غذای نجسی که لای دندان مانده]

مسأله ۱۷۲ غـذای نجسـی که لای دنـدانها مانـده ، اگر آب در دهان بگرداننـد و به تمام غذای نجس برسد (۱)، پاک می شود (۲). (۱) (اراکی :) به تمام ظاهر و باطن غذای نجس برسد ..

(مکارم :) اگر آب در دهان بگرداننـد به طوری که به تمام اجزای آن برسد .. (۲) (زنجانی :) و در جایی که تعدد لازم است ، باید متعدد آب بگردانند تا به تمام غذای نجس برسد.

(بهجت :) در صورتی که یقین کند آب مطلق به همه جای نجس رسیده ، با تعدّد در آن چه تعدّد در آن لازم است .

(فاضل :) مسأله به طور کلّی برخورد با عین نجس در داخل دهان موجب نجس شـدن غـذا، دندان مصـنوعی و مسواک و آب

دهان نمی شود و با زوال عین نجاست ، غذا و دندان پاك است و نیاز به تطهیر ندارد.

[مسأله ۱۷۳ اگر موی سر و صورت زیاد باشد و با آب قلیل آب بکشند]

مسأله ۱۷۳ اگر موی سر و صورت زیاد باشد و با آب قلیل آب بکشند باید فشار دهند که غساله آن جدا شود.

(اراکی :) مسأله در آب کشیدن موی سر و صورت ، فشار دادن لازم نیست ، هر چند با آب قلیل باشد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر موی سر و صورت را با آب قلیل آب بکشند بنا بر احتیاط واجب ، باید فشار دهند که غساله آن جدا شود.

(فاضل :) باید فشار دهند که غساله آن جدا شود مگر این که موی زیاد نباشد، به نحوی که اطمینان باشد که بدون فشار هم بیشتر غساله خارج می شود.

(بهجت :) اگر چه محتاج به تعدد شستن نباشد در صورتی که آب در لابلای موها فرو رفته باشد.

(خوئی ، تبریزی :) لازم نیست فشار دهند که غساله آن جدا شود.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط، باید آن را فشار دهند تا غساله آن جدا شود.

(سیستانی :) چنانچه مو انبوه نباشد برای جدا شدن غساله ، لازم نیست فشار دهند زیرا به مقدار متعارف خود به خود جدا می شود.

(مکارم :) چنانچه آب ، خود به خود بیرون آید فشار لازم نیست و الّا فشار دهند.

[مسأله ۱۷۴ اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند]

مسأله ۱۷۴ اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل ، آب بکشند، اطراف آنجا که متّصل به آن است و معمولًا موقع آب کشیدن ، آن جا نجس می شود (در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می ریزند به آن اطراف جاری شود) (۱) با پاک شدن جای نجس پاک می شود (۲). و هم چنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس ، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس (۳) به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن (۴) انگشت نجس ، تمام انگشتها پاک می شود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، بهجت ، نوری و صافی نیست]. (۲) (اراکی :) آن اطراف هم پاک می شود ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اطراف آنجا که متّصل به آن است و معمولًا موقع آب کشیدن ، آب به آنها سرایت می کند، با پاک شدن جای نجس پاک می شود؛ به این معنی که آب کشیدن اطراف ، مستقلًّا لازم نیست بلکه اطراف و محل ِنجس به آب کشیدن با هم پاک می شوند ..

(بهجت :) و در صورتی که بیش از یک مرتبه باید شسته شود آب دوّم باید به تمام جاهایی که آب اوّل رسیده و با آن نجس شده بود برسد .. (۳) (سیستانی :) و هم چنین آب پاک .. (۴) (سیستانی :) با پاک شدن ..

(زنجانی :) مسأله اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل ، آب بکشند، بنا بر احتیاط، باید به اطراف آنجا که متصل به آن است و موقع آب کشیدن آنجا نجس می شود، آب پاک برسد، و هم چنین اگر چیز پاکی را کنار چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند باید بنا بر احتیاط

به قسمتهایی از چیز پاک که در هنگام آب کشیدن نجس شده آب پاک برسد؛ پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس ، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد بنا بر احتیاط، باید آب پاک به تمام انگشتان برسد.

[مسأله ۱۷۵ گوشت و دنبه ای که نجس شده]

مسأله ۱۷۵ گوشت و دنبه ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود. و هم چنین است اگر بدن یا لباس (۱)، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) یا ظرف .. (۲) (فاضل :) با آب کشیدن پاک می شود.

[مسأله ۱۷۶ اگر ظرف یا بدن نجس باشد]

مسأله ۱۷۶ اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۷۷ چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست]

مسأله ۱۷۷ چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست ، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می شود و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن ، زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می ریزد بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشد با آن شیر پاک می گردد. اما اگر آبی که از آن می ریزد (۱) بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می شود، بو یا رنگ یا مزه نجاست نباشد. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (بهجت :) در اوّل زمان اتّصال ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله آب شیری که متّصل به کر است حکم کر را دارد.

(مکارم :) مسأله شیری که متّصل به کرمی باشد آبی که از آن می ریزد حکم آب کر و جاری را دارد، بنا بر این هر چیز نجسی را با آن بشویند همین که عین نجاست برطرف شد پاک می شود.

[مسأله ۱۷۸ اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده]

مسأله ۱۷۸ اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه (۱)، چنانچه (۲) موقع آب کشیدن متوجّه برطرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است (۳) و اگر متوجّه برطرف کردن عین نجاست نبوده بنا بر احتیاط مستحب (۴) باید دوباره آن را آب بکشد. (۵) (۱) (اراکی ، مکارم :) آن چیز پاک است (مکارم : مگر این که بداند که در حال شستن توجّه نداشته است). [پایان مسأله] (فاضل :) اگر بداند آب به آن محل رسیده آن چیز پاک است . [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) باید دوباره آن را آب بکشد و یقین کند که عین نجاست برطرف شده است . [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) چنانچه احتمال بدهد که .. (۳) (زنجانی :) و اگر چنین احتمالی ندهد، باید دوباره

آن را آب بکشد. (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط مستحب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۵) (بهجت ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب بایـد دوباره آن را آب بکشـد (بهجت : مگر آن که احتمال بدهـد که بعد از علم به نجاست متوجّه بوده که باید عین را برطرف نماید).

[مسأله ۱۷۹ زمینی که آب روی آن جاری نمی شود]

مسأله ۱۷۹ زمینی که آب روی آن جاری نمی شود (۱) اگر نجس شود، با آب قلیل پاک نمی گردد (۲). ولی زمینی که روی آن شن یـا ریگ باشـد چون آبی که روی آن می ریزنـد از آن جـدا شـده و در شن و ریگ فرو می رود با آب قلیل پاک می شود (۳)، اما زیر ریگها نجس می ماند. (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) زمینی که آب در آن فرو نمی رود و از محل ِنجس هم به محل ِدیگر جاری نمی شود .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) مگر آن که غساله آن را با پارچه یا ظرف بگیرند ..

(بهجت :) بلکه فقـط ظاهر آن پاک می شود .. (اراکی :) با آب قلیل ظاهر آن پاک می شود .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) مسـأله زمینی که آب در او فرو می رود مثـل زمینی که روی آن شن یـا ریگ باشـد، اگر نجس شود با آب قلیل نیز پاک می شود.

(مکـارم :) مسـأله هر گـاه زمینی را با آب قلیل آب بکشـند اگر از شن یا ریگ باشـد و غساله یعنی آب باقی مانـده در آن فرو رود پاک است ، امّا ریگهای زیر آن زمین نجس می شود، هم چنین اگر سراشـیبی داشـته باشـد و آب از آن بگـذرد پاک می گردد، امّا اگر غساله روی زمین بماند نجس است ، مگر با وسیله ای آن را جمع کنند.

(زنجـانی :) مسأله زمینی که آب روی آن جاری نمی شود اگر نجس شود، چنانچه بخواهنـد با آب قلیل آن را پاک کننـد می بـایست آب را با دسـتمال و ماننـد آن جمع کننـد و در غیر این صورت ، زمین بنا بر احتیاط با آب قلیل پاک نمی شود. زمینی که آب در آن فرو می رود مثل زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد اگر نجس شود با آب قلیل نیز پاک می شود اما زیر شن یا ریگها بنا بر احتیاط نجس می ماند.

(فاضل :) مسأله اگر زمینی که نجس شـده مثل شن و ماسه باشد که آب در آن فرو می رود با آب قلیل آب بکشـند، ظاهر آن پاک می شود ولی زیر آن نجس می شود.

[مسأله ۱۸۰ زمین سنگ فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی رود]

مسأله ۱۸۰ زمین سـنگ فرش و آجر فرش و زمین سـختی که آب در آن فرو نمی رود اگر نجس شود بـا آب قلیـل ، پاک می گردد ولی (۱) بایـد به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود (۲) و چنانچه آبی که روی آن ریخته انـد از سوراخی بیرون رود همه زمین پاک می شود (۳) و اگر بیرون نرود جایی که آبها جمع می شود نجس می ماند (۴). و برای پاک شدن آن جا بایـد گودالی بکنند که آب در آن جمع شود، بعد آب را بیرون بیاورند و گودال را با خاک پاک پر کنند. (۱) (بهجت :) ولی برای اخراج غساله .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیسـتانی :) و اگر آبی که روی آن ریخته انـد از سوراخی بیرون نرود و در جـایی جمع شود برای پاک شـدن آنجا بایـد آب

جمع شده را با پارچه یا ظرفی بیرون آورند. [پایان مسأله] (زنجانی :) و بنا بر احتیاط آب را با دستمال و مانند آن جمع کنند و گر نه جایی که آب در آن جمع می شود نجس می ماند. [پایان مسأله] (۳) (فاضل :) و اگر آب خود به خود تخلیه نشود چنانچه آن را با وسیله ای مثل پارچه ،

دستمال یا وسیله مکنده ای جمع کنند و بنا بر احتیاط دوباره آب قلیل روی آن بریزند و بصورت سابق جمع کنند، پاک می شود. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر بیرون نرود جایی هم که آبها جمع می شود پاک است ، مگر آن که غساله بول باشد که نجس می شود. و برای پاک شدن محل ٍغساله کافی است که غساله آن را در هر مرتبه به وسیله ظرف یا پارچه بگیرند. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۹.

[مسأله ۱۸۱ اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود]

مسأله ۱۸۱ اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر هم پاک می شود. (۱) (۱) (مکارم :) با آب کشیدن پاک می شود، خواه با آب قلیل باشد یا کر و جاری یا زیر شیر آب .

(سیستانی :) با آب قلیل هم پاک می شود.

[مسأله ۱۸۲ اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند]

اشاره

مسأله ۱۸۲ اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند پاک نمی شود. (۱) (۱) (زنجانی :) ظاهر آن پاک می شود ولی باطن آن پاک نمی شود.

(مکارم :) مسأله هر گاه قند یا شکر نجس شود با آب کشیدن پاک نمی شود.

۲ زمین

[مسأله ۱۸۳ زمین با سه شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند]

مسأله ۱۸۳ زمین با سه شرط (۱)، کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند (۲) اول : آن که زمین پاک باشد (۳). دوّم : آن که خشک باشد (۴). سوم : (۵) آن که اگر عین نجس مثل خون و بول ، یا متنجس مثل گِلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد (۶) به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین (۷) برطرف شود (۸). و نیز زمین باید (۹) خاک یا سنگ یا آجر فرش (۱۰) و مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه ، کف پا و ته کفش نجس ، پاک نمی شود (۱۱) و اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد (۱۲). (۱) (سیستانی :) چهار شرط .. (بهجت ، فاضل :) پنج شرط .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) زمین با سه شرط، کف پا و ته کفش نجس را از نجاستی که به واسطه راه رفتن روی زمین نجس حاصل شده پاک می کند و در نجاستی که از خارج به پا یا ته کفش رسیده ، احتیاط لازم آن است که در تطهیر آن به راه رفتن روی زمین اکتفاء نکند ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) زمین با سه شـرط، کف پا و ته کفش را که به راه رفتن نجس شـده پاک می کنـد .. (۳) (تبریزی :) اوّل : آن که بنا بر احتیاط زمین پاک باشد ..

(بهجت :) اول : آن که زمین بنـا بر أحوط از عین نجـاست و آن چه در حکـم نجـاست است پـاک باشـد، بنا بر این ، زمینی که آلوده به بول شـده و هنوز تطهیر نشـده پاک کننـده نیست هر چند خشک شده باشد .. (۴) (بهجت :) و رطوبتی که سـرایت به جای دیگر کند نداشته باشد بنا بر احوط ..

(سیسـتانی :) دوم : آن که زمین ، خشـک باشـد. سوم : آن که بنا بر احتیاط لازم ، نجاست از ناحیه زمین حاصل شـده باشـد .. (۵) (سیستانی :) چهارم : .. (۶) (زنجانی :) برطرف شود و بنا بر احتیاط به واسطه راه رفتن باید برطرف شود. [پایان مسأله]

(۷) (بهجت :) یا به هر سبب دیگری .. (۸) (سیستانی :) و چنانچه قبلًا عین نجاست برطرف شده باشد با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین بنا بر احتیاط لازم پاک نمی شود .. (۹) (بهجت ، فاضل :) چهارم : آن که زمین باید .. (۱۰) (گلپایگانی :) و یا موزائیک .. [عبارت « یا آجر فرش » در رساله آیت اللّه صافی نیست] (۱۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(صافی :) و بنا بر احتیاط با راه رفتن بر زمینی که مفروش به آجر یا چوب یا گچ یا قیر باشد نیز پاک نمی شود. [پایان مسأله] (بهجت :) [و] پنجم : آن که کف پا و ته کفش به واسطه راه رفتن نجس شده باشد، پس اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد، بنا بر اظهر به واسطه راه رفتن پاک نمی شود.

(فاضل :) [و] پنجم : به واسطه راه رفتن نجس شده باشد و اگر به غیر از راه رفتن نجس شده باشد پاک شدن آن با راه رفتن محل اشکال است . (۱۲) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب به واسطه راه رفتن پاک نمی شود.

(مکارم :) مسأله اگر پای انسان یا ته کفش او بر اثر راه رفتن روی زمین ِ نجس ، نجس شود با راه رفتن روی زمین پاک یا کشیدن بر زمین ، پاک می شود، به شرط این که زمین پاک و خشک باشد و عین نجاست زایل گردد و نیز باید زمین خاک یا سنگ یا آجر فرش یا سیمان و یا مانند آن باشد، امّا با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه کف پا و ته کفش نجس ، پاک نمی شود.

[مسأله ۱۸۴ پاک شدن کف پا و ته کفش نجس]

مسأله ۱۸۴ پاک شدن کف پا و ته کفش نجس ، به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده (۱) محل اشکال است (۲). بلکه پاک نشدن اقوی است . (۱) (بهجت :) یا هر چیزی که به آن زمین نگویند .. (۲) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و أظهر، بقاءِ نجاست است .

(مکارم :) مسأله هر گاه روی زمینی که با چوب فرش شده راه برود پاک شدن کف پا و ته کفش نجس مشکل است ، ولی با راه رفتن روی آسفالت پاک می شود.

(فاضل ، نوری :) مسأله کف پا و ته کفش نجس ، به واسطه راه رفتن روی آسفالت (فاضل : که با قیر پوشیده شده) و روی زمینی که با چوب فرش شده ، پاک نمی شود.

(زنجانی :) مسأله کف پا و ته کفش نجس به واسطه راه رفتن روی آن چه معمولًا با آن زمین را فرش می کنند مانند آسفالت پاک می شود ولی پاک شدن کف پا و ته کفش به وسیله آن چه معمولًا با آن زمین را فرش نمی کنند محل اشکال است .

[مسأله ۱۸۵ برای پاک شدن کف پا و ته کفش]

مسأله ۱۸۵ برای (۱) پاک شدن کف پا و ته کفش ، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر (۲) راه بروند، اگر چه به کمتر از پانزده قدم (۳) یا مالیدن پا به زمین نجاست (۴) برطرف شود. (۱) (بهجت :) بعد از برطرف شدن عین نجاست ، بنا بر اظهر تماس کف پا و ته کفش با زمین کافی است ، اگر چه راه رفتن و مالیدن صدق ننماید ولی برای ..

(۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) پانزده ذراع دست یا بیشتر ..

(نوری :) پـانزده ذراع (که تقریباً ده گـام می شود) یـا بیشتر .. (۳) (خـوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی ، نوری :) پـانزده ذراع .. (۴) (بهجت :) عین نجاست ..

(زنجانی :) مسأله برای پاک شـدن کف پا و ته کفش ، بهتر است پانزده ذراع دست یا ماننـد آن راه بروند، (ذراع دست حدود نیم متر است)، اگر چه به کمتر از این مقدار هم پاک شود.

(مکـارم :) مسـأله برای پـاک شـدن ِ کف پـا و ته کفش ، اگر مختصـری راه برود یا پا را بر زمین کشـد کافی است ، ولی بهتر است لا اقل ّ پانزده ذراع (تقریباً هفت متر و نیم) راه برود.

[مسأله ۱۸۶ لازم نیست کف پا و ته کفش نجس تر باشد]

مسأله ۱۸۶ لازم نیست کـف پـا و ته کفش نجس ، تر باشـد بلکه اگر خشـک هم باشـد به راه رفتن پـاک می شـود (۱). (۱) (مکارم :) [و] وجود رطوبت غیر مسری در زمین نیز ضرر ندارد.

[مسأله ۱۸۷ بعد از آن که کف پا یا ته کفش نجس به راه رفتن پاک شد]

مسأله ۱۸۷ بعـد از آن که کف پا یا ته کفش نجس ، به راه رفتن پاک شـد مقـداری از اطراف آن هم که معمولًا به گِل آلوده می شـود (اگر زمیـن یـا خـاک بـه آن اطراف برسـد) (۱) پـاک می گردد. (۱) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیـات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، بهجت ، سیستانی و فاضل نیست (مکارم :) مسأله مقداری از اطراف پا و کفش که با راه رفتن روی زمین آلوده نجس می شود آن هم اگر به زمین برسد پاک می گردد.

(زنجـانی :) مسـأله علاـوه بر کف پـا یا ته کفش نجس ، مقـداری از اطراف آن هم که معمولًا به گل آلوده می شود با شـرایط ذکر شده در مسأله [۱۸۳] پاک شود.

[مسأله ۱۸۸ کسی که با دست و زانو راه می رود]

مسأله ۱۸۸ کسـی که با دست و زانو راه می رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود پاک شدن دست و زانوی او به وسیله راه رفتن محل اشکال است . (۱) و هم چنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان (۲) و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها. (۱) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) با راه رفتن پاک می گردد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) مسـأله کسـی که بـا دست و زانو راه می رود، اگر دست یـا زانوی او نجس شود، بـا راه رفتن پـاک می گردد. و هم چنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ اتومبیل و گاری و مانند اینها بنا بر اظهر.

(نوری :) مسأله کسی که با دست و زانو راه می رود، اگر کف دست یا زانو به وسیله تماس با زمین و حرکت بر روی زمین نجس شود، دست و زانوی او به وسیله راه رفتن پاک می شود و اما پاک شدن ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهار پایان و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها، محل اشکال است .

[مسأله ۱۸۹ اگر بعد از راه رفتن ذرّه های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود]

مسأله ۱۸۹ اگر بعد از راه رفتن ذرّه های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود، در کف پا یا ته کفش بماند باید (۱) آن ذرّه ها را هم برطرف کرد، ولی باقی بودن بو و رنگ اشکال ندارد. (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب ..

(خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله اگر بعد از راه رفتن ، بو یا رنگ یا ذرّه های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود، در کف پا یا ته کفش بماند، اشکال ندارد اگر چه احتیاط مستحب آن است که به قدری راه بروند که آنها هم برطرف شوند.

(بهجت :) مسأله اگر بعد از راه رفتن بو یا رنگ نجاست در کف پا یا ته کفش بماند اشکال ندارد، ولی ذرّه های کوچک که معلوم باشد اشکال دارد.

(مکارم :) مسأله ذرّات کوچکی از نجاست که جز با آب پاک نمی شود هر گاه در کف پا یا ته کفش باقی بماند ضرری ندارد، هم چنین باقی ماندن بو و رنگ .

[مسأله ۱۹۰ توی کفش به واسطه راه رفتن پاک نمی شود]

اشاره

مسأله ۱۹۰ توی کفش (و مقداری از کف پا که به زمین نمی رسد) (۱) به واسطه راه رفتن پاک نمی شود و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن ، محل اشکال است (۲)، ولی اگر کف جوراب از پوست باشد به وسیله راه رفتن پاک می شود (۳). (۱) (فاضل :) آن قسمت از کفش و کف پا که به زمین نمی رسد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، مکارم ، زنجانی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) مگر این که راه رفتن با آن به جای کفش ، معمول و متعارف باشد ..

(مکارم :) مگر این که جوراب چرمی و مانند آن باشد که به جای کفش از آن استفاده شود.

(سیستانی :) مگر این که کف آن از چرم یا مانند آن باشد و راه رفتن با آن نیز متعارف باشد.

(بهجت :) جورابی که به جای کفش از آن استفاده می شود، با راه رفتن پاک می شود، اگر چه جوراب از پوست درست نشده باشد. (۳) (اراکی :) اگر جورابی است که به طور متعارف به جای کفش می پوشند، به وسیله راه رفتن ، پاک می شود.

۳ آفتاب

[مسأله ۱۹۱ آفتاب یکی از مطهرات است]

مسأله ۱۹۱ آفتاب ، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده با شش شرط پاک می کند و هم چنین میخی را که به دیوار کوبیده اند (و جزء ساختمان حساب می شود) (۱) با شش شرط (۲) پاک می کند: (۳) اول : آن که چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود (۴) پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند. دوم : آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب (۵) آن را

برطرف کنند. (۶) سوم : آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کنـد، آن چیز پاک نمی شود، ولی اگر ابر (۷) به قـدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد (۸). چهـارم : آن که آفتـاب به تنهـایی چیز نجس را خشک کنـد پس اگر مثلًا چیز نجس به واسـطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی گردد (۹). ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده ، اشـکال ندارد. (۱۰) پنجم : آن که آفتـاب مقـداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته ، یک مرتبه (۱۱) خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر (۱۲) آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می شود و زیر (۱۳) آن نجس می ماند. (۱۴) شـشم : آن که مـا بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد (بـا داخـل آن هوا یا) (۱۵) جسم پاک دیگری فاصـله نباشـد (۱۶). (۱) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، بهجت ، صافی ، زنجانی و تبریزی نیست .] (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، بهجت ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) با پنج شرط .. (۳) (سیستانی :) آفتاب ، زمین ، ساختمان و دیوار را با پنج شرط پاک می کند: ..

(مکارم :) تابش آفتاب زمین و پشت بام را پاک می کنـد. ولی پاک کردن ساختمان و درب و پنجره و مانند آن محل اشـکال است . برای پاک شدن زمین و پشت بام با تابش آفتاب چند شرط است : .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، فاضل ، زنجانی :) اول : آن که چیز نجس ، تر باشـد .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) پیش از خشک شـدن به تابیـدن آفتاب .. (۶) (زنجـانی :) دوم : آن که عین نجاست را پیش از تابیدن آفتاب برطرف کنند، یا آن که تابش آفتاب ، عین را برطرف کند ..

(سیسـتانی :) دوّم : آن که عین نجـاست در آن چیز بـاقی نمانـده باشـد .. (۷) (فاضـل :) یا پرده .. (۸) (تبریزی :) و نیز تابیـدن آفتاب از پشت شیشه اشکال ندارد ..

(مکارم :) ولی تابش از پشت شـیشه مانعی نـدارد .. (۹) (سیسـتانی :) ولی اگر طوری باشد که خشک شدن ، به آفتاب مسـتند باشد، اشکال ندارد، [پایان مورد چهارم]. (۱۰) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) اگر باد به قـدری کم باشـد که مانع از اسـتناد عرفی خشک شـدن به آفتاب نباشـد اشـکال ندارد .. (۱۱) (بهجت :) یـک مرتبه بـا هم .. (۱۲) (۱۳) (بهجـت :) زیر یـا درون .. (۱۴) (گلپایگـانی ، خوئی ، بهجت ، زنجـانی ، تـبریزی ، سیسـتانی ، صـافی :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۱۵) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیت اللّه نوری نیست] (۱۶) (اراکی :) ماننـد بلوکهای سیمانی که وسط آن خالی است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۹۳ منقولاتی که در اصل از زمین بوده ولی به صورتی درآمده که در حال

حاضـر به آن «زمین » نمی گویند، مثل کوزه و تسبیح و مهر به آفتاب پاک نمی شود. و آن چه در حال حاضـر از زمین شمرده می شود مانند پاره سنگ و امثال آن با آفتاب پاک می شود هر چند منقول (قابل نقل و انتقال) باشد.

[مسأله ۱۹۲ آفتاب حصیر نجس را پاک می کند]

مسأله ۱۹۲ آفتـاب حصـیر نجس را پـاک می کنـد و هم چنین درخت و گیاه به واسـطه آفتاب پاک می شود. (اراکی :) مسأله آفتاب درخت و گیاه را پاک می کند ولی پاک شدن حصیر و بوریا به واسطه آفتاب محل ـ اشکال است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله پاک شدن حصـیر نجس به واسـطه آفتاب محل ـ اشـکال است ولی درخت و شاخه و برگ و میوه آن و گیاهها در حال اتّصال به زمین به واسطه آفتاب پاک می شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله پاک کردن آفتاب حصـیر نجس را محل اشکال است و امّا درخت و گیاه (خوئی : که در زمین است پیش از چیدن آن) به واسطه آفتاب پاک می شود.

(زنجانی :) مسأله آفتاب حصـیر نجس را پاک نمی کنـد و پاک شـدن درخت و گیاه که در زمین است به واسـطه آفتاب محل اشکال است .

(سیسـتانی :) مسأله آفتاب ، حصـیر نجس را پاک می کنـد، ولی اگر با نـخ بافته شـده باشد نخها را پاک نمی کند. و هم چنین پاک شدن درخت ، گیاه و در و پنجره به واسطه آفتاب محل ـ اشکال است .

(بهجت :) مسأله آفتاب ، درخت ، گیاه و حصیر نجس را پاک می کند.

(مکارم :) مسأله تابش آفتاب ، حصیر نجس و درخت و گیاه را بنا بر احتیاط واجب پاک نمی کند.

[مسأله ۱۹۳ اگر آفتاب به زمین نجس بتابد]

مسأله ۱۹۳ اگر آفتاب به زمین نجس بتابـد، بعـد انسان شک کنـد که زمین موقع تابیـدن آفتاب تر بوده یا نه (۱) یا تری آن به واسـطه آفتـاب خشـک شـده یا نه ، آن زمین نجس است و هم چنین است اگر شک کنـد که (پیش از تابش آفتاب) (۲) عین نجاست از آن برطرف شـده یا نه (۳)، یـا شک کنـد که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه . (۱) (بهجت :) و یا شک کنـد که تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه ، و یا شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه ، آن زمین نجس است مگر این که از قبیـل شک ـ در تطهیرات سابقه باشـد یا شک کنـد که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه ، که در این صورت پاک است . (۲) [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : سیستانی و زنجانی نیست] (۳) (سیستانی :) و اگر شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه ، پاک شدن ، محل ـ اشکال است .

(مکارم :) مسأله هر گاه شک ـ کنـد که زمین نجس با آفتاب خشک شده یا نه ، یا چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه ، و یا قبلًا

عین نجاست را برطرف کرده است یا نه ، آن زمین نجس است .

[مسأله ۱۹۴ اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد]

اشاره

مسأله ۱۹۴ اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابـد (۱)، طرفی که آفتاب به آن نتابیـده پاک نمی شود (۲)، ولی اگر دیوار به قدری نازک باشد که به واسطه تابش به یک طرف ، طرف دیگرش هم خشک شود پاک می گردد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و به وسیله آن ، طرفی که آفتاب به آن نتابیده نیز

خشک شود، بعید نیست هر دو طرف پاک شود. (سیستانی : ولی اگر یک روز ظاهر دیوار یا زمین را خشک کند و روز دیگر، باطن آن را ، فقط ظاهر آن پاک می شود.) (۲) (گلپایگانی ، بهجت ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) اگر به جهت تابش آفتاب به طرف دیگر خشک شود، پاک می گردد. [پایان مسأله] (مکارم :) مسأله اگر آفتاب به قسمتی از زمین نجس بتابد و آن را خشک کند فقط همان قسمت پاک می شود.

[استحاله و انقلاب]

۴ استِحاله

[مسأله ۱۹۵ تعریف استحاله]

مسأله ۱۹۵ اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید پاک می شود (و می گویند: استحاله شده است) (۱). مثل آن که چوب نجس (۲) بسوزد و خاکستر گردد، یا سگ در نمک زار فرو رود و نمک شود، ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند (۳) پاک نمی شود. (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، فاضل و زنجانی نیست] (۲) (اراکی :) چیز نجس .. (۳) (بهجت :) گندم نجس را آرد کنند و یا آرد نجس را نان بپزند ..

(مکارم :) مسأله هر گاه عین نجس چنان تغییر یابد که آن نام از آن برداشته ، و نام دیگری به آن داده شود، پاک می گردد و می گویند «استحاله » شده است ، مثل این که سگ در نمک زار فرو رود و مبدّل به نمک شود، هم چنین اگر چیزی که نجس شده است به کلّی تغییر یابد، مثل این که چوب نجس را بسوزانند و خاکستر کنند، یا آب نجس تبدیل به بخار شود، امّا اگر تنها صنعت آن تغییر کند مثل این که گندم نجس را آرد کنند پاک نمی شود.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۹۸ بخار و دود و شعله ای که از چیز نجس یا متنجس برمی خیزد پاک است ولی اگر بخار به صورت عرق و مایع درآید چه از نجس باشد و چه از متنجس ، نجس است و نیز بنا بر احتیاط واجب باید از ذرات چربی و روغنی که از دود نجس و متنجس حاصل می شود و بر سطوح مجاور آن می نشیند اجتناب شود.

[مسأله ۱۹۶ کوزه گِلی و مانند آن که از گِل نجس ساخته شده نجس است]

مسأله ۱۹۶ کوزه گِلی و مانند آن که از گِل نجس ساخته شده نجس است (۱) و باید (۲) از ذغالی که از چوب نجس درست شده اجتناب نمایند. (۳) (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) و هم چنین ذغال چوب نجس . (۲) (بهجت :) بنا بر

احتیاط واجب بایـد .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۳) (سیسـتانی :) ذغالی که از چوب نجس درست شده چنانچه هیچ یک از خواص ٔ حقیقت سابقه در آن نباشد پاک است . و اگر گِل نجس با آتش ، مبدّل به سـفال یا آجر شود، بنا بر احتیاط واجب نجس است .

(مکارم :) مسأله ذغالی که از چوب نجس درست شده نجس است ، و هم چنین کوزه یا آجری را که از گِل نجس ساخته اند.

[مسأله ۱۹۷ چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده]

مسأله ۱۹۷ چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه نجس است . (۱) (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط.

انقلاب

[مسأله ۱۹۸ اگر شراب به خودی خود سرکه شود]

مسأله ۱۹۸ اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آن که چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته اند سرکه شود، پاک می گردد (۱). (۱) (بهجت :) در صورتی که شراب با چیز نجس دیگری مخلوط نشده باشد؛ و این از مطهریّت انقلاب است .

[مسأله ۱۹۹ شرابی که از انگور نجس درست کنند]

مسأله ۱۹۹ شرابی که از انگور نجس درست کنند به سرکه شدن پاک نمی شود، بلکه اگر نجاستی هم از خارج به شراب برسد (۱) احتیاط واجب آن است (۲) که بعد از سرکه شدن از آن اجتناب نمایند. (۱) (اراکی :) با سرکه شدن پاک نمی شود، مگر آن که نجاست در آن قبل از سرکه شدن ، از بین رفته باشد، (مستهلک شده). (۲) (مکارم :) واجب است .. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۰۰.

(گلپایگانی ، سیستانی :) مسأله شرابی که از انگور نجس و مانند آن درست کنند، یا نجاست دیگری به آن برسد به سرکه شدن پاک نمی شود.

(زنجانی :) به سرکه شدن پاک می شود و احتیاط مستحب در اجتناب است .

(صافی :) بنا بر احتیاط به سرکه شدن پاک نمی شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله شرابی که از انگور نجس و مانند آن درست کنند، چنانچه در ظرف دیگری که پاک باشد بریزند و بعد سرکه شود پاک می شود، و هم چنین اگر نجاست دیگری به شراب برسد و مستهلک شود، در صورتی که به ظرف نرسیده باشد بعد از سرکه شدن پاک می شود.

[مسأله ۲۰۰ سرکه ای که از انگور نجس درست کنند]

مسأله ۲۰۰ سرکه ای که از انگور و کشمش و خرمای نجس درست کنند نجس است (۱). (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط.

(بهجت :) و در طهارت آن بعد از انقلاب به شراب ، و انقلاب شراب به سرکه تأمّل است .

[مسأله ۲۰۱ اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد]

مسأله ۲۰۱ اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند ضرر ندارد (۱). و نیز اگر پیش از آن که خرما و

کشمش و انگور سرکه شود خیار و بادمجان و مانند اینها در آن بریزند اشکال ندارد (۲). (۱) (بهجت :) اشکال ندارد ..

(گلپایگانی :) و این بنا بر قول به نجاست آن است به جوش آمدن ، و [در مسأله ۱۱۳] گذشت که اقوی طهارت است . [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بلکه ریختن خیار و بادمجان و مانند اینها در آن اگر چه پیش

از سرکه شدن باشد نیز اشکالی ندارد، مگر این که پیش از سرکه شدن مسکر شده باشد.

(صافی :) و این بنا بر آن است که قائل به نجاست آن به وسیله جوش آمدن باشیم و [در مسأله ۱۱۳] گذشت که أقوی طهارت است [پایان مسأله] (۲) (بهجت :) بنا بر اظهر.

(زنجانی :) مسأله اگر پوشال ریز انگور و کشمش و خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند مانعی ندارد، ولی احتیاط در آن است که تا خرما و کشمش و انگور سرکه نشده ، خیار و بادمجان و مانند اینها در آن نریزند.

(مکارم :) مسأله اگر انگور را با چوبهایش سرکه بریزند، و معمولًا قبل از سرکه شدن شراب می شود، بعد از آن مبدّل به سرکه می گردد پاک است ، امّا اگر خیار و بادمجان و مانند آنها، در آن بریزند احتیاط واجب ، اجتناب است .

مسأله اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۲۱۸ کشمش و خرمایی که در غذا می ریزند خوردنش حلال است ، هر چند جوشیده باشد.

۵ کم شدن دو سوم آب انگور

[مسأله ۲۰۲ آب انگوری که جوش آمده پیش از آن که ثلثان شود]

مسأله ۲۰۲ آب انگوری که جوش آمده پیش از آن که ثلثان شود، یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند نجس نیست ، ولی خوردن آن حرام است ، ولی اگر ثابت شود که مست کننده است ، حرام و نجس می باشد و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می شود. (اراکی :) مسأله آب انگوری که با آتش به جوش آمده ، نجس نیست ولی خوردن آن حرام است و با ثلثان شدن ، یعنی کم شدن دو سوّم آن به وسیله آتش ، حلال می گردد. ولی چنانچه با غیر آتش به جوش آید پاک بودن آن و پاک شدنش به واسطه ثلثان محل ِاشکال است ، لکن اگر با آتش ثلثان شود، پاک می گردد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله آب انگوری که به آتش جوش آمده اگر آن قدر بجوشد که ثلثان شود یعنی : دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند پاک می شود ولی اگر به خودی خود جوش بیاید (صافی : یا به آتش جوش بیاید و به غیر آتش ثلثان شود) فقط به سرکه شدن پاک می شود و این حکم بنا بر قول به نجاست عصیر است به جوش آمدن و [در مسأله ۱۱۳] گذشت که أقوی طهارت است .

(خوئی :) مسأله آب انگوری که به آتش یا به خودی خود جوش بیاید، حرام می شود، و اگر آن قدر به آتش بجوشد که

ثلثان شود، یعنی دو قسـمت آن کم شود و یک قسـمت آن بمانـد، حلال می شود و در مسأله [۱۱۳] گذشت که آب انگور به جوش آمدن نجس نمی شود.

(سیستانی :) اگر آن قدر بجوشد که دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند،

حلال می شود و اگر ثابت شود که مست کننده است ، چنانچه بعضی در صورتی که خودبخود جوش بیاید گفته اند، تنها با سرکه شدن حلال می شود ..

(تبریزی :) و بعید نیست که اگر دو قسمت آن به غیر آتش کم شود حلال باشد.

(نوری :) مسأله آب انگوری که خود به خود جوش آمده نجس است و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می شود؛ ولی اگر به واسطه آتش جوش آمده است ، پیش از آن که ثلثان شود یعنی دو قسمت آن کم شود، نجس نیست ولی حرام است و به ثلثان شدن به وسیله آتش حلال می شود.

(بهجت :) مسأله آب انگوری که جوش آمده پیش از آن که دو سوّم آن به واسطه جوشیدن کم شود و یک سوّم آن باقی بماند بنا بر أقوی و أحوط نجس است و بنا بر اظهر و أحوط فرقی نیست در این که به وسیله آتش جوش بیاید یا به وسیله دیگر ولی همین که دو سوّم آن کم شد یا مبدّل به سرکه گردید پاک می شود.

(مکارم :) مسأله هر گاه آب انگور با آتش بجوشد نجس نیست ، ولی خوردنش حرام است ، اما اگر آن قدر بجوشد که دو قسمت آن بخار شود و یک قسمت بماند، حلال می شود و اگر خودبخود به جوش آید و مست کننده شود حرام و نجس است و تنها با سرکه شدن پاک و حلال می شود.

(زنجانی :) مسأله آب انگوری که به آتش یا به خودی خود جوش بیاید، خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط نجس می شود، چنانچه در مسأله [۱۱۳] گذشت و اگر آن قدر با آتش بجوشد که ثلثان شود، یعنی دو سوم آن کم شود، پاک شده و خوردن آن حلال است ؛ ولی اگر به خودی خود جوش بیاید بنا بر احتیاط فقط به سرکه شدن پاک می شود.

مسائل اختصاصی

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۲۰۴ اگر دو قسمت آب انگور بدون جوش آمدن کم شود چنانچه باقی مانده آن جوش بیاید حرام است .

(گلپایگانی ، صافی :) نجس نیست ولی خوردن آن حرام است .

(سیستانی :) اگر عرفاً به آن آب انگور بگویند نه شیره ، بنا بر احتیاطِ لازم حرام است .

(زنجانی :) حرام و بنا بر احتیاط نجس است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۲۰۵ خوردن آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا نه حلال است ولی اگر با آتش جوش بیاید تا انسان یقین نکند که دو قسمت آن با آتش کم شده ، حلال نمی شود. و اگر به خودی خود جوش آید تا سرکه نشود، حلال نمی شود.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۲۰۵) (سیستانی :) مسأله ۱۹۸ آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا نه ، حلال است (زنجانی : پاک است) ولی اگر جوش بیاید، تا انسان یقین نکند که دو قسمت آن کم شده ، حلال نمی شود (زنجانی : پاک نمی شود).

[مسأله ۲۰۳ اگر مثلًا در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد]

مسأله ۲۰۳ اگر مثلًا در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد (۱) چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود آب غوره بگویند ۲ و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است .

(۱) (خوئی :) مقداری انگور باشد .. زنج (انی :) یک دانه انگور باشد ..

(مکارم :) دانه هائی از انگور باشد، و آب همه آن را بگیرند چنانچه به آن «آب غوره » گویند با جوشیدن ، نجس یا حرام نمی شود. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) آب انگور نگویند و بجوشد خوردن آن حلال است .

(زنجانی :) آب انگور نگویند، هر چند جوش بیاید، پاک و خوردن آن حلال است .

مسائل اختصاصی

اشاره

(خوئی :) مساله ۲۰۷ اگر یک دانه انگور در چیزی که به آتش می جوشد بیفتد و بجوشد و مستهلَک نشود فقط خوردن آن دانه حرام است .

(گلپایگانی ، صافی :) و در آن مستهلک شود خوردن آن حلال است .

(زنجانی :) احتیاط آن است که از آن اجتناب کنند و خوردن آن هم حرام است .

(تبریزی :) و اگر مستهلک شود خوردن آن اشکالی ندارد.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۲۰۸ - (سیستانی :) مسأله ۲۰۱ اگر بخواهند در چند دیگ شیره بپزند، جایز است کفگیری را که در دیگ جوش آمده زده اند در دیگی که جوش نیامده بزنند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۲۰۸ اگر بخواهند در چند دیگ شیره بپزند، باید کفگیری را که در دیگ جوش آمده زده اند در دیگی که جوش نیامده نزنند. و اگر همه جوش آمده باشد، باید کفگیر دیگی را که ثلثان نشده ، در دیگی که ثلثان شده نزنند و این حکم بنا بر قول به نجاست عصیر است به جوش آمدن ، ولی [در مسأله ۱۱۳] گذشت که نجس نمی شود.

(زنجانی :) و ثلثان نشده ..

(زنجانی :) یا اگر جوش آمده ثلثان شده ، نزنند. [پایان مسأله]

[مسأله ۲۰۴ چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور]

مسأله ۲۰۴ چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید حرام نمی شود (۱). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ،

سیستانی ، صافی :) اگر جوش بیاید خوردن آن حلال است .

(مکارم :) اگر با آتش بجوشد، حرام نمی شود.

(زنجانی ، نوری :) اگر جوش بیاید نجس نمی شود ((زنجانی :) و حرام هم نیست).

(بهجت :) اگر جوش بیاید نجس نمی شود و نیز اگر شک در جوشیدن آب انگور داشته باشیم ، پاک و خوردن آن حلال است . امّا اگر یقین به جوشیدن آب انگور پیدا شد، باید یقین به کم شدن دو سوم آن یا سرکه شدن آن پیدا کنیم تا پاک و حلال شود.

مسائل اختصاصی

اشاره

(بهجت :) مسأله ۲۰۷ هر گاه انگور را در میان تیزاب بگذارند که سبزه شود، در صورتی که علم به جوشیدن حاصل نشود پاک است .

(مکارم :) مسأله ۲۲۲ شیره ای که از بازار می گیرند و می دانند فروشنده از این مسائل با خبر است ، پاک و حلال است و تفحّص لازم نیست .

۶ انتقال

[مسأله ۲۰۵ اگر خون بدن انسان به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود]

مسأله ۲۰۵ اگر خون بـدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنـده دارد، (یعنی : حیوانی که وقتی رگ آن را ببرنـد خون از آن جستن می کند) (۱) به بـدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود، پاک می گردد و این را انتقال گویند (۲). پس خـونی که زالـو از انسـان می مکـد چـون خون زالو به آن گفته نمی شود و می گوینـد خون انسـان است (۳) نجس می باشد. (۱) (سیسـتانی :) [و] حیوانی که عرفاً خون ندارد آن را بمکد به طوری که در معرض آن باشد که جذب بدن آن حیوان گردد همان طوری که پشه از بـدن انسان یا حیوان می مکـد آن خون پاک می شود و این را انتقال می گویند، و امّا خونی که زالو از انسان برای معالجه می مکـد چون معلوم نیست جزءِ بـدن او شود نجس است . [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و هم چنین است حکم در سایر نجاسات ..

(مکارم :) بنا بر این خون پشه که جزءِ بـدن او است پاک است ، هر چند در اصل آن را از انسان گرفته ، ولی خونی که زالو از انسان می مکد پاک نیست چون جزءِ بدن او محسوب نمی شود. (۳) (بهجت :) تا وقتی که چنین است ..

[مسأله ۲۰۶ اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد]

اشاره

مسأله ۲۰۶ اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد (۱) و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می باشد، پاک است و هم چنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزو بدن پشه حساب شود، اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشـتن پشه به قـدری کم باشد که بگویند خون انسان است (۲)، یا معلوم نباشـد که می گوینـد خون پشه است یا خون انسان ، نجس می باشد. (۱) (سیسـتانی :) و خونی را که پشه مکیـده از او بیرون بیاید آن خون پاک است زیرا در معرض آن بوده که غذای پشه شود اگر چه فاصـله میان مکیدن خون و کشـتن پشه بسـیار کم باشد، ولی احتیاط مستحبّ آن است که از آن خون در این صورت اجتناب شود. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) آن خون نجس می باشـد، و اگر بداند که آن خون را از انسان مکیده و شکّ کند که جزءِ بدن پشه شده یا نه ، احتیاط اجتناب از آن است .

(مکارم :) مسأله هر گاه خونی از پشه بیرون آیـد و ندانـد خونی است که تازه از او مکیده یا از خود پشه است پاک ، ولی اگر بداند هنوز خون جزءِ بدن پشه نشده نجس می باشد.

۷ اسلام

[مسأله ۲۰۷ اگر کافر شهادتین بگوید]

مسأله ۲۰۷ اگر کافر (۱) شـهادتین بگویـد، یعنی بگوید: «اشـهَدُ ان لا اِله َ اِلَّا اللّه ُ وَ اشـهَدُ ان َّ مُحَمَّداً رَسُول ُ اللّه ِ» (۲) مسلمان می شود و بعـد از مسـلمان شدن ، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است (۳). ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست به بدن او بوده ، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد، ولی اگر (۴) پیش از مسلمان شدن عین نجاست برطرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد. (۵)

(۱) (فاضل :) اگر مشرک ..

(مکارم :) در بحث نجاسات گفتیم احتیاط واجب آن است که از کافر اجتناب شود حال اگر کافر .. (۲) (بهجت :) یا معنای این دو جمله را به زبان دیگری بگوید ..

(خوئی ، سیستانی :) اگر کافر ((تبریزی :) اگر کافر غیر کتابی (زنجانی :) اگر کافر از روی اعتقاد) شهادتین بگوید یعنی به یگانگی خدا و نبوّت خاتم الأنبیاء صلی اللّه علیه و آله و سلم شهادت بدهد، به هر لغتی که باشد .. (۳) (سیستانی :) چنانچه قبلًا محکوم به نجاست بوده ..

(مکارم :) مسلمان می شود و بدن او پاک می گردد .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) بلکه اگر ..

(فاضل :) و نیز اگر .. (زنجانی :) و اگر .. (۵) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که جای آن را آب بکشد ((تبریزی :) و بنا بر اظهر کافر کتابی پاک است).

(زنجانی :) احتیاط مستحب است آن است که جای آن را آب بکشد.

(فاضل :) لازم است جای آن را آب بکشد.

[مسأله ۲۰۸ اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد]

مسأله ۲۰۸ اگر موقعی که کافر بوده (۱) لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است (۲)، بلکه اگر در بدن او هم باشد بنا بر احتیاط واجب (۳) باید (۴) از آن اجتناب کند. (۱) (فاضل :) اگر موقعی که مشرک بوده .. (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (بهجت :) ولی اگر در بدن او باشد بنا بر اظهر پاک می شود.

(نوری :) ولی لباسی که در موقع مسلمان شدن در بدن او بوده است ، پاک می شود هر چند با عرق بدن او ملاقات کرده باشد.

(سیستانی :) چه آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او باشد چه نباشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۴) [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (مکارم :) مسأله لباسی که بر تن کافر است ، وقتی اسلام آورد، پاک نمی شود بنا بر احتیاط واجب .

[مسأله ۲۰۹ اگر کافر شهادتین بگوید]

اشاره

مسأله ۲۰۹ اگر کافر (۱) شهادتین بگوید و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه ، پاك است (۲) ولی اگر بداند قلباً مسلمان نشده بنا بر احتیاط واجب (۳) باید از او اجتناب کرد (۴). (۱) (فاضل :) اگر مشرك .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه اگر بداند هم که اعتقاد ندارد تا اظهار کفر نکرده بنا بر أقوی پاك است .

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) و هم چنین اگر بداند قلباً مسلمان نشده است ولی چیزی که منافی با اظهار شهادتین باشد از او سر نزند.

(نوری :) بلکه اگر انسان بداند که قلباً مسلمان نشده است هنگامی که در ظاهر اسلام را مراعات می کند، پاک است . (۳) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۴) (بهجت :) نجس بودن او خالی از وجه نیست . (زنجانی :) بنا بر احتیاط نجس است .

(مکارم :) مسأله هر گاه کافر شهادتین نگوید ولی قلباً به معنی آن ایمان داشته باشد مسلمان است ، امّا اگر بر زبان جاری کند و یقین باشد که قلباً به آن ایمان ندارد احتیاط واجب آن است که از او اجتناب شود.

۸ تَبَعیّت

[مسأله ۲۱۰ تعریف تبعیت]

مسأله ۲۱۰ تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر (۱) پاک شود (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) به واسطه پاکی چیز دیگر .. (۲) (بهجت :) و همین طور است کودکی که در جنگ با مسلمانان از کفار اسیر می شود که به سبب تبعیت مسلمان ِاسیر کننده ، پاک می گردد.

[مسأله ۲۱۱ اگر شراب سرکه شود]

مسأله ۲۱۱ اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب (۱) موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می شود (۲) و کهنه و چیزی هم که معمولًا روی آن می گذارند اگر به آن رطوبت نجس شود (۳) پاک می گردد (۴). بلکه اگر موقع جوشیدن ، سر برود و پشت ظرف به آن آلوده شود، بعد از سرکه شدن پشت ظرف هم پاک می شود. (۱) (مکارم :) یا انگور .. (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) اگر با آن نجس شد .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن شراب ، از آن اجتناب کنند.

(مکارم :) اگر معمولًا به آن رطوبت نجس شود آن هم پاک می گردد، امّا اگر موقع جوشش سر برود و پشت ظرف به آن آلوده شود، بعد از سرکه شدن پشت ظرف پاک نمی شود.

(بهجت :) مسأله اگر شراب سرکه شود اطراف داخل ظرف نیز با پاک شدن آن پاک می شود.

(زنجانی :) مسأله اگر شراب سرکه شود داخل ظرف که به شراب نجس شده پاک می شود ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن ِشراب از آن اجتناب کنند.

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۲۱۷ ظرفی که آب انگور در آن جوش می آید و چیزهایی که مانند کفگیر برای پختن آب انگور، به کار می رود بنا بر قول به نجاست آب انگور جوشان بعد از کم شدن دو قسمت آب انگور پاک می شود ولی [در مسأله ۱۱۳] گذشت که آب انگور به جوشیدن نجس نمی شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۱۷ (۲) (سیستانی :) مسأله ۲۱۰ بچّه کافر به تبعیّت در دو مورد پاك می شود: ۱ کافری که مسلمان شود طفل او در پاکی تابع اوست و هم چنین اگر جَدّ طفل یا مادر یا جدّه او مسلمان شوند ۲ طفل کافری که به دست مسلمانی اسیر گردد، و پدر یا یکی از اجداد همراه او نباشد؛ در این دو مورد پاکی طفل به تابعیّت مشروط به این است که طفل در صورت ممیِّز بودن ، اظهار کفر ننماید.

(سیستانی :) ولی حکم به طهارت در این مورد مشروط به آن است که بچّه همراه آن تازه مسلمان و در کفالت او باشد و هم چنین کافری نزدیکتر از او همراه آن بچّه نباشد ..

(زنجانی :) مسأله ۲۱۶ فرزندان نابالغ کفّار بعد از مسلمان شدن یکی از پدر یا مادر یا جدّ یا جدّه نزدیك پاك می شوند مگر این که ممیّز بوده و اظهار کفر کنند.

(زنجانی :) مسأله ۲۱۸ آب انگور اگر جوش بیاید و پیش از آن که دو سوم آن کم شود به جایی بریزند، بنا بر احتیاط باید آن جا را آب بکشند؛ ولی ظرفی که آب انگور در آن جوش می آید و چیزهایی که مانند کفگیر برای پختن آب انگور به کار می رود و در آن قرار دارد، بعد از کم شدن دو سوم آب انگور پاك می شود.

(مکارم :) مسأله ۲۳۰ فرزندان نابالغ کفّار بعد از ایمان آوردن پدران آنها پاك می شوند.

[مسأله ۲۱۲ تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می دهند]

مسأله ۲۱۲ تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می دهند و پارچه ای که با آن عورت میت را می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد (۱) و همین طور کیسه و صابونی که با آن شسته می شود بعد از تمام شدن غسل پاك می شود. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) تمام این چیزها که با میّت شسته شده است بعد از تمام شدن ِغسل ، پاك می شود.

(اراکی ، گلپایگانی ، مکارم ، بهجت ، صافی ، زنجانی ، نوری :) بعد از تمام شدن غسل پاك می شود (زنجانی : هم چنین پیراهن میّت ، در جایی که معمولًا از زیر پیراهن غسل داده می شود).

[مسأله ۲۱۳ کسی که چیزی را با دست خود آب می کشد]

مسأله ۲۱۳ کسی که چیزی را با دست خود آب می کشد (اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود) (۱) بعد از پاك شدن آن چیز دست او هم پاك می شود. این مسأله در رساله آیات عظام : زنجانی و مکارم نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، بهجت و صافی نیست] (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله کسی که چیزی را آب می کشد، بعد از پاك شدن آن چیز دست او هم که با آن چیز شسته شده پاك می شود.

[مسأله ۲۱۴ اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند]

مسأله ۲۱۴ اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل ، آب بکشند (۱) و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود (۲)، آبی که در آن می ماند پاک است (۳). (۱) (فاضل :) اگر لباس و مانند آن را آب بکشند ..

(۲) (سیستانی :) تا آبی که با آن شسته شده جدا شود .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) بلکه آبی که از او جدا شده نیز پاک است به تفصیلی که در مسأله (۲۷) گذشت .

[مسأله ۲۱۵ ظرف نجس را که با آب قلیل آب می کشند]

اشاره

مسأله ۲۱۵ ظرف نجس را که با آب قلیل آب می کشند، بعد از جدا شدن ِ آبی که برای پاک شدن ، روی آن ریخته اند (۱) قطره های آبی که (۲) در آن می ماند پاک است (۳). (۱) (سیستانی :) بعد از جدا شدن ِ آبی که برای پاک شدن با آن شسته شده آب کمی که در آن می ماند پاک است . (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی ، فاضل ، بهجت :) آب کمی که .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است آبی که از او جدا شده به تفصیلی که در مسأله (۲۷) گذشت .

۹ برطرف شدن عین نجاست

[مسأله ۲۱۶ اگر بدن حیوان به عین نجس یا متنجس آلوده شود]

مسأله ۲۱۶ اگر بدن حیوان (۱) به عین نجس مثل خون ، یا متنجس مثل آب نجس ، آلوده شود، (۲) چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان پاک می شود. و هم چنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی . (۳) مثلًا اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست (۴). ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود باید آن را آب بکشند (۵) به احتیاط واجب ۶. (۱) (بهجت :) و یا منقار مرغی .. (۲) (زنجانی :) اگر بگوییم بدن حیوان نجس می شود .. (۳) (زنجانی :) مثل داخل دهان و بینی اگر نجس شده باشد .. (۴) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) [و] اعضایی که در باطن بدن انسان پیوند زده می شود و مانند سایر اعضای بدن از فعالیتهای حیاتی برخوردار است ، مانند سایر اعضای باطنی به برطرف شدن عین نجاست پاک می شوند ولی اشیایی چون دندان مصنوعی که از فعالیتهای حیاتی برخوردار نیستند، بنا بر احتیاط با برطرف شدن عین نجاست پاک نمی شوند و باید آنها را آب کشید. (۵) (خوئی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۶) (اراکی :) و هم چنین اگر غذای متنجس بخورد و آن را ببلعد دهان او پاک می شود و آب کشیدن توی دهان لازم نیست . (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط باید آن را آب بکشند.

(تبریزی :) اگر دندان عاریه در دهان باشد و خون به آن برسد، بنا بر احتیاط باید آن را آب بکشند.

(سیستانی :) باطن بدن انسان که مثل توی دهان و بینی و گوش باشد به ملاقات نجاست خارجی نجس می شود و با از میان رفتن آن پاک می گردد و امّا نجاست داخلی مانند خونی که از لای دندان بیرون می آید موجب نجس شدن باطن بدن نمی

شود و هم چنین ملاقات چیز خارجی در باطن بـدن با نجاست داخلی آن چیز را نجس نمی کنـد بنا بر این اگر دندان عاریه در دهان با خونی که از لای دیگر دنـدانها بیرون آمـده ملاقات کنـد آب کشـیدن آن لازم نیست ولی اگر با غذای نجس ملاقات کند آب کشیدن آن لازم است .

(مکارم :) مسأله هر گاه بدن حیوان نجس شود همین که عین نجاست برطرف شود، بدن

حیوان پـاک می گردد، مثلًا اگر منقار پرنـده خون آلود باشـد یا حیوانی روی چیزهای آلوده بنشـیند همین که خون و آلودگی برطرف شـد بدن حیوان پاک است . باطن بدن انسان (مانند داخل دهان و بینی) اگر نجس شود همین که نجاست از بین برود پـاک می شود، مثلًـا اگر از لثه ها خون بیرون آیـد و در آب دهان از بین برود یا خون را بیرون بریزد آب کشـیدن داخل دهان لازم نیست ، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان باشد، احتیاط واجب آن است که آن را آب بکشد.

[مسأله ۲۱۷ اگر غذا لای دندان مانده باشد]

مسأله ۲۱۷ اگر غـذا لای دنـدان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید (۱)، چنانچه انسان ندانـد که خون به غذا رسـیده آن غذا پـاک اسـت . و اگر خـون به آن برسـد بنـا بر احتیـاط واجب نجس می شـود (۲). (۱) (فاضـل :) آن غـذا پاک است و دنـدان مصنوعی هم همین حکم را دارد. [پایان مسأله] (سیستانی :) غذا به ملاقات با خون نجس نمی شود. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، بهجت :) اگر خون به آن برسد (بهجت : ظاهر آن) نجس می شود.

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) بنا بر احتیاط نجس می شود.

(زنجانی :) اگر بداند خون به آن رسیده بنا بر احتیاط نجس می باشد.

(مکارم :) مسأله هر گاه غذا در دهان یا لای دندانها باقی مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند خون به غذا سرایت کرده ، آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد، نجس می شود و خوردن آن غذا حرام است .

[مسأله ۲۱۸ جایی را که انسان نمی داند از ظاهر بدن است]

مسأله ۲۱۸ جایی را (۱) که انسان نمی دانـد از ظاهر بدن است یا باطن آن ، اگر نجس شود لازم نیست آب بکشد (۲) اگر چه آب کشـیدن أحوط است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگـانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) مقداری از لبها و پلک چشم که موقع بستن ، روی هم می آید و نیز جایی را .. (۲) (اراکی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) باید آب بکشد.

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید آب بکشد.

(مکارم :) مسأله جایی از لب و مانند آن که انسان نداند جزء ظاهر بدن است یا باطن ، اگر نجس شود باید آن را آب بکشد.

(سیسـتانی :) مسأله مقداری از لبها و پلک چشم که موقع بسـتن ، روی هم می آید حکم باطن را دارد، پس چنانچه با نجاسـت خارجی ملاقات کنـد آب کشـیدن آن لازم نیست ولی جایی را که انسان نمی دانـد از ظاهر بدن است یا باطن آن ، اگر به آن جاست خارجی ملاقات کند لازم است آن را آب بکشد.

مسأله اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۲۲۵ چشم انسان جزء اعضای باطنی به شمار آمده و با برطرف شدن عین نجاست پاک می شود.

[مسأله ۲۱۹ اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند]

اشاره

مسأله ۲۱۹ اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش (۱) و مانند اینها بنشیند، چنانچه

هر دو خشک باشند نجس نمی شود (۲) و اگر گرد و خاک یا لباس و مانند اینها تر باشد باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) فرش خشک .. (۲) (مکارم :) و کافی است آن را تکان دهند، هم چنین اگر رطوبت غیر مسری داشته باشد، امّا اگر یکی از آنها تر باشد، نجس می شود و اگر در نجاست گرد و غبار یا رطوبت محل ـ شک ـ داشته باشد آن هم پاک است .

(نوری :) و اگر طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد پاک می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد، پاک می شود. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی :) چنانچه طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد و چیزی با رطوبت با آنها ملاقات کند، نجس نمی شود. [پایان مسأله] (سیستانی :) چنانچه طوری آنها را تکان دهند که مقدار متیقن از گرد و خاک نجس که در آن بوده ، از آنها بریزد، آن لباس و فرش پاک است و شستن لازم نیست .

۱۰ استِبراء حیوان نجاستخوار

[مسأله ۲۲۰ بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده]

مسأله ۲۲۰ بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است (۱) و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند، یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاستخوار به آن نگویند نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند (۲) و بنا بر احتیاط واجب (۳) باید شتر نجاستخوار را چهل روز و گاو را بیست روز (۴) و گوسفند را ده روز و مرغابی را پنج روز (۵) و مرغ خانگی را سه روز، (۶) از خوردن نجاست جلوگیری کنند (۷) و غذای پاک به آنها بدهند. (۸) (۱) (مکارم :) و گوشت آن نیز حرام است .. (بهجت :) چنانچه در مسأله [۸۶] گفته شد .. (۲) (مکارم :) اگر بخواهند پاک شود، باید حیوان را غذای پاک بدهند تا نام حیوان نجاستخوار از آن برداشته شود .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : فاضل ، نوری و مکارم نیست] (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، مکارم ، تبریزی :) سی روز .. (۵) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی ، بهجت ، نوری :) هفت یا پنج روز .. (۶) (مکارم :) و در حیوانات دیگر همین اندازه که نام نجاستخوار از آن برداشته شود، کافی است . (۷) (سیستانی :) هر چند پیش از گذشت این مدت به آنها نجاستخوار گفته نشود. (۸) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) و اگر بعد از این مدّت باز هم نجاستخوار به آنها گفته شود، باید تا مدتی که بعد از آن مدّت ، دیگر نجاستخوار به آنها نگویند آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایند.

(زنجانی :) مسأله بول و غائط و عرق حیوان نجاستخوار نجس است چنانچه در

مسأله [۱۲۰] گـذشت و اگر بخواهنـد پاك شود بایـد حیوان را اسـتبراء كننـد، یعنی تا مـدتی نگذارند نجاست بخورد و غذای دیگری به او بدهند و این مدّت در شتر نجاستخوار چهل روز و در گاو بیست روز و در گوسفند ده روز و در مرغابی پنج روز و در مرغ خانگی سه روز و در سایر حیوانات به اندازه ای است كه دیگر به آنها نجاسـتخوار گفته نشود و اگر در حیواناتی كه مـدتی برای آنها ذكر شـده پس از این مـدّت هنوز عنوان نجاسـتخوار بر طرف نشـده باشـد، بنا بر احتیاط مسـتحب به قدری از خوردن نجـاست جلوگیری كننـد كه دیگر به آنهـا نجاسـتخوار نگوینـد. اسـتبراء گوسـفند و دیگر حیوانـاتی كه از خوك شـیر خورده اند و هنوز گوشت در بدنشان نروییده و اسـتخوانشان از آن سخت نشده است ، به این گونه است كه از پستان گوسفند یا حیوانات پاك دیگر، شیر بخورند و اگر نیازی به شیر ندارند، هفت روز غذای پاك بخورند.

مسائل اختصاصی

اشاره

(مكارم :) مسأله ۲۴۰ گاهی در مرغـداریها پودر خون با غـذای آنها مخلوط می كننـد به طوری كه گوشت مرغ به واسطه آن می روید، گوشت و تخم آن مرغ حرام نیست و رطوبتهای مرغ نجس نمی شود، ولی بهتر آن است كه از چنین مرغ و تخم آن پرهیز شود.

(مكـارم :) مسأله ۲۴۱ هر گـاه حیوان سـایر نجاسـتها را غیر از مـدفوع انسـان بخورد بـاعث نجاست بول و مـدفوع او نمی شود، گوشت او هم حرام نیست ، مگر حیوانی كه از شیر خوك تغذیه كرده و به وسیله آن رشد و نموّ كرده باشد كه گوشتش حرام است .

۱۱ غائب شدن مسلمان

[مسأله ۲۲۱ اگر بدن مسلمان یا چیز دیگری كه در اختیار او است نجس شود]

اشاره

مسأله ۲۲۱ اگر بدن یا لباس مسـلمان یا چیز دیگری كه مانند ظرف و فرش در اختیار او است نجس شود (۱) و آن مسلمان (۲) غـائب گردد اگر انسـان احتمـال بدهـد كه آن چیز را آب كشـیده یا به واسـطه آن كه مثلًا آن چیز در آب جاری افتاده ، پاك شـده است اجتنـاب از آن لازم نیست (۳). (۱) (مكارم :) و او هم بفهمـد كه نجس شـده .. (۲) (بهجت :) بـا آن چیزی كه در اختیار اوست .. (۳) (مكارم :) اگر انسان احتمال دهد كه آن را آب كشیده ، پاك است ، به شرط این كه از چیزهایی باشد كه طهارت در آن شرط است ، مانند لباسی كه با آن نماز می خواند و یا غذا و ظروف غذا.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار اوست نجس شود و آن مسلمان غائب گردد، با شش شرط پاک است اوّل : آن که آن مسلمان چیزی را که بدن یا لباسش را نجس کرده نجس بداند پس اگر مثلًا لباسش با رطوبت به بدن کافر ملاقات کرده و آن را نجس نداند بعد از غائب شدن او نمی شود آن لباس را پاک دانست . دوّم : آن که بداند بدن یا لباسش به چیز نجس رسیده است . سوّم : آن که انسان ببیند آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می کند، مثلًا ببیند با آن لباس نماز می خواند. چهارم : آن که احتمال برود که آن مسلمان بداند شرط کاری را که با آن چیز انجام می دهد پاکی است ، پس اگر مثلًا نداند که باید لباس نمازگزار پاک باشد و با لباسی که نجس شده نماز بخواند، نمی شود آن لباس را پاک دانست . پنجم : آن که انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است ، پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده ، نباید آن چیز را پاک بداند و نیز اگر نجس و پاک در نظر آن مسلمان فرق نداشته باشد، پاک دانستن آن چیز محل ّاشکال است .

ششم : آن که آن مسلمان بالغ ، یا ممیّز طهارت و نجاست باشد.

(زنجانی :) گفته شده است که با شش شرط حکم به پاکی آن می شود ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) اگر مثلًا لباسش به عرق جنب از حرام آلوده شود ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) چهارم : آن که آن مسلمان بداند ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) ششم : آن که بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد.

(زنجانی :) ششم : آن که بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد. فقهاء غایب شدن مسلمان را با شرایط فوق از مطهرات دانسته اند ولی بنا بر احتیاط واجب غایب شدن مسلمان ، از راههای ثابت شدن طهارت نیست ، مگر موجب اطمینان شخصی یا نوعی شود.

(تبریزی :) ششم : آن که مسلمان بالغ ، یا طفلی باشد که بتواند طهارت و نجاست را تشخیص دهد.

(فاضل :) مسأله اگر بدن و لباس یا وسائل شخصی فرد مسلمانی نجس شود و او از ما جدا شود بعد از این که مجدداً او را دیدیم لباس و بدن و وسائل او با شرایط زیر محکوم به طهارت است : ۱ بداند که لباس یا بدن یا وسائل او نجس شده است . ۲ استفاده از آن وسائل مشروط به طهارت باشد. ۳ احتمال این که او بدن و لباس و وسائل را تطهیر کرده ، وجود داشته باشد. ۴ بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد. ۵ آن مسلمان بی مبالات به طهارت و نجاست نباشد.

(سیستانی :) مسأله اگر بدن یا لباس یا چیز دیگری مانند ظرف و فرش در اختیار مسلمان بالغ یا ممیّز طهارت و نجاست باشد و نجس شود و آن مسلمان غائب گردد، چنانچه انسان احتمال عقلائی دهد که او آن چیز را آب کشیده است پاک می باشد.

راه ثابت شدن طهارت

[مسأله ۲۲۲ اگر خود انسان یقین کند که چیزی که نجس بوده پاک شده است]

مسأله ۲۲۲ اگر خود انسان یقین کند که چیزی که نجس بوده پاک شده است ، یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز پاک است (۱) و هم چنین است اگر کسی که چیز نجس در اختیار اوست بگوید آن چیز پاک شده (۲)، یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد (۳)، اگر چه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه (۴). (۱) (سیستانی :) اگر انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که چیزی که نجس بوده پاک شده است ، یا دو عادل بر پاک شدن آن شهادت دهند و مورد شهادت آنان سبب پاک شدن باشد آن چیز پاک است مثلًا شهادت دهند به این که لباس آلوده به بول ، دو مرتبه شسته شده .. (۲) (سیستانی :) و مورد اتّهام هم نباشد .. (۳) (سیستانی :) به منظور پاک شدن آب کشیده باشد .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) و بعید نیست که خبر

دادن یک نفر عادل یا شخص موثّق به پاکی آن نیز کفایت کند.

(زنجانی :) مسأله پاك شدن چیز نجس به چند راه ثابت می شود: اول : آن كه انسان خود یقین یا اطمینان كند یا نوع مردم یقین یا اطمینان به پاك شدن پیدا كنند و در جایی كه نوع مردم اطمینان به طهارت نمی كنند اگر انسان بر خلاف متعارف اطمینان كند، كفایت نمی كند و شخص وسواسی كه بر خلاف معمول افراد در آب كشیدن چیز نجس به زودی اطمینان پیدا نمی كند لازم نیست خود اطمینان كند؛ بلكه اگر معمول افراد اطمینان كنند كافی است . دوم : دو مرد عادل خبر دهند؛ و بنا بر احتیاط واجب یك نفر عادل كفایت نمی كند. سوم : آن كه كسی كه چیز نجس در اختیار اوست بگوید آن چیز پاك شده . چهارم : مسلمانی چیز نجس را آب كشیده باشد اگر چه معلوم نباشد درست آب كشیده یا نه .

(مكارم :) مسأله هر گاه دو نفر عادل ، یا یك نفر، از پاك شدن چیز نجسی خبر دهند شهادت آنها قبول است ، هم چنین اگر ذو الید یعنی كسی كه چیزی را در اختیار دارد بگوید پاك شده است ، یا بدانیم مسلمانی آن را آب كشیده ولی نمی دانیم درست آب كشیده یا نه ، پاك است .

[مسأله ۲۲۳ كسی كه وكیل شده است لباس انسان را آب بكشد]

مسأله ۲۲۳ كسی كه وكیل شده است لباس انسان را آب بكشد (و لباس هم در تصرف او باشد) (۱) اگر بگوید آب كشیدم (۲)، آن لباس پاك است . (۱) (بهجت :) در اختیار او باشد .. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراكی ، گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، سیستانی و تبریزی نیست .] (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، نوری :) و انسان به گفته او اطمینان پیدا كند ..

(بهجت :) در صورتی كه ظنّ به خلاف گفته او نباشد ..

(مكارم :) مسأله هر گاه انسانی لباسش را به لباس شویی مسلمان دهد كه آن را بشوید و آب كشد قول او قبول است .

[مسأله ۲۲۴ اگر انسان حالی دارد كه در آب كشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی كند]

مسأله ۲۲۴ اگر انسان حالی دارد كه در آب كشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی كند می تواند به گمان اكتفا نماید (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (بهجت :) و در صورتی كه می تواند یقین تقدیری متعارف را تشخیص دهد، آن مقدّم است (یعنی با این كه یقین پیدا نمی كند، به مقداری بشوید كه سایر مسلمانها می شویند و بیش از آن لازم نیست).

(اراكی :) اگر به نحو متعارف ، چیز را آب بكشد كفایت می كند.

(فاضل :) همانند عرف مردم رفتار نماید و یقین برای او لازم نیست .

(مکارم :) مسأله کسانی که گرفتار حالت وسوسه می شونـد و زود، یقین به نجس بودن چیزی پیدا می کنند و یا به هنگام آب کشـیدن چیز نجس به آسانی یقین به پاکی پیـدا نمی کننـد یقین آنها اعتبار ندارد و می توانند همان طور که دیگران یقین پیدا می کنند قناعت کنند.

(سیستانی :) مسأله انسان وسواسی که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی کند، اگر به همان نحوی که افراد متعارف آب می کشند رفتار نماید کفایت می کند.

مسائل اختصاصی

(۱۲ رفتن خون متعارف) (خوئی ، تبریزی :) مسأله ۳۱ (زنجانی :) مسأله ۲۷ (سیستانی :) مسأله ۲۲۴ خونی که در جوف ذبیحه بعد از کشتن آن به طریق شرعی باقی می ماند، چنانچه خون به مقدار متعارف خارج شده باشد پاک است ، چنانکه در مسأله [۹۷] گذشت .

(خوئی :) مسأله ۳۲ (زنجانی :) مسأله ۲۲۸ حکم سابق مختص ّبه حیوان حلال گوشت است و در حیوان حرام گوشت جاری نیست بلکه بنا بر احتیاط استحبابی در اجزاءِ محرّمه از حیوان حلال گوشت نیز جاری نیست .

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب ..

(سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(تبریزی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

احکام ظرفها

[مسأله ۲۲۵ ظرفی که از پوست سگ ساخته شده خوردن و آشامیدن از آن ظرف حرام است]

مسأله ۲۲۵ ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شـده خوردن و آشامیدن از آن ظرف حرام است (۱) و نباید آن ظرف را در وضو و غسل و کارهائی که بایـد با چیز پاک انجام داد، اسـتعمال کننـد (۲). بلکه احتیاط واجب (۳) آن است که چرم سگ و خوک و مردار را اگر چه ظرف هم نباشـد اسـتعمال نکنند (۴). (۱) (خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی :) در صورتی که رطوبتی موجب نجاستش شده باشد ..

(بهجت :) در صورتی که بداند ظرف موجب نجاست خوردنی می شود؛ ولی اگر علم نداشت بنا بر احتیاط اجتناب کند ..

(اراکی :) آشامیـدن از آن ظرف حرام است و هم چنین خوردن چیزی از آن در صـورتی که دارای رطوبـتی باشـد که موجب نجس شـدن آن چیز شود .. (۲) (نوری :) ولی به کار بردن و اسـتعمال آنها در غیر آن چه مشـروط به طهارت است ، اشـکالی ندارد.

(فاضل :) بلکه احتیاط واجب آن است که آنها را در غیر آن چه طهارت در او شـرط است نیز استعمال نکند و همین طور چرم سـگ و خـوک و مردار، اگر چه ظرف هم نباشـد. (۳) (اراکی :) و احتیـاط واجب .. (خوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی :) و احتیـاط مستحب .. (۴) (بهجت :) در استعمالاتی که مشروط به طهارت نیست هم استعمال نکنند.

(مکـارم :) مسـأله ظرفها و مشـکهایی که از پوست مردار یا حیوان نجس العین مثل سگ و خوک درست شـده ، اسـتعمال آنها برای خوردن یا آشامیدن یا آب وضو و غسل و مانند آن جایز نیست ، امّا برای کارهایی که طهارت در آن شـرط نیست (مانند آبیاری زراعت و آب دادن به حیوانات) مانعی ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که به هیچ وجه از آنها استفاده نشود.

(زنجانی :) مسأله آشامیدن از ظرف یا غیر ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته

شـده و نیز خوردن چیزی از آن در صورتی که به سبب رطوبتی نجس شـده باشد، حرام است و نباید آن را در وضو و غسل و کارهـایی که بایـد با چیز پاك انجام داد، اسـتعمال کننـد؛ بلکه احتیاط آن است که چرم سگ و خوك و مردار اگر چه ظرف هم نباشد و نیز سایر اعیان نجس را در هیچ یک از استعمالات به کار نبرند.

[مسأله ۲۲۶ خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره]

مسأله ۲۲۶ خوردن و آشامیـدن از ظرف طلاـ و نقره و اسـتعمال آنهـا، حرام است (۱) ولی اسـتعمال آنهـا در زینت اطاق حرام نیست و نگاه داشتن نیز حرام نمی باشد (۲). (۱) (فاضل :) حتی اسـتعمال آنها در زینت اطاق حرام می باشد، ولی نگاهداشتن آنها حرام نمی باشد.

(نوری :) حتی در زینت اطاق ؛ و نگاه داشتن آنها حرام است و بر صاحب ظرف واجب است که آن را بشکنند و از وضع ظرف بودن خارج کند.

(اراکی :) اگر چه برای زینت اطاق هم باشـد حرام است بلکه نگاهداشـتن آن هر چند اسـتعمال نکند بنا بر احتیاط واجب حرام می باشد. (۲) (مکارم :) استفاده از آنها برای زینت اطاق ، و یا هر منظور دیگر نیز جایز نیست (بنا بر احتیاط واجب).

(گلپایگـانی ، صافی :) مسأله حرام است خوردن و آشامیـدن از ظرف طلا و نقره و اسـتعمال آنها مطلقاً بنا بر احتیاط واجب ؛ و حرمت نگاهداشتن آنها به قصد ذخیره مالی نه به عنوان ظرف معلوم نیست اگر چه احوط است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره (خوئی ، سیستانی : بلکه بنا بر احتیاط واجب مطلق اسـتعمال آنهـا) حرام است ، ولی زینت نمودن اطـاق وماننـد آن و نگـاه داشـتن آنها مانعی نـدارد (خوئی ، سیسـتانی : اگر چه أحوط ترک است) و هم چنین است ساختن ظرف طلا و نقره و خرید و فروش آنها برای زینت نمودن یا نگاه داشتن .

(زنجـانی :) مسـأله خوردن و آشامیـدن از کـاسه و سـایر ظروف شُرب که از طلا یا نقره ساخته شـده باشـد، حرام است ، بلکه احتیاط در اجتناب از هر گونه اسـتعمال این ظروف می باشـد، بنا بر این زینت نمودن اتاق وماننـد آن با کاسه طلا و نقره بنا بر احتیاط جایز نیست .

(بهجت :) مسأله خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره حرام است ولی نگهداری و یا اسـتعمال آنها در زینت اطاق حرام نمی باشد و در غیر زینت ، محل ِاحتیاط است .

[مسأله ۲۲۷ ساختن ظرف طلا و نقره]

مسأله ۲۲۷ سـاختن ظرف طلاـ و نقره و مزدی کـه برای آن می گیرنـد حرام نیسـت (۱). (۱) (اراکی ، نـوری :) حرام اسـت . (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۲۶.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله ساختن ظرف طلا و نقره به قصـد خوردن و آشامیـدن از آن و سایر اسـتعمالات محرّمه و اجرت ساختن آن حرام است .

(مکـارم :) مسـأله از ساختن ظروف طلا و نقره و مزدی که در مقابل آن می گیرنـد بنا بر احتیاط واجب بایـد اجتناب کرد، هم چنین از خرید و فروش آنها؛ و پولی که در مقابل آن گرفته می شود نیز اشکال دارد.

(بهجت :) مسأله ساختن ظرف طلا و نقره برای استعمال ِحرام ، حرام است و در غیر این صورت ، حرام نیست و نیز مزدی که برای آن می گیرند، حرام نیست .

(زنجانی :) مسأله ساختن کاسه طلا و نقره و مانند آن و مزدی که برای آن می گیرند و نگاهداری آنها حرام نیست ، هر چند احتیاط مستحب در ترک این کارها می باشد.

[مسأله ۲۲۸ خرید و فروش ظرف طلا و نقره]

مسأله ۲۲۸ خرید و فروش ظرف طلا و نقره (۱) و پول عوضی هم که (۲) فروشنده می گیرد حرام نیست (۳). (۱) (بهجت :) برای غیر استعمالات ِحرام ، اشکالی ندارد .. (۲) (بهجت :) پول و عوضی هم که .. (فاضل :) پولی را که .. (۳) (اراکی ، نوری :) حرام است . (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۲۶.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۲۷.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله خرید و فروش ظرف طلا و نقره به قصد خوردن و آشامیدن و سایر استعمالات محرّمه و پول و عوضی هم که فروشنده می گیرد، حرام است .

(زنجانی :) مسأله خرید و فروش کاسه طلا و نقره و پول و عوضی که فروشنده می گیرد، حرام نیست ، هم چنین استعمال غیر ظرف شرب هر چند از طلا و نقره ساخته شده باشد مانعی ندارد، اگر چه احتیاط استحبابی در اجتناب از تمام آنها است .

[مسأله ۲۲۹ گیره استکان که از طلا یا نقره می سازند]

مسأله ۲۲۹ گیره استکان که از طلا یا نقره می سازند اگر (بعد از برداشتن استکان (۱) ظرف به آن گفته شود (۲)، استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان ، حرام است و اگر ظرف به آن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد. (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۲) (خوئی ، سیستانی :) حکم استکان طلا و نقره را دارد و اگر ظرف به آن گفته نشود، استعمال آن مانعی ندارد.

(زنجانی :) مسأله استعمال گیره استکان که از طلا و نقره ساخته می شود مانعی ندارد.

(مکارم :) مسأله آن چه را ظرف نمی گویند مانند گیره استکان و بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و امثال اینها اگر از طلا یا نقره باشد اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب از عطردان و سرمه دان و مثل آنها باید اجتناب کرد.

[مسأله ۲۳۰ استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده اند]

مسأله ۲۳۰ استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده اند اشکال ندارد. (۱) (۱) (بهجت :) اشکال دارد، اگر چه

به حدّی نباشد که دو ظرف متّصل به حساب بیاید.

[مسأله ۲۳۱ اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند]

مسأله ۲۳۱ اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند (۱)، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که (۲) ظرف طلا یا نقره به آن ظرف نگویند (۳) استعمال آن مانعی ندارد (۴). (۱) (زنجانی :) اگر فلزی را با طلا و نقره مخلوط کنند و کاسه و مانند آن بسازند .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) به قدری باشد که .. (بهجت :) به قدری زیاد باشد که عرفاً .. (۳) (اراکی :) بلکه به نام آن فلز بنامند مثلًا ظرف مسی ..

(۴) (مکارم :) چنانچه به آن ظرف طلا یا نقره نگویند استعمال آن مانعی ندارد، ولی اگر فقط طلا و نقره را با هم مخلوط کنند حرام است .

[مسأله ۲۳۲ اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است]

مسأله ۲۳۲ اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است (۱) در ظرف دیگر بریزد این استعمال جایز است (۲) ولی اگر (۳) بخواهد از ظرف دوم غذا بخورد و خالی کردن ظرف (۴) برای آن نباشد که غذا خوردن از ظرف طلا یا نقره جایز نیست این استعمال حرام می باشد (۵). (۱) (مکارم :) به منظور پرهیز از حرام .. (۲) (مکارم :) ولی اگر به این منظور نباشد حرام است ، امّا به هر حال خوردن آن غذا از ظرف دوّم که طلا و نقره نیست ، اشکال ندارد.

(سیستانی :) چنانچه ظرف دوّم به حسب متعارف واسطه خوردن از ظرف اوّل نباشد اشکال ندارد.

(نوری :) اگر انسان غذائی را که در ظرف طلا یا نقره است به این منظور که غذا خوردن در ظرف طلا و نقره حرام است در ظرف دیگر بریزد این استعمال جایز است .. (۳) (اراکی :) و اگر .. (۴) (بهجت :) ظرف اوّل .. (۵) (نوری :) ولی خوردن غذا از ظرف دوم مانعی ندارد.

(اراکی :) حرام نمی باشد.

(فاضل :) مسأله اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد خوردن و آشامیدن ، در ظرف دیگر خالی کند این استعمال حرام می باشد اما اگر بخواهد غذا را بخورد و چون در ظرف طلاـ و نقره حرام است غذا را در ظرف دیگر بریزد، اشکال ندارد و در هر صورت غذا خوردن از ظرف دوّم که طلا و نقره نیست اشکال ندارد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد این که چون غذا خوردن در ظرف طلا و نقره حرام می باشد، در ظرف دیگر بریزد اشکال ندارد و اگر به این قصد نباشد، ریختن غذا از ظرف طلا یا نقره در ظرف دیگر حرام است ، ولی در هر دو صورت خوردن غذا از ظرف دوّم مانعی ندارد.

(خوئی :) خوردن غذا از ظرف ِدوّم در صورتی که عرفاً نگویند از ظرف طلا و نقره غذا می خورد مانعی ندارد.

(تبریزی :) چنانچه استعمال ظرف طلا و نقره صدق نکند اشکال ندارد ..

(تبریزی :) خوردن غذا از ظرف دوّم ، در صورتی که عرفاً نگویند از ظرف طلا و نقره غذا می خورد مانعی ندارد.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان غذایی را که در کاسه طلا یا نقره است به قصد این که چون غذا خوردن در کاسه طلا و نقره حرام می باشد، در کاسه دیگر بریزد، خوردن غذا از ظرف ِدوم در صورتی که عرفاً نگویند ظرف طلا و نقره را استعمال می کند مانعی ندارد.

[مسأله ۲۳۳ استعمال باد گیر قلیان و غلاف شمشیر]

مسأله **۲۳۳** استعمال باد گیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن (۱) اگر از طلا یا نقره باشد اشکال ندارد و هم چنین عطردان و سرمه دان (۲) و مثل اینها (۳).

(۱) (بهجت :) و عطردان و سرمه دان اگر از طلا و نقره باشد، خالی از اشکال نیست بلکه أظهر در عطردان و سرمه دان ، منع است . (۲) (تبریزی :) و قلمدان طلا و نقره . (۳) (اراکی :) از استعمال عطردان و سرمه دان اگر از طلا یا نقره ساخته شده باشد بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کرد.

(گلپایگانی :) احتیاط واجب ((صافی :) احتیاط) آن است که عطردان و سرمه دان طلا و نقره را استعمال نکنند.

(خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که عطردان و سرمه دان ((خوئی ، سیستانی :) و تریاکدان) طلا و نقره ((زنجانی :) و مانند آن) را استعمال نکند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۲۹.

[مسأله ۲۳۴ استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد]

مسأله ۲۳۴ استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد (۱) و برای وضو و غسل هم در حال تقیّه می شود ظرف طلا و نقره را استعمال کرد، بلکه گاهی واجب است . (۱) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) مگر برای وضو و غسل ، که در حال ناچاری هم نمی شود از ظرف طلا و نقره استفاده کرد.

(مکارم :) جایز است و برای وضو و غسل نیز در حال تقیه مانعی ندارد.

(بهجت :) برای غیر وضو و غسل اشکال ندارد. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله خوردن و آشامیدن از ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری به مقدار دفع ضرورت اشکال ندارد، ولی زیاده بر این مقدار جایز نیست .

(زنجانی :) مسأله استعمال کاسه طلا و نقره مانند خوردن و آشامیدن از آنها در حال ناچاری به مقدار ضرورت اشکال ندارد؛ ولی زیاده بر این مقدار جایز نیست .

[مسأله ۲۳۵ استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است]

مسأله ۲۳۵ استعمال ظرفی (۱) که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر اشکال ندارد (۲). (۱) (زنجانی :) استعمال کاسه ای .. (۲) (مکارم :) تفحّص و جستجو نیز لازم نیست .

مسائل اختصاصی

اشاره

(نوری :) مسأله ۲۳۶ همان طور که استعمال ظرف طلا و نقره و ساختن و خریدن و فروختن و نگاه داشتن و هر گونه استفاده از

آن و اجرت برای ساختن و اصلاح آن حرام است ، ساختن اشیائی از قبیل تخت و زین اسب و لوح و امثال آن از طلا و نقره ، هر چند که ظرف نیست ، نیز حرام است و راکد نگه داشتن این قبیل منابع ثروت جایز نیست و اسراف است و آن چه که در روایات ، حکم به جواز آن شده است ، ساختن و استعمال اشیائی است که حقیر یا تابع چیز دیگری مانند حلقه شمشیر و قاب قرآن است .

(مکارم :) مسأله ۲۵۵ آن چه را طلای سفید می گویند نیز در حکم طلای سرخ و زرد است ، بنا بر احتیاط واجب ، اگر به آن «طلا» گفته شود.

احکام نجاسات (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[بعضی از مسائل نجاسات]

[س ۲۶۶ خون]

س ۲۶۶: آیا خون پاک است ؟

ج : اگر از حیوانی باشد که خون جهنده دارد، نجس است .

[س ۲۶۷ خونی که بر اثر کوبیدن شدید سر به دیوار]

س ۲۶۷: آیـا خونی که بر اثر کوبیـدن شدیـد سـر به دیوار در عزای امام حسـین « علیه السـلام » از سـر انسان جاری و به سـر و صورت شرکت کنندگان در مراسم عزاداری پاشیده می شود، پاک است یا خیر؟

ج : خون انسان در هر صورت نجس است .

[س ۲۶۸ اثر کم رنگ خون]

س ۲۶۸: آیا اثر کم رنگ خون که بعد از شستن بر لباس باقی می ماند، نجس است ؟

ج : اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد که با شستن از بین نمی رود، پاک است .

[س ۲۶۹ لکه خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود]

س ۲۶۹: لکه خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود، چه حکمی دارد؟

ج : محکوم به طهارت است ، ولی خوردن آن حرام است .

[س ۲۷۰ عرق جنب از حرام]

س ۲۷۰: عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاست خوار چه حکمی دارد؟

ج : عرق شـتر نجـاست خـوار نجس است ، ولی عرق حیوانـات دیگر نجـاست خوار و هم چنین عرق جنب از حرام بنـا بر اقوی پاک است ، لکن احتیاط واجب این است که با عرق جنب از حرام نماز خوانده نشود.

[س ۲۷۱: آیا قطرات آبی که از بدن میّت قبل از غسل با آب خالص بر زمین می ریزد]

[س ۲۷۱: آیا قطرات آبی که از بدن میت قبل از غسل با آب خالص بر زمین می ریزد]

س ۲۷۱: آیا قطرات آبی که از بدن میّت قبل از غسل با آب خالص و بعد از غسل با آب سدر و کافور بر زمین می ریزد، پاک هستند یا خیر؟

ج : تا زمانی که غسل سوم کامل نشده باشد، بدن میّت محکوم به نجاست است .

[س ۲۷۲: پوستی که گاهی از لبها جدا می شود]

س ۲۷۲: پوستی که گاهی از لبها، دستها و یا پاها جدا می شود، محکوم به طهارت است یا نجاست ؟

ج : پوست نازکی که خود به خود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت های بدن جدا می شود، محکوم به طهارت است .

[س ۲۷۳ کشتن خوک و خوردن آن]

س ۲۷۳: شخصی در جبهه های جنگ در وضعیتی قرار گرفت که مجبور به کشتن خوک و خوردن آن شد، آیا رطوبت بدن و آب دهان وی محکوم به نجاست است ؟

ج : عرق بدن و آب دهان شخصی که گوشت حرام و نجس خورده ، نجس نیست . ولی هر چیزی که با وجود رطوبت ، با گوشت خوک برخورد کرده ، محکوم به نجاست است .

[س ۲۷۴ قلم مویی که از موی خوک ساخته شده]

س ۲۷۴: با توجه به این که در نقاشی و نقشه کشی از قلم مو استفاده می شود و نوع خوب و مرغوب آن غالباً از موی خوک ساخته شده و از کشورهای غیر اسلامی وارد و در دسترس همگان بخصوص مراکز تبلیغی و فرهنگی قرار می گیرد، استفاده از این قلم موها چه حکمی دارد؟

ج : موی خوک نجس است و استفاده از آن در اموری که مشروط به طهارت است ، جایز نیست . ولی استفاده از آن در امری که مشروط به طهارت نیست ، اشکال ندارد و اگر معلوم نباشد که قلم مو از موی خوک ساخته شده است یا خیر، استفاده از آن حتی در اموری هم که مشروط به طهارت است ، اشکال ندارد.

[س ۲۷۵ آیا خوردن گوشتی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود]

س ۲۷۵: آیـا خوردن گوشتی که از کشورهای غیر اسـلامی وارد می شود حلال است ؟ حکم آن از جهت طهارت و نجاسـت چیست ؟

ج : تا تذکیه شرعی آن احراز نشود خوردن آن حرام است ، ولی از نظر طهارت ، اگر یقین به عدم تذکیه نباشد پاک است .

[س ۲۷۶ در مورد چرم و اجزای حیوانی که از بلاد غیر اسلامی تهیه شده]

س ۲۷۶: در مورد چرم و اجزای حیوانی که از بلاد غیر اسلامی تهیه شده ، نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج : اگر احتمال دهیـد که حیوان ذبح اسـلامی شده ، پاک است و اگر یقین دارید که ذبح اسـلامی نشده ، محکوم به نجاسـت است .

[س ۲۷۷ اگر لباس جنب با منی نجس شود]

س ۲۷۷: اگر لبـاس جنب بـا منی نجس شود، اولًـا حکم دست زدن به آن بـا وجود رطوبت چیست ؟ ثانیاً: آیا جایز است جنب لباسـهای خود را برای آب کشـیدن به کس دیگری بدهـد؟ آیا شـخص محتلم باید نجس بودن لباسـهایش را به کسـی که می خواهد آنها را بشوید، اطلاع دهد؟

ج : منی نجس است و اگر با رطوبت مسریه با چیزی برخورد نماید، آن را نجس می کند. و آگاه کردن کسی که لباس را می شویـد از نجـاست لبـاس ، لازم نیست . ولی صـاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکنـد، نمی توانـد آثار طهارت بر آن مترتب سازد.

[س ۲۷۸ رطوبت بعد استبراء]

س ۲۷۸: این جانب پس از بول ، اسـتبراء می کنم که همراه آن مایعی خارج می شود که بوی منی می دهـد، آیا نجس است ؟ وظیفه من نسبت به نماز چیست ؟

ج : اگر به منی بودن آن یقین ندارید و خروج آن همراه با علامتهای شـرعی خروج منی نیست ، حکم منی ندارد و پاک است .

[س ۲۷۹ فضله پرندگان حرام گوشت]

س ۲۷۹: آیا فضله پرندگان حرام گوشت ؛ مانند کلاغ و زاغ و عقاب و طوطی نجس است ؟

ج : فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست .

[س ۲۸۰ مدفوع حیوانات و پرندگان حرام گوشت نجس است]

س ۲۸۰: در رساله های عملیه آمده است که مدفوع حیوانات و پرندگان حرام گوشت نجس است آیا مدفوع حیوانات حلال گوشت مانند، گاو، گوسفند و مرغ نجس است یا خیر؟

ج : مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره و هم چنین مدفوع پرندگان حرام گوشت پاک است .

[س ۲۸۱ اگر نجاستی در اطراف یا داخل کاسه دستشویی باشد]

س ۲۸۱: اگر نجاستی در اطراف یا داخل کاسه دستشویی باشد و آن جا با آب کر یا قلیل شسته شود ولی عین نجاست باقی بماند، آیا آن قسمتی که عین نجاست در آن نیست و آن آب به آنجا رسیده ، پاک است یا نجس ؟

ج : مکانی که به آن آب نجس نرسیده باشد، محکوم به طهارت است .

[س ۲۸۲ اگر مهمانی یکی از اثاثیه های میزبانش را نجس کند]

س ۲۸۲: آیا اگر مهمانی یکی از اثاثیه های میزبانش را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است ؟

ج : اطلاع دادن در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست .

[س ۲۸۳ چیز پاکی که با متنجس برخورد نموده]

س ۲۸۳: آیا چیز پاکی که با متنجس برخورد نموده ، نجس است یا خیر؟ در صورت نجس بودن ، تا چند واسطه نجس است ؟

ج : چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شـده است ، اگر باز با چیزی که پاك است تماس پیـدا کنـد و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاك را نجس می کند، و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس نجس شده است ، اگر با چیز پاکی برخورد نماید، بنا بر احتیاط واجب آن را نجس می کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود نجس نمی کند.

[س ۲۸۴ کفشی که از پوست حیوان غیر مذکّی ساخته شد]

س ۲۸۴: آیا هنگام استفاده از کفشی که از پوست حیوان غیر مذکّی ساخته شد، همیشه واجب است که پاها قبل از وضو شسته شوند؟ عده ای می گویند که در صورت عرق کردن پا در کفش ، شستن آن واجب است ، و تجربه شده که پا در هر کفشی به مقدار کم یا زیاد، عرق می کند. نظر جناب عالی در این باره چیست ؟

ج : اگر یقین دارد که کفش او از پوست حیوانی است که تـذکیه نشـده است و احراز شود که پـا در کفش های مـذکور عرق کرده ، شستن پاهـا برای نمـاز واجب است ، ولی در صورت شك در عرق کردن پاها یا شك در تـذکیه حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است ، محکوم به طهارت است .

[س ۲۸۵ کودکی که همیشه خود را نجس می کند]

س ۲۸۵: کودکی که همیشه خود را نجس می کنـد، دست تر، آب دهان و باقی مانده غذایش چه حکمی دارد؟ کودکانی که دست تر خود را بر پاهایشان می گذارند، چه حکمی دارند؟

ج : تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده ، حکم به پاکی می شود.

[س ۲۸۶ خون داخل دهان]

س ۲۸۶: من مبتلاـ به بیماری لثه هستم و طبق دستور پزشک بایـد همیشه آن را مالش دهم ، این کار باعث سیاهی بعضـی از قسمت های لثه ام می شود مثل این که خونی در داخل آن جمع شده باشد. هنگامی که دستمال کاغذی روی آن می گذارم رنگ دستمال قرمز می شود، لـذا اقـدام به شستن دهانم با آب کر می کنم ، ولی خون منجمد، مدت زمانی باقی می ماند و با شستن از بین نمی رود. بعد از قطع آب کر، آیا آبی که وارد دهان شده و به آن قسمت ها رسیده و سپس از دهان خارج شده ، محکوم به نجاست است یا این که جزء آب دهان محسوب می شود و محکوم به طهارت است ؟

ج : محکوم به طهارت است ، هر چند احتیاط اجتناب از آن است .

[س ۲۸۷ خون منجمد شده در لثه]

س ۲۸۷: سؤال من این است که آیا غـذائی که خورده ام و با اجزای خون منجمـد شده در لثه تماس پیدا کرده ، نجس است یا

خیر؟ در صورت نجس شدن ، آیا فضای دهان بعد از فرو بردن غذا، نجس باقی می ماند؟

ج : غذا در فرض مزبور محکوم به نجاست نیست و فرو بردن آن اشکال ندارد و فضای دهان پاک است .

[س ۲۸۸ لوازم آرایشی را که از ناف جنین می سازند]

س ۲۸۸: مـدتی است که شایع شـده لوازم آرایشـی را از ناف جنین که هنگام تولـد از او جـدا می کننـد و یا از جنین مرده می سازند. ما گاهی از این لوازم استفاده کرده و حتی گاهی رژ لب خورده می شود، آیا اینها نجس هستند؟

ج : شایعه دلیل شـرعی بر نجس بودن لوازم آرایشی نیست ، و تا نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود، استفاده از آنها اشکال ندارد.

[س ۲۸۹ لباس یا پارچه ای که هنگام شستن]

س ۲۸۹: از هر لباس یا پارچه ای هنگام شستن ، پرزهای ریزی می ریزدکه اگر به طشت نگاه کنیم

آنهـا را می بینیم . وقتی که طشت پر از آب و متصـل به آب شـیر است ، اگر لباس را داخل طشت فرو ببریم آب از اطراف آن سرازیر می شود. به علت وجود این تارها و پرزهای ریز در آبی که از طشت به بیرون می ریزد، از آن آب احتیاط کرده و همه جـا را تطهیر می کنم . و یا وقتی لباسـهای نجس بچه ها را بیرون می آورم ، همه جاهائی را که لباسـها را در آنجا در آورده ام حتی اگر خشک هم باشد آب می کشم زیرا فکر می کنم تارها و پرزهای ریز در آنجا افتاده اند. آیا این احتیاط لازم است ؟

ج : لباسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می شود و آب لوله کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می گیرد، لبـاس و ظرف و آب و پرزهـایی که از لبـاس جـدا شـده و بر روی آب دیـده می شـود و همراه آب به بیرون می ریزد، همگی پـاک هسـتند. پرزهـا یـا غباری هم که از لباس نجس جـدا می شود پاک هسـتند، مگر این که یقین حاصل شود که از قسـمت نجس جدا شده اند، و به مجرد شک در اصل جدا شدن آن از لباس نجس یا نجس بودن محل آن ، احتیاط لازم نیست .

[س ۲۹۰ رطوبت ساری]

س ۲۹۰: مقدار رطوبتی که باعث سرایت از چیزی به چیز دیگر می شود، چقدر است ؟

ج : ملاـک رطوبت مسـریه این است که به مقـداری باشـد که رطوبت هنگـام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سـرایت کند.

[س ۲۹۱ لباسهایی که به خشکشوئی ها داده می شود]

س ۲۹۱: لباسـهایی که به خشـکشوئی هـا داده می شود از نظر طهارت چه حکمی دارد؟ لازم به تـذکّر است که اقلیتهای دینی (یهود و نصاری و ..) هم لباسـهای خود را برای شستشو و اتو کردن به این خشکشوئی ها می دهند و می دانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیایی استفاده می کنند.

ج : اگر لباسـهایی که به خشـکشوئی ها داده می شود از قبل نجس نباشـند، محکوم به طهارت هسـتند، و تماس آن با لباسهای پیروان اقلیتهای دینی (اهل کتاب) باعث نجاست نمی شود.

[س ۲۹۲ لباسهایی که با لباس شویی تمام اتوماتیک شسته می شود]

س ۲۹۲: آیـا لباسـهایی که با لباس شویی تمام اتوماتیک شسـته می شود، پاک می گردد یا خیر؟ نحوه کار این لباس شویی ها به این صورت است که در مرحله اول که لباس با آب مخلوط با پودر لباس شویی شسته می شود، مقداری از آب و کف پودر بر شـیشه درب لباس شویی و نوار پلاستیکی اطراف آن پاشـیده می شود، و در مرتبه دوم آب غساله شسـتشو کشـیده شده ولی کف پودر، درب و نوار پلاستیکی اطراف آن را به طور کامل می پوشاند. در مراحل بعدی ماشین لباس شویی لباسها را در سه نوبت با آب قلیل می شویـد و از آن پس آب غساله بیرون کشـیده می شود، امیـدواریم توضیـح بفرمایید، لباسـهایی که به این

ترتیب شسته شده اند، پاک هستند یا خیر؟

ج : اگر بعد از زوال عین نجاست ، آب متصل به لوله در داخل ماشین لباس شویی به لباسها و همه قسمت های داخل ماشین برسد و از آن جدا و خارج شود، محکوم به طهارت است .

[س ۲۹۳ قطراتی از آن آب به لباس ترشح کند]

س ۲۹۳: اگر آب بر زمین یا در حوض یا حمامی که لباس در آن شسته می شود، ریخته شود و قطراتی از آن آب به لباس ترشح کند، آیا لباس نجس می شود یا خیر؟

ج : وقتی که آب بر مکان یا زمین پاکی بریزد، ترشح ناشی از آن هم پاک است و اگر شک داشته باشیم که آن مکان پاک است یا نجس ، باز هم ترشح آن ، پاک است .

[س ۲۹۴ آبی که از ماشین های حمل زباله شهری در خیابان می ریزد]

س ۲۹۴: آبی که از ماشین های حمل زباله شهری در خیابان می ریزد و گاهی بر اثر شدت باد به لباس مردم پاشیده می شود، محکوم به طهارت است یا نجاست ؟

ج : آب مزبور محکوم به طهارت است ، مگر این که فردی یقین پیدا کند که آن آب بر اثر برخورد با نجس ، نجس شده است .

[س ۲۹۵ آبهایی که در چاله های موجود در خیابان ها جمع می شود]

س ۲۹۵: آیا آبهایی که در چاله های موجود در خیابان ها جمع می شود، پاک است یا نجس ؟

ج : این آبها محکوم به طهارت هستند.

[س ۲۹۶ رفت و آمدهای خانوادگی]

س ۲۹۶: رفت و آمدهای خانوادگی با اشخاصی که به طهارت و نجاست در خوردن و آشامیدن و مانند آن اهمیت نمی دهند، چه حکمی دارد؟

ج : به طور کلّی در مورد طهارت و نجاست ، حکم دین اسلام این است که هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد، از نظر شرعی محکوم به طهارت است .

[س ۲۹۷ استفراغ چه حکمی دارد؟]

س ۲۹۷: استفراغ افراد زیر از جهت پاک یا نجس بودن ، چه حکمی دارد؟

الف : طفل شیر خوار ب : طفلی که هم شیر می خورد و هم غذا ج : انسان بالغ ج : در همه موارد پاک است .

[س ۲۹۸ ملاقی شبهه محصوره]

س ۲۹۸: ملاقی شبهه محصوره چه حکمی دارد؟

ج : اگر با بعضی از اطراف تماس پیدا کند، حکم متنجس را ندارد.

[س ۲۹۹ شخصی که دین او مشخص نیست]

س ۲۹۹: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است ، هنگام فروش ، ماده غذائی با بدن او که رطوبت مسریه دارد تماس پیدا می کند، آیا باید از او در باره دینش سؤال کرد یا این که اصل پاک بودن اشیاء جاری می شود؟

ج : سؤال از دین او واجب نیست و اصل ِطهارت ِاشیاء نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است ، جاری می شود.

[س ۳۰۰ اگر کسی به طهارت و نجاست اهمیت ندهد]

س ۳۰۰: اگر یکی از اعضای خانواده یا شخصی که به منزل انسان رفت و آمد دارد به طهارت و نجاست اهمیت ندهدو باعث نجس شدن گسترده خانه و اثاثیه آن شود به طوری که شستن و آب کشیدن آنها ممکن نباشد، تکلیف اهل منزل در این باره چیست ؟ و با این فرض چگونه ممکن است که انسان پاک بماند، بخصوص در نماز که پاکی شرط صحت آن است ؟ حکم شرعی در این مورد چیست ؟

ج : تطهیر تمام خانه لازم نیست و برای صحت نماز، پاک بودن لباس نمازگزار و محل گذاشتن پیشانی کافی است . نجاست خانه و اثاثیه آن موجب اثبات تکلیف بیشتری بر انسان غیر از لزوم رعایت طهارت در نماز و خوردن و آشامیدن ، نمی شود.

احکام مسکرات

[س ۳۰۱: آیا مشروبات الکلی نجس است ؟

ج : مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط نجس است .

[س ۳۰۲ آب انگوری که با آتش جوشیده شده]

س ۳۰۲: آب انگوری که با آتش جوشیده شده و دو ثلث آن کم نشده است ، ولی مست کننده نیست ، چه حکمی دارد؟

ج : خوردن آن حرام است ، ولی نجس نیست .

[س ۳۰۳ اگر مقداری غوره برای گرفتن آب آن جوشانده شود]

س ۳۰۳: گفته می شود که اگر مقداری غوره برای گرفتن آب آن جوشانده شود و همراه آن یک یا چند حبه انگور باشد، آن چه بعد از جوشاندن باقی می ماند، حرام است . آیا این سخن صحیح است ؟

ج : اگر حبه های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آب غوره مستهلک شود، به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، حلال است . ولی اگر حبه های انگور به تنهائی به وسیله آتش جوشانده شود، خوردن آن حرام است .

[س ۳۰۴ حکم الکل]

س ۳۰۴: امروزه از الکل که در واقع مسکر است برای ساخت بسیاری از داروها بخصوص داروهای نوشیدنی ، عطرها بویژه انواع ادکلن هایی که از خارج وارد می شوند، استفاده می کنند. آیا به افراد آگاه یا جاهل به مسأله اجازه خرید و فروش و استفاده و بهره گیریهای دیگر از آنها را می دهید؟

ج : الکل هائی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشند، محکوم به طهارت هستند، و خرید و فروش و استعمال مایعاتی که با آنها مخلوط شده اند اشکال ندارد.

[س ۳۰۵ استفاده از الکل سفید]

س ۳۰۵: آیا استفاده از الکل سفید برای ضد عفونی کردن دست و لوازم پزشکی مثل دما سنج و غیر آن به خاطر استفاده از آنها در امور پزشکی و درمان توسط پزشک یا تیم پزشکی جایز است ؟ الکل سفید همان الکل پزشکی است که قابل نوشیدن هم هست ، و فرمول آن است ، آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده ، جایز است ؟

ج : اگر از الکلی باشد که در اصل مایع نیست ، هر چند مست کننده هم باشد، محکوم به طهارت است و نماز با لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد. ولی اگر از الکل مایع بالاصاله و بر حسب تشخیص اهل فن مست کننده باشد، نجس است و نماز با بدن یا لباسی که با آن برخورد کرده ، موقوف بر تطهیر است ؛ لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن اشکال ندارد.

[س ۳۰۶ حکم کفیر]

س ۳۰۶: ماده ای است به نام «کفیر» که در صنایع غذائی و داروسازی کاربرد دارد. هنگام تخمیر ۵ در صد یا ۸ در صد الکل در ماده بدست آمده بوجود می آید. این مقدار الکل سبب هیچ نوع مستی در مصرف کننده نمی شود. آیا از نظر شرعی استفاده از این ماده مانعی دارد یا خیر؟

ج : اگر الکل موجود در ماده به دست آمده فی نفسه مست کننده باشد، بنا بر احتیاط نجس و حرام است ، هر چند به علت کمی آن و مخلوط شدن با ماده به دست آمده ، نسبت به مصرف کننده مسکر نباشد، ولی اگر شک داشته باشیم که فی نفسه مست کننده و یا در اصل مایع است ، حکم متفاوت می شود.

[س ۳۰۷ آیا الکل اتیلیک نجس است یا خیر]

س ۳۰۷: ۱ آیا الکل اتیلیك نجس است یا خیر؟ (ظاهراً این الکل در همه مست کننده ها وجود دارد و سبب مستی است). ۲ ملاك نجس بودن الکل چیست ؟ ۳ روشی که مست کننده بودن مشروب را ثابت کند، کدام است ؟

ج : ۱ هر یک از اقسام الکل که مست کننده و در اصل مایع باشد، نجس است . ۲ ملاک نجاست الکل این است که مست کننده و در اصل مایع باشد. ۳ اگر خود مکلّف یقین نداشته باشد، خبر دادن اهل خبره مورد اطمینان کافی است .

[س ۳۰۸ نوشابه های موجود در بازار]

س ۳۰۸: نوشابه های موجود در بازار که بعضی از آنها مانند کوکاکولا و پپسی کولا و .. در داخل تولید می شوندو گفته می شود که مواد اصلی آنها از خارج وارد می گردد و احتمال دارد از الکل در آنها استفاده شده باشد، چه حکمی دارد؟

ج : پاک و حلال است ، مگر این که مکلّف شخصاً یقین حاصل کند که آنها با الکل مست کننده ای مخلوطند که در اصل مایع است .

[س ۳۰۹ آیا هنگام خرید مواد غذائی تحقیق لازم است]

س ۳۰۹: آیا اساساً هنگام خرید مواد غذائی ، لازم است تحقیق شود که فروشنده یا سازنده غیر مسلمان کالا آنها را لمس کرده و یا در ساخت آنها الکل بکار برده است یا خیر؟

ج : سؤال و تحقیق لازم نیست .

[س ۳۱۰ اسپری اتروپین سولفات]

س ۳۱۰: این جانب اقدام به ساخت «اسپری اتروپین سولفات » کرده ام که الکل نقش اساسی در ترکیب فرمول داروئی آن دارد، به طوری که اگر الکل به ترکیب مذکور اضافه نشود، ساخت آن اسپری ممکن نیست و از جهت عملی هم این اسپری ضد گازهای شیمیایی و جنگی اعصاب است که برای محافظت از نیروهای اسلام در برابر آنها کاربرد دارد. آیا از نظر جناب عالی استفاده از الکل به ترتیب مذکور در صنعت داروسازی ، شرعاً جایز است ؟

ج : اگر الکل مست کننده ای باشد که در اصل مایع است ، نجس و حرام است ، ولی استفاده از آن به عنوان دارو در هیچ یک از حالات اشکال ندارد.

وسوسه و درمان آن

[س ۳۱۱ بیماری وسواس]

س ۳۱۱: چند سالی است که به بیماری وسواس مبتلا شده ام و این موضوع مرا بسیار عذاب می دهد، و روز به روز این حالت در من تشدید می شود تا جائی که در همه چیز شک می کنم و همه زندگی ام بر پایه شک استوار گشته است . بیشترین شک

من در باره غذا و اشیاء مرطوب است ، به همین دلیل نمی توانم مثل سایر مردم عادی زندگی کنم . وقتی داخل مکانی می شوم فوری جوراب هایم را از پای خود بیرون می آورم زیرا فکر می کنم جوراب هایم عرق کرده و بر اثر تماس با نجس ، نجس خواهند شد، حتی من بر سجاده هم نمی توانم بنشینم . هر وقت بر آن می نشینم بر اثر وسوسه نفس از روی آن بلند می شوم تا مبادا پرزهای سجاده به لباسهایم بچسبد و مجبور به شستن آنها شوم . در گذشته چنین نبودم ، اکنون از این کارهایم خجالت می کشم و همیشه دوست دارم کسی را در عالم رؤیا ببینم و مشکلاتم را با او در میان بگذارم و یا معجزه ای رخ دهد و زندگی ام را دگرگون نماید و به حالت گذشته ام برگردم . امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

ج : احکام طهارت و نجاست همان است که در رساله های عملیه ذکر شده است . از نظر شرعی همه اشیاء محکوم به طهارت هستند، مگر مواردی که شارع حکم به نجاست آنها کرده و برای انسان هم یقین به آن حاصل شده است . در این صورت رهایی از بیماری وسواس احتیاج به

رؤیا و معجزه ندارد، بلکه باید مکلّف ذوق و سلیقه شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشد و چیزی را که یقین به نجس بودن آن ندارد، نجس نداند. زیرا شما از کجا به نجاست ِ در و دیوار و سجاده و سایر اشیائی که استفاده می کنید، یقین پیدا کرده اید. چگونه یقین پیدا کرده اید که پرزهای سجاده ای که بر روی آن راه می روید یا می نشینید، نجس هستند و نجاست آنها به جوراب و لباس و بدن شما سرایت می کند؟ لذا در این صورت اعتناء به وسواس برای شما جایز نیست . مقداری عدم توجه به وسوسه نجاست و تمرین عدم اعتنا به شما کمک خواهد کرد تا به خواست و توفیق خداوند خود را از وسواس نجات دهید.

[س ۳۱۲ مشکلات وسواس]

س ۳۱۲: زنی هستم با تحصیلات عالی و دارای چندین فرزند، مشکلی که از آن رنج می برم مسأله طهارت است . چون در خانواده ای متدین بزرگ شده ام ، می خواهم همه تعالیم اسلامی را مراعات کنم . به علت داشتن فرزندان کوچک ، همیشه با مسائل بول و غائط سر و کار دارم . هنگام تطهیر بول ، ترشحات سیفون پراکنده شده و به پاها، صورت و حتی سرم برخورد می کنند و هر دفعه با مشکل تطهیر آن اعضاء مواجه هستم ، و این باعث شده که در زندگی با سختی های زیادی روبرو شوم . از طرفی هم نمی توانم این امور را رعایت نکنم ، زیرا مربوط به عقیده و دینم است . برای حل مشکل به پزشک روان شناس هم مراجعه کردم ، ولی نتیجه ای نگرفتم . بعلاوه موارد دیگری هم هست که از آنها رنج می برم مثل غبار شی ء نجس یا مراقبت از دست های کودک که یا باید آنها را آب بکشم و یا از دست زدن بچه به اشیاء دیگر جلوگیری نمایم . با توجه به این که تطهیر شی ء نجس برای من بسیار دشوار است ولی در همان وقت ، شستن آن ظرفها و لباسها در صورتی که فقط کثیف باشند برایم راحت است . لذا از حضرت عالی می خواهم که با راهنمایی های خود زندگی را بر من آسان نمایید.

ج : ۱ از نظر شرع مقدس ، در طهارت و نجاست ، اصل بر طهارت اشیاء است . یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برای شما حاصل شد، واجب است حکم به عدم نجاست کنید. ۲ کسانی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند (به این افراد در اصطلاح فقهی وسواسی گفته می شود)، حتی اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند، باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن یک شی ء را با چشمان خود ببینند، به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند، یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود. ۳ هر شی ء یا عضوی که نجس می شود، برای تطهیر آن ، یک بار شستن با آب لوله کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است . تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست ، و اگر شی ء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد، باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج گردد. ۴ از آنجایی که شما به این حساسیت شدید در برابر نجاست مبتلا هستید، باید بدانید که غبار نجس در هیچ صورتی نسبت به شما نجس نیست و نیز مراقبت از دست های کودک چه پاک

باشـد یا نجس و هم چنین دقت در این که خون از بـدن زائل شده یا خیر، لازم نیست . این حکم در باره شـما تا زمانی که این حساسیت از بین نرفته ، باقی است . ۵ دین اسـلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است ، لذا آن را بر خود مشـکل نکنیـد و با این کار باعث وارد شـدن ضـرر و اذیت به جسم و روحتان نگردیـد. حالت دلهره و اضـطراب در این موارد زندگی را بر شـما تلخ می کند، و خداوند راضـی به رنج و عذاب شـما و کسانی که با شـما ارتباط دارند، نیست . شـکر گزار نعمت دین آسان باشـید و شـکر این نعمت ، عمل بر اساس تعلیمات خداونـد تبارک و تعالی است . ۶ این حالت یک وضعیت گذرا و قابل علاجی است . افراد بسـیاری بعد از ابتلاء به آن ، با روش مذکور از آن نجات یافته اند. به خداوند توکّل نمایید و نفس خود را با همت و اراده آرامش ببخشید. إن شاء اللّه موفق باشید.

احکام کافر

[س ۳۱۳ نجاست اهل کتاب]

س ۳۱۳: بعضی از فقها اعتقاد به نجاست اهل کتاب دارند و بعضی دیگر به طهارت آنها، رأی جناب عالی چیست ؟

ج : نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست . به نظر ما آنها محکوم به طهارت ذاتی هستند.

[س ۳۱۴ اهل کتاب در طهارت حکم کافر را دارند یا خیر؟]

س ۳۱۴: آیـا آن دسـته از اهل کتاب که از جهت اعتقادی ایمان به رسالت خاتم النبیین « صـلی اللّه علیه و آله » دارنـد، ولی بر اساس روش و عادت های پدران و اجدادشان عمل می کنند، در طهارت حکم کافر را دارند یا خیر؟

ج : مجرد اعتقاد به رسالت خاتم النبیین « صـلی اللّه علیه و آله » برای اجرای حکم اسـلام در مورد آنان کافی نیست . ولی اگر از اهل کتاب محسوب شوند، محکوم به طهارت هستند.

[س ۳۱۵ با جمعی از دوستان خانه ای را اجاره کردیم]

س ۳۱۵: با جمعی از دوسـتان خانه ای را اجاره کردیم و متوجه شـدیم که یکی از آنها نماز نمی خوانـد. بعد از سؤال از وی ، پاسخ داد که قلباً به خداونـد تبارک و تعالی ایمان دارد، ولی نماز نمی خوانـد. با توجه به هم غذا بودن و ارتباط زیاد با وی ، آیا باید او را نجس بدانیم ؟

ج : مجرد ترک نماز و روزه و سایر واجبات شـرعی باعث ارتداد مسلمان و کافر شدن و نجاست وی نمی گردد و تا زمانی که ارتداد وی احراز نشده است ، حکم سایر مسلمانان را دارد.

[س ۳۱۶ مقصود از اهل کتاب چه کسانی است ؟]

س ۳۱۶: مقصود از اهل کتاب چه کسانی است ؟ معیاری که حدود معاشرت با آنها را مشخص کند چیست ؟

ج : مقصود از اهـل کتاب هر کسـی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشـته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی « علی نبینا و آله و علیهم السـلام » بدانـد و یکی از کتاب های الهی را که بر انبیاء علیهم السـلام نازل شـده ، داشـته باشـند مانند یهود، نصاری ، زرتشتی ها و هم چنین صابئین که بر اساس تحقیقات ما از اهل کتاب هسـتند و حکم آنها را دارند. معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد.

[س ۳۱۷ حکم علی اللهی چیست]

س ۳۱۷: فرقه ای وجود دارد که خود را « علی اللهی » می نامنـد، یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را خدا دانسـته و به دعا و طلب حاجت به جای نماز و روزه اعتقاد دارند. آیا اینها نجس هستند؟

ج : اگر اعتقاد داشته باشند که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب « علیه السلام » خدا است « تعالی اللّه عن ذلک علواً کبیراً»، حکم آنها مانند غیر مسلمانهایی است که اهل کتاب نباشند، یعنی کافر و نجس می باشند.

[س ۳۱۸ فرقه ای وجود دارد که خود را علی اللهی می نامند]

س ۳۱۸: فرقه ای وجود دارد که خود را « علی اللهی » می نامند و معتقدند که حضرت علی « علیه السلام » خدا نیست ولی کمتر از خدا هم نیست ، این گروه چه حکمی دارند؟

ج : اگر قائل به شریکی برای خداوند واحد منان متعال نباشند، حکم مشرک را نخواهند داشت .

[س ۳۱۹ آن چه را که از طرف شیعیان نذر می شود]

س ۳۱۹: آن چه را که از طرف شیعیان دوازده امامی برای امام حسین « علیه السلام » یا اصحاب کساء «صلوات اللّه علیهم اجمعین » نذر می شود، آیا جایز است به مراکزی که محل اجتماع پیروان فرقه « علی اللهی » است داده شود، به نحوی که باعث احیاء این مراکز گردد؟

ج : اعتقاد به خدا بودن مولی الموحدین علیه الصلاه و السلام عقیده باطلی است و موجب می شود که کسی که به آن اعتقاد دارد، از اسلام خارج گردد. کمک به ترویج این عقیده فاسد حرام است ؛ بعلاوه مصرف مال نذری در غیر مورد نذر جایز نیست .

[س ۳۲۰ حکم اسماعیلیه]

س ۳۲۰: در اطراف منطقه ما و بعضی نواحی دیگر فرقه ای وجود دارد که خود را اسماعیلیه می نامند و اعتقاد به امامت شش امام دارند، ولی به هیچ یک از واجبات دینی و هم چنین به ولایت فقیه معتقد نیستند. لذا امیدواریم جناب عالی روشن فرمائید که پیروان این فرقه نجس هستند یا پاک ؟

ج : مجرد عدم اعتقاد آنان به شش امام دیگر از ائمه معصومین علیهم السلام و یا عدم اعتقادشان به واجبات دینی و احکام شرعی تا زمانی که به انکار اصل دین یا نبوت خاتم الانبیاء « علیه و آله الصلاه و السلام » منجر نشود، موجب کفر و نجاست نمی شود، مگر این که از آنها دشنام و اهانت به یکی از امامان معصوم «علیهم السلام » صادر شود.

[س ۳۲۱ حکم کفار بودایی]

س ۳۲۱: در منطقه محل تحصیل و سکونت ما اکثریت مطلق مردم کفار بودایی هستند. اگر دانشجویی ، خانه ای را از آنها اجاره نماید، آن خانه از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟ آیا شستن و تطهیر منزل ضرورت دارد؟ قابل ذکر است که

بسیاری از خانه های این منطقه از چوب ساخته شده و قابل شستن نیست . هتل ها و اثاثیه و لوازم موجود در آنها چه حکمی دارند؟

ج : تا یقین به تماس اشیاء مورد استفاده شما با دست و بدن مرطوب کافر غیر کتابی حاصل نشده ، حکم به نجاست نمی شود. در صورت یقین به نجاست هم آب کشیدن در و دیوار منازل و هتل ها و اثاثیه و لوازم موجود در آن واجب نیست . آن چه واجب است تطهیر اشیاء نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن مورد استفاده قرار می گیرند.

[س ۳۲۲ حکم صابئه]

س ۳۲۲: تعداد زیادی از مردم در خوزستان زندگی می کنند که خود را «صابئه » می نامندو ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی « علیه السلام » را دارند و می گویند کتاب او نزد ما موجود است . نزد علمای ادیان ثابت شده که آنها همان صابئون هستند که در قرآن آمده است . لطفاً بیان فرمائید که این گروه از اهل کتاب هستند یا خیر؟

ج : گروه مذکور در حکم اهل کتاب هستند.

[س ۳۲۳ خانه ای که به دست کافر ساخته شده باشد]

س ۳۲۳: آیـا این گفته که اگر خانه ای به دست کافر ساخته شـده باشـد، نجس است و نماز خوانـدن در آن مکروه می باشـد، صحیح است ؟

ج : نماز خواندن در آن خانه مکروه نیست .

[س ۳۲۴ کار کردن نزد یهود و نصاری]

س ۳۲۴: کار کردن نزد یهود و نصاری و فرقه های کافر دیگر و مزد گرفتن از آنها چه حکمی دارد؟

ج : کار کردن نزد کافر، فی نفسه اشـکال ندارد، مشـروط به این که آن کار از کارهای حرام و خلاف مصالح عمومی اسلام و مسلمانان نباشد.

[س ۳۲۵ حکم اهل حق]

س ۳۲۵: در منطقه ای که خـدمت سـربازی را انجام می دهم ، عـده ای از عشایر زنـدگی می کننـد که پیرو فرقه ای موسوم به اهل حق هستند. آیا استفاده از شیر و پنیر و کره ای که در اختیار آنها قرار دارد، جایز است ؟

ج : اگر به اصول اسلام اعتقاد داشته باشند، در مسأله طهارت و نجاست ، حکم سایر مسلمانان را دارند.

[س ۳۲۶ فرقه اهل حق]

س ۳۲۶: اهل روسـتایی که من در آن تـدریس می کنم ، نماز نمی خوانند؛ زیرا از فرقه اهل حق هسـتند و ما مجبور به خوردن غذا و نان آنها هستیم . چون شب و روز در آن روستا اقامت داریم ، آیا نمازهای ما اشکال دارد؟

ج : اگر توحیـد و نبوت و هیچ یک از ضـروریات دین اسـلام را انکار نکنند و معتقد به نقصـی در رسالت رسول اکرم « صـلی اللّه علیه و آله » نباشـند، حکم به کفر و نجاسـت آنها نمی شود. در غیر این صورت بایـد هنگام تماس با آنها یا خوردن غـذای آنان ، مسأله طهارت و نجاست مراعات شود.

[س ۳۲۷ یکی از بستگان ما که کمونیست است]

س ۳۲۷: یکی از بسـتگان ما که کمونیست است ، به ما در دوران کودکی اموال و لوازم زیادی بخشیده است . در صورتی که عین آنها در حال حاضر موجود باشد، چه حکمی دارند؟

ج : اگر کفر و ارتداد او ثابت شود و در سن بلوغ و قبل از اظهار اسلام ، کفر را پذیرفته باشد، اموال او حکم اموال سایر کفار را دارد.

[س ۳۲۸ فرقه گمراه بهائیت]

س ۳۲۸: لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمائید: ۱ معاشرت و همنشینی و دست دادن دانش آموزان مسلمان با دانش آموزان پیرو فرقه گمراه بهائیت ، اعم از این که دختر باشند یا پسر، مکلّف باشند یا غیر مکلّف ، در داخل مدرسه یا خارج از آن ، در دوران ابتدائی ، متوسطه و پیش دانشگاهی ، چه حکمی دارد؟ ۲ رفتار استادان و مربیان با دانش آموزانی که بهائی بودن خود را آشکار می کنند و یا یقین داریم که بهائی هستند، چگونه باید باشد؟ ۳ استفاده از وسایلی که همه دانش آموزان از آنها استفاده می کنند مانند شیر آب آشامیدنی ، شیر توالت و آفتابه آن ، صابون و مانند آن ، با این که علم به مرطوب بودن دست و بدن داریم ، چه حکمی دارد؟

ج : همه پیروان فرقه گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند و در صورت تماس آنها با چیزی ، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آنها، نسبت به اموری که مشروط به طهارت است ، واجب است . ولی رفتار مدیران و معلمان و مربیان با دانش آموزان بهائی باید بر اساس مقررات قانونی و اخلاق اسلامی باشد.

[س ۳۲۹ برخورد با فرقه گمراه بهائیت]

س ۳۲۹: خواهشـمندیم تکلیف مؤمنین را در برخورد بـا فرقه گمراه بهـائیت و آثار حضور پیروان آن در میان جامعه اسـلامی ، بیان فرمائید.

ج : همه مؤمنین باید با حیله ها و مفاسد فرقه گمراه بهائیت مقابله نموده و از انحراف و پیوستن دیگران به آن جلوگیری کنند.

[س ۳۳۰ بعضی از پیروان فرقه گمراه بهائیت]

س ۳۳۰: گـاهی بعضـی از پیروان فرقه گمراه بهـائیت برای ما غـذا یا چیز دیگری می آورنـد، آیا اسـتفاده از آنها برای ما جایز است ؟

ج : از هر گونه معاشرت با این فرقه ضالّه مضلّه ، اجتناب نمایید.

[س ۳۳۱ بهائیان بسیاری در اینجا کنار ما زندگی می کنند]

س ۳۳۱: بهائیان بسـیاری در اینجا کنار ما زنـدگی می کننـد که رفت و آمـد زیادی در خانه های ما دارند. عده ای می گویند که بهائی ها نجس هسـتند و عـده ای هم آنها را پاک می داننـد. این گروه از بهائی ها اخلاق خوبی از خود آشکار می کنند، آیا آنها نجس هستند یا پاک ؟

ج : آنها نجس و دشمن دین و ایمان ِشما هستند، پس فرزندان عزیزم جداً از آنها بپرهیزید.

[س ۳۳۲ آیا صندلی های ماشین و قطاری که مورد استفاده مشترک مسلمانان و کافران است]

س ۳۳۲: آیا صـندلی های ماشـین و قطاری که مورد اسـتفاده مشترک مسـلمانان و کافران است ، با این که کفار در بعضـی از مکانها بیشتر از مسلمان ها هستند و حرارت هوا باعث ترشح عرق و حتی سرایت رطوبت می شود، محکوم به طهارت است ؟

ج : کـافر اهل کتاب محکوم به طهارت است ، و در هر صورت در مورد اشـیاء مورد اسـتفاده مشترک کفار و مسـلمین با عـدم علم به نجاست ، حکم به طهارت آنها می شود.

[س ۳۳۳: زندگی دانشجوئی در خارج مستلزم ارتباط و معاشرت با کفار است]

۳۳۳: زنـدگی دانشـجوئی در خارج مسـتلزم ارتباط و معاشـرت با کفار است ، در چنین موردی اسـتفاده از مواد غـذائی ساخت آنهامشـروط بر این که مواد حرام مثل گوشت تـذکیه نشـده در آنها نباشـد، ولی احتمال تماس دست مرطوب کافر با آنها داده

شود، چه حکمی دارد؟

ج : مجرد احتمال تماس دست مرطوب کافر با مواد غذائی ، برای وجوب اجتناب کافی نیست ، بلکه تا یقین به تماس حاصل نشود، حکم به طهارت می شود. کافر اگر از اهل کتاب باشد، نجس ذاتی نیست و تماس دست مرطوب او باعث نجاست نمی شود.

[س ۳۳۴ اگر همه مخارج و هزینه های فرد مسلمانی]

س ۳۳۴: اگر همه مخارج و هزینه های فرد مسلمانی که در سایه حکومت اسلامی زندگی می کند با کار برای شخص غیر مسلمانی که روابط صمیمی با او دارد، تأمین شود، آیا جایز است با این فرد مسلمان روابط محکم و خانوادگی برقرار کرد و گاهی از غذای او استفاده نمود؟

ج : روابط مسلمانان با مسلمان مذکور اشکال ندارد. ولی اگر شخص مسلمان در اثر کار برای غیر مسلمان و ارتباط با وی خوف انحراف عقیدتی خود را داشته باشد، واجب است که این کار را ترک کند. دیگران هم باید او را نهی از منکر کنند.

[س ۳۳۵ اهانت به بعضی از مقدسات دینی]

س ۳۳۵: متأسفانه برادر هم سرم به علل مختلف فاسد گردیده و از دین بطور کامل برگشته است ، تا جائی که به بعضی از مقدسات دینی اهانت می کند. در حال حاضر بعد از گذشت چند سال از ارتداد او از اسلام ، طی نامه ای اظهار کرده که به اسلام ایمان دارد، ولی نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد. رابطه پدر و مادرش و بقیه افراد خانواده با وی چگونه باید باشد؟ آیا عنوان کافر بر او صدق می کند؟ آیا باید او را نجس محسوب کرد؟

ج : بر فرض ثبوت ارتداد قبلی وی ، اگر بعد از آن توبه کرده باشد، محکوم به طهارت است و ارتباط پدر و مادر و سایر خانواده با وی اشکال ندارد.

[س ۳۳۶ اگر کسی بعضی از ضروریات دین را انکار کند]

س ۳۳۶: آیا اگر کسی بعضی از ضروریات دین مانند روزه و غیر آن را انکار کند، حکم کافر را دارد یا خیر؟

ج : اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام « صلی الله علیه و آله » یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است .

[س ۳۳۷ آیا مجازاتهایی که برای مرتد و کفار حربی وضع شده]

س ۳۳۷: آیا مجازاتهایی که برای مرتد و کفار حربی وضع شده ، از امور سیاسی و مسئولیت های رهبری است یا این که مجازاتهای ثابتی تا روز قیامت هستند؟

ج : حکم ِ شرعی ِ الهی است .

وضو

[مسائل وضو از رساله حضرت امام]

[مسائلی در وضو]

[مسأله ۲۳۶ واجبات وضو]

مسأله ۲۳۶ در وضو واجب است (۱) صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند. (۱) (بهجت :) با نیّت ..

[مسأله ۲۳۷ بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید]

مسأله ۲۳۷ در ازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست (۱) قرار می گیرد باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است (۲). و برای آن که یقین کند این مقدار کاملًا شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید (۳). (۱) (بهجت :) (یعنی انگشت میانی که وسطی و انگشت بزرگ که ابهام است) .. (۲) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (سیستانی :) اگر انسان یقین نکند که این مقدار کاملًا شسته شده باید برای این که یقین کند، کمی اطراف آن را هم بشوید.

[مسأله ۲۳۸ اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد]

مسأله ۲۳۸ اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم (۱) باشد باید ملاحظه کند که مردمان معمولی (۲) تا کجای صورت خود را می شویند، او هم تا همان جا را بشوید (و اگر دست و صورتش هر دو بر خلاف معمول باشد ولی با هم متناسب باشند لازم نیست ملاحظه معمول را بکند بلکه به دستوری که در مسأله پیش گفته شد وضو بگیرد (۳) و نیز اگر در پیشانی او مو روییده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) از متعارف مردم .. (فاضل :) از حدّ معمول .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) مردمان متعارف .. (فاضل :) افراد معمولی .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، تبریزی و صافی نیست (زنجانی :) مسأله اگر نسبت صورت و دست کسی کوچک تر یا بزرگتر از نسبت صورت

و دست متعارف مردم باشـد، باید ملاحظه کند که مردم متعارف تا کجای صورت خود را می شویند، او هم تا همان جا بشوید و نیز اگر در پیشانی او مو روییده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول ، پیشانی را بشوید.

(مکـارم :) مسـأله هر گاه انگشـتانش بیش از حـدّ معمول بزرگ یا کوچک باشـد اعتباری به آن نیست ، بلکه بایـد ببینـد افراد معمولی چه اندازه از صورت خود را می شویند، او هم همان مقدار را بشوید، هم چنین کسـی که رستنگاه موی او بسیار بالا یا بسیار پایین است مطابق افراد معمولی صورت خود را می شوید.

(بهجت :) مسـأله میزان در رسـتنگاه مو و در انگشـتان ، افراد مسـتوی الخلقه و عادی می باشـد، پس کسانی که رسـتنگاه مو یا انگشتان آنها غیر عادی است ، در مقدار شستن ، افراد عادی را میزان قرار دهند.

[مسأله ۲۳۹ اگر احتمال دهد چرک در گوشه های چشم و لب او هست]

مسأله ۲۳۹ اگر احتمـال دهـد چرک یـا چیز دیگری در ابروهـا و گوشه هـای چشم و لب او هست که نمی گـذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید پیش از وضو (۱) وارسی کند که اگر هست برطرف نماید. (۱) (بهجت :) یا وقت شستن آنها ..

(مکارم :) مسأله صورت و دستها را بایـد آن چنان شـست که آب به پوست بدن برسد، و اگر موانعی وجود دارد باید برطرف کند، حتّی اگر احتمال مانع می دهد باید وارسی نماید.

[مسأله ۲۴۰ اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد]

مساله (۲۴۰) اگر پوست صورت از لای مو پیـدا باشد باید (۱) آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شسـتن مو کافی است (۲) و رسانـدن آب به زیر آن لازم نیست . (۱) (بهجت :) علاوه بر شسـتن ظاهر موها بنا بر أحوط باید .. (۲) (بهجت :) شستن ظاهر مو کافی است .. (زنجانی :) شستن ظاهر مو کافی است . [پایان مسأله]

[مسأله ۲۴۱ اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است]

مسأله ۲۴۱ اگر شک کنـد که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه بنا بر احتیاط واجب (۱) باید (۲) مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند. (۱) [عبـارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۲) (فاضل :) واجب است احتیاطاً ..

[مسأله ۲۴۲ شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم]

مسأله ۲۴۲ شسـتن توی بینی و مقـداری از لب و چشم که در وقت بسـتن دیـده نمی شود واجب نیست (۱)، (ولی برای آن که

یقین کنـد از جاهایی که بایـد شسـته شود چیزی باقی نمانده ، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید (۲)). و کسی که نمی دانسـته بایـد این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهائی که گرفته این مقدار را شسـته یا نه (۳)، نمازهایی که خوانده صحیح است (۴). (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) ولی انسان اگر یقین نکند که از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده واجب است برای آن که یقین کند، مقداری از آنها را هم بشوید. و کسی که این امر را

نمی دانسته ، اگر نداند در وضوئی که گرفته مقدار لازم را شسته یا نه ، نمازهایی را که با آن وضو خوانده صحیح است و لازم نیست برای نماز بعدی دوباره وضو بگیرد.

(زنجانی :) و شستن ظاهر بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده می شود لازم است .. (۲) (فاضل :) برای آن که یقین کند همه جاهایی که باید شسته شود شسته شده ، مقداری از آنها را هم بشوید. [پایان مسأله [] قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست .] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر بداند در وضوهایی که گرفته مقدار واجب را شسته .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) نمازی را که با آن وضو خوانده و وقتش باقی است با وضوی جدید اعاده نماید و قضای نمازهایی که وقتش گذشته واجب نیست .

(زنجانی :) نمازی را که با آن وضو خوانده و وقتش باقی است ، با وضوی جدید اعاده نماید و بنا بر احتیاط قضای نمازهایی که وقتش گذشته واجب است .

[مسأله ۲۴۳ باید صورت را بنا بر احتیاط واجب از بالا به پایین شست]

مسأله ۲۴۳ باید صورت را بنا بر احتیاط واجب از بالا به پایین شست (۱) اگر از پایین به بالاـ بشوید وضو باطل است (۲) و دستها را باید از مرفق به طرف سر انگشتان بشوید. (۱) (اراکی :) باید صورت را از بالا به پایین شست .. (۲) (فاضل :) وضو اشکال دارد ..

(خوئی ، گلپایگانی ، مکارم ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) مسأله باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است .

(سیستانی :) باید دستها و هم چنین صورت را بنا بر احتیاط لازم از بالا به پایین شست ..

(بهجت :) مسأله باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید و به همان شستن اکتفا کند، بلکه مطلقاً در بعضی موارد، وضو باطل است . و احتیاط واجب آن است که در هر عضو، ابتدا قسمتهای بالاتر و سپس قسمتهای پایین تر را بشوید و رعایت ترتیب عُرفی کافی است .

[مسأله ۲۴۴ اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد]

مسأله ۲۴۴ اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست ، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است (۱). (۱) (مکارم :) به قدری باشد که به آن شستن گفته شود کافی است .

(زنجانی :) به قدری باشد که بگویند صورت و دستها را شسته است کافی است .

(سیستانی :) به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست آب ، آنها را فرا گیرد کافی است . و لازم نیست که بر آنها جاری شود.

(بهجت :) باید بنا بر احتیاط تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست ، کمی آب بر آنها جاری شود.

[مسأله ۲۴۵ بعد از شستن صورت باید دست راست]

مسأله ۲۴۵ بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید (۱).

(۱) (بهجت :) به طوری که دستها کاملًا شسته شود.

[مسأله ۲۴۶ برای آن که یقین کند آرنج را کاملًا شسته]

مسأله ۲۴۶ برای آن که یقین کنـد آرنج را کاملًا شسـته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (سیسـتانی :) مسأله اگر انسان یقین نکند که آرنج را کاملًا شسـته ، باید برای آن که یقین کند، مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

[مسأله ۲۴۷ کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته]

مسأله ۲۴۷ کسـی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته ، در موقع وضو (۱) باید تا سر انگشتان را بشوید (۲) و اگر فقط تا مـچ را بشویـد وضوی او باطل است . (۱) (بهجت :) در موقع شسـتن دستها برای وضو .. (۲) (زنجانی :) در موقع وضو نباید به آن اکتفا کند و لازم است دوباره تا سر انگشتان را بشوید ..

(مکـارم :) مسأله معمولًا پیش از شسـتن صورت ، دسـتها را تا مـچ می شوینـد، ولی این ، برای وضو کافی نیست ، بایـد بعـد از شسـتن صورت در موقعی که دست راست و چپ را می شویـد تمام دست را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است .

[مسأله ۲۴۸ در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اوّل واجب]

مسأله ۲۴۸ در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اوّل واجب و مرتبه دوّم جایز (۱) و مرتبه سوّم و بیشتر از آن ، حرام می باشد (۲) و اگر با یک مشت آب ، تمام عضو شسـته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می شود چه قصد بکند یک مرتبه را ، یا قصد نکند. (۱) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، بهجت :) مرتبه دوّم مستحب ..

(تـبریزی :) مرتبـه دوّم مسـتحب است بنـا بر مشـهور ولی احتیـاط واجب در دست چپ ، ترک مرتبه دوّم است .. (۲) (خوئی ، اراکی ، گلپایگـانی ، صافی :) و این که کـدام شسـتن اوّل یا دوّم یا سوّم است مربوط به قصـد کسـی است که وضو می گیرد، پس اگر به قصد شسـتن مرتبه اوّل مثلًا ده مرتبه آب بصورت بریزد، اشکال ندارد و همه آنها شستن اوّل حساب می شود و اگر به قصد این که سه مرتبه بشوید، سه مرتبه آب بریزد، مرتبه سوّم آن حرام است .

(تبریزی :) و این که کدام شستن اوّل یا دوّم یا سوّم است مربوط به قصد کسی است که وضو می گیرد، پس اگر به قصد وضو آب به صورت بریزد که تمام آن را فرا بگیرد مرتبه اوّل حساب می شود و لو با چند مرتبه آب ریختن باشد.

(بهجت :) و مقصود از هر مرتبه ، شستن تمام عضو است . [پایان مسأله] (سیستانی :) و شستن مرتبه اوّل وقتی تمام می شود که به قصد وضو آن مقدار آب به صورت یا دست بریزد که آب تمام آن را فرا بگیرد و دیگر جایی برای احتیاط باقی نماند، پس

اگر به قصد شستن مرتبه اوّل مثلًا ده مرتبه آب به صورت بریزد تا این که آب همه آن را فرا بگیرد، اشکال ندارد. و تا وقتی که قصد وضو و شستن صورت مثلًا نکند شستن اوّل محقّق نمی شود، پس می تواند چند مرتبه همه صورت را بشوید و در آخرین مرتبه که آب می ریزد قصد شستن

وضویی نماید، ولی اعتبار قصد در شستن دوّم خالی از اشکال نیست و احتیاط لازم آن است که بیش از یک مرتبه بعد از مرتبه اوّل صورت و یا دستها را نشوید اگر چه به قصد وضو هم نباشد.

(نوری :) و این که کدام شستن اول یا دوم یا سوم است ، بستگی به قصد گیرنده وضو دارد، نه به تعداد دفعاتی که آب به صورت می ریزد.

(زنجانی :) مسأله در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اوّل واجب و مرتبه دوّم جایز و بیشتر از آن ، حرام نمی باشد و این که کدام شستن ، اول یا دوم یا سوم است مربوط به شستن تمام عضو همراه با قصد وضو می باشد، پس اگر به قصد وضو دو بار به طور کامل شست ، شستن بعدی حرام است و اگر به قصد وضو چند بار آب بریزد، هر گاه به تمام دست و صورت رسید، یک مرتبه حساب می شود و ما زاد بر آن ، مرتبه بعد حساب می آید هر چند قصد مرتبه اول داشته باشد.

(مکارم :) مسأله برای وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اوّل واجب است و احتیاط واجب ، ترک مرتبه دوّم است و امّا سوّم و بیشتر حرام است ، منظور از مرتبه اوّل آن است که تمام عضو را بشوید خواه با یک مشت آب باشد یا چندین مشت ، وقتی که تمام شد یک مرتبه حساب می شود.

[مسأله ۲۴۹ بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند]

مسأله ۲۴۹ بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند. (۱) و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید. (۲) (۱) (بهجت :) [و] اگر تری در دست نمانده باشد وظیفه اش در مسأله [۲۵۷] بیان خواهد شد .. (۲) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید با دست راست باشد و لازم نیست که از بالا به پایین مسح نماید، هر چند موافق احتیاط است .

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که با دست راست مسح نماید و نیز احتیاط آن است که مسح از بالا به پایین باشد اگر چه أقوی جواز مسح از پایین به بالا است .

(خوئی :) احتیاط واجب ((سیستانی :) احتیاط مستحب) آن است که با کف دست راست مسح نماید و مسح را از بالا به پایین انجام دهد.

(زنجانی :) احتیاط آن است که با داخل دست راست مسح نماید و مسح را از بالا به پایین انجام دهد.

(بهجت :) احتیاط واجب در مسح سر از بالا به پائین است و مسح کردن با دست راست بهتر است .

(نوری :) احتیاط واجب آن است که با دست راست باشد هر چند لازم نیست که از بالا به پائین مسح نماید.

(تبریزی ، مکارم :) احتیاط واجب آن است که با دست راست مسح نماید (مکارم : و بهتر این است که از بالا به پایین دست بکشد، ولی عکس آن یعنی از پایین به بالا نیز اشکال ندارد).

[مسأله ۲۵۰ یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است]

مسأله ۲۵۰ یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است (۱) جای مسح می باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است (۲) اگر چه احتیاط

مستحب - (۳) آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته ، مسح نماید (۴). (۱) (بهجت :) جلوی سر (یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است) .. (۲) (زنجانی :) هر جای این قسمت را مسح کند، کافی است و بنا بر احتیاط از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید. [پایان مسأله] (۳) (اراکی :) اگر چه بهتر .. (۴) (بهجت :) و واجب است در صورت امکان ، مسح با کف دست باشد نه با پشت آن .

(مکارم :) مسأله جلو سر، که بالای پیشانی است جای مسح است و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است ، ولی احتیاط مستحب - آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت ، از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت مسح نماید.

[مسأله ۲۵۱ لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد]

مسأله ۲۵۱ لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است . ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلًا شانه کند به صورتش می ریزد (۱)، یا به جاهای دیگر سر می رسد (۲)، باید بیخ موها را مسح کند (۳) (یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید (۴)) و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است . (۱) (فاضل :) روی قسمتی از پیشانی می ریزد .. (۲) (نوری :) به جاهای دیگر سر، که خارج از جلو سر است می رسد .. (۳) (زنجانی :) اگر مثلًا شانه کند به صورتش می ریزد، باید قسمتی از موها را که پس از شانه کردن در جلو سر قرار می گیرد مسح کند .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (مکارم :) مسأله مسح سر را جایز است بر پوست سر یا بر موهایی که بر آن روییده است بکشند، امّا کسی که موی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلًا شانه کند به صورتش می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ ، بن موها یا پوست سر را به راحتی مسح نماید.

[مسأله ۲۵۲ بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را مسح نماید]

مسأله ۲۵۲ بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی :) و احتیاط واجب آن است که تا مفصل مسح نماید. و (خوئی : کما این که احتیاط واجب آن است که) پای راست را با دست راست و (تبریزی : بعد) پای چپ را با دست چپ مسح نماید.

(گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) و احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح نماید.

(بهجت ، مکارم :) و احتیاط مستحب - این است که تا مفصل مسح نماید.

(زنجانی :) و احتیاط آن است که تا مفصل را هم مسح نماید.

(سیستانی :) از سر یکی از انگشتها تا مفصل مسح نماید و احتیاط مستحبّ آن است که پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح نماید.

[مسأله ۲۵۳ پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است]

مسأله ۲۵۳ پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است (۱)، ولی بهتر، بلکه أحوط (۲) آن است با تمام کف دست ، روی پا را مسح کند. (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، نوری ، مکارم ، بهجت ، صافی ، تبریزی :) ((مکارم :) از نظر عرض ، کافی است به اندازه یک انگشت مسح کند) ولی بهتر آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید و بهتر از آن ، مسح تمام روی پا (اراکی ، مکارم ، تبریزی : با تمام کف دست) است .

(خوئی ، سیستانی :) ولی بهتر آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته بلکه تمام روی پا را با تمام دست مسح نماید. (۲) (فاضل :) ولی احتیاط مستحبّ..

(زنجانی :) مسأله احتیاط آن است که مسح پا به اندازه پهنای سه انگشت بسته باشد و بهتر آن است که تمام روی پا را با تمام داخل دست مسح نماید.

[مسأله ۲۵۴ اگر در مسح پا همه دست را روی پا بگذارد]

مسأله ۲۵۴ اگر در مسح پا همه دست را روی پا (۱) بگذارد و کمی بکشد صحیح است . (۱) (بهجت :) روی همه پا ..

(گلپایگانی :) مسأله احتیاط واجب آن است که در مسح پا، دست را بر سر انگشتها بگذارد، و بعد به روی پا بکشد نه آن که تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد.

(صافی ، زنجانی :) احتیاط ..

(صافی :) هر چند اکتفا به این که تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد جایز است .

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) (خوئی ، تبریزی : به پشت پا بکشد) یا آن که دست را به مفصل گذاشته و تا سر انگشتها بکشد ..

(فاضل :) مسأله بنا بر احتیاط واجب باید در مسح پا، دست را بر سر انگشتها بگذارد و روی پا را به تدریج مسح کند و اگر همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح نمی باشد.

(سیستانی :) مسأله لازم نیست در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد بلکه می تواند تمام دست را

روی پا بگذارد و کمی بکشد.

[مسأله ۲۵۵ در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد]

مسأله ۲۵۵ در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد (۱) و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است (۲) ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد. (۱) (مکارم :) ثابت نگهدارد .. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

[مسأله ۲۵۶ جای مسح باید خشک باشد]

مسأله ۲۵۶ جای مسح باید خشک باشد (۱). و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست (۲) به آن اثر نکند مسح باطل است (۳). ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

(۱) (مکارم :) ولی اگر مختصری رطوبت داشته باشد به طوری که آب دست هنگام مسح بر آن غلبه کند، اشکال ندارد. [پایان مسأله] (۲) (سیستانی :) رطوبت دست .. (۳) (سیستانی :) ولی اگر نمناك باشد یا آن که تری آن به قدری کم باشد که در رطوبت دست مستهلَك باشد اشکال ندارد.

[مسأله ۲۵۷ اگر برای مسح ، رطوبتی در کف دست نمانده باشد]

اشاره

مسأله ۲۵۷ اگر برای مسح ، رطوبتی در کف دست (۱) نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج ، تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد (۲) و با آن مسح نماید (۳). (۱) (سیستانی :) رطوبتی در دست .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) باید (زنجانی : بنا بر احتیاط) از ریش خود رطوبت بگیرد .. (۳) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) و گرفتن رطوبت از غیر ریش و مسح نمودن با آن محل ِاشکال است .

(بهجت :) و بنا بر احتیاط باید اوّل از تری موی ریش و ابرو کمك بگیرد وا گر در آنها تری نبود از دستها رطوبت می گیرد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۵۸ هر گاه به سبب گرمی هوا یا جهات دیگر، هیچ رطوبتی در اعضاء برای مسح باقی نمی ماند، بنا بر احتیاط واجب ، هم با آب خارج مسح کند و هم بعد از وضو تیمّم کند.

[مسأله ۲۵۸ اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد]

مسأله ۲۵۸ اگر رطوبت کف دست (۱) فقط به اندازه مسح سر باشد، می تواند (۲) سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد. (۳) (۱) (سیستانی :) اگر رطوبت دست .. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، سیستانی :) احتیاط واجب آن است که ..

(زنجانی :) احتیاط آن است که ..

[کلمه «می تواند» در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۳) (بهجت :) و بنا بر احتیاط واجب باید اوّل از تری موی ریش و ابرو کمك بگیرد و اگر در آنها تری نبود از دستها رطوبت بگیرد.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) برای مسح پاها از ریش خود رطوبت بگیرد.

[مسأله ۲۵۹ مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است]

مسأله ۲۵۹ مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است ، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد (۱)، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد (۲) و اگر روی کفش نجس باشد، باید (۳) چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند (۴). (۱) (خوئی :) تیمّم نماید و اگر تقیّه در بین باشد، مسح بر جوراب و کفش نموده و تیمّم نیز بنماید.

(تبریزی :) تیمم نماید و اگر تقیّه در بین باشد، بر روی جوراب و کفش مسح شود و بنا بر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید.

(سیستانی :) احتیاط واجب آن است که مسح بر جوراب و کفش نموده و تیمّم نیز نماید، و اگر تقیّه در بین باشد مسح بر جوراب و کفش کفایت می کند.

(۲) (زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که تیمم نیز بنماید ..

(مکارم :) مسح باید روی پوست پا باشد و مسح کردن روی جوراب و کفش فایده ندارد، مگر در حال تقیه . و اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند آن نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد کافی است روی آنها مسح کند .. (۳) (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط واجب آن است که تیمّم هم بنماید.

(زنجانی ، بهجت :) و تیمّم هم بنماید (بهجت : احتیاطاً).

[مسأله ۲۶۰ اگر روی پا نجس باشد]

اشاره

مسأله ۲۶۰ اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح ، آن را آب بکشد باید تیمم نماید. (۱) (۱) (بهجت :) اگر جبیره ممکن نباشد باید تیمم نماید، و اگر جبیره ممکن بود، باید هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمّم کند بنا بر احوط.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید چیز پاکی روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمّم نماید.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۶۲ تکرار مسح موجب بطلان وضو نیست خصوصاً اگر برای رعایت احتیاط باشد، مگر آن که از روی تشریع یا وسوسه باشد.

وضوی ارتماسی

[مسأله ۲۶۱ وضوی ارتماسی]

مسأله ۲۶۱ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو با مراعات شستن از بالا به پایین در آب فرو برد؛ لیکن برای این که مسح سر و پاها با آب وضو باشد، بایستی در شستن ارتماسی دستها، قصد شستن وضویی ، هنگام بیرون آوردن دستها از آب باشد و یا این که مقداری از دست چپ را ، باقی گذارد، تا آن را با دست راست ، ترتیبی ، بشوید. (گلپایگانی ، بهجت ، فاضل :) مسأله وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو (فاضل : با مراعات شستن از بالا به پائین) در آب فرو برد یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می برد نیّت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح است (گلپایگانی ، بهجت : و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می

شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح می باشد).

(خوئی ، تبریزی :) مسأله وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد ولی مسح با تری آن دست اشکال دارد، بنا بر این دست چپ را نباید ارتماسی شست .

(سیستانی :) مسأله وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد و ظاهر آن است که مسح با تری دستی که ارتماسی شسته شده اشکال ندارد، هر چند خلاف احتیاط است .

(نوری :) مسأله وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب

فرو برد یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد، ولی مسح با تری آن دست اشکال دارد، بنا بر این دست چپ را نباید ارتماسی شست .

(زنجانی :) مسأله وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد یا صورت و دستها را که در آب می باشد به قصد وضو بیرون آورد، یا دست را در داخل آب به قصد شستن از بالا به پایین تکان دهد و در فرض اول و سوم مسح با تری آن دست محل اشکال است .

هم چنین اگر از هنگام فرو بردن دست تا بیرون آوردن آن به قصد وضو باشد مسح با تری آن دست خلاف احتیاط است . بنا بر این اگر بخواهد دست چپ را وضوی ارتماسی کند بنا بر احتیاط باید تنها در هنگام بیرون آوردن دست ، قصد وضو کند.

(مکارم :) مسأله انسان می تواند صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا بعد از فرو بردن در آب ، به قصد وضو از آب بیرون آورد و آن را «وضوی ارتماسی » می گویند.

(صافی :) مسأله در وضوی ارتماسی أحوط آن است که انسان صورت و دست راست را به قصد وضو در آب فرو برد و با دست راست دست چپ را به قصد وضو بشوید، و مسح سر و پاها را انجام دهد.

[مسأله ۲۶۲ در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود]

اشاره

مسأله ۲۶۲ در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود (۱)، پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد (۲). و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد. (۱) (صافی :) به این نحو که صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۶۶ شخصی که می تواند بدون کمک دیگران وضوی ارتماسی بگیرد، نباید به کمک دیگران وضوی غیر ارتماسی (ترتیبی) بگیرد.

(مکارم :) مسأله ۲۸۱ در وضوی ارتماسی برای این که مسح سر و پاها با آب خارج نباشد باید هنگامی که دست راست و

چپ را وضوی ارتماسی می دهد قصد کند که بعد از خارج شدن از آب تا وقتی که آب روی دستها جریان دارد جزء وضو است ، در غیر این صورت مسح سر و پاها اشکال دارد.

[مسأله ۲۶۳ اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی]

مسأله ۲۶۳ اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد (۱). (۱) (مکارم :) و بهتر است وضوی دست چپ را همیشه غیر ارتماسی بگیرد تا برای مسح سر و پاها مشکلی پیش نیاید.

دعاهایی که موقع وضو گرفتن مستحب است

[مسأله ۲۶۴ کسی که وضو می گیرد]

مسأله ۲۶۴ کسی که وضو می گیرد مستحب است (۱) (موقعی که نگاهش به آب می افتد بگوید: «بِسمِ اللّه وَ بِاللّهِ وَ الحَمدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَ الماءَ طَهُوراً وَ لَم یَجعَلهُ نَجِساً» و (۲))

موقعی که پیش از وضو دست خود را می شوید، بگوید: «اللّهُم َاجعَلنِی (۳) مِن َالتَّوّابین َوَ اجعَلنی مِن َالمُتَطَهِّرین َ» و در وقت مضمضه کردن یعنی آب در دهان گرداندن بگوید: «اللّهُم َلَقِّنی حُجَّتی یَوم َأَلقاک َوَ أَطلِق لِسانِی بِذِکرِک َ» و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید: «اللّهُم َلا تُحَرِّم عَلَی َریح َالجَنَّهِ وَ اجعَلنی مِمَّن یَشُم ُرِیحَهَا وَ رَوحَهَا وَ طِیبَها» و موقع شستن رو بگوید: «اللّهُم َبَیِّض وَجهِی یَوم َتَسوَدُّ فِیه ِ(۴) الوُجُوه ُوَ لا تُسَوِّد وَجهِی یَوم َتَبیَض ُفِیه ِ(۵) الوُجُوه ُ» و در وقت شستن دست راست بخواند: «اللّهُم َاعطِنی کِتابی بِیَمینی و الخُلدَ فِی الجِنَان ِبِیَساری وَ حاسِبنی حِساباً یَسِیراً» و موقع شستن دست چپ بگوید: «اللّهُم َلا تُعطِنِی کِتابِی بِشِمالی وَ لا مِن وَراءِ ظَهرِی وَ لا تَجعَلهَا مَغلُولَهً الی عُنُقی وَ اعُوذُ بِک َمِن مُقَطَّعات ِالنّیران ِ» و موقعی که سر را مسح می کند بگوید: «اللّهُم َغَشِّنی بِرَحمَتِک َوَ بَرَکاتِک َو عَفوِک َ» و در وقت مسح پا بخواند: «اللّهُم َثَبِّتنِی عَلَی الصِّراطِ یَوم َتَزِل ُفِیه ِالاقدام ُوَ اجعَل سَعیِی فی ما یُرضِیک َعَنّی یَا ذَا الجَلال ِوَ الإِکرَام ِ». (۱) (مکارم :) شایسته است .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۳) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) «بسم اللّه و باللّه اللهم اجعلنی .. (۴) [کلمه «فِیه ِ» در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و زنجانی نیست] (۵) [کلمه «فِیه ِ» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی ، زنجانی و تبریزی نیست]

شرایط وضو

اشاره

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز (۱) است :

شرط اول : آن که آب وضو پاک باشد (۲).

شرط دوم : آن که مطلق باشد (۳).

اشاره

(۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) چند چیز .. (۲) (سیستانی :) و بنا بر قولی ، نباید آلوده باشد به آن چه انسان از او متنفّر است مانند بول حیوانات حلال گوشت و مردار پاک و چرک زخم هر چند شرعاً پاک باشد و این قول موافق احتیاط است .. (۳) (نوری :) و معنای مطلق و مضاف در فصل آبها گذشت .

(زنجانی :) شرط دوم : آن که با آب مطلق باشد.

(بهجت :) مسأله شرائط صحیح بودن وضو سیزده چیز است : ۱ - آب وضو پاک باشد. ۲ - آب وضو مطلق باشد. ۳ - وضو گرفتن مستلزم تصرف غاصبانه نباشد. ۴ - ظرف آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد). ۵ - ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد. ۶ - اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد. ۷ - وقت برای وضو و نماز کافی باشد. ۸ - به قصد قربت یعنی برای

انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد. ۹ - ترتیب . ۱۰ - موالات . ۱۱ - مباشرت در اعمال وضو. ۱۲ - استعمال آب ضرر نداشته باشد. ۱۳ - در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد و تفصیل اینها به ترتیب در مسائل بعدی ذکر می شود. شرط اول و دوم : آب وضو پاک و مطلق باشد.

[مسأله ۲۶۵ وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است]

مسأله ۲۶۵ وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است ، اگر چه انسان نجس بودن

یا مضاف بودن آن را ندانـد (۱) یا فراموش کرده باشـد. و اگر با آن وضو نمازی هم خوانـده باشـد، بایـد آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند. (۱) (زنجانی :) وضو با آب نجس و آب مضاف و سایر مایعات باطل است ، اگر چه انسان نجس بودن یا آب مطلق نبودن آن را نداند ..

[مسأله ۲۶۶ اگر غیر از آب گل آلود مضاف]

مسأله ۲۶۶ اگر غیر از آب گل آلود مضاف ، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است (۱) باید تیمم کند و اگر وقت دارد بایـد صبر کنـد (۲) تـا آب صاف شود (۳) و وضـو بگیرد (۴). (۱) (بهجـت :) به طـوری که برای وضـو و یک رکعت نماز وقت ندارد .. (۲) (گلپایگـانی ، صافی ، بهجت :) احتیاط واجب آن است که صبر کنـد .. (۳) (زنجانی ، سیستانی :) یا به وسیله ای آن را صاف نماید ..

(نوری :) اگر وقت دارد، احتیـاط واجب آن است که آب را بگـذارد تـا صـاف و ته نشـین شود .. (۴) (بهجـت :) و مبـادرت به تیمّم ننمایـد؛ امّـا اگر برای یـک رکعت نمـاز بـا وضو و یـا چهـار رکعت بـا تیمّم وقت دارد، بنا بر أظهر می توانـد هر کـدام را خواست انجام دهد.

(سیستانی :) ولی آب گِل آلود در صورتی مضاف می شود که دیگر به آن آب گفته نشود.

(مکـارم :) مسـأله اگر غیر از آب مضـاف آب دیگری نـدارد بایـد تیمّم کنـد و اگر آب مضاف او آب گل آلود است چنانچه وقت دارد، باید صبر کند تا آب صاف شود (بنا بر احتیاط واجب).

شرط سوم : آن که آب وضو مباح باشد.

اشاره

و هم چنین بنا بر احتیاط بایـد فضایی که در آن وضو می گیرد مباح باشد، اگر چه اباحه فضا لازم نیست . (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) شرط سوّم : آن که آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد، مباح باشد.

(خوئی ، تبریزی :) در حال مسح ، بلکه بنا بر احتیاط واجب در حال شستن نیز مباح باشد.

(نوری ، فاضل ، سیستانی :) شرط سوّم : آن که آب وضو مباح باشد.

(بهجت :) شرط سوّم : وضو گرفتن ، مستلزم تصرّف غاصبانه نباشد.

(مکارم ، زنجانی :) شرط سوّم آن که آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد (مکارم : و جایی که آب وضو در آن می ریزد و ظرف آن) بنا بر احتیاط واجب مباح باشد.

[مسأله ۲۶۷ وضو با آب غصبی]

اشاره

مسأله ۲۶۷ وضو بـا آب غصبی و بـا آبی که معلوم نیست صاحب آن راضـی است یا نه (۱)، حرام و باطـل است (۲) (ولی اگر سابقاً راضـی بوده و انسان نمی دانـد که از رضایتش برگشـته یا نه ، وضو صـحیح است (۳)) و نیز اگر آب وضـو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد (۴)، وضوی او صحیح است (۵). (۱) (مکارم :) اشکال دارد [و] اگر صاحب آب قبلًا اجازه داده و انسان نمی داند از اجازه اش برگشته یا نه ، وضوی او صحیح است . [پایان مسأله]

(۲) (زنجانی :) حرام و بنا بر احتیاط واجب باطل است ؛ ولی اگر صاحب آن سابقاً راضی بوده و معلوم نیست که از رضایت خود برگشته یا نه ، وضو گرفتن جایز و صحیح است . و اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد بنا بر احتیاط واجب وضوی او باطل است ؛ چه بتواند در جای دیگر وضو بگیرد یا نتواند. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، صافی و تبریزی نیست] (۴) (سیستانی :) یا آن که فضایی که در آن وضو می گیرد غصبی باشد .. (۵) (اراکی :) چنانچه تصرّف در جای غصبی باشد و یا مستلزم تصرّف باشد، وضوی او باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه در غیر آنجا نتواند وضو بگیرد، وضوی او باطل می باشد و اگر در غیر آنجا بتواند وضو بگیرد، وضو صحیح است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) چنانچه در غیر آنجا نتواند وضو بگیرد، تکلیف او تیمّم است . و اگر در غیر آنجا بتواند وضو بگیرد لازم است که در غیر آنجا وضو بگیرد، ولی چنانچه در هر دو صورت معصیت کرده ، و همان جا وضو بگیرد وضویش صحیح است .

(بهجت :) مسأله اگر کسی به قصد وضو، آب غصبی را به صورت یا دستهای خود بریزد و موقع آب ریختن ، ملتفت غصبی بودن آب باشد وضویش باطل است . ولی اگر بدون توجّه به غصبی بودن آب ، وضو گرفت ، اگر چه در اثناءِ وضو فهمید و بقیه وضو را با آب مباح انجام داد وضویش صحیح است امّا قیمت آن آب غصبی را ضامن است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۷۱ اگر کسی بدون قصد وضو، آب غصبی را به صورت و دستهای خود ریخت و پس از آن که عرفاً آب از بین رفت به قصد وضو گرفتن به صورت و دستهای خود که تر شده است دست کشید، وضویش صحیح است .

[مسأله ۲۶۸ وضو گرفتن از حوض مدرسه]

مسأله ۲۶۸ وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلین همان مدرسه ، در صورتی که معمولًا مردم از آب آن وضو بگیرند (۱) اشکال ندارد. (۲) (۱) (فاضل :) و وضو گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد ..

(بهجت :) و معلوم نباشد که از روی غفلت و یا عدم مبالات ، وضو می گیرند ..

(صافی :) در صورتی که از وضوی مردم از آب آن ، اطمینان به عموم وقفیت آن پیدا شود ..

(سیستانی :) در صورتی که معمولًا مردم از آن حوض وضو می گیرند و کسی منع نمی کند .. (۲) (بهجت :) اگر با ساکنین

مزاحمت نداشته باشد.

(مکـارم :) مسأله وضو گرفتن از آب مـدارس علوم دینی که نمی دانـد آب آن را برای همه مردم وقف کرده انـد یا فقط برای طلّاب همـان مـدرسه ، اشـکال دارد، مگر در صـورتی که معمولًا مردم متـدیّن از آب آنجـا وضو بگیرنـد به طوری که نشـانه عمومی بودن وقف باشد.

(زنجانی :) مسأله وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصّلین همان مدرسه ، در صورتی که از راهی ثابت شود که برای همه مردم وقف شده ، اشکال ندارد؛ مثل این که معمولًا مردم از آب آن حوض وضو می گیرند به گونه ای که برای نوع مردم اطمینان حاصل می شود که وقف همه مردم است . و اگر ثابت نشود، چنانچه شک ما در اصل عبارت وقف باشد وضو گرفتن اشکال دارد، مثلًا اگر نمی دانیم در عبارت وقف ، نام سادات حسینی ذکر شده یا سادات موسوی و ما خود از سادات حسینی هستیم نه موسوی ، نمی توانیم در آن موقوفه تصرف کنیم ؛ ولی اگر اصل عبارت ِوقف روشن است و شک می کنیم که واقف خصوصیتی دیگر را نیز معتبر کرده است یا نه ، وضو گرفتن مانعی ندارد، مثلًا اگر می دانیم وقف سادات است و شک می کنیم واقف موسوی بودن را نیز قید کرده یا نه ، در این صورت حکم می شود که وقف تمام سادات است و وضو گرفتن اشکالی ندارد.

[مسأله ۲۶۹ کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند]

مسأله ۲۶۹ کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده اند (۱) یا برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند، نمی تواند از حوض آن وضو بگیرد (۲)، ولی اگر معمولًا کسانی هم که نمی خواهند در آن جا نماز بخوانند از حوض آن وضو می گیرند (۳) می تواند از حوض آن وضو بگیرد. (۱) (زنجانی :) یا تنها برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند، اگر از راهی ثابت شود که برای همه مردم وقف شده وضو گرفتن اشکال ندارد و گر نه در این مسأله همان تفصیلی است که در مسأله پیش گفته شد. (۲) (مکارم :) هم چنین وضو گرفتن از آب تیمچه ها و مسافر خانه ها برای کسانی که ساکن آنجا نیستند، مگر این که از عمل افراد مُتدیّن بفهمد که وقف آن ، عام است . (۳) (فاضل :) و وضو گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد ..

(سیستانی :) و کسی منع نمی کند ..

(گلپایگانی :) مسأله اگر معلوم باشد که حوض مسجدی اختصاص به نمازگزار در آن مسجد دارد، کسی که نمی خواهد در آن مسجد نماز بخواند، نمی تواند در آن حوض وضو بگیرد ولی اگر اختصاص معلوم نباشد، می تواند از آن وضو بگیرد خصوصاً اگر به طور معمول کسانی هم که نمی خواهند در آن مسجد نماز بخوانند، از حوض آن وضو می گیرند.

(صافی :) و اگر اختصاص هم معلوم نباشد، احوط این است که از آن وضو نگیرد مگر این که از وضوی کسانی که نمی خواهند در آن مسجد نماز بخوانند و بطور معمول از آن وضو می گیرند اطمینان به عدم اختصاص حاصل شود.

[مسأله ۲۷۰ وضو گرفتن از حوض تیمچه ها و مسافر خانه ها]

اشاره

مسأله ۲۷۰ وضو گرفتن از حوض تیمچه هـا و مسافر خانه ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آن جاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولًا کسانی هم که ساکن آنجاها نیستند، با آب آنها وضو بگیرند (۱). (۱) (فاضل :) و وضو گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد. (سیستانی :) و کسی منع نکند.

(گلپایگانی ، صافی :) با علم به رضایت صاحبان آنها صحیح است هر چند علم به رضایت از وضو گرفتن کسانی که در آنجاها ساکن نیستند و ممانعت نکردن صاحبان آنها، حاصل شود.

(زنجانی :) در صورتی صحیح است که از طریقی جواز آن ثابت شود؛ مثل این که برای نوع افراد اطمینان به جواز حاصل شود مثلًا از این راه که معمولًا کسانی هم که ساکن آنجاها نیستند از آنها وضو بگیرند. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۶۹.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۲۹۰ هر گاه کسی محصّل مدرسه ای نیست ولی میهمان محصلین است ، وضو گرفتن او در آن مدرسه اشکال ندارد، به شرط این که پذیرفتن چنان میهمانی بر خلاف شرایط وقف نباشد، هم چنین در مورد کسی که میهمان مسافران مسافر خانه و یا ساکنان تیمچه ها است .

[مسأله ۲۷۱ وضو گرفتن در نهرهای بزرگ]

مسأله ۲۷۱ وضو گرفتن در نهرهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است ، اشکال ندارد ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند (۱) احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند (۲). (۱) (خوئی :) یا این که انسان بداند که مالک راضی نیست یا این که مالک صغیر یا مجنون باشد یا این که آن نهرها در تصرّف غاصب باشند، در تمام این چند صورت وضو گرفتن با آب آنها جایز نیست و امّا نهرهایی که در دهات و مانند دهات ، سیره مردم بر استفاده از آنها جاری است ، وضو گرفتن و سایر استفاده ها از آنها اشکال ندارد اگر چه مالک آنها صغیر یا مجنون باشد و نیز مالک آنها حق منع استفاده مردم را ندارد. (۲) (تبریزی :) بعید نیست اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا این که انسان بداند که مالک راضی نیست یا این که مالک ، صغیر یا مجنون باشد یا این که آن نهرها در تصرّف غاصب باشند در تمام این چند صورت وضو گرفتن با آب آنها باز جایز باشد.

(بهجت :) در صورتی که سیره و روش مسلمین استفاده از آن آبها باشد وضو صحیح و گر نه باطل است .

(زنجانی :) مسأله وضو گرفتن در نهرهای بزرگ جایز و صحیح است ، هر چند مالک آنها از وضو گرفتن در آنها نهی کند، یا این که انسان بداند که راضی نیست ، یا این که مالک آنها صغیر یا مجنون باشد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در این چند صورت از آنها وضو گرفته نشود؛ ولی غاصب نمی تواند در آب غصبی وضو بگیرد، هم چنین کسانی مانند هم سر و فرزندان و مهمانهای غاصب که به حساب او در این آب تصرف می کنند.

(مکارم :) مسأله وضو گرفتن از نهرهای بزرگ و کوچک جایز است ، هر چند انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند، امّا اگر صاحب آنها از وضو گرفتن صریحاً نهی کند احتیاط واجب ترک است و اگر مجرای نهر را بدون اجازه صاحبش تغییر داده اند احتیاط آن است که از آن وضو نگیرند.

(سیستانی :) مسأله وضو گرفتن از نهرهایی که بنای عقلا بر جواز تصرف در آنها است بدون اجازه مالک چه بزرگ باشد چه کوچک اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است ، اشکال

نـدارد بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کنـد یا این که انسان بداند که مالک راضـی نیست یا این که مالک صـغیر یا مجنون باشد باز هم تصرف جایز است .

[مسأله ۲۷۲ اگر فراموش کند آب غصبی است]

اشاره

مسأله ۲۷۲ اگر فراموش کنـد آب ، غصبی است و بـا آن وضو بگیرد صـحیح است (۱). (۱) (نـوری :) اگر چه خودش آب را غصب کرده باشد.

(مکارم :) مگر این که خودش آب را غصب کرده باشد که در این صورت اشکال دارد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر فراموش کنـد آب غصبی است و با آن وضو بگیرد صـحیح است ، ولی کسـی که خودش آب را غصب کرده ، اگر غصبی بودن آن را فراموش کند و وضو بگیرد، وضوی او باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط وضوی او باطل است .

(زنجانی :) وضوی او حرام و بنا بر احتیاط واجب باطل است .

(سیستانی :) وضوی او محل ٍ اشکال است .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۲۹۳ اگر گمان می کرد آب از خود اوست و بعد از وضو معلوم شد مال دیگری است وضوی او صحیح است و باید قیمت آن را به صاحبش بدهد.

شرط چهارم :

آن که ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم :

اشاره

آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشـد. این دو شـرط، در رساله آیت اللّه سیستـانی نیست (خوئی ، تبریزی :) شـرط چهارم :

آن که ظرف آب وضو مباح باشد. شرط پنجم : آن که ظرف آب وضو (خوئی : بنا بر احتیاط واجب) طلا و نقره نباشد. و تفصیل این دو شرط در مسأله بعدی ذکر می شود.

(بهجت :) شرط چهارم : ظرف آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد) ولی مانند شرط سوّم ، ممکن است کسی وضوی صحیح بگیرد به این صورت که موقع آب برداشتن ، قصد وضو نداشته باشد چنانکه در [مسأله اختصاصی (۲۷۱)، صفحه (۱۶۴)] گذشت . شرط پنجم : ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

(زنجانی :) شرط چهارم : آن که ظرف آب وضو بنا بر احتیاط واجب مباح باشد.

شرط پنجم : آن که ظرف آب وضو بنا بر احتیاط طلا و نقره نباشد. و تفصیل این دو شرط در مسأله بعدی ذکر می شود.

(مکارم :) شرط چهارم آن است که ظرف آب وضو بنا بر احتیاط واجب از طلا و نقره نباشد.

[مسأله ۲۷۳ اگر آب وضو در ظرف غصبی است]

مسأله ۲۷۳ اگر آب وضو در ظرف غصبی است و غیر از آن ، آب دیگری ندارد باید تیمم کند و چنانچه با آن آب وضو بگیرد باطل است . و اگر آب مباح دیگری دارد چنانچه در آن ظرف غصبی ، وضوی ارتماسی بگیرد و یا با آن ظرف ، آب به صورت و دستها بریزد وضویش باطل است ، ولی اگر با کف دست ، آب از آن ظرف بردارد و به صورت و دستها بریزد وضویش صحیح است ، اگر چه از جهت تصرّف در ظرف غصبی ، فعل حرام ، مرتکب شده است و وضوی او از ظرف طلا و نقره ، به احتیاط واجب (۱) مثل وضوی از ظرف غصبی است .

(۱) [عبارت « به احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اگر آب وضو در ظرف غصبی (تبریزی : یا طلا و نقره) است و غیر از آن ، آب دیگری ندارد در صورتی که بتواند به وجه مشروعی آن آب را در ظرف دیگر خالی نماید لازم است خالی کرده و بعداً وضو بگیرد و چنانچه میسور نباشد باید تیمّم کند و اگر آب دیگری دارد لازم است با آن وضو بگیرد و در هر دو صورت (تبریزی : در هر صورت) اگر معصیت کرده و با دست و مانند آن آب را بر اعضاءِ وضو بریزد و وضو بگیرد وضویش صحیح است (خوئی : و با این کیفیّت اگر از ظرف طلا یا نقره وضو بگیرد وضوی او صحیح است چه آب دیگری داشته یا نداشته باشد؛) و اگر در ظرف غصبی (تبریزی : یا طلا و نقره) وضوی ارتماسی بگیرد، وضوی او باطل است چه آب دیگری داشته باشد یا نه (خوئی : و امّا اگر در ظرف طلا و نقره وضوی ارتماسی بگیرد صحّت آن محل اشکال است).

(زنجانی :) و در هر دو صورت اگر معصیت کرده و از آن آب بردارد و وضوی ترتیبی بگیرد وضویش صحیح است و هم چنین اگر بخواهد از ظرف طلا یا نقره وضوی ترتیبی بگیرد، و وضوی ارتماسی در ظرف غصبی بنا بر احتیاط واجب و در ظرف طلا و نقره بنا بر احتیاط باطل است .

(گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) مسأله اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است و غیر از آن ، آب دیگری ندارد (بهجت : و نمی تواند آب را در ظرف ِ دیگری بریزد) باید تیمّم کند (گلپایگانی ، صافی : و نمی تواند با آب آنها وضو بگیرد.) و اگر آب دیگری دارد چنانچه در ظرف غصبی یا طلا و نقره ، وضوی ارتماسی بگیرد یا با آنها آب را به صورت و دستها بریزد، وضوی او باطل است و در صورتی که با مشت یا چیز دیگر آب را از آنها بردارد و به صورت و دستها بریزد وضوی او صحیح است ؛ هر چند به واسطه تصرّف در ظرف غصبی معصیت کرده است .

(بهجت :) مگر به صورتی که در [مسأله اختصاصی (۲۷۱)، صفحه (۱۶۴)] گذشت .

(سیستانی :) مسأله اگر آب وضو ملک اوست ولی در ظرف غصبی است و غیر از آن آب دیگری ندارد در صورتی که بتواند به وجه مشروعی آن آب را در ظرف دیگر خالی نماید لازم است خالی کرده و بعداً وضو بگیرد و چنانچه میسور نباشد باید تیمّم کند و اگر آب دیگری دارد لازم است با آن وضو بگیرد و در هر دو صورت اگر مخالفت کرده و با آب ظرف غصبی وضو بگیرد وضویش صحیح است .

(مکارم :) مسأله هر گاه آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است و غیر از آن ، آب دیگری ندارد، باید تیمّم کند و اگر وضو بگیرد اشکال دارد، خواه وضو را به صورت ارتماسی بگیرد و یا با دست آب را برداشته به صورت و دست بریزد، امّا می تواند آبی را که در ظرف طلا و نقره است در ظرف دیگری بریزد و از آن وضو بگیرد.

[مسأله ۲۷۴ اگر در حوضی که مثلًا یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است]

مسأله ۲۷۴ اگر در حوضی که مثلًا یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است وضو بگیرد صحیح است (۱) ولی اگر وضوی او تصرف در غصب حساب شود گناه کار است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) صحیح بودن آن محل ِاشکال است . [پایان مسأله] (مکارم :) اگر وضوی او تصرّف در غصب محسوب شود اشکال دارد، هم چنین اگر شیر آب یا قسمتی از لوله کشی غصبی باشد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله حوضی که مثلًا یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است ، در صورتی که برداشتن آب در نظر عُرف تصرّف در آن آجر یا سنگ نباشد اشکالی ندارد و در صورتی که تصرّف باشد برداشتن آب حرام ، ولی وضو صحیح است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب ، باید در حوضی که مثلًا یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است وضو نگیرد.

(زنجانی :) مسأله وضو گرفتن در حوضی که مثلًا یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است ، در صورتی که برداشتن آب به نظر عُرف تصرّف در آن آجر یا سنگ نباشد اشکالی ندارد، و در صورتی که تصرّف باشد، وضوی ارتماسی او بنا بر احتیاط واجب باطل است ؛ ولی وضوی ترتیبی او صحیح می باشد، اگر چه مرتکب کار حرامی شده است .

[مسأله ۲۷۵ اگر در صحن یکی از امامان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهری بسازند]

مسأله ۲۷۵ اگر در صحن یکی از امامان یا امام زادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد (۱). (۱) (بهجت :) ولی اگر فهمید زمین برای قبرستان وقف شده و نشود زیر حوض یا نهر، میّتی را دفن کرد وضو اشکال دارد. و نیز اگر ایجاد حوض یا نهر موجب بی حرمتی به بدن مسلمان بشود مثلًا آب به بدن او برسد، وضو اشکال دارد اگر چه زمین قبرستان ، مباح بوده و موقوفه هم نباشد.

شرط ششم (۱):

اشاره

آن که اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن ، پاک باشد (۲). (۱) (مکارم :) شرط پنجم .. (سیستانی :) شرط چهارم .. (۲) (بهجت :) مگر این که به وسیله وضو گرفتن و شستن صورت و یا دستها، اعضای وضو خود به خود پاک شود.

(سیستانی :) هر چند در حال وضو آن را قبل از شستن یا مسح کردن تطهیر کند، و اگر شستن با آب کُر و مانند آن باشد

تطهیر قبل از شستن لازم نیست .

[مسأله ۲۷۶ اگر پیش از تمام شدن وضو]

مسأله ۲۷۶ اگر پیش از تمام شدن وضو، جائی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، صحیح است (۱). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی ، بهجت ، زنجانی :) وضو صحیح است .

(مکارم :) مسأله اگر بعد از تمام شدن وضوی یک عضو، همان عضو نجس شود وضو صحیح است .

[مسأله ۲۷۷ اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد]

مسأله ۲۷۷ اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد وضو صحیح است . ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد اولی آن است (۱) که اوّل آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.

(۱) (آیات عظام :) احتیاط مستحب آن است .. (فاضل :) بهتر آن است ..

[مسأله ۲۷۸ اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد]

مسأله ۲۷۸ اگر یکی از اعضـای وضو نجس باشـد و بعـد از وضو شـک کنـد که پیش از وضو آنجـا را آب کشـیده یـا نه (۱)، چنانچه (۲) در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آن جا نبوده ، وضو باطل است . (۳) و اگر می داند ملتفت بوده (۴) یـا شـک دارد که ملتفت بوده یـا نه ، وضو صـحیح است (۵). و در هر صـورت جـایی را که نجس بوده بایـد آب بکشـد. (۱) (سیسـتانی :) وضو صحیح است ولی جایی را که نجس بوده باید آب بکشد. [پایان مسأله] (مکارم :) وضوی او صحیح است ، ولی بایـد برای نمـاز آن را آب بکشـد و اگر چیزی بـا آن ملاقـات کرده تطهیر کنـد. [پایـان مسـأله] (۲) (اراکی ، زنجـانی :) چنانچه بداند .. (۳) (تبریزی :) بنا بر احتیاط وضو باطل است ..

(بهجت :) وضو باطـل است بنـا بر أحوط، در صورتی که بـا وضو گرفتن و یـا غیر آن به طور اتّفـاقی پاک نشـده باشـد؛ و اگر ملتفت بوده ، یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه ، وضو صـحیح است و در هر صورت بایـد بنا بر احوط برای نماز و مانند آن ، جایی را که نجس بوده آب بکشـد. (۴) (زنجانی :) یا اصلًا مسأله را نمی دانسـته وضو باطل است و اگر مسأله را می دانسـته و می داند که ملتفت رعایت آن بوده یا شک کند که ملتفت بوده یا نه و مسأله را نیز می دانسـته وضویش صـحیح است و در هر صورت جایی را که نجس بوده بنا بر احتیاط باید آب بکشد. (۵) (صافی :) مگر آن که بداند در صورتی که پیش از وضو آن را آب نکشیده باشد، با شستن وضویی آب کشیده شده است .

[مسأله ۲۷۹ اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است]

مسأله ۲۷۹ اگر در صورت یا دسـتها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد (۱)، باید در آب کر یـا جاری فرو برد (۲) و قـدری فشار دهد که خون بند بیاید (۳)، بعد به دسـتوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد (۴). (۱) (گلپایگـانی :) چنانچه در آب کر یا جاری فرو برد و قـدری فشار دهـد که خون بنـد بیایـد، بعـد به نیّت وضو از آب بیرون بیاورد وضو صحیح است .

(صافی :) چنانچه در آب کر یا جاری فرو برد و قـدری فشار دهـد که خون بند بیاید سپس به نیت وضو دست یا انگشت خود را روی آن بگـذارد و به پایین بکشـد که آب بر آن جریان پیدا کند و شـرایط دیگر مختل نشود، وضویش صـحیح است . (۲) (مکارم :) یا زیر شیر آب بگیرد ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بایـد بعد از شسـتن اجزاء صـحیحه آن عضو، با رعایت ترتیب موضع زخم یا بریدگی را در آب کُر یـا جاری فرو برد .. (۳) (خوئی ، سیسـتانی :) و انگشت خود را روی زخم یـا بریـدگی در زیر آب از بالا به پائین بکشـد تا

آب بر آن جاری شود و (سیستانی : سپس مواضع پایین تر از آن را بشوید) وضو صحیح است .

(نوری ، تبریزی :) و (تبریزی : احاطه آب بر آن موضع قطع شود و بعد) انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا ـ به پایین بکشد تا آب بر آن جاری شود. (۴) (بهجت :) و اگر بعد از بند آمدن ، دو مرتبه خون جاری شد وضو به طور ارتماسی صحیح است و اگر خون جاری نشد به صورت ترتیبی هم می شود وضو گرفت .

(مکارم :) امّا اگر آب ضرر دارد باید به دستور وضوی جبیره که بعداً می آید، عمل کند.

شرط هفتم

اشاره

:(۱)

آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد. (۱) (مکارم :) شرط ششم : .. (سیستانی :) شرط پنجم ..

[مسأله ۲۸۰ هر گاه وقت به قدری تنگ است]

مسأله ۲۸۰ هر گـاه وقت به قـدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام نماز (۱) یا مقداری از آن (۲) بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمّم کند (۳)، ولی اگر برای وضو و تیمّم یک انـدازه وقت لازم است ، بایـد وضو بگیرد. (۱) (زنجانی :) می ترسد تمام نماز .. (۲) (اراکی :) هر چند یک رکعت آن ..

(مکارم :) تمام یا مقداری از واجبات نماز .. (۳) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) مسأله هر گاه وقت به قـدری تنگ باشـد که اگر وضو بگیرد تمام نماز بعـد از وقت خوانده می شود باید تیمم کند، ولی اگر برای وضو و تیمم یـک انـدازه وقت لازم باشـد بایـد وضو بگیرد برای انجـام یک رکعت با وضو و اگر با وضو وقت یک رکعت نماز و با تیمم وقت چهار رکعت را دارد می تواند هر کدام را خواست انتخاب کند بنا بر اظهر.

[مسأله ۲۸۱ کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند]

مسأله ۲۸۱ کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد (۱) صحیح است (۲) چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر. (۱) (اراکی ، خوئی ، گلپایگـانی ، زنجانی ، بهجت ، تبریزی ، سیسـتانی ، صافی :) اگر به قصـد قربت یا برای کـار مسـتحبّی مثـل خوانـدن قرآن وضو بگیرد .. (۲) (اراکی :) و اگر فقـط برای خوانــدن آن نمـاز وضـو بگیرد کـه اگر نمی خواست نماز بخواند، وضو نمی گرفت ، باطل است .

(خوئی :) و اگر با علم و عمد فقط برای خواندن آن نماز وضو بگیرد باطل است .

(گلپایگـانی ، صـافی :) و اگر فقـط برای خوانـدن آن نماز وضو بگیرد، به طوری که فعلًا داعی او بر وضو گرفتن فقط آن نماز باشد، وضویش باطل است .

(بهجت :) ولی اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد باطل است .

(تبریزی :) و اگر با علم و عمـد فقط برای آن نماز وضو بگیرد که مقدار یک رکعت یا بیشتر آن را در وقت درک می کند باز صحیح است اگر چه در تأخیر انداختن نماز معصیت کرده است .

(زنجانی :) اگر چه به جهت ترک تمام یا قسمتی از نماز در وقت گناه کرده است .

(سیستانی :) و هم چنین اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد، مگر آن که قصد قربت برای او حاصل نشود.

(مکارم :) هر گاه برای نماز وضو بگیرد باطل است ، امّا اگر به قصد کار دیگری مانند خواندن قرآن باشد صحیح است .

شرط هشتم :

اشاره

آن که به قصـد قربت یعنی : برای انجـام فرمان خداونـد عالم (۱) وضو بگیرد (۲) و اگر برای خنک شـدن یا به قصـد دیگری وضو بگیرد باطل است (۳). (۱) (زنجانی :) برای خداوند عالم ..

(۲) (سیستانی :) شرط ششم : آن که به قصد قربت وضو بگیرد و کافی است به قصد امتثال امر خداوند باشد .. (۳) (بهجت :) ولی اگر به قصد قربت وضو بگیرد و قصد دیگری مثل خنک شدن تابع قصد وضو باشد اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله شرط هفتم : آن است که وضو را به قصد قربت یعنی برای خدا انجام دهد، بنا بر این اگر به قصد ریا و خودنمایی یا برای خنک شدن بدن و مانند آن بگیرد باطل است ، ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود، ضرری ندارد.

[مسأله ۲۸۲ لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید]

اشاره

مسأله ۲۸۲ لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند (۱) ولی باید در تمام وضو متوجّه باشد که وضو می گیرد، (۲) به طوری که اگر از او بپرسند چه می کنی (۳) بگوید: وضو می گیرم . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بلکه اگر تمام افعال وضو، به داعی ِ امر خدا به جا آورده شود کفایت می کند. (مکارم :) همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند چه می کنی ؟ بداند وضو می گیرد. (۲) (زنجانی :) که برای خدا وضو می گیرد .. (۳) (زنجانی :) و برای چه کسی انجام می دهی ؟ بگوید: برای خدا وضو می گیرم .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۳۰۶ هر گاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را می بیند وضوی او باطل نیست ، هر چند گناه کرده است .

شرط نهم :

اشاره

(۱) آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد، یعنی : اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید (۲) و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید (۳) و باید (۴) پای راست را پیش از پای چپ مسح کند (۵) و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است . (۱) (مکارم :) شرط هشتم .. (سیستانی :) شرط هفتم .. (۲) (تبریزی :) و بنا بر احتیاط دست چپ را یک دفعه بشوید .. (۳) (سیستانی :) و احتیاط مستحب آن است که هر دو پا را با هم مسح نکند بلکه پای چپ را بعد از پای راست مسح کند.

(بهجت :) و اگر به ترتیب وضو نگیرد، باطل است و در مسح دو پا، احتیاط مستحب آن است که مسح پای راست را با دست

راست بر مسح پای چپ با دست چپ مقدّم بدارد. (۴) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب بایـد .. (۵) (گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) بایـد پـای چپ را پیش از پـای راست مسـح نکنـد (صـافی : بلکه احتیاط این است که پای راست را پیش از پای چپ مسـح کند) ..

(خوئی :) باید بنا بر احتیاط واجب پای چپ را بعد از پای راست مسح کند ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط، پای چپ را بعد از پای راست مسح کند ..

(زنجانی :) باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند و بنا بر احتیاط هم زمان نیز مسح ننماید ..

(مکارم :) بنا بر احتیاط پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند. [پایان مسأله]

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۸۶ هر گاه کسی شستن عضو قبلی را فراموش کرد، و عضو بعدی را شست ، مثلًا اوّل دست چپ را شست بعد دست راست را ، باید بعد از دست راست دست چپ را بشوید تا ترتیب مراعات شود، به شرط این که با این شستن بی جا، موالات به هم نخورد؛ و اگر موالات به هم خورد، باید وضو را از سر بگیرد.

شرط دهم :

اشاره

(۱) آن که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد. (۱) (سیستانی :) شرط هشتم ..

(مکارم :) مسأله شرط نهم این که کارهای وضو را چنان به جا آورد که بگویند پشت سر هم انجام می دهد و اگر چنین کند وضوی او صحیح است ، هر چند بر اثر گرمی هوا و وزش باد اعضای سابق خشک شده باشد، مثلًا موقعی که می خواهد دست راست را بشوید صورت او خشک شود، ولی اگر طوری انجام دهد که پشت سر هم نباشد وضوی او باطل است ، هر چند بر اثر سردی هوا اعضای قبل خشک نشده باشد.

[مسأله ۲۸۳ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود]

مسأله ۲۸۳ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی (۱) که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است (۲) و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد مثلًا موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد وضو صحیح است (۳). (۱) (سیستانی :) اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که در نظر عرف پشت سر هم نباشند وضو باطل است ، ولی در صورت پیش آمد عذری برای شخص مانند فراموشی یا تمام شدن آب این امر معتبر نیست بلکه اگر وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند چنانچه رطوبت تمام جاهایی ..

(زنجانی :) تمام جاهایی .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و اگر فقط رطوبت یکی از جاهایی که جلوتر شسته یا مسح کرده خشک شده باشد مثلًا موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست یا رطوبت صورت خشک شده باشد، احتیاط واجب (صافی : احتیاط مستحب) آن است که به این وضو اکتفاء نکند. (۳) (زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که وضو را باطل کند و از سر بگیرد.

(اراکی :) احتیاط واجب آن است ((فاضل :) بهتر آن است) که دوباره وضو بگیرد.

(بهجت :) احتیاط واجب آن است که وضو را باطل کند و از سر بگیرد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل شرط دهم .

[مسأله ۲۸۴ اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد]

مسأله ۲۸۴ اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا (۱) یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت (۲) خشک شود، وضوی او صحیح است . (۱) (زنجانی :) یا باد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) رطوبت جاهای پیشین ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل شرط دهم .

[مسأله ۲۸۵ راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد]

مسأله ۲۸۵ راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، (۱) پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود (۲) و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است . (۱) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (تبریزی :) مقداری راه برود ..

شرط یازدهم

اشاره

(۱): آن که شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد (۲)، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است (۳). (۱) (سیستانی :) شرط نهم .. (مکارم :) شرط دهم «مباشرت » است ، یعنی : .. (۲) (فاضل :) و یا کمک کند وضو باطل است . [پایان مسأله] (۳) (زنجانی :) و کمک کردن در مقدمات وضو مکروه است بنا بر این اگر کسی آب در کف دست انسان بریزد و انسان با آن آب وضو بگیرد وضو باطل نیست .

(بهجت :) و منظور، کمک در اصل شستن و مسح کردن است ولی اگر در مقدّمات اینها کمک بگیرد مثل این که دیگری آب را به صورت او بریزد ولی شخص ، خودش صورت را بشوید مانعی ندارد. (مکارم :) ولی کمک در مقدّمات وضو اشکال ندارد.

[مسأله ۲۸۶ کسی که نمی تواند وضو بگیرد]

مسأله ۲۸۶ کسی که نمی تواند وضو بگیرد (۱) باید نایب بگیرد که او را وضو دهد. و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند (۲) باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند (۳) و با دست خود مسح نماید و اگر نمی تواند، باید نایبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد و اگر این هم ممکن نیست باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت ، سر و پای او را مسح کنند (۴) و احتیاط واجب (۵) در صورت امکان ضم ّ تیمم است (۶). (۱) (زنجانی :) کسی که به تنهایی نمی تواند وضو بگیرد باید با کمک دیگری وضو بگیرد و اگر این مقدار نیز نمی تواند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و مُضرّ به حالش نباشد .. (۳) (فاضل :) باید بنا بر احتیاط واجب خود او و نائب ، هر دو نیّت وضو کنند .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) ولی در این صورت احتیاط واجب این است که تیمّم هم بکند. (۵) (فاضل :) احتیاط مستحب .. (۶) (بهجت :) أحوط این است که تیمّم هم بنماید اگر در تیمّم کردن محذوری نبوده یا محذور کمتری باشد.

(سیستانی :) مسأله کسی که نمی تواند خود وضو بگیرد باید از دیگری کمک بگیرد هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند و مضرّ به مالش نباشد باید بدهد ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیّت وضو نمایند و اگر ممکن نباشد باید نائبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد و اگر ممکن نباشد باید نائب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت ، سر و پای او را مسح کند.

[مسأله ۲۸۷ هر كدام از كارهای وضو را كه می تواند به تنهایی انجام دهد]

مسأله ۲۸۷ هر كدام از كارهای وضو را كه می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن كمك بگیرد.

شرط دوازدهم

اشاره

(۱): آن كه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد (۲). (۱) (مكارم :) شرط یازدهم .. سیستانی (:) شرط دهم .. (۲) (بهجت :) چنانكه در مسائل تیمّم خواهد آمد.

[مسأله ۲۸۸ كسی كه می ترسد كه اگر وضو بگیرد مریض شود]

مسأله ۲۸۸ كسی كه می ترسد كه اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد (۱). ولی اگر (۲) نداند كه آب برای او ضرر دارد (۳) و وضو بگیرد (۴) و بعد بفهمد كه ضرر داشته (۵)، وضویش صحیح است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است كه با آن وضو نماز نخواند و تیمم كند و چنانچه با آن وضو نماز خوانده دوباره آن را اعاده نماید (۶). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و باید تیمّم كند .. (سیستانی :) وظیفه ندارد كه وضو بگیرد ..

(فاضل :) چنانچه وضو بگیرد، وضویش بنا بر احتیاط واجب باطل است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) و اگر .. (نوری :) بلكه اگر .. (۳) (بهجت :) و ترس از استعمال آب هم نداشته باشد و وضو بگیرد، اگر چه بعد بفهمد ضرر داشته ، وضوی او صحیح است . و اگر ترس ضرر را داشت ولی به امید ضرر نداشتن ، وضو گرفت و بعد فهمید ضرر نداشته ، وضویش صحیح است . (۴) (خوئی ، تبریزی :) اگر چه بعد بفهمد ضرر داشته ، ولی ضرر به حدّی كه شرعاً حرام است نبوده باشد وضوی او صحیح است . [پایان مسأله] (سیستانی :) اگر واقعاً ضرر داشته وضوی او باطل است . [پایان مسأله] (۵) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است كه علاوه بر وضو تیمّم نیز بنماید و اگر با آن وضو نماز را به جا آورده تیمّم نیز بنماید و نماز را اعاده كند و اگر بعد از وضویی كه با جهل به ضرر گرفته ضرر رفع شد، احتیاطاً دوباره وضو بگیرد.

(نوری :) احتیاط واجب آن است كه تیمم كند و با آن وضو نماز نخواند و اگر با آن وضو نمازی به جا آورده ، دوباره آن را انجام دهد. (۶) (فاضل :) احتیاط مستحب آن است كه دوباره آن را اعاده نماید.

(مكارم :) مسأله اگر خوف ضرر دارد، یا می ترسد اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، باید تیمم كند. هر گاه وضو بگیرد بعد بفهمد آب برای او ضرر داشته ، وضوی او صحیح است .

(زنجانی :) مسأله کسی که می ترسد که اگر وضو بگیرد تشنه بماند نمی تواند وضو را ترک کند و احتیاط مستحب آن است که تیمم هم بنماید بلی اگر می ترسد که اگر وضو بگیرد مبتلا به مرض صعب العلاج شود، نباید وضو گرفته و باید تیمم کند و چنانچه به این حد نرسد، ولی وضو برای او مشقتی داشته باشد که متعارفِ مردم آن را تحمل نمی کنند، می تواند وضو را ترک کرده تیمم کند اما

اگر مشقت را تحمل نمود و وضو گرفت وضوی او صحیح است و اگر نداند که وضو برای او ضرر شدید دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر شدید داشته ، صحت وضوی او محل اشکال است .

[مسأله ۲۸۹ اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد]

مسأله ۲۸۹ اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد (۱). (۱) (مکارم :) یا مثلًا اگر آب سرد ضرر دارد باید آب را گرم کند.

شرط سیزدهم :

اشاره

(۱) آن که در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد (۲). (۱) (مکارم :) شرط دوازدهم .. (سیستانی :) شرط یازدهم .. (۲) (بهجت ، زنجانی :) و گر نه وظیفه او وضوی جبیره ای یا تیمّم خواهد بود.

[مسأله ۲۹۰ اگر می داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده]

مسأله ۲۹۰ اگر می دانـد چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه ، باید آن را برطرف کند (۱) یا آب را به زیر آن برسانـد (۲). (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (زنجانی :) لازم به ذکر است که معیار در شک در وجود مانع یا مانع بودن چیزی که در محل وضو است ، متعارف مردم می باشد پس اگر متعارف مردم در جایی شک نمی کنند ولی برای کسی شک ایجاد شود، اعتنا به شک نمی کند.

[مسأله ۲۹۱ اگر زیر ناخن چرک باشد]

مسأله ۲۹۱ اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد (۱)، ولی اگر ناخن را بگیرند (۲) باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد (۳)، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند. (۱) (مکارم :) ولی بهتر است آن را تمیز کند .. (۲) (سیستانی :) چنانچه آن چرک مانع از رسیدن آب به پوست باشد ..

(زنجانی :) و بدانند یا احتمال دهند آن چرک مانع از رسیدن آب به پوست است .. (۳) (فاضل :) و چرک زیر آن جزءِ ظاهر به حساب آید ..

[مسأله ۲۹۲ اگر در صورت و دستها به واسطه سوختن برآمدگی پیدا شود]

مسأله ۲۹۲ اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر، برآمدگی پیدا شود (۱)، شستن و مسح روی آن کافی است . و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست ، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می چسبد و گاهی بلند می شود (۲) باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند (۳). (۱) (بهجت :) مثل بلند شدن پوست به سبب باد کردن محلّ آن ، تا وقتی که جزءِ بدن به حساب می آید .. (۲) (زنجانی :) باید آب را به زیر آن برساند. (۳) (فاضل :) آب را به زیر آن و هم روی آن برساند.

(بهجت :) می تواند آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند، یا آن که در هر وقتی به وظیفه آن وقت ، عمل نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه به واسطه سوختگی یا چیز دیگر تاولهایی بر اعضای وضو

پیدا شود شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود، رساندن آب به زیر پوست لازم نیست ، ولی چنانچه قسمتی از پوست کنده شده که گاهی به بدن می چسبد و گاهی بلند می شود باید آب را به زیر آن برساند به شرط این که ضرر نداشته باشد.

[مسأله ۲۹۳ اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده]

مسأله ۲۹۳ اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه ، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، مثل آن که بعد از گِل کاری شک کند گِل به دست او چسبیده یا نه ، باید وارسی کند، یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند (۱) که اگر بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است (۲). (۱) (زنجانی :) به قدری دست بمالد که برای خود او یا نوع مردم اطمینان پیدا شود .. (۲) (بهجت :) و اگر از روی غفلت وضو گرفت و بعد معلوم شد که مانعی بوده ، وضویش باطل است و اگر احتمال داد که مانعی در کار نیست و به امید عدم مانع ، وضو گرفت یا غافل شد و بعد معلوم شد مانعی در کار نبوده صحیح بودن وضو خالی از وجه نیست .

(مکارم :) مسأله هر گاه انسان احتمال دهد مانعی در اعضای وضو وجود دارد اگر احتمال آن عقلائی است باید وارسی کند، مثل این که بعد از گِل کاری یا رنگ کاری شک کند مقداری گِل یا رنگ به دست او چسبیده است .

[مسأله ۲۹۴ جایی را که باید شست و مسح کرد]

اشاره

مسأله ۲۹۴ جایی را که باید شست و مسح کرد هر قدر چرک باشد اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد (۱). و هم چنین است اگر بعد از گچکاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی نماید بر دست بماند، ولی اگر شک کند که با بودن آنها آب به بدن می رسد یا نه ، باید آنها را برطرف کند. (۱) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر جایی را که باید شست یا مسح کرد، چرک باشد ولی چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد، اشکال ندارد ..

(مکارم :) مسأله رنگهایی که مانع رسیدن آب به بدن نیست ، برای وضو ضرری ندارد ولی اگر مانع باشد یا شک کند که مانع است یا نه باید آن را برطرف سازد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۲۹۹ کسی که پوست بدن او چرب است ، اگر چربی آن ، جرم ندارد که مانع رسیدن آب به پوست باشد،

اشکال ندارد و اگر احراز کند که محل ِوضو به طوری چرب است که مانع رسیدن آب می شود، اوّل خشک کند بعد وضو بگیرد.

[مسأله ۲۹۵ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست]

مسأله ۲۹۵ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه ، وضوی او صحیح است (۱)، ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده ، باید دوباره وضو بگیرد. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، فاضل :) چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت بوده وضوی او صحیح است . [پایان مسأله] (بهجت :) در صورتی که احتمال بدهد موقع وضو ملتفت و متوجه بوده و مانع را برطرف کرده است وضوی او صحیح است . [پایان مسأله]

[مسأله ۲۹۶ اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد]

مسأله ۲۹۶ اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می رسد و گاهی نمی رسد و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه ، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده باید دوباره وضو بگیرد. (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، تبریزی ، بهجت ، صافی :) احتیاط واجب ((سیستانی :) احتیاط مستحب) آن است که دوباره وضو بگیرد.

[مسأله ۲۹۷ اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است]

مسأله ۲۹۷ اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده ، وضوی او صحیح است (۱)، ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده ، احتیاط واجب (۲) آن است که دوباره وضو بگیرد (۳). (۱) (زنجانی :) مگر آن که بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده که در این صورت ، لازم است دوباره وضو بگیرد. (۲) (سیستانی :) احتیاط مستحب .. (۳) (فاضل :) باید دوباره وضو بگیرد.

(مکارم :) مسأله وجود انگشتر و دست بند و مانند آن اگر مانع رسیدن آب نباشد برای وضو ضرری ندارد و می تواند آن را جابجا کند تا آب به زیر آن برسد و شسته شود و اگر بعد از وضو، انگشتر یا مانع دیگری در دست ببیند و نداند موقع وضو بوده یا نه وضوی او صحیح است ، به شرط این که احتمال بدهد در حال وضو توجّه به این امر داشته است .

[مسأله ۲۹۸ اگر بعد از وضو شک کند]

اشاره

مسأله ۲۹۸ اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه ، وضو صحیح است . (۱) (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت بوده است وضو صحیح است .

(گلپایگانی ، صافی :) [چنانچه] احتمال بدهد که در وقت وضو ملتفت بوده و اگر مانعی بوده برطرف کرده وضویش صحیح است ولی اگر بداند که وقت وضو ملتفت نبوده احتیاط لازم آن است که دوباره وضو بگیرد.

(فاضـل :) [چنانچه] احتمال او از نظر عقلائی به جا باشـد در صورتی که احتمال التفات در حال وضو بدهـد وضویش صـحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله **۲۹۷**.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله **۳۲۲** اگر بعـد از فراغت وضو شک کند همه کارهای وضو را انجام داده یا نه ، یا شـرایط در آن جمع بوده یا نه ، اعتنا نکند، امّا اگر در حال وضو شک کند باید به جا آورد.

احکام وضو

[مسأله ۲۹۹ کسی که در کارهای وضو خیلی شک می کند]

مسأله ۲۹۹ کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب (۱) و غصبی نبودن آن خیلی شک می کند (۲) باید به شک خود اعتنا نکند. (۱) (مکارم :) و وجود مانع بر اعضای وضو، زیاد شک ّمی کند، باید اعتنا نکند و مطابق معمول مردم انجام دهد. (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه به حدّ وسوسه برسد ..

[مسأله ۳۰۰ اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه]

مسأله ۳۰۰ اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه ، بنا می گذارد که وضوی او باقی است (۱)، ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است . (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۳۰۱ کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه]

مسأله ۳۰۱ کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه ، باید وضو بگیرد.

[مسأله ۳۰۲ کسی که می داند وضو گرفته و حَدَثی هم از او سر زده]

اشاره

مسأله ۳۰۲ کسی که می داند وضو گرفته و حَدَثی هم از او سر زده ، مثلًا بول کرده ، اگر نداند کدام جلوتر بوده (۱)، چنانچه پیش از نماز است باید وضو بگیرد (۲) و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند و وضو بگیرد (۳) و اگر بعد از نماز است باید وضو بگیرد و باید نمازی را که خوانده دوباره بخواند (۴). (۱) (مکارم :) باید وضو بگیرد. [پایان مسأله] (۲) (اراکی :) مگر آن که تاریخ وضو را بداند، که باید بنا بر وضو داشتن بگذارد ..

(زنجانی :) و اگر در بین نماز شک کند نمی تواند به نماز خود اکتفا کند، بلکه باید وضو گرفته نماز خود را اعاده کند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را رجاءً تمام کرده ، سپس وضو گرفته ، نماز را اعاده کند. و اگر بعد از نماز شک کند، نمازی که خوانده صحیح است در صورتی که احتمال بدهد در حال شروع به نماز ملتفت بوده است ، ولی بنا بر احتیاط برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد. و اگر تاریخ وضو معلوم باشد و تاریخ سر زدن حدث از او مجهول باشد، در همه صورتها نماز او صحیح است و حکم به وضو دار بودن او می شود؛ بنا بر این اگر مثلًا می داند که در هنگام ظهر وضو گرفته و نمی داند که آیا قبل از آن حدثی از او سر زده یا بعد از آن ، نماز او صحیح است و می تواند تمام احکام وضو را بار کند. (۳) (اراکی :)

مگر تاریخ وضو را بداند، و اگر نماز را خوانده است و تاریخ وضو را نمی داند باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب نمازی را که خوانده دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط آن است که نماز را تمام کند و با وضوی دیگر اعاده کند .. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، بهجت ، سیستانی :) اگر بعد از نماز است ، نمازی که خوانده صحیح است ((خوئی ، تبریزی :) در صورتی که احتمال ِالتفات در حال شروع به نماز را بدهد) و برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

(نوری :) بنا بر احتیاط واجب نمازی را که خوانده دوباره بخواند.

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، صافی :) مساله ۳۰۹ (بهجت :) مساله ۳۰۷ اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی جاها را نشسته یا مسح نکرده است ، چنانچه رطوبت جاهایی که پیش از آن است خشک شده باشد باید دوباره وضو بگیرد و اگر خشک نشده باید جایی را که فراموش کرده و آن چه بعد از آن است بشوید یا مسح کند و اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن جایی شک کند باید به همین دستور عمل کند.

(زنجانی :) تمام جاهایی ..

خوئی (، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) به جهت طول مدت خشک شده ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) یا به جهت گرمی هوا (زنجانی : یا باد) و مانند آن خشک شده ..

[مسأله ۳۰۳ اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه]

مسأله ۳۰۳ اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه (۱)، نماز او صحیح است ، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد. (۲) (۱) (خوئی ، تبریزی ، فاضل :) در صورتی که احتمال بدهد که در حال شروع به نماز ملتفت حالش بوده است ..

(صافی :) در صورتی که احتمال می دهد پیش از نماز به حکم لزوم وضو برای نماز ملتفت بوده ..

(زنجانی :) در صورتی که احتمال بدهد در حال شروع به نماز ملتفت بوده و لو اجمالًا که باید وضو داشته باشد .. (۲) (زنجانی :) احتیاط آن است که برای نمازهای دیگر وضو بگیرد.

[مسأله ۳۰۴ اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه]

مسأله ۳۰۴ اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه ، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند (۱). (۱) (بهجت :) مگر این که به امید صحیح بودن ، نماز را بخواند بعد اگر فهمید که وضو داشته نمازش بنا بر اظهر صحیح است ؛ و هم چنین است اگر قبل از نماز شک کرد که وضو دارد یا نه ، ولی گمان به وضو داشت .

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم ((مکارم :) احتیاط واجب) آن است که نماز را تمام کند و بعد با وضوی دیگر آن را اعاده نماید.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.

(زنجانی :) در صورتی که احتمال بدهد در حال شروع نماز ملتفت بوده و لو اجمالًا که باید وضو داشته باشد، نمازش صحیح است ؛ ولی احتیاط مستحب آن است که نمازش را رجاءً تمام کرده و وضو گرفته و نماز را از سر بخواند؛ و بنا بر احتیاط برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

[مسأله ۳۰۵ اگر بعد از نماز شک کند]

مسأله ۳۰۵اگر بعد از نماز شک کند (۱) که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) اگر بعد از نماز بفهمد که وضوی او باطل شده ولی شک کند .. (۲) (زنجانی :) چنانچه احتمال بدهد که در هنگام شروع نماز التفات به شرایط صحت نماز داشته است نمازی که خوانده صحیح است .

[مسأله ۳۰۶ اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد]

اشاره

مسأله ۳۰۶ اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد (۱) یا نمی توانـد از بیرون آمـدن ِغائط خودداری کند (۲)، چنانچه یقین دارد (۳) که از اول وقت نماز (۴) تا آخر آن به مقـدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیـدا می کنـد بخوانـد و اگر مهلت او به مقـدار کارهای واجب نماز است ، بایـد در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب ّ آن مانند اذان و اقامه و قنوت (۵) را ترک نماید (۶). (۱) (زنجانی :) که به وی مسلوس گفته می شود .. (۲) (زنجـانی :) که به وی مبطون گفته می شود .. (۳) (مکارم :) چنانچه می داند .. (۴) (فاضـل :) چنـانچه از اوّل وقت نماز .. (۵) (زنجـانی :) بلکه سوره .. (۶) (بهجت ، نوری :) کارهای مسـتحب ّ آن ماننـد اذان و اقامه را ترک نماید، (بهجت : اگر در مراقبت آن وقت ، عسر و حرج و مشکلی برای او پیش نیاید).

مسأله اختصاصی

(زنجـانی :) مسأله ۳۱۴ کسـی که بول او قطره قطره می ریزد و به مقـدار وضو و نمـاز مهلت پیـدا نمی کنـد می توانـد بـا همین حـالت نمـاز بخوانـد و خروج بول با این کیفیت وضوی او را باطل نمی کنـد، بلکه وضو به سـبب حـدث به نحو متعارف ؛ هم چون خوابیدن یا بول یا غائط کردن مثل سایر مردم و .. باطل می شود.

[مسأله ۳۰۷ اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند]

مسأله ۳۰۷ اگر به مقـدار وضو و نماز مهلت پیـدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه بول (۱) از او خارج می شود (۲)، (وضوی اوّل کافی است ، ولی چنانچه مرضی دارد که در بین نماز چند مرتبه غائط از او خارج می شود (۳)) که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سـخت نیست (۴)، باید (۵) ظرف آبی پهلوی خود بگـذارد و هر وقت غائط (۶) از او خارج شـد وضو بگیرد (۷) و بقیه نماز را بخوانـد (۸). (۱) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، بهجت :) یـا غائط .. (۲) (تـبریزی :) اظهر آن است که اگر همان نماز را با یک وضو بخواند کفایت می کند و اگر غائط او پی در پی خارج می شود در صورتی که وضو گرفتن سـخت نباشـد بعـد از خارج شـدن در اثناءِ نماز فوراً وضو بگیرد و بقیه نماز را بخوانـد و باید از قبله منصـرف نشود و مبطل دیگری از نمـاز را مرتکب نشود. [پایـان مسأله] (۳) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیـات عظـام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، مکارم و بهجت نیست] (۴) (بهجت :) و عسر و حرج در کار نیست و کاری که نمازش را باطل می کند پیش نمی آید .. (۵) (خوئی :) احتیاط این است که .. (مکارم :) باید بنا بر احتیاط واجب .. (۶) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) بول یا غائط .. (مکارم :) هر وقـت چیزی .. (۷) (گلپایگـانی ، خوئی ، بهجت ، صـافی :) فوراً وضو بگیرد .. (۸) (خـوئی :) اگر چه اظهر آن است که اگر همان نماز را با یک وضو بخواند کفایت می کند.

(اراکی ، بهجت :) و احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره با یک وضو بخواند (بهجت : و اگر در بین آن نماز وضوی او باطل شد اعتنا نکند).

(گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط واجب آن است که کسی که نمی تواند خود را از بول یا خارج شدن غائط، نگاه دارد و وضو در بین نماز موجب به هم خوردن موالات نماز شود، همان نماز را دوباره با یک وضو بخواند و اگر در بین آن نماز وضوی او باطل شد اعتنا نکند.

(مکارم :) امّا اگر چنان پی در پی از او خارج می شود که این کار برای او مشقّت بار است یک وضو کافی است .

(فاضل :) مسأله اگر به مقدار وضو و نماز وقت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه بول از او خارج می شود اگر برای او حرجی نیست یعنی سختی که معمولًا تحمل نمی شود در آن نباشد باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت بول از او خارج شد بنا بر احتیاط واجب وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند و نیز اگر مرضی دارد که در بین نماز چند مرتبه غائط از او خارج می شود، اگر برای او حرجی نیست باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت غائط از او خارج شد وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند.

(زنجانی :) مسأله کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری کند و به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند، چنانچه در بین نماز یک یا چند دفعه غائط از او خارج می شود، به طوری که وضو گرفتن بعد از هر بار خروج غائط برای او حرجی نیست ، باید آبی در کنار خود قرار دهد و بعد از هر دفعه خروج غائط فوراً با رعایت شرایط نماز؛ هم چون رو به قبله بودن ، وضو گرفته و نماز را از جایی که قطع کرده ادامه دهد و اگر این کار برای او حرجی است ، می تواند با همان حال نماز بخواند و تنها حدث به نحو متعارف وضوی او را باطل می کند.

(سیستانی :) مسأله اگر به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا می کند و در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه بول یا غائط از او خارج می شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو گرفته و نماز بخواند ولی در میان نماز لازم نیست به سبب بول یا غائط خارج شده وضو را تجدید کند.

[مسأله ۳۰۸ کسی که غائط طوری پی در پی از او خارج می شود]

مسأله ۳۰۸ کسی که غائط (۱) طوری پی در پی از او خارج می شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است ، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد. (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، بهجت ، صافی :) بول یا غائط ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۱۲.

(فاضل :) مسأله کسی که غائط پی در پی از او خارج می شود اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید بعد از هر دفعه وضوی خود را تکرار کند تا وقتی که برای او حرجی باشد.

(مکارم :) مسأله چنان که گفته شد هر گاه بول یا غائط طوری پی در پی از او خارج شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او بسیار مشکل است یک وضو کافی است ، بلکه می توانـد دو نماز مانند ظهر و عصـر را با همان یک وضو بخواند، اگر چه احتیاط آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد.

(زنجانی :) مسأله کسی که نمی تواند از خروج بول یا خروج باد جلوگیری کند لازم نیست

برای هر نماز وضو بگیرد، هم چنین در مورد کسی که نمی تواند از خروج غائط جلوگیری کند و وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او حرجی است . ولی اگر حرجی نیست باید برای هر نماز وضو گرفته و فوراً مشغول نماز شود.

[مسأله ۳۰۹ کسی که بول پی در پی از او خارج می شود]

اشاره

مسأله ۳۰۹ کسی که بول پی در پی از او خارج می شود اگر بین دو نماز، قطره بولی از او خارج نشود می تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند و قطره هایی که بین نماز خارج می شود اشکال ندارد (۱). این مسأله در رساله سایر آیات عظام نیست (۱) (فاضل :) گر چه سزاوار است احتیاط مراعات شود.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۳۳۱ هر گاه این گونه افراد با اختیار خود بول یا غائط کنند باید وضو بگیرند.

[مسأله ۳۱۰ کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود]

مسأله ۳۱۰ کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، می تواند چند نماز را با یک وضو بخواند (۱)، مگر اختیاراً بول یا غائط کند یا چیز دیگری که وضو را باطل می کند پیش آید. این مسأله ، در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، زنجانی و سیستانی نیست . (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، بهجت ، صافی :) احتیاط واجب آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد (بهجت : و اگر با تیمّم می تواند مقداری از نماز را با تیمّم بخواند، تیمّم هم بنماید).

(مکارم :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۳۳۱) در همین صفحه .

[مسأله ۳۱۱ اگر مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند]

مسأله ۳۱۱ اگر مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، (۱) باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن غائط (۲) خودداری کنند عمل نماید. (۱) (زنجانی :) خروج باد، وضو را باطل نمی کند و می تواند با همان حال نماز بخواند. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، بهجت ، مکارم ، صافی :) بول و غائط ..

[مسأله ۳۱۲ کسی که غائط پی در پی از او خارج می شود]

اشاره

مسأله ۳۱۲ کسی که غائط (۱) پی در پی از او خارج می شود، بایـد برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشـغول نماز شود، ولی برای به جا آوردن سـجده و تشهّد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً (۲) به جـا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست . (۱) (گلپایگـانی ، بهجت ، مکـارم ، صافی :) بول یا غائط .. (۲) [کلمه «فوراً» در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (خوئی :) مسأله کسـی که بول او طوری پی در پی از او خارج می شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سـخت است برای هر نمازش بـدون اشـکال یک وضو کفایت می کنـد، بلکه اظهر این است که یک وضـو برای چندین نماز نیز کافی است مگر این که محدث به حدث دیگری گردد و بهتر آن است که برای هر نمازیک وضو بگیرد، ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط وضوی دیگری لازم نیست .

(تبریزی :) کسی که بول او پی در پی از او خارج می شود ..

(سیستانی :) کسی که بول یا غائط طوری پی در پی از او خارج می شود که به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی کند یک وضو برای چندین نمازش کافی است . مگر این که چیز دیگری که وضو را باطل می کند مانند خواب از او سر بزند و یا بول و غائط بطور طبیعی از او خارج شود ..

(تبریزی :) و این چنین است اگر غائط از او پی در پی خارج شود و تجدید وضو سخت باشد.

(زنجانی :) مسأله سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط حکم اجزای نماز را دارد، بنا بر این برای کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری کند اگر در ضمن سجده یا تشهدِ قضا شده یا نماز احتیاط غائط از وی خارج شود، چنانچه حرجی نیست ، باید وضو گرفته و بقیه عمل را انجام دهد.

مسائل اختصاصی

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۳۱۶ (سیستانی :) مسأله ۳۰۹ کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، اگر چه بهتر این است که به نماز مبادرت نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۳۱۷ سیستانی (:) مسأله ۳۱۰ کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود، بعد از وضو گرفتن جایز است که نوشته قرآن را مس ّ نماید، اگر چه در غیر حال نماز باشد.

[مسأله ۳۱۳ کسی که بول او قطره قطره می ریزد]

مسأله ۳۱۳ کسی که بول او قطره قطره می ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه ای (۱) که در آن ، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می کند، خود را حفظ نماید و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد (۲)، و نیز کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد (۳)، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد (۴). (۱) (زنجانی :) کیسه پاکی .. (۲) (فاضل :) و کیسه را هم بنا بر احتیاط واجب تطهیر نماید ..

(بهجت :) مخرج بول و کیسه ای را که نجس شده آب بکشد یا عوض کند ..

(زنجانی :) باید برای هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد و نیز کیسه را که نجس شده آب کشیده یا آن را تعویض نماید. ولی اگر نماز ظهر و عصر را با هم بخواند لازم نیست برای نماز عصر مخرج بول و کیسه را تطهیر نموده و می

تواند با همان حال نماز عصر را هم بخواند. و هم چنین است اگر نماز مغرب و عشا را با هم بخواند، و در هر حال تا می تواند باید از سرایت نجاست به جاهای دیگر بدن جلوگیری کند .. (۳) (فاضل :) اگر حرجی نیست .. (۴) (زنجانی :) در صورت امکان برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد و اگر در وسط نماز هم غائط بیرون آید بنا بر احتیاط اگر مشقت ندارد مخرج غائط را آب بکشد.

(مکارم :) مسأله کسی که بول یا غائط از او بی اختیار خارج می شود باید برای نماز به وسیله

کیسه و مانند آن از آلودگی جاهای دیگر بدن جلوگیری کند و احتیاط آن است که پیش از هر نماز مخرج را آب بکشد.

[مسأله ۳۱۴ کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند]

مسأله ۳۱۴ کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند (۱) در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید و بنا بر احتیاط واجب اگر چه خرج داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، خود را معالجه نماید. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) در صورتی که ممکن باشد به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید، بهتر آن است که جلوگیری نماید (خوئی ، سیستانی : اگر چه خرج داشته باشد) بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود بهتر آن است (تبریزی : احوط آن است) که خود را معالجه کند.

(مکارم :) اگر به آسانی قابل معالجه باشند واجب است معالجه کنند و اگر نکنند، برای آنها اشکال دارد. [پایان مسأله (اراکی ، گلپایگانی ، بهجت ، فاضل ، نوری ، زنجانی ، صافی :) مسأله کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط (زنجانی : و باد) خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد، باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط (زنجانی : و باد) جلوگیری کند اگر چه خرج داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، احتیاط واجب آن است که خود را معالجه کند.

(اراکی ، بهجت ، نوری :) و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد ..

(بهجت :) و خرج آن به او ضرر زیادی نزند ..

(فاضل :) اگر چه متضمن مخارجی باشد و بنا بر احتیاط واجب اگر مرض او معالجه شود خود را معالجه کند. (بهجت :) یعنی بدون عُسر شخصی ..

(زنجانی :) احتیاط مستحب .

[مسأله ۳۱۵ کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند]

مسأله ۳۱۵ کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط (۱) خودداری کند، بعد از آن که مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید (۲) نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند. (۱) (زنجانی :) یا باد .. (۲) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط لازم ..

(مکارم :) باید بنا بر احتیاط واجب .. (بهجت :) باید بنا بر احتیاط مستحب ..

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

[مسأله ۳۱۶ برای شش چیز وضو گرفتن واجب است]

مسأله ۳۱۶ برای شش چیز وضو گرفتن واجب است : اول : برای نمازهای واجب غیر از نماز میّت (۱). دوم : برای سجده و تشهّد فراموش شده (۲)، اگر بین آنها و نماز (۳)، حَدَثی از او سر زده مثلًا بول کرده باشد (۴). سوم : برای طواف واجب خانه کعبه (۵). چهارم : اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد (۶). پنجم : اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خطّ قرآن برساند (۷). ششم : برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن (۸)، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن

خود را به خطّ قرآن برساند، ولی چنانچه معطّل شدن به مقدار وضو، بی احترامی به قرآن باشد (۹) باید بدون این که وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن (۱۰) بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد (۱۱) و تا ممکن است از دست گذاشتن به خطّ قرآن خودداری کند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی ، زنجانی :) و در نمازهای مستحب وضو شرط صحت است .. (۲) (مکارم :) [پایان مورد دوّم] (۳) (زنجانی :) نماز واجب .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، نوری :) ولی برای سجده سهو واجب نیست وضو بگیرد ..

(گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) و احتیاط واجب ((زنجانی :) و احتیاط) آن است که برای سجده سهو هم وضو بگیرد .. (۵) (سیستانی :) که جزء حج یا عمره باشد ..

(مکارم :) سوم : طواف واجب (باید توجه داشت طوافهایی که جزء حج یا عمره است طواف واجب حساب می شود هر چند اصل حج و عمره مستحب باشد) .. (۶) (زنجانی :) یا به جهت اجاره یا شرط در معاملات یا دستوری که اطاعت آن لازم است ، وضو واجب شده باشد .. (۷) (مکارم :) در صورتی که این نذر شرعاً رجحان داشته باشد مثل این که می خواهد از روی احترام خطّ قرآن را ببوسد .. (سیستانی :) پنجم : اگر نذر کرده باشد که قرآن را مثلًا ببوسد ..

(زنجانی :) پنجم : اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن و مانند آن که مس آنها بدون وضو جایز نیست ، یا به جهت اجاره یا شرط یا دستوری که اطاعت آن لازم است رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن و مانند آن بر او لازم شده باشد .. (۸) (گلپایگانی ، صافی :) از محلی که بودن قرآن در آنجا اهانت به قرآن باشد ..

(زنجانی :) از مزبله و مانند آن ..

(مکارم :) ششم : برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از محل آلوده ، هر گاه مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خطّ قرآن برساند. [پایان مسأله] (۹) (زنجانی :) باید تیمم کند و اگر معطل شدن به مقدار تیمم هم بی احترامی به قرآن باشد، باید بدون تیمم قرآن را از مزبله و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد. [پایان مسأله] (۱۰) (گلپایگانی ، صافی :) قرآن را از آنجا .. (۱۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و در صورت پنجم و ششم بنا بر احتیاط واجب اسم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه طاهرین علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام هم مثل قرآن است . [پایان مسأله]

[مسأله ۳۱۷ مس ّنمودن خطّ قرآن]

مسأله ۳۱۷ مس ّنمودن خطّ قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است (۱). ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس ّ آن اشکال ندارد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط مستحب ّ آن است که موی خود را هم به خطّ قرآن نرساند ..

(بهجت :) ولی تماس ً موی انسان با خطّ قرآن بنا بر أظهر مانعی ندارد، حتّی اگر کوتاه باشد ..

[مسأله ۳۱۸ جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست]

مسأله ۳۱۸ جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن (۱) واجب نیست ، ولی اگر مسّ نمودن آنان بی احترامی به قرآن (۲) باشد، باید از آنان جلوگیری کنند. (۱) (۲) (زنجانی :) قرآن و مانند آن ..

(مکارم :) مسأله هر گاه دیوانه یا بچه ای بدون وضو دست به خطّ قرآن می زند جلوگیری او واجب نیست ، اما اگر کاری کنند که بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنها جلوگیری کرد.

[مسأله ۳۱۹ کسی که وضو ندارد]

مسأله ۳۱۹ کسی که وضو ندارد، حرام است (۱) اسم خداوند متعال (۲) را به هر زبانی نوشته شده باشد مسّ نماید (۳). و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب مسّ اسم مبارک پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام . (۴) (۱) (خوئی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب حرام است ..

(زنجانی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط حرام است .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) و صفات خاصه او را .. (۳) (زنجانی :) مگر پولی که بر آن نام خدا نوشته شده باشد که دست زدن به آن اشکال ندارد ..

(مکارم :) (بنا بر احتیاط واجب) و مسّ اسم مبارک پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه هدی علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام نیز اگر هتک حرمت و بی احترامی باشد حرام است . (۴) (اراکی ، نوری :) مسّ اسم مبارک پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام اگر (نوری : هتك و) بی احترامی به آنان باشد حرام است . و گر نه احتیاط مستحبّ آن است که مسّ نکند.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بهتر آن است که اسم مبارک پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را هم مسّ ننماید.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب نامهای مبارک پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام را هم مسح ننماید.

(فاضل :) مسأله کسی که وضو ندارد، بنا بر احتیاط اسم خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد مسّ ننماید.

[مسأله ۳۲۰ اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد]

مسأله ۳۲۰ اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است (۱)، و نزدیك وقت نماز هم اگر به قصد مهیّا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد (۲). (۱) (فاضل :) و نیز اگر به قصد قربت وضو بگیرد

کافی است . (بهجت ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (تبریزی :) و لکن نیّت واجب نکند.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است ؛ اگر چه پیش از وقت نماز باشد.

(سیستانی :) مسأله وضو هر وقت بگیرد؛ چه قبل از وقت نماز، نزدیک به آن یا با فاصله و چه بعد از دخول وقت ، اگر به قصد قربت باشد صحیح است و نیت وجوب و استحباب لازم نیست بلکه اگر اشتباهاً نیت وجوب کند و بعد معلوم شود واجب بوده ، وضو صحیح است .

(مکـارم :) مسـأله مسـتحب ّاست انسـان برای این که با طهارت باشـد وضو بگیرد خواه نزدیک وقت نماز باشـد یا نه ؛ و با آن وضو، می تواند نماز بخواند.

[مسأله ۳۲۱ کسی که یقین دارد وقت داخل شده]

مسأله ۳۲۱ کسی که یقین دارد وقت داخل شده ، اگر نیّت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده ، وضوی او صحیح است . این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست

[مسأله ۳۲۲ مستحب ّاست انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور]

مسأله ۳۲۲ مسـتحب ّاست انسـان برای نمـاز میت و زیـارت اهـل قبور و رفتن به مسـجد و حرم امامـان علیهم السـلام (۱) وضو بگیرد و هم چنین برای همراه داشـتن قرآن و خواندن و نوشـتن آن و نیز برای مس ّحاشیه قرآن و برای خوابیدن ، وضو گرفتن مسـتحب ّاست و نیز مسـتحب ّاست کسـی که وضـو دارد دوبـاره وضـو بگیرد و اگر برای یکی از این کارهـا وضـو بگیرد هر کاری را که بایـد با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد مثلًا می تواند با آن وضو نماز بخواند. (۱) (زنجانی :) حرم معصومین علیهم السلام ..

(مکـارم :) مسـأله وضو گرفتن در چنـد جـا مسـتحب ّاست : برای خوانـدن قرآن ، برای نماز میّت و برای دعا و ماننـد آن و نیز مسـتحب ّاست کسی که وضو دارد برای خواندن نماز، تجدید وضو کند و هر گاه به قصد یکی از این کارها وضو بگیرد تمام کارهایی را که مشروط به وضو است می تواند انجام دهد.

(سیسـتانی :) مسأله مستحب است کسـی که وضو دارد برای هر نماز دوباره وضو بگیرد و بعضـی از فقهاء فرموده اند مسـتحب اسـت انسـان برای نمـاز میـت و زیـارت اهـل قبـور و رفتن به مسـجد و حرم امامـان علیهم السـلام و برای همراه داشـتن قرآن و خواندن و نوشـتن آن و مس ّحاشـیه قرآن و برای خوابیدن وضو بگیرد ولی مسـتحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست بلی اگر به احتمال مسـتحب بودنش وضو بگیرد وضویش صحیح است و هر کاری که باید با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد مثلًا می تواند با آن وضو نماز بخواند.

چیزهایی که وضو را باطل می کند

[مسأله ۳۲۳ هفت چیز وضو را باطل می کند]

مسأله ۳۲۳ هفت چیز (۱) وضو را باطل می کند: اول : بول (۲). دوم : غائط.

سوم : بـاد معـده و روده که از مخرج غائط خارج شود. (۳) چهـارم : خوابی که به واسـطه آن (۴) چشم نبیند و گوش نشـنود، ولی اگر چشم نبینـد و گوش بشـنود وضو باطـل نمی شود. (۵) پنجم : چیزهـایی که عقـل را از بین می برد، ماننـد دیـوانگی و

مستی و بی هوشی . (۶) ششم : استحاضه زنان ، که بعداً گفته می شود. هفتم : کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت (۷). (۱) (مکارم :) هشت چیز .. (۲) (بهجت :) و در حکم بول است رطوبتی که انسان نداند بول است یا نه اگر قبل از استبراء کردن از او خارج شود ..

(سیستانی :) و در حکم بول است ظاهراً بلل مشتبهی که از انسان بعد از بول و قبل از استبراء خارج می شود .. (۳) (بهجت :) و یا از غیر مخرج ، اگر این عنوان بر آن ، صدق نماید .. (۴) (مکارم :) خوابی که بر عقل غلبه کند و به واسطه آن .. (۵) (بهجت :) و هم چنین است اگر گوش هم نشنود ولی نخوابیده باشد، مثل این که به ادامه فکر سابق مشغول باشد .. (۶) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

(۷) (گلپایگانی ، صافی :) و حیض و نفاس . و حکم مس ّ میّت در جای خود گفته می شود.

(زنجانی :) و حیض . و باطل شدن وضو در مس ّ میّت بنا بر احتیاط است .

(فاضل :) و ثبوت این حکم در مثل مس ّ میت مبنی بر احتیاط است .

(مکارم :) [و] هشتم : مس ّ میّت انسان .

(خوئی ، سیستانی :) هفتم : جنابت بلکه بنا بر احتیاط مستحب هر کاری که برای آن باید غسل کرد.

(بهجت :) هفتم : جنابت و بنا بر أحوط مس ّ میّت ، اگر غسل برای آن کافی نبوده و نیاز به وضو نیز داشته باشد.

احکام وضوی جبیره

اشاره

چیزی که با آن زخم و شکسته را (۱) می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود. (۱) (زنجانی :) زخم و عضو شکسته را .. (فاضل :) زخم و جای شکسته را ..

[مسأله ۳۲۴ اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمل یا شکستگی باشد]

مسأله ۳۲۴ اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است (۱) و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت . (۱) (مکارم :) و خون ندارد ..

[مسأله ۳۲۵ اگر زخم یا دُمل یا شکستگی در صورت و دستها است]

مسأله ۳۲۵ اگر زخم یا دُمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است (۱)، ولی چنانچه (۲) کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد (۳). و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید (۴)، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید (۵) و بنا بر احتیاط مستحب ّ (۶) پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد (۷) و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست (۸). (۱) (اراکی ، فاضل :) باید اطراف آن را بشوید ..

(خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) باید اطراف زخم (خوئی ، سیستانی : یا دمل) را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید ..

(تبریزی :) باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالاـ به پایین بشوید. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، اراکی ، فاضل ، سیستانی :) و چنانچه .. (۳) (خوئی ، سیستانی :) و امّا در شکستگی لازم است تیمم بنماید. [پایان مسأله] (اراکی :) چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد و اگر ممکن نیست پارچه پاکی روی آن بگذارد دست تر را روی پارچه بکشد ..

(زنجانی :) چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط واجب آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد چیز پاکی ، مانند پارچه و پلاستیک روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم از بالا به پائین بکشد ..

(فاضل :) چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط آن است که دست تر بر آن بکشد و اگر ضرر دارد بنا بر احتیاط واجب پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه بکشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد (صافی : بنا بر احتیاط) باید دست تر بر آن بکشد ..

(بهجت :) اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها باشد و روی آن باز بوده و آب ریختن به کمترین مقدار و شستن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن با آبی که در دست هست ضرر ندارد ولی شستن صدق نمی کند، احتیاط واجب آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد احتیاطاً پارچه پاکی روی آن گذاشته و دست تر را روی پارچه هم بکشد به قصد وظیفه که مسح یا غسل باشد ..

(مکارم :) چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، باید دست تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد. [پایان مسأله] (۴) (زنجانی :) باید پارچه پاکی و مانند آن روی زخم بگذارد و دست تر روی آن از بالا به پائین بکشد و اگر این کار ممکن نیست تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب وضو گرفته و به غیر از محل زخم ، سایر جاها را بشوید. (۵) (اراکی ، فاضل :) و بنا بر احتیاط واجب در فرض اخیر تیمم هم بنماید. [پایان مسأله] (۶) (بهجت :) بنا بر احتیاط واجب .. (۷) (گلپایگانی ، صافی :) گذاردن پارچه روی زخم و دست بر آن کشیدن لازم نیست ، اگر چه بهتر است (صافی : و در شکستگی ، احتیاط واجب ضمّ تیمم است). (۸) (بهجت :) اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست ، باید اطراف زخم را بشوید و بنا بر احتیاط مستحب تیمّم هم بنماید.

[مسأله ۳۲۶ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است]

مسأله ۳۲۶اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است ، چنانچه نتواند آن را مسح کند، (۱) باید (۲) پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند (و بنا بر احتیاط مستحبّ (۳) تیمم هم بنماید (۴)) و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح هم بگیرد (۵). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) به این معنی که زخم مثلًا تمام محلّ مسح را گرفته باشد و یا این که از مسح جاهای سالم نیز متمکّن نباشد در این صورت لازم است تیمّم نماید و بنا بر احتیاط (سیستانی : بنا بر احتیاط مستحب) وضو نیز گرفته و پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند. [پایان مسأله] (زنجانی :) به این معنی که زخم مثلًا تمام محل مسح را گرفته باشد یا آن که از مسح جاهای سالم نیز متمکن نباشد در این صورت باید پارچه پاکی و مانند آن روی زخم انداخته و روی آن را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و بنا بر احتیاط مستحب تیمم نیز بنماید، و اگر مسح جبیره ای ممکن نباشد لازم است تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب قسمتهایی را که می تواند وضو نیز بدهد.

(۲) (صافی :) أحوط آن است که .. (۳) (گلپایگانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، فاضل ، بهجت و صافی نیست] (۵) (اراکی :) مسح آن محل لازم نیست و باید تیمّم هم بنماید.

(گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، فاضل :) مسح لازم نیست ولی (صافی : در هر دو صورت) باید بعد از وضو (بهجت : احتیاطاً) تیمم نماید.

(مکارم :) باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بکند.

[مسأله ۳۲۷ اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد]

مسأله ۳۲۷ اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است (و زحمت و مشقّت هم ندارد (۱)) و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (سیستانی :) چنانچه باز کردن آن بدون مشقت ممکن است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت و تبریزی نیست] (مکارم :) مسأله هر گاه زخم یا دُمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است ، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقّت زیادی ندارد و آب هم برای آن مضرّ نیست باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی شود روی آن دست تر بکشد، پارچه پاکی را بر آن ببندد و دست تر روی آن بکشد.

[مسأله ۳۲۸ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد]

مسأله ۳۲۸ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد (۱)، چنانچه ریختن آب ، روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد (۲). (۱) (زنجانی :) اگر جاری ساختن آب بر آن ، هر چند به وسیله کشیدن دست تر بر روی آن ، ممکن باشد، باید این کار را انجام دهد، و در غیر این صورت اگر کشیدن دست تر روی پوست ضرر ندارد، احتیاط واجب آن است که دست تر روی پوست بکشد و بعد پارچه پاك و مانند آن روی آن بگذارد و روی پارچه را هم دست تر بکشد، و در صورتی که دست تر روی پوست کشیدن ضرر داشته باشد تنها بر روی پارچه پاك و مانند آن دست تر بکشد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) کشیدن دست تر روی آن کافی است و پارچه گذاردن و دست روی آن کشیدن لازم نیست اگر چه احتیاطاً خوب است .

(بهجت :) بنا بر أظهر باید دست تر روی آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را هم دست تر بکشد به

نحوی که در محل ِ مسح و غَسل گذشت و اگر صدق غَسل جبیره در محل ِ غَسل ننماید احتیاط این است که تیمّم هم بنماید.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۲۷.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر زخم یا دمل یا شکستگی که بسته است در صورت یا دستها باشد چنانچه باز کردن و ریختن آب روی آن ضرر دارد باید مقداری را که متمکّن است از اطراف شسته و (سیستانی : بنا بر احتیاط واجب) روی جبیره را مسح نماید.

[مسأله ۳۲۹ اگر نمی شود روی زخم را باز کرد]

مسأله ۳۲۹ اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاك است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد (۱)، باید آب را به روی زخم برساند (۲) و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است ، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم (۳) ممکن باشد بدون زحمت و مشقت ، باید آن را آب بکشد (۴) و موقع وضو آب را به زخم برساند (۵) و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست ، (یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید (۶)) باید اطراف زخم را بشوید (۷) و اگر جبیره پاك است روی آن را مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلًا دوایی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی را (۸) به طوری که جزء جبیره حساب شود روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد (۹) و اگر این هم ممکن نیست ، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد (۱۰) و تیمم هم بنماید (۱۱). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، بهجت ، صافی :) ضرر هم ندارد .. (۲) (بهجت :) به طوری که شسته شود ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) از بالا به پائین برساند .. (۳) (بهجت :) به طوری که شسته شود .. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، بهجت ، سیستانی ، زنجانی :) چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد (زنجانی : و با ضرر همراه نباشد) باید آن را آب بکشد .. (۵) (بهجت :) به طوری که گذشت ..

(خویی ، تبریزی :) و در صورتی که آب برای زخم ضرر ندارد، ولی رساندن آب به روی زخم ممکن نیست ، یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید، باید تیمّم بنماید. [پایان مسأله] (سیستانی :) و در صورتی که آب برای زخم ضرر ندارد ولی آب کشیدن آن ممکن نیست یا باز کردن زخم موجب مشقت یا ضرر است باید تیمم نماید. [پایان مسأله] (۶) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه صافی نیست] (۷) (فاضل :) به طوری که در وضو گفته شد بشوید .. (۸) (زنجانی :) پارچه ای پاك و مانند آن را .. (۹) (بهجت :) به طوری که شسته و مسح شود بنا بر احوط ..

(اراکی :) پارچه پاکی را روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد ..

(گلپایگانی :) پارچه پاکی را به طوری که به بستن و مانند آن جزء جبیره حساب شود روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو

بگیرد و تیمم هم بنماید اگر تمام محلِ تیمّم یا بعض آن بی مانع باشد و اگر مواضع تیمّم پوشیده باشد وضوی جبیره ای کافی است و تیمّم جبیره ای لازم نیست .

(صافی :) احتیاطاً پارچه پاکی را به طوری که به بستن و مانند آن جزء جبیره حساب شود روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر تمام محل تیمم یا بعض آن بی مانع باشد تیمم هم بنماید و نیز اگر عمل به دستور مذکور ممکن نیست ، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید و اگر مواضع تیمم پوشیده باشد وضوی جبیره ای کافی است و تیمم جبیره ای لازم نیست . (۱۰) (بهجت :) با شستن یا مسح کردن اطراف زخم .. (۱۱) (زنجانی :) تیمّم بنماید و بنا بر احتیاط مستحب وضو نیز بگیرد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۲۷.

[مسأله ۳۳۰ اگر جبیره ، تمام صورت یا تمام یکی از دستها را فرا گرفته باشد]

اشاره

مسأله ۳۳۰ اگر جبیره ، تمام صورت یا تمام یکی از دستها را فرا گرفته باشد باز احکام جبیره جاری و وضوی جبیره ای کافی است (۱)، ولی اگر مُعظَم ِ اعضای وضوج ۱) أن «۱» را گرفته باشد، بنا بر احتیاط، باید جمع نماید بین عمل جبیره و تیمم (۲)، اگر چه کفایت تیمم در این صورت بعید نیست . (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) باید بنا بر احتیاط، هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمّم کند، هم چنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد. (۲) (فاضل :) احکام جبیره جاری نمی باشد و باید تیمّم بنماید.

(گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، نوری :) مسأله اگر جبیره ، تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جبیره ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب (گلپایگانی ، صافی : اگر تمام یا بعض مواضع تیمّم پوشیده نیست) تیمّم هم بنماید.

(نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر جبیره ، تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، بنا بر احتیاط باید تیمّم نماید و وضوی جبیره ای نیز بگیرد (خوئی : و اگر تمام سر یا پاها مجبور باشد باید تیمّم نماید).

(زنجانی :) مسأله در احکام جبیره فرقی نیست که جبیره تمام اعضای وضو یا تمام یک عضو را گرفته باشد، یا بعضی از یک عضو، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر جبیره تمام اعضا یا تمام یک عضو خواه عضوی که شسته می شود یا عضوی که

مسح می شود را گرفته باشد تیمم نیز بنماید.

(سیستانی :) مسأله اگر جبیره تمام بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد وضوی جبیره ای کافی است ، ولی اگر تمام اعضای وضو یا بیشتر آن را گرفته باشد، بنا بر احتیاط باید تیمّم نماید و وضوی جبیره نیز بگیرد.

مسأله اختصاصی

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) مسأله ۳۷ (۳) (سیستانی :) مسأله ۳۳۰ لازم نیست جبیره از جنس چیزهایی باشد که نماز در او جایز است ، بلکه اگر از حریر یا از اجزاءِ حیوانی که خوردن گوشت آن جایز نیست بوده باشد مسح بر آن نیز جایز است (تبریزی : و لکن در صورت امکان ، آن را برای نماز بردارد).

[مسأله ۳۳۱ اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد]

مسأله ۳۳۱ اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمّم بنماید. (۱) این مسأله ، در رساله آیات عظام : خوئی ، فاضل و تبریزی نیست (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید وضوی جبیره ای بگیرد و تیمّم هم بنماید.

(بهجت :) بنا بر أظهر باید تیمّم بنماید ولی اگر تیمّم هم جبیره ای است ، احتیاط در جمع بین وضو و تیمّم است . (سیستانی ، زنجانی ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۳۰.

(نوری :) مسأله اگر جبیره تمام یا بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد نیز باید وضوی جبیره ای بگیرد.

[مسأله ۳۳۲ کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد]

مسأله ۳۳۲ کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است می تواند (۱) سر و پا را با همان رطوبت مسح کند (۲) یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد (۳). (۱) [کلمه «می تواند» در رساله آیات عظام : خوئی و سیستانی نیست] (۲) (خوئی ، سیستانی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و می تواند با سایر جاهای ذراع مسح نماید.

(گلپایگانی ، نوری ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) باید سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند. [پایان مسأله] (۳) (مکارم :) اگر کافی نباشد از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

[مسأله ۳۳۳ اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته]

مسأله ۳۳۳ اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است ، باید جاهایی که باز است روی پا را ، و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۳۳۴ اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد]

مسأله ۱۳۳۴اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد (۱)، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (فاضل :) اگر به اندازه مسح واجب باز باشد همان جا را مسح کند و گر نه ..

[مسأله ۱۳۳۵ اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته]

مسأله ۱۳۳۵اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب (۱) تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد، (۲) پس اگر زخم در صورت و دستها است اطراف آن را بشوید، و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید. (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط ..

(۲) (خوئی ، سیستانی :) اگر جبیره بیشتر از معمول ، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن (سیستانی : بدون مشقت) ممکن نیست باید تیمّم نماید مگر این که جبیره در مواضع تیمّم باشد، که در این صورت لازم است بین وضو و تیمّم جمع نماید و در هر دو صورت اگر برداشتن جبیره (سیستانی : بدون مشقت) ممکن است باید جبیره را بردارد ..

(تبریزی :) اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست ، باید تیمم نماید مگر آن که جبیره در مواضع تیمم باشد، که در این صورت لازم است وضو بگیرد و در هر دو صورت اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد ..

(مکارم :) بنا بر احتیاط مستحب تیمّم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد. [پایان مسأله (زنجانی :) مسأله اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن مقدار زیادی ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب باید به دستور جبیره عمل نموده و تیمم نیز بنماید. و اگر برداشتن مقدار زیادی ممکن است باید آن را بردارد و به دستور جبیره عمل کند.

[مسأله ۳۳۶ اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست]

مسأله ۳۳۶ اگر در جای وضو زخم و جراحت (۱) و شکستگی نیست ، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد (۲)، باید تیمم کند (۳) و احتیاط مستحب ٭ آن است که وضوی جبیره ای هم بگیرد (۴) ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن را بشوید کافی بودن بعید نیست ، ولی احتیاط به تیمم ترک نشود. (۱) (زنجانی :) زخم و دمل .. (۲) (آیات عظام بجز فاضل و نوری :) به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و بنا بر احتیاط واجب اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و تیمّم هم بنماید.

(مکارم :) ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، چنانچه اطراف آن را بشوید کافی است و احتیاط آن است که تیمم هم بکند. (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) احتیاط واجب آن است که وضوی جبیره ای هم بگیرد ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد تنها تیمم کافی است .

(بهجت :) احتیاط واجب آن است که وضوی جبیره ای هم بگیرد اگر ضرر در تمام اعضاء نیست بلکه در یک عضو است . و حکم وضوی جبیره ای از آن چه که گذشت معلوم می شود.

[مسأله ۳۳۷ اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است]

مسأله ۱۳۳۷اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی توانـد آن را آب بکشد (۱) یا آب برای آن ضرر دارد (۲) (اگر روی آن بست ه است (۳)) باید به دستور جبیره عمل کند (۴) و اگر معمولًا باز است شستن اطراف آن کافی است . این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه مکـارم نیست (۱) (سیسـتانی :) لازم است تیمّم نمایـد، ولی اگر آب برای آن ضـرر دارد بایـد به دسـتور جبیره عمل کند. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی :) لازم است تیمّم کند. [پایان مسأله]

(۳) - [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، بهجت ، صافی و زنجانی نیست] (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و احتیاطاً تیمم نماید. [پایان مسأله] (فاضل :) و اگر باز است بعد از شستن اطراف آن بنا بر احتیاط واجب پارچه ای روی آن قرار داده و دست تر بر روی آن بکشد.

[مسأله ۳۳۸ اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است]

مسأله ۳۳۸ اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست ، (۱) یا به قدری مشقّت دارد که نمی شود تحمل کرد باید به دستور جبیره عمل کند (۲). (۱) (مکارم :) یا بسیار مشقت دارد، باید به دستور جبیره عمل کند یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و بنا بر احتیاط واجب اگر تمام یا بعض محل ِ تیمّم بی مانع باشد، تیمّم هم بنماید چنانچه گفته شد.

(خوئی ، تبریزی :) وظیفه اش تیمّم است ، (تبریزی : مگر در صورتی که در جای تیمم هم چسبیده باشد که در این صورت ، وضو یا غسل کافی است) بلی ، اگر آن چیزی که چسبیده ، دوا باشد؛ حکم جبیره را دارد.

(سیستانی :) وظیفه اش تیمّم است مگر آن که آن چیز در مواضع تیمّم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمّم جمع کند و اگر آن چیزی که چسبیده دوا باشد، حکم جبیره را دارد.

(بهجت :) باید بنا بر أظهر به دستور جبیره عمل کند. و احتیاط در جمع بین تیمّم و وضوی جبیره ای است .

(زنجانی :) باید تیمم بنماید و بنا بر احتیاط مستحب به دستور جبیره هم عمل کند؛ بلی اگر محل ، جراحت و مانند آن داشته باشد و برداشتن آن چیز به جراحت صدمه می زند باید وضوی جبیره بگیرد و تیمم لازم نیست .

[مسأله ۳۳۹ غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است]

مسأله ۳۳۹ غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ، ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورند نه ارتماسی . (۱) (۱) (گلپایگانی :) اگر ارتماسی هم به جا آورده شود صحیح است ، اگر چه ترتیبی بهتر است .

(اراکی :) احتیاط مستحب ّاست آن را ترتیبی به جا آورند نه ارتماسی .

(مکارم :) تا ممکن است باید غسل را ترتیبی به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب .

(بهجت :) باید بنا بر أحوط آن را ترتیبی به جا آورند.

(صافی :) احوط آن است که ترتیبی به جا آورد.

(خوئی :) مسأله در غیر غسل میّت از سایر اغسال ، غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ، ولی باید آن را ترتیبی به جا آورند و أظهر این است که اگر در بدن زخم یا دمل باشد و محل ّ مجبور باشد واجب است غسل و احتیاطاً مسح بر جبیره هم نماید و اگر محل ّ مکشوف باشد مکلّف مخیّر است بین غسل و تیمّم ؛ و در صورتی که غسل را اختیار کند احتیاط مستحب ّ

آن است که پارچه پاکی روی زخم یا دمل باز گذاشته و روی پارچه را مسح نمایـد. و امّا اگر در بـدن شکسـتگی باشـد باید غسل بنماید و احتیاطاً روی جبیره را هم مسح کند و در صورتی که مسح روی جبیره ممکن نباشد یا این که محل ّ شکسـته باز باشد لازم است تیمّم کند.

(سیستانی :) باید بنا بر احتیاط لازم آن را ترتیبی به جا آورند و اگر در بدن ، زخم یا دمل باشد، مکلّف مخیّر است بین غسل و تیمّم ..

(سیستانی :) و روی زخم باز باشد ..

(نوری ، تبریزی :) مسأله غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ، ولی باید آن را ترتیبی به جا آورند و اگر ارتماسـی انجام دهنـد باطل است (تبریزی : و چنانچه مسح بر جبیره و شسـتن اطراف آن ضـرر داشـته باشد، باید تیمّم کند و اگر ضـرر نداشـته باشد، باید به وظیفه جبیره عمل نماید).

(زنجانی :) مسأله غسل جبیره ای در غیر غسل میت مثل وضوی جبیره ای است و احتیاط مسـتحب آن است که آن را ترتیبی به جا آورند، و در غسل میت غسل جبیره ای مشروع نیست .

[مسأله ۳۴۰ کسی که وظیفه او تیمم است]

مسأله ۳۴۰ کسـی که وظیفه او تیمم است ، اگر در بعضـی از جاهـای تیمّم او زخم یـا دمل یا شکسـتگی باشـد بایـد به دسـتور وضوی جبیره ای ، تیمّم جبیره ای نماید.

[مسأله ۳۴۱ کسی که باید با وضو یا غسل جبیره ای نماز بخواند]

مسأله ۳۴۱ کسـی که بایـد با وضو یا غسل جبیره ای نماز بخوانـد، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف نمی شود، می توانـد در اوّل وقت نماز بخواند (۱) ولی اگر امیـد دارد که تـا آخر وقت عـذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند (۲) و اگر عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره ای به جا آورد (۳). (۱) (بهجت :) و اگر بعد از نمـاز عـذر زایـل شـد اعـاده نمـاز لازم نیست بلکه با همان وضوی جبیره ای می توانـد کارهای دیگری هم که وضو لازم دارد انجام دهد ..

(زنجانی :) و اگر امیـد دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود می تواند صبر کند و آخر وقت نماز بخواند و می تواند رجاءً در اول وقت نماز بخوانـد ولی در هر صورت ، در صورتی که اول وقت نماز بخواند و تا آخر وقت عذرش برطرف شود، لازم است وضو گرفته یا غسل کرده و نماز را اعاده نماید. (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی :) بهتر آن است که صبر کنـد .. (۳) (خـوئی ، تـبریزی :) ولی در صورتی که ((سیسـتانی :) و در

صورتی که) اوّل وقت ، نماز را خوانـد و تا آخر وقت عـذرش برطرف شد لازم است (سیسـتانی : احتیاط مسـتحب است) که وضو گرفته یا غسل کرده و نماز را اعاده نماید.

[مسأله ۳۴۲ اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست]

مسأله ۳۴۲اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند (۱) باید وضو و غسل را جبیره ای انجام دهد (۲) و احتیاط آن است که تیمّم هم بنمایـد. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (بهجت :) به طوری که آب به تمام ظاهر بشره و موها نرسد ..

(۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) باید تیمّم نماید (زنجانی : و بنا بر احتیاط مستحب وضو یا غسل جبیره ای هم انجام دهد).

(نوری :) باید تیمم نماید و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره ای هم بگیرد.

(مکارم :) مسأله اگر به خاطر درد چشم ، شستن صورت ضرر دارد باید تیمّم کند و اگر می تواند اطراف چشم و بقیه صورت را بشوید، کافی است .

[مسأله ۳۴۳ کسی که نمی داند وظیفه اش تیمّم است]

مسأله ۳۴۳ کسی که نمی داند وظیفه اش تیمّم است یا وضوی جبیره ای ، (۱) بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (بهجت :) در صورتی که حجّتی بر تعیین یکی ندارد ..

(زنجانی :) در صورتی که جهل وی از ندانستن اصل مسأله است باید به مرجع تقلید خود مراجعه کند یا هر دو وظیفه را به جا آورد، و در صورتی که جهل وی از ندانستن خصوصیات موضوع ناشی می شود باید هر دو وظیفه را انجام دهد.

[مسأله ۳۴۴ نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده]

مسأله ۳۴۴ نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده (۱) صحیح است (۲) و بعد از آن که عذرش برطرف شد، برای نمازهای بعد هم نباید (۳) وضو بگیرد (۴)، ولی اگر برای آن که نمی دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمّم ، هر دو را انجام داده باشد باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد (۵). (۱) (خوئی ، تبریزی :) و تا آخر وقت عذرش مستمرّ بوده ..

(زنجانی :) و تا آخر وقت عذرش باقی بوده .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و می تواند با آن وضو نمازهای بعدی را نیز به جا آورد. [پایان مسأله] (۳) (فاضل :) لازم نیست .. (۴) (بهجت :) بعد از آن که عذرش بر طرف شد، با همان وضو می تواند نمازهای بعد را نیز بخواند ..

(نوری :) برای نمازهای بعدهم در صورتی که وضوی او باطل نشده است نباید وضو بگیرد ..

(زنجانی :) در صورتی که عذرش در وقت نمازهای بعدی استمرار داشته باشد می تواند با آن وضو نمازهای دیگر را نیز بخواند ولی در صورتی که عذرش برطرف شود نمی تواند با آن وضو نمازهای دیگر را بخواند. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) بعد از آن که عذرش برطرف شد و هنوز وضوی جبیره ای باطل نشده است ، برای نمازهای بعد بنا بر احتیاط لازم باید وضو بگیرد (صافی : بلکه بنا بر احتیاط اگر در وقت ، عذرش برطرف شود نمازش را با وضوی جدید اعاده نماید). [پایان مسأله] (۵) (بهجت :) بنا بر احتیاط واجب در صورت بقای جهل ، برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

(مکـارم :) مسـأله نمازهـایی را که با وضو یا غسل جبیره ای می خواننـد اعاده نـدارد، مگر این که قبل از پایان وقت نماز عـذر برطرف شود در اینجا بنا بر احتیاط واجب ، نماز را اعاده کنند.

احکام وضو (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۱۰۰ به نیت طهارت برای نماز مغرب وضو گرفتم]

س ۱۰۰: به نیت طهارت برای نماز مغرب وضو گرفتم ، آیا برای من با این وضو مس ّقرآن کریم و خواندن نماز عشا جایز است ؟

ج : بعد از آن که وضو به طور صحیح محقّق شد، تا زمانی که باطل نشده است ، انجام هر عمل مشروط به طهارت ، با آن جایز است .

[س ۱۰۱ کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است]

س ۱۰۱: کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است و در صورت نگذاشتن آن به مشقت می افتد، آیا مسح بر موی مصنوعی برای او جایز است ؟

ج : موی مصنوعی اگر به نحو کلاه گیس باشد، واجب است برای مسح آن را بردارد، ولی اگر موی مصنوعی بر پوست سر کاشته شده باشد و برداشتن آن از جلوی سر باعث عسر و حرجی شود که عادتاً قابل تحمل نیست ، مسح بر روی آن مجزی است .

[س ۱۰۲ در وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته شود]

س ۱۰۲: شخصی گفته است که هنگام وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته شود، و اگر بار سوم آب ریخته شود وضو باطل خواهد بود. آیا این سخن صحیح است ؟

ج : شستن اعضاء در وضو، بار اوّل واجب و بار دوّم جائز و بیش از آن مشروع نیست لکن ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است ، پس اگر به قصد بار اوّل چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

[س ۱۰۳ آیا در وضوی ارتماسی جایز است]

س ۱۰۳: آیا در وضوی ارتماسی جایز است که چند بار دست و صورت را داخل آب کنیم یا این که فقط دو بار جایز است ؟

ج : فقط دو بار می توان دست و صورت را وضوی ارتماسی داد بار اوّل واجب ، و بار دوّم جائز است و بیش از آن ، مشروع نیست . ولی در وضوی ارتماسی در مورد دستها باید قصد شستن وضوئی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد، تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

[س ۱۰۴ آیا چربیهائی که به طور طبیعی در مو به وجود می آید]

س ۱۰۴: آیا چربیهائی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می آیند، مانع محسوب می شوند؟

ج : مانع محسوب نمی شود، مگر آن که به حدّی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

[س ۱۰۵ مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی دادم]

س ۱۰۵: مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی دادم ، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می کردم ؛ آیا این مسح صحیح بوده است ؟ و در صورت عدم صحت ، نمازهایی را که خوانده ام باید قضا کنم ؟

ج : اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده ، واجب است . و در صورتی که انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح ، از سر انگشتان پا مسح می کرده است یا نه ؟ وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.

[س ۱۰۶ بر آمدگی روی پا]

س ۱۰۶: بر آمدگی روی پا که هنگام مسح ، دست باید تا آنجا کشیده شود، کدام است ؟

ج : باید مسح پا را تا مفصل بکشند.

[س ۱۰۷ وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی]

س ۱۰۷: وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می کند، چه حکمی دارد؟

ج : جایز است و مانع شرعی ندارد.

[س ۱۰۸ چشمه ای است که سرچشمه آن در زمین ملکی شخصی قرار دارد]

س ۱۰۸: چشمه ای است که سرچشمه آن در زمین ملکی شخصی قرار دارد. اگر بخواهیم آب آن را به وسیله لوله به منطقه ای که چند کیلومتر با آن فاصله دارد، انتقال دهیم ، باید لوله از زمین های ملکی این شخص و افراد دیگر عبور نماید، آیا در صورت عدم رضایت مالکین زمین ها، استفاده از آب چشمه برای وضو و غسل و سایر تطهیرات جایز است ؟

ج : اگر چشمه ، در کنار و خارج از ملك غیر ، خود به خود جوشیده و قبل از جریان آن بر زمین ، وارد لوله شده و به منطقه منظور هدایت شود در صورتی که استفاده از آب عرفاً تصرّف در ملك غیر محسوب نشود، اشکال ندارد.

[س ۱۰۹ سازمان آب]

س ۱۰۹: سازمان آب ، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است ، ولی در برخی از محلّه ها فشار آب ضعیف است و ساکنان آن مجبورند که برای استفاده از آب در طبقات بالای ساختمانها از پمپ فشار استفاده کنند، با توجه به این مسأله به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید؟ الف : آیا نصب پمپ فشار آب جهت استفاده از آب بیشتر از نظر شرعی جایز است ؟ ب : در صورت عدم جواز استفاده از پمپ فشار آب ، وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ جذب می شود چه حکمی دارد؟

ج : در فرض سؤال ، نصب و استفاده از پمپ فشار جایز نیست ، و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می آید، محل اشکال است .

[س ۱۱۰ وضو گرفتن قبل از داخل شد وقت نماز]

س ۱۱۰: نظر جناب عالی در باره وضو گرفتن قبل از داخل شد وقت نماز چیست ؟ در پاسخ به یکی از استفتاءات فرموده اید که با وضوئی که نزدیک اول وقت نماز گرفته می شود، می توان نماز خواند. منظور شما از نزدیك اول وقت نماز، چه مقدار است ؟

ج : ملاك صدق عرفی نزدیکی وقت نماز است ، و اگر در آن وقت برای نماز وضو گرفته شود، اشکال ندارد.

[س ۱۱۱ آیا شخصی که وضو می گیرد]

س ۱۱۱: آیا شخصی که وضو می گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پائین انگشتان پا یعنی جائی را که موقع راه رفتن با

زمین تماس پیدا می کند، مسح نماید؟

ج : محل مسح پا عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق ، و استحباب مسح پائین انگشتان پا ثابت نشده است .

[س ۱۱۲ اگر شخص وضو گیرنده]

س ۱۱۲: اگر شخص وضو گیرنده ، هنگام شستن دستها و صورت به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید، این کار او چه حکمی دارد؟

ج : اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه ای نمی زند. ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن ، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو مخلوط شود، صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است ، محل اشکال می باشد.

[س ۱۱۳ آیا برای مسح می توان از غیر آب وضو استفاده کرد]

س ۱۱۳: آیا برای مسح می توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و هم چنین آیا مسح سر حتماً باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

ج : مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده ، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست .

[س ۱۱۴ وجود رنگ روی ناخن]

س ۱۱۴: بعضی از زنها ادعا می کنند که وجود رنگ روی ناخن مانع وضو نیست و مسح روی جوراب نازك هم جایز است . نظر شریف جناب عالی در این باره چیست ؟

ج : در صورتی که رنگ دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می باشد و وضو باطل است و مسح بر جوراب هر قدر هم نازک باشد، صحیح نیست .

[س ۱۱۵ مجروحان جنگی که قطع نخاع شده اند]

س ۱۱۵: آیا مجروحان جنگی که قطع نخاع شده اند و قدرت نگهداری بول را ندارند، جایز است در نماز جمعه شرکت کرده و به خطبه ها گوش دهند و با عمل به وظیفه شخص مسلول ، نماز جمعه و عصر را بخوانند؟

ج : شرکت آنان در نماز جمعه اشکال ندارد، ولی با توجه به این که بر آنان واجب است که بعد از وضو گرفتن بدون فاصله زمانی ، شروع به خواندن نماز کنند، بنا بر این وضوی قبل از خطبه های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدثی از آنان سر نزند.

[س ۱۱۶ شخصی که قادر بر وضو گرفتن نیست]

س ۱۱۶: شخصی که قادر بر وضو گرفتن نیست ، فرد دیگری را برای انجام وضو به نیابت می گیردو خودش نیت نموده و با دست خود مسح می کند و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست او را گرفته و با آن مسح می نماید. اگر از این کار هم عاجز باشد، نائب از دست او رطوبت گرفته و مسح می کند. حال ، اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج : اگر این شخص کف دست نداشته باشد، برای مسح ، رطوبت از ساعد او گرفته می شود، و اگر ساعد هم نداشته باشد، رطوبت از صورت او گرفته شده و سر و پا با آن مسح می شوند.

[س ۱۱۷ در نزدیکی محل برگزاری نماز جمعه]

س ۱۱۷: در نزدیکی محل برگزاری نماز جمعه مکانی برای وضو گرفتن وجود دارد که تابع مسجد جامع است و پول آب آن از غیر بودجه مسجد پرداخت می شود. آیا شرکت کنندگان در نماز جمعه جایز است که از آن آب استفاده کنند؟

ج : چون آب آن برای وضو گرفتن ِ همه نمازگزاران بطور مطلق قرار داده شده است ، استفاده از آن اشکال ندارد.

[س ۱۱۸ وضوئی که قبل از نماز ظهر و عصر گرفته شده]

س ۱۱۸: آیا وضوئی که قبل از نماز ظهر و عصر گرفته شده ، برای خواندن نماز مغرب و عشا هم با علم به این که در این مدت هیچ یک از مبطلات وضو از وی سر نزده است ، کافی است ؟ یا آن که هر نمازی نیت و وضوی جداگانه ای دارد؟

ج : برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم نیست . با یک وضو تا زمانی که باطل نشده ، می تواند هر مقدار نماز که می خواهد بخواند.

[س ۱۱۹ وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن]

س ۱۱۹: آیا وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن به وقت آن جایز است ؟

ج : وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب ، اگر نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد. اشکال ندارد.

[س ۱۲۰ به علت فلج شدن هر دو پایم به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می روم]

س ۱۲۰: به علت فلج شدن هر دو پایم به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می روم ، و چون به هیچ وجه بیرون آوردن کفش هنگام وضو برایم امکان ندارد، امیدوارم وظیفه شرعی مرا در رابطه با مسح هر دو پا بیان فرمائید.

ج : اگر بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای شما خیلی سخت و دشوار است ، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است .

[س ۱۲۱ اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب بپردازیم]

س ۱۲۱: اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب بپردازیم و آب آلوده و کثیفی را بیابیم ، در این حالت تیمم برای ما واجب است یا وضو گرفتن با آن آب ؟

ج : اگر آن آب پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد، وضو واجب است و نوبت به تیمم نمی رسد.

[س ۱۲۲ آیا وضو به خودی خود مستحب است]

س ۱۲۲: آیا وضو به خودی خود مستحب است ؟ و آیا می توان قبل از داخل شدن به وقت نماز به قصد قربت وضو گرفت و با همان وضو نماز خواند؟

ج : وضو به قصد طهارت از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است .

[س ۱۲۳ کسی که همیشه در وضویش شک می کند]

س ۱۲۳: کسی که همیشه در وضویش شک می کند، چگونه می تواند به مسجد برود و نماز بخواندو به قرائت قرآن کریم و زیارت معصومین علیهم السلام بپردازد؟

ج : شک در بقای طهارت بعد از وضو اعتبار ندارد، و تا یقین به نقض وضو پیدا نکرده است می تواند با آن نماز بخواند و قرآن قرائت کند و به زیارت برود.

[س ۱۲۴ آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت های دست جریان پیدا کند]

س ۱۲۴: آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت های دست جریان پیدا کندیا آن که کشیدن دست تر بر آن کافی است ؟

ج : صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است هر چند به وسیله دست کشیدن باشد. ولی مسح اعضاء با دست مرطوب به تنهائی کافی نیست .

[س ۱۲۵ آیا در مسح سر مرطوب شدن مو کافی است]

س ۱۲۵: آیا در مسح سر، مرطوب شدن مو کافی است یا این که رطوبت باید به پوست سر هم برسد؟

ج : مسح بر پوست سر واجب نیست . بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است .

[س ۱۲۶ کسی که از موی مصنوعی استفاده می کند]

س ۱۲۶: کسی که از موی مصنوعی استفاده می کند مسح سر را چگونه انجام دهد؟ و وظیفه او راجع به غسل چیست ؟

ج : اگر موی کاشته شده ، قابل برداشتن نبوده و یا ازاله آن مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد، مسح بر روی همین موها کافی است ، و غسل نیز همین حکم را دارد.

[س ۱۲۷ موالات]

س ۱۲۷: ایجاد فاصله زمانی در شستن اعضاء هنگام وضو یا غسل ، چه حکمی دارد؟

ج : فاصله زمانی (عدم موالات) در غسل اشکال ندارد. ولی در وضو اگر فاصله به مقداری باشد که اعضای قبلی خشک شوند، وضو باطل است .

[س ۱۲۸ وضو و نماز کسی که پی در پی از او باد به مقدار کم خارج می شود]

س ۱۲۸: وضو و نماز کسی که پی در پی از او باد به مقدار کم خارج می شود، چه حکمی دارد؟

ج : اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثناء نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می تواند با هر وضوئی یک نماز بخواند، یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

[س ۱۲۹ بعضی از افرادی که در مجتمع های مسکونی زندگی می کنند]

س ۱۲۹: بعضی از افرادی که در مجتمع های مسکونی زندگی می کنند، از پرداخت هزینه خدماتی که از آنها استفاده می کننداز قبیل هزینه آب سرد و گرم ، تهویه ، نگهبانی و مانند آنها، خودداری می کنند. آیا روزه و نماز و سایر عبادات این افراد که بار مالی این خدمات را بدون رضایت هم سایگان به دوش آنان می اندازند، از نظر شرعی باطل است ؟

ج : هر یک از مشترکین از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می کند، نسبت به هزینه خدمات مدیون است ، و اگر از پرداخت ِ پول آب ، امتناع کند، وضو و غسل او محل اشکال و بلکه باطل است .

[س ۱۳۰ شخصی غسل جنابت نموده]

س ۱۳۰: شخصی غسل جنابت نموده و بعد از گذشت سه تا چهار ساعت می خواهد نماز بخواند، ولی نمی داند غسلش باطل شده است یا خیر؟ اگر احتیاطاً وضو بگیرد، اشکال دارد یا خیر؟

ج : در فرض مذکور وضو واجب نیست ، ولی احتیاط هم مانعی ندارد.

[س ۱۳۱ آیا کودک نابالغ محدث به حدث اصغر می شود]

س ۱۳۱: آیا کودک نابالغ ، محدث به حدث اصغر می شود؟ آیا می توان قرآن را در دسترس او قرار داد تا آن را مس ّ کند؟

ج : بله ، با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم محدث می شود، ولی مس کتابت قرآن بر او حرام نیست و بر مکلّف واجب نیست او را از دست زدن به نوشته قرآن باز دارد.

[س ۱۳۲ اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو نجس شود]

س ۱۳۲: اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو، نجس شود، چه حکمی دارد؟

ج : نجس شدن آن عضو، به صحت وضو ضرر نمی رساند، ولی تطهیر آن عضو برای پاک شدن از نجاست بخاطر نماز واجب است .

[س ۱۳۳ بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح]

س ۱۳۳: آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح ، برای وضو ضرر دارد؟

ج : واجب است که محل مسح از آن قطرات خشک شود تا هنگام مسح ، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه بر عکس .

[س ۱۳۴ کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده]

س ۱۳۴: کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده ، آیا مسح پای راست از او ساقط است ؟

ج : مسح پای راست از او ساقط نمی شود، بلکه باید با دست چپ بر آن مسح کند.

[س ۱۳۵ کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد]

س ۱۳۵: کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر

ندارد، باید آن را بشوید و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید، و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد.

[س ۱۳۶ کسی که محل مسح او زخم است]

س ۱۳۶: کسی که محل مسح او زخم است ، چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر نمی توانـد روی زخم محل مسح دست ِ تر بکشد باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می تواند پارچه ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم ، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

[س ۱۳۷ کسی که جاهل به بطلان وضویش است]

س ۱۳۷: کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می شود، چه حکمی دارد؟

ج : اعاده وضو برای اعمال مشروط به طهارت ، واجب است ، و اگر با وضوی باطل نماز خوانده باشد، اعاده آن نیز واجب می باشد.

[س ۱۳۸ کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد]

س ۱۳۸: کسـی که در یکی از اعضـای وضویش زخمی وجود دارد که حـتی اگر جبیره هم بر روی آن قرار دهـد دائماً از آن خون می آید، چگونه باید وضو بگیرد؟

ج : واجب است جبیره ای را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی آید، مثل نایلون .

[س ۱۳۹ آیا خشک کردن رطوبت بعد از وضو مکروه است]

س ۱۳۹: آیا خشک کردن رطوبت بعد از وضو مکروه است ؟ در مقابل ، آیا خشک نکردن آن مستحب است ؟

ج : اگر دستمال یا پارچه معینی را مخصوص این کار قرار دهد، اشکال ندارد.

[س ۱۴۰ رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر استفاده می کنند]

۱۴۰: آیا رنگ مصـنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سـر و ابرویشان اسـتفاده می کنند، مانع از صحت وضو و غسل است ؟

ج : اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود، وضو و غسل صحیح است .

[س ۱۴۱ جوهر از موانع است ؟]

س ۱۴۱: آیا جوهر از موانعی است که وجود آن بر روی دست باعث بطلان وضو می شود؟

ج : اگر جوهر دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود، وضو باطل است ، و تشخیص این موضوع بر عهده مکلّف می باشد.

[س ۱۴۲: اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود]

س ۱۴۲: اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، آیا وضو باطل می شود؟

ج : از آنجایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

[س ۱۴۳ شخصی که وضویش نسبت به وضوی متعارف بین مردم وقت بیشتری می گیرد]

۱۴۳: شخصی که وضویش نسبت به وضوی متعارف بین مردم وقت بیشتری می گیرد، برای یقین پیدا کردن به شستن اعضای وضو چه کاری باید انجام دهد؟

ج : باید از وسوسه اجتناب نماید، و برای این که شیطان از او ناامید شود، باید به وسوسه ها اعتناء نکند و کوشش کند که همانند سایر اشخاص به مقداری که از نظر شرعی واجب است ، اکتفا نماید.

[س ۱۴۴ خالکوبی بدن]

س ۱۴۴: بعضـی از قسـمت های بدنم خالکوبی شده است ، گفته می شود که غسل و وضو و نمازم باطل هستندو نمازی از من پذیرفته نمی شود. امیدوارم مرا در این باره راهنمایی فرمائید.

ج : اگر خالکوبی مجرد رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود، وجود نداشته باشد، وضو و غسل و نماز صحیح است .

[س ۱۴۵ اگر بعد از خروج بول انسان استبراء کرد]

س ۱۴۵: اگر بعد از خروج بول ، انسان اسـتبراء کرد و وضو گرفت و سـپس رطوبتی که مردد بین بول و منی است از او خارج شد، چه حکمی دارد؟

ج : در فرض سؤال ، برای تحصیل یقین به طهارت از حدث ، واجب است که هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

[س ۱۴۶ تفاوت وضوی زن و مرد]

س ۱۴۶: لطفاً تفاوت وضوی زن و مرد را بیان فرمائید.

ج : بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست ، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن .

(مس ّاسماء و آیات الهی)

[س ۱۴۷ مس ّضمایری که به ذات باری تعالی بر می گردند]

س ۱۴۷: مس ّضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می گردند مثل ضمیر جمله «بسمه تعالی » چه حکمی دارد؟

ج : ضمیر حکم لفظ جلاله را ندارد.

[س ۱۴۸ نوشتن اسم جلاله اللّه]

س ۱۴۸: نوشـتن اسم جلاـله «اللّه » بصورت «ا ..» مرسوم شـده است . کسـانی که بـدون وضو این کلمه را مس ّمی کننـد، چه حکمی دارند؟

ج : همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد، و مس آن بدون وضو، جائز است .

[س ۱۴۹ نوشتن الف و سه نقطه به جای لفظ جلاله اللّه]

س ۱۴۹: در جائی که من کار می کنم در مکاتبات خود کلمه «اللّه » را به صورت «ا ..» می نویسند. آیا نوشتن الف و سه نقطه به جای لفظ جلاله «اللّه » از نظر شرعی صحیح است ؟

ج : از نظر شرعی مانعی ندارد.

[س ۱۵۰ آیا جایز است به صرف احتمال مسّ لفظ جلاله اللّه]

س ۱۵۰: آیا جایز است به صرف احتمال مسّ لفظ جلاله «اللّه » توسط افراد بدون وضو، از نوشتن آن خودداری نموده و یا بصورت «ا ..» نوشته شود؟

ج : مانعی ندارد.

[س ۱۵۱ خط بریل]

س ۱۵۱: نابینایان برای خواندن و نوشتن از خط برجسته ای معروف به خط بریل که با لمس انگشتان خوانده می شود، استفاده می کنند.

آیا بر نابینایان واجب است که هنگام فراگیری قرآن کریم و مسّ اسماء طاهره که با خط برجسته بریل نوشته شده است ، وضو داشته باشند یا خیر؟

ج : اگر نقاط برجسته علامت حروف هستند، حکم آن حروف را ندارند ولی اگر در نظر عرف آگاه بعنوان خط محسوب شوند در مس آنها رعایت احتیاط لازم است .

[س ۱۵۲ مسّ اسمهایی از قبیل عبد اللّه و حبیب اللّه]

س ۱۵۲: مسّ اسمهایی از قبیل عبد اللّه و حبیب اللّه بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج : مسّ لفظ جلاله بدون وضو جایز نیست ، اگر چه جزئی از یک اسم مرکب باشد.

[س ۱۵۳ آیا جایز است که زن حائض گردنبندی را به گردن بیندازد]

س ۱۵۳: آیـا جایز است که زن حائض گردنبنـدی را به گردن بینـدازد که نام مبارک پیامبر صـلی الله و علیه و آله بر آن نقش شده است ؟

ج : به گردن آویختن آن اشـکال نـدارد، ولی بنـا بر احتیاط واجب است که اسم مبارک پیامبر « صـلی اللّه علیه و آله » با بـدن تماس نداشته باشد.

[س ۱۵۴ حرمت مس ّ نوشته های قرآن بدون وضو]

س ۱۵۴: آیا حرمت مس ّ نوشته های قرآن بدون وضو اختصاص به موردی دارد که در قرآن کریم باشد، یا شامل مواردی که نوشته قرآنی در کتاب دیگری یا تابلو یا دیوار و غیر آنها هم باشد، می گردد؟

ج : حرمت مس ّ کلمات و آیات قرآنی بـدون وضو اختصاص به قرآن کریم ندارد. بلکه شامل همه کلمات و آیات قرآنی می شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روز نامه ، مجله ، تابلو، و غیر آنها باشد.

[س ۱۵۵ خانواده ای به قصد خیر و برکت هنگام خوردن]

س ۱۵۵: خانواده ای به قصد خیر و برکت هنگام خوردن برنج از ظرفی استفاده می کنند که آیات قرآنی از جمله آیه الکرسی روی آن نوشته شده است . آیا این کار اشکال دارد؟

ج : اگر با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف برمی دارند، اشکال ندارد.

[س ۱۵۶ آیا کسانی که به وسیله دستگاه تحریر]

س ۱۵۶: آیا کسانی که به وسـیله دستگاه تحریر اسماء جلاله یا آیات قرآنی و یا نامهای معصومین علیهم السلام را می نویسند، باید در حال نوشتن آنها با وضو باشند؟

ج : این کار مشروط به طهارت نیست ، ولی نوشته ها را نباید بدون وضو مس ّ کرد.

[س ۱۵۷ مس ّ آرم جمهوری اسلامی ایران]

س ۱۵۷: آیا مس ّ آرم جمهوری اسلامی ایران بدون وضوء، حرام است ؟

ج : اگر در نظر عرف ، اسم جلالـه محسوب و خوانـده شود، مس ّ آن بـدون طهـارت حرام است و در غیر این صورت اشـکال ندارد، اگر چه احوط ترک مس آن بدون طهارت است .

[س ۱۵۸ چاپ آرم جمهوری اسلامی ایران]

س ۱۵۸: آیا چاپ آرم جمهوری اسلامی ایران بر روی اوراق اداری و استفاده از آن در مکاتبات و غیر آن ، چه حکمی دارد؟

ج : نوشتن و چاپ لفظ جلاله یا آرم جمهوری اسلامی ایران اشکال ندارد، و احوط این است که احکام لفظ جلاله در آرم جمهوری اسلامی ایران هم رعایت شود.

[س ۱۵۹ استفاده از تمبرهای پستی]

س ۱۵۹: استفاده از تمبرهای پستی که بر روی آنها آیات قرآنی چاپ شده است ، و یا چاپ لفظ جلاله و اسماء خداوند «عزّ و جل» و آیات قرآنی و یا چاپ آرم مؤسساتی که مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم است ، در روز نامه ها و مجلات و نشریاتی که همه روزه منتشر می شوند، چه حکمی دارد؟

ج : طبع و نشر آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می رسد، واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آنها خودداری کند.

[س ۱۶۰ در بعضی از روزنامه ها اسم جلاله]

س ۱۶۰: در بعضی از روز نامه ها اسم جلاله یا آیات قرآنی نوشته می شود، آیا پیچاندن غذا با آنها، یا نشستن بر آنها و یا استفاده از آنها به جای سفره و یا انداختن آنها در زباله ، با توجه به مشکل بودن استفاده از راههای دیگر، جایز است یا خیر؟

ج : استفاده از این روز نامه ها در مواردی که از نظر عرف ، بی احترامی شمرده شود جائز نیست و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

[س ۱۶۱ مس ّنقش کلمات روی انگشتر]

س ۱۶۱: آیا مس ّنقش کلمات روی انگشترها، جایز است ؟

ج : اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس ّآن طهارت است ، مس ّآن بدون طهارت جایز نیست .

[س ۱۶۲ انداختن چیزی که مشتمل بر نامهای خداوند است]

س ۱۶۲: انداختن چیزی که مشتمل بر نامهای خداوند است در نهرها و جوی ها چه حکمی دارد؟ آیا این عمل اهانت محسوب می شود؟

ج : اگر انداختن آنها در نهرها و جویبارها از نظر عرف اهانت محسوب نشود، اشکال ندارد.

[س ۱۶۳ انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله]

س ۱۶۳: آیا هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا آتش زدن آنها، باید اطمینان حاصل شود که نامهای خداوند و اسامی معصومین علیهم السلام در آنها نباشد؟ آیا دور انداختن اوراقی که در یکی از دو طرف آن چیزی نوشته نشده است ، اسراف محسوب می شود یا خیر؟

ج : فحص و بررسی لازم نیست و هنگامی که وجود اسماء جلاله در ورقه احراز نشود، انداختن آن در زباله اشکال ندارد. اما اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است ، سوزاندن و دور انداختن آنها به علت وجود شبهه اسراف ، خالی از اشکال نیست .

[س ۱۶۴ اسامی مبارکی که احترام آنها واجب است]

س ۱۶۴: اسامی مبارکی که احترام آنها واجب و مس ّبدون وضوی آنها حرام است ، کدامند؟

ج : مس ّاسماء و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است ، و احوط الحاق نامهای انبیاء عظام و ائمه معصومین علیهم السلام به نامهای خداوند متعال ، در حکم مذکور است .

[س ۱۶۵ راههای شرعی محو کردن اسماء مبارک]

س ۱۶۵: راههای شرعی محو کردن اسماء مبارك و آیات قرآنی هنگام نیاز کدامند؟ سوزاندن اوراقی که در آن اسم جلاله و

آیات قرآنی نوشته شده است ، هنگام ضرورت برای حفظ اسرار چه حکمی دارد؟

ج : دفن آنها در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله آب اشکال ندارد. ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی احترامی محسوب شود، جایز نیست ، مگر در صورتی که اضطرار اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارک امکان نداشته باشد.

[س ۱۶۶ قطعه قطعه کردن اسماء مبارکه]

س ۱۶۶: قطعه قطعه کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده ، و غیر قابل خواندن شوند، چه حکمی دارد؟ آیا در محو کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی و ساقط شدن حکم آنها، تغییر صورت خطی آنها با حذف و اضافه کردن حروف ، کافی است ؟

ج : تقطیع به نحو مذکور اگر بی احترامی محسوب شود جائز نیست و در غیر این صورت نیز اگر موجب محو نوشته لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود، کافی نیست ، هم چنان که تغییر صورت خطی کلمات با اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن لفظ جلاله به کار رفته اند، نمی شود. بلی ، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست ، هر چند احتیاط، اجتناب از مسّ آن بدون وضو است .

[اغسال]

غسلهای واجب

اشاره

غسلهای واجب هفت است : اول : غسل جنابت . دوم : غسل حیض . سوم : غسل نفاس . چهارم : غسل استحاضه . پنجم : غسل مس ّمیّت . ششم : غسل میت . هفتم : غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود (۱). (۱) (سیستانی :) و اگر کسوف کلّی یا خسوف کلّی شود و مکلّف عمداً نماز آیات را نخواند تا قضا شود بنا بر احتیاط واجب باید برای قضای آن غسل کند.

(بهجت :) [و] به مناسبت ذکر غسل میّت و مس ّمیّت ، احکام دیگر مربوط به اموات نیز ذکر می شود.

(زنجانی :) مسأله غسلهای واجب هشت چیز است : اوّل : غسل جنابت ، دوم : غسل حیض ، سوم : غسل نفاس ، چهارم : غسل استحاضه ، پنجم : غسل مس ّمیّت ، ششم : غسل میّت ، هفتم : کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً نخوانده باشد، در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد بنا بر احتیاط واجب باید برای قضای نماز آیات غسل نموده و نماز بخواند و نماز قضا بدون غسل باطل است . هشتم : غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند آن یا اجاره یا شرط در ضمن عقد، یا دستوری که اطاعتش لازم است واجب شده باشد.

[غسل جنابت]

احکام جنابت

[مسأله ۳۴۵ به دو چیز انسان جنب می شود]

مسأله ۳۴۵ به دو چیز انسان جنب می شود: اول : جماع . دوم : بیرون آمدن منی ، چه در خواب باشد یا بیداری ، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت (۱)، با اختیار باشد یا بی اختیار. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۳۴۶ اگر رطوبتی از انسان خارج شود]

اشاره

مسأله ۳۴۶ اگر رطوبتی از انسان (۱) خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها (۲) چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده (۳) (و بعد از بیرون آمدن آن ، بدن سست شده (۴))، آن رطوبت حکم منی دارد (۵) و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا

بعضـی از اینها را نداشـته باشد، (۶) حکم منی نـدارد (۷) ولی در زن و مریض (۸) لازم نیست آن آب با جسـتن بیرون آمـده باشد، (۹) بلکه اگر با شـهوت بیرون آمـده باشـد (۱۰) در حکـم منی است (۱۱) و لازم نیست بـدن او سـست شود. (۱۲) (۱) (زنجـانی :) از مرد سـالم .. (۲) (مکـارم :) ندانـد منی است یـا رطوبت دیگر .. (۳) (گلپایگـانی ، صافی :) و یا با جسـتن بیرون آمده .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۵) (بهجت :) بلکه اگر فقط با شهوت و جستن باشد، ثابت شدن حکم منی خالی از وجه نیست .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) اگر هیچ یک از این دو نشانه را نداشته باشد ..

(بهجت :) اگر هیچ یک از این سه نشانه را نداشته باشد ..

(مکارم :) اگر این دو نشانه ، یا یکی از آنها را نداشته باشد .. (۷) (گلپایگانی ، صافی :) مگر آن که علم یا اطمینان پیدا کند که منی بوده است ..

(زنجانی :) و در زن اگر جدا شدن آب از محلش با شهوت همراه باشد حکم منی را دارد و لازم نیست دو نشانه دیگر را داشته باشد، و اگر به مریض حالت شهوت دست دهد و آبی خارج شود که احتمال بدهد منی است ، حکم منی را دارد، هر چند بیرون آمدن آن با شهوت نباشد و دو نشانه دیگر را هم نداشته باشد.

(تبریزی :) چنانچه با شهوت و جستن و سست شدن بدن بیرون آمده ، آن رطوبت حکم منی را دارد و در غیر این صورت ، حکم منی را ندارد .. (۸) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، صافی ، تبریزی ، بهجت :) ولی در مریض .. (۹) (مکارم :) بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است ، حکم منی دارد. [پایان مسأله] (سیستانی :) و در موقع بیرون آمدن ، بدن سست شود .. (۱۰) (خوئی :) و در موقع بیرون آمدن ، بدن سست شود .. (۱۱) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) اگر با شهوت بیرون آمده باشد و بدن سست شود، در حکم منی است .

(سیستانی :) و رطوبتی که زنها در موقع ملاعبه یا تصورات شهوت انگیز در خود احساس می کنند پاک است و غسل ندارد و وضو را نیز باطل نمی کند، و امّا رطوبتی که از زنها با شهوت خارج می شود و به حدّی باشد که صدق انزال کند و لباسها را آلوده نماید و معمولًا این رطوبت در موقعی خارج می شود که زن به اوج شهوت جنسی برسد نجس و موجب جنابت است .

(بهجت :) بنا بر أظهر، و هم چنین در زن مریض بنا بر أحوط .. (۱۲) (بهجت :) بلکه خالی از وجه نیست که حکم زن در صحّت و مرض مانند مرد باشد.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۳۶۲ غالباً بعد از بیرون آمدن منی بدن سست می شود، ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه ها نیست .

[مسأله ۳۴۷ اگر از مردی که مریض نیست]

مسأله ۳۴۷ اگر از مردی که مریض نیست ، آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه ای را که در مسأله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه های دیگری را داشته یا نه (۱) چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب ، وضو نداشته ، باید وضو بگیرد. (۲) این مسأله در رساله آیات عظام : اراکی ، فاضل ، مکارم و بهجت نیست . (۱) (تبریزی :) آبی بیرون آید که با جستن یا با شهوت نباشد .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) چنانچه پیش از بیرون آمدن آب وضو داشته ، می تواند به همان وضو اکتفاء کند و اگر وضو نداشته ، کافی است فقط وضو بگیرد و غسل بر او لازم نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر از مردی که مریض نیست ، آبی با جستن بیرون آید و نداند

که با شهوت بوده یا نه ، یا بعد از بیرون آمدن ، بدن سست شده یا نه ، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب ، وضو داشته احتیاط مستحب ّ آن است که غسل کند و وضو لازم نیست و اگر وضو نداشته غسل واجب نیست و احتیاط مستحب ّاست ؛ و واجب است وضو بگیرد و اگر بداند آن چه خارج شده یا بول است یا منی و قبلًا وضو داشته ، باید جمع بین غسل و وضو نماید و اگر وضو نداشته غسل لازم نیست و وضو کافی است .

(زنجانی :) مسأله اگر از مرد سالم آبی بیرون آید که یکی از نشانه ها را داشته ، ولی نداند که دو نشانه دیگر را داشته یا نه ، در حکم منی است .

[مسأله ۳۴۸ مستحب ّاست انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند]

مسأله ۳۴۸ مستحب ّاست انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند (۱) و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند منی است یا رطوبت دیگر، (۲) حکم منی دارد (۳). (۱) (مکارم :) تا ذرّات باقی مانده خارج شود .. (۲) (زنجانی :) چنانچه فاصله آن با بیرون آمدن منی کم باشد به طوری که احتمال دهد که رطوبت از بقایای منی سابق باشد حکم منی را دارد. ولی اگر به جهتی هم چون طول مدت ، اطمینان دارد که از منی سابق چیزی نمانده و احتمال دهد رطوبت مشکوک منی جدید است ، حکم منی را ندارد. و اگر بول نکرده باشد و پس از غسل بول نماید چنانچه احتمال دهد که همراه بول بقایای منی خارج شده حکم منی بار می شود، مگر بقایای منی چنان در بول مستهلک شده باشد که به مجموع رطوبت خارج شده بول بگویند. (۳) (بهجت :) و اگر نمی تواند بول کند، بنا بر احوط باید استبراء کند به کیفیّتی که در احکام تخلّی گذشت و اگر به این صورت استبراء کرد و یا بول نمود و بعد رطوبتی خارج شد که ندانست بول است یا منی ، حکم بول را دارد.

[مسأله ۳۴۹ اگر انسان جماع کند]

مسأله ۳۴۹ اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود (۱)، در زن باشد یا در مرد در قُبُل باشد یا در دُبُر، بالغ باشند یا نابالغ اگر چه منی بیرون نیاید هر دو جنب می شوند (۲). (۱) (مکارم :) مرد و زن هر دو جُنُب می شوند، خواه بالغ باشند یا نابالغ ، منی بیرون آید یا نه . این در صورتی است که جماع در قُبُل باشد و اگر در دُبُر باشد بنا بر احتیاط واجب باید جمع کند بین غسل و وضو. (۲) (نوری :) و در صورتی که تا کمتر از ختنه گاه داخل شده ، و به طوری است که داخل شدن صدق می کند، احتیاط به غسل کردن ترک نشود.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله اگر انسان با زنی جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، در قُبُل باشد یا در دُبُر، بالغ باشند یا نابالغ (زنجانی : یا یکی بالغ و دیگری نابالغ) اگر چه منی بیرون نیاید، هر دو جنب می شوند.

(بهجت :) مسأله اگر کسی در قُبُل زن جماع کند و به اندازه ختنه گاه داخل شود هر دو جنب می شوند؛ و هم چنین است بنا بر أظهر اگر در دُبُر زن نزدیکی کنـد، بلکه بنا بر أظهر و أحوط اگر در دُبُر مردی نزدیکی کند، نیز همین طور است و در نزدیکی با حیوان نیز بنا بر احتیاط حکم همین است .

[مسأله ۳۵۰ اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده]

مسأله ۳۵۰اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه (۱)، غسل بر او واجب نیست . (۱) (نوری :) به طوری که شک در صدق داخل شدن دارد ..

[مسأله ۳۵۱ اگر حیوانی را وطی کند]

مسأله ۱۳۵۱اگر نَعُوذُ بِاللّه حیوانی را وطی کنـد یعنی با او نزدیکی نمایـد و منی از او بیرون آیـد غسل تنها، کافی است . و اگر منی بیرون نیاید (۱)، چنانچه پیش از وطی وضو داشـته باز هم غسل تنها کافی است (۲) و اگر وضو نداشته احتیاط واجب (۳) آن است که غسل کند، وضو هم بگیرد (۴). (۱) (مکارم :) احتیاط واجب آن است که برای نماز و مانند آن ، هم غسل کند و هم وضو بگیرد، مگر این که قبل از این کار وضو داشته باشد که در این صورت تنها غسل کافی است . (۲) (بهجت :) باز هم غسل تنها کافی بوده و احتیاطی است .. (۳) (زنجانی :) احتیاط .. (۴) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) و هم چنین است حکم در نزدیکی نمودن با مرد یا پسر.

(تبریزی :) و هم چنین است حکم در وَطی ِ مرد.

[مسأله ۳۵۲ اگر منی از جای خود حرکت کند]

اشاره

مسأله ۱۳۵۲اگر منی از جای خود حرکت کند (۱) و بیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه ، غسل بر او واجب نیست (۲). (۱) (مکـارم :) امّـا از ریختن آن به بیرون جلوگیری به عمـل آورد یا به علّت دیگر بیرون نیایـد غسل واجب نیست ، هم چنین اگر شکّ کنـد که بیرون آمـده یا نه . (۲) (بهجت :) و هم چنین است اگر خواب ببینـد که محتلم شـده ولی بعد از بیدار شدن ، اثری از منی نبیند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۳۵۶ هر گاه بعـد از غسل ، منی مرد از زن خارج شود، غسل واجب نیست و هم چنین است اگر شک کند که منی بیرون آمده ، از خود اوست یا از مرد؛ امّا اگر علم یا اطمینان داشـته باشد که منی خارج شده از خود اوست و یا مخلوط با منی مرد است ، غسل بر او واجب است .

[مسأله ۳۵۲ اگر منی از جای خود حرکت کند]

اشاره

مسأله ۱۳۵۲اگر منی از جای خود حرکت کند ولی تیمّم برایش ممکن است ، بعد از داخل شدن وقت نماز بدون جهت با عیال خود نزدیکی کند اشکال دارد (۱) ولی اگر برای لـذّت بردن یـا ترس از برای خودش باشـد (۲) اشکال ندارد. (۱) (اراکی ،

خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، زنجانی ، نوری :) بعد از داخل شدن وقت نماز هم می تواند با عیال خود نزدیکی کند (زنجانی : ولی اگر در وقت نماز، وضو داشته باشد، باید قبل از نزدیکی نماز را با وضو بخواند). [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) برای لذت بردن یا خوف بر نفس باشد ..

(مکارم :) مسأله کسی که آب برای غسل کردن ندارد، می تواند با هم سر خود نزدیکی کند و تیمّم برای او کافی است ، خواه بعد از داخل شدن وقت نماز باشد یا قبل از آن .

[مسأله ۳۵۴ اگر در لباس خود منی ببیند]

مسأله ۳۵۴ اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود اوست (۱) و برای آن غسل نکرده ، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد (۲) بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند (۳)، ولی نمازهایی را که احتمال می دهد بعد از (۴) بیرون آمدن آن منی خوانده ، لازم نیست قضا نماید.

(۱) (مکارم :) باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد با جنابت خوانده قضا نماید، ولی آن چه را شک دارد لازم نیست . (۲) (زنجانی :) نمازهایی را که اطمینان دارد .. (۳) (بهجت :) نمازهایی را که یقین یا اطمینان دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده ، قضا یا اعاده کند. [پایان مسأله] (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) پیش از ..

چیزهایی که بر جنب حرام است

[مسأله ۳۵۵ پنج چیز بر جنب حرام است]

مسأله ۳۵۵ پنج چیز (۱) بر جنب حرام است : اول : رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن یا به اسم خدا، و اسامی مبارکه پیامبران و امامان علیهم السلام به احتیاط واجب حکم اسم خدا را دارد (۲). دوم : رفتن در مسجد الحرام (و مسجد پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم ، (۳) اگر چه از یک در ، داخل و از در دیگر خارج شود. (۴)) سوم : توقّف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان علیهم السلام هم توقف نکند. (۵). چهارم : گذاشتن چیزی در مسجد (۶). پنجم : (۷) خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است (۸) اول : سوره سی و دوم قرآن الم تنزیل دوم : سوره چهل و یکم حم سجده سوم : سوره پنجاه و سوّم و النجم . چهارم : سوره نود و ششم اقرء (۹) و اگر یک حرف (۱۰) از این چهار سوره (۱۱) را هم بخواند حرام است (۱۲). (۱) (اراکی :) چهار چیز .. (۲) (گلپایگانی ، نوری :) اول : رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن ، یا به اسم خدا و پیغمبران و ائمه علیهم السلام (گلپایگانی : و حضرت زهرا علیها السلام) به طوری که در وضو گفته شد ..

(خوئی ، سیستانی :) اول : رساندن جایی از بدن به خط قرآن ، یا به اسم خدا به هر لغت که باشد و بهتر آن است که به اسم پیغمبران و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام نیز نرساند ..

(زنجانی :) اول : رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن و بنا بر احتیاط به اسم خدا و صفات خاصه او به هر لغت که باشد مگر پولی که بر آن نام خدا نوشته شده باشد که دست زدن به آن اشکال ندارد و احتیاط مستحب آن است که به اسم پیغمبران و امامان و حضرت زهراء علیهم السلام نیز نرساند ..

(تبریزی :) اول : رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن ، یا به اسم خدا؛ و بهتر است جایی از بدن را به اسم پیامبران و امامان علیهم السلام نیز نرساند ..

(بهجت :) اول : رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن ، یا به اسم خدا و بنا بر احتیاط به اسم پیغمبران و امامان و اسم حضرت زهرا علیهم السلام به طوری که در وضو گفته شد ..

(صافی :) اول : رساندن جایی از بدن به خط قرآن ، یا به اسم خدا و سایر اسماء و صفات خاصه خدا، و بنا بر احتیاط رساندن

جایی از بدن به نام پیغمبران و ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام به طوری که در وضو گفته شد ..

(مکارم :) اول : مس ّ خط قرآن یا اسم خدا و پیامبران و امامان علیهم السـلام بنا بر احتیاط واجب همان طور که در وضو گفته شد .. (۳) (زنجانی :) دوم : رفتن یا مانـدن در مسـجد الحرام و مسـجد پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم و حرم امامان علیهم السلام ..

(۴) (بهجت :) و هم چنین داخل شدن به آنجا برای برداشتن چیزی بنا بر أحوط ..

(زنجانی :) و مراد از حرم امامان علیهم السلام : محوطه ای است که ضریح مقدس و قبر مطهر در آن قرار دارد نه تمام رواقها یا صحنها ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست .] (۵) (فاضل :) اگر چه اولی آن است که حکم مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم را در حرم امامان علیهم السلام رعایت نماید .. (بهجت :) بلکه عبور نیز ننماید و هم چنین در رواقها ..

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب نرفتن در حرم ائمه علیهم السلام است اگر چه از یک در وارد و از در دیگر خارج شود ..

(اراکی :) سوم : توقف در مساجد دیگر و حرم امامان علیهم السلام ، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) سوّم : توقف در مساجد دیگر و هم چنین بنا بر احتیاط واجب در حرم امامان علیهم السلام ولی اگر (سیستانی : از مسجد عبور کند مثل این که) از یک در مسجد داخل و از در دیگر خارج شود مانعی ندارد ..

(زنجانی :) سوم : داخل شدن یا ماندن در مساجد دیگر، مگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه بنا بر احتیاط لازم از خارج هم چیزی در مسجد نگذارد ..

(خوئی ، تبریزی :) یا داخل شدن در آن برای برداشتن چیزی ..

(سیستانی :) چهارم : داخل شدن در مسجد برای برداشتن چیزی و هم چنین گذاشتن چیزی در آن هر چند خودش وارد مسجد نشود بنا بر احتیاط لازم ..

(مکارم :) چهارم : داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن ..

[مورد چهارم در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۷) (اراکی :) چهارم : .. (۸) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) پنجم : خواندن هر یک از آیات سجده واجب و آن در چهار سوره است ..

(مکارم :) پنجم : خواندن یکی از آیات سجده ، ولی خواندن غیر آیه سجده از سوره سجده مانعی ندارد؛ سوره هایی که سجده واجب در آن است چهار سوره است : ..

(زنجانی :) پنجم : خواندن هر یک از آیات سجده واجب و آن در چهار سوره است :

اوّل : سوره سی و دوم قرآن «الم تنزیل (سجده)» آیه پانزدهم ؛ دوّم : سوره چهل و یکم «حم سجده (فصلت)» آیه سی و هفتم ؛ سوّم : سوره پنجاه و سوم «النجم » آیه آخر؛ چهارم : سوره نود و ششم «اقرء (العلق)» آیه آخر. بلکه بنا بر احتیاط خواندن آیات دیگر یا قسمتی از یک آیه سورهای سجده نیز جایز نیست . (۹) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۱۰) (بهجت :) اگر یک کلمه .. (۱۱) (گلپایگانی ، صافی :) چهار آیه .. (نوری :) اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره .. (۱۲) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط مستحب آن است که آیات دیگر سوره سجده دار را نیز نخواند.

چیزهایی که بر جنب ، مکروه است

[مسأله ۳۵۶ نُه چیز بر جنب مکروه است]

مسأله ۳۵۶ نُه چیز (۱) بر جنب مکروه است (۲): اول و دوم : خوردن و آشامیدن ، ولی اگر وضو بگیرد (۳) مکروه نیست . (۴) سوم : خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد. (۵) چهارم : رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن .

پنجم : همراه داشتن قرآن . ششم : خوابیدن ، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن ِ آب ، بدل از غسل تیمّم کند، مکروه نیست (۶). هفتم : خضاب کردن به حنا و مانند آن (۷). هشتم : مالیدن روغن (۸) به بدن . نُهم : جماع کردن بعد از آن که محتلم شده (۹) یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است . (۱) (بهجت :) چند چیز .. (۲) (مکارم :) شایسته است جنب چند چیز را ترک کند .. (۳) (گلپایگانی ، اراکی ، خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) یا دستها را بشوید .. (۴) (بهجت :) اول و دوم : خوردن و آشامیدن ، و اگر دست و صورت را بشوید و مضمضه و استنشاق کند، کراهت کمتر می شود ..

(سیستانی :) اول و دوم : خوردن و آشامیدن ، ولی اگر صورت و دستها را بشوید و مضمضه بکند مکروه نیست و اگر تنها دستها را بشوید کراهت کمتر می شود .. (۵) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) سوم : خواندن بیشتر از هفت آیه از قرآن که سجده واجب ندارد ..

(بهجت :) سوم : خواندن بیشتر از هفت آیه تا هفتاد آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد بنا بر احوط، ولی بیشتر از هفتاد آیه کراهت شدیدتری دارد ..

(مکارم :) سوّم : خواندن بیشتر از هفت آیه از قرآن ، حتّی از سوره هایی که سجده واجب ندارد .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب ، تیمّم کند، مکروه نیست و در این تیمّم نیّت کند به جهت امر خدا، چه بدل از وضو یا غسل یا مستقل ّدر رفع کراهت خوابیدن ؛ ..

(بهجت :) ششم : خوابیدن ، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه این که نمی تواند غسل کند بدل از غسل تیمّم کند خوابیدن او مکروه نیست .. (مکارم :) ششم : خوابیدن بدون وضو .. (۷) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) هفتم : رنگ کردن موها به حنا و مانند آن .. (۸) (مکارم :) و انواع کِرِمها .. (۹) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسائلی در] غسل جنابت

[مسأله ۳۵۷ غسل جنابت به خودی خود مستحب ّاست]

مسأله ۳۵۷ غسل جنابت به خودی خود مستحب ـ است (۱) و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود (۲). ولی برای نماز میّت (۳) و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) غسل جنابت برای تحصیل طهارت از جنابت مستحب ـ است .. (۲) (سیستانی :) غسل جنابت برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می باشد .. (۳) (خوئی ، سیستانی ، نوری :) و سجده سهو ..

(زنجانی :) مسأله تحصیل طهارت با غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود و در نماز مستحب تنها شرط صحت می باشد، هم چنین برای سجده و تشهد فراموش شده ، اگر بین آنها و نماز او کاری که باعث جنابت می شود صادر شده باشد، غسل جنابت واجب است و احتیاط آن است که برای سجده سهو هم غسل کند. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست .

(مکارم :) مسأله غسل جنابت را هر گاه برای رفع جنابت و پاک شدن انجام دهد مستحب است ، امّا برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود. برای نماز میّت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن (هنگامی که آیه سجده را از دیگری بشنود) غسل جنابت واجب نیست ، بلکه در همان حال نیز انجام این کارها جایز است ، هر چند بهتر است که برای نماز میّت و سجده شکر و امثال آن غسل کند.

[مسأله ۳۵۸ لازم نیست در وقت غسل نیت کند]

مسأله ۳۵۸ لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می کنم و اگر (۱) فقط به قصد قربت ، یعنی : برای انجام فرمان خداوند عالم (۲) غسل کند کافی است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) بلکه اگر .. (۲) زنجانی (:) برای خداوند عالم ..

(سیستانی :) مسأله لازم نیست در وقت غسل نیّت کند که غسل واجب می کند، بلکه اگر فقط به قصد قربت ، یعنی برای تذلّل در پیشگاه خداوند عالم غسل کند، کافی است .

[مسأله ۳۵۹ اگر یقین کند وقت نماز شده]

مسأله ۳۵۹ اگر یقین کند وقت نماز شده و نیّت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده ، غسل او صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (مکارم :) هم چنین اگر به نیّت نماز واجب غسل کند بعد معلوم شود وقت گذشته بوده است غسل او صحیح می باشد.

[در کیفیت غسل]

[مسأله ۳۶۰ غسل را چه واجب باشد و چه مستحب به دو قسم می شود]

اشاره

مسأله ۳۶۰ غسل را چه واجب باشد و چه مستحب (۱)، به دو قسم می شود انجام داد: ترتیبی و ارتماسی (۲). (۱) (سیستانی :)

غسل جنابت را .. (۲) (بهجت :) و غسل ترتیبی أفضل از ارتماسی است .

غسل ترتیبی

[مسأله ۳۶۱ در غسل ترتیبی]

مسأله ۳۶۱ در غسل ترتیبی بایـد به نیّت غسل ، اول سـر و گردن ، بعـد (۱) طرف راست بعـد طرف چپ بدن را بشوید (۲). و اگر عمداً یا از روی فراموشـی یا به واسـطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است (۳). (۱) (صافی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (بهجت :) ولی چنانچه قصد قربت داشته ، و آن چه را که مقدّم داشته اعاده نمایـد غسـل صـحیح است ، و احتیاط واجب رعایت ترتیب در هر عضو از غسل ترتیبی است ، به این صورت که از بالا شـروع کند و به قسمتهای پایین عضو ختم کند.

(صافی :) در صورتی که سر و گردن را اول نشوید باطل است ، و اگر طرف چپ را پیش از طرف راست بشوید بنا بر احتیاط غسلش باطل است .

(خوئی :) مسأله در غسل ترتیبی بایـد به نیّت غسل ، اول سر و گردن بعد بدن را بشوید و بهتر آن است که اول طرف راست بعد طرف چپ بـدن را بشویـد (و تحقق غسـل ترتیبی به حرکت دادن هر یک از اعضاء سه گانه زیر آب به قصد غسل بی اشکال نیست و احتیاط در اکتفا نکردن به او است) و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله بدن را قبل از سر بشوید غسل او باطل است .

(سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم اوّل تمام سر و گردن ..

(زنجانی :) بهتر بلکه مطابق احتیاط استحبابی ..

(تبریزی :) با حرکت دادن اعضاء بدن زیر آب به قصد غسل ترتیبی ، غسل محقق نمی شود ..

(سیستانی :) و اگر عمداً بدن را قبل از پایان یافتن غسل تمام سر و گردن بشوید، بنا بر احتیاط، غسل او باطل است .

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست]

[مسأله ۳۶۲ نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن بشوید]

مسأله ۳۶۲ نصف ناف و نصف عورت را بایـد با طرف راست بـدن و نصف دیگر را بایـد با طرف چپ بشویـد (۱)، بلکه بهتر است تمـام نـاف و عورت بـا هر دو طرف شسته شود. این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، زنجانی و سیستانی نیست (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

مسأله اختصاصی

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۳۶۸ (سیستانی :) مسأله ۳۶۱ در صورتی که بـدن را قبل از سر بشوید لازم نیست غسل را اعاده کند بلکه چنانچه بدن را دوباره (خوئی : پیش از آن که حدثی از او سر بزند) بشوید، غسل او صحیح خواهد بود.

[مسأله ۳۶۳ برای آن که یقین کند]

مسأله ۳۶۳ برای آن که یقین کند هر سه قسمت (۱)، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را (۲) کاملًا غسل داده ،

باید هر قسـمتی را که می شوید مقداری از قسمتهای دیگر را هم با آن قسمت بشوید (۳). بلکه احتیاط مستحب (۴) آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بـدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید. (۱) (خوئی ، تبریزی :) هر دو قسـمت .. (۲) (خوئی :) سـر و گردن و بدن را .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، بهجت ، نوری :) بقیه مسـأله ذکر نشـده . (۴) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط ..

(زنجانی :) مسأله در هر دو قسمت ، یعنی سر و گردن و بدن باید یقین کند که آن قسمت را کاملًا شسته است .

(سیستانی :) مسأله اگر یقین نکند که هر دو قسمت یعنی سر و گردن و بدن را کاملًا غسل داده باید برای آن که یقین کند، هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت دیگر را هم با آن قسمت بشوید.

[مسأله ۳۶۴ اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته]

مسأله ۱۳۶۴اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند. (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) دوباره شستن سر لازم نیست و فقط هر جایی را از بدن که احتمال می دهد نشسته ، باید بشوید.

(زنجانی :) مسأله اگر بعد از غسل بفهمد که جایی را نشسته و نداند از بدن است یا سر و گردن بنا بر احتیاط قسمتی از سر را که احتمال می دهد نشسته ، بشوید و سپس دوباره همه بدن را بشوید.

[مسأله ۳۶۵ اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته]

مسأله ۱۳۶۵اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته (۱)، چنانچه از طرف چپ باشد، شستن همان مقدار کافی است . و اگر از طرف راست باشد باید (۲) بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. (۳) و اگر از سر و گردن باشد باید (۴) بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید. (۵) (۱) (بهجت :) ولی هنوز چیزی که وضو را باطل می کند از او سر نزده است .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که ..

(مکارم :) احتیاط آن است که .. (۳) (زنجانی :) و اگر بفهمد مقداری از سر و گردن را نشسته باید بعد از شستن آن مقدار دوباره بدن را بشوید.

(بهجت :) بنا بر أظهر در اعتبار ترتیب سر با دو جانب و أحوط در ترتیب بین دو جانب و أظهر در عدم اعتبار ترتیب از بالا به پایین در حال نسیان .. (۴) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۵) (بهجت :) و اگر در اثناء غسل چیزی که وضو را باطل می کند از او سر زده ، احتیاط در این است که غسل را دو مرتبه به طور کامل انجام دهد و برای نماز و کاری که برای آن وضو لازم است وضو بگیرد.

(خوئی ، سیستانی :) دوباره بدن را بشوید.

[مسأله ۳۶۶ اگر پیش از تمام شدن غسل]

اشاره

مسأله ۱۳۶۶اگر پیش از تمام شدن غسل ، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است (۱). ولی اگر بعـد از اشـتغال به شسـتن طرف چپ در شسـتن طرف راست یا مقداری از آن شک کند یا بعد از اشـتغال به شسـتن طرف راست در شسـتن سر و گردن یا مقداری از آن شک نماید نباید (۲) اعتنا کنـد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر در شسـتن مقداری از طرف راست شک کند، باید بعد از شسـتن آن مقدار، طرف چپ را هم بشوید و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شک کند، باید بعد از شستن آن ، دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید، و اگر بعـد از تمام شـدن طرف چپ شک کنـد که یکی از اعضای سابق یا مقـداری از آن را شسـته یا نه ، به آن شک اعتناء نکند.

(۲) (فاضل :) لازم نیست ..

(خوئی :) مسأله اگر پیش از تمام شـدن ِغسل ، در شسـتن مقداری از طرف چپ یا طرف راست شك كند، لازم است كه آن مقدار را بشوید و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك كند شكّش غیر معتبر و غسلش صحیح است .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك كند باید بعد از شستن آن ، بدن را نیز بشوید.

(سیستانی :) اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك كند، بنا بر احتیاط لازم باید بعد از شستن آن ، دوباره بدن را بشوید.

(تبریزی :) اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك كند، باید بنا بر احتیاط به شك خود اعتنا كند.

(مكارم :) مسأله اگر بعد از تمام شدن غسل ، شك ّ كند كه اعضاء را درست شسته یا نه ، اعتناء نكند.

غسل ارتماسی

[مسأله ۳۶۷ غسل ارتماسی]

مسأله ۳۶۷ در غسل ارتماسـی اگر به نیّت غسل ارتماسـی به تدریـج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صـحیح است (۱) و احتیـاط آن است كه یك دفعه زیر آب رود. (۱) (بهجـت :) و احتیـاط آن است كه از اوّل فرو رفتن در آب ، نیّت غسل كردن را داشته باشد به آن چه غسل ارتماسی با آن محقّق و تمام می شود و أظهر كفایت نیّت در حال فرو رفتن مجموع بدن در آب است .

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) مسأله در غسل ارتماسی بایـد در یك آن ، آب تمام بـدن را فرا بگیرد، پس اگر به نیّت غسل ارتماسی در آب فرو رود چنانچه پای او روی زمین باشد باید از زمین بلند كند.

(اراكی ، فاضل :) مسأله در غسل ارتماسـی باید آب در یك آن ، تمام بدن را بگیرد، پس اگر به نیت غسل ارتماسی یك باره یا به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است .

(سیسـتانی :) مسأله غسل ارتماسـی به دو نحو انجام می گیرد: دفعی و تـدریجی . در غسل ارتماسـی دفعی ، بایـد در یك آن ، آب تمام بدن را فرا بگیرد، ولی معتبر نیست كه قبل از شروع در غسل تمام بدن بیرون آب باشد بلكه اگر مقداری از آن بیرون باشـد و به نیّت غسل در آب فرو رود كفایت می كنـد. در غسل ارتماسـی تـدریجی بایـد بـدن را به نیّت غسل تدریجاً با حفظ وحدت عرفی در آب فرو بَرَد و در این قسم لازم است كه هر عضو قبل از غسل دادن آن بیرون آب باشد.

(مكارم :) مسأله غسل ارتماسـی آن است كه بعد از نیّت ، تمام بدن را یك دفعه یا به تدریج در آب فرو می برد، خواه در مثل

حوض و استخر باشد و یا زیر آبشاری که آب آن یک مرتبه تمام بدن را فرا می گیرد، امّا غسل ارتماسی زیر دوش معمولی ممکن نیست .

[مسأله ۳۶۸ در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد]

مسأله ۳۶۸ در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد (۱) و بعد از نیّت غسل ، بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است .(۲)

(۱) (اراکی :) و نیّت غسل کند، کفایت می کند و نیازی به حرکت دادن بدن نمی باشد. (۲) (فاضل :) ولی احتیاط مستحب این است که بیشتر بدن خارج از آب باشد و پس از نیت زیر آب رود. (سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۳۶۷).

(گلپایگانی :) مسأله در غسل ارتماسی لازم نیست موقعی نیّت کند که مقداری از بدن بیرون آب باشد بلکه اگر در حالتی که تمام بدن زیر آب باشد، نیّت کند و بدن را حرکت دهد، کافی است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله در غسل ارتماسی بنا بر احتیاط واجب باید موقعی نیّت کند که مقداری از بدن بیرون آب باشد.

(زنجانی :) مسأله در غسل ارتماسی بنا بر احتیاط مستحب موقعی نیت کند که مقداری از بدن بیرون آب باشد، و اگر در هنگامی که در آب قرار گرفته به قصد غسل ارتماسی بدن را حرکت دهد تا آب جدیدی به بدن برسد یا به حرکت خودِ آب ، آب جدیدی به بدن برسد و نیت غسل ارتماسی کند کفایت می کند، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است .

(مکارم :) مسأله هر گاه مقداری از بدن بیرون آب باشد و نیّت غسل ارتماسی کند و در آب فرو رود کافی است ، امّا اگر تمام بدن زیر آب باشد و آن را تکان دهد مشکل است .

(صافی :) مسأله در غسل ارتماسی احتیاط این است که موقعی نیت کند که مقداری از بدن بیرون آب باشد.

[مسأله ۳۶۹ اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده]

مسأله ۳۶۹اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده ، (چه جای آن را بداند یا نداند (۱)) باید دوباره غسل کند. (۲) (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب دوباره غسل کند؛ ولی بنا بر اقوی تمام یا قسمتی از سر و گردن را که می داند شسته است ، لازم نیست دوباره بشوید.

(بهجت :) مسأله اگر بلا فاصله بعد از غسل ارتماسی بفهمد که به جائی از بدن آب نرسیده اگر جای آن را بداند، شستن همان مقدار کافی است ، و اگر جای آن را نداند یا بعد از مدتی متوجه شود، باید دوباره غسل کند.

[مسأله ۳۷۰ اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد]

مسأله ۳۷۰اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۳۷۱ کسی که روزه واجب گرفته]

مسأله ۳۷۱ کسی که روزه واجب گرفته (۱) یا برای حج یا عمره احرام بسته نمی تواند غسل ارتماسی کند (۲) ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) کسی که روزه ای گرفته که واجب معیّن است .. (۲) (سیستانی :) کسی که برای حج ّ یا عمره احرام بسته نباید غسل ارتماسی کند ..

(زنجانی :) مسأله کسی که روزه ماه رمضان گرفته چه پیش از ظهر چه بعد از آن ، یا قضای ماه رمضان را گرفته ، با تفصیلی که در مسأله [۱۷۰۰] خواهد آمد، یا برای حج یا عمره احرام بسته ، نباید غسل ارتماسی کند. و اگر بدون عذر غسل ارتماسی کند بنا بر احتیاط واجب غسل او باطل می باشد و در این حکم فرق بین زن و مرد نیست ولی اگر کسی به جهت عذری چون فراموشی یا ندانستن مسأله بدون تقصیر غسل ارتماسی کند غسلش صحیح است .

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که کسی که روزه واجب گرفته ، یا برای حج یا عمره احرام بسته ، غسل ارتماسی نکند و سر خود را زیر آب فرو نبرد، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است و ضرر به روزه و احرام او نمی زند.

مسائل اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۳۸۵ در غسل ارتماسی باید پاها را نیز از زمین بلند کند تا آب به زیر آن برسد.

(مکارم :) مسأله ۳۸۸ در غسل ترتیبی می تواند سه بار در آب فرو رود: یک بار به نیّت سر و گردن ، دیگری به نیت طرف راست و دیگری را به نیّت طرف چپ .

احکام غسل کردن

[مسأله ۳۷۲ در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد]

مسأله ۳۷۲ در غسل ارتماسی باید (۱) تمام بدن پاک باشد (۲) ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست . و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است (۳). (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۲) (بهجت :) مگر این که در آن ِواحد هم بدن پاک شود و هم غسل انجام گیرد .. (۳) (بهجت :) ولی پاک بودن تمام بدن قبل از شروع در غسل ، مطلقاً، موافق احتیاط است .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) مسأله در غسل ارتماسی یا ترتیبی پاک بودن تمام بدن پیش از غسل لازم نیست ، بلکه اگر به فرو رفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل ، بدن پاک شود غسل محقّق می شود (سیستانی : به شرط آن که آبی که با آن غسل می کند از پاک بودن خارج نشود مثلًا با آب کر غسل کند).

[مسأله ۳۷۳ عرق جنب از حرام نجس نیست]

مسأله ۳۷۳ عرق جنب از حرام نجس نیست (۱) و کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم هم غسل کند صحیح است (۲).

این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) نجس بودن عرق جنب از حرام محل-اشکال است .. (۲) (مکارم :) ولی بهتر است با آب ملایم غسل کند که عرق ننماید.

(گلپایگانی :) مسأله گذشت که عرق جنب از حرام نجس نیست ولی بنا بر قول به نجاست آن ، کسی که از حرام جنب شده و اگر بخواهد با آب گرم غسل کند عرق می کند، باید با آب سرد

غسل کند و اگر آب سرد پیدا نکند یا برای او ضرر داشته باشد، نمی تواند در بیرون آب غسل ترتیبی کند و چنانچه بعد از آن که تمام بـدن زیر آب رفت ، نیّت غسل ترتیبی کنـد و به نیّت سـر و گردن بـدن را حرکت دهـد بعـد یک مرتبه به نیّت طرف راست و مرتبه دیگر به نیّت طرف چپ ، بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است .

(خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله کسی که از حرام جُنُب شده چنانچه با آب گرم غسل کند اگر چه عرق می کند غسل او صحیح است (خوئی ، زنجانی : و احتیاط مستحب ّ آن است که با آب سرد غسل کند).

(صافی :) مسأله گذشت که عرق جُنُب از حرام نجس نیست ، بنا بر این اگر با آب گرم غسل کنـد، غسل او صـحیح است و احتیاط مستحب آن است که با آب سرد غسل کند.

(تبریزی :) مسأله کسی که از حرام جُنُب شده و بخواهد با آب گرم غسل کند عرق می کند، مانعی ندارد.

[مسأله ۳۷۴ اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند]

مسأله ۳۷۴ اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، (۱) غسل باطل است ، ولی شستن جاهایی از بـدن که دیده نمی شود، مثل توی گوش و بینی ، واجب نیست . (۲) (۱) (بهجت :) اگر در غسل مقداری از بدن نشسته بماند ..

(مکارم :) هر گاه مختصری از بدن شسته نشود .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) شستن مثل توی گوش و بینی و هر چه از باطن شمرده می شود، واجب نیست .

(زنجانی :) مسأله در غسل بایـد تمام بـدن شسته شود، حتی نبایـد سـر مویی از بـدن نشسـته بمانـد؛ (البتّه نبایـد به وسوسه های شیطانی اعتنا کرد) ولی شستن مثل داخل بینی و هر چه از باطن شمرده می شود، واجب نیست .

[مسأله ۳۷۵ جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است]

مسأله ۳۷۵ جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن ، شستن آن لازم نیست (۱)، ولی احتیاط در شستن است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) شستن آن لازم است . (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید بشوید.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه قبلًا از ظاهر بوده باید بشوید و الّا واجب نیست .

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب لازم نیست بشوید مگر این که سابقاً باطن بوده و خارجاً شک شود که آیا ظاهر شده یا نه که در این صورت شستن آن لازم نیست .

(سیستانی :) باید آن را بشوید.

[مسأله ۱۳۷۶ اگر سوراخ جای گوشواره]

مسأله ۱۳۷۶اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود (۱)، باید آن را شست و اگر دیده نشود (۲) شستن داخل آن لازم نیست . این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (فاضل :) و جزء ظاهر بدن به حساب آید ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) که داخل آن از ظاهر شمرده شود باید آن را شست . و گر نه شستن آن لازم نیست . (۲) (فاضل :) و جزء ظاهر بدن محسوب نشود ..

[مسأله ۳۷۷ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است]

مسأله ۳۷۷ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است ، باید برطرف کند (۱) و اگر پیش از آن که یقین کند (۲) برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است . (۳) (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) و اگر احتمال عقلایی می دهد مانعی باشد، باید وارسی کند تا مطمئن شود مانعی نیست . (۲) (سیستانی :) پیش از آن که مطمئن شود .. (۳) (فاضل :) غسل او مجزی نیست .

(زنجانی :) نمی تواند به آن غسل اکتفا کند؛ ولی چنانچه غسل را رجاءً انجام داده باشد و پس از غسل مطمئن شود که مانع برطرف شده بوده ، غسل او صحیح است .

[مسأله ۳۷۸ اگر موقع غسل شک کند]

مسأله ۳۷۸ اگر موقع غسل شک کند (۱)، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه ، (چنانچه شکّش منشأ عقلایی داشته باشد (۲)) باید (۳) وارسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست . (۴) (۱) (سیستانی :) اگر موقع غسل احتمال عقلائی بدهد .. (۲) (نوری :) چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی ، صافی و زنجانی نیست] (۳) (بهجت :) باید بنا بر احوط .. (۴) (بهجت :) و اگر وارسی نکرد و پس از غسل معلوم شد مانعی نبوده و قصد قربت داشته غسل صحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۷۷.

[مسأله ۳۷۹ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود بشوید]

مسأله ۳۷۹ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و بنا بر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می باشد. (۱) (۱) (اراکی :) شستن موهای بلند واجب نیست .

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) شستن موهای بلند واجب نیست ، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ، شستن موهای بلند و زیر آنها هر دو لازم است .

(بهجت :) مسأله لزوم شستن موهای کوتاه که پوست از لای آنها دیده می شود در موقع غسل کردن خالی از قوّت نیست ، ولی موهای بلند لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله در غسل شستن موهای بلند لازم نیست بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که موها تر نشود، غسل صحیح است ؛ ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید تا آب به بدن برسد.

[مسأله ۳۸۰ تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد]

مسأله ۳۸۰ تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد مثل : پاک بودن آب و غصبی نبودن (۱) در صحیح بودن غسل هم شرط است (۲) ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید (۳) و نیز در غسل ِ ترتیبی ، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت ،

فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدّتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. (۴) ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر (۵) به اندازه ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی آید (۶)، (چنانچه وقت تنگ باشد (۷))، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. و هم چنین است حکم زن مستحاضه که بعداً گفته می شود. (۱) (بهجت :) مثل پاک بودن آب .. (۲) (زنجانی :) تمام شرطهایی که برای صحیح بودن ِ وضو به نحو فتوا یا احتیاط (از هر قسم) گفته شد، در صحیح بودن ِ غسل هم به همان گونه شرط است .. (۳) (بهجت :) اما در ترتیبی ، أحوط است .. (۴) (فاضل :) مگر زن مستحاضه که حکم آن بعداً گفته می شود. [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) در غسل ترتیبی ، لازم نیست بعد از شستن ِ سر و گردن فوراً بدن را بشوید، پس اگر بعد از شستن سر و گردن صبر کند و بعد از مدّتی (زنجانی : مدت زیادی) بدن را بشوید (تبریزی : طرف راست و چپ را بشوید) اشکال ندارد، بلکه لازم نیست تمام سر و گردن یا بدن را یک مرتبه بشوید، پس جایز است مثلًا سر را شسته و بعد از مدّتی (زنجانی : مدت زیادی) گردن را بشوید .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) اگر در تمام وقت .. (۶) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) باید فوراً غسل کند و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. [پایان مسأله] (زنجانی :) در صورتی که وقت تنگ باشد که نتواند پس از غسل وضو بگیرد، لازم است فوراً بدون فاصله غسل کند و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند و در غیر این صورت لازم نیست فوراً غسل کند. [پایان مسأله] (۷) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی و صافی نیست] (مکارم :) مسأله شرایطی که برای وضو گفته شد مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست که از بالا به پایین بشوید و فاصله افتادن میان شستن اعضا در غسل ترتیبی نیز اشکالی ندارد، مگر در مورد کسی که نمی تواند بول و غائط خود را حفظ کند که باید پشت سر هم به جا آورد و فوراً نماز بخواند، هم چنین در زن مستحاضه .

[مسأله ۳۸۱ کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد]

مسأله ۳۸۱ کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون این که بداند حمامی راضی است ، بخواهد نسیه بگذارد (۱)، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط، غسل او باطل است ؛ هم چنین اگر قصد دارد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمّامی بدهد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) کسی که پول حمّامی را بدون این که بداند حمامی راضی است بخواهد نسیه بگذارد .. (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب .

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) مگر آن که از راضی نبودن حمّامی غافل باشد و قربةً إلی اللّه غسل کند که در این صورت غسل صحیح است و ضامن أجره المثل است .

[مسأله ۳۸۲ اگر حمّامی راضی باشد که پول حمّام نسیه بماند]

مسأله ۳۸۲ اگر حمّامی راضی باشد که پول حمّام نسیه بماند ولی کسی که غسل می کند قصدش این باشد که طلب او را ندهد، (۱) یا از مال حرام بدهد غسل او صحیح است . (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب غسل او باطل است ، ولی اگر بخواهد طلب او را از مال حرام بدهد در بسیاری از موارد که حمامی حرام بودن مال را نمی داند، چون حمامی راضی است پولی به دست او برسد که به حسب ظاهرِ حکم شرع حلال بوده ، غسل او صحیح است ولی اگر به این نحو هم راضی نباشد بنا بر احتیاط مستحب غسل او باطل است . (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، فاضل :) غسل او باطل است .

(گلپایگانی ، اراکی ، صافی ، نوری :) غسل او اشکال دارد (گلپایگانی ، صافی : مگر این که بداند، حمّامی با این وصف هم راضی به غسل هست یا با غفلت از راضی بودن حمّامی غسل کند که در هر دو صورت غسل صحیح است). (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۸۱.

[مسأله ۳۸۳ اگر بخواهد پول حرام به حمامی بدهد]

مسأله ۳۸۳ اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر یقین دارد که حمّامی با این وصف راضی به غسل است یا با غفلت از رضایت حمّامی غسل کند، غسلش صحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۳۸۱).

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله اگر (زنجانی : در حمام غسل کند و سپس) پولی را که خمس آن را نداده به حمّامی بدهد اگر چه مرتکب حرام شده ، ولی ظاهر این است که غسل او صحیح باشد (خوئی ، تبریزی ، سیستانی : و ذمّه اش به مستحقّین خمس مشغول می شود).

[مسأله ۳۸۴ اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند]

اشاره

مسأله ۱۳۸۴اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کنـد و پیش از غسل شک کنـد که چون در خزینه تطهیر کرده حمّامی به غسل کردن او راضـی است یا نه ، غسل او باطل است ، مگر این که پیش از غسل حمّامی را راضـی کند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، سیستانی و مکارم نیست

مسائل اختصاصی

(گلپایگـانی ، صافی :) مساله (۳۹۰) اگر کسـی در موقع غسل بیش از حدّ متعارف آب مصـرف نماید و شک داشـته باشد که آیا حمّامی راضی است یا نه ، غسل او باطل است مگر این که پیش از غسل از حمّامی اذن بگیرد.

(زنجانی :) مسأله ۳۹۰اگر شخصی در هنگام شستشو بیش از حدّ متعارف آب مصرف کند

و پیش از غسل شک کند که چون آب زیاد مصرف کرده حمامی به غسل کردن او راضی است یا نه غسل او بنا بر احتیاط مستحب باطل است .

(مکارم :) مسأله ۳۹۶ کسی که زیادتر از معمول در حمّام آب می ریزد، غسل او اشکال دارد، مگر این که تصمیم داشته باشد حمّامی را با پول اضافی راضی کند.

[مسأله ۳۸۵ اگر شک کند که غسل کرده یا نه]

مسأله ۳۸۵ اگر شک کند که غسل کرده یا نه ، باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شک کند، که غسل او درست بوده یا نه (۱)، لازم نیست دوباره غسل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که احتمال بدهد که وقت غسل ملتفت بوده و صحیح به جا آورده ..

(زنجانی :) در صورتی که احتمال بدهد که وقت غسل ملتفت به شرایط صحت غسل بوده ..

[مسأله ۳۸۶ اگر در بین غسل حَدَث اصغر از او سر زند]

مسأله ۳۸۶ اگر در بین غسل حَدَث اصغر از او سر زند، مثلًا بول کند، غسل باطل نمی شود (۱). (۱) (اراکی :) ولی اگر غسل جنابت باشد باید مانند سایر غسلها برای نماز وضو هم بگیرد.

(خوئی :) باید غسل را رها کرده و غسل دیگری بنماید و چنانچه بخواهد غسل ترتیبی نماید بنا بر احتیاط مستحبّی وضو هم بگیرد.

(گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) می تواند غسل را تمام نماید و بعد وضو بگیرد؛ و بهتر آن است که غسل را احتیاطاً از سر بگیرد به قصد آن چه بر ذمّه او است از اتمام یا اعاده ؛ لکن وضو بعد از غسل در این صورت هم واجب است . (نوری :) ولی بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد.

(زنجانی :) غسل او صحیح است ، ولی باید پس از غسل وضو هم بگیرد و احتیاط مستحب آن است که غسل را نیز مجدداً اعاده کند.

(سیستانی :) لازم نیست غسل را رها کرده و غسل دیگری بنماید بلکه می تواند غسل خود را تمام نماید و بنا بر احتیاط لازم باید وضو هم بگیرد، ولی اگر از غسل ترتیبی به ارتماسی و یا از ارتماسی به ترتیبی عدول نماید، لازم نیست وضو هم بگیرد.

(بهجت :) اتمام غسل لازم نیست ، بلکه کافی است که به قصد وظیفه واقعیّه (اعم از تمام یا اتمام) غسل را دوباره از سر شروع کند و بنا بر احتیاط برای نماز و کاری که وضو لازم دارد وضو بگیرد.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید غسل را از سر گیرد و برای نماز و مانند آن ، وضو نیز بگیرد.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط باید غسل را از سر بگیرد و برای نماز وضو هم بگیرد.

[مسأله ۳۸۷ هر گاه به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد]

مسأله ۳۸۷ هر گاه به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند (۱)، اگر چه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) برای خصوص آن نماز غسل کند و معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز وقت داشته ، غسل او اشکال دارد ولی اگر به قصد طهارت از جنابت ، غسل کرده که بعد نماز هم بخواند غسلش صحیح است اگر چه معلوم شود هیچ وقت نداشته است .

(اراکی :) به قصد همان نماز غسل کند، بدین معنی که اگر نمی خواست نماز بخواند،

غسل نمی کرد، اگر بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او باطل است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۵۹.

(خوئی :) مسأله اگر از جهت ضیق وقت وظیفه مکلّف تیمّم بوده ، ولی به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد غسل کند در صورتی که با خود غسل ، قصد قربت کرده باشد، غسل او صحیح است بلکه اگر برای نماز غسل نموده باشد غسل او نیز صحیح است .

(تبریزی ، زنجانی :) غسل او صحیح است (زنجانی : چه با خودِ غسل قصد قربت کرده باشد یا به قصد طهارت یا برای نماز غسل نموده باشد).

(سیستانی :) هر چند برای انجام نماز غسل نموده باشد.

[مسأله ۳۸۸ کسی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه]

مسأله ۳۸۸ کسی که جنب شده اگر شک کند (۱) غسل کرده یا نه نمازهایی را که خوانده (۲) صحیح است ، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند (۳). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی ، زنجانی :) اگر بعد از خواندن نماز شک کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه احتمال بدهد که وقت شروع به نماز ملتفت بوده .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و در صورتی که بعد از نماز حدث اصغر از او صادر شده باشد لازم است وضو هم بگیرد و اگر وقت باقی است (سیستانی : بنا بر احتیاط لازم) نمازی را که خوانده اعاده نماید.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط برای نمازهای بعد باید غسل کند و اگر پس از نماز حدث اصغر از او سر زده باشد لازم است برای نمازهای بعد وضو هم بگیرد.

[مسأله ۳۸۹ کسی که چند غسل بر او واجب است]

مسأله ۳۸۹ کسی که چند غسل بر او واجب است می تواند به نیّت همه آنها یک غسل به جا آورد (۱)، یا آنها را جدا جدا انجام دهد (۲). (۱) (خوئی ، سیستانی :) و ظاهر ((تبریزی :) و أظهر) این است که اگر یکی معیّن از آنها را قصد کند، از بقیه کفایت می کند.

(زنجانی :) بلکه اگر یکی معین را نیت کند ظاهراً از دیگر غسلها کفایت می کند پس اگر بخواهد غسلها را جدا جدا انجام دهد، غیر از غسل ِاول ، بقیه غسلها را به نیت رجاء انجام دهد. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) ولی اگر در بین آنها، غسل جنابت باشد و به قصد آن غسل کند غسلهای دیگر ساقط می شود.

(مکارم :) مسأله چند غسل واجب ، یا واجب و مستحب ّرا می توان با یک نیّت انجام داد، یعنی یک غسل کند به نیّت جنابت و حیض و مس ّمیّت و غسل جمعه و مانند آن و از همه کفایت می کند.

[مسأله ۳۹۰ کسی که جنب است]

مسأله ۳۹۰ کسی که جنب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد و اگر بخواهد غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر بر جایی از بـدن ، آیه قرآن یا اسم خداونـد متعال نوشـته شـده باشـد بنا بر احتیاط واجب اگر ممکن است بایـد آن را از بین ببرد و اگر ممکن نیست ، بایـد وضو و غسـل را ارتماسـی انجام دهـد و چنانچه بخواهـد وضو یا غسل را ترتیبی به جا آورد، باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر برجایی از بدن آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشـته شده باشد، چنانچه بخواهد وضو یا غسل را ترتیبی به جا آورد باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

(زنجانی :) اگر برجایی از بدن آیه قرآن نوشته شده باشد ..

(زنجانی :) هم چنین است بنا بر احتیاط اگر برجایی از بـدن اسم خداونـد متعال یا صـفات خاصه او نوشـته شده باشد، و در هر صورت احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان آن را از بین ببرد.

(فاضل :) مسأله اگر روی بدن شخصی آیه قرآن یا اسم خداوند نوشته شده باشد یا خالکوبی شده باشد قبل از جُنب شدن باید آن را پاک کنـد و الّا بعـد از جنُب شـدن واجب است فوراً غسل کند و باید مراقب باشد که هنگام غسل کردن دست روی آن نکشد و فقط آب روی آن جاری کند.

(سیستانی :) مسأله اگر به جایی از بدن ، آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، چنانچه بخواهد غسل را ترتیبی به جا آورد، بایـد آب را طوری بر بـدن برساند که دست او به نوشـته نرسد. و هم چنین اگر بخواهد وضو بگیرد در مورد آیه قرآن ، بلکه در مورد اسم خداوند نیز بنا بر احتیاط واجب .

[مسأله ۳۹۱ کسی که غسل جنابت کرده]

مسأله ۳۹۱ کسـی که غسـل جنابت کرده ، نبایـد برای نماز وضو بگیرد (۱) ولی با غسـلهای دیگر نمی شود نماز خوانـد و باید وضـو هم گرفت . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، نوری :) بلکه با غسـلهای دیگرِ واجب غیر از غسل اسـتحاضه متوسـطه و با غسـلهای مستحبّ که در مسأله [۶۴۴] می آیـد، نیز می توانـد بـدون وضو نماز بخوانـد اگر چه احتیاط مسـتحبّ آن است که وضو هم بگیرد.

(زنجانی :) البته در صورتی که احتمال عدم صـحت غسل انجام شده را بدهد می تواند رجاءً وضو بگیرد و با غسـلهای واجب ِ دیگر غیر از غسل اسـتحاضه یا غسـلهای مسـتحب که استحباب آن ثابت است و تفصیل آن در مسأله [(۶۴۴)] می آید نیز می تواند بدون وضو نماز بخواند اگر چه احتیاط مسـتحب آن است که وضو هم بگیرد. و در غسلهایی که می باید رجاءً انجام داد باید وضو گرفت .

(فاضل :) بلکه با غسلهای واجب ِ دیگر غیر از غسل استحاضه متوسطه ، نیز می تواند بدون وضو نماز بخواند اگر چه بهتر است

وضو هم بگیرد.

(مکارم :) مسأله با هر غسلی می توان نماز خواند و وضو واجب نیست ، خواه جنابت باشد یا غیر آن ، واجب باشد یا مستحب ّ ولی احتیاط مستحب ّ آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.

احکام غسل جنابت (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[مسائلی در غسل جنابت]

[س ۱۶۷ آیا شخص جنب می تواند در صورت تنگی وقت با تیمم نماز بخواند]

س ۱۶۷: آیا شخص جنب می توانـد در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بـدن و لباس نماز بخوانـدیا این که بایـد بعـد از تطهیر و غسل ، نماز را قضا نماید؟

ج : اگر وقت به مقداری نیست که بدن و لباسش را تطهیر کند و یا لباس خود را عوض نماید و به علت سردی هوا و مانند آن نمی توانـد نماز خود را برهنه هم بخوانـد، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی است و قضای آن بر او واجب نیست .

[س ۱۶۸ رسیدن منی به داخل رحم]

س ۱۶۸: آیا رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول ، سبب جنابت زن می شود؟

ج : در این صورت جنابت محقق نمی شود.

[س ۱۶۹ زنان پس از انجام معاینات داخلی]

س ۱۶۹: آیا بر زنان پس از انجام معاینات داخلی با وسائل طبی غسل واجب می گردد؟

ج : تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست .

[س ۱۷۰ اگر دخول به مقدار حشفه صورت بگیرد]

س ۱۷۰: اگر دخول به مقـدار حشـفه صورت بگیرد، ولی منی خارج نشود و زن نیز به مرحله اوج لذت نرسد، آیا غسل فقط بر زن واجب است یا فقط بر مرد یا بر هر دو؟

ج : با تحقق دخول ، و لو به مقدار حشفه ، غسل بر هر دو واجب است .

[س ۱۷۱ احتلام زنان]

[س ۱۷۱ احتلام زنان]

س ۱۷۱: در مورد احتلام زنان ، در چه صورتی غسل جنابت بر آنان واجب می شود؟ و آیا رطوبتی که هنگام ملاعبه و شوخی با هم سر از آنان خارج می شود، حکم منی را دارد؟ و آیا بدون سست شدن بدن و رسیدن به اوج لذت ، غسل بر آنها واجب می شود؟ بطور کلی در زنان بدون نزدیکی ، جنابت چگونه تحقق می یابد؟

ج : اگر زن به اوج لـذت جنسـی برسد و در آن حال مایعی از او خارج شود جنابت محقق شده و غسل بر او واجب می شود و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد، غسل واجب نیست .

[س ۱۷۲ خواندن کتاب که موجب تحریک شهوت می شود]

س ۱۷۲: آیا خواندن کتاب و یا دیدن فیلمهائی که موجب تحریک شهوت می شود، جائز است ؟

ج : جایز نیست .

[س ۱۷۳ زن بعد از نزدیکی همسرش]

س ۱۷۳: اگر زن بعد از نزدیکی هم سرش با وی ، در حالی که منی در رحم او باقی مانده است ، بلا فاصله غسل نماید و بعد از غسل ، منی از رحم خارج شود، آیا غسل او صـحیح است ؟ آیا منی خارج شـده بعد از غسل ، پاک است یا نجس و موجب جنابت مجدد می شود یا خیر؟

ج : غسل او صـحیح است و رطوبتی که بعد از غسل از او خارج می شود، اگر منی باشد نجس است ، ولی اگر منی مرد باشد، باعث جنابت مجدد نمی شود.

[س ۱۷۴ مدتی است که مبتلا به شک در غسل جنابت شده ام]

س ۱۷۴: مدتی است که مبتلا به شک در غسل جنابت شده ام ، به طوری که با هم سـرم نزدیکی نمی کنم . با این حال حالتی غیر ارادی به من دست می دهـد که گمان می کنم غسل جنابت بر من واجب شـده است و حتی هر روز دو یا سه بار غسل می کنم ، و این شک مرا آزار می دهد، تکلیف من چیست ؟

ج : با شک در جنابت حکم جنابت مترتب نمی شود، مگر این که رطوبتی از شـما خارج شود که همراه با علامت های شرعی خروج منی باشد یا یقین به خروج منی داشته باشید.

[س ۱۷۵ آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است]

س ۱۷۵: آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است ، به طوری که مسقط تکلیف زن جنب باشد؟

ج : صحت غسل در فرض مذکور محل اشکال است .

[س ۱۷۶ اگر زن در حال حیض ، جنب یا در حال جنابت حایض شود]

س ۱۷۶: اگر زن در حال حیض ، جنب یا در حال جنابت حایض شود، آیا بعد از پاك شدن از حیض هر دو غسل بر او واجب است ؟ یا این که با حدوث جنابت در حال حیض ، غسل جنابت بر او واجب نیست زیرا در موقع جنابت پاك نبوده است ؟

ج : در هر دو صورت ، علاوه بر غسل حیض ، غسل جنابت هم واجب است ، ولی جایز است که در مقام عمل ، به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احوط این است که نیت هر دو غسل را بنماید.

[س ۱۷۷ در چه صورتی حکم می شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است]

س ۱۷۷: در چه صورتی حکم می شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است ؟

ج : اگر همراه با شهوت ، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد.

[س ۱۷۸ اثر گچ یا صابون بعد از غسل کردن در اطراف ناخن ها]

س ۱۷۸: گاهی اثر گچ یا صابون بعد از غسل کردن در اطراف ناخن های دست و پا مشاهده می شود که در حمام هنگام غسل دیده نمی شد، ولی بعد از خروج از حمام و دقت ، سفیدی صابون یا گچ آشکار می شود. در این حال تکلیف چیست ؟ در حالی که بعضی از افراد هنگام غسل و وضو به این مسأله جاهل هستند و یا توجهی به آن ندارند و با فرض وجود اثر گچ یا صابون یقین به رسیدن آب به زیر آن حاصل نمی شود.

ج : مجرد وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشك شدن اعضاء ظاهر می شود، ضرری به وضو یا غسل نمی رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره شود.

[س ۱۷۹ صحت غسل مشروط به تطهیر بدن از نجاست است]

س ۱۷۹: یکی از برادران می گوید صحت غسل مشروط به تطهیر بدن از نجاست ، قبل از غسل است و اگر تطهیر آن از منی یا غیر آن در اثنای غسل باشد موجب بطلان غسل می شود. بر فرض صحت گفته او و با توجه به این که من جاهل به این مسأله بوده ام ، آیا نمازهای گذشته من باطل بوده و قضای آنها واجب است ؟

ج : پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست ، بلکه پاک بودن هر عضوی هنگام غسل آن کافی است . بنا بر این اگر عضو، قبل از غسل آن ، تطهیر شده باشد، غسل و نمازی که با آن خوانده شده ، صحیح است . ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است و نمازی که با چنین غسلی خوانده ، باطل و قضای آن واجب است .

[س ۱۸۰: آیا رطوبتی که از انسان در حال خواب خارج می شود]

س ۱۸۰: آیا رطوبتی که از انسان در حال خواب خارج می شود، حکم منی را دارد؟ با آن که می دانیم هیچ یک از علامتهای سه گانه (جستن ، شهوت و سستی بدن) را ندارد و شخص هم متوجه آن نمی شود مگر وقتی که بعد از بیداری لباسهای زیر خود را مرطوب ببیند.

ج : اگر علائم سه گانه یا یکی از آنها وجود نداشته باشد و یا شک در آن باشد، حکم منی را ندارد مگر این که از راه دیگری یقین کند که منی است .

[س ۱۸۱ حیاء و واجبات]

س ۱۸۱: جوانی هستم که در خانواده فقیری زندگی می کنم و منی به دفعات زیاد از من خارج می شودو خجالت می کشم از پدرم تقاضای پول حمام بکنم ، در خانه هم حمام نداریم . تقاضا می کنم مرا راهنمایی فرمائید.

ج : در انجام تکلیف شرعی ، حیا معنی ندارد. حیا، عذر شرعی برای ترک واجب نیست . به هر حال اگر غسل جنابت برای شما امکان ندارد، وظیفه شما برای نماز و روزه ، تیمم بدل از غسل است .

[س ۱۸۲ عذر شرعی برای غسل]

س ۱۸۲: این جانب با مشکلی مواجه هستم ، مشکل من این است که شستن بدنم ، هر چند با یک قطره آب ، برای بدنم ضرر دارد، حتی مسح هم همین طور است . هنگام شستن بدنم و لو به مقدار کم ، علاوه بر عوارض دیگر، تپش قلبم زیاد می شود، آیا با این وضعیت برای من جایز است با هم سرم مقاربت نموده و برای چندین ماه تیمم بدل از غسل نمایم و با آن نماز خوانده و داخل مسجد شوم ؟

ج : ترک مقاربت بر شما واجب نیست ، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل ، وظیفه شرعی شما برای اعمال مشروط به طهارت ، تیمم بدل از غسل جنابت است ، و با آن تیمم داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس ّنوشته قرآن کریم و بقیه اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است ، اشکال ندارد.

[س ۱۸۳ استقبال قبله هنگام غسل ِواجب یا مستحب]

س ۱۸۳: استقبال قبله هنگام غسل ِواجب یا مستحب ، واجب است یا خیر؟

ج : استقبال قبله در وقت غسل واجب نیست .

[س ۱۸۴ غسل کردن با غُساله حدث اکبر]

س ۱۸۴: آیا غسل کردن با غُساله حدث اکبر با توجه به قلیل بودن آب و طهارت بدن قبل از غسل ، صحیح است ؟

ج : در فرض مرقوم ، غسل کردن با آن مانعی ندارد.

[س ۱۸۵ از کسی که مشغول غسل جنابت است ، حدث اصغر سر بزند]

س ۱۸۵: اگر از کسی که مشغول غسل جنابت است ، حدث اصغر سر بزند، آیا باید دوباره غسل نماید یا آن که غسل را تمام کند و وضو بگیرد؟

ج : حدث اصغر در اثنای غسل به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند، ولی چنین غسلی

کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند.

[س ۱۸۶ رطوبت غلیظی که شبیه منی است]

س ۱۸۶: اگر رطوبت غلیظی که شبیه منی است و انسان آن را بعد از بول مشاهده می کند، بدون شهوت و اراده از انسان خارج شود، آیا حکم منی را دارد؟

ج : حکم منی بر آن مترتب نیست ، مگر این که یقین به منی بودن آن حاصل شود یا این که هنگام خروج ، علامت های شرعی منی را داشته باشد.

[س ۱۸۷ کسی که غسلهای متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمّه او باشد]

۱۸۷: کسی که غسلهای متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمّه او باشد، آیا یک غسل ، کفایت از غسل های دیگر می کند؟

ج : اگر به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد، کفایت می کند و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند، از بقیه غسلها هم کفایت می کند. اگر چه احتیاط این است که همه آنها را نیّت نماید.

[س ۱۸۸ آیا بقیه غسلها هم کفایت از وضو می کنند]

س ۱۸۸: غیر از غسل جنابت ، آیا بقیه غسلها هم کفایت از وضو می کنند؟

ج : کفایت نمی کنند.

[س ۱۸۹ جریان آب در غسل جنابت]

س ۱۸۹: به نظر شریف جناب عالی آیا در غسل جنابت جریان آب بر بدن شرط است ؟

ج : ملاک ، صدق شستن بدن به قصد غسل است و جریان آب بر بدن شرط نیست .

[س ۱۹۰: کسی که می داند اگر با نزدیکی با هم سرش خود را جنب کند]

س ۱۹۰: کسی که می داند اگر با نزدیکی با هم سرش خود را جنب کند، آبی برای غسل کردن نمی یابدو یا وقت برای غسل و نماز ندارد، آیا می تواند با هم سرش نزدیکی نماید؟

ج : در صورت عجز از غسل ، اگر قدرت بر تیمم داشته باشد، می تواند با هم سرش نزدیکی کند.

[س ۱۹۱ آیا در غسل جنابت مراعات ترتیب شرط است]

س ۱۹۱: آیا در غسل جنابت مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است یا این که باید بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب رعایت شود؟

ج : احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دو طرف بدن نیز با مقدم داشتن طرف راست بر چپ مراعات شود.

[س ۱۹۲ آیا هنگام غسل ترتیبی مانعی دارد ابتدا پشت خود را بشوید]

س ۱۹۲: آیا هنگام غسل ترتیبی مانعی دارد ابتدا پشت خود را شسته و بعد نیت غسل ترتیبی نموده و آن را جا آورم ؟

ج : شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن ، اشکال ندارد. کیفیت غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از تطهیر تمام بدن باید نیت غسل نمود و اول سر و گردن را شست ، و سپس بنا بر احتیاط واجب طرف راست بدن از شانه تا پائین پا، و در مرحله سوم طرف چپ بدن به همان ترتیب باید شسته شود. با رعایت این ترتیب ، غسل به طور صحیح انجام می شود.

[س ۱۹۳ آیا بر زن واجب است هنگام غسل ، اطراف موهایش را هم بشوید]

س ۱۹۳: آیـا بر زن واجب است هنگـام غسل ، اطراف موهایش را هم بشویـد؟ و آیا با توجه به این که آب به تمام پوست سـر رسیده است ، نرسیدن آب هنگام غسل به تمام مو، باعث بطلان غسل می شود؟

ج : بنا بر احتیاط واجب ، باید تمام مو شسته شود.

احکام غسل های باطل

[س ۱۹۴ کسی که به سن تکلیف رسیده ولی جاهل به وجوب غسل می باشد]

س ۱۹۴: کسـی که به سن تکلیف رسـیده ولی جاهل به وجوب غسل و کیفیت آن بوده و بعـد از گـذشت مدتی در حدود ده سال متوجه مسأله تقلید و وجوب غسل بر او شده است ، چه حکمی دارد؟ وظیفه او نسبت به قضای نمازها و روزه های گذشته اش چیست ؟

ج : قضـای نمازهـایی که در حـال جنـابت خوانـده ، بر او واجب است ، و هم چنین قضای روزه هم در صورتی که می دانسـته جنب است ، ولی جاهل به وجوب غسل بر جنب برای روزه گرفتن بوده ، بر او واجب است .

[س ۱۹۵ استمناء]

س ۱۹۵: جوانی بر اثر نادانی قبل از چهارده سالگی و بعـد از آن ، اقدام به اسـتمناء می کرده که بر اثر آن از او منی خارج می شـده ، ولی نمی دانسـته که خروج منی باعث جنابت می شود و باید برای نماز و روزه غسل کند، تکلیف او چیست ؟ آیا برای مدتی که استمناء می کرده و منی از او خارج می شده ، غسل بر او واجب است ؟ آیا نماز و روزه های او از گذشته تا حال که در حال جنابت انجام گرفته باطل بوده و قضای آنها واجب است ؟

ج : برای هر چند بار خروج منی اگر تا به حال غسل نکرده است یک غسل جنابت کافی است ، و باید همه نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده است ، قضا نماید. و اگر در شبهای ماه رمضان جاهل به اصل جنابت بوده ، روزه های او قضا ندارد و محکوم به صحت است . ولی اگر عالم به خروج منی و جنابت بوده و نمی دانسته که برای صحت روزه ، غسل بر او واجب است ، باید روزه همه روزهایی را که در حال جنابت گرفته است قضا نماید.

[س ۱۹۶ شخصی که بعد از جنابت غسل خود را به طور باطل و اشتباه انجام می دهد]

س ۱۹۶: شخصی که بعد از جنابت ، غسل خود را به طور باطل و اشتباه انجام می دهد، با توجه به جهل او به این مسأله ، نمازهایی را که با این غسل می خواند، چه حکمی دارند؟

ج : نماز با غسل باطل ، باطل است و باید اعاده یا قضا شود.

[س ۱۹۷ به قصد انجام یکی از غسل های واجب غسل کردم]

س ۱۹۷: به قصد انجام یکی از غسل های واجب غسل کردم . پس از خروج از حمام متوجه شدم ترتیب را رعایت نکرده ام ، و چون احتمال می دادم که نیّت ترتیب کافی است ، دوباره غسل نکردم . اکنون در کارم متحیّر هستم ، آیا قضای همه نمازهایی که خوانده ام ، واجب است ؟

ج : اگر احتمال صحت غسل را می دهید و در وقت غسل متوجه انجام آن چه در صحت غسل معتبر است بوده اید، چیزی بر عهده شما نیست . بله ، اگر یقین به بطلان غسل پیدا کنید، قضای همه نمازها بر شما واجب است .

[س ۱۹۸ من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می داده ام]

س ۱۹۸: من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می داده ام که ابتدا سمت راست بدن بعد سر و سپس قسمت چپ بدن را می شستم . در سؤال و تحقیق در این زمینه هم کوتاهی کرده ام ، نماز و روزه ام چه حکمی دارند؟

ج : غسل به کیفیت مذکور باطل است و موجب رفع حدث نمی شود. لذا نمازهایی که با چنین غسلی خوانده شده ، باطل و قضای آنها واجب است . ولی روزه ها با فرض این که معتقد به صحت غسل به صورت مذکور بوده اید و بقای شما بر جنابت ، عمدی نبوده است ، محکوم به صحت است .

[س ۱۹۹ خواندن سوره هایی که سجده واجب دارند]

س ۱۹۹: آیا خواندن سوره هایی که سجده واجب دارند، بر جنب حرام است ؟

ج : از جمله کارهائی که بر جنب حرام است ، خواندن خصوص آیات سجده این سوره ها است ، ولی خواندن سایر آیات از این سوره ها اشکال ندارد.

[خونهای سه گانه]

استحاضه

اشاره

یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه ، مستحاضه می گویند (۱). (۱) (مکارم :) [و] به طور کلّی تمام خونهایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم زن خارج می شود، خون استحاضه است .

(فاضل :) [و] به طور کلّی هر خونی که از زن خارج شود و مربوط به زخم و جراحت نباشد و خون حیض و نفاس هم نباشد خون استحاضه است هر چند صفات مذکور [در ذیل] را نداشته باشد.

[مسائلی در استحاضه]

[مسأله ۳۹۲ خون استحاضه]

مسأله ۳۹۲ خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار

و سوزش بیرون می آید (۱) و غلیظ هم نیست ، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید. (۱) (بهجت :) و ممکن است گاهی بر خلاف اوصاف مذکوره باشد.

(مکارم :) مسأله خون استحاضه غالباً کم رنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید، ولی ممکن است گاهی تیره رنگ یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش خارج شود.

(زنجانی :) مسأله خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ یا قرمز روشن و رقیق و سرد و کهنه است ، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ تیره و گرم و تازه و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

[مسأله ۳۹۳ استحاضه سه قسم است]

مسأله ۳۹۳ استحاضه سه قسم است : قلیله و متوسطه و کثیره . استحاضه قلیله آن است که خون ، پنبه ای را که زن داخل فرج می نماید سوراخ نکند و از طرف دیگر ظاهر نشود. (۱) استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود (و از طرف دیگر ظاهر شود (۲)) ولی به دستمالی که معمولًا زنها برای جلوگیری از خون می بندند، جاری نشود. (۳) استحاضه کثیره آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود. (۴) (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، تبریزی ، زنجانی :) استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه ای را که زن داخل فرج می نماید آلوده کند و در آن فرو نرود ..

(خوئی ، سیستانی ، صافی :) استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه ای را که زن با خود برمی دارد آلوده کند و در آن فرو نرود ..

(فاضل :) استحاضه قلیله آن است که خون فقط سطح پنبه ای را که زن داخل فرج می گذارد آلوده کند ..

(نوری ، بهجت :) استحاضه قلیله آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می نماید، نفوذ نکند (نوری : و از طرف دیگر ظاهر نشود) .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود اگر چه در یک گوشه آن باشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) می بندند نرسد ..

(زنجانی :) استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود ولی از پشت پنبه سیلان نداشته باشد؛ خواه از طرف دیگر پنبه بیرون آید و به دستمال برسد، خواه به دستمال نرسد، و لازم نیست خون تمام پنبه را فرا بگیرد، بلکه اگر در یک گوشه آن هم باشد کافی است ..

(بهجت :) استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود ولی از آن نگذرد .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) استحاضه کثیره

آن است که خون پنبه را بگیرد و به دستمال هم برسد.

(فاضل :) استحاضه کثیره آن است که خون از پنبه به دستمال برسد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را فرا گرفته و به دستمال برسد.

(زنجانی :) استحاضه کثیره آن است که خون از پشت پنبه سیلان داشته باشد.

(بهجت :) استحاضه کثیره آن است که خون از پنبه گذشته و به دستمال برسد. [و] وظیفه مستحاضه در مورد روزه ، در مسأله [۱۶۴۳] ذکر خواهد شد.

(مکارم :) مسأله استحاضه فقط دو قسم است : «قلیله » و «کثیره »: استحاضه قلیله آن است که هر گاه زن پنبه ای را داخل کند، خون ، آن را آلوده نمایـد ولی از طرف دیگر خـارج نشود، خواه خون ، در پنبه فرو رود یا نه ، و استحاضه کثیره آن است که خون ، در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

احکام استحاضه

مسأله اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۴۰۰ در تمام اقسام استحاضه احتیاط مستحب در زن حامله آن است که کارهای استحاضه کثیره را به جا آورد و بر هر زن مستحاضه واجب است برای هر نماز ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده آب بکشد و به احتیاط واجب ، پنبه و هم چنین دستمال را اگر نجس شده ، عوض کند یا آب بکشد.

[مسأله ۳۹۴ استحاضه قلیله]

مسأله ۳۹۴ در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد (۱) و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده ، آب بکشد و بنا بر احتیاط واجب (۲) پنبه را عوض کند یا آب بکشد. (۱) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) و بنا بر احتیاط پنبه را عوض کند و باید ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده باشد آب بکشد.

(سیستانی :) و بنا بر احتیاط مستحب پنبه را آب کشیده و یا عوض کند و باید ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده باشد آب بکشد.

(گلپایگانی ، صافی :) و پنبه را عوض کند و ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

(بهجت :) و بنا بر احتیاط پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده ، آب بکشد.

(مکارم :) (بنا بر احتیاط واجب). و واجب است از سرایت خون به سایر اعضاء جلوگیری کند، امّا عوض کردن پنبه و دستمال واجب نیست ، هر چند احتیاط است . (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام اراکی و نوری نیست]

[مسأله ۳۹۵ اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند]

مسأله ۳۹۵ اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند (۱). ا ین مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (فاضل :) ولی در استحاضه متوسطه اگر قبل از نماز صبح غسل نماید، تا صبح روز دیگر برای هر نماز کارهای استحاضه قلیله که در مسأله قبل گفته شد انجام دهد ولی اگر عمداً یا از روی فراموشی

غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای آن هم غسل نکرد، باید قبل از نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد. و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید؛ چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

(نوری ، بهجت :) (بهجت : در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود بنا بر احتیاط واجب پنبه را اگر خونی شده عوض کند یا آب بکشد و هم چنین ظاهر فرج اگر نجس شده است و وجوب وضو برای هر نماز در این صورت خالی از وجه نیست) و این در صورتی است که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین ترتیب پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شده باید برای آن غسل کند ..

(سیستانی :) در استحاضه متوسّطه باید بنا بر احتیاط لازم زن برای نمازهای خود روزانه یک غسل نماید و نیز باید کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد، بنا بر این اگر استحاضه قبل از نماز صبح یا در همان آن حاصل شود باید برای نماز صبح غسل کند ..

(زنجانی :) مسأله در استحاضه متوسطه نیز ظاهراً باید اعمال استحاضه قلیله را انجام دهد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خون به دستمال نرسیده ، برای اولین نماز غسل کند و برای هر روز یک غسل کافی است و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز اول غسل نکرد، برای نماز بعدی غسل کند، و همین طور ..، و اگر خون به دستمال رسیده برای نماز صبح یک غسل ، و برای نماز ظهر و عصر هم یک غسل به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر هم فاصله نیندازد و برای نماز مغرب و عشاء هم یک غسل به جا آورد و بین آن دو فاصله نیندازد و غسل و وضو را هر کدام جلوتر به جا آورد اشکالی ندارد ولی بهتر است اول وضو بگیرد.

[مسأله ۳۹۶ در استحاضه کثیره برای هر نماز دستمال را عوض کند]

مسأله ۳۹۶ در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد باید (۱) برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و (۲) یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و (۳) بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید. (۴) (۱) (خوئی ، تبریزی :) باید بنا بر احتیاط .. (۲) (خوئی :) و لازم است .. (۳) (بهجت :) و بنا بر احتیاط واجب با هر غسلی یک وضو هم بگیرد بلکه برای نماز عصر و نماز عشاء نیز باید بنا بر احتیاط واجب وضو بگیرد و هم چنین باید ..

(۴) (گلپایگانی ، صافی :) و چون وجوب ِوضو در استحاضه کثیره محل ّ تأمّل است ، احتیاط آن است که پیش از غسل ، به قصد رجاء وضو بگیرد و در میان نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء اگر جمع بین آنها می نماید گرفتن وضو برای مستحاضه کثیره ، خلاف احتیاط است مگر در حال ِ گفتن اقامه نماز دوّم که با جمع عرفی منافی نباشد.

(خوئی ، تبریزی :) و أظهر ((نوری :) و أقوی) این است که در استحاضه کثیره غسل از وضو کفایت می کند.

(سیستانی :) مسأله در استحاضه کثیره ، باید بنا بر احتیاط واجب زن برای هر نماز پنبه و دستمال را عوض کند یا آب بکشد، و لازم است یک غسل برای نماز صبح و یکی برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد، و بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر و عشا دوباره غسل کند. اینها همه در صورتی است که خون پی در پی از پنبه به دستمال برسد امّا چنانچه رسیدن خون از پنبه به دستمال با قدری فاصله باشد که زن بتواند در آن فاصله یک نماز یا بیشتر بخواند احتیاط لازم آن است که هر گاه خون از پنبه به دستمال برسد، پنبه و دستمال را عوض کرده و یا آب بکشد و غسل نماید، بنا بر این اگر زن غسل کرد و نماز ظهر را مثلًا خواند ولی قبل از نماز عصر یا در میان آن ، خون دوباره از پنبه به دستمال رسید باید برای نماز عصر نیز غسل نماید، ولی چنانچه فاصله به مقداری باشد که زن بتواند در آن میان دو نماز یا بیشتر بخواند مثل این که بتواند نماز مغرب و عشاء را نیز قبل از آن که خون دوباره به دستمال برسد بخواند برای آن نمازها لازم نیست غسل دیگری بکند و در هر صورت در استحاضه کثیره غسل از وضو کفایت می کند.

(مکارم :) مسأله در استحاضه کثیره واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوّم برای مغرب و عشاء و باید میان این نمازها جمع کند و احتیاط مستحب ّ آن است که علاوه بر این ، برای هر نماز یک وضو بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن .

(زنجانی :) مسأله در استحاضه کثیره باید برای نماز صبح یک غسل ، و برای نماز ظهر و عصر یک غسل ، و برای نماز مغرب و عشا هم یک غسل به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشاء فاصله نیندازد، و اگر فاصله انداخت اشکالی ندارد، ولی باید برای نماز بعدی دوباره غسل کند، و در هر حال بنا بر احتیاط واجب برای هر نماز یک وضو بگیرد، و هر یک از وضو یا غسل را که اوّل انجام دهد اشکالی ندارد ولی مستحب ، بلکه مطابق احتیاط استحبابی ، است که اول وضو بگیرد.

[مسأله ۳۹۷ اگر خون استحاضه ، پیش از وقت نمازهم بیاید]

مسأله ۳۹۷ اگر خون استحاضه ، پیش از وقت نمازهم بیاید اگر چه زن برای آن خون ، وضو و غسل را انجام داده باشد (۱) بنا بر احتیاط واجب (۲) باید در موقع نماز، وضو و غسل را به جا آورد. (۱) (اراکی :) اگر چه زن برای آن خون ، وضو را انجام داده باشد .. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی و بهجت نیست]

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله اگر خون استحاضه ، پیش از وقت نماز بیاید و بعد قطع شود (زنجانی : و در وقت نماز قطع شود)، چنانچه زن برای آن خون وضو و غسل به جا نیاورده باشد، باید در موقع نماز، وضو و غسل را به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر خون استحاضه ، پیش از وقت نماز هم بیاید، چنانچه زن برای آن خون ، وضو یا غسل به جا نیاورده باشد، باید در موقع نماز، وضو یا غسل به جا آورد. (خوئی ، سیستانی : اگر چه در آن موقع ، مستحاضه نباشد).

(فاضل :) مسأله اگر قبل از وقت نماز خون استحاضه متوسطه یا کثیره بیاید و قطع شود بنا بر احتیاط واجب باید برای نماز غسل و وضوی آن را به جا آورد مگر این که قبلًا برای آن غسل کرده باشد و قبل از غسل خون به طور کلی قطع شده باشد.

[مسأله ۳۹۸ مستحاضه متوسطه و کثیره]

مسأله ۳۹۸ مستحاضه متوسطه و کثیره (۱) که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است (۲)، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، نوری ، فاضل :) مستحاضه متوسطه .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و مستحاضه کثیره چنانچه گذشت أحوط آن است که پیش از غسل وضو بگیرد. (۳) (خوئی ، تبریزی ، نوری :) و مستحاضه کثیره اگر بخواهد وضو بگیرد باید قبل از غسل وضو بگیرد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۹۶. (زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسائل (۳۹۵) و (۳۹۶).

(سیستانی :) مسأله مستحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و هم بنا بر احتیاط لازم غسل کند، باید غسل را اوّل به جا آورد، بعد وضو بگیرد ولی در مستحاضه کثیره اگر بخواهد وضو بگیرد باید قبل از غسل وضو بگیرد.

[مسأله ۳۹۹ اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح ، متوسطه شود]

مسأله ۳۹۹ اگر استحاضه قلیله زن ، بعد از نماز صبح ، متوسطه شود (۱)، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند (۲) و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود (۳)، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید (۴). (۱) (مکارم :) کثیره شود .. (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب برای نماز ظهر و عصر غسل هم کند .. (۳) (مکارم :) کثیره شود .. (۴) (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب برای نماز مغرب و عشا غسل هم نماید.

(فاضل :) و اگر بعد از غسل ، استحاضه متوسطه ادامه داشته باشد برای نماز صبح روز بعد دو مرتبه غسل کند.

[مسأله]

اشاره

مسأله اختصاصی (مکارم :) مسأله ۴۰۸ در تمام مواردی که غسل بر او واجب می شود اگر غسل کردن ِ مکرّر برای او ضرر دارد، یا مایه مشقت زیاد است می تواند به جای آن تیمّم کند.

[مسأله ۴۰۰ اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود]

مسأله ۴۰۰ اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود (۱) باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید (۲). (۱) (سیستانی :) و به این حال باقی بماند، باید احکامی را که در مسأله [۳۹۶] گفته شد نسبت به نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء رعایت نماید. [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) و اگر بعد از نماز ظهر و پیش از نماز عصر کثیره شود، باید برای نماز عصر غسل کند و برای نماز مغرب و عشا هم غسل دیگری بنماید، هم چنین اگر بعد از نماز مغرب و پیش از نماز عشا کثیره شود، باید برای نماز عشا غسل نماید و در تمام صورتها بنا بر احتیاط واجب برای هر نماز وضو بگیرد.

(فاضل :) و همین طور برای نماز صبح روز بعد ، مگر این که قبل از غسل شب ، تبدیل به استحاضه قلیله شود یا کاملًا قطع شود. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۹۹.

[مسأله ۴۰۱ مستحاضه کثیره یا متوسطه]

مسأله ۴۰۱ مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز، برای نماز غسل کند، غسل او باطل است (۱) بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند (۲) احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح ، دوباره غسل و وضو را به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیات عظام فاضل و بهجت نیست (۱) (اراکی :) مگر آن که بخواهد نماز شب بخواند که در این صورت غسل کردن قبل از وقت نماز صبح مانع ندارد. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) ولی نزدیک اذان صبح جایز است به قصدِ رجاء غسل نموده و نماز شب را بخواند ولی (زنجانی : مستحاضه کثیره) بعد از طلوع فجر برای نماز صبح باید غسل را اعاده نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) بلکه احتیاط لازم آن است که میان غسل و نماز فاصله نیندازد مگر به خواندن نافله همان نماز. [پایان مسأله] (۲) (مکارم :) در استحاضه «کثیره » یا «قلیله » اگر قبل از اذان صبح ، برای نماز شب غسل کند یا وضو به جا آورد و نماز شب را بخواند ..

(سیستانی :) مسأله در مستحاضه کثیره در صورتی که لازم است میان غسل و نماز فاصله ای واقع نشود آن چنان که در مسأله

[۳۹۶] گـذشت اگر انجام غسل پیش از داخل شـدن وقت نماز باعث وقوع فاصـله گردد آن غسل برای نماز فایده ندارد و باید مستحاضه برای نماز دوباره غسل نماید، و این حکم در مستحاضه متوسطه نیز جاری است .

[مسأله ۴۰۲ زن مستحاضه]

مسأله ۴۰۲ زن مستحاضه ، (۱) برای هر نمازی (۲) چه واجب باشد و چه مستحب ، باید وضو بگیرد (۳)

(و نیز اگر بخواهد نمازی را که خوانده (۴) احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواهد نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد. (۵)) ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد (۶) لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) مستحاضه قلیله و متوسطه ..

(زنجانی :) مستحاضه قلیله و متوسطه (و نیز مستحاضه کثیره بنا بر احتیاط واجب) .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، نوری :) غیر از نماز یومیه که حکم آن گذشت .. (۳) (تبریزی :) و اگر استحاضه کثیره باشد برای هر نماز غسل لازم است .. (۴) (خوئی ، سیستانی :) ولی اگر بخواهد نماز یومیه ای را که خوانده .. (۵) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه تبریزی نیست] (۶) (خوئی ، سیستانی :) برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهّد فراموش شده ، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد و هم چنین برای سجده سهو در هر حال ..

(مکارم :) مسأله هر گاه زن مستحاضه قلیله ، نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء را از هم جدا بخواند، باید برای هر کدام یک وضو بگیرد و هم چنین برای نمازهای مستحب، ولی برای مجموع نماز شب ، یک وضو یا غسل کافی است و برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهّد فراموش شده و سجده سهو که بلا فاصله بعد از نماز به جا می آورد، غسل و وضو لازم نیست .

[مسأله ۴۰۳ زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد]

مسأله ۴۰۳ زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اوّلی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست . (فاضل :) مسأله وقتی که خون زن مستحاضه به طور کلی قطع شد اگر استحاضه قلیله بوده فقط خود را تطهیر کند و برای نمازهای بعدی وضو بگیرد و اگر استحاضه متوسطه یا کثیره بود باید غسل کند و برای نمازهای بعدی وضو بگیرد و این غسل را می تواند بعد از قطع خون انجام دهد هر چند وقت نماز نشده باشد.

[مسأله ۴۰۴ اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است]

مسأله ۴۰۴ اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است موقعی که می خواهد نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب (۱) مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد (۲) ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند، پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را وارسی نماید (۳). (۱) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) باید ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (تبریزی :) بنا بر احتیاط باید ..

(بهجت :) اگر زن نداند استحاضه او از چه قسم است ، در صورت امکان باید ..

(سیستانی :) موقعی که می خواهد نماز بخواند باید بنا بر احتیاط خود را وارسی کند مثلًا .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (زنجانی :) و در هر صورت می تواند وارسی نکرده مطابق احتیاط عمل کند.

(مکارم :) مسأله هر گاه نداند استحاضه او قلیله است یا کثیره ، بنا بر احتیاط واجب باید قبل از نماز، خود را وارسی کند و اگر نمی تواند خود را وارسی کند، احتیاط آن است که هم وظیفه استحاضه کثیره را انجام دهد و هم قلیله ، امّا اگر حالت سابق او، معلوم است کثیره یا قلیله بوده می تواند به وظیفه همان ادامه دهد.

[مسأله ۴۰۵ زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را وارسی کند]

مسأله ۴۰۵ زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را وارسی کند، مشغول نماز شود (۱)، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده ، مثلًا: استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده ، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده (۲) و به وظیفه قلیله رفتار کرده ، نماز او باطل است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (بهجت :) با این که می توانسته خود را وارسی کند .. (۲) (زنجانی :) کثیره بوده ..

[مسأله ۴۰۶ زن مستحاضه اگر نتواند خود را وارسی نماید]

مسأله ۴۰۶ زن مستحاضه اگر نتواند خود را وارسی نماید، باید به آن چه مسلماً وظیفه اوست عمل کند (۱)، مثلًا اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه ، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد (۲) (و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره ، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد (۳)) ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید (۴) به وظیفه همان قسم رفتار نماید. (۱) (بهجت :) بنا بر أحوط باید به آن چه مشکل تر است عمل کند ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید به گونه ای عمل کند که حتماً وظیفه خود را عمل کرده باشد .. (۲) (بهجت :) باید کارهای استحاضه متوسطه را بنا بر احوط انجام دهد .. (۳) (بهجت :) باید کارهای استحاضه کثیره را بنا بر احوط انجام دهد ..

(زنجانی :) مثلًا اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا کثیره ، باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۴) (زنجانی :) می تواند .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۰۴.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله مستحاضه اگر نتواند خود را وارسی نماید که متوسّطه یا قلیله یا کثیره است ، باید به نحوی عمل کند که یقین به برائت ذمّه حاصل کند. پس در شک میان قلیله و متوسّطه یا متوسّطه و کثیره ، عمل به وظیفه هر دو نماید و در شک بین هر سه قسم عمل به وظیفه هر سه قسم نماید ولی اگر بداند سابقاً کدامیک از آن سه قسم بوده ، باید به وظیفه همان

قسم رفتار نماید.

[مسأله ۴۰۷ اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید]

مسأله ۴۰۷ اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، (۱) وضو و غسل باطل نمی شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد (۲)، وضو و غسل را به تفصیلی که گذشت باطل می کند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در باطن باشد و از محل خود خارج نشده باشد .. (۲) (گلپایگانی :) یا از محل ّخود خارج شده و به محلّی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کند آلوده به خون می شود، باید به وظایفی که گفته شد عمل کند.

(صافی :) وضو و غسل را باطل می کند و اگر از محل خود خارج شده و به محلی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کند آلوده به خون می شود، بنا بر احتیاط باید به وظایفی که گفته شد، عمل کند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر خون استحاضه در اوّل ظهورش در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو یا غسل را که زن داشته باطل نمی کند و اگر بیرون بیاید، هر چند کم باشد، وضو و غسل را باطل می کند.

(زنجانی :) مسأله خون استحاضه در اول ظهورش تا در باطن است باعث وجوب غسل یا وضو نمی شود، و اگر از زنی بیرون بیاید؛ هر چند کم باشد، باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

(فاضل :) مسأله خون استحاضه اگر در اوّل ظهورش از محل خودش حرکت کند ولی از بدن خارج نشود بر زن لازم نیست طبق احکام استحاضه عمل کند. امّا اگر خارج شود تا زمانی که در مجری است هر چند بیرون نیاید واجب است طبق احکام استحاضه عمل کند.

[مسأله ۴۰۸ زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را وارسی کند]

مسأله ۴۰۸ زن مستحاضه (۱) اگر بعد از نماز خود را وارسی کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) که بعد از وضو یا غسل ، یا در اثناءِ آنها خون دیده .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه وقت وسعت داشته باشد بنا بر احتیاط، لازم است بر حسب وظیفه اش وضو گرفته یا غسل نماید و آن نماز را اعاده کند اگر چه بداند دوباره خون می آید.

[مسأله ۴۰۹ زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو شده]

مسأله ۴۰۹ زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده (۱) خونی از او بیرون نیامده (۲) و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست (۳) و بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) اگر بداند پس از وضو یا غسل .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) (سیستانی : و در داخل فرج هم نیست) می تواند خواندن نماز را تا وقتی که می داند پاک می ماند تأخیر بیندازد.

(زنجانی :) می توانـد خواندن نماز را تا وقتی که پاک می ماند به تأخیر بیندازد. (۳) (فاضل :) می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد و می تواند نمازهای بعدی را هم با آن بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله مستحاضه تا وقتی اطمینان دارد خون بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

[مسأله ۴۱۰ اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلّی پاک می شود]

مسأله ۴۱۰ اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز، به کلّی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز (۱) خون بند می آید باید (۲) صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) به اندازه انجام غسل و وضو و خواندن نماز .. (۲) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط لازم .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۳) (فاضل :) بلکه بنا بر احتیاط واجب در صورت احتمال قطع شدن خون هم باید صبر کند.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند و هنگامی که پاک شد غسل کند، یا وضو بگیرد و نماز را بخواند.

[مسأله ۴۱۱ اگر بعد از وضو و غسل ، خون در ظاهر قطع شود]

مسأله ۴۱۱ اگر بعد از وضو و غسل ، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، به کلّی پاک می شود، باید (۱) نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلّی پاک شد، دوباره وضو و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند. و اگر وقت نماز تنگ شد (۲) لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد، (۳) بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم ، فاضل و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط لازم .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر موقعی که خون در ظاهر قطع شود وقت نماز تنگ باشد .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه اگر وقت تیمّم دارد، به جای هر یک از وضو و غسل ، تیمّم کند و برای نمازهای بعد ، غسل و وضو به جا آورد و اگر وقت تیمّم هم ندارد به همین حال نماز بخواند و بعد با غسل و وضو آن را قضا کند.

[مسأله ۴۱۲ مستحاضه کثیره و متوسطه]

مسأله ۴۱۲ مستحاضه کثیره و متوسطه (۱) وقتی به کلّی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند (۲) از وقتی که برای نماز پیش ، مشغول غسل شده دیگر خون نیامده (۳) لازم نیست دوباره غسل نماید. (۴) این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل و مکارم نیست (۱) (زنجانی :) مستحاضه کثیره .. (۲) (سیستانی :) مستحاضه کثیره وقتی به کلّی از خون پاک شد، اگر بداند .. (۳) (زنجانی :) خون در باطن هم نیامده .. (۴) (سیستانی :) و در غیر این صورت باید غسل نماید هر چند کلیّت این حکم بنا بر احتیاط است و اما در مستحاضه متوسطه ، لازم نیست برای آن که از خون به کلّی پاک شده غسل نماید.

[مسأله ۴۱۳ مستحاضه قلیله]

مسأله ۴۱۳ مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، (۱) باید فوراً مشغول نماز شود (۲)،

ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز (۳) اشـکال ندارد و در نماز هم می تواند کارهای مستحب-مثل قنوت و غیر آن را به جا آورد. (۴) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (خوئی ، نوری ، تبریزی ، سیستانی :) مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه متوسطه بعد از غسل و وضو و مستحاضه کثیره بعد از غسل ..

(زنجانی :) مستحاضه قلیله و متوسطه بعد از وضو و مستحاضه کثیره بعد از غسل و وضو در صورتی که خونشان کاملًا قطع نشده .. (مکارم :) مستحاضه بعد از غسل یا وضو .. (۲) (سیستانی :) مگر در دو موردی که در مسأله [۳۹۷ و (۴۰۹)] به آنها اشاره شد .. (۳) (زنجانی :) که به دلیل معتبر، استحباب آن ثابت شده است ..

(مکارم :) بلکه انتظار جماعت به اندازه معمول ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) گفتن اذان و اقامه قبل از نماز .. (۴) (زنجانی :) هم چنان که می تواند مقداری از تعقیبات نماز را به جا آورد و بلا فاصله مشغول نماز بعدی شود، به طوری که بگویند بین دو نماز جمع کرده است .

[مسأله ۴۱۴ زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد]

مسأله ۴۱۴ زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد (۱)، باید دوباره غسل کند (۲) و بلا فاصله مشغول نماز شود (۳)، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و خون ببیند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) زن مستحاضه اگر بین وظیفه ای که دارد از وضو یا غسل و نماز فاصله بیندازد، باید مطابق وظیفه اش دوباره وضو گرفته یا غسل کند ..

(زنجانی :) زن مستحاضه که خونش کاملًا قطع نشده اگر بین غسل و نماز یا بین وضو و نماز فاصله بیندازد باید دوباره غسل کند یا وضو بگیرد ..

(سیستانی :) زن مستحاضه اگر وظیفه اش این باشد که میان وضو یا غسل و نماز فاصله نیندازد ولی مطابق وظیفه اش رفتار نکند، باید دوباره وضو گرفته یا غسل کند .. (۳) (گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۴۱۵ اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد]

مسأله ۴۱۵ اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد (۱)، باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر همیشه جریان ندارد فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دو باره غسل کند (۲) و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند. (۱) (خوئی ، تبریزی :) باید (تبریزی : بنا بر احتیاط لازم) بعد از غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و اگر نماز هم خوانده باید دوباره

بخواند.

(زنجانی :) بایـد بعـد از غسل از بیرون آمـدن خون جلوگیری نمایـد و چنانچه کوتاهی کنـد و خون بیرون آیـد، اگر نماز هم خوانـده باید دوباره بخواند و بنا بر احتیاط مسـتحب دوباره غسل نیز بکند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بایـد دوباره بنا بر احتیاط لازم غسل کند و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

(اراکی :) مسأله زن مستحاضه باید بعد از وضو و غسل به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه خون به بیرون جریان دارد چنانچه برای او ضرر نداشته باشد باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه و مانند آن از بیرون آمدن خون جلوگیری کند ولی اگر این کار مشقت زیاد دارد، لازم نیست .

(سیستانی :) مسأله اگر خون استحاضه زن جریان دارد و قطع نمی شود، چنانچه برای او ضرر ندارد بنا بر احتیاط واجب باید قبل از غسل ، از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، اگر نماز خوانده باید دوباره نماز بخواند، بلکه احتیاط مستحب آن است که دوباره غسل کند.

(بهجت :) مسأله زن مستحاضه ، باید موقع غسل و وضو و بعد از آن تا آخر نماز خود را از بیرون آمدن خون (در صورتی که برای او ضرر نداشته باشد) حفظ کند و اگر مسامحه کرد و خونی خارج شد بنا بر احتیاط هر چه به جا آورده از غسل یا وضو یا نماز دو مرتبه انجام دهد.

(فاضل :) مسأله بر زن مستحاضه لازم است به هر مقدار که ممکن باشد بعد از وضو و غسل به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید نماز را اعاده کند بلکه بنا بر احتیاط واجب قبل از نماز باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد.

[مسأله ۴۱۶ اگر در موقع غسل خون قطع نشود]

مسأله ۴۱۶ اگر در موقع غسل ، خون قطع نشود، غسل صحیح است (۱)، ولی اگر در بین غسل (۲)، استحاضه متوسطه کثیره شود، واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی یا ارتماسی بوده همان را از سر بگیرد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی . [پایان مسأله] (۲) (تبریزی :) یا بعد از آن .. (۳) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) واجب است غسل را از سر بگیرد.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) لازم است که غسل را از سر بگیرد (تبریزی : و اگر در بین غسل استحاضه کثیره یا بعد از آن کثیره ، متوسطه شود لازم نیست غسل را اعاده کرده ولی وضو بگیرد).

(نوری :) واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی بوده همان را از سر بگیرد و اگر مشغول غسل ارتماسی بوده ، بهتر آن است که همان را دوباره انجام دهد.

(زنجانی :) احتیاط آن است که غسل را از سر بگیرد.

[مسأله ۴۱۷ زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است]

مسأله ۴۱۷ احتیاط واجب (۱) آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند. این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) احتیاط مستحب..

[مسأله ۴۱۸ روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد]

مسأله ۴۱۸ روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد در صورتی صحیح است که در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است ، انجام دهد،

و نیز بنا بر احتیاط واجب ، باید (۱) غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد به جا آورد (۲) ولی اگر برای نماز مغرب و عشا غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است بجاآورد، روزه او صحیح است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) نیز باید .. (فاضل :) و بنا بر احتیاط .. (نوری :) نیز بنا بر احتیاط واجب .. (۲) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله روزه مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد، در صورتی صحیح است که (صافی : بنا بر احتیاط لازم) غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد و بلکه بنا بر احتیاط لازم (صافی : بنا بر احتیاط) غسل نماز مغرب و عشای شب بعد را نیز، به جا آورد و نیز در روز، (صافی : مستحاضه کثیره ، بلکه متوسطه بنا بر احوط) غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد (گلپایگانی : اگر برای نماز مغرب و عشای شب قبل ، غسل نکند و نزدیک اذان صبح غسل نماید که با نماز صبح به مقدار نافله صبح زیادتر، فاصله نشود و غسلهای نمازهای روز و غسل مغرب و عشای شب بعد را بنا بر احتیاط لازم به جا آورد، روزه اش صحیح است).

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله بنا بر احتیاط (سیستانی : بنا بر مشهور) روزه زن مستحاضه کثیره ، در صورتی صحیح است که غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد به جا آورد، و نیز در روز غسلهایی را که برای نمازهای روز واجب است انجام دهد، ولی اگر مستحاضه متوسطه باشد بعید نیست که در صحت روزه اش غسل شرط نباشد.

(سیستانی :) ولی بعید نیست که در صحّت روزه اش ، غسل شرط نباشد، هم چنان که بنا بر اقوی در مستحاضه متوسّطه شرط نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر زن مستحاضه غسلهایی را که برای نمازهای روزانه یا برای نمازهای شب قبل یا شب بعد باید انجام دهد به جا نیاورد، روزه اش باطل نمی شود، هر چند احتیاط مستحب آن است که قضای آن روز را نیز به جا آورد.

(مکارم :) مسأله زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورتی روزه او صحیح است که غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد به جا آورد و هم چنین غسلهای روزی را که روزه است (بنا بر احتیاط واجب).

[مسأله ۱۴۱۹ اگر بعد از نماز عصر مستحاضه شود]

مسأله ۱۴۱۹اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی :) و بنا بر احتیاط لازم ((صافی :) و بنا بر احتیاط) شرط است در صحت روزه این روز، غسل نماز مغرب و عشاءِ شب بعد ؛ چنانچه گذشت .

(سیستانی :) روزه ، بدون اشکال صحیح است .

(مکارم :) مسأله هر گاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزه آن روز غسلی ندارد.

[مسأله ۴۲۰ اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز شود]

مسأله ۴۲۰ اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، (متوسطه یا) (۱) کثیره شود باید کارهای (متوسطه یا) (۲) کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه ، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد (۳) و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) و (۲) - [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (تبریزی :) و در این صورت قبل از غسل یا بعد از آن وضو نیز لازم نیست .

(زنجانی :) چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل هم کرده باشد، بنا بر احتیاط باید دوباره برای کثیره غسل کند.

[مسأله ۴۲۱ اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود]

مسأله ۴۲۱ اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه (۱) زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد (۲) و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند (۳). (و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمّم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد؛ باید عوض آن تیمّم کند و دیگری را به جا آورد، ولی اگر برای تیمّم هم وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند) (۴) و باید نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید و هم چنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود (۵). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) استحاضه قلیله .. (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد ..

[عبارت «و وضو بگیرد» در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، نوری ، فاضل و سیستانی نیست] (۳) (خوئی :) و بنا بر احتیاط استحبابی ((بریزی :) و بنا بر احتیاط) قبل از غسل وضو بگیرد و اگر برای غسل وقت ندارد (خوئی : لازم است) وضو گرفته و عوض غسل تیمم کند، و اگر برای تیمم نیز وقت ندارد بنا بر احتیاط نماز را نشکند و به همان حال تمام کند، ولی لازم است در خارج وقت قضا نماید، و هم چنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود و لکن غسل استحاضه متوسطه کفایت از وضو نمی کند چنانکه گذشت .

(سیستانی :) و بنا بر احتیاط استحبابی قبل از غسل وضو بگیرد و اگر برای غسل وقت ندارد لازم است عوض غسل تیمّم کند و اگر برای تیمّم نیز وقت ندارد به احتیاط مستحب نماز را نشکند و به همان حال تمام کند ولی لازم است در خارج وقت قضا نماید و هم چنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود باید نماز را بشکند و برای استحاضه متوسطه یا کثیره کارهای آن را انجام دهد.

(نوری :) و بنا بر احتیاط استحبابی ، قبل از غسل وضو بگیرد و اگر برای غسل وقت نـدارد باید عوض آن تیمم کند؛ اگر برای تیمم نیز وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید و هم چنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود؛ مگر این که غسل استحاضه متوسطه باشد که کفایت از وضو نمی کند چنانکه گذشت .

(زنجانی :) اگر برای غسل وقت نـدارد یک تیمم بـدل از غسل کند، و اگر برای وضو هم وقت نداشته باشد بنا بر احتیاط تیمم دیگری بدل از وضو بکند، و اگر برای تیمم هم وقت ندارد، بنا بر احتیاط مستحب نماز را نشکند و آن را تمام نماید ولی باید آن را قضا کند هم چنین است اگر در بین نماز استحاضه متوسطه زن کثیره شود و برای استحاضه متوسطه غسل نکرده باشد؛ و اگر برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، بنا بر احتیاط بایـد نماز را تمام کنـد و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهـد و همان نماز را دوباره بخوانـد، و اگر برای هیـچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد دو تیمم کند: یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد عوض آن ، تیمم کند و دیگری را به جا آورد. ولی اگر برای تیمم هم وقت نـدارد دوباره خوانـدن نماز لازم نیست و بنا بر احتیاط بایـد نماز را قضا نماید. (۴) [در رساله آیت اللّه فاضل ، به جای قسمت داخل پرانتز آمـده است : و اگر برای غسل وقت ندارد باید تیمم کند و وضو هم بگیرد و اگر برای وضو هم وقت ندارد یک تیمم دیگر بکند و اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند] (۵) (فاضل :) ولی اگر استحاضه متوسطه بود باید علاوه بر غسل ، وضو هم بگیرد.

(مکـارم :) مسـأله اگر در بین نمـاز استحاضه قلیله زن ، کثیره شود، بایـد نمـاز را رهـا کنـد و غسل نمایـد و از نو بخوانـد و در صورتی که برای غسل وقت نـدارد تیمّم کنـد، ولی اگر برای تیمّم هم وقت نـدارد باید همان نماز را تمام کرده و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید.

[مسأله ۴۲۲ اگر در بین نماز خون بند بیاید]

مسأله ۴۲۲ اگر در بین نماز، خون ، بنـد بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه (۱)، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شـده بوده ، باید وضو و غسل و نماز را دوباره به جا آورد. (۲) این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (سیستانی :) یا نداند پاکی به اندازه تحصیل طهارت و نماز یا بخشی از نماز مهلت می دهد یا نه به احتیاط واجب باید بر حسب وظیفه اش وضو گرفته یا غسل نموده و نماز را دوباره به جا آورد.

(فاضل :) مستحاضه ندانـد که در باطن هم قطع شده بوده ، بنا بر احتیاط واجب باید وضو و غسل و نماز را دوباره به جا آورد. (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه بعـد از نماز بفهمـد به کلّی قطع شـده بوده و وقت وسعت این را داشته باشد که در حال پاکی نماز را دوباره بخواند لازم است بر حسب وظیفه اش وضو گرفته یا غسل نماید و نماز را دوباره به جا آورد.

[مسأله ۴۲۳ اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود]

مسأله ۴۲۳ اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید (برای نماز اول عمل کثیره و (۱)) برای نمازهای بعد عمل متوسطه را به جا آورد. مثلًا اگر پیش از نماز ظهر استحاضه

کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند (۲) و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد (۳)، ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند، باید برای نماز مغرب غسل کند. و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشا وقت داشته باشد، باید برای عشا غسل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۲) (زنجانی :) و بنا بر احتیاط واجب وضو بگیرد ..

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) باید برای نماز ظهر وضو گرفته و غسل کند .. (۳) (بهجت ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۴۲۴ اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود]

مسأله ۴۲۴ اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره (۱) قطع شود و دوباره بیاید برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد (۲)، ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود چنانچه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند با همان غسل می تواند نماز را بخواند و همین طور است حکم وضو. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و یا متوسطه .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط برای هر نماز باید یک غسل به جا آورد. [پایان مسأله]

[مسأله ۴۲۵ اگر استحاضه کثیره قلیله شود]

مسأله ۴۲۵ اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول ، (۱) عمل کثیره (۲) و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد (۳). و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود باید برای نماز اول ، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را به جا آورد. (۱) (مکارم :) غسل کند و برای نمازهای بعد وضو بگیرد. [پایان مسأله] (۲) (گلپایگانی ، صافی :) باید برای نماز اول ، وضو و غسل .. (۳) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۴۲۶ اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد]

مسأله ۴۲۶ اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد (حتی عوض کردن پنبه را (۱)) ترک کند، نمازش باطل است . (۲) این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، زنجانی و سیستانی نیست] (۲) (زنجانی :) و اگر کاری را که به احتیاط واجب یا به احتیاط بر مستحاضه لازم است ترک کرده و نماز بخواند، نمازش به احتیاط واجب یا به احتیاط باطل است .

[مسأله ۴۲۷ مستحاضه قلیله]

مسأله ۴۲۷ مستحاضه قلیله (۱) اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد، که شرط آن وضو داشتن است ، مثلًا بخواهد جایی از بـدن خود را به خطّ قرآن برساند باید (۲) وضو بگیرد و وضویی که برای نمـاز گرفته کـافی نیست (۳)، بنـا بر احتیاط واجب .
این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست

(۱) (سیستانی :) یا متوسطه .. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید ..

(سیستانی :) چنانچه بعد از تمام شدن نماز باشد، بنا بر احتیاط واجب باید .. (۳) (سیستانی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط آن است که مستحاضه غیر از نماز، هر کاری را که شرط آن طهارت است مثل دست کشیدن به خط قرآن ترک کند مگر در صورتی که بر او واجب باشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله مستحاضه ای که برای نماز وضو گرفته یا غسل کرده بنا بر احتیاط نمی تواند در حال اختیار جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، و در حال اضطرار جایز است ولی بنا بر احتیاط باید وضو بگیرد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط باید وظیفه غسل یا وضویی که برای نماز دارد، برای رساندن بدن به خط قرآن انجام دهد.

[مسأله ۴۲۸ رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد]

مسأله ۴۲۸ رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد (۱) برای زن مستحاضه اشکال ندارد ولی نزدیکی شوهر با او بنا بر احتیاط واجب (۲) در صورتی حلال می شود که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است ، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) و نزدیکی با شوهر برای زن مستحاضه اشکال ندارد هر چند احتیاط مستحب در این است که برای این کارها غسلهای واجب خود را انجام داده باشد. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه نوری نیست] (۳) (نوری :) و بنا بر احتیاط واجب زن مستحاضه متوسطه و کثیره تا هنگامی که بکلی پاك نشده اند؛ خط قرآن را مسح نکنند.

(اراکی :) مسأله اگر مستحاضه غسلهای واجب خود را به جا آورد، چنانچه بین غسل و نماز فاصله نینداخته باشد رفتن به مسجد و توقف در آن و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او، حلال می شود ولی اگر بین غسل و نماز فاصله انداخته باشد، احتیاط واجب آن است که برای هر یک از این اعمال غسل جداگانه ای انجام دهد، و اگر غسلهای واجب خود را انجام ندهد، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند اعمال ذکر شده را انجام دهد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر مستحاضه غسلهای واجب خود را به جا آورد، رفتن در مسجد و توقف در آن و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او حلال می شود؛ اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است ، مثل عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد.

(خوئی :) مسأله مستحاضه ای که غسلهای واجب خود را به جا آورده رفتن او در مسجد و توقف در آن و خواندن آیه ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او حلال است ، اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز انجام می داد مثل عوض کردن

پنبه و دستمال ، انجام نداده باشد

و بعید نیست که این کارها بدون غسل نیز جایز باشد اگر چه احتیاط در ترک است .

(سیستانی :) بلکه این کارها بدون غسل نیز جایز است بجز نزدیکی که بنا بر احتیاط واجب جایز نیست .

(تبریزی :) احتیاط مستحب ..

(زنجانی :) مسأله بر مستحاضه قلیله و متوسطه رفتن در مساجد و خواندن آیه و سوره سجده و نزدیکی شوهر با وی جایز است و مستحاضه کثیره اگر غسلهای واجب خود را به جا آورد، رفتن در مسجد هر چند برای عبور نباشد و خواندن آیه یا سوره ای که سجده واجب دارد، و نزدیکی شوهر با او، حلال است ؛ اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است مثل : عوض کردن دستمال یا آب کشیدن آن ، انجام نداده باشد.

(مکارم :) مسأله مستحاضه کثیره ، هر گاه غسلهای روزانه خود را انجام دهد برای اعمال دیگر مانند طواف و نماز قضا و نماز آیات و نماز شب ، غسل دیگری بر او واجب نیست تنها باید وضو بگیرد.

[مسأله ۴۲۹ اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه]

مسأله ۴۲۹ اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (نوری :) باید در متوسطه غسل کند و وضو هم بگیرد و در کثیره تنها غسل کافی است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز آیه ای را که سجده واجب دارد بخواند یا مسجد برود بنا بر احتیاط مستحب باید غسل نماید و هم چنین است اگر شوهرش بخواهد با او نزدیکی نماید.

(زنجانی :) اگر زن در استحاضه کثیره ..

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) سوره ای را ..

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط ..

(فاضل :) مسأله اگر زن در استحاضه کثیره بخواهد پیش از وقت نماز، جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و در استحاضه متوسطه چنانچه در آن روز غسل کرده ، وضو کافی است .

[مسأله ۴۳۰ نماز آیات بر مستحاضه واجب است]

مسأله ۴۳۰ نماز آیات بر مستحاضه واجب است . و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیّه گفته شد انجام دهد. (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) باید برای نماز آیات وضو بگیرد و بنا بر احتیاط پیش از وضو در استحاضه متوسطه و کثیره غسل نیز بنماید.

(تبریزی :) باید برای نماز آیات وضو بگیرد و در استحاضه کثیره باید غسل نماید و وضو لازم نیست . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۲۸.

[مسأله ۴۳۱ هر گاه در وقت نماز یومیّه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود]

مسأله ۴۳۱ هر گاه در وقت نماز یومیّه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود اگر چه

بخواهـد هر دو را پشت سـر هم به جا آورد (۱) بایـد برای نمـاز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیّه او واجب اسـت انجام دهد (۲) و احتیاط واجب آن است که هر دو را با یک غسل و وضو به جا نیاورد. (۳) این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکـارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) نمی توانـد (سیسـتانی : بنـا بر احتیـاط لازم) هر دو را با یک غسل و وضو بخواند. [پایان مسأله] (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، زنجانی :) نمی تواند هر دو را با یک غسل و وضو بخواند.

[مسأله ۴۳۲ اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند]

مسأله ۴۳۲ اگر زن مسـتحاضه بخواهد نماز قضا بخواند (۱)، بایـد برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب اسـت به جـا آورد (۲). ایـن مسـأله ، در رسـاله آیـت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) نمـازی را که قضـای آن مضـیق شـده بخواند .. (۲) (گلپایگـانی ، صافی :) لکن احتیاط لازم ، ترک قضا است تا موقعی که پاک شود مگر با خوف فوت . (نوری :) و بنا بر احتیاط واجب هر دو را با یک غسل و وضو به جا نیاورد.

(سیستانی :) و بنا بر احتیاط نمی تواند برای نماز قضا به کارهایی که برای نماز ادا انجام داده اکتفا کند.

(مکارم :) مسأله زن مسـتحاضه می توانـد نماز قضا بخوانـد، ولی برای هر نماز بنا بر احتیاط واجب بایـد یک وضو بگیرد، ولی برای خوانـدن نوافل روزانه همان وضوی نماز واجب کافی است و همچنین برای تمام نماز شب یک وضو کفایت می کنـد، به شرط این که پشت سر هم به جا آورد.

(زنجـانی :) مسـأله زن مسـتحاضه نمی توانـد نماز قضا بخوانـد، مگر احتمال عقلایی بدهـد که اگر نماز را تأخیر بینـدازد دیگر نتواند آن را انجام دهد که در این صورت باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است به جا آورد.

[مسأله ۴۳۳ اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست]

مسأله ۴۳۳ اگر زن بدانـد خـونی که از او خـارج می شـود خون زخم (۱) نیست و شـرعاً حکم حیض و نفـاس را نـدارد بنا بر احتیاط واجب (۲) باید به دسـتور استحاضه عمل کند (۳)، بلکه اگر (۴) شک داشـته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشـته باشد، بنا بر احتیاط واجب (۵) باید کارهای استحاضه را انجام دهد. (۱) (زنجانی :) و دُمل و ماننـد آن .. این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) [عبـارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، فاضـل ، زنجانی و تبریزی نیست] (۳) (گلپایگـانی ، صافی :) اگر زن بدانـد خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و بدانـد یا حیض است یا اسـتحاضه ؛ و یا نفاس است یا اسـتحاضه و علامت حیض و نفاس نداشـته باشد، باید به دسـتور استحاضه عمل کند و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد ..

(سیستانی :) اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و مردّد بین خون استحاضه و حیض و یا نفاس باشد

چنانچه شرعاً حکم حیض و نفاس را نداشته باشد باید به دستور استحاضه عمل کند .. (۴) (فاضل :) حتی اگر ..

(۵) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (مکارم :) مسأله هر خونی که از زن خارج شود و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد و مربوط به بکارت یا زخم جراحتی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است . هر گاه شک کند که خون ، از زخم است یا نه و ظاهر حال او سلامت است ، خون استحاضه حساب می شود، اما اگر وضع حال او مشکوک باشد که خون از زخم است یا غیر آن ، احکام استحاضه ندارد.

حیض

اشاره

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض ، حائض می گویند. (مکارم :) مسأله حیض که گاهی از آن تعبیر به «عادت ماهانه » می کنند خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم خارج می شود و به هنگام انعقاد نطفه ، غذای فرزند است . زن را در موقع دیدن خون حیض «حائض » می گویند و در شرع مقدس اسلام احکامی دارد که در مسائل آینده خواهد آمد.

[مسائلی در حیض]

[مسأله ۴۳۴ خون حیض]

مسأله ۴۳۴ خون حیض (۱) در بیشتر اوقات (۲)، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است (۳) و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید. (۱) (مکارم :) نشانه هایی دارد .. (۲) (زنجانی :) گرم و تازه ، و رنگ آن سیاه یا سرخ تیره است و با فشار و سوزش بیرون می آید. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی :) رنگ آن سیاه یا سرخ است ..

(فاضل :) رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ تیره است ..

(مکارم :) رنگ آن تیره یا سرخ است ..

[مسأله ۴۳۵ زنهای سیّده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند]

مسأله ۴۳۵ زنهای سیّده (۱)، بعد از تمام شدن شصت سال (۲) یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زنهایی که سیّده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال (۳) یائسه می شوند (۴). (۱) (نوری :) مشهور آن است که زنهای سیّده .. (۲) (بهجت ، فاضل :) شصت سال قمری .. (۳) (بهجت ، فاضل :) پنجاه سال قمری .. (۴) (نوری :) ولی این مطلب محل تأمل است و برای حقیر ثابت نیست و لذا احتیاط واجب آن است که زنهای سیده در صورتی که پس از گذشتن از سن پنجاه سالگی در ایام عادت خود، یا با نشانه های حیض ، خون ببینند؛ میان اعمالی که زن مستحاضه انجام می دهد از قبیل خواندن نماز با کیفیتی که ذکر می شود و چیزهایی که حائض باید ترک کند از قبیل داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد مدینه و مکث در مساجد

دیگر تا سن شصت سالگی جمع کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله زنهایی که سـیده نیسـتند بعـد از تمام شدن پنجاه سال (خوئی : یائسه می شوند بنا بر مشـهور، و لیکن واجب است بر زنهای غیر سیده) و نیز زنهای

سیده بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال چنانچه با نشانه های حیض یا در روزهای عادت خون ببینند احتیاط کنند.

(مکارم :) مسأله زنان سیده و غیر سیده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند، یعنی اگر خونی ببینند خون حیض نیست ، مگر زنانی که از قبیله «قریش » محسوب می شوند که آنها بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند.

(سیستانی :) مسأله خونی را که زنها پس از تمام شدن شصت سال می بینند حکم حیض را ندارد و احتیاط مستحب- آن است که زنهایی که قرشیّه نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال چنانچه خون را طوری ببینند که اگر پیش از پنجاه سال می دیدند قطعاً حکم حیض را داشت میان کارهای مستحاضه و تروک حائض جمع نمایند.

(زنجانی :) مسأله زنهای قرشیه بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند؛ یعنی خون حیض نمی بینند، و زنهایی که قرشیه نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند. باید توجه داشت که زنهای سیده یکی از اقسام زنهای قرشیه می باشند.

[مسأله ۴۳۶ خونی که دختر پیش از تمام شدن نُه سال می بیند]

مسأله ۴۳۶ خونی که دختر، پیش از تمام شدن نُه سال (۱) و زن ، بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست (۲). (۱) (زنجانی ، فاضل :) نُه سال قمری .. (۲) (مکارم :) و اگر مربوط به زخم و جراحتی نباشد، استحاضه است که احکام آن قبلًا گفته شد.

(بهجت ، سیستانی :) مسأله خونی که دختر، پیش از تمام شدن نُه سال می بیند (بهجت : در صورتی که معلوم باشد نه سال او تمام نشده است و علامت و نشانه دیگری غیر از سن بر بلوغ او نباشد و هم چنین خونی که زن بعد از یائسه شدن می بیند) حیض نیست .

[مسأله ۴۳۷ زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد]

مسأله ۴۳۷ زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد، ممکن است حیض ببیند (۱). (۱) (خوئی ، سیستانی :) و حکم زن حامله و غیر حامله یکسان است فقط زن حامله در صورتی که بعد از گذشتن بیست روز از اول عادتش اگر خونی ببیند که صفات حیض را دارد لازم است بنا بر احتیاط بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

(بهجت :) بنا بر اقوی ، ولی اگر بیست روز از ایام عادت دیرتر بود هم وظیفه حائض و هم وظیفه مستحاضه را احتیاطاً انجام دهد.

(صافی :) ولی اگر زن حامله بعد از گذشتن بیست روز از اوّل عادتش خون ببیند و خون به صفت حیض باشد به احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند.

(زنجانی :) ولی زن حامله در دو جهت با سایر زنها تفاوت دارد: اوّل : آن که اگر حیض وی به تأخیر بیفتد تا بیست روز از آخر عادت وی بگذرد، دیگر هر چه خون ببیند حیض به حساب نمی آید هر چند به نشانه حیض باشد، و اگر بعد از گذشتن ایّام عادت و قبل از بیست روز خون ببیند، چنانچه به نشانه حیض باشد حیض و چنانچه به نشانه حیض نباشد، استحاضه است ، ولی در زنان

دیگر خونی که پس از ایّام عادت می بینند، استحاضه است ، هر چند به نشانه حیض باشد. در مورد خونی که در ایّام حیض یا قبل از آن دیـده می شود بین زنان حامله و دیگر زنان ، فرقی نیست . دوّم : آن که در زن حامله لازم نیست خون سه روز ادامه داشته باشد تا حیض به حساب آید.

[مسأله ۴۳۸ دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه]

مسأله ۴۳۸ دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه اگر خونی ببیند که نشانه های (۱) حیض را نداشته باشد حیض نیست (۲). و اگر نشانه های حیض را داشـته باشـد و اطمینان به حیض بودنش پیـدا کند حیض است (۳) و معلوم می شود نه سـال او تمام شـده است (۴). (۱) (زنجـانی :) نشانه .. (۲) (فاضـل :) بلکه حتّی اگر نشـانه هـای حیض را داشـته باشـد نمی شود گفت حیض است . [پایان مسأله] (خوئی :) اگر خون ببیند، چه دارای نشانه های حیض باشد چه نباشد حکم به حیض بودن آن نمی شود کرد. [پایـان مسـأله] (تبریزی :) اگر خون ببینـد، أظهر آن است که اگر دارای نشـانه های حیض باشـد حکم به حیض می شود. [پایان مسأله] (بهجت :) اگر دختری نمی دانـد که نُه سالش تمام شده یا نه و خوئی دید که یقین کرد خون حیض اسـت باید آن را خون حیض قرار دهد. [پایان مسأله] (۳) (گلپایگانی ، اراکی :) اگر نشانه های حیض را داشته باشد، حیض است .

(صافی :) اگر نشانه های حیض را داشـته باشـد، حکم بر حیض بودن آن محل ِاشـکال است . (۴) (سیستانی :) اگر نشانه های حیض را داشـته باشد، حکم به حیض بودن آن محل اشکال است مگر آن که اطمینان حاصل شود به این که حیض است و در این صورت معلوم می شود که نه سال او تمام شده است .

(زنجانی :) اگر نشانه حیض را داشته باشد، حیض است و شرعاً علامت ِاین است که نُه سال او تمام شده است .

[مسأله ۴۳۹ زنی که شک دارد یائسه شده یا نه]

مسأله ۴۳۹ زنی که شک دارد یائسه شـده یا نه (۱)، اگر خونی ببینـد و نداند حیض است یا نه ، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است (۲). (۱) (سیستانی :) شصت ساله شده یا نه ..

(زنجانی :) بایـد بنا بگذارد که یائسه نشده است و زنی که بین پنجاه و شـصت سالگی است و نمی داند که قرشـی است یا نه ، حکم کسی را دارد که هنوز از پنجاه سال نگذشته است . (۲) (سیستانی :) شصت ساله نشده است .

[مسأله ۴۴۰ مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود]

مسأله ۴۴۰ مدت حیض (۱) کمـتر از سه روز و بیشـتر از ده روز نمی شود و اگر مختصـری هم از سه روز کمـتر باشـد، حیض نیست . (۲) (۱) (زنجانی :) مـدت خون حیض .. (۲) (زنجـانی :) البتّه اگر به جهت مـانعی هم چون خوردن قرص ، خون سـه روز ادامه نیابد، با داشتن سایر شرایط حیض است . و مراد از روز، در اینجا مدّت (۲۴) ساعت است ؛ نه روز در مقابل شب .

[مسأله ۴۴۱ باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد]

مسأله ۴۴۱ باید سه روز اول حیض ، پشت سر هم باشد، پس اگر مثلًا دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست . (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر سه روز اول حیض پشت سر هم نباشد مثل آن که : دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم ، در روزهایی که خون می بیند، باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی بیند، هم کارهایی را که بر حائض حرام است ، ترک کند و هم عبادتهای خود را به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله لازم نیست سه روز اول حیض پشت سر هم باشد؛ ولی باید سه روز اول ، در یک دهه باشد، پس اگر یک روز خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند و چهار روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، خونهای دیده شده حیض است ؛ و اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، هر دو خون حیض است ؛ ولی اگر دو روز خون ببیند و هشت روز پاک شود، خون دیده شده حیض نمی باشد. و در مورد غیر سه روزِ اول لازم نیست خون دیده شده ، در یک دهه واقع شود؛ بلکه اگر فاصله آن با آخر خون دیده شده از ده روز کمتر باشد، ادامه خون ِ حیض ِ سابق می باشد؛ بنا بر این ، اگر مثلًا سه روز متوالی خون ببیند و پاک شود و در روز دوازدهم دوباره خون ببیند، این خون نیز ادامه حیض می باشد. و نیز اگر دو روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره دو روز خون ببیند و دوباره پاک شود و در روز هیجدهم دوباره خون ببیند خونهای دیده شده ، یک حیض به حساب می آید. البته مجموع روزهایی که با فاصله ، یا بی فاصله خون دیده است نباید از ده روز تجاوز کند؛ پس اگر هفت روز خون دید و سه روز پاک شد و دوباره هفت روز خون دید، نمی توان تمام خونهای دیده شده را حیض دانست .

[مسأله ۴۴۲ لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید]

مسأله ۴۴۲ لازم نیست (۱) در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج (۲) خون باشد (۳) کافی است (۴) و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود (۵) و مدّت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده (۶)، باز هم حیض است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) ابتداء حیض لازم است خون بیرون بیاید ولی لازم نیست .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) در باطن فرج .. (۳) (اراکی :) بدین معنی که اگر پنبه بگذارد و کمی صبر کند و بیرون آورد، خونی شود، هر چند به مقدار سر سوزنی باشد ..

(فاضل :) اگر در ابتدا خون بیرون بیاید ولی بعداً در فرج خون باشد .. (۴) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۵) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) به نحوی که در بین زنها تماماً یا بعضاً متعارف است باز هم حیض است . [پایان مسأله] (۶) (نوری :) چنانکه در بین زنها متعارف است ، ..

(گلپایگانی :) مسأله لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر در فرج خون

باشد به نحوی که در این سه روز هر موقعی پنبه یا انگشت داخل کند آلوده شود کافی است ، به شـرط آن که از اول مقداری خون بیرون آمـده باشـد هر چند کم باشد و فرق نمی کند که به خودی خود یا به وسـیله پنبه و غیر آن بیرون آمده باشد و اگر بیرون نیامـده و فقـط در فضای فرج ریخته ، احتیاط آن است که تا خون بیرون نیامـده ، هم عبادتهای خود را به جا آورد و هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و هر گاه در بین سه روز مختصـری پاک شود که در باطن خون نباشد حکم به حیض بودن ، مشکل است ولی اگر مدت پاکی کم باشد احتیاط لازم آن است که بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

(صافی :) به شرط آن که از اول مقداری خون به خودی خود بیرون آمده باشد هر چند کم باشد و اگر به واسطه پنبه و غیر آن بیرون آمـده باشـد یا فقط در فضای فرج ریخته ، احتیاط آن است که در هر دو صورت هم عبادتهای خود را به جا آورد و هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند ..

[مسأله ۴۴۳ لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند]

مسأله ۴۴۳ لـازم نیست شب اول و شب چهـارم را خـون ببینـد، ولی بایـد در شب دوم و سوم خون قطع نشود (۱)، پس اگر از اذان صبح (۲) روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید (۳)، یا در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و ادامه داشته باشد. [پایان مسأله] (۲) (گلپایگانی ، صافی :) از اوّل اذان صبح ..

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) از اول صبح .. (فاضل :) از طلوع آفتاب .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و در شب دوم و سوم هیچ خـون قطع نشود، حیض است ولی اگر در اواسـط روز اول شـروع و در همـان موقع از روز چهـارم قطع شود، به شـرطی حیض است که در شبهای دوم و سوم و چهارم نیز خون قطع نشود.

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) و هیچ قطع نشود حیض است و هم چنین است اگر در وسـطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع گردد.

(زنجـانی :) مسأله لازم است سه شـبانه روز خون ببینـد؛ پس اگر از اذان صـبح (یا طلوع آفتاب) روز اول تا غروب روز سوم ، خون بیاید برای حیض بودن کافی نیست و باید تا اذان صـبح (یا طلوع آفتاب) روز چهارم هم خون بیاید، یا مقدار باقی مانده در ضـمن ده روز تکمیل شود، هم چنین اگر در وسـطهای روز اول شـروع شود، بایـد تا همان موقع از روز چهارم خون بیاید و در شب دوم و سوم هم خون قطع نشود و یا مقدار سه شبانه روز کامل در ضمن ده روز خون ببیند.

[مسأله ۴۴۴ اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند]

مسأله ۴۴۴ اگر سه روز پشت سر هم (۱) خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند (۲) و روزهایی که خون دیده و در

وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است (۳).

(۱) (خوئی ، تبریزی :) با نشانه های حیض یا روزهای عادت .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه دوباره خونی که دارای نشانه های حیض است یا در روزهای عادت است ببیند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط آن است که در روزهای پاکی ، عبادتهای خود را به جا آورد و آن چه را بر حائض حرام است ترک کند.

(مکارم :) چنانچه دوباره خون ببیند و ایّامی که خون دیده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده حائض است ، ولی روزهایی که در وسط پاک بوده ، حکم زنان پاک را دارد.

(سیستانی :) روزهایی که خون دیده حیض است ولی احتیاط لازم آن است که در روزهایی که در وسط پاک بوده کارهایی که بر غیر حائض واجب است انجام دهد و آن چه بر حائض حرام است ترک کند.

(زنجانی :) مسأله اگر در بین روزهایی که زن خون می بیند یک یا چند روز پاک شود، در روزهایی که پاک شده حائض نیست ؛ هر چند روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک شده ، بر روی هم از ده روز بیشتر نباشد؛ بنا بر این اگر مثلًا سه روز خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره چهار روز خون ببیند، در مدّت دو خون حائض ، و در دو روز وسط پاک می باشد و باید غسل حیض کرده و عبادات خود را به جا آورد و می تواند کارهایی که بر حائض حرام است انجام دهد و چنانچه عباداتی در ایام پاکی انجام داده ، لازم نیست دوباره به جا آورد.

[مسأله ۴۴۵ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد]

مسأله ۴۴۵ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دُمل (۱) است یا خون حیض (۲)، چنانچه نداند دُمل در طرف چپ است یا طرف راست در صورتی که ممکن باشد مقداری پنبه داخل کند و بیرون آورد پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید خون دمل است (۳) و اگر ممکن نباشد که وارسی کند در صورتی که می داند خون سابق حیض بوده حیض قرار دهد و اگر دُمل بوده خون دُمل قرار دهد و اگر نمی داند خون حیض بوده یا دمل باید (۴) همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادتهایی را که زن غیر حائض انجام می دهد به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و زخم .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) نباید آن را خون حیض قرار دهد. [پایان مسأله] (زنجانی :) چنانچه نشانه حیض را نداشته باشد و در روزهای عادت یا یکی دو روز قبل از آن نباشد، نمی تواند آن را خون حیض قرار دهد؛ مگر در برخی صورتها که در مسائل آینده گفته خواهد شد. (۳) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر در ایام عادت خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل و زخم است یا خون حیض ، باید آن را حیض قرار دهد.

(بهجت :) مسأله اگر زنی بیش از سه روز خون دیـد و ده روز یا کمتر از آن پاک شد، چنانچه نمی داند خون زخم و جراحت است یا نه ، اگر در ایام عادت زن باشد یا این که شرایط حیض را داشته باشد آن را خون حیض قرار می دهد.

[مسأله ۴۴۶ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد]

مسأله ۴۴۶ اگر خونی ببینـد که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد (۱) و ندانـد خون حیض است یا زخم ، اگر قبلًا حیض بوده (۲) حیض ، و اگر پـاک بوده پـاک قرار دهـد، و چنـانچه نمی دانـد پـاک بوده یـا حیض ، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد و همه عبادتهـایی که زن غیر حـایض انجـام می دهـد به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) از سه روز بیشتر باشد و از ده روز زیادتر نباشد .. (۲) (بهجت :) یعنی خون حیض دیده و ممکن است این خـون دنبـاله آن باشـد حیض اسـت لکـن أظهر اعتبـار خروج از چپ برای حیض و خروج از طرف راست برای زخم است و با عدم امکان وارسی عمل به حالت سابقه می نماید و اگر سابقاً پاک بوده وظیفه ای نسبت به حیض ندارد.

(زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۴۵.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر صاحب عادت وقتیه در ایام عادت خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض ، باید آن را حیض قرار دهد.

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) مسـأله اگر خونی ببینـد که ندانـد خون زخم است یا حیض ، بایـد عبادتهای خود را به جا آورد مگر این که حالت سابقه اش حیض باشد.

[مسأله ۴۴۷ اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است]

مسأله ۴۴۷ اگر خونی ببینـد و شـک کنـد که خون حیض است یا نفاس (۱)، چنانچه شـرایط حیض را داشـته باشد، باید حیض قرار دهد (۲). این مسـأله ، در رسـاله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) به احکام حیض و نفاس عمل کنـد و غسل را به قصـد ما فی الذمه از حیض یا نفاس به جا آورد. (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی :) حیض است یا اسـتحاضه .. (۲) (بهجت :) اگر در ایام عادت زن باشـد، آن را خون حیض قرار می دهد و گر نه باید به وظیفه ای که مشترک بین حیض و نفـاس است عمـل کنـد، یعنی لازم نیست آن چه بر حـائض واجب است ولی بر نفسـاء واجب نیست و آن چه بر نفساء واجب است و بر حـائض واجب نیست به جـا آورد، گر چه انجـام دادن مجموع وظـائف حائض و وظائف نفساء، مطابق احتیاط اسـت بلکه این احتیاط در صورت امکان ترک نشود؛ و در صورت عدم امکان احتیاط، مخالفت قطعیه ننماید.

(زنجـانی :) چنـانچه در ایـام عـادت یـا یکی دو روز قبل یا مـدتی قبل با نشانه حیض باشـد بایـد حیض قرار دهـد و اگر نه باید اعمال استحاضه را انجام دهد؛ هم چنین است اگر شک کند خون حیض است یا استحاضه یا خون دمل و زخم .

[مسأله ۴۴۸ اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت]

مسأله ۴۴۸ اگر خونی ببینـد که نداند خون حیض است یا بکارت (۱)، باید خود را وارسـی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نمایـد و کمی صبر کنـد، بعد بیرون آورد پس اگر اطراف (۲) آن آلوده باشـد، خون بکـارت است و اگر به همه آن رسـیده ، حیض می باشد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (بهجت :) ولی احتمـال خون دیگری مثل خون جراحت و زخم را هم نمی دهـد .. (۲) (زنجانی :) پس اگر فقط اطراف .. (۳) (بهجت :) البته بایـد خون زیـاد نباشـد تـا به وسـیله فوق بتوانـد بین خون حیض و بکـارت فرق بگـذارد و در صورت عـدم امکان تشخیص و عدم حصول یقین در ایام عادت حکم به حیض بودن می کند و گر نه عمل به حالت سابقه می نماید.

(زنجـانی :) و اگر شـک کنـد که خون حیض است یـا خون اسـتحاضه یـا بکارت ، یا شک کنـد که خون حیض است یا خون زخم است یا بکارت ، یا اصـلًا ندانـد چه خونی است ، اگر فقط اطراف پنبه ای که در داخل فرج می گـذارد آلوده شده باشـد خون بکارت می باشد و اگر به همه آن رسـیده و نشانه حیض را داشـته باشد خون حیض ، و اگر نشانه حیض را نداشـته باشد، باید اعمال استحاضه را انجام دهد.

[مسأله ۴۴۹ اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود]

مسأله ۴۴۹ اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود (۱) و بعد از سه روز خون ببیند (۲) خون دوم حیض است (۳) و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشـد حیض نیست (۴). (۱) (مکارم :) بعـداً سه روز یا بیشتر خون ببیند با نشانه هایی که گفته شد فقط خون دوم حیض است . [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود، بعـد سه روز خون (خوئی ، تبریزی : در عادت یا با نشانه های حیض) ببینـد .. (۳) (اراکی ، فاضل :) اگر دارای شـرایط حیض است حیض می باشد .. (۴) (فاضل :) خون اول حیض نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند و مجموع خون اول و دوم و پاکی در بین ، از ده روز بیشتر نباشد، خون دوم را حیض قرار دهد و در خون اول احتیاط آن است که جمع کند، بین کارهای مسـتحاضه و ترک آن چه بر حائض حرام است و در پاکی در بین کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد و عبادتهای خود را به جا آورد.

(زنجـانی :) مسأله اگر کمتر از سه روز خون ببینـد و بعـد از گذشـتن ده روز از اول خون ، با شـرایط حیض خون ببینـد و خون دوم در عادت ، یا یکی دو روز قبل از عادت ، یا بیشتر از دو روز با نشانه حیض باشـد، این خون حیض است و خون اول ؛ اگر چه در روزهای عادتش باشد و نشانه حیض را هم داشته باشد؛ حیض نیست .

مسائل اختصاصی

اشاره

(بهجت :) مسـأله ۴۱۲ اگر حـائض پـاک شـد و بعـد از گذشـتن ده روز یـا بیشتر، دوباره خون دیـد؛ اگر از سه روز بیشتر طول بکشد ولی از ده روز بیشتر نباشد و سایر شرایط حیض را داشته باشد، خون دوم نیز حیض است .

(مکارم :) مسأله ۴۳۷ زنی که مبتلا به خونریزی است اگر به طبیب مراجعه کند و او تشخیص دهد خون حیض یا خون زخم و مانند آن است ، چنانچه به گفته طبیب اطمینان حاصل کند می تواند بر طبق احکام آن عمل نماید.

(زنجانی :) مسأله ۴۵۴ اگر زن خونی ببینـد که اگر سه روز ادامه پیدا کند حکم به حیض بودنش می شود، ولی شک دارد که خون سه روز ادامه پیدا می کند یا قطع می شود، باید بنا بر این بگذارد که خون ادامه پیدا کرده و حیض است ، ولی اگر خون قطع شود و ندانـد که آیـا دوبـاره قبـل از تمام شـدن ده روز خون می آیـد، بایـد بنا بر این گـذارد که خون دوباره نمی آیـد و خونی که دیـده حیض نبوده است ، و هم چنین است اگر در وقتی که خون قطع نشـده بدانـد خون سه روز ادامه پیدا نمی کند ولی احتمال بدهد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می آید.

احکام حائض

[مسأله ۴۵۰ چند چیز بر حائض حرام است]

مسأله ۴۵۰ چنـد چیز بر حائض حرام است : اول : عبادتهایی که ماننـد نماز بایـد با وضو یا غسل یا تیمّم به جا آورده شود (۱)، ولی بـه جـا آوردن عبادتهـایی که وضـو و غسـل و تیمّم برای آنهـا لازم نیست ، ماننـد نمـاز میّت ، مـانعی نـدارد. دوم : تمـام چیزهـایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شـد. سوم : جماع کردن در فرج ، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن (۲)، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید (۳)، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گـاه را هم داخل نکنـد (۴) و در دبر زن حـائض ، وطی کردن ، کراهـت شدیــده دارد. (۵) (۱) (سیسـتانی :) که اگر زن حائض این گونه اعمال را به قصد عمل صحیح انجام دهد جایز نیست ..

(زنجانی :) و در مدتی که حائض می باشد، یا شـرعاً محکوم به حائض بودن می باشد، اگر چنین عبادتهایی را و لو رجاءً به جا آورد معصیت کرده است .. (۲) (مکـارم :) سوم : نزدیکی کردن ، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن . چهارم : طلاق دادن در این حالت نیز باطل و بی اثر است . [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (سیستانی :) و این حکم شامل وطی در دبر نمی شود ..

(زنجانی :) ظاهراً جایز نیست که مقدار کمتر از ختنه گاه را داخل کند .. (۵) (اراکی :) در دُبُر زن حائض ، وطی کردن ، محل اشکال است .

(خوئی :) بنا بر احتیاط لازم وطی زن در دُبُر، چه حائض باشد چه نباشد، حرام است .

(گلپایگانی ، صافی :) در دُبُر زن حائض هم وطی ننماید چون کراهت شدیده دارد.

(فاضل :) وطی کردن در دُبُر زن حائض اگر راضی باشد، کراهت شدیده دارد.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط وطی زن در دُبُر اگر راضی نباشد، چه حائض باشد چه نباشد، جایز نیست .

(زنجانی :) وطی زن در دُبر شدیـداً مکروه است و خلاف احتیاط اسـتحبابی است و در حال حیض ، احتیاط اسـتحبابی اکید در

ترک آن است .

[مسأله ۴۵۱ جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست]

مسأله ۴۵۱ جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است (۱).
پس زنی که (بیشتر از ده روز خون می بیند و (۲)) باید

به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) جایز نیست .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۳) (زنجانی :) هم چنین در روزهایی که زن شرعاً می تواند برای خود حیض قرار دهد هم چون روزهای استظهار که در مسأله [اختصاصی (۴۸۷)، صفحه (۲۷۳)] توضیح داده شده است اگر زن آن روزها را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی کند، و لازم نیست در حیض قرار دادن از شوهر خود اجازه بگیرد، اگر چه احتیاط استحبابی در اجازه گرفتن است .

مسأله اختصاصی

اشاره

(نوری :) مسأله ۴۵۴ بر مرد لازم است چنانکه گفته شد با زن خود در حال حیض در قُبُل نزدیکی نکند و اگر نزدیکی کرد مرتکب گناه شده است باید استغفار کند؛ ولی دادن کفاره که ذکر می شود بنا بر احتیاط مستحبی است .

[مسأله ۴۵۲ اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود]

مسأله ۴۵۲ اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن ، با زن خود در قُبُل جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید (۱) هیجده نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد (۲) و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید (۳) چهار نخود و نیم بدهد. مثلًا زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اوّل و دوم با او جماع کند باید (۴) هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید (۵) چهار نخود و نیم بدهد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) مستحب بلکه أحوط است .. (نوری :) بنا بر احتیاط مستحب باید .. (۲) (فاضل :) اگر با هم سر حائض خود جماع در «قُبُل » کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد و مقدار آن به ترتیب زیر می باشد: شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد اگر در قسمت اوّل آن جماع کند، هیجده نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد .. (۳) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، فاضل و صافی نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) مستحب بلکه أحوط است .. (۵) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، فاضل و صافی نیست] (خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر مرد با زن خود در حال حیض نزدیکی کند (خوئی : چه از قُبُل باشد چه از دُبُر) لازم است استغفار کند و احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد. کفاره نزدیکی در حال حیض ، در قسمت اول آن هیجده نخود طلای سکه دار و در قسمت دوم ، نه نخود و در قسمت سوم چهار نخود و نیم است مثلًا زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند هیجده نخود طلا و در شب یا روز سوم و چهارم نُه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم چهار نخود و نیم بدهد.

(سیستانی :) مسأله اگر مرد با زن خود در حال حیض نزدیکی کند لازم است استغفار کند، و کفاره واجب نیست گر چه بهتر است ، و کفاره آن در اوّل حیض یک مثقال طلای سکه دار و در وسط آن نصف مثقال و در آخر آن یک چهارم مثقال است و مثقال شرعی (۱۸) نخود است .

(مکارم :) مسأله هر گاه مرد در حال حیض با هم سر خود نزدیکی کند مستحب است کفاره دهد و کفاره آن ، در ثلث اول روزهای حیض ، یک مثقال طلای سکه دار، یا قیمت آن است

(مثقال شرعی هیجده نخود می باشد) و اگر در ثلث دوم باشد نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد یک چهارم مثقال است ، بنا بر این اگر ایّام عادت شش روز است دو روز اول یک مثقال ، دو روز وسط نیم مثقال و دو روز آخر یک چهارم مثقال کفاره دارد.

(زنجانی :) مسأله اگر مرد با زن خود در حال حیض از قُبل نزدیکی کند لازم است استغفار کند و مستحب ، بلکه مطابق احتیاط مستحب است که در نزدیکی با زن در حال حیض چه از قبل باشد چه از دُبر کفاره بدهد. کفاره نزدیکی در حال حیض صدقه دادن به فقیر است ، به این ترتیب که : اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود، کفاره نزدیکی در قسمت اول آن : یک دینار شرعی (حدود (۲۲) نخود طلای سکه دار) و در قسمت دوم : نیم دینار (حدود (۱۱) نخود)، و در قسمت سوم : ربع دینار (حدود پنج نخود و نیم) است ؛ مثلًا زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند، یک دینار شرعی و در شب یا روز سوم و چهارم نیم دینار، و در شب یا روز پنجم و ششم ربع دینار بدهد. و بهتر آن است که در قسمت سوم هم نیم دینار بدهد و از آن بهتر آن است که در هر سه قسمت یک دینار بدهد و اگر نتواند کفاره بدهد، به یک مسکین صدقه بدهد.

مسائل اختصاصی

اشاره

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۴۵۹ سیستا (نی :) (۴۵۱) غیر از نزدیکی کردن با زن حائض سایر استمتاعات مانند بوسیدن و ملاعبه نمودن مانعی ندارد.

(زنجانی :) سایر بهره گیری های جنسی ..

(زنجانی :) ولی بهره گیری از ما بین ناف تا زانو مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است .

(مکارم :) مسأله ۴۴۱ بازی کردن با هم سر در حال حیض ، حرام نیست و کفاره هم ندارد.

[مسأله ۴۵۳ وطی در دبر زن حائض]

مسأله ۴۵۳ وطی در دبر زن حائض ، کفاره ندارد. (۱) این مسأله ، در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، نوری و مکارم نیست (۱) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۵۲.

[مسأله ۴۵۴ لازم نیست طلای کفّاره را از طلای سکه دار بدهد]

مسأله ۴۵۴ لازم نیست طلای کفّاره را از طلای سکه دار بدهد، ولی اگر بخواهد قیمت آن را بدهد باید قیمت سکه دار بدهد.
این مسأله ، در رساله آیات عظام : اراکی ، بهجت و فاضل نیست (سیستانی ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۵۲.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله بهتر آن است که طلای کفّاره را سکه دار بدهد، ولی اگر ممکن نباشد قیمت آن کافی است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر طلای سکه دار ممکن نباشد قیمت آن را بدهد.

(زنجانی :) مسأله اگر طلای سکه دار ممکن نباشد، پولی به قیمت آن داده شود.

[مسأله ۱۴۵۵ اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد]

مسأله ۱۴۵۵ اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید (۱) قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کند. این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و زنجانی نیست]

[مسأله ۱۴۵۶ اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوّم حیض ، با زن خود جماع کند]

مسأله ۱۴۵۶ اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوّم حیض ، با زن خود جماع کند (۱)، باید (۲) هر سه کفّاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم ، سیستانی و بهجت نیست (۱) (زنجانی :) هر سه کفاره را که یک دینار و سه چهارم (حدود سی و هشت نخود و نیم) می شود بدهد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) مستحب ِ بلکه احوط است ..

(نوری :) بهتر است .. [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست]

[مسأله ۱۴۵۷ اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده]

مسأله ۱۴۵۷ اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفّاره آن را داده دوباره جماع کند باز هم باید (۱) کفّاره بدهد. این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) مستحب ّ بلکه احوط است .. (نوری :) بهتر است ..

[مسأله ۱۴۵۸ اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند]

مسأله ۱۴۵۸ اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند (و در بین آنها کفّاره ندهد (۱)) احتیاط واجب (۲) آن است که برای هر جماع یک کفّاره بدهد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات

عظام : خوئی ، تبریزی ، زنجانی و مکارم نیست] (۲) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط مستحب ّ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری :) بهتر .. (مکارم :) مستحب ّ..

[مسأله ۴۵۹ اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده]

مسأله ۴۵۹ اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده ، باید فوراً از او جدا شود (۱) و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید کفّاره بدهد. (۲) این مسأله ، در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (خوئی ، زنجانی :) احتیاط مستحب ّاین است که کفاره بدهد.

(نوری :) بنا بر احتیاط مستحب باید کفاره دهد.

(مکارم :) اگر جدا نشود گناه کرده و بنا بر احتیاط مستحب ّباید کفاره نیز بپردازد.

[مسأله ۴۶۰ اگر مرد با زن حائض زنا کند]

مسأله ۴۶۰ اگر مرد بـا زن حـائض زنـا کنـد یـا بـا زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود اوست جماع نمایـد، احتیاط واجب آن است که کفـاره بدهـد (۱). این مسأله ، در رسـاله آیـات عظـام : سیسـتانی و بهجت نیست (۱) (فاضـل :) بلکه باید کفاره بدهد.

(اراکی ، تبریزی :) کفاره واجب نمی شود (اراکی : اگر چه احتیاط مستحب ٌاست).

(گلپایگانی ، خوئی ، صافی :) احتیاط مستحب ٌاین است که کفاره بدهد.

(نوری :) احتیاطاً کفاره بدهد. (مکارم :) احتیاط آن است که کفاره دهد.

(زنجانی :) مسأله اگر مرد العیاذ باللّه با زن حائض نامحرم به گمان این که عیال خودش است جماع کند، احتیاط مسـتحب این است که کفاره بدهد.

[مسأله ۴۶۱ کسی که نمی تواند کفّاره بدهد]

مسأله ۴۶۱ کسـی که نمی توانـد کفّاره بدهـد (بهتر آن است که صـدقه ای به فقیر بدهـد و اگر نمی توانـد (۱)) بنـا بر احتیاط واجب باید استغفار کند (۲)، و هر وقت توانست بایـد کفاره را بدهد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست .] (۲) (مکارم :) اگر نمی تواند باید از گناه خود استغفار کند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۵۲.

(نوری :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۴۵۴)، صفحه (۲۶۱).

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسـی که نمی تواند کفّاره بدهد، اسـتغفار کند و هر وقت توانست احتیاط مسـتحب ّآن است که کفاره را بدهد.

(فاضل :) مسأله کسـی که نمی توانـد کفّاره بدهد، بنا بر احتیاط باید به اندازه سـیر شدن یک فقیر گرسـنه ، صدقه بدهد و اگر نمی تواند، استغفار کند.

مسائل اختصاصی

اشاره

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۴۶۶ کسی که از روی نادانی یا فراموشی با زن در حال حیض نزدیکی کند کفاره ندارد.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۴۶۷ اگر مرد به اعتقاد این که زن حائض است با او نزدیکی کند و بعداً معلوم شود که حائض نبوده است کفاره ندارد.

[مسأله ۴۶۲ طلاق دادن زن در حال حیض]

مسأله ۴۶۲ طلاق دادن زن در حال حیض ، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۵۰.

[مسأله ۴۶۳ اگر زن بگوید حائضم]

مسأله ۴۶۳ اگر زن بگوید: حائضم یا از حیض پاک شده ام (۱)، باید حرف او را قبول کرد (۲). (۱) (سیستانی :) چنانچه محل اتّهام نباشد ..

(زنجانی :) و اطمینان به دروغ بودن گفته اش نباشد .. (۲) (بهجت :) مگر این که اطمینان پیدا شود که دروغ می گوید.

(مکارم :) مگر این که مورد سوء ظن باشد.

(سیستانی :) ولی اگر محل اتّهام باشد قبول حرف او محل اشکال است .

[مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود]

مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است (۱). (۱) (زنجانی :) و ادامه دادن آن حرام می باشد.

(سیستانی :) حتی اگر حیض بعد از سجده آخر و قبل از آخرین حرف سلام باشد بنا بر احتیاط واجب .

[مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود]

مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او صحیح است (۱) ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است (۲). این مسأله ، در رساله، آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (فاضل :) به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد .. (۲) (سیستانی :) هم چنان که در مسأله قبل گذشت .

(زنجانی :) بلی ، اگر در نماز مغرب بعد از دو رکعت حائض شود، احتیاط آن است که بعد از پاک شدن نماز مغرب را تمام کند و قضا نیز بنماید.

[مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود]

مسأله ۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود (۱)، واجب است برای نماز (۲) و عبادتهای دیگری که (۳) باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است (۴)، ولی برای نماز باید (۵) پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد (۶). و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است . (۱) (مکارم :) باید برای انجام عبادات خود غسل کند و اگر دسترسی به آب ندارد تیمم نماید، دستور غسل حیض مثل غسل جنابت است و از وضو نیز کفایت می کند، ولی احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد (خواه پیش از غسل باشد یا بعد از غسل). (۲) (بهجت :) و روزه .. (۳) (زنجانی :) امور دیگری که .. (۴) (فاضل :) و غسل حیض مثل غسل جنابت کفایت از وضو می کند ..

(سیستانی :) و از وضو کفایت می کند .. (زنجانی :) و نیازی به وضو ندارد .. (۵) (بهجت :) بنا بر اظهر باید .. (۶) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، نوری :) بهتر آن است که پیش از غسل (تبریزی : یا بعد از غسل) وضو هم بگیرد.

(زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل یا بعد از آن وضو بگیرد و بهتر آن است که پیش از غسل وضو بگیرد.

(فاضل :) برای نماز پیش از غسل یا بعد از آن بهتر است وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد افضل است .

[مسأله ۴۶۷ بعد از آن که زن از خون حیض ، پاک شد]

مسأله ۴۶۷ بعد از آن که زن از خون حیض ، پاك شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است ، و شوهرش هم می تواند با او جماع کند (۱)، ولی (۲) احتیاط مستحب ّ آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید (۳). اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس ّ خط قرآن (۴)، تا غسل نکند بر او حلال نمی شود. (۵) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و اولی این است که جماع پس از شستن فرج باشد .. (۲) (سیستانی :) ولی احتیاط لازم این است که جماع پس از شستن فرج باشد و .. (۳) (زنجانی :) جماع پیش از غسل کراهت شدید دارد .. (۴) (زنجانی :) مانند ورود در مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله و نیز در سایر مساجد در غیر صورت عبور، و مس ّ خط قرآن .. (۵) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .

(اراکی :) کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده ، به جز مس خطّ قرآن و اسم خداوند و مانند آن ، پس از قطع خون هر چند غسل نکرده باشد حرام نمی باشد ولی مس خط قرآن و اسم خداوند و مانند آن چون بدون طهارت جایز نیست باید غسل کند.

(سیستانی :) کارهای دیگری که در وقت حیض از جهت اشتراط طهارت بر او حرام بوده ، مانند مس ّ خطّ قرآن ، تا غسل نکند، بر او حلال نمی شود. و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب کارهایی که ثابت نشده که حرمت آنها از جهت اشتراط به طهارت باشد مثل توقف در مسجد.

[مسأله ۴۶۸ اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد]

مسأله ۴۶۸ اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد (۱)، (بنا بر احتیاط واجب (۲) باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید. (۳) و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد (۴)) باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید (۵) و اگر برای هیچ یك از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. (۶) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) به اندازه ای باشد که بتواند وضو بگیرد ..

(نوری :) به اندازه ای باشد که بتواند غسل کند .. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، نوری و صافی نیست] (۳) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند غسل کند باید غسل کند و بهتر آن است (زنجانی : احتیاط مستحب آن است) که بدل از وضو تیمم نماید .. (۴) [عبارت «و به اندازه غسل نباشد» در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۵) (سیستانی :) بهتر آن است که وضو بگیرد و باید عوض غسل تیمم نماید ..

(زنجانی :) بایـد عوض غسـل تیمم کنـد و احتیاط مسـتحب آن است که وضو هم بگیرد .. (۶) (سیسـتانی :) باید بدل از غسل تیمم کند و بهتر آن است که بدل از وضو نیز تیمم نماید.

(زنجانی :) بایـد بـدل از غسل تیمم نموده و بنا بر احتیاط مستحب تیمم دیگری هم بدل از وضو بگیرد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۶۶.

[مسأله ۴۶۹ نمازهای یومیه ای که زن در حال حیض نخوانده]

مسأله ۴۶۹ نمازهای یومیه ای که زن (۱) در حال حیض نخوانده (۲)، قضا ندارد، ولی روزه های واجب را (۳) باید قضا نماید. (۴) (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) نمازهـایی که زن .. (۲) (زنجـانی :) نمازهـای یومیه ای که به سـبب حیض از زن فوت شده .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) که در حال حیض نگرفته ..

(سیسـتانی :) روزه هـای مـاه رمضان را که در حال حیض نگرفته .. (۴) (زنجـانی :) و قضـای نمازهای غیر یومیه که بر دیگران واجب است بر او نیز واجب است .

(سیسـتانی :) و هم چنین بنا بر احتیاط لازم روزه هایی که به نـذر در وقت معین واجب شـده و در حال حیض نگرفته باید قضـا نماید.

[مسأله ۴۷۰ هر گاه وقت نماز داخل شود]

مسأله ۴۷۰ هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند (۱) که اگر نماز را تأخیر بینـدازد حائض می شود، باید فوراً نماز بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، نوری :) یا احتمال دهد .. (مکارم :) یا گمان داشـته باشد .. (۲) (سیسـتانی :) و هم چنین است بنـا بر احتیـاط لازم اگر احتمـال دهـد که چنـانچه نمـاز را تـأخیر بینـدازد حـائض می شود. (زنجانی :) بلکه بنا بر احتیاط اگر احتمال هم بدهد، نماز را فوراً بخواند.

[مسأله ۴۷۱ اگر زن نماز را تأخیر بیندازد]

مسأله ۴۷۱ اگر زن نماز را تأخیر بینـدازد و از اوّل وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد (۱) و حائض شود (۲)، قضای آن نمـاز بر او واجب است ، (۳) ولی در تنـد خوانـدن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند (۴)، مثلًا زنی که مسـافر نیست اگر در اوّل ظهر نماز نخوانـد، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقـدار خوانـدن چهار رکعت نماز به دسـتوری که گفته شد (۵) از اول ظهر بگـذرد و حائض شود (۶) و برای کسـی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خوانـدن دو رکعت کافی است (۷) و نیز بایـد ملاحظه تهیه شـرایطی را که دارا نیست بنمایـد، پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقـدّمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است و گر نه واجب نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) به اندازه خواندن یک نماز با طهارت از حدث بگذرد ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) به اندازه خواندن یک نماز (خوئی ، تبریزی : با تحصیل طهارت از حدث) بگذرد ..

(سیستانی :) به انـدازه خواندن یک نماز با تمام مقدمات از قبیل تحصـیل لباس پاک و وضو بگذرد .. (۲) (زنجانی :) چنانچه می توانسته نمازش را در وقت بخواند هر چند به این صورت که مقدمات آن مانند: وضو گرفتن یا غسل یا تیمم کردن یا پاک بودن بدن یا لباس و یافتن جهت قبله را قبل از وقت انجام دهد، یا نماز را بدون حرج تند بخواند ..

(۳) (مکارم :) و در انـدازه «وقت برای انجام واجبات » بایـد ملاحظه حال خود را نمایـد، مثلًا برای مسافر به انـدازه دو رکعت و برای حاضـر، به اندازه چهار رکعت و کسـی که وضو ندارد، وقت وضو را نیز باید در نظر بگیرد و هم چنین تطهیر لباس و بدن و اگر فقط به اندازه خود نماز وقت داشته باشد، احتیاط قضا کردن نماز است .

(سیسـتانی :) بلکه اگر وقت داخل شـده در حالی که زن می توانسـته یک نماز با وضو یا غسل بلکه با تیمم بخوانـد و نخوانـده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را قضا کند هر چند وقت برای تحصیل سایر شرایط وافی نبوده است ..

(گلپایگـانی ، صـافی :) بنـا بر احتیاط واجب بایـد قضای آن نماز را به جا آورد .. (۴) (زنجـانی :) قضـای آن نماز بر او واجب است و در چگونگی نمـاز بایـد ملاحظه حال خود را بکنـد .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) به مقـدار خوانـدن چهـار رکعت نمـاز با تحصیل طهارت از حدث ..

(سیستانی :) به مقدار خواندن چهار رکعت نماز با انجام وضو یا تیمم ..

[عبارت « به دسـتوری که گفته شـد» در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی و زنجانی نیست] (۶) (زنجانی :) و می توانسته قبل از وقت ، مقـدمات نماز را تهیه کنـد و مدت زمان به قدری است که بتواند بدون حرج با تند خواندن ، نماز را به جا آورد .. (۷) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) با تحصیل طهارت کافی است . [پایان مسأله] (زنجانی :) با شرایط ذکر شده کافی است . [پایان مسأله]

[مسأله ۴۷۲ اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود]

مسأله ۴۷۲ اگر زن در آخر وقت نمـاز از خون پـاک شود (۱) و به انـدازه غسل (و وضو و مقـدمات دیگر (۲) نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن (۳)) و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را به جا آورد (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) باید غسل کند و نماز را بخوانـد، حتی اگر به انـدازه یک رکعت نماز وقت داشـته باشـد احتیاط واجب خوانـدن نماز است . و در صورت نخواندن ، قضـای آن را به جـا آورد. (۲) (فاضـل :) به انـدازه غسل و مقـدمات دیگر .. (۳) [قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی و زنجانی نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه اگر فقط به انـدازه یک رکعت نماز با طهارت از حدث وقت داشـته باشد، احتیاط لازم خواندن نماز با طهارت است اگر چه به قدر تهیه سایر مقدمات وقت نداشـته باشد و اگر نخواند قضاء آن را به جا آورد.

(زنجانی :) و اگر می توانسته با تهیه مقدمات از قبل ، نماز را در این وقت بخواند، داشتن وقت برای تهیه مقدمات پس از پاک

شـدن ، لازم نیست و همین مقـدار که بتواند نماز اشخاصـی را که به خاطر اضـطرار و عذر به صورت خاصـی خوانده می شود مثلًا با لباس نجس یا بدون لباس –

بخواند کفایت می کند و اگر این مقدار هم وقت نداشته باشد، نماز واجب نیست و اگر می توانسته با تحصیل مقدمات قبل از پاک شدن ، نمازش را پس از پاک شدن در آخر وقت بخواند ولی چون تحصیل مقدمات نکرده اکنون قادر به خواندن نماز و لو نماز افراد معذور نیست ، نماز فعلًا بر او واجب نیست ولی قضای آن واجب است .

[مسأله ۴۷۳ اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد]

مسأله ۴۷۳ اگر زن حائض (۱) به اندازه غسل و وضو وقت ندارد (۲)، ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست ، (۳) اما اگر گذشته از تنگی وقت (۴) تکلیفش تیمم است ، مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند. (۵) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بعد از پاک شدن .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) اگر زن حائض بعد از پاکی به اندازه غسل وقت ندارد ..

(فاضل :) اگر زن حائض به اندازه غسل وقت ندارد .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که آن نماز را با تیمم بخواند ولی در صورتی که نخواند قضا بر او واجب نیست ..

(سیستانی :) احتیاط واجب آن است که نماز را با تیمم بخواند، و در صورتی که نخواند قضا نماید ..

(مکارم :) هر گاه در آخر وقت پاک شود، امّا وقت برای غسل ندارد فقط می تواند تیمم کند و یک رکعت نماز را در وقت و بقیه را در خارج وقت به جا آورد نماز بر او واجب نیست .. (۴) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) از جهت دیگر .. (۵) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، تبریزی :) و در صورتی که نخواند لازم است قضا نماید.

(فاضل :) و اگر نخواند واجب است قضای آن را به جا آورد.

[مسأله ۴۷۴ اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند]

مسأله ۴۷۴ اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه ، باید نمازش را بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۴۷۵ اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز وقت ندارد]

مسأله ۴۷۵ اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز (۱) و خواندن یک رکعت وقت ندارد (۲) نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته ، باید قضای آن نماز را به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) به اندازه تحصیل طهارت از حدث .. (۲) (زنجانی :) اگر به خیال این که برای خواندن یک رکعت نماز با خصوصیاتی که

در مسأله [۴۷۱] گفته شد وقت ندارد ..

[مسأله ۴۷۶ مستحب-است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک نماید]

مسأله ۴۷۶ مستحب-است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاك نمايد و پنبه و دستمال را عوض كند و وضو بگيرد و اگر نمی توانـد وضو بگيرد تيمم نمايـد و در جـای نماز رو به قبله بنشـيند و مشـغول ذكر و دعا و صـلوات شود. اين مسأله ، در رساله آيت اللّه بهجت نيست

[مسأله ۴۷۷ خواندن و همراه داشتن قرآن]

مسأله ۴۷۷ خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جايی از بدن به حاشيه برای حائض مكروه است .

و ما بین خطهای قرآن (۱) و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است . (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) رسانـدن جـایی از بـدن به ورق قرآن که خـط قرآن در آن نباشـد مثل حاشـیه و بین سطرها .. (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) رساندن جایی از بدن به ما بین خطهای قرآن .. (۲) (مکارم :) شایسته نیست .

اقسام زنهای حائض

[مسأله ۴۷۸ زنهای حائض بر شش قسمند]

اشاره

مسأله ۴۷۸ زنهـای حائض بر شـش قسـمند: اول : صاحب عادت وقتیه و عـددیه ؛ و آن زنی است که دو ماه پشت سـر هم « در وقت معیّن » (۱) خون حیض ببینـد و شـماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سـر هم از اول مـاه تـا هفتم خون ببینـد. دوم : صاحب عادت وقتیه ؛ و آن زنی است که دو ماه پشت سـر هم « در وقت معیّن » (۲)، خون حیض ببینـد، ولی شـماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک انـدازه نباشد مثلًا دو ماه پشت سـر هم از روز اول ماه خون ببینـد ولی مـاه اول روز هفتم و مـاه دوم روز هشـتم از خون پاک شود (۳). سوم : صـاحب عادت عـددیه ؛ و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سـر هم به یک انـدازه باشـد ولی وقت دیـدن آن دو خون یکی نباشد مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند (۴). چهارم : مضطربه ؛ و آن زنی است که چند ماه خون دیده ، ولی عادت معیّنی پیـدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه ای پیـدا نکرده است . پنجم : مبتدئه ؛ و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است . شـشم : ناسیه ؛ و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است . و هر کدام اینها احکامی دارنـد که در مسائل آینده گفته می شود. (۱) (۲) (زنجانی :) از وقت معین .. (۳) (مکـارم :) دوّم : صاحب عادت وقتیه : و آن زنی است که دو ماه پشت سـر هم در وقت معین خون حیض ببیند، ولی شـماره روزهای او به یک اندازه نباشد، مثلًا یک ماه ، پنـج روز و یک ماه ، هفت روز ببینـد .. (۴) (زنجـانی :) مثـل آن که مـاه اول از اول ماه تا آخر روز هفتم و ماه دوم از هفتم تا آخر روز سیزدهم خون ببیند ..

۱ صاحب عادت وقتیه و عددیه

[مسأله ۴۷۹ زنهایی که عادت وقتیه و عددیه دارند]

مسأله ۴۷۹ زنهایی که عادت وقتیه و عددیه دارند سه دسته اند (۱):

اول : زنی که دو ماه پشت سـر هم « در وقت معین (۲)»، خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلًا دو ماه پشت سـر هم از روز اول ماه ، خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است . (۳) دوم : (۴) زنی که

از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلًا از اول ماه تا هشتم (۵) خونی که می بیند نشانه های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است (۶) (و با فشار و سوزش بیرون می آید. (۷)) و بقیه خونهای او نشانه های استحاضه را دارد (۸) که عادت او از اول ماه تا هشتم (۹) می شود. سوم : (۱۰) زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین ، خون حیض ببیند

و بعـد از آن که سه روز یا بیشتر خون دیـد یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببینـد و تمام روزهایی که خون دیـده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده (۱۱) و در وسط پاک بوده روی هم یک انـدازه باشـد که عادت او به انـدازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است و لازم نیسـت روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک انـدازه باشد، مثلًا اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سـه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببینـد و در ماه دوم بعـد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر (۱۲) پاک شود و دوباره خون ببینـد و روی هم از نه روز بیشتر نشود، (۱۳) همه حیض است (۱۴) و عادت این زن نه روز می شود (۱۵). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) دو دسته اند .. (۲) (زنجانی :) از وقت معین .. (۳) (زنجـانی :) که عـادت این زن از روز اول مـاه تـا هفتم است .. (۴) [مورد دوّم در رسـاله آیات عظام : خوئی ، سیسـتانی و تبریزی نیست] (۵) (زنجانی :) تا هفتم .. (۶) (زنجانی :) یعنی سیاه یا قرمز تیره است .. (۷) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۸) (زنجانی :) یعنی زرد یا قرمز روشن است .. (۹) (زنجانی :) تا هفتم .. (۱۰) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) دوم : .. (۱۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) بـا روزهـایی که در وسـط پـاک بوده روی هم یـک انـدازه باشـد که عادت او همان روزهـایی است که به طـور متفرق خون دیـده و در پـاکی در بین ، بایـد احتیاطـاً عبادتهـای خود را به جـا آورد و آن چه را بر حـائض حرام است ، ترک کنـد و اگر در روزهای پاکی ماههای پیش ، اتفاقاً خون ببینـد، بایـد در آن روزها احتیاطاً جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض .

(سیسـتانی :) و روزهایی که در وسط پاک بوده روی هم یک انـدازه باشد که عادت او به اندازه روزهایی است که خون دیده است نه به ضـمیمه روزهایی که در وسط پاک بوده است ، پس لازم است که روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشند، مثلًا اگر در ماه اول و هم چنین در ماه دوم از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند عادت این زن شش روز متفرّق می شود و در سه روز پاکی که در وسط است بنا بر احتیاط واجب محرمات حائض را ترک و اعمال مستحاضه را انجام دهـد و چنانچه مقـدار روزهایی که در ماه دوم خون دیده بیشتر یـا کمتر باشـد این زن صـاحب عادت وقتیه است نه عـددیه . (۱۲) (خوئی :) کمـتر از سه روز یـا بیشـتر .. (۱۳) (فاضل ، تـبریزی :) روی هـم نه روز بشـود .. (۱۴) (خـوئی :) روی هـم نـه روز شـود در ایـن صـورت همـه نه روز حیض است .. (۱۵) (زنجـانی :) سـوم : زنی که دو مـاه پشت سر هم از وقت معین خـون حیض ببینـد و پـاک شود و دوبـاره خون ببینـد و مجموع خونهایی که دیـده بـدون محاسـبه زمانی که پاک بوده در دو ماه به یک اندازه باشد و شـرایط حیض را هم داشته باشد (یعنی مجموع خونها در هر ماه از ده روز بیشتر

نشـود و سه روز اول خـون در یـک دهه واقـع شود و مـدتی که در وسـط پـاک بوده کمـتر از ده روز باشـد) و لازم نیست که روزهـایی که در وسـط پـاک بوده به یک انـدازه باشـد؛ مثلًا اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم ماه خون حیض ببینـد و پنج روز پـاک شود و دوبـاره چهـار روز خون ببینـد و در ماه دوم بعـد از آن که روز اول و دوم ماه خون دیـده کمتر از هشت روز پـاک شود و دوباره پنـج روز خون ببینـد، عادت او هفت روزه است که از اول ماه به طور متصل به حساب می آیـد. هم چنین اگر در یکی از دو مـاه از زمـان معینی (مثلًـا از اول مـاه) چنـد روز متّصـل (مثلًا هفت روز) خون حیض ببینـد و در ماه دیگر از همان وقت چند روز خون ببیند و سپس مدتی کمتر از ده روز پاک شود و دوباره خون ببیند و خون هر دو ماه شرایط حیض را داشـته و به یک اندازه هم باشند، عادتش به همان مقدار (مثلًا هفت روز) است که به طور متّصل از اول آن زمان معیّن (مثلا از اول ماه) محاسبه می گردد.

(مکـارم :) مسـأله زنانی که عادت وقتیه و عـددیه دارنـد همین که در ایام عادت ، خون ببیننـد حائض می شونـد و تا پایان ایام عـادت احکام حائض را دارنـد، خواه نشانه های خون حیض در آن بوده باشـد، یا نه . هر گاه زنی در تمام ماه پاک نمی شود، ولی در دو ماه پشت سـر هم چنـد روز معین (مثلًا اول ماه تا هفتم ماه) خونی را که می بیند، نشانه های حیض را دارد، اما بقیه چنین نیست ، او نیز باید همان ایام را عادت قرار دهد.

[مسأله ۴۸۰ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

مسأله ۴۸۰ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر در وقت عـادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببینـد، به طوری که بگوینـد حیض را جلو یا عقب انداخته (۱) اگر چه آن خون ، نشانه های حیض را نداشـته باشـد، باید به احکامی که برای زن حـائض گفته شـد عمـل کنـد (۲). و چنـانچه بعـد بفهمـد حیض نبـوده مثـل این که پیش از سه روز پـاک شـود بـاید عبادتهایی را که به جا نیاورده قضا نماید. (۱) (خوئی :) زنی که عـادت وقتیّه دارد، اگر در وقت عادت ، یک یا دو روز جلوتر خون ببیند، ..

(تبریزی :) زنی که عادت وقتیّه دارد، اگر در وقت عادت یا دو روز جلوتر خون ببیند، ..

(سیسـتانی :) زنی که عادت وقتیّه دارد، چه عادت عددیّه نیز داشـته باشد یا نه ؛ اگر در وقت عادت یا یک یا دو روز یا پیش از آن ، جلوتر خون ببیند، به طوری که بگویند عادتش جلو افتاده ..

(صافی :) اگر در وقت عادت ، دو روز جلوتر خون ببیند، ..

(فاضـل :) اگر در وقت عـادت ، یـا دو سه روز جلوتر خون ببینـد، به طوری که بگوینـد حیض را جلو انـداخته و نیز اگر دیـدن خون از ایّام عادت ، تأخیر افتاده .. (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(تبریزی :) و نیز اگر چند روز جلوتر از وقت عادت یا چند روز با تأخیر از وقت عادت خون ببیند و احتمال جلو افتادن عادت یا

تأخیر آن را بدهد، باید به احکام حائض عمل کند ..

(زنجانی :) مسأله در تمام اقسام عادت وقتیه و عددیه اگر زن خون ببیند و شروع آن در وقت

عادت یا یکی دو روز جلوتر باشـد اگر چه آن خون زرد رنگ باشـد باید از اول ِخون به مقدار عدد عادتش به احکام حائض عمل نماید و اگر خون ادامه داشت مسـتحب است تا ده روز اسـتظهار کند و اگر خون از ده روز بگذرد اسـتحاضه است ، مگر در صورتی که عادت با نشانه حیض مشـخص شـده باشد (صورت دوم مسأله سابق) که چنانچه پس از ده روز خونی ببیند که نشانه حیض را داشته باشد و خونی که در وقت عادت یا یکی دو روز جلوتر دیده نشانه های حیض را نداشته باشد، خون نشانه دار، حیض است و خونی که در ایام عادت دیده حیض نبوده ؛ بنا بر این تمام عبادتهای واجبی را که در آن زمان ترک کرده ، باید قضا کند. و به طور کلی در جایی که عادت با نشانه حیض مشخص شده باشد چنانچه دو خون ببیند که هر یک به تنهایی بتواند حیض باشد و هر دو نتوانند حیض باشند و یکی از آن دو بدون نشانه ، ولی در زمان حیض یا یکی دو روز جلوتر باشد، و دیگری در غیر زمان حیض ولی با نشانه حیض باشـد؛ خون با نشانه حیض ، حیض می باشـد و خون زمان عادت اسـتحاضه ، بر خلاف سایر اقسام عادت که خون زمان عادت حیض است . در پاره ای از مسائل آینده که حیض بودن خون زمان عادت بر حیض بودن خون نشانه دار مقدم شمرده شده ، مراد اقسام معمولی عادت است که به وسیله نشانه حیض مشخص نشده است .

مسائل اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۴۸۷ مراد از اسـتظهار در مسـاله گذشـته و مسائل آینـده این است که زن خود را حائض به شـمار آورده ، به احکام حائض رفتار نموده ، عبادات را ترک و از محرّمات حائض اجتناب کند. اسـتظهار در باره زنی که عادتش مسـتقیم باشد و هیـچ از نظر عدد تخلّف نداشـته باشد، مشـروع نیست ؛ در غیر این صورت اسـتظهار تا ده روز مسـتحب است ؛ خواه در زمان اسـتظهار خون به نشانه حیض باشـد یا نباشد، خون از ده روز بگذرد یا نگذرد، از آغاز بداند که از ده روز می گذرد یا نداند. ایام استظهار همانند ایام حیض است و نمازهایی را که زن در آن موقع ترک می کند، قضا ندارد.

(زنجانی :) مسأله ۴۸۸ زنی که عادت وقتیه و عـددیه دارد اگر خون ببیند و شـروع آن بیش از دو روز قبل از عادت باشد، چند صورت دارد: الف : اگر خون به رنگ سـیاه یا قرمز تیره باشـد، حیض است . ب : اگر خون به رنگ زرد یا قرمز روشن باشـد، استحاضه است . ج : اگر در آغاز به رنگ زرد یا قرمز روشن بوده ، قبل از عادت سیاه یا قرمز تیره شده از وقتی که تغییر رنگ داده ، حیض به شـمار می آیـد، پس اگر خون بـا رنـگ حیض سه روز در ضـمن یـک دهه ادامه داشـته باشـد یا به ایّام عادت متّصل شـده و سه روز را تکمیل کند (هر چند در ایّام عادت به رنگ حیض نباشد)، نمازهایی را که ترک کرده قضا ندارد. د: اگر در آغاز به رنگ زرد یا قرمز روشن بوده ، و قبل از عادت تغییر رنگ نداده و در ایام عادت هم ادامه داشـته است ، از اول ایام عادت حیض به حساب می آیـد؛ اگر چه آن خون هم چنان زرد یا قرمز روشن باشد، ولی اگر سه روز در ضـمن یک دهه ادامه نداشـته باشد، معلوم می گردد که آن خون حیض نبوده ، و باید نمازهایی را که نخوانده است ، قضا کند. ه: اگر در آغاز به رنگ زرد یا قرمز روشن بوده و بعد که قرمز تیره یا سـیاه شده یا ایّام عادت رسـیده ، کمتر از سه روز ادامه یافته است ، بنا بر احتیاط واجب به مقدار سه روز را عادت خود قرار می دهد و بعد از پاک شدن نماز و سائر عبادتهای واجبی را که در آن سـه روز به جا نیاورده ، قضا می کند (و برای تعیین سه روز، خونی را که نشانه حیض دارد یا در ایام عادت می بیند حیض قرار

می دهـد و بنـا بر احتیاط مقـدار کسـری آن تا سه روز را اگر می توانـد از خون بعـد تکمیل می کنـد) و در سائر روزهایی که خون می بینـد بایـد به وظایف مسـتحاضه عمل نمایـد. در سایر صورتها که حکم به حیض بودن خون شد به اندازه عدد عادت خود حیض قرار داده ، پس از آن تا ده روز از هنگامی که حکم به حیض بودن شـد، مسـتحب است اسـتظهار کند و بعد از آن استحاضه می باشد.

(زنجـانی :) مسأله ۴۸۹ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر بعـد از گذشـتن تمـام ایـام عـادت شـروع به خون دیـدن کرد اسـتحاضه است ؛ هر چند به نشانه حیض باشد، مگر آن که عادت وی در اثر نشانه دار بودن خون مشخص شده باشد (صورت دوم مسأله [۴۷۹]) که چنانچه خونی با نشانه پس از ایام عادت هم ببیند، حیض است .

(زنجانی :) مسأله ۴۹۰ کسـی که عادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر بعـد از آن که خونی با شـرایط حیض دیـد مدتی کمتر از ده روز پاک شود و دو باره خون ببینـد و مجموع روزهایی که خون دیـده بـدون محاسـبه ایامی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشـد؛ مثلا پنج روز حیض ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره بیش از پنج روز خون ببیند، از زمانی که خون می بیند به مقدار عدد عادتش حیض و پس از آن تا ده روز از روزهایی که خون می بیند مسـتحب است اسـتظهار نماید و خون بعد از ده روز استحاضه است .

(زنجانی :) مسأله ۴۹۱ زنی که عادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر در وقت عادت یا یکی دو روز قبل از آن شـروع به خون دیدن کرد و مدتی کمتر از ده روز پاک شود و دوباره خون ببیند، از آغاز خون اول به مقدار عدد عادتش حیض بوده ، اگر کمتر از عادت بود، آن را از خون دوم تکمیل می کند و چنانچه خون ادامه داشت ، مستحب است تا ده روز استظهار کند و پس از آن مستحاضه است ، هم چنین است حکم زنی که بیش از دو روز قبل از عادت با نشانه حیض خون ببیند.

(زنجانی :) مسأله ۴۹۲ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا یکی دو روز پیش از آن شروع به خون دیدن کنـد و بیشتر از ده روز متصل خون ببینـد، به مقدار عدد عادتش از اولین روزی که خون می بیند حیض قرار می دهد؛ هر چند نشانه حیض را نداشته باشد، و پس از آن مستحب است تا ده روز استظهار کند و پس از ده روز بقیه خون استحاضه است ؛ هر چنـد نشانه حیض را داشـته باشـد، مگر آن که عادت وی در اثر نشانه حیض مشـخص شده باشد؛ که در این صورت باید خون حیض را در خونهـای نشـانه دار قرار دهـد چنـانچه در مسأله [۴۸۰] گـذشت و زنی که بیش از دو روز قبـل از عـادت بـا نشانه حیض خون ببیند، از روز اول خون به مقدار عادتش حیض بوده و تا ده روز مستحب است استظهار کند و پس از آن استحاضه است .

[مسأله ۴۸۱ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

مسأله ۴۸۱ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد اگر چنـد روز پیش از عـادت و همه روزهای عادت و چنـد روز بعـد از عادت خون ببیند (۱) و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است . و اگر از ده روز بیشتر شود، فقـط خونی را که در روزهـای عـادت خـود دیـده ، حیض اسـت و خـونی که پیش از آن و بعـد از آن دیـده اسـتحاضه می باشـد و بایـد عبادتهـایی را که در

روزهـای پیش از عادت و بعـد از عادت به جا نیاورده قضا نمایـد. و اگر همه روزهای عادت را با چنـد روز پیش از عادت (۲) خون ببینـد و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقـط روزهای عادت او حیض اسـت (۳)

و خونی که جلوتر از آن دیـده اسـتحاضه می باشـد، و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده بایـد قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت (۴) خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود (۵) فقط روزهای عادت حیض و باقی اسـتحاضه است (۶). این مسـأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر همه روزهای عادت و چند روز (خوئی ، تبریزی : با نشانه های حیض) پیش از عادت و بعد از عادت خون ببیند ..

(صافی :) اگر به نشانه های حیض چند روز پیش از عادت و چند روز بعد از عادت ، یا همه روزهای عادت ، خون ببیند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، صافی :) با نشانه های حیض .. (۳) (سیستانی :) هر چند با نشانه های حیض نباشد و روزهای قبل نشانه های حیض را داشته باشد .. (۴) (خوئی ، صافی ، تبریزی :) بـا نشانه های حیض .. (۵) (تبریزی :) اگر نشانه های حیض را نداشته باشد و یـا از ده روز بیشتر شود .. (۶) (صـافی :) و اگر خونی که پیش از عـادت یـا بعـد از عـادت می بینـد نشانه های حیض نداشته باشد و بـا عـادت روی هـم رفتـه بیشتر از ده روز نباشـد احتیـاط در آن دو خـون ، جمـع بین تروک حـائض و اعمـال مستحاضه است .

(مکارم :) مسأله زنی که «عادت وقتیه و عـددیه » دارد، اگر چنـد روز پیش از عادت و چنـد روز بعـد از عادت خون ببینـد (به طوری که در میـان زنهـا معمول است که گـاهی عادت را جلو یا عقب می اندازنـد) و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت دیـده حیض است و قبل و بعـد از آن اسـتحاضه می باشـد، همین طور اگر چنـد روز قبـل از ایام عادت به اضافه تمام عادت را خون ببینـد، یا فقط چنـد روز بعـد از عادت به اضافه تمـام ایـام عـادت را خون ببینـد که اگر از ده روز تجاوز نکنـد، همه اش حیض است و اگر تجاوز کنـد فقط ایام عادت حیض محسوب می شود.

[مسأله ۴۸۲ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

مسأله ۴۸۲ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد اگر مقـداری از روزهای عادت را با چنـد روز پیش از عادت (۱) خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود روزهـایی که در عادت خون دیـده (۲) با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض و روزهای اول را استحاضه قرار می دهد. (۳) و اگر مقداری از روزهای عادت را با چنـد روز بعـد از عادت (۴) خون ببینـد و روی هم از ده روز بیشـتر نشود، همه حیض است و اگر بیشـتر شود، بـاید روزهایی که در عادت خون دیده (۵) با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (۶) تمام این مسأله و نیز تمام پنج سطرِ اول ِ مسأله بعد ، در رساله مرحوم آیت اللّه اراکی به دلیل غفلت ! از چاپ ساقط شده است لذا نگارنده نظر ایشان را از آیت اللّه زاده اراکی دامت برکاته سؤال کردم ؛ فرمودند: قسمتهایی که ساقط شده است ، موافق با امام است . این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و مکارم نیست

(۱) (خوئی ، تبریزی ، صافی :) با نشانه های حیض .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه کمتر از سه روز باشد .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) و چنانچه سه روز یا بیشتر باشد آن خون را حیض قرار دهد و روزهای قبل از زمان عادت را تا به اندازه ای که به مقدار عادت برسد احتیاط کند .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) با نشانه های حیض .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه کمتر از سه روز باشد .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) و در صورتی که خونی را که در عادت دیده سه روز یا بیشتر باشد در مقدار زیادی تا مقدار عادت احتیاط کند.

[مسأله ۴۸۳ زنی که عادت دارد]

مسأله ۴۸۳ زنی که عادت دارد، (۱) اگر بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد. مثل آن که پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد: (۱) آن که تمام خونی که دفعه اول دیده ، « یا مقداری از آن » (۲) در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد. (۳) (۲) آن که خون اول در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن (۴) در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد. (۳) آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد (۵) و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، (۶) که در این صورت همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است ، مثلًا اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده ، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و هم چنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد. (۴) آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده ، از سه روز کمتر باشد (۷)، که باید در تمام دو خون و پاکی وسط کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد ترک کند (۸) و کارهای استحاضه را به جا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادتهای خود را انجام دهد (۹). این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد .. (۲) [عبارت « یا مقداری از آن » در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۳) (خوئی :) و هم چنین است اگر مقداری از خون اول را در عادت و مقداری از آن را قبل از عادت به یک یا دو روز ببیند یا این که دارای نشانه های حیض باشد چه قبل از عادت باشد چه بعد از آن ..

(تبریزی :) و هم چنین است اگر مقداری از خون اوّل را در عادت و مقداری از آن را قبل از عادت یا بعد از عادت ببیند و فرقی نمی کند خون با نشانه های حیض باشد یا بدون نشانه های آن ..

(سیستانی :) مگر این که خون دوّم نشانه های حیض را داشته باشد که در این صورت قسمتی از آن که با احتساب خون اوّل و پاکی بعد از آن مجموعاً از ده روز تجاوز نمی کند حیض است و ما بقی استحاضه است . مثلًا اگر سه روز خون ببیند و سه روز پاک شود و سپس پنج روز خون ببیند و نشانه های حیض را داشته باشد سه روز اوّل و چهار روز از خون دوّم حیض است و در پاکی وسط باید بنا بر احتیاط واجب واجبات غیر حایض را انجام و محرمات حائض را ترک کند .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) به طوری که در صورت اول گفته شد .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) در این صورت آن مقدار با پاکی وسط و مقداری از خون دوّم که آن هم در روزهای عادت بوده و مجموع از ده روز بیشتر نیست همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است مثلًا اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و روز اول و دوم و هم چنین از یازدهم تا پانزدهم استحاضه می باشد. [پایان صورت (۳)] (۶) (گلپایگانی ، صافی :) که در این صورت ، اگر یک روز یا دو روز خون زودتر دیده باشد، احتیاط آن است که در این دو روز آن چه را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را به جا آورد و هم چنین به مقدار آن از ایام عادت را در آخر ده روز احتیاط بنماید و مقداری از خون اول را که در عادت بوده با مقداری از خون دوم را که در عادت بوده حیض قرار دهد و در پاکی در بین احتیاط کند به ترک آن چه بر حائض حرام است و عبادتهای خود را به جا آورد، مثلًا اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و یک روز پاک شود و بعد تا چهاردهم ، خون ببیند در روز اول و دوم ماه و نهم و دهم ، باید چنانکه گفته شد، احتیاط نماید و روز سوم تا ششم و هشتم را حیض قرار دهد و در هفتم که پاکی در بین است نیز به نحوی که گفته شد احتیاط کند به ترک آن چه بر حائض حرام است و به جا آوردن عبادتها. [پایان صورت (۳)] (سیستانی :) در این صورت هر دو خون حیض است (و احتیاط واجب آن است که در پاکی وسط کارهایی که بر غیر حائض واجب است انجام دهد و محرمات بر حائض را ترک کند) و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است و اما مقداری از خون اول که قبل از روزهای عادت بوده چنانچه عرفاً بگویند: که عادتش جلو افتاده محکوم به حیض است مگر آن که حیض قرار دادن آن باعث آن شود که بعضی از خون دوم که نیز در روزهای عادت بوده یا تمام آن از ده روز حیض خارج شود که در این صورت محکوم به استحاضه است ، مثلًا اگر عادت زن از سوّم ماه تا دهم بوده در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند خونهایی که از اول تا دهم دیده حیض است و خونهایی که از یازدهم تا پانزدهم دیده استحاضه می باشد [پایان صورت ۳] (۷) (اراکی :) که باید از ابتداء خون اول به تعداد روزهای عادت حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه .

(خوئی ، تبریزی :) در این صورت بعید نیست مقداری را که در عادت خود دیده با

تمام کردن کسری آن از ما قبل تا سه روز شود باید حیض قرار دهد، پس اگر بشود مقداری را که از خون دوم در بین عادت دیـده حیض قرار دهـد (به این معنی که مجموع این مقدار با مقداری که از اول حیض قرار داده با پاکی ما بین آنها از ده روز تجاوز نکند) تمام آنها حیض است و الّا خون اول را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد. (۸) (فاضل :) مگر عبادتهای واجبه را که باید به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد انجام دهد. (۹) (گلپایگانی ، صافی :) ولی هر یک از خون اولی و دومی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر باشـد که باید در تمام دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ، ترک کند و کارهای مسـتحاضه را به جا آورد و در پاکی در بین کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد و عبادتهای خود را انجام دهد.

(سیسـتانی :) ولی آن مقـدار از خون اوّل که در روزهـای عـادت بوده از سه روز کمتر باشـد در این صورت بایـد سه روز آخر خون اوّل را حیض قرار دهـد و هم چنین از خون دوّم را که مجموعاً با سه روز اوّل و پاکی وسط ده روز باشـند و ما زاد بر آن اسـتحاضه است و اگر پاکی او هفت روز باشـد خون دوّم هم اسـتحاضه است و در بعضـی موارد بایـد تمام خون اول را حیض قرار دهـد و این به دو شـرط است : اوّل : آن که به مقـداری بر عادت مقـدّم باشد که بگویند عادتش جلو افتاده . دوّم : آن که اگر او را حیض قرار بدهـد لازم نیایـد که مقـداری از خون دوم که در عـادت واقع شـده از ده روز حیض خارج شود مثلًا اگر عـادت زن از سوّم مـاه تـا دهم بوده و اکنون از اول مـاه تـا آخر روز چهـارم خون دیـده و دو روز پـاک بوده و بعـد دو باره تا پانزدهم خون دیده تمام خون اول حیض است و هم چنین خون دوم تا آخر روز دهم .

(مکارم :) مسأله زنی که عادت دارد هر گاه سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دو باره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشـد و تمـام روزهـایی را که خون دیـده بیش از ده روز نباشـد، همه آن حیض است (امـا ایّامی که در وسـط پـاک بـوده ، پـاک محسوب می شود) و اگر زیـادتر از ده روز باشـد آن خونی که در عـادت بوده حیض و دیگری که نبوده ، استحاضه است و اگر هیچ کدام در عادت نبوده آن خونی که دارای صفات حیض است حیض و دیگری استحاضه است و اگر هر دو صفات حیض دارد تا ده روز حیض محسوب می شود و بعد از آن استحاضه است .

[مسأله ۴۸۴ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

مسأله ۴۸۴ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبینـد و در غیر آن وقت به شـماره روزهای حیضـش (۱) خون ببیند، (۲) بایـد همان را حیض قرار دهـد، چه پیش از وقت عادت دیـده باشـد چه بعـد از آن . این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و زنجانی نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، صافی :) با نشانه های حیض .. (۲) (فاضل :) اگر بعـد از وقت عادت باشـد، به محض این که خون دیـد بایـد همان را حیض قرار دهـد و اگر پیش از وقت عادت دیـده به نحوی که عرفاً نگوینـد حیض را جلو انـداخته و در آن نشانه های حیض باشد آن را حیض قرار دهد و اگر نشانه های حیض نبود و نمی دانست تـا سه روز ادامه پیـدا می کنـد تـا سه روز تمام کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد مگر عبادات واجبه را که باید طبق احکام استحاضه انجام دهد و اگر سه روز ادامه پیدا کرد محکوم به حیض است .

[مسأله ۴۸۵ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

مسأله ۴۸۵ زنی که عـادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر در وقت عـادت خود خون ببینـد ولی شـماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد (۱) و بعد از پاک شدن ، دوباره به شماره روزهای عادتی که داشته (۲) خون ببیند (۳)، باید (۴) در هر دو خون کارهـایی را که بر حـائض حرام است ترک کنـد (۵) و کارهـای اسـتحاضه را به جا آورد. (۶) این مسـأله ، در رساله آیـات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (مکارم :) و قبل از وقت عادت ، یا بعـد از آن به شـماره روزهای عادت خون ببینـد، فقـط خونی را که در وقت عادت دیـده حیض قرار می دهـد. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی :) بـا نشـانه های حیض .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه مجموع این دو خون با پاکی ما بین آنها از ده روز بیشتر نشود همه را حیض قرار دهد و در صورتی که بیشتر شود خونی را که در عادت دیده حیض و خون دیگر استحاضه است و چنانچه خون اول بیشتر از عادت بوده و مقدار زیـادی نشـانه های حیض را داشـته همه آن خون حیض است . (۴) (فاضـل :) بنا بر احتیاط بایـد .. (۵) (فاضـل :) مگر عبادات واجبه را که باید طبق احکام اسـتحاضه به جا آورد. (۶) (اراکی :) بایـد خونی که در وقت عادت خود دیده است حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(گلپایگـانی ، صافی :) بایـد آن چه را در وقت دیـده ، حیض قرار دهـد و اگر شـماره روزهایش کمتر باشـد اگر ممکن اسـت کسـری عـدد را از آن چه بعـد از عادت دیـده تمام نمایـد و در ما بقی عمل مسـتحاضه نمایـد اگر از ده روز تجاوز کند و اگر تجـاوز نکنـد تمام روزهایی را که خون دیـده حیض قرار دهـد و در پاکی در بین احتیاط کنـد به ترک آن چه بر حائض حرام است و انجام عبادتهای خود.

(سیسـتانی :) مسأله زنی که عادت وقتیه و عـددیه دارد، اگر در وقت عادت خود سه روز یا بیشتر خون ببینـد و شـماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشـد و پس از پاک شـدن دوباره به شـماره روزهای عادت خویش خون ببینـد در اینجا چند صورت دارد:

۱ - آن که مجموع آن دو خون بـا پـاکی میـان آنهـا از ده روز بیشتر نشود در این صورت مجموع دو خون یک حیض حساب می شود. ۲ - آن که پاکی میان آن دو خون ده روز یا بیشتر باشـد در این صورت هر کدام از آنها حیض مسـتقل قرار داده می شوند. ۳ - آن که پـاکی میـان آن دو خون کمتر از ده روز و مجموع دو خون بـا پـاکی در میـان بیشتر از ده روز باشـد در این صورت باید خون اوّل را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

[مسأله ۴۸۶ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد]

اشاره

مسأله ۴۸۶ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه

هـای حیض را نداشـته باشـد، حیض است و خونی که بعـد از روزهـای عـادت دیـده اگر چه نشانه های حیض را داشـته باشـد استحاضه است . مثلًا زنی که عـادت حیض او از اول ماه تا هفتم است ، اگر از اول تا دوازدهم خون ببینـد، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست

۲ صاحب عادت وقتیه

[مسأله ۴۸۷ زنهایی که عادت وقتیه دارند سه دسته اند]

مسأله ۴۸۷ زنهایی که عادت وقتیه دارند (۱) سه دسته اند (۲): اول : زنی که دو ماه پشت سر هم « در وقت معین »، (۳) خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلًا دو ماه پشت سر هم روز اول ماه (۴) خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم (۵) و ماه دوم روز هشتم (۶) از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد. (۷) دوم (۸): زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید و بقیه خونهای او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست مثلًا در ماه اول ، از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم ، خون او نشانه های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. (۹) سوم (۱۰): زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین ، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلًا در ماه اوّل هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد (۱۱) که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. (۱۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) و اول عادت آنها معین باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) دو دسته اند .. (۳) (زنجانی :) از وقت معین .. (۴) (زنجانی :) مثلًا دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه .. (۵) (زنجانی :) روز ششم .. (۶) (زنجانی :) روز هفتم .. (فاضل :) روز ششم .. (۷) (زنجانی :) وقت عادت حیض خود قرار دهد .. (۸) [مورد دوّم در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۹) (زنجانی :) دوم : زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم از وقت معین خون او حد اقل سه روز قرمز تیره یا سیاه رنگ است و بقیه خونهای او قرمز روشن یا زرد رنگ است و شماره روزهایی که خون او قرمز تیره یا سیاه است در هر دو ماه به یک اندازه نباشد؛ مثلا در ماه اول از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا ششم خون او به رنگ حیض ، و بقیه به رنگ استحاضه می باشد، که این زن هم باید روز اوّل ماه را وقت عادت خود قرار دهد .. (۱۰) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) دوّم : .. (۱۱) (سیستانی :) ولی در هر دو ماه از اوّل ماه خون دیده باشد، .. (۱۲) (زنجانی :) سوم : زنی که دو ماه پشت سر هم از وقت معینی (مثلا اول ماه) خون حیض ببیند و مدتی کمتر از ده روز پاک شود و دوباره خون ببیند و مجموع خونهایی که دیده بدون محاسبه زمانی که در وسط پاک بوده در دو ماه به یک اندازه نباشد و در هر دو ماه خون شرایط حیض را داشته باشد (یعنی از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد و سه روز اول آن در

یک دهه واقع باشد) که این زن هم آن وقت معین (مثلا اول ماه) را وقت عادت خود قرار می دهد. هم چنین اگر در یکی از دو ماه از زمان معینی (مثلا اول ماه) چند روز متصل خون حیض ببیند و در ماه دیگر از همان وقت چند روز خون ببیند، سپس کمتر از ده روز پاک شود و دوباره خون ببیند و مجموع هر دو خون شرایط حیض را داشته و مقدارش با ماه اول یکسان نباشد؛ که در این صورت نیز باید آن زمان معین (مثلا اول ماه) را وقت عادت خود قرار دهد.

(مکارم :) مسأله زنانی که فقط «عادت وقتیه » دارند یعنی دو ماه پشت سر هم در وقت معیّن خون حیض ببینند سپس پاک شوند ولی شماره روزهای آن یک اندازه نباشد، باید تمام آن را حیض قرار دهند به شرط آن که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معیّن ، خون او نشانه های حیض را دارد، اما شماره روزهای خونی که نشانه حیض را دارد یک اندازه نیست ، چنین زنی نیز باید تمام آن چه را نشانه حیض دارد حیض قرار دهد. زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود، دو مرتبه سه روز یا بیشتر خون ببیند و مجموع روزهایی که خون دیده از ده روز بیشتر نشود (ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد) چنین زنی نیز باید تمام آن چه را دیده حیض قرار دهد، ولی در روزهای وسط که پاک است حکم طاهر را دارد.

[مسأله ۴۸۸ زنی که عادت وقتیه دارد]

مسأله ۴۸۸ زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته (۱)، اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زنهای حائض گفته شد رفتار نماید (۲) و اگر بعد بفهمد حیض نبوده ، مثل آن که پیش از سه روز پاک شود، باید عبادتهایی را که به جا نیاورده قضا نماید. (۱) (صافی :) زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود دو روز پیش از عادت خون ببیند ..

(فاضل :) زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو انداخته .. (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله زنی که عادت وقتیه دارد و شماره روزهای او به یک اندازه نیست چنانچه خونی ببیند که مقداری از آن نشانه های حیض داشته و مقداری نداشته باشد، در صورتی که خون نشانه دار از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد لازم است آن را حیض و خونی که نشانه های حیض ندارد استحاضه قرار دهد، ولی چنانچه در وقت عادتش خون ببیند داشتن نشانه های حیض در حیض بودن آن ، معتبر نیست ، پس خونی که در وقت عادتش دیده چنانچه ممکن است حیض باشد لازم است حیض قرار دهد مثلًا در وقت عادت خود سه روز خون دید اگر چه نشانه حیض را نداشته باشد حیض است . و هم چنین است اگر در عادت خود مثلًا یک روز و پیش از عادت به دو روز خون ببیند یا این که در عادت خود مثلًا یک روز و پس از

آن (خوئی : با نشانه های حیض) دو روز خون ببینـد در این دو صورت نیز لازم است آن سه روز را حیض قرار دهـد پس اگر خون نشانه دار قبل از ده روز از اول خون دیـدن قطع شـد تمام آن خون حیض است و اگر بعداً نیز خون دید چنانچه آن خون دارای نشانه های حیض و فاصله بین آن و آخر خون اول ده روز یا بیشتر باشد آن خون نیز حیض است و الّا استحاضه است .

(سیستانی :) مسأله زنی که عادت وقتیه دارد اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت خون ببینـد بایـد به احکامی که برای زنهای حائض گفته شد رفتار نماید و تفصیل این مطلب در مسأله [۴۸۰] گذشت و اما در غیر این دو صورت مثل این که آن قـدر زودتر از عادتش خون ببینـد که نگوینـد عادتش جلو افتاده بلکه بگوینـد در غیر وقت خود خون دیـده و یا آن که بعد از گذشت وقت عادتش خون ببیند چنانچه آن خون دارای نشانه های حیض باشد به احکامی که برای زنهای حائض گفته شـد رفتار نمایـد و هم چنین اگر دارای نشانه های حیض نباشـد ولی بداند که آن خون سه روز ادامه پیدا می کند و اگر نداند که سه روز ادامه پیـدا می کنـد یـا نه ، احتیاط واجب آن است که هم کارهایی که بر مستحاضه واجب است انجام دهـد و هم کارهایی که بر حائض حرام است ترک نماید.

(زنجـانی :) مسـأله زنی که عـادت وقتیه دارد اگر در وقت عـادت خود یـا یکی دو روز قبـل از عادت (با نشانه حیض یا بـدون نشانه حیض) یا چنـد روز قبل با نشانه حیض خون ببینـد، باید به احکام حائض رفتار نماید و اگر بعد بفهمد حیض نبوده ؛ مثل آن که از سه روز کمتر باشـد، بایـد عبادتهـای واجبی را که به جـا نیـاورده ، قضا کنـد، و چنانچه خونی در وقت عادت خود یا یکی دو روز قبل ببینـد و خون دیگری در غیر وقت عادت ، و هر یک به تنهایی بتوانـد حیض باشـد ولی نتوانـد هر دو خون را حیض قرار دهـد، خونی را که در وقت عادت یا یکی دو روز قبل است ، حیض قرار می دهـد، هر چند به نشانه حیض نباشد و خونی را که در غیر وقت عادت می بیند، استحاضه قرار می دهد، هر چند به نشانه حیض باشد؛ مگر آن که عادت وی به سبب نشـانه حیض مشـخص شـده باشـد (صـورت دوم مسـأله قبـل)، که در این صـورت خـون نشـانه دار حیض و خـون بی نشـانه ، استحاضه است .

[مسأله ۴۸۹ زنی که عادت وقتیه دارد]

مسأله ۴۸۹ زنی که عادت وقتیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید شـماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری ، زنده باشند یا مرده (۱). ولی در صورتی می توانـد عادت آنان را حیض خود قرار دهـد که شـماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شـماره روزهای حیض آنان یک انـدازه نباشد، مثلًا عادت بعضی پنج روز و عادت بعضـی دیگر هفت روز باشد نمی تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهـد. مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد به قـدری کم باشـند که در مقابل آنان هیـچ حساب شونـد که در این صورت بایـد عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و این در صورتی است که همه یا اکثریت قریب به اتّفاق آنها یکسان باشند، اما اگر در میان آنها اختلاف است ، مثلًا بعضی پنج روز و بعضی هشت روز عادت می بینند، احتیاط

واجب آن است که در هر ماه هفت روز را ایام عادت خود قرار دهـد. [پایان مسأله] (۲) (صافی :) مع ذلک احتیاط واجب این است که این زن که به عـادت خویشـان رجوع می کنـد اگر عـادت آنهـا از هفت روز کمتر است ، پس از پایـان مـدت عادت خویشانش تا هفت روز هم آن چه را حائض باید ترک کند، ترک نماید و هم آن چه را مستحاضه باید انجام دهد، انجام دهد و هم چنین اگر عـادت خویشـانش از هفت روز بیشـتر است در فاصـله بین هفت روز تـا پایـان عـادت آنهـا احتیـاط مـذکور را مراعات نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله زنی که عـادت وقتیه دارد اگر در غیر وقت عـادت بـا نشانه های حیض بیشتر از ده روز خون ببینـد و نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید تا شش یا هفت روز حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(زنجـانی :) مسأله زنی که عادت وقتیه دارد، برای تعیین مقـدار خون حیض خود می بایست نخست به نشانه حیض و سـپس به عـادت خویشان خود توجه کنـد، بنا بر این اگر خونی ببینـد که نشانه حیض را دارد در صورتی که شـرایط حیض را هم داشـته باشـد، (یعنی از سه روز کمـتر و از ده روز بیشتر نباشـد) آن خون را حیض قرار می دهـد و اگر نتوانـد مقـدار حیض خود را به واسـطه نشانه حیض تعیین نمایـد، بایـد شـماره عادت یکی از خویشان خود را در زمانی که هم سن او بوده انـد؛ پدری باشد یا مـادری ، زنـده باشـد یـا مرده ، حیض قرار دهـد و پس از آن مسـتحب است تـا ده روز اسـتظهار کنـد و پس از ده روز، خـون استحاضه است .

(سیسـتانی :) مسأله زنی که عادت وقتیه دارد اگر در وقت عادت خود خون ببینـد و مقـدار آن خون بیش از ده روز باشـد پس اگر بعضـی از روزها خون او نشانه های حیض را داشـته باشد و بعضـی نداشـته باشد و روزهایی که به نشانه حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشـد آن را حیض و مـا بقی را اسـتحاضه قرار می دهـد و اگر چنین خونی بـا همین شـرط دو بار تکرار شود مثلًا چهار روز خون با نشانه حیض و چهار روز با نشانه اسـتحاضه ، دوباره چهار روز با نشانه حیض باشد فقط خون اوّل را حیض قرار دهد و ما بقی اسـتحاضه است و اگر خون با نشانه حیض از سه روز کمتر باشد آن را حیض قرار دهد و عدد آن را بـا یکی از دو نحو آینـده (رجوع به اقـارب یـا انتخاب عـدد) تعیین نمایـد و اگر بیش از ده روز است قسـمتی از آن را با یکی از همین دو راه حیض قرار دهـد و اگر نتوانـد مقـدار حیض را به واسـطه نشانه های آن تشـخیص دهـد یعنی خون او همه دارای یک نوع نشانه باشـد یا خونی که به نشانه حیض است از ده روز بیشتر یا از سه روز کمتر باشـد باید به مقدار ایام عادت بعضـی از خویشان خود را حیض قرار دهـد چه پـدری باشـد و چه مادری ، زنده باشد یا مرده ، ولی به دو شـرط: اوّل : آن که ندانـد مقـدار عادت او مخالف با مقـدار حیض خودش می باشـد، مثل آن که خودش در زمان جوانی و قوّت مزاج باشد و آن زن نزدیـک به سن یـأس باشـد که مقـدار عـادت معمولًا کم می شود و هم چنین در عکس این صورت و مثـل زنی که دارای عـادت نـاقصه است که معنا و حکمش در مسأله [۴۹۹] خواهـد آمـد. دوّم : آن که ندانـد مقـدار عادت آن زن با مقدار عادت دیگر خویشانش که دارای شـرط اول هستند تفاوت دارد، ولی اگر مقدار تفاوت بسیار کم باشد که حساب نشود ضرر ندارد و هم چنین است

حکم زنی که عادت وقتیه دارد و در وقت به کلی خون نبیند و لکن در غیر آن وقت خونی ببیند که بیشتر از ده روز باشد و نتواند مقدار حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد.

[مسأله ۴۹۰ زنی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد]

مسأله ۴۹۰ زنی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده ، اول حیض خود قرار دهد، مثلًا زنی که هر ماه ، روز اول ماه خون می دیده (۱) و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می شده ، چنانچه یک ماه ، دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) و گاهی روز ششم و گاهی روز هفتم پاک می شده است ، چنانچه یک ماه از اوّل تا دوازدهم خون ببیند و عادت خویشان او هفت روز باشد، هفت روز اول ماه را حیض قرار می دهد و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و سپس مستحاضه می باشد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۸۹.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله زنی که هر ماه روز اول ماه مثلًا خون می دیده و گاهی روز پنجم و گاهی روز هفتم پاک می شده ، چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و نتواند با نشانه های حیض مقدار او را معین نماید، باید از اول ماه تا شش یا هفت روز حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

(سیستانی :) مسأله صاحب عادت وقتیه نمی تواند حیض را در غیر وقت عادت خود قرار دهد، پس اگر ابتدای زمان عادت او معلوم باشد مثل این که هر ماه از روز اول خون می دیده و گاهی روز پنجم و گاهی روز ششم پاک می شده چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و نتواند با نشانه های حیض شماره او را معیّن نماید باید اول ماه را حیض قرار دهد و در شماره به آن چه در مسأله پیش گفته شد رجوع نماید. و اگر وسط یا آخر عادت او معلوم باشد چنانچه خون او از ده روز تجاوز بکند باید آن شماره را طوری قرار دهد که آخر یا وسط آن موافق با وقت عادتش باشد.

[مسأله ۴۹۱ زنی که عادت وقتیه دارد و باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد]

مسأله ۴۹۱ زنی که عادت وقتیه دارد و باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد (۱) باید در هر ماه از روزی که خون می بیند تا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و بهجت نیست (۱) (اراکی :) مخیر است که شش روز یا هفت روز را در هر ماه حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا در یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا عکس این را عمل نماید یعنی ماه اول ده روز حیض قرار دهد و ماه دوم سه روز. (۲) (فاضل :) باید در هر ماه از روزی که خون می بیند، به احتیاط واجب هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۸۹.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله زنی که بایـد شـماره عـادت خویشان خود را حیض قرار دهـد، چنانچه خویش نداشـته باشـد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد باید در هر ماه از روزی که خون می بیند (گلپایگانی : سه روز یا) شش روز یا هفت روز، را حیض و بقیه را اسـتحاضه قرار دهـد و احوط آن است که آن چه را ماه اول حیض قرار داد، در ماههای بعد هم همان مقدار را حیض قرار دهـد ولی اگر صاحب عادت وقتیه باشد و عادت او در روزهای وسط یا آخر خون باشد، باید (گلپایگانی : سه روز یا) شش روز یا هفت روز وسط یا آخر را که در عادت است حیض قرار دهد.

(زنجانی :) مسأله زنی که با نشانه حیض نمی تواند حیضش را معین کند و هیچ یک از خویشاوندانش عادت ندارند یا به آنان دسترسی نـدارد، شـش یـا هفت روز را حیض قرار می دهـد و بنـا بر احتیاط از اول خون قرار دهـد و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و بعد از آن مستحاضه است .

مسائل اختصاصی

اشاره

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۴۹۷ صـاحب عـادت اگر وسط یا آخر عادت او معلوم است چنانچه خون او از دوازده روز (تبریزی : ده روز) تجاوز کند شش یا هفت روز را طوری قرار دهد که آخر یا وسط آن موافق با آن وقت باشد.

(سیستانی :) مسأله ۴۸۱ زنی که عادت وقتیه دارد و بیشتر از ده روز خون ببینـد و نتوانـد آن را به آن چه در مسأله [۴۸۹] گفته شد معین نماید مخیّر است که از سه روز تا ده روز، هر شـماره ای را که مناسب مقدار حیضش می بیند حیض قرار دهد و بهتر آن است که هفت روز قرار دهد در صورتی که آن را مناسب خود ببیند البته باید شماره ای را که حیض قرار می دهد موافق با وقت عادتش باشد آن طوری که در مسأله پیش گفته شد.

۳ صاحب عادت عددیه

[مسأله ۴۹۲ زنهایی که عادت عددیه دارند سه دسته اند]

مسأله ۴۹۲ زنهایی که عادت عـددیه دارند سه دسـته اند: (۱) اول : زنی که شـماره روزهـای حیض او در دو ماه پشت سـر هم یک انـدازه باشـد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می شود. مثلًا اگر مـاه اول از روز اول تـا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببینـد، عادت او پنـج روز می شود. دوم : (۲) زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سـر هم چنـد روز از خونی که می بیند نشانه حیض و بقیه نشانه اسـتحاضه را دارد (۳) و شمـاره روزهـایی که خون نشـانه حیض دارد در هر دو ماه یک انـدازه است ، اما وقت آن یکی نیست ، که در این صورت هر چنـد روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می شود. (۴) مثلًا اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعـد از یازدهم تا

پانزدهم (۵)، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می شود. سوم (۶): زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون ، در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود (۷) و شماره روزهای آن هم

به یـک انـدازه باشـد، تمام روزهایی که خون دیـده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می شود (۸) و لازم نیست روزهـایی که در وسـط پاک بوده در هر دو ماه به یک انـدازه باشـد. مثلًا اگر ماه اول ، از روز اول ماه تا سوم خون ببینـد و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم ، از یازدهم تا سـیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود (۹)، عادت او هشت روز می شود. (۱۰) (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) دو دسـته انـد .. ایـن مسأله ، در رسـاله آیـت اللّه بهجت نیست (۲) [مـورد دوم ، در رسـاله آیـات عظـام : خوئی ، تـبریزی و سیستانی نیست] (۳) (زنجانی :) دو ماه پشت سـر هم چند روز از خونی که می بیند، نشانه حیض : قرمزی تیره یا سیاهی و بقیه ، نشانه اسـتحاضه : قرمزی روشن یا زردی را دارد .. (۴) (زنجانی :) عدد عادت او می شود .. (۵) (زنجانی :) مثلًا اگر یک ماه از اول مـاه تـا پایـان روز پنجم و مـاه بعـد از یـازدهم تـا پایان روز پانزدهم .. (۶) (خـوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی :) دوّم : .. (۷) (سیسـتانی :) و شماره روزهایی که خون دیده به یک اندازه باشد تمام روزهایی که خون دیده عادت حیض او می شود و باید در روزهـای وسط که پاک بوده احتیاطاً کارهایی که بر زن غیر حایض واجب است انجام دهـد و کارهایی که بر حائض حرام است ترک نمایـد، مثلًا اگر ماه اول از روز اول تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دو باره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سـیزدهم خون ببینـد و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند عادت او شـش روز می شود و امّا اگر در یک ماه مثلًا هشت روز خون ببینـد و در ماه دوم چهار روز خون دیـده و پاک شود و دوباره خون ببینـد و مجموع ایّام خون با پاکی وسط هشت روز باشـد در این صورت این زن صاحب عادت عـددیّه نیست بلکه مضـطربه حساب می شود که حکمش خواهد آمد. (۸) (گلپایگانی ، صافی :) تمام روزهایی که به طور متفرق خون دیده عادت او می شود و در پاکی در بین ، احتیاط کند به ترک آن چه بر حائض حرام است و به جا آوردن عبادتهای خود، ولی اگر روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه نباشد، تحقّق عادت عددیه محل ّاشکال است . و ترک نشود احتیاط به این که در روزهای پاکی ، جمع بین وظیفه طاهر و حائض کند و در روزهایی که خون می بیند، جمع بین وظیفه حائض و مستحاضه نماید. (۹) (خوئی :) روی هم هشت روز بشود .. (۱۰) (خوئی ، تبریزی :) و اگر در یـک ماه مثلًا هشت روز خون ببینـد و در ماه دوم چهار روز خون دیـده و پاک شود و دوباره خون ببیند و مجموع ایّام خون با پاکی وسط هشت روز باشد، عادت او هشت روز خواهد بود.

(زنجانی :) سوم : زنی که دو ماه پشت سر هم خون حیض ببیند و مدتی کمتر از ده روز پاک شود و دوباره خون ببیند و وقت دیدن خون در دو ماه فرق داشته باشد و مجموع خونهایی که دیده بدون محاسبه زمانی که پاک بوده در دو ماه به یک اندازه باشد و در هر ماه شرایط

حیض را داشته باشد (یعنی از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نشود و سه روز اوّل خون در یک دهه واقع شود) که در این صورت شماره مجموع خونهایی که دیده ، عدد عادت او محسوب می شود و لازم نیست که روزهایی که در وسط پاک بوده ، در هر دو ماه به یک اندازه باشد؛ مثلا اگر ماه اول ، از روز اول تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و سپس سه روز خون ببیند و ماه دوم ، روز یازدهم و دوازدهم خون ببیند و چهار روز پاک شود، سپس چهار روز خون ببیند، عادت او شش روز می شود. هم چنین است اگر در یکی از دو ماه به طور متصل مقداری خون ببیند و در ماه دیگر به همان مقدار به طور جداگانه خون ببیند و وقت خون دیدن یکی نباشد.

(مکارم :) مسأله زنانی که عادت عددیه دارند یعنی شماره روزهای حیض آنها در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است ولی وقت آن تغییر می کند، آنها باید در همان چند روز به احکام حائض عمل کنند. زنانی که از خون پاک نمی شوند ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی را که می بینند نشانه حیض و بقیه نشانه های استحاضه دارد و شماره روزهایی که نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است ، امّا وقت آن یکی نیست ، باید آن چند روزی که نشانه حیض را دارد حیض قرار دهند.

[مسأله ۴۹۳ زنی که عادت عددیه دارد]

اشاره

مسأله ۴۹۳ زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، (۱) چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید (۲) از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد (۳)، و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن ، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد اگر روزهایی که خون ، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است ، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (۱) (سیستانی :) زنی که عادت عددیه دارد اگر کمتر یا بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر نشود تمام آن را حیض قرار دهد و اگر از ده روز تجاوز کند .. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۳) (مکارم :) و اگر چند روز آن نشانه حیض دارد باید همان را حیض قرار دهد و اگر بیشتر از ایّام عادت او باشد از آخر آن کم می کند و اگر کمتر از ایام عادت او است ، باید آن روزها را با چند روز بعد از آن که روی هم رفته به اندازه عادتش شود حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه .

(گلپایگانی ، صافی :) می تواند به شماره روزهای عادتش را از اول یا وسط، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله زنی که عادت عددیّه دارد، اگر با نشانه های حیض کمتر یا بیشتر از

شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز تجاوز نکند تمام آنها را حیض قرار دهد اگر چه خون قطع نشود و بدون داشتن نشانه های حیض از ده روز تجاوز کند، و اگر با نشانه های حیض از ده روز تجاوز کرد باید از موقع دیدن آن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(زنجانی :) مسأله زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود، خون ِیک جور ببیند، پس اگر همه زرد رنگ یا قرمز روشن بود، مستحاضه می باشد، و اگر همه قرمز تیره یا سیاه بود، به شماره روزهای عادتش حیض قرار می دهد و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و بقیه را استحاضه قرار می دهد و بنا بر احتیاط مقدار حیض را از روزهای اول خون ، قرار دهد. و اگر خونی که دیده یک جور نبوده است ، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه روزهایی که خون نشانه حیض را دارد با شماره عادت او یک اندازه است ، باید همان روزها را حیض قرار داده و مستحب است بعد از آن تا ده روز استظهار نماید و بقیه خونها، استحاضه می باشد و اگر خونی که نشانه حیض را دارد از روزهای عادت او بیشتر است ، فقط به اندازه روزهای عادت از خونهای نشانه دار حیض قرار می دهد و مستحب است تا ده روز استظهار کند (هر چند خون زرد رنگ باشد) و بقیه را استحاضه قرار می دهد؛ و اگر مقدار روزهایی که خون نشانه حیض را دارد از روزهای عادت او کمتر، ولی حد اقل سه روز باشد، این مقدار را حیض قرار داده و مقداری از خونهای دیگر را نیز حیض قرار می دهد تا به اندازه عادت شود (و بنا بر احتیاط اگر می تواند مکمل عدد عادت را از بعد حساب می کند) و اگر از سه روز نیز کمتر باشد، بنا بر احتیاط واجب به مقدار سه روز به احکام حائض رفتار می نماید و بعد از پاک شدن ، نماز و سائر عبادتهای واجبی که در این سه روز به جا نیاورده ، قضا می نماید (بنا بر احتیاط مکمل سه روز را از بعد حساب می کند) و در بقیه روزها مستحاضه می باشد.

۴ مُضطَرِبه

[مسأله ۴۹۴ تعریف مضطربه]

مسأله ۴۹۴ مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معیّنی پیدا نکرده (۱) اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد (۲) چنانچه عادت خویشان او هفت روز است باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر کمتر است مثلًا پنج روز است باید همان را حیض قرار دهد. و بنا بر احتیاط واجب ، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز، که دو روز است ، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید و کارهای استحاضه را به جا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادتهای خود را انجام دهد و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز مثلًا نه روز است ، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان ، که دو روز است ، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا عادتش به هم خورده و عادت دیگری پیدا نکرده است ..

(سیستانی :) مضطربه یعنی زنی که دو ماه پشت سر هم خون دیده است ولی با اختلاف هم از جهت وقت و هم از جهت عدد ..

(مکارم :) اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد، حیض محسوب می شود و اگر همه اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل کند (اگر عادت همه یا اکثریّت قاطع آنها یکسان باشد) و هر گاه عادت آنها مختلف باشد، احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

(زنجانی :) یا عادتش از بین رفته و عادت تازه ای پیدا نکرده است ، اگر بیشتر از ده روز خون یک رنگ ببیند پس اگر تمام خونها زرد رنگ یا قرمز روشن بود، همه استحاضه است ؛ و اگر همه سیاه یا قرمز تیره بود، باید به مقدار عادت بعضی از خویشان خود از خونی که دیده ، حیض قرار دهد؛ (و بنا بر احتیاط مقدار عادت را از اول خونی که می بیند قرار دهد) و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و باید بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر هیچ کدام از خویشانش عادت معینی نداشته باشند یا به آنها دسترسی نداشته باشد، عادت خود را شش یا هفت روز قرار می دهد. (۲) (اراکی :) باید شماره عادت خویشان را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه و چنانچه خویشاوندانی نداشته باشد یا شماره عادت آنها مثل هم نباشد، هم چنان که در مسأله [(۴۸۶)] بیان شد عمل نماید. [پایان مسأله] (گلپایگانی :) باید به عادت خویشان خود رجوع کند چه عادت آنان هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر و اگر خویشانش ، عادتی ندارند یا در عادت مختلف باشند باید در هر ماه از روزی که خون می بیند سه روز یا هفت روز یا شش روز را به دستوری که در مسأله [۴۹۱] گذشت حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(صافی :) باید به عادت خویشان خود رجوع کند چه عادت آنان هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر ولی اگر عادت آنها از هفت روز کمتر یا بیشتر باشد باید احتیاطی را که در مسأله [۴۸۹] گفته شد، رعایت نماید و اگر خویشان عادتی ندارند یا در عادت مختلف باشند باید در هر ماه از روزی که خون می بیند هفت روز یا شش روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(بهجت :) چنانچه عادت خویشان او مشخص است آن مقدار را برای خود حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد. [پایان مسأله] (سیستانی :) به این معنی که همه آنها یا دارای نشانه های حیض یا دارای نشانه های استحاضه باشد حکم او بنا بر احتیاط حکم صاحب عادت وقتیه است که در غیر وقت عادت خود خون ببیند و به نشانه نتواند حیض را از استحاضه تمیز بدهد که باید عادت بعضی از خویشان خود را حیض قرار دهد و در صورتی که ممکن نباشد عددی بین سه و ده روز را برای خود حیض قرار دهد به بیان و شرحی که در مسأله [۴۸۸ و (۴۸۹)] گذشت .

(خوئی ، تبریزی :) اگر بیش از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده دارای نشانه های حیض باشد، شش یا هفت روز را حیض قرار دهد و بقیه استحاضه است . [پایان مسأله]

[مسأله ۴۹۵ مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند]

اشاره

مسأله ۴۹۵ مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد (۱)، همه آن حیض است (۲) و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید همان را حیض قرار دهد و تا هفت روز بقیه به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید (۳) و هم چنین است اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید خون اوّل را حیض قرار دهد (۴) و بقیه آن را تا هفت روز به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) باید به دستوری که در ابتدای مسأله [۴۸۹] گفته شد عمل نماید. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید و اگر خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند به ترک آن چه بر حائض حرام است و به جا آوردن کارهای مستحاضه .

(خوئی ، تبریزی :) چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است و اگر همه آن را که نشانه حیض دارد نشود حیض قرار دهد مثل آن که پنج روز به نشانه های حیض و پنج روز به نشانه های استحاضه و پنج روز دوباره به نشانه های حیض ببیند، پس اگر آن چه به نشانه های حیض است هر کدام را بشود حیض قرار دهد به این که هر کدام کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد باید در هر دو خون احتیاط کند و آن چه در وسط است و به نشانه های حیض نیست استحاضه قرار دهد و اگر فقط یکی از آنها را بشود حیض قرار داد همان را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(تبریزی :) باید اوّلی را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(فاضل :) چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد خونی که نشانه حیض دارد حیض است و خونی که نشانه استحاضه دارد استحاضه می باشد و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید به عادت خویشان خود نگاه کند اگر هفت روز است باید هفت روز حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر عادت خویشان کمتر از هفت روز یا بیشتر از هفت روز است به دستوری که در مسأله قبل گفته شد عمل نماید، یعنی باید همان را حیض قرار دهد و تا هفت روز بقیه به دستوری که در مسائل قبل گفته شد رفتار نماید. و اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض

دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سـیاه ببینـد، باید خون اول را حیض قرار دهد و بقیه آن را تا هفت روز به دسـتوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید.

(بهجت :) چنـانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشـد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد، کمتر از سه روز باشد باید بنا بر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد.

(زنجـانی :) چنـانچه خونی که نشـانه حیض دارد کمتر از سه روز باشـد، بنـا بر احتیاط واجب تا سه روز به احکام حائض رفتار نمایـد و پس از پاک شـدن ، نماز و سایر عبادتهای واجبی را که ترک کرده ، قضا کنـد (و بنا بر احتیاط اگر می تواند کسـری سه روز را از بعـد حسـاب کنـد) و اگر بین سه تا ده روز بود همه خونهای نشانه دار، حیض است و اگر بیش از ده روز بود، به مقدار عادت بعضی از خویشاوندانش از خونهای نشانه دار را حیض قرار می دهد (و بنا بر احتیاط این مقدار را از اول خونهای نشانه دار قرار دهد)، و مسـتحب است تا ده روز اسـتظهار نماید و بقیه را اسـتحاضه قرار می دهد. ولی اگر پیش از گذشـتن ده روز از خونی که نشانه حیض را دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشـته باشد؛ مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و چنـد روز خون سـیاه ببینـد، پس اگر مجموع خونهای نشانه دار بیشتر از ده روز نشود، همه حیض است و اگر بیشتر از ده روز بود، به مقـدار ده روز از خون نشـانه دار، حیض قرار دهـد (بنا بر احتیاط آن را در اول خون نشانه دار قرار دهد) و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و باید بقیه را استحاضه قرار دهد. (۳) (اراکی :) باید همان را حیض قرار دهد و در تعـداد روزها به خویشاونـدان خود مراجعه کنـد و به دسـتوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید .. (۴) (اراکی :) و در بقیه آن به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید.

۵ مُبتَدِئه

[مسأله ۴۹۶ تعریف مبتدئه]

مسأله ۴۹۶ مبتدئه یعنی زنی که دفعه اوّل خون دیدن اوست (۱)، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد (۲)، باید عادت خویشان خود را (به طوری که در وقتیه گفته شد (۳)) حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد (۴). (۱) (مکارم :) اگر ده روز یا کمتر خون ببینـد همه اش حیض است و .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) همه خونهایی که دیده دارای نشانه های حیض باشد ..

(زنجانی :) پس اگر همه زرد یا قرمز روشن بود، اسـتحاضه است و اگر همه سـیاه یا قرمز تیره باشـد، به مقدار عادت بعضـی از خویشان خود از خونی که دیـده حیض قرار می دهد (و بنا بر احتیاط از اولین روزی که خون می بیند حساب کند) و مسـتحب است تا ده روز استظهار کند و باید پس از آن به احکام مستحاضه عمل نماید.

(سیسـتانی :) بایـد مقـدار عادت یکی از خویشان خود را حیض و بقیه را اسـتحاضه قرار دهد به دو شـرطی که در مسأله [۴۸۸] گـذشت و اگر این ممکن نشـد باید یک عددی بین سه روز و ده روز را حیض خود قرار دهد به دسـتوری که در مسأله [۴۸۹] بیان شد. (۳) (بهجت :) به طوری که در مضطربه گفته شد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و صافی نیست]

(۴) (خوئی ، تبریزی :) و اگر خویشـی نداشته یا عادت خویشانش مختلف باشد ماه اول را شش یا هفت روز حیض قرار داده و تا ده روز احتیاط کند و در ماههای بعد سه روز حیض قرار داده و تا شش یا هفت روز احتیاط کند.

[مسأله ۴۹۷ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند]

مسأله ۴۹۷ مبتـدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببینـد که چنـد روز آن نشـانه حیض و چنـد روز دیگر نشـانه استحاضه را داشـته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد (۱) کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد (۲)، همه آن حیض است (۳) ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند باید از اوّل ِ خون ِ اوّل ، که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهـد و در عدد، رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را اسـتحاضه قرار دهد. (۴) (۱) (زنجانی :) کمتر از سه روز باشد، بنا بر احتیاط واجب تا سه روز به احکام حائض عمل کرده ، بعـد از پاك شدن نماز و سایر عبادتهای واجبی را که ترك کرده ، قضا نماید (بنا بر احتیاط اگر می تواند مکمل سه روز را از بعد از خون نشانه دار قرار دهد) و بقیه خونها اسـتحاضه می باشد. (۲) (مکارم :) آن خون حیض و بقیه استحاضه است و اگر کمتر از سه روز باشد باید آن چه را نشانه حیض دارد بگیرد و باقی مانـده را به عادت خویشاونـدان خود مراجعه کنـد، هم چنین اگر آن چه نشانه حیض دارد بیش از ده روز باشد به تعداد عادت خویشاونـدان خود حیض قرار می دهـد و بقیه اسـتحاضه است . (۳) (فاضـل :) خونی که نشـانه حیض دارد حیض می باشـد و خونی که نشانه حیض نـدارد اسـتحاضه می باشد .. (۴) (خوئی :) بایـد خون وسـطی را اسـتحاضه قرار دهد و در دو طرف آن احتیاط کند چنان که در مضطربه گذشت .

(گلپایگـانی ، صـافی :) بایـد در هر دو خون که نشـانه حیض دارد احتیـاط کنـد به ترك آن چه بر حـائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه .

(سیستانی :) باید خون اول را حیض و دو خون دیگر را استحاضه قرار دهد، چنانکه در مضطربه گذشت . (تبریزی :) باید خون اولی را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

[مسأله ۴۹۸ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند]

اشاره

مسأله ۴۹۸ مبتـدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببینـد که چنـد روز آن نشانه حیض و چنـد روز دیگر آن نشانه استحاضه داشـته باشد (۱)، چنـانچه خونی که نشـانه حیض دارد از سه روز کمتر یـا از ده روز بیشتر باشـد (۲)، باید (۳) از اولی که خون نشـانه حیض دارد، حیض قرار دهـد و در عـدد، به خویشاونـدان خـود رجوع کنـد و بقیه را اسـتحاضه قرار دهـد. (۱) (خـوئی :) ولی خونی که نشـانه حیض دارد از سه روز کمتر باشـد همه خونهـایی که دیـده اسـتحاضه است . [پایـان مسأله] (سیسـتانی :) ولی

خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد باید به دستوری که در ابتدای مسأله [۴۹۵] گفته شد عمل نماید.

(تبریزی :) ولی خونی که نشانه حیض دارد، از سه روز کمتر باشد، بنا بر احتیاط از اوّل دیدن خون به مقدار عادت خویشانش بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید و اگر خویشی نداشت یا عادت آنها مختلف بود، در ماه اوّل تا ده روز احتیاط نماید و در ماههای دیگر مبتدئه ای عمل کند که در مسأله [۴۹۶] گذشت .

(۲) (گلپایگـانی ، صافی :) بایـد عادت خویشان خود را حیض و بقیه را اسـتحاضه قرار دهـد و اگر خویشانش عادت ندارنـد یا مختلف هستند به دستوری که در مسأله [(۴۹۱)] گذشت رفتار کند.

(صـافی :) در مـاه اول حیض خـود را هفـت روز قرار می دهـد و پس از آن تـا روز دهـم احتیاطـاً بین تروک حـایض و اعمـال مستحاضه جمع نمایـد و در بعـد از ماه اول ، حیض را سه روز قرار دهد و سپس تا روز شـشم یا هفتم احتیاط مذکور را انجام دهد. (۳) (فاضل :) باید بنا بر احتیاط .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۴۹۷.

(زنجـانی :) مسـأله مبتـدئه اگر پیش از گذشـتن ده روز از خونی که نشـانه حیض را دارد، دوبـاره خون ببینـد که آن هم نشـانه حیض داشـته باشـد؛ مثل آن که پنج روز خون سـیاه و نُه روز خون زرد و چند روز خون سـیاه ببیند، پس اگر مجموع خونهای نشـانه دار از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر از ده روز شود، به مقـدار ده روز از خونهـای نشانه دار را حیض قرار می دهد (و بنا بر احتیاط این مقدار را از اول ِ خون اوّل حساب می کند) و مستحب است تا ده روز استظهار نماید و بعد از آن مستحاضه می باشد.

۶ ناسِیه

[مسأله ۴۹۹ تعریف ناسیه]

اشاره

مسأله ۴۹۹ ناسـیه یعنی زنی که عـادت خود را (۱) فرامـوش کرده است اگر بیشـتر از ده روز خون ببینـد (۲) باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد (۳) تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را اسـتحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، (۴) بنا بر احتیاط واجب بایـد هفت روز اول را حیض و بقیه را اسـتحاضه قرار دهد. (۵) (۱) (بهجت :) وقت و عـدد عادت خود را .. (۲) (زنجـانی :) پس اگر همه زرد یا قرمز روشن بود، همه اسـتحاضه است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد و کمتر از سه روز بود، بنا بر احتیاط واجب به مدت سه روز به احکام حائض رفتار می کند و پس از پاك شدن ، نمـاز و سـایر عبادتهایی را که به جا نیاورده ، قضا می نمایـد (و بنا بر احتیاط اگر می توانـد مکمل سه روز را بعـد از خونهای نشـانه دار قرار می دهـد) و اگر خونی که نشـانه حیض را دارد، بیشتر از ده روز بود، مقـدار عـادت برخی از خویشاونـدانش را حیض قرار می دهـد (و بنـا بر احتیـاط این مقـدار را از اول خونهـای نشـانه دار حسـاب می کنـد) و اگر خویشاونـدانش عادت نداشـته باشـند یا به آنها دسترسـی نداشـته باشـد، شـش یا هفت روز از خونهای نشانه دار را حیض خود قرار می دهد. (و بنا بر احتیـاط این مقـدار را از اول ِ خونهـای نشـانه دار قرار می دهـد) و در تمام فروض این مسأله مسـتحب است تا ده روز اسـتظهار نماید و پس از ده روز مستحاضه می باشد. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) حیض قرار دهـد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه هـای آن تشـخیص دهـد، بایـد (گلپایگـانی : سه روز یا) شـش روز یا هفت روز اول را حیض و بقیه را اسـتحاضه قرار دهـد و

اختیار اول بنا بر احتیاط (صافی : بنا بر احتیاط مستحب) است (گلپایگانی : و أقوی تخییر بین سه عـدد است مطلقاً، یعنی مقید به اول نیست). (۴) (اراکی :) مخیّر است که شش روز یا هفت روز را در هر ماه حیض ، و بقیه را استحاضه

قرار دهد، و یا یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا عکس این را عمل نماید یعنی ماه اوّل ده روز حیض قرار دهد، و ماه دوّم سه روز، و احتیاط مستحب آن است که هفت روز را حیض ، و بقیه را استحاضه قرار دهد. (۵) (بهجت :) مگر این که بداند به طور مسلم در روزهای اوّل حیض نمی شده است که در آن صورت بعد از آن روزها را باید حیض قرار دهد و اگر ظن اطمینانی پیدا کرد که ایام عادتش مثل خویشان خود است عادت آنها را برای خود انتخاب می کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ناسیه یعنی زنی که مقدار عادت خود را فراموش کرده است ؛ اگر خونی به نشانه حیض ببیند که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد آن را حیض قرار دهد، و اگر آن خون بیشتر از ده روز باشد تا هر زمانی که احتمال بقاء عادت را می دهد حیض قرار داده و بقیه استحاضه است ، ولی در صورتی که احتمال بقاء عادتش در بیشتر از هفت تا ده روز باشد پس از روز هفتم احتیاط کند (تبریزی : و در صورتی که بداند خونی را که دیده در ایام عادتش نیست و بعضی از خون اوصاف حیض را داشته باشد و کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد آن را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد).

(مکارم :) مسأله «ناسیه » یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده ، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهد (به شرط این که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد) و اگر بیشتر باشد یا همه روزها را یک جور دیده ، احتیاط واجب آن است که هفت روز اول را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه .

(سیستانی :) مسأله ناسیه یعنی زنی که مقدار یا زمان عادت خود را یا هر دو را فراموش کرده است این زن اگر خونی ببیند که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است ولی اگر بیشتر از ده روز باشد موارد آن بر چند قسم است : (۱) آن که عادت وقتیه یا عددیه یا هر دو داشته است ولی آن را به کلی فراموش کرده است که حتی به نحو اجمال هم زمان یا عدد آن را به یاد نمی آورد که این زن حکم مبتدئه را دارد که گذشت . (۲) آن که عادت وقتیه دارد چه عددیه باشد چه نباشد ولی از وقت عادت خود به نحو اجمال چیزی به یاد دارد مثلًا می داند که فلان روز جزء عادت او بوده یا عادت او در نیمه اوّل ماه بوده است چنین زنی نیز حکم مبتدئه را دارد ولی نباید حیض را در زمانی قرار دهد که یقیناً خلاف عادت او است مثلًا اگر بداند روز هفدهم ماه جزء عادت او بوده یا عادت او در نیمه دوّم بوده است و اکنون از اوّل تا بیستم ماه خون دیده است نمی تواند عادت خود را در دهه اوّل قرار دهد حتی اگر به نشانه های حیض باشد و دهه دوّم به نشانه های استحاضه . (۳) آن که صاحب عادت عددیه بوده و مقدار عادت خود را فراموش کرده باشد، این زن نیز حکم مبتدئه را دارد ولی نباید مقداری را که حیض قرار می دهد کمتر از مقداری باشد که می داند شماره حیض او کمتر از آن نیست و هم چنین نمی شود که بیشتر از مقداری قرار دهد که می داند شماره عادتش بیش از آن نیست . و شبیه این امر را باید در عادت عددیه ناقصه هم مراعات کرد یعنی زنی که شماره عادتش مردد است بین دو عدد،

زیادتر از سه روز و کمتر از ده روز مثل آن که در هر ماه یا شش روز خون می بینـد یا هفت روز، نمی توانـد به واسطه نشانه های حیض یا ملاحظه عادت بعضـی از خویشانش و یا به اختیار عـدد در صورتی که بیش از ده روز خون ببینـد کمتر از شش روز یا بیشتر از هفت روز را حیض قرار دهد.

مسائل متفرقه حیض

[مسأله ۵۰۰ مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عددیّه دارد]

مسأله ۵۰۰ مبتدئه و مضـطربه و ناسـیه و زنی که عادت عددیّه دارد، اگر خونی ببینند که نشانه های حیض داشته باشد (یا یقین کنند (۱) که سه روز طول می کشـد (۲))، باید (۳) عبادت را ترک کننـد و چنانچه بعـد بفهمند حیض نبوده باید عبادتهایی را که به جا نیاورده انـد قضا نمایند (۴) ولی اگر یقین نکننـد که تـا سه روز طول می کشـد و نشانه های (۵) حیض را هم نداشته باشـد، بنا بر احتیاط واجب (۶) بایـد تا سه روز (۷) کارهای اسـتحاضه را به جا آورنـد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند (۸) و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدنـد بایـد آن را حیض قرار دهنـد. (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) نشانه حیض داشته باشد و یقین کنند .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، مکارم و تبریزی نیست] (۳) (مکارم :) باید فوراً .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) ولی اگر نشانه های حیض را نداشته باشد بر طبق حکم مستحاضه عمل می کند تا ثابت شود که خون حیض است ؛ ولی زنی که عـادت «وقـتیه » یـا «وقـتیه و عـددیّه » دارد به محض دیـدن خـون در ایّـام عـادت ، عبـادت را ترک می کنـد. (۵) (گلپایگـانی ، صافی :) نشانه .. (۶) [عبـارت «بنـا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۷) (اراکی :) باید تا سه روز احتیاط کرده و ..

[عبـارت «تـا سه روز» در رسـاله آیـات عظـام : گلپایگانی و صافی نیست] (۸) (گلپایگـانی ، صـافی :) اگر چه تـا ده روز طول بکشـد. [پایان مسأله] (زنجانی :) مسأله مبتـدئه و مضـطربه و ناسـیه و زنی که فقط عادت عددیه دارد اگر خونی ببیند که نشانه حیض را داشـته باشـد باید به وظایف حائض رفتار نمایند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده ، باید عبادتهای واجبی را که به جا نیاورده اند، قضا نمایند، و اگر نشانه حیض را نداشته باشد، باید به وظایف استحاضه عمل نمایند.

[مسأله ۵۰۱ زنی که در حیض عادت دارد]

مسأله ۵۰۱ زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشـته باشـد چه در عـدد حیض ، یا هم در وقت و هم در عـدد آن ، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند (۱) که وقت آن یا شـماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشـد، عادتش برمی گردد به آن چه در این دو ماه دیـده است . مثلًا اگر از روز اول ماه تا هفتم خون

می دیـده و پاک می شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه ، خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم ، عادت او می شود.

(۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (مکارم :) عادتش برمی گردد به آن چه در آن دو ماه دیـده است . [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) چنانچه دو ماه پشت سر هم از یازدهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود، از یازدهم تا هفدهم عادت او می شود.

[مسأله ۵۰۲ مقصود از یک ماه ، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز]

مسأله ۵۰۲ مقصود از یک ماه ، از ابتـدای خون دیدن است تا سـی روز (۱)، نه از روز اول مـاه تا آخرِ ماه (۲). این مسأله ، در رسـاله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (خوئی :) مقصود از یک ماه ، گذشـتن سـی روز از ابتدای خون دیدن است .. (۲) (زنجانی :) یا از روز نیمه ماه تا نیمه ماه بعد .

(سیسـتانی :) مسأله مقصود از یک ماه ، در غیر مورد تعیین عادت وقتیه ، گذشـتن سـی روز از ابتـدای خون دیـدن است ، نه از روز اوّل ماه تا آخر ماه . و امّا در مورد تعیین عادت وقتیّه ، منظور ماه قمری است نه شمسی .

[مسأله ۵۰۳ زنی که معمولًا ماهی یک مرتبه خون می بیند]

مسأله ۵۰۳ زنی که معمولًا ماهی یک مرتبه خون می بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند (و آن خون نشانه های حیض را داشته باشد (۱))، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد (۲). این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیسـتانی نیست] (۲) (زنجـانی :) لکن این در مورد زنی است که عادت وقتیه نداشـته باشد یا عادت وقتیه او به وسـیله نشانه حیض مشـخص شده باشد؛ و الّا خونی که بعد از ایام عادت می بیند هر چند نشانه حیض را داشته و ده روز فاصله هم شده باشد، حیض نیست .

(سیستانی :) هر چند یکی از آن دو خون نشانه های حیض را نداشته باشد.

[مسأله ۵۰۴ اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند]

مسأله ۵۰۴ اگر سه روز یا بیشتر (۱) خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه اسـتحاضه را دارد و دوبـاره سه روز (۲) خونی به نشـانه های (۳) حیض ببینـد بایـد خون ِاوّل و خون ِآخر را که نشـانه هـای حیض داشـته حیض قرار دهد (۴). این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیسـتانی :) زنی که از راه اختلاف صـفات خون باید حیض را تشـخیص دهد اگر سه روز یا بیشتر .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) یا بیشتر .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) نشانه .. (۴) (سیسـتانی :) و امّـا اگر یکی از دو خون در ایام عادت باشـد و معلوم نباشـد که ده روز وسط همه آن اسـتحاضه است یا قسمتی از حیض است ، در این صورت خونی که در ایام عادت است حیض و ما بقی استحاضه است .

(گلپایگانی ، صافی :) باید خون اوّل و خون آخر را حیض قرار دهد.

(زنجانی :) باید خون اوّل و خون آخر را که نشانه حیض داشته حیض قرار دهد. بلی ، در مورد زنی که عادت وقتیه دارد و عادت وی به وسیله نشانه حیض مشخص نشده باشد، خون بعد از ایام عادت ، حیض نیست .

[مسأله ۵۰۵ اگر زن پیش از ده روز پاک شود]

مسأله ۵۰۵ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بدانـد که در باطن خون نیست ، بایـد برای عبادتهای خود غسل کنـد (۱) (اگر چه گمان (۲) داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند (۳))، ولی اگر (۴) یقین داشته باشد (۵) که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند نباید غسل کند (۶) و نمی تواند نماز بخواند و باید به احکام حائض رفتار نماید. (۱) (مکـارم :) و عبادتهای خود را انجام دهـد .. (۲) (زنجـانی ، مکـارم :) اگر چه یقین .. (۳) (مکـارم ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشـده . [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۴) (سیسـتانی :) و اگر .. (۵) (گلپایگـانی ، صافی :) بلکه اگر یقین هم داشته باشد .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگـانی ، صـافی :) احتیاطاً غسل کنـد و در پاکی در بین ، عبادتهای خود را به جا آورد و آن چه را بر حائض حرام اسـت ترک نماید.

(سیسـتانی :) بایـد هم چنان که گـذشت احتیاطاً غسل کند و عبادتهای خود را به جا آورد و آن چه بر حائض حرام است ترک نماید.

[مسأله ۵۰۶ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست]

مسأله ۵۰۶ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهـد که در باطن خون هست ، بایـد (۱) قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد (۲). پس اگر پاک بود، غسل کنـد و عبادتهای خود را به جا آورد و اگر پاک نبود (۳) (اگر چه به آب زرد رنگی هم آلـوده باشـد (۴))، چنـانچه در حیض عـادت نـدارد یا عادت او ده روز است (۵) بایـد صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شـد، غسل کند و اگر سر ده روز (۶) پاک شد، یا خون او از ده گذشت ، سرِ ده روز (۷) غسل نماید و اگر عـادتش کمتر از ده روز است ، در صورتی که بدانـد پیش از تمـام شـدن ده روز یـا سر ده روز (۸) پـاک می شود، نباید غسل کند (۹) و اگر احتمال دهـد خون او از ده روز می گـذرد احتیاط واجب آن است که تا یک روز عبادت را ترک کند و بعـد از آن می توانـد تا ده روز عبادت را ترک کند ولی بهتر است تا ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را انجام دهد (۱۰) پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز (۱۱) از خون پاک شد تمامش حیض است و اگر ده روز گـذشت ، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادتهایی را که بعد از روزهای عادت به جا نیاورده قضا نماید. (۱) (تبریزی :) بنا بر احتیاط لازم باید .. (۲) (سیستانی :) یا باید عبادتها را احتیاطاً انجام دهد یا استبراء کند و جایز نیست بدون اسـتبراء عبادتها را ترک کند، و استبراء این است که قدری پنبه داخل فرج نماید و مقداری صبر نماید (و اگر عـادت او چنین است که خون او در صورت کوتـاهی اثناء حیض قطع می شود هم چنان که در بعضـی زنان گفته شـده است باید بیش از آن مقدار صبر کند) و بعد بیرون آورد .. (۳) (زنجانی :) چنانچه در عدد حیض عادت داشته باشد، به مقدار

عـدد عادت را حیض قرار می دهد، و مسـتحب است تا ده روز، اسـتظهار نماید. و اگر عادت ندارد، اقسام و تفاصـیلی دارد که در مسائل مضطربه و مبتدئه و ناسیه گذشت . [پایان مسأله]

(۴) (مکارم :) بایـد مطابق احکامی که سابقاً در باره حائض گفته شد عمل نماید. [پایان مسأله] (فاضل :) اگر چه به خون زرد رنگی هم آلوده باشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۵) (سیستانی :) یا هنوز روزهای عادتش تمام نشده باشد .. (۶) (۷) (۸) (گلپایگانی ، صافی :) آخر ده روز .. (۹) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۱۰) (اراکی :) واجب است که تا یک روز عبادت را ترک کند و چنانچه خون قطع نشد مستحب ّاست یک روز دیگر عبادت را ترک کند و چنانچه بعد از آن هم قطع نشد یک روز دیگر و هم چنین تا ده روز عبادت را ترک کند ..

(گلپایگـانی ، صـافی :) احتیاط واجب آن است که بعـد از عادت ، یک روز یا دو روز عبادت را ترک کنـد، یا جمع کنـد بین ترک کارهایی که بر حائض حرام است و انجام کارهای مسـتحاضه ، و بعـد از دو روز تا روز دهم کارهای اسـتحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید ..

(خوئی ، تبریزی :) باید یک روز عبادت را ترک کند و بعد جائز است احکام مستحاضه را جاری کند و احوط این است که تا روز دهم بین تروک حائض و اعمال مسـتحاضه جمع کند و این حکم مختص زنی است که قبل از عادت مُسـتمرّه الدم نبوده و الا بعد از گذشتن عادت جایز نیست عبادت را ترک کند. [پایان مسأله] (۱۱) (گلپایگانی ، صافی :) آخر ده روز ..

(بهجت :) مسأله زنی که در حیض عـادت عـددیه دارد اگر بیش از مقـدار عـادت خود خون دیـد در صورتی که نشـانه هـای حیض را داشته باشد و بداند یا احتمال دهد که قبل از ده روز پاک خواهد شد، عبادتهای خود را ترک می کند و اگر در اثناء ده روز در ظاهر پاک شـد، بنا بر احتیاط بایـد مقـداری پنبه داخل فرج خود کرده کمی صبر کنـد و بعـد بیرون آورد اگر پاک بود غسـل می کنـد و اگر پـاک نبود می توانـد عبادتهـای خود را ترک کنـد تا از داخل هم پاک شود ولی در صورتی که می داند خون بیش از ده روز ادامه خواهد داشت مقدار عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد.

[مسأله ۵۰۷ اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند]

مسأله ۵۰۷ اگر چنـد روز را حیض قرار دهـد و عبادت نکنـد، بعد بفهمد حیض نبوده است ، باید نماز و روزه ای را که در آن روزها به جا نیاورده (۱) قضا نمایـد. و اگر چنـد روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده (۲)، چنانچه آن روزها را روزه گرفته بایـد قضا نماید. (۳) (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بایـد نمازهایی که در آن روزها به جا نیاورده ..

(زنجـانی :) بایـد نمـاز و روزه هـای واجبی را که در آن روزهـا به جـا نیاورده .. (۲) (زنجـانی :) آن عبادتهـا باطل است . (۳) (بهجت :) چنانچه آن روزها روزهایی بوده که باید روزه می گرفته ، واجب است قضا نماید.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۰۰.

نفاس

[مسأله ۵۰۸ از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید]

مسأله ۵۰۸ از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید هر خونی که زن می بیند، (اگر پیش از ده روز (۱) یا سر ده روز (۲) قطع شود (۳)) خون نفاس است (۴). و زن را در حال نفاس ، «نفساء» می گویند. (۱) (تبریزی :) پیش از ده روز از تمام زاییدن .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) آخر ده روز .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۴) (سیستانی :) هر خونی که زن در فاصله ده روز می بیند، خون نفاس است ، به شرط آن که خون زایمان بر آن صدق کند ..

[مسأله ۵۰۹ خونی که زن پیش از بیرون آمدن اوّلین جزء بچّه می بیند]

مسأله ۵۰۹ خونی که زن پیش از بیرون آمدن اوّلین جزء بچّه می بیند نفاس نیست .

[مسأله ۵۱۰ لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد]

مسأله ۵۱۰ لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد (۱)، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می ماند انسان می شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) بلکه اگر ناتمام نیز باشد در صورتی که زاییدن صدق کند خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است . [پایان مسأله] (سیستانی :) بلکه اگر ناتمام نیز باشد در صورتی که از حالت عَلَقه که خون بسته است و مُضغه که قطعه گوشت است گذشته باشد و بیفتد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است . (۲) (بهجت :) بنا بر احوط. (فاضل :) خونی که تا ده روز همراه آن می بیند، خون نفاس است .

(مکارم :) مسأله در خون نفاس احتیاط واجب این است که خلقت بچه تمام باشد، بنا بر این اگر خون بسته ای از رحم خارج شود و بداند که اگر در رحم می ماند انسان می شد باید میان اعمال زنی که از خون پاک است و کارهایی که حائض ترک می کند جمع نماید.

[مسأله ۵۱۱ ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید]

مسأله ۵۱۱ ممکن است خون نفاس ، یک آن ، بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود (۱). (۱) (تبریزی :) و مبدأ حساب ده روز، از تمام زاییدن است .

(سیستانی :) بیشتر از ده روز نفاس به حساب نمی آید.

[مسأله ۵۱۲ هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه]

مسأله ۵۱۲ هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه ، یا چیزی که سقط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه (۱) لازم

نیست وارسی کند و خونی که از او خارج می شود شرعاً خون نفاس نیست . (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست
(۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه ، یا چیزی که سقط شده بچه است یا نه ..

(زنجانی :) هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه ، یا بداند چیزی سقط شده و شک کند که زاییدن صدق می کند ..
(۲) (تبریزی :) بلکه اگر در ایّام عادت باشد یا اوصاف حیض را داشته باشد حائض و در غیر این صورت استحاضه است به تفصیلی که در حیض گذشت .

[مسأله ۵۱۳ توقّف در مسجد]

مسأله ۵۱۳ توقّف در مسجد (۱) و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نفساء هم حرام است و آن چه بر حائض واجب و مستحب ّو مکروه است ، بر نفساء هم واجب و مستحب ّو مکروه می باشد. (۱) (فاضل :) و رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ..

(زنجانی :) داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد پیامبرصلی اللّه علیه و پیامبر صلی و سلم و نیز در سایر مساجد مگر در حال عبور ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله بنا بر احتیاط توقف در مسجد و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نفساء هم حرام است و آن چه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب می باشد.

(سیستانی :) مسأله آن چه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب می باشد و بنا بر احتیاط واجب توقف در مسجد و دخول آن بدون عبور و عبور از مسجدین (مسجد الحرام و مسجد پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم) و خواندن آیات سجده واجب و تماس با خط قرآن و نام خدا بر نفساء حرام است .

[مسأله ۵۱۴ طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد]

مسأله ۵۱۴ طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند احتیاط واجب (۱) آن است به دستوری که در احکام حیض (۲) گفته شد کفاره بدهد. (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، فاضل ، مکارم ، زنجانی ، صافی ، نوری :) احتیاط مستحب ّ.. (۲) (بهجت :) مسأله [۴۵۲] ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله طلاق دادن زنی که در حال نفاس است (تبریزی : باطل) و نزدیکی کردن با او، حرام می باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، (خوئی : بدون اشکال) کفاره ندارد.

(سیستانی :) ولی کفاره ندارد.

[مسأله ۵۱۵ وقتی زن از خون نفاس پاک شد]

مسأله ۵۱۵ وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادتهای خود را به جا آورد (۱). و اگر (۲) دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده (با روزهایی که در وسط پاک بوده (۳)) روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد (۴)، تمام آن نفاس است (۵) و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد باید (۶) قضا نماید. (۱) (فاضل :) و این غسل کفایت از وضو می کند .. (۲) (مکارم :) قبل از گذشتن ده روز از ولادت .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۴) (فاضل :) چنانچه در فاصله کمتر از ده روز از هنگام زایمان خون دوّم قطع شود .. (۵) (مکارم :) و روزهایی که در وسط

پاک بوده عباداتش صحیح است .

(زنجانی :) چنانچه روزهایی که خون دیـده بر روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشـد تمام آن نفاس است و در روزهایی که در وسط پاک بوده ، طاهر و عبادتهایی که انجام داده صحیح است .

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب روزهایی را که خون دیـده نفاس قرار دهـد و در روزهایی که در بین پاک بوده آن چه را بر نفساء حرام است ترک کند و عبادتهای خود را به جا آورد. (۶) (خوئی ، تبریزی :) لازم است ..

(سیستانی :) مسأله زنی که عادت عددیّه ندارد، اگر خون او از ده روز تجاوز نکند، همه آن نفاس است ؛ پس اگر قبل از ده روز پاک شد، باید غسل کند و عبادتهای خود را به جا آورد. و اگر بعد ، یک بار یا بیشتر خون ببیند، چنانچه روزهایی را که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده ، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام خونهایی که دیده نفاس است و در روزهایی که پاک بوده ، باید احتیاطاً عبادتهای واجب را انجام دهد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید؛ بنا بر این باید چنانچه روزه گرفته باشد، قضا نماید و اگر خونی که آخر دیده ، از ده روز تجاوز کرد باید مقداری از آن را که در ده روز دیده ، نفاس و آن چه بعد از آن است ، استحاضه قرار دهد.

[مسأله ۵۱۶ اگر زن از خون نفاس پاک شود]

مسأله ۵۱۶ اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست (۱) باید (۲) مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند (۳) که اگر پاک است (۴)، برای عبادتهای خود غسل کند. (۱) (زنجانی :) مانند زن حائض ..

(سیستانی :) یا باید احتیاطاً غسل کند و عبادتها را انجام دهد، یا باید استبراء کند و جایز نیست عبادتها را بدون استبراء ترک کند و کیفیّت استبراء در مسأله [۵۰۶] گذشت . (۲) (تبریزی :) بنا بر احتیاط لازم باید .. (۳) [عبارت «و کمی صبر کند» در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۴) (فاضل :) کمی صبر کند اگر خون در مجرا نبود ..

[مسأله ۵۱۷ اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد]

اشاره

مسأله ۵۱۷ اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد (۱) به اندازه روزهای عادت او نفاس (۲) و بقیه استحاضه است و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می باشد (۳) و احتیاط مستحب - آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان ، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (مکارم ، سیستانی :) عادت عددیّه دارد .. (۲) (فاضل :) و احتیاط واجب آن است که از روز بعد از عادت تا روز دهم زایمان عبادتهای خود را طبق احکام استحاضه به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند؛ .. (۳) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و احتیاط مستحب در هر دو صورت آن است که بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان ، عبادتهای خود را طبق احکام استحاضه به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند.

(سیستانی :) و اگر عادت خود را فراموش کرده باید عادت را با بالاترین عددی قرار دهد که احتمال می دهد ..

(خوئی ، تبریزی :) اگر عادت ندارد، به مقدار عادت خویشان خود نفاس قرار داده و تا ده روز احتیاط کند ..

(بهجت :) اگر عادت ندارد، تا ده روز بنا بر اظهر نفاس و بقیه استحاضه می باشد ..

مسائل اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۵۲۳ چنانچه زن نفساء در حیض عادت وقتیه عددیه دارد، باید به اندازه عدد روزهای عادت خود را نفاس قرار داده و بعد از آن مستحب است تا ده روز استظهار کند (یعنی احتیاطاً خود را نفساء به شمار آورد چنانچه نظیر آن در مسأله [اختصاصی (۴۸۷)، صفحه (۲۷۳)] گذشت) و بعد از ایامی که خون را نفاس قرار داده اگر خون ادامه داشت تا ده روز استحاضه و پس از آن اگر خون نشانه حیض را داشته یا در ایام عادت یا یکی دو روز قبل باشد، حیض و گر نه ، آن هم استحاضه است .

(زنجانی :) مسأله ۵۲۴ چنانچه زن نفساء در حیض عادت عددیه داشته باشد، باید به اندازه عدد عادت خود را نفاس قرار داده و بعد از آن مستحب است تا ده روز استظهار کند، و پس از ایامی که نفاس قرار داده اگر خون ادامه داشت تا ده روز استحاضه ، و پس از آن اگر خون نشانه حیض را داشته ، حیض و گر نه ، آن هم استحاضه است .

(زنجانی :) مسأله ۵۲۵ چنانچه زن نفساء در حیض عادت وقتیه داشته باشد، خونی را که تا ده روز می بیند خون نفاس و پس از آن در دهه دوم استحاضه ، و پس از آن ، چنانچه خون نشانه حیض را داشته باشد یا در ایام عادت یا یکی دو روز جلوتر باشد، حیض و گر نه ، آن هم استحاضه است .

[مسأله ۵۱۸ زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است]

مسأله ۵۱۸ زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است ، اگر (۱) بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند (۲)، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد (۳) و بعد از آن تا روز دهم می تواند عبادت را ترک نماید (۴) (یا کارهای مستحاضه را انجام دهد، ولی ترک عبادت ، یک روز یا دو روز خیلی خوب است (۵)) پس اگر از ده روز بگذرد روزهای عادتش حیض است (۶) و بقیه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده باید قضا کند. این مسأله در رساله آیات عظام : زنجانی و سیستانی نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر بعد از زایمان .. (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) خون ببیند، .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) و بعد از آن واجب است یک روز عبادت را ترک نماید و بعد جایز است احکام مستحاضه را جاری یا این که عبادت را تا ده روز ترک نماید و اگر خون از ده روز بگذرد، باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد و عبادتهایی را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید. مثلًا زنی که عادت او شش روز بوده اگر بیشتر از شش روز خون ببیند باید شش روز را نفاس قرار دهد و روز هفتم نیز عبادت را ترک کند و در روز هشتم و نهم و دهم مخیّر است بین این که عبادت را ترک کند یا کارهای استحاضه را به جا آورد و اگر بیشتر از ده روز خون دید، از روز بعد از عادت او استحاضه می باشد.

(گلپایگانی ، صافی :) و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب تا دو روز عبادت را ترک نماید و بعد از دو روز تا روز دهم ، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر از ده روز بگذرد استحاضه است و باید

روزهای بعـد از عادت تا روز دهم را هم اسـتحاضه قرار دهد و عبادتهایی را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید مثلًا زنی که عادت او شش روز بوده

اگر بیشتر از شش روز خون ببیند، باید شش روز را نفاس قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در روز هفتم و هشتم عبادت را ترک کند و در روز نهم و دهم کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر بیشتر از ده روز خون دید، از روز بعد از عادت او استحاضه می باشد.

(بهجت :) در صورتی که از ده روز بیشتر نشود بنا بر اظهر تمام آن مدت را نفاس قرار می دهد. [پایان مسأله] (۴) (مکارم :) تا روز دهم بنا بر احتیاط واجب ترک عبادت کند .. (۵) (اراکی :) ترک عبادت یک روز واجب ، و دو روز تا ده روز خوب است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست .] (۶) (نوری :) به مقدار روزهای عادتش نفاس است ..

(مکارم :) فقط به اندازه روزهای عادتش نفاس است .. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۵۱۷).

[مسأله ۵۱۹ زنی که در حیض عادت دارد]

مسأله ۵۱۹ زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زاییدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز از خونی که بعد از نفاس می بیند (۱) اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است ، مثلًا زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن است ، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز حتّی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند، استحاضه می باشد و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد، حیض است چه نشانه های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد (۲) و اگر در روزهای عادتش نباشد اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد، باید آن را استحاضه قرار دهد (۳). این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) به اندازه روزهای عادت او نفاس است و خونی که بعد از نفاس تا ده روز می بیند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه حیض داشته باشد و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس ، در روزهایی که عادت حیض او نباشد، خونی ببیند که نشانه حیض نداشته باشد، باید احتیاطاً تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد، آن چه را بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه های حیض را داشته باشد اما اگر خونی که بعد از گذشتن ده روز از نفاس می بیند در روزهای عادت حیض او نباشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد استحاضه است . (۳) (اراکی :) اگر نشانه های حیض را داشته باشد حیض و گر نه استحاضه قرار دهد.

(فاضل :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۵۱۴)، صفحه (۳۰۵).

(مکارم :) مسأله بسیاری از زنان بعد از وضع حمل یک ماه یا بیشتر خون می بینند، چنین زنانی اگر در حیض عادت دارند باید

به تعداد روزهای عادتشان «نفاس» قرار دهند و بعد از آن

تا ده روز حکم استحاضه دارد بعد از گذشتن ده روز اگر هم زمان با ایّام عادت حیضش باشد، باید مطابق احکام حائض عمل کنـد (خواه نشانه های خون حیض را داشته باشد یا نه) و اگر همزمان با ایّام عادتش نباشد حکم استحاضه دارد، مگر این که خون دارای نشانه های حیض باشد.

(سیستانی :) مسأله زنی که در حیض عادت عددیه دارد، اگر بعد از زاییدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است و خونی که بعد از نفاس تا ده روز می بیند اگر چه عادت وقتیه هم داشته باشد و خون در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است ، مثلًا زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن ماه است اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند، استحاضه می باشد، و بعد از گذشتن ده روز اگر عادت وقتیه داشته باشد و خونی را که می بیند در روزهای عادتش نباشد. باید منتظر روزهای عادتش شود هر چند که انتظارش یک ماه یا بیشتر طول بکشد هر چند که خون در این مدت دارای نشانه های حیض باشد و اگر صاحب عادت وقتیه نباشد باید حیض خود را چنانچه ممکن است با نشانه های آن تعیین کند روش آن در مسأله [۴۸۹] گذشت و اگر ممکن نیست مثل این که همه خونی را که ده روز بعد از نفاس می بیند یکسان باشد و یک ماه یا چند ماه به همین صفت ادامه پیدا کند باید در هر ماه ، حیض بعضی از خویشان خود را برای خویش حیض قرار دهد به تفصیلی که در مسأله [۴۸۹] گذشت و اگر ممکن نیست ، عددی را که مناسب با خود می داند اختیار نماید و توضیح آن در مسأله [اختصاصی (۴۸۱)، صفحه (۲۸۵)] گذشت .

[مسأله ۵۲۰ زنی که در حیض عادت ندارد]

اشاره

مسأله ۵۲۰ زنی که در حیض عادت ندارد، (۱) اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس (۲) و ده روز دوم آن استحاضه است (۳) و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد (۴) حیض و گر نه آن هم استحاضه می باشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) زنی که در حیض عادت عددیّه ندارد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) حکم ده روز اوّل آن در مسأله [۵۱۷] گذشت .. (۳) (سیستانی :) و امّا خونی که بعد از آن می بیند ممکن است حیض باشد و ممکن است استحاضه باشد و برای تعیین حیض باید به دستوری که در مسأله پیش گفته شد رفتار نماید. (۴) (خوئی ، تبریزی :) یا در وقت عادتش باشد ..

(فاضل :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۵۱۴)، بعد از همین مسأله .

(زنجانی :) مسأله زنی که در حیض عادت ندارد، یا عادت خود را فراموش کرده است ، خونی را که تا ده روز بعد از زایمان می بیند خون نفاس ، و پس از آن تا ده روز استحاضه و پس از آن اگر خون نشانه حیض را داشته باشد، حیض و گر نه

استحاضه است .

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۵۱۴ بین نفاس و حیض که زن بعد از آن می بیند باید ده روز فاصله باشد پس خونی که زن قبل از گذشت ده روز از گذشت ایام نفاس می بیند استحاضه است هر چند در ایام عادت باشد و در مورد لزوم فاصله شدن ده روز پاکی بین حیض سابق و نفاس اشکال است و احتیاط ترک نشود.

احکام بانوان (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۲۱۶ زنی که از ذریّه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله است]

س ۲۱۶: مادرم از ذریّه پیامبر اکرم « صلی اللّه علیه و آله » است . آیا من نیز از سادات محسوب می شوم ؟ آیا می توانم عادت ماهیانه ام را تا شصت سالگی ، حیض قرار دهم و در آن ایام نماز و روزه خود را انجام ندهم ؟

ج : زنی که پدرش هاشمی نیست هر چند مادرش از سادات باشد اگر بعد از پنجاه سالگی خونی را مشاهده کند، محکوم به استحاضه است .

[س ۲۱۷ اگر زنی که به خاطر نذر روزه روز معینی روزه دار است]

س ۲۱۷: اگر زنی که به خاطر نذر روزه روز معینی روزه دار است ، در حال روزه حیض شود، چه تکلیفی دارد؟

ج : روزه اش با عادت شدن ، و لو در یک جزء از روز باشد، باطل می شود و قضای آن روز بعد از پاک شدن بر او واجب است .

[س ۲۱۸ لکه هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می بیند]

س ۲۱۸: لکه هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می بیند، با توجه به این که آن لکه ها نه اوصاف خون را دارند و نه خون مخلوط با آب را ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد، و اگر خون باشد اگر چه به صورت لکّه های زرد رنگ و از ده روز تجاوز نکند همه آن لکّه ها محکوم به حیض است ، و تشخیص این موضوع به عهده زن است .

[س ۲۱۹ جلوگیری از عادت ماهیانه به وسیله دارو]

س ۲۱۹: جلوگیری از عادت ماهیانه به وسیله دارو به خاطر روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۲۲۰ اگر زنی در ایام بارداری به خون ریزی کمی مبتلا شود]

س ۲۲۰: اگر زنی در ایـام بـارداری به خون ریزی کمی مبتلاـ شود ولی باعث سـقط حمل او نگردد، آیا غسل بر او واجب می شود یا خیر؟ وظیفه او چیست ؟

ج : خونی که زن در ایام بارداری می بیند اگر صـفات و شـرائط حیض را داشـته باشد، و یا در زمان عادت بوده و سه روز اگر چه در باطن استمرار داشته باشد خون حیض است و الا استحاضه خواهد بود.

[س ۲۲۱ زنی دارای عادت ماهیانه معینی مثلًا هفت روز است]

س ۲۲۱: زنی دارای عادت ماهیانه معینی مثلًا هفت روز است ، به علت گذاشـتن دستگاه جلوگیری از حاملگی ، هر بار دوازده روز خون می بیند. آیا خونی که از روز هفتم به بعد می بیند خون حیض است یا استحاضه ؟

ج : اگر خون تا روز دهم قطع نشود، خونی که در ایام عادت می بیند خون حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.

[س ۲۲۲ دخول در حرم امام زادگان برای زنی که در حال حیض و یا نفاس است]

س ۲۲۲: آیا جایز است زنی که در حال حیض و یا نفاس است داخل حرم امام زادگان «علیهم السلام » شود؟

ج : جایز است .

[س ۲۲۳ زنی که عمل کورتاژ سقط جنین را انجام داده]

س ۲۲۳: زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده ، در حال نفاس است یا خیر؟

ج : بعد از سقط جنین و لو به صورت علقه باشد اگر خونی را مشاهده کرد، محکوم به نفاس است .

[س ۲۲۴ خونی که زن در سن یائسگی می بیند]

س ۲۲۴: خونی که زن در سن یائسگی می بیند، چه حکمی دارد؟ و وظیفه شرعی او چیست ؟

ج : محکوم به استحاضه است .

[س ۲۲۵ استفاده از داروهای ضد حاملگی]

س ۲۲۵: یکی از راههای جلوگیری از حاملگی های ناخواسته ، استفاده از داروهای ضد حاملگی است . زنهایی که از این داروها استفاده می کنند لکه های خونی را در ایام عادت و غیر آن مشاهده می کنند. این لکه ها چه حکمی دارد؟

ج : اگر این لکه ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد، حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است .

غسل مس ّمیّت

[مسأله ۵۲۱ اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند مس ّکند]

مسأله ۵۲۱ اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده (۱) و غسلش نداده اند مس ّکند یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند باید غسل مس ّمیّت نماید (۲)، چه در خواب مس ّکند چه در بیداری با اختیار مس ّکند یا بی اختیار (حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میّت برسد باید غسل کند (۳)) ولی اگر حیوان مرده ای را مس ّکند غسل بر او واجب نیست (۴). (۱) (بهجت :) چه مسلمان باشد چه کافر .. (۲) (مکارم :) خواه با اختیار باشد یا بی اختیار، حتی اگر ناخن او به ناخن میّت برسد غسل واجب است . [پایان مسأله] (۳) (اراکی :) و این حکم اختصاص به مُرده انسان دارد.

(نوری :) باید بنا بر احتیاط واجب غسل کند .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید غسل کند ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۴) (بهجت :) و اگر وظیفه به جای غسل ، تیمم دادن میّت است اگر بعد از تیمّم ، کسی به میّت مثلًا دست بزند بنا بر اظهر غسل کردن بر او واجب نمی شود اگر چه احتیاط مستحب ّاین است که غسل کند.

[مسأله ۵۲۲ برای مس ّمرده ای که تمام بدن او سرد نشده غسل واجب نیست]

مسأله ۵۲۲ برای مس ّمرده ای که تمام بدن او سرد نشده ، غسل واجب نیست اگر چه جایی را که سرد شده مس ّنماید.

[مسأله ۵۲۳ اگر موی خود را به بدن میّت برساند]

مسأله ۵۲۳ اگر موی خود را به بدن میّت برساند (۱) یا بدن خود را به موی میّت یا موی خود را به موی میّت برساند (۲)، غسل واجب نیست (۳). (۱) (مکارم :) یا دست به موی میّت برساند احتیاط واجب آن است که غسل کند. (۲) (خوئی :) چنانچه مو به حدّی بلند باشد که عرفاً مس ّمیّت بر او صدق نکند .. (۳) (فاضل :) مگر این که آن قدر موی کوتاه باشد که مس ّمیت بر آن صدق بنماید.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) احتیاط واجب آن است که غسل کند.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط غسل کند و لکن آن غسل برای نماز کافی نیست مگر آن که موی خود و موی میّت بلند نباشد که در این صورت غسل مسّ میّت برای نماز کافی است .

(اراکی :) مسأله اگر موی خود را به بدن میّت برساند، غسل واجب نیست مگر آن که عرفاً بگویند مسّ میّت شده مثل قسمت پایان مو که روی پوست را گرفته است و هم چنین اگر بدن خود را به موی میّت یا موی خود را به موی میّت برساند، غسل واجب نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر موی ریز خود را به بدن میت برساند، یا بدن خود را به موی ریز میت یا موی ریز خود را به موی ریز میت برساند احتیاط آن است که غسل کند و این حکم در موهای بلند جاری نیست بلکه غسل مطابق احتیاط استحبابی است .

[مسأله ۵۲۴ مسّ بچه مرده]

مسأله ۵۲۴ برای مسّ بچه مرده ، حتی بچه سقط شده ای که چهار ماه او تمام شده غسل مسّ میّت واجب است (۱) (بلکه بهتر است (۲) برای مسّ بچه سقط شده ای که از چهار ماه کمتر دارد غسل کرد (۳)) بنا بر این اگر بچه چهار ماهه ای مرده (۴) به دنیا بیاید (۵)، مادر او باید (۶) غسل مسّ میّت کند (۷)، بلکه اگر از چهار ماه کمتر هم داشته باشد بهتر است مادر او غسل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و اگر کمتر از چهار ماه تمام باشد، احتیاط مستحب غسل است . هر گاه بچه چهار ماهه ای یا بیشتر، مرده بدنیا بیاید، مادر او بنا بر احتیاط واجب باید غسل مسّ میت کند. [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) بلکه بنا بر احتیاط مستحب .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۴) (تبریزی :) و بدنش سرد شده .. (۵) (خوئی :) و بدنش سرد شده و ظاهر بدن مادر را مسّ کند .. (زنجانی :) و بدنش سرد شده باشد .. (۶) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط .. (۷) (خویی ، تبریزی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی :) مسأله برای مس بچه مرده ، حتی بچه سقط شده ای که چهار ماه او تمام شده و یا خلقتش تمام شده اگر چه کمتر از چهار ماهه باشد غسل واجب است بلکه بنا بر احتیاط مستحب ، برای مسّ بچه سقط شده ای که از چهار ماه کمتر دارد و خلقتش هم تمام نشده باید غسل کرد. بنا بر این اگر بچه چهار ماهه ای مرده به دنیا بیاید، بنا بر احتیاط واجب مادر او باید غسل مسّ میّت کند و هم چنین اگر بچّه کمتر از چهار ماه داشته باشد ولی خلقتش تمام باشد که در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب مادر او باید غسل مسّ میت نماید.

(صافی :) اگر بچه چهار ماهه ای مرده به دنیا بیاید و بدنش سرد شده باشد و ظاهر بدن مادر را مسّ کند، مادر او باید غسل مسّ میّت کند ..

(سیستانی :) مسأله اگر بچه ای مرده به دنیا بیاید بنا بر احتیاط واجب باید مادرش غسل کند و اگر مادر مرده باشد، بچه باید پیش از بلوغ بنا بر احتیاط واجب غسل کند.

[مسأله ۵۲۵ بچه ای که بعد از مردن مادر به دنیا می آید]

مسأله ۵۲۵ بچه ای که بعد از مردن مادر (۱) به دنیا می آید، (۲) وقتی بالغ شد واجب است غسل مسّ میّت کند. (۳) (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و سرد شدن بدنش .. (۲) (خوئی ، سیستانی :) چنانچه ظاهر بدن مادر را مسّ نماید .. (۳) (سیستانی :) بلکه اگر ظاهر بدنش را هم مسّ ننموده باشد باید بنا بر احتیاط بعد از بلوغ ، غسل مسّ میّت نماید. (تبریزی :) و اگر بعد از ممیز شدن و قبل از بلوغ غسل کند کافی است .

(اراکی ، گلپایگانی ، مکارم ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید غسل مسّ میّت کند.

(زنجانی :) مسأله بچه ای که بعد از مردن مادر و سرد شدن بدنش به دنیا می آید، بنا بر احتیاط وقتی بالغ شد، لازم است غسل مسّ میّت کند و اگر در هنگامی که ممیز بود غسل کند، غسلش صحیح بوده ، نیازی به غسل مجدد ندارد.

[مسأله ۵۲۶ اگر انسان میّتی را که سه غسل او کاملًا تمام شده مسّ نماید]

مسأله ۵۲۶ اگر انسان ، میّتی را که سه غسل او کاملًا تمام شده مسّ نماید، غسل بر او واجب نمی شود (۱)، ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود جایی از بدن او را مسّ کند اگر چه غسل سوم آنجا تمام شده باشد باید غسل مسّ میّت نماید. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۵۲۷ اگر دیوانه یا بچه نابالغی میّت را مسّ کند]

مسأله ۵۲۷ اگر دیوانه یا بچه نابالغی ، میّت را مسّ کند، بعد از آن که آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد باید غسل مسّ میّت نماید (۱). (۱) (مکارم ، سیستانی :) و اگر کودک ممیّز غسل کند، غسل او صحیح است .

(فاضل :) و اگر بچه نابالغ در حالی که ممیز است غسل کند غسلش صحیح است .

(زنجانی :) و اگر بچه هنگامی که ممیز است غسل کند غسل او صحیح است و نیازی به غسل مجدد ندارد.

[مسأله ۵۲۸ اگر از بدن زنده قسمتی که دارای استخوان است جدا شود]

مسأله ۵۲۸ اگر از بدن زنده (۱) قسمتی که دارای استخوان است جدا شود (۲) و (۳) (پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند (۴))، انسان آن را مسّ نماید، باید غسل مسّ میّت کند (۵). ولی اگر قسمتی که جدا شده ، استخوان نداشته باشد، برای مسّ آن غسل واجب نیست (۶). و از بدن مرده ای که غسلش نداده اند اگر چیزی جدا شود که در حال اتّصال ، مسّ آن موجب غسل می شد، بعد از انفصال نیز، مسّ آن موجب غسل است . (۱) (آیات عظام :) یا مرده ای که غسلش نداده اند ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب اگر از بدن زنده یا مرده ای که غسلش نداده اند .. (۲) (مکارم :) مثلًا یک دست و یا حتی یک انگشت ..

(سیستانی :) اگر از بدن زنده یا مرده ای که غسلش نداده اند قسمتی جدا شود .. (۳) (زنجانی :) و پس از سرد شدن و .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۵) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) ولی قسمتی که از زنده جدا شده اگر قطعه ای مشتمل بر استخوان باشد برای مس ّ آن غسل واجب است ، امّا اگر تنها استخوان باشد برای مس ّ آن غسل واجب نیست .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط باید غسل مس ّ میّت کند ..

(سیستانی :) لازم نیست غسل مس ّ میّت کند هر چند که آن قسمت دارای استخوان باشد ولی اگر میتی قطعه قطعه شده باشد و کسی همه یا معظم آنها را مس ّ کند غسل واجب است . [پایان مسأله] (۶) (خوئی ، اراکی ، فاضل ، تبریزی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) هم چنین برای مس ّ استخوان تنها یا دندان که از مرده یا زنده جدا شده ، غسل لازم نیست . [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) اگر از میت جدا شده ، بنا بر احتیاط واجب غسل مس ّ میت نماید. [پایان مسأله]

[مسأله ۵۲۹ برای مس ّ استخوان و دندانی که از مرده جدا شده باشد]

مسأله ۵۲۹ برای مس ّ استخوان و دندانی که از مرده جدا شده باشد و آن را غسل نداده اند باید (۱) غسل کرد (۲)، ولی برای مس ّ استخوان و دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، غسل واجب نیست (۳). (۱) (فاضل ، بهجت :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۲) (فاضل :) و هم چنین برای مس ّ استخوانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد بنا بر احتیاط واجب باید غسل کرد ولی برای مس دندانی که از انسان زنده جدا شده و گوشت ندارد، غسل واجب نیست .

(نوری :) برای مس ّ استخوان و دندان و هر چیزی که از مرده جدا شده و آن را غسل نداده اند هر چند قطعه گوشتی بدون استخوان هم باشد بجز مو باید غسل کرد .. (۳) (بهجت :) برای مس ّ استخوانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد بنا بر أحوط غسل واجب است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۲۸.

(گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) مسأله برای مس ّ استخوانی که گوشت ندارد و آن را غسل نداده اند چه از مرده جدا شده باشد چه از زنده ، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کرد و هم چنین است برای مس ّ دندانی که از مرده جدا شده ، در صورتی که آن مرده را غسل نداده باشند، ولی برای مس ّ دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، یا گوشت آن خیلی کم است ، غسل واجب نیست .

(سیستانی :) برای مس استخوانی که آن را غسل نداده اند ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) غسل واجب نیست و هم چنین است برای مس ّ دندانی که از مرده یا زنده جدا شده باشد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط باید غسل کرد ..

(زنجانی :) در صورتی که آن را ..

[مسأله ۵۳۰ غسل مسّ میّت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند]

مسأله ۵۳۰ غسل مسّ میّت را بایـد مثل غسل جنابت انجام دهند (۱) ولی کسـی که غسل مسّ میّت کرده ، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد. (۲)

(۱) (فاضل ، سیستانی :) و این غسل کفایت از وضو هم می کند.

(مکارم :) و کفایت از وضو نیز می کند هر چند احتیاط مستحب ّ آن است که وضو بگیرد. (۲) (بهجت :) بنا بر أحوط.

گلپایگانی (، صافی :) باید اگر وضو نداشته وضو هم بگیرد و اگر وضو داشته ، چون باطل شدن وضو به مس ّ میّت محل ّ تأمّل است بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) احتیاط مستحب ّ آن است که وضو هم بگیرد (تبریزی : ولی در مواردی که غسل مس ّ میت بنا بر احتیاط است ، باید برای نماز وضو بگیرد).

(نوری :) وضو برای او لازم نیست هر چند احتیاط مستحب در گرفتن وضو نیز هست .

[مسأله ۵۳۱ اگر چند میّت را مس ّ کند]

مسأله ۵۳۱ اگر چند میّت را مس ّ کند یا یک میّت را چند بار مس ّ نماید، یک غسل کافی است .

[مسأله ۵۳۲ برای کسی که بعد از مس ّ میّت غسل نکرده است]

مسأله ۵۳۲ برای کسی که بعد از مس ّ میّت غسل نکرده است ، توقف در مسجد (۱) و جماع و خواندن سوره هایی (۲) که سجده واجب دارد (۳)، مانعی ندارد (۴)، ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند (۵) و وضو بگیرد (۶). (۱) (زنجانی :) بودن در مسجد و لو در غیر حال مرور .. (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) خواندن آیه هایی .. (۳) (زنجانی :) حتی آیه های سجده آن .. (۴) (بهجت :) جایز بودن توقف در مسجد و خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد، خالی از وجه نیست گر چه احتیاط در اجتناب است ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند بلکه وضو نیز بنا بر احتیاط بگیرد. (۵) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۶) (فاضل :) باید غسل کند و بهتر است وضو هم بگیرد.

(گلپایگانی :) باید غسل کند و راجع به وضو به دستور مسأله پیش رفتار نماید.

(مکارم :) مسأله کسی که غسل مس میّت بر او واجب شده ، می تواند به مسجد برود و سوره هایی که سجده واجب دارد بخواند و با هم سر خود نزدیکی نماید، ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند، یعنی کسی که غسل مس ّ میّت بر او است مانند کسی است که وضو ندارد.

[احکام میت]

[احکام اموات از رساله حضرت امام]

احکام محتضر

[مسأله ۵۳۳ مسلمانی را که محتضر است]

مسأله ۵۳۳ مسلمانی را که (۱) محتضر است یعنی در حال جان دادن می باشد (۲) مرد باشد یا زن ، بزرگ باشد یا کوچک ، باید (۳) به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد (۴) و اگر خواباندن او کاملًا به این طور ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب (۵) تا اندازه ای که ممکن است باید (۶) به این دستور عمل کنند (۷) و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد (۸) به قصد احتیاط (۹) او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم نشود،

(باز به قصد احتیاط (۱۰)) او را به پهلوی راست یا به پهلوی چپ ، رو به قبله بخوابانند. (۱) (اراکی ، سیستانی :) مؤمنی که .. (۲) (مکارم :) محتضر یعنی : کسی که در حال جان دادن است .. (۳) (اراکی ، بهجت ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط در صورت امکان باید ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب در صورت امکان .. (۴) (خوئی ، بهجت ، زنجانی ، سیستانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و بعید نیست که بر خود محتضر هم این کار لازم باشد. [پایان مسأله] (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید او را به پشت بخوابانند و پای او را به طرف قبله کنند .. (۵) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۶) [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۷) (مکارم :) و اگر ممکن نشد رو به قبله بنشانند و اگر آن هم ممکن نیست به پهلوی راست ، یا به پهلوی چپ رو به قبله بخوابانند. (۸) (اراکی :) اگر اذیت نمی شود .. (۹) (گلپایگانی :) باید .. (صافی :) بهتر است .. (۱۰) (اراکی :) اگر اذیت نمی شود باز به قصد احتیاط .. (گلپایگانی :) باید ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه صافی نیست]

[مسأله ۵۳۴ احتیاط واجب آن است که تا وقتی او را از محل احتضار حرکت نداده اند رو به قبله باشد]

مسأله ۵۳۴ احتیاط واجب آن است که تا وقتی او را از محل احتضار حرکت نداده اند رو به قبله باشد و بعد از حرکت دادن ، این احتیاط واجب نیست (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) هر چند مراعات آن مطلوب است .

(گلپایگانی ، فاضل :) مسأله احتیاط واجب آن است که تا وقتی غسل میّت تمام نشده او را رو به قبله بخوابانند ولی بعد از آن که غسلش تمام شد بهتر است او را مثل حالتی که بر او نماز می خوانند بخوابانند.

(خوئی ، تبریزی :) اولی آن است ..

(صافی :) احتیاط آن است ..

(سیستانی :) بهتر آن است تا وقتی غسل میّت تمام نشده ، نیز او را به نحوی که در مسأله قبل گفته شد رو به قبله بخوابانند ..

(زنجانی :) احتیاط واجب آن است که بعد از مرگ ، تا بلند کردن جنازه او را رو به قبله بخوابانند، به گونه ای که در مسأله پیش گفته شد، هم چنین بنا بر احتیاط مستحب در حال غسل نیز تا وقتی که غسل تمام نشده او را رو به قبله بخوابانند ..

(مکارم :) مسأله مستحب است که میت را تا وقتی از محل مردن حرکت نداده اند رو به قبله باشد.

[مسأله ۵۳۵ رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است]

مسأله ۵۳۵ رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است (۱) و اجازه گرفتن از ولیّ او لازم نیست . (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (صافی :) بنا بر احتیاط واجب .. (۲) (نوری :) هر چند که اولی است .

(اراکی :) از ولیّ او در صورت امکان باید اجازه گرفت .

(خوئی ، تبریزی :) اجازه گرفتن از ولیّ او احوط است .

(گلپایگانی :) بنا بر احتیاط لازم باید ((صافی :) بنا بر احتیاط) تا ممکن می شود از ولیّ او اذن بگیرد.

(سیستانی :) چنانچه بدانند خود محتضر راضی است و قاصر هم نباشد برای این کار لازم نیست از ولیّ او اجازه بگیرند و در غیر این صورت اجازه گرفتن از ولیّ او بنا بر احتیاط، لازم است .

(زنجانی :) مسأله بر هر مسلمان شایسته است محتضر را رو به قبله کند و این کار مطابق احتیاط استحبابی است ، و بنا بر احتیاط استحبابی از ولیّ محتضر اجازه بگیرند.

[مسأله ۵۳۶ مستحبّ است شهادتین و اقرار به دوازده امام ع]

مسأله ۵۳۶ مستحبّ است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقّه را ، به کسی که در حال جان دادن است طوری تلقین کنند که بفهمد و نیز مستحبّ است چیزهایی را که گفته شد تا وقت مرگ تکرار کنند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۵۳۷ مستحبّ است دعاها را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد]

مسأله ۵۳۷ مستحبّ است این دعاها را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد (۱): اللّهُمَّ اغفِر لِیَ الکَثیرَ مِن مَعاصِیکَ وَ اقبَل مِنّی الیَسیرَ مِن طاعَتِکَ یا مَن یَقبَلُ الیَسیرَ وَ یَعفُو عَنِ الکَثِیرِ اقبَل مِنّی الیَسیرَ و اعفُ عَنّی الکَثیرَ انَّکَ انتَ العَفُوُّ الغَفُورُ اللّهُمَّ ارحَمنی فَانَّکَ رَحیمٌ (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، نوری :) مستحبّ است این دعاها را به محتضر تلقین کنند: .. (۲) (مکارم :) و بهتر است که خودش نیز بخواند.

[مسأله ۵۳۸ مستحبّ است کسی را که سخت جان می دهد]

مسأله ۵۳۸ مستحبّ است کسی را که سخت جان می دهد، (۱) اگر ناراحت نمی شود به جایی که نماز می خوانده ببرند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) او را به محلّ نمازش ببرند.

[مسأله ۵۳۹ مستحب-است برای راحت شدن محتضر]

مسأله ۵۳۹ مستحب-است (۱) برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره مبارکه «یس ، و الصّافات و احزاب » و «آیه الکرسی » و (آیه پنجاه و چهارم از سوره «اعراف » (۲) و سه آیه آخر سوره «بقره » بلکه (۳)) هر چه از قرآن ممکن است بخوانند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) شایسته است .. (۲) اراکی ، (فاضل :) یعنی آیه إِن َ رَبَّکُم ُ اللّه ُ الَّذِی خَلَق َ السَّموات ِ .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست]

[مسأله ۵۴۰ تنها گذاشتن محتضر]

مسأله ۵۴۰ تنها گذاشتن محتضر و گذاشتن چیز سنگین (۱) روی شکم او و بودن جُنُب و حائض نزد او و هم چنین حرف زدن زیاد و گریه کردن و تنها گذاشتن زنها نزد او مکروه است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) گذاشتن چیزی .. (۲) (مکارم :) تنها گذاشتن زنها نزد او را از مکروهات شمرده اند.

احکام بعد از مرگ

[مسأله ۵۴۱ بعد از مرگ مستحب-است دهان میّت را هم بگذارند]

مسأله ۵۴۱ بعد از مرگ مستحب ـ است دهان میّت را ، هم بگذارند که باز نماند و چشمها (۱) و چانه میّت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند (۲) و پارچه ای روی او بیندازند (و اگر شب مرده است ، در جایی که مرده ، چراغ روشن کنند (۳)) و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند. و (۴) در دفن او عجله نمایند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود (۵) و نیز اگر میّت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد (۶)، باید به قدری دفن را عقب بیندازند، که پهلوی چپ او را (۷) بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلو را بدوزند (۸). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، زنجانی ، تبریزی :) بعد از مرگ مستحب ـ است چشمها و لبها .. (۲) (اراکی :) بعد از مرگ مستحب ـ است دهان میت و هم چنین چشم او را هم بگذارند که باز نماند و چانه میت را ببندند و پای او را دراز کنند و دستهای او را کنار پهلوهایش دراز کنند .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) و در تشییع ، آداب اسلام را رعایت کنند و از شرکت بانوان در تشییع که مکروه است مخصوصاً حرکت آنان جلوتر از مردان آن هم با مظاهر غیر اسلامی جلوگیری نمایند و منظره عبرت آور تشییع جنازه را به معصیت و تشبّه به عادات و رسوم کفار که حاکی از عدم استقلال فکری و نفوذ بیگانگان است آلوده نکنند و اجازه ندهند که آداب و رسوم مخالفین اسلام به اجتماع مسلمین راه پیدا کند. چه خوب است که مسلمین برای حفظ سنن مذهبی و استقلال فکری خود در همه شئون ، روش اولیاء اسلام علیهم السلام را سرمشق قرار دهند و از عواقب و خیم تشبّه به بیگانگان بپرهیزند و نیز مستحب است .. (۵) (مکارم :) تا کاملًا معلوم شود .. (۶) (مکارم :) یا احتمال زنده بودن او را بدهند، باید پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند، سپس پهلو را بدوزند و چنانچه دسترسی به اهل اطّلاع بوده باشد این کار را زیر نظر آنها انجام دهند. (۷) (زنجانی :) شکم او را .. (سیستانی :) پهلوی او را .. (۸) (زنجانی :) شکم او را بدوزند.

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میّت

[مسائلی در غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان]

[مسأله ۵۴۲ غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان دوازده امامی]

مسأله ۵۴۲ غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان دوازده امامی بر هر مکلّفی واجب است (۱) و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده اند (۲)، و بنا بر احتیاط واجب حکم مسلمانی هم که دوازده امامی نیست همین طور است . (۱) (اراکی :) غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان بر هر مکلّفی واجب است ..

(گلپايگـانى ، خوئى ، فاضـل ، تبريزى ، مكـارم ، صـافى ، زنجانى :) غسل و كفن و نماز و دفن مسـلمان اگر چه دوازده امامى نباشد بر هر مكلّفى واجب است ..

(بهجت :) غسـل ، کفن ، نمـاز و دفن مسـلمان (یعنی میتی که به حسب اظهـار شـهادتین و عـدم منـافی ، حکم به اسـلام او می شود) بر هر مکلّفی واجب است .. (۲) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، زنجانی ، تبریزی ، فاضل ، مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیسـتانی :) مسأله غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن مسلمان اگر چه دوازده امامی نباشد، بر ولی ّاو واجب است . ولی ّ باید این کارها را یا خود انجام دهد یا دیگری را مأمور انجام آنها نماید و چنانچه شخصی این کارها را به اجازه ولی ّانجام دهد از ولی ّ ساقط می شود، بلکه اگر دفن و ماننـد او را بـدون اجـازه ولی ّانجام دهـد از ولی ّ ساقط می شود و حاجت به اعاده آنها نیست و اگر میّت ولی ّ نداشـته باشـد یـا آن که ولی ّاز انجـام کارهـای او امتناع کنـد، بر بقیه مکلّفین ، کفایتاً واجب است که کارهـای او را انجام دهنـد و اگر بعضـی انجام دهنـد از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیـچ کس انجام ندهـد همه معصـیت کرده اند و در صورت امتناع ولی ّ، اذن او معتبر نیست .

[مسأله ۵۴۳ اگر کسی مشغول کارهای میّت شود]

مسأله ۵۴۳ اگر کسـی مشـغول کارهای میّت شود بر دیگران واجب نیست اقـدام نمایند، ولی اگر او عمل را نیمه کاره بگذارد، باید دیگران تمام کنند.

[مسأله ۵۴۴ اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میّت شده]

مسأله ۵۴۴ اگر انسان یقین کند (۱) که دیگری مشـغول کارهای میّت شده ، واجب نیست به کارهای میّت اقدام کند (۲)، ولی اگر شک یا گمان دارد (۳)، باید اقدام نماید. (۱) (سیسـتانی ، زنجانی :) اطمینان کند .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (زنجانی :) اگر شک یا گمان غیر اطمینانی دارد ..

(مکارم :) مسأله هر گاه شک کند کسی اقدام به کارهای میّت کرده است یا نه ، باید خودش اقدام کند.

[مسأله ۵۴۵ اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میّت را باطل انجام داده اند]

مسأله ۵۴۵ اگر کسـی بدانـد غسل یا کفن یا نماز یا دفن میّت را باطل انجام داده اند باید دوباره انجام دهد (۱) ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا نه ، لازم نیست اقدام نماید. (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکـارم :) مسـأله هر گـاه کسـی اقـدام به غسـل یـا کفن و نمـاز و دفن میّت کرده و نـدانیم صـحیح به جا آورده یا باطل ، باید بگوییم صحیح بوده ، اما اگر یقین داریم باطل انجام داده است باید دوباره انجام دهیم .

[مسأله ۵۴۶ غسل و کفن و نماز و دفن میّت]

مسأله ۵۴۶ برای غسل و کفن و نماز و دفن میّت ، باید (۱) از ولی ّاو اجازه بگیرند (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط ..

(۲) (زنجانی :) باید رضایت ولی را احراز کنند.

(سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۴۲.

[مسأله ۵۴۷ ولیّ زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می کند شوهر اوست]

مسأله ۵۴۷ ولیّ زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می کند شوهر اوست و بعد از او، مردهایی که از میّت ارث می برند مقدّم بر زنهای ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدّم هستند در این امر نیز مقدمند.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله ولیّ زن ، شوهر اوست و بعد از او مردهایی که از میّت ارث می برند مقدّم بر زنهای ایشان هستند.

(زنجانی :) مسأله ولیّ زن شوهر او است ، و بعد از او خویشاوندان نسبی به ترتیب طبقات ارث ، و در هر طبقه مردها بر زنها مقدّمند، و در صورت تعدد، بنا بر احتیاط از همه باید اجازه گرفته شود.

(مکارم :) مسأله شوهر نسبت به زن خود، از همه اولی است ، سپس کسانی که از میّت ارث می برند به ترتیبی که در ارث بیان شده ولایت بر میّت دارند و چنانچه در یک طبقه وارث مرد و زن باشند، احتیاط این است که از هر دو اجازه بگیرند.

(سیستانی :) مسأله ولیّ زن ، شوهر اوست و در غیر این مورد وارث ، ولیّ میت است به ترتیبی که در طبقات ارث خواهد آمد و در هر طبقه مردان بر زنان مقدّمند و در مقدّم بودن پدر میّت بر پسرش ، و جدّ او بر برادرش ، و برادر پدر و مادریش بر برادر پدری یا مادریش فقط، و برادر پدری او بر برادر مادریش ، و عموی او بر دائیش اشکال است پس در چنین موارد باید مقتضای احتیاط رعایت شود و اگر ولیّ متعدد بود، اذن یکی از آنها کافی است .

مسأله اختصاصی

(سیستانی :) مسأله ۵۳۶ بچه نابالغ و دیوانه ، ولایت انجام کارهای میّت را ندارند و هم چنین غائبی که نمی تواند شخصاً یا با مأمور کردن کسی دیگر متکفّل انجام آن کارها شود، ولایت ندارد.

[مسأله ۵۴۸ اگر کسی بگوید من وصی یا ولیّ میّتم]

مسأله ۵۴۸ اگر کسی بگوید من وصی یا ولیّ میّتم یا ولیّ میّت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میّت را انجام دهم (۱)، چنانچه دیگری نمی گوید من ولیّ یا وصیّ میتم یا ولیّ میّت به من اجازه داده است ، انجام کارهای میّت با اوست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و احتمال داده شود که راست می گوید، انجام کارهای میّت با او است مگر آن که کس دیگر بگوید که من وصیّ یا ولیّ میّت هستم یا از ولیّ میّت اجازه دارم ، که در این صورت حرف کسی پذیرفته است که دو نفر عادل به گفته او شهادت دهند.

(تبریزی :) چنانچه به حرف او اطمینان دارند یا میّت در تصرف او است یا این که دو نفر عادل به گفته او شهادت دهند باید حرف او را قبول کرد.

(مکارم :) و بدن میّت در اختیار او است ، انجام کارهای میّت باید با اجازه او باشد.

(خوئی :) مسأله اگر کسی بگوید من ولیّ میّت هستم یا ولیّ میّت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میّت را انجام دهم یا بگوید راجع به امور تجهیز میّت ، من وصیّ او می باشم چنانچه به حرف او اطمینان دارند یا میّت در تصرف اوست یا این

که دو نفر عادل بلکه یک نفر شخصی که مورد اطمینان باشد به گفته او شهادت دهند باید حرف او را قبول کرد.

(زنجانی :) یا این که دو مرد عادل ((سیستانی :) یا این که دو نفر عادل) به گفته او شهادت دهند، باید حرف او را قبول کرد.

[مسأله ۵۴۹ اگر میّت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولیّ کس دیگری را معین کند]

مسأله ۵۴۹ اگر میّت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولیّ کس دیگری را معین کند (۱)، (احتیاط واجب (۲) آن است که ولیّ و آن کس هر دو اجازه بدهند (۳)) و لازم نیست (۴) کسی که میت او را برای انجام این کارها معین کرده ، این وصیت را قبول کند (۵) ولی اگر قبول کرد، باید به آن عمل نماید (۶). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ولایت این امور با اوست .. (صافی :) وصیت او صحیح است ..

(بهجت :) بنا بر أظهر لازم است آن شخص از ولیّ میّت برای این کارها اجازه بگیرد. [پایان مسأله] (مکارم :) مثلًا وصیّت کند فلان شخص بر من نماز بخواند، واجب است به آن عمل شود .. (۲) (اراکی ، زنجانی :) احتیاط .. (۳) (زنجانی :) و کسی که میت او را برای انجام این کارها معین کرده ، می تواند این وصیت را رد کند؛ ولی اگر آن را رد نکند یا ردّ آن به وصیت کننده نرسد تا بمیرد، لازم است وصی پس از مرگ به آن عمل کند.

(فاضل :) و اگر میت وصیت کند و فرزند خود را وصی قرار دهد بنا بر احتیاط واجب بر فرزند لازم است طبق وصیت پدر عمل کند و نمی تواند آن را قبول نکند امّا اگر غیر از فرزند خود کسی را وصی قرار دهد اگر او مطلع شود و در حال حیات وقتی که او می توانسته وصی دیگر انتخاب کند به او اطلاع دهد که حاضر نیست طبق وصیت او عمل کند مانعی ندارد و الّا باید طبق وصیت او عمل کند. (مکارم :) احتیاط مستحب آن است که از ولیّ هم اجازه بگیرد ..

(صافی :) احتیاط آن است که ولیّ هم به او در عمل به وصیّت اجازه بدهد ..

[در رساله آیت اللّه نوری به جای قسمت داخل پرانتز آمده است : ولایت این امور با او است و مستحب است از ولی هم اجازه بگیرد] [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۴) (مکارم :) واجب نیست .. (۵) (مکارم :) اگر چه قبول بهتر است .. (۶) (گلپایگانی :) و هم چنین اگر بعد از موت از وصیت مطلع شد، احتیاط واجب عمل به وصیت است .

مسأله اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۵۲۳ هر گاه بداند ولیّ راضی است اما صریحاً با زبان اجازه نداده است همین اندازه که اجازه او از ظاهر حال نمایان باشد کافی است .

احکام غسل میّت

[مسأله ۵۵۰ واجب است میّت را سه غسل بدهند]

مسأله ۵۵۰ واجب است میّت را سه غسل بدهند. اول : به آبی که با سدر مخلوط باشد دوم : به آبی که با کافور مخلوط باشد. سوم : با آب خالص (۱). (۱) (مکارم :) ولی شهید و بعضی دیگر غسل ندارند که شرح آن بعداً خواهد آمد.

(بهجت :) و مراعات این ترتیب لازم است و در صورت بهم خوردن ترتیب ، از همان جا که بهم خورده اعاده کنند.

[مسأله ۵۵۱ سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد]

مسأله ۵۵۱ سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد، که نگویند (۱) سدر و کافور با آب مخلوط شده است .

(۱) (بهجت :) که عرفاً نگویند ..

(مکارم :) مسأله مانعی ندارد سدر و کافور به اندازه ای باشد که آب را مضاف کند، ولی باید به اندازه ای کم نباشد که بگویند سدر و کافور با آب مخلوط نشده است و در صورتی که مضاف شود بهتر این است که میّت را اول با آن بشویند و بعد آب روی بدن او بریزند تا به صورت مطلق در آید.

[مسأله ۵۵۲ اگر سدر و کافور به اندازه ای که لازم است پیدا نشود]

مسأله ۵۵۲ اگر سدر و کافور به اندازه ای که لازم است پیدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید (۱) مقداری که به آن دسترسی دارند در آب بریزند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب.. (۲) (فاضل :) ولی آن قدر کم نباشد که آب سدر و کافور اصلًا صدق نکند.

(مکارم :) و اگر آن هم پیدا نشود، به جای آن با آب معمولی غسل دهند.

[مسأله ۵۵۳ کسی که برای حج احرام بسته است]

مسأله ۵۵۳ کسی که برای حج (۱) احرام بسته است اگر پیش از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد (۲)، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند (۳) و هم چنین اگر در احرام عمره پیش از کوتاه کردن مو، بمیرد. (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) یا عمره .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (گلپایگانی :) اگر پیش از تمام کردن طواف حج یا عمره بمیرد ..

(صافی :) اگر پیش از انجام سعی در احرام حج و پیش از تقصیر در احرام عمره بمیرد ..

(مکارم :) کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است هر گاه پیش از تمام کردن طواف و قبل از حلال شدن بوی خوش بر او از دنیا برود .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، مکارم ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر کسی در حال احرام بمیرد، نباید او را با آب کافور غسل دهند، و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند، مگر این که در احرام حج بوده و سعی را تمام نموده باشد که در این صورت با آب کافور باید غسلش دهند.

(سیستانی :) مگر این که در احرام حجّ تمتّع بوده و طواف و نمازش و سعی را تمام نموده باشد، یا آن که در احرام حجّ قران یا افراد بوده و حلق را انجام داده باشد، که در این دو صورت با آب کافور باید غسل دهند.

(زنجانی :) مگر این که در احرام حج بوده و حلق یا تقصیر و سعی بین صفا و مروه کرده باشد یا در احرام عمره مفرده بوده و حلق یا تقصیر نموده باشد.

[مسأله ۵۵۴ اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود]

مسأله ۵۵۴ اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد مثل آن که غصبی باشد، باید (۱) به جای هر کدام که ممکن نیست میّت را با آب خالص غسل بدهند (۲). (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط واجب .. (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط او را یک تیمم بدهند و .. (۲) (زنجانی :) و بنا بر احتیاط مستحب یک تیمم نیز بنماید.

(بهجت :) و أقوی در مکان غسل این است که باید مباح باشد.

(خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط میّت را با آب خالص غسل داده و تیمم نیز بدهند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۵۲.

[مسأله ۵۵۵ کسی که میّت را غسل می دهد]

مسأله ۵۵۵ کسی که میّت را غسل می دهد، باید (۱) مسلمان دوازده امامی و عاقل (۲) باشد و مسائل غسل را هم بداند (۳) و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد (۴). (۱) (نوری :) در حال اختیار باید .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) و بالغ ..

(زنجانی :) و بالغ یا ممیز بوده و غسل را درست انجام دهد ولی اگر میت مسلمان غیر دوازده امامی را هم مذهب ِ خودش بر طبق مذهبش غسل بدهد، تکلیف از مسلمان دوازده امامی ساقط است . (۳) (گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) ولی اگر میّت مسلمان غیر اثنا عشری را هم مذهب خودش بر طبق مذهبش غسل بدهد تکلیف از مؤمن اثنا عشری ساقط است . (۴) (اراکی :) بنا بر احتیاط مستحب ّ بالغ باشد گر چه بچه ممیّز اگر مسائل غسل را بداند می تواند میّت را غسل دهد.

(سیستانی :) مسأله - کسی که میت را غسل می دهد باید عاقل و مسلمان باشد و بنا بر احتیاط واجب دوازده امامی باشد و نیز باید مسائل غسل را هم بداند و اگر بچه ممیّز بتواند غسل را به طور صحیح انجام دهد، کفایت می کند و چنانچه میّت مسلمان غیر اثنا عشری را ، هم مذهب خودش اگر چه بر طبق مذهبش غسل بدهد تکلیف از مؤمن اثنا عشری ساقط است ، مگر آن که ولی ّ آن میّت باشد که در این صورت تکلیف از او ساقط نمی شود.

(مکارم :) مسأله کسی که میت را غسل می دهد باید مسلمان و بالغ و عاقل باشد و مسائل لازم غسل را بداند و احتیاط مستحب ّ آن است که شیعه دوازده امامی باشد.

[مسأله ۵۵۶ کسی که میّت را غسل می دهد باید قصد قربت داشته باشد]

مسأله ۵۵۶ کسی که میّت را غسل می دهد، باید قصد قربت داشته باشد (۱) یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد (۲) و اگر به همین نیّت تا آخر غسل سوم باقی باشد کافی است و تجدید لازم نیست (۳). (۱) (سیستانی :) و کافی است به قصد امتثال امر خداوند باشد. (۲) (خوئی ، مکارم ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و برای غسل دوّم و سوّم هم نیّت غسل را تجدید نماید.

(زنجانی :) برای خداوند انجام دهد. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) تجدید نیّت لازم نیست اگر چه أحوط است .

[مسأله ۵۵۷ غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، واجب است]

مسأله ۵۵۷ غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، واجب است (۱). (و غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست (۲)) و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده ، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند (۳)، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست (۴).

(۱) (بهجت :) بنـا بر احتیاط .. (۲) (سیسـتانی :) غسـل و کفن و دفن کافر و اولاد او واجب نیست و اگر بچه کافر ممیز باشـد و اظهار اسلام کند مسلمان است .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه محکوم به اسـلام بوده باید او را غسل داد. [پایان مسأله] (سیسـتانی :) چنانچه پدر یا مادر او مسـلمان باشند، باید او را غسل داد. [پایان مسأله] (مکارم :) چنانچه پدر یا مادر او مسـلمان باشد غسل او واجب است ، هم چنین کسی که قبلًا مسلمان بوده و بعد دیوانه شـده است . [پایان مسأله] (زنجانی :) چنانچه پدر یا مادر یا جدّ یا جدّه نزدیک او مسـلمان بوده یا به جهت دیگری محکوم به اسلام باشد باید او را غسل دهند در غیر این صورت غسل دادن او جایز نیست .

(فاضل :) چنانچه پـدر و مادر و جـدّ و جدّه او یا یکی از آنان مسـلمان باشـند .. (۴) (گلپایگـانی ، صـافی :) و اگر بچه در دار اسـلام پیـدا شود و معلوم نباشـد که پدر و مادر او یا یکی از آنان مسـلمان است یا نه محکوم به اسـلام است و باید او را غسـل دهند.

[مسأله ۵۵۸ بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد]

مسأله ۵۵۸ بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد (۱) باید (۲) غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد (۳)، باید (۴) در پارچه ای به پیچند و بدون غسل دفن کنند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا اگر چهار ماه ندارد ولی خلقتش تمام باشد ..

(اراکی :) اگر چهـار ماه بیشتر دارد .. (۲) (بهجت :) بایـد بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (گلپایگـانی ، صافی :) و خلقتش هم تمام نشده ..

(سیسـتانی :) بلکه اگر چهار ماه هم نـدارد ولی ساختمان بـدنش تمام شده ، باید بنا بر احتیاط واجب او را غسل دهند و در غیر این دو صورت بایـد بنا بر احتیاط در پارچه ای به پیچنـد و بدون غسل ، دفن کنند. (۴) (خوئی ، تبریزی :) باید بنا بر احتیاط .. (مکارم :) باید بنا بر احتیاط واجب ..

[مسأله ۵۵۹ اگر مرد زن را و زن مرد را غسل بدهد]

مسأله ۵۵۹ اگر مرد، زن را و زن ، مرد را (۱) غسل بدهد باطل است (۲) ولی زن می توانـد شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می توانـد زن خود را غسل دهـد (۳) اگر چه احتیـاط مستحب ّ آن است که زن ، شـوهر خـود و شوهر، زن خود را غسـل ندهد. (۴) (۱) (بهجت :) در غیر موارد ضرورت .. (۲) (خوئی ، زنجانی :) حرام است مرد، زن را و زن ، مرد را غسل بدهد ..

(تبریزی :) جایز نیست مرد، زن را و زن ، مرد را غسل بدهد .. (۳) (تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجـت :) و احتیـاط مسـتحب ّ در غسـل زوجین ، از زیر لبـاس است .. (۴) (خوئی ، زنجـانی ، صـافی :) در حال اختیار غسـل ندهد.

(سیستانی :) مسأله مرد نمی توانـد زن نامحرم را غسل بدهد و هم چنین زن نمی تواند مرد نامحرم را غسل بدهد و زن و شوهر می توانند یکدیگر را غسل بدهند.

(مکارم :) مسأله مرد نمی توانـد زن را غسل دهـد، هم چنین زن نمی تواند مرد را غسل دهد، مگر زن و شوهر که هر کدام می تواند دیگری را غسل دهد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر ضرورتی نیست ، این کار را نکنند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۴۶۲ کسـی که کشتن او به رجم یا قصاص و مانند اینها واجب شده است در صورتی که قبل از اجرای حکم ، غسـلهای سه گانه میت را به امر حاکم شـرع یا بدون امر او انجام داده باشد، غسل دادنش واجب نیست ، اگر چه بعد از غسل ، از او حدث اصغر یا اکبر سر زده باشد.

[مسأله ۵۶۰ مرد می تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست غسل دهد]

مسأله ۵۶۰ مرد می تواند (۱) دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست (۲)، غسل دهد. زن هم می تواند (۳) پسر بچه ای را که سه سـال بیشـتر نـدارد (۴)، غسل دهـد. (۱) (بهجـت :) در غیر حـال ضـرورت .. (۲) (سیسـتانی :) کـه ممیز نیست .. (مکارم :) از سه سال کمتر است .. (۳) (بهجت :) در غیر حال ضرورت .. (۴) (سیستانی :) که ممیز نیست .. مکارم (:) که سه سال کمتر دارد ..

[مسأله ۵۶۱ اگر برای غسل دادن میّتی که مرد است مرد پیدا نشود]

مسأله ۵۶۱ اگر برای غسل دادن میّتی که مرد است مرد پیـدا نشود زنانی که با او نسـبت دارنـد و محرمند (مثل مادر و خواهر و عمّه و خاله (۱)، یا به واسطه شیر خوردن (۲) با او محرم شده اند (۳))، می توانند غسلش بدهند (۴). و نیز اگر برای غسل میّت زن ، زن دیگری نباشـد مردهایی که با او نسبت دارنـد و محرمنـد (۵)، یا به واسـطه شـیر خوردن با او محرم شـده اند (۶)، می توانند از زیر لباس ، او را غسل دهند. (۷) (۱) (زنجانی :) و کسانی که به واسطه ازدواج با او محرم شده اند مثل عروس و مادر زن .. (۲) (خوئی ، تـبریزی :) یـا ازدواج .. (۳) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیت اللّه مکارم نیست] (۴) (اراکی ، خـوئی ، فاضل ، تبریزی :) می توانند از زیر لباس (خوئی ، تبریزی : یا چیزی که بدن او را به پوشاند) غسلش بدهند ..

(گلپایگانی ، صافی :) می توانند با رعایت ستر عورت او را غسل بدهند ..

(زنجانی :) غسلش می دهند و بنا بر احتیاط در هنگام غسل باید لباس یا چیزی که بدن او را به پوشاند بر او باشد ..

(بهجت :) بنا بر احوط باید از زیر لباس یا چیزی که بدن او را به پوشاند غسلش بدهند .. (۵) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) یا به واسطه ازدواج .. (۶) (بهجت :) بعد از این که از سایر اولیای میّت خصوصاً شوهر او اجازه بگیرند .. (۷) (خوئی :) می توانند از زیر لباس و مانند آن او را غسل دهند.

(گلپایگانی ، صافی :) می توانند با رعایت ستر عورت او را غسل دهند.

(بهجت :) بنا بر احوط باید از زیر لباس او را غسل دهند.

(زنجانی :) او را غسل می دهند، و بنا بر احتیاط او را با لباس غسل دهند.

(مکارم :) مردهایی که با او محرمند می توانند او را غسل دهند و بهتر است از روی لباس باشد.

(نوری :) می توانند او را غسل دهند ولی در هر دو صورت باید عورت مرده پوشانده شود.

(سیستانی :) مسأله محارم می توانند یکدیگر را غسل دهند چه محارم نسبی مانند مادر و خواهر، چه آنها که به واسطه شیر خوردن یا ازدواج محرم شده اند و لازم نیست غسل دادن در غیر عورت از زیر لباس باشد گر چه بهتر است ولی بنا بر احتیاط واجب در صورتی مرد زنی را که محرم او است غسل دهد که زنی که بتواند غسل دهد پیدا نشود و هم چنین به عکس .

[مسأله ۵۶۲ اگر میّت و کسی که او را غسل می دهد هر دو مرد باشند]

مسأله ۵۶۲ اگر میّت و کسی که او را غسل می دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند، جایز است (۱) که غیر از عورت ، جاهای دیگر میّت برهنه باشد (۲) و همین طور اگر محرم باشند. (۱) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) بهتر آن است .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، زنجانی ، مکارم ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) ولی بهتر آن است که از زیر لباس غسل داده شود. [پایان مسأله]

[مسأله ۵۶۳ نگاه کردن به عورت میت حرام است]

مسأله ۵۶۳ نگاه کردن به عورت میت (۱)، حرام است و کسی که او را غسل می دهد اگر نگاه کند معصیت کرده ولی غسل باطل نمی شود (۲). (۱) (سیستانی :) برای غیر زن و شوهر .. (۲) (زنجانی :) ولی نگاه کردن زن و شوهر و کسانی که در حکم آنها هستند به عورت یکدیگر جایز است ، هر چند احتیاط مستحب در ترک است .

[مسأله ۵۶۴ اگر جایی از بدن میّت نجس باشد]

مسأله ۵۶۴ اگر جایی از بدن میّت نجس باشد، باید (۱) پیش از آن که آنجا را غسل بدهند، آب بکشند (۲). و احتیاط مستحب ـ آن است (۳) که تمام بدن میت ، پیش از شروع به غسل (۴) پاک باشد. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (فاضل :) احتیاط واجب آن است .. (خوئی ، تبریزی :) اولی آن است .. (۴) (خوئی :) از جهت نجاست های دیگر ..

(سیستانی :) مسأله اگر در جایی از بدن میت عین نجس باشد باید پیش از آن که آنجا را غسل بدهند، آن را بر طرف کنند، و اولی آن است که نجاسات از تمام بدن میت پیش از شروع به غسل برطرف کنند.

(زنجانی :) مسأله اگر جایی از بدن میّت نجس باشد، چنانچه با همان آبی که بر بدن میت ریخته می شود بدن میت پاک شود، غسل صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پیش از آن که آنجا را غسل بدهند آب بکشند، بلکه بهتر آن است که تمام بدن میت ، پیش از شروع به غسل از جهت نجاستهای دیگر پاک باشد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۴۸۴ کسی که غسل مس ّ میّت بر او واجب شده امّا غافل از تکلیف به غسل مس ّ میت ، غسل جنابت انجام داده در صورتی که این غسل به قصد انجام وظیفه واقع شده ، کفایت از غسل مس ّ میت می کند.

(بهجت :) مسأله ۴۸۵ بدن میّتی که سرد نشده چنانچه با رطوبت مس ّ شود، موجب نجاست است ، اگر چه موجب غسل نیست .

(بهجت :) مسأله ۴۸۷ مس ّ میّت اجمالًا ناقض وضو می باشد.

(بهجت :) مسأله ۴۸۸ با مس ّ میّت غسل واجب می شود و فرقی نیست بین این که با رطوبت مس ّ کند یا بدون رطوبت .

(بهجت :) مسأله ۴۸۹ در صورتی که میّتی را مس ّ کند ولی معلوم نشود قبل از سرد شدن بوده یا بعد از سرد شدن غسل واجب نیست .

(بهجت :) مسأله ۴۹۰ شهید مانند کسی است که غسل داده شده بنا بر این مس ّ بدن او موجب غسل نیست و هم چنین کسی که قتل او به عنوان قصاص و یا حدّ واجب باشد و قبل از اجرای قصاص یا حد غسل کرده باشد.

[مسأله ۵۶۵ غسل میّت مثل غسل جنابت است]

مسأله ۵۶۵ غسل میّت مثل غسل جنابت است و احتیاط واجب (۱) آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است ، میّت را غسل ارتماسی ندهند (۲) و احتیاط مستحب ّ آن است که در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی آن بریزند. (۱) (مکارم :) احتیاط .. (بهجت :) احتیاط مستحب ّ.. (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی :) و در غسل ترتیبی هم ((زنجانی :) و در غسل ترتیبی میت) لازم است طرف راست را پیش از طرف چپ بشویند و نیز اگر ممکن است بنا بر احتیاط مستحب هر یک از سه قسمت ِبدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی آن بریزند.

(گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) ولی در غسل ترتیبی فرو بردن هر یک از سه قسمت بدن میّت را در آب کثیر بی اشکال است (فاضل : در آب کثیر جایز است).

(سیستانی :) و در غسل ترتیبی هم لازم است طرف راست را پیش از طرف چپ بشویند.

(بهجت :) و در صورت غسل ارتماسی باید آب قلیل نباشد. [پایان مسأله] (تبریزی :) و باید در غسل ترتیبی قسمت چپ بدن را بعد از قسمت راست بشویند و هم اگر ممکن است بنا بر احتیاط مستحب هر یک از سه قسمت ِبدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی آن بریزند.

(مکارم :) ولی جایز است در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را به ترتیب در آب فرو برند.

[مسأله ۵۶۶ کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده]

مسأله ۵۶۶ کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده ، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است (۱). (۱) (بهجت :) ولی بنا بر احتیاط موقع غسل دادن ، نیت غسل جنابت و یا حیض را نیز بنمایند.

[مسأله ۵۶۷ جایز نیست که برای غسل دادن میّت مزد بگیرند]

مسأله ۵۶۷ جایز نیست که برای غسل دادن میّت مزد بگیرند (۱) ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل حرام نیست (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مزد گرفتن برای غسل دادن میّت حرام است و اگر کسی برای گرفتن مزد، میّت را غسل دهد آن غسل باطل است ..

(تبریزی :) مزد گرفتن برای غسل دادن اشکال دارد و اگر کسی برای گرفتن مزد، میّت را غسل دهد و در غسل دادن قصد قربت کند آن غسل صحیح است ..

(سیستانی :) مزد گرفتن برای غسل دادن میّت بنا بر احتیاط، حرام است و اگر کسی برای گرفتن مزد، میّت را غسل دهد به طوری که منافات با قصد قربت داشته باشد آن غسل باطل است ..

(نوری :) واجب آن است که برای غسل دادن میّت ، مزد نگیرند .. (۲) (مکارم :) مزد گرفتن برای کارهای مقدّماتی و نظافت او و مانند آن اشکالی ندارد.

(تبریزی :) اشکالی ندارد.

[مسأله ۵۶۸ اگر آب پیدا نشود]

مسأله ۵۶۸ اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد باید عوض هر غسل ، میّت را یک تیمم بدهند (۱). (۱) (اراکی :) و احتیاط آن است که یک تیمم دیگر هم بدل از هر سه غسل بدهند.

(خوئی :) مسأله - (در غسل میّت غسل جبیره ای مشروع نیست و) اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر غسل میّت را یک تیمّم بدهند و احتیاط واجب آن است که یک تیمّم دیگر هم عوض هر سه غسل بدهند و اگر کسی که تیمم می دهد در یکی از این سه تیمّم قصد ما فی الذّمه نماید، یعنی : نیّت کند که این تیمّم را برای آن که به تکلیف عمل شده باشد انجام می دهم ، تیمّم چهارم لازم نیست .

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی ، تبریزی نیست] (سیستانی :) باید عوض غسل ، میّت را یک تیمّم بدهند و احتیاط مستحب آن است که سه تیمم بدهند.

(زنجانی :) باید میت را یک تیمم دهند و بنا بر احتیاط مستحب عوض هر غسل میت را یک تیمم دهند و در غیر تیمم اول سایر تیممها را رجاءً انجام دهند، و کسی که میت را سه تیمم می دهد اگر در یکی از آنها قصد ما فی الذمه نماید؛ یعنی نیت کند که این تیمم را برای آن که به تکلیف عمل شده باشد، انجام می دهم ، بی اشکال تیمم چهارم لازم نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) در تیمّم سوم ..

(بهجت :) مسأله اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید بنا بر احتیاط واجب میّت را سه تیمّم بدهند و تیمّم اول را به قصد ما فی الذّمه انجام دهند؛ و اما اگر آب هست ولی فقط برای یک غسل کافی است مسأله دو صورت دارد: اول آن که : آب طوری است که فقط در غسل معینی قابل استفاده است . دوم آن که : غسل معین نیست . اگر غسل معین است ، مثل این که آب مخلوط با سدر یا کافور شده باشد، در این صورت آن آب را در غسل مربوط به خودش استفاده می کنند و

به جای دو غسل دیگر میّت را تیمّم می دهند و در این اعمال ترتیب معتبر در غسل میّت را رعایت می کنند. اما اگر غسل معین نباشد مثل این که آب خالص است و سدر و کافور هم موجود است ،

بنا بر أحوط در این صورت قدری سدر با آب مخلوط می کنند به طوری که مضاف نشود و با آن غسل اوّل را به قصد وظیفه فعلیه انجام می دهند و سپس میت را بدل از دو غسل بعدی دو تیمم می دهند.

(مکارم :) مسأله اگر آب پیدا نشود، یا بدن میّت طوری باشد که نمی توان آن را غسل داد و یا به خاطر هر مانع دیگر غسل ممکن نباشد، باید میّت را عوض هر غسل یک تیمم بدهند، به این ترتیب که تیمم دهنده روبروی میّت قرار می گیرد و دست خود را به زمین می زند و به صورت و پشت دستهای میّت می کشد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۴۷۲ اگر به علت نبودن آب ، میّت را تیمّم دهند و بعد از آن آب پیدا شود، در صورتی که خوفی بر میّت در تأخیر دفن نیست باید آن را غسل بدهند و حنوط و کفن کنند، و اگر نماز بر او خوانده اند بنا بر أحوط دوباره بخوانند.

[مسأله ۵۶۹ کسی که میّت را تیمم می دهد]

اشاره

مسأله ۵۶۹ کسی که میّت را تیمم می دهد، می تواند در صورت امکان دست میّت را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهایش بکشد و اگر به این صورت ممکن باشد لازم نیست به دست زنده هم او را تیمم داد اگر چه احتیاط استحبابی ، جمع است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۶۸.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، نوری :) مسأله کسی که میّت را تیمم می دهد باید دست خود را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهای میّت بکشد و اگر ممکن باشد احتیاط واجب آن است که با دست میّت هم ، او را تیمم بدهد.

(فاضل :) و لازم نیست حتماً میت را بغل کند و دستها را از پشت به صورت او بکشد یا از روبرو دستها را بر عکس بکشد بلکه به همان صورت متعارف بکشد کافی است و بنا بر احتیاط واجب اگر ممکن باشد، با دست میّت هم او را تیمّم بدهد.

(اراکی ، زنجانی ، سیستانی :) احتیاط مستحب ..

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم ..

(بهجت :) مسأله کسی که میّت را تیمّم می دهد بنا بر أظهر باید دست خود را به زمین زده و به صورت و پشت دستهای میّت بکشد به این ترتیب که در صورت امکان و نبودن مشکل میّت را باید بنشاند و پشت سر او قرار گرفته و او را تیمّم بدهد ولی احتیاط در این است که با دست خودِ میّت نیز او را تیمّم بدهند.

احکام کفن میّت

[مسأله ۵۷۰ میّت مسلمان را باید با سه پارچه کفن نمایند]

مسأله ۵۷۰ میّت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سر تا سری می گویند کفن نمایند.

[مسأله ۵۷۱ لنگ باید از ناف تا زانو اطراف بدن را به پوشاند]

مسأله ۵۷۱ لنگ باید (۱) از ناف تا زانو، اطراف بـدن را به پوشاند و بهتر آن است که از سـینه تا روی پا برسد. و بنا بر احتیاط واجب (۲) پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را به پوشاند (۳) و درازی سر تا سری باید (۴) به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد (۵) و پهنای آن بایـد به انـدازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید. (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط باید .. (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط واجب ..

(۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی و بهجت نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، فاضل ، بهجت :) و بهتر آن است که تا روی پا برسد ((بهجت :) با توجه به این که عرفاً آن را پیراهن بگویند) ..

(اراکی :) لنگ و پیراهن به مقداری که به آن عرفاً لنگ و پیراهن بگویند کافی است هر چند احتیاط مستحبّ با نبود صغیر در ورثه ، آن است که لنگ به مقداری باشد که از ناف تا زانو بلکه افضل از سینه تا روی پا، اطراف بدن را به پوشاند و در پیراهن به مقداری باشد که از سر شانه تا نصف ساق را به پوشاند و افضل آن است که تا روی پا باشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) پیراهن باید از سر شانه ، از دو طرف بدن تا نصف ساق پا برسد که تمام بدن را تا نصف ساق پا به پوشاند و بهتر آن است که تا روی پا برسد .. (۴) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۵) (سیستانی :) سر تا سری باید به اندازه ای باشد که تمام بدن را به پوشاند و احتیاط واجب آن است که درازی او به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن به اندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

(نوری :) درازی سر تا سری باید بیشتر از طول جسد به اندازه ای که بستن دو سر آن ممکن شود باشد ..

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۴۹۳ اگر سه پارچه (لنگ ، پیراهن ، سر تا سری) برای کفن میت میسّر نشود، به هر کدام که میسّر باشد اکتفا می شود، اگر چه اسم هیچ یک از این سه پارچه بر او صدق نکند بلکه اگر هیچ پارچه ای مقدور نشود و فقط مقداری جهت پوشاندن عورتین موجود باشد، واجب است با آن عورتین را به پوشانند.

[مسأله ۵۷۲ مقداری از لنگ ، که از ناف تا زانو را می پوشاند]

مسأله ۵۷۲ مقداری از لنگ ، که از ناف تا زانو را می پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می پوشاند، مقدار واجب کفن است و آن چه بیشتر از این مقدار در مسأله قبل گفته شد، مقدار مستحبّ کفن می باشد (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل ، سیستانی و مکارم نیست (۱) (زنجانی :) البته مقداری از کفن که کمتر از آن مطابق شئون میت نیست داخل در مقدار واجب کفن است . (اراکی ، بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۷۱.

[مسأله ۵۷۳ اگر ورثه بالغ باشند]

مسأله ۵۷۳ اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را ، که در مسأله قبل گفته شد (۱) از سهم آنان بردارند، اشکال ندارد (۲) و احتیاط واجب (۳) آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن (و هم چنین مقداری را که احتیاطاً لازم است (۴)) از سهم وارثی که بالغ نشده برندارند (۵). (۱) (بهجت :) که در مسأله [۵۷۱] گفته شد .. (۲) (فاضل :) بعید نیست مقدار متعارف مناسب با شأن میت از اصل ترکه خارج شود گر چه

احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن و هم چنین مقداری را که احتیاطاً لازم است از سهم کسی که بالغ نشده برندارند. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) احتیاط .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی و تبریزی نیست] (۵) (گلپایگانی ، نوری :) اگر چه بعید نیست جواز برداشتن به مقدار عمل به استحباب مطابق شأن میّت از جمیع ترکه ، هر چند وارث غیر بالغ باشد.

(زنجانی :) احتیاط آن است که مقدار مستحب و مقدار احتیاطی کفن را از سهم وارثی که به جهتی هم چون عدم بلوغ یا جنون یا افلاس از تصرف در اموال خود ممنوع می باشند برندارند، هم چنین بنا بر احتیاط در این مقدار رضایت دیگر ورثه هم جلب شود.

(سیستانی :) مسأله مقدار واجب کفن که در مسأله قبل گفته شد از اصل مال میّت برداشته می شود بلکه مقدار مستحبِ کفن در حدود متعارف و معمول با ملاحظه شأن میّت را هم می شود از اصل مال او برداشت اگر چه احتیاط مستحبِ آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم وارثی که بالغ نشده برندارند.

(مکارم :) مسأله کفن را به طور متعارف از واجب و مستحبِ می توان از اموال میّت برداشت ، هر چند صغیر داشته باشد، امّا زاید بر متعارف را نمی توان از حق صغیر برداشت ، مگر این که وصیّت کرده باشد که در این صورت می توان مقدار اضافی را از ثلث حساب کرد.

[مسأله ۵۷۴ اگر کسی وصیت کرده باشد]

مسأله ۵۷۴ اگر کسی وصیت کرده باشد که (۱) مقدار مستحبِ کفن را (که در دو مسأله قبل گفته شد (۲))، از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد ثلث مال را به مصرف خود او برسانند ولی مصرف آن را معیّن نکرده باشد یا فقط مصرف مقداری از آن را معیّن کرده باشد، می توانند مقدار مستحبِ کفن را از ثلث مال او بردارند (۳). (۱) (زنجانی :) اگر کسی وصیت کرده باشد که در کفن کردن رعایت مقدار مستحبِ را نیز بنمایند یا وصیت کرده باشد که .. (۲) (بهجت :) که در مسأله [۵۷۱] گفته شد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، سیستانی و صافی نیست] (۳) (سیستانی :) هر چند بیش از مقدار متعارف باشد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۵۷۳).

[مسأله ۵۷۵ اگر میّت وصیت نکرده باشد]

مسأله ۵۷۵ اگر میّت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند (۱) می توانند به طور متعارف که لایق شأن میّت باشد کفن و چیزهای دیگری را که از واجبات دفن است (۲) از اصل مال بردارند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و بخواهند از اصل مال بردارند، احوط (گلپایگانی : و اولی) آن است که در تکفین او به مقدار

واجب کفن که قیمتش مطابق شأن میّت باشد اکتفا نمایند (گلپایگانی : اگر چه بعید نیست برداشتن کفن قیمتی واجب و مستحب از اصل مال جایز باشد).

(اراکی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و بخواهند از اصل مال بردارند احتیاط واجب

(زنجانی : احتیاط) آن است که مقدار واجب کفن را (خوئی ، تبریزی ، زنجانی : با ملاحظه شأن میّت)، به ارزانترین قیمتی که ممکن است تهیه نمایند، ولی اگر کسانی از ورثه که بالغ هستند (زنجانی : اگر کسانی از ورثه که ممنوع از تصرّف نیستند) اجازه بدهند که از سهم آنان بردارند، مقداری را که اجازه داده اند از سهم آنان می شود برداشت .

(سیستانی :) و بخواهند از اصل مال بردارند نباید زیادتر از آن چه در مسأله [(۵۷۳)] گذشت ، مثل مستحبّات غیر متعارفه که شأن میّت اقتضاء آن را ندارد از اصل مال بردارند، و هم چنین اگر بیشتر از قیمت متعارف برای کفن بپردازند نباید زیادی آن را از اصل مال بردارند و می شود با اجازه ورثه بالغ از سهم آنان برداشت . (۲) (نوری :) و مقدار مستحب کفن را ..

(مکارم :) مسأله مقدار واجب کفن و هزینه واجبات دیگر مانند غسل و حنوط و دفن را از اصل مال برمی دارند، و احتیاجی به وصیت ندارد و اگر میّت مالی نداشته باشد، از بیت المال می دهند.

[مسأله ۵۷۶ کفن زن بر شوهر است]

مسأله ۵۷۶ کفن زن بر شوهر است ، اگر چه زن از خود مال داشته باشد (۱) و هم چنین (۲) اگر زن را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عدّه بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد (۳) و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد (۴) ولیِّ شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد. (۱) (بهجت :) در صورتی که شوهر او مالی داشته باشد که بتواند زن خود را کفن نماید و گر نه بنا بر اظهر باید از ترکه زن بردارند .. (۲) (بهجت :) بنا بر أظهر .. (۳) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و احتیاط در این است که شوهر با ورثه میّت در این مصارف مصالحه نمایند .. (۴) (زنجانی :) چنانچه شوهر به جهتی چون عدم بلوغ و دیوانگی و سفاهت از تصرف در اموال ممنوع باشد ..

[مسأله ۵۷۷ کفن میّت بر خویشان او واجب نیست]

مسأله ۵۷۷ کفن میّت بر خویشان او واجب نیست ، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد (۱). (۱) (اراکی :) ولی اگر میّت از خود مالی ندارد احتیاط واجب است کسی که مخارج میّت بر عهده او است کفن او را بذل نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه میّت مالی نداشته باشد، بر خویشاوندان او واجب نیست کفن او را بپردازند، هر چند واجب النّفقه آنها باشد، ولی اگر راه دیگری نباشد احتیاط واجب آن است که شخصی که میّت ، واجب النّفقه او است کفن او را بدهد.

مسائل اختصاصی

(سیستانی :) مسأله ۵۶۶ اگر میت مالی برای تهیه کفن نداشته باشد جایز نیست برهنه دفن شود بلکه بنا بر احتیاط بر مسلمانان واجب است او را کفن کنند و جایز است هزینه آن را از زکات حساب نمایند.

(فاضل :) مسأله ۵۷۱ کفن بایـد مباح باشد یعنی از مال خود میت باشد یا دیگری از مال حلال تهیه کرده و با رضایت خود آن را بدهد تا میت را کفن کنند.

[مسأله ۵۷۸ احتیاط واجب آن است که کفن به قدری نازک نباشد]

مسأله ۵۷۸ احتیاط واجب آن است که هر یک از سه پارچه کفن به قـدری نازک نباشد که بدن میّت از زیر آن پیدا باشد (۱). (۱) (سیستانی :) ولی اگر به طوری باشند که هر سه با هم ، مانع از پیدا شدن بدن میت باشند کفایت می کند.

(بهجت :) مسأله بایـد مقـدار واجب از سه پارچه کفن به قـدری نازک نباشـد که بـدن میّت از زیر آن پیـدا باشد و در بیشتر از مقدار واجب بنا بر أحوط و أظهر باید این مسأله رعایت شود.

[مسأله ۵۷۹ کفن کردن با چیز غصبی]

مسأله ۵۷۹ کفن کردن بـا چیز غصـبی (۱)، اگر چیز دیگری هـم پیـدا نشـود جـایز نیست و چنـانچه کفن میّت غصـبی باشـد و صاحب آن راضـی نباشـد باید از تنش بیرون آورند (۲)، اگر چـه او را دفن کرده باشـند (۳) و هم چنین جایز نیست با پوسـت مردار او را کفن کنند (۴). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) و پوست مردار .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (خویی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) مگر در بعضی موارد که مقام ، گنجایش تفصیل آن را ندارد. [پایان مسأله] (مکارم :) و این بر عهده کسی است که این کار را کرده ..

(زنجانی :) ولی اگر توهین به میّت باشـد، نبش قبر میّت جایز نیست بلکه عوض کفن از مال میّت به صاحب آن داده می شود. (۴) (نوری :) واجب آن است که در حال اختیار با پوست مردار هم او را کفن نکنند.

(فاضـل :) کفن کردن بـا پوست مردار جـایز نیست ، ولی چنـانچه چیز دیگری پیـدا نشود احتیاط واجب آن است که میت را با آن کفن کنند.

(مکارم :) کفن کردن با پوست مردار و چیز نجس ، جایز نیست .

[مسأله ۵۸۰ کفن کردن میّت با چیز نجس]

مسأله ۵۸۰ کفن کردن میّت با چیز نجس و با پارچه ابریشـمی خالص (۱) جایز نیست ، ولی در حال ناچاری اشـکال ندارد (۲) و احتیـاط واجب آن است که بـا پـارچه طلاـ بـاف هم میّت را کفن نکننـد، مگر در حـال ناچاری . (۱) (اراکی ، گلپایگـانی ، فاضل ، صافی :) یا پارچه ای که با طلا بافته شده ..

(خوئی ، تبریزی :) و بنـا بر احتیـاط (سی (سـتانی :) و بنـا بر احتیـاط واجب) با پارچه ای که با طلا بافته شـده .. (۲) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) مسأله کفن کردن میّت بـا چیز نجس جـایز نیست . و بنا بر احتیاط در چیز نجسـی که نماز با آن جایز است نیز کفن نکنند.

میّت اگر مرد باشد نباید با پارچه ابریشمی خالص کفن شود و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر میّت زن باشد.

(مکـارم :) مسأله احتیـاط واجب آن است که بـا پـارچه ابریشـمی خـالص ، یـا پـارچه طلا بافت و پارچه ای که از پشم و موی حیوان حرام گوشت گرفته شده باشد کفن نکنند، مگر این که ناچار باشند.

(زنجانی :) مسأله کفن کردن میت با چیز نجس ؛ مانند پوست مرداری که خون جهنده دارد و موی سگ و خوک و پارچه ای که نجس شده باشد، در حال اختیار جایز نیست ، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد، هم چنین کفن کردن میت با پارچه ای که در آن ابریشم به اندازه غیر ابریشم یا بیشتر از آن بکار رفته در حال اختیار جایز نیست و بنا بر احتیاط مستحب با پارچه ای که با طلا بافته شده نیز در حال اختیار کفن نکنند.

[مسأله ۵۸۱ کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده]

مسأله ۵۸۱ کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت (۱) تهیه شده ، در حال اختیار جایز نیست (۲)، (ولی اگر پوست حیوان حلال گوشت را طوری درست کنند که به آن جامه گفته شود، می شود با آن میّت را کفن کنند (۳)) و هم چنین اگر (۴) کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن ننمایند. (۵) (۱) (اراکی :) یا پوست حیوان حرام گوشت .. (خوئی ، تبریزی :) یا پوست حیوان حلال گوشت .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (۳) (گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که با پوست حیوان حلال گوشتی هم که به دستور شرع ذبح شده میّت را کفن نکنند ..

(بهجت :) بنا بر احتیاط واجب با پوست حیوان حلال گوشت هم میّت را کفن نکنند ولی اگر کفن را از مو، پشم یا کُرک حیوان حلال گوشت طوری درست کنند که به آن جامه و لباس بگویند اشکال ندارد.

[عبارت «می شود با آن میّت را کفن کنند» در رساله آیت اللّه فاضل نیست] [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۴) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) ولی اگر .. (۵) (اراکی :) ولی در حال ناچاری ، کفن کردن در همه آن چه گفته شد مانعی ندارد.

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط مستحب با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت یا پوست حیوان حلال گوشت تهیه شده ، کفن نکنند؛ بلکه احتیاط مستحب آن است که از مو و پشم حیوان حلال گوشت نیز کفن نکنند.

(سیستانی :) مسأله کفن کردن با پوست مردار نجس در حال اختیار جایز نیست بلکه کفن کردن با پوست مردار پاک و هم چنین با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده بنا بر احتیاط واجب در حال اختیار جایز نیست ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن ننمایند.

(مکارم :) مسأله کفن کردن در پوست حیوانات هر چند حلال گوشت باشد در غیر حال ضرورت اشکال دارد، ولی کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حلال گوشت تهیه شده اشکال ندارد اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است .
[نیز رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۷۹]

[مسأله ۵۸۲ اگر کفن میّت به نجاست خود او یا به نجاست دیگری نجس شود]

مسأله ۱۵۸۲اگر کفن میّت به نجاست خود او، یا به نجاست دیگری نجس شود (۱)،

چنانچه کفن ضایع نمی شود، بایـد مقدار نجس را بشویند یا ببرند (۲) (ولی اگر در قبر گذاشـته باشند بهتر است که ببرند (۳) بلکه اگر بیرون آوردن میّت اهانت به او باشد بریدن واجب می شود (۴)) و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست ، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایند (۵). (۱) (مکارم :) باید آن را بشویند، یا اگر کفن ضایع نمی شود قسمت نجس را ببرنـد و اگر ممکـن نیست ، چنـانچه بتواننـد آن را عـوض کننـد. [پایـان مسأله] (۲) (گلپایگـانی ، اراکی ، خـوئی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی :) اگر چه بعد از گذاشتن در قبر باشد ..

(زنجانی :) چنانچه با شستن ِ مقدار نجس یا بریدن آن ، از مقدار واجب خارج نمی شود، باید بشویند یا بُبرند یا آن را تعویض کنند؛ هر چند در قبر گذاشته شده باشد مگر آن که کفن پس از دفن میت و ریختن خاك بر روی آن نجس شده باشد که در ایـن صـورت نبش قبـر جهت تطهیر کفن میت جـایز نیست . (۳) (بهجت :) بایـد مقـدار نجس را بشوینـد اگر چه جواز بریـدن مقـداری از کفن که بیشتر از مقـدار ساتر عورت است و نجس شده است خالی از وجه نیست ، پس اگر در قبر گذاشـته باشـند جایز است که ببرند، .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، اراکی ، سیستانی ، تبریزی و صافی نیست] (۵) (اراکی :) بهتر است عوض نمایند.

[مسأله ۵۸۳ کسی که برای حج یا عمره احرام بسته]

مسأله ۵۸۳ کسـی که برای حـج یا عمره احرام بسـته اگر بمیرد بایـد مثل دیگران کفن شود و پوشاندن سـر و صورتش اشـکال ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۵۸۴ مستحب-است انسان در حال سلامتی]

اشاره

مسأله ۵۸۴ مسـتحب-است انسان در حال سـلامتی ، کفن و سـدر و کافور خود را تهیه کند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست

احکام حنوط

[مسأله ۵۸۵ بعد از غسل واجب است میّت را حنوط کنند]

مسأله ۵۸۵ بعد از غسل ، واجب است میّت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سـر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند (۱). و مسـتحب-است به سر بینی میّت هم کافور بمالند (۲) و باید کافور ساییده (۳) و تازه باشد و اگر به واسـطه کهنه بودن ، عطر او از بین رفته باشد کافی نیست . (۴) (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و بنا بر احتیاط واجب در این چند موضع مقداری کافور هم بگذارند ..

(مکارم :) و احتیاط آن است مقـداری از کافور روی این اعضاء بگذارنـد و بایـد کافور پاك و مباح و تازه باشد، به طوری که

عطر معمولی خود را حفظ کند.

(سیستانی :) کافور بزنند به طوری که مقداری از کافور در آنها باقی بماند هر چند به غیر مالیدن باشد .. (۲) (سیستانی :) کافور بزنند .. (۳) (اراکی ، سیستانی :) و پاک و مباح (غیر غصبی) .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط کافی نیست .

[مسأله ۵۸۶ در حنوط میت مراعات ترتیب بین اعضای سجود لازم نیست]

مسأله ۵۸۶ در حنوط میت ، مراعات ترتیب بین اعضای سجود لازم نیست اگر چه مستحبّ(۱) است اوّل کافور را به پیشانی میّت بمالند. (۱) (فاضل :) احتیاط مستحب ..

(اراکی :) مسأله در حنوط میّت باید اول کافور را به پیشانی میّت بمالند ولی در جاهای دیگر، ترتیب لازم نیست .

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله احتیاط واجب آن است که اول کافور را به پیشانی میّت بمالند ولی در جاهای دیگر، ترتیب لازم نیست .

(بهجت ، سیستانی :) احتیاط مستحبّ..

(نوری :) مستحب ..

(سیستانی :) ترتیب معتبر نیست .

(زنجانی :) مسأله مراعات ترتیب در حنوط لازم نیست ولی احتیاط مستحب آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند.

(مکارم :) مسأله احتیاط آن است که اول کافور را به پیشانی میّت بمالند، بعد به اعضاءِ دیگر و این کار قبل از کفن کردن ، یا در اثنای آن باشد، نه بعد از آن .

[مسأله ۵۸۷ بهتر آن است که میّت را پیش از کفن کردن ، حنوط نمایند]

مسأله ۵۸۷ بهتر آن است که میّت را پیش از کفن کردن ، حنوط نمایند اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۸۶.

[مسأله ۵۸۸ کسی که برای حج احرام بسته است]

مسأله ۵۸۸ کسی که برای حج احرام بسته است ، اگر پیش از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست و نیز اگر در احرام عمره پیش از آن که موی خود را کوتاه کند بمیرد نباید او را حنوط کنند. (اراکی :) مسأله کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است اگر پیش از تمام کردن نماز طواف و سعی بین صفا و مروه بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست .

(گلپایگانی :) اگر پیش از تمام کردن طواف بمیرد حنوط کردن او جایز نیست .

(صافی :) اگر پیش از تقصیر در احرام عمره و پیش از انجام سعی در احرام بمیرد حنوط کردن او جایز نیست .

(خوئی ، تبریزی :) اگر بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست ، مگر این که در احرام حج بعد از تمام کردن سعی بمیرد.

(سیستانی :) اگر بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست ، مگر در دو صورتی که در مسأله [۵۵۳] گذشت .

(زنجانی :) اگر بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست ، مگر این که در احرام حج بعد از حلق یا تقصیر و سعی بین صفا و مروه ، یا در عمره مفرده پس از حلق یا تقصیر بمیرد.

(مکارم :) اگر بمیرد حنوط و هیچ بوی خوش دیگری برای او جایز نیست .

[مسأله ۵۸۹ زنی که شوهر او مرده]

مسأله ۵۸۹ زنی که (۱) شوهر او مرده و هنوز عدّه اش تمام نشده اگر چه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد حنوط او واجب است . (۱) (سیستانی :) معتکف و زنی که ..

[مسأله ۵۹۰ مکروه است میّت را با مشک و عنبر و عود و عطرهای دیگر خوشبو کنند]

مسأله ۵۹۰ مکروه است میّت را با مشک و عنبر و عود و عطرهای دیگر خوشبو کنند یا برای حنوط اینها را با کافور مخلوط نمایند (۱). (۱) (اراکی :) بلکه احتیاط مستحبّ ترک آن است .

(خوئی ، فاضل ، تبریزی :) مسأله احتیاط واجب آن است که میّت را با مشک و عنبر و عود و عطرهای دیگر خوشبو نکنند و نیز اینها را با کافور هم مخلوط ننمایند.

(گلپایگانی ، سیستانی ، صافی :) احتیاط مستحب ..

(مکارم ، زنجانی :) احتیاط ..

[مسأله ۵۹۱ مستحبّ است ، قدری تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام با کافور مخلوط کنند]

مسأله ۵۹۱ مستحبّ است ، قدری تربت (۱) حضرت سید الشهداء علیه السلام با کافور مخلوط کنند، ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی احترامی می شود نرسانند و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد، که وقتی با کافور مخلوط شد، آن را کافور نگویند. (۱) (سیستانی :) تربت قبر ..

(مکارم :) مسأله شایسته است قدری تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام را با کافور مخلوط کنند، اما به قدری زیاد نباشد که آن را کافور نگویند.

[مسأله ۵۹۲ اگر کافور به اندازه غسل و حنوط نباشد]

مسأله ۵۹۲ اگر کافور به اندازه غسل و حنوط نباشد بنا بر احتیاط واجب (۱) غسل را مقدّم دارند و اگر برای هفت عضو نرسد بنا بر احتیاط واجب (۲) پیشانی را مقدم دارند. (۱) (فاضل :) باید .. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، فاضل ، بهجت و مکارم نیست] (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر کافور پیدا نشود یا فقط به اندازه غسل باشد، حنوط لازم نیست و چنانچه از غسل زیاد بیاید ولی به همه هفت عضو نرسد باید اول به پیشانی و اگر زیاد آمد به جاهای دیگر بمالند.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) باید بنا بر احتیاط ..

(سیستانی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

[مسأله ۵۹۳ مستحب-است دو چوب تر و تازه]

اشاره

مسأله ۵۹۳ مستحب-است دو چوب تر و تازه در قبر (۱) همراه میّت بگذارند. (۲) (۱) (بهجت :) در کفن .. (۲) (اراکی :) و بهتر است که هر کدام به طول یک ذراع باشد.

(مکارم :) خواه داخل کفن باشد یا بیرون آن .

(بهجت :) یکی را در تَرقُوَه طرف چپ بین پیراهن و لنگ و یکی را در تَرقُوَه راست به بدن میت برسانند.

[نماز میت]

احکام نماز میّت

[مسأله ۵۹۴ نماز خواندن بر میّت مسلمان]

مسأله ۵۹۴ نماز خوانـدن بر میّت مسـلمان ، اگر چه بچه باشـد واجب است ، ولی بایـد پدر و مادر آن بچه (۱) یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد. (۱) (فاضل :) پدر و مادر و جدّ و جدّه آن بچه ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله نماز خواندن بر میّت مسلمان یا بچه ای که محکوم به اسلام و شش سال او تمام شده باشد واجب است .

(مکـارم :) مسـأله واجب است بر هر میّت مسـلمان و بالغ نماز بخواننـد و بر بچه نابالغ اگر کمتر از شـش سال نداشـته باشـد نیز احتیاط واجب آن است که نماز بخوانند.

(بهجت :) مسأله نماز خواندن بر میّت شیعه اثنا عشری واجب است بلکه بر هر مسلمان که شهادتین می گوید تا وقتی که چیزی که منافات با شـهادتین دارد از او صادر نشـده باشـد بنا بر اقوی واجب است و خوانـدن نماز میّت بر کسانی که محکوم به کفر هسـتند مثـل غُلاـه و خوارج و نواصب جایز نیست . نماز میّت بر بچه اگر شـش سالش تمام شـده باشـد واجب است بلکه بنا بر احتیاط اگر عارف به نماز باشـد و کمتر از شـش سال هم داشـته باشـد بایـد بر او نماز بخواننـد ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و اگر عارف به نماز نیست باید شش سالش تمام شده باشد.

مسائل اختصاصی

(خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) مسـأله ۶۰۱ نمـاز خوانـدن بر بچه ای که شـش سـال او تمام نشـده ، رجاءً مانعی نـدارد ولی نماز خواندن بر بچه ای که مرده به دنیا آمده ، مستحب نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) مستحب است ..

(بهجت :) مسأله ۵۱۵ نماز بر میّت دیوانه ای که پدر یا مادرش مسـلمان هستند واجب است ؛ و هم چنین است نماز بر مرده ای که در بلاد اسـلامی پیـدا شود و همین طور است مرده ای که در بلاد کفر پیـدا شود و در آنجا مسـلمانان هم زنـدگی کننـد و احتمال برود که این میت مسلمان باشد و یا از مسلمان متولد شده باشد.

(بهجت :) مسـأله ۵۱۶ نمـاز میت واجـب کفـائی اسـت ، که بـا خوانـدن یـک نفر از دیگران ساقط می شـود به شـرط آن که نمازگزار شیعه اثنی عشری و بنا بر احوط بالغ باشد.

(سیستانی :) مسأله ۵۸۴ بنا بر احتیاط واجب نماز خواندن بر بچه ای که شش سال او تمام نشده ولی نماز را می فهمیده ، لازم است و اگر نمی فهمیده خواندن نماز بر او رجاءً مانعی ندارد و امّا نماز خواندن بر بچه ای که مرده به دنیا آمده مستحب نیست .

[مسأله ۵۹۵ نماز میّت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود]

مسأله ۵۹۵ نماز میّت باید بعد از غسل (۱) و حنوط و کفن کردن او خوانده شود (۲) و اگر پیش از اینها، یا در بین اینها بخوانند (۳)، اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد کافی نیست . (۱) (زنجانی :) یا تیمّم ..

(۲) (بهجت :) و اگر وظیفه غیر از غسل و حنوط و کفن است ، آن چه وظیفه است انجام بگیرد و بعـد از آن نماز خوانده شود .. (۳) (صافی :) اگر پیش از اینها بخوانند ..

[مسأله ۵۹۶ کسی که می خواهد نماز میّت بخواند]

مسأله ۵۹۶ کسـی که می خواهد نماز میّت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاك باشد (و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد (۱))، اگر چه احتیاط مستحب (۲) آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است (۳) رعایت کند. (۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) ولی احتیـاط لازم آن است که تکلم و خنـده و پشت به قبله کردن و کارهایی را که مانند اینها نماز را باطل می کند ترك نماید.

(بهجت :) ولی احتیاط در این است که اگر غسل بر او واجب است بـدون غسل و اگر وظیفه اش تیمم بدل از غسل است بدون تیمم نماز نخواند.

(زنجانی :) اگر لباس او غصبی هم باشد، نمازش صحیح است ..

[قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) اگر چه بهتر .. (۳) (سیستانی :) معتبر است ..

مساله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۵۱۹ نماز خواندن زن بر میت با شرایطش مجزی است و از دیگران ساقط می شود.

[مسأله ۵۹۷ کسی که به میّت نماز می خواند]

مسأله ۵۹۷ کسـی که به میّت نمـاز می خوانـد، بایـد رو به قبله باشـد و نیز واجب است میّت را مقابـل او به پشت بخواباننـد، به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نماز گزار باشد.

[مسأله ۵۹۸ مکان نماز گزار]

مسأله ۵۹۸ مکان نماز گزار بایـد (۱) از جای میّت پست تر یا بلنـدتر نباشد ولی پستی و بلندی مختصـر اشـکال ندارد (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) مکان نمازگزار باید غصبی نباشد و نیز باید ..

(خوئی ، تبریزی :) بنـا بر احتیـاط (زنجـا (نی :) بنـا بر احتیـاط مسـتحب) مکـان نمـازگزار بایـد غصبی نباشـد و نیز بایـد .. (۲) (سیستانی :) و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار غصبی نباشد.

(بهجت :) مسأله مکان نمازگزار نبایـد از جای میّت به قـدری پست تر یا بلندتر باشد که عرفاً نماز بر این میّت صدق نکند ولی

پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

[مسأله ۵۹۹ نماز گزار باید از میّت دور نباشد]

مسأله ۵۹۹ نماز گزار بایـد از میّت دور نباشـد (۱)، ولی کسـی که نمـاز میّت را به جماعت می خوانـد اگر از میّت دور باشـد، چنانچه صـفها به یکدیگر متّصل باشند اشکال ندارد. (۱) (بهجت :) نمازگزار نبایـد به قدری از میّت دور باشد که عرفاً نماز بر این میّت صدق نکند ..

[مسأله ۶۰۰ نمازگزار باید مقابل میّت بایستد]

مسأله ۶۰۰ نمازگزار بایـد مقابل میّت بایسـتد (۱)، ولی اگر نمـاز به جمـاعت خوانـده شـود و صف جمـاعت از دو طرف میّت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میّت نیستند اشکال ندارد. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) ولی در جماعت نماز کسانی که مقابل میت نیستند اشکال ندارد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۵۲۴ اگر کسی موقعی به نماز جماعت میّت رسید که بعضی از تکبیرات آن خوانده شده ، می تواند اقتدا کند ولی بایـد در هر تکبیر به وظیفه خود عمـل کنـد، یعنی دعـای مربوط به همـان تکبیر را خودش بخوانـد و بعـد از فراغ امام بقیه تکبیرات را تمام کند.

[مسأله ۶۰۱ بین میّت و نمازگزار باید پرده نباشد]

مسأله ۶۰۱ بین میّت و نمازگزار، باید (۱) پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد (۲) ولی اگر میّت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) بنا بر احتیاط بایـد .. (۲) (بهجت :) بین میّت و نمـازگزار نبایـد پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها باشد، به طوری که نماز بر آن میّت عرفاً صدق نکند ..

[مسأله ۶۰۲ در وقت خواندن نماز، باید عورت میّت پوشیده باشد]

مسأله ۶۰۲ در وقت خوانـدن نماز، بایـد عورت میّت پوشـیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست باید (۱)، عورتش را اگر چه بـا تخته و آجر و مانـند اینهـا باشـد به پوشاننـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنـا بر احتیاط باید ..

[مسأله ۶۰۳ نماز میّت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند.]

مسأله ۶۰۳ نماز میّت را بایـد ایسـتاده و با قصد قربت بخواند. و در موقع نیّت ، میّت را معیّن کند، مثلًا نیّت کند نماز می خوانم بر این میّت قربةً إلی اللّه (۱). (۱) (سیستانی :) و احتیاط واجب آن است که استقراری که در قیام نماز یومیه معتبر است رعایت شود.

[مسأله ۶۰۴ اگر کسی نباشد که بتواند نماز میّت را ایستاده بخواند]

مسأله ۶۰۴ اگر کسـی نباشد که بتواند نماز میّت را ایسـتاده بخواند (۱)، می شود نشسـته بر او نماز خواند (۲). (۱) (فاضل :) و امکان انتظارهم نباشد یا مأیوس باشـند که کسـی بیاید و بتواند ایسـتاده نماز بخواند .. (۲) (بهجت :) و چنانچه بعـد از خواندن تمام نماز و یا قسـمتی از آن بطور نشسته ، شخصی که قادر بر نماز خواندن به طور ایستاده است پیدا شود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز اعاده شود.

(زنجانی ، فاضل :) و اگر بعـد از خواندن نماز نشسـته پیش از دفن کسـی پیدا شود که بتواند نماز میّت را ایسـتاده بخواند نماز میت واجب است .

[مسأله ۶۰۵ اگر میّت وصیّت کرده باشد که شخص معیّنی بر او نماز بخواند]

مسأله ۶۰۵ اگر میّت وصیّت کرده باشد که شخص معیّنی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولیّ میّت اجازه بگیرد (۱) و بر ولیّ هم بنا بر احتیاط واجب ، واجب است که اجازه بدهد. (۲) (۱) (خوئی ، تبریزی ، نوری :) احتیاط مستحبّ آن است که آن شخص از ولیّ میّت اجازه بگیرد. [پایان مسأله] (سیستانی :) لازم نیست آن شخص از ولیّ میّت اجازه بگیرد، گر چه بهتر است .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط آن شخص از ولیّ میت اجازه بگیرد و ولیّ میّت هم اجازه بدهد.

(مکارم :) عمل به وصیّت او واجب است و لازم نیست از ولیّ اجازه بگیرد، هر چند احتیاط مستحبّ آن است که اجازه بگیرد.

(صافی :) احتیاط آن است که آن شخص از ولیّ میّت اجازه بگیرد .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی :) بر ولیّ هم واجب است که اجازه بدهد.

(صافی :) ولیّ هم اجازه بدهد.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۴۹.

[مسأله ۶۰۶ مکروه است بر میّت چند مرتبه نماز بخوانند]

مسأله ۶۰۶ مکروه است بر میّت چند مرتبه نماز بخوانند (۱)، ولی اگر میّت اهل علم و تقوی باشد (۲) مکروه نیست . (۱) (بهجت :) در صورتی که هر دو نماز از هر نظر مثل هم باشند ..

(مکارم :) بلکه اگر یک نفر چند مرتبه بخواند محلّ اشکال است .. (۲) (مکارم :) اهل علم و فضل و تقوی باشد ..

(بهجت :) اگر میّت صاحب فضیلت ایمانی مانند حضرت حمزه و فاطمه بنت اسد و سهل بن حنیف باشد ..

(سیستانی :) مسأله به نظر بعضی از فقهاء مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند ولی این مطلب ثابت نیست و اگر میت اهل علم و تقوا باشد بدون اشکال مکروه نیست .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۵۲۹ اگر چند میّت با هم حاضر بودند، می تواند برای همه یک نماز بخواند ولی در دعاهایی که بعد از تکبیر چهارم خوانده می شود، باید ضمایر به صورت جمع گفته شود، و می تواند برای هر کدام یک نماز بخواند.

(بهجت :) مسأله ۵۳۲ در صورت مزاحمت نماز فریضه با نماز میت هر کدام که وقتش تنگ است مقدم است ، و اگر وقت هر دو وسعت دارد مخیر است و در صورتی که وقت هر دو تنگ شده باشد، به طوری که در تأخیر دفن ، خوف بر میت وجود دارد، اظهر تقدیم فریضه و نماز خواندن بر قبر میّت بعد از دفن او است .

[مسأله ۶۰۷ اگر میّت را عمداً بدون نماز دفن کنند]

مسأله ۶۰۷ اگر میّت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است (۱) تا وقتی جسد او از هم نپاشیده ، واجب است با شرطهایی که برای نماز میّت گفته شد به قبرش نماز بخوانند. (۱) (مکارم :) واجب است با همان ترتیب به قبرش نماز بخوانند. [پایان مسأله] (سیستانی :) جایز نیست برای نماز خواندن بر او قبرش را نبش کنند ولی مانعی ندارد که تا وقتی جسد او از هم نپاشیده ، رجاءً با شرطهایی که برای نماز میّت گفته شد بر قبرش نماز بخوانند.

(بهجت :) اگر خارج کردن میّت از قبر ممکن نیست یا موجب بی احترامی به او می شود واجب است به قبر او نماز بخوانند و گر نه احتمال دارد مثل غسل دادن و کفن کردن میت ، بیرون آوردن میّت و خواندن نماز بر بدن او واجب باشد. و امّا اگر بعد از نماز خواندن به قبر میت بدن او به سببی مثل سیل و نظیر آن خارج شد، بنا بر احتیاط واجب ، این نماز اعاده شود.

دستور نماز میّت

[مسأله ۶۰۸ نماز میّت پنج تکبیر دارد]

مسأله ۶۰۸ نماز میّت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است :

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «اشـهَدُ ان لا إله َ إلَّا اللّه ُوَ ان َّمُحَمَّداً رَسُول ُاللّه ِ صـلی اللّه علیه و آله و سـلم » و بعد از تکبیر دوم بگویـد: «اللّهُم َّصَل ِّعَلی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ» و بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللّهُم َّاغفِر لِلمُؤمِنین َوَ المُؤمِنات ِ» و بعد از تکبیر چهارم اگر میّت مرد است بگویـد: «اللّهُم َّاغفِر لِهـذَا المَیِّت ِ» و اگر زن است بگویـد: «اللّهُم َّاغفِر لِهذِه ِ المَیِّت ِ» و بعد تکبیر پنجم را بگوید.

و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید: «اشـهَدُ ان لا إله َ إلَّا اللّه ُوَحدَه ُلا شَـریک َلَه ُوَ اشـهَدُ ان َّمُحَمَّداً عَبدُه ُوَ رَسُولُه ُارسَـلَه ُبالحَق ِّبَشـیراً وَ نذِیراً بَین َیَدَی ِ السَّاعه ِ (۱) (:) و بعـد از تکبیر دوم بگویـد: «اللّهُم َّصَل ِّعَلی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ وَ بارِک عَلی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ وَ ارحَـم مُحَمَّداً وَ آل َمُحَمَّدٍ کَافضَـل ِ مـا صَـلَّیت َوَ بـارَکت َوَ تَرَحَّمت َ(۲) عَلی ابراهِیـم َوَ آل ِ إبراهیم َ انَّک َحَمیـدٌ مَجیـدٌ وَ صَل ِّعَلی جَمیع الأَنبیاءِ وَ المُرسَـلین َ(وَ الشُّهَداءِ وَ الصِّدِّیقین َوَ جَمیع عِبادِ اللّه ِ الصّالِحین َ(۳))» و بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللّهُم َّاغفِر لِلمُؤمِنین َوَ المُؤمِنات ِ وَ المُسلِمین َوَ المُسلِمات ِ أَلأَحیاءِ مِنهُم وَ الأَموات ِ تابع (۴) بَینَنا وَ بَینَهُم بِالخَیرات ِ (انَّک َمُجیب ُالدَّعَوات ِ (۵)) انَّک َعَلی کُل ِّشَی ءٍ قَدیرٌ».

و بعـد از تکبیر چهارم اگر میّت مرد است بگویـد: «اللّهُم َّإن َّهَذا عَبدُک َ(۶) وَ ابن ُعَبـدِک َوَ ابن ُامَتِـک َنَزَل َبِک َوَ انت َ خَیرُ مَنزول ٍ بِـه ِ (۷) اللّهُم َّانّا لا نَعلَم ُمِنه ُالّا خَیراً وَ انت َاعلَم ُبِه ِ مِنّا اللّهُم َّان کان َمُحسِـناً فَزِد فِی احسانِه ِ وَ ان کان مُسِـیئاً فَتَجاوَز عَنه ُوَ اغفِر لَه ُ(۸) اللّهُم َّاجعَله ُعِنـدَک َفی اعلی عِلِّیین َوَ اخلُف عَلی اهلِه ِفِی الغابِرین َوَ ارحَمه ُبِرَحمَتِک َیا ارحَم َ الرّاحِمین » و بعـد تکبیر پنجم را بگویـد، ولی اگر میّت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللّهُم َّإن َّهذِه ِ امَتُک َ(۹) و ابنَهُ عَبـدِک َوَ ابنَهُ امَتِـک َنَزَلَت بِـک َوَ انت َخَیرُ مَنزُول ٍ بِه ِ اللّهُم َّانَّا لا نَعلَم ُمِنهـا الّا خَیراً وَ انت َاعلَم ُبِهَـا مِنَّا اللّهُم َّان کـانَت مُحسِـنَهً فَزِد فِی احسانِها و ان کانَت مُسِیئَهً فَتَجاوَز عَنها وَ اغفِر لَها اللّهُم َّاجعَلها عِنـدَک َفِی اعلی عِلِّیین َوَ اخلُف عَلی اهلِها فی الغـابِرین َوَ ارحَمهـا بِرَحمَتِک َیا ارحَم َالرّاحِمین ». (۱) (فاضل :) بهتر است بعـد از تکبیر اول بگویـد: اشـهَدُ ان لا إله َالّا اللّه ُ وَحـدَه ُلا شَـریک َلَه ُ إلهاً واحِـداً احَـداً صَـمَداً فَرداً حَیّاً قَیُّوماً دائِماً ابَـداً لَم یَتَّخِـذ صاحِبَهً وَ لا وَلَدَاً وَ اشـهَدُ ان َّمُحَمَّداً عَبدُه ُوَ رَسُولُه ُارسَلَه ُبِالهُـدی وَ دین ِ الحَق ِّلِیُظهِرَه ُعَلَی الـدّین ِ کُلّه ِ وَ لَو کَرِه َالمُشرِکُون َبشـیراً وَ نَـذیراً بَین َیَدَی ِ السّاعَه .. (۲) (زنجـانی :) رَحِمت َ.. (۳) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیت اللّه فاضل نیست] (۴) (زنجـانی :) تـابع ِ اللّهُم َّ.. (۵) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۶) (فاضل :) اللّهُم َّإن َّهذَا المُسَجّی قُدّامَنا عَبدُک َ..

(۷) (فاضل :) اللّهُم َ إِنَّک َقَبَضت َرُوحه ُالَیک َوَ قَدِ احتاج َالی رَحمَتِک َوَ انت َغَنِی ٌعَن عَذابِه ِ.. (۸) (فاضل :) وَ اغفِر لَنا وَ لَه ُ.. (۹) (فاضل :) اللّهُم َإِن َهذِه ِالمُسَجّاة قُدّامَنا امَتُک َ..

[مسأله ۶۰۹ باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند]

مسأله ۶۰۹ باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود (۱). (۱) (مکارم :) و احتیاط واجب آن است که در وسط نماز با کسی سخن نگویند.

(بهجت :) و اگر مأموم عمداً یا سهواً در غیر تکبیر اول از امام جلو افتاد، مستحب ّاست همان تکبیر را با امام اعاده کند.

[مسأله ۶۱۰ کسی که نماز میّت را به جماعت می خواند]

مسأله ۶۱۰ کسی که نماز میّت را به جماعت می خواند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم بخواند (۱). (۱) (اراکی :) و می تواند از روی کتاب یا نوشته بخواند. (خوئی ، سیستانی :) اگر چه مأموم باشد.

(مکارم :) مسأله مستحب ّاست نماز میّت را با جماعت بخوانند ولی کسی که نماز میّت را با جماعت بخواند باید تمام تکبیرها و دعاهای آن را بخواند و همان گونه که گفته شد، خواندن دعاهای مفصّل بالا مستحب ّاست و اگر کسی آن را حفظ ندارد، می تواند از روی کتاب بخواند.

مستحبّات نماز میّت

[مسأله ۶۱۱ چند چیز در نماز میّت مستحب ّاست]

مسأله ۶۱۱ چند چیز در نماز میّت مستحب ّاست : اول : کسی که نماز میّت می خواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط مستحب ّ(۱) آن است در صورتی تیمّم کند که وضو و غسل ممکن نباشد، یا (بترسد که (۲)) اگر وضو بگیرد یا غسل کند به نماز میّت نرسد. (۳) دوم : اگر میّت مرد است ، امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز می خواند مقابل وسط قامت او بایستد (۴) و اگر میّت زن است مقابل سینه اش بایستد (۵). سوم : پا برهنه نماز بخواند. چهارم : در هر تکبیر، دستها را بلند کند. (۶) پنجم : فاصله او با میّت به قدری کم باشد که اگر باد، لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد. ششم : نماز میّت را به جماعت بخواند. هفتم : امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می خوانند، آهسته بخوانند. هشتم : در جماعت اگر چه مأموم یک نفر باشد، عقب امام بایستد. (۷) نهم : نمازگزار به میّت و مؤمنین زیاد دعا کند. دهم : پیش از نماز (۸) سه مرتبه بگوید «الصَّلاه». یازدهم : نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می روند. دوازدهم : زن حائض اگر نماز میّت را به جماعت می خواند در صفی تنها بایستد. (۹) (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، زنجانی :) احتیاط .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (مکارم :) علاوه بر این ، مستحب ّاست امور دیگری [که در ذیل آمده] را به امید ثواب پروردگار در نماز میّت رعایت کند .. (۴) (بهجت :) مقابل وسط قامت یا

سینه او بایستد ..

(۵) (بهجت :) مقابل سینه یا سر او بایستد .. (۶) (بهجت :) بنا بر اظهر .. (۷) [مورد هشتم در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۸) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) پیش از نماز در جماعت .. (۹) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) تنها بایستد و در صف نمازگزاران نایستد.

[مسأله ۶۱۲ خواندن نماز میّت در مساجد مکروه است]

مسأله ۶۱۲ خواندن نماز میّت در مساجد مکروه است ولی در مسجد الحرام مکروه نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله بهتر است نماز میّت را در مسجد نخوانند، مگر در مسجد الحرام .

[در دفن میت]

احکام دفن

[مسأله ۶۱۳ واجب است میّت را طوری در زمین دفن کنند]

مسأله ۶۱۳ واجب است (۱) میّت را طوری در زمین دفن کنند، که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند (۲) و در صورتی که ترس درنده و نزدیک شدن انسانی که از بوی میت اذیت شود در بین نباشد (أقوی کفایت تنها عنوان دفن در زمین است اگر چه (۳)) احتیاط مستحب (۴) آن است که گودی قبر به همان اندازه مذکور در بالا باشد و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند. (۱) (نوری :) احتیاط واجب آن است که .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، صافی ، زنجانی ، نوری :) و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی و فاضل نیست] (۴) (اراکی ، فاضل :) احتیاط واجب ..

[مسأله ۶۱۴ اگر دفن میّت در زمین ممکن نباشد]

مسأله ۶۱۴ اگر دفن میّت در زمین ممکن نباشد، می توانند (۱) به جای دفن ، او را در بنا یا تابوت بگذارند (۲). (۱) (زنجانی :) باید .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) که از درندگان محفوظ باشد و بوی او هم بیرون نیاید.

(مکارم :) و اطراف آن را ببندند.

[مسأله ۶۱۵ میّت را باید در قبر به پهلوی راست طوری بخوابانند]

مسأله ۶۱۵ میّت را باید در قبر به پهلوی راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد. که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

[مسأله ۱۶۱۶اگر کسی در کشتی بمیرد]

مسأله ۱۶۱۶اگر کسـی در کشتی بمیرد، چنانچه جسـد او فاسـد نمی شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشـکی برسـند و او را در زمین دفن کنند و گر نه ، باید در کشتی غسـلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میّت چیز سـنگینی به پایش ببندنـد و به دریا بیندازنـد یا او را در خمره بگذارنـد و درش را ببندند و به دریا بیندازند (۱) و اگر ممکن است باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود (۲). (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت :) پس از خواندن نماز میّت ، او را (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی : بنا بر احتیاط در صورت امکان) در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و الّا چیز سنگینی (بهجت : و اگر این کار مشکل است ، چیز سنگینی) به پایش بسته و به دریا بیندازند .. (۲) (مکارم :) حنوط و کفن کنند و نماز بخوانند بعداً او را در چیزی که حیوانات آبی نتوانند به بدن او دست یابند بگذارند و در آن را محکم کنند و به دریا بیندازند و اگر این هم ممکن نشود، چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیفکنند و واجب است او را تا ممکن است در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات دریا نشود.

[مسأله ۶۱۷ اگر بترسند که دشمن ، قبر میّت را بشکافد]

مسأله ۶۱۷ اگر بترسند که دشمن ، قبر میّت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد (و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را ببرد (۱)) چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسأله پیش گفته شد او را به دریا بیندازند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست]

[مسأله ۶۱۸ مخارج انداختن در دریا را باید از اصل مال میّت بردارند]

مسأله ۶۱۸ مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میّت را در صورتی که لازم باشد، باید (۱) از اصل مال میّت بردارند (۲). (۱) (سیستانی :) می توانند .. [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۲) (بهجت :) در صورتی که لازم باشد احتمال دارد که از اصل مال میّت بردارند ولی احتیاط مستحب -این است که رضایت طلبکار و ورثه را در این صورت بدست آورند.

[مسأله ۶۱۹ اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد]

مسأله ۶۱۹ اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد (۱)، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد، باید (۲) زن را در قبر به پهلوی چپ پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد (۳) بلکه اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد، بنا بر احتیاط واجب (۴) باید به همین دستور عمل کنند. (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) یا هنوز روح به بدن او داخل نشده باشد .. (۲) (بهجت :) باید بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، زنجانی ، صافی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) و هم چنین است بنا بر احتیاط مستحب -اگر بچه ای که در شکم اوست هنوز روح به بدنش داخل نشده باشد.

(بهجت ، مکارم :) حتی اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد؛ (مکارم : یعنی هنوز حس حرکت پیدا نکرده است بنا بر احتیاط واجب به همین دستور عمل کنند). (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست]

[مسأله ۶۲۰ دفن مسلمان در قبرستان کفار]

مسأله ۶۲۰ دفن مسـلمان ، در قبرستان کفار و دفن کافر، در قبرستان مسلمانان جایز نیست . (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (تبریزی :) بنا بر احتیاط. (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .

[مسأله ۶۲۱ دفن مسلمان در جایی که بی احترامی به او باشد]

مسأله ۶۲۱ دفن مسلمان در جایی که بی احترامی به او باشد، مانند جایی که خاکروبه و کثافت می ریزند، جایز نیست . (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) حرام است .

[مسأله ۶۲۲ میّت را نباید در جای غصبی دفن کنند]

مسأله ۶۲۲ میّت را نباید در جای غصبی دفن کنند و دفن کردن در جایی که برای غیر دفن کردن وقف شده (۱) و در مسجد اگر ضرر به مسلمانان باشد یا مزاحم نمازشان باشد جایز نیست ، بلکه اقوی آن است که اصلًا در مسجد دفن نکنند و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده جایز نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، فاضل :) مثل مسجد (فاضل : و حسینیه) جایز نیست . [پایان مسأله] (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله دفن میت در جای غصبی و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده ، جایز نیست .

(زنجانی :) و حسینیه و مدرسه علمیه ..

(سیستانی :) در صورتی که موجب ضرر به وقف یا مزاحم جهت وقف باشد جایز نیست و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر موجب ضرر یا مزاحمت نباشد.

(مکارم :) مسأله میت را نباید در جای غصبی دفن کنند و هم چنین در جایی که برای دفن وقف نشده است (مانند مساجد و مدارس دینی)، مگر این که از اوّل جایی را برای دفن در نظر بگیرند و از وقف مستثنی کنند.

[مسأله ۶۲۳ دفن میّت در قبر مرده دیگر]

مسأله ۶۲۳ دفن میّت در قبر مرده دیگر اگر موجب نبش شود جایز نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (اراکی :) مسأله دفن میّت در قبر مرده دیگر پیش از آن که قبر و خود میّت از بین رفته باشد جایز نیست .

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله دفن میّت در قبر مرده دیگر جایز نیست مگر آن که قبر، کهنه شده و میّت اوّلی از بین رفته باشد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط جایز نیست ..

(خوئی ، زنجانی :) بکلی از بین رفته باشد.

(مکارم :) مسأله دفن میّت در قبر مرده دیگر در صورتی که موجب نبش نشود یعنی بدن مرده قبلی ظاهر نگردد و زمین هم مباح یا وقف عام باشد مانعی ندارد.

(نوری :) مسأله لازم است که میت را در قبر مرده دیگر پیش از آن که پوسیده شود، دفن ننمایند.

(فاضل :) مسأله دفن میّت در قبر مرده دیگر جایز نیست ، مگر آن که قبر کهنه شده باشد و میّت اوّلی حتّی استخوانهایش از بین رفته باشد و زمین قبر وقف قبرستان باشد و ملک فردی باشد که اجازه دفن میت دوّم را بدهد یا زمین موات باشد و اگر احتمال برود که جنازه سابق هنوز به طور کامل از بین نرفته نبش قبر برای دفن مجدد یا هر امر دیگری جایز نیست ولی اگر نبش شد دفن مجدد مانعی ندارد.

(سیستانی :) مسأله نبش قبر مرده ای برای آن که مرده دیگر در آن دفن شود جایز نیست ، مگر آن که قبر کهنه شده و میت اولی بکلی از بین رفته باشد.

[مسأله ۶۲۴ چیزی که از میّت جدا می شود]

مسأله ۶۲۴ چیزی که از میّت جدا می شود، اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد، باید (۱) با او دفن شود (۲) (و اگر موجب نبش شود، احتیاط آن است که جدا دفن شود (۳)). و دفن ناخن و دندانی که در حال زندگی از انسان جدا می شود مستحب است (۴). (۱) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) بنا بر احتیاط باید ..

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۲) (زنجانی :) هم چنین قطعه ای که از زنده جدا می شود بنا بر احتیاط می باید دفن شود ..

(مکارم :) ولی به صورتی که موجب نبش قبر نشود ..

(سیستانی :) و چنانچه آن چیز بعد از دفن شدن میّت پیدا شود بنا بر احتیاط لازم ، اگر چه مو یا ناخن یا دندانش باشد باید در جایی جدا دفن شود .. (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[قسمت داخل پرانتز بجز رساله آیت اللّه نوری در رساله سایر آیات عظام نیست] (۴) (مکارم :) واجب نیست ، هر چند بهتر است . (زنجانی :) لازم نیست بلکه مستحب است .

[مسأله ۶۲۵ اگر کسی در چاه بمیرد]

مسأله ۶۲۵ اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد (۱) باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند (۲) و در صورتی که چاه مال غیر باشد باید به نحوی او را راضی کنند. (۳) (۱) (بهجت :) پس اگر ممکن است همان مقدار از چاه را که بدن او قرار گرفته مسدود می نمایند و اگر ممکن نیست ، .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(صافی :) و بر او نماز بگذارند. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) اگر چه با پرداخت قیمت چاه باشد.

[مسأله ۶۲۶ اگر بچّه در رحم مادر بمیرد]

مسأله ۶۲۶ اگر بچّه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه (۱) او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد (۲)، ولی باید به وسیله شوهرش اگر اهل فن است یا زنی که اهل فن باشد او را بیرون بیاورند (۳) و اگر ممکن نیست ، مرد محرمی که اهل فن باشد و اگر آن هم ممکن نشود، مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آن هم پیدا نشود کسی که (۴) اهل فن نباشد، می تواند بچه را بیرون آورد. (۱) (زنجانی :) باید به آسانترین راه برای مادر .. (۲) (زنجانی :) ولی در صورتی که بیرون آوردنش متوقف بر نگاه کردن یا لمس عورت مادر باشد باید به وسیله شوهرش اگر آشنا به طب باشد او را بیرون بیاورند و اگر ممکن نیست زنی

که آشـنا به طب باشد و اگر ممکن نیست محرم محرمی که آشنا به طب باشد و اگر هم ممکن نیست مرد نامحرمی که آشنا به طب باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آن هم پیدا نشود کسی که آشنا به طب نباشد می تواند بچه را بیرون آورد.

(مکارم :) این کار بایـد در درجه اول به وسـیله شوهرش اگر اهل فن ّاست و در درجه بعـد زنی که اهل فن باشد انجام شود و اگر ممکن نیست ، از مرد محرمی که اهـل فن ّاست اسـتفاده کننـد و در غیر این صورت ، ناچار بایـد از مرد نامحرمی که اهل فن ّاست کمک بگیرند.

(۳) (گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) باید به وسیله شوهرش اگر اهل فن ّاست او را بیرون بیاورند و اگر ممکن نیست ، به وسیله زنی که اهل فن باشد او را بیرون بیاورند ..

(سیستانی :) باید به وسیله شوهرش اگر اهل فن است او را بیرون آورند و اگر ممکن نیست ، زنی که اهل فن ّباشد او را بیرون آورد و می تواند زن به کسی مراجعه کند که بهتر بتواند این کار را انجام دهد و به حال او مناسبتر باشد هر چند نامحرم باشد. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) زنی که ..

[مسأله ۶۲۷ هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد]

مسأله ۶۲۷ هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد (۱) اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند باید (۲) به وسیله کسانی که در مسأله پیش گفته شد (۳) از هر طرفی که بچه سالم بیرون می آید بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند (۴) ولی اگر بین پهلوی چپ و راست در سالم بودن بچه فرقی نباشد احتیاط واجب آن است که از پهلوی چپ بیرون آورند (۵). (۱) (زنجانی :) اگر چه احتمال زنده ماندن طفل ضعیف باشد، باید به ترتیبی که در مسأله پیش گفته شد؛ به هر راهی که برای زنده ماندن بچه سودمندتر است ، بچه را از شکم مادر بیرون آورده و محل بریدگی را بدوزند.

(سیستانی :) اگر امید زنده ماندن طفل هر چند در مدت کوتاهی باشد باید هر جایی را که برای سلامتی بچه بهتر است بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند و امّا اگر علم یا اطمینان به مرگ طفل با این عمل باشد جایز نیست . [پایان مسأله] (۲) (مکارم :) هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد باید فوراً ..

[کلمه «باید» در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، فاضل ، صافی :) پهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند (گلپایگانی ، صافی : مگر این که تشخیص داده شود که بچه از طرف دیگر سالم بیرون می آید و از طرف چپ سالم بیرون نمی آید). (۴) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) و حتّی الامکان باید این کار زیر نظر اهل فن ّانجام گیرد و اگر اهل فن ّنباشد، پهلوی چپ را می شکافند و بچه را فوراً بیرون می آورند. (۵) (بهجت :) باید از پهلوی چپ بیرون آورند.

مستحبّات دفن

[مسأله ۶۲۸ قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند]

مسأله ۶۲۸ خوب است به امید آن که مطلوب پروردگار باشد قبر را (۱) به اندازه قد انسان متوسط گود کنند و میّت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که قبرستان دورتر، از جهتی بهتر باشد، مثل آن که مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند، یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آنجا بروند و نیز جنازه را در چند ذرعی قبر، زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در

نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میّت مرد است ، در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است در دفعه سوم طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن ، پارچه ای روی قبر بگیرند و نیز جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهایی که دستور داده شده ، پیش از دفن و موقع دفن بخوانند و بعد از آن که میّت را در لحد گذاشتند، گره های کفن را باز کنند و صورت میّت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت ، خشت خام یا کلوخی بگذارند که میّت به پشت برنگردد و پیش از آن که لحد را به پوشانند، دست راست را به شانه راست میّت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانه چپ میّت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدّت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند (۲):

«اسمَع افهَم یا فُلان بن فُلان » و به جای فلان ، اسم میّت و پدرش را بگویند مثلًا اگر اسم او محمّد و اسم پدرش علی است سه مرتبه بگویند:

«اسمَع افهَم یا مُحَمَّدَ بن عَلی » پس از آن بگویند:

«هَل انت عَلَی العَهدِ الَّذی فارَقتَنا عَلَیه مِن شَهادَهِ ان لا إله إلَّا اللّه وَحدَه لَا شَریک لَه وَ ان مُحَمَّداً صَلّی اللّه عَلَیه وَ آلِه عَبدُه وَ رَسُولُه وَ سَیِّدُ النَّبِیّین وَ خاتَم المُرسَلین و ان عَلیاً أمیرُ المُؤمِنین وَ سَیِّدُ الوصِیِّین وَ امام افتَرَض اللّه طاعَتَه عَلَی العالَمین وَ ان الحَسَن وَ الحُسَین وَ عَلِی بن الحُسَین وَ مُحَمَّدَ بن عَلِی وَ جَعفَرَ بن مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بن جَعفَرٍ وَ عَلِی بن مُوسی وَ مُحَمَّدَ بن عَلِی وَ عَلی بن مُحَمَّدٍ وَ الحَسَن بن عَلی وَ القائِم الحُجَّهَ المَهدِی صَلَوات اللّه عَلَیهِم ائِمَّهُ المُؤمِنین وَ حُجَج اللّه عَلَی الخَلق أجمَعِین وَ ائِمَّتُک ائِمَّهُ هُدی بِک (۳) ابرارٌ یا فُلان بن فُلان » و به جای فلان بن فلان اسم میّت و پدرش را بگوید.

و بعد بگوید: «اذا اتاک المَلَکان المُقَرَّبان رَسُولَین مِن عِندِ اللّه تَبارَک وَ تَعالَی وَ سَألاک عَن رَبِّک وَ عَن نَبِیِّک وَ عَن دِینک وَ عَن کِتابِک وَ عَن قِبلَتِک وَ عَن ائِمَّتِک فَلا تَخَف وَ لا تَحزَن وَ قُل فِی جَوابِهِما اللّه رَبّی وَ مُحَمَّدٌ صَلّی اللّه عَلَیه وَ آلِه نَبِیّی وَ الإسلام دِینی وَ القُرآن کِتابی وَ الکَعبَهُ قِبلَتِی وَ امیرُ المُؤمِنین عَلِی بن أبی طالِب امامی وَ الحَسَن بن عَلِی المُجتَبی امامی وَ الحُسَین بن عَلِی الشَّهیدُ بِکَربَلاءَ امامِی وَ عَلِی زَین العابِدِین امَامِی وَ مُحَمَّدٌ الباقِرُ امَامِی وَ جَعفَرٌ الصّادِق امَامِی وَ مُوسَی الکاظِم إمامی وَ عَلِی الرِّضا إمامی و مُحَمَّدٌ الجَوادُ إمامی و عَلی الهَادِی امَامِی وَ الحَسَن العَسکَری امَامِی وَ الحُجَّهُ المُنتَظَرُ (۴) امامی هؤُلاءِ صَلَوات اللّه عَلَیهِم أجمَعِین (۵) ائِمَّتِی وَ سَادَتِی وَ قَادَتِی وَ شُفَعَائِی بِهِم أتَوَلَّی وَ مِن اعدائِهِم أتَبَرَّأُ فِی الدُّنیا وَ الآخِرَهِ ثُم اعلَم یا فُلان بن فُلان » و به جای فلان بن فلان اسم میّت و پدرش را بگوید و بعد بگوید: «ان اللّه تَبارَک وَ تَعالَی نِعم الرَّب وَ ان مُحَمَّداً صَلَّی اللّه عَلَیه وَ آلِه نِعم الرَّسُول وَ ان عَلِی بن أبی طالِب وَ اولادَه المَعصُومین الأئِمَّهَ الاثنَی عَشَرَ نِعم الأئِمَّهُ وَ ان ما جاءَ بِه مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّه عَلَیه وَ آلِه حَق وَ ان المَوت حَق وَ سُؤال مُنکَرٍ وَ نَکیرٍ فِی القَبرِ حَق وَ البَعث حَق

وَ النُّشُورَ حَق ٌّوَ الصِّراطَ حَق ٌّوَ المِیزان َحَق ٌّوَ تَطایُرَ الکُتُب ِحَق ٌّوَ ان َالجَنَّهَ حَق ٌّوَ النّارَ حَق ٌّوَ ان َالسَّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیب َفِیهَا وَ ان َاللّه َیَبعَث ُمَن فِی القُبُور» پس بگوید: «أَ فَهِمت َیا فُلان» و به جای فلان ، اسم میّت را بگوید پس از آن بگوید: «ثَبَّتَک َاللّه ُبِالقَول ِالثَّابِت ِوَ هَداک َاللّه ُإِلَی صِرَاطٍ مُستَقِیم ٍعَرَّف َاللّه ُبَینَک َوَ بَین َاولیائِک َفی مُستَقَرٍّ مِن رَحمَتِه ِ» پس بگوید: «اللّهُم َجَاف ِالأَرض َعَن جَنبَیه ِوَ اصعَد بِرُوحِه ِالَیک َوَ لَقِّه ِ(۶) مِنک َبُرهَاناً اللّهُم َعَفوَک َعَفوَک » (۷). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، خوئی ، فاضل ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) مستحب است قبر را .. (۲) (مکارم :) مستحب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد، امور زیر را در دفن میّت رعایت کنند: (۱) قبر را به اندازه قامت انسان متوسّط گود کنند. (۲) میّت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که قبرستان دورتر، از جهتی بهتر باشد، مثل این که افراد خوب در آنجا دفن شده اند یا مردم برای فاتحه ، بیشتر به آنجا می روند. (۳) هنگام دفن ، جنازه را در چند قدمی ِقبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه ، کم کم نزدیک ببرند و در مرتبه چهارم وارد قبر کنند. (۴) اگر میّت مرد است ، او را از طرف سر وارد قبر کنند و اگر زن است از طرف عرض بدن و به هنگام وارد کردن او پارچه ای روی قبر بگیرند. (۵) جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و با آرامی وارد قبر کنند، و دعاهایی که دستور داده شده پیش از دفن و موقع دفن بخوانند. (۶) قبر لحد داشته باشد، یعنی آن را طوری بسازند که خاک روی بدن میّت نریزد، به این ترتیب که قسمت پایین قبر را باریکتر کنند و بعد از گذاشتن میّت در قبر، بالای آن خشت یا آجر بچینند و یا طرف قبله قبر را کمی از پایین توسعه دهند به اندازه ای که میّت در آن قرار بگیرد. (۷) پشت سر میّت مقداری خاک یا خشت بگذارند که وقتی او را به طرف راست می خوابانند به عقب برنگردد. (۸) بعد از گذاشتن در قبر گره کفن را باز کنند و صورت میّت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او قرار دهند. (۹) کسی که میّت را در قبر می گذارد با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و غیر از خویشان میّت ، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند «إِنّا لِلّه ِوَ إِنّا إِلَیه ِراجِعُون» و اگر میّت زن است کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد و اگر محرم نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند. (۱۰) پیش از آن که «لحد» را به پوشانند دست راست به شانه میّت بزنند و او را حرکت دهند و سه مرتبه بگویند: .. (۳) [کلمه «بِک» در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، سیستانی ، صافی ، فاضل و مکارم نیست] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) الحُجَّهُ القائِم ُالمُنتَظَرُ .. (۵) [کلمه «اجمعین » در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و زنجانی نیست] (۶) (فاضل :) وَ لَقِّنه ُ.. (۷) (تبریزی :) و اگر میّت زن است ، تمام خطابها و ضمیرها و افعال مؤنث ذکر شود.

(زنجانی :) و در صورتی که میت زن باشد پاره ای از این دعا تغییر می کند به این ترتیب : «اسمَعِی ، افهَمِی یا فُلانَهَ ابنَهَ فُلان ٍ» و به جای «فُلانَهَ» نام میت و به جای فلان نام پدرش را

بگویـد و پس از آن بگویـد: «هَل أَنت ِعَلَی العَهـدِ الَّذی فارَقتِنا .. أَئِمَّتُک ِائِمَّهُ هُدی ٍابرارٌ یا فُلانَه ابنَهَ فُلان ٍ» و به جای «فلانه» اسم میت و به جـای فُلانـ اسم پـدرش را بگویـد پس بگویـد: «اذا أَتـاک ِالمَلَکـان ِالمُقَرَّبان ِرَسُولَین ِمِن عِنـدِ اللّه ِتَبارَک َوَ تَعـالی وَ سَأَلاـک ِعَن رَبِّک ِوَ عَن نَبِیِّک ِوَ عَن دِینِـک ِوَ عَن کِتابِـک ِوَ عَن قِبلَتِـک ِوَ عَن أَئِمَّتِـک ِفَلا تَخافِی وَ لا تَحزَنی وَ قُولِی فی جَوابِهِما .. ثُم َاعلَمِی یا فُلانَهَ ابنَهَ فُلان » و به جای «فلانه» اسم میت و به جای فلان نام پـدرش را بگوید و بعد بگوید: «أ فَهِمت ِیَا فُلَانَهُ» و به جـای «فلانه» اسم میت را بگویـد پس از آن بگویـد: «ثَبَّتَک ِاللّه ُبِالقَول ِالثّابِت ِوَ هَـداک ِاللّه ُالی صِراطٍ مُستَقیم ٍعَرَّف َاللّه ُبَینَک ِوَ بَین َأَولیائِـک ِفی مُستَقَرٍّ مِن رَحمَتِه ِ» پس بگویـد: «اللّهُم َجـاف ِالأَرض َعَن جَنبَیهـا وَ اصعَد بِرُوحِها إِلَیک َوَ لَقِّها مِنک َبُرهاناً اللّهُم َعَفوَک َعَفوَک َ».

[مسأله ۶۲۹ کسی که میّت را در قبر می گذارد با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد]

مسأله ۶۲۹ خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است کسی که میّت را در قبر می گذارد (۱)، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میّت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میّت (۲) کسانی که حاضرند، با پشت دست خاک بر قبر بریزنـد و بگوینـدٌ لا «إِنّا لِلّه ِوَ إِنّا إِلَیه ِراجِعُون َ». اگر میّت زن است ، کسـی که با او محرم می باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد، خویشانش او را در قبر بگذارند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، فاضـل ، تبریزی ، سیسـتانی ، صـافی ، زنجانی ، نوری :) مسـتحب است کسـی که میت را در قبر می گـذارد .. (۲) (زنجانی :) خویشان نسبی میّت .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۶۲۸).

[مسأله ۶۳۰ قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند]

مسأله ۶۳۰ خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند (۱) و به اندازه چهار انگشت از زمین بلنـد کننـد و نشانه ای روی آن بگذارنـد که اشـتباه نشود و روی قبر آب به پاشـند و بعـد از پاشـیدن آب ، کسانی که حاضـرند، دسـتها را بر قبر بگذارند و انگشـتها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره مبارکه: «انّا أَنزَلناه» بخوانند و برای میّت طلب آمرزش کننـد و این دعـا را بخواننـد: «اللّهُم َجَـاف ِالأَرض َعَن جَنـبَیه ِوَ اصـعِد اِلَیـک َرُوحَه ُوَ لَقِّه ِمِنـک َرِضواناً وَ اسـکِن قَبرَه ُمِن رَحمَتِک َما تُغنیه ِبِه ِعَن رَحمَهِ مَن سِوَاک َ». (۲) این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (آیات عظام :) مستحب است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند ..

(سیستانی :) مستحب است قبر را چهار گوشه بسازند ..

(مکـارم :) مسـتحب است قـبر را بصورت مربع مسـتطیل بسازنـد .. (۲) (زنجـانی :) و اگر میـت زن است دعـا را به این شـکل بخوانند: «اللّهُم َجاف ِالأَرض َعَن جَنبَیها وَ اصعَد اِلَیک َرُوحَها وَ لَقِّها مِنک َرِضواناً وَ أَسکِن قَبرَها مِن رَحمَتِک َما تُغنِیها بِه ِعَن رَحمَهِ مَن سِواک َ».

[مسأله ۶۳۱ پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده اند]

مسأله ۶۳۱ پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده اند مستحب است ولیّ میّت یا کسی که از طرف ولیّ (۱) اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده ، به میّت تلقین کند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) از طرف میّت ..

[مسأله ۶۳۲ بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند]

مسأله ۶۳۲ بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را ، سر سلامتی دهند ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سر سلامتی دادن ، مصیبت یادشان می آید، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میّت غذا بفرستند (۱) و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) شایسته است تا سه روز برای اهل خانه میّت ، غذا بفرستند.

[مسأله ۶۳۳ مستحب است انسان در مرگ خویشان مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند]

مسأله ۶۳۳ مستحب است (۱) انسان در مرگ خویشان ، مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میّت را یاد می کندٍّ لا «إِنّا لِلّه ِوَ إِنّا إِلَیه ِراجِعُون» بگوید و برای میّت قرآن بخواند (۲) و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) سزاوار است .. (۲) (مکارم :) و طلب آمرزش کند. [پایان مسأله]

[مسأله ۶۳۴ جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد]

مسأله ۶۳۴ جایز نیست (۱) انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد (۲) و به خود لطمه بزند (۳). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و سیلی بزند و به خود آسیب برساند.

(سیستانی :) و موی خود را بکند ولی به سر و صورت زدن ، جایز است . (۳) (بهجت :) و بنا بر احتیاط فرقی بین مرد و زن نیست .

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط مستحب انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را نخراشد و به خود سیلی نزند و آسیب نرساند، مگر آسیب به نقص اساسی بدن بینجامد که حرام می باشد.

[مسأله ۶۳۵ پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر]

مسأله ۶۳۵ پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر (۱) جایز نیست (۲). (۱) (گلپایگانی :) و شوهر .. (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (اراکی ، خوئی ، تبریزی :) و احتیاط واجب ((سیستانی :) و احتیاط مستحب) آن است که در مصیبت آنان هم یقه پاره نکند.

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط مستحب انسان در مرگ کسی یقه پاره نکند، بخصوص در مرگ غیر پدر و برادر.

[مسأله ۶۳۶ اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند]

مسأله ۶۳۶ اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا اگر زن در عزای میّت صورت خود را بخراشد به طوری که خون بیاید (۱) یا موی خود را بکند (۲) باید (۳) یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را به پوشاند (۴) و اگر نتواند باید سه روز روزه بگیرد بلکه اگر خون هم نیاید بنا بر احتیاط واجب به این دستور عمل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، تبریزی :) صورت خود را بخراشد و خونین کند ..

(صافی :) صورت خود را بخراشد به طوری که خونین شود .. (۲) (گلپایگانی ، اراکی :) صورت خود را بخراشد یا موی خود را بکند، ..

(۳) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط مستحب .. (تبریزی :) بنا بر احتیاط ..

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب بایـد ماننـد کفاره قسم را بدهـد، یعنی : .. (۴) (اراکی ، خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجـانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و اگر بر هیچ یک از آنها قدرت نداشته باشد سه روز روزه بگیرد و اگر زن موی خود را در عزای میّت ببرد کفاره آن دو ماه پی در پی روزه گرفتن و یا یک بنده آزاد کردن و یا شصت مسکین طعام دادن است .

(مکارم :) بلکه اگر خون هم نیاید باید به این دستور عمل نماید. [پایان مسأله]

[مسأله ۶۳۷ در گریه بر میّت صدا را خیلی بلند نکنند]

اشاره

مسأله ۶۳۷ احتیاط واجب (۱) آن است که در گریه بر میّت صدا را خیلی بلند نکنند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : اراکی و بهجت نیست (۱) (سیستانی ، زنجانی :) احتیاط مستحب ّ..

نماز وحشت

[مسأله ۶۳۸ استحباب نماز وحشت]

مسأله ۶۳۸ مستحب ّاست (۱) در شب اول قبر (۲)، دو رکعت نماز وحشت برای میّت بخوانند و دسـتور آن این است که ، در رکعت اول بعـد از حمـد یک مرتبه «آیه الکرسـی » و در رکعت دوم بعـد از حمـد ده مرتبه سوره «انّا أَنزَلناه» بخوانند و بعد از سلام نمـاز بگوینـد: «اللّهُم َصَـل ِعَلَی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ وَ ابعَث ثَوَابَهَـا الَی قَبرِ فُلاـن ٍ» و به جـای کلمه فلاـن ، اسم میّت را بگوینـد. این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) سزاوار است .. (۲) (مکارم :) به امید این که مطلوب پروردگار باشد ..

[مسأله ۶۳۹ نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می شود خواند]

مسأله ۶۳۹ نمـاز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می شود خوانـد، ولی بهتر است در اول شب بعـد از نمـاز عشـا خوانـده شود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۶۴۰ اگر بخواهند میّت را به شهر دوری ببرند]

اشاره

مسأله ۱۶۴۰ اگر بخواهنـد میّت را به شـهر دوری ببرند، یا به جهت دیگر دفن او تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازنـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله اگر دفن میّت به علتی به تأخیر بیفتـد باید نماز وحشت را تا شب اول دفن او تأخیر بیندازند.

نبش قبر

[مسأله ۶۴۱ نبش قبر مسلمان]

مسأله ۶۴۱ نبش قبر مسـلمان ، یعنی شـکافتن قبر او اگر چه طفل ، یا دیوانه باشـد حرام است (۱) ولی اگر بـدنش از بین رفته و خاک شده باشد (۲) اشکال ندارد. (۱) (مکـارم :) و منظور از نبش قبر آن است که آن را طوری بشـکافند که آثار بـدن میّت ظاهر شـود و اگر بـدن ظاهر نشود اشـکال نـدارد، مگر این که موجب هتـک و بی احـترامی باشـد. (۲) (زنجـانی :) اگر تمـام گوشت و استخوانش خاک شده باشد ..

[مسأله ۶۴۲ نبش قبر امام زاده ها و شهدا و علما و صلحا]

مسأله ۶۴۲ نبش قبر (۱) امام زاده ها و شهدا و علما و صلحا اگر چه سالها بر آن گذشته باشد (۲) در صورتی که زیارتگاه باشد حرام است ، بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد بنا بر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) نبش قبری که باعث هتک حرمت می گردد مانند .. (۲) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) حرام است . [پایان مسأله] (مکارم :) مسأله اگر یقین داشته باشد بدن به کلّی از بین رفته و خاک شده است شکافتن قبر اشکالی ندارد، مگر در قبور امام زاده ها و شهدا و علماء و صلحا که اگر سالها بر آن بگذرد نیز نبش قبر آنها جایز نیست .

(سیستانی :) مسأله خراب کردن قبر امام زاده ها و شهدا و علما و هر موردی که خراب کردن قبر، هتک شمرده شود اگر چه سالها بر آن گذشته و بدنشان از میان رفته باشد حرام است .

[مسأله ۶۴۳ شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست]

مسأله ۶۴۳ شکافتن قبر در چند مورد (۱) حرام نیست (۲): اول : آن که میّت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند (۳). دوم : آن که کفن یا چیز دیگری که با میّت دفن شده غصبی باشد (۴) و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند (۵) و هم چنین است اگر چیزی از مال خود میّت که به ورثه او رسیده با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند، (ولی اگر چیز مختصری از مال او که به ورثه به ارث رسیده مانند انگشتر و نحو آن با او دفن شده باشد در جواز نبش برای درآوردن آن تأمل و اشکال است خصوصاً اگر اجحاف بر ورثه نباشد (۶)) و اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری (۷) را با او دفن کنند (۸)، (در صورتی که وصیتش بیشتر از یک سوم مال او نباشد (۹)) برای بیرون آوردن اینها نمی توانند قبر را بشکافند (۱۰). سوم : آن که (۱۱) میت بی غسل یا بی کفن (۱۲) دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش (۱۳) باطل بوده ، یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته اند (۱۴). چهارم : آن که برای ثابت شدن حقّی (۱۵) بخواهند بدن میّت را ببینند (۱۶). پنجم : آن که میّت را در جایی که بی احترامی به اوست مثل قبرستان کفّار یا جایی که کثافت و خاکروبه می ریزند دفن کرده باشند (۱۷). ششم : آن که برای یک مطلب شرعی که اهمیّت آن از شکافتن قبر بیشتر است (۱۸)، قبر را بشکافند مثلًا بخواهند بچه زنده را از شکم زن حامله ای که دفنش کرده اند بیرون آورند (۱۹). هفتم : (۲۰) آن که بترسند درنده ای بدن میّت را پاره کند، یا سیل او را ببرد (۲۱) یا دشمن بیرون آورد (۲۲). هشتم : آن که قسمتی از بدن میّت را که با او دفن نشده بخواهند دفن کنند ولی احتیاط واجب آن است که (۲۳) آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میّت دیده نشود (۲۴). (۱) (گلپایگانی :) در هفت مورد .. (صافی :) در نه مورد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه در بعضی از آنها واجب است ..

(بهجت :) فرموده اند شکافتن قبر در چند مورد جایز است ..

(۳) (سیستانی :) و نبش هم موجب حرج نباشد و گر نه لازم نیست مگر بر خود غاصب و اگر نبش محذور مهمتری داشته باشد لازم نیست بلکه جایز نیست ، مانند این که موجب قطعه قطعه شدن بدن میت باشد بلکه اگر موجب هتک باشد بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این که خود میت آن زمین را غصب کرده باشد .. (۴) (مکارم :) یا چیزی از اموال میّت که به ورثه تعلق دارد با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند (مانند انگشتر یا زینت آلات قیمتی) حتی اگر راضی شوند و ماندن آن در قبر اسراف باشد باید آن را بیرون آورند، امّا اگر میّت وصیت کرده که دعا یا انگشتری را مثلًا با او دفن کنند در صورتی که وصیت او بیش از ثلث نباشد و اسراف محسوب نشود نمی توانند قبر او را بشکافند [پایان مورد دوّم] (۵) (بهجت :) و هم چنین است اگر چیز گرانبهایی با او دفن شود و بدون نبش قبر نشود آن را بیرون آورد. [پایان مورد دوم] (۶) (نوری :) دوّم : آن که کفش یا چیز دیگری که با میت دفن شده ، غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند و اگر چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده با او دفن شود، احتیاط واجب آن است که از نبش قبر خودداری نمایند ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، سیستانی ، تبریزی و فاضل نیست] (۷) (زنجانی :) یا غیر آن .. (۸) (سیستانی :) و وصیت او نافذ باشد .. (زنجانی :) در مواردی که وصیت نافذ است .. (۹) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و صافی نیست] ۱۰) (گلپایگانی ، صافی :) مگر آن که زیادتر از ثلث باشد و ورثه امضاء نکرده باشند ..

(سیستانی :) و در این مورد نیز استثنائی که در مورد قبل ذکر شد جاری است .. (۱۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) سوم : آن که شکافتن قبر موجب هتک حرمت نباشد و .. (۱۲) (زنجانی ، بهجت :) میت بدون غسل یا کفن یا حنوط .. (۱۳) (زنجانی :) غسل یا تیممش .. (۱۴) (اراکی ، زنجانی ، نوری :) در تمام این موارد در صورتی شکافتن قبر جایز است که موجب هتک احترام میّت نشود ..

(گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر نبش در این صورت باعث هتک میّت و اذیّت مردم شود جایز نیست ..

(فاضل :) که در این فرض اگر نبش قبر موجب هتک میّت باشد یعنی جنازه متعفن یا متلاشی شده باشد جایز نیست امّا اگر میّت بدون نماز دفن شده باشد نبش جایز نیست بلکه بر قبر نماز خوانده می شود ..

(بهجت :) ولی أحوط این است که اگر موجب هتک و بی احترامی میّت شود نبش قبر نشود و اگر برهنه دفن شده باید ملاحظه کنند که کفن کردن مهمتر است یا نبش قبر نکردن و هر کدام برای میّت اهمیت بیشتری دارد رعایت نمایند .. [مورد سوم در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۱۵) (سیستانی :) که مهمتر از نبش قبر باشد ..

(۱۶) و (۱۷) - [مـورد چهـارم و پنجم در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست] (۱۸) (زنجـانی :) از شـکافتن قبر کمتر نیست .. (۱۹) (مکارم :) البته معلوم است بچه مدت کمی بعد از مادر ممکن است زنده بماند ..

[مورد شـشم در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۲۰) (بهجت :) چهارم : .. (۲۱) - [عبارت « یا سیل او را ببرد» در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۲۲) (بهجت :) یا بخواهند میّت را به مشاهد مشرفه منتقل کنند اگر چه وصیت به این مطلب نکرده باشد بنا بر اظهر. [پایان مسأله] (۲۳) (اراکی :) ولی باید .. (زنجانی :) ولی احتیاط مستحب آن است که ..

(گلپایگـانی ، صافی :) ولی احتیاط لازم آن است که .. (۲۴) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) [و] نهم : آن که میت را بخواهنـد به مشاهد مشرفه نقل نمایند بخصوص اگر وصیت کرده باشد.

(صافی :) [و] نهم : آن که میت را بخواهند به یکی از مشاهد مشرفه نقل کنند که جواز در این صورت نیز مشروط به این است که نبش باعث هتک میّت نشود.

(فاضل :) [و] نهم : اگر میت وصیت کرده که جنازه اش را قبل از دفن به مشاهـد مشـرفه منتقل کننـد و عمداً یا به هر جهتی بر خلاف وصـیت او عمل شـده جایز بلکه واجب است قبر را نبش و جنازه را به محل مورد وصـیت منتقل کنند، مگر این که بدن فاسد شده باشد یا نبش مستلزم هتک باشد، و در غیر این صورت نبش قبر جهت حمل به مشاهد مشرفه خلاف احتیاط است هر چند وصیت کرده باشد.

(سیستانی :) هشتم : آن که میت وصیّت کرده باشد که او را به مشاهد مشرّفه نقل نمایند، چنانچه نقل دادن او محذوری نداشته باشـد ولی عمـداً یا از روی جهل یا فراموشـی در جایی دیگر دفن شـده باشـد می تواننـد در صورتی که موجب هتک حرمتش نشود و محذور دیگری نداشته باشد قبر او را نبش کرده و بدنش را به مشاهد مشرّفه نقل دهند بلکه در این فرض ، نبش و نقل واجب است .

مسائل از ۶۶۴ تا ۱۰۴۵ اختصاصی

اشاره

(مکـارم :) مسأله ۶۰۰ هر گـاه کسـی وصـیت کنـد بـدن او را در جای معینی دفن کننـد و به وصـیت او عمل نکننـد و در جای دیگری دفن شود، جایز نیست قبر او را نبش کنند و به جای مورد وصیّت انتقال دهند.

(مکارم :) مسأله ۶۰۱ هر گاه کسی وصیت کند که بعد از دفن ، قبر او را نبش کرده و بدن او را به مشاهد مشرّفه یا نقطه دیگر ببرند، عمل به چنین وصیتی مشکل است .

(مکارم :) مسأله ۶۰۲ تأخیر دفن میّت در صورتی که موجب هتک و توهین او باشد جایز نیست .

احکام شهید

(مکـارم :) مسأله ۶۰۳ غسـل دادن میّـت مسـلمان و کفـن کردن او چنـان که گفته شـد واجب است ولی دو گروه از این حکم مُسـتثنی هستند: اول : «شهیدان راه خدا» یعنی کسانی که در میدان جهاد در راه اسلام ، همراه پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم یا امام معصوم علیهم السـلام یا نائب خاص او کشـته شـده انـد، هم چنین کسانی که در حال غیبت امام زمان ارواحنا فداه برای دفاع در برابر دشمنان اسلام

کشته می شوند، خواه مرد باشند، یا زن ، بزرگ باشند و یا کودک ، در این گونه موارد غسل و کفن و حنوط واجب نیست ، بلکه باید آنها را با همان لباسهایشان بعد از خواندن نماز دفن کنند.

(مکارم :) مسأله ۶۰۴ حکم مسأله سابق در باره کسانی است که در میدان جنگ کشته شده باشند، یعنی پیش از آن که مسلمانان به او برسند جان داده است ، اما اگر به او برسند و زنده باشد، یا به صورت مجروح او را از میدان جنگ خارج سازند و در بیمارستان یا غیر آن از دنیا برود، گر چه ثواب شهیدان را دارد ولی حکم فوق شامل حال آنها نمی شود.

(مکارم :) مسأله ۶۰۵ در جنگهای امروز که میدانهای جنگ وسعت دارد و گاه کیلومترها یا فرسخها مسافت را در بر می گیرد و گلوله های دشمن و مانند آن تا مسافت زیادی می رسد، تمام این صحنه که مرکز تجمّع سربازان است میدان جنگ محسوب می شود، ولی اگر دشمن به وسیله بمباران افرادی را دور از جبهه های جنگ به قتل برساند، احکام بالا در مورد آنها جاری نیست .

(مکارم :) مسأله ۶۰۶ هر گاه به علتی شهید برهنه شده باشد، باید او را کفن کنند و بدون غسل دفن نمایند.

(مکارم :) مسأله ۶۰۷ دوم : «کسانی که قتل آنها به عنوان قصاص یا حدّ شرعی واجب شده است » و حاکم شرع به آنها دستور می دهد مراسم غسل میّت را خودشان در حال حیات انجام دهند و سه غسل را طبق دستوری که قبلًا گذشت به جا آورده ، سپس دو قسمت از قسمتهای سه گانه کفن را یعنی لنگ و پیراهن را می پوشند و مانند میّت حنوط می کنند و بعد از کشته شدن ، قطعه سوّم را بر آنها می پوشانند و نماز بر آنها خوانده و به همان حال دفنشان می کنند و لازم نیست خون را از بدن و کفن آنها بشویند حتی اگر بر اثر ترس و وحشت خود را نجس کنند، تکرار غسل لازم نیست .

احکام اموات (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۲۲۶ آیا در غسل و کفن و دفن اموات ، مماثلت و همجنس بودن شرط است]

س ۲۲۶: آیا در غسل و کفن و دفن اموات ، مماثلت و همجنس بودن شرط است یا هر یک از زن و مرد می تواند امور میت دیگر را انجام دهد؟

ج : همجنس بودن با میّت فقط در غسل دادن او شرط است و در صورتی که غسل دادن میّت به وسیله همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله غیر همجنس صحیح نیست و غسل میّت باطل است . ولی در تکفین و تدفین همجنس بودن شرط نیست .

[س ۲۲۷ متعارف است که اموات را در منزل مسکونی غسل می دهند]

س ۲۲۷: امروزه در روستاها متعارف است که اموات را در منزل مسکونی غسل می دهند. گاهی میّت وصی نداشته و چند

فرزند صغیر دارد. نظر مبارک راجع به این موارد چیست ؟

ج : تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میّت از قبیل غسل و کفن و دفن ، به مقدار متعارف ، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی شود.

[س ۲۲۸ شخصی بر اثر تصادف یا سقوط از ارتفاع فوت کرده است]

س ۲۲۸: شخصی بر اثر تصادف یا سقوط از ارتفاع فوت کرده است و جسد او خونریزی دارد، آیا باید منتظر ماند تا خون ، خود به خود یا با وسائل پزشکی بند بیاید یا این که با وجود خونریزی جایز است اقدام به دفن او نمایند؟

ج : تطهیر بـدن میّت قبـل از غسـل در صورت امکـان واجب است ، و اگر انتظار برای توقف خونریزی یا منع آن ممکن باشـد، واجب است .

[س ۲۲۹ استخوان مرده ای که حدود چهل یا پنجاه سال از دفن آن می گذرد]

س ۲۲۹: اسـتخوان مرده ای که حدود چهل یا پنجاه سال از دفن آن می گذرد و مقبره او از بین رفته و تبدیل به میدان عمومی گردیـده است ، در اثر کنـدن نهری در آن میدان ظاهر شده است . آیا لمس کردن اسـتخوان ها برای دیدن آنها اشکال دارد؟ آیا استخوان ها نجس هستند؟

ج : استخوان میّت مسلمانی که غسل داده شده است ، نجس نیست ؛ ولی دفن مجدّد آن زیر خاک واجب است .

[س ۲۳۰ آیا برای انسان جایز است]

س ۲۳۰: آیا برای انسان جایز است که پـدر یا مادر و یا یکی از بسـتگان خود را در کفنی که برای خودش خریده است ، کفن کند؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۲۳۱ یک تیم پزشکی برای انجام آزمایشها و تحقیقات پزشکی احتیاج دارند]

س ۲۳۱: یک تیم پزشـکی برای انجام آزمایشـها و تحقیقات پزشکی احتیاج دارند که قلب و بعضی از اعضای مرده را از جسد او جـدا سازنـدو بعـد از گـذشت یـک روز از انجـام آزمایشـها و مطالعات ، اقـدام به دفن آن کننـد. امیـدواریم لطف نموده به سؤالات زیر پاسخ فرمائید: (۱) آیا با توجه به این که امواتی که این آزمایشـها بر روی آنها اعمال می شود از مسلمانان هستند، اقـدام به این کـار برای ما جایز است ؟ (۲) آیا دفن قلب و بعضـی از اعضای جسـد جـدای از بدن میّت جایز است ؟ (۳) آیا با توجه به این که دفن جداگانه قلب و بعضی از اعضا مشکلات فراوانی برای ما ایجاد می کند، دفن آن اعضاء با بدن میّت دیگر جایز است یا خیر؟

ج : در صورتی که نجات نفس محترمه یا دستیابی به تجارب علوم پزشکی که جامعه به آن محتاج است ، و یا شناسایی ِ نوعی بیماری که حیات مردم را تهدیـد می کند، متوقف بر تشـریح باشد، تشـریح جسد میّت جایز است ، لکن لازم است تا آنجا که اسـتفاده از جسد غیر مسلمان امکان دارد، از جسد مسلم استفاده نشود. حکم شرعی اعضایی که از جسد مسلمان جدا شده اند، این است که با بدن دفن شوند، و اگر امکان نداشت ، دفن جداگانه آنها اشکال ندارد.

[س ۲۳۲ اگر شخصی برای خودش کفنی بخرد]

س ۲۳۲: اگر شخصـی برای خودش کفنی بخرد و همیشه در وقت نمازهای واجب یا مستحب یا هنگام قرائت قرآن کریم ، آن

را پهن نموده و روی آن نماز و قرآن بخواندو هنگام مرگ از آن به عنوان کفن استفاده کند. آیا این عمل جایز است ؟ آیا از نظر اسلام صحیح است که انسان کفنی را برای خود بخرد و بر آن آیات قرآنی بنویسد و از آن فقط هنگام تکفین استفاده نماید؟

ج : موارد مذکور اشکال ندارد.

[س ۲۳۳ اخیراً جنازه زنی در یک قبر قدیمی که تاریخ آن به حدود هفتصد سال پیش بر می گردد]

س ۲۳۳: اخیراً جنازه زنی در یک قبر قدیمی که تاریخ آن به حدود هفتصد سال پیش بر می گردد، کشف شده است . این جنازه مشتمل بر اسکلت استخوانی عظیم کامل و سالمی است که بر جمجمه آن مقداری مو وجود دارد. به استناد گفته های باستان شناسانی که آن را کشف کرده اند، جنازه متعلق به یک زن مسلمان است . آیا جایز است - ، این اسکلت استخوانی بزرگ و مشخص را از طرف موزه علوم طبیعی (بعد از بازسازی شکل قبر و قرار دادن جنازه در آن) در

معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان از موزه علوم طبیعی گردد و یا با نوشتن آیات و احادیث مناسب باعث تذکر و موعظه دیدار کنندگان شود؟

ج : اگر ثابت شود که اسکلت ِاستخوانی ، متعلق به بدن میّت مسلمان است ، دفن فوری آن واجب است .

[س ۲۳۴ گورستانی در روستایی وجود دارد]

س ۲۳۴: گورستانی در روستایی وجود دارد که ملک خاص کسی نیست و وقف هم نشده است ، آیا جایز است اهالی این روستا از دفن اموات شهر یا روستاهای دیگر یا میتی که وصیت کرده در آن قبرستان دفن شود، جلوگیری کنند؟

ج : اگر قبرستان عمومی مزبور ملک خاص کسی یا وقف خاص اهالی آن روستا نباشد، نمی توانند از دفن اموات دیگران در آن قبرستان جلوگیری کنند و اگر شخصی وصیت کرده است در آن دفن شود، واجب است طبق وصیت عمل شود.

[س ۲۳۵ پاشیدن آب بر قبور مستحب است]

س ۲۳۵: روایاتی وجود دارد دال بر این که پاشیدن آب بر قبور مستحب است ، مانند روایاتی که در کتاب «لآلی الاخبار» ذکر شده است ، آیا این استحباب مخصوص روز دفن میّت است یا اطلاق دارد، چنانچه نظر مؤلف «لآلی الاخبار» چنین است ؟ نظر جناب عالی در این باره چیست ؟

ج : پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجاء اشکال ندارد.

[س ۲۳۶ چرا میّت را شب دفن نمی کنند؟]

س ۲۳۶: چرا میّت را شب دفن نمی کنند؟ آیا دفن میّت در شب حرام است ؟

ج : دفن میّت در شب اشکال ندارد.

[س ۲۳۷ شخصی بر اثر تصادف ماشین فوت کرده است]

س ۲۳۷: شخصی بر اثر تصادف ماشین فوت کرده است ، پس از غسل و کفن او را به قبرستان آوردند، ولی هنگام دفن متوجه شدند که تابوت و کفن آغشته به خونی است که از او جریان دارد، آیا عوض کردن کفن او در این حالت واجب است ؟

ج : اگر شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد، آن کار واجب است ، ولی اگر امکان ندارد، دفن میّت به همان صورت جایز است .

[س ۲۳۸ اگر سه ماه از دفن میّت با کفن آغشته به خون بگذرد]

س ۲۳۸: اگر سه ماه از دفن آن میّت با کفن آغشته به خون بگذرد، آیا نبش قبر در این حالت جایز است ؟

ج : نبش قبر در فرض سؤال جایز نیست .

[س ۲۳۹ اگر زن حامله ای هنگام وضع حمل از دنیا برود]

س ۲۳۹: از حضرت عالی تقاضا می کنیم به سه سؤال زیر پاسخ فرمائید. (۱) اگر زن حامله ای هنگام وضع حمل از دنیا برود، جنین موجود در رحم زن در موارد زیر چه حکمی دارد؟ الف : اگر روح به تازگی در او دمیده شده باشد (سه ماه یا بیشتر)، با توجه به این که احتمال مرگ جنین در صورت خارج کردن آن از رحم مادر بسیار زیاد است ؟ ب : اگر عمر جنین هفت ماه یا بیشتر باشد؟ ج : اگر جنین در رحم مادر مرده باشد؟ (۲) اگر زن حامله هنگام وضع حمل بمیرد، آیا بررسی کامل مرگ و زندگی جنین بر دیگران واجب است ؟ (۳) اگر زن حامله هنگام وضع حمل فوت کند و بچه در شکم او زنده بماند و شخصی بر خلاف متعارف با وجود زنده بودن جنین دستور دفن مادر با جنین را بدهد، نظر شما در این باره چیست ؟

ج : اگر جنین با مرگ مادرش فوت کند، و یا فوت مادر پیش از دمیده شدن روح در جنین باشد، خارج کردن آن از شکم مادر واجب نیست ، بلکه جایز هم نیست . ولی اگر روح در او دمیده شده و در شکم مادرش که از دنیا رفته است ، زنده باشد و احتمال زنده ماندنش تا زمان خارج کردن او از رحم مادر وجود داشته باشد، واجب است که سریعاً او را از شکم مادر خارج کنند، و تا وقتی که موت جنین در رحم احراز نشده است ، دفن مادر همراه با جنین جایز نیست و اگر جنین زنده همراه مادرش دفن شد و حتی بعد از دفن هم احتمال زنده بودنش وجود داشته باشد، واجب است اقدام به نبش قبر و خارج کردن جنین زنده از شکم مادر نمایند. هم چنین اگر حفظ حیات جنین در شکم مادرش متوقف بر دفن نکردن مادر باشد، ظاهر این است که تأخیر دفن مادر واجب است تا جان جنین حفظ شود، و اگر کسی بگوید دفن زن حامله با جنین زنده ای که در رحم او وجود دارد جایز است و دیگران به گمان صحت نظر او اقدام به دفن نمایند و این کار منجر به مرگ بچه در داخل قبر شود، پرداختن دیه بر کسی که مباشر دفن بوده ، واجب است ، مگر این که مرگ جنین مستند به گفته آن شخص باشد که در این صورت دیه بر او واجب است .

[س ۲۴۰ قبور چند طبقه]

س ۲۴۰: شهرداری برای استفاده بهینه از زمین ، دستور داده است قبرها به صورت دو طبقه ساخته شود. تمنّا می کنیم حکم شرعی آن را بیان فرمائید.

ج : جایز است که قبور مسلمانان در چندین طبقه ساخته شود، به شرطی که این کار سبب نبش قبر و هتک حرمت مسلمان نشود.

[س ۲۴۱ کودکی در چاه سقوط کرده و مرده است]

س ۲۴۱: کودکی در چاه سقوط کرده و مرده است . آب موجود در چاه مانع خارج کردن بدن او است ، حکم آن چیست ؟

ج : جسد کودک در همان چاه به حال خود رها می شود و چاه قبر او خواهد بود و اگر چاه ملک شخصی کسی نباشد و یا مالک آن به مسدود کردن آن راضی باشد، تعطیل کردن چاه و بستن آن واجب است .

[س ۲۴۲ برپایی این مراسم]

س ۲۴۲: در منطقه ما مرسوم است که مراسم سینه زنی و زنجیر زنی به صورت سنتی آن فقط در عزاداری ائمه اطهار «علیهم السلام » و شهدا و بزرگان دینی برگزار می شود. آیا برپایی این مراسم به خاطر در گذشت افرادی از نیروهای بسیج و یا از کسانی که به نحوی به حکومت اسلامی و این ملت مسلمان خدمات کرده اند، جایز است ؟

ج : این عمل اشکال ندارد.

[س ۲۴۳ رفتن به قبرستان در شب مکروه است]

س ۲۴۳: بـا توجه به این که رفتن به قبرسـتان در شب مکروه است ، اگر کسـی بـا این اعتقـاد که شـبانه به قبرسـتان رفتن عامل مؤثری در تربیت اسلامی است ، شبانه به قبرستان برود، چه حکمی دارد؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۲۴۴ شرکت در تشیع جنازه]

س ۲۴۴: آیا شرکت در تشیع جنازه و حمل آن برای زنان جایز است ؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۲۴۵ اطعام از اموال ورثه بزرگسال و با رضایت آنها باشد، جایز است]

س ۲۴۵: در میان بعضی از عشایر معمول است که هنگام مرگ بعضی از اشخاص ، با قرض ، اقدام به خرید تعداد زیادی گوسفند می کنندتا همه کسانی را که در مراسم عزاداری شرکت می نمایند، اطعام کنند. این کار باعث ضرر فراوانی به آنها می شود، آیا تحمل این ضررها برای حفظ عادات و رسوم جایز است ؟

ج : اگر اطعام از اموال ورثه بزرگسال و با رضایت آنها باشد، جایز است . ولی اگر این کار موجب بروز مشکلات و ضررهای مالی می شود از آن اجتناب شود و اگر انفاق از اموال میّت صورت بگیرد، بستگی به نحوه وصیت او دارد و به طور کلّی در این گونه امور باید از اسراف و زیاده روی که موجب تضییع نعم الهی می شود پرهیز گردد.

[س ۲۴۶ اگر در زمان حاضر، شخصی در منطقه ای بر اثر انفجار مین کشته شود]

۲۴۶: اگر در زمان حاضر، شخصی در منطقه ای بر اثر انفجار مین کشته شود، آیا احکام شهید را دارد؟

ج : سقوطِ تکلیف غسل و کفن شهید از احکام اختصاصی شهیدی است که در میدان جنگ کشته شود.

[س ۲۴۷ افرادی که از گروه حق که به شهادت می رسند حکم شهید را دارند]

۲۴۷: برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در محورهای شهرهای مرزی رفت و آمد می کنند، گاهی با کمین هایی که از طرف بعضی از عناصر ضد انقلاب اسلامی گذاشته می شود، مواجه می شوندکه گاهی منجر به شهادت آنان می گردد. آیا غسل یا تیمم این شهدای عزیز واجب است یا این که آنجا میدان جنگ محسوب می شود؟

ج : اگر آن محورها و منطقه مزبور میدان جنگ بین گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می رسند، حکم شهید را دارند.

[س ۲۴۸ کسی که واجد شرایط امامت در نماز جماعت نیست]

س ۲۴۸: آیا کسی که واجد شرایط امامت در نماز جماعت نیست ، جایز است امامت نماز میّت بر جنازه یکی از مؤمنین را عهده دار شود؟

ج : بعید نیست که شرائط معتبر در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها در نماز میّت شرط نباشد، هر چند احوط این است که آن شرائط در نماز میّت هم رعایت شود.

[س ۲۴۹ اگر مؤمنی در راه اجرای فقه جعفری کشته شود]

س ۲۴۹: اگر مؤمنی در جائی از جهان در راه اجرای احکام اسلامی یا در تظاهرات و یا در راه اجرای فقه جعفری کشته شود،

آیا شهید محسوب می شود؟

ج : چنین شـهیدی اجر و ثواب شـهید را دارد، ولی احکـام تجهیز شـهید اختصاص به کسـی دارد که در میـدان جنگ ، هنگام درگیری و در معرکه نبرد به شهادت رسیده باشد.

[س ۲۵۰ اگر مسلمانی بر اساس قانون به اعدام محکوم شود]

س ۲۵۰: اگر مسـلمانی بر اساس قانون و تأیید قوه قضائیه به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شود و حکم اعدام در باره او اجرا گردد: (۱) آیا نماز میّت بر او خوانده می شود؟ (۲) شـرکت در مجلس عزا و قرائت قرآن کریم و مصیبت خوانی برای اهل بیت «علیهم السلام » که برای او برگزار می شود، چه حکمی دارد؟

ج : مسـلمانی که حکم اعـدام در باره او اجرا گردیده است ، حکم سایر مسـلمانان را دارد و همه احکام و آداب اسـلامی میّت در مورد او هم جاری است .

[س ۲۵۱ مس-استخوانی که همراه با گوشت است]

س ۲۵۱: آیا مس ّکردن استخوانی که همراه با گوشت است و از بدن انسان زنده جدا شده ، موجب غسل مس ّمیّت می شود؟

ج : دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است ، غسل ندارد.

[س ۲۵۲ آیا دست زدن به عضوی که از بدن انسان مرده جدا شده]

س ۲۵۲: آیا دست زدن به عضوی که از بدن انسان ، مرده ، جدا شده ، غسل مس ّمیت واجب می شود؟

ج : دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده ، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن ، در حکم دست زدن به بدن مرده است .

[س ۲۵۳ شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند]

س ۲۵۳: آیا شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند؟

ج : شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقهاء این عمل را بر خود محتضر در صورتی که قادر باشد و بر دیگران ، واجب دانسته اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

[س ۲۵۴ هنگام کشیدن دندان]

س ۲۵۴: اگر هنگام کشیدن دندان مقداری از بافت های لثه هم همراه آن کنده شود، آیا دست زدن به آنها موجب غسل مس ّمیّت می شود؟

ج : مس آن موجب غسل مس میت نمی شود.

[س ۲۵۵ آیا بر شهید مسلمانی که با لباسش دفن شده است]

س ۲۵۵: آیا بر شهید مسلمانی که با لباسش دفن شده است ، احکام مس ّمیّت مترتب است ؟

ج : با مس ّشهیدی که تغسیل و تکفین در حق او ساقط است ، غسل مس ّمیّت واجب نمی شود.

[س ۲۵۶ این جانب دانشجوی رشته پزشکی هستم]

س ۲۵۶: این جانب دانشجوی رشته پزشکی هستم . گاهی هنگام تشریح مجبور به مس ّ جسد کسانی که از دنیا رفته اند می شویم و نمی دانیم که آن اموات مسلمان هستند یا خیر، و غسل داده شده اند، یا خیر؟ ولی مسئولین می گویند که این اجساد غسل داده شده اند. با توجه به این مطالب امیدواریم وظیفه ما نسبت به نماز و غیر آن را بعد از مس ّ آن اجساد بیان فرمائید، و این که آیا بر اساس آن چه ذکر شد، غسل بر ما واجب می شود یا خیر؟

ج : اگر غسل دادن میّت ، احراز نشود و شما در آن شک داشته باشید، با مس ّ جسد یا اجزاء آن ، غسل مس ّ میّت بر شما واجب می شود، و نماز بدون غسل مس ّ میّت صحیح نیست . ولی اگر اصل غسل میّت احراز شود با مس ّ جسد یا بعضی از اجزای آن ، غسل مس ّ میّت واجب نمی شود، حتی اگر در صحت غسل آن میّت شک داشته باشید.

[س ۲۵۷ شهیدی که نام و نشانی او معلوم نیست]

س ۲۵۷: شهیدی که نام و نشانی او معلوم نیست ، با تعدادی از اطفال در یک قبر دفن شده است . بعد از مدتی شواهدی به دست آمد حاکی از این که آن شهید اهل شهری که در آن دفن شده ، نیست . آیا نبش قبر او جهت حمل جسد شهید به شهر خودش جایز است ؟

ج : اگر بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده ، نبش قبر وی جایز نیست .

[س ۲۵۸ اگر آگاهی از داخل قبر و تصویر برداری تلویزیونی]

س ۲۵۸: اگر آگاهی از داخل قبر و تصویر برداری تلویزیونی از آن چه در آن است ، بدون کندن و خاکبرداری ، ممکن باشد، آیا بر این عمل نبش قبر صدق می کند یا خیر؟

ج : بر تصویر برداری از بدن میتی که در قبر دفن شده است بدون کندن و نبش قبر و آشکار شدن جنازه ، عنوان نبش قبر صدق نمی کند.

[س ۲۵۹ تخریب مقبره های اطراف قبرستان]

س ۲۵۹: شـهرداری قصد دارد مقبره های اطراف قبرستان را برای توسعه کوچه ها، خراب نماید آیا این عمل جائز است ؟ ثانیاً: آیا خارج کردن استخوان های آن اموات و دفن آنها در مکانی دیگر جایز است ؟

ج : تخریب قبور مؤمنین و نبش آنها جایز نیست ، حتی اگر برای تعریض کوچه ها باشد، و در صورت وقوع نبش قبر و آشکار شدن بدن میّت مسلمان یا استخوان های آن که هنوز پوسیده نشده اند، واجب است دوباره دفن شوند.

[س ۲۶۰ اگر شخصی بدون رعایت موازین شرعی اقدام به خراب کردن قبرستان مسلمانان کند]

س ۲۶۰: اگر شخصـی بدون رعایت موازین شـرعی اقدام به خراب کردن قبرسـتان مسلمانان کند، مسلمانهای دیگر در برابر او چه مسئولیتی دارند؟

ج : وظیفه دیگران در این باره نهی از منکر با رعایت شـرایط و مراتب آن است ، و اگر در اثر تخریب قبور اسـتخوان بدن میت مسلمان ظاهر شود واجب است آن را مجدداً دفن نمایند.

[س ۲۶۱ با توجه به وقفی بودن قبرستان]

س ۲۶۱: پـدرم در حدود (۳۶) سـال است که در قبرسـتان دفن شـده است . اکنون به فکر افتـاده ام که بـا کسب اجازه از اداره اوقاف از آن قبر برای خودم اسـتفاده کنم . آیا با توجه به وقفی بودن قبرسـتان ، اجازه گرفتن از برادرانم در این باره لازم است ؟

ج : اجـازه گرفتن از سـایر ورثه میّت نسـبت به قبری که زمین آن وقف عـام برای دفن اموات شـده ، شـرط نیست . ولی قبل از تبدیل استخوان های میّت به خاک ، نبش قبر برای دفن میّت دیگری در آن جایز نیست .

[س ۲۶۲ آیا راهی برای خراب کردن قبرستان مسلمان ها وجود دارد]

س ۲۶۲: آیا راهی برای خراب کردن قبرستان مسلمان ها و تبدیل آن به مراکز دیگر وجود دارد، توضیح دهید؟

ج : تغییر و تبدیل قبرستان مسلمانان که برای دفن اموات مسلمین وقف شده ، جایز نیست .

[س ۲۶۳ نبش قبر و تبدیل قبرستان]

س ۲۶۳: آیا نبش قبر و تبدیل قبرستانی که برای دفن اموات وقف گردیده ، بعد از اخذ اجازه از مرجع تقلید جایز است ؟

ج : در مواردی که نبش قبر و تبـدیل ِقبرسـتان ِوقف شـده برای دفن اموات جایز نیست ، اجازه مرجع تقلید اثری ندارد. و اگر

از موارد استثناء باشد اشکال ندارد.

[س ۲۶۴ در قبر هیچ اثری از جسد مرد مزبور وجود ندارد]

س ۲۶۴: مردی در حدود بیست سال پیش فوت نموده ، چندی پیش هم زنی در همان روستا از دنیا رفت ، اشتباهاً قبر آن مرد را حفر و زن را در آن دفن کردند، با توجه به این که در داخل قبر هیچ اثری از جسد مرد مزبور وجود ندارد، وظیفه فعلی ما چیست ؟

ج : در حال حاضر، با توجه به فرض سؤال ، دیگران هیچ تکلیفی ندارند و مجرد دفن میّت در قبر میّت دیگر موجب جواز نبش قبر برای انتقال جسد به قبر دیگر نمی شود.

[س ۲۶۵ در وسط خیابانی ، چهار قبر وجود دارد]

س ۲۶۵: در وسط خیابانی ، چهار قبر وجود دارد که مانع ادامه جاده سازی هستند، از طرفی هم نبش قبر اشکال شرعی دارد. امیدواریم برای این که شهرداری مرتکب عمل خلاف شرعی نشود، وظیفه ما را بیان فرمائید.

ج : اگر احداث جاده متوقف بر حفر قبر و نبش آن نباشد و عبور جاده از روی قبرها امکان دارد، یا احداث جاده با وجود قبرها ضروری و طبق قانون لازم باشد، احداث آن اشکال ندارد.

غسلهای مستحب

[مسأله ۶۴۴ غسلهای مستحب]

مسأله ۶۴۴ غسلهای مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است و از آن جمله است : ۱ غسل جمعه ، و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود (۱) و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیّت ادا و قضا تا عصر (۲) جمعه به جا آورد (۳). و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است (۴) از صبح شنبه تا غروب ، قضای آن را به جا آورد (۵). و کسی که می ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند (۶) می تواند روز پنجشنبه غسل را انجام دهد (۷) (بلکه اگر در شب جمعه غسل را به امید آن که مطلوب خداوند عالم است به جا آورد، صحیح است (۸)) و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید: «اشهَدُ ان لَا إِلهَ إِلَّا اللّه وَحدَه لَا شَریک لَه وَ ان مُحَمَّداً عَبدُه وَ رَسُولُه اللّهُم صَل عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ وَ اجعَلنِی مِن التَّوّابِین وَ اجعَلنِی مِن المُتَطَهِّرِین».

۲ غسل شب اول ماه رمضان و تمام شبهای طاق مثل شب سوم و پنجم و هفتم ، ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند (و برای غسل شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم بیشتر سفارش شده است (۹)). و وقت غسل شبهای ماه رمضان ، تمام شب است (و بهتر است مقارن غروب آفتاب (۱۰) به جا آورده شود (۱۱)) ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا به جا آورد (۱۲). و نیز مستحب است در شب بیست و سوم غیر از غسل اول شب ، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.

۳ غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا غروب (۱۳) و بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد (۱۴) و اگر از ظهر تا غروب به جا آورد، احتیاط آن است که (۱۵) به قصد رجاء انجام دهد. (۱۶) ۴ غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح و بهتر است در اول شب به جا آورده شود.

۵ غسل روز هشتم و نهم ذی حَجّه (۱۷) و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر به جا آورد.

۶ غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب .

۷ غسل روز عید غدیر (۱۸) و بهتر است در وقت چاشت «صدر نهار» آن را انجام دهد (۱۹).

۸ غسل روز بیست و چهارم ذی حَجّه (۲۰).

۹ غسل روز عید نو روز و پانزدهم شعبان (۲۱) و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست و پنجم ذی قعده (۲۲) ولی غسل روز پانزدهم شعبان و غسلهای دیگری که تا آخر مسأله ۲۳ ذکر شده رجاءً انجام دهد.

۱۰ غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده (۲۴).

۱۱ غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است (۲۵).

۱۲ غسل کسی که در حال مستی خوابیده (۲۶).

۱۳ غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میّتی که غسل داده اند رسانده (۲۷).

۱۴ غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً نخوانده در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد. (۲۸) ۱۵ غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد (۲۹) ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلًا برای شهادت دادن رفته باشد، غسل مستحب نیست .

(۱) (مکارم :) ۱ غسل جمعه ، که از مهمترین و مؤکّدترین غسلهای مستحب محسوب می شود و بهتر است که حتی الامکان آن را ترک نکنند و وقت آن ، از اذان صبح روز جمعه است تا ظهر .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) تا غروب .. (۳) (اراکی :) اگر تا ظهر انجام ندهد بعد از آن تا عصر جمعه اگر بخواهد غسل کند، احتیاط واجب آن است که بدون نیت ادا و قضا انجام دهد ..

(بهجت :) اگر تا ظهر انجام ندهد، بنا بر احوط بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه به جا آورد ..

(مکارم :) اگر تا ظهر انجام نشود احتیاط آن است که بدون نیت ادا و قضا و به قصد ما فی الذّمه تا عصر جمعه به جا آورند .. (۴) [عبارت «مستحب-است » در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۵) (فاضل :) و قضای آن در شب شنبه بنا بر احتیاط صحیح نیست .. (۶) (نوری :) یا موفق نشود .. (۷) (مکارم :) روز پنج شنبه غسل را به نیّت مقدم داشتن انجام دهد. [پایان مورد اوّل] (۸) (گلپایگانی ، صافی :) می تواند روز پنج شنبه غسل کند و یا در شب جمعه رجاءً غسل را انجام دهد .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : بهجت و فاضل نیست] (۹) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۱۰) (گلپایگانی ، صافی :) مقارن غروب ، یا کمی پیش از غروب ..

(نوری :) نزدیک غروب آفتاب .. (۱۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۱۲) (بهجت :) زمان مخصوصی برای این غسلها معیّن نیست ولی بهتر است که در اول شب ، آنها را به جا آورد ..

(مکارم :) وقت این غسلها تمام شب است ، هر چند بهتر است که همراه غروب آفتاب به جا آورند، ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه میان نماز مغرب و عشا انجام دهند و احتیاط آن است که تمام غسلهای ماه مبارک و غسلهایی را که در مسائل آینده می آید به قصد رجاء یعنی به امید مطلوبیت پروردگار به جا آورند. [پایان مورد دوّم] (۱۳) (اراکی :) تا ظهر .. (۱۴) (مکارم :) [پایان مورد سوم] (۱۵) (اراکی ، نوری :) احتیاط واجب آن است که ..

[عبارت «احتیاط آن است که » در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۱۶) (گلپایگانی ، صافی :) ۳ غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و چون احتمال می رود که وقت آن تا غروب باشد اگر بعد از ظهر آن را به جا آورد احتیاط آن است که به قصد رجاء باشد .. (۱۷) (مکارم :) که روز ترویه و روز عرفه نام دارد. [پایان مورد ۵] (بهجت :) [پایان مورد ۵] (۱۸) (مکارم ، بهجت :) [پایان مورد ۷] (۱۹) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بهتر است پیش از ظهر آن را انجام دهد ..

(نوری :) بهتر است بعد از طلوع آفتاب ، اول روز آن را انجام دهد .. (۲۰) - [مورد (۸) در رساله آیت اللّه مکارم نیست]

(۲۱) (بهجت ، مکارم :) و هفدهم ربیع الأوّل [پایان مورد ۹] (۲۲) (گلپایگانی ، صافی :) [پایان مورد ۹] (فاضل :) ۹ غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الأوّل و روز بیست و پنجم ذی القعده را رجاءً انجام دهد. [پایان مورد ۹] (۲۳) (نوری :) تا آخر این بند .. (۲۴) (گلپایگانی ، صافی :) و وقت آن بعد از تولد است تا دو سه روز که بگویند تازه به دنیا آمده و اگر تأخیر شد رجاءً غسل بدهند .. [مورد ۱۰ در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۲۵) و (۲۶) - [مورد ۱۱ و ۱۲ در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۲۷) [مورد ۱۳ در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست] (۲۸) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه احتیاط، ترک نکردن این غسل است چنانکه احتیاط آن است که به قصد ما فی الذّمه به جا آورد از جهت تأخیر نماز یا از جهت به جا آوردن قضاء نماز ..

[مورد (۱۴) در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۲۹) (مکارم :) امّا اگر تصادفاً نگاهش بر او بیفتد، یا برای مطلب لازمی مانند شهادت دادن رفته باشد غسل ندارد، غسل توبه ، یعنی : هر گاه بعد از ارتکاب گناهی توبه کند غسل به جا می آورد.

(بهجت :) [و] غسل برای احرام ، طواف ، وقوف به عرفات و مشعر، برای قربانی کردن ، سر تراشیدن در منی ، برای توبه از معاصی اگر چه گناه صغیره باشد، برای طلب حاجت ، استخاره یعنی طلب خیر از خداوند.

(خوئی ، زنجانی ، سیستانی ، تبریزی :) مسأله در شرع مقدس اسلام غسلهایی مستحب است و از آن جمله است : ۱ غسل جمعه ، و وقت آن بعد از اذان صبح است و بهتر آن است که نزدیک ظهر به جا آورده شود، و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر آن است که بدون نیت ادا و قضا تا غروب به جا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به جا آورد. و کسی که می داند در روز جمعه آب پیدا نخواهد کرد می تواند روز پنج شنبه غسل را رجاءً انجام دهد، و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید: «اشهَدُ ان لا إله ـ الّا اللّه ـ وَحدَه ـ لا شَریک ـ لَه ـ وَ ان ـ مُحَمَّداً عَبدُه ـ وَ رَسُولُه ـ اللّهُم ـ صَلِ ـ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آل ـ مُحَمَّدٍ وَ اجعَلنِی مِن ـ التَّوابِین ـ وَ اجعَلنی مِن ـ المُتَطهِّرین ـ». ۲ غسل شب اول و هفدهم و اول شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم و غسل در شب بیست و چهارم ماه رمضان . ۳ غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بعد از ظهر تا غروب به قصد رجاء بیاورند و بهتر آن است که آن را پیش از نماز عید به جا آورند. ۴ غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح و بهتر آن است که در اول شب به جا آورده شود. ۵ غسل روز هشتم و نهم ذی حجه و در روز نهم بهتر آن است که آن را نزدیک ظهر به جا آورد. ۶ غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً نخوانده در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد. ۷ غسل کسی که جائی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده اند رسانده باشد ۸ غسل احرام ۹ غسل دخول حرم ۱۰ غسل دخول مکه ۱۱ غسل زیارت خانه کعبه ۱۲ غسل دخول کعبه

۱۳ غسل برای نحر و ذبح و حلق ۱۴ غسل داخل شدن مدینه منوره ۱۵ غسل داخل شدن حرم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ۱۶ غسل وداع قبر مطهر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ۱۷ غسل برای مباهله با خصم ۱۸ غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده . ۱۹ غسل برای استخاره ۲۰ غسل برای استسقاء ۲۱ غسل در وقت احتراق قرص آفتاب در کسوف ۲۲ غسل زیارت سیّد الشّهداء علیه السلام هر چند از دور باشد.

(سیستانی :) در شرع مقدس اسلام غسلهای مستحب زیاد است ..

(سیستانی :) وقت آن بعد از اذان صبح است تا غروب آفتاب ..

(تبریزی :) وقت آن از اذان صبح است ..

(زنجانی :) اگر تا ظهر انجام ندهد مستحب است پس از ظهر تا غروب به جا آورد و بنا بر احتیاط در آن نیت ادا و قضا نکند ..

(سیستانی :) یا شب جمعه ..

(زنجانی ، سیستانی :) ۲ غسل شب اول و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و چهارم ماه رمضان (زنجانی : و در شب بیست و سوم غسل دیگری در آخر شب هم مستحب است) ..

(سیستانی :) وقت آن از اذان صبح است تا غروب و بهتر آن است که آن را پیش از نماز عید به جا آورند ..

(زنجانی :) ۳ غسل روز عید فطر و عید قربان ؛ و وقت آن پس از اذان صبح است و بهتر است بعد از ظهر تا غروب به قصد رجاء انجام دهند، و مستحب است آن را پیش از نماز عید به جا آورند ..

[مورد ۴ در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (سیستانی :) در وقت ظهر ..

(زنجانی :) هنگام زوال آفتاب ..

[مورد ۶ در رساله آیات عظام : زنجانی و سیستانی نیست] (زنجانی :) [و] ۷ غسل برای نماز حاجت . ۸ غسل احرام : احتیاط استحبابی مؤکّد در انجام غسل احرام است (تفصیل احکام آن در مناسک حج آمده است .) ۹ غسل دخول حرم مکّه مکرمه ؛ چه قبل از دخول حرم انجام دهد، چه بعد از دخول حرم ، یا در مکه ، یا در منزل خود در مکه . ۱۰ غسل دخول مکه مکرمه . ۱۱ غسل زیارت خانه کعبه . ۱۲ غسل طواف خانه خدا. ۱۳ غسل دخول کعبه . ۱۴ غسل برای نحر و ذبح و حلق . ۱۵ غسل داخل شدن حرم مدینه منوره . ۱۶ غسل داخل شدن شهر مدینه منوره . ۱۷ پیامبر صلی داخل شدن مسجد پیامبرصلی اللّه علیه و آله . ۱۸ غسل وداع قبر مطهر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله . ۱۹ غسل برای مباهله با خصم . ۲۰ غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده . ۲۱ غسل برای استخاره . ۲۲ غسل برای استسقاء. ۲۳ غسل توبه . ۲۴ غسل زیارت سید الشهداء علیه السلام هر چند از

دور باشد. ۲۵ غسل وداع زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام .

(سیستانی :) [و] غسل داخل شدن حرم مدینه منوّره ، غسل داخل شدن مدینه منوّره ، غسل داخل شدن مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ، غسل وداع قبر مطهر

پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ، غسل برای مباهله با خصم ، غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده ، غسل برای استخاره ، غسل برای استسقاء.

(تبریزی :) ۲۲ غسل شب نیمه شعبان . ۲۳ غسل توبه .

[مسأله ۶۴۵ استحباب غسل پیش از داخل شدن در حرم مکه ، شهر مکه]

مسأله ۶۴۵ پیش از داخل شدن در حرم مکه ، شهر مکه ، مسجد الحرام ، خانه کعبه ، حرم مدینه ، شهر مدینه و مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم مستحب ّاست انسان غسل کند و برای داخل شدن در حرم امامان علیهم السلام رجاءً غسل کند (۱) و اگر در یک روز چند مرتبه مشرّف شود یک غسل کافی است و کسی که می خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود، اگر به نیّت همه یک غسل کند کافی است و نیز اگر در یک روز بخواهد داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجدِ پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم شود، یک غسل برای همه کفایت می کند و برای زیارت پیغمبر و امامان علیهم السلام از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و هم چنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام مستحب ّاست انسان غسل کند و اگر یکی از غسلهایی را که در این مسأله گفته شد به جا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می نماید مثلًا بخوابد (غسل او باطل می شود و (۲)) مستحب ّاست دوباره غسل را به جا آورد. (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) برای داخل شدن در حرم امامان علیهم السلام غسل مستحب ّاست .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) مسأله فقهاء در بیان اغسال مستحبه اغسال زیادی نقل فرموده اند که از جمله آنها این چند غسل است : ۱ غسل تمام شبهای طاق ماه رمضان و غسل تمام شبهای دهه آخر آن و غسل دیگری در آخر شب بیست و سوم آن ۲ غسل روز بیست و چهارم ذی الحجه . ۳ غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الأوّل و روز بیست و پنجم ذی القعده ۴ غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است . ۵ غسل کسی که در حال مستی خوابیده . ۶ غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد، ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلًا برای شهادت دادن رفته باشد غسل مستحب ّنیست . ۷ غسل برای دخول مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم ۸ غسل رای زیارت معصومین علیهم السلام از دور یا نزدیک ، ولی أحوط این است که این غسلها را به قصد رجاء به جا آورند.

(زنجانی :) و غسل شبهای پانزدهم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم آن . [پایان مورد اوّل] (زنجانی :) و اول و وسط و آخر رجب و عید غدیر ..

(زنجانی :) ۷ غسل کسی که وزغی کشته است . ۸ غسل به جهت نماز برای رفع اندوه . ۹ غسل برای زیارت معصومین علیهم السلام از دور یا نزدیک . استحباب این غسلها ثابت نیست و آنها را به قصد رجاء می توان انجام داد.

[مورد (۷) در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (سیستانی :) استحباب این غسلها ثابت نیست و کسی که می خواهد انجام دهد باید به قصد رجاء باشد.

(بهجت :) مسأله پیش از داخل شدن در حرم مکّه ، شهر مکّه ، مسجد الحرام ، خانه کعبه ، حرم مدینه ، شهر مدینه ، مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و حرم امامان علیهم السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود، یک غسل کافی است ، بلکه اگر در روز غسل کند، می تواند این اعمال را در شبی که متصل به آن است نیز انجام دهد و هم چنین به عکس ؛ و برای زیارت پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام از دور یا نزدیک ، مستحب است انسان غسل کند.

اگر یکی از غسلهایی را که در این مسأله گفته شد به جا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می نماید، مثلًا بخوابد، غسل او باطل نمی شود ولی مستحب است دوباره غسل را به جا آورد.

تذکر داده می شود که هیچ یک از غسلهای مستحب ، کفایت از وضو نمی کند.

(مکارم :) مسأله غسل کردن برای وارد شدن در مکانهای مقدس به امید ثواب پروردگار مستحب است ، از جمله برای داخل شدن در مکه و مدینه یا برای داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و هم چنین حرم امامان علیهم السلام و اگر در یک روز چند مرتبه مشرّف شود یک غسل کافی است و اگر کسی می خواهد در یک روز داخل مکه شود و به مسجد الحرام رود، یا داخل شهر مدینه شود و به مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم برود یک غسل به نیّت همه کفایت می کند. هم چنین مستحب است غسل برای زیارت پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم یا امامان علیهم السلام از دور یا نزدیک و برای نشاط عبادت و رفتن به سفر به قصد رجاء.

[مسأله ۶۴۶ انسان نمی تواند با غسل مستحبی کاری]

مسأله ۶۴۶ انسان نمی تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۴۵.

(خوئی :) مسأله انسان با غسلهای مستحبّی که برای خود انجام داده و در مسأله [۶۴۴] ذکر شد، می تواند کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد و اما غسلهایی که رجاءً به جا آورده می شود از وضو کفایت نمی کند.

(تبریزی ، نوری :) مسأله انسان می تواند با غسلهای مستحبی که در مسأله [۶۴۴] ذکر شد (نوری : یعنی غسل هایی که استحباب آنها به خصوص ثابت است) کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد، انجام دهد.

(زنجانی :) مسأله انسان با غسلهای مستحبی که برای خود انجام داده (نه مثلًا غسل میّت) و استحبابش ثابت باشد که در مسأله [۶۴۴] گفته شد، می تواند کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد، و امّا غسلهایی که استحباب آن ثابت نیست و

رجاءً به جا آورده می شود، از وضو کفایت نمی کند.

(مکارم :) مسأله انسان نمی توانـد با غسـلی که به امید مطلوب بودن به جا آورده نماز بخواند بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد، ولی با غسلهایی که مستحب ّبودن آن قطعی است مانند غسل جمعه می توان نماز خواند.

(سیستانی :) مسأله انسان می توانـد با غسـلهایی که استحباب شـرعی آنها ثابت شـده ماننـد آن چه در مسأله [۶۴۴] ذکر شد، کـاری که ماننـد نمـاز وضو لازم دارد انجام دهـد و اما غسـلهائی که رجاءً به جا آورده می شود ماننـد آن چه در مسأله [۶۴۵] گذشت از وضو کفایت نمی کند.

[مسأله ۶۴۷ اگر چند غسل بر کسی مستحب ّباشد]

مسأله ۶۴۷ اگر چنـد غسل بر کسـی مستحب ّباشد و به نیّت همه یک غسل به جا آورد کافی است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) مگر در غسلهایی که به سبب کاری که مکلّف انجام داده بر او مستحب شده مثل غسل کسـی که جایی از بـدنش را به بـدن میتی که غسل داده شده رسانده باشد؛ در این گونه غسـلها اکتفاء به یک غسل برای چند سبب مختلف ، محل اشکال است .

(فاضل :) و هم چنین اگر چنـد غسل واجب بر عهـده یک نفر باشـد یا چند واجب و چند مسـتحب ، می تواند به نیت همه آنها یـک غسـل انجـام دهـد و در جایی که چنـد غسل واجب بر عهـده اوست اگر فراموش کنـد و نیت یکی از آن غسـلها را بکند کفایت از سایر غسلها می کند و تمام غسلهای واجب کفایت از وضو می کند مگر غسل استحاضه متوسطه .

(مکارم :) مسأله هر گاه چند غسل مستحبّی ، یا چند غسل که بعضـی مستحب ّاست و بعضی واجب و یا چند غسل واجب بر کسی باشد می تواند یک غسل به نیّت همه آنها به جا آورد.

تیمّم

[احکام تیمّم از رساله حضرت امام]

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمّم کرد (۱):

اشاره

(۱) (بهجت :) (۱) پیـدا نکردن آب . (۲) مشقت بیش از حدّ. (۳) ترس از ضرر. (۴) نیـاز به آب برای حفظ جان . (۵) نیاز به آب برای تطهیر. (۶) نداشتن آب مباح . (۷) نداشتن وقت برای وضو یا غسل . و تفصیل هر کدام به ترتیب ذکر می شود.

اول : از موارد تیمّم

اشاره

آن که تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد (۱). (۱) (بهجت :) اوّل : پیدا نکردن آب .

(سیستانی :) اوّل : نداشتن آب .

[مسأله ۶۴۸ اگر انسان در آبادی باشد]

مسأله ۶۴۸ اگر انسان در آبادی باشد، باید (۱) برای تهیه آب وضو و غسل ، به قـدری جسـتجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود (۲) و اگر در بیابان باشد (۳)، چنانچه زمین آن پست و بلند است (۴) (و یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن زمین مشکل است (۵)) باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب

می کردندش۱) أن «۱» (۶) در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست ، بایـد در هر طرف به انـدازه پرتاب دو تیر جستجو نماید. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنـا بر احتیاط بایـد .. (۲) (زنجانی :) و در صورتی که در اوّل وقت بـدون جستجو نماز بخواند نمازش باطل است ، مگر آن که قصد قربت داشته باشد و معلوم شود که اگر جستجو هم می کرد آب پیدا نمی کرد ..

(سیستانی :) و هم چنین اگر در بیابان اقامت داشته باشد مانند چادر نشینان ؛ و اگر انسان در بیابان در حال سفر باشد باید در راه و در جاهای نزدیک به محل توقّفش ، از آب جستجو کنـد و احتیاط لازم آن است که چنانچه زمین آن پست و بلنـد یا به جهت دیگری ماننـد زیادی درختان ، راه آن دشوار است ، در منطقه ای گرداگرد خود به اندازه پرتاب یک تیر در قدیم که با کمان پرتاب می کردنـد در جستجوی آب برود و در زمین همـوار در هر طرف به انـدازه پرتـاب دو تیر جستجو نمایـد. (۳) (زنجانی :) چنانچه به جهتی ؛ هم چون پست و بلنـد بودن زمین یا زیادی درختان ، راه رفتن در آن دشوار باشـد، باید در دایره ای به شعاع مقـدار پرتاب یک تیرِ قـدیمی که با کمان پرتاب می کردنـد در جستجوی آب برود، در غیر این صورت باید در دایره ای به شعاع مقدار پرتاب دو تیر جستجو کند. (۴) (بهجت :) چنانچه زمین آن سخت است و یا پست و بلنـد است .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه زمین آن پست و بلنـد و یا به جهت زیادی درختان راه آن (تبریزی : راه رفتن در آن) دشوار است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۶) (بهجت :) و در حدود (۲۰۰) قدم می شود ..

[مسأله ۶۴۹ اگر بعضی از چهار طرف هموار]

مسأله ۶۴۹ اگر بعضی از چهار طرف ، هموار و بعضی دیگر پست و بلند (یا عبور در آن مشکل (۱)) باشد، باید (۲) در طرفی که هموار است به انـدازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به انـدازه پرتاب یک تیر جستجو کنـد (۳). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۲) [کلمه «بایـد» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۳) (بهجت :) و همین طور است اگر در یک طرف قسمتی هموار و قسمتی دیگر ناهموار باشد.

(مکارم :) باید در هر طرف طبق دستور خودش عمل نماید.

(زنجانی :) مسأله اگر راه رفتن در برخی از اطراف آسان و در بعضی دیگر دشوار باشد، باید در طرفی که آسان است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که دشوار است به اندازه پرتاب یک تیر، جستجو کند.

[مسأله ۶۵۰ در هر طرفی که یقین دارد آب نیست]

مسأله ۶۵۰ در هر طرفی که یقین دارد (۱) آب نیست ، در آن طرف جستجو لازم نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) اطمینان دارد ..

[مسأله ۶۵۱ کسی که وقت نماز او تنگ نیست]

مسأله ۶۵۱ کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین دارد (۱)، در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست (در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد (۲)) باید برای تهیه آب برود (۳) و اگر گمان دارد آب هست ، رفتن به آن محل لازم نیست (۴) ولی اگر اطمینان داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود (۵). (۱) (گلپایگانی ، بهجت ، صافی :) اگر یقین یا اطمینان دارد ..

(زنجانی :) اگر اطمینان داشته باشد .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی و زنجانی نیست] (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) ولی اگر اطمینان ندارد، رفتن به آن مکان لازم نیست . [پایان مسأله] (سیستانی :) اگر یقین یا اطمینان دارد در محلّی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست ، باید برای تهیه آب به آنجا برود، مگر آن قدر دور باشد که عرفاً شخص را فاقد آب بشمارند ..

(مکارم :) اگر اطمینان دارد که آب در محلّی دورتر از این مقدار موجود است باید به سراغ آن برود، مگر این که مشقّت فوق العاده ای داشته باشد. ولی اگر احتمال دهد یا گمان داشته باشد آب در فاصله دورتر است ، جستجو لازم نیست . [پایان مسأله] (۴) (گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۵) (خوئی ، تبریزی :) اگر گمان او قوی و به حدّ اطمینان باشد باید برای تهیه آب به آن محل برود.

[مسأله ۶۵۲ لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود]

مسأله ۶۵۲ لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود (۱)، بلکه می تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد و در

این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است (۲). (۱) (زنجانی :) بلکه اگر شخصی که به گفته او اطمینان دارد جستجو نماید و انسان مطمئن شود که اگر خودش هم برود آب پیدا نمی کند کافی است .

(سیستانی :) بلکه می تواند به گفته کسی که جستجو کرده و به گفته او اطمینان دارد اکتفا کند. (۲) (بهجت :) و هم چنین اگر کسی اهل آن ناحیه باشد و خبر از نبودن آب بدهد به همان اکتفا می شود.

[مسأله ۶۵۳ اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود آب هست]

مسأله ۶۵۳ اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود، یا در منزل یا در قافله آب هست

باید (۱) به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند (۲) یا از پیدا کردن آن ناامید شود. (۳) این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط بایـد .. (۲) (سیسـتانی ، زنجانی :) اطمینان کند .. (۳) (سیستانی :) مگر آن که قبلًا در موردی آب وجود نداشته و احتمال برود که بعداً پیدا شده باشد که در این صورت جستجو لازم نیست .

[مسأله ۶۵۴ اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید]

مسأله ۶۵۴ اگر پیش از وقت نمـاز جسـتجو نمایـد و آب پیـدا نکنـد و تـا وقت نمـاز همان جا بمانـد، لازم نیست که دوباره در جسـتجوی آب برود (۱). (۱) (مکـارم :) مگر این که تغییری در اوضـاع محـل پیـدا شـده باشـد و هم چنین اگر برای یک نماز جستجو کند برای نمازهای دیگر تا تغییری پیدا نشده جستجو لازم نیست .

(گلپایگـانی ، خوئی ، اراکی ، صـافی ، تـبریزی ، سیسـتانی ، زنجـانی :) چنـانچه احتمـال دهـد که آب پیـدا می کنـد، احتیـاط مستحب (اراکی : احتیاط واجب) آن است که دوباره در جستجوی آب برود.

[مسأله ۶۵۵ اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند]

مسأله ۶۵۵ اگر بعـد از داخل شـدن وقت نماز جسـتجو کنـد و آب پیـدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همان جا بماند، جسـتجو لازم نیست . (۱) (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، اراکی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) چنانچه احتمال دهد که آب پیدا می کند احتیاط مسـتحب (اراکی ، فاضل : احتیاط واجب) آن است که دوباره در جسـتجوی آب برود. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۵۴.

[مسأله ۶۵۶ اگر از درنده بترسد]

مسأله ۶۵۶ اگر از درنـده بترسد (۱)، یا جسـتجوی آب به قـدری سـخت باشد که نتواند تحمّل کند یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جسـتجو لازم نیست (۲) ولی اگر بتوانـد مقداری جسـتجو کند به همان مقدار جسـتجو لازم است و اگر از دزد بر جان یا مال خودش بترسـد نبایـد در جسـتجوی آب برود (۳)، ولی اگر مـالی که احتمال می دهـد از بین برود به حسب حال او قابل اعتنا نباشد و ترس دیگری هم نداشته باشد جستجوی آب واجب است . (۱) (فاضل :) اگر از درنده یا دزد بر جان و مالش بترسد .. (۲) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله اگر وقت نماز تنگ باشـد یا از دزد و درنـده بترسـد یا جستجوی آب به قـدری سخت باشد که نتواند تحمل کند جستجو لازم نیست .

(سیستانی :) که معمولًا امثال او تحمل نمی کنند ..

(مکارم :) مسأله هر گاه وقت نماز تنگ است و اگر جستجوی آب کند وقت می گذرد و یا خطری وجود دارد، جستجو لازم نیست ، ولی اگر بتواند مقداری جستجو کند همان مقدار لازم است .

(زنجانی :) مسأله اگر وقت نماز تنگ باشد جستجو لازم نیست ، هم چنین اگر از دزد یا درنده بترسد یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نوعاً تحمل نمی شود جستجو لازم نیست و می تواند در اول وقت نماز بخواند.

[مسأله ۶۵۷ اگر در جستجوی آب نرود]

مسأله ۶۵۷ اگر در جستجوی آب نرود (۱) تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده (۲)، ولی نمازش با تیمّم صحیح است . (۱) (مکارم :) اگر عمداً به جستجوی آب نرود .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) اگر چه معصیت کرده ..

(سیستانی :) در صورتی که اگر می رفت آب پیدا می کرد معصیت کرده ..

(زنجانی :) رجوع کنید به مساله اختصاصی (۶۶۴)، در همین صفحه .

[مسأله ۶۵۸ کسی که یقین دارد آب پیدا نمی کند]

اشاره

مسأله ۶۵۸ کسی که یقین دارد آب پیدا نمی کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد نمازش باطل است (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه وقت وسعت داشته باشد لازم است وضو گرفته و نماز را اعاده نماید. (سیستانی :) بنا بر احتیاط، لازم است وضو گرفته و نماز را دوباره بخواند.

(بهجت :) باید بنا بر احتیاط واجب نماز را اعاده نماید.

(نوری :) بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده یا قضا نماید.

(زنجانی :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۶۶۵)، در همین صفحه .

مسائل اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۶۶۴ اگر کسی احتمال می دهد که آب پیدا کند، و در جستجوی آب نرود و در وسعت وقت با تیمم نماز بخواند نمازش باطل است ، و هم چنین اگر کسی به جهت غفلت یا ندانستن مسأله در جستجوی آب نرود نمازی که با تیمم در وسعت وقت خوانده بنا بر احتیاط واجب باطل است و در هر صورت چنانچه با قصد قربت تیمم کرده و نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو هم می کرد آب پیدا نمی کرد نمازش صحیح است ، و نیز اگر در جستجوی آب نرود و در هنگامی که می ترسد اگر نماز را تأخیر بیندازد نماز قضا شود، با تیمم نماز بخواند نمازش صحیح است و لازم نیست آن را با وضو دوباره بخواند، هر چند به جهت عدم جستجوی آب معصیت کرده است .

(زنجانی :) مسأله ۶۶۵ کسی که به جهتی ؛ چون ترس از دزد و درنده ، جستجوی آب برای او واجب نبود، می تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند و اگر پس از خواندن نماز در وقت یا خارج وقت آب هم پیدا کند لازم نیست نماز خود را دوباره

بخوانـد هر چنـد مطـابق احتیاط اسـتحبابی است ؛ ولی اگر یقین داشـته باشـد که آب پیـدا نمی کنـد و در وسـعت وقت بـدون جسـتجو با تیمم نماز بخوانـد و بعـد از نماز در وقت آب پیـدا کند، یا بفهمد که اگر جسـتجو می کرد آب پیدا می کرد، بنا بر احتیاط واجب باید نمازی را که خوانده دوباره بخواند و اگر در وقت نخواند آن را قضا کند.

[مسأله ۶۵۹ اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند]

اشاره

مسأله ۶۵۹ اگر بعد از جسـتجو، آب پیدا نکند (۱) و با تیمّم نماز بخوانـد و بعـد از نماز بفهمد (۲) در جایی که جستجو کرده آب بوده نماز او صحیح است (۳). (۱) (سیستانی :) و مأیوس از پیدا شدن آن شود .. (۲) (زنجانی :) بعد از نماز آب پیدا کند، یا بفهمد ..

(صافی :) بعد از وقت بفهمد .. (۳) (زنجانی :) چه قبل از وقت جستجو کرده باشد یا در وقت ، هر چند احتیاط مستحب در

این است که نمازش را دوباره بخواند؛ خصوصاً اگر در خارج وقت جستجو کرده باشد.

(صافی :) و اگر در وقت فهمید احتیاط، اعاده نماز با وضو است .

(خوئی ، تبریزی :) در صورتی که وقت باقی باشد باید (تبریزی : بنا بر احتیاط) وضو گرفته و نماز را دوباره به جا آورد، (تبریزی : مگر این که آب را بر اثر تکرار جستجو پیدا کرده باشد که در این صورت ، اعاده لازم نیست).

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب نماز را اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(بهجت :) نماز را احتیاطاً اعاده کند گر چه واجب نبودن اعاده ، خالی از وجه نیست .

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) مسأله ۶۶۷ (سیستانی :) مسأله ۶۵۰ کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است اگر بدون جستجو با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز (خوئی ، تبریزی : و پیش از گذشتن وقت) بفهمد که برای جستجو وقت داشته احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند (گلپایگانی ، صافی : و اگر وقت گذشته ، قضا نماید).

(زنجانی :) مسأله ۶۶۷ کسی که به جهت ترس از تنگی وقت بدون جستجو با تیمم نماز بخواند، و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته ، نمازش صحیح است ؛ ولی احتیاط مستحب آن است که نمازش را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

[مسأله ۶۶۰ اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضو داشته باشد]

مسأله ۶۶۰ اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند (۱) نمی تواند وضو بگیرد چنانچه بتواند (بدون ضرر و مشقّت (۲)) وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید (۳) و هم چنین است اگر بداند یا دو شاهد عادل (۴) خبر دهند که تهیه آب برای او ممکن نیست بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهد احتیاط واجب آن است که وضوی خود را باطل نکند. (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) تهیه آب برای او ممکن نیست یا ..

(فاضل :) تهیه آب برای او ممکن نیست چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید. [پایان مسأله] (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی و زنجانی نیست] (۳) (گلپایگانی ، اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، صافی ، تبریزی :) ولی می تواند با عیال خود نزدیکی کند اگر چه بداند که از غسل متمکن نخواهد شد. [پایان مسأله

] (زنجانی :) و اگر بخواهد با عیال خود نزدیکی کند، باید در صورت امکان ، اول نماز بخواند. [پایان مسأله] (بهجت :) و هم چنین است اگر بدانـد که تهیه آب برای او ممکن نیست . [پایـان مسـأله] (۴) (نوری :) یـا یک عادل که قول او مفیـد اطمینان باشد ..

(سیستانی :) مسأله اگر وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیّه آب برای او ممکن نیست یا نمی تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد

بنـا بر احتیـاط واجب نبایـد آن را باطـل نمایـد؛ چه قبـل از وقت باشـد و چه بعـد از دخول وقت ؛ ولی می توانـد بـا عیـال خود نزدیکی کند، اگر چه بداند که از غسل ، متمکّن نخواهد شد.

(مکارم :) مسأله کسـی که وضو دارد و می داند اگر وضوی خود را باطل کند نمی تواند وضو بگیرد، چنانچه ضـرر یا مشـقّت فوق العـاده ای نـدارد بایـد وضوی خود را برای نمـاز نگه دارد، حتّی اگر احتمـال قابـل توجّهی بدهـد که آب برای وضو پیـدا نخواهد کرد.

[مسأله ۶۶۱ اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد]

مسأله ۶۶۱ اگر پیش از وقت نماز وضو داشـته باشد (۱) و بدانـد (یا احتمال عقلایی دهد یا دو شاهد عادل خبر دهند (۲)) که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست چنانچه بتواند بدون ضـرر و مشـقّت وضوی خود را نگهدارد (۳) احتیاط واجب (۴) آن است که آن را باطل نکند. (۵) (۱) (مکارم :) و می داند بعداً دسترسی به آب ندارد، احتیاط واجب آن است که وضوی خود را نگهـدارد. [پایـان مسـأله] (۲) (اراکی ، نوری :) بدانـد، یـا دو شاهـد عـادل (نوری : یـا یک عادل که گفتار او اطمینان آور باشد) خبر دهند .. (زنجانی :) بداند یا احتمال عقلایی بدهد ..

[قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیـات عظـام : گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، صافی و تبریزی نیست] (۳) (گلپایگـانی ، خوئی ، زنجـانی ، فاضـل ، صـافی ، تبریزی :) چنانچه بتوانـد وضوی خود را نگهـدارد .. (۴) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، تبریزی :) احتیاط مستحب .. (بهجت :) احتیاط .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) و تا ممکن است رعایت این احتیاط را بنماید.

(زنجانی :) ولی نزدیکی با عیال مانعی ندارد. (سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۶۰.

[مسأله ۶۶۲ کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد]

مسأله ۶۶۲ کسـی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد (۱) اگر بداند (۲) یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزد (۳) آب پیـدا نمی کنـد، چنانچه وقت نماز داخل شـده باشد، ریختن آن حرام است و احتیاط واجب (۴) آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد (۵) بلکه خالی از قُوّت نیست و هر گاه احتمال عقلایی هم بدهد که اگر آب را بریزد دیگر آب پیـدا نمی کند احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آب را نریزد. (۱) (خوئی :) کسی که فقط به مقدار غسل آب دارد .. (۲) (اراکی :) اگر ندانـد .. (۳) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، بهجت ، تبریزی ، مکارم ، سیسـتانی ، فاضل :) می داند که اگر آن را بریزد .. (زنجانی :) می داند یا احتمال عقلایی بدهد که اگر آن را بریزد ..

(نوری :) بدانـد یا دو شاهـد عادل ، یا یک عادل که قول او مفیـد اطمینان باشـد خبر دهند که اگر آن را بریزد .. (۴) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، تـبریزی :) احتیـاط مستحب .. (بهجت :) احتیـاط .. (۵) (اراکی ، خـوئی ، سیسـتانی ، تـبریزی ، فاضـل ،

زنجانی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و تا ممکن است این احتیاط را مراعات نماید. [پایان مسأله]

(مکـارم :) و هم چنین اگر احتمال عقلایی می دهـد که اگر آب را بریزد آب دیگری به دسـتش نمی رسـد احتیاط واجب آن است که آب را نگهدارد و در تمام این صورتها اگر آب را بریزد کار خلافی کرده اما نماز او با تیمّم صحیح است .

(نوری :) بلکه هر گاه احتمال عقلائی هم بدهد که اگر آب را بریزد دیگر آب پیدا نمی کند واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آب را نریزد و نگاه بدارد.

[مسأله ۶۶۳ کسی که می داند یا دو شاهد عادل خبر دهند که آب پیدا نمی کند]

مسأله ۶۶۳ کسـی که می دانـد یا دو شاهد عادل (۱) خبر دهنـد که آب پیـدا نمی کند (۲) اگر بعـد از داخل شـدن وقت نماز وضـوی خود را باطل کنـد یـا آبی که دارد بریزد (۳) معصـیت کرده ولی نمـازش بـا تیمّم صـحیح است (۴)، اگر چه احتیـاط مستحب ّ آن است که قضای آن نماز را بخواند. (۱) (نوری :) یا یک نفر عادل که قول او اطمینان بخش باشـد .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، فاضل :) کسـی که می دانـد آب پیـدا نمی کنـد .. (۳) (زنجانی :) کسـی که می دانـد یا احتمال عقلایی می دهد آب پیدا نمی کند .. (۴) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۶۲.

(سیسـتانی :) مسأله کسـی که می دانـد آب پیدا نمی کند اگر وضوی خود را باطل کند، یا آبی که دارد بریزد، اگر چه خلاف کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است و لکن احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را نیز بخواند.

دوم از موارد تیمّم

[مسأله ۶۶۴ اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد دسترسی به آب نداشته باشد]

مسأله ۶۶۴ اگر به واسطه پیری (۱) یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشـتن وسیله ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمّم کند (۲) و هم چنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقّت داشته باشد که مردم تحمّل آن را نکنند (۳). (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) یا ناتوانی .. (۲) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیسـتانی :) [و] اگر تهیه کردن آب یا اسـتعمال آن برای او حرج و مشـقتی داشـته باشـد که معمولًا تحمل نمی شود می تواند تیمم کنـد ولی اگر تحمل کنـد و وضو بگیرد و یا غسل کنـد وضو و غسل او صـحیح است . (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) ولی در صورت اخیر چنانچه تیمم ننماید و وضو بگیرد وضوی او صحیح است .

(مکارم :) مسأله هر گاه آب در چاه باشد و به واسـطه عدم توانایی یا نداشتن وسیله دسترسی به آب ندارد باید تیمّم کند و هم چنین اگر مشقّت فوق العاده داشته باشد که عادتاً مردم آن را تحمّل نمی کنند.

[مسأله ۶۶۵ اگر برای کشیدن آب از چاه دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد]

مسأله ۶۶۵ اگر برای کشیدن آب از چاه ، دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد، یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد (۱) باید تهیه کند، و هم چنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند، ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید (۲).

(۱) (بهجت :) در صورتی که اجحاف نباشد .. (۲) (زنجانی :) اگر تهیه آب برای او مشقت غیر قابل تحمل دارد یا هتک حیثیت او باشد، واجب نیست .

(مکارم :) مسأله اگر برای بیرون آوردن آب از چاه وسایلی لازم است ، باید تهیّه کند یا کرایه نماید، هر چند به چند برابر قیمت معمول باشد، امّا اگر تهیّه وسایل یا خریدن خود آب وضو آن قدر هزینه می خواهد که نسبت به حال او ضرر دارد، واجب نیست .

[مسأله ۶۶۶ اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند]

مسأله ۶۶۶ اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید ولی کسی که می داند یا گمان دارد که نمی تواند قرض خود را بدهد (۱) واجب نیست قرض کند. (۱) (بهجت :) کسی که می ترسد نتواند قرض خود را بدهد ..

(زنجانی :) کسی که نمی تواند قرض خود را بدهد ..

[مسأله ۶۶۷ اگر کندن چاه مشقّت ندارد]

مسأله ۶۶۷ اگر کندن چاه مشقّت ندارد (۱)، به احتیاط واجب (۲) باید برای تهیه آب ، چاه بکند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، سیستانی :) مشقّت زیادی ندارد .. (زنجانی :) مشقت غیر قابل تحمل ندارد .. (۲) [عبارت « به احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی و زنجانی نیست (بهجت :) مسأله اگر حفر چاه مشقّت ندارد، باید برای تهیه آب ، چاه حفر کند. مگر این که ضرر غیر مالی مهمی در این کار باشد که به خاطر آن ، دیگر این کار واجب نباشد.

(فاضل :) مسأله اگر کندن چاه مشقتی که معمولًا تحمل نمی شود ندارد باید برای تهیه آب ، چاه بکند.

[مسأله ۶۶۸ اگر کسی مقداری آب بی منّت به او ببخشد]

مسأله ۶۶۸ اگر کسی مقداری آب بی منّت (۱) به او ببخشد باید قبول کند. (۱) (فاضل :) بدون منتی که معمولًا تحمل نمی شود .. (مکارم :) بدون منّت فوق العاده ..

(زنجانی :) مسأله اگر کسی مقداری آب به او ببخشد باید قبول کند، مگر منتی داشته باشد، که غیر قابل تحمل باشد یا هتک حیثیت شخص باشد.

سوم : از موارد تیمم [ترس از ضرر]

[مسأله ۶۶۹ اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد]

مسأله ۶۶۹ اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود (۱)، یا مرضش طول بکشد یا شدّت کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمّم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند (۲). (۱) (سیستانی :) اگر استعمال آب موجب مرگ او باشد یا از استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود .. (۲) (خوئی :) در مواردی که غسل لازم است .

(بهجت :) در صورتی که مخارج گرم کردن در حدّ متعارف باشد نه خارج از حدّ معمول .

(سیستانی :) اگر بتواند ضرر آب را به طوری برطرف کند مثل این که آب را گرم کند، باید این کار را بکند و وضو بگیرد و در مواردی که غسل لازم است غسل کند.

[مسأله ۶۷۰ لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد]

مسأله ۶۷۰ لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد (۱)، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه (احتمال او در نظر مردم به جا باشد (۲) و (۳)) از آن احتمال ، ترس برای او پیدا شود باید تیمّم کند. (۱) (مکارم :) همین اندازه که خوف ضرر داشته باشد کافی است که وضو نگیرد و تیمّم کند. (۲) (سیستانی :) باید تیمم کند. [پایان مسأله] (۳) - [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست]

[مسأله ۶۷۱ کسی که مبتلا به درد چشم است]

مسأله ۶۷۱ کسی که مبتلا به درد چشم است (۱) و آب برای او ضرر دارد باید تیمّم نماید (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (زنجانی :) و از استعمال آب ، بر چشم خود می ترسد باید تیمّم نماید. (۲) (مکارم :) اگر بتواند اطراف چشم را بشوید باید وضو بگیرد و الّا تیمّم می کند.

[مسأله ۶۷۲ اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر تیمّم کند]

مسأله ۶۷۲ اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر (۱)، تیمّم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمّم او باطل است (۲). و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است (۳). (۱) (سیستانی :) یقین یا احتمال ضرر .. (۲) (فاضل :) و نمی تواند با آن نماز بخواند .. (۳) (فاضل :) ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

(گلپایگانی :) اگر بعد از نماز بفهمد، بنا بر احتیاط مستحب، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(خوئی ، تبریزی :) اگر بعد از نماز بفهمد، بنا بر احتیاط واجب در صورتی که وقت باقی باشد، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا ندارد.

(صافی :) اگر بعد از نماز پیش از گذشتن وقت بفهمد، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته باشد، قضا ندارد.

(زنجانی :) اگر بعد از نماز در وقت بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند، ولی اگر پس از گذشتن وقت بفهمد قضا لازم نیست .

(سیستانی :) اگر بعد از نماز بفهمد، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند مگر در صورتی که وضو یا غسل در حالت

یقین یا احتمال ضرر، موجب نگرانی روحی باشد که تحملش مشکل است .

(بهجت :) اگر قطع او بر اساس منشاء و علامت معتبری بوده نمازش صحیح است و گر نه بنا بر احتیاط نمازش را باید دو مرتبه بخواند.

(مکارم :) مسأله کسی که می داند آب برای او ضرر دارد هر گاه تیمّم کند و بعداً بفهمد آب برای او ضرر نداشته تیمّم او باطل است و اگر نماز با آن خوانده ، بنا بر احتیاط واجب اعاده کند.

[مسأله ۶۷۳ کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد]

مسأله ۶۷۳ کسی که می داند (۱) آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته (۲)، وضو و غسل او صحیح است (۳). (۱) (سیستانی :) کسی که یقین داشته .. (فاضل :) کسی که فکر می کند .. (۲) (خوئی :) در صورتی که ضرر به حدی نباشد که اقدام برای آن شرعاً حرام است ..

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید اگر در وقت است و نماز را نخوانده تیمّم هم بنماید و اگر نماز را خوانده دوباره آن را با تیمّم بخواند و اگر وقت گذشته با وضو یا غسل آن را قضا نماید.

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که تیمم کند و اگر نماز خوانده اعاده نماید. (۳) (سیستانی :) وضو و غسل او باطل است .

چهارم : از موارد تیمم [نیاز به آب برای حفظ جان .]

[مسأله ۶۷۴ هر گاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند]

مسأله ۶۷۴ هر گاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود او یا بستگانش از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمّل آن مشقّت دارد خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمّل آن مشقّت دارد، باید به جای وضو و غسل تیمّم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر معمولًا برای خوردن ، سرش را نمی برند از تشنگی تلف شود (۱)، باید آب را به آن بدهد و تیمّم نماید (اگر چه حیوان مال خودش نباشد (۲)) و هم چنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود (۳). (۱) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) اگر بترسد حیوانی که مال خود اوست از تشنگی تلف شود ..

(بهجت :) اگر بترسد حیوانی از تشنگی تلف شود، در صورتی که ذبح آن حیوان برای او ضرر داشته باشد .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، فاضل و صافی نیست] (۳) (فاضل :) [که] باید آب را به او بدهد و تیمم نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله هر گاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند دچار زحمت می شود باید تیمّم نماید و جواز تیمّم به این جهت در سه صورت است :

۱ آن که اگر آب را در وضو یا غسل صرف نماید، خودش فعلًا یا بعداً به تشنگی که باعث تلف یا مرضش می شود یا تحملش مشقت زیادی دارد مبتلا خواهد شد.

۲ آن که بر کسانی که حفظشان بر او واجب است بترسد که از تشنگی تلف یا بیمار شوند.

۳ آن که بر غیر خود چه انسان باشد یا حیوان بترسد و تلف یا بیماری یا بی تابیشان بر او گران باشد و در غیر این سه صورت (تبریزی : در غیر این صورت) با داشتن آب ، تیمّم جایز نیست .

(سیستانی :) مسأله اگر به آب برای رفع تشنگی نیاز باشد باید تیمم نماید، و جواز تیمم به این جهت در دو صورت است :

۱ آن که اگر آب را در وضو یا غسل صرف نماید خودش فعلًا یا بعداً به تشنگی که باعث تلف یا مرضش می شود یا تحمّلش مشقّت زیادی دارد مبتلا خواهد شد.

۲ آن که بر غیر خود از کسانی که به او وابسته اند بترسد هر چند از نفوس محترمه نباشد اگر شئون زندگی او برایش اهمیت داشته باشد چه از جهت علاقه شدیده باشد یا از این جهت که تلف شدن او ضرر مالی برایش دارد یا رعایت حال او عرفاً لازم باشد مانند دوست و هم سایه . در غیر این دو صورت هم تشنگی ممکن است مجوز تیمم باشد ولی نه از این جهت بلکه از جهت وجوب حفظ جان یا از این که مرگ یا بی تابی او مطمئناً موجب حرج بر خودش خواهد شد.

(زنجانی :) مسأله اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برسانـد بر خود یا دیگری بترسد، در سه صورت جایز یا لازم است تیمم کند:

۱ آن که اگر آب را در وضو یا غسل صـرف نمایـد خودش فعلًا یا بعداً به تشـنگی بیفتد که باعث تلف یا مرض صـعب العلاج گردد، در این صورت لازم است تیمم کنـد و اگر تحمل تشـنگی برای او مشـقت زیادی داشـته باشـد، می تواند تیمم کند ولی تیمم لازم نیست .

۲ آن که اگر آب را در وضو یـا غسـل صـرف نمایـد، نتوانـد موجودی را که حفظش بر او واجب است حفظ کنـد که در این صورت لازم است تیمم کند.

۳ آن که بر غیر خود؛ چه انسـان باشـد یا حیوان ، بترسـد و تلف یا بیماری یا بی تابیشان برای او مشـقت غیر قابل تحمل داشـته باشد که در این صورت می تواند تیمم کند. و در غیر این سه صورت با داشتن آب تیمم جایز نیست .

(مکارم :) مسأله هر گاه به مقدار کافی آب دارد امّا اگر آن را به مصـرف وضو یا غسل برساند می ترسد خودش یا فرزندان یا دوسـتان و همراهانش از تشـنگی هلاک یا بیمار شوند، یا فوق العاده به زحمت بیفتند، باید تیمّم کند و آب را نگه دارد، و هم چنین اگر انسان غیر مسـلمانی جان او در خطر باشـد باید آب را به او بدهد و تیمّم نماید؛ در باره حیوان نیز همین حکم جاری است .

[مسأله ۶۷۵ اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد]

مسأله ۶۷۵ اگر غیر از آب پـاکی کـه برای وضـو یـا غسـل دارد آب نجسـی هم به مقـدار آشامیـدن خـود (و کسـانی که بـا او مربوطند (۱)) داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمّم نماز بخواند (۲) ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواهد (۳) بایـد آب نجس را به آن بدهـد (۴) و بـا آب پاک ، وضو و غسل را انجام دهـد (۵). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رسـاله آیات عظام : سیسـتانی و زنجانی نیست] (۲) (زنجـانی :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۳) (سیسـتانی :) چنانچه آب را برای کسانی که به او مربوطنـد بخواهـد می توانـد که با آب پاک وضو بگیرد یا غسل نماید اگر چه آنان مجبور شوند که برای رفع تشـنگی خود از آب نجس اسـتفاده کننـد بلکه اگر آنـان از نجاست آب خبر نداشـته باشـند یا از آشامیـدن آب نجس اجتناب نداشـته باشـند، لازم است که آب پـاک را در وضو و غسل اسـتعمال نمایـد و هم چنین اگر آب را برای حیوانش یا بچه نابالغ بخواهد، .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) چنـانچه آب را برای حیوانش یا بچه نابالغ بخواهـد، بایـد آب نجس را به آنان بدهـد .. (۵) (تبریزی :) به شرط آن که نجاست آب موجب ضرر نباشد.

(مکارم :) مسأله هر گاه غیر از آب پاک ، آب نجسـی هم به مقدار آشامیدن دارد، از آب نجس نمی تواند اسـتفاده کند، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و برای نماز تیمّم کند، ولی دادن آب نجس به حیوان اشکالی ندارد.

پنجم : از موارد تیمم [نیاز به آب برای تطهیر]

[مسأله ۶۷۶ کسی که بدن یا لباسش نجس است]

مسأله ۶۷۶ کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند باید (۱) بدن یا لباس را آب

بکشد و با تیمّم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمّم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند. (۱) (خوئی :) بنا بر احتیاط واجب .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط ..

ششم : از موارد تیمّم [نداشتن آب مباح]

[مسأله ۶۷۷ اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد]

مسأله ۶۷۷ اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلًا آب یا ظرفش غصبی است (و غیر از آن ، آب و ظرف دیگری ندارد (۱)) باید به جای وضو و غسل تیمّم کند. (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (مکارم :) مسأله هر گاه آب یا ظرفش غصبی است ، یا از طلا و نقره است و آب و ظرف دیگری ندارد باید به جای وضو یا غسل تیمم کند.

هفتم : از موارد تیمم [نداشتن فرصت برای وضو یا غسل]

[مسأله ۶۷۸ هر گاه وقت به قدری تنگ باشد]

مسأله ۶۷۸ هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمّم کند (۱). (۱) (بهجت :) تمام نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمّم کند. و در صورتی که اگر وضو بگیرد یک رکعت از نماز را در وقت می خواند و بقیه را خارج وقت ، ولی اگر تیمّم کند تمام نماز را در وقت می خواند، می تواند بنا بر اظهر هر کدام را خواست انجام دهد ولی احتیاط مستحب در تیمّم و خواندن تمام نماز در وقت است . و اگر با تیمّم هم تمام نماز را نمی تواند در وقت بخواند باید بنا بر احوط بلکه اقرب وضو بگیرد و یک رکعت نماز را در وقت با وضو بخواند.

[مسأله ۶۷۹ اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد]

مسأله ۶۷۹ اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ، ولی نماز او با تیمّم صحیح است (۱) اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند. (۱) (تبریزی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده

.

[مسأله ۶۸۰ کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند]

مسأله ۶۸۰ کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه ، باید تیمّم کند (۱). (۱) (صافی :) و نماز بخواند.

(گلپایگانی :) اگر شک او در مقدار وقت باشد مثل آن که نداند یک ساعت وقت دارد یا نیم ساعت باید وضو یا غسل را به جا آورد، لکن اگر بداند که نیم ساعت بیشتر وقت ندارد و شک کند که در این نیم ساعت می تواند غسل کند یا وضو بگیرد و نماز بخواند یا نمی تواند، در این صورت نباید غسل کند یا وضو بگیرد؛ باید تیمّم کند و نماز بخواند.

(مکارم :) مسأله کسی که نمی داند وقت تنگ شده یا نه ، باید وضو بگیرد یا غسل کند، ولی اگر می داند مقدار کمی وقت دارد اما می ترسد اگر سراغ وضو یا غسل برود به نماز نرسد، باید تیمّم کند.

[مسأله ۶۸۱ کسی که به واسطه تنگی وقت تیمّم کرده]

مسأله ۶۸۱ کسی که به واسطه تنگی وقت تیمّم کرده (۱)، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود (۲)، اگر چه تیمّم خود را نشکسته باشد در صورتی که وظیفه اش تیمّم باشد، باید دوباره تیمّم نماید (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (فاضل :) تیمم او فقط برای عملی که وقت آن ضیق است مفید است و بعداً بلاـ فاصله باطل می شود لذا .. (۲) (فاضل :) یا عذر دیگری برای او پیدا شود .. (۳) (بهجت :) برای نمازهای بعدی .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) مسأله کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده ، و بعد از نماز می توانسته وضو بگیرد و نگرفته ، تا آبی که داشته از دستش رفته ، در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد، باید (خوئی ، زنجانی ، سیستانی : برای نمازهای بعدی) دوباره تیمم نماید، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد.

[مسأله ۶۸۲ کسی که آب دارد]

مسأله ۶۸۲ کسی که آب دارد، اگر به واسطه تنگی وقت با تیمّم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد می تواند با همان تیمّم نماز بخواند. (۱) (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی :) چنانچه وظیفه اش تیمّم باشد احتیاط مستحب (خوئی ، تبریزی : احتیاط واجب) آن است که برای نمازهای بعدی دوباره تیمّم کند.

(سیستانی :) چنانچه وظیفه اش تیمم باشد لازم نیست برای نمازهای بعدی دوباره تیمم کند، گر چه بهتر است .

(فاضل :) برای نمازهای بعد نمی تواند با همان تیمّم نماز بخواند بلکه باید دوباره تیمّم نماید.

[مسأله ۶۸۳ اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد]

مسأله ۶۸۳ اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبّی آن مثل اقامه و قنوت (۱) بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد (۲) بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند (۳). (۱) (زنجانی :) بلکه سوره .. (۲) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (مکارم :) اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، می تواند آن را ترک نماید و با وضو نماز بخواند.

چیزهایی که تیمّم به آنها صحیح است

[مسأله ۶۸۴ تیمّم با خاک و ریگ و کلوخ و سنگ]

مسأله ۶۸۴ تیمّم به خاك و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاك باشند صحیح است ، و به گِل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است . (۱) (۱) (اراکی :) به گِل پخته مثل آجر و کوزه ، هر چند کوبیده شود و نرم گردد صحیح نیست .

(نوری :) به گل پخته مثل آجر و کوزه و هم چنین به گچ و آهک پخته ، صحیح نیست .

(بهجت :) به آجر و کوزه قبل از پخته شدن نیز صحیح است ولی اگر پخته شده باشد و چیز دیگری برای تیمّم ندارد، احتیاطاً هم به اینها و هم به مانند گِل یا غبار تیمّم نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله تیمّم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمّم نکند و اگر خاک نباشد با ریگ ، و اگر ریگ نباشد با کلوخ و چنانچه کلوخ هم نباشد، با سنگ تیمّم نماید.

(خوئی ، تبریزی :) اگر خاک نباشد، با ریگ یا کلوخ ، و چنانچه ریگ و کلوخ هم نباشد با سنگ تیمّم نماید.

(سیستانی :) اگر خاک نباشد، با ماسه بسیار نرمی که خاک بر آن صدق کند؛ و اگر ممکن نباشد با کلوخ و اگر ممکن نباشد با ریگ و چنانچه ریگ و کلوخ هم نباشد با سنگ تیمم نماید.

(مکارم :) مسأله تیمّم بر چند چیز جایز است : خاک ، شن ، ریگ ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده) و سنگ ، به شرط این که پاک باشند و مختصر غباری لا اقل بر آنها باشد.

(زنجانی :) مسأله در حال اختیار تیمم باید به خاک یا چیزهایی که از زمین بوده و پودر شده ؛ مانند سنگ پودر شده و گچ پودر شده صورت گیرد، و تیمم به گچ و آهک پخته و آجر پخته که پودر شده است در حال اختیار جایز است .

[مسأله ۶۸۵ تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه]

مسأله ۶۸۵ تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است ولی تیمّم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد (۱) و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمّم به آن صحیح است ، به گچ و آهک پخته هم تیمّم نکند و اگر دسترسی به خاک و مانند آن ندارد و امر دایر است بین گچ یا آهک پخته و بین غبار یا گل باید به احتیاط واجب جمع کند بین تیمّم به هر دو. (۱) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و احتیاط واجب آن است که به گچ و آهک پخته هم تیمّم نکند. [پایان مسأله] (مکارم :) و احتیاط واجب آن است که بر گچ و آهک پخته و هم چنین بر آجر و سفال تیمّم نکند. [پایان مسأله (گلپایگانی ، صافی :) مسأله تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است و با بودن چیزی که تیمّم بر آن صحیح است ، أحوط آن است که به گچ و آهک پخته تیمّم نکند، (گلپایگانی : ولی به سنگ معدنی مثل سنگ عقیق تیمّم باطل می باشد).

(خوئی ، تبریزی :) مسأله تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است و بنا بر احتیاط واجب (تبریزی : بنا بر احتیاط) در حال اختیار به گچ و آهک پخته (خوئی : و آجر پخته) و به سنگ معدن مثل سنگ عقیق تیمّم ننمایند.

(زنجانی :) مسأله تیمّم بر سنگ و هر چیزی که مانند سنگ با زدن دست هیچ چیزی از آن به دست نمی چسبد، در حال اختیار یا غیر اختیار جایز نیست و کسی که تنها سنگ در اختیار دارد، بنا بر احتیاط مستحب با آن تیمم نموده و نماز بخواند ولی باید بعداً نماز را قضا نماید. سنگ گچ و سنگ آهک حکم سایر سنگها را دارد و تیمم به جواهر؛ مانند عقیق ، هر چند

پودر شده باشد، جایز نیست .

(سیستانی :) مسأله تیمّم با سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است و هم چنین تیمّم با گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینها جمع می شود چنانچه به قدری باشد که در نظر عرف ، خاک نرم محسوب شود صحیح است اگر چه احتیاط مستحبّ آن است که در حال اختیار بر آن تیمّم ننمایند. و هم چنین بنا بر احتیاط مستحبّ در حال اختیار با گچ و آهک پخته و آجر پخته و با سنگ معدن مثل سنگ عقیق تیمّم ننمایند.

(بهجت :) مسأله تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک قبل از پخته شدن صحیح است و اگر سنگ گچ و آهک پخته شده است و چیز دیگری ندارد احتیاطاً هم به آنها و هم به گل یا غبار، اگر برایش ممکن است ، تیمّم نماید. ولی تیمّم به جواهر مانند سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد.

[مسأله ۶۸۶ اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود]

مسأله ۶۸۶ اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش (۱) و لباس و مانند اینهاست (۲) تیمّم نماید (و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد تیمّم به آن صحیح نیست مگر آن که اول دست بزنند تا روی آن غبار آلوده شود بعد تیمّم کند (۳)) و چنانچه گرد پیدا نشود (۴)، باید به گل تیمّم کند (۵) و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحبّ (۶) آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند و بنا بر احتیاط (۷) بعداً قضای آن را به جا آورد (۸). (۱) (خوئی ، فاضل ، تبریزی :) در فرش .. (۲) (مکارم :) روی لباس و مانند آن است .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، مکارم ، تبریزی و فاضل نیست] (۴) (مکارم :) چنانچه غبار پیدا نشود .. (۵) (خوئی :) و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که در صورت تمکّن به یکی از امور گذشته (گچ ، آهک ، آجر، سنگ معدن) نیز تیمّم کند و اگر غبار و گل میسور نشد فقط به یکی از این امور تیمّم نماید و اگر هیچ یک از اینها پیدا نشود احتیاط مستحبّ آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند، ولی واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد. (۶) (فاضل :) احتیاط واجب .. (۷) [عبارت «بنا بر احتیاط» در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۸) (تبریزی :) اگر گِل هم پیدا نشود، واجب است بعداً قضای آن را بجا آورد.

(فاضل :) واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد.

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند و بعداً قضای آن را به جا آورد. و چنین کسی را «فاقد الطّهورین » نامند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند اینها نشسته اگر ظاهر است تیمّم کند و اگر گرد و غبار آنها ظاهر نیست ، ولی وقتی دست به آن می زنند گرد برمی خیزد، احتیاط، جمع بین تیمّم به آن و تیمّم به گِل است و چنانچه اصلًا گرد پیدا نشود، باید به گِل تیمّم کند و اگر گِل هم پیدا نشود، احتیاط آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند ولی واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گِل تیمّم کند و اگر گِل هم پیدا نشد باید بر روی

فرش یا لباس و مانند اینها که گرد و غبار در لای آنها می باشد یا آن که بر روی آنها نشسته

ولی به مقداری نیست که از نظر عرف ، خاک محسوب شود تیمّم کند و اگر هیچ یک از اینها پیدا نشود احتیاط مستحب ّ آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند ولی واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد.

(بهجت :) مسأله اگر خاک ، ریگ ، کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید با تکان دادن لباس و فرش و مانند آن خاک تهیه کند. هم چنین اگر بـا خُشـک کردن گِل بتوانـد خاک تهیه کنـد بایـد این کار را انجام دهـد، و اگر تهیه خاک به هیـچ صورتی ممکن نیست ، دست خود را بر لباس یا فرش وماننـد آن بزند تا روی آن غبارآلود شود و بر آن تیمّم کند و اگر غبار در لای لباس یا فرش باشـد تیمّم بر آن صـحیح نیست ؛ چنـانچه گرد و غبـار هم پیـدا نشود، بایـد به گِل تیمّم کنـد، و اگر گِل هم پیـدا نشود، احتیاط مستحب ّ آن است که نماز را بدون تیمّم بخواند و بنا بر اقوی بعداً قضای آن را به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله در صورتی که خاک وماننـد آن پیـدا نشود باید به گرد و غباری که روی اشـیاء نشسـته تیمم کند و اگر آن هم پیـدا نشد باید به گِل تیمم کند و در صورتی که گِل هم پیدا نشد، بنا بر احتیاط مستحب بدون تیمم نماز بخواند ولی باید بعداً نماز را قضا نماید.

[مسأله ۶۸۷ اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند]

مسأله ۶۸۷ اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمّم به گرد (۱) باطل است و اگر بتواند گِل را خشک کند و از آن خـاک تهیه نمایـد، تیمّم به گِل باطل می باشـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) تیمم به چیز گردآلود .. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۶۸۶.

[مسأله ۶۸۸ کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد]

مسأله ۶۸۸ کسی که آب نـدارد اگر برف یا یـخ داشته باشـد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید (۱) و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمّم به آن صحیح است ندارد، احتیاط مستحب ّ آن است که نماز را بدون وضو و تیمّم بخواند (۲) و بنا بر احتیاط واجب بعـداً قضا کند (۳). (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۲) (اراکی :) و بعداً قضا کند. (بهجت :) و بعداً باید قضای آن را هم بخواند.

(فاضـل :) احتیـاط واجب آن است که نماز را بـدون وضو و تیمم بخوانـد و به هر حال بایـد بعـداً قضا کنـد. (۳) (گلپایگانی ، صـافی :) اگر ممکـن نیست و چیزی هم که تیمّم به آن صـحیح است نـدارد، احتیـاط واجب (صـافی : احتیـاط) آن است که با برف یـا یـخ اعضاء وضویا غسل را نمناک کنـد و اگر این هم ممکن نیست به یـخ یا برف تیمّم نمایـد ولی در دو صورت اخیر نمازی را که خوانده باید قضا کند.

(تبریزی :) اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمّم به آن صحیح است ندارد، لازم است نماز خود را در خارج وقت قضا نماید.

(خوئی ، سیستانی :) اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمّم بر آن صحیح است ندارد، لازم است نماز خود را در خارج وقت قضا نماید و بهتر آن است که با برف یا یخ ، اعضاء وضو یا غسل را نمناك کند (سیستانی : و در وضو با رطوبت دست ، سر و پاها را مسح نماید) و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمّم نماید و در وقت نیز نماز را بخواند (سیستانی : و در هر دو صورت قضا لازم است).

(زنجانی :) اگر ممکن نیست ، باید تیمم کند؛ ولی اگر چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، بنا بر احتیاط واجب با برف یا یخ اعضای وضو یا غسل را نمناک کند و نماز خوانده و در خارج وقت قضای نماز را نیز بخواند و اگر نمناک کردن اعضا با برف و یخ هم ممکن نیست بنا بر احتیاط مستحب با یخ و برف تیمم کند و در وقت نماز بخواند ولی لازم است نماز خود را در خارج وقت قضا نماید.

[مسأله ۶۸۹ اگر با خاک و ریگ چیزی مانند کاه که تیمّم به آن باطل است]

مسأله ۶۸۹ اگر با خاک (و ریگ (۱)) چیزی مانند کاه که تیمّم به آن باطل است مخلوط شود، نمی تواند به آن تیمّم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک (یا ریگ (۲)) از بین رفته حساب شود، تیمّم به آن خاک (و ریگ (۳)) صحیح است (۴). (۱)، (۲) و (۳) - [قسمتهای داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۴) (بهجت :) بلکه اگر آن چیز کم باشد و از بین رفته هم حساب نشود ولی عرفاً خاک و ریگ گفته شود، بعید نیست تیمّم صحیح باشد.

[مسأله ۶۹۰ اگر چیزی ندارد که بر آن تیمّم کند]

مسأله ۶۹۰ اگر چیزی ندارد که بر آن تیمّم کند چنانچه ممکن است ، باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۶۹۱ تیمّم به دیوار گلی صحیح است]

مسأله ۶۹۱ تیمّم به دیوار گلی (۱) صحیح است (۲) و احتیاط مستحب ّ آن است که با بودن (زمین یا (۳)) خاک خشک ، به (زمین یا (۴)) خاک نمناک تیمّم نکند. (۱) (زنجانی :) که با زدن دست بر آن ، دست انسان خاکی می شود .. (۲) (بهجت :) و هم چنین است تیمّم به زمین و خاک نمناک ؛ و تیمّم به گِل سفت شده نیز صحیح است ، بنا بر این گِلی که تیمّم به آن با وجود زمین و خاک خشک صحیح نیست ، گِلی است که تر باشد. (۳) و (۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست]

[مسأله ۶۹۲ چیزی که بر آن تیمّم می کند باید پاک باشد]

مسأله ۶۹۲ چیزی که بر آن تیمّم می کند باید پاک باشد (۱) و اگر چیز پاکی که تیمّم به آن صحیح است ندارد، نماز بر او واجب نیست ولی باید قضای آن را به جا آورد (۲). (۱) (سیستانی :) چیزی که بر آن تیمّم می کند باید شرعاً پاک باشد و بنا بر احتیاط واجب عرفاً نیز پاکیزه باشد یعنی آلوده به چیزی که موجب تنفر است نباشد .. (۲) (خوئی ، سیستانی :) و بهتر آن است که در وقت نیز نماز بخواند. (سیستانی : مگر در موردی که نوبت به فرش گردآلود و مانند آن رسیده است که اگر نجس باشد احتیاط واجب این است که با آن تیمم کند و نماز بخواند و بعداً هم قضا کند).

(گلپايگانى ، صافى :) احتياط آن است كه نماز را بى تيمّم بخواند ولى واجب است بعد قضاى آن را به جا آورد.

(تبريزى :) نماز را بنا بر احتياط با تيمّم بخواند و نيز قضاى آن را به جا آورد.

(بهجت :) احتياط در اين است كه نماز را بدون تيمّم بخواند و بعداً با وضو يا غسل يا تيمّم نماز را دو مرتبه بخواند.

(فاضل :) بنا بر احتياط واجب بدون تيمّم و وضو نماز را بخواند و بايد قضاى آن را بعداً به جا آورد.

(مكارم :) رجوع كنيد به ذيل مسأله ۶۸۴.

(زنجانی :) مسأله اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، بنا بر احتیاط به چیز نجس تیمم کرده و نماز خوانده و بعداً قضای آن را نیز به جا آورد.

[مسأله ۶۹۳ اگر یقین داشته باشد که تیمّم به چیزی صحیح است]

مسأله ۶۹۳ اگر یقین داشته باشد که تیمّم به چیزی صحیح است و به آن تیمّم نماید، بعد بفهمد تیمّم به آن باطل بوده نمازهایی را که با آن تیمّم خوانده باید دوباره بخواند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و به جهت نیست

[مسأله ۶۹۴ چیزی که بر آن تیمّم می کند]

مسأله ۶۹۴ چیزی که بر آن تیمّم می کند (۱) باید غصبی نباشد (۲). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) و مکان آن چیز .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) پس اگر بر خاك غصبی تیمّم کند، یا خاکی را که مال خود اوست بی اجازه ، در ملك دیگری بگذارد و بر آن تیمّم کند، تیمّم او باطل است .

(سیستانی :) پس اگر بر خاك غصبی تیمّم کند تیمّم او باطل است .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب . هم چنین مکان آن چیزی که بر آن تیمم می کند در صورتی که تیمم ، تصرف در شی ء غصبی به شمار آید، بنا بر احتیاط مستحب غصبی نباشد، پس اگر بر خاك غصبی تیمم کند، یا خاکی را که مال خود اوست بی اجازه در ملك دیگری بگذارد و بر آن تیمم کند، تیمم او بنا بر احتیاط مستحب باطل می باشد.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب . اما اگر نداند غصبی است یا فراموش کرده باشد، تیمّم او صحیح است ، مگر آن که خودش آن را غصب کرده باشد.

[مسأله ۶۹۵ تیمّم در فضای غصبی باطل نیست]

مسأله ۶۹۵ تیمّم در فضای غصبی باطل نیست (۱)، پس اگر در ملك خود، دستها را به زمین بزند و بی اجازه داخل ملك دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد، تیمّم او باطل نمی شود. (۲) این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی :) باطل است ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب باطل است . [پایان مسأله] (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) باطل است .

(سیستانی :) تیمّم او صحیح می باشد اگر چه گناه کرده است .

[مسأله ۶۹۶ اگر نداند محل تیمّم غصبی است]

مسأله ۶۹۶ اگر نداند محل تیمّم غصبی است و یا فراموش کرده باشد، تیمّم او صحیح است (۱)، اگر چه فراموش کننده خود، غاصب باشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) مگر آن که فراموش کننده خود غاصب باشد، که بنا بر احتیاط تیمّمش باطل است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۶۹۴).

(خوئی ، تبریزی :) مسأله تیمّم به چیز غصبی ، یا در فضای غصبی یا بر چیزی که در ملك غصبی است در حالی که فراموش کرده یا غفلت داشته باشد صحیح است ولی اگر چیزی را خودش غصب کرده و فراموش کند که غصب کرده (و بر آن تیمّم کند، یا ملکی را غصب کند و فراموش کند که غصب کرده) و چیزی را که بر آن تیمّم می کند در آن ملك بگذارد، یا در فضای آن ملك تیمّم نماید حکم او حکم عامد است .

(گلپایگانی ، صافی :) در صورتی باطل است که انسان بداند غصب است و عمداً تیمّم کند و چنانچه نداند یا فراموش کرده باشد تیمّم صحیح است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه تبریزی نیست] (گلپایگانی ، صافی :) باطل است .

(سیستانی :) مسأله تیمّم به چیز غصبی در حالی که فراموش کرده یا غفلت داشته باشد صحیح است ولی اگر چیزی را خودش غصب کند و فراموش کند که غصب کرده صحّت تیمّم او بر آن چیز محل اشکال است .

(زنجانی :) مسأله در مواردی که تیمم به جهت غصب باطل است در صورت عذر مانند فراموشی یا غفلت صحیح است ، ولی فراموشی و غفلت برای خودِ غاصب عذر نیست بنا بر این تیمم او بنا بر احتیاط مستحب باطل است ؛ و نیز کسی که به جهت ندانستن مسأله به چیز غصبی تیمم کند، چنانچه در ندانستن مسأله کوتاهی نکرده باشد تیمم او صحیح است .

[مسأله ۶۹۷ کسی که در جای غصبی حبس است]

مسأله ۶۹۷ کسی که در جای غصبی حبس است (۱)، اگر آب و خاک او غصبی است ، باید با تیمّم نماز بخواند (۲). (۱) (مکارم :) می تواند بر خاک یا سنگ آن تیمّم نماید و نماز بخواند. (۲) (اراکی :) چنانچه آن آب دارای قیمت است باید با تیمّم نماز بخواند و چنانچه قیمت ندارد، احتیاط واجب آن است که با تیمّم نماز بخواند بعداً نماز را اعاده یا قضا نماید.

(بهجت :) در صورتی که تیمّم موجب تصرّفی بیشتر از ماندن در آنجا نشود یا صاحب آن زمین به تیمّم کردن او راضی باشد.

[مسأله ۶۹۸ مستحب-است چیزی که بر آن تیمّم می کند]

مسأله ۶۹۸ مستحب-است چیزی که بر آن تیمّم می کند، گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن ، مستحب-است دست را بتکاند که گرد آن بریزد. (خوئی :) مسأله چیزی که بر آن تیمّم می کند بنا بر احتیاط در صورت امکان باید گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن ، دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط مستحب دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

(زنجانی :) مستحب است دست را بتکاند که بیشتر گرد آن بریزد.

(سیستانی :) مسأله چیزی که بر آن تیمّم می کند، بنا بر احتیاط لازم باید گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن ، نباید دست را به شدت بتکاند که همه گرد آن بریزد.

(بهجت :) مسأله مستحب است بعد از زدن دست بر چیزی که تیمّم بر آن صحیح است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

(مکارم :) مسأله همان گونه که اشاره شد [در مسأله ۶۸۴] واجب است تا آنجا که امکان دارد چیزی که بر آن تیمّم می کند گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن ، مستحب است دست را بتکاند که گرد و خاک اضافی آن بریزد.

[مسأله ۶۹۹ تیمّم به زمین گود و خاک جاده]

مسأله ۶۹۹ تیمّم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زار که نمک روی آن را نگرفته مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد باطل است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله بهتر است از تیمّم بر زمینهای آلوده ، زمین گود، کنار جاده ها و زمین شوره زار در صورتی که نمک روی آن نگرفته باشد خودداری کند و اگر نمک روی آن را گرفته است باطل است و اگر آلودگی طوری است که بیم بیماری از تیمّم بر آن می رود، باید بنا بر احتیاط واجب بدون تیمّم نماز بخواند و بعداً قضا کند.

دستور تیمّم

[مسأله ۷۰ در تیمّم چهار چیز واجب است]

مسأله ۷۰۰ در تیمّم (۱) چهار چیز واجب است : اول : نیّت . دوم : زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم به آن صحیح است (۲). سوم : کشیدن کف هر دو دست (۳) به تمام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر می روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید (۴) دستها روی ابروها هم ، کشیده شود. چهارم : کشیدن کف دست چپ (۵) به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست (۶) به تمام پشت دست چپ . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در تیمم بدل از وضو ..

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) در تیمم بدل از وضو یا غسل .. (۲) (زنجانی :) زدن یا قرار دادن کف دو دست بر چیزی که تیمم به آن صحیح است ، و احتیاط مستحب آن است که کف هر دو دست با هم به زمین زده شود ..

(بهجت :) دوم : زدن تمام کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است و بنا بر احتیاط واجب همراه با ضربه باشد و گذاشتن دو دست بر زمین کافی نیست .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) تمام کف هر دو دست .. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) احتیاطاً باید ..

(نوری :) بنا بر احتیاط مستحب .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) تمام کف دست چپ .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) تمام کف دست راست ..

(مکارم :) مسأله برای تیمّم باید اول نیّت کند، بعد تمام دو کف دست را با هم بر چیزی که تیمّم بر آن صحیح است بزنند، سپس هر دو را بنا بر احتیاط واجب به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی بکشد و احتیاط واجب آن است که روی ابروها را نیز مسح کند، سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست می کشد و بعد از آن ، کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ .

(سیستانی :) مسأله در تیمم بدل از وضو یا غسل سه چیز واجب است : اوّل : زدن یا گذاشتن کف

دو دست بر چیزی که تیمم با آن صحیح است ، و بنا بر احتیاط لازم این کار در دو کف باید با هم انجام گیرد. دوّم : کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی از جائی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و هم چنین دو طرف پیشانی بنا بر احتیاط واجب و احتیاط مستحب آن است که دستها روی ابروها هم کشیده شود. سوّم : کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست است و کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ و احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دست راست و دست چپ رعایت شود. لازم است تیمم را با نیت و به قصد قربت انجام دهد همان گونه که در وضو گذشت .

[مسأله ۷۰۱ تیمّم بدل از غسل و بدل از وضو]

مسأله ۷۰۱ تیمّم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند (۱). (۱) (مکارم :) ولی احتیاط مستحب ّ آن است که در تیمّم بدل از غسل یک بار دیگر دستها را بر زمین زند و مجدداً با آن ، پشت دست راست و سپس پشت دست چپ را مسح کند.

(بهجت :) ولی احتیاط مستحب ّ آن است که در تیمّم بدل از غسل بلکه در هر تیمّمی بعد از مسح پیشانی یک بار دیگر کف دستها را به زمین بزند و پشت دستها را به همان صورتی که گفته شد با کف دست دیگر مسح نماید.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب ّ آن است که تیمّم را چه بدل از وضو باشد چه بدل از غسل ، به این ترتیب به جا آورد: یک مرتبه دستها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دستها را مسح نماید (زنجانی : و از این بهتر آن است که دو مرتبه دستها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد و سپس دو مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دستها را مسح کند).

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله تیمّم بدل از غسل مثل تیمّم بدل از وضو است ، ولی احتیاط مستحب ّ آن است که تیمّم بدل از غسل را با دو ضرب انجام دهد به این نحو که : یک مرتبه دستها را به زمین بزند و به پیشانی بکشد و مرتبه دیگر دستها را به زمین بزند و به پشت دستها بکشد بلکه احتیاط مستحب ّ آن است که تیمّم را چه بدل از وضو باشد چه بدل از غسل به ترتیب زیر به جا آورد: یک مرتبه دستها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دستها را مسح نماید.

(فاضل :) بلکه احتیاط مستحب ّ آن است که تیمّم بدل از وضو را هم با دو ضرب انجام دهد بلکه بهتر آن است که تیمّم را به سه ضرب انجام دهد: دو مرتبه پشت سر هم دستها را به زمین بزند و بر پیشانی بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و بر پشت دستها بکشد.

احکام تیمّم

[مسأله ۷۰۲ اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند]

مسأله ۱۷۰۲اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند تیمّم باطل است ، چه عمداً مسح نکند، یا مسأله را نداند (۱)، یا فراموش کرده باشد ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام (۲) پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) [عبارت « یا مسأله را نداند» در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۲) [کلمه «تمام » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست]

[مسأله ۷۰۳ برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده]

مسأله ۷۰۳ برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست . این مساله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (سیستانی :) مسأله اگر یقین نکند که تمام پشت دست را مسح کرده باید برای این که یقین کند مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست .

(مکارم :) مسأله برای آن که یقین کند تمام پیشانی و پشت دستها را مسح کرده باید کمی از اطراف آن را نیز داخل کند، ولی مسح میان انگشتان لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله مسح بین انگشتان لازم نیست .

[مسأله ۷۰۴ پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید]

مسأله ۷۰۴ پیشانی و پشت دستها را باید (۱) از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله بدهد که نگویند تیمّم می کند (۲) باطل است . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط باید ..

(فاضل ، مکارم ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۲) (زنجانی :) نگویند یک کار انجام داده است ..

[مسأله ۷۰۵ در موقع نیّت باید معیّن کند که تیمّم او بدل از غسل است]

مسأله ۷۰۵ در موقع نیّت باید معیّن کند که تیمّم او بدل از غسل است یا بدل از وضو و اگر بدل از غسل باشد باید آن غسل را معین نماید (۱) و چنانچه اشتباهاً به جای بدل از وضو، بدل از غسل یا به جای بدل از غسل ، بدل از وضو نیّت کند، یا مثلًا در تیمّم بدل از غسل جنابت ، نیّت تیمّم بدل از غسل مس ّ میّت نماید، تیمّم او باطل است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) و چنانچه یک تیمّم بر او واجب باشد و قصد نماید که وظیفه فعلی خود را انجام دهد اگر چه در تشخیص اشتباه کند تیممش صحیح است .

(فاضل :) اگر بر او هم تیمم بدل از غسل واجب باشد، هم تیمم بدل از وضو، در موقع نیّت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو، و نیز اگر چند تیمم بدل از غسل باشد باید آن غسل را معین نماید .. (۲) (اراکی :) مگر آن که در تطبیق آن اشتباه کرده باشد.

(فاضل :) اگر اشتباه او اشتباه در تشخیص نباشد تیمّم او باطل است و اگر بر او یک تیمم واجب باشد قصد امر فعلی را بنماید

کافی است .

(سیستانی :) مسأله در نیّت ، لازم نیست معیّن کند که تیمّم او بدل از غسل است یا بدل از

وضو، ولی در مواردی که بایـد دو تیمّم انجام دهـد لازم است به طوری هر یک از آنها را معیّن کنـد و چنانچه یک تیمّم بر او واجب باشد و قصد نماید که وظیفه فعلی خود را انجام دهد اگر چه در تشخیص اشتباه کند، تیمّمش صحیح است .

(مکـارم :) مسـأله لازم نیست در موقع نیّت معیّن کنـد که تیمّم او بـدل از غسـل است یـا بـدل از وضو، همین انـدازه که قصـد اطاعت امر الهی را دارد کـافی است ، حتّی اگر یکی را به جـای دیگری نیّت کنـد امـا قصـد او اطـاعت امر واقعی الهی باشـد، صحیح است .

(زنجـانی :) مسـأله چنـانچه بر انسان دو گونه تیمم لازم باشـد؛ مثلًا به جهت نداشـتن آب بایـد به جای غسل تیمم کنـد و نیز به جهت نـذری که داشـته باید به جای وضو تیمم نماید، باید در موقع نیت معین کند که تیمم بدل از غسل انجام می دهد یا بدل از وضو ولی اگر یک تیمم بر او واجب است لازم نیست نوع آن را تعیین کند.

[مسأله ۷۰۶ در تیمّم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد]

مسأله ۷۰۶ در تیمّم باید (۱) پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد (۲) و اگر (۳) کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد (۴)، باید با همان کف دست نجس تیمّم کند (۵). (۱) (صافی :) باید بنا بر احتیاط .. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب بایـد اعضای تیمّم و کف دسـتها پاک باشـد .. (۳) (فاضـل :) ولی اگر .. (۴) (گلپایگـانی :) احتیـاط واجب ((صافی :) احتیـاط مسـتحب) آن است که دو تیمّم کنـد: یکی با کف دست و یکی با پشت دست یعنی پشت دست را به چیزی که تیمّم به آن صـحیح است بزنـد و به پیشانی و پشت دسـتها بکشـد. (۵) (فاضـل :) ولی اگر نجـاست کف دست مُسری باشـد در این صورت باید با پشت دست یا ذراع تیمّم نماید.

(بهجت :) و احتیاط واجب در این است که اگر روی دست نجس نیست ، هم با کف دست و هم با روی دست تیمّم نماید.

(خوئی ، زنجـانی ، تبریزی :) مسـأله در تیمّم ، بنـا بر احتیاط اسـتحبابی بایـد (خوئی ، زنجانی : پیشانی و) کف دسـتها و پشـت دستها در صورت تمکّن پاک باشد.

(سیستانی :) مسأله در تیمم لازم نیست پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد، اگر چه بهتر است .

[مسأله ۷۰۷ انسان باید برای تیمّم انگشتر را از دست بیرون آورد]

مسأله ۷۰۷ انسان بایـد برای تیمّم (۱) انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشـانی یا پشت دسـتها یا در کف دسـتها مانعی باشد، مثلًا چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید. (۱) (سیستانی :) انسان باید هنگام مسح کشیدن بر دستها ..

[مسأله ۷۰۸ اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است]

مسأله ۱۷۰۸اگر پیشانی یا پشت دستها (۱) زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند (۲)، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم

باشـد و پـارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسـته نتوانـد باز کنـد، بایـد دست را با همان پارچه به چیزی که تیمّم به آن صـحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد (۳). (۱) (مکارم :) پشت دستها یا کف دستها .. (۲) (مکارم :) یا ضرر دارد، باید با همان حال تیمّم کنـد. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) و اگر کف دست به سـبب شکسـتگی یـا عارضه دیگری به طوری در میان گچ باشد که قابل برداشتن نیست ، برای تیمّم از دیگران کمک بگیرد.

(سیستانی :) ولی اگر قسمتی از آن باز باشد زدن آن مقدار و مسح با آن کافی است .

[مسأله ۷۰۹ اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد]

مسأله ۱۷۰۹اگر پیشانی و پشت دستها (۱) مو داشـته باشد اشکال ندارد ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد (۲)، باید آن را عقب بزند. (۱) (سیستانی :) به مقدار متعارف .. (۲) (بهجت :) و بیش از حد معمول باشد ..

(مکارم :) مسأله اگر موی پیش سر روی پیشانی افتاده آن را باید کنار زند.

[مسأله ۷۱۰ اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دستها یا پشت دستها مانعی هست]

مسأله ۱۷۱۰اگر احتمـال دهـد که در پیشانی و کف دسـتها یا پشت دسـتها مانعی هست ، (چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد (۱)) بایـد جسـتجو نمایـد، تا یقین یا اطمینان پیـدا کند که مانعی نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیت اللّه اراکی نیست] (مکـارم :) مسـأله اگر احتمال قابل توجهی می دهـد که مانعی در کار باشد باید جستجو نماید.

[مسأله ۷۱۱ اگر وظیفه او تیمّم است]

مسأله ۱۷۱۱اگر وظیفه او تیمّم است و نمی تواند تیمّم کند، باید نائب بگیرد. و کسی که نائب می شود، باید او را با دست خود او تیمّم دهد (۱) و اگر ممکن نباشـد (۲) بایـد نائب ، دست خود را به چیزی که تیمّم به آن صـحیح است بزنـد و به پیشانی و پشت دسـتهای او بکشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) باید دست او را بر چیزی که تیمّم صـحیح است بزند و بر پیشانی و دسـتهایش بکشد و اگر زدن ممکن نباشد، دست او را بر چیزی که تیمّم صـحیح است بگذارد و او را تیمّم دهد .. (۲) (مکارم :) باید نائب بگیرد یعنی کسـی دستهای او را بر زمین بزند، یا اگر ممکن نیست بر زمین بگذارد و بعد با دست خودش او را تیمّم دهد، اگر این هم ممکن نباشد ..

(سیسـتانی :) مسأله اگر وظیفه او تیمّم است و نمی توانـد به تنهایی تیمّم کنـد بایـد از دیگری کمک بگیرد تا دسـتهای او را بر چیزی که تیمّم بـا او صـحیح است بزنـد و سپس آنها را بر پیشانی و دسـتهای او بگـذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دسـتها بکشد و اگر این ممکن نبود باید نائب او را با دست خود او تیمّم دهد و اگر ممکن نباشد

باید نائب ، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد، و در این دو صورت ، بنا بر احتیاط لازم باید هر دو نیّت تیمّم را نمایند ولی در صورت اول ، نیّت خود مکلّف کافی است .

[مسأله ۷۱۲ اگر بعد از آن که وارد تیمّم شد]

مسأله ۷۱۲اگر بعد از آن که وارد تیمّم شد شک کند که قسمت پیش از آن را فراموش کرده یا نه ، اعتنا نکند و تیمّم او صحیح است و نیز اگر بعد از به جا آوردن هر جزء شک کند که درست به جا آورده یا نه ، اعتنا نکند و تیمّم او صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (خوئی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر در بین تیمّم شک کند که قسمتی از آن را فراموش کرده یا نه چنانچه از محل آن گذشته به شک-خود اعتنا نکند و اگر نگذشته باید آن قسمت را (صافی : با آن چه بعد از آن است) به جا آورد.

(گلپایگانی :) باید آن قسمت را با آن چه بعد از آن است به جا آورد.

(زنجانی :) چنانچه از محل آن نگذشته ، باید آن قسمت را به جا آورد، بلکه بنا بر احتیاط اگر از محل آن هم گذشته ، باید بر گردد و آن قسمت را به جا آورد.

(مکارم :) مسأله بعد از فراغت از تیمّم اگر شک کند که درست انجام داده ، یا نه اعتنا نکند و اگر در اثناء شک کند احتیاط واجب آن است که بر گردد و قسمت مشکوک را دوباره انجام دهد.

[مسأله ۷۱۳ اگر بعد از مسح دست چپ شک کند]

مسأله ۷۱۳اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمّم کرده یا نه (۱)، تیمّم او صحیح است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) در صورتی که (زنجانی : مسأله را می دانسته و) احتمال بدهد که حال عمل ملتفت بوده .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) و چنانچه شک-او در مسح دست چپ باشد لازم است او را مسح کند مگر آن که (سیستانی : عرفاً از تیمّم فارغ شده باشد مثل این که) در عملی که مشروط به طهارت است ، داخل شده و یا موالات فوت شده باشد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۱۲.

[مسأله ۷۱۴ کسی که وظیفه اش تیمّم است]

مسأله ۷۱۴ کسی که وظیفه اش تیمّم است بنا بر احتیاط واجب (۱) نباید (۲) پیش از وقت نماز برای نماز تیمّم کند، (۳) ولی اگر (۴) برای کار واجب دیگر یا مستحبّی تیمّم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می تواند با همان تیمّم نماز بخواند. (۱) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی و مکارم نیست] (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) کسی که وظیفه اش تیمّم است ، (تبریزی : بنا بر احتیاط) نمی تواند .. (۳) (تبریزی :) مگر بداند که در وقت ، تمکّن از وضو پیدا نخواهد کرد .. (۴) (سیستانی :) کسی که وظیفه اش تیمّم است چنانچه از برطرف شدن عذرش در تمام وقت نماز مأیوس

باشد و یا احتمال دهد اگر تیمم را به تأخیر بیندازد، نتواند در وقت تیمم کند، می تواند قبل از وقت نماز تیمّم کند و اگر ..

(زنجانی :) مسأله کسی که وظیفه اش تیمّم است چنانچه پیش از وقت نماز برای کار واجب یا مستحب دیگر تیمم کند، می تواند با همان تیمم نماز بخواند؛ ولی بنا بر احتیاط مستحب برای خودِ نماز پیش از وقت تیمم نکند.

[مسأله ۷۱۵ کسی که وظیفه اش تیمّم است]

مسأله ۷۱۵ کسی که وظیفه اش تیمّم است ، اگر بداند (۱) تا آخر وقت عذر او باقی می ماند (۲)، در وسعت وقت می تواند با تیمّم نماز بخواند (۳)، ولی اگر بداند (۴) که تا آخر وقت عـذر او برطرف می شود، باید (۵) صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند (۶)، یـا در تنگی وقت با تیمّم نماز را به جا آورد. (۱) (مکارم :) اگر یقین داشـته باشد یا احتمال دهد .. (فاضل :) اگر بداند یا احتمال بدهد ..

(زنجانی :) اگر اطمینان داشته باشد .. (۲) (سیستانی :) یا از برطرف شدن آن مأیوس باشد ..

(مکارم :) می تواند در اول وقت با تیمّم نماز بخواند، ولی اگر یقین داشـته باشد که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند. (۳) (زنجانی :) ولی اگر تصادفاً عذرش قبل از گذشـتن وقت برطرف شد، باید نماز را با وضو یا غسل اعاده کند ..

(بهجت :) و هم چنین اگر امیـد برطرف شـدن عـذر در آخر وقت را دارد أظهر جـواز مبـادرت به نمـاز بـا تیمّم است ، اگر چه تأخیر أفضل و أحوط است . [پایان مسأله] (۴) (زنجانی :) اگر اطمینان دارد .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم آن است .. (۶) (گلپایگانی :) و اگر امید دارد که عذرش برطرف می شود واجب نیست صبر کند بلکه می تواند در وسعت وقت با تیمّم نماز بخواند، اگر چه در این صورت هم احتیاط خوب است .

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) و نیز اگر ((صـافی :) بلکه اگر) امیـد دارد که عـذرش برطرف شود احتیاط واجب (صافی : احتیاط لازم) آن است که صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند یا در تنگی وقت با تیمم نماز را به جا آورد.

(زنجانی :) و نیز اگر امیـد دارد که عـذرش برطرف شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند یا در تنگی وقت با تیمم نماز را به جا آورد البته می تواند در اول وقت رجاءً با تیمم نماز بخواند که اگر عذرش برطرف نشد نمازش صحیح است .

(سیستانی :) بلکه اگر از برطرف شـدن آن تـا آخر وقت مـأیوس نباشـد نمی توانـد تا وقتی که مأیوس نشـده تیمّم کنـد و نماز بخواند مگر آن که احتمال دهد که اگر زودتر با تیمم نماز نخواند، نتواند تا آخر وقت حتی با تیمم نماز بخواند.

[مسأله ۷۱۶ کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند]

مسأله ۷۱۶ کسـی که نمی توانـد وضو بگیرد، یا غسل کند (۱)، می توانـد نمازهای قضای خود را با تیمّم بخوانـد (۲) هر چند احتمال بدهـد که به زودی عذر او برطرف می شود (۳) ولی در صورت علم به زوال عذر تا پیش از ضـیق شدن وقت (۴) باید منتظر بماند. (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر یقین کند یا احتمال بدهد که عذرش برطرف نمی شود ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر احتمال ندهد که عذرش به زودی برطرف شود ..

(سیستانی :) اگر مأیوس از برطرف شدنش باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) ولی اگر بعداً عذرش برطرف شد باید دوباره آنها را با وضو یا غسل به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر احتمال دهد به زودی عذر او برطرف می شود خواندن نماز قضا برای او اشکال دارد.

(سیستانی :) ولی اگر بعداً عذرش برطرف شد احتیاط واجب آن است که دوباره آنها را با وضو یا غسل به جا آورد و اگر مأیوس از برطرف شدن عذرش نباشد، بنا بر احتیاط لازم نمی تواند برای نمازهای قضا تیمّم کند.

(مکارم :) ولی هر گاه یقین دارد عذر او به زودی برطرف می شود باید صبر کند، هم چنین بنا بر احتیاط واجب اگر امید برطرف شدن عذر را به زودی دارد تأخیر اندازد.

(زنجانی :) نمی تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند؛ مگر آن که احتمال عقلایی بدهد که با تأخیر نتواند تا آخر عمر قضا را به جا آورد، و مس کتابت قرآن و بودن در مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و نیز دخول یا ماندن در سایر مساجد و لو در حال عبور نباشد با تیمم ظاهراً جایز است و احتیاط مستحب در ترک است . (۳) (بهجت ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (فاضل :) تا پیش از فوت شدن نماز قضا بنا بر احتیاط واجب باید منتظر بماند ولی اگر گمان به فوت نماز قضا پیدا شود لازم است با تیمم آن را به جا آورد.

[مسأله ۷۱۷ کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند]

مسأله ۷۱۷ کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبّی را که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد با تیمّم بخواند (۱)، حتی در اول وقت (۲) به شرط آن که علم به زوال عذر تا آخر وقت نداشته باشد. (۱) (گلپایگانی :) هر چند احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف می شود.

(خوئی ، تبریزی :) ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف می شود أحوط آن است که آنها را در اول وقتشان به جا نیاورد.

(سیستانی :) ولی اگر مأیوس نباشد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف می شود احتیاط لازم آن است که آنها را در اول وقتشان به جا نیاورد. و امّا نمازهای مستحبی که وقت معیّن ندارد مطلقاً می تواند با تیمم بخواند.

(صافی :) ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف می شود احتیاط این است که آنها را در آخر وقت به جا آورد.

(زنجانی :) ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف شود، نباید آنها را در اوّل وقتشان بخواند، مگر آنها را رجاءً انجام دهد و تا آخر وقت عذرش هم برطرف نشود.

(مکارم :) جایز است نمازهای مستحبی را با تیمم بخواند، حتّی اگر مثلًا برای انجام نماز شب وقت تنگ است می تواند تیمّم کند. [پایان مسأله] (۲) (بهجت ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۷۱۸ کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره ای و تیمّم نماید]

مسأله ۷۱۸ کسی که احتیاطاً بایـد غسـل جبیره ای و تیمّم نمایـد مثلًا جراحتی در پشت اوست ، اگر بعـد از غسل و تیمّم نماز بخوانـد و بعد از نماز حَدَث اصـغری از او سـر زند مثلًا بول کند، برای نمازهای بعد ، باید وضو بگیرد (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل ، مکارم و بهجت نیست

(۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر بعـد از غسل و تیمّم حـدث اصـغری از او سـر بزنـد مثلًا بول کنـد، برای نمازهای بعد تا عذرش باقی است تیمّم بدل از غسل واجب نیست و وضو کافی است .

(تبریزی :) برای نمازهای بعد بدل از غسل احتیاطاً تیمّم کند و وضو هم بگیرد.

(خوئی :) مسأله کسی که احتیاطاً غسل جبیره ای و تیمّم نمایـد، اگر بعـد از غسل و تیمّم نماز بخوانـد و بعـد از نماز، حـدث اصـغری از او سـر بزنـد، مثلًا بول کنـد، برای نمازهای بعـد ، بـدل از غسل احتیاطاً تیمّم کنـد و وضو هم بگیرد و چنانچه حدث پیش از نماز باشد برای آن نماز نیز وضو گرفته و تیمّم نماید.

(سیستانی :) برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد و چنانچه حدث پیش از نماز باشد، برای آن نماز نیز باید وضو بگیرد.

(زنجانی :) مسأله کسـی که احتیاطاً هم غسل جبیره ای و هم تیمم نماید اگر بعد از تیمم حدث اصـغری از او سر بزند؛ مثلًا بول کند، باید وضو گرفته و بنا بر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید.

[مسأله ۷۱۹ اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمّم کند]

مسأله ۷۱۹اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمّم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمّم او باطل می شود.

[مسأله ۷۲۰ چیزهایی که وضو را باطل می کند]

مسأله ۷۲۰ چیزهایی که وضو را باطل می کنـد، تیمّم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می نماید، تیمّم بدل از غسل را هم باطل می نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۷۲۱ کسی که نمی تواند غسل کند]

مسأله ۷۲۱ کسـی که نمی توانـد غسل کنـد، اگر چنـد غسل بر او واجب باشد احتیاط واجب آن است که بدل هر یک از آنها یک تیمّم نماید (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) می تواند به قصد بدل از همه یک تیمّم کنـد و بهتر آن است که بـدل از هر غسـلی یک تیمّم بنمایـد. ولی اگر بـدل از غسل جنابت تیمّم کرد، دیگر بدل از سایر اغسال تیمّم نکند مگر رجاءً.

(اراکی ، مکارم :) می تواند به نیّت همه آنها یک تیمّم بنماید.

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی ، نوری :) جایز است یک تیمّم بـدل از آنها بنمایـد و احتیاط مسـتحب آن است که بدل هر یک از آنها یک تیمّم بنماید.

[مسأله ۷۲۲ کسی که نمی تواند غسل کند]

مسأله ۷۲۲ کسی که نمی تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمّم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمّم نماید. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (زنجانی :) مسأله اگر به جهت عذری در اول وقت با تیمم نماز خواند، و قبل از گذشتن وقت عذرش برطرف شد لازم است وضو یا غسل را انجام داده و نماز را دوباره بخواند؛ هر چند اطمینان داشته که عذرش تا آخر وقت باقی است مگر در برخی صورتهایی که در مسأله [اختصاصی (۶۶۵) و ذیل مسأله ۶۵۹ در صفحه (۳۶۹)] گذشت و اگر احتمال می داده عذرش بر طرف می شود و رجاءً در اول وقت

با قصد قربت با تیمم نماز خواند و عذرش تا آخر وقت باقی بود، نماز خوانده شده صحیح می باشد.

[مسأله ۷۲۳ اگر بدل از غسل جنابت تیمّم کند]

مسأله ۷۲۳ اگر بـدل از غسـل جنـابت تیمّم کنـد، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد (۱)، ولی اگر بـدل از غسـلهای دیگر تیمّم کنـد، بایـد وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم دیگری هم بدل از وضو بنماید (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) نباید برای نماز وضو بگیرد ..

(مکـارم :) لازم نیست وضو بگیرد یا تیمّم دیگری بـدل از وضو کنـد، خواه غسل جنابت باشـد یا غسـلهای دیگر، ولی احتیاط مستحب ـ آن است که در غسلهای دیگر وضو بگیرد یا اگر نمی تواند، تیمّم دیگری بدل از وضو کند.

(زنجانی :) بلکه اگر بـدل از غسـلهای دیگر هم چه واجب چه مسـتحب در صورتی که اسـتحبابش ثابت شـده باشد، تیمم کند کفایت از وضو می کند، مگر در تیمم بدل از غسل اسـتحاضه که بنا بر احتیاط واجب ، لازم است وضو هم بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، تیمم دیگری هم بـدل از وضو بنمایـد و احتیـاط مسـتحب آن است که در غیر غسـل جنابت وضو هم بگیرد و اگر نتواند تیمم دیگری هم بدل از وضو بکند.

(سیستانی :) و هم چنین اگر بدل از غسلهای دیگر باشد، گر چه در این صورت احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، تیمّم دیگری هم بدل از وضو بنماید. (۲) (نوری :) اگر بدل از غسلهای دیگر تیمم کند نیز لازم نیست وضو بگیرد مگر این که تیمم او بدل از غسل استحاضه متوسطه باشد که در این صورت باید یک تیمم دیگر، بدل از وضو به جا بیاورد.

[مسأله ۷۲۴ اگر بدل از غسل تیمّم کند]

مسأله ۷۲۴ اگر بدل از غسل (۱) تیمّم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، (۲) چنانچه برای نمازهای بعـد نتوانـد غسل کند باید وضو بگیرد (۳) و اگر نمی توانـد وضو بگیرد، بایـد بـدل از وضو تیمّم نمایـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر بـدل از غسـل جنابت .. (۲) (زنجانی :) باید وضو بگیرد و احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بنماید، و اگر نمی تواند وضو بگیرد تیمم بدل از وضو می نماید و بنا بر احتیاط مستحب در غیر غسل جنابت ، تیمم دیگری بدل از غسل نماید.

(مکارم :) برای نمازهای بعد فقط باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، به جای آن تیمم کند. (۳) (گلپایگانی :) و بنا بر احتیاط مسـتحب ـ ((صافی :) و بنا بر احتیاط واجب) بـدل از غسل تیمّم نمایـد و اگر نمی توانـد وضو بگیرد دو تیمّم کنـد، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، ولی اگر تیمّم او بدل از غسل جنابت بوده ، چنانچه یک تیمّم نماید، به قصد این که آن چه تکلیف او است انجام داده باشد کافی است .

(سیستانی :) و احتیاط مستحب ّ آن است که تیمّم نیز بکند و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید بدل از آن تیمّم کند.

(خوئی ، تبریزی :) باید بدل از غسل تیمّم نماید (خوئی : و احتیاط مستحب ّ آن است که وضو هم بگیرد).

[مسأله ۷۲۵ کسی که وظیفه اش آن است که بدل از وضو و بدل از غسل تیمّم کند]

مسأله ۷۲۵ کسی که وظیفه اش آن است که بدل از وضو و بدل از غسل تیمّم کند، همین دو تیمّم کفایت می کند و تیمّم دیگری لازم نیست . این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی ، مکارم ، سیستانی و بهجت نیست (خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که باید برای انجام عملی مثلًا برای خواندن نماز بدل از وضو و بدل از غسل تیمّم کند اگر در تیمّم اول ، نیّت بدل از وضو یا نیت بدل از غسل نماید و تیمّم دوّم را به قصد این که وظیفه خود را انجام داده باشد، به جا آورد کفایت می کند.

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط مستحب- آن است که تیمّم سومی هم به قصد این که بتواند آن عمل را انجام دهد بنماید ولی ..

(گلپایگانی ، صافی :) تیمّم سوّم لازم نیست .

[مسأله ۷۲۶ کسی که وظیفه اش تیمّم است]

مسأله ۷۲۶ کسی که وظیفه اش تیمّم است اگر برای کاری تیمّم کند، تا تیمّم و عذر او باقی است ، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد، می تواند به جا آورد (۱) ولی اگر با داشتن آب (۲) برای نماز میّت یا خوابیدن تیمّم کرده فقط کاری را که برای آن تیمّم نموده می تواند انجام دهد (۳) و در مورد تیمّم به خاطر تنگی وقت به احتیاط واجب سایر غایات را انجام ندهد. (۱) (مکارم :) حتی اگر تیمّم را به خاطر تنگی وقت نماز گرفته باشد دست گذاردن روی خط قرآن و مانند آن برای او جایز است . [پایان مسأله] (زنجانی :) حتی اگر عذرش تنگی وقت باشد. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی :) ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده ، یا با داشتن آب .. (۳) (گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، بهجت ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر عذرش تنگی وقت بوده .

[مسأله ۷۲۷ در چند مورد مستحب-است نمازهایی را که انسان با تیمّم خوانده دوباره بخواند]

مسأله ۷۲۷ در چند مورد مستحب-است (۱) نمازهایی را که انسان با تیمّم خوانده دوباره بخواند: اول : آن که از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز خوانده است . دوم : آن که می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز خوانده است . سوم : آن که تا آخر وقت ، عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمّم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد، آب پیدا می شد. چهارم : آن که عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمّم نماز خوانده است . پنجم : آن که می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته ریخته است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بهتر است .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (گلپایگانی :) [و] ششم : آن که از ترس مزاحمت جمعیت و نرسیدن به نماز جماعت ، نماز جمعه را با تیمّم خوانده است .

(مکارم :) مسأله نمازهایی را که با تیمّم خوانـده اعاده و قضا ندارد، ولی در چند مورد احتیاط مسـتحب ـ آن است که نمازهای خود را اعاده کند: اول : در جایی که آب نداشته یا مانع از استعمال آب

داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز خوانده است . دوم : در جایی که عمداً به جستجوی آب نرود و در تنگی وقت با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد. سوّم : آن که می دانسته یا گمان داشته که دسترسی به آب ندارد و آبی را که داشته ریخته و تلف کرده است .

(زنجانی :) مسأله در مواردی که انسان می توانسته است نماز خود را با وضو یا غسل بخواند ولی اختیاراً کاری کرده است که ناچار شده با تیمم نماز بخواند، بهتر است نماز خود را دوباره بخواند؛ مانند موارد زیر: اول : آن که از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است . دوم : آن که می دانسته یا احتمال می داده که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است . سوم : آن که عمداً در جستجوی آب نرود و در آخر وقت با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد یا احتمال دهد که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد. چهارم : آن که آب در اختیار داشته و عمداً نماز را تأخیر بیندازد تا آب از دست برود و در آخر وقت با تیمم نماز بخواند. پنجم : آن که می دانسته یا احتمال می داده که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته ریخته است .

احکام تیمم (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۲۰۰ چیزهائی مثل خاک ، گچ ، سنگ که تیمم بر آنها صحیح است]

س ۲۰۰: اگر چیزهائی مثل خاک ، گچ ، سنگ که تیمم بر آنها صحیح است ، به دیوار چسبیده باشند، آیا تیمم بر آنها صحیح است یا آن که حتماً باید بر روی زمین باشند؟

ج : در صحت تیمم ، بودن آنها بر روی زمین شرط نیست .

[س ۲۰۱ جنب بر اثر عدم امکان رسیدن به حمام جنابتش استمرار داشته باشد]

۲۰۱: در صورتی که جنب بر اثر عدم امکان رسیدن به حمام ، چند روزی جنابتش استمرار داشته باشد، اگر بعد از نمازی که با تیمم بدل از غسل خوانده است ، حدث اصغری از او سر بزند، آیا برای نماز بعدی باید دوباره تیمم بدل از غسل نماید؟ یا آن که همان تیمم اول از جهت جنابت کفایت می کند، و برای نمازهای بعدی از جهت حدث اصغر وضو یا تیمم واجب است ؟

ج : شخص جنب پس از آن که به طور صحیح تیمم بدل از غسل جنابت کرد، اگر حدث اصغر از او سر بزند، تا زمانی که عذرِ شرعیِ مجوز تیمم بر طرف نشده است ، بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت ، تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

[س ۲۰۲ تیمم بدل از غسل]

س ۲۰۲: آیا تیمم بدل از غسل همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که آیا با آن داخل مسجد شدن جایز

است ؟

ج : ترتیب همه آثار شرعی غسل بر تیمم بدل از غسل جایز است ، مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد.

[س ۲۰۳ مجروحین جنگی]

س ۲۰۳: شخصی که از مجروحین جنگی است و بر اثر قطع نخاع قادر به کنترل ادرار خود نیست ، آیا می تواند به این دلیل که حمام رفتن برای او کمی مشقت دارد، برای انجام اعمال مستحبی مانند غسل جمعه و زیارت و غیر آنها تیمم بدل از غسل نماید؟

ج : صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست ، مانند زیارت محل اشکال است ، ولی انجام آن به جای غسل های مستحبی در موارد عسر و حرج به قصد رجاء و مطلوبیت اشکال ندارد.

[س ۲۰۴ کسی که فاقد آب است]

س ۲۰۴: کسی که فاقد آب است و یا استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت ، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت برای او جایز است ؟ قرائت قرآن کریم چه حکمی دارد؟

ج : تا زمانی که عذر مجوز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده ، انجام همه اعمال مشروط به طهارت برای او جایز است .

[س ۲۰۵ رطوبتی از انسان در حال خواب خارج می شود]

س ۲۰۵: رطوبتی از انسان در حال خواب خارج می شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نمی آورد ولی لباس خود را مرطوب می بیندو وقت هم برای به یاد آوردن ندارد زیرا نماز صبح او قضا می شود. وظیفه انسان در این حالت چیست ؟ چگونه نیت تیمم بدل از غسل نماید؟ حکم اصلی در این باره چیست ؟

ج : اگر می داند که محتلم شده ، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، ولی در صورت شك در احتلام و جنابت ، حکم جنابت بر آن جاری نمی شود.

[س ۲۰۶ شخصی که چندین شب متوالی جنب شده]

س ۲۰۶: شخصی که چندین شب متوالی جنب شده ، با توجه به این که در حدیث شریف آمده است که چند روز متوالی حمام رفتن انسان را ضعیف می کند، چه تکلیفی دارد؟

ج : غسل بر او واجب است ، مگر این که استعمال آب برای او ضرر داشته باشد که در این صورت باید تیمم کند.

[س ۲۰۷ کسی که در یک وضعیت غیر طبیعی به سر می برد]

س ۲۰۷: من در یك وضعیت غیر طبیعی به سر می برم ، به طوری که از من چند دفعه بدون اختیار در نوبت های متعدد منی خارج می شودکه خروج آن همراه با لذت نیست . وظیفه من در باره هر نماز چیست ؟

ج : اگر غسل کردن برای هر نماز ضرر دارد و یا تکلیف ِخیلی دشواری بر شماست ، بعد از تطهیر بدن با تیمم نماز بخوانید.

[س ۲۰۸ کسی که غسل جنابت را برای نماز صبح انجام نداده است]

س ۲۰۸: کسی که غسل جنابت را برای نماز صبح انجام نداده است و به اعتقاد این که اگر غسل کند، مریض می شود، تیمم کرده است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر به اعتقاد او غسل برایش ضرر دارد، تیمم اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است .

[س ۲۰۹ کیفیت تیمم]

س ۲۰۹: کیفیت تیمم چگونه است ؟ آیا فرقی بین تیمم بدل از وضو و غسل هست ؟

ج : تیمم بدین ترتیب است : ابتدا باید نیت نماید و سپس کف هر دو دست را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و آن را به تمام پیشانی و دو طرف آن از جائی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی بکشد، و سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر تمام دست چپ ، بکشد و احتیاط واجب این است که بار دیگر دستها را به زمین بزند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت

دست چپ بکشد. این ترتیب در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است .

[س ۲۱۰ تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده]

س ۲۱۰: تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده آنها و آجر چه حکمی دارد؟

ج : تیمم بر هر آن چه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک ، صحیح است . و بعید نیست ، تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها هم صحیح باشد.

[س ۲۱۱ چیزی که بر آن تیمم می شود باید پاک باشد]

س ۲۱۱: فرموده اید چیزی که بر آن تیمم می شود باید پاک باشد، آیا اعضاء تیمم (پیشانی و پشت دستها) هم باید پاک باشند؟

ج : احتیاط آن است که در صورت امکان ، پیشانی و پشت دستها پاک باشند و اگر فردی نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم نماید؛ هر چند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد.

[س ۲۱۲ اگر انسان نتواند وضو بگیرد]

س ۲۱۲: اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم برای او امکان نداشته باشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

[س ۲۱۳ کسی که به بیماری پوستی مبتلا شده]

س ۲۱۳: من به بیماری پوستی مبتلا شده ام ، به طوری که هر گاه غسل می کنم پوست بدنم خشک می شود. حتی در صورت شستن دست و صورتم هم این خشکی به وجود می آید. بنا بر این مجبورم روغن به پوستم بمالم ، در نتیجه هنگام وضو بخصوص برای نماز صبح با مشکلاتی مواجه می شوم . آیا جایز است در نمازهای صبح به جای وضو تیمم کنم ؟

ج : اگر استعمال آب برای شما ضرر داشته باشد، وضو گرفتن صحیح نیست ، و باید به جای آن تیمم کنید. و اگر ضرر ندارد و روغن مذکور مانع از رسیدن آب به اعضای وضو نباشد، باید وضو بگیرید و اگر مانع است و می توانید روغن را پاک نموده و وضو بگیرید و سپس روغن بزنید، نوبت به تیمم نمی رسد.

[س ۲۱۴ شخصی به خاطر تنگی وقت نمازش را با تیمم خوانده است]

س ۲۱۴: شخصی به خاطر تنگی وقت ، نمازش را با تیمم خوانده است . بعد از فراغت از نماز برای او آشکار می شود که وقت برای وضو داشته است . نماز او چه حکمی دارد؟

ج : اعاده آن نماز بر او واجب است .

[س ۲۱۵ زندگی در منطقه سردسیری]

س ۲۱۵: ما در منطقه سردسیری زندگی می کنیم که نه حمام دارد و نه مکانی برای استحمام ، وقتی در ماه مبارک رمضان به حالت جنابت از خواب بیدار می شویم ، با توجه به این که غسل کردن جوانان در نیمه شب در برابر مردم با آب مشک یا حوض عیب شمرده می شود و آب هم در آن وقت سرد است ، تکلیف ما برای روزه فردا چیست ؟ آیا تیمم جایز است ؟ در صورتی که غسل نکند، افطار کردن روزه آن روز چه حکمی دارد؟

ج : مجرد مشقّت یا عیب شمرده شدن اغتسال جوانان در نیمه شب ، عذر شرعی محسوب نمی شود، بلکه مادامی که غسل ، حرجی و موجب ضرر برای مکلّف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است ، و در صورت حرج یا ضرر باید قبل از طلوع فجر تیمم کند و با تیمم بدل از غسل جنابت پیش از طلوع فجر روزه اش صحیح است ، و اگر تیمم نکند روزه اش باطل است ، ولی امساک در طول روز بر او واجب می باشد.

احکام نماز

[بعضی از احکام نماز از رساله حضرت امام]

اشاره

نماز مهمترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداونـد عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می شود و اگر پـذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی شود. و همان طور که اگر انسان شبانه روزی پنـج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی ماند نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند، پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که به نماز اهمیّت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است .» روزی حضـرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شـد و رکوع و سجودش را کاملًا به جا نیاورد، حضـرت فرمودنـد: «اگر این مرد در حالی که نمازش این طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است » پس انسان بایـد مواظب باشـد که به عجله و شتاب زدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خـدا و با خضوع و خشوع و وقار باشـد و متوجه باشـد که با چه کسـی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداونـد عالم بسیار پست و ناچیز ببینـد و اگر انسان در موقع نماز کاملًا به این مطلب توجه کنـد، از خود بی خبر می شود، چنانچه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیر المؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. و نیز بایـد نمازگزار توبه و استغفار نمایـد و گناهانی که مانع قبول شـدن نماز است ، ماننـد حسد، کبر، غیبت ، خوردن حرام ، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات بلکه هر معصیتی را ترک کند. و هم چنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می کند به جا نیاورد، مثلًا در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهـایی که ثواب نمـاز را زیاد می کنـد به جا آورد، مثلًا انگشتری عقیق به دست کنـد و لباس پاکیزه به پوشـد و شانه و مسواک کنـد و خود را خوشبو نمایـد. (مکارم :) نماز رابطه انسان با خـداست و مایه صـفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است ، نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات اگر قبول درگاه خـدا شود، عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد و اگر قبول نگردد، اعمال دیگر نیز قبول

نخواهـد شـد. و نیز بر طبق روایات کسـی که نمازهای پنجگانه را انجام می دهـد، از گناهان پاک می شود همان گونه که اگر شبانه روز پنـج مرتبه در نهر آبی شسـتشو کند اثری از آلودگی در بدنش باقی نمی ماند، به همین دلیل در آیات قرآن مجید و روایات اسـلامی و وصایا و سفارشـهای پیغمبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه هدی علیهم السلام از مهمترین کارهایی که روی آن تأکیـد شـده ، همین نماز است و لـذا ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود. سـزاوار است انسان نمـاز را در اوّل وقت بخوانـد و به آن اهمیّت بسـیار دهـد و از تنـد خوانـدن نمـاز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد، جـداً بپرهیزد. در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله و سـلم مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را به طور کامل انجام نمی دهـد، فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش این گونه باشد، به دین من از دنیا نخواهد رفت . روح نماز «حضور قلب » است و سـزاوار است از آن چه مایه پراکندگی حواس می شود بپرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گویـد و خود را در مقابـل عظمت و بزرگی خداونـد بسـیار کوچـک ببینـد. در حالات معصومین علیهم السـلام آمـده است به هنگام نماز آن چنان غرق یاد خدا می شدند که از خود بی خبر می گشـتند، تا آنجا که پیکان تیری در پای امیر المؤمنین علی علیه السـلام مانـده بود در حال نماز بیرون آوردند و آن حضـرت متوجه نشد. برای قبولی نماز و کمال و فضـیلت آن علاوه بر شرایـط واجب بایـد امور زیر را نیز رعایت کنـد: قبل از نماز از خطاهای خود توبه و اسـتغفار نمایـد و از گناهانی که مانع قبول نماز استماننـد «حسد» و «تکبر» و «غیبت » و «خوردن مال حرام » و «آشامیدن مسـکرات » و «ندادن خمس و زکات » بلکه هر معصـیتی بپرهیزد. هم چنین سزاوار است کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می کند انجام ندهد، مثلًا در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سـر و صداها و در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند، به نماز نایستد و کارهایی که ثواب نمـاز را زیاد می کنـد انجام دهـد، لباس پاکیزه به پوشـد، موهای خود را شانه زنـد و مسواک کنـد و خود را خوشـبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند.

نمازهای واجب

نمازهای واجب شـش است : اول نماز یومیه . دوّم نماز آیات . سوم نماز میّت . چهارم نماز طواف واجب خانه کعبه (۱). پنجم نماز قضای پدر (۲) که بر پسـر بزرگتر واجب است (۳). شـشم نمازی که به واسـطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود (۴). فاضل : لازم به تـذکر است که نمازهایی که به واسـطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود خودِ نماز واجب نیسـت بلکه وفـای به عقـدِ اجـاره و نـذر و قسم و وفای به عهـد واجب است . (۱) (فاضـل :) ماننـد نمـاز طواف در عمره تمتع و عمره مفرده و نماز طواف در حج تمتع و نماز طواف نساء .. (۲) (گلپایگانی ، مکارم ، صافی ، نوری :) و مادر ..

(۳) (فاضل :) و همین طور مادر بنا بر احتیاط واجب ..

(مکارم :) به شرحی که می آید ..

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب است .. (۴) (خوئی ، سیستانی :) و نماز جمعه از نمازهای روزانه است .

(مکارم :) ششم : نماز نافله ای که به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است .

(بهجت :) مسأله نمازهای واجب به شرح ذیل می باشد: ۱ نماز یومیّه و آن چه ملحق به آن است ، مانند نماز جمعه ، نماز احتیاط، نماز قضا و نمازی که نمازگزار دوباره آن را اعاده می کند، که احکام هر یک گفته خواهد شد. ۲ نماز آیات که شامل زلزله و خسوف و کسوف و مانند اینها می شود. ۳ نماز میّت ۴ نماز طواف واجب خانه کعبه برای حج و عمره ای که واجب شده باشند. ۵ نماز قضای والدین بر پسر بزرگ ۶ نمازی که به سبب اجیر شدن یا نذر و قسم و عهد واجب می شود.

(زنجانی :) مسأله نمازهای واجب شش است : اول : نمازهای روزانه ، دوم : نماز آیات ، سوم : نماز میت ، چهارم : نماز طواف واجب خانه خدا، پنجم : نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است ، ششم : نمازی که به واسطه اجاره یا شرط در عقد معاملات یا نذر و قسم و عهد و امری که اطاعت آن لازم است بر انسان واجب می شود. و نماز جمعه از نمازهای روزانه است .

نمازهای واجب یومیّه

اشاره

نمازهای واجب یومیّه پنج است : ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت ، مغرب سه رکعت ، عشا چهار رکعت ، صبح دو رکعت (۱). (۱) (صافی :) و نماز جمعه هم از نمازهای روزانه است .

[مسأله ۷۲۸ نماز شکسته]

اشاره

مسأله ۷۲۸ در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می شود دو رکعت خواند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۱۱ نمازگزار برای به جا آوردن نماز صحیح ، چند شرط را باید قبل از نماز رعایت کند؛ اول : طهارت ، که

مسائـل آن گـذشت . دوم : وقت هر نمـاز. سوم : قبله . چهـارم : پوشـش در حـال نماز و شـرایط آن . پنجم : مکان نمازگزار و مسائل مربوط به آن ؛ و تفصیل هر یک از شرایط و سایر مستحبّات بیان خواهد شد.

وقت نماز ظهر و عصر

[مسأله ۱۷۲۹اگر چوب یا چیزی مانند آن را ، راست در زمین هموار فرو برند]

مسأله ۱۷۲۹اگر چوب یا چیزی مانند آن را ، راست در زمین هموار فرو برند (۱) صبح که خورشید بیرون می آید، سایه آن به طرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا می آید این

سـایه کم می شود و در شـهرهای ما (۲) در اول ظهر شـرعی ١٠) أن «۱» به آخرین درجه کمی می رسـد و ظهر که گـذشت ، سـایه آن به طرف مشـرق برمی گردد و هر چه خورشـید رو به مغرب می رود، سـایه زیـادتر می شـود بنـا بر این وقـتی سـایه به آخرین درجه کمی رسـید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت ، معلوم می شود ظهر شـرعی شده است ولی در بعضـی شـهرها مثل مکّه که گاهی موقع ظهر سایه به کلّی از بین می رود، بعـد از آن که سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است . این مسأله در رساله آیت اللّه سیسـتانی نیست (۱) (بهجت :) برای تعیین ظهر شـرعی می توان از «شاخص » استفاده کرد و آن ، چوب یا چیزی مانند آن است که به صورت عمودی در زمین مسطح فرو می برند .. (۲) (بهجت :) در اکثر شهرها ..

(مکارم :) مسأله وقت نماز ظهر و عصر از اول ظهر شرعی (یعنی مایل شدن خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب) تا هنگام غروب آفتـاب است و بهـترین راه برای پی بردن به دخـول وقت ظهر اسـتفاده از شـاخص است و آن این است که قطعه چـوب صاف یا میله ای را در زمین هموار به طور عمودی فرو کند، صبح که خورشید بیرون می آید سایه آن به طرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا آید این سایه کم می شود، هنگامی که سایه به آخرین درجه کمی رسید موقع ظهر است و همین که رو به زیادی گذارد و سایه به سوی مشـرق برگشت اول وقت نماز ظهر و عصر است ، البتّه در بعضی از شهرها مثل «مکه » در بعضی از روزهای سال هنگام ظهر سایه به کلی از بین می رود و آفتاب کاملًا عمودی می تابـد، در این گونه مناطق موقعی که مجدداً سایه پیدا شد، وقت نماز ظهر و عصر شده است .

[مسأله ۷۳۰ شاخص]

مسأله ۷۳۰ چوب یا چیز دیگری را که برای معیّن کردن ظهر به زمین فرو می برند شاخص گویند. این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست

[مسأله ۷۳۱ وقت مخصوص نماز ظهر و عصر]

مسأله ۷۳۱ نماز ظهر و عصر (۱) هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد (۲)، و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند (۳)، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند (۴) و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است (۵) و اگر کسی اشتباهاً نماز ظهر یا عصر را در وقت مخصوص دیگری بخواند نمازش صحیح است (۶). (۱) (صافی :) بنا بر قول مشهور نماز ظهر و عصر .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) که اگر کسی سهواً تمام نماز عصر را در این وقت بخواند نمازش باطل است (صافی : و این قول موافق با احتیاط است) ..

(زنجانی :) که اگر کسی در اثر ندانستن مسأله ، تمام نماز عصر را در این وقت بخواند، نمازش باطل است ..

(بهجت :) به اندازه خواندن نماز ظهر و تحصیل شرایط نماز اگر تحصیل نکرده است بگذرد؛ و اگر کسی اشتباهاً عصر را در این وقت بخواند نمازش باطل است .. (۳) (نوری :) عمداً نخواند .. (۴) (نوری :) ولی اگر سهواً نماز عصر را جلوتر بخواند، نماز ظهر را در وقت اختصاصی عصر، به نیت ادا بخواند .. (۵) (بهجت ، مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۶) (اراکی :) نمازش باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) اگر کسی در این وقت اشتباهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند، نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن به جا آورد.

(زنجانی :) اگر کسی در این وقت در اثر ندانستن مسأله تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند، نمازش بنا بر احتیاط باطل است ؛ وقت مخصوص و مشترک که معنای آن گفته شد، برای اشخاص فرق می کند، مثلًا برای مسافر اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر تمام شده و وقت مشترک آغاز شده ، و برای کسی که مسافر نیست ، باید به اندازه خواندن ِ چهار رکعت نماز بگذرد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله وقت نماز ظهر و عصر بعد از زوال تا غروب آفتاب است ولی چنانچه نماز عصر را عمداً قبل از نماز ظهر بخوانند باطل است مگر این که از آخر وقت بیش از آوردن یک نماز مجال نباشد که در این فرض اگر کسی تا این موقع

نماز ظهر را نخوانده نماز ظهر او قضا است و باید نماز عصر را بخواند و اگر کسی پیش از این وقت اشتباهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند نمازش صحیح است و أحوط این است که آن را نماز ظهر قرار داده و چهار رکعت دیگر به قصد ما فی الذّمّه به جا آورد.

(سیستانی :) وقت نماز ظهر و عصر بعد از زوال (ظهر شرعی) تا غروب آفتاب است ..

(تبریزی :) وقت نماز ظهر و عصر بنا بر احتیاط از زوال تا غروب است و بین غروب و مغرب ، نیّت ادا و قضا ننماید ..

(سیستانی :) نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بخواند و احتیاط مستحب آن است که چهار رکعت دوّم را به قصد ما فی الذّمه به جا آورد.

[مسأله ۱۷۳۲ اگر پیش از خواندن نماز ظهر سهواً مشغول نماز عصر شود]

اشاره

مسأله ۱۷۳۲اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است ، (چنانچه در وقت مشترک باشد (۱)) باید نیّت را به نماز ظهر برگرداند (۲) یعنی نیّت کند که آن چه تا حال خوانده ام و آن چه را مشغولم و آن چه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند (۳) و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد (۴)، باید نیت را به نماز ظهر بر گرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند (۵) و احتیاط آن است که دوباره نماز عصر را هم بعد از آن بخواند و این احتیاط خیلی خوب است . (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و زنجانی نیست] (۲) (زنجانی :) ولی اگر نمازش شکسته است و در وقت اختصاصی ظهر، در بین نماز متوجه اشتباه خود شود، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را به نیت نماز ظهر تمام نموده ، سپس هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد. [پایان مسأله] (مکارم :) باید عدول کند، یعنی نیّت خود را به نماز ظهر برگرداند و قصد کند آن چه خوانده نماز ظهر است و به همین ترتیب آن را ادامه دهد و بعد از آن که نماز را تمام کرد نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص ظهر باشد نماز او باطل است و باید نماز را به نیّت ظهر از سر بگیرد. [پایان مسأله] (۳) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (اراکی :) نمازش باطل است . [پایان مسأله] (گلپایگانی :) نماز باطل است و آن را رها می کند و هر دو نماز را به ترتیب به جا می آورد و می تواند احتیاطاً نیّت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند بعد هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد.

(صافی :) بنا بر احتیاط نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند، بعد هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد.

(بهجت :) پس اگر بعد از نماز فهمید، نمازش باطل است مگر آن که به قصد آن چه الآن وظیفه اوست به جا آورده و در تطبیق آن بر عصر اشتباه کرده باشد نظیر این که به جای ظهر کلمه

عصر بگوید و اگر در اثناء متوجّه شود باید عدول کرده نیّت را به نماز ظهر برگرداند و احتیاط به اعاده هر دو نماز بعد از آن ترک نشود و اگر موقعی ملتفت شد که داخل وقت مشترک شده است عدول به نماز ظهر می نماید؛ و اگر بعد از نماز فهمید نماز او صحیح است و عصر حساب می شود و اعاده عصر بعد از نماز ظهر لازم نیست . (۵) (نوری :) و اگر تمام نماز عصر را در وقت اختصاصی ظهر بخواند و از وقت مشترک چیزی درک نکند، نماز باطل است و از آن صرف نظر کند و نماز ظهر و عصر را به ترتیب به جا بیاورد.

(فاضل :) به احتیاط واجب نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند، و دوباره آن را بخواند. [پایان مسأله]

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۱۶ اگر در وقت مشترک سهواً نماز عصر را بر ظهر مقدم داشت و در وقت مختص به نماز عصر فهمید آن را با همان نیّت نماز عصر تمام کند و سپس احتیاطاً نماز ظهر را به قصد ما فی الذّمّه (یعنی آن چه بر ذمه اوست) بخواند.

(بهجت :) مسأله ۶۱۷ اگر مسافر، فقط وقت چهار رکعت نماز را داشت و نیّت ظهر کرد و در اثناء نماز نیّت اقامت ده روز یا بیشتر نمود، نماز او باطل است ؛ پس آن نماز را قطع می کند و شروع به نماز عصر می نماید و بعد قضای ظهر را به جا می آورد؛ ولی اگر این نیّت اقامت با اختیار اوست ، احتیاطاً این کار را نکند.

(زنجانی :) مسأله ۷۴۱ اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و پس از نماز متوجه اشتباه خود شود، باید نمازش را نماز ظهر قرار داده ، پس از آن نماز عصر را بخواند، و ظاهراً در اینجا فرقی نیست که متوجه شدن اشتباه در وقت مختص ظهر باشد یا در وقت مشترک ، و بنا بر احتیاط مستحب در نماز دوم قصد خصوص نماز عصر را نکند، بلکه نماز را به قصد ما فی الذمّه به جا آورد، و اگر نمازش شکسته است و در وقت اختصاصی نماز ظهر متوجه شود نماز ظهر را بنا بر احتیاط واجب رجاءً خوانده ، پس از آن باید نماز عصر را به جا آورد، و اگر در وقت مشترک متوجه شده پس از آن دو رکعت نماز به جا آورده ؛ بنا بر احتیاط واجب آن را به قصد ما فی الذمه به جا آورده ، نیت خصوص ظهر یا عصر نکند.

[مسأله ۷۳۳ نماز جمعه]

مسأله ۷۳۳ در روز جمعه انسان می تواند به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند (۱)، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر نماز جمعه خواند نماز ظهر را هم بخواند. و این احتیاط خیلی مطلوب است . (۱) (اراکی :) و افضل از نماز ظهر است . (نوری :) ولی بهتر آن است که نماز جمعه بخواند ..

(خوئی ، سیستانی :) مسأله نماز جمعه واجب تخییری است به این معنی که مکلّف در روز جمعه مخیّر است که نماز جمعه را بخواند در صورتی که شرائطش موجود باشد، یا نماز ظهر به جا آورد پس اگر نماز جمعه را به جا آورد، کفایت از ظهر می کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله در زمان حضور امام علیه السلام واجب است انسان در روز جمعه

به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند ولی در این زمان اگر کسی نماز جمعه بخواند، احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را هم بخواند.

(زنجانی :) ولی در زمان غیبت حضرت علیه السلام خواندن نماز ظهر در وقت ِامکان حضور در نماز جمعه با شرایط معتبر، خلاف احتیاط است .

(فاضل ، مکارم :) مسأله نماز جمعه دو رکعت است و در روز جمعه جانشین نماز ظهر می شود و در زمان حضور پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام معصوم علیه السلام و نائب خاص ِاو، واجب عینی است ، اما در زمان غیبت کبری واجب تخییری می باشد، یعنی میان نماز جمعه و نماز ظهر مخیّر است ، ولی در زمانی که حکومت عدل اسلامی می باشد و نماز جمعه اقامه شود، بهتر آن است که نماز جمعه خوانده شود.

(مکارم :) احتیاط آن است که ترک نشود.

(تبریزی :) مسأله در زمان غیبت امام علیه السلام نماز جمعه در غیر صورتی که ذکر خواهد شد اگر اقامه شود مجزی از نماز ظهر نیست . لکن در صورت اقامه آن با شرایط، شرکت در آن بنا بر احتیاط، واجب است .

(بهجت :) مسأله در روز جمعه انسان می تواند بنا بر أظهر به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند و در عصر غیبت وجوب آن تخییری است یعنی نماز جمعه کفایت از نماز ظهر می کند شرایط و احکام نماز جمعه در وقت مربوط به آن بیان خواهد شد.

[مسأله ۷۳۴ نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می گویند تأخیر نیندازند]

اشاره

مسأله ۷۳۴ احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می گویند تأخیر نیندازند و اگر از اوائل ظهر تأخیر افتاد به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند. (بهجت :) رجوع کنید به مسأله ۱ (از احکام نماز جمعه) صفحه (۸۷۲).

(خوئی :) مسأله وقت نماز جمعه ، وقت زوال آفتاب است و وقتش تا برابر شدن سایه شاخص است با شاخص بنا بر أظهر.

(اراکی :) مسأله وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است تا وقتی که یک ساعت از اوّل ظهر بگذرد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله وقت نماز جمعه از اول ظهر است ، تا مقداری که مکلف بتواند نماز جمعه را با شرایط آن از تحصیل طهارت از حدث و خبث و حضور در اجتماع به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله وقت نماز جمعه ، وقت زوال آفتاب یعنی ظهر است و وقتش اول زوال عرفی زوال است پس هر گاه از این وقت نماز جمعه را تأخیر انداخت وقتش تمام شده و نماز ظهر را باید به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله وقت نماز جمعه از اول ظهر است تا یک ساعت ، و مراد از ساعت : (۱۱۲) روز است ؛ بنا بر این در فصول مختلف تغییر می کند.

(تبریزی :) مسأله وقت نماز جمعه از اول ظهر است تا وقتی که سایه شاخص در طرف مشرق به اندازه خود شاخص شود.
(مکارم :) مسأله وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن این مقدار، وقت نماز جمعه پایان می یابد و باید نماز ظهر خوانده شود.

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۷۳۳ همان طور که [در مسأله شماره (۷۳۱)] بیان شده است برای هر یک از نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا یک وقت مخصوص وجود دارد که اگر مکلّف عمداً نماز عصر را در وقت مخصوص ظهر یا نماز عشا را عمداً در وقت مخصوص مغرب بخواند نمازش باطل است اما اگر بخواهد نماز دیگری مانند قضای نماز صبح یا غیر آن را در وقت مخصوص ظهر یا مغرب بخواند نمازش صحیح است .

وقت نماز مغرب و عشا

[مسأله ۷۳۵ مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود]

مسأله ۷۳۵ مغرب ، موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود (۱)، از بین برود. (۲) (۱) (زنجانی :) که در هنگام غروب آفتاب پدیدار می گردد .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) از بالای سر انسان بگذرد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله احتیاط واجب آن است که قبل از این که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر انسان بگذرد انسان نماز مغرب را به جا نیاورد.

(سیستانی :) مسأله اگر انسان شک در غروب آفتاب داشته باشد و احتمال بدهد پشت کوهها یا ساختمانها یا درختان مخفی شده باشد، باید قبل از این که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر انسان بگذرد، نماز مغرب را به جا نیاورد. و اگر شک هم نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید تا وقت مذکور صبر کند.

(مکارم :) مسأله مغرب موقعی است که قرص آفتاب در افق پنهان شود و احتیاط آن است که صبر کند تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر بگذرد و به طرف مغرب بر گردد، هنگام مغرب وقت نماز مغرب و عشا وارد می شود و تا نیمه شب ادامه دارد.

(بهجت :) مسأله مغرب موقعی است که آفتاب از زمینی که مسطح است غروب کند و منطقه ای که پستی و بلندی دارد، مغرب آن موقعی است که اگر زمین مسطّح بود آفتاب غروب می کرد، ولی احتیاط مستحب ّاین است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب ِ آفتاب پیدا می شود از بین برود.

[مسأله ۷۳۶ وقت مخصوص نماز مغرب و عشا]

مسأله ۷۳۶ نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند (۱): وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است ،

تا وقتی که از مغرب به انـدازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد، که اگر کسـی مثلًا مسافر باشد و تمام نماز عشا را سـهواً در این وقت بخواند (۲) احتیاط مسـتحب- آن است که بعـد از نماز مغرب نماز عشا را دوباره بخوانـد (۳) و وقت مخصوص نماز عشا (۴) موقعی است که به انـدازه خوانـدن نماز عشا به نصف شب مانـده باشـد که اگر کسـی تا این موقع نماز مغرب را عمداً (۵) نخوانـد باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند (۶) و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در این وقت

اشتباهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد. (۱) (صافی :) بنا بر قول مشهور .. (بهجت :) وقت مخصوص و مشترك و وقت فضیلتی دارند .. (۲) (نوری :) صحیح است ولی .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، بهجت ، صافی ، زنجانی :) اگر کسی مثلًا مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً (زنجانی : یا به جهت ندانستن مسأله) در این وقت بخواند نماز باطل است (صافی : بنا بر احتیاط) ..

(مکارم :) وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است تا به اندازه سه رکعت ، و اگر کسی مسافر باشد و تمام نماز عشا را در این وقت بخواند باطل است هر چند از روی سهو باشد .. (۴) (بهجت :) برای شخص مختار .. (۵) [کلمه «عمداً» در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی ، زنجانی و بهجت نیست] (۶) (بهجت :) ولی احتیاط در این است که در صورت اضطرار و تأخیر نماز از نیمه شب آخر شب را ملاك برای وقت مخصوص نماز عشا قرار دهد بنا بر این اگر به مقدار پنج رکعت به آخر شب وقت دارد هر دو نماز را به قصد ما فی الذّمّه بخواند و اگر کمتر وقت دارد اگر چه یك رکعت باشد اول نماز عشا را به قصد این که احتمالًا وظیفه او نماز عشا است بخواند بعد نماز مغرب را قضا کند و بعد از آن احتیاطاً نماز عشا را دو مرتبه به نیّت قضا بخواند ..

(نوری :) ولی اگر نماز عشا را در صورتی که مسافر نیست در وقت مخصوص نماز مغرب سهواً بخواند و تا آخر نماز متوجه نشود تا عدول به نماز مغرب کند، نماز عشا صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بخواند ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله وقت نماز مغرب و عشا تا نیمه شب امتداد دارد ولی نماز عشا در صورتی که با التفات قبل از نماز مغرب خوانده شود باطل است مگر این که از وقت ، بیش از مقدار اداء نماز عشا نمانده باشد که در این صورت لازم است نماز عشا را قبل از نماز مغرب بخواند. اگر کسی اشتباهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد.

(سیستانی :) وقت نماز مغرب و عشا برای شخص مختار تا نیمه شب امتداد دارد و اما برای شخص مضطرّ که یا از روی فراموشی یا به سبب خواب یا حیض و مانند اینها نماز را پیش از نیمه شب نخوانده وقت نماز مغرب و عشا تا طلوع فجر ادامه دارد ولی در هر صورت در حال التفات ترتیب بین آن دو معتبر است ، یعنی نماز عشا در صورتی که با التفات قبل از نماز مغرب خوانده شود باطل است ..

[مسأله ۷۳۷ وقت مخصوص و مشترک برای اشخاص فرق می کند]

مسأله ۷۳۷ وقت مخصوص و مشترك که معنی آن در مسأله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می کند، مثلًا اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترك می شود،

و برای کسی که مسافر نیست ، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست

[مسأله ۱۷۳۸ اگر پیش از خواندن نماز مغرب سهواً مشغول نماز عشا شود]

مسأله ۱۷۳۸ اگر پیش از خواندن نماز مغرب ، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده ، چنانچه به رکوع رکعت چهارم نرفته است (۱)، باید نیّت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند (۲) و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند (۳). اما اگر تمام آن چه را خوانده ، در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد (۴) و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، باید نیّت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد از آن عشا را بخواند (۵)، ولی احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز عشا دوباره مغرب و عشا را بخواند و این احتیاط خیلی خوب است . (۱) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل ، بهجت ، نوری :) چنانچه تمام آن چه را خوانده یا مقداری از آن را در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است .. (۲) (زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که اگر مقداری از آن را در وقت مختص مغرب خوانده باشد، نماز مغرب را قبل از نماز عشا اعاده کند ..

(فاضل :) و چنانچه در وقت مختص مغرب بفهمد اشتباه کرده بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط لازم آن است که بعد از نماز مغرب ، نماز عشا را اعاده نماید ..

(اراکی :) اگر به رکوع رکعت چهارم رفته ، نمازش باطل است اگر چه احتیاط مستحب این است که همین نماز را هم قطع نکند ..

(خوئی ، تبریزی :) اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باشد، باید نماز را به هم زند و بعد از خواندن نماز مغرب نماز عشا را به جا آورد. [پایان مسأله] (زنجانی :) اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باشد، بنا بر احتیاط باید نماز را تمام کرده و بعد از خواندن نماز مغرب نماز عشا را اعاده کند. [پایان مسأله] (سیستانی :) اگر به رکوع رکعت چهارم رفته است ، می تواند نماز عشا را تمام کرده و بعد نماز مغرب را به جا آورد. [پایان مسأله] (نوری :) اگر به رکوع رکعت چهارم رفته نماز عشای او صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بخواند. [پایان مسأله] (فاضل :) البته این فرض تنها در صورتی تحقق می یابد که فرد مسافر باشد. (۴) (اراکی :) نمازش باطل است . [پایان مسأله] (بهجت :) نمازش خالی از اشکال نیست . حتی اگر به مغرب عدول کرده باشد. [پایان مسأله] (۵) (گلپایگانی ، صافی :) (گلپایگانی : می تواند) احتیاطاً نیّت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و دوباره نماز مغرب و بعد نماز عشا را بخواند (گلپایگانی : و می تواند رها کند و هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد).

(مکارم :) مسأله هر گاه از روی غفلت یا فراموشی شروع به نماز عشا کند و در اثنا بفهمد که نماز مغرب را نخوانده باید نیّت را به نماز مغرب برگرداند، مگر این که وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد که در این صورت عدول جایز نیست و باید ادامه دهد و نماز مغرب را بعد به جا آورد.

[مسأله ۷۳۹ آخر وقت نماز عشا نصف شب است]

مسأله ۷۳۹ آخر وقت نماز عشا (۱) نصف شب است (۲). و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند. به ۲) أن «۱» (۱) (زنجانی :) برای افراد غیر معذور .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و شب از اول غروب است تا اوّل آفتاب .

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) و شب را باید از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد (گلپایگانی ، صافی : بنا بر احتیاط) نه تا اول آفتاب . (صافی : ولی اگر تا موقعی که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب « از اول غروب تا طلوع صبح » بیشتر نمانده باشد، احتیاط این است که نماز عشا را بخواند و بعد به قصد ما فی الذّمه نماز مغرب را بخواند و عشا را اعاده نماید و اگر نماز مغرب را نخوانده باشد تا به اندازه نماز عشا به نصف شب « از اول غروب تا طلوع آفتاب » بیشتر نمانده باشد نماز عشا را رجاءً به قصد ادا بخواند و بعد ، نماز مغرب و عشا را قضا نماید).

(بهجت :) ولی رعایت احتیاطی که در مسأله [۷۳۶] گفته شد بنماید. و مقصود از نصف شب نصف ما بین غروب آفتاب و طلوع فجر است نه طلوع آفتاب .

(سیستانی :) مسأله آخر وقت نماز عشا برای شخص مختار هم چنان که گذشت نصف شب است و شب از اول غروب است تا طلوع فجر.

[مسأله ۷۴۰ اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند]

مسأله ۷۴۰ اگر از روی معصیت ، یا به واسطه عذری (۱) نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح ، بدون این که نیّت ادا و قضا کند به جا آورد. (۱) (فاضل :) اگر بواسطه عذری .. (سیستانی :) اگر از روی اختیار ..

(زنجانی :) مسأله اگر به واسطه عذری ؛ مانند خواب یا فراموشی یا حیض شدن ، نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند نمازش قضا نشده و باید آن را تا قبل از اذان صبح بخواند و می تواند

در آن نیت ادا کند و احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون نیت ادا و قضا به جا آورد، و اگر از روی معصیت نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند نماز وی قضا شده است ؛ ولی احتیاط مستحب آن است که تا قبل از اذان صبح ، بدون این که نیت ادا و قضا کند آن نماز را به جا آورد.

(مکارم :) مسأله هر گاه عمداً نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند وقت آن گذشته و باید قضا کند، امّا اگر بواسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح به جا آورد و نماز او اداء است .

وقت نماز صبح

[مسأله ۷۴۱ نزدیک اذان صبح از طرف مشرق]

مسأله ۷۴۱ نزدیک اذان صبح (۱) از طرف مشرق ، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول گویند (۲). موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم (۳)، و اول ِوقت نماز صبح است . و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید. (۱) (تبریزی :) نزدیک وقت نماز صبح .. (۲) (زنجانی :) آن را فجر اول یا فجر کاذب گویند .. (۳) (زنجانی :) یا فجر صادق ..

(فاضل :) وقتی که آن سفیده در طرف مشرق و افق پهن و گسترده می شود آن را فجر دوّم گویند ..

(مکارم :) مسأله وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است ، هر چند بر اثر تابش مهتاب ، نمایان نباشد و وقت نماز صبح از اوّل طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب ؛ و فجر صادق ، سپیده صبح است که در افق پهن می شود و بهتر است نماز صبح را قبل از روشن شدن هوا در همان تاریکی اوّل صبح به جا آورد.

احکام وقت نماز

[مسأله ۷۴۲ موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود]

مسأله ۷۴۲ موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود، که یقین کند (۱) وقت داخل شده است (۲)، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند (۳). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا اطمینان حاصل نماید ..

(زنجانی :) که خودش یا نوع مردم اطمینان کنند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) یا اذان گوی وقت شناس مورد وثوق اذان بگوید ..

(مکارم :) یا لا ـ اقل یک مرد عادل خبر از ورود وقت دهد؛ اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است و اگر

گمان قوی به دخول وقت از راههای دیگر پیدا کند آن نیز کفایت می کند خواه از روی ساعت صحیح باشد یا از غیر آن . (۳) (اراکی :) و به گفته یک نفر عادل بلکه یک نفر مورد اطمینان و هم چنین به اذان شخص مورد اطمینان هم می توان اعتماد کرد.

(خوئی ، تبریزی :) بلکه به اذان شخصی که وقت شناس و مورد اطمینان باشد یا به خبر دادن او به دخول وقت نیز می توان اکتفا نمود.

(نوری :) و أقوی این است که إخبار یک مرد عادل نیز کفایت می کند.

(سیستانی :) بلکه به اذان و به خبر شخصی که مکلّف بداند شدیداً مراعات دخول وقت را می کند، چنانچه موجب اطمینان شود نیز می توان اکتفا نمود.

(زنجانی :) و بنا بر احتیاط واجب یک نفر عادل کافی نیست .

(فاضل :) مشروط بر آن که خبر و شهادت آنها حسی باشد مثل این که شهادت بدهد که سایه شاخص بعد از کم شدن شروع به زیاد شدن نموده است . اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است .

(بهجت :) مسأله در حال توانایی بر تحصیل علم ، موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است ؛ و یا این که بنا بر اظهر شخص عادلی که آشنا با اوقات نماز است اذان بگوید و یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

[مسأله ۷۴۳ نابینا و کسی که در زندان است]

مسأله ۷۴۳ نابینا و کسی که در زندان است و مانند اینها بنا بر احتیاط واجب باید تا یقین به داخل شدن وقت نکنند مشغول نماز نشوند، ولی اگر انسان به واسطه ابر یا غبار و مانند اینها که برای همه مانع از یقین کردن است ، نتواند در اول وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده ، می تواند مشغول نماز شود. (گلپایگانی :) مسأله اگر به واسطه ابر یا غبار نتواند در اوّل وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده می تواند مشغول نماز شود لکن احتیاط مستحب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین کند وقت داخل شده است ولی در موانع غیر عامّه مثل نابینایی و زندانی بودن احتیاط لازم اکتفا نکردن به ظن است .

(خوئی ، تبریزی :) ولی در چیزهایی که نسبت به شناختن وقت ، مانع شخصی باشد مثل نابینایی و در زندان بودن ، احتیاط واجب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین (خوئی : یا اطمینان) کند که وقت داخل شده است .

(صافی :) در مواقع غیر عادّی ..

(سیستانی :) مسأله اگر به واسطه مانع شخصی مانند نابینایی یا در زندان بودن نتواند در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است ، و هم چنین است بنا بر احتیاط لازم اگر مانع از یقین به داخل شدن وقت از موانع عمومی از قبیل ابر و غبار و مانند اینها باشد.

(مکارم :) مسأله کسانی که به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار) و یا گرفتاری در زندان و یا نداشتن بینایی چشم نمی توانند یقین به دخول وقت پیدا کنند، چنانچه گمان قوی داشته باشند، می توانند مشغول نماز شوند.

(زنجانی :) مسأله اگر به جهتی ؛ مانند وجود ابر یا غبار، در اول وقت نماز به داخل شدن وقت اطمینان شخصی یا نوعی حاصل نشود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را به تأخیر انداخت تا اطمینان شخصی یا نوعی پیدا شود، یا دو مردِ عادل به داخل شدن وقت خبر دهند؛ به ویژه در مواردی که نسبت به شناختن وقت مانع شخصی وجود داشته باشد، مثلًا به واسطه نابینایی یا بودن

در زندان نتواند در اول وقت ِ نماز به داخل شدن وقت ، اطمینان کند.

(بهجت :) مسأله نابینا و کسی که در زندان است همین قدر که گمان به داخل شدن وقت پیدا کرد داخل نماز می شود؛ ولی احتیاط در این است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین و یا اطمینان و یا گمان قوی تر به داخل شدن وقت پیدا کند و اشخاص دیگر غیر از نابینا و زندانی که به واسطه ابر و غبار و مانند اینها توانایی بر تحصیل یقین یا علامات معتبر را ندارند، در صورتی که احتمال می دهند دسترسی به چیزی پیدا کنند که به واسطه آن علم و یا ظن ّبه وقت پیدا می کنند احتیاط در تأخیر نماز است ولی اگر به خاطر تأخیر خود به خود علم و یا ظن به وقت پیدا می شود احتمال دارد همین قدر که گمان به وقت پیدا کردند بتوانند نماز بخوانند ولی اگر عسر و حرج نباشد احتیاط در تأخیر نماز است .

[مسأله ۷۴۴ اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند]

مسأله ۷۴۴ اگر دو مرد عادل (۱) به داخل شدن وقت خبر دهند، یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود (۲) و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده ، نماز او باطل است (۳). و هم چنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده (۴) ولی اگر (۵) در بین نماز بفهمد وقت داخل شده ، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده نماز او صحیح است (۶). (۱) (نوری :) اگر دو یا یک مرد عادل .. (۲) (اراکی :) اگر انسان یقین کند که وقت نماز شده یا با اعتماد به گمان معتبر، مثل گواهی دو نفر عادل ، مشغول نماز شود ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) اگر به یکی از راههای گذشته برای انسان ثابت شود که وقت نماز شده و مشغول نماز شود ..

(فاضل :) اگر انسان یقین کند که وقت نماز شده یا دو مرد عادل از روی حس به داخل شدن وقت خبر دهند و مشغول نماز شود ..

(مکارم :) هر گاه مطابق دستورهای [مسأله ۷۴۲] مشغول نماز شود ..

(بهجت :) اگر با ملاکهایی که گفته شد داخل شدن وقت را احراز کند و مشغول نماز شود .. (۳) (بهجت :) مگر این که بتواند عدول کند به نماز نافله و یا نمازی که از او قضا شده باشد .. (۴) (فاضل :) [که] نمازش باطل است و باید اعاده کند .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) و بنا بر احتیاط اگر .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) نماز را اعاده نماید.

[مسأله ۷۴۵ اگر انسان ملتفت نباشد]

مسأله ۷۴۵ اگر انسان ملتفت نباشد (۱) که باید با یقین (۲) به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز (۳) بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده ، نماز او صحیح است (۴) و اگر بفهمد تمام (۵) نماز را پیش از وقت خوانده (۶) یا بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است ، نمازش باطل است . (۱) (فاضل :) اگر انسانی بر اثر غفلت و فراموشی توجه نداشته باشد ..

(بهجت :) اگر انسان ندانـد و یا فراموش کند .. (۲) (زنجانی :) بایـد با اطمینان .. (۳) (زنجانی :) چنانچه در بین نماز یا بعـد از نماز .. (۴) (زنجانی :) و گر نه باطل است . [پایان مسأله] (بهجت :) در صورتی که موقع نماز قصـد قربت داشـته باشـد. [پایان مسأله]

(۵) [کلمه «تمام » در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۶) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، فاضل :) یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت ، نمازش باطل است ، بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است باید (گلپایگانی ، فاضل ، صافی : به احتیاط واجب) دوباره آن نماز را بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه انسان بر اثر غفلت و فراموشی مشغول نماز شود بی آن که از دخول وقت با خبر گردد چنانچه تمام نمازش در وقت واقع شده باشد صحیح است و اگر همه یا قسمتی از آن پیش از وقت بود نمازش باطل است .

[مسأله ۷۴۶ اگر یقین کند وقت داخل شده]

مسأله ۷۴۶ اگر یقین کند (۱) وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه ، نماز او باطل است ، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آن چه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه ، نمازش صحیح است (۲). (۱) (زنجانی :) اگر اطمینان کند .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (نوری :) ولی اگر بداند جزئی از نماز در خارج وقت بوده ، نماز او باطل است .

(زنجانی :) اگر در بین نماز اطمینان داشته باشد که وقت شده ، نمازش صحیح است ، هر چند اطمینان کند که نماز را پیش از وقت شروع کرده است ، چنانچه گذشت .

(مکارم :) مسأله هر گاه بعد از نماز شک کند نماز را در وقت خوانده یا نه ، نماز او صحیح است ، به شرط آن که هنگام شروع نماز غافل از وقت نباشد ولی اگر در بین نماز شک کند نماز او باطل است و باید پس از دخول وقت اعاده کند.

[مسأله ۷۴۷ اگر وقت نماز به قدری تنگ است]

مسأله ۷۴۷ اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحبّ نماز (۱)، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود (۲)، باید آن مستحبّ را به جا نیاورد. مثلًا اگر به واسطه خواندن قنوت ، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید قنوت نخواند (۳). (۱) (زنجانی :) هم چون اذان و قنوت بلکه سوره بترسد مقداری از آن بعد از وقت خوانده شود، باید آن مستحب را به جا نیاورد. [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) مقداری از واجبات در خارج وقت خوانده شود .. (۳) (فاضل ، نوری :) (فاضل : نباید قنوت بخواند) و اگر بخواند، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است .

(سیستانی :) و اگر خواند، در صورتی نماز صحیح است که حدّ اقل یک رکعت از آن در وقت واقع شده باشد.

[مسأله ۷۴۸ کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد]

مسأله ۷۴۸ کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد (۱)، باید نماز را به نیّت ادا بخواند (۲) ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

(۱) (زنجانی :) بایـد نماز بخوانـد و اگر عمـداً نماز را تا این وقت تأخیر بینـدازد معصیت کرده ، ولی باید نماز را بخواند و در این دو صورت بنا بر احتیاط مستحب نیت ادا و قضا نکند. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) ولی تأخیر انـداختن نماز تا این حـد حرام است ؛ بنا بر این اگر به اندازه پنج رکعت تا نماز مغرب وقت داشـته باشد، نماز ظهر و عصر را به نیّت ادا بخواند و به همین ترتیب سایر نمازها.

[مسأله ۷۴۹ کسی که مسافر نیست]

مسأله ۷۴۹ کسی که مسافر نیست ، اگر تا مغرب (۱) به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخوانـد و اگر کمتر وقت دارد بایـد فقـط نمـاز عصـر را بخوانـد و بعـداً نماز ظهر را قضا کنـد و اگر تا نصف شب به انـدازه خواندن پنج رکعت (۲) نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشارا بخواند (۳) و بعداً باید نماز مغرب را بخواند و به احتیاط واجب نیّت ادا و قضا ننماید (۴). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) تا غروب آفتاب .. (۲) (فاضـل :) چهـار رکعت .. (۳) (فاضـل :) بایـد اوّل نمـاز عشا را به نیت ادا بخوانـد و بعـداً نماز مغرب را بخوانـد و بنا بر احتیاط واجب در نماز مغرب نیت ادا و قضا ننماید. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را به قصد ما فی الذمه به جا آورد و تا مقدار یک رکعت به فجر مانده قصد ادا و قضا نکند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بایـد فقـط عشا را بخوانـد و بعـداً مغرب را به جا آورد (سیسـتانی : بـدون آن که نیت ادا و قضـا کند).

(بهجت :) باید فقط عشا را بخواند و بعداً باید نماز مغرب را به قصد ما فی الذّمّه بخواند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۴۸.

(زنجانی :) مسأله کسی که مسافر نیست اگر نماز خود را تا نزدیکی غروب آفتاب به تأخیر بیندازد مسأله سه صورت دارد: اول : به انـدازه خوانـدن پنـج رکعت نماز وقت دارد، در این صورت بایـد نماز ظهر و عصـر خود را به ترتیب بخوانـد. دوم : به این انـدازه وقت ندارد ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت دارد، در این صورت نماز ظهرش قضا شده می باید نماز عصـر را به جا آورد. سوم : به انـدازه یک رکعت هم وقت نداشـته باشد، در این صورت نماز ظهر و عصـر هر دو قضا شده است . چنانچه غیر مسافر نماز مغرب و عشا را تا نزدیکی نیمه شب به تأخیر بینـدازد و به انـدازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را به ترتیب بخوانـد. در غیر این صورت ، اگر تأخیر بـدون عـذر باشـد دو صورت دارد: اول : به این انـدازه وقت نـدارد، ولی به انـدازه یک رکعت یا بیشتر وقت دارد، در این صورت باید نماز عشا را خوانده سـپس نماز مغرب را قضا کند و بنا بر احتیاط مستحب نماز مغرب را تا پیش از طلوع فجر خوانـده ، در آن نیت ادا یا قضا نکند. دوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشد، در این صورت نماز مغرب و عشا قضا شده و بنا بر احتیاط مستحب آن دو را تا پیش از طلوع فجر

به جا آورده در آن نیت ادا یا قضا نکنـد. و اگر تأخیر با عـذر باشـد سه صورت دارد: اول : به انـدازه چهار رکعت وقت داشـته باشـد، در این صورت نمـاز مغرب و عشـا را به ترتیب انجام داده و بنـا بر احتیاط مستحب نماز مغرب را تا پیش از طلوع فجر، بدون نیت ادا یا قضا اعاده کند. دوم : به اندازه چهار رکعت وقت نداشته ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، در این صورت بایـد نماز مغرب را خوانـده و تا پیش از طلوع فجر نماز عشا را به جا آورد. و بنا بر احتیاط مستحب نماز مغرب را پیش از آن بـدون نیت ادا یا قضا اعاده کند و در نماز عشا نیز نیت خصوص ادا یا قضا نکند. سوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشـد، در این صورت می بایـد نمـاز مغرب و عشا را تا پیش از طلوع فجر به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب در آنهـا نیت خصوص ادا یـا قضا نکنـد. در تأخیر نماز مغرب و عشا تا نزدیکی طلوع فجر با عـذر سه صورت وجود دارد: اول : به اندازه پنج رکعت وقت داشته باشد در این صورت باید نماز مغرب و عشا را به ترتیب بخواند و بنا بر احتیاط مستحب در آنها نیت خصوص ادا یا قضا نکنـد. دوم : به این انـدازه وقت نداشته باشـد ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، در این صورت نماز مغربش قضا شـده ، می بایست نماز عشا را در این وقت به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب نیت خصوص ادا یـا قضـا نکنـد. سوم : به انـدازه یـک رکعت هم وقت نداشته باشـد، در این صورت نماز مغرب و عشا هر دو قضا شـده است . گفتنی است که در تأخیر نماز مغرب و عشا تا نزدیکی طلوع فجر بـدون عذر نیز نظیر این سه صورت وجود دارد ولی گذشت که با تأخیر نماز مغرب و عشا از نصف شب بـدون عـذر، این دو نماز قضا می شوند و احتیاط مستحب آن است که حکم سه صورت تأخیر با عذر در اینجا نیز جاری گردد؛ ولی نمی تواند در نماز نیت ادا کند.

[مسأله ۷۵۰ کسی که مسافر است]

مسأله ۷۵۰ کسـی که مسـافر است اگر تـا مغرب (۱) به انـدازه خوانـدن سه رکعت نمـاز وقت دارد، بایـد نمـاز ظهر و عصـر را بخوانـد و اگر کمتر وقت دارد، بایـد فقط عصـر را بخوانـد و بعـداً نماز ظهر را قضا کند. و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد باید فقط عشا را بخواند (۲) و بعداً مغرب را بـدون نیّت ادا و قضـا به جا آورد (۳) و چنـانچه بعـد از خوانـدن عشا، معلوم شود که به مقـدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانـده است باید فوراً نماز مغرب را به نیّت ادا به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) تا غروب آفتاب .. (۲) (بهجت :) و بلا فاصله مغرب را احتیاطاً به قصـد ما فی الـذّمّه به جا آورد. [پایان مسأله] (سیستانی :) بایـد نماز مغرب و عشا را به ترتیب بخواند و اگر به مقدار سه رکعت نماز وقت دارد باید اوّل نماز عشا را بخوانـد و بعـد مغرب را به جـا آورد تـا یـک رکعت از نمـاز مغرب را در وقت انجام داده باشـد و اگر کمتر از سه رکعت نماز وقت دارد باید اوّل عشا را بخواند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بعداً مغرب را به قصد ما فی الذّمه به جا آورد ..

(خوئی ، تبریزی :) بعداً مغرب را به جا آورد ..

(زنجانی :) مسأله کسی که مسافر است ، اگر نماز ظهر و عصر خود را تا نزدیکی غروب آفتاب به تأخیر بیندازد، مسأله سه صورت دارد: اول : به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، در این صورت نماز ظهر و عصر را به ترتیب می خواند. دوم : به این اندازه وقت ندارد ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت دارد، در این صورت نماز ظهرش قضا شده می باید نماز عصر را به جا آورد. سوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشد که در این صورت نماز ظهر و عصر هر دو قضا شده است . مسافر اگر نماز مغرب و عشا را تا نزدیکی نیمه شب به تأخیر بیندازد و به اندازه خواندن چهار رکعت وقت داشته باشد، باید نماز مغرب و عشا را به ترتیب بخواند. در غیر این صورت ، اگر تأخیر بی عذر باشد سه صورت دارد: اول : به اندازه خواندن سه رکعت وقت داشته باشد، در این صورت ، نخست نماز عشا را خوانده و پس از آن فوراً نماز مغرب را می خواند و بنا بر احتیاط مستحب در آن نیت ادا یا قضا نکند. دوم : به این اندازه هم وقت ندارد ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت دارد، در این صورت باید نماز عشا را خوانده ، سپس نماز مغرب را قضا کند و بنا بر احتیاط مستحب نماز مغرب را تا پیش از طلوع فجر به جا آورده در آن نیت ادا یا قضا نکند. سوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشد، در این صورت نماز مغرب و عشا قضا شده و بنا بر احتیاط مستحب می باید آن دو را تا پیش از طلوع فجر به جا آورده ، نیت ادا یا قضا نکند. و اگر تأخیر تا وقتی که کمتر از چهار رکعت وقت دارد با عذر صورت گیرد، مسأله دو صورت دارد: اول : به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، در این صورت باید نماز مغرب را خوانده و تا پیش از طلوع فجر نماز عشا را به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب نماز مغرب را پیش از آن بدون نیت ادا یا قضا اعاده کند و در نماز عشا نیز نیت خصوص ادا یا قضا نکند. دوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشد، در این صورت می باید نماز مغرب و عشا را تا پیش از طلوع فجر ادا به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب در آنها نیت خصوص ادا یا قضا نکند. در تأخیر نماز مغرب و عشا برای مسافر تا نزدیکی طلوع فجر با عذر سه صورت دارد: اول : به اندازه چهار رکعت وقت داشته باشد در این صورت باید نماز مغرب و عشا را به ترتیب بخواند و بنا بر احتیاط مستحب در آنها نیت خصوص ادا یا قضا نکند. دوم : به این اندازه وقت نداشته باشد ولی به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، در این صورت نماز مغربش قضا شده ، می باید نماز عشا را در این وقت به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب نیت خصوص ادا یا قضا نکند، و سپس مغرب و عشا را قضا کند. سوم : به اندازه یک رکعت هم وقت نداشته باشد، در این صورت نماز مغرب و عشا هر دو قضا شده است . و بنا بر احتیاط مستحب در تأخیر بدون عذر تا نزدیکی طلوع فجر نیز حکم تأخیر با عذر جاری می شود؛ ولی نمی تواند در نماز نیت ادا کند.

[مسأله ۷۵۱ مستحب-است انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند]

مسأله ۷۵۱ مستحب-است انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است (۱)، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلًا صبر کند که نماز را به جماعت بخواند (۲).

(۱) (بهجت :) مگر مواردی که شارع مقدس استثناء کرده است که خواهد آمد. [پایان مسأله] (۲) (سیستانی :) کمی صبر کند که نماز را به جماعت بخواند، به شرط آن که وقت فضیلت نگذرد.

(مکارم :) مسأله یکی از مستحبات مؤکّد این است که نماز را در اوّل وقت فضیلت آن بخواند و در روایات راجع به آن بسیار سفارش شده است و هر چه به اوّل وقت فضیلت نزدیکتر باشد، بهتر است .

[مسأله ۷۵۲ هر گاه انسان عذری دارد]

مسأله ۷۵۲ هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است با تیمّم (۱) نماز بخواند، چنانچه بداند یا احتمال دهد که (۲) عذر او تا آخر وقت باقی است ، می تواند در اوّل وقت نماز بخواند. ولی اگر (مثلًا لباسش نجس باشد یا عذر دیگری داشته باشد و (۳)) احتمال دهد که عذر او از بین می رود بنا بر احتیاط واجب (۴) باید صبر کند تا عذرش برطرف شود (۵) و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر وقت نماز بخواند (۶) و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبّات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد می تواند تیمّم کند و نماز را با آن مستحبات به جا آورد (۷). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ناچار است مثلًا بدون ساتر یا با لباس نجس .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، نوری :) چنانچه بداند .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی و تبریزی نیست] (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی و تبریزی نیست] (۵) (سیستانی :) هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اوّل وقت نماز بخواند ناچار است با تیمم نماز بخواند، چنانچه مأیوس از برطرف شدن آن باشد، یا احتمال دهد با تأخیر، از تیمّم هم عاجز شود، می تواند در اوّل وقت هم تیمّم کند و نماز بخواند ولی اگر مأیوس نباشد، باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا مأیوس شود .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند. و امّا اگر ناچار است با تیمّم نماز بخواند حکم آن در مسأله [۷۱۵] گذشت .. (۷) (خوئی ، تبریزی :) و در عذرهای دیگر غیر از موارد تیمّم اگر احتمال بدهد که عذر او باقی باشد؛ جایز است اوّل وقت نماز بخواند ولی چنانچه در اثناء وقت عذرش برطرف گردد لازم است اعاده نماید.

(سیستانی :) و در عذرهای دیگر غیر از موارد تیمم اگر چه مأیوس نباشد که عذر او برطرف شود، جایز است اوّل وقت نماز بخواند ولی چنانچه در أثناء وقت ، عذرش برطرف گردد در بعض موارد لازم است اعاده نماید.

(فاضل ، نوری :) می تواند با لباس نجس مثلًا نماز را با آن مستحبّات به جا آورد.

(مکارم :) مسأله کسانی که دارای عذری هستند و یقین دارند عذرشان تا آخر وقت برطرف می شود واجب است صبر کنند و چنانچه یقین داشته باشند عـذر باقی می ماند، صبر کردن واجب نیست ، امّا اگر احتمال می دهند برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کنند، مگر در مورد تیمّم که می توانند در چنین صورتی در اول وقت نماز بخوانند.

(زنجانی :) مسأله هر گاه انسان عـذری دارد که اگر بخواهـد در اوّل وقت نماز بخوانـد ناچار است مثلًا با تیمم یا لباس نجس نماز بخوانـد، چنانچه بدانـد عذر او تا آخر وقت باقی است می تواند در اوّل وقت نماز بخواند، ولی اگر بر خلاف عقیده وی ، عـذر او در وقت برطرف شـد بایـد نماز را دوباره بخوانـد، و اگر احتمال می دهـد عذر او از بین می رود می تواند صبر کند تا عـذرش برطرف شود و اگر عـذرش برطرف نشـد، در آخر وقت مطابق وظیفه خود نماز بخواند، و می تواند در اول وقت رجاءً مثلًا تیمم کرده ، یا با لباس نجس نماز بخوانـد که اگر عذرش تا آخر وقت باقی بود نمازش صـحیح است و گر نه ، باید آن را اعاده کند.

[مسأله ۷۵۳ کسی که مسائل نماز و شکّیات و سهویّات را نمی داند]

مسأله ۷۵۳ کسـی که مسائل نماز و شـکّیات و سهویّات را نمی داند و احتمال می دهد که یکی از اینها در نماز پیش آید (۱)، باید (۲) برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بینـدازد (۳). ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صـحیح تمام می کند، می تواند در اول وقت مشغول نماز شود (۴)، پس اگر (۵) در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند (پیش نیاید نماز او صحیـح است و اگر مسأله ای که حکم آن را نمی داند (۶)) پیش آید، می تواند (۷) به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد، عمل نماید (۸) و نماز را تمام کنـد. ولی بعـد از نماز بایـد مسأله را بپرسـد که اگر نمازش باطل بوده ، دوباره بخواند. (۹) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیسـتانی :) کسی که مسائل نماز را نمی داند و نمی تواند بدون یاد گرفتن ، آن را به طور صـحیح انجام دهـد، یا شـکیات و سـهویّات را نمی دانـد و احتمال می دهـد که یکی از اینها در نماز پیش آیـد و به واسـطه یـاد نگرفتن ، واجبی را ترک کنـد یا حرامی را مرتکب شود .. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب بایـد .. (۳) (نوری :) کسـی که مسائـل نماز و شـکیات و سـهویات را نمی دانـد اگر مطمئن است که در نماز پیش می آیـد، واجب است آنها را یاد بگیرد، بلکه بنـا بر احتیـاط واجب مسائلی را که احتمال می دهـد در نماز پیش آیـد، بایـد یاد بگیرد .. (۴) (سیسـتانی :) اگر به امید آن که بر وجه صحیح نماز را انجام دهد در اوّل ِوقت مشغول نماز شود ..

(مکارم :) اگر اطمینان دارد که می توانـد نماز را بطور کامل تمام کنـد، جایز است در اوّل وقت مشـغول نماز شود. هر گاه در نماز مسأله ای پیش آیـد که حکم آن را نمی داند، می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد، به قصد رجاء عمل کند و بایـد بعد از نماز مسأله را سؤال کند که اگر باطل بوده ، دوباره بخواند (و احتیاط آن است که طرفی را که بیشتر احتمال می دهد بگیرد).

(۵) (فاضل :) ولی اگر .. (۶) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۷) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) جایز است .. (۸) (سیستانی :) جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد به امید آن که وظیفه او باشد، عمل نماید .. (۹) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و اگر صحیح بوده اعاده لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله کسی که مسائل نماز و احکام شک و سهو را نمی داند و احتمال می دهد که یکی از اینها در نمازش پیش آید و نمازش را باطل کند، نمی تواند در اول وقت با قصد جزمی نماز را شروع کند بلکه یا باید نماز را در اول وقت به قصد رجاء شروع کند یا برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت به تأخیر بیندازد ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می کند، می تواند در اول وقت با نیت جزمی مشغول نماز شود، و در هر صورت اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش نیاید، نماز او صحیح است و اگر مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد، عمل نماید و نماز را تمام کند؛ ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل باشد، دوباره بخواند و اگر صحیح بوده اعاده لازم نیست .

[مسأله ۱۷۵۴ اگر وقت نماز وسعت دارد]

اشاره

مسأله ۱۷۵۴ اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را (۱) مطالبه می کند در صورتی که ممکن است باید اوّل قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند و هم چنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را به جا آورد پیش آمد کند، مثلًا ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند، بعد نماز بخواند. و چنانچه (۲) اول نماز بخواند، معصیت کرده ولی نماز او صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) که وقتش رسیده .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، نوری :) چنانچه در هر دو صورت ..

(مکارم :) مسأله هر گاه ببیند مسجد نجس شده بهتر این است که اوّل مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند و هم چنین است اگر طلبکاری ایستاده و طلب خود را مطالبه می کند، ولی اگر نماز و مقدّمات آن وقت زیادی را بگیرد واجب است اوّل تطهیر مسجد کند و اداء دین نماید بعد نماز بخواند، اگر بر خلاف این دستور عمل کند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است و در تنگی وقت ، نماز مقدم است .

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۶۹۴ مستحب-است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله یا تعقیبات کافی نیست ، بلکه معیار همان وقت فضیلت است .

(مکارم :) مسأله ۶۹۵ وقت فضیلت نماز ظهر تا موقعی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود (منظور سایه ای است که از ظهر به بعد پیدا می شود) و وقت فضـیلت عصـر از موقعی که سایه شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود و وقت

فضیلت نماز مغرب از غروب است تا ناپدید شدن «حُمره مغربیّه » (رنگ سرخی که بعد از غروب آفتاب در مغرب ظاهر می شود) و وقت فضیلت نماز عشا از موقعی است که سرخی مزبور ناپدید می شود تا یک سوم از شب و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع فجر یعنی سپیده صبح است تا موقعی که هوا روشن شود.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

[مسأله ۷۵۵ انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر بخواند]

مسأله ۷۵۵ انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً (۱) نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است . (۱) (زنجانی :) اگر با علم و عمد ..

[مسأله ۷۵۶ اگر به نیّت نماز ظهر مشغول نماز شود]

مسأله ۷۵۶اگر به نیّت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است ، نمی تواند نیّت را به نماز عصر برگرداند (۱) بلکه باید نماز را بشکند (۲) و نماز عصر را بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشا (۳). (۱) (مکارم :) و نماز او باطل است ، هم چنین در مورد نماز مغرب و عشا، اما اگر نیّت نماز عصر کند و بعد متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده هر جای نماز باشد می تواند نیّت خود را به ظهر برگرداند، هم چنین اگر شروع به نماز عشا کرده و متوجّه شود نماز مغرب را نخوانده اگر قبل از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نیّت را برمی گرداند، ولی اگر بعد از رکوع رکعت چهارم متوجّه شود نماز را به نیّت عشا تمام می کند، بعداً نماز مغرب را می خواند و احتیاطاً نماز عشا را نیز اعاده کند.

(زنجانی :) بلکه باید نماز عصر را جداگانه بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشا. (۲) (بهجت :) نمی تواند نیّت را به نماز عصر برگرداند، مگر این که قصدش این بوده که نمازی را که بر او واجب است بخواند و اشتباهاً کلمه ظهر را در نیّت آورده است و یا این که خیال کرده ظهر را باید بخواند؛ و در صورت جایز نبودن عدول ، باید نماز را بشکند .. (۳) (نوری :) و این مطلب بر این اساس است که عدول از سابق به لاحق جایز نیست ، ولی عکس آن جایز است .

[مسأله ۷۵۷ اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است]

مسأله ۷۵۷ اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیّت را به نماز ظهر برگرداند (۱) و داخل رکن شود و بعد یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده ، نمازش باطل است و باید نماز عصر را بخواند ولی اگر پیش از داخل شدن در رکن یادش بیاید باید نیّت را به نماز عصر برگرداند و آن چه به نیّت ظهر خوانده دوباره به نیّت عصر بخواند و نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده بنا بر احتیاط واجب باید نیّت را به نماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز، دوباره نماز عصر را بخواند مگر آن که پیش از به جا آوردن جزئی از اجزاء به قصد ظهر یادش بیاید، که در این صورت نماز را به نیّت عصر تمام می

کند و اعاده لازم نیست .

(خوئی ، تبریزی :) چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده ، باید نیت را به نماز عصر برگرداند و نماز را تمام کند.

(سیستانی :) چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده ، می تواند نیت را به نماز عصر برگرداند و نماز را تمام کند در صورتی که بعضی از اجزاء نماز را به نیّت ظهر نیاورده باشد یا آن که اگر آورده است به نیّت عصر تدارک کند، ولی اگر آن جزء رکعت باشد نماز او در هر صورت باطل است و هم چنین اگر رکوع یا دو سجده از یک رکعت باشد نماز بنا بر احتیاط لازم باطل است .

(فاضل :) و نماز را ادامه دهد و بعد متوجه شود که نماز ظهر را خوانده است باید نیت خود را به نماز عصر برگرداند و چنانچه مقداری از نماز را که به نیّت ظهر خوانده مشتمل به رکن بوده باید نماز را تمام کند و دوباره نماز عصر را بخواند، امّا اگر مشتمل بر رکن نبوده باید آن قسمت را به نیّت عصر بخواند و نماز او صحیح است هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۵۶.

(زنجانی :) مسأله اگر در بین نماز عصر اطمینان پیدا کند که نماز ظهر را نخوانده است ، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام نماید و چنانچه پس از برگرداندن نیت به نماز ظهر یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بود، در صورتی که هیچ یک از اجزاء واجب را به نیت ظهر نخوانده باشد، باید نیت را به نماز عصر برگرداند و نماز را تمام کند، و اگر برخی از اجزاء واجب را که از قبیل ذکر خدا و قرآن باشد خوانده ، بنا بر احتیاط آن اجزاء را دوباره به قصد قربت ؛ بدون نیت خصوص وجوب یا استحباب ، به جا آورده و نمازش را تمام کند، و در غیر این دو صورت نماز را رجاءً به نیت عصر تمام کرده و دوباره آن را اعاده کند.

[مسأله ۷۵۸ اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده]

اشاره

مسأله ۷۵۸ اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه باید نیّت را به نماز ظهر برگرداند (۱). ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می شود (۲) باید به نیّت نماز عصر، نماز را تمام کند و نماز ظهرش قضا ندارد (۳). (۱) (مکارم :) باید به همان دستور که در مسأله قبل [(۷۵۶)] گفته شد عمل کند، یعنی نیّت را به ظهر برگرداند و بعداً عصر را بخواند، هم چنین اگر در وسط نماز عشا شکّ کند که نماز مغرب را خوانده یا نه ، باید به دستور گذشته عمل کند.

(زنجانی :) بعید نیست بتواند نماز را به نیت عصر تمام کرده ، نیازی به خواندن نماز ظهر نیست ؛ هر چند در وسعت وقت ، بنا

بر احتیاط مستحب نماز را به قصد ما فی الذمّه تمام کرده ، پس از آن رجاءً چهار رکعت (یا دو رکعت در مورد مسافر) بدون نیت ظهر یا عصر به جا آورد.

(سیستانی :) باید نماز را به نیّت عصر تمام کند و بعداً نماز ظهر را به جا آورد ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، آفتاب غروب می کند و برای یک رکعت نماز هم وقت باقی نمانده لازم نیست که نماز ظهر را قضا کند. (۲)
(خوئی ، تبریزی :) اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، آفتاب غروب

می کند و برای یک رکعت از نماز هم مجال نیست باید به نیّت نماز عصـر نماز را تمام کند (تبریزی : و قضای ظهر نیز واجب نیست). (۳) (گلپایگانی ، صافی :) باید بنا بگذارد که ظهر را خوانده و به نیّت نماز عصر نماز را تمام کند.

(فاضل :) بنا بر احتیاط نماز ظهرش را قضا کند.

(بهجت :) مسأله اگر بعـد از خوانـدن نماز عصـر شک کرد که نماز ظهر را خوانـده یا نه ، بنا بر أظهر خواندن نماز ظهر واجب نیست اگر چه در وقت مشترک أحوط است ؛ و اگر در اثناء نماز عصـر شکّ کرد که ظهر را خوانده یا نه ، در صورتی که در وقت مشترک باشد عدول کردن او به نماز ظهر واجب نیست بلکه محل تأمل است و احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز عصر، ظهر را بخواند و اگر وقت گذشـته آن را قضا کند و چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از خواندن نماز، مغرب می شود (یعنی در وقت مختص به عصـر شکّ کرد نماز ظهر را خوانـده یا نه) بایـد به همان نیّت ، نماز عصـر را تمام کند و نماز ظهرش قضا ندارد اگر چه در قضا احتیاط خوب است .

مسأله اختصاصی

(زنجـانی :) مسأله ۷۶۶ اگر در بین نمـاز عشـا یقین کنـد که نمـاز مغرب را نخوانـده است ، چنانچه داخل رکوع رکعت چهارم نشـده باشد، نیت را به نماز مغرب برمی گرداند و نماز را تمام می کند، و چنانچه بعد از رسـیدن به رکوع رکعت چهارم باشد، می تواند نماز را بهم زده و نماز مغرب و عشا را بخواند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را به نیت عشا رجاءً تمام کرده ، سپس نماز مغرب و عشا را بخواند.

[مسأله ۷۵۹ در نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم]

مسأله ۷۵۹ اگر در نمـاز عشا، پیش از رکوع رکعت چهارم (۱) شک کنـد که نماز مغرب را خوانده یا نه (۲)، چنانچه وقت به قـدری کم است که بعـد از تمام شدن نماز، نصف شب می شود (۳)، بایـد به نیّت عشا نماز را تمام کند (۴) و اگر بیشتر وقت دارد (۵) بایـد نیّت را به نماز مغرب برگردانـد و نماز را سه رکعتی تمام کنـد، بعـد نماز عشا را بخواند. (۱) (بهجت :) اگر در نمـاز عشا، چه بعـد از رکوع و چه پیش از رکوع رکعت چهارم .. (۲) (بهجت :) حکم آن مانند نماز عصـر است که در مسأله قبل بیان شد. [پایان مسأله] (۳) (خوئی ، تبریزی :) و به مقـدار یـک رکعت از نماز هم مجال نیست .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) و بعد مغرب را به قصد ما فی الذّمّه به جا آورد ..

(نوری :) و بنا بگذارد که نماز مغرب را خوانده است .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) و یک رکعت از آن در وقت اشتراکی واقع شده باشد ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۵۶.

(سیستانی :) مسأله اگر در نماز عشا شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه ، باید به نیّت عشا نماز را تمام کند و بعد نماز مغرب را به جا آورد ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، وقت تمام می شود و به مقدار یک رکعت نماز هم وقت باقی نمانده لازم نیست که نماز مغرب را قضا کند.

(زنجانی :) مسأله اگر در نماز عشا شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه ، بعید نیست که بتواند نماز خود را به نیت عشا تمام کرده و نیازی به خواندن نماز مغرب نیست ، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر در وسعت وقت شک کند، پس از اتمام این نماز، نماز مغرب را رجاءً بخواند و سپس عشا را اعاده کند.

[مسأله ۷۶۰ در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم]

مسأله ۷۶۰اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه (۱)، باید نماز را تمام کند (۲)، بعد نماز مغرب را بخواند (۳)، ولی اگر این شک در وقت مخصوص به نماز عشا باشد خواندن نماز مغرب لازم نیست (۴). این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه وقت کم است باید نماز عشا را تمام کند و اگر به مقدار پنج رکعت وقت باشد، باید نماز را به هم زده و نماز مغرب و عشا را بخواند. (۲) (سیستانی :) و بعداً چنانچه وقت برای نماز مغرب باقی باشد، نماز مغرب را نیز بخواند. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و بعد عشارا نیز اعاده نماید بنا بر احتیاط لازم ، مگر این که این شک در وقت مخصوص نماز عشا باشد که در این صورت خواندن نماز مغرب لازم نیست . (۴) (فاضل :) بنا بر احتیاط نماز مغرب را قضا کند.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۷۵۹). (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۷۵۶).

[مسأله ۷۶۱ اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند]

مسأله ۷۶۱اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است ، نمی تواند نیّت را به آن نماز برگرداند، مثلًا موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است ، نمی تواند نیّت را به نماز ظهر برگرداند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست

[مسأله ۷۶۲ برگرداندن نیّت از نماز قضا به نماز ادا]

مسأله ۷۶۲ برگرداندن نیّت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب ّبه نماز واجب (۱) جایز نیست (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) یا نماز مستحب دیگر .. (۲) (مکارم :) ولی عدول از نماز ادا به قضا جایز است و اگر نماز قضا، قضای همان روز باشد احتیاط واجب این است که عدول کند و بعد از فراغت از نماز قضا، نماز ادا را بخواند، البته این در صورتی است که جای عدول باقی باشد، مثلًا در صورتی می تواند نیّت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم از نماز ظهر نشده باشد.

[مسأله ۷۶۳ اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد]

مسأله ۷۶۳اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، (۱) انسان می تواند در بین نماز (۲) نیّت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید

برگرداندن نیت به نماز قضا ممکن باشد، مثلًا اگر مشغول نماز ظهر است ، در صورتی می تواند نیّت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم (۳) نشده باشد (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی :) و انسان مشغول ادا شده باشد .. (۲) (سیستانی :) چنانچه یادش بیاید که نماز قضا بر ذمّه دارد ..

(۳) (گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) داخل رکوع رکعت سوّم .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر با علم و تذکّر به قضا، شروع به ادا کرده باشد عدول ، محلِّ تأمّل است و أحوط ترک آن است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۶۲.

(زنجانی :) مسأله انسان می تواند در بین نماز ادا نیت را به نماز قضا برگرداند؛ به تفصیلی که در فصل نماز قضا مسأله [۱۳۹۴] خواهد آمد.

(فاضل :) مسأله احتیاط واجب این است که اگر نمازی قضا شده است قبل از نماز ادای بعدی آن را قضا کند و اگر مشغول نماز ادا شده و سپس متوجه شد که نمازی از همان روز قضا شده است به احتیاط واجب نیت خود را به قضا برگرداند و اگر مشغول نماز ادا شود و بعداً متوجه شود که نماز قضا از قبل دارد مستحب است نیت خو درا به نماز قضا برگرداند در دو فرض قبل اگر وقت تنگ باشد یا از محل عدول گذشته باشد مثلًا نماز صبح قضا شده و بعد از رکوع رکعت سوّم متوجه شود نمی تواند عدول کند.

نمازهای مستحب

[مسائل]

[مسأله ۷۶۴ نمازهای مستحبّی]

مسأله ۷۶۴ نمازهای مستحّبی زیاد است و آنها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده (۱) و آن ها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعتند که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می باشد و چون دو رکعت نافله عشا را بنا بر احتیاط واجب (۲) باید نشسته خواند (۳)، یک رکعت حساب می شود. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می شود (۴). (۱) (مکارم :) [و] نافله روزانه به ترتیب زیر است : نافله ظهر هشت رکعت و نافله عصر نیز هشت رکعت است ، و نافله مغرب چهار رکعت و نافله عشا دو رکعت است که نشسته خوانده می شود، نافله شب یازده رکعت و نافله صبح نیز دو رکعت است . و چون دو رکعت نافله عشا یک رکعت حساب می شود، مجموع این نافله ها سی و چهار رکعت خواهد بود، ولی در روز جمعه سی و هشت رکعت است زیرا چهار رکعت به نافله ظهر و عصر اضافه می شود (همه نافله ها دو رکعت دو رکعت خوانده می شود). (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، فاضل :) بنا بر احتیاط مستحبّ .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط .. (۳) (بهجت :) چون دو رکعت نافله عشا را باید نشسته خواند، .. (۴) (خوئی ، سیستانی :) و بهتر آن است که تمام بیست رکعت را پیش از زوال به جا آورد (سیستانی : بجز دو رکعت آن که بهتر است در وقت زوال باشد).

(صافی :) و بهتر این است که تمام بیست رکعت را پیش از ظهر به جا آورد.

(زنجانی :) [و] نمازهای نافله به جز نافله وتر و برخی نافله هایی که در کتابهای مفصل ذکر شده دو رکعت دو رکعت خوانده

می شود. (بهجت :) که تمام آن را می توان قبل از ظهر به جا آورد.

[مسأله ۷۶۵ نافله شب]

اشاره

مسأله ۷۶۵ از یازده رکعت نافله شب ، هشت رکعت آن باید به نیّت نافله شب و دو رکعت آن به نیّت نماز شفع و یک رکعت آن ، به نیّت نماز وتر خوانده شود (۱). و دستور کامل نافله شب در کتابهای دعا گفته شده است (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و هشت رکعت نافله شب و هم چنین نافله ظهر و عصر و مغرب را باید مانند نماز صبح دو رکعتی بخوانند .. (۲) (زنجانی :) آداب و مستحبات نافله شب در کتابهای دعا به طور کامل گفته شده است .

مسأله اختصاصی

(مکـارم :) مسأله ۷۰۳ نـافله شب از مهمترین نمازهای نافله است که در روایات اسـلامی و قرآن مجیـد روی آن تأکیـد شـده و تأثیر عمیقی در صـفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حل ّ مشکلات دارد و در کتب معروف دعا، آدابی برای آن ذکر کرده انـد، مخصوصاً برای قنوت نافله وتر؛ رعایت این آداب خوب است ولی می توان نماز شب را بـدون این آداب مانند نمازهای معمولی نیز انجام داد و کسـی که به علّتی نتوانـد آخر شب بیـدار شود و نماز شب را بخوانـد می توانـد قبل از خواب آنها را به جا آورد.

[مسأله ۷۶۶ نمازهای نافله را می شود نشسته خواند]

مسأله ۷۶۶ نمازهای نافله را می شود نشسـته خوانـد ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسـته را یک رکعت حساب کند، مثلًا کسی که می خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند، بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می خواهد نماز وتر را نشسـته بخوانـد، دو نمـاز یـک رکعتی نشسـته بخوانـد. این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (سیسـتانی :) مسأله نمازهـای نافله را می شود نشسـته خوانـد، هر چنـد در حال اختیار. و لازم نیست هر دو رکعت را یک رکعت حساب کنـد ولی بهتر است ایستاده بخواند، بجز نافله عشاء که بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

(مکـارم :) مسـأله نمـاز نـافله را می توان نشسـته خوانـد، ولی در این صورت احتیاط این است که هر دو رکعت را یک رکعت حساب کند، مثلًا به جای هشت رکعت نافله ظهر ایستاده ، شانزده رکعت نشسته بخواند. چنانکه گفتیم نمازهای نافله را باید دو رکعت دو رکعت انجـام داد، جُز نـافله وتر، که یـک رکعت است و اگر بخواهـد نافله وتر را نشسـته بخوانـد بایـد دو نماز یک رکعتی نشسته به جا آورد.

[مسأله ۷۶۷ نافله ظهر و عصر]

مسأله ۷۶۷ نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیّت این که شاید مطلوب باشد می تواند به جا آورد (۱). (۱) (نوری :) نافله عشا را که نماز وتیره نامیده می شود به نیت این که شاید مطلوب خداوند باشد، می تواند به جا آورد.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) مسأله نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند و نافله عشا چنانچه به قصد رجاء خوانده شود مانعی ندارد.

(بهجت :) مسأله نافله ظهر و عصر در سفر یعنی در جایی که باید نماز ظهر و عصر را شکسته بخواند ساقط می شود؛ و امّا در جایی که مخیّر است نمازش را تمام و یا شکسته بخواند أظهر عدم سقوط نافله ظهر و عصر است ؛ و امّا در نافله عشا أظهر عدم سقوط آن در سفر است ولی احتیاط این است که به نیت این که شاید مطلوب باشد به جا آورد.

(مکارم :) مسأله نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند و احتیاط آن است که نافله عشا را نیز ترک کند، اما بقیه نافله های روزانه یعنی نافله صبح و مغرب و نافله شب در سفر ساقط نمی شود.

(زنجانی :) مسأله نافله ظهر و عصر در سفر ساقط می شود، و نافله عشا بنا بر احتیاط به قصد رجاء خوانده شود.

وقت نافله های یومیّه

[مسأله ۷۶۸ نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود]

مسأله ۷۶۸ نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن (۱) از اول ظهر تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود (۲)، به اندازه دو هفتم آن شود، مثلًا اگر درازی شاخص هفت وجب باشد (۳)، هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود به دو وجب رسید (۴)، آخر وقت نافله ظهر است (۵). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی :) وقت فضیلت آن .. (۲) (مکارم :) بیشتر از دو هفتم طول شاخص شود، مثلًا اگر طول شاخص هفت وجب است هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود بیشتر از دو وجب شود وقت نافله ظهر تمام شده . (۳) (فاضل :) مثلًا اگر ارتفاع شاخص هفتاد سانتی متر باشد .. (۴) (فاضل :) به بیست سانتی متر رسید .. (۵) (بهجت :) امّیا بعد از این وقت تا موقعی که سایه به اندازه خود شاخص بشود باز هم نافله ظهر فضیلت دارد، ولی از نظر فضیلت به وقت قبلی نمی رسد؛ و قبل از اذان ظهر و بعد از این که سایه به اندازه شاخص شد به امید این که الآن خواندن آن خوب باشد می توانند نافله ظهر را بخوانند ولی بنا بر احتیاط اگر قبل از ظهر می خوانند نیّت ادا و اگر بعد از نماز می خوانند نیت اداء و قضا ننمایند.

(گلپایگانی ، صافی :) آخر وقت فضیلت نافله ظهر است و تا آخر وقت فریضه هر گاه پیش از نماز ظهر (صافی : پیش از نماز عصر) به قصد اداء به جا آورد صحیح است و هم چنین وقت اداء نافله عصر تا وقت اداء فریضه عصر است .

(سیستانی :) مسأله نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن از اوّل ظهر است ، و تا موقعی که ممکن باشد آن را پیش از نماز ظهر خواند، وقت آن ادامه دارد، ولی اگر شخص نافله ظهر را تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود به اندازه دو هفتم آن شود یعنی اگر درازی شاخص هفت وجب باشد سایه به دو وجب برسد تأخیر بیندازد بهتر است که در این موقع نماز ظهر را قبل از نافله بخواند. مگر این که یک رکعت از نافله را قبل از آن خوانده باشد که در این صورت ، بهتر تمام کردن نافله است قبل از فریضه .

[مسأله ۷۶۹ نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود]

[مسأله ۷۶۹ نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود]

مسأله ۷۶۹ نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت آن (۱) تا موقعی است که آن مقـدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود، به چهار هفتم آن برسد (۲)

و چنانچه بخواهـد نافله ظهر یا نافله عصـر را بعـد از وقت آنها (۳) بخوانـد، بهتر است (۴) نـافله ظهر را بعـد از نماز ظهر و نافله عصـر را بعـد از نمـاز عصـر بخوانـد و بنا بر احتیاط واجب (۵)، نیّت ادا و قضـا نکنـد. (۱) (خـوئی ، تـبریزی ، زنجـانی :) وقت فضیلت آن .. (۲) (مکارم :) به شـرحی که در مسأله پیش گفتیم . [پایان مسأله] (بهجت :) و اگر تا این وقت نخوانـد تا موقعی که سـایه به انـدازه دو برابر شـاخص بشود وقت فضـیلت خوانـدن نافله عصـر است ولی از نظر فضـیلت به وقت قبلی یعنی چهار هفتم شاخص نمی رسد ..

(سیسـتانی :) وقت آن تا موقعی که ممکن باشد آن را پیش از نماز عصـر خواند ادامه دارد ولی چنانچه شخص نافله عصر را تا موقعی که سایه شاخص به چهار هفتم آن برسـد تأخیر بینـدازد بهتر است که در این موقع نماز عصـر را قبل از نافله بخواند بجز در مورد مـذکور در مسأله قبل . (۳) (زنجـانی :) بعـد از وقت فضـیلت آنها .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) بایـد .. (فاضـل :) بنـا بر احتیاط واجب باید .. (بهجت :) بنا بر اظهر .. (۵) (بهجت :) و باید .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله نافله عصـر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت فضیلت آن تا موقعی است که سایه شاخص به چهار هفتم آن برسـد و چنانچه بخواهـد نافله ظهر را بعـد از نماز ظهر یا نافله عصـر را بعد از نماز عصـر بخواند بنا بر احتیاط واجب نیت ادا و قضا نکند و به قصد ما فی الذّمه به جا آورد.

[مسأله ۷۷۰ وقت نافله مغرب]

مسأله ۷۷۰ وقت نـافله مغرب (۱) بعـد از تمـام شـدن نماز مغرب است (۲) تـا وقتی که سـرخی طرف مغرب که بعـد از غروب کردن آفتاب در آسـمان پیـدا می شود از بین برود (۳). (۱) (خوئی ، تبریزی :) وقت فضـیلت نـافله مغرب .. (۲) (زنجانی :) و وقت فضیلت آن ..

(سیسـتانی :) و تا وقتی که ممکن باشـد، آن را پس از نماز مغرب در وقت به جا آورد، ولی اگر شـخص نافله مغرب را تا وقتی که سـرخی طرف مغرب که بعـد از غروب کردن آفتاب در آسـمان پیـدا می شود از بین برود، تأخیر بینـدازد بهتر است در آن موقع ، ابتـداءً نماز عشا را بخوانـد. (۳) (گلپایگـانی ، صـافی :) اگر چه بعیـد نیست امتـداد وقت نافله مغرب به امتـداد وقت آن فریضه باشد.

[مسأله ۷۷۱ وقت نافله عشا]

مسأله ۷۷۱ وقت نـافله عشـا بعـد از تمـام شـدن نمـاز عشا تا نصف شب است (۱) و بهـتر است (۲) بعـد از نماز عشا بلا فاصـله خوانده شود. (۱) (بهجت :) تا آخر وقت عشا است .. (۲) (بهجت :) احتیاط در این است ..

[مسأله ۷۷۲ نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود]

مسأله ۷۷۲ نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است ، ولی احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند (۱) مگر آن که بعد از نافله شب بلا فاصله بخوانند که در این صورت مانعی ندارد. (۱) (فاضل :) احتیاط مستحب آن است که قبل از فجر اوّل نخوانند. [پایان مسأله]

(اراکی :) مسأله نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن از فجر اول است تا طلوع سرخی طرف مشرق ولی اگر با نماز شب خوانده شود، قبل از فجر اوّل هم می توان خواند، هر چند افضل آن است که در وقت ، آن را اعاده کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از فجر اول است تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود و نشانه فجر اول در وقت نماز صبح گفته شد و ممکن است نافله صبح را بعد از نافله شب بلا فاصله خواند.

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) وقت فضیلت آن ..

(زنجانی :) جایز است ..

(سیستانی :) مسأله نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از گذشتن از وقت نماز شب به مقدار انجام آن می باشد و تا وقتی که ممکن است آن را پیش از نماز صبح به جا آورد وقت آن ادامه دارد ولی اگر شخص نافله صبح را تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود تأخیر بیندازد بهتر است که در این موقع ابتداءً نماز صبح را بخواند.

(بهجت :) مسأله نافله صبح را بعد از تمام شدن نماز شب تا طلوع سرخی از طرف مشرق می شود خواند و بعد از آن ، اول نماز صبح و بعد از آن نافله صبح را بخوانند.

(مکارم :) مسأله وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق و می توان آن را بعد از نماز شب بلا فاصله به جا آورد.

[مسأله ۷۷۳ وقت نافله شب]

مسأله ۷۷۳ وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود (۱). (۱) (بهجت :) و اگر کسی چهار رکعت یا بیشتر از نافله شب را خوانده و وقت فریضه صبح رسیده ، می تواند نماز شب را تمام کند و می تواند نافله و فریضه صبح را بخواند و بعداً باقی مانده نماز شب را قضا کند، و اما اگر چیزی از نماز شب را به جا نیاورده و یا کمتر از چهار رکعت به جا آورده ، در این دو صورت مقدم داشتن نافله و فریضه صبح بر قضای نماز شب أفضل است .

(سیستانی :) مسأله اول وقت نافله شب بنا بر مشهور نصف شب است و این گر چه أحوط و بهتر است ولی بعید نیست از اول شب باشد؛ و تا اذان صبح وقتش ادامه دارد و بهتر آن است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

(مکارم :) مسأله وقت نافله شب بنا بر احتیاط از نصف شب است تا اذان صبح ، ولی بهتر است در موقع سحر یعنی در ثلث آخر شب بخواند.

[مسأله ۷۷۴ کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند]

اشاره

مسأله ۷۷۴ مسافر و کسـی که برای او سـخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند (۱)، می توانـد آن را در اول شب به جا آورد. (۱) (فاضل :) یا ترس آن را دارد که در وقت بیدار نشود ..

(مکارم :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۷۰۳)، صفحه (۴۲۶).

(سیستانی :) مسأله اگر هنگام طلوع فجر بیدار شود می تواند نماز شب را بدون قصد ادا و قضا بخواند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۴۸ نافله خواندن در وقت فریضه و لو نافله غیر یومیه باشد در صورتی که باعث فوت فریضه نشود جایز است و هم چنین جایز است نافله خواندن برای کسی که نماز قضا یا واجب دیگر مثل نماز استیجاری به گردن دارد.

نماز غفیله

[مسأله ۷۷۵ یکی از نمازهای مستحبّی نماز غفیله است]

مسأله ۷۷۵ یکی از نمازهای مستحبّی نماز غفیله است (۱) که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود. (و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود (۲)) و در رکعت اوّل آن ، بعد از حمد باید (۳) به جای سوره ، این آیه را بخوانند:

إلا- أو عدم أو لا- «وَ ذَا النُّون ِ إذ ذَهَب- مُغاضِباً فَظَن َّ أَن لَن نَقدِرَ عَلَیه ِ فَنادی فِی الظُّلُمات ِ أَن لا إله- إلّا أَنت- سُبحانَک- إنِّی کُنت ُ مِن- الظّالِمین -فَاستَجَبنا لَه ُ وَ نَجَّیناه ُ مِن- الغَم ِّ وَ کَذلِک- نُنجِی المُؤمِنِین » و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره ، این آیه را بخوانند «وَ عِندَه ُ مَفاتِح ُ الغَیب ِ لا یَعلَمُها إلّا هُوَ وَ یَعلَم ُ ما فِی البَرِّ وَ البَحرِ وَ ما تَسقُطُ مِن وَرَقَهٍ إلّا یَعلَمُها وَ لا حَبَّهٍ فِی ظُلُمات ِ الأَرض ِ وَ لا رَطب ٍ وَ لا یابِس ٍ إلّا فِی کِتاب ٍ مُبِین ٍ». و در قنوت آن بگویند: «اللّهُم َّ إنِّی اسأَلُک- بِمَفاتِح ِ الغَیب ِ الَّتِی لا یَعلَمُهَا الَّا انت- ان تُصَلِّی- عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ وَ ان تَفعَل- بِی کَذا وَ کَذا» و به جای کلمه « کذا و کذا » حاجتهای خود را بگویند.

و بعد بگویند: «اللّهُم َّ انت- وَلِی ُّ نِعمَتِی وَ القادِرُ عَلَی طَلِبَتِی تَعلَم ُ حاجَتِی فَأسأَلُک- بِحَق ِّ مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ عَلَیه ِ وَ عَلَیهِم ُ السَّلام ُ لَمَّا قَضَیتَهَا لِی ». (۱) (خوئی :) نماز غفیله از نمازهای مستحبی مشهور است ..

(زنجانی :) یکی از نمازهای مستحبّی بنا بر مشهور نماز غفیله است ..

(مکارم :) از نمازهایی که به جا آوردن آن به امید ثواب پروردگار خوب است نماز غفیله است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) یکی از نمازهای مستحب ّ نماز غفیله است و وقت آن بین نماز مغرب و عشا است ..

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) وقت آن بنا بر احتیاط پیش از آن است که سرخی طرف مغرب از بین برود ..

(بهجت :) وقت آن بنـا بر احوط بعـد از نمـاز مغرب است تا وقتی که سـرخی طرف مغرب از بین برود گر چه احتمال دارد بین نماز مغرب و عشا هر وقت که بود بشود خواند و بنا بر اظهر می توانند نماز غفیله را با نافله مغرب با هم در یک نماز نیّت کرده به جا آورند ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۳) (بهجت :) باید یا بهتر است ..

احکام قبله

[مسأله ۷۷۶ خانه کعبه قبله است]

مسأله ۷۷۶ خانه کعبه (۱) که در مکه معظمه می باشد (۲) قبله است و باید روبروی آن نماز خواند (۳) ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است (۴) و هم چنین است کارهای دیگری که مانند سر بریدن حیوانات ، باید رو به قبله انجام گیرد. (۱) (سیستانی :) جای خانه کعبه .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و جای خانه تا منتهای زمین و بالای آن تا منتهای آسمان .. (۳) (بهجت :) و همین قدر که گمان بکند روبروی قبله است و گمان او عقلایی باشد کافی است اگر چه در صورت امکان ، احتیاط مستحب در تحصیل علم و یا اطمینان به قبله است و هم چنین اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند در صورتی که مشکل نباشد، احتیاط مستحب در تحصیل آن است . [پایان مسأله] (مکارم :) خانه کعبه که در مکه معظمه است قبله تمام مسلمین دنیا است و هر کس در هر جا باشد باید روبروی آن نماز بخواند .. (۴) (مکارم :) بنا بر این صفهای طولانی نماز جماعت که طول آنها از طول خانه خدا بیشتر است همه می توانند رو به قبله باشد. [پایان مسأله] (زنجانی :) خانه کعبه که در مکّه معظمه می باشد و محاذی آن تا آسمان قبله است و باید رو به روی آن نماز خواند و اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است ..

[مسأله ۷۷۷ کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند]

مسأله ۷۷۷ کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد. (۱) این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید زانوهای او و انگشتان پای او هم رو به قبله باشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد.

(گلپایگانی ، صافی :) باید صورت و سینه و شکم و جلو پاهای او رو به قبله باشد ..

(سیستانی :) باید سینه و شکم او رو به قبله باشد بلکه صورت او نیز نباید زیاد از قبله منحرف باشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) به طوری که بگویند پای او رو به قبله است .

(مکارم :) مسأله لازم نیست در موقع ایستادن نوک انگشتان پا هم رو به قبله باشد یا در موقع نشستن سر زانوها کاملًا رو به قبله قرار گیرد، همین اندازه که بگویند رو به قبله ایستاده یا نشسته کفایت می کند.

(زنجانی :) مسأله در نماز واجب باید صورت نمازگزار رو به قبله بوده و نیز طوری باشد که بگویند رو به قبله نماز می خواند.

چنانچه نمازگزار ایستاده نماز می خواند، احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد.

[مسأله ۷۷۸ کسی که باید نشسته نماز بخواند]

مسأله ۷۷۸ کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی تواند بطور معمول بنشیند و در موقع نشستن ، کف پاها را به زمین می گذارد باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم (۱) او رو به قبله باشد (۲) و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد. این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت ، زنجانی و مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و ساق پای او رو به قبله باشد. (۲) (اراکی :) به طوری که بگویند رو به قبله نشسته است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که باید نشسته نماز بخواند، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد.

(سیستانی :) مسأله کسی که باید نشسته نماز بخواند، باید در موقع نماز سینه و شکم او رو به قبله باشد بلکه صورت او هم نباید زیاد از قبله منحرف باشد.

[مسأله ۷۷۹ کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند]

مسأله ۷۷۹ کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند، باید (۱) در حال نماز به پهلوی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست باید (۲) به پهلوی چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد (۳)، و اگر این را هم نتواند باید (۴) به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید .. (۳) (سیستانی :) باید در حال نماز به پهلو، طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و تا وقتی که ممکن است به پهلوی راست بخوابد، نباید بنا بر احتیاط لازم ، به پهلوی چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد. (۴) (زنجانی :) بنا بر احتیاط باید ..

[مسأله ۷۸۰ نماز احتیاط]

مسأله ۷۸۰ نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده (۱) را باید (۲) رو به قبله به جا آورد (۳) و در سجده سهو هم احتیاط مستحب همین است (۴). (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، مکارم :) و سجده سهو .. (۲) (گلپایگانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، مکارم ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (خوئی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط استحبابی سجده سهو را نیز رو به قبله به جا آورد.

(تبریزی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط سجده سهو را نیز باید رو به قبله به جا آورد.

(صافی :) سجده سهو را نیز بنا بر احتیاط لازم باید رو به قبله به جا آورد.

(نوری :) در سجده سهو هم ، احتیاط واجب همین است .

[مسأله ۷۸۱ نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری خواند]

اشاره

مسأله ۷۸۱ نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری (۱) خواند و اگر انسان در این دو حال ، نماز مستحبی بخواند لازم نیست رو به قبله باشد (۲). (۱) (فاضل :) « در ماشین ، قطار، هواپیما و کشتی » .. (بهجت :) و در کشتی ..

(۲) (بهجت :) حتّی در تکبیره الإحرام بنا بر أظهر، گر چه احتیاط مستحب این است که موقع گفتن تکبیره الإحرام و بلکه در بقیه نماز نیز رو به قبله باشد. ولی در حال کار کردن در منزل علی الأحوط قبله باید در نماز مستحبی مراعات شود.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۵۳ نماز واجب را هنگام ناچاری و وقتی که ضرورتی از پیاده شدن جلوگیری کند می تواند در حال سواری بخواند، ولی اگر کسی می داند که در آخر وقت می تواند بدون این که دچار سختی شود نمازش را در حال «استقرار» به جا آورد، بنا بر أظهر واجب است نماز را تأخیر بیندازد.

[مسأله ۷۸۲ کسی که می خواهد نماز بخواند]

اشاره

مسأله ۷۸۲ کسی که می خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید، تا یقین کند (۱) که قبله کدام طرف است (و می تواند به گفته دو شاهد عادل (۲) که از روی نشانه های حسی شهادت می دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و محل اطمینان است عمل کند (۳)) و اگر اینها ممکن نشد باید (۴) به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان (۵) یا از راههای دیگر پیدا می شود عمل نماید حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است . (۱) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) تا یقین یا چیزی که در حکم یقین است (سیستانی : مثل شهادت دو عادل اگر مستند به حس و مانند آن باشد) پیدا کند .. (۲) (نوری :) یا یک عادل .. (۳) (اراکی :) می تواند به گفته دو شاهد عادل عمل کند مگر آن که بداند که از روی نشانه های حدسی شهادت می دهند ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی و صافی نیست] (۴) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، تبریزی :) اگر نتواند باید ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر نتواند یقین پیدا کند باید ..

(بهجت :) کسی که می خواهد نماز بخواند، می تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه های حسی شهادت می دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و مورد اطمینان است عمل کند و می تواند .. (۵) (سیستانی :) قبرهای مؤمنین ..

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۲۱ (فاضل :) مسأله ۷۸۳ قبله نماهای معمولی در صورتی که سالم باشد، از وسائل خوب برای شناخت قبله است و گمان حاصل از آن کمتر از راههای دیگر نیست ، بلکه غالباً دقیق تر است .

(فاضل :) مسأله ۷۸۴ اگر جهت قبله را نمی داند، می تواند با مراجعه به محراب مساجد و قبرهای مسلمانان جهت قبله را پیدا کند، امّا اگر با اجتهاد و کوشش خود یا با استفاده از وسایل جدید نظیر قبله نما به جهت دیگری اطمینان و علم پیدا کند، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند محراب مساجد و قبرها را ملاک قبله قرار دهد، لکن اگر گمان و ظن غالب پیدا کند که مسلمانان

این منطقه در ساختن محراب مساجد و قبرها مسامحه کرده و دقّت کافی نکرده اند باید به آن طرف یا اطرافی نماز بخواند که اطمینان یا ظن ّقوی به قبله دارد.

[مسأله ۷۸۳ کسی که گمان به قبله دارد]

مسأله ۷۸۳ کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمی تواند به گمان خود عمل نماید (۱)، مثلًا اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند ولی بتواند از راه دیگر (۲) گمان قویتری پیدا کند نباید به حرف او عمل نماید (۳). (۱) (بهجت :) می تواند بنا بر اظهر به گمان خود عمل نماید، ولی اگر مشکل نباشد احتیاط در تحصیل علم و یا گمان قویتر است .. (نوری :) نمی تواند به گمان ضعیف عمل نماید .. (۲) (فاضل :) مثلًا قبله نما .. (۳) (بهجت :) بنا بر احتیاط گمان قویتر را تحصیل می نماید.

(مکارم :) مسأله به گفته صاحب منزل یا مسئول یک مسافر خانه و مانند آن در صورتی که فرد بی مبالات نباشد، می توان اعتماد کرد.

[مسأله ۷۸۴ اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد]

مسأله ۷۸۴ اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد، یا با این که کوشش کرده گمانش به طرفی نمی رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید چهار نماز به چهار طرف بخواند (۱) و اگر به اندازه چهار نماز وقت ، باید به اندازه ی که داردنماز بخواندمثلافقط به اندازه یک نماز وقت دارد، بایدنمازطرفی که می خواهد بخواند (۲. و باید (۳) نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده (۴) یا اگر از قبله کج بوده ، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) نماز خواندن به یک طرف (زنجانی : که احتمال می دهد قبله است) کافی است و احتیاط مستحب آن است که چنانچه وقت نماز وسعت دارد، چهار نماز به چهار طرف بخواند. [پایان مسأله] (بهجت :) باید از روی احتیاط چهار نماز به چهار طرف بخواند اگر چه بعید نیست فقط یک نماز به یکی از چهار طرف که بخواند کافی باشد و سه نماز دیگر مستحب ّو از روی احتیاط باشد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و بعد از وقت با علم به قبله بنا بر احتیاط لازم نماز را قضا کند .. (۳) (بهجت :) در مواردی که نماز متعدد می خواند باید .. (۴) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله هر گاه راهی برای پیدا کردن قبله وجود نداشته باشد و قبله در میان چهار سمت مختلف مردّد شود یک نماز به یک طرف کافی است ، ولی احتیاط مستحب ّآن است که چهار نماز به چهار طرف بخواند و هر گاه در سه طرف یا دو طرف احتمال وجود قبله را می دهد فقط به سمت آنها نماز بخواند.

[مسأله ۷۸۵ اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است]

مسأله ۷۸۵ اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است ، باید به هر دو طرف نماز بخواند (۱) ولی احتیاط

مستحب آن است که در صورت گمان ، به چهار طرف نماز بخواند.

(۱) (خوئی ، بهجت ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (تبریزی :) بنا بر احتیاط.

(زنجانی :) به هر یک از آنها نماز بخوانـد، کافی است و احتیاط مستحب آن است که به هر دو طرف نماز بخوانـد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۸۴.

[مسأله ۷۸۶ کسی که باید به چند طرف نماز بخواند]

مسأله ۷۸۶ کسی که باید (۱) به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را بخواند بهتر آن است که نماز اول را به هر چنـد طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شـروع کند. (۲) (۱) (بهجت :) کسی که می خواهد .. (۲) (بهجت :) می توانـد بنا بر أظهر نماز ظهر را به یک طرف بخوانـد بعـد نماز عصـر را به همان طرف بخوانـد و بعد همین طور به طرفهای دیگر و لازم نیست ظهر را به چهار طرف بخواند و بعد شـروع در نماز عصر کند. (مکارم :) بهتر آن است نماز اول را به چند طرف تمام کند بعد نماز دوم را شروع نماید.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله کسی که بخواهد به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد دو نماز بخواند که مثل نماز ظهر و عصـر باید یکی بعد از دیگری خوانده شود احتیاط مستحب ٍ آن است که نماز اوّل را به آن چند طرف بخواند بعد نماز دوّم را شروع کند.

(گلپایگانی ، صافی :) کسی که باید ..

(گلپایگانی ، صافی :) می توانـد نماز اوّل را به آن چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوّم را شـروع کند و می تواند هر دو را پشت سر هم یک طرف به جا آورد و بعد به طرف دیگر شروع کند.

[مسأله ۷۸۷ کسی که یقین به قبله ندارد]

اشاره

مسأله ۷۸۷ کسـی که یقین به قبله نـدارد، اگر بخواهـد غیر از نمـاز کـاری کنـد که بایـد رو به قبله انجام داد، مثلًا بخواهـد سـر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست به هر طرف که انجام دهد صـحیح است . (زنجانی :) مسأله اگر بخواهـد غیر از نماز کاری کنـد که بایـد رو به قبله انجام دهد، مثلًا بخواهد سـر حیوانی را ببُرد، در صورت امکان باید این کار را تأخیر بیانـدازد و با یقین یا چیزی که در حکم یقین است ، آن را رو به قبله انجام دهـد، و اگر امکان نداشـته باشـد، مثلًا حیوان در معرض تلف قرار داشته باشد باید به گمان خود عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست ، به هر طرف که احتمال بدهد رو به قبله است صحیح است .

(مکارم :) مسأله سر بریدن حیوانات نیز باید رو به قبله باشد و هر گاه قبله را پیدا نکند، باید به گمان خود عمل نماید و اگر تحصیل گمان ممکن نیست و نیاز به سر بریدن حیوان دارد به هر طرف که انجام دهد صحیح است و در مورد دفن مسلمان که باید رو به قبله باشد نیز به همین ترتیب باید عمل کرد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۵۹ اگر در بین نماز فهمید که از قبله منحرف است پس اگر انحراف در بین

طرف راست و چپ او بوده و قبله در جهت پشت قرار نگرفته باشد به طرف قبله متوجه می شود و بقیه نمازش را می خواند و صحیح است ولی اگر پشت به قبله بوده و یا کاملًا به طرف راست یا چپ بوده نماز را قطع می کند و دوباره رو به قبله نماز می خواند.

(فاضل :) مسأله ۱۷۸۹ اگر ظنّ به قبله پیدا کرد ولی در اثناء نماز ظنّ به جهت دیگری پیدا کرد باید باقی مانده نماز را در جهت دوّم بخواند امّا اگر آن مقداری که خوانده است به طرف راست یا چپ یا پشت به قبله بوده است در این صورت بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره طبق گمان جدید اعاده کند.

(فاضل :) مسأله ۱۷۹۰ اگر بدون این که تحقیق کند از روی غفلت یا سهل انگاری به نماز ایستاد، چنانچه بعد از نماز بفهمد جهت قبله درست بوده و در خواندن نماز هم قصد قربت داشته باشد نمازش صحیح است امّا اگر بعد از نماز بفهمد که جهت قبله درست نبوده نمازش باطل است و باید اعاده کند البته قبله اعم است از سمت قبله و تا ده درجه به چپ یا راست .

(فاضل :) مسأله ۱۷۹۱ اگر گوسفند یا شتری را عمداً بر خلاف جهت قبله سر ببرد یا نحر کند خوردن گوشت آن گوسفند و شتر حرام است ؛ امّا اگر جهت قبله را نمی داند یا جهت قبله را فراموش کرده و یا جاهل و متعذّر باشد چنانچه بر خلاف جهت قبله سر بریده باشد خوردن گوشت آن حلال است .

احکام نماز (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

اهمیت و شرائط نماز

[س ۳۳۸ کسی که عمداً نماز را ترک کند]

س ۳۳۸: کسی که عمداً نماز را ترک کند یا سبک بشمارد، چه حکمی دارد؟

ج : نمازهای روزانه ای که در پنج نوبت خوانده می شود، از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است .

[س ۳۳۹ فاقد الطهورین]

س ۳۳۹: آیا بر کسی که آب و چیزی که تیمم بر آن صحیح است ، در اختیار ندارد (فاقد الطهورین)، نماز واجب است ؟

ج : بنا بر احتیاط، نماز را در وقت بخواند و بعد از وقت با وضو یا تیمم قضا نماید.

[س ۳۴۰ عدول در نماز واجب]

س ۳۴۰: به نظر شریف جناب عالی ، موارد عدول در نماز واجب کدام است ؟

ج : عـدول در مـوارد زیر واجب است : (۱) از نمـاز عصـر به نمـاز ظهر، در صورتی که در بین نماز عصـر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است . (۲) از نمـاز عشاء به نماز مغرب اگر در بین نماز عشاء متوجه شود که نماز مغرب را نخوانـده است و از محل عـدول هم تجاوز نکرده باشـد. (۳) اگر دو نمـاز قضـائی که در ادای آنهـا ترتیب معتـبر است ، بر عهـده او باشـد و بر اثر فراموشی قبل از ادای نماز اول به خواندن نماز دوم مشغول شود. و عدول در موارد زیر مستحب است :

(۱) از نماز اداء به نماز قضای واجب ، در صورتی که بر اثر آن وقت فضیلت اداء فوت نشود.

(۲) از نماز واجب به مستحب برای درک ثواب نماز جماعت .

(۳) از نماز واجب به نافله در ظهر روز جمعه برای کسی که قرائت سوره جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره دیگری را خوانده و به نصف رسیده و یا از آن گذشته است . مستحب است این شخص از نماز واجب به نافله عدول کند تا بتواند نماز فریضه را با سوره جمعه به جا آورد.

[س ۳۴۱ نماز گزاری که می خواهد بین نماز جمعه و ظهر جمع نماید]

س ۳۴۱: نماز گزاری که می خواهد در روز جمعه بین نماز جمعه و ظهر جمع نماید، آیا باید برای هر یک بدون قصد وجوب ، فقط قصد قربت کند، یا این که برای یکی از آن دو هم قصد قربت نماید و هم قصد وجوب و برای دیگری فقط قصد قربت نماید و یا این که باید برای هر دو هم قصد وجوب کند و هم قصد قربت ؟

ج : در هر یک از آن دو قصد قربت کافی است و قصد وجوب در هیچ کدام واجب نیست .

[س ۳۴۲ اگر خونریزی از دهان از اول وقت نماز تا نزدیک آخر آن ادامه داشته باشد]

س ۳۴۲: اگر خونریزی از دهان یا بینی از اول وقت نماز تا نزدیک آخر آن ادامه داشته باشد، نماز چه حکمی دارد؟

ج : اگر تطهیر بدن ممکن نباشد و بترسد وقت نماز فوت شود، نماز را در همان حالت بخواند.

[س ۳۴۳ هنگام خواندن ذکرهای مستحبی نماز]

س ۳۴۳: آیا هنگام خواندن ذکرهای مستحبی نماز، آرامش کامل بدن واجب است یا خیر؟

ج : فرقی بین ذکر واجب و مستحب در وجوب استقرار و آرامش بدن نیست . بلی ، گفتن ذکر به قصد ذکر مطلق در حال حرکت اشکال ندارد.

[س ۳۴۴ خروج بول بدون اختیار]

س ۳۴۴: برای بعضی از افراد در بیمارستان لوله هایی به نام سوند برای خروج بول قرار می دهند که در این صورت بول بدون اختیار از مریض در حالت خواب یا بیداری و یا در بین نماز خارج می شود، امیدواریم به این سؤال پاسخ فرمائید: آیا این فرد باید دوباره نماز را در وقت دیگری بخواند یا نمازی که در آن حالت خوانده ، کافی است ؟

ج : اگر در آن حالت نماز را طبق وظیفه شرعی و فعلی خود خوانده ، صحیح است و اعاده و قضای آن واجب نیست .

وقت نماز

[س ۳۴۵ دلیل مذهب شیعه در مورد وقت نمازهای روزانه چیست]

س ۳۴۵: دلیل مـذهب شـیعه در مورد وقت نمازهای روزانه چیست ؟ همان گونه که می دانید اهل سـنت ، با داخل شدن وقت نماز عشاء، نماز مغرب را قضا می داننـد و هم چنین در مورد نماز ظهر و عصـر هم به همین ترتیب است . لذا معتقدند که وقتی وقت نماز عشاء داخل شد و امام جماعت برای خواندن آن بپا خاست ، مأموم نمی تواند همراه او، نماز مغرب را بخواند و نماز مغرب و عشاء را در یک زمان به جا آورد.

ج : دلیل شـیعه ، اطلاق آیات قرآنی و سنّت شریف است ، به اضافه روایاتی که بخصوص دلالت بر جواز جمع دارند. نزد اهل سنت هم روایاتی وجود دارد که دلالت بر جواز جمع بین دو نماز در وقت یکی از آن دو می کند.

[س ۳۴۶ آخر وقت نماز عصر مغرب است]

س ۳۴۶: بـا توجه به این که آخر وقت نماز عصـر، مغرب است و آخر وقت نماز ظهر نزدیک مغرب است به مقـداری که برای خواندن نماز عصـر به آن نیاز است ، می خواهم سؤال کنم که منظور از مغرب چیست ؟ آیا مراد زمان غروب خورشید است یا زمانی که اذان مغرب طبق افق هر مکانی گفته می شود؟

ج : وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است .

[س ۳۴۷ فاصله زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب]

س ۳۴۷: فاصله زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب چند دقیقه است ؟

ج : ظاهر این است که با اختلاف فصل های سال تفاوت می کند.

[س ۳۴۸ من تا دیر وقت سر کارم هستم]

س ۳۴۸: من تـا دیر وقت سـر کـارم هسـتم ، به طوری که سـاعت یـازده شب به منزل بر می گردم و در هنگـام کـار هم بخاطر کثرت مراجعه کننـدگان وقت خوانـدن نماز مغرب و عشاء را نـدارم . آیا خواندن نماز مغرب و عشاء بعد از ساعت یازده شب صحیح است ؟

ج : اگر از نصف شب به تأخیر نیفتـد، اشـکال ندارد، ولی تلاش کنید که از ساعت یازده شب به تأخیر نیفتد بلکه تا می توانید نماز را در اول وقت آن بخوانید.

[س ۳۴۹ نیت اداء]

س ۳۴۹: چه مقـدار از نماز اگر در وقت اداء واقع شود، نیت اداء صـحیح است ؟ در صورت شک در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست ؟

ج : وقوع یـک رکعت نمـاز در داخـل وقت برای این که نمـاز، اداء محسوب شود، کـافی است و در صورت شـک در این که وقت لا اقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، نماز را به قصد ما فی الذمّه بخوانید.

[س ۳۵۰ سفارت خانه ها و کنسولگری های جمهوری اسلامی ایران در خارج]

س ۳۵۰: سـفارت خانه ها و کنسولگری های جمهوری اسـلامی ایران در خارج ، جـدول های زمانی برای تعیین اوقات شـرعی پایتخت ها و شهرهای بزرگ تهیه می کنند. سؤال این است که تا چه مقدار می توان به این جدولها اعتماد کرد؟

ج : معیـار در احراز دخول وقت ، حصول اطمینـان برای مکلّف است ، و اگر برای او اطمینـان به مطـابقت این جـدولها بـا واقع حاصل نشود، باید احتیاط نموده و صبر کند تا یقین به داخل شدن وقت شرعی نماید.

[س ۳۵۱ فجر صادق و کاذب]

س ۳۵۱: نظر شما در باره فجر صادق و کاذب چیست ؟ و نمازگزار در این مورد چه تکلیفی دارد؟

ج : معیار شرعی در مورد وقت نماز و روزه ، فجر صادق است و احراز آن موکول به تشخیص مکلّف است .

[س ۳۵۲ تأخیر نماز جماعت برای این که نمازگزاران در نماز حاضر شوند]

۳۵۲: مسئولین یکی از دبیرستان های تمام وقت ، نماز جماعت ظهر و عصر را ساعت دو بعد از ظهر، کمی قبل از شروع درسهای شیفت عصر اقامه می کنند. علت تأخیر، این است که درسهای شیفت صبح ، چهل و پنج دقیقه قبل از ظهر شرعی تعطیل می شود و نگهداشتن دانش آموزان تا ظهر شرعی مشکل است . با توجه به اهمیت اقامه نماز در اول وقت ، نظر شریف خود را در این باره بیان فرمائید.

ج : تأخیر نماز جماعت برای این که نمازگزاران در نماز حاضر شوند، با این فرض که در اول وقت در مدرسه نیستند، اشکال ندارد.

[س ۳۵۳ داخل شدن وقت دو نماز]

س ۳۵۳: آیا باید نماز ظهر بعد از اذان ظهر و نماز عصر بعد از دخول وقت آن خوانده شود؟ و هم چنین آیا نماز مغرب و عشاء هم باید هر کدام در وقت خود خوانده شوند؟

ج : بعد از داخل شدن وقت دو نماز، مکلّف در خواندن هر دو نماز پشت سر هم به صورت جمع و یا خواندن هر یک در وقت فضیلت خود مخیّر است .

[س ۳۵۴ یقین به طلوع فجر ممکن]

س س ۳۵۴: با توجه به این که امروزه با فراوانی ساعت ، یقین به طلوع فجر ممکن است ، آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟

ج : فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضه صبح و وجوب امساک برای روزه گرفتن نیست ، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است .

[س ۳۵۵ اختلاف اوقات شرعی میان استان ها]

س ۳۵۵: آیا مقدار اختلاف اوقات شرعی میان استان ها که بر اثر اختلاف افقهای آنها به وجود می آید، در اوقات سه گانه نمازهای یومیه به یک اندازه است ؟ مثلًا بین دو استان در وقت ظهر بیست و پنج دقیقه تفاوت است ، آیا در بقیه وقت های نماز هم این اختلاف وجود دارد و به همین مقدار است ؟ یا این که مقدار آن در وقت نماز صبح و مغرب و عشاء تفاوت می کند؟

ج : مجرّد یکی بودن مقدار تفاوت بین دو منطقه در طلوع فجر یا زوال آفتاب یا غروب خورشید، مستلزم اتحاد در سایر اوقات نیست ، بلکه غالباً مقدار اختلاف بین شهرها در اوقات سه گانه با هم تفاوت دارد.

[س ۳۵۶ اهل سنّت نماز مغرب را قبل از غروب شرعی می خوانند]

س ۳۵۶: اهل سنّت نماز مغرب را قبل از غروب شرعی می خوانند، آیا جایز است در ایام حج و غیر آن به آنها اقتدا کرده و به همان نماز اکتفا کنیم ؟

ج : معلوم نیست که نماز آنها قبل از داخل شدن وقت باشد و شرکت در نماز جماعت آنها و اقتدا به آنان اشکال ندارد و مجزی است ، ولی درک وقت نماز ضروری است ، مگر این که خود وقت هم از موارد تقیه باشد.

[س ۳۵۷ خورشید در دانمارک و نروژ]

س ۳۵۷: خورشید در دانمارک و نروژ ساعت هفت صبح طلوع نموده و تا عصر در آسمان به مقدار دوازده ساعت می درخشد، در حالی که در کشورهای دیگر شب است ، تکلیف من در باره نماز و روزه چیست ؟

ج : مکلف باید در مورد اوقات نمازهای یومیه و روزه همان افق محل سکونت خود را رعایت کند، ولی اگر روزه گرفتن بر اثر طولانی بودن روز، غیر مقدور یا حرجی باشد، ادای آن ساقط و قضای آن واجب است .

[س ۳۵۸ رسیدن نور خورشید به زمین تقریباً هفت دقیقه طول می کشد]

س ۳۵۸: رسیدن نور خورشید به زمین تقریباً هفت دقیقه طول می کشد. آیا ملاک پایان وقت نماز صبح ، طلوع خورشید است یا رسیدن نور آن به زمین ؟

ج : ملاک ِطلوع خورشید، دیدن آن در افق مکان نمازگزار است .

[س ۳۵۹ رسانه های گروهی و اوقات شرعی]

س ۳۵۹: رسانه های گروهی اوقات شرعی هر روز را یک روز قبل از آن اعلام می کنند، آیا اعتماد بر آن و بنا گذاشتن بر دخول وقت نماز بعد از پخش اذان از رادیو و تلویزیون جایز است ؟

ج : اگر برای مکلّف اطمینان به دخول وقت از طریق مذکور حاصل شود، می تواند بر آن اعتماد کند.

[س ۳۶۰ آیا وقت نماز به مجرد شروع اذان آغاز می شود]

س ۳۶۰: آیا وقت نماز به مجرد شروع اذان آغاز می شود؟ یا این که باید صبر نمود تا اذان تمام شود و سپس شروع به خواندن نماز کرد؟ آیا روزه دار جایز است به مجرد شروع اذان افطار نماید یا این که باید صبر کند تا اذان تمام شود؟

ج : اگر اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده ، صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست .

[س ۳۶۱ نماز کسی که نماز دوم را بر اوّلی مقدّم داشته]

س ۳۶۱: آیا نماز کسی که نماز دوم را بر اوّلی مقدّم داشته ، مثلًا نماز عشاء را جلوتر از مغرب خوانده ، صحیح است ؟

ج : اگر بر اثر اشتباه یا غفلت نماز دوم را مقدّم داشته و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده ، نماز او صحیح است . ولی اگر عمدی بوده ، باطل است .

[س ۳۶۲ عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر]

س ۳۶۲: با عرض سلام و تحیت ، در آستانه ماه شریف و مبارک رمضان و با توجه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر، خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه و اقامه نماز صبح اعلام فرمائید.

ج : مقتضی است که مؤمنین محترم أیّدهم اللّه تعالی جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه و وقت نماز صبح هم زمان با شروع اذان صبح از رسانه ها برای روزه امساک نمایند و حدود پنج إلی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه صبح نمایند.

[س ۳۶۳ وقت نماز عصر تا اذان مغرب است]

س ۳۶۳: وقت نماز عصر تا اذان مغرب است یا تا هنگام غروب آفتاب ؟ نیمه شب شرعی برای نماز عشاء و بیتوته در منی چه وقت است ؟

ج : آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است ، و احتیاط آن است که برای نماز مغرب و عشاء و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند، بنا بر این تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشاء است ، و لکن برای بیتوته در منی از غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند.

[س ۳۶۴ اگر کسی در بین نماز عصر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است]

۳۶۴: اگر کسی در بین نماز عصر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است ، چه تکلیفی دارد؟

ج : اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلًا نماز ظهر را نخوانده است ، در صورتی که در وقت مشترک نماز ظهر و عصر است ، باید بلا فاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن ، نماز عصر را به جا آورد، و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر افتاده باشد، احتیاط

واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جا آورد، و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشاء نیز هست .

قبله

[س ۳۶۵ تشخیص قبله با نصب شاخص]

س ۳۶۵: خواهشمندیم به سؤالات زیر پاسخ فرمائید: ۱ به استناد بعضی از کتاب های فقهی ، گفته شده که در روزهای چهارم خرداد و بیست و ششم تیر آفتاب بطور عمودی بر کعبه می تابد. آیا در این هنگام ، تشخیص جهت قبله با نصب شاخص در زمانی که صدای اذان

مکه بلند می شود، امکان دارد؟ اگر جهت قبله در محراب مساجد با جهت سایه شاخص اختلاف داشت ، کدامیک صحیح تر است ؟ ۲ آیا اعتماد بر قبله نما صحیح است ؟

ج : اعتماد بر شاخص یا قبله نما در صورتی که موجب اطمینان برای مکلّف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت می توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.

[س ۳۶۶ اگر شدت درگیری و جنگ مانع تعیین جهت قبله شود]

س ۳۶۶: اگر شدت درگیری و جنگ مانع تعیین جهت قبله شود، آیا نماز خواندن به هر طرف صحیح است ؟

ج : اگر گمانش به هیچ طرف نمی رود و وقت هم باشد بنا بر احتیاط، باید به چهار طرف نماز خوانده شود. ولی اگر وقت نباشد، به مقدار وسعت وقت به هر طرف که احتمال می دهد قبله است ، نماز بخواند.

[س ۳۶۷ اگر نقطه مقابل کعبه مکرمه در طرف دیگر زمین مشخص شود]

س ۳۶۷: اگر نقطه مقابل کعبه مکرمه در طرف دیگر زمین مشخص شودبه طوری که اگر خط مستقیمی از وسط زمین کعبه عبور کند و زمین را شکافته و از مرکز آن بگذرد، از سمت دیگر این نقطه بیرون آید، در این جا چگونه می توان رو به قبله ایستاد؟

ج : ملاک رو به قبله بودن این است که انسان از سطح کره زمین به طرف بیت عتیق باشد، یعنی از طرف سطح زمین رو به طرف کعبه که روی زمین در مکه مکرمه ساخته شده است ، بایستد. بنا بر این اگر انسان در یک نقطه ای از کره زمین باشد که اگر خطوط مستقیمی از چهار جهت آن مکان بر سطح کره زمین به طرف مکه مکرمه ترسیم شود، از نظر مسافت با هم مساوی باشند، مخیر است برای قبله به هر طرف که خواست بایستد و نماز بخواند. ولی اگر مسافت خطوط در بعضی از جهت ها کمتر و کوتاه تر باشد به مقداری که با آن ، صدق عرفی رو به قبله بودن اختلاف پیدا کند، بر انسان واجب است جهت کوتاه تر را انتخاب کند.

[س ۳۶۸ اگر انسان در وضعیتی باشد که اصلًا جهت قبله را نداند]

س ۳۶۸: اگر انسان در وضعیتی باشد که اصلًا جهت قبله را نداند و گمانش نیز به هیچ طرف نرود، وظیفه اش نسبت به نماز چیست ، یعنی به کدام جهت نماز بخواند؟

ج : در مفروض سؤال بنا بر احتیاط باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر برای چهار نماز وقت ندارد، به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.

[س ۳۶۹ تشخیص قبله در قطب شمال و جنوب]

س ۳۶۹: تشخیص قبله در قطب شمال و جنوب چگونه است و نماز چگونه خوانده می شود؟

ج : ملاک تعیین جهت قبله در قطب شمالی و جنوبی ، تعیین کوتاه ترین خط از مکان نمازگزار از روی سطح زمین به طرف کعبه است ، و پس از تعیین آن خط، باید به همان طرف نماز خواند.

[در لباس نماز گذار]

[لباس نماز گذار از رساله حضرت امام]

پوشانیدن بدن در نماز

[مسأله ۷۸۸ مرد باید در حال نماز عورتین خود را به پوشاند]

مسأله ۷۸۸ مرد بایـد در حال نماز، اگر چه کسـی او را نمی بیند عورتین خود را به پوشاند. و بهتر است از ناف تا زانو را هم به پوشاند (۱). (۱) (مکارم :) و از آن بهتر این که لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می کند، به تن داشته باشد.

[مسأله ۷۸۹ زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را به پوشاند]

اشاره

مسأله ۷۸۹ زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را به پوشاند (۱) ولی پوشاندن صورت (۲) (به مقداری که در وضو شسته می شود (۳)) و دستها تا مچ و پاها (۴) تا مچ پا لازم نیست (۵). اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است ، باید (۶) مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم به پوشاند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که کف پاها را هم به پوشاند ..

(سیستانی :) و بنا بر احتیاط واجب حتی از خودش نیز پوشانده شود پس اگر چادر را طوری به پوشد که خودش بدنش را ببیند اشکال دارد ..

(بهجت :) حتی اگر کسی او را نبیند .. (۲) (مکارم :) گِردی صورت .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : مکارم ، بهجت و سیستانی نیست] (۴) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) روی پاها .. (۵) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) ولی احتیاط در این است که صورت بیش از آن چه شستن آن در موقع وضو واجب است در حال نماز باز نباشد و هم چنین کف پا و درون دست نیز باز نباشد .. (۶) (مکارم :) احتیاط این است که ..

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۲۹ برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دست بند و گردن بند) نیز لازم است .

(فاضل :) مسأله ۷۹۷ برای زنان در حال نماز پوشانیدن موهای مصنوعی و زینت های پنهانی (مانند دست بند و گردن بند) و زینت صورت (مانند سرمه چشم) لازم نیست ، امّا واجب است از نامحرم به پوشانند.

[مسأله ۷۹۰ موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده را به جا می آورد]

مسأله ۷۹۰ موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می آورد (۱) بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم باید خود را مثل موقع نماز به پوشاند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) باید خود را مثل موقع نماز به پوشاند. و احتیاط مستحب (زنجانی : احتیاط) آن است که در موقع به جا آوردن سجده سهو نیز خود را به پوشاند.

(بهجت :) یا نماز احتیاط می خواند باید خود را مثل موقع نماز به پوشاند.

(مکارم :) مسأله در نماز احتیاط و قضای سـجده و تشـهد فراموش شده بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سـجده سهو و سجده های واجب قرآن نیز خود را مانند موقع نماز به پوشاند.

[مسأله ۷۹۱ اگر انسان عمداً در نماز عورتش را نپوشاند]

مسأله ۷۹۱اگر انسان عمداً (۱)، در نماز عورتش را نپوشاند، نمازش باطل است (۲)، بلکه اگر از روی ندانستن مسأله هم باشد (۳) بنـا بر احتیاط واجب (۴) بایـد نمـازش را دوبـاره بخوانـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی :) یـا از روی ندانستن مسأله از روی تقصیر ..

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) یا از روی ندانستن مسأله ..

(۲) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، تـبریزی ، بهجت ، نوری :) بقیه مسـأله ذکر نشـده . (۳) (سیسـتانی :) و اگر بخاطر ندانستن مسـأله باشـد، چنانچه نادانی او به علّت کوتاهی کردن در فراگیری مسائل بوده .. (۴) [عبـارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (زنجـانی :) مسـأله اگر انسان با علم و عمـد یا در حال شک عورتش را در نماز نپوشانـد نمازش باطل است ، بلکه بنا بر احتیاط در صورت غفلت از مسأله ، یا اشتباه در آن نیز نمازش باطل است .

[مسأله ۷۹۲ اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است]

مسأله ۷۹۲ اگر در بین نمـاز بفهمـد که عورتش پیـدا است ، بایـد آن را به پوشانـد (۱) و (چنـانچه پوشانـدن عورت زیاد طول بکشد (۲)) احتیاط واجب (۳) آن است که نماز را تمام کنـد و دوباره بخوانـد (۴)، ولی اگر بعـد از نماز بفهمـد که در نماز، عورت او پیـدا بوده ، نمـازش صـحیح است . (۱) (مکـارم :) به شـرط این که کـاری که صورت نمـاز را بر هم می زنـد، به جا نیاورد ..

(سیسـتانی :) و لازم نیست که نماز را اعاده نماید، ولی احتیاط واجب آن است که در حالی که فهمیده که عورت او پیدا است چیزی از اجزاء نمـاز را به جـا نیـاورد و اگر بعـد از نمـاز بفهمـد که در نمـاز، عورت او پیـدا بوده ، نمازش صـحیح است . (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، فاضل و صافی نیست] (۳) (اراکی :) احتیاط .. (۴) (بهجت :) باید آن را به پوشاند بدون این که پوشاندن عورت زیاد طول بکشد ولی احتیاط در آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اگر شخصی در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است اظهر این است که نمازش باطل است ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز، عورت او پیدا بوده ، نمازش صحیح است و هم چنین است اگر در اثناء نماز بفهمد که قبلًا عورتش پیدا بوده ، در صورتی که فعلًا (تبریزی : در صورتی که زمان فهمیدن) پوشیده باشد.

[مسأله ۷۹۳ اگر در حال ایستاده لباسش عورت او را می پوشاند]

مسأله ۷۹۳ اگر در حال ایسـتاده لباسـش عورت او را می پوشانـد ولی ممکن است در حال دیگر، مثلًا در حال رکوع و سـجود نپوشانـد، چنـانچه مـوقعی که عورت او پیـدا می شود، به وسـیله ای (۱) آن را به پوشانـد، نمـاز او صـحیح است . ولی احتیـاط مسـتحب آن است که بـا آن لبـاس نمـاز نخوانـد. این مسـأله ، در رسـاله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) به وسیله ای که پوشاندن به آن در حال اختیار جایز است ..

[مسأله ۷۹۴ انسان می تواند در نماز خود را به علف و برگ درختان بپوشاند]

مسأله ۷۹۴ انسان می تواند در نماز، خود را به علف و برگ درختان به پوشاند ولی احتیاط مستحب (۱) آن است موقعی خود

را با اینها به پوشاند که چیز دیگری نداشته باشد (۲). (۱) (بهجت :) احتیاط .. (۲) (سیستانی :) که لباس نداشته باشد.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله انسان موقعی که پوشاک ندارد، می تواند در نماز، خود

را بـا علف و برگ درختـان به پوشانـد (زنجـانی : و بنـا بر احتیـاط، موقعی که پوشاک دارد، با علف و برگ درختان ، خود را نپوشاند).

[مسأله ۷۹۵ اگر غیر از گِل هیچ چیز ندارد]

مسأله ۱۷۹۵ اگر غیر از گِل هیـچ چیز نـدارد که در نماز خود را به پوشانـد (۱)، گِل ساتر نیست و می توانـد برهنه نماز بخواند (۲). (۱) (اراکی :) ساتر بودن آن محل ٍ اشکال است .

(بهجت :) واجب نیست خود را بـا گِل به پوشانـد ولی بنا بر احتیاط برای این که رکوع و سـجود به جا آورد، خود را با گِل به پوشاند با عدم مشقّت .

(مکارم :) بایـد بـدن خود را با آن به پوشانـد و نماز بخواند. (۲) (فاضـل :) ولی احتیاط مسـتحب ً جمع است یعنی یک بار به کیفیت برهنه نماز بخواند و یک بار با گِل عورتین را به پوشاند و نماز بخواند.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله انسـان در حال نماز اگر ناچار باشـد که خود را با گِل بپوشانـد و نماز بخوانـد، احتیاط لازم آن است که یک مرتبه دیگر مثل برهنه نماز بخواند یعنی با ایماء و اشاره .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله انسان در حال ناچاری می تواند در نماز خود را با گِل به پوشاند.

(سیسـتانی :) مسـأله انسـان در حـال ناچاری که چیزی برای پوشانیـدن عورت خود نـدارد می توانـد برای نمایان نبودن پوسـت عورت خود را با گِل و مانند آن به پوشاند.

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط انسان اگر فقط گِل یا لجن یا آب گل آلود و مانند آن در اختیار دارد، دو نماز بخواند: در یک نماز با گِل و مانند آن خود را به پوشاند و در نماز دیگر مانند کسـی که چیزی ندارد که در نماز خود را با آن به پوشاند رفتار کند چنانکه در مسأله [۷۹۷] خواهد آمد.

[مسأله ۷۹۶ اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند]

مسأله ۱۷۹۶ اگر چیزی نـدارد که در نماز خود را با آن به پوشاند چنانچه احتمال دهد که پیدا می کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید (۲) نمـاز را تـأخیر بینـدازد، و اگر چیزی پیـدا نکرد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخوانـد (۳). (۱) [عبارت «بنا بر احتیـاط واجب » در رسـاله آیت اللّه اراکی نیست] (۲) (خوئی :) بهـتر این است که .. (۳) (اراکی :) مطـابق وظیفه اش که در مسأله بعد خواهد آمد نماز بخواند.

(تبریزی :) مسأله اگر چیزی نـدارد که در نماز خود را با آن به پوشانـد می تواند نمازش را در اوّل وقت به طوری که در مسأله بعدی ذکر می شود، به جا آورد ولی اگر تا آخر وقت پوشاك پیدا کند، لازم است آن نماز را اعاده کند.

(سیسـتانی :) مسأله اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن به پوشاند چنانچه مأیوس از پیدا کردن آن نباشد، احتیاط واجب آن است که نماز خود را تأخیر بیند از دو اگر چیزی پیدا نکرد در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند و اگر مأیوس باشـد می تواند در اوّل وقت طبق وظیفه اش

نماز بخواند و در این صورت اگر نماز را در اول وقت بخواند و پس از آن عذرش برطرف گردد لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن به پوشاند چنانچه مأیوس از پیدا کردن آن تا آخر وقت باشد می تواند در اول وقت نماز بخواند؛ ولی اگر اتفاقاً تا آخر وقت پیدا شد باید نماز خود را اعاده کند، و اگر احتمال دهد پیدا می کند می تواند نماز خود را به تأخیر بیندازد و در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند و می تواند در اول وقت رجاءً نماز بخواند که اگر تا آخر وقت عذرش باقی بود نماز خوانده شده صحیح ، و گر نه باید آن را اعاده کند.

(مکارم :) مسأله هر گاه برهنه است و چیزی برای پوشاندن بدن در نماز ندارد، چنانچه احتمال می دهد تا آخر وقت پیدا کند، احتیاط آن است که نماز را به تأخیر اندازد و اگر پیدا نکرد، چنانچه کسی او را می بیند، باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را به این وسیله به پوشاند و اگر کسی او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند و بنا بر احتیاط واجب عورت را با دست به پوشاند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر بیاورد.

(بهجت :) مسأله تهیه ساتر برای نماز واجب است اگر چه به خریدن باشد و یا اجاره ای که مضر به حالش نباشد؛ و اگر مضر به حالش باشد یا موجب خواری و تحمل منت باشد لازم نیست ؛ و أحوط تأخیر نماز است تا آخر وقت برای تهیه ساتر، مگر آن که از تهیه آن تا آخر وقت مأیوس باشد.

[مسأله ۷۹۷ کسی که می خواهد نماز بخواند]

مسأله ۷۹۷ کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف (۱) نداشته باشد (و احتمال ندهد، که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن به پوشاند (۲))، در صورتی که نامحرم او را می بیند (۳) باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود به پوشاند (۴) و اگر کسی او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند و جلوی خود را با دست به پوشاند (۵) و در هر صورت رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر می آورد. (۱) (خوئی ، تبریزی :) و گِل و لجن .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه تبریزی نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که احتمال بدهد که نامحرم او را می بیند، باید نشسته نماز بخواند و اگر اطمینان دارد که نامحرم او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند و بنا بر احتیاط دست را بر عورت خود بگذارد و در هر دو حال رکوع و سجود را با اشاره به جا آورد و (خوئی : بنا بر احتیاط استحبابی) اشاره سجود را بیشتر نماید. (۴) (اراکی :) و رکوع و سجده را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر ببرد و مُهر را بالا بیاورد و بر پیشانی بگذارد و اگر کسی او را نمی بیند، بنا بر احتیاط واجب یک بار ایستاده نماز بخواند و جلوی خود را با دست به پوشاند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و یک بار هم مانند کسی که پوشش دارد، ایستاده نماز بخواند و رکوع و سجود را به طور متعارف انجام دهد. (۵) (بهجت :) و اگر در رکوع و سجود بیشتر عورت او دیده شود، می تواند رکوع و سجود را در حال قیام با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر

آورد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۷۹۶.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و یا گودالی هم که در آن بایستد، پیدا نکند و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن به پوشاند، در صورتی که احتمال بدهد که ناظر محترم او را می بیند، نشسته نماز بخواند و برای رکوع و سجود به قدری خم شود که عورتش پیدا نباشد و برای سجود کمی بیشتر از رکوع خم شود و مُهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر اطمینان دارد که ناظر محترم او را نمی بیند، احتیاط آن است که دو نماز ایستاده بخواند و موقعی که ایستاده است ، قُبُل خود را با دست به پوشاند و در یکی از آن دو نماز، رکوع و سجود را به جا آورد و در دیگری به جای رکوع و سجود با سر اشاره نماید، (گلپایگانی : اگر چه بنا بر اقوی می تواند اکتفاء کند به نماز با اشاره سر در رکوع و سجود) و اگر گودالی هست که بتواند در آن بایستد، باید نماز مُختار بخواند.

(زنجانی :) مسأله کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف و گِل و لجن و مانند آن پیدا نکند و تا آخر وقت هم چیزی پیدا نکند که خود را با آن به پوشاند، در صورتی که احتمال بدهد که کسی که پوشاندن عورت از او واجب است او را ببیند، باید نشسته نماز بخواند، و چنانچه کسی او را از پشت سر می بیند رکوع و سجود را با اشاره به جا آورد، و اگر کسی او را از پشت سر نبیند رکوع و سجود را به طور معمولی به جا آورد؛ و در صورتی که اصلًا احتمال ندهد که کسی که پوشاندن عورت از او واجب است او را ببیند، باید ایستاده نماز بخواند و رکوع و سجود را با اشاره به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف و گِل و لجن نداشته باشد و مأیوس باشد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن به پوشاند، در صورتی که اطمینان دارد کسی که ستر عورت از او واجب است نمی بیند، ایستاده و با رکوع و سجود اختیاری نماز بخواند و چنانچه احتمال دهد که ناظر محترم او را می بیند، باید به طوری نماز بخواند که عورت او نمایان نباشد مثل این که نشسته نماز بخواند و اگر برای این که خودش را از دیدِ ناظر محترم نگاه دارد، ناچار شود ایستادن و رکوع و سجود را ترک کند، یعنی در هر سه حالت دیده می شود، بنشیند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و اگر یکی از این سه چیز را فقط ناچار است ترک کند، همان را ترک کند؛ پس اگر می تواند بایستد و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و اگر ایستادن موجب دیده شدن است ، بنشیند و رکوع و سجود را انجام دهد، گر چه در این صورت ، احتیاط مستحب آن است که جمع کند بین این گونه نشستن و نماز ایستاده با اشاره به رکوع و سجود و احتیاط لازم آن است که شخص برهنه در حال نماز عورت خود را با بعضی از اعضای بدن خود به پوشاند مثل دو ران در حال نشستن و دو دست در حال ایستاده .

شرایط لباس نمازگزار

[مسأله ۷۹۸ لباس نمازگزار شش شرط دارد]

مسأله ۷۹۸ لباس نمازگزار شش شرط دارد: اوّل : آن که پاک باشد. دوّم : آن که مباح باشد (۱). سوم : آن که از اجزاء مردار نباشد. چهارم : آن که از (۲) حیوان حرام گوشت نباشد (۳). پنجم و ششم : آن که اگر نمازگزار مرد است ، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده گفته می شود. (۱) (فاضل ، مکارم ، سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب .. (۲) (بهجت :) از اجزاء .. (۳) (سیستانی :) چهارم : آن که از حیوان درنده نباشد بلکه بنا بر احتیاط واجب از حیوان حرام گوشت نباشد ..

شرط اول

[مسأله ۷۹۹ لباس نمازگزار باید پاک باشد]

مسأله ۷۹۹ لباس نمازگزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً (۱) با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است (۲). (۱) (خوئی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی :) اگر کسی در حال اختیار ..

(زنجانی :) اگر کسی با علم و عمد و اختیار .. (۲) (مکارم :) حتّی اگر به خاطر یاد نگرفتن مسأله باشد.

(بهجت :) مگر در مواردی که استثناء شده و بعداً خواهد آمد.

[مسأله ۸۰۰ کسی که نمی داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است]

مسأله ۸۰۰ کسی که نمی داند (۱) با بدن و لباس نجس نماز باطل است (و مقصّر در ندانستن حکم مسأله باشد (۲)) اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می باشد (۳). (۱) (خوئی ، بهجت :) کسی که از روی تقصیر نمی داند .. (۲) [عبارت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، نوری ، بهجت ، تبریزی و صافی نیست] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۷۹۹).

(سیستانی :) مسأله اگر کسی به علّت کوتاهی کردن در فراگیری مسأله شرعی نمی دانسته نماز با بدن یا لباس نجس باطل است و یا نمی دانسته مثلًا منی نجس است و با آن نماز خوانده ، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته باشد، قضا نماید.

(زنجانی :) مسأله کسی که شک دارد نماز با بدن و لباس نجس باطل است یا نه ، چنانچه بدون تحقیق در مسأله با بدن یا

لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است ؛ بلکه بنا بر احتیاط اگر تحقیق هم کرده باشد، یا اصلًا از مسأله غافل باشد، یا مسأله را به نحو اشتباه دانسته باشد و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است .

[مسأله ۸۰۱ اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسأله چیز نجسی را نداند نجس است]

مسأله ۸۰۱اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسأله (۱)، چیز نجسی را نداند نجس است ، مثلًا نداند عرق شتر نجاستخوار (۲) نجس است و با آن نماز بخواند نمازش باطل است (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل ، نوری :) اگر به واسطه ندانستن مسأله .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت :) عرق کافر .. (تبریزی :) عرق کافر مشرک ..

(فاضل :) عرق شتر نجاستخوار یا عرق مشرک .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم .

(سیستانی :) مسأله اگر کسی از روی ندانستن مسأله با بدن یا لباس نجس نماز خوانده ، و در فراگیری مسأله کوتاهی ننموده باشد، لازم نیست نمازش را اعاده و یا قضا نماید.

(زنجانی :) مسأله کسی که به جهت عدم آگاهی از مسأله شرعی ، نجس بودن چیزی را نداند، بلکه در آن شک یا غفلت یا علم به خلاف داشته باشد؛ مانند کسی است که نداند نماز خواندن در لباس یا بدن نجس باطل است که حکم آن در مسأله قبل گذشت .

[مسأله ۸۰۲ اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است]

مسأله ۸۰۲ اگر (۱) نداند که بدن یا لباسش نجس است (۲) و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است (۳)، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند. (۱) (زنجانی :) اگر با آگاهی از مسأله شرعی .. (۲) (سیستانی :) اگر کسی یقین دارد که بدن یا لباسش نجس نیست .. (۳) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، مکارم ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۸۰۳ اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است]

مسأله ۸۰۳ اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن (۱) یادش بیاید (۲) باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. (۱) (زنجانی :) قبل از گذشتن وقت ، یادش بیاید نماز را دوباره بخواند، بلکه اگر وقت هم گذشته بنا بر احتیاط نماز را قضا کند. (۲) (سیستانی :) چنانچه فراموشی او از روی اهمال و بی اعتنایی بوده ، باید بنا بر احتیاط لازم نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید، و در غیر این صورت لازم نیست نماز را دوباره بخواند ولی اگر در میان نماز یادش بیاید، باید به دستوری که در مسأله بعد گفته می شود، عمل کند.

مساله ۸۰۴ کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است ، اگر در بین نماز، بدن یا لباس او نجس شود (۱)

و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده ، یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است (۲) و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده (۳)، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن ، نماز را به هم نمی زند، باید (۴) در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض نماید یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده ، لباس را بیرون آورد (۵)، ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد، نماز به هم می خورد و اگر لباس را بیرون آورد برهنه می ماند (۶)، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند. (۷) (۱) (بهجت :) و نجس طوری نباشد که نماز با آن بی اشکال باشد (که بعداً خواهد آمد) بلکه طوری نجس شود که نماز خواندن با آن صحیح نباشد .. (۲) (فاضل :) اگر در بین نماز، بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند، متوجه شود که بدن یا لباس نجس است ..

(۳) (سیستانی :) کسی که در وسعت وقت ، مشغول نماز است ، اگر در بین نماز ملتفت شود که بدن یا لباسش نجس شده و احتمال دهد که بعد از شروع در نماز نجس شده باشد .. (۴) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۵) (فاضل :) و نماز را ادامه دهد .. (۶) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط لازم نماز را دوباره با لباس پاک بخواند. (۷) (بهجت :) و همین حکم در مورد کسی که در بین نماز فهمید که قبلًا بدن یا لباسش نجس شده است ولی تا به حال نمی دانسته ، در مورد بقیه نماز که می خواهد بخواند، بنا بر أظهر جاری است .

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی مشغول نماز است و در وسط نماز لباس یا بدن او نجس شود یا بفهمد لباس یا بدن او نجس شده است امّا نداند همان موقع نجس شده یا از قبل نجس بوده ، چنانچه آب در دسترس اوست و آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن آن نماز را به هم نمی زند باید همان موقع آن را آب بکشد یا عوض کند سپس نماز را ادامه دهد و اگر ممکن نیست باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند و این در صورتی است که وقت تنگ نباشد و الّا با همان حال نماز می خواند و صحیح است .

[مسأله ۸۰۵ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است]

مسأله ۸۰۵ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند بفهمد که نجس شده ، یا بفهمد که لباس او نجس است (۱) و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده (۲) در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس ، نماز را به هم نمی زند و می تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند، یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده ، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند، اما اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده و لباس را هم نمی تواند آب بکشد (۳) یا عوض کند (۴) باید لباس را بیرون آورد (۵) و به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می خورد و به واسطه سرما و مانند آن نمی تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است . (۱) (فاضل :) پیش از آن که چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند بفهمد که لباس او نجس است .. (۲) (سیستانی :) کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است ، اگر در بین نماز ملتفت شود که لباسش نجس شده و احتمال دهد که پس از شروع در نماز نجس شده باشد .. (۳) (زنجانی :) اگر به جهتی ؛ مثل سرما، نمی تواند لباس را بیرون آورد یا لباس به غیر منی نجس شده باشد، باید با همان لباس نماز بخواند و به احتیاط واجب نماز را در لباس پاک نیز قضا کند، و اگر می تواند لباس را بیرون آورد و لباس به منی نجس شده ، لباس را بیرون آورده و به دستوری که برای برهنگان در مسأله [۷۹۷] گفته شد، عمل کند. (۴) (اراکی :) و وقت نماز به قدری تنگ است که اگر نماز را بشکند حتّی یک رکعت از نماز را هم نمی تواند در وقت بخواند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است .

(خوئی ، سیستانی :) باید ((تبریزی :) می تواند) با همان لباس نجس نماز را تمام کند. [پایان مسأله] (صافی :) و به قدر تبدیل یا تطهیر و درک یک رکعت وقت ندارد در همان لباس نماز بخواند. [پایان مسأله] (بهجت :) در صورتی که می تواند لباس نجس را کم کند، یعنی مقداری را که لازم نیست از بدن بیرون آورد، باید این کار را انجام دهد و در غیر این صورت باید با همان لباس نجس نماز بخواند. (۵) (گلپایگانی :) اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده و لباس را هم نمی تواند آب بکشد یا عوض کند و به قدر تبدیل یا تطهیر و درک یک رکعت وقت ندارد، مختار است در همان لباس نماز بخواند یا لباس را بیرون آورد .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۰۴.

[مسأله ۸۰۶ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است]

مسأله ۸۰۶ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است ، اگر در بین نماز بدن او نجس شود (و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند ملتفت شود که نجس شده ، یا بفهمد بدن او نجس است (۱) و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده (۲)) در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی زند، باید (۳) آب بکشد و اگر نماز را بهم می زند (۴)، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است . (۱) (فاضل :) اگر در بین نماز، بدن او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با بدن نجس بخواند بفهمد که بدن او نجس است .. (۲) (بهجت :) یا این که در بین نماز بفهمد که قبلًا در حال نماز بدنش نجس شده و تا به حال نمی دانسته ، در تمامی این موارد .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۳) [در رساله آیات عظام : خوئی ، بهجت و تبریزی ، به جای «باید» آمده است : بدن را] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) و به قدر تطهیر و درک یک رکعت وقت ندارد ..

(نوری :) و وقت به طوری تنگ است که اگر نماز را به هم بزند و بدن را تطهیر کند یک رکعت هم از وقت درک نمی کند .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۰۴.

(سیستانی :) مسأله کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز ملتفت شود که بدن او نجس شده و احتمال دهد که پس از شروع در نماز نجس شده باشد در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی زند، بدن را آب بکشد؛ و اگر نماز را به هم می زند باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است .

[مسأله ۸۰۷ کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد]

مسأله ۸۰۷ کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد چنانچه نماز بخواند (۱) و بعد از نماز بفهمد که (۲) بدن یا لباسش نجس بوده ، نماز او صحیح است (۳). (۱) (فاضل :) و بعد از نماز بفهمد پاک نبوده است ، بنا بر احتیاط واجب اگر وقت نماز باقی است باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته آن را قضا کند.

(سیستانی :) چنانچه جستجو نماید و چیزی در آن نبیند و نماز بخواند .. (۲) (زنجانی :) بعد از نماز متوجه شود که در هنگام نماز ..

(۳) (بهجت :) امّا اگر می دانسته که قبلًا نجس بوده و بعد شک ّکرد که پاک شده یا نه و به همان حال نماز خواند و بعد از نماز فهمید که پاک نشده بود، در این صورت نمازش باطل است .

(سیستانی :) ولی اگر جستجو نکرده باشد، بنا بر احتیاط لازم باید نمازش را دوباره بخواند و چنانچه وقت گذشته ، قضاء نماید.

(زنجانی :) به احتیاط واجب نمازش باطل است و باید آن را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

(مکارم :) مسأله کسی که بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده ، نمازش صحیح است خواه در وقت باشد یا بعد از وقت .

[مسأله ۸۰۸ اگر لباس را آب بکشد]

مسأله ۸۰۸ اگر لباس را آب بکشد (۱) و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده ، نمازش صحیح است (۲). (۱) (مکارم :) هر گاه لباس یا بدن نجس بوده و آن را آب بکشد .. (۲) (بهجت :) و هم چنین اگر دیگری لباس او را آب بکشد که این کار را به او واگذار کرده بود و بعد بفهمد که پاک نشده یا این که فهمید بدن یا لباسش نجس شده و همان طور نماز خواند و بعد از نماز فهمید که اشتباه کرده و پاک بوده است ؛ در تمامی این موارد نمازش صحیح است .

(مکارم :) و برای نمازهای بعد باید آن را پاک کند.

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب اگر وقت نماز باقی است باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته باید نمازش را قضاء کند.
(نوری :) نمازش باطل است و آن را دوباره بخواند.

[مسأله ۸۰۹ اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند]

مسأله ۸۰۹ اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست ، مثلًا یقین کند که خون پشه است ، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهایی بوده که نمی شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۸۱۰ هر گاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست]

مسأله ۸۱۰ هر گاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است ، مثلًا یقین کند خون زخم و دُمَل است ، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است نمازش صحیح است . (۱) (۱) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه در لباس خود خونی ببیند و یقین کند که به مقدار کمتر از درهم است و یا خون زخم و دمل است که برای نماز اشکال نـدارد و با آن نماز بخوانـد و بعد بفهمد خون بیش از مقدار در هم بوده ، یا خون از غیر زخم و دمل است ، نمازش صحیح است .

[مسأله ۸۱۱ اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند]

مسأله ۸۱۱اگر نجس بودن چیزی را فراموش کنـد و بـدن یا لباسـش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشـی نماز بخواند و بعـد از نماز یادش بیاید، نماز او صـحیح است . (۱) ولی اگر بـدنش بـا رطـوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون این که خود را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است (۲). و نیز اگر جایی از

اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آن که آنجا را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می باشد. (۳) (۱) (زنجانی :) مگر به جهت نجاست ِبدن وضو یا غسلش باطل شده باشد که در نتیجه نمازش نیز باطل خواهد بود. [پایان مسأله] (فاضل :) و اگر بدون این که محل تماس یا نجس را آب بکشد با آب قلیل غسل کند و نماز بخواند غسل و نماز او باطل است امّا اگر با آب جاری یا کُر غسل کند چون با تماس اوّل محل پاک می شود غسل او صحیح است و نماز او هم اشکال ندارد امّا اگر محل تماس با نجس ، یکی از اعضای وضو باشد و شخص بدون تطهیر با آب قلیل و با یک بار شستن وضو بگیرد و نماز بخواند وضو و نماز او باطل است و در فرض سابق اگر با آب کثیر وضو بگیرد یا محل وضو را سه بار بشوید تطهیر انجام شده و وضو و نماز او صحیح است . (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت :) مگر این که طوری باشد که به غسل نمودن ، بدن نیز پاك شود (سیستانی : و آب نجس نشود، مثل این که در آب جاری غسل کند) .. (۳) (خوئی ، بهجت ، سیستانی ، تبریزی :) مگر این که طوری باشد که به وضو گرفتن ، اعضاء وضو نیز پاك شود (سیستانی : و آب نجس نشود، مثل آب کر یا جاری).

[مسأله ۸۱۲ کسی که یک لباس دارد]

مسأله ۸۱۲ کسی که یك لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد (۱)، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد، باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد مثلًا هر دو بول یا خون باشد یا نجاست بدن شدیدتر باشد مثلًا نجاستش بول باشد که باید دو مرتبه آن را آب کشید (۲)، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد هر کدام از بدن یا لباس را بخواهد می تواند آب بکشد. (۱) (اراکی :) در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد، مثلًا هر دو بول یا خون باشد، مُخیّر است بین این که لباس را آب بکشد یا بدن را گر چه احتیاط مستحب ّاست که بدن را تطهیر کند و اگر نجاست یکی شدیدتر باشد مثلًا نجاستش بول باشد، که باید دو مرتبه آن را آب کشید، باید آن را آب بکشد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید بدنش را آب بکشد و پس از صرف آب اگر لباسش به غیر منی نجس شده یا به جهتی ؛ مثل سرما، نتواند آن را بیرون آورد در لباس نجس نماز بخواند، و اگر به منی نجس شده و می تواند آن را بیرون آورد، به دستوری که برای برهنگان در مسأله [۷۹۷] گفته شد عمل کند، و اگر دو جای لباس یا دو جای بدن نجس شده باشد بنا بر احتیاط واجب باید نجاست شدیدتر را تطهیر کند؛ مثلًا اگر نجاست یکی بول است که اگر بخواهد با آب قلیل آب بکشد باید دو مرتبه آب روی آن بریزد و دیگری خون است که یک مرتبه آب ریختن روی آن کافی است ، بنا بر احتیاط واجب باید آن را که به بول نجس شده آب بکشد، و اگر نتواند نجاست لباس یا بدن را به طور کامل از بین ببرد ولی بتواند آن را کم کند، به احتیاط واجب باید آن را کم نماید.

(گلپایگانی :) می توانـد لباسـش را بیرون آورد و بـدن را آب بکشـد و نماز را به دسـتوری که برای برهنگان گفته شـد، به جا آورد و می تواند که با همان لباس نماز بخواند. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، هر کدام از بدن یا لباس را که بخواهـد می توانـد آب بکشـد ولی اگر مثلًا نجاست یکی بول است که اگر بخواهد با آب قلیل آب بکشد، باید دو مرتبه آب روی آن بریزد و دیگری خون است که یـک مرتبه ریختن آب روی آن کافی است بایـد آن را که به بول نجس شده ، آب بکشد.

(صافی :) بهتر این است که بـدن را آب بکشـد و با همان لباس نماز بخوانـد و احتیاطاً هم به دسـتوری که برای برهنگان اسـت نماز را اعاده نمایـد ولی اگر مثلًا .. [بقیه مثل آیت اللّه گلپایگانی] (خوئی ، تبریزی :) أولی این است که بدن را آب کشـیده و با لباس نجس نماز بخواند، و جایز است که لباس را آب کشـیده و با بدن نجس نماز بخواند ولی در صورتی که نجاست یکی از آنها بیشتر باشد لازم است آن را آب بکشد (تبریزی : ولی چنانچه دیگری را آب بکشد نمازش صحیح است).

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که بـدن را آب بکشـد و نماز را با همان لباس نجس بخواند ولی اگر نجاست لباس شدیدتر باشـد، (مثلًا نجاسـتش از بول باشـد که بایـد آن را با آب قلیل دو مرتبه شـست و نجاست بـدن مثلًا از خون باشد که یک مرتبه شستن کافی است) احتیاط واجب آن است که لباس را بشوید و با نجاست بدن نماز را بخواند.

(بهجت :) احتیـاط در این است که بـدن را آب بکشـد و با لباس نجس نماز بخوانـد، ولی در صورتی که نجاست یکی از آنها بیشتر باشد، لازم است بنا بر احتیاط آن را آب بکشد بلکه بعید نیست وظیفه اش همین باشد.

(سیسـتانی :) احتیاط لازم این است که بدن را آب کشیده و با لباس نجس نماز بخواند ولی در صورتی که نجاست لباس بیشتر یا شدیـدتر باشـد، مُخیّر است که هر کـدام را می خواهـد آب بکشـد. (۲) (فاضل :) نجاست بـدن شدیـدتر یا بیشتر باشـد؛ مثلًا نجاست بدن بول باشد که باید دو مرتبه آن را با آب قلیل آب بکشد ..

[مسأله ۸۱۳ کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد]

مسأله ۸۱۳ کسـی که غیر از لباس نجس ، لباس دیگری ندارد (۱) (و وقت تنگ است یا احتمال نمی دهـد که لباس پاک پیدا کند (۲)) اگر به واسطه سـرما یا عـذر دیگر نمی تواند لباس را بیرون بیاورد باید در همان لباس نماز بخواند و نمازش صـحیح است ولی چنانچه بتوانـد لباس را بیرون بیاورد، باید نماز را به دسـتوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد. (۳) این مسأله در رسـاله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (گلپایگـانی :) مختـار است بـا همـان لباس نماز بخوانـد یا نماز را به دسـتوری که برای برهنگان گفته شـد به جا آورد. ولی اگر به واسـطه سـرما و مانند آن نمی تواند لباسـش را بیرون آورد باید با لباس نجس نماز بخوانـد و نماز او صـحیح است . [پایان مسأله] (خوئی ، سیسـتانی :) بایـد با لباس نجس نماز بخوانـد و نمازش صـحیح است . [پایـان مسأله] (تبریزی :) و با لباس نجس نماز بخوانـد، نماز او صـحیح است . [پایان مسأله] (مکارم :) وا حتمال نمی دهـد تا آخر وقت لباس پاک پیدا کند باید با همان لباس نماز بخواند. [پایان مسأله]

(بهجت :) و در اثر تنگی وقت یا به علّت دیگری نمی توانـد آن را تطهیر کنـد باید با آن نماز بخواند و نمازش صـحیح است . [پایان مسأله] (صافی :) با همان لباس نماز بخواند و بنا بر احتیاط مستحب هم نماز را به دسـتوری که برای برهنگان گفته شـد به جا آورد. [پایان مسأله] (۲) (فاضل ، نوری :) باید نماز را به دسـتوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد (فاضل : ولی همین شـخص اگر به واسـطه سـرما یا عـذر دیگر نمی توانـد لباس را بیرون آورد در همان لباس نماز بخواند و نمازش صـحیح است).

[قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۳) (اراکی :) مخیّر است که نمـاز را یـا به دسـتوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد یا با همان لباس بخواند گر چه بهتر است به وظیفه برهنگان عمل کند.

[مسأله ۸۱۴ کسی که دو لباس دارد اگر بداند یکی از آنها نجس است]

مسأله ۸۱۴ کسـی که دو لبـاس دارد، اگر بدانـد یکی از آنهـا نجس است (۱) و نتوانـد آنها را آب بکشـد و ندانـد کدام یک آنهاست (۲)، چنانچه وقت دارد بایـد با هر دو لباس نماز بخواند. مثلًا اگر می خواهد نماز ظهر و عصـر بخواند باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند ولی اگر وقت تنگ است باید (۳) نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد و به احتیـاط واجب آن نمـاز را با لباس پاک قضا نمایـد (۴). (۱) (مکارم :) امّا نمی دانـد کـدامیک از آنها می باشد، با هیـچ کـدام نمی توانـد نماز بخوانـد و باید هر دو را آب بکشد و اگر توانایی بر این کار نداشـته باشد، باید دو نماز جداگانه با آن دو لباس بخوانـد. (۲) (خوئی ، گلپایگـانی ، صـافی ، بهجت ، زنجانی ، تبریزی ، سیسـتانی :) کسـی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و نداند کدامیک آنهاست .. (۳) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .. (۴) (اراکی :) اگر وقت تنگ است بایـد نمـاز را در یکی از آن دو لبـاس به جـا آورد و به احتیـاط واجب آن نمـاز را با لباس دیگر قضاء نمایـد. و اگر نمی تواند قضای نماز را با لباس دیگر به جا آورد، باید به دستور برهنگان عمل نماید.

(خوئی ، تبریزی ، بهجت ، صافی :) اگر وقت تنگ است با هر کدام نماز بخواند کافی است .

(گلپایگانی :) اگر وقت تنگ است بایـد با یکی از آن دو لباس نماز بخواند و در خارج وقت نیز آن نماز را با لباس پاک قضـا نماید.

(زنجـانی :) اگر وقت تنـگ است چنـانچه احتمـال نجاست یکی بیشتر باشـد یا نجاسـتش بیشتر یا شدیـدتر باشـد، مثلًا به جهت ملاقات با ادرار نجس شده که نیاز به دو بار شسـتن دارد؛ نه مثل خون که با یک بار شستن پاک می شود، باید در لباس دیگر نماز بخواند و اگر از همه جهات هر دو لباس مانند هم هستند، با هر کدام نماز بخواند کافی است .

(سیسـتانی :) اگر وقت تنگ است و هیـچ کـدام از نظر قوّت احتمال و اهمیت محتمل ، رجحان نداشـته باشـد، با هر کدام نماز بخواند کافی است .

شرط دوم

[مسأله ۸۱۵ لباس نمازگزار باید مباح باشد]

مسأله ۸۱۵ لباس نمازگزار بایـد (۱) مباح باشـد (۲) و کسـی که می دانـد پوشـیدن لباس غصبی حرام است (۳)، اگر عمداً در لبـاس غصبی یا در لباسـی که نـخ یا دگمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخوانـد (۴)، بایـد آن نمـاز را با لباس غیر غصبی اعاده نماید (۵). (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (زنجانی :) به احتیاط مستحب باید .. (۲) (سیستانی :) لباس نمازگزار که با آن عورتین خود را می پوشاند باید بنا بر احتیاط واجب مباح باشد .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یا این که از روی تقصیر حکم مسأله را نداند اگر عمداً در آن لباس نماز بخواند (سیستانی ، تبریزی : بنا بر احتیاط) باطل است ولی در چیزهایی که به تنهایی عورت را نمی پوشانـد و هم چنین چیزهایی که فعلًا نمازگزار آنها را نپوشـیده ، مانند دسـتمال بزرگ یا لنگی که در جیب گذاشـته شود، اگر چه بشود عورت را بـا آنهـا پوشانیـد، و هم چنین چیزهـایی که نمازگزار آنها را پوشـیده ولی ساتر مباح دیگری دارد، در تمام این صُوَر غصبی بودن آنها به نماز ضرری ندارد، هر چند احتیاط در ترک است .

(بهجت :) اگر عمـداً در لبـاس غصبی نمـاز بخوانـد بنـا بر احتیـاط بایـد آن نماز را دوباره با لباس غیر غصبی بخوانـد گر چه با تحقّق قصـد قربت ، أظهر صـحّت نمـاز است . و در صـورت غصـبی بودن چیزهـایی که به تنهـایی عورت را نمی پوشانـد مثل عرقچین و هم چنین چیزهایی که نمازگزار آنها را پوشیده ولی ساتر مباح دیگر دارد نیز همین حکم جاری است .

(نوری :) اگر عمداً در لباس غصبی نماز بخواند باطل است و هم چنین در لباسـی که نخ یا تکمه یا چیز دیگر آن غصبی اسـت نمـاز بخوانـد بنـا بر احتیاط واجب بایـد آن نماز را دوباره با لباس غیر غصبی بخوانـد. (۴) (گلپایگـانی ، صـافی :) باطل است . (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است ..

(زنجـانی :) در صورتی که لباس به حرکت نمازگزار حرکت کنـد نمازش بنا بر احتیاط مسـتحب باطل است . (۵) (فاضل :) و همین طور است اگر کسی از روی تقصیر نداند که پوشیدن لباس غصبی حرام است .

(مکارم :) مسأله لباس نمازگزار بنا بر احتیاط واجب بایـد مباح باشـد و اگر عمـداً در لباس غصبی نماز بخوانـد حتّی اگر نخ یا دکمه آن غصبی باشـد، نمـاز را اعـاده کنـد ولی اگر نمی دانست غصبی است و بـا آن نماز خوانـد نمازش صـحیح است ، هم چنین اگر قبلًا می دانسـته غصبی است و بعـد فراموش کرده مگر این که غاصب خود نمازگزار باشـد به این معنی که چیزی را غصب کرده و بعد فراموش نموده و با آن نماز خوانده است در اینجا احتیاط واجب آن است که اعاده نماید.

[مسأله ۸۱۶ کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است]

اشاره

مسأله ۸۱۶ کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است ، ولی نمی داند نماز را باطل می کند (۱)، اگر عمداً با لباس غصبی نماز بخواند (۲) باید آن نماز را با لباس غیر غصبی بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (زنجانی :) مانند کسی است که می داند لباس غصبی نماز را باطل می کند.

(سیستانی :) ولی حکم نماز خواندن در آن را نمی داند .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) به تفصیلی که در مسأله قبلی گفته شد، نمازش (سیستانی : بنا بر احتیاط) باطل است . (گلپایگانی ، صافی :) نمازش باطل است .

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غصبی اعاده کند. (بهجت :) حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۶۸۸ اگر لباسی را با رنگ غصبی رنگ نمایند و عین آن باقی باشد، یا با نخ غصبی دوخته باشند به طوری که آن نخ عرفاً تلف شده حساب نشود، نماز با آن حرام و بنا بر احتیاط باطل است .

(بهجت :) مسأله ۶۹۰ اگر صاحب لباس غصبی در خصوص نماز در آن لباس اذن داد و یا به طریقی علم به رضایت او حاصل شد، نماز خواندن در آن لباس صحیح است .

(فاضل :) مسأله ۸۲۳ اشیاء غصبی کوچک باشد یا بزرگ (مانند: تسبیح دستمال و ..) اگر همراه نمازگزار باشد موجب بطلان نماز نمی شود.

[مسأله ۸۱۷ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است]

مسأله ۸۱۷ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است (۱) و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است (۲)، ولی اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد (۳) و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند (۴). (۱) (خوئی :) در صورتی که خود غاصب نباشد ..

(بهجت :) اگر چه خودش آن لباس را غصب کرده باشد ..

(نوری :) اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد و با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره آن نماز را بخواند. (۲) (اراکی ، خوئی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (بهجت :) بنا بر أظهر. [پایان مسأله] (زنجانی :) ولی اگر خودش غاصب باشد، به احتیاط مستحب نمازش باطل است . (۳) (سیستانی :) و فراموش کند که غصب کرده است و با آن نماز بخواند، نمازش بنا بر احتیاط باطل است .

(فاضل :) [و] فراموش کند که غصب کرده است بنا بر احتیاط لازم نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غصبی اعاده کند. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) نمازش باطل است بنا بر احتیاط لازم .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۱۵.

[مسأله ۸۱۸ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است]

مسأله ۸۱۸ اگر ندانـد یا فراموش کنـد که لباس او غصبی است و در بین نماز بفهمـد چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می توانـد فوراً یا بدون این که موالات یعنی پی در پی بودن نماز به هم بخورد، لباس غصبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد (۱) و نمازش صحیح است (۲) و اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده یا نمی تواند

لباس غصبی را فوراً بیرون آورد، یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز به هم می خورد (۳) در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان نماز را تمام نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) و نماز را ادامه دهد، و اگر چیز دیگری عورت او را از ناظر محترم نپوشانده یا نمی تواند لباس غصبی را بیرون آورد نماز را با همان لباس ادامه دهد و صحیح است . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) ولی در صورت نسیان اگر خودش لباس را غصب کرده باشد، گذشت که بنا بر احتیاط لازم نماز را اعاده کند ..

(فاضل :) اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و در بین نماز بفهمد چنانچه چیز دیگری که عورت او را به پوشاند در تن دارد و می تواند فوراً بدون این که موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد، لباس غصبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است ادامه داده ، تمام کند ..

[عبارت «و نمازش صحیح است » در رساله آیت اللّه خوئی نیست] (۳) (تبریزی :) اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و در بین نماز بفهمد چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است ، باید لباس غصبی را بیرون آورد و مواظب باشد که از قبله منحرف نشود و اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده ..

(مکارم :) مسأله چنانچه در اثناءِ نماز متوجّه شود که لباس او غصبی است ، اگر چیز دیگری که عورت او را به پوشاند در تن دارد، باید لباس غصبی را بیرون آورد، و نماز را ادامه دهد و اگر چیز دیگری در تن ندارد، نماز را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و در بین نماز بفهمد چنانچه بدون از بین رفتن شرایط نماز؛ مانند ستر عورت ، می تواند لباس غصبی را بیرون بیاورد باید آن را بیرون آورد، و گر نه ، در صورتی که لا ـ اقل به مقدار یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند، و اگر به این مقدار هم وقت ندارد باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور برهنگان (که در مسأله [۷۹۷] گذشت)، نماز را تمام نماید.

[مسأله ۸۱۹ اگر کسی برای حفظ جانش با لباس غصبی نماز بخواند]

مسأله ۸۱۹ اگر کسی برای حفظ جانش با لباس غصبی نماز بخواند (۱)، یا مثلًا برای این که دزد لباس غصبی را نبرد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) نمازش صحیح است ، امّا اگر برای این که دزد لباس غصبی را نبرد و خودش آن را غصب کرده باشد نمازش اشکال دارد.

(سیستانی :) در صورتی که نتواند تا آخر وقت با لباس دیگری نماز بخواند، یا اضطرار به پوشیدن آن ناشی از سوء اختیار خودش نباشد مثلًا غصب نکرده باشد نمازش صحیح است ، و هم چنین اگر برای این که دزد لباس غصبی را نبرد با آن نماز بخواند و نتواند تا آخر وقت در لباس دیگری

نماز بخواند، یا نگهداشتن آن به قصد رساندن به مالك در اولین فرصت باشد، نمازش صحیح است . (۲) (زنجانی :) ولی غاصب در صورتی که اگر لباس را غصب نمی کرد، لازم نبود در آن لباس نماز بخواند، که در این صورت بنا بر احتیاط مستحب نمازش باطل است .

[مسأله ۸۲۰ اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد]

مسأله ۸۲۰اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد (۱)، نماز خواندن در آن لباس باطل است (۲) و هم چنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد. (۱) (اراکی :) نماز خواندن در آن حکم لباس غصبی را دارد.

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه در حال نماز به غصب بودن آن ملتفت باشد ..

(فاضل :) حکم لباس غصبی را دارد و نماز خواندن در آن لباس باطل است و چنانچه لباس را به نسیه بخرد یا قرض کند و قصد داشته باشد که قیمت یا عوض آن را از پولی که خمس یا زکات آن را نداده یا از مال حرام بپردازد نماز با آن لباس باطل است .

(مکارم :) نماز در آن لباس اشکال دارد، هم چنین اگر لباسی را نسیه بخرد امّا در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکات آن را نداده بدهی خود را بدهد یا اصلًا بدهی خود را ندهد نمازش اشکال دارد.

(بهجت :) تا زمانی که از پول دیگری خمس یا زکات آن را نداده است نماز خواندن در آن لباس ، حرام و بنا بر احتیاط باطل است . (۲) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و در صورت عدم التفات ، نماز صحیح است و اگر جاهل مقصّر به حکم مسأله است بنا بر احتیاط لازم باید نماز را اعاده کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر با عین پولی که خمس (تبریزی : یا زکات) آن را نداده لباس بخرد حکم نماز خواندن در آن لباس حکم نماز خواندن در لباس غصبی است .

(سیستانی :) مسأله اگر لباس را با پول خمس نداده خرید ولی معامله به نحو کلی فی الذمه بود همان گونه که غالب معاملات است ، لباس برای او حلال است و بدهکار خمس پولی است که پرداخته ولی اگر با عین پولی که خمس آن را نداده لباس بخرد، حکم نماز خواندن در آن لباس بدون اجازه حاکم شرع حکم نماز خواندن در لباس غصبی است .

(زنجانی :) مسأله اگر با عین پولی که خمس آن را نداده لباس بخرد، اگر حاکم شرع معامله انجام شده را اجازه ندهد، معامله باطل است و لباس در ملك فروشنده باقی می ماند، پس چنانچه بدون احراز رضایت فروشنده در آن نماز بخواند، نمازش به

احتیاط مستحب باطل است .

شرط سوم

[مسأله ۸۲۱ لباس نمازگزار نباید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد باشد]

مسأله ۸۲۱ لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان

مرده ای که مانند ماهی (۱)، خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب (۲) آن است که با آن نماز نخواند (۳). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، فاضل ، نوری :) و مار .. (۲) (فاضل :) احتیاط مستحب .. (۳) (بهجت :) اگر از اجزای حیوان حلال گوشت مُرده ای که مانند ماهی ، خون جهنده ندارد لباس تهیّه کند، نماز در آن مانعی ندارد.

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که از اجزاء حیوانهای مرده دیگر که خون جهنده ندارند (مانند ماهی و مار) نیز اجتناب کند.

(سیستانی :) مسأله شرط سوم : لباس نمازگزار که به تنهایی می توان با آن عورت را پوشانید باید از اجزاءِ مُردار حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند نباشد و این شرط بنا بر احتیاط واجب در لباسی که به تنهایی نمی توان با آن عورت را پوشانید نیز ثابت است . و احتیاط مستحب آن است که با لباسی که از مردار حیوانی که خون جهنده ندارد مانند مار تهیه شده ، نماز نخواند.

[مسأله ۸۲۲ باید چیزی از مردار همراه نمازگزار نباشد]

مسأله ۸۲۲ باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته ، بنا بر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گر چه لباس او هم نباشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (خوئی :) مسأله هر گاه چیزی از مُردار، مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نمازگزار باشد بعید نیست نمازش صحیح نباشد.

(اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) اگر چه لباس او نباشد نمازش (صافی : بنا بر احتیاط) باطل است .

(زنجانی :) اگر چه لباس او نباشد، در صورتی که به بدن یا لباسش چسبیده باشد نماز او باطل است .

(سیستانی :) نمازش صحیح است .

(مکارم :) مسأله نمازگزار باید از اجزاءِ مُردار، چیزی همراه نداشته باشد هر چند به صورت لباس هم نباشد.

(تبریزی :) مسأله هر گاه چیزی از مردار، مانند گوشت و پوست آن که روح داشته لباس نمازگزار نبوده و همراه او باشد، بعید نیست نمازش صحیح نباشد.

[مسأله ۸۲۳ اگر چیزی از مردار حلال گوشت که روح ندارد همراه نمازگزار باشد]

اشاره

مسأله ۸۲۳ اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آنها تهیه

کرده اند، نماز بخواند نمازش صحیح است .

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۵۲ با لباسهای چرمی که از بازار مسلمانان تهیّه می شود، می توان نماز خواند هر چند شکّ داشته باشد که از حیوانی است که ذبح شرعی شده یا نه ، امّا اگر یقین داشته باشد که

چرم را از ممالک غیر اسلامی آورده اند و فروشنده یک انسان لا ـ ابالی است که در باره آن تحقیق نکرده نماز با آن جایز نیست . و اگر نداند چرم از بلاد اسلامی است یا غیر بلاد اسلامی ، اشکالی ندارد.

(فاضل :) مسأله ۸۳۰ اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس به پوشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

شرط چهارم

[مسأله ۸۲۴ لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد]

مسأله ۸۲۴ لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد (۱)، نماز او باطل است . (۱) (مکارم :) اشکال دارد.

(بهجت :) مسأله لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد نباشد و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او بنا بر أظهر و أحوط باطل است ، و اگر خون جهنده ندارد، احتیاط در اجتناب است بلکه اجتناب بی وجه نیست اگر چه بشود آن را تذکیه کرد یعنی به دستور شرع آن را ذبح کرد و یا تذکیه آن مشکوک باشد.

(زنجانی :) مسأله اگر مویی از حیوان حرام گوشت به بدن یا لباس نمازگزار چسبیده باشد، نماز او باطل است .

(سیستانی :) مسأله شرط چهارم : لباس نمازگزار غیر چیزهایی که به تنهایی عورت را نمی پوشاند مثل جوراب باید از اجزاءِ درندگان بلکه بنا بر احتیاط لازم از مطلق حیوان حرام گوشت نباشد و هم چنین باید که بدن و لباسش به بول و یا مدفوع یا عرق یا شیر یا موهای آن حیوان آلوده نباشد ولی اگر یک موی حیوان مثلًا بر لباس او باشد، ضرر ندارد و هم چنین است اگر چیزی از آنها را مثلًا در قوطی گذاشته و با خود حمل نماید.

[مسأله ۸۲۵ اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت]

مسأله ۸۲۵ اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد (۱) چنانچه تر باشد نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نماز صحیح است . (۱) (بهجت :) باید در حال نماز از آن اجتناب کرد. [پایان مسأله] (مکارم :) ما دام که عین آن برطرف نشده ، نماز با آن اشکال دارد، امّا اگر خشک شود و عین آن برطرف گردد نماز صحیح است .

[مسأله ۸۲۶ اگر مو و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد]

مسأله ۸۲۶ اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد (۱) اشکال ندارد (۲). و هم چنین است اگر

مروارید و موم و عسل همراه او باشد. (۱) (بهجت :) و آنها پاک باشند نماز اشکال ندارد. [پایان مسأله] (۲) (سیستانی :) و هم چنین جایز است با مروارید و موم و عسل نماز بخواند.

[مسأله ۸۲۷ اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت]

مسأله ۸۲۷اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت ، چه در داخله تهیّه شده باشد چه در خارجه (۱)، نماز با آن خواندن مانعی ندارد (۲). (۱) (زنجانی :) چه در کشورهای اسلامی تهیه شده باشد چه در کشورهای غیر اسلامی .. (۲) (گلپایگانی ، زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

(خوئی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) جایز است که با آن نماز بخواند.

(بهجت :) مسأله اگر شک داشته باشد که لباسی از مو یا پشم یا کرک حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت ، چه در کشورهای اسلامی تهیه شده باشد چه در کشورهای غیر اسلامی ، نماز خواندن با آن مانعی ندارد؛ و اگر جنس آن از پوست و چرم و مانند آن باشد حکم آن در احکام طهارت بحث مردار گفته شد.

(مکارم :) نماز با آن صحیح است ، خواه در داخل تهیه شده باشد یا در خارج .

[مسأله ۸۲۸ اگر انسان احتمال دهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است]

مسأله ۸۲۸اگر انسان احتمال دهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است نماز خواندن با آن مانعی ندارد و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد نماز خواندن با آن مانع ندارد. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله تکمه صدفی و مانند آن که معلوم نیست از حیوان حرام گوشت است نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

(خوئی ، سیستانی :) مسأله معلوم نیست که صدف از اجزاءِ حیوان حرام گوشت باشد پس جایز است که انسان با آن نماز بخواند.

(تبریزی :) مسأله صدف از حیوانات حرام گوشت است ولی اگر انسان نداند که تکمه و مانند آن از آن حیوان است ، جایز است که با آن نماز بخواند.

(زنجانی :) مسأله نماز خواندن در صدف جایز است ولی خلاف احتیاط استحبابی است ؛ مگر بداند که از اجزاء حیوان حرام گوشت می باشد، که نماز خواندن در آن صحیح نیست .

(مکارم :) مسأله نماز خواندن با دکمه صدف که از حیوان حرام گوشت گرفته می شود، مشکل است .

[مسأله ۸۲۹ نماز با پوست سنجاب و خز]

مسأله ۸۲۹ با پوست سنجاب و خز نماز خواندن اشکال ندارد. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله پوشیدن خز خالص در نماز اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که با پوست سنجاب نماز نخوانند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله پوشیدن خز خالص (خوئی : و هم چنین سنجاب) در نماز اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که با پوست سنجاب نماز نخوانند.

(فاضل :) مسأله با پوست خز نماز خواندن اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب با پوست سنجاب نماز نخواند.

(زنجانی :) مسأله پوشیدن خزّ خالص ، و هم چنین چیزی از سنجاب در نماز اشکال ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که با

پوست سنجاب نماز نخواند.

(مکارم :) مسأله بنا بر احتیاط واجب باید از پوست خز و سنجاب در نماز اجتناب کرد.

(بهجت :) مسأله با پوست سنجاب و خز نماز خواندن بنا بر اظهر اشکال ندارد، بعد از این که بدانیم به دستور شرع تذکیه شده است ؛ ولی احتیاط اجتناب از سنجاب است .

(سیستانی :) مسأله پوشیدن پوست سنجاب در نماز اشکال ندارد، گر چه احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخوانند.

[مسأله ۸۳۰ اگر با لباسی که نمی داند که از حیوان حرام گوشت است]

اشاره

مسأله ۸۳۰اگر با لباسی که نمی داند که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند نمازش صحیح است (۱)، ولی اگر فراموش کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دو باره بخواند. (۱) (اراکی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۷۵۸) در همین صفحه .

(خوئی :) مسأله اگر با لباسی که نمی داند یا فراموش کرده که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند بنا بر احتیاط مستحب آن نماز را دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) نماز او صحیح است .

(زنجانی :) مسأله اگر با التفات به مسأله شرعی با لباسی که غفلت دارد که از حیوان حرام گوشت است ، یا فکر می کند از حیوان حرام گوشت نیست نماز بخواند، بنا بر احتیاط مستحب آن نماز را دوباره بخواند؛ اما اگر از روی فراموشی در لباسی که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند، باید آن نماز را دوباره بخواند.

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۵۸ (فاضل :) مسأله ۸۳۸ نماز خواندن با چرمهای مصنوعی که به وسیله موادّ پلاستیکی و مانند آن می سازند، اشکال ندارد بنا بر این هر گاه انسان شکّ کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم واقعی یا از حیوان حرام گوشت ، یا حیوان مُرده (فاضل : یا حلال گوشت و مذکّی)، نماز با آن اشکال ندارد.

(فاضل :) مسأله ۸۳۹اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه ناچار باشد لباس به پوشد، می تواند با همان لباس نماز بخواند، و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

شرط پنجم

[مسأله ۸۳۱ پوشیدن لباس طلا باف برای مرد]

مسأله ۸۳۱ پوشیدن لباس طلا باف برای مرد (۱) حرام و نماز با آن باطل است (۲) ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. (۳) (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در هر حال .. (۲) (بهجت :) باطل شدن نماز با آن به طور مطلق در همه موارد محل تأمّل است و احتیاط در باطل بودن نماز است بلکه بی وجه نیست .. (۳) (مکارم :) برای زنان در صورتی که اسراف نباشد اشکالی ندارد.

[مسأله ۸۳۲ زینت کردن به طلا]

مسأله ۸۳۲ زینت کردن به طلا- (۱) مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست (۲) برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است (۳) (و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا- هم خودداری کند (۴)) ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

(۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) پوشیدن طلاـ .. (۲) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) و عینک طلاـ گذاشتن .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

(بهجت :) برای مرد در نماز و غیر نماز حرام است ، و در باطل بودن نماز با آنها تأمّل است اگر چه مطابق احتیاط بلکه خالی از وجه نیست ؛ و همراه داشتن طلا و حمل آن بدون این که صدق پوشش بکند، و هم چنین دندانی که پوشش طلا دارد برای مرد در نماز مانعی ندارد؛ ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. (۴) (فاضل :) باید از استعمال عینک طلا هم خودداری کند ..

[عبارت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست]

[مسأله ۸۳۳ اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلا است]

اشاره

مسأله ۸۳۳ اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلا است (۱) و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) یا شک داشته باشد ..

(فاضل :) مسأله اگر به جهت ندانستن یا فراموشی ، در طلا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است .

(زنجانی :) مسأله اگر مردی نداند یا شک داشته باشد که انگشتری یا لباس او از طلا است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است ، و احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخواند؛ ولی اگر فراموش کند که انگشتری یا لباس او از طلا است ، باید آن نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۶۲ دندان طلا اگر در جلو باشد و جنبه زینت داشته باشد برای مردان چه در نماز و چه در غیر نماز اشکال دارد مگر این که ناچار باشد.

(فاضل :) مسأله ۸۴۳ زینت کردن به طلا یا پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام است ، چه آشکار باشد یا پنهان و نماز با آن باطل است بنا بر این اگر زیر پیراهن مرد طلا باف باشد یا زنجیر طلا در گردن آویخته باشد گر چه پیدا نباشد حرام و نماز را باطل می کند.

(فاضل :) مسأله ۱۸۴۶اگر انگشتر یا زنجیر طلا و مانند آن در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

شرط ششم

[مسأله ۸۳۴ لباس مرد نمازگزار]

مسأله ۸۳۴ لباس مرد نمازگزار (۱) باید ابریشم خالص نباشد (۲) و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است (۳) و در چیزی که نماز در آن تمام نمی شود مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد. (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) حتی عرقچین و بند شلوار بنا بر احتیاط ..

(زنجانی :) حتی عرقچین و بند شلوار ..

(سیستانی :) لباس مرد نمازگزار که به تنهایی می توان با آن عورت را پوشاند .. (۲) (فاضل :) و هم چنین بنا بر احتیاط واجب چیزهایی مانند عرقچین و مانند آن که به تنهایی ساتر عورتین نیستند اگر ابریشم خالص باشند نماز با آن باطل است ..

(نوری :) و هم چنین بنا بر احتیاط واجب چیزهایی مانند عرقچین و بند شلوار که به تنهایی ساتر عورتین نیستند در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است . (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) ولی چیزهایی مثل عرقچین و یا بند شلوار و جوراب و مانند آن که به تنهایی عورت را نمی پوشاند اگر ابریشم خالص باشد، بنا بر أظهر نماز با آنها صحیح است گر چه خلاف احتیاط است .

(مکارم :) مسأله پوشیدن لباس از ابریشم خالص برای مردان حرام است حتّی عرقچین و بند شلوار؛ و نماز با آن باطل است ، حتّی آستر لباس نیز نباید از ابریشم خالص باشد، امّا برای زنان همه اینها چه در حال نماز و چه در غیر نماز جایز است .

[مسأله ۸۳۵ اگر آستر تمام لباس از ابریشم خالص باشد]

مسأله ۸۳۵ اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن (۱) ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است (۲). (۱) (گلپایگانی :) که زیادتر از چهار انگشت بسته است ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، صافی :) اگر تمام آستر لباس یا مقداری از آن (صافی : که زیادتر از چهار انگشت بسته است) .. (۲) (بهجت :) پوشیدن آن برای مرد خالی از اشکال نیست .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۳۴.

[مسأله ۸۳۶ لباسی را که نمی داند از ابریشم خالص است]

مسأله ۸۳۶ لباسی را که نمی داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، پوشیدن آن اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است . (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی :) اگر در غیر نماز به پوشد اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی ، سیستانی :) پوشیدن آن جایز است و نماز در آن نیز اشکال ندارد.

[مسأله ۸۳۷ دستمال ابریشمی]

مسأله ۸۳۷ دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

[مسأله ۸۳۸ پوشیدن لباس ابریشمی برای زن]

اشاره

مسأله ۸۳۸ پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۸۳۴).

(بهجت :) مسأله پوشیدن لباس ابریشمی برای زن و خنثای مشکل بنا بر اظهر در نماز و غیر نماز اشکال ندارد؛ ولی صحت نماز پسر غیر مکلف با لباس ابریشمی در حال اختیار بنا بر شرعیت نماز او، محل تأمّل است .

(زنجانی :) مسأله پوشـیدن لباس ابریشـمی خالص برای زن در غیر نماز اشـکال نـدارد ولی احتیاط واجب آن است که در حال نماز نپوشند.

مسائل اختصاصی

(مکـارم :) مسأله ۷۶۶ هر گـاه لبـاس مخلوط از ابریشم و غیر آن باشـد، اشکالی برای هیـچ کس نـدارد امّـا اگر غیر ابریشم به قدری کم باشد که به حساب نیاید برای مرد جایز نیست .

(فاضل :) مسأله ۸۵۱ هر گاه لباس مرد نمازگزار مخلوط از ابریشم و غیر آن باشد، نماز خواندن در آن صحیح است مشروط بر آن که غیر ابریشم از جنسـی باشـد که نماز در آن صـحیح باشد امّا اگر غیر ابریشم به قدری کم باشد که به حساب نیاید، نماز خواندن با آن لباس برای مرد جایز نیست .

[مسأله ۸۳۹ پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص]

مسأله ۸۳۹ پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف (۱) (و لباسی که از مردار تهیه شده (۲)) در حال ناچاری مانعی ندارد (۳). و نیز کسـی که ناچـار است لبـاس به پوشـد و لباس دیگری غیر از اینها نـدارد (و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی رود (۴)) می تواند با این لباسها نماز بخواند. (۱) (زنجانی :) در حال ناچاری جایز است و نیز کسی که لباس دیگری غیر از اینها ندارد و ناچار است نماز بخواند، نماز وی اشکالی ندارد.

(سیسـتانی :) پوشـیدن لباس ابریشمی خالص و طلا باف .. (۲) [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیسـتانی و تبریزی نیست] (۳) (مکـارم :) و می توانـد با آن نماز بخوانـد. [پایان مسأله] (۴) [قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی و تبریزی نیست]

[مسأله ۸۴۰ اگر غیر از لباس غصبی]

مسأله ۸۴۰ اگر غیر از لبـاس غصبی و لباسـی که از مردار (۱) تهیه شده (۲) لباس دیگری نـدارد و ناچار نیست لباس به پوشد، باید به دستوری که (۳) برای برهنگان گفته شد نماز بخواند. (۱) (اراکی :) مردار خون جهنده دار .. (۲) (سیستانی :) اگر غیر از لباس غصبی یا ابریشمی خالص یا طلا باف .. (۳) (زنجانی :) در مسأله [(۷۹۷)] ..

(مکـارم :) مسـأله اگر غیر از لبـاس نجس و ابریشـمی و طلا بافت یا لباسـی که از مُردار یا حیوان حرام گوشت تهیّه شـده لباس دیگری نـدارد بایـد بـا همـان ، نمـاز بخوانـد ولی اگر لبـاس او منحصـر به غصبی است و می توانـد برهنه نماز بخوانـد بایـد به دستوری که برای برهنگان گفته شد عمل کند.

[مسأله ۸۴۱ اگر غیر از لباسی که (۱) از حیوان حرام گوشت (۲) تهیه شده]

مسأله ۸۴۱ اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد، می تواند با همان لباس نماز بخواند (۳). و اگر ناچار نباشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را به جا آورد (۴) و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند. (۱) (اراکی :) اگر غیر از لباسی که از مُردار حیوانی که خون جهنده ندارد، یا ..

(۲) (سیستانی :) از حیوان درنده .. (۳) (سیستانی :) اگر تا آخر وقت اضطرار باقی باشد؛ .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، بهجت ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) و اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت غیر درنده تهیّه شده لباس دیگری ندارد چنانچه ناچار به پوشیدن آن لباس نباشد احتیاط لازم آن است که دو بار نماز بخواند: یک بار با آن لباس و بار دیگر هم به دستوری که برای برهنگان گفته شد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۴۰.

[مسأله ۸۴۲ اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص]

مسأله ۸۴۲ اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا- باف ، لباس دیگری نداشته باشد، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند. (سیستانی ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۴۰.

[مسأله ۸۴۳ اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند]

مسأله ۸۴۳ اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن به پوشاند، واجب است اگر چه به کرایه یا خریداری باشد، تهیه نماید (۱). ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی او زیاد است ، یا طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند، به حال او ضرر دارد، باید (۲) به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) ولی اگر تهیه آن مشقتی دارد که نوعاً غیر قابل تحمل است ، یا هتک حیثّیت وی را به همراه دارد، لازم نیست ، بلکه می تواند به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند. (۲) (سیستانی :) می تواند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) مختار است به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند یا تحمّل ضرر کند و با لباس نماز بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه لباسی که نماز در آن جایز است در اختیار ندارد اگر می تواند، باید بخرد یا کرایه کند و اگر دیگری به او ببخشد یا عاریه بدهد چنانچه منّت و ناراحتی زیادی نداشته باشد باید قبول کند.

[مسأله ۸۴۴ کسی که لباس ندارد]

مسأله ۸۴۴ کسی که لباس ندارد اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقّت نداشته باشد (۱)، باید قبول کند بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست (۲) باید از کسی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) مشقت غیر قابل تحمل نداشته باشد و هتک حیثیت او نباشد ..

(فاضل :) مشقتی که معمولًا تحمل نمی شود نداشته باشد .. (۲) (زنجانی :) سختیِ غیر قابل تحمل نداشته باشد و هتک حیثیت

او نباشد ..

(فاضل :) سختی که معمولًا تحمل نمی شود ندارد .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۸۴۳).

[مسأله ۸۴۵ لباس شهرت]

مسأله ۸۴۵ بنا بر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن را به پوشد معمول نیست (۱)، خودداری کند ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد (۲). (۱) (نوری :) و موجب هتک و موهون بودن است ..

(۲) (فاضل :) مقصود از لباس شهرت لباسی است که عرفاً زننده باشد و از این جهت انگشت نما باشد و مناسب زی و شأن شخص از حیث جنس یا رنگ یا نوع دوخت نباشد.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۴۶.

(اراکی :) مسأله پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن را به پوشد، معمول نیست ، حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند، اشکال ندارد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن را به پوشد معمول نیست و موجب توهین یا شهرت او می شود، حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) مثل آن که اهل علم لباس نظامی به پوشد در صورتی که موجب هتک حرمت باشد حرام است و اگر با آن لباس نماز بخواند و ساترش فقط آن باشد بعید نیست نمازش باطل شود.

(سیستانی :) در صورتی که موجب هتک حرمت و خواری او باشد حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند هر چند ساترش فقط آن باشد نمازش صحیح است .

(زنجانی :) مثل آن که اهل علم در شرایط عادی لباس نظامی به پوشند، در صورتی که موجب هتک حرمت باشد حرام است و در صورتی که موجب هتک حرمت نباشد کراهت شدید دارد و احتیاط استحبابی در ترک آن است .

(مکارم :) مسأله بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباس شهرت خودداری کند. منظور از لباس شهرت لباسی است که جنبه ریا کاری دارد و می خواهد به وسیله آن مثلًا به زهد و ترک دنیا مشهور شود خواه از جهت پارچه یا رنگ آن باشد یا دوخت آن ؛ امّا اگر واقعاً قصدش ساده پوشیدن است و جنبه ریا کاری ندارد نه تنها جایز است بلکه عملی است شایسته و اگر کسی با لباس شهرت نماز بخواند نماز او باطل نیست .

[مسأله ۸۴ مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد]

مسأله ۸۴۶ احتیاط واجب (۱) آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد (۲) ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد. (۱) (مکارم :) احتیاط .. (۲) (نوری :) جز در مواردی که داعی عقلایی و مصلحت مهم تری در بین باشد نپوشد ..

(فاضل :) یعنی مردان به نحوی لباس نپوشند که بگویند لباس زنانه پوشیده اند و برعکس ، بنا بر این پوشیدن دمپایی زنانه به تنهایی برای مردان اشکالی ندارد و بر عکس ..

(خوئی :) مسأله اگر مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه بپوشد در صورتی که زیِ خود قرار دهد بنا بر احتیاط حرام است و نماز

خواندن با آن حکم مسأله سابقه را دارد.

(تبریزی :) و نماز بخواند نماز صحیح است .

(بهجت :) مسأله پوشیدن لباس مخصوص زنان برای مرد و هم چنین پوشیدن لباس مخصوص مردان برای زن ، حرام است ، اگر چه حرام بودن تا موقعی که داخل در لباس شهرت نباشد، مورد تأمّل است ؛ و نیز تزیین هر یک از مرد و زن به زینت دیگری ، حرام است . و لباس شهرت عبارت از لباسی است که از جهت جنس یا رنگ یا نحوه برش و دوخت و مانند آن خلاف شأن و زیِ پوشنده لباس باشد.

(زنجانی :) مسأله اگر مرد لباس زنانه ، و زن لباس مردانه را لباس عادی خود قرار دهد، بنا بر احتیاط واجب حرام است ولی نماز خواندن در آن صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اصلًا مرد لباس زنانه ، و زن لباس مردانه نپوشد خصوصاً در هنگام نماز خواندن .

(سیستانی :) مسأله پوشیدن لباس زنانه بر مردان و پوشیدن لباس مردانه بر زنان حرام نیست و نماز خواندن با آن باطل نیست ولی بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مرد خود را به هیئت و زیّ زن درآورد و هم چنین به عکس .

[مسأله ۸۴۷ کسی که باید خوابیده نماز بخواند]

اشاره

مسأله ۸۴۷ کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد (۱) و لحاف یا تشک او (۲) نجس یا ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز خود را با آنها نپوشاند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص و مانند آن که در بالا گفته شد، نباشد مگر در حالت اضطرار. (۲) (صافی :) لحاف او ..

(سیستانی :) مسأله کسی که باید خوابیده نماز بخواند، لازم نیست ملافه یا لحافی که بر خود می کشد دارای شرایط لباس نمازگزار باشد مگر طوری باشد که بر آن پوشیدن صدق کند مثل آن که آن را بر خود به پیچد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر لحافش از اجزاءِ حیوان حرام گوشت باشد، نماز در آن جایز نیست هر چند برهنه نباشد و اگر نجس یا ابریشم باشد در صورتی که پوشیدن بر آن صدق کند نماز در آن نیز جایز نیست . ولی مجرّد روی خود کشیدن آن عیبی ندارد و ضرر به نماز نمی رساند و امّا تشک به هر حال عیب ندارد مگر این که مقداری از آن را به خود به پیچد که در عرف پوشیدن گفته شود که در این صورت حکم آن حکم لحاف است .

(زنجانی :) صحیح نیست ..

(زنجانی :) نماز در آن نیز باطل است ..

مسائل اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۷۱ پوشیدن لباسی که مایه هتک و بی آبرویی انسان یا منشاءِ فساد می شود اشکال دارد.

(فاضل :) مسأله ۸۵۸ کسی که ساتر ندارد و احتمال می دهد تا آخر وقت پیدا شود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را از اوّل وقت تأخیر بیندازد و با ساتر نماز بخواند.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد

[مسأله ۸۴۸ اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد]

مسأله ۸۴۸ در سه صورت (۱) که تفصیل آنها بعداً گفته می شود، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است : اول : آن که به واسطه زخم یـا جراحت یا دُمَلی که در بـدن او است لباس یا بـدنش به خون آلوده شـده باشـد. دوم : آن که بـدن یـا لباس او به مقـدار کمتر از درهم که تقریباً به انـدازه یک اشـرفی می شود (۲) به خون آلوده باشـد. (۳) سوم : آن که ناچار باشـد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند (۴) (و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صـحیح است (۵)): اول : (۶) آن که لباسـهای کوچک او ماننـد جوراب و عرقچین (۷) نجس باشد. (۸) دوم : آن که لباس زنی که پرستار بچه است (۹) نجس شده باشد و احکام این پنج صورت مفصلًا در مسائل بعد گفته می شود. (۱) (بهجت :) در چهار صورت .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، بهجت :) به اندازه بند سر انگشت سبّابه شهادت می شود ..

(فاضل :) به اندازه سطح یک دو ریالی می شود .. (۳) (فاضل :) بجز خونهائی که در مسأله [۸۴۹] می آید ..

(سیستانی :) دوّم : آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد و بنا بر احتیاط واجب درهم باید به اندازه بند سر انگشت ابهام حساب شود ..

(زنجانی :) دوّم : آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد چون قطر در هم متعارف در زمانهای سابق حد اقل (۲۳) میلیمتر بوده ، لازم است از این مقـدار کمتر باشد .. (۴) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) و نیز در یک صورت اگر لبـاس نمـازگزار نجس باشـد، نمـاز او صـحیح است و آن صورت آن است که لباسـهای کوچـک او ماننـد جوراب و عرقچین نجس باشـد و احکام این چهار صورت (تبریزی : سه صورت) مفصلًا در مسائل بعد گفته می شود. [پایان مسأله] (۵) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۶) (بهجت :) چهارم : .. (۷) (فاضل :) جوراب و دستکش .. (۸) (بهجت :) [و] احکـام این چهار صورت بطور تفصـیل در مسائل بعـد گفته می شود. [پایان مسأله] (۹) (زنجانی :) لباس زنی که پرسـتار پسر بچه یا دختر بچه است ..

(مکارم :) مسأله در شـش صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است : ۱ در جایی که به واسطه زخم یا جراحت یا دمل لباس یا بـدن به خون آلوده شـده باشـد. ۲ در جـایی که خون موجود در لبـاس کمتر از درهم باشـد (درهم تقریباً به انـدازه یک بند انگشت اشاره است). ۳ هر گاه لباسـهای کوچـک ماننـد جوراب و عرقچین او نجس باشد. ۴ محمول متنجّس .

۵ لباس زنی که پرستار بچّه است . ۶ در جایی که ناچار است با بـدن یا لباس نجس نماز بخواند. (شـرح اینها در مسائل آینده خواهد آمد).

[مسأله ۸۴۹ اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشد]

مسأله ۸۴۹ اگر در بـدن یـا لبـاس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشـد (چنانچه طوری است که آب کشـیدن بـدن یا لبـاس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سـخت است (۱))، تـا وقتی که زخم یا جراحت یا دُمَل خوب نشده است ، می تواند با آن خون نماز بخواند (۲) و هم چنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشـته انـد و نجس شده ، در بدن یا لباس او باشد. (۱) (اراکی ، گلپایگـانی ، خوئی ، بهجت ، تبریزی ، صـافی :) برای بیشتر مردم سخت است ..

(مکارم :) هر گاه در بـدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشـد اگر به گونه ای است که آب کشـیدن بـدن یا لباس کار مشکلی است ..

[قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیات عظام : سیسـتانی و زنجانی نیست] (۲) (بهجـت :) و اگر طـوری است که برای مردم آب کشیدن آن سخت نیست ولی برای شخص او سخت و مشکل است ، صحّت نماز با این لباس یا بدن ، خالی از وجه نیست ..

[مسأله ۸۵۰ اگر خون بریدگی و زخم که به زودی خوب می شود]

مسأله ۸۵۰ اگر خون بریدگی و زخم که به زودی خوب می شود و شستن آن آسان است (۱)، در بدن یا لباس نمازگزار باشد (۲)، نمـاز او باطـل است . این مسـأله در رسـاله آیت اللّه زنجـانی نیست (۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) و از درهـم زیـادتر است .. (فاضل :) و به اندازه درهم یا بیشتر باشد .. (۲) (مکارم :) باید آن را آب کشد.

(تبریزی ، سیستانی :) و خون به مقدار درهم یا بیشتر باشد نماز او باطل است .

[مسأله ۸۵۱ اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد]

اشاره

مسأله ۸۵۱ اگر جـایی از بـدن یا لباس که با زخم فاصـله دارد (۱) به رطوبت زخم نجس شود، جـایز نیست بـا آن نماز بخواند (۲). ولی اگر مقـداری از بدن یا لباس که معمولًا به رطوبت زخم آلوده می شود (۳) به رطوبت آن نجس شود نماز خواندن با آن مانعی نـدارد. (۱) (مکـارم :) اگر بـا آن نجس شـود بایـد آن را آب بکشـد مگر جاهـایی که معمولًا خون از زخم به آنجا

سرایت می کند. (۲) (بهجت :) ولی مقداری از بدن یا لباس که معمولًا به رطوبت زخم آلوده می شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد. (۳) (سیستانی :) که اطراف زخم است ..

مساله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۷۷ هر گاه به آسانی می تواند زخم را پانسمان کند و از سرایت خون به سایر بدن یا لباس جلوگیری کند باید این کار را انجام دهد.

[مسأله ۸۵۲ اگر از زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینهاست]

مسأله ۸۵۲ اگر از زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینهاست خونی به بدن یا لباس برسد (۱)، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند (۲)، ولی با خون بواسیر می شود نماز خواند اگر چه دانه هایش در داخل باشد.

(۱) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی که زیادتر از متعارف تجاوز به اطراف نکرده باشد نماز با آن صحیح است اگر چه احتیاط آن است که با آن نماز نخواند و هم چنین است خون بواسیر در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد و امّا با خون بواسیری که دانه های آن بیرون است می شود نماز خواند و لازم نیست مراعات این احتیاط. (۲) (مکارم :) [و] خون بواسیر نیز اگر از داخل بدن باشد همین حکم را دارد.

(زنجانی :) (البته خون دماغ ، خون زخم به حساب نمی آید و نماز خواندن در آن بی اشکال جایز نیست) و در خون بواسیر نیز در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد به احتیاط واجب نماز نخوانند؛ ولی با خون بواسیری که دانه های آن بیرون است می تواند نماز بخواند.

(اراکی :) مسأله اگر از زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینهاست خونی بیرون آید و شستن آن حَرَج داشته باشد و هم چنین با خون بواسیر می شود نماز خواند اگر چه دانه هایش در داخل باشد ولی خون دماغ خون زخم به حساب نمی آید پس اگر به بیرون آمده باشد برای نماز باید محلی را که نجس شده آب بکشد.

(خوئی :) مسأله اگر از بواسیر که دانه های آن بیرون نباشد یا زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینها است خونی به بدن یا لباس برسد ظاهر این است که می تواند با آن نماز بخواند. و امّا خون بواسیری که دانه های آن بیرون است بدون اشکال نماز خواندن با آن جایز است .

(تبریزی :) خونی به بدن یا لباس برسد و به مقدار درهم یا بیشتر باشد، بنا بر احتیاط، لازم است در صورت امکان آن را بشوید ..

(بهجت :) خونی به بدن یا لباس برسد بنا بر اظهر نمی تواند با آن نماز بخواند مگر این که عرفاً مضطرّ و مجبور باشد با همین بدن یا لباس نماز بخواند یا برای شخص او آب کشیدن یا تعویض آنها، مشکل و سخت باشد ..

(بهجت :) و یا این که در داخل بوده ولی مثل بواسیری که در بیرون است ، بدن یا لباسش را نجس می کند ..

(فاضل :) مسأله خون دهان و بینی حکم زخم بدن را ندارد و اگر لباس و بدن به واسطه آن نجس شود نمی توان با آن نماز خواند مگر این که کمتر از درهم باشد ولی خون بواسیر حکم خون زخم بدن را دارد و نماز با آن اشکال ندارد.

(سیستانی :) مسأله اگر از بواسیر یا زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینهاست خونی به بدن یا لباس برسد، می تواند با آن نماز بخواند، و فرقی نیست که دانه بواسیر بیرون باشد یا اندرون .

[مسأله ۸۵۳ کسی که بدنش زخم است]

مسأله ۸۵۳ کسی که بـدنش زخم است ، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند (۱) و ندانـد از زخم است یا خون دیگر، با آن نماز خواندن مانعی ندارد (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، بهجت ، صـافی :) خونی که بیشتر از درهم است ببینـد .. (۲) (گلپایگانی :) جایز است با آن نماز بخواند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

(خوئی ، تبریزی :) جایز نیست که با آن نماز بخواند. (مکارم :) نماز خواندن با آن مشکل است .

(صافی :) احتیاط آن است که با آن نماز نخواند.

(زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

(سیستانی :) احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

(بهجت :) بنا بر اظهر جایز است که با آن نماز بخواند.

[مسأله ۸۵۴ اگر چند زخم در بدن باشد]

مسأله ۸۵۴ اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد (۱). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر مجموع زیادتر از درهم باشد.

(بهجت :) مسأله اگر چند زخم در بدن باشد، چنانچه می شود آنها را موقع آب کشیدن ، جدای از یکدیگر تطهیر کرد و برای آن شخص مشکل نباشد، هر کدام یک زخم حساب می شود اگر چه زخمها نزدیک به هم باشد و هر کدام که خوب شد، باید بدن یا لباس را از خون آن آب کشید.

[مسأله ۸۵۵ اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد]

مسأله ۸۵۵ اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس ، در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید خون استحاضه ، در بدن یا لباس نمازگزار نباشد، ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد (که تقریباً به اندازه یک اشرفی می شود)، نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که از خون سگ و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اجتناب کند (گلپایگانی ، اراکی ، زنجانی :) مسأله اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس یا استحاضه یا خون سگ یا خوک یا کافر یا مردار یا حیوان حرام گوشت در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(فاضل :) اگر سر سوزنی خون حیض در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب نباید خون نفاس و استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار باشد و بهتر است از خون حیوان حرام گوشت بپرهیزد ..

(نوری :) اگر سر سوزنی خون حیض در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او

باطل است و بنا بر احتیاط خون نفاس و استحاضه و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت در بدن یا لباس نمازگزار نباشد ..

(صافی :) اگر سر سوزنی خون سگ ، یا خوك یا کافر، یا مردار یا حیوان حرام گوشت یا حیض و بنا بر احتیاط خون نفاس یا استحاضه در بدن ، یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است ..

(سیستانی :) اگر سر سوزنی خون حیض در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است و بنا بر احتیاط خون نجس ٔالعین مثل خوک و مردار و حیوان حرام گوشت و خون نفاس و استحاضه نیز چنین است ..

(خوئی ، تبریزی ، بهجت :) مسأله اگر سر سوزنی خون سگ ، یا خوك ، یا کافر، یا مردار، یا حیوان حرام گوشت (بهجت : بنا بر أحوط) در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است و بنا بر احتیاط خون حیض و نفاس و استحاضه نیز چنین است ، ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله دوّم از موارد عفو، خون کمتر از درهم است که در لباس نمازگزار باشد، نماز خواندن با آن جایز است به شرط این که از خون حیض یا نفاس و استحاضه و خون سگ و خوك و مردار و خون حیوان حرام گوشت و هم چنین خون کافر نباشد (بنا بر احتیاط واجب).

[مسأله ۸۵۶ خونی که به لباس بی آستر بریزد]

مسأله ۸۵۶ خونی که به لباس بی آستر بریزد و به پشت آن برسد (۱)، یک خون حساب می شود (۲) ولی اگر پشت آن ، جدا خونی شود (۳)، بنا بر احتیاط واجب (۴) باید هر کدام را جدا حساب نمود، پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد (۵) نماز با آن باطل است (۶). (۱) (اراکی :) اگر غلظت نداشته باشد .. (۲) (سیستانی :) و هر طرفی که مساحت خون بیشتر باشد آن را باید محاسبه نمود .. (۳) (اراکی :) اگر غلظت داشته باشد و یا پشت آن ، جدا خونی شود ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) در صورتی که به هم نرسند، ..

(گلپایگانی ، صافی :) و به واسطه اتّصال ، یک خون حساب نشود .. (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، اراکی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و فاضل نیست] (۵) (زنجانی ، سیستانی :) اگر به مقدار درهم یا بیشتر باشد .. (۶) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) و در صورتی که به هم برسند بنا بر احتیاط (تبریزی ، زنجانی : بنا بر احتیاط مستحب) همین حکم را دارند.

(مکارم :) مسأله هر گاه خون در چند جای لباس پراکنده باشد اگر مجموع آنها کمتر از درهم است برای نماز ضرری ندارد ولی خونی که بر بدن است ، به هر مقدار باشد بنا بر احتیاط واجب باید آن را شست .

(بهجت :) مسأله بایـد مجموع خونی که در لبـاس است از مقـدار یـک درهم بیشتر نباشـد. بنـا بر این خونی که به پشت لبـاس رسـیده یا به آستر لباس هم سـرایت کرده جـداگانه حساب می شود، و بایـد مجموع جاهایی را که خونی شده ، در نظر گرفت که اگر از یک درهم کمتر بود، مانعی ندارد و گر نه باید آب کشیده یا تعویض شود.

[مسأله ۸۵۷ اگر خون روی لباسی که آستر دارد بریزد]

مسأله ۸۵۷ اگر خون ، روی لباسـی که آسـتر دارد بریزد و به آستر آن برسـد و یـا به آستر بریزد و روی لبـاس خونی شود (۱)، بایـد هر کـدام را جدا حساب نمود (۲)، پس اگر خون روی لبـاس و آسـتر (۳)، کمتر از درهم باشـد نماز با آن صـحیح و اگر بیشتر باشد (۴) نماز با آن باطل است . (۱) (سیستانی :) یا از لباسی به لباس دیگر برسد .. (۲) (سیستانی :) مگر در صورتی که متّصل به هم باشند به طوری که در نزد عرف یک خون حساب شود .. (۳) (زنجانی :) بر روی هم .. (۴) (زنجانی ، سیستانی :) اگر به اندازه درهم یا بیشتر باشد ..

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۵۶.

(مکارم :) مسأله هر گاه لباس دارای آستر است اگر خون به آستر نیز سـرایت کند، هر کدام خون جداگانه ای حساب می شود ولی در پارچه اگر زیاد ضخیم نباشد و از یک طرف به طرف دیگر سرایت کند، پشت و روی آن ، یکی محسوب می شود.

[مسأله ۸۵۸ اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد]

مسأله ۸۵۸ اگر خون بـدن یـا لباس کمتر از درهم باشـد و رطوبتی به آن برسـد (۱) در صـورتی که خون و رطوبـتی که به آن رسـیده به انـدازه درهم یـا بیشتر شود (و اطراف را آلوده کنـد (۲))، نمـاز بـا آن باطـل است ، بلکه اگر (۳) رطـوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد (۴)، ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود (۵) و از بیـن برود نمـاز صـحیح است (۶). ایـن مسـأله ، در رسـاله آیت اللّه مکـارم نیست (۱) (خـوئی ، سیسـتانی ، تـبریزی :) که (سیسـتانی : از حـدود خون تجـاوز کنـد و) اطراف را آلوده کنـد، نمـاز بـا آن باطـل است ، اگر چه خون و رطوبـتی که به آن رسیده به اندازه درهم نباشد ولی اگر رطوبت فقط به خون برسد و اطراف را آلوده نکند، (خوئی ، تبریزی : ظاهر این است که) نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(بهجت :) که اطراف را آلوده کنـد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسـیده به انـدازه درهم نباشـد، بنـا بر أظهر نمـاز صحیـح است . [پایان مسأله] (۲) (زنجانی :) یا اطراف را آلوده کنـد .. [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۳) (اراکی ، زنجانی :) ولی اگر .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) مگر آن که آب در خون مسـتهلک شود. [پایان مسأله] (اراکی :) نماز خواندن با آن اشکال ندارد ولی اگر اطراف را آلوده کند نماز با آن باطل است .

(زنجانی :) نماز خواندن با آن ظاهراً صحیح است و احتیاط استحبابی در ترک آن است . [پایان مسأله]

(۵) (فاضل :) و مستهلک شده از بین برود، نماز صحیح است . (۶) (نوری :) و الا باطل است ، بنا بر احتیاط واجب .

[مسأله ۱۸۵۹ اگر بدن یا لباس خونی نشود]

اشاره

مسأله ۱۸۵۹ اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن (۱) به خون ، نجس شود اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی شود با آن نماز خواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، سیستانی :) رسیدن با رطوبت ..

(بهجت :) مسأله اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی با رطوبت به خون برسد و نجس شود، اگر مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، بنا بر أظهر می شود با آن نماز خواند.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۷۸۴ خونی که کمتر از مقدار درهم است ، هر گاه بدون شستن از لباس زایل شود جای آن نجس است ولی برای نماز اشکالی ندارد.

[مسأله ۱۸۶۰ اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد]

مسأله ۱۸۶۰ اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلًا یک قطره بول روی آن بریزد (۱)، نماز خواندن با آن جایز نیست . (۲) (۱) (اراکی :) و به جاهای دیگر بدن یا لباس هم سرایت نکند به احتیاط واجب باید در نماز از آن اجتناب کرد.

(خوئی ، تبریزی ، بهجت ، سیستانی :) در صورتی که به (سیستانی : مواضع پاک) بدن یا لباس برسد .. (۲) (سیستانی :) بلکه اگر به مواضع پاک بدن یا لباس هم نرسد، بنا بر احتیاط لازم نماز خواندن با آن صحیح نیست .

[مسأله ۱۸۶۱ اگر لباسهای کوچک نماز گزار نجس باشد]

مسأله ۱۸۶۱ اگر لباسهای کوچک نماز گزار مثل عرقچین و جوراب (۱) که نمی شود با آنها عورت را پوشانید نجس باشد (۲)، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد (۳) نماز با آنها صحیح است (۴) و نیز اگر با انگشتری (۵) نجس نماز بخواند اشکال ندارد. (۱) (فاضل :) و دستکش .. (۲) (مکارم :) نماز با آنها صحیح است و هم چنین انگشتر و عینک که

نجس شده است . (۳) (سیستانی :) چنانچه از مردار نجس یا از حیوان نجس العین مانند سگ درست نشده باشد ..

(بهجت :) چنانچه از مردار و حیوان نجس العین درست نشده باشد .. (۴) (بهجت :) و بنا بر احتیاط باید از سایر حیوانات حرام گوشت نیز درست نشده باشد و یا با رطوبت با آنها ملاقات نکرده باشد ..

(سیستانی :) و اگر از مردار نجس یا حیوان نجس درست شده باشد بنا بر احتیاط واجب نماز خواندن با آنها باطل است .. (۵) (فاضل ، زنجانی :) یا عینک ..

[مسأله ۸۶۲ چیز نجسی که با آن می شود عورت را پوشاند]

مسأله ۸۶۲ احتیاط (۱) آن است که چیز نجسی که با آن می شود عورت را پوشاند همراه نمازگزار نباشد (۲)، ولی کسی که این مسأله را نمی دانسته و مثلًا مدتی با این طور نماز خوانده ، لازم نیست آن نمازها را قضا کند. (۱) (اراکی ، فاضل :) احتیاط واجب .. (۲) (فاضل :) امّا همراه بودن چیز نجسی که نمی شود عورت را با آن پوشاند مانند دستمال کوچک و کلید و چاقو و پول نجس مانعی ندارد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که چیز نجس که ساتر عورت نباشد مانند دستمال و کلید و چاقوی نجس همراه نمازگزار نباشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله چیز نجس مانند دستمال و کلید و چاقوی نجس جایز است همراه نمازگزار باشد و بعید نیست که مطلق لباس نجس که همراه اوست ضرری به نماز نرساند.

(بهجت :) و اگر لباسی که ساتر عورت نیست ، همراه او باشد ولی آن را نپوشیده و نجس است نماز با آن اشکال ندارد و اگر ساتر عورت باشد، أحوط اجتناب است .

(سیستانی :) و هم چنین لباس نجس که همراه اوست ضرری به نماز نمی رساند.

(زنجانی :) ولی احتیاط مستحب در اجتناب از تمام این امور می باشد، خصوصاً اگر از مردار باشد بلی اگر طوری باشد که بگویند در لباس ِ نجس نماز خوانده است مثلًا لباس نجس را به کمر خود ببندد نماز باطل می شود.

(نوری :) بعید نیست مطلق لباس نجس حتی مثل پیراهن هم اگر همراه او باشد، مثلًا در جیب او باشد و آن را نپوشیده باشد، ضرری به نماز نرساند.

(مکارم :) مسأله هر گاه دستمال یا لباس نجسی که می توان با آن عورت را پوشانید در جیب نمازگزار باشد، نماز او صحیح است و هم چنین سایر اشیاءِ نجس ، ولی احتیاط مستحب ّاجتناب از آن است .

[مسأله ۸۶۳ زنی که پرستار بچه است]

اشاره

مسأله ۸۶۳ زنی که پرستار بچه است (۱) و بیشتر از یک لباس ندارد (۲)، هر گاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود، می تواند با آن لباس نماز بخواند. (ولی احتیاط واجب (۳) آن

است که لباس خود را در شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده آب بکشد (۴)) و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را به پوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه (به دستوری که گفته شده (۵)) همه آنها را آب بکشد کافی است . (۶) این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و بهجت نیست (۱) (فاضل :) که بنا بر احتیاط واجب بچه پسر باشد نه دختر، ..

(صافی :) مادری که پرستار بچه است .. (۲) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند و یا عاریه نماید ..

(۳) (گلپایگانی :) احتیاط مستحب .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) لباس خود را طرف عصر برای نماز ظهر و عصر آب بکشد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۵) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۶) (صافی :) و در این که پرستار بچّه اگر مادر او نباشد این حکم را داشته باشد اشکال است .

(زنجانی :) مسأله زنی که پرستار پسر بچه یا دختر بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند و یا عاریه نماید، هر گاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود، می تواند با آن لباس نماز بخواند و می تواند در هر ساعتی که بخواهد لباسش را آب بکشد، ولی احتیاط مستحب آن است که نزدیک غروب نماز بخواند که بتواند چهار نماز خود را با لباس پاک یا لباسی که نجاست کمتری دارد بخواند، و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را به پوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه همه آنها را آب بکشد کافی است . احتیاط مستحب آن است که اگر لباس پرستار دختر بچه به بول دختر نجس شود اگر چه روزی یک مرتبه آن را آب بکشد، چنانچه بعد از آن نجس شود با آن لباس نماز نخواند.

(مکارم :) مسأله زنی که پرستار بچّه است و نمی تواند برای نماز به آسانی لباس طاهر تهیّه کند هر گاه در شبانه روز یک مرتبه لباس خود را بشوید می تواند با آن نماز بخواند هر چند لباسش با بول بچّه نجس شود ولی احتیاط آن است که لباس خود را برای اوّلین نمازی که به جا می آورد آب بکشد.

مسائل اختصاصی

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۸۷۱ (سیستانی :) مسأله ۸۵۰ (بهجت :) مسأله ۷۲۶ اگر می داند که خونی که در بدن یا لباس او است ، کمتر از درهم است ولی احتمال می دهد که از خونهایی باشد که عفو در آنها نیست جایز است که با آن خون نماز بخواند و شستن لازم نیست .

(بهجت :) از خونهایی باشد که نماز را باطل می کند ..

(سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۸۷۲ (بهجت :) مسأله ۷۲۷ (سیستانی :) مسأله ۸۵۱ اگر خونی که در لباس یا بدن است کمتر از درهم باشد و نداند که از خونهایی است که عفو در آنها نیست و نماز بخواند و بعد معلوم شود که از خونهایی بوده که عفو در آنها نیست اعاده نماز لازم نیست و هم چنین است اگر اعتقاد نماید که کمتر از درهم است و نماز بخواند و بعد معلوم شود که به مقدار درهم یا بیشتر بوده در این صورت نیز حاجتی به اعاده نیست .

(بهجت :) نداند از خونهایی است که نماز با آن باطل است و نماز بخواند و بعد معلوم شود که از خونهایی بوده که نماز با آن باطل است ..

(بهجت :) در این صورت نیز اعاده نماز لازم نیست .

(گلپایگـانی ، صافی :) مسأله ۸۷۲ مردی که پرسـتار بچّه است اگر لباسـش به بول بچّه نجس شود نمی توانـد بـا آن لباس نماز بخواند.

(مکارم :) مسأله ۷۸۹ هر گاه بتواند با وسایلی (مثلًا با پوشـکهای معمولی) جلو سـرایت نجاست بچّه را بگیرد باید چنین کند و نیز اگر لباسهای متعدّد دارد باید از لباس پاك استفاده کند.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است

[مسأله ۸۶۴ چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است]

مسأله ۸۶۴ چند چیز در لباس نمازگزار مسـتحب است (۱) که از آن جمله است : عمـامه با تحت الحنك ، پوشـیدن عبا (۲) و لباس سفید (۳) و پاکیزه ترین لباسـها و اسـتعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق . (۱) (سیسـتانی :) چند چیز را فقها قدس اللّه اسـرارهم در لباس نمازگزار مسـتحب دانسـته اند .. (۲) (فاضـل :) خصوصاً برای کسـی که امام جماعت باشـد .. (۳) (مکارم :) چند چیز در لباس نمازگزار به امید ثواب ، مطلوب است از آن جمله : پوشـیدن لباس سفید .. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۶۵.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است

[مسأله ۸۶۵ چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است]

مسأله ۸۶۵ چنـد چیز در لبـاس نمازگزار مکروه است (۱) و از آن جمله است : پوشـیدن لبـاس سیاه و چرك و تنـگ و لبـاس شراب خوار (۲) و لباس کسـی که از نجاست پرهیز نمی کند و لباسـی که نقش صورت دارد و نیز باز بودن تکمه های لباس و دست کردن انگشـتری که نقش صورت دارد مکروه می باشـد. (۱) (سیسـتانی :) چند چیز را فقها قدس اللّه اسـرارهم در لباس نمازگزار مکروه دانسته اند .. (۲) (نوری :) که نجس بودن آن معلوم نباشد ..

(مکـارم :) مسأله ترك چنـد چیز در لبـاس نمازگزار به امیـد ثواب مطلوب است از جمله : پوشـیدن لباس سیاه (مگر در مورد تعظیم شـعائر، چادر، عبا و عمّامه سادات) و لباس کثیف و تنگ و لباس کسـی که از نجاست پرهیز نمی کند، مخصوصاً لباس شراب خوار و بـاز بودن دکمه هـای لبـاس و پوشـیدن لباسـی که نقش صورت دارد و هم چنین انگشتری که روی آن صورت انسان یا حیوانی نقش شده است .

(بهجت :) مسأله اگر نمـازگزار چنـد چیز را به امیـد این که ثواب نمازش زیاد شود، ترك کنـد، خوب است ؛ قسـمتی از آنها عبـارت است از : پوشـیدن لبـاس سـیاه غیر از عمـامه و کساءِ و لباس نازك که ساتر عورت باشـد و شـلوار را روی پیراهن قرار

دادن و بدون حنك با عمامه نماز خواندن و بدون ردای امام شدن و پوشیدن لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند و لباسی که نقش صورت دارد و دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد و نماز خواندن با نقاب و خلخال (زیوری که زنان در پا می کنند و صدا می کند) برای زنان و با نقاب برای مردان .

لباس نمازگزار (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[مسائلی در لباس نماز گزار]

[س ۴۲۸ نماز خواندن در لباسی که شک در نجس بودن آن می باشد]

س ۴۲۸: آیا نماز خواندن در لباسی که شک در نجس بودن آن دارم ، صحیح است ؟

ج : لباسی که نجس بودن آن مشکوک است ، محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است .

[س ۴۲۹ نماز خواندن در کمر بند چرمی]

س ۴۲۹: آیا نماز خواندن در کمر بند چرمی که از آلمان خریده ام و شک دارم که از پوست طبیعی است یا مصنوعی و از پوست حیوان تذکیه شده است یا خیر، اشکال شرعی دارد؟ نمازهایی که با آن خوانده ام ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر شک در این باشد که آن چرم طبیعی است یا مصنوعی ، نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر بعد از احراز چرم طبیعی بودن آن ، شک در این باشد که آیا از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر، نجس نیست ، ولی نماز با آن باطل است ، و نمازهای گذشته که در حال جهل به این حکم ، خوانده اید، قضا ندارد.

[س ۴۳۰ اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد]

س ۴۳۰: اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند. بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است . آیا نماز وی باطل است ؟ اگر در حین نماز متوجه نجاست شود، نماز او چه حکمی دارد؟

ج : اگر اصلًا علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست . ولی اگر در اثناء نماز متوجه آن شود، اگر برای وی ازاله نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد، باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید و اگر بر طرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است که نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک آن را اعاده نماید.

[س ۴۳۱ نماز با پوست حیوانی که تذکیه آن مشکوک بوده]

س ۴۳۱: فردی از مقلدین یکی از مراجع ، مدت زمانی نماز خود را با پوست حیوانی که تذکیه آن مشکوک بوده و نماز با آن صحیح نیست ، می خوانده است . طبق نظر مرجع تقلید او، اگر جزئی از حیوان حرام گوشت همراه او باشد، احتیاط واجب اعاده نماز خوانده شده است ، آیا حیوانی که تذکیه آن مشکوک است ، حکم حیوان حرام گوشت را دارد؟

ج : حیوانی که تذکیه آن مشکوک است ، از لحاظ حرمت خوردن گوشت و عدم جواز نماز با پوست آن ، در حکم میته است ، ولی نجس نیست ، و نمازهای گذشته اگر با جهل به این حکم ، انجام گرفته است ، محکوم به صحت است .

[س ۴۳۲ زنی در اثنای نماز متوجه می شود که مقداری از موهایش پیداست]

۴۳۲: زنی در اثنای نماز متوجه می شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را می پوشاند، آیا نماز خود را باید دوباره بخواند یا خیر؟

ج : تا زمانی که ظاهر شدن مو عمدی نباشد، اعاده واجب نیست .

[س ۴۳۳ تطهیر مخرج بول با سنگ]

س ۴۳۳: شخصی به علت اضطرار مجبور به تطهیر مخرج بول با سنگ یا چوب و یا هر چیز دیگری می شود

و هنگـامی که به منزل مراجعت می کنـد، آن را بـا آب تطهیر می نمایـد، آیا هنگام نماز بایـد لباس زیر خود را عوض کرده یا تطهیر نماید؟

ج : اگر لباس او با رطوبت بول نجس نشده است ، تطهیر لباس واجب نیست .

[س ۴۳۴ اهل کتاب باشد که محکوم به طهارت هستند]

س ۴۳۴: به کـار انـداختن بعضـی از دسـتگاههای صـنعتی وارداتی بـا هم کاری متخصصـین بیگانه امکان پـذیر است و آنها از دیدگاه فقه اسلامی کافر و نجس هسـتند، با توجه به این که به کار انداختن آن دسـتگاهها با اسـتفاده از روغن و مواد دیگری که بـا دست ریخته می شونـد، صورت می گیرد، بنا بر این پاک بودن آنها امکان نـدارد. و هم چنین با توجه به این که لباس و بـدن کـارگران هنگـام کار با این دسـتگاهها در تماس است و در وقت نماز فرصت تطهیر لباس و بـدن را بطور کامل ندارنـد، تکلیف آنها نسبت به نماز چیست ؟

ج : بـا احتمال این که کافری که اقـدام به راه انـدازی دسـتگاهها و وسائل می کنـد، از اهل کتاب باشـد که محکوم به طهارت هسـتند و یا در هنگام کار دسـتکش پوشیده باشـد، به صـرف این که دسـتگاه به وسـیله کافر راه انـدازی شـده است ، یقین به نجاست حاصل نمی شود و با فرض یقین به نجاست دستگاه و تماس بدن و لباس کارگران با آن در حین کار با رطوبت مسریه ، تطهیر بدن برای نماز واجب است و لباس هم باید عوض و یا تطهیر شود.

[س ۴۳۵ اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده اند]

س ۴۳۵: اگر نمـازگزار دسـتمال و امثال آن را که با خون نجس شـده انـد، حمل کنـد و یا در جیب خود بگـذارد، آیا نماز او باطل است ؟

ج : اگر دستمال به قدری کوچک باشد که نتوان عورت را با آن پوشاند، همراه بودن آن در نماز اشکال ندارد.

[س ۴۳۶ نماز در لباس معطر به عطرهای امروزی]

س ۴۳۶: آیا نماز در لباس معطر به عطرهای امروزی که حاوی الکل است ، صحیح است ؟

ج : اگر علم به نجاست آن عطرها نداشته باشد، نماز در لباسهای مذکور اشکال ندارد.

[س ۴۳۷ زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند]

س ۴۳۷: زنـان چه مقـدار از بـدن خود را بایـد هنگـام نماز بپوشاننـد؟ آیا پوشـیدن لباسـهای آستین کوتاه و نپوشـیدن جوراب اشکال دارد؟

ج : بر زنـان واجب است در نماز تمام بـدن و موی خود را به غیر از صورت به مقـداری که شسـتن آن در وضو واجب است و دست ها تا مـچ و پاها تا مفصل ساق با پوششـی که کاملًا بـدن را می پوشاند، به پوشانند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید به پوشانند.

[س ۴۳۸ پوشاندن روی پاها]

س ۴۳۸: آیا بر زنان پوشاندن روی پاها هنگام نماز واجب است ؟

ج : پوشاندن پاها تا مفصل ساق در صورتی که نامحرم حاضر نباشد، واجب نیست .

[س ۴۳۹ پوشاندن کامل چانه هنگام حجاب]

س ۴۳۹: آیا پوشانـدن کامل چانه هنگام حجاب و در نماز واجب است ، یا این که فقط قسـمت پائین آن باید پوشانده شود، و آیا وجوب ِ پوشش چانه مقدمه پوشاندن صورت است که شرعاً واجب است ؟

ج : پوشاندن قسمت پائین چانه واجب است نه خود آن ، زیرا چانه جزئی از صورت است .

[س ۴۴۰ صحیح بودن نماز در متنجسی که کافی برای پوشش عورت محسوب نمی شود]

۴۴۰: آیا حکم صـحیح بودن نماز در متنجسـی که کافی برای پوشش عورت محسوب نمی شود، اختصاص به صورت نسیان و جهل نمازگزار به حکم یا موضوع داردو یا شامل شبهه حکمیه و موضوعیه هم می شود؟

ج : اختصاص به دو صورت جهل و نسیان ندارد، بلکه نماز با متنجسی که کافی برای پوشش عورت نیست ، حتی در صورت علم هم صحیح است .

[س ۴۴۱ وجود مو یا آب دهان گربه]

س ۴۴۱: آیا وجود مو یا آب دهان گربه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می شود؟ ج : بله ، موجب بطلان نماز است .

پوشیدن طلا و نقره و به کار بردن آن

[س ۴۴۲ دست کردن انگشتر طلا توسط مردان]

س ۴۴۲: به دست کردن انگشتر طلا توسط مردان بخصوص در نماز چه حکمی دارد؟

ج : به دست کردن انگشتر طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم بنا بر احتیاط واجب ، باطل است .

[س ۴۴۳ استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است]

س ۴۴۳: استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر چیزی که طلای سفید نامیده می شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده ای رنگ آن سفید شده ، حرام است ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی گویند مانع ندارد و پلاتین نیز اشکال ندارد.

[س ۴۴۴ استفاده از طلا بدون قصد زینت]

س ۴۴۴: آیا استفاده از طلا بدون قصد زینت به طوری که دیگران نبینند، اشکال شرعی دارد؟

ج : پوشیدن طلاء خواه حلقه انگشتری باشد یا غیر آن ، برای مردان مطلقاً حرام است هر چند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد.

[س ۴۴۵ استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه]

س ۴۴۵: استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه چه حکمی دارد؟ ما اشخاص بسیاری را مشاهده می کنیم که می گویند

استفاده از آن برای مدت کوتاه ، مثل لحظه عقد، اشکال ندارد.

ج : پوشیدن طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست .

[س ۴۴۶ با توجه به احکام لباس نمازگزار]

س ۴۴۶: با توجه به احکام لباس نمازگزار و حرام بودن زینت کردن با طلا بر مردان ، خواهشمندیم به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید: الف : آیا مقصود از زینت با طلاء مطلق استفاده از آن توسط مردان است هر چند برای جراحی استخوان و دندان سازی باشد؟ ب : با توجه به این که در شهر ما به دست کردن انگشتر طلای زرد توسط جوانانی که تازه ازدواج می کنند، مرسوم است و این امر از نظر عموم مردم برای مرد زینت محسوب نمی شود، بلکه علامت آغاز زندگی زناشویی فرد است ، نظر حضرت عالی در این باره چیست ؟

ج : الف : ملاک حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان ، صدق زینت نیست ، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است هر چند انگشتر، حلقه ، گردنبند و مانند آن باشد. ولی استفاده از آن توسط مردان برای جرّاحی استخوان و دندان سازی اشکال ندارد. ب : استفاده از انگشتری طلای زرد توسط مردان در هر حال حرام است .

[س ۴۴۷ ساخت و فروش جواهرات طلا که مخصوص مردان است]

س ۴۴۷: ساخت و فروش جواهرات طلا که مخصوص مردان است و زنان از آنها استفاده نمی کنند، چه حکمی دارد؟

ج : ساخت جواهرات طلا اگر به منظور استفاده مردان باشد، حرام است و خرید و فروش آن به این قصد جایز نیست .

[س ۴۴۸ استعمال ظرف نقره در خوردن و آشامیدن]

س ۴۴۸: در بعضی از میهمانیها دیده می شود که شیرینی ها را در ظرفهای نقره ای می گذارند، آیا این کار، خوردن غذا در ظرف نقره محسوب می شود، و حکم آن چیست ؟

ج : اگر برداشتن غذا و مانند آن از ظرف نقره به قصد خوردن ، استعمال ظرف نقره در خوردن و آشامیدن محسوب شود، حرام است .

[س ۴۴۹ آیا گذاشتن روکش طلا روی دندان اشکال دارد]

س ۴۴۹: آیا گذاشتن روکش طلا روی دندان اشکال دارد؟ روکش پلاتین چطور؟

ج : گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان های جلو با طلای زرد، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست .

مکان نمازگزار

[مکان نمازگزار از رساله حضرت امام]

مکان نمازگزار چند شرط دارد (۱):

شرط اول آن که مباح باشد (۲).

اشاره

(۱) (گلپایگانی ، صافی :) نُه شرط دارد ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) هفت شرط دارد .. (بهجت :) دو شرط دارد ..

(مکارم :) مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد .. (۲) (مکارم ، سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب .

(بهجت :) شرط دوم : مکان نمازگزار از نجاست مرطوبی که به بدن و لباس نمازگزار سرایت کند خالی باشد.

[مسأله ۸۶۶ کسی که در ملک غصبی نماز می خواند]

مسأله ۸۶۶ کسی که در ملک غصبی نماز می خواند اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد (۱) نمازش باطل است (۲) ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی (۳) مانعی ندارد (۴). (۱) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که مواضع سجودش غصبی باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است حال در مسائل آینده ..

(نوری :) حتی نماز خواندن غاصب در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی باطل است .

(سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (مکارم :) نمازش اشکال دارد. [پایان مسأله] (زنجانی :) به احتیاط مستحب ..

(بهجت :) اگر قصد قربت در نماز نداشته باشد نمازش باطل است و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر قصد قربت داشت .. (۳) (بهجت :) و در جایی که فقط دیوار آن غصبی است بنا بر اظهر مانعی ندارد. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر تصرّف در سقف یا خیمه صدق ننماید.

(اراکی :) نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی در صورتی که عرفاً بگویند تصرّف در ملک غصبی است باطل می باشد مانند جایی که به واسطه سرما یا گرما و یا جهات دیگر، اگر سقف نمی داشت نمی توانست نماز بخواند.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب در زیر سقف غصبی و خیمه نیز صحیح نیست ؛ و چنانچه نماز خواندن در زیر خیمه غصبی باعث حرکت آن گردد، بی تردید حکم نماز در مکان غصبی را دارد.

[مسأله ۸۶۷ نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است]

اشاره

مسأله ۸۶۷ نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است (۱) بدون اجازه (۲) کسی که منفعت ملك ، مال او می باشد باطل است (۳) مثلًا در خانه اجاره ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه (۴) کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند، نمازش باطل است (۵) و هم چنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند، مثلًا اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملك او نماز خواند. (۱) (مکارم :) (مثل این که در اجاره او است) که نماز خواندن در آن بدون اجازه مستأجر اشکال دارد، هم چنین در ملکی که مورد تعلّق حق ٍ دیگری است مثل این که میّت وصیت کرده که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی که ثلث را جدا نکنند، نمی توان در آن ملك نماز خواند. (۲) (زنجانی :) بدون رضایت .. (۳) (سیستانی :) در حکم نماز خواندن در ملك غصبی است مثلًا در خانه اجاره ای اگر مالك یا دیگری بدون اجازه مستأجر نماز بخواند، نمازش بنا بر احتیاط باطل است . [پایان مسأله] (زنجانی :) به احتیاط مستحب .. (۴) (زنجانی :) بدون رضایت .. (۵) (خوئی ، تبریزی :) و اگر میّت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، در صورتی که عمل به وصیت نشده باشد، نمی شود در ملك او نماز خواند.

(بهجت :) مگر این که بداند و یا نشانه هایی در کار باشد که گمان کند مستأجر به نماز خواندن او راضی است بنا بر اظهر، بلکه اگر نداند یا نشانه هایی نسبت به عدم رضایت مستأجر در کار نباشد تا موجب گمان به عدم رضایت مستأجر شود باز می تواند بنا بر اظهر نماز بخواند ..

(زنجانی :) به احتیاط مستحب ؛ و هم چنین نماز در ملکی که به جهت حق دیگری تصرف در آن جایز نیست ، به احتیاط مستحب باطل می باشد مثلًا اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مشاع مال او را به مصرفی برسانند، در صورتی که عمل به وصیت نشده باشد، به احتیاط مستحب نمی شود در ملك او نماز خواند.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۷۳۱ نماز خواندن در خانه پدر، مادر، فرزند، جدّ، جدّه ، برادر، خواهر، عمو، عمّه ، دائی و خاله بدون اذن آنها جایز نیست و حال آنها، با سایر مردم مساوی است .

(بهجت :) مسأله ۷۳۲ شخص معذور، مثل محبوس در مکان غصبی و یا مضطر، اگر امید تمکن و برطرف شدن عذر را تا آخر وقت دارد بنا بر احوط باید نماز را تأخیر بیندازد و در صورتی که تمکن بیرون رفتن از آن مکان را ندارد نماز در آنجا صحیح است .

[مسأله ۸۶۸ کسی که در مسجد نشسته]

مسأله ۸۶۸ کسی که در مسجد نشسته (۱)، اگر دیگری جای او را غصب کند (۲) و در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب بایـد دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند (۳). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و یا رحل گذاشته .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (زنجانی :) کسی که در مکانی نشسته ؛ مسجد باشد یا نباشد ..

(۲) (سیستانی :) اگر دیگری او را بیرون کرده و جای او را اشغال کند .. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) نمازش باطل است . (تبریزی : مگر آن که شخص اوّلی از آنجا اعراض کند). (سیستانی ، نوری :) نمازش صحیح است اگر چه گناه کرده است .

(زنجانی :) نمازش به احتیاط مستحب باطل است .

[مسأله ۸۶۹ اگر در جایی که نمی داند غصبی است]

مسأله ۸۶۹ اگر در جایی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است (۱) مگر آن که خودش غصب کرده باشد (۲) که در این صورت به احتیاط واجب نمازش باطل است (۳). (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) که نمازش اشکال دارد. (۳) (گلپایگانی ، سیستانی ، صافی :) کسی که خودش جایی را غصب کرده اگر فراموش کند و در آنجا نماز بخواند نمازش باطل است بنا بر احتیاط.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است ، ولی کسی که خودش جایی را غصب کرده ، اگر فراموش کند و در آنجا نماز بخواند، نمازش باطل است و اگر در جایی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که محل سجده اش غصبی بوده بعید نیست که نمازش باطل باشد.

(زنجانی :) مسأله اگر به جهت عذری در جای غصبی نماز بخواند بی تردید نمازش بی تردید صحیح است مثلًا اگر تقصیر نکرده باشد و در جایی که شک دارد غصبی است یا نه ، یا از غصبی بودن آن غفلت داشته باشد و یا به اشتباه یا به جهت ندانستن مسأله آنجا را مباح بداند یا غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است ؛ و کسی که خودش جایی را غصب کرده ، اگر فراموش کند و در آنجا نماز بخواند فراموشی عذر نیست و نمازش به احتیاط مستحب باطل است .

(بهجت :) مسأله اگر در جایی نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که غصبی بوده یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده ، نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او بنا بر اظهر صحیح است اگر چه خودش غصب کرده باشد، ولی اگر در بین نماز فهمید که آن مکان غصبی است در صورت امکان بدون این که نماز را به هم بزند باید بقیه نماز را در مکان مباح انجام دهد و در صورتی که ممکن نباشد باید نماز را قطع کند و در جای مباح نماز را از سر بگیرد، و اگر وقت تنگ است آن چه از نماز به جا آورده صحیح است و بقیه نماز را در حین خروج از آن مکان به جا می آورد.

[مسأله ۸۷۰ اگر بداند جایی غصبی است]

مسأله ۸۷۰ اگر بداند جایی غصبی است (۱) ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است (۲) و در آنجا نماز بخواند، نماز او

باطل می باشد (۳). (۱) (سیستانی :) و تصرّف در آن حرام است ولی نداند که در جای غصبی نماز خواندن اشکال دارد و در آنجا نماز بخواند نماز او بنا بر احتیاط باطل می باشد. (۲) (بهجت :) و در ندانستن مسأله هم کوتاهی کرده و مقصّر باشد ..

(۳) (بهجت :) اگر قصد قربت نداشت ؛ و اگر قصد قربت در نماز داشت باز بنا بر احتیاط نمازش باطل است . (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده کند.

(زنجانی :) نمازش به احتیاط مستحب باطل می باشد.

[مسأله ۸۷۱ کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند]

اشاره

مسأله ۸۷۱ کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند، چنانچه حیوان سواری یا زین آن (۱) غصبی باشد (۲) نماز او باطل است (۳) و هم چنین است اگر بخواهد سواره نماز مستحبی بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) زین یا (زنجانی : بنا بر احتیاط) نعل آن .. (۲) (مکارم :) چنانچه مَرکب یا صندلی و زین آن غصبی باشد و مجبور نباشد بر آن مرکب نماز بخواند نماز او اشکال دارد، هم چنین است اگر بخواهد در حال اختیار نماز مستحبّی را سواره بخواند. (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(تبریزی :) بنا بر احتیاط ((سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب) نماز او باطل است ..

(زنجانی :) نماز او به احتیاط مستحب باطل است ..

(فاضل :) مسأله نماز مستحبّی را می توان هنگام سواری ، حتّی در حال اختیار خواند. کما اینکه نماز واجب را می توان در حال اضطرار و ناچاری در حال سواری خواند. و در این فرض ، اگر زین اسب یا صندلی ماشین و قطار و هواپیما غصبی باشد، نماز باطل است .

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۸۸۴ تصرّف در زمین غصبی که فعلا مالک مشخّصی ندارد جایز نیست و نماز خواندن در آن باطل است و برای تعیین تکلیف آن باید به مجتهد جامع الشّرائط رجوع شود، هم چنین تصرف در ساختمانی که با مصالحی ساخته شده که مالک آن معلوم نیست حکم تصرف در مال غصبی را دارد و جایز نیست ، امّا نماز در این ساختمان اگر نماز بر روی زمین مباح باشد که با مصالح مذکور فرش نشده باطل نیست .

[مسأله ۸۷۲ کسی که در ملکی با دیگری شریک است]

مسأله ۸۷۲ کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی تواند (۱) در آن

ملك تصرّف کند (۲) و نماز بخواند. (۱) (زنجانی :) بدون رضایت شریکش به احتیاط مستحب نمی تواند .. (۲) (سیستانی :) و نماز در آن بنا بر احتیاط واجب باطل است .

[مسأله ۸۷۳ اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد]

مسأله ۸۷۳ اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملك حرام و نمازش هم در آن باطل است (۱)، و هم چنین است (۲) اگر به ذمّه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) ولی اگر به ذمّه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد نمازش صحیح است . (مکارم :) اشکال دارد .. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (مکارم :) که بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند.

(سیستانی :) مسأله اگر ملکی را با پول خمس نداده خرید ولی معامله به نحو کلی فی الذمه بود همان گونه که غالب معاملات است تصرف در آن حلال است و بدهکار خمس پولی است که پرداخته ، ولی اگر با عین پولی که خمس آن را نداده ملکی بخرد. تصرف او در آن ملک بدون اجازه حاکم شرعی حرام و نماز در آن بنا بر احتیاط واجب باطل است .

(زنجانی :) مسأله اگر با عین پولی که خمس آن را نداده ملکی بخرد و حاکم شرع معامله را اجازه ندهد، تصرّف او در آن ملك حرام است و به احتیاط مستحب نمازش هم در آن باطل است .

[مسأله ۸۷۴ اگر صاحب ملک به زبان اجازه نماز خواندن بدهد]

مسأله ۸۷۴ اگر صاحب ملك به زبان ، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست ، نماز خواندن در ملك او باطل است (۱). و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) جایز نیست ..

(زنجانی :) نماز خواندن در ملك او به احتیاط مستحب باطل است و اگر شك داشته باشد که قلباً راضی است نماز او صحیح است هم چنین است اگر اجازه نداده و انسان بداند که قلباً راضی است و اگر اجازه نداده و انسان شك داشته باشد که قلباً راضی است یا نه ، نمازش به احتیاط مستحب باطل است . (۲) (سیستانی :) جایز است .

(مکارم :) مسأله هر گاه رضایت صاحب ملك از قرائن روشن و قطعی باشد، نماز خواندن در آن ملك اشكالی ندارد هر چند به زبان نگوید و به عکس اگر با زبان اجازه دهد امّا بداند که قلباً راضی نیست نمی تواند نماز بخواند.

[مسأله ۸۷۵ تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است]

مسأله ۸۷۵ تصرف در ملك میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است (۱) مگر آن که بدهکاری او را بدهند (۲)، یا بنا داشته باشند بدون مسامحه بپردازند. (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند به نحوی که دین از عهده میّت ساقط شود جایز است و اگر عین زکات یا خمس در مال میّت موجود باشد فقط تصرّف و نماز در آن عین قبل از ادا جایز نیست ولی تصرّف و نماز در غیر آن اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند، تصرّف و نماز در ملك او اشكال ندارد.

(نوری :) ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند به نحوی که از عهده میت ساقط شود جایز است و اگر عین مالی که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته معلوم باشد، فقط تصرف و نماز در آن عین قبل از ادا جایز نیست ولی تصرف و نماز در غیر آن با رضایت ورثه یا ولیِّ آنها در صورتی که صغیر باشند اشکال ندارد.

(زنجانی :) نماز در آن به احتیاط مستحب باطل است ؛ ولی اگر بـدهی او را بدهنـد یا ضامن شونـد که ادا نمایند به نحوی که دین از عهده میّت ساقط شود، تصرّف و نماز در ملک او بی تردید اشکال ندارد. (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) مسأله میتی که بدهکار است چنانچه بدهکاری وی از تمام اموال باقی مانده او بیشتر باشد هر نوع تصرفی در اموال او حرام و نماز خواندن ورثه در زمین و خانه او بدون

رضایت طلبکاران باطل است امّا اگر بـدهکاری وی از اموال باقی مانـده او کمتر باشـد تصـرف در اموال او و نماز خوانـدن در خانه و زمین او با دو شـرط مجاز است الف از قرائن خارجی بدانند که طلبکاران او راضـی هستند ب ورثه تصمیم داشته باشند بدون مسامحه بدهی او را پرداخت کنند.

(سیستانی :) مسأله تصرّف در ملک میّتی که به زکات یا به مردم بدهکار است چنانچه منافات با ادای دین او نداشته باشد مثل نماز خوانـدن در خانه اش با اجازه ورثه اشکال نـدارد و هم چنین اگر بـدهی او را بدهنـد یا به ذمه بگیرنـد که ادا نمایند یا به مقدار بدهی او باقی بگذارند، تصرّف در ملک او اشکال ندارد حتی اگر موجب تلف شود.

[مسأله ۸۷۶ تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است]

مسأله ۸۷۶ تصـرف در ملک میتی که به مردم بـدهکار است ، حرام و نماز در آن باطل است (۱) ولی تصرفات جزئی که برای برداشـتن میّت معمول است اشـکال ندارد و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصـمیم داشـته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند تصـرف اشکال ندارد (۲). این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر ضامن شوند که قرضـهای او را بپردازند، یا این که طلبکار و وصی ّ میّت (گلپایگانی : یا طلبکار و حاکم شرع) اجازه بدهند، تصـرّف و نماز در ملک او مانعی ندارد (صافی : و اگر میّت ، بدهکار افرادی است که حاکم شرع بر آنها ولایت دارد، اذن حاکم معتبر است).

(زنجانی :) نماز در آن به احتیاط مسـتحب باطل است ؛ ولی اگر ضامن شوند که قرضـهای او را بپردازند، یا طلبکارها یا کسان دیگری که اختیار بدهی ها بدست آنها است راضی باشند، تصرف و نماز در ملک او بی تردید مانعی ندارد.

(فاضـل :) و این در صورتی است که بـدهکاری به انـدازه همه مال باشـد ولی اگر بـدهکاری او کمتر از مالش باشـد و بـدانند چون بدهکاری او کم است طلبکار یا طلبکاران راضی هستند و ورثه تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند، تصرف در آن ملک و نماز خواندن در آن اشکال ندارد؛ لیکن در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید از ولی ّمیت هم اجازه بگیرند. (۲) (نوری :) تصرفی که غیر فروختن و از بین بردن مال باشد، اشکال ندارد.

(سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۷۵.

(اراکی :) مسأله تصـرف در ملک میّتی که به مردم بدهکار است حرام و نماز در آن اشـکال دارد، ولی اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و بدانند چون بدهکاری او کم است طلبکار یا طلبکاران راضـی هسـتند و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند تصرف اشکال ندارد.

(خـوئی ، تـبریزی :) مسـأله تصـرّف در ملـک میّـتی که به مردم بـدهکار است ، در صورتی که ورثه بنـای اداء قرض را بـدون مسامحه نداشته باشند، حرام و نماز در آن باطل است .

(مکـارم :) مسـأله تصـرّف و نمـاز خوانـدن در ملـک میّتی که به مردم بـدهکار است بـا اجـازه ورثه مانعی نـدارد، مگر این که تصرّف مزاحم حق ّ طلبکاران گردد.

[مسأله ۸۷۷ اگر میت قرض نداشته باشد]

مسأله ۸۷۷ اگر میت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غایب باشند (۱)، تصرف در ملک او (۲) حرام و نماز در آن باطل است (۳) ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است اشکال ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (فاضـل :) فقط به مقـدار مصارف متعارف (کفن و دفن) که اگر انجام نشود جنازه روی زمین می مانـد می توان در اموال او تصرف کرد ولی سایر تصرفات در آن اموال حرام و نماز خواندن در خانه او باطل است مگر بعد از تعیین قیّم و عمل بر طبق صلاح دید وی . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بدون اذن ولیّ شرعی ..

(خوئی ، تبریزی :) بـدون اجازه ولیّ آنها .. (زنجانی :) بدون رضایت ولیّ آنها .. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) نماز در آن اشکال دارد. [پایان مسأله] (زنجانی :) نماز در آن به احتیاط مستحب باطل است . [پایان مسأله] (مکارم :) مسـأله هر گـاه بعضـی از ورثه میّت صـغیر یـا دیوانه یـا غـایب باشـند، تصـرّف در ملـک آنهـا و نماز در آن حرام است ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میّت معمول است اشکال ندارد.

(سیستانی :) مسأله اگر بعضی از ورثه میت صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، تصرف در ملک او بدون اجازه ولیّ آنها حرام است و نماز در آن جایز نیست ولی تصرفات معمولی که مقدمه تجهیز میّت است اشکال ندارد.

[مسأله ۸۷۸ نماز خواندن در مسافر خانه و حمام]

مسأله ۸۷۸ نمـاز خوانـدن در مسافر خانه و حمام و ماننـد اینها که برای واردین آماده است (۱) اشکال ندارد (۲) (و اگر وثوق (۳) پیدا نشود که صاحبش راضـی است مشکل است (۴)) ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می شود نماز خوانـد (۵) که مالک آن اجازه بدهـد، یا حرفی بزنند که معلوم شود (۶)، برای نماز خوانـدن اذن داده است ، مثل این که به کسـی اجازه دهد در ملـک او بنشـیند و بخوابـد، که از اینهـا فهمیـده می شود برای نمـاز خوانـدن هم اذن داده است . (۱) (زنجـانی :) و اطمینان نوعی ، به رضایت مالک می باشد .. (۲) (گلپایگانی ، نوری :) با اطمینان به رضایت صاحبان آنها اشکال ندارد ..

(بهجت :) مگر این که انسـان بدانـد یـا نشـانه هـایی در کار باشـد که گمان کنـد صاحبش به نماز خوانـدن او راضـی نیست و جاهای دیگر که ملک کسـی می باشد نیز در این مسأله مانند این مکانهای عمومی است که در صورتی نماز صحیح نیست که بدانـد و یا نشانه هایی در کار باشد که گمان کند صاحبش راضـی نیست . (۳) (اراکی :) اگر یقین .. (۴) [قسمت داخل پرانتز در رسـاله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، زنجانی ، نوری و تبریزی نیست] (۵) (زنجانی :) که رضایت مالک معلوم باشد هر چند از لازمه حرفش این معنا فهمیده شود، مثل این که به کسی اجازه دهد که در ملک او بنشیند و بخوابد که از اینها فهمیده می شود به نماز خواندن هم رضایت دارد. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) یا اطمینان حاصل شود ..

(فاضل :) مسأله نماز خواندن در اماکن عمومی مانند هتلها، مسافر خانه ها و حمّام ها که برای ورود

مسافران و مشتریان آماده است اشکال ندارد ولی نماز خواندن برای دیگران که مسافر و مشتری آن اماکن نیستند اگر قرینه ای که دلالت بر رضایت صاحب آن بکند وجود داشته باشد مانع ندارد، امّا نماز خواندن در اماکن خصوصی بدون اجازه مالک آن جایز نیست و اگر اجازه تصرّفات دیگری دهد که معلوم شود برای نماز خواندن نیز راضی است می تواند در آنجا نماز بخواند مثل این که کسی را برای صرف غذا و استراحت دعوت کند که مسلّماً برای نماز رضایت دارد.

(مکارم :) نماز خواندن در مسافر خانه ها و حمّامها و مانند آن برای مسافران و مشتریان که طبق متعارف وارد آنجا می شوند اشکال ندارد ..

(سیستانی :) مسأله نماز خواندن در ملک دیگری در صورتی جایز است که مالک آن یا صریحاً اجازه بدهد و یا حرفی بزند که معلوم شود برای نماز خواندن اذن داده است مثل این که به کسی اجازه بدهد در ملک او بنشیند و بخوابد که از اینها فهمیده می شود برای نماز خواندن هم اذن داده است و یا انسان از راه دیگر اطمینان به رضایت مالک داشته باشد.

[مسأله ۸۷۹ در زمین بسیار وسیعی که از دِه دور و چراگاه حیوانات است]

مسأله ۸۷۹ در زمین بسیار وسیعی که از دِه دور و چراگاه حیوانات است اگر چه صاحبانش راضی نباشند نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد و در زمینهای زراعتی هم که نزدیک دِه است و دیوار ندارد (۱) اگر چه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد نماز و عبور و تصرفات جزئی اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبانش ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است . (۱) (بهجت :) در زمین بسیار وسیعی که از آبادی دور و چراگاه حیوانات است نماز خواندن و نشستن و خوابیدن اشکال ندارد مگر این که انسان بداند و یا نشانه هایی در کار باشد که گمان کند صاحبش راضی نیست بنا بر أظهر؛ و هم چنین در زمینهای زراعتی هم که نزدیک دِه است و دیوار ندارد ..

(اراکی :) مسأله در زمین بسیار وسیعی که برای مردم مشکل است موقع نماز به جای دیگر بروند، اگر چه صاحبانش راضی نباشند نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد هر چند در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد و عبور و تصرّفات جزئی اشکال ندارد ولی اگر نارضایتی یکی از صاحبانش معلوم شود بنا بر احتیاط واجب نمی توان نماز خواند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله در زمین بسیار وسیع (خوئی : که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا به جای دیگر بروند) بی اجازه مالک می شود نماز خواند به نحوی که در [مسأله ۲۷۱] در وضو گذشت .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا به جای دیگر بروند بی اجازه مالک می شود نماز خواند ولی اگر بداند که مالک زمین راضی نیست أحوط آن است که در آنجا نماز نخواند.

(نوری :) بدون اجازه مالک نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن ، اشکال ندارد.

(زنجانی :) مسأله نماز خواندن در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا به جای دیگری بروند جایز و صحیح است ؛ هر چند مالک آنها از نماز خواندن در آن جا نهی کرده باشد یا این که انسان بداند راضی نیست یا این که مالک آنها صغیر یا مجنون باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که در این چند صورت در آنجا نماز نخوانند؛ ولی نماز غاصب در مکان غصبی به احتیاط مستحب باطل است ، هم چنین کسانی مانند هم سر و فرزندان و مهمانهای غاصب که به حساب او در این مکان تصرف می کنند.

(فاضل :) مسأله در زمینهای بسیار وسیعی که برای مردم اجتناب از آن غیر ممکن یا سخت است اگر چه صاحبانش کراهت داشته باشند، نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد، اگر چه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد هر چند احتیاط این است که در صورت علم به عدم رضایت صاحبان آنها از آن اجتناب شود.

(سیستانی :) مسأله نماز خواندن در زمینهای بسیار وسیع جایز است هر چند که مالك آنها صغیر و یا مجنون باشد و یا آن که راضی به نماز خواندن در آنها نباشند و هم چنین در باغها و زمین هایی که در و دیوار ندارند بی اجازه مالك می شود نماز خواند ولی در این صورت اگر بداند مالك راضی نیست نباید تصرف کند و اگر مالك صغیر و یا مجنون باشد و یا آن که گمان به راضی نبودن او داشته باشند احتیاط لازم آن است که در آنها تصرف نکنند و نماز خوانده نشود.

(مکارم :) مسأله در زمینهای بزرگ زراعتی و غیر زراعتی که دیوار ندارد و زراعتی فعلًا در آن نیست نماز خواندن و نشستن و خوابیدن و تصرّفات جزئی اشکال ندارد خواه نزدیک شهر و روستا باشد یا دور از آن و خواه مالکین آن صغیر باشند یا کبیر، ولی اگر صاحبش صریحاً بگوید راضی نیستم یا بدانیم قلباً راضی نیست تصرّف در آن حرام و نماز نیز اشکال دارد.

شرط دوم :

[مسأله ۸۸۰ مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد]

مسأله ۸۸۰ مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند (۱) و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، صافی :) به قدری که ممکن است ، باید استقرار و قبله را رعایت نماید ..

(فاضل :) شرط دوّم «استقرار» است . مکان نمازگزار باید آرام و بدون حرکت باشد لذا نماز در وسائل نقلیه ای که در حال حرکت باعث تکان خوردن و عدم آرامش انسان می شود باطل است مگر در زمان ناچاری مثلًا تنگی وقت که در این صورت نیز باید تا جایی که می تواند شرایط نماز را رعایت کند و هنگام حرکت و تکان خوردن چیزی نخواند و هر گاه وسیله نقلیه تغییر مسیر داد خود را به سمت قبله به چرخاند.

(سیستانی :) شرط دوم : مکان نمازگزار در نمازهای واجب باید طوری نباشد که از شدّت حرکت مانع از ایستادن نمازگزار و انجام رکوع و سجود اختیاری شود بلکه بنا بر احتیاط لازم نباید مانع

از آرامش بـدن او باشـد و اگر به واسـطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشـد در چنین جایی مانند بعضـی از انواع اتومبیل و کشـتی و قطـار نمـاز بخوانـد به قـدری که ممکن است بایـد اسـتقرار و قبله را رعـایت نمایـد و اگر آنهـا از قبله به طرف دیگر حرکت کننـد به طرف قبله برگردد و اگر رعـایت اسـتقبال قبله دقیقاً ممکن نباشـد سـعی کنـد که اختلاف کمتر از (۹۰) درجه باشد و اگر این هم ممکن نباشد در تکبیره الاحرام فقط رعایت قبله را بکند و اگر این هم میسّر نباشد رعایت قبله لازم نیست .

(زنجانی :) شـرط دوم اسـتقرار است یعنی : مکان نمازگزار باید بی تکان باشد. اگر به واسـطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشـد در جـایی که تکـان دارد؛ماننـد اتومبیل و کشتی و ترن ، نماز بخوانـد، به قـدری که ممکن است بایـد اسـتقرار و قبله را رعایت نماید، و اگر وسیله نقلیه از قبله به طرف دیگر حرکت کند، به طرف قبله برگردد.

(مکارم :) شـرط دوّم «استقرار»: اگر مکان نمازگزار متحرّک باشد به طوری که نتواند کارهای نماز را به طور عادّی انجام دهد نماز او باطل است . بنا بر این نماز خوانـدن در کشتی و قطار و مانند آن اگر بتواند کارهای نماز را صـحیح انجام دهد اشـکال نـدارد و اگر از جهت تنگی وقت یا ضـرورت دیگری ناچار باشد نماز را در کشتی و اتومبیل و مانند آن بخواند و قبله دائماً در حال تغییر باشد، باید تا آنجا که می تواند به طرف قبله برگردد و در حال برگشتن به سوی قبله چیزی نخواند.

[مسأله ۸۸۱ نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و ترن]

مسأله ۸۸۱ نماز خوانـدن در اتومبیل و کشتی و ترن و مانند اینها، وقتی ایسـتاده اند (۱) مانعی ندارد (۲). این مسأله ، در رساله آیـت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجـانی :) وقتی که تکان ندارنـد .. (۲) (سیسـتانی :) و هـم چنین در وقـتی که حرکت می کنند چنانچه به حدّی تکان نداشته باشند که مانع از آرامش بدن نمازگزار شود. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۸۰.

(فاضـل :) مسـأله نمـاز خوانـدن در وسائـل نقلیه ای که موجب حرکت و تکـان خوردن انسـان نمی شود و انسان در آن وسائل آرامش دارد؛ مثـل کشتی ، هواپیمـا و قطار با رعایت شـرایط نماز، مثل قبله ، اشـکال نـدارد ولی اگر عرفاً با اسـتقرار و طمأنینه منافات داشته باشد مثل قایق و ماشین سواری صحیح نیست مگر در حال ضرورت و تنگی وقت .

[مسأله ۸۸۲ نماز روی خرمن گندم و جو]

مسأله ۸۸۲ روی خرمن گندم و جو و مانند اینها که نمی شود بی حرکت ماند (۱) نماز باطل است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) نمی شود بی تکان ماند ..

(فاضل :) مسأله نماز روی خرمن گنـدم و جو و تپّه ای از رمل وماننـد اینها که نمی شود اسـتقرار پیـدا کرد باطل است امّا اگر حرکت کم باشد که بتوان واجبات نماز را انجام داد و شرایط دیگر را رعایت کرد مانع ندارد.

(مکارم :) مسأله روی خرمن گنـدم و جو وماننـد اینها که مقداری حرکت دارد نماز خواندن جایز است به شـرط این که بتوان واجبات نماز را انجام داد.

[مسأله ۸۸۳ در جایی که به واسطه احتمال باد و باران]

مسأله ۸۸۳ در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید تمام کردن شروع کند اشکال ندارد و اگر به مانعی برنخورد نمازش صحیح است و در جایی که ماندن در آن حرام است (۱)، مثلًا زیر سقفی که نزدیک است خراب شود باید نماز نخواند، ولی اگر خواند باطل نیست ، و هم چنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است ، مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده باید نماز نخواند ولی اگر خواند صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) (مثلًا جایی که خطر خراب شدن سقف یا ریزش کوه و آمدن سیلاب دارد) باید نماز نخواند و اگر بخواند احتیاط واجب اعاده آن است هم چنین روی چیزی که ایستادن و نشستن بر آن حرام است مانند فرشی که نام خدا بر آن نوشته شده است .

(فاضل :) (مثلًا جایی که خطر خراب شدن سقف یا ریزش کوه یا تصادف و .. دارد) نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است لیکن مرتکب حرام شده است و هم چنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است مانند فرش یا روز نامه ای که اسم خدا و آیات قرآن بر آن نوشته شده نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است امّا مرتکب حرام شده است .

(خوئی ، تبریزی :) «شرط سوّم »: باید در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را تمام می کند و نماز خواندن در جایی که به واسطه باد و باران و زیادی جمعیّت و مانند اینها اطمینان دارد که نمی تواند نماز را تمام کند صحیح نیست اگر چه اتّفاقاً نماز را تمام کند. اگر در جایی که ماندن در آن حرام است مثلًا زیر سقفی که نزدیک است خراب شود نماز بخواند اگر چه معصیت کرده ولی نمازش اشکالی ندارد. نماز خواندن روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است ، مثل جایی از فرش که اسم خدا بر آن نوشته شده بنا بر احتیاط صحیح نیست .

(سیستانی :) «شرط سوم »: باید در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را تمام می کند؛ ولی اگر در جایی که به واسطه باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان دارد که نمی تواند نماز را تمام کند؛ رجاءً بخواند و اگر چه اتفاقاً تمام کند اشکال ندارد ..

(سیستانی :) چنانچه مانع از قصد قربت شود صحیح نیست .

(گلپایگانی ، اراکی :) شرط سوّم : (گلپایگانی : آن که در جایی نماز بخواند که اطمینان به تمام کردن نماز داشته باشد) بنا بر احتیاط واجب باید در جایی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد نماز را تمام می کند و در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیّت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند احتیاط واجب آن است که نماز نخواند.

شرط چهارم : آن که در جایی که ماندن در آن حرام است مثلًا زیر سقفی که نزدیک است خراب شود نماز نخواند؛ شرط پنجم : آن که روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده نماز نخواند.

(صافی :) شرط سوّم : آن که در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد می تواند در آنجا نماز را تمام کند. بنا بر احتیاط، در جایی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد نماز را تمام می کند و در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، احتیاط آن است که نماز نخواند هر چند با احتمال امکان تمام کردن نماز، خواندن نماز جایز است ولی با اطمینان به عدم امکان نماز صحیح نیست ..

(نوری :) شرط سوم : آن که در جایی نماز بخواند که اطمینان به تمام کردن نماز داشته باشد، در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها، اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، احتیاط واجب آن است که نماز نخواند ..

(نوری :) باید نماز نخواند و اگر بخواند باطل است ..

(نوری :) نباید نماز بخواند و اگر خواند باطل است .

(زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط مستحب در جایی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد نماز را تمام می کند، و در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، نماز نخواند ولی اگر علم هم داشته باشد که نمی تواند نماز را تمام کند، چنانچه قصد قربت داشته باشد و اتفاقاً نماز را تمام کند، نمازش صحیح است . شرط سوم : آن که بنا بر احتیاط مستحب در جایی که ماندن در آن حرام است ؛ مثلًا زیر سقفی که نزدیک است خراب شود نماز نخواند. شرط چهارم : آن که بنا بر احتیاط مستحب روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است ؛ مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده ، نماز نخواند.

شرط سوم (۱)

اشاره

: آن که در جایی که سقف آن کوتاه است (۲) و نمی تواند در آنجا راست بایستد، یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) شرط ششم .. (۲) (فاضل :) شرط سوم : در جایی نماز بخواند که بتواند واجبات نماز را انجام دهد. در جایی که سقف آن کوتاه است ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) شرط چهارم : آن که جای نمازگزار سقفش به اندازه ای که نتواند در آنجا راست بایستد کوتاه نباشد و هم چنین به اندازه ای که جای رکوع و سجود نداشته باشد کوچک نباشد. اگر ناچار شود که در جایی نماز بخواند که به طور کلی از ایستادن تمکّن ندارد، لازم است نشسته نماز بخواند و اگر از رکوع و سجود تمکن ندارد، برای آنها با سر اشاره نماید.

(مکارم :) مسأله شـرط سوّم : توانائی انجام واجبات در آن محلّ، بایـد در جایی نماز بخوانـد که بتوانـد واجبات را انجام دهد، پس در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند بایستد یا جای رکوع و سجود ندارد نماز باطل است .

[مسأله ۸۸۴ انسان باید رعایت ادب را بکند]

مسأله ۸۸۴ انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام (۱) نماز نخواند (۲) و چنان چه نماز خواندن بی احترامی باشد حرام است ولی نماز باطل نیست (۳). (۱) (اراکی :) و مساوی آن .. (۲) (فاضل :) و نیز بنا بر احتیاط واجب مساوی قبر مطهر معصوم نماز نخواند. (۳) (اراکی :) نماز هم بنا بر احتیاط واجب باطل است .

(خوئی :) مسأله باید جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیه السلام در صورتی که مستلزم هتك باشد نماز نخواند و الّا عیبی ندارد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله شرط هفتم : آن که مساوی یا جلوتر از قبر پیغمبر و ائمه علیهم السلام نماز نخواند. بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام نماز نخواند.

(تبریزی :) مسأله جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیه السلام نماز بخواند عیبی ندارد.

(مکارم :) مسأله شایسته است انسان رعایت ادب کند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام نماز نخواند و در صورتی که نماز خواندن هتك و بی احترامی باشد حرام است و نماز هم اشکال دارد در غیر این صورت نماز باطل نیست .

(بهجت :) مسأله نماز خواندن جلوتر یا مساوی قبر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام در صورتی که بی ادبی نسبت به آنها نباشد بنا بر أظهر مکروه است ولی احتیاط مستحب این است که به طور کلّی از این کار مخصوصاً از جلوتر ایستادن اجتناب کند.

(زنجانی :) مسأله شرط پنجم : بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر از قبر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نماز نخواند و چنان چه این کار مستلزم هتک باشد، حرام نیز می باشد.

(نوری :) مسأله برای رعایت ادب ، جلوتر از قبر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام نماز نخوانَد و چنانچه نماز خواندن بی احترامی و مستلزم هتک باشد، حرام است و نماز بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست .

(سیستانی :) مسأله باید پشت به قبر پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه علیهم السلام در صورتی که بی احترامی به آنان باشد نماز نخواند و در غیر این صورت اشکال ندارد ولی نماز در هر دو حال صحیح است .

[مسأله ۸۸۵ اگر در نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد]

مسأله ۸۸۵ اگر در نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد (۱) که بی احترامی نشود (۲) اشکال ندارد (۳) ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده کافی نیست . این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و مکارم نیست (۱) (فاضل :) بین او و قبر مطهر معصوم ، حائل باشد .. (۲) (بهجت :) که مساوی یا جلوتر از قبر

ایستادن بی احترامی نشود .. (۳) (زنجانی :) اگر چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد، نماز خواندن اشکال ندارد ..

شرط چهارم (۱):

اشاره

آن که مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد (۲) ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است (۳) و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلًا نجس نباشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (اراکی ، نوری :) شرط هفتم : .. (گلپایگانی ، صافی :) شرط هشتم : ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) شرط پنجم : ..

(زنجانی :) شرط ششم : .. (بهجت :) شرط دوم : .. (۲) (بهجت :) مگر این که طوری تر باشد که اگر نجاست به بدن یا لباس سرایت کرد نماز را باطل نکند چنانکه خواهد آمد .. (سیستانی :) در صورتی که از نجاساتی باشد که مبطل نماز است ..

(زنجانی :) و آن را به نحوی نجس کند که نتواند در آن نماز بخواند .. (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) بلی ، چنانچه فقط قسمتی از مهر نمازگزار نجس باشد پس اگر نجاست آن به بدن نمازگزار سرایت نکند نماز اشکال ندارد ..

(فاضل :) شرط چهارم : موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود. مکان نمازگزار اگر نجس است نباید به طوری تر باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد مگر نجاستی باشد که در نماز معفوّ است ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد نماز باطل است هر چند نجاست آن مسری نباشد و اگر مقدار واجب در سجده پاک باشد کافی است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلًا نجس نباشد.

[مسأله ۸۸۶ باید زن عقب تر از مرد بایستد]

مسأله ۸۸۶ بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله مکروه است زن در نماز جلوتر از مرد یا مُحاذی با او بایستد و بهتر است طوری بایستد که جای سجده او کمی از جای ایستادن مرد عقب تر باشد.

(خوئی ، تبریزی :) «شرط ششم »: باید بین مرد و زن در حال نماز اقلّا مقدار یک وجب فاصله باشد و (تبریزی : فرقی نمی کند زن جلوتر بایستد یا مرد و یا مساوی هم بایستند ولی رعایت فاصله در شهر مکّه لازم نیست ؛ و نیز در غیر مکّه) نماز خواندن در فاصله کمتر از ده ذراع مکروه است .

(فاضل :) مسأله شرط پنجم : مرد بر زن مقدّم باشد. در نماز زن باید عقب تر از مرد بایستد و بهتر است جای سجده زن از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد بنا بر این اگر زن جلوتر یا مساوی مرد بایستد نماز باطل است و در این حکم بین محرم و نامحرم یا زن و شوهر تفاوتی نیست ، و همین طور بین نماز واجب و مستحب ّفرق ندارد.

(زنجانی :) مسأله در غیر مکه مکرمه اگر زن و مرد در کنار هم نماز بخوانند یا زن جلوتر از مرد نماز بخواند شایسته است که بین آنها بیش از ده ذراع فاصله باشد و چون ذراعهای متعارف با یکدیگر تفاوت دارند بزرگترین ذراع متعارف را در نظر بگیرند، و نماز خواندن در کمتر از این فاصله مکروه است و اگر فاصله از یک وجب کمتر باشد کراهت بیشتری دارد و این

مسأله در مسجد الحرام بی تردید جاری نیست و در سایر اماکن مکه شایسته است این مسأله رعایت شود.

(بهجت :) مسأله نماز خواندن زن جلوتر از مرد یا مُساوی و همدوش با مرد مکروه است بنا بر اظهر، مگر این که بین آن دو، چیزی مانند پرده و مانند آن حائل بشود و یا این که بین آن دو به مقدار حدّ اقل یک وجب و حدّ اکثر ده ذراع که حدود پنج متر می شود فاصله باشد که در این صورت کراهت کم و یا برداشته می شود.

(سیستانی :) شرط ششم : باید بنا بر احتیاط لازم زن عقب تر از مرد بایستد، اقلًا به مقداری که جای سجده او برابر جای دو زانوی مرد در حال سجده باشد.

(مکارم :) شرط چهارم تقدّم مرد بر زن : باید در نماز، زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب تر باشد و الّا نماز باطل است ؛ در این حکم محرم و غیر محرم تفاوتی ندارند ولی اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد یا به اندازه ده ذراع (تقریباً پنج متر) فاصله باشد اشکال ندارد.

[مسأله ۸۸۷ اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد]

مسأله ۸۸۷ اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند، بهتر آن است که نماز را دوباره بخوانند (۱). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخوانند و هم چنین است اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۸۶.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد نماز هر دو صحیح است چه با هم وارد نماز شوند یا به ترتیب . بلی ، ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول نماز شده اند کمتر است (صافی : ولی بنا بر احتیاط مؤکد، سزاوار است در صورتی که هر دو با هم وارد نماز شوند، هر دو؛ و در صورتی که به ترتیب وارد شده باشند کسی که بعد وارد شده نماز را اعاده نماید).

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر زن برابر مرد یا جلوتر در کمتر از یک وجب بایستد و با هم وارد نماز شوند باید نماز را دوباره بخوانند ولی اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد فقط کسی که بعد مشغول نماز شده باید نمازش را دوباره بخواند.

(تبریزی :) اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد، نماز او بنا بر اظهر صحیح است و کسی که بعد مشغول نماز شده ، باید نمازش را دوباره بخواند.

(فاضل ، مکارم :) مسأله اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است امّا اگر یکی قبلًا وارد نماز شده باشد نماز او صحیح و نماز دوّمی باطل است .

(زنجانی :) مسأله اگر زن برابر مرد یا جلوتر، بدون رعایت فاصله مناسب بایستد، و با هم وارد نماز شوند احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخوانند و اگر یکی بعد از دیگری به نماز بایستد احتیاط مستحب آن است که نمازش را دوباره بخواند.

[مسأله ۸۸۸ اگر بین مرد و زن ، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد]

اشاره

مسأله ۸۸۸ اگر بین مرد و زن ، دیوار یـا پرده یا چیز دیگری باشـد (۱) نمازشان صـحیح است و احتیاط مستحب هم در دوباره خواندن نیست . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) که یکدیگر را نبینند، یا بین آنان اقلّا ده ذراع که تقریباً پنج ذرع

می شود فاصله باشد، چنانچه زن برابر مرد یا جلوتر از او باشد نماز هر دو صحیح است و کراهت هم ندارد و هم چنین است اگر مکان یکی از آنان به قدری بلند باشد که نگویند: زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است .

(فاضل :) که یکدیگر را نبینند یا بین آنها ده ذراع که تقریباً پنج متر است فاصله باشد نمازشان صحیح است .

(زنجانی :) که یکدیگر را نبینند یا مکان یکی از آنان به قدری بلند باشد که نگویند زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است ، نماز هر دو بی اشکال صحیح است .

(مکارم ، بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۸۶.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بین مرد و زن که برابر هم ایستاده اند یا زن جلوتر ایستاده و نماز می خوانند دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند نماز هر دو صحیح است اگر چه بین آنها یک وجب هم فاصله نباشد.

(سیستانی :) یا آن که فاصله بیش از ده ذراع باشد نماز هر دو صحیح است .

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۹۰۶ اگر زن در طبقه دوّم نماز بخواند گر چه جلوتر یا مساوی مرد باشد نمازش صحیح است حتی اگر ارتفاع ، کمتر از ده ذراع یعنی کمتر از پنج متر باشد.

شرط پنجم (۱):

اشاره

آن که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او (۲) بیش از چهار انگشت بسته ، پست تر یا بلندتر نباشد (۳) و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست و بلندتر نباشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، نوری :) شرط هشتم : .. (گلپایگانی ، صافی :) شرط نهم : ..

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) شرط هفتم : .. (۲) (خوئی :) از جای سر انگشتان پای او .. (اراکی :) از جای قدمهای او ..

(گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) از جای زانوها و سر انگشتان پای او ..

(زنجانی :) از جای پاهای او .. (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، گلپایگانی ، زنجانی ، سیستانی ، صافی ، تبریزی :) و تفصیل این مسأله در احکام سجده گفته می شود.

(فاضل :) شرط ششم : مسطّح بودن مکان نمازگزار. جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او نباید بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر باشد.

(مکارم :) شرط پنجم بلندتر نبودن محل ِ پیشانی از جای ایستادن . باید محل ِ پیشانی نمازگزار از جای ایستادن او به اندازه ای بلند نباشد که از صورت سجده بیرون رود و احتیاط واجب آن است که بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد.

[مسأله ۸۸۹ بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست]

مسأله ۸۸۹ بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز

نخوانـدن در آنجا اسـت لیکن اگر خوانـد نمـازش باطـل نیست . این مسـأله ، در رسـاله آیـات عظـام : فاضـل و بهجت نیسـت (گلپایگانی ، صافی :) مسأله بودن مرد و زن نامحرم در اطاقی که کسـی در آنجا نیست و کسـی هم نمی تواند وارد شود حرام است و نمازشان هم در آنجا صـحیح نیست ولی اگر یکی از آنان مشـغول نماز باشد و دیگری که با او نامحرم است وارد شود نماز او اشکال ندارد.

(خوئی ، نوری :) مسأله بودن مرد و زن نامحرم در جایی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی تواند وارد شود، در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهند حرام است و احتیاط مستحبّ آن است که در آنجا نماز نخوانند.

(زنجـانی :) حرام ، بلکه در صورتی که چنین احتمـالی را هم ندهـد، بنـا بر احتیـاط حرام است و در هر حـال ، نمازشـان بنـا بر احتیاط مستحب باطل است ؛ و اگر مشغول نماز باشد و کسی که با او نامحرم است وارد شود نیز همین حکم جاری است .

(سیسـتانی :) مسأله بودن مرد و زن نامحرم در جایی که احتمال وقوع در معصـیت را بدهنـد حرام است و احتیاط مسـتحبّ آن است که در آنجا نماز نخوانند.

(تبریزی :) مسأله بودن مرد و زن نامحرم در جایی که خلوت است و کسی هم نمی تواند وارد شود یا وارد شونده مانع از ابتلاء به معصیت نمی شود در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهند جایز نیست و لکن اگر آنجا نماز بخواند صحیح است .

(مکارم :) مسأله بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت که دیگری نمی تواند به آنجا وارد شود، اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است و نماز خواندن در آنجا نیز اشکال دارد.

[مسأله ۸۹۰ نماز خواندن در جایی که تار و مانند آن استعمال می کنند]

مسأله ۸۹۰ نماز خوانـدن در جایی که تار و مانند آن اسـتعمال می کنند باطل نیست (۱) ولی گوش دادن به آنهـا حرام است . این مسأله ، در رساله آیات عظام : اراکی ، فاضل و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) باطل است . [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی :) مسأله نماز خواندن در جایی که تار می زنند، یا مانند آن را اسـتعمال می کنند باطل نیست ، اگر چه گوش دادن و استعمال آن معصیت است .

(سیستانی :) نماز خواندن در جایی که غنا می خوانند یا موسیقی حرام می نوازند ..

(مکـارم :) مسـأله نماز خوانـدن در محلّی که مجلس گناه است مثلًا در آنجا شـراب می نوشـند، قمار می زنـد، غیبت می کنند اشکال دارد.

(زنجانی :) مسأله مانـدن در مجالس لهو و لعب که در آن آوازه خوانی می کننـد یا تار وماننـد آن استعمال می کنند، حرام و نماز خواندن در آنجا بنا بر احتیاط واجب باطل است .

[مسأله ۸۹۱ در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است]

مسأله ۸۹۱ در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است ولی در حال ناچاری مانع ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط واجب آن است که در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب را نخوانند ولی در حال ناچاری اشکال ندارد.

(سیستانی :) در حال اختیار نماز واجب را نخوانند ..

(اراکی ، فاضل :) مانع ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله احتیاط واجب آن است که بر بام خانه کعبه در حال اختیار نماز واجب نخوانند ولی در حال ناچاری اشکال ندارد و ظاهر این است که نماز در خانه کعبه در حال اختیار نیز جایز است .

(زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که بر بام خانه کعبه در حال اختیار نماز واجب یا مستحب نخوانند ولی در حال ناچاری بی اشکال مانعی ندارد و خواندن نماز واجب در خانه کعبه در حال اختیار مکروه ، و احتیاط استحبابی در ترک آن است .

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که نماز واجب را در خانه کعبه نخوانند ولی نماز مستحب ِ اشکال ندارد بلکه مستحب ِ است در داخل خانه کعبه در مقابل هر زاویه ای دو رکعت نماز بخوانند ولی نماز بر پشت بام کعبه خواه واجب یا مستحب ِ اشکال دارد.

[مسأله ۸۹۲ خواندن نماز مستحب در خانه کعبه]

مسأله ۸۹۲ خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن (۱) اشکال ندارد، بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [عبارت «و بر بام آن » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۸۹۱.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

[مسأله ۸۹۳ نماز را در مسجد بخوانند]

مسأله ۸۹۳ در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است ، که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و بعد مسجد کوفه (۱) و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از مسجد بیت المقدس ، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و بعد از مسجد محله ، مسجد بازار است . (۱) (اراکی :) و مسجد بیت المقدس و بعد از آن مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و بعد از مسجد محله ، مسجد بازار است .

(بهجت :) مسأله نماز در مسجد، از نماز در غیر مسجد افضل است ؛ و بهتر از همه مسجد الحرام است و بعد مسجد النبی صلی

اللّه علیه و آله و سلم و بعد مسجد کوفه و بعد مسجد سهله و مسجد خیف و مسجد غدیر و مسجد بیت المقدس و مسجد براثا و مسجد قُبا و مسجد جامع هر شهر و بعد مسجد قبیله و بعد مسجد بازار؛ و از جمله مواضع مستحب و با فضیلت ، مشاهد مشرفه انبیاء و اوصیاء آنان و ائمه علیهم السلام است .

[مسأله ۸۹۴ برای زنها نماز خواندن در خانه]

مسأله ۸۹۴ برای زنها نماز خواندن در خانه ، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب

بهتر است (۱)، ولی اگر بتوانند کاملًا خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، خوئی ، تبریزی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله برای زنها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن احکام و مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

(فاضل :) مسأله برای زنها، بهتر آن است که نماز را در خانه و اتاق اختصاصی خود بخوانند، ولی اگر نماز در مسجد به هر جهتی غیر از مسجد بودن فضیلت بر نماز در خانه را داشته باشد مثل این که در مسجد جماعت است یا حضور قلب بیشتری وجود دارد بهتر است زنان برای درک این فضیلت با حجاب کامل به مسجد بروند و اگر راهی برای یاد گرفتن احکام و مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

(سیستانی :) مسأله برای زنان بهتر آن است که نماز خود را در جایی بخوانند که از دیگر جاها در محفوظ بودن از نامحرم مناسبتر باشد، خواه اینجا خانه باشد یا مسجد یا جای دیگر.

[مسأله ۸۹۵ نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب بلکه بهتر از مسجد است]

مسأله ۸۹۵ نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب ، بلکه بهتر از مسجد است و (۱) نماز در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برابر دویست هزار نماز است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و مرویست که .. (مکارم :) بلکه در حدیث آمده ..

[مسأله ۸۹۶ زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است]

مسأله ۸۹۶ زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است و هم سایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است . و هم سایگان مسجد تا عذری نداشته باشند نماز در مسجد را ترک نکنند.

[مسأله ۸۹۷ مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود غذا نخورد]

مسأله ۸۹۷ مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود غذا نخورد (۱) و در کارها با او مشورت نکند و هم سایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) مستحب است انسان با کسی که از روی بی اعتنایی به مسجد مسلمانها حاضر نمی شود رابطه دوستی برقرار نکند، با او غذا نخورد ..

(مکارم :) مسأله شایسته است انسان با کسانی که از روی بی اعتنایی به مسجد مسلمانها حاضر نمی شوند، رابطه دوستی برقرار نکند، با آنها غذا نخورد و در کارها با آنها مشورت ننماید و از آنها زن نگیرد و به آنها زن ندهد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

[مسأله ۸۹۸ نماز خواندن در چند جا مکروه است]

مسأله ۸۹۸ نماز خوانـدن در چنـد جا مکروه است و از آن جمله است : حمام ، زمین نمک زار، مقابل انسان ، مقابل دری که باز است ، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می کننـد زحمت نباشـد و چنانچه زحمت باشد حرام ولی نماز باطل نیست (۱)، مقابـل آتش و چراغ ، در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشـد، مقابل چاه و چاله ای که محل بول باشـد، روبروی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آن که روی آن پرده بکشند، در اطاقی که جنب در آن باشـد، در جایی که عکس باشـد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر (۲)، در قبرستان . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) چنانچه زحمت باشد، مزاحمت حرام است ..

(اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) چنانچه زحمت باشد حرام و نماز باطل است ..

(زنجانی :) چنانچه زحمت باشد حرام و به احتیاط مستحب نماز باطل است ..

(مکـارم :) شایسته است نمـاز را در این چنـد جـا نخواننـد: حمّام ، زمین نمک زار، مقابل انسانی که نشسته یا ایستاده است ، مقابل دری که باز است و در جادّه ها و کنار خیابانها در صورتی که مزاحم عبور و مرور مردم نباشـد و اگر مزاحم باشـد حرام است .. (۲) [عبارت « بین دو قبر» در رساله آیت اللّه مکارم نیست]

[مسأله ۸۹۹ کسی که در محل عبور مردم نماز می خواند]

مسأله ۸۹۹ کسی که در محل عبور مردم نماز می خوانـد، یا کسی روبروی اوست ، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد (۱) و اگر چوب یـا ریسمانی هم باشـد کـافی است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضـل :) که میان او و آنها حائل گردد حتی ّاگر عصا، تسبیح یا ریسمانی باشد.

(مکـارم :) مسأله هر گـاه انسـان در جـایی نمـاز می خوانـد که مردم از جلو او عبور می کننـد مسـتحب ّاست جلو خود چیزی بگذارد که میان او و آنها حایل گردد حتّی اگر عصا و تسبیح و ریسمانی هم باشد کافی است .

احکام مسجد

[مسأله ۹۰۰ نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد]

مسأله ۹۰۰ نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است (۱) و هر کس بفهمد که نجس شده است بایـد فوراً نجاست آن را برطرف کنـد. و احتیاط واجب (۲) آن است که طرف بیرون دیوار مسـجد را هم نجس نکننـد، و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند (۳)، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد (۴). (۱) (مکارم :) و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.

(بهجت :) نجس کردن زمین ، سقف ، بام ، ظاهر و باطن مسجد حرام است ..

(۲) (سیستانی :) احتیاط مستحبّ.. (زنجانی :) احتیاط .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) اگر نجس شود، برطرف کردن آن لازم نیست مگر در صورتی که بقاءِ نجاست ، موجب هتک مسجد باشد.

(سیستانی :) اگر نجس شود، برطرف کردن آن لازم نیست ولی اگر نجس کردن طرف بیرون دیوار موجب هتک مسجد باشد البتّه حرام است و برطرف کردن آن مقداری که رافع هتک باشد لازم است . (۴) (بهجت :) و بنا بر احوط، کافر نباید وارد مساجد مسلمین شود.

[مسأله ۹۰۱ اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید]

اشاره

مسأله ۹۰۱ اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید (۱)، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست (۲)، ولی اگر بی احترامی به مسجد باشد بنا بر احتیاط واجب ، باید به کسی که می تواند تطهیر کند اطلاع دهد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) مثل این که مسافر و در حال عبور باشد، یا احتیاج به کمک دارد و پیدا نکند احتیاط واجب آن است که به دیگران که می توانند تطهیر کنند اطّلاع دهد. (۲) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی :) ولی بنا بر احتیاط واجب باید به کسی که می تواند تطهیر کند اطّلاع دهد.

(زنجانی ، تبریزی :) ولی باید (تبریزی : بنا بر احتیاط واجب) به کسی که احتمال می دهد آن را تطهیر می کند اطلاع دهد. (فاضل :) ولی باید به کسی که می تواند تطهیر کند اطلاع دهد.

(سیستانی :) ولی چنانچه بداند که اگر به دیگری اطّلاع دهد این کار انجام می گیرد اگر باقی گذاشتن نجاست موجب هتک باشد باید به او اطلاع دهد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۷۴۲ بنا بر اظهر در قرار دادن مکانی به عنوان مسجد، صیغه وقف لازم نیست بلکه هر عملی که دلالت بر آن کند کافی است ، اگر چه به کار بردن لفظ در ایجاب آن ، و تلفّظ به وقفیّت به عنوان مسجدیّت أحوط است و هم چنین در قبول متولی یا حاکم شرع ؛ و أظهر اعتبار قصد قربت است در وقف مسجد؛ و کافی است که با نیّت و اراده بگوید: «جَعَلْتُه مَسجِداً للّه » و مسجدیّت را اعلام کند، به معنایی که در عرف مسلمین معمول است (در مقابل مسجد به معنای لغوی)؛ و در قبضش کافی است یک نفر که نمازش محکوم به صحّت باشد با اذن واقف در آنجا نماز بخواند؛ و اقرب ترتیب آثار مسجدیّت است بر مساجد مخالفین ، در صورتی که محکوم به کفر نباشند؛ و کلیساها و کنیسه ها در جهت حصول تقرب

مانند مساجد مخالفین است ولی در سایر جهات محل تأمل است .

(بهجت :) مسأله ۷۴۴ گذاشتن لباس نجس و سایر چیزهای نجس و متنجس در مسجد، در صورتی که نجاست آن به مسجد سرایت نکند و موجب بی احترامی به آن نباشد، مانعی ندارد.

(مکارم :) مسأله ۸۲۴ هر گاه مسجد نجس شود بر همه لازم است که به طور واجب کفایی

نجاست را برطرف کننـد، یعنی اگر یک یا چنـد نفر اقـدام به تطهیر کننـد از دیگران ساقط می شود و گر نه همه گناه کارند و کسی که مسجد را نجس کرده در این حکم با دیگران تفاوتی ندارد.

[مسأله ۹۰۲ اگر جایی از مسجد نجس شود]

مسأله ۹۰۲ اگر جایی از مسـجد نجس شود که تطهیر آن بـدون کنـدن یا خراب کردن ممکن نیست بایـد آنجا را بکنند یا اگر خرابی زیاد لازم نمی آیـد خراب نماینـد (۱) و (هزینـه پر کردن چـاله و تعمیر خرابی بر کسـی است که مسـجد را نجس کرده است و بر اشخاصـی که برای تطهیر مسـجد جایی از آن را کندنـد، یا قسـمتی از آن را خراب نمودنـد (۲)) پُر کردن جایی که کنـده انـد و سـاختن جایی که خراب کرده انـد واجب نیست (۳). ولی اگر آن کس کـه نجس کرده بکنـد یـا خراب کنـد در صورت امکـان بایـد پر کنـد و تعمیر نمایـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکـارم :) و بنا بر احتیاط واجب جایی را که کنده اند یا خراب کرده اند به حالت اوّل بازگردانند و بهتر است کسـی که نجس کرده تعمیر آن را بر عهده گیرد و اگر مخارجی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب ضامن است . (اراکی ، زنجانی :) باید آنجا را بکنند یا خراب نمایند، ..

(خوئی ، تبریزی :) باید آنجا را بکنند یا خراب نمایند، در صورتی که خرابی کلّی و مستلزم ضرر وقف نباشد؛ ..

(سیستانی :) باید آنجا را بکنند یا خراب نمایند، در صورتی که کندن یا خراب کردن جزئی باشد، یا آن که رفع هتک متوقّف بر کنـدن یا خراب کردن کلّی باشد و الّا خراب کردن ، محل ِاشـکال است .. (۲) [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خـوئی ، زنجـانی ، سیسـتانی ، تـبریزی ، نوری و فاضـل نیست] (۳) (خـوئی ، سیسـتانی ، تـبریزی :) ولی اگر چیزی ماننـد آجر مسجد نجس شود، در صورتی که ممکن باشد، باید بعد از آب کشیدن ، به جای اوّلش بگذارند.

(زنجانی :) پر کردن جایی که کنده اند و ساختن جایی که خراب کرده اند بر کسـی که مسـجد را نجس کرده لازم است و بر غیر او لازم نیست .

(گلپایگانی :) مسأله اگر جایی از مسـجد نجس شود و تطهیر آن بـدون کندن یا خراب کردن مقدار کمی از آن ممکن نباشد، بایـد آنجا را بکننـد یا خراب نمایند و پر کردن و ساختن آن قسـمت هم واجب نیست مگر این که خود کسـی که نجس کرده خراب کنـد که در این صورت بنا بر احتیاط بایـد آن قسـمت را بسازد و یا پر کند. و اگر مسـجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ناچار باشـند تمام مسـجد را خراب کننـد چنانچه متبرّعی باشد که بعد از تخریب آن را بسازد، خراب کردن آن جایز است و الّا جایز نیست ولی اگر ممکن است ، بایـد ظاهر آن را بنا بر احتیاط تطهیر نماینـد و اگر چیزی ماننـد آجر مسـجد که ممکن است آن را برگرداند، نجس شود؛ باید بعد از تطهیر بنا بر احتیاط آن را به مسجد برگرداند.

(صافی :) اگر مسجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ، ناچار باشند

تمام مسجد را خراب کنند، خراب کردن آن جایز نیست ؛ چنانچه متبرّعی هم باشد که بعد از تخریب ، آن را بسازد، جایز بودن ِ خراب کردن ِ آن ، مشکل است ..

(صافی :) باید بعد از تطهیر، آن را به مسجد برگرداند.

[مسأله ۹۰۳ اگر مسجدی را غصب کنند]

اشاره

مسأله ۹۰۳ اگر مسجدی را غصب کنند (۱) و به جای آن خانه و مانند آن بسازند (۲)، که دیگر به آن مسجد نگویند باز هم بنا بر احتیاط واجب (۳) نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و آن را از صورت مسجد به کلّی در آورند به طوری که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم نجس کردن آن بنا بر احتیاط حرام است و تطهیر آن لازم است . (۲) (خوئی ، تبریزی :) یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد بنا بر احتیاط باز هم نجس کردن آن حرام است ولی تطهیر آن واجب نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد باز هم نجس کردن آن حرام است و تطهیر آن واجب است .

(سیستانی :) یا به طوری خراب شود که دیگر به آن مسجد نگویند، نجس کردن آن حرام نیست و تطهیر آن واجب نیست .

(فاضل :) یا در طرح توسعه و تعریض کوچه و خیابانهای شهر و روستا قسمتی از مسجد در کوچه و خیابان واقع شود بنا بر احتیاط واجب تنجیس آن جایز نیست و تطهیر آن واجب است .

(زنجانی :) و عرفاً امکان بازگشت دوباره آن به حالت مسجدیت نباشد یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد، بنا بر احتیاط مستحب آن را نجس نکنند و اگر نجس شد تطهیر کنند. (۳) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست]

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۹۱۹ جسد میّت را پیش از غسل دادن در مسجد گذاشتن اگر موجب سرایت نجاست به مسجد یا مستلزم بی احترامی به مسجد نباشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که جنازه میّت را در مسجد نگذارند امّا بعد از غسل بی اشکال است .

[مسأله ۹۰۴ نجس کردن حرم امامان علیهم السلام حرام است]

مسأله ۹۰۴ نجس کردن حرم امامان علیهم السلام (۱) حرام است . و اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد، تطهیر آن واجب است ، بلکه احتیاط واجب (۲) آن است که اگر بی احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) حرم پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و حرم امامان علیهم السلام .. (۲) (اراکی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) احتیاط مستحب ّ..

(مکارم :) مسأله آلوده کردن حرم پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام اگر موجب هتک باشد حرام

است و در این صورت تطهیر آن نیز واجب است ، بلکه اگر بی احترامی هم نباشد احتیاط آن است که آن را تطهیر کنند.

[مسأله ۹۰۵ اگر حصیر مسجد نجس شود]

مسأله ۹۰۵ اگر حصیر (۱) مسجد نجس شود، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید آن را آب بکشند (۳) ولی چنانچه (۴) به واسطه آب کشیدن ، خراب می شود و بریدن جای نجس بهتر است ، باید آن را ببرند (۵) و اگر کسی که نجس کرده ببرد باید خودش اصلاح کند. (۱) (فاضل ، زنجانی :) یا فرش .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی و زنجانی نیست] (۳) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (خوئی ، تبریزی ، صافی :) ولی چنانچه نجاست حصیر بی احترامی به مسجد باشد و .. (۵) (خوئی ، گلپایگانی ، زنجانی ، صافی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله نجس کردن فرش مسجد نیز حرام است و چنانچه نجس شود باید آن را تطهیر کرد و اگر خسارتی لازم آید کسی که آن را نجس کرده است ضامن است (بنا بر احتیاط واجب).

(سیستانی :) مسأله اگر حصیر یا موکت مسجد نجس شود، باید آن را آب بکشند، و اگر بریدن جای نجس بهتر باشد، باید آن را ببرند. ولی بریدن مقدار معتنی بهی از آن یا تطهیری که موجب نقص باشد محل اشکال است مگر این که ترک آن موجب هتک باشد.

[مسأله ۹۰۶ بردن عین نجس در مسجد حرام است]

مسأله ۹۰۶ بردن عین نجس مانند خون (۱) در مسجد اگر بی احترامی به مسجد باشد حرام است (۲) و هم چنین بردن چیزی که نجس شده (۳)، در صورتی که بی احترامی به مسجد باشد حرام است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) بردن عین نجاست مانند خون و بول .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد عین نجس را در مسجد نبرند .. (۳) (فاضل :) مانند لباس و کفش نجس ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله بردن عین نجس و متنجّس در مسجد اگر بی احترامی به مسجد باشد حرام است بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد عین نجس را در مسجد نبرند.

(سیستانی :) مگر آن چه از توابع انسانی است که وارد می شود مانند خون زخمی که در بدن یا لباس او است .

(زنجانی :) آن را در مسجد نبرند.

(مکارم :) مسأله بردن عین نجاست مانند خون و بول در مسجد حرام است هر چند بی احترامی به مسجد نباشد بنا بر احتیاط واجب ، مگر چیز جزئی که گاه در لباس و بدن شخص وارد شونده یا

در لباس بچّه های کوچک است امّا بردن متنجّس (چیزی که نجس شده مانند لباس و کفش نجس) در صورتی که بی احترامی به مسجد نباشد و سبب آلودگی مسجد نیز نشود حرام نیست .

[مسأله ۱۹۰۷ اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند]

مسأله ۱۹۰۷ اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند (۱)، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل ، مکارم :) اگر برای مراسم عزاداری و روضه خوانی و سوگواری یا جشنهای مذهبی و مانند آن مسجد را چادر بزنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای و غذا در مسجد ببرند ..

[مسأله ۹۰۸ مسجد را به طلا نباید زینت نمایند]

مسأله ۹۰۸ بنا بر احتیاط واجب (۱) مسجد را به طلا نباید زینت نمایند (۲) و هم چنین نباید (۳) صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است . (۱) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۲) (بهجت :) و هم چنین نباید صورت چیزی را نقّاشی کنند و بکشند، مخصوصاً چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد که در غیر مسجد هم اشکال دارد و احتمال دارد نماز خواندن در این مساجد هم مکروه باشد، ولی نوشتن قرآن و احادیث صحیحه در مسجد مانعی ندارد. (۳) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب نباید .. (فاضل :) نباید بنا بر احتیاط ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله زینت کردن مسجد به طلا حرام است بنا بر احتیاط واجب ، و هم چنین است نقش کردن مسجد به صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد، و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب این است که مسجد را به طلا و (زنجانی : یا نصب) صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد زینت نکنند.

(مکارم :) مسأله تزیین کردن مسجد به طلا اشکال دارد و هم چنین احتیاط آن است که صورت چیزهایی که روح دارد مثل انسان و حیوان در مسجد نقش نکنند.

(سیستانی :) مسأله احتیاط واجب این است که مسجد را به طلا زینت نکنند و احتیاط مستحب آن است که به صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد زینت نکنند.

[مسأله ۱۹۰۹ اگر مسجد خراب هم شود]

مسأله ۹۰۹اگر مسجد خراب هم شود نمی توانند آن را بفروشند یا داخل ملك و جاده نمایند (۱). (۱) (نوری :) مگر این که ولی فقیه بر اساس مصالح مهم تری اجازه بدهد.

[مسأله ۹۱۰ فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است]

مسأله ۹۱۰ فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است (۱) و اگر مسجد خراب شود، باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنند. و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد (۲)، می توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گر نه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند (۳).

(۱) (تبریزی :) چه جزءِ بنـاء حسـاب بشود یا نه باطل است .. (۲) (تبریزی :) چنـانچه جزءِ بناء حساب نشود .. (۳) (بهجت :) و غلّه و نـذوراتی که برای مسـجد معینی قرار داده شـده ، در صورت بی نیـاز بودن آن مسـجد و یا معـذور بودن مصـرف در آن مسجد، می توان آنها را در سایر مساجد مصرف کرد و هم چنین است حکم غلّات و نذورات موقوفه مشاهد مشرفه ؛ و با تعذّر مصرف در موارد معین شده و یا مماثل آن ، می توان آن غلات و نذورات را در مطلق خیرات و مبرّات مصرف نمود.

(زنجانی :) پول آن را باید اگر ممکن است در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود وقف کننده نزدیکتر است .

[مسأله ۹۱۱ ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می باشد]

مسأله ۹۱۱ ساختن مسـجد و تعمیر مسـجدی که نزدیك به خرابی می باشد مسـتحب است و اگر مسـجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند بلکه می توانند مسجدی را که خراب نشده ، برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند. (مکارم :) مسأله ساختن مسـجد مستحب ّاست و هر قدر در جای مناسبتر و بهتری باشد که مسـلمانان از آن بیشتر اسـتفاده کننـد بهتر است . تعمیر مسـجد نیز مسـتحب ّاست و از بهترین کارها است و اگر مسـجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشـد، می توانند آن را به کلّی خراب کنند و دوباره بسازند. مسـجدی که خراب نشده و قابل استفاده است اگر نیاز به توسعه دارد می توان آن را خراب کرد و بهتر و بزرگتر ساخت .

[مسأله ۹۱۲ تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است]

اشاره

مسأله ۹۱۲ تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن (۱) مسـتحب است ، و کسی که می خواهد مسجد برود، مستحب است خود را خوشـبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی به پوشد (۲)، و ته کفش خود را وارسـی کند که نجاستی به آن نباشد (۳) و موقع داخل شدن به مسـجد، (۴) اول پـای راست و موقع بیرون آمـدن ، اول پـای چپ را بگـذارد و هم چنین مسـتحب است از همه زودتر به مسـجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود. (۱) (مکارم :) و کوشـش در تأمین حوائج آن .. (۲) (اراکی :) لباس پاکیزه و فاخر به پوشد .. (مکارم :) لباس پاکیزه به پوشد ..

(فاضل :) لباس پاکیزه و فاخر و قیمتی به پوشد .. (۳) (مکارم :) که آلوده نباشد .. (۴) (مکارم :) شایسته است ..

(بهجت :) مسأله چنـد چیز در مسـجد مسـتحب است ، از جمله : تمیز کردن مسـجد، روشن کردن چراغ آن ، و قرار دادن محل تطهیر از بول و غایط در خارج مسـجد؛ و نیز مسـتحب است کسی که می خواهد مسجد برود ته کفش خود را وارسی کند که نجاستی در آن نباشد و موقع داخل شدن به مسجد، اول پای راست و موقع بیرون آمدن ، اول پای چپ را بگذارد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۷۵۰ مستحب است مسجد دارای سقف نباشد، بلکه سایبان قرار دادن

بر آن به غیر بوریا مکروه است ، مگر به سبب ضرورت و یا مرجحات دیگری که با وجود آنها، بنا بر اقرب این کراهت از بین می رود.

[مسأله ۹۱۳ نماز تحیت مسجد]

مسأله ۹۱۳ وقتی انسان وارد مسجد می شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۹۱۴ خوابیدن در مسجد]

مسأله ۹۱۴ خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع به کارهای دنیا (۱) و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است . و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد (۲) و گم شده ای را طلب کند و صدای خود را بلند کند (۳) ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد. (۱) (زنجانی :) و خرید و فروش .. (۲) (سیستانی :) بلکه در بعضی موارد حرام است .. (۳) (بهجت :) و در هر صورت باید از کارهایی که با احترام مسجد منافات دارد یا مزاحم نمازگزاران است اجتناب کند ..

(مکارم :) مسأله خوابیدن در مسجد و سخن گفتن در باره کارهای دنیا و خواندن اشعاری که نصیحت و مانند آن در آن نباشد مکروه است و هم چنین انداختن آب دهان و بینی و اخلاط سینه در مسجد و بلند کردن صدا و داد و فریاد و آن چه با موقعیّت مسجد منافات دارد مکروه می باشد.

[مسأله ۹۱۵ راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است]

اشاره

مسأله ۹۱۵ راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است (۱) و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت می کند مکروه است به مسجد برود. (۱) (فاضل ، مکارم :) ولی اگر آوردن بچّه ها مزاحمتی ایجاد نکند و باعث علاقه مندی آنان به نماز و مسجد شود مستحب ّاست (مکارم : و گاه واجب) ..

(سیستانی :) راه دادن دیوانه به مسجد مکروه است و هم چنین است راه دادن بچّه اگر موجب زحمت نمازگزاران شود و یا این که احتمال رود مسجد را نجس کند. و در غیر این دو صورت مانعی از راه دادن بچّه به مسجد نیست بلکه گاهی اولویت دارد ..

(بهجت :) مسأله مستحب است که در مسجد از خرید و فروش و سایر معاملات (عقود و ایقاعات) غیر عبادی خودداری شود و اما مانند نذر و وقف و نکاح چون حیثیت عبادی دارند اشکالی ندارد، و مستحب است از ورود دیوانگان و اطفال غیر ممیز که مراعات آداب مساجد را نمی نمایند به مساجد خودداری شود؛ و مکروه است کسی که بوی بدی از او استشمام می شود مثل بوی سیر و پیاز، داخل مسجد شود و بعید نیست نمازی را که با این حال خوانده ، اعاده اش مستحب باشد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۷۵۳ تعرض به معابد یهودیان و مسیحیان که در ذمّه اسلام هستند و آن معابد هم در دست خود آنها است جایز نیست و آن اماکن مثل مساجد محترم است و جایز نیست خراب کردن آنها مگر با شرایطی ، که در مساجد هم جاری است .

احکام مکان نمازگزار (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[مسائلی در مکان مصلی]

[س ۳۷۰ نشستن و نماز خواندن از جاهایی که دولت ظالم آنها را غصب می کند]

س ۳۷۰: آیا نشستن و نماز خواندن یا عبور کردن از مکان هایی که دولت ظالم آنها را غصب می کند، جایز است ؟

ج : در صورت علم به غصب ، احکام و آثار مغصوب مترتب است .

[س ۳۷۱ نماز خواندن در زمینی که قبلًا وقف بوده]

س ۳۷۱: نماز خواندن در زمینی که قبلًا وقف بوده و دولت آن را تصرف نموده و در آن مدرسه ساخته است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر احتمال قابل توجهی داده شود که تصرف مذکور مجوز شرعی داشته است ، نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد.

[س ۳۷۲ نماز در مکان غصبی]

س ۳۷۲: من نماز جماعت را در تعدادی از مدارس اقامه می کنم . زمین بعضی از این مدارس از صاحبان آن بدون رضایت آنها گرفته شده است . نماز من و دانش آموزان در این مدارس چه حکمی دارد؟

ج : اگر احتمال قابل توجهی داده شود که مسئول ذی ربط به استناد مجوز قانونی و شرعی اقدام به احداث مدارس در آن اراضی نموده ، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

[س ۳۷۳ شخصی مدتی با لباسی که خمس به آن تعلق گرفته است نماز خوانده]

۳۷۳: اگر شخصی مدتی بر سجاده یا با لباسی که خمس به آن تعلق گرفته است ، نماز بخواند، نمازهای او چه حکمی دارد؟

ج : اگر جهل به تعلق خمس به آن مال و یا به حکم تصرف در آن داشته ، نمازهایی که تا به حال در آن خوانده ، صحیح است .

[س ۳۷۴ مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند]

[س ۳۷۴ مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند]

س ۳۷۴: آیا این گفته که باید مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند، صحیح است ؟

ج : اگر بین زن و مرد مقداری و لو به اندازه یک وجب فاصله باشد، جلوتر بودن زن اشکال ندارد.

[س ۳۷۵ نصب تصویر در مساجد]

س ۳۷۵: نصب تصویر امام خمینی «قدس سره » و شهدای انقلاب اسلامی در مساجد، با توجه به این که خود حضرت امام «قدس سره » عدم تمایل خود را نسبت به نصب عکسشان در مساجد ابراز کرده و راجع به کراهت آن هم مطالبی وجود دارد، چه حکمی دارد؟

ج : اشکال ندارد لکن اگر در شبستان باشد بهتر است هنگام نماز، به طریقی روی آن پوشانده شود.

[س ۳۷۶ زندگی در یک خانه دولتی]

س ۳۷۶: شخصی در یک خانه دولتی زندگی می کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است . نماز و روزه های وی بعد از انقضای موعد مقرر تخلیه ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر از طرف مسئولین مربوطه مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او در آن ، حکم غصب را دارد.

[س ۳۷۷ نماز خواندن بر سجاده ای که شکلهایی روی آن رسم شده]

س ۳۷۷: آیا نماز خواندن بر سجاده ای که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است ، کراهت دارد؟

ج : فی نفسه اشکال نـدارد، ولی اگر به گونه ای باشـد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست . و هم چنین اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود، کراهت دارد.

[س ۳۷۸ اگر مکان نمازگزار پاک نباشد]

س ۳۷۸: اگر مکان نمازگزار پاك نباشد ولی محل سجده پاك باشد، آیا نماز صحیح است ؟

ج : اگر نجاست مکـان نمازگزار به لباس یا بـدن وی سرایت نکنـد و محل سـجده هم پاك باشـد، نماز در آن مکان اشکال ندارد.

[س ۳۷۹ ساختمانی در گذشته قبرستان بوده]

س ۳۷۹: ساختمان کنونی اداره ای که در آن کار می کنم ، در گذشته قبرستان بود که چهل سال قبل متروکه شده و سی سال است که این ساختمان در آن ایجاد شـده است . در حال حاضـر ساختمان همه زمین های اطراف اداره تمام گردیـده و اثری از قبرسـتان باقی نمانـده است . با توجه به مطالب مـذکور امیـدواریم پاسخ فرمائید که آیا اقامه نماز در این اداره توسط کارمندان آن از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟

ج : نمـاز خوانـدن و تصـرفات دیگر در این اداره اشـکال نـدارد، مگر این که از طریـق شـرعی ثـابت شود زمینی که ساختمـان مذکور در آن ایجاد شده ، وقف برای دفن اموات بوده و به طریق غیر شـرعی ، تصـرف گردیده و در آن ساختمان سازی شده است .

[س ۳۸۰ اقامه نماز در پارکها]

س ۳۸۰: جوانـان مؤمن تصـمیم گرفته انـد که به منظور امر به معروف ، هفته ای یـک یا دو روز نماز را در پارکها اقامه کننـد، ولی بعضی اشکال می کنند که مالکیت زمین های پارکها مشخص نیست . نماز خواندن در آنها چه حکمی دارد؟

ج : نماز خواندن در پارك های فعلی و غیر آن اشکال ندارد و به صرف احتمال غصب توجهی نمی شود.

[س ۳۸۱ زمین یکی از دبیرستان های این شهر ملک یکی از افراد است]

س ۳۸۱: زمین یکی از دبیرستان های این شهر ملك یکی از افراد است . این زمین طبق نقشه شهر باید به پارك تبدیل می شد،

ولی به علت نیـاز شدیـد و بـا موافقت مسـئولین مربوطه ، مقرر شـد که تبـدیل به مـدرسه شود. از آنجایی که صاحب آن زمین راضـی به تملک آن توسط دولت نیست و عـدم رضایت خود را نسـبت به اقامه نماز وماننـد آن در زمین مـذکور اعلام نموده است . امیدواریم نظر شریف خود را راجع به نماز خواندن در این مکان اعلام فرمائید.

ج : اگر گرفتن زمین از مالک شـرعی آن طبق قانونی که توسط مجلس شورای اسـلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسیده است ، انجام گرفته باشد، نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان اشکال ندارد.

[س ۳۸۲ دو مسجد مجاور هم وجود دارد]

س ۳۸۲: در شـهر ما دو مسـجد مجاور هم وجود دارد که دیوار بین آن دو آنها را از هم جـدا می کنـد. مدتی پیش تعدادی از مؤمنین برای این که دو مسـجد به هم وصل شونـد، اقـدام به خراب کردن قسـمت زیادی از دیوار فاصل بین آن دو نمودنـد، و همین امر بـاعث شـبهه برای بعضـی در مـورد اقـامه نمـاز در آن دو مسـجد شـد و هنـوز هم این شـک برای آنـان وجـود دارد. امیدواریم راه حل این مشکل را بیان فرمائید.

ج : از میان برداشتن دیواری که بین دو مسجد فاصله انداخته ، باعث اشکال در اقامه نماز در دو مسجد نیست .

[س ۳۸۳ نماز خواندن در نمازخانه های رستورانها]

س ۳۸۳: در جاده ها رستورانهایی وجود دارد که در کنار آنها مکانهایی برای خواندن نماز قرار دارد، اگر کسی در آن رستوران غذا نخورد، آیا جایز است در آن مکانها نماز بخواند یا این که ابتدا باید اجازه بگیرد؟

ج : اگر احتمال دهد نماز خانه ملك صاحب رستوران است و استفاده از آن مخصوص کسانی است که در آن رستوران غذا می خورند، باید اجازه بگیرد.

[س ۳۸۴ نماز در زمین غصبی]

س ۳۸۴: آیا نماز کسی که در زمین غصبی روی سجاده یا چوب و مانند آن نماز خوانده ، صحیح است یا باطل ؟

ج : نماز در زمین غصبی باطل است ، هر چند روی جا نماز و تخت باشد.

[س ۳۸۵ بعضی از شرکت ها و مؤسسه هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد]

س ۳۸۵: در بعضی از شرکت ها و مؤسسه هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد بعضی اعضای شرکت و کارمندان از شرکت در نماز جماعتی که در آنجا اقامه می شود خودداری می کنند، به این دلیل که آن مکانها توسط دادگاه شرع از صاحبان آنها مصادره شده است . خواهشمندیم نظر مبارك را در این باره بیان فرمائید.

ج : اگر احتمال می دهند که قاضی صادر کننده حکم مصادره ، با صلاحیت قانونی و بر اساس موازین شرعی و قانونی اقدام به صدور حکم کرده است ، عمل او شرعاً محکوم به صحت است ، و بنا بر این تصرف در آن مکان جایز است و حکم غصب بر آن منطبق نیست .

[س ۳۸۶ اگر مسجدی مجاور حسینیه ای باشد]

س ۳۸۶: اگر مسجدی مجاور حسینیه ای باشد، آیا اقامه نماز جماعت در حسینیه صحیح است و آیا ثواب آن در هر دو برابر است ؟

ج : شکی نیست که فضیلت نماز در مسجد بیشتر از فضیلت نماز در غیر مسجد است ، ولی خواندن نماز جماعت در حسینیه یا

در هر مکان دیگری اشکال شرعی ندارد.

[س ۳۸۷ آیا نماز خواندن در مکانی که موسیقی حرام پخش می شود]

س ۳۸۷: آیا نماز خواندن در مکانی که موسیقی حرام پخش می شود، صحیح است یا خیر؟

ج : اگر نماز خواندن در آن محل مستلزم گوش دادن به موسیقی حرام باشد، توقف در آنجا جایز نیست ، ولی نماز محکوم به صحت است ، و با فرض این که موسیقی باعث عدم توجه و تمرکز حواس می شود، نماز خواندن در آن مکان مکروه است .

[س ۳۸۸ نماز کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می شوند]

س ۳۸۸: نماز کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می شوند و وقت نماز آنها می رسد، به طوری که اگر در همان زمان نماز نخوانند، بعد از آن نمی توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج : در فرض مزبور واجب است که نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است ، و لو در داخل همان قایق ، بخوانند.

احکام مسجد

[س ۳۸۹ مستحب است انسان نماز را در مسجد محله خود بخواند]

س ۳۸۹: با توجه به این که مستحب است انسان نماز را در مسجد محله خود بخواند، آیا خالی کردن مسجد محل و رفتن به مسجد جامع شهر برای خواندن نماز جماعت ، اشکال دارد یا خیر؟

ج : اگر ترک مسجد محله برای خواندن نماز جماعت در مسجد دیگر بخصوص مسجد جامع شهر باشد، اشکال ندارد.

[س ۳۹۰ نماز خواندن در مسجدی که سازندگان آن ادعا می کنند]

س ۳۹۰: نماز خوانـدن در مسـجدی که سازنـدگان آن ادعا می کننـد که آن را برای خود و قبیله خود ساخته انـد، چه حکمی دارد؟

ج : مسجد پس از آن که به عنوان مسجد ساخته شد، اختصاص به قوم و گروه و قبیله و اشخاص خاصی ندارد و همه مسلمانان می توانند از آن استفاده نمایند.

[س ۳۹۱ آیا زنها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند]

س ۳۹۱: آیا زنها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه ؟

ج : فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست .

[س ۳۹۲ در حال حاضر بین مسجد الحرام و محل سعی بین صفا و مروه]

س ۳۹۲: در حـال حاضـر بین مسـجد الحرام و محـل سـعی بین صـفا و مروه دیوار کوتـاهی وجود داردکه ارتفاع آن نیم متر و عرض آن یک متر است . این دیوار بین مسـجد و مسـعی مشترک است . آیا زنها در ایام عادت که حق داخل شـدن به مسـجد الحرام را ندارند، می توانند روی این دیوار بنشینند؟

ج : اشکال ندارد، مگر این که یقین حاصل شود که آن دیوار جزء مسجد است .

[س ۳۹۳ انجام تمرین های ورزشی در مسجد محل]

س ۳۹۳: آیـا انجـام تمرین هـای ورزشـی در مسـجد محل یا خوابیـدن در آن جایز است ؟ این کارها در مسـجدهای دیگر چه حکمی دارد؟

ج : مسـجد جـای ورزش و تمرین ورزشـی نیست و از کارهـائی که بـا شـأن و منزلت مسـجد منافـات دارد، بایـد پرهیز شود، و خوابیدن در مسجد هم مکروه است .

[س ۳۹۴ استفاده از شبستان مسجد برای رشد فکری ، فرهنگی و نظامی]

س ۳۹۴: آیا استفاده از شبستان مسجد برای رشد فکری ، فرهنگی و نظامی (با آموزشهای نظامی) جوانان جایز است ؟ آیا با توجه به کمبود مکانهای اختصاصی می توان این کارها را در ایوان مسجد انجام داد؟

ج : این امور تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است ، و باید از امام جماعت و هیئت امنای مسجد در این باره نظر خواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپایی درس های دینی زیر نظر امام جماعت و هیئت امنای آن کار خوب و مطلوبی است .

[س ۳۹۵ مجلس عروسی در مساجد]

س ۳۹۵: در بعضی از مناطق بخصوص روستاها مجلس عروسی را در مساجد برگزار می کنند؛ به این صورت که مجلس رقص و آواز در خانه بر پا می شود، ولی نهار یا شام را در مسجد تناول می کنند. آیا این کار شرعاً جایز است یا خیر؟

ج : غذا دادن به دعوت شدگان در مسجد فی نفسه اشکال ندارد.

[س ۳۹۶ شرکت های تعاونی مردمی اقدام به ساختن مناطق مسکونی می کنند]

س ۳۹۶: شرکت های تعاونی مردمی اقدام به ساختن مناطق مسکونی می کنند، ابتدا توافق می نمایند که برای آن محله ها مکان های عمومی مانند مسجد ساخته شود، اکنون که آن واحدها به سهام داران شرکت تعاونی تحویل داده شده است ، آیا بعضی از آنان می توانند هنگام تحویل گرفتن واحد مسکونی از توافق خود عدول کرده و بگویند ما راضی به ساختن مسجد نیستیم ؟

ج : اگر شرکت با توافق همه اعضاء اقدام به ساخت مسجد نموده و مسجد هم ساخته شده و وقف گردیده است ، عدول بعضی از اعضا از موافقت اولیه خود اثری ندارد. ولی اگر بعضی از

آنان قبل از تحقق وقف شرعی مسجد از موافقت خود عدول کنند، ساخت مسجد با اموال آنان در زمین متعلق به همه اعضاء بدون رضایت آنان جایز نیست ، مگر این که در ضمن عقد لازم بر همه آنها شرط شده باشد که بخشی از زمین شرکت برای ساخت مسجد تخصیص یابد و اعضاء این شرط را پذیرفته باشند، در این صورت حق عدول ندارند و عدول آنها هم تاثیری ندارد.

[س ۳۹۷ مسجد و گروه سرود]

س ۳۹۷: برای مقابله با تهاجم فرهنگ غیر اسلامی ، حدود سی دانش آموز را از گروه ابتدائی و متوسطه به شکل گروه سرود در مسجد جمع کرده ایم که این افراد درسهایی از قرآن کریم ، احکام و اخلاق اسلامی را به مقتضای سن و سطح فکریشان فرا می گیرند. اقدام به این کار چه حکمی دارد؟ استفاده از آلت موسیقی ارگ توسط گروه چه حکمی دارد؟ انجام تمرین به وسیله آن در مسجد با رعایت موازین شرعی و مقررات مربوطه و متعارف رادیو و تلویزیون و وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران دارای چه حکمی است ؟

ج : تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای مذهبی و انقلابی در مسجد اشکال ندارد، ولی در هر حال مراعات شأن ، قداست و جایگاه مسجد واجب است و مزاحمت نماز گزاران جایز نیست .

[س ۳۹۸ نمایش فیلم های سینمایی در مسجد]

س ۳۹۸: آیا نمایش فیلم های سینمایی که توسط وزارت ارشاد اسلامی ایران توزیع می شود، در مسجد برای شرکت کنندگان در جلسات قرآنی ، اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج : تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم های سینمایی جایز نیست ، ولی نمایش فیلم های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و بر حسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.

[س ۳۹۹ پخش موسیقی شاد از مسجد]

س ۳۹۹: آیا پخش موسیقی شاد از مسجد به مناسبت جشن میلاد ائمه معصومین «علیهم السلام » شرعاً اشکال دارد؟

ج : واضح است که مسجد جایگاه شرعی خاصی دارد، لذا اگر پخش موسیقی در آن منافی با حرمت مسجد باشد، حرام است ، حتی اگر موسیقی غیر مطرب باشد.

[س ۴۰۰ استفاده از بلندگوهای مساجد که صدا را در خارج از مسجد پخش می کنند]

س ۴۰۰: استفاده از بلندگوهای مساجد که صدا را در خارج از مسجد پخش می کنند، تا چه وقت جایز است ؟ پخش سرودهای انقلابی یا قرآن کریم قبل از اذان چه حکمی دارد؟

ج : پخش قرائت قرآن کریم برای چند دقیقه قبل از اذان در وقتهایی که باعث اذیت و آزار هم سایگان و اهل محل نشود، اشکال ندارد.

[س ۴۰۱ مسجد جامع]

س ۴۰۱: مسجد جامع چه تعریفی دارد؟

ج : مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است ، بدون این که اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد.

[س ۴۰۲ قسمت سر پوشیده ای از یک مسجد حدود سی سال است که متروکه شده]

۴۰۲: قسمت سر پوشیده ای از یک مسجد حدود سی سال است که متروکه و تبدیل به خرابه شده و نماز در آن اقامه نمی شودو بخشی از آن به عنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد. نیروهای بسیجی که حدود پانزده سال است در این قسمت سقف دار مستقر هستند، تعمیراتی

را در آن انجام داده انـد، زیرا وضـعیت بسـیار نامنـاسبی داشت و سـقف آن هم در معرض ریزش بـود. چـون برادران بسـیجی آگاهی از احکام شـرعی مسجد نداشتند و افراد مطلع هم آنها را آگاه نکردند، اقدام به ساختن چند اتاق در این قسمت نمودند که بر اثر آن مبالغ زیادی خرج شد و در حال حاضر کارهای ساختمانی رو به پایان است . امیدواریم حکم شرعی موارد زیر را بیان فرمائید: (۱) بر فرض این که متصدیان این کار و گروه ناظر بر آن جاهل به مسأله باشـند، آیا در برابر مخارجی که از بیت المال صـرف کرده اند ضامن هستند و آیا مرتکب گناه شده اند؟ (۲) بـا توجه به این که مخارج مزبور از بیت المال بوده ، آیا اجـازه می دهیـد تـا زمانی که مسـجد به این قسـمت احتیاج نـدارد و نماز در آن اقامه نمی شود، از آن اتاق ها با رعایت کامل احکام شرعی مسجد، برای فعالیت های آموزشی مانند آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و سایر امور مسجد استفاده شود؟ و آیا اقدام به تخریب اطاق ها واجب است ؟

ج : واجب است که قسمت سر پوشیده مسجد با خراب کردن اتاق هایی که در آن ساخته شده است ، به حالت قبل برگردد، و اگر مخارج احداث اتاقها ناشـی از تعدی و تفریط و عمد و تقصـیر نباشد، معلوم نیست که کسـی ضامن آن باشد، و استفاده از قسـمت سـر پوشـیده مسـجد برای تشـکیل جلسات آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و معارف اسلامی و سایر مراسم دینی و مذهبی اگر مزاحمت برای نمازگزاران ایجاد نکند و تحت نظارت امام جماعت مسـجد باشد اشکال ندارد، و باید امام جماعت و نیروهای بسـیجی و سایر مسـئولین مسجد با هم هم کاری کنند تا حضور نیروهای بسیجی در مسجد استمرار پیدا کند و خللی در انجام وظائف عبادی مانند نماز و غیر آن هم پیش نیاید.

[س ۴۰۳ در طرح توسعه یکی از خیابانها چند مسجد در مسیر طرح قرار می گیرد]

س ۴۰۳: در طرح توسعه یکی از خیابانها، چنـد مسـجد در مسـیر طرح قرار می گیرد که بایـد بعضـی از آنها بطور کلی خراب شونـدو در بقیه قسـمتی از آنهـا تخریب گردد تـا حرکت وسائط نقلیه به راحتی صورت گیرد. خواهشـمند است نظر شـریف را بیان فرمائید.

ج : خراب کردن تمام مسـجد یا قسـمتی از آن جایز نیست ، مگر در صورت وجود مصلحتی که اهمیت ندادن و بی توجهی به آن ممکن نباشد.

[س ۴۰۴ استفاده شخصی و اندک از آب مساجد]

س ۴۰۴: آیا اسـتفاده شخصـی و انـدک از آب مساجد که مخصوص وضو گرفتن است ، جایز است ؟ مثل این که مغازه داران از آن برای نوشـیدن ، درست کردن چائی و یا برای ماشـین استفاده کنند، با توجه به این که آن مسجد واقف خاصی ندارد که از این اعمال جلوگیری نماید.

ج : اگر وقف آب برای خصوص وضو گرفتن نمازگزاران معلوم نباشد و عرف رایج در محله مسجد، این باشد که هم سایه ها و عبور کنندگان هم از آب آن استفاده می کنند، اشکال ندارد، هر چند احتیاط در این مورد، مطلوب است .

[س ۴۰۵ مسجدی در مجاورت قبرستانی وجود دارد]

س ۴۰۵: مسجدی در مجاورت قبرستانی ، وجود دارد و هنگامی که بعضی از مؤمنین به زیارت اهل قبور می آیند، از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهای ارحام خود استفاده می کنندو ما نمی دانیم که این آب عمومی است یا وقف خاص مسجد، و بر فرض هم که وقف خاص

مسـجد نباشد، معلوم نیست که مخصوص وضو گرفتن و دستشویی رفتن است یا خیر، آیا استفاده مذکور از آن آب جایز است ؟

ج : اگر اسـتفاده از آب مسـجد برای پاشـیدن روی قبرهائی که خارج از آن قرار دارد، امر رایجی است و کسی به آن اعتراض نمی کند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نیست ، استفاده از آن برای امر مذکور اشکال ندارد.

[س ۴۰۶ اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد]

س ۴۰۶: اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است ؟

ج : اگر تعمیر، داوطلبانه و تبرّعی (از مال ِ شخصی ِ افراد خیّر) باشد، نیازی به اجازه حاکم شرع نیست .

[س ۴۰۷ وصیت به دفن در صحن مسجد]

س ۴۰۷: آیا جایز است وصـیت کنم که مرا بعد از مردن در مسجد محله که تلاش فراوانی برای آن کرده ام ، دفن نمایند. زیرا دوست دارم در داخل یا صحن آن دفن شوم ؟

ج : اگر هنگـام اجرای صـیغه وقف ، دفن میّت اسـتثناء نشـده باشـد، دفن در مسـجد جـایز نیست ، و وصـیت شـما در این مورد اعتباری ندارد.

[س ۴۰۸ مسجدی حدود بیست سال پیش ساخته شده و به نام مبارک صاحب الزمان]

۴۰۸: مسـجدی حـدود بیست سـال پیش ساخته شـده و به نام مبارك صاحب الزمان عجل اللّه تعالی فرجه الشـریف زینت یافته است ، ولی معلوم نیست که این اسم در صـیغه وقف مسجد ذکر شده باشد. تغییر اسم مسجد از صاحب الزمان «عجل اللّه فرجه الشریف » به مسجد جامع چه حکمی دارد؟

ج : مجرد تغییر اسم مسجد مانعی ندارد.

[س ۴۰۹ در مساجدی که از محل نذورات خاص مسجد و تبرّعات مؤمنین]

س ۴۰۹: در مساجدی که از محل نذورات خاص مسـجد و تبرّعات مؤمنین به برق و سیسـتم تهویه مجهز شده اند، هنگامی که شخصی از اهالی محل فوت می کند، برای او مجلس فاتحه در مسجد برگزار می شود که در آن از برق و سیستم تهویه مسجد

استفاده می گردد و برگزار کنندگان مراسم آن هزینه ها را نمی پردازند. آیا این کار شرعاً جایز است ؟

ج : جواز استفاده از امکانات مسجد در اقامه مجالس فواتح برای اموات و امثال آن منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است .

[س ۴۱۰ در روستایی مسجد نوسازی وجود دارد]

س ۴۱۰: در روستایی مسجد نوسازی وجود دارد که در مکان مسجد قبلی بنا شده است . در گوشه ای از این مسجد که زمین آن جزء مسجد قبلی است ، بر اثر جهل به مسأله ، اتاقی برای تهیه چائی و مانند آن و کتابخانه ای در نیم طبقه قسمتی از شبستان مسجد در داخل شبستان مسجد ساخته شده است . خواهشمندیم نظر خود را در این باره و مسأله تکمیل و کیفیت استفاده از نصف دور داخلی مسجد، بیان فرمائید.

ج : ساختن اتاق مخصوص چائی در محل مسجد قبلی صحیح نیست و واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد. نیم طبقه داخل شبستان مسجد هم در حکم مسجد است و همه احکام و آثار شرعی آن را دارد، ولی نصب قفسه های کتاب و حضور در آنجا برای مطالعه اگر مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکال ندارد.

[س ۴۱۱ تخریب مسجد]

س ۴۱۱: رأی جناب عالی در مورد مسأله ذیل چیست ؟ در یکی از روستاها مسجدی وجود دارد که رو به خرابی است ، ولی دلیلی برای خراب کردن آن وجود ندارد، زیرا مانع استمرار جاده نیست . آیا تخریب آن به طور کامل جایز است ؟ هم چنین این مسجد دارای مقداری اثاثیه و اموال است ، اینها باید به چه کسی داده شوند؟

ج : تخریب و ویران کردن مسجد جایز نیست و به طور کلی خراب کردن مسجد آن را از مسجد بودن خارج نمی کند. اثاث و لوازم مسجد اگر مورد استفاده در آن مسجد نباشد، بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آنها اشکال ندارد.

[س ۴۱۲ ساخت موزه در گوشه ای از صحن مسجد]

س ۴۱۲: آیا شرعاً ساخت موزه در گوشه ای از صحن مسجد بدون دخل و تصرف در ساختمان آن جایز است ، مثل کتابخانه که امروزه جزئی از مسجد را تشکیل می دهد؟

ج : ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه صحن مسجد اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن مسجد باشد و یا موجب تغییر ساختمان مسجد گردد، جایز نیست . بهتر این است که مکانی در کنار مسجد برای این منظور تهیه شود.

[س ۴۱۳ مکانی وقفی وجود دارد که در آن مسجد مدرسه علوم دینی]

س ۴۱۳: مکانی وقفی وجود دارد که در آن مسجد، مدرسه علوم دینی و کتابخانه عمومی بنا شده است که همگی آنها الان فعّال هستند. این مکان در حال حاضر جزء نقشه مکان هایی است که از طرف شهرداری باید خراب شوند. چگونه باید با شهرداری برای تخریب آن و گرفتن امکانات هم کاری کرد تا بتوان آن را تبدیل به ساختمان بهتری نمود؟

ج : اگر شهرداری اقدام به تخریب آن و دادن ِعوض نماید و آن را تحویل دهد، اشکال ندارد، ولی اصل خراب کردن مسجد و مدرسه وقفی فی نفسه جایز نیست ، مگر در صورتی که مصلحت ِاهم ِغیر قابل چشم پوشی اقتضا کند.

[س ۴۱۴ برای توسعه مسجد نیاز به کندن چند درخت از صحن آن است]

س ۴۱۴: برای توسعه مسجد نیاز به کندن چند درخت از صحن آن است ، آیا این عمل با توجه به بزرگ بودن صحن مسجد و وجود درختان زیاد در آنجا، جایز است ؟

ج : اگر عمل مذکور تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود، اشکال ندارد.

[س ۴۱۵ زمینی که جزء قسمت سر پوشیده مسجد بوده]

س ۴۱۵: زمینی که جزء قسمت سر پوشیده مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری ، در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر احتمال بر گشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد، ترتّب آثار شرعی مسجد بر آن معلوم نیست .

[س ۴۱۶ مسجدی بوده که خراب شده]

س ۴۱۶: مسجدی بوده که خراب شده ، و آثار مسجدی از آن محو گردیده یا به جای آن بنای دیگری ساخته شده و امیدی هم به دوباره سازی آن وجود ندارد، مثل آن که آن آبادی ویران شده و تغییر مکان پیدا کرده ، آیا نجس کردن آن مکان حرام است و تطهیر آن واجب است ؟

ج : در فرض سؤال معلوم نیست نجس کردن آن حرام باشد، گر چه احتیاط آن است که نجس نکنند.

[س ۴۱۷ مدتی است که در یکی از مساجد، نماز جماعت اقامه می کنم]

س ۴۱۷: مدتی است که در یکی از مساجد، نماز جماعت اقامه می کنم و اطلاعی از کیفیت وقف مسجد ندارم .

بـا توجه به این که مسجد از جهت هزینه با مشکلاتی روبرو است ، آیا اجاره دادن زیر زمین مسـجد برای کاری که مناسب با شأن مسجد باشد، جایز است ؟

ج : اگر زیر زمین عنوان مسـجد را ندارد و جزء تأسیساتی نیست که مسـجد به آن نیاز داشـته باشد و وقف آن هم وقف انتفاع نباشد، اشکال ندارد.

[س ۴۱۸ هیئت امنای مسجدی که املاکی برای اداره امور خود ندارد]

س ۴۱۸: هیئت امنای مسـجدی که املاکی برای اداره امور خود نـدارد، تصـمیم گرفته انـد زیر زمینی را در قسـمت سـقف دار مسجد برای ساختن کارگاه و تأسیسات عمومی برای خدمت به مسجد ایجاد نمایند، آیا این کار جایز است ؟

ج : حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند آن جایز نیست .

[س ۴۱۹ آیا به طور مطلق جایز است که کفّار داخل مساجد مسلمانان شوند]

س ۴۱۹: آیا به طور مطلق جایز است که کفّار داخل مساجد مسلمانان شوند، هر چند برای مشاهده آثار تاریخی باشد؟

ج : ورود آنـان به مسـجد الحرام شـرعاً ممنوع است و در سـایر مساجـد هم اگر هتـک و بی حرمتی مسـجد شـمرده شود، جایز نیست ، بلکه در سایر مساجد هم مطلقاً وارد نشوند.

[س ۴۲۰ نماز خواندن در مسجدی که توسط کفّار ساخته شده]

س ۴۲۰: آیا نماز خواندن در مسجدی که توسط کفّار ساخته شده ، جایز است ؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۴۲۱ کافری داوطلبانه مالی را برای کمک به ساختمان مسجد بدهد]

س ۴۲۱: اگر کافری داوطلبانه مالی را برای کمک به ساختمان مسجد بدهد و یا کمک دیگری نماید، آیا قبول آن جایز است ؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۴۲۲ اگر کسی شب به مسجد بیاید و در آن بخوابد]

س ۴۲۲: اگر کسی شب به مسجد بیاید و در آن بخوابد و محتلم شود و پس از بیداری خروج از مسجد برایش ممکن نباشد، چه تکلیفی دارد؟

ج : اگر قادر بر خروج از مسجد و رفتن به جای دیگر نیست ، واجب است که فوراً تیمم نماید تا بقاء در مسجد برای او حلال شود.

احکام سایر مکانهای دینی

[س ۴۲۳ به ثبت رساندن حسینیه]

س ۴۲۳: آیا از نظر شرعی به ثبت رساندن حسینیه به نام اشخاص معین ، جایز است ؟

ج : ثبت ملکی حسینیه ای که جهت اقامه مجالس دینی وقف عام شده ، جایز نیست ، و ثبت وقفی آن به نام اشخاص ضرورتی ندارد. به هر حال ، ثبت وقفی آن به اسم افراد خاص بهتر است با اجازه و موافقت همه افرادی باشد که در ساختن آن حسینیه مشارکت داشته اند.

[س ۴۲۴ جایز نیست شخص جنب و حائض داخل حرم ائمه علیهم السلام شوند]

س ۴۲۴: در رساله های عملیه آمده است که جایز نیست شخص جنب و حائض داخل حرم ائمه «علیهم السلام » شوند. خواهشمند است توضیح بفرمایید که منظور از حرم ، همان زیر گنبد است یا این که شامل همه ساختمان های ملحق به آن هم می شود؟

ج : مراد از حرم همان زیر گنبد مبارك و جائی است که به آن حرم و مشهد شریف گفته می شود، ولی ساختمان های ملحق به آن و شبستانها حکم حرم را ندارند و ورود جنب و حائض به آنجاها اشکال ندارد، مگر جاهائی که عنوان مسجد را داشته باشد.

[س ۴۲۵ آیا می توان حسینیه را در مسجد ادغام کرد]

س ۴۲۵: حسینیه ای در کنار مسجدی قدیمی ساخته شده است ، در حال حاضر مسجد قدیم گنجایش نمازگزاران را ندارد، آیا می توان حسینیه را در مسجد ادغام کرد و از آن به عنوان مسجد استفاده نمود؟

ج : نماز خواندن در حسینیه اشکال ندارد، ولی اگر حسینیه ، به عنوان حسینیه ، وقف صحیح شرعی شده ، تبدیل آن به مسجد جایز نیست و هم چنین ضمیمه کردن آن به مسجد به عنوان مسجد هم جایز نیست .

[س ۴۲۶ استفاده از فرشها و اجناس نذر شده]

س ۴۲۶: استفاده از فرشها و اجناس نذر شده برای مرقد یکی از فرزندان ائمه «علیهم السلام » در مسجد جامع محله چه حکمی دارد؟

ج : اگر زائد بر نیاز مرقد امام زاده « علیه السلام » و زائران آن باشد، اشکال ندارد.

[س ۴۲۷ آیا تکایا حکم مسجد را دارد]

س ۴۲۷: آیا تکایائی که به نام حضرت ابو الفضل « علیه السلام » و غیر آن تأسیس می شود، حکم مسجد را دارد؟ لطفاً احکام آن را بیان فرمائید.

ج : تکیه ها و حسینیه ها حکم مسجد را ندارند.

اذان و اقامه

[اذان و اقامه از رساله حضرت امام]

[مسأله ۹۱۶ برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند]

مسأله ۹۱۶ برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیه (۱) اذان و اقامه بگویند (۲)، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان (۳)، مستحب است سه مرتبه بگویند «الصَّلاه» (۴) و در نمازهای واجب دیگر سه مرتبه «الصَّلاه» را به قصد رجاء بگوید.
(۱) (خوئی ، سیستانی :) پیش از نمازهای واجب شبانه روزی (یومیه) ..

(گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) پیش از نمازهای واجب یومیه .. (۲) (خوئی ، سیستانی :) و برای نمازهای دیگر

واجب یا مستحب ، مشروع نیست ..

(بهجت :) امّا احتیاط مستحب-این است که اقامه ترک نشود مخصوصاً در نماز صبح و مغرب و برای کسی که به جماعت نماز نمی خواند ..

(زنجانی :) و برای مرد سفارش بیشتری شده ، و در نماز مغرب و صبح تأکید بیشتری دارد و احتیاط استحبابی در آن است که اقامه در نمازها ترک نشود، و برای نمازهای دیگرِ واجب یا مستحب ، مشروع نیست ..

(مکارم :) و بهتر است حتّی الإمکان ترک نشود مخصوصاً اقامه ، ولی برای نماز عید فطر و قربان و نمازهای واجب دیگر اذان و اقامه نیست بلکه سه مرتبه به امید مطلوبیّت پروردگار بگویند (الصَّلاه). (۳) (سیستانی :) در صورتی که با جماعت بخوانند ..

(گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) پیش از نمازهای واجب غیر یومیه مثل نماز آیات (خوئی ، زنجانی ، تبریزی : در صورتی که با جماعت بخوانند) .. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) و هم چنین قبل از نمازهای واجب دیگر مانند نماز آیات هم مستحب است سه مرتبه « الصلاه » بگویند.

(بهجت :) و هم چنین برای این که به دیگران اعلام شود که وقت نماز داخل شده است استحباب اذان بعید نیست ؛ و گفتن اذان و اقامه در غیر این موارد به قصد ورود در شرع حرام است .

[مسأله ۹۱۷ مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می آید]

مسأله ۹۱۷ مستحب است (۱) در روز اولی که بچه به دنیا می آید یا پیش از آن که بند نافش بیفتد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند. (۱) (مکارم :) به عنوان تبرّک و امید ثواب ..

(بهجت :) مسأله مستحب است در گوش راست بچّه ای که به دنیا آمده اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

[مسأله ۹۱۸ اذان هیجده جمله است]

مسأله ۹۱۸ اذان هیجده جمله است : «اللّه أَکبَرُ» چهار مرتبه «اشهَدُ ان لا إله إلَّا اللّه» اشهَدُ انّ مُحَمَّداً رَسُول اللّه ، حَیّ عَلَی الصَّلاة، حَیّ عَلَی الفَلاح ، حَیّ عَلی خَیرِ العَمَل ، اللّه أَکبَرُ، لا إله إلَّا اللّه» هر یک دو مرتبه ، و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه «اللّه أَکبَرُ» از اول اذان و یک مرتبه «لا إله إلَّا اللّه» از آخر آن کم می شود و بعد از گفتن «حَیّ عَلی خَیرِ العَمَل » باید دو مرتبه «قَد قامَت الصَّلاهُ» اضافه نمود.

[مسأله ۹۱۹ شهادت سوم جزء اذان نیست]

مسأله ۹۱۹ «اشهَدُ انّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّه » جزء اذان و اقامه نیست (۱) ولی خوب است بعد از «اشهَدُ انّ مُحَمَّداً رَسُول اللّه »، به قصد قربت گفته شود. (۲) (۱) (زنجانی :) البته ولایت امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام از ارکان ایمان است و اسلام بدون آن ، ظاهری بیش نیست و قالبی از معنی تهی است و خوب است که پس از اشهَدُ انّ مُحَمَّداً رَسُول اللّه به قصد تیمن و تبرّک ، شهادت به ولایت و امامت بلا فصل حضرت امیر المؤمنین و سایر معصومین علیهم السلام به نحوی که شبیه جملات اذان و اقامه نگردد؛ ذکر گردد. (۲) (مکارم :) به قصد تبرّک گفته شود، لکن به صورتی که معلوم شود جزءِ آن نیست .

(نوری :) و چون در امثال زمان ما، شعار تشیع محسوب می شود، در هر جا که اظهار این شعار، مستحسن و لازم باشد، گفتن آن هم مستحسن و لازم است .

(بهجت :) مسأله بعید نیست مستحب بودن اقرار به ولایت امیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام در اذان مستحبّی در صورتی که به نیّت مطلوب بودن گفته شود به عبارات مختلفی که در نهایه و فقیه و احتجاج نقل شده است که «انّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّه » و یا عَلِیٌّ امیرُالمُؤمِنین و یا به عبارت «اشهَدُ انّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّه » باشد. و امّا اقرار به ولایت ، اگر چه در غیر اذان باشد خوب است ، پس احتیاج به دلیل مخصوص ندارد و کاملترین عبارتی که در اینجا گفته می شود آن است که اقرار به خلیفه

بودن یا وصی بودن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام در آن باشد.

ترجمه اذان و اقامه

«اللّه ُ أَکبَرُ» یعنی خدای تعالی بزرگتر از آن است که او را وصف کنند.

«اشهَدُ ان لا إِله َ إِلَّا اللّه ُ» یعنی شهادت می دهم که غیر خدایی که یکتا و بی همتا است

خدای دیگری سزاوار پرستش نیست .

«اشـهَدُ ان َ مُحَمَّداً رَسُـول ُاللّـه ِ» یعنی شـهادت می دهم که حضـرت محمّـد بن عَبـد اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم پیغمـبر و فرستاده خدا است .

«اشـهَدُ ان َ عَلِیّاً أمیرُ المؤمنین وَلِی ُّاللّه ِ» یعنی شهادت می دهم که حضرت علی علیه الصّلاه و السّلام امیر المؤمنین و ولی ّ خدا بر همه خلق است .

«حَی َ عَلَی الصَّلاهِ» یعنی بشتاب برای نماز «حَی َ عَلَی الفَلاح ِ» یعنی بشتاب برای رستگاری .

«حَی َ عَلی خَیرِ العَمَل ِ» یعنی بشتاب برای بهترین کارها که نماز است .

«قَد قامَت ِ الصَّلاه» یعنی به تحقیق نماز برپا شد.

«لا إِله َ إِلَّا اللّه » یعنی خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یکتا و بی همتا است . [این ترجمه ها در رساله آیات عظام کمی با متن اصلی تفاوت دارد ولی ما در اینجا ذکر نکرده ایم و در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست]

[مسأله ۹۲۰ بین جمله های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود]

مسأله ۹۲۰ بین جمله های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد (۱)، باید دوباره آن را از سـر بگیرد. ایـن مسـأله ، در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجـانی :) اگر بین آنها به قـدری فاصـله بینـدازد که عرفاً نگویند جملات پی در پی است ..

[مسأله ۹۲۱ اگر در اذان و اقامه صدا را در گلو بیندازد]

مسأله ۹۲۱ اگر در اذان و اقـامه صـدا را در گلـو بینـدازد چنـانچه غنـا شـود، یعنی به طـور آوازه خـوانی که در مجـالس لهو و بازیگری معمول است اذان و اقامه را بگوید، حرام است و اگر غنا نشود مکروه می باشد (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : اراکی و بهجت نیست (۱) (فاضل :) حرام و باطل است .

(مکارم :) مسأله اذان گفتن بصورت غنا یعنی آهنگی که مناسب مجالس لهو و لعب است ، حرام و باطل است .

[مسأله ۹۲۲ در پنج نماز اذان ساقط می شود]

مسأله ۹۲۲ در پنـج نماز اذان ساقط می شود (۱): اول : نماز عصـر روز جمعه (۲). دوّم : نماز عصـر روز عرفه که روز نهم ذی حجه است (۳). سوم : نماز عشاء شب عیـد قربان ، برای کسـی که در مشـعر الحرام باشـد. (۴) چهارم : نماز عصـر و عشاء زن

مستحاضه . (۵) پنجم : نماز عصر و عشای کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند و (۶) در این پنج نماز در صورتی اذان ساقط می شود که با نماز قبلی فاصله نشود یا فاصله کمی بین آنها باشد (۷)، ولی فاصله شدن نافله و تعقیب ضرر ندارد. (۸) (۱) (مکارم :) و بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترک کرد ..

(فاضل :) هر نمازی که با نماز قبل همراه خوانده شود اذان آن ساقط می شود چه همراه خواندن مستحب باشد یا نباشد، بنا بر این در موارد زیر اذان ساقط می شود .. (۲) (فاضل ، بهجت ، مکارم :) در صورتی که با نماز جمعه ((فاضل :) یا ظهر) با هم خوانده شود .. (۳) (بهجت :) در صورتی که با نماز ظهر جمع شود .. (فاضل ، مکارم :) اگر همراه ظهر خوانده شود .. (۴) (مکارم :) و آن را با مغرب همراه می خواند ..

(فاضل :) و آن را با مغرب همراه می خواند؛ همراه خواندن و جمع کردن بین دو نماز در سه مورد مذکور مستحب ٌاست ..

(بهجت :) در صورتی که با نماز مغرب جمع شود و بنا بر احتیاط در این سه صورت که گفته شد، باید اصلًا اذان نگویند، نه این که مستحب ٌنباشد و گفتن آن بی اشکال باشد؛ ولی در جایی که نماز عصر را با نماز ظهر با هم می خوانند، خوب است برای نماز عصر اذان گفته نشود .. (۵) (فاضل ، مکارم :) که باید آن را بلا فاصله بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند .. (۶) (اراکی :) و برای هر کس که بین نماز ظهر و عصر و هم چنین بین نماز مغرب و عشاء فاصله نیندازد ..

(مکارم :) [و] به طور کلّی هر نمازی که با نماز قبل همراه خوانده شود اذان آن ساقط می شود و فاصله شدن نافله و تعقیب کافی نیست ولی اگر نمازها را جدا از هم هر یک را در وقت فضیلت خود به جا آورند اذان و اقامه هر دو مستحب ٌاست . (۷) (بهجت :) و اگر فاصله پیدا کرد یا نافله ای بین آنها خوانده شد، بنا بر اظهر اذان گفتن به استحباب خود باقی است . (فاضل :) و ظاهراً با خواندن نافله ، فاصله حاصل می شود. (۸) (اراکی :) و هم چنین کسی که بین نماز ظهر و عصر و یا بین نماز مغرب و عشاء فاصله نیندازد، برای نماز دوّمش اذان ساقط می شود.

(گلپایگانی :) فاصله شدن نافله کافی است برای عدم سقوط اذان بنا بر اقوی .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله در دو نماز اذان مشروع نیست : اول : نماز عصر (خوئی : در عرفات) روز عرفه که روز نهم ذی حجه است . دوم : نماز عشاء شب عید قربان ، برای کسی که در مشعر الحرام باشد، و در این دو نماز در صورتی اذان ساقط می شود که با نماز قبلی هیچ فاصله نشود یا بین آنها کمی فاصله باشد.

(زنجانی :) مسأله انسان اگر نماز عصر را بدون فاصله یا با فاصله کم بعد از نماز ظهر، یا نماز عشا را بدون فاصله یا با فاصله کم بعد از نماز مغرب بخواند اذان نماز دوم ساقط می شود. فاصله نینداختن بین نماز دوم و نماز اول در موارد زیر مستحب یا لازم است : اول : نماز عصر روز جمعه ، دوم : نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی حجه است ، سوم : نماز عشای شب عید قربان برای کسی که در مشعر الحرام باشد، چهارم : نماز عصر و عشای کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غایط خودداری کند. در این موارد اگر به دستور استحبابی یا لزومی عمل کرد، اذان نماز دوّم ساقط است و اگر به این دستور عمل نکرد و بین دو نماز فاصله زیادی انداخت اذان ساقط نیست ، و هم چنین است در سایر موارد اگر بین دو نماز فاصله نینداخت یا فاصله کمی انداخت اذان نماز دوّم ساقط است ، و خواندن نافله ، فاصله حساب می شود، بنا بر این در صورت خواندن نافله ، اذان ساقط نیست .

(صافی :) مسأله اذان عصر و عشا از کسی که بین ظهر و عصر و مغرب و عشا جمع می کند ساقط می شود، خواه در موارد استحباب جمع باشد مثل نماز عصر روز جمعه ، و نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی حجه است در عرفات ، و نماز عشاء شب عید قربان برای کسی که در مشعر الحرام است ،

و خواه مثل زن مستحاضه یا کسی باشد که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غایط خودداری کند و جمع بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا می نماید، یا غیر این موارد باشد که به هر حال اذان عصر و عشا در صورت جمع مذکور ساقط می شود هر چند سقوط در عصر روز عرفه در عرفات و در عشاء شب عید قربان در مشعر بطور عزیمت است ، و در عصر روز جمعه اگر بخواهد اذان بگوید رجاءً بگوید، و در غیر این سه مورد سقوط به نحو رخصت است . فقط مستحاضه و مسلوس احتیاط را به نگفتن اذان ترک نکنند و در صورتی اذان ساقط می شود، که با نماز قبلی هیچ فاصله نشود، یا فاصله کمی بین آنها باشد، و فاصله شدن نافله کافی است برای عدم سقوط اذان بنا بر اقوی .

(سیستانی :) مسأله در همه مواردی که نمازگزار دو نماز را که یک وقت مشترک دارند پشت سر هم می خواند اگر برای نماز اوّل اذان گفته باشد اذان برای نماز بعدی ساقط است ، خواه جمع میان دو نماز بهتر نباشد یا آن که بهتر باشد مثل جمع بین نماز ظهر و عصر در روز عرفه که روز نهم ماه ذی حجّه است اگر آنها را در وقت فضیلت نماز ظهر انجام دهد هر چند در عرفات نباشد و جمع بین نماز مغرب و عشای عید قربان برای کسی که در مشعر الحرام باشد و آنها را در وقت فضیلت نماز عشا جمع کند و ساقط شدن اذان در این موارد مشروط به آن است که فاصله زیادی میان دو نماز نباشد ولی فاصله شدن نافله و تعقیب ضرر ندارد و احتیاط واجب آن است که در این موارد اذان را به قصد مشروعیّت نیاورد بلکه آوردن اذان در دو مورد مذکور در روز عرفه و در مشعر با شرایطی که گفته شد هر چند بدون قصد مشروعیّت باشد خلاف احتیاط است .

[مسأله ۹۲۳ اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند]

مسأله ۹۲۳ اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند (۱)، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید (۲). (۱) (مکارم :) برای همه کافی است و بقیه بنا بر احتیاط واجب باید اذان و اقامه را ترک کنند. (۲) (فاضل :) گر چه اذان و اقامه را نشنیده باشد و یا موقع گفتن آن در جماعت حاضر نباشد.

(بهجت :) می تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

(زنجانی :) مسأله کسی که به نماز جماعتی حاضر می شود نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

[مسأله ۹۲۴ اگر برای خواندن نماز جماعت به مسجد رود]

مسأله ۹۲۴ اگر برای خواندن نماز جماعت (۱) به مسجد رود و ببیند جماعت تمام شده (۲) تا وقتی که صفها به هم نخورده (۳) و جمعیت متفرق نشده نمی تواند (۴) برای نماز خود اذان و اقامه بگوید (۵) در صورتی که برای جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد. (۱) (گلپایگانی ، فاضل ، سیستانی :) اگر برای خواندن نماز .. (۲) (فاضل :) ببیند نماز جماعتی که در مسجد تشکیل شده بود تمام شده .. (۳) (مکارم :) احتیاط آن است که برای نماز خود اذان و اقامه نگوید به شرط این که برای جماعت اوّل اذان و اقامه گفته شده باشد. (۴) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب نمی تواند .. (بهجت :) بنا بر أظهر لازم نیست ..

(۵) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) می تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید

(سیستانی : یعنی گفتن آن دو مستحب ِ مؤکّد نیست ، بلکه اگر می خواهد اذان بگوید بهتر آن است که آن را بسیار آهسته بگوید و اگر بخواهد نماز جماعت دیگری اقامه کند نباید اذان و اقامه بگوید).

(زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۹۲۵.

[مسأله ۹۲۵ در جایی که عده ای مشغول نماز جماعتند]

مسأله ۹۲۵ در جایی که عده ای مشغول نماز جماعتند، یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها به هم نخورده است ، اگر انسان بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می شود نماز بخواند (۱)، با سه شرط اذان و اقامه از او ساقط می شود (۲): اوّل : آن که برای آن نماز، اذان و اقامه گفته باشند. دوّم : آن که نماز جماعت باطل نباشد. سوّم : آن که نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد (۳)، پس اگر نماز جماعت ، داخل مسجد باشد و او بخواهد در بام مسجد نماز بخواند، مستحب است اذان و اقامه بگوید. (۱) (مکارم :) اذان و اقامه از او ساقط است به شرط این که اذان و اقامه گفته باشند و نماز جماعت صحیح باشد و هر دو نماز در یک مکان و هر دو اداء و مربوط به یک وقت و در مسجد باشد. [پایان مسأله] (۲) (بهجت :) بنا بر أظهر .. (۳) (بهجت :) و بنا بر احتیاط باید طوری باشد که ملحق به صف بشود ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) مسأله - (در جایی که عدّه ای مشغول نماز جماعتند، یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها بهم نخورده است ، اگر انسان بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می شود نماز بخواند با شش شرط اذان و اقامه از او ساقط می شود): اوّل : آن که نماز جماعت در مسجد باشد و اگر در مسجد نباشد، ساقط شدن اذان و اقامه اشکال دارد. دوّم : آن که برای آن نماز اذان و اقامه گفته باشند. سوّم : آن که نماز جماعت باطل نباشد. چهارم : آن که نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد، پس اگر نماز جماعت ، داخل مسجد باشد و او بخواهد در بام مسجد نماز بخواند، مستحب است اذان و اقامه بگوید. پنجم : آن که نماز او و نماز جماعت هر دو اداء باشد. ششم : آن که وقت نماز او و نماز جماعت مشترک باشد مثلًا هر دو نماز ظهر یا هر دو نماز عصر بخوانند، یا نمازی که به جماعت خوانده می شود نماز ظهر باشد و او نماز عصر بخواند یا او نماز ظهر بخواند و نماز جماعت نماز عصر باشد.

(فاضل :) با پنج شرط ..

[در رساله آیت اللّه سیستانی به جای قسمت داخل پرانتز آمده است : « در غیر مورد مذکور در مسأله قبل ، با شش شرط اذان و اقامه ساقط می شود»] (خوئی ، تبریزی :) اگر در مسجد نباشد، ساقط شدن اذان و اقامه معلوم نیست ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر در مسجد نباشد، رجاءً بگوید ..

(سیستانی :) اگر در مسجد نباشد، اذان و اقامه ساقط نیست ..

[شرط اول در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (فاضل :) برای نماز جماعت اول اذان و اقامه گفته باشند ..

(سیستانی :) پنجم : آن که نماز جماعت اداء باشد ولی شرط نیست که نماز خود او اگر منفرد است هم ادا باشد ..

(سیستانی :) و امّا اگر نماز جماعت عصر باشد در آخر وقت و او بخواهد نماز مغرب ادایی بخواند اذان و اقامه ساقط نمی شوند.

(زنجانی :) مسأله اگر در مسجد عده ای مشغول نماز جماعتند یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها بهم نخورده است ، اگر انسان بخواهد در مسجد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می شود نماز بخواند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید. این حکم در غیر مسجد جاری نیست . تا تمام افراد حاضر در نماز جماعت متفرق نشده باشند اذان و اقامه ساقط است ، پس اگر برخی متفرق شده و برخی دیگر باقی بوده ، مشغول تسبیح و مانند آن باشند، اذان و اقامه ساقط است ؛ ولی اگر به تعقیبات نماز مشغول نباشند ساقط نیست . و اگر شک داشته باشد که جماعت متفرق شده یا نه ، اذان و اقامه ساقط است .

[مسأله ۹۲۶ شک کند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه]

مسأله ۹۲۶ اگر در شرط دوم (۱) از شرطهایی که در مسأله پیش گفته شده شک کند، یعنی شک کند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه ، اذان و اقامه از او ساقط است ولی اگر در یکی از دو شرط دیگر (۲) شک کند مستحب است اذان و اقامه بگوید (۳). این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (اراکی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، فاضل :) شرط سوم .. (۲) (خوئی ، اراکی ، سیستانی ، تبریزی :) پنج شرط دیگر .. (فاضل :) چهار شرط دیگر .. (۳) (اراکی :) می تواند به قصد رجاء اذان و اقامه بگوید.

(فاضل :) بهتر است به قصد رجاء اذان و اقامه بگوید.

(سیستانی :) بهتر است اذان و اقامه بگوید ولی اگر در جماعت باشد باید به قصد رجا باشد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر در یکی از شرطهایی که در مسأله قبل گفته شد، شکّ کند چنانچه رجاءً اذان و اقامه بگوید، مطابق با احتیاط عمل کرده است .

(زنجانی :) مسأله اگر به جهت ندانستن خصوصیات خارجیِ نماز جماعت نداند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه ، اذان و اقامه ساقط است ولی اگر به جهت تردید در حکم مسأله نداند نماز جماعت صحیح بوده یا نه ، مثلًا در وجوب و عدم وجوب سوره شک دارد در نتیجه در نماز جماعتی که بدون سوره خوانده شده شک می کند که آیا صحیح است یا نه ، در این صورت اذان و اقامه ساقط نیست .

[مسأله ۹۲۷ کسی که اذان و اقامه دیگری را می شنود]

مسأله ۹۲۷ کسی که اذان و اقامه دیگری را می شنود (۱) مستحب است هر قسمتی را که می شنود بگوید (۲) ولی در حکایت

اقامه که از دیگری بشنود از «حی علی الصّلاه» تا «حی علی خیر العمل » را به امید ثواب بگوید. (۱) (سیستانی :) کسی که اذان دیگری را که برای اعلام یا برای نماز جماعت می گوید بشنود .. (۲) (گلپایگانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) آهسته بگوید. [پایان مسأله] (زنجانی :) آهسته تکرار کند. [پایان مسأله] نوری ، (فاضل :) ولی از (حَیّ علی الصَّلاه) تا (حَیّ علی خیر العَمل) را به امید ثواب بگوید.

(بهجت :) ولی از «حَیّ علی الصَّلاه» تا «حَیّ علی خیر العَمل » را به جای هر کدام (لا حول و لا قوّه الّا باللّه العلیّ العظیم) می گوید.

(مکارم :) مسأله کسی که اذان دیگری را می شنود، مستحب است هر جمله را که می شنود بازگو کند. بازگو کردن اقامه نیز به امید ثواب مستحب است (و آن را حکایت اذان و اقامه می گویند).

[مسأله ۹۲۸ کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده]

مسأله ۹۲۸ کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده ، چه با او گفته باشد یا نه ، (در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد (۱))، می تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) و از ابتدای شنیدن ، قصد نماز داشته است ، می تواند به اذان و اقامه او اکتفا کند ولی این حکم در مورد جماعتی که فقط امام اذان را شنیده باشد یا فقط مأمومین شنیده باشند مورد اشکال است . [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (زنجانی :) مسأله کسی که در نزدیکی وی اذان و اقامه گفته شده باشد؛ مثلًا هم سایه وی اذان و اقامه گفته باشد یا از کنار کسی که اذان و اقامه می گوید گذشته باشد، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می خواند زیاد فاصله نشده باشد می تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید؛ خواه اذان و اقامه دیگری را شنیده باشد یا نه ، و خواه با او اذان و اقامه گفته باشد یا نه ، هر چند بهتر است که اگر نشنیده باشد به قصد رجاء اذان و اقامه بگوید و در این مسأله لازم نیست اذان و اقامه را مرد گفته باشد، پس اگر زن نیز گفته باشد اذان و اقامه ساقط است .

[مسأله ۹۲۹ اگر مرد اذان زن را با قصد لذّت بشنود]

مسأله ۹۲۹ اگر مرد اذان زن را با قصد لذّت بشنود، اذان از او ساقط نمی شود (۱). بلکه اگر قصد لذّت هم نداشته باشد، ساقط شدن اذان اشکال دارد (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) بلکه ساقط شدن اذان با شنیدن اذان زن مطلقاً اشکال دارد. (۲) (گلپایگانی :) اگر چه خالی از وجه نیست . (خوئی ، تبریزی :) ساقط نمی شود.

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب اذان از او ساقط نمی شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود، اذان از او ساقط می شود.

(مکارم :) مسأله اگر مرد اذان زن را بشنود، اذان از او ساقط نمی شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود، اذان از او ساقط می شود.

[مسأله ۹۳۰ اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید]

اشاره

مسأله ۹۳۰ اذان و اقامه نماز جماعت را (۱) باید مرد بگوید (۲)، ولی در جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است (۳). این مسأله ، در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، صافی و بهجت نیست

(۱) (فاضل ، مکارم :) در جماعتی که مردان و زنان شرکت دارنـد .. (۲) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۳) (سیستانی :) و اکتفا به اذان و اقامه زن در نماز جماعتی که مردان آن با او محرمند محل اشکال است .

(زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب ّ آن است که اذان و اقامه نماز جماعت را مرد بگوید، مگر در نماز جماعت زنان که اگر زن اذان و اقامه بگوید، بی اشکال کافی است .

مسأله اختصاصی

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۹۳۹ هر گاه اذان و اقامه را فراموش کند و مشغول نماز شود اگر تا وارد رکوع رکعت اوّل نشده ، یادش آمد می تواند نماز را رها کرده و پس از گفتن اذان و اقامه نماز را دوباره شروع کند.

[مسأله ۹۳۱ اقامه باید بعد از اذان گفته شود]

مسأله ۹۳۱ اقامه بایـد بعد از اذان (۱) گفته شود (۲) و اگر قبـل از اذان بگوینـد صـحیح نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (تبریزی :) و در حال ایستادن و با طهارت گفته شود. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) و نیز در اقامه معتبر است که در حال ایستادن و طهارت از حدث «با وضو یا غسل یا تیمّم » باشد.

[مسأله ۹۳۲ اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید]

مسأله ۹۳۲ اگر کلمـات اذان و اقامه را بـدون ترتیب بگویـد، مثلًا «حَیّ عَلَی الفَلاح » را پیش از «حَیّ عَلَی الصَّلاه» بگویـد (۱) باید از جایی که ترتیب به هم خورده ، دوباره بگوید. (۱) (زنجانی :) اذان و اقامه صحیح نیست و می تواند آن را از سر بگیرد و می توانـد از جـایی که ترتیب بهم خورده به شـکل مرتب بخوانـد، مگر در اثر بهم خوردن ترتیب ، پی در پی بودن جملات اذان و اقامه بهم خورده باشد که باید از اول بخواند.

[مسأله ۹۳۳ باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد]

مسأله ۹۳۳ باید (۱) بیـن اذان و اقـامه فاصـله ندهـد و اگر بین آنهـا به قـدری فاصـله دهـد که اذانی را که گفته اذان این اقـامه حساب نشود (۲) مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید (۳) و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، مسـتحب است دوباره برای آن نماز، اذان و اقامه بگویـد. (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط بایـد .. (۲) (زنجانی :) کفایت نمی کند و مستحب ّاست دوباره اذان بگوید و نیز باید بین اذان و اقامه و نماز فاصله نیندازد و اگر بین آنها و نماز به قدری فاصـله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، کفایت نمی کند و مسـتحب است دوباره برای آن نماز اذان و اقامه بگوید.

(سیستانی :) اذان باطل است و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، اذان و اقامه باطل می شود. (۳) (خوئی ، تبریزی :) مستحب است دوباره اذان را بگوید ..

(مکارم :) مسأله میان اذان و اقامه بایـد زیاد فاصـله ندهد و اگر فاصـله به قدری باشد که اقامه مربوط به آن اذان حساب نشود، دوباره بگوید و هم چنین میان اذان و اقامه با نماز نباید زیاد فاصله شود و الّا اذان و اقامه را اعاده نماید.

[مسأله ۹۳۴ اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود]

مسأله ۹۳۴ اذان و اقامه بایـد (۱) به عربی صـحیح گفته شـود (۲) پس اگر به عربی غلـط بگویـد (۳)، یـا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، یا مثلًا ترجمه آنها را به فارسی (۴) بگوید صحیح نیست . (۱) (بهجت :) باید بنا بر احتیاط .. (۲) (بهجت :) بلکه لُزوم آن خالی از وجه نیست .. (۳) (مکارم :) یا ترجمه آنها را به فارسی یا زبان دیگر بگوید صحیح نیست .

(بهجت :) اگر چه معنی را تغییر ندهد .. (۴) (فاضل :) یا زبان دیگر ..

[مسأله ۹۳۵ اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود]

اشاره

مسأله ۹۳۵ اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشـی پیش از وقت بگوید باطل است (۱). (۱) (سیسـتانی :) مگر در صورتی که اگر وقت در میـان نمـاز داخـل شود، حکم به صـحّت آن نماز می شود که در مسأله [۷۴۴] بیان آن گذشت .

(بهجت :) مگر برای این که مردم مهیّا برای نماز شونـد و یا کارهای خود را رها کننـد که بعیـد نیست یک اذان قبلًا گفته شود اگر مردم را به اشتباه نیندازد و بعد اذان دیگری برای نماز گفته شود.

(مکارم :) مسأله اذان و اقامه را قبل از داخل شدن وقت نماز نمی توان گفت و اگر بگوید باطل است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۷۷۰ اگر کسـی اذان و اقـامه را فراموش کرد و بعـد از رکوع یادش آمـد؛ برای درک آنها نمی توانـد نماز را قطع کند؛ ولی اگر قبل از رکوع یادش آمد، مسـتحب است به قصد تحصیل ثواب اذان و اقامه نماز را قطع کند و بعد از اذان و اقـامه نمـاز را از سـر بگیرد، و اگر فقـط اذان را به تنهـایی فراموش کرده بنـا بر أظهر قطع نمـاز جایز نیست ، و اگر فقط اقامه را فراموش کرده ، جواز قطع نماز خالی از وجه نیست ، اگر چه خلاف احتیاط است .

[مسأله ۹۳۶ اگر پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان گفته]

مسأله ۹۳۶ اگر پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان گفته یا نه باید اذان را بگوید، ولی اگر مشغول اقامه شود و شک کند که اذان گفته یا نه ، گفتن اذان لازم نیست .

[مسأله ۹۳۷ اگر در بین اذان یا اقامه]

مسأله ۹۳۷ اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آن که قسمتی را بگوید شک کند که قسمت پیش از آن را گفته یا نه ، باید قسمتی را که در گفتن آن شک کرده بگوید، ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شک کند که آن چه پیش از آن است گفته یا نه ، گفتن آن لازم نیست . (۱) (۱) (بهجت :) شک کند جمله قبلی را گفته یا نه ، بعید نیست گفتن آن لازم نباشد.

(مکارم :) مسأله اگر در جمله های اذان و اقامه شک کند، احتیاط آن است که برگردد و به جا آورد.

[مسأله ۹۳۸ مستحب است انسان در موقع گفتن اذان ، رو به قبله بایستد]

مسأله ۹۳۸ مستحب است انسان در موقع گفتن اذان ، رو به قبله بایستد و با وضو یا

غسل باشد (۱) و دستها را به گوش بگذارد (۲) و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزند (۳). (۱) (بهجت :) ولی در اقامه بنا بر احوط با وضو یا غسل بودن شرط است و در اذانی که برای اعلام داخل شدن وقت است ، مستحب است جای بلندی بایستد .. (۲) (اراکی :) انگشتان را در گوشها بگذارد ..

(مکارم :) مستحب است در موقع اذان گفتن رو به قبله بایستد و با وضو باشد .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و امّا در اقامه باید با طهارت باشد بلکه بنا بر احتیاط لازم رو به قبله و ایستاده باشد.

[مسأله ۹۳۹ مستحب است بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد]

مسأله ۹۳۹ مستحب است (۱) بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد و آن را از اذان آهسته تر بگوید (۲) و جمله های آن را به هم نچسباند، ولی به اندازه ای که بین جمله های اذان فاصله می دهد، بین جمله های اقامه فاصله ندهد. (۱) (مکارم :) شایسته است .. (۲) (بهجت :) و بین جمله های آن کمتر از اذان فاصله دهد ولی جمله ها را به هم نچسباند و به خلاف اذان که با تأنّی گفته می شود اقامه را سریعتر بگوید.

(مکارم :) و فاصله جمله ها را کمتر کند و میان اذان و اقامه یک گام بردارد، یا کمی بنشیند یا سجده کند یا دعا نماید یا دو رکعت نماز به جا آورد.

(زنجانی :) آن را نیز بلند، لکن از اذان آهسته تر بگوید و بین اقامه حرف نزند ..

[مسأله ۹۴۰ مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد]

مسأله ۹۴۰ مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد، یا قدری بنشیند یا سجده کند (۱) یا ذکر بگوید یا دعا بخواند، یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صبح (۲) مستحب نیست (۳) ولی نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب را به امید ثواب بیاورد. (۱) [عبارت « یا سجده کند» در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب مستحب نیست . (۳) (اراکی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۹۳۹).

(بهجت :) مسأله مستحب است بین اذان و اقامه در غیر نماز مغرب دو رکعت نماز بخواند و در صورت نخواندن نافله قدری بنشیند یا سجده نماید یا قدمی بردارد، و در مغرب کافی است قدری ساکت شود یا قدمی بردارد و حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صبح اگر ذکر نباشد مکروه است .

[مسأله ۹۴۱ اوصاف مؤذن]

اشاره

مسأله ۹۴۱ مستحب است (۱) کسی را که برای گفتن اذان معیّن می کنند، عادل و وقت شناس (۲) و صدایش بلند (۳) باشد و اذان را در جای بلند بگوید (۴). (۱) (مکارم :) بهتر است ..

(۲) (بهجت :) عادل و بینا و وقت شناس باشد یا این که راهنما داشته باشد .. (۳) (مکارم :) و مناسب .. (۴) (فاضل ، مکارم :) و در صورتی که از بلندگوها استفاده شود مانعی ندارد گوینده اذان در محل ّ پایین قرار گیرد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۷۷۷ مؤذّن در مقابل اذان گفتن بنا بر احتیاط واجب نباید مزد بگیرد و امّا چیزی که عنوان مزد ندارد جایز است ، مثل ارتزاق از بیت المال و یا موقوفه ای که از درآمد آن برای مؤذّن سهمی در نظر گرفته شده است .

(مکارم :) مسأله ۸۵۹ (فاضل :) مسأله ۹۵۹ شنیدن اذان از رادیو و ضبط صوت و مانند آن برای نماز کافی نیست بلکه خود نمازگزاران باید اذان بگویند.

(مکارم :) مسأله ۸۶۱ (فاضل :) مسأله ۹۶۰ احتیاط واجب آن است که اذان را همیشه به قصد نماز بگویند و گفتن اذان برای اعلام دخول وقت بدون قصد نماز بعد از آن مشکل است .

(فاضل :) مسأله ۹۶۱ اگر اذان و اقامه را به قصد نماز فرادی بگوید بعد جماعتی از او تقاضا کنند تا امام جماعت آنان شود یا بخواهد به عنوان مأموم نمازش را به جماعت بخواند آن اذان و اقامه کافی نیست و مستحب ّاست دوباره بگویند.

اذان و اقامه (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۴۵۰ گفتن اذان نباید مردم را به اشتباه بیندازد]

س ۴۵۰: در روستای ما مؤذن همیشه اذان صبح را در ماه مبارک رمضان چند دقیقه قبل از وقت می گویدتا مردم بتوانند تا وسط یا آخر اذان به خوردن و آشامیدن ادامه دهند، آیا این کار صحیح است ؟

ج : اگر گفتن اذان ، مردم را به اشتباه نیندازد و به عنوان اعلام طلوع فجر نباشد، اشکال ندارد.

[س ۴۵۱ اذان برای اعلان دخول وقت نماز]

س ۴۵۱: بعضی از افراد برای اعلان دخول وقت نماز، اقدام به گفتن اذان به صورت دسته جمعی در معابر عمومی می کنندکه الحمد للّه این کار اثر زیادی در جلوگیری از فساد علنی در منطقه داشته و موجب روی آوردن مردم بخصوص جوانان به نماز اوّل وقت شده است . ولی فردی می گوید این عمل در دین اسلام وارد نشده و بدعت است و گفته او باعث ایجاد شبهه در این زمینه شده است . نظر شریف حضرت عالی چیست ؟

ج : اذان اعلامی در اوّل وقت نمازهای واجب یومیه و تکرار آن با صدای بلند از طرف شنوندگان از مستحبات شرعی موکّد

است و اذان گفتن به صورت دسته جمعی در معابر عمومی ، اگر موجب سدّ معبر و یا اذیّت دیگران نشود، اشکال ندارد.

[س ۴۵۲ اذان با صدای بلند یک عمل عبادی سیاسی است]

س ۴۵۲: از آنجا که اذان گفتن با صدای بلند یک عمل عبادی سیاسی است که ثواب زیادی دارد، تعدادی از مؤمنین تصمیم گرفته انـد که بـدون بلنـدگو بالای بام خانه های خود بخصوص برای نماز صبح ، اذان بگویند. سؤال این است که در صورت اعتراض بعضی از هم سایگان این عمل چه حکمی دارد؟

ج : اذان گفتن بر بالای بام به نحو متعارف اشکال ندارد.

[س ۴۵۳ پخش برنامه های خاص سحرهای ماه مبارک رمضان از بلندگوی مسجد]

س ۴۵۳: پخش برنامه های خاص سحرهای ماه مبارك رمضان از بلندگوی مسجد جهت شنیدن همگان ، چه حکمی دارد؟

ج : در جاهائی که بیشتر مردم در شبهای ماه مبارك رمضان برای قرائت قرآن و خواندن دعا و شرکت در مراسم دینی و امثال آن بیدار هستند، اشکال ندارد. ولی اگر سبب اذیت هم سایگان مسجد شود، جایز نیست .

[س ۴۵۴ پخش آیات قرآنی قبل از اذان صبح]

س ۴۵۴: آیا پخش آیات قرآنی قبل از اذان صبح و دعا بعد از آن با صدای بلند به وسیله بلندگوی مسجد و سایر مراکز به طوری که از چند کیلومتر دورتر قابل شنیدن باشد، جایز است ؟ با توجه به این که این برنامه گاهی بیشتر از نیم ساعت طول می کشد.

ج : پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت هم سایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است .

[س ۴۵۵ مرد در نماز به اذان زن اکتفا نکند]

س ۴۵۵: آیا جایز است که مرد در نماز به اذان زن اکتفا کند؟

ج : اکتفا به اذان زن برای مرد محل اشکال است .

[س ۴۵۶ شهادت سوم اذان]

س ۴۵۶: نظر شریف جناب عالی در باره شهادت سوم اذان که دلالت بر پیشوا بودن و ولایت سید الاوصیاء علی بن ابی طالب «صلوات اللّه علیه و علیهم » می کند، در اذان و اقامه نماز واجب چیست ؟

ج : گفتن «اشهد إن علیاً ولی اللّه » به عنوان شعار تشیع خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود، ولی جزو اذان و اقامه نیست .

[س ۴۵۷ نماز ایستاده و نشسته]

س ۴۵۷: مدتی است از درد کمر رنج می برم ولی گاهی اوقات درد آن شدیدتر است به حدّی که نمی توانم نمازهایم را ایستاده بخوانم ، با توجه به این مسأله ، اگر اوّل وقت بخواهم نماز بخوانم ، باید نشسته بخوانم ولی اگر صبر کنم ، شاید در

آخر وقت بتوانم ایستاده نماز بخوانم ، با این وضع وظیفه من چیست ؟

ج : اگر احتمال می دهید که در آخر وقت بتوانید نماز خود را ایستاده بخوانید، بنا بر احتیاط، باید تا آن هنگام صبر کنید، ولی اگر در اوّل وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواندید و سپس تا آخر وقت عذر شما برطرف نشد نمازی که خوانده اید صحیح است و اعاده لازم نیست و اگر در اوّل وقت قادر بر نماز ایستاده نبودید و یقین داشتید که ناتوانی شما از نماز تا آخر وقت ادامه خواهد یافت ، ولی قبل از آخر وقت عذر شما بر طرف شد و توانستید ایستاده نماز بخوانید باید نماز را به طور ایستاده اعاده کنید.

واجبات نماز

[واجبات نماز از رساله حضرت امام]

واجبات نماز یازده چیز است :

اشاره

اول : نیت ، دوّم : قیام یعنی ایستادن ، سوّم : تکبِیرَهُ الاحرام یعنی گفتن اللّه أکبر در اول نماز، چهارم : رکوع ، پنجم : سجود، ششم : قرائت ، هفتم : ذکر (۱)، هشتم : تشهد، نهم : سلام ، دهم : ترتیب ، یازدهم : موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز.

(۱) (مکارم ، زنجانی :) ذکر رکوع و سجود ..

[مسأله ۹۴۲ بعضی از واجبات نماز رکن است]

مسأله ۹۴۲ بعضی از واجبات نماز رکن است ، یعنی اگر انسان آنها را به جا نیاورد، (یا در نماز اضافه کند (۱)) عمداً باشد یا اشتباهاً، نماز باطل می شود. و بعضی دیگر رکن نیست ، (۲) یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود و چنانچه اشتباهاً کم یا زیاد گردد نماز باطل نمی شود و رکن نماز پنج چیز است : اول : نیت . دوم : تکبیره الاحرام (۳). سوم : قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع ، یعنی ایستادن پیش از رکوع . چهارم : رکوع . پنجم : دو سجده (۴). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی ، تبریزی و زنجانی نیست] (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) یعنی اگر اشتباهاً کم گردد نماز باطل نمی شود و رکن نماز پنج چیز است : اوّل : نیت . دوّم : تکبیره الاحرام . سوم : قیام متصل به رکوع ، یعنی ایستادن پیش از رکوع . چهارم : رکوع . پنجم : دو سجده از یک رکعت ؛ و اما نسبت به زیادی در صورتی که عمدی باشد، مطلقاً نماز باطل می شود و در صورتی که از روی اشتباه باشد اگر زیادی در رکوع یا در دو سجده از یک رکعت باشد نماز (سیستانی : بنا بر احتیاط لازم) باطل است و الّا باطل نیست .

(زنجانی :) یعنی اگر اشتباهاً کم گردد نماز باطل نمی شود. رکن نماز چهار چیز است : اول : نیّت . دوّم : قیام متصل به رکوع یعنی از حالت ایستاده به رکوع رفتن . سوم : رکوع . چهارم : سجده . و اما نسبت به زیادی ، در صورتی که عمدی باشد مطلقاً نماز باطل می شود و در صورتی که از روی اشتباه باشد تفصیلاتی دارد که در مسأله [۱۱۰۹] و در قسمت کم و زیاد شدن اجزاء و شرایط نماز مسأله [۱۲۶۴] به بعد خواهد آمد. (۳) (صافی :) ولی زیاد شدن سهوی آن بنا بر احتیاط، موجب باطل شدن نماز است بنا بر این ، احتیاط، اتمام نماز و اعاده آن است .. (۴) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) پنجم : دو سجده از یک رکعت .

(مکارم :) پنجم : دو سجده . (البته در نیت ، زیادی تصور نمی شود و زیادی تکبیره الإحرام نیز اگر از روی سهو باشد نماز را باطل نمی کند هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را اعاده کند).

نیّت

[مسأله ۹۴۳ انسان باید نماز را به نیت قربت انجام دهد]

مسأله ۹۴۳ انسان باید نماز را به نیت قربت ، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم (۱) به جا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلًا به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربهً إلی اللّه (۲). (۱) (سیستانی :) برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند عالم ..

(زنجانی :) برای خداوند عالم .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه در نماز احتیاط، احتیاط لازم ، نگفتن به زبان است .

(مکارم :) همین اندازه که اگر سؤال کنند چه می کنی ، بتواند جواب دهد که برای خدا نماز می خوانم کافی است .

(بهجت :) بلکه همین قدر که انگیزه انسان از این کار نماز خواندن برای خدا باشد در

(مکارم :) مسأله ۹۴۳ در احکام رکوع فرقی بین نماز واجب و مستحب ّنیست حتّی زیادی رکوع بنا بر احتیاط واجب .

تحقّق نيّت كافى است . ولى بهتر و أفضل اين است كه نيّت نماز را از قلب خود بگذراند مگر اين كه نزديك به حدّ وسوسه برسد.

[مسأله ۹۴۴ اگر در نماز ظهر يا در نماز عصر نيت كند]

مسأله ۹۴۴ اگر در نماز ظهر يا در نماز عصر نيت كند كه چهار ركعت نماز مى خوانم و معين نكند، ظهر است يا عصر (۱)، نماز او باطل است (۲). و نيز كسى كه مثلًا قضاى نماز ظهر بر او واجب است ، اگر در وقت نماز ظهر بخواهد آن نماز قضا يا نماز ظهر را بخواند، بايد نمازى را كه مى خواند، در نيت معيّن كند (۳). (۱) (بهجت :) و تصميم هيچ كدام از اين دو را نداشته باشد .. (۲) (سيستانى :) ولى كافى است نماز ظهر را به عنوان نماز اوّل و نماز عصر را به عنوان نماز دوّم تعيين كند .. (۳) (بهجت :) بنا بر أحوط.

(مكارم :) مسأله در موقع نيّت بايد قصد كند كه نماز ظهر را مى خواند يا عصر، يا نمازهاى ديگر و اگر فقط نيّت كند چهار ركعت نماز مى خوانم كافى نيست ، بلكه نمازى را كه مى خواند بايد در نيّت خود معيّن كند و احتياط واجب آن است كه قضاء و اداء بودن آن را نيز معيّن نمايد.

(زنجانى :) مسأله در نيت نماز بايد ظهر يا عصر بودن نماز را معين كند و لو به نحو اجمال ، مثل آن كه نيت كند: " آن چه بر من اول واجب شده به جا مى آورم " ؛ پس اگر در نماز ظهر يا در نماز عصر نيت كند كه چهار ركعت نماز مى خوانم و به نحو اجمال هم معين نكند ظهر است يا عصر، نماز او باطل است . و نيز كسى كه مثلًا قضاى نماز ظهر بر او واجب است اگر در وقت نماز ظهر بخواهد آن نماز قضا يا نماز ظهر را بخواند، بايد نمازى را كه مى خواند در نيت معين كند.

[مسأله ۹۴۵ انسان بايد از اول تا آخر نماز به نيت خود باقى باشد]

مسأله ۹۴۵ انسان بايد از اول تا آخر نماز به نيت خود باقى باشد، پس اگر در بين نماز به طورى غافل شود كه اگر بپرسند چه مى كنى ، نداند چه بگويد، نمازش باطل است .

[مسأله ۹۴۶ انسان بايد فقط براى انجام امر خداوند عالم نماز بخواند]

مسأله ۹۴۶ انسان بايد فقط براى انجام امر خداوند عالم (۱) نماز بخواند، پس كسى كه ريا كند يعنى براى نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است (۲) خواه فقط براى مردم باشد، يا خدا و مردم هر دو را در نظر بگيرد. (۱) (سيستانى :) براى تذلل در پيشگاه خداوند عالم .. (زنجانى :) براى خداوند عالم .. (۲) (بهجت :) بنا بر احوط ..

(مكارم :) مسأله هر كس براى ريا يعنى نشان دادن به مردم نماز يا عبادت ديگرى را انجام دهد، علاوه بر اين كه عبادتش باطل است ، گناه كبيره نيز انجام داده است و اگر خدا و مردم را هر دو در نظر بگيرد، باز عملش باطل و گناه كبيره است .

[مسأله ۹۴۷ اگر قسمتى از نماز را هم براى غير خدا به جا آورد]

اشاره

مسأله ۹۴۷ اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد، نماز باطل است ، (چه آن قسمت ، (۱) واجب باشد مثل حمد و سوره ، چه مستحب باشد مانند قنوت (۲))، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد (۳) ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت ، یا به طرز مخصوصی ، مثلًا با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است (۴).

(۱) (فاضل :) چه آن قسمت ریایی .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و لکن در مستحب، احتیاط لازم آن است که نماز را تمام و دوباره اعاده نماید ..

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب . هر گاه اصل نماز را برای خدا می خواند ولی به قصد ریا آن را در مسجد یا در اوّل وقت یا با جماعت انجام می دهد، نمازش باطل است ، ولی اگر برای ریا نیست بلکه نماز خواندن در اوّل وقت یا در مسجد برای او راحت تر است ، اشکالی ندارد.

(بهجت :) و چه از افعال نماز باشد یا از قبیل دعا و ذکر باشد، مگر این که از چیزهایی باشد که شرط صحیح بودن نماز است ولی قصد قربت در انجام آن لازم نیست مثل پوشاندن عورت . [پایان مسأله [] قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۳) (سیستانی :) اگر قسمتی از نماز را برای غیر خدا به جا آورد، چه آن قسمت ، واجب باشد مثل حمد یا مستحب باشد مثل قنوت ، اگر آن قصد غیر خدائی به تمام نماز سرایت کند مثلًا قصد ریا در عملی باشد که مشتمل بر آن جزء است یا آن که از تدارک آن قسمت ، زیادی مُبطل لازم آید نمازش باطل است و اگر نماز را برای خدا به جا آورد .. (۴) (خوئی :) و بنا بر احتیاط، اگر جزءِ مستحبّی را نیز مثل قنوت برای غیر خدا به جا آورد نمازش باطل است .

(تبریزی :) و بنا بر احتیاط، اگر جزءِ مستحبّی را نیز مثل قنوت برای غیر خدا به جا آورد آن را تمام کرده بعد نماز را اعاده کند.

(زنجانی :) مسأله اگر قسمتی از نماز را برای خداوند عالم انجام ندهد، چنانچه به جهت نشان دادن به مردم باشد نمازش باطل است ؛ خواه آن قسمت واجب باشد مثل «حمد»، یا مستحب باشد مثل «قنوت »، و چنانچه به جهت مباحی ؛ مانند اعلام مطلبی به غیر باشد، آن قسمت باطل است ، پس اگر آن قسمت را عمداً زیاد کرده باشد نمازش باطل است ، در غیر این صورت فقط همان قسمت باطل می شود پس اگر آن قسمت را دوباره بخواند یا آن قسمت ، مستحبی باشد نمازش صحیح است . و اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت ، یا به طرز مخصوصی مثلًا با جماعت نماز بخواند نمازش باطل است ؛ ولی اگر به خاطر کار مباحی ، مثل خنک بودن مسجد یا خنک بودن هوا در اول وقت یا نخواندن حمد و سوره در جماعت باشد، اشکالی ندارد هم چنان که اگر نماز را برای خدا بجا آورد لکن برای اعلام مطلبی به دیگری با صدای بلند بخواند نمازش صحیح است .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۷۸۴ اگر کسی مثلا خواست نماز ظهر بخواند ولی موقع شروع در نماز اشتباهاً به جای لفظ ظهر، لفظ عصر به زبان او آمد یا این که در قلبش به جای ظهر مثلًا عصر اشتباهاً خطور کرد، ولی انگیزه او از این عمل نماز ظهر بود مانعی ندارد و نماز او صحیح است .

(بهجت :) مسأله ۷۸۵ عدول نیّت از نافله به فریضه و بالعکس جایز نیست و در صورت

عـدول در مورد اول ، نماز نه نافله حساب می شود و نه فریضه ، ولی در مورد دوّم بعضـی از موارد اسـتثناء شده است ، چنانچه در مسائل نماز جماعت خواهد آمد.

تکبیره الإحرام

[مسأله ۹۴۸ گفتن اللّه اکبر در اول هر نماز واجب و رکن است]

مسأله ۹۴۸ گفتن اللّه اکبر در اول هر نماز واجب و رکن است و بایـد (۱) حروف «اللّه » و حروف «اکـبر» و دو کلمه «اللّه اکبر» را پشت سر هم بگوید (۲) و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود (۳) و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلًا ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست . (۱) (بهجت :) بایـد بنا بر احوط .. (۲) (زنجـانی :) گفتن «اللّه أکبر» در اول هر نماز واجب است ، ولی ظاهراً رکن نیست ، پس اگر آن را فراموش کنـد و در رکـوع یـا بعـد از آن متـوجه شود نمـازش صـحیح است و احتیاط مسـتحب آن است که نماز را دوباره بخوانـد و اگر قبل از رکوع متوجه شود نمازش باطل است و بایـد حروف «اللّه » و حروف «اکبر» را پشت سر هم بگوید .. (۳) (بهجت :) باید کسی که می تواند، این دو کلمه را به عربی صحیح بگوید ..

(مکارم :) مسأله اوّلین جزء نماز «اللّه أکبر» است که آن را «تکبیره الإحرام » می گوینـد و ترک آن خواه از روی عمـد باشد یا سهو، نمـاز را باطل می کنـد امّا اضافه کردن آن (یعنی به جای یک اللّه اکبر مثلًا دو مرتبه اللّه اکبر بگویـد) اگر عمـدی باشـد، موجب باطل شدن نماز است .

[مسأله ۹۴۹ تکبیره الاحرام]

مسأله ۹۴۹ احتیاط واجب (۱) آن است که تکبیره الا۔حرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خوانـد، مثلًا به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می خواند نچسباند (۲). این مسـأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (تبریزی ، سیستانی :) احتیاط مستحب۔.. (۲) (زنجانی :) یعنی همزه «اللّه اکبر» را به جهت اتصال به قبل ساقط نکند.

[مسأله ۹۵۰ اگر انسان بخواهد اللّه أکبر را به چیزی که بعد از آن می خواند]

مسأله ۹۵۰ اگر انسان بخواهـد «اللّه أکبر» را به چیزی که بعـد از آن می خوانـد مثلًا به «بسم اللّه الرحمن الرحیم » بچسـباند باید «ر» اکبر را پیش بدهد (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) ولی احتیاط واجب آن است که در نماز واجب نچسباند.

(فاضـل ، تبریزی ، سیسـتانی :) بهتر است حرف «راء» اکبر را ضـمّه بدهـد هر چنـد احتیـاط مسـتحب۔است که در نمـاز واجب متّصل نکند.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب «ر» اکبر را پیش بدهد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۰۰۴).

[مسأله ۹۵۱ موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن آرام باشد]

مسأله ۹۵۱ موقع گفتن تکبیره الاـحرام ، (۱) باید بدن آرام باشد (۲) و اگر عمداً (۳) در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیره الاحرام را بگویـد باطل است (۴) و چنـانچه سـهواً حرکت کنـد بنا بر احتیاط واجب بایـد اول ، عملی که نماز را باطل می کند انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

(۱) (سیستانی :) در نماز واجب .. (۲) (مکارم :) و اگر در حالی که مثلًا قدم برمی دارد اللّه أکبر بگوید باطل است و چنانچه سهواً بگوید احتیاط واجب آن است کاری کند که نماز باطل شود (مثلًا صورت را به طرف پشت قبله کند) و دوباره تکبیر بگوید. (۳) (زنجانی :) اگر با علم و عمد .. (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و هم چنین بنا بر احتیاط اگر سهواً یا از روی فراموشی باشد، نیز باطل است .

[مسأله ۹۵۲ تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند]

مسأله ۹۵۲ تکبیر و حمد و سوره (۱) و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود (۲) و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود. (۳) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و سایر ذکرهای نماز را باید طوری بخواند که اگر مانعی در کار نباشد، حدّ اقلّ خودش آن را بشنود. (۲) (سیستانی :) خودش لا اقل همهمه خود را بشنود .. (۳) (زنجانی :) باید طوری بگوید که اگر افراد متعارف بگویند و مانعی نباشد خودشان بشنوند.

[مسأله ۹۵۳ کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد]

مسأله ۹۵۳ کسی که لال است (۱) یا زبان او مرضی دارد که نمی تواند (۲) «اللّه أکبر» را درست بگوید، باید به هر طوری که می تواند بگوید و اگر هیچ نمی تواند بگوید (۳) باید (۴) در قلب خود بگذراند و برای تکبیر اشاره کند و زبانش را هم اگر می تواند حرکت دهد. (۱) (سیستانی :) کسی که به واسطه عارضه ای لال شده .. (۲) (زنجانی :) کسی که بخاطر بیماری یا لال بودن نمی تواند .. (۳) (بهجت :) برای تکبیر بنا بر أحوط با انگشت اشاره کند و اگر می تواند زبانش را هم حرکت دهد.

(سیستانی :) باید تکبیر را در قلب خود بگذراند و برای او به طوری که مناسب حکایت لفظش باشد با انگشتش اشاره کند و زبان و لبش را هم اگر می تواند حرکت دهد، و امّا کسی که لال مادر زاد است ، باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تلفّظ به تکبیر می کند، حرکت دهد و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید. (۴) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط باید ..

(مکارم :) مسأله کسانی که به خاطر بیماری یا لال بودن نمی توانند تکبیر را درست بگویند باید هر طوری می توانند بگویند و اگر هیچ نمی توانند بگویند، احتیاط واجب آن است که اشاره کنند و با زبانی که در میان افراد کر و لال متعارف است ، آن را ادا نمایند و در قلب خود نیز بگذرانند.

[مسأله ۹۵۴ مستحب است بعد از تکبیره الاحرام بگوید]

مسأله ۹۵۴ مستحب است بعد از تکبیره الاحرام بگوید (۱):

«یا مُحسِن ُقَد اَتَاکَ َالمُسِیّ ءُ وَ قَد امَرت َالُمحسِن َان یَتَجَاوَزَ عَن ِالمُسِیّ ء انت َالُمحسِن ُوَ أَنَا المُسی ءُ بِحَق ِّمُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ صَل ِّعَلَی مُحَمَّدٍ وَ آل ِمُحَمَّدٍ وَ تَجاوَز عَن قَبیح ِما تَعلَم ُمِنّی ».

یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می کنی بنده گنه کار به در خانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گنه کار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناه کار، به حق محمّد و آل محمدصلی اللّه علیه و آله و سلم رحمت خود را بر محمّد و آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم بفرست و از بدیهایی که می دانی از من سر زده بگذر. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (فاضل ، زنجانی :) مستحب است قبل از تکبیره الإحرام بگوید: ..

(مکارم :) مستحب است بعد از تکبیره الاحرام به قصد رجاء این دعا را بخوانند: ..

(سیستانی :) خوب است قبل از تکبیره الاحرام به قصد رجاء بگوید: ..

[مسأله ۹۵۵ مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز]

مسأله ۹۵۵ مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد (۱). (۱) (بهجت :) دستها را تا مقابل گوشها یا مقابل صورت یا گونه ها یا مقابل پایین گردن بالا ببرد. و نباید دستها را از مقابل گوشها و سر بالاتر ببرد؛ و مستحب است در نماز جماعت امام تکبیر را بلند و مأموم آهسته بگوید.

[مسأله ۹۵۶ اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه]

مسأله ۹۵۶ اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه چنانچه مشغول خواندن چیزی (۱) شده ، به شک خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده ، باید تکبیر را بگوید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) چیزی از قرائت ..

(فاضل :) چیزی از قرائت یا ذکرهای مستحب قبل از آن مثل استعاذه ..

[مسأله ۹۵۷ اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند]

مسأله ۹۵۷ اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) ولی مستحب است نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(اراکی :) بنا بر احتیاط واجب نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه مشغول خواندن چیزی شده به شک خود اعتنا نکند و هم چنین است اگر چیزی نخوانده و لکن احتیاط مستحب آن است که در این صورت نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) چه مشغول خواندن چیزی شده باشد یا نه ، به شک خود اعتنا نکند.

(زنجانی :) چه مشغول چیزی شده باشد یا نه ، به احتیاط واجب تکبیره الاحرام او محکوم به بطلان است و احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کرده ، و دوباره اعاده کند؛ ولی می تواند آن را قطع کرده ، اعاده کند.

قیام (ایستادن)

[مسأله ۹۵۸ قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام]

مسأله ۹۵۸ قیـام در موقع گفتن تکبیره الاحرام (۱) و قیـام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گوینـد رکن است ، ولی قیام در موقع خوانـدن حمـد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست (۲) و اگر کسـی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است . (۱) (بهجت :) بنا بر ظاهر .. (۲) (مکارم :) واجب است امّا رکن نیست . [پایان مسأله] (زنجانی :) مسأله قیام پیش از رکوع ، که آن را قیام متصل به رکوع می گویند، رکن است ،

و مراد از آن ، از حالت ایستاده به رکوع رفتن است و لازم نیست پس از اتمام قرائت ، مقداری صبر کند و سپس به رکوع برود.

[مسأله ۹۵۹ واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد]

مسأله ۹۵۹ واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است . این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (زنجانی :) مسأله قیام در موقع تکبیره الاحرام مانند خود تکبیره الاحرام واجب است و ظاهراً رکن نیست و قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع واجب است ولی بی تردید رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند نمازش صحیح است .

[مسأله ۹۶۰ اگر رکوع را فراموش کند]

مسأله ۹۶۰ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند (۱) و یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد (۲)، چون قیام متّصل به رکوع را به جا نیاورده (۳)، نماز او باطل است . (۱) (فاضل :) بعد از حمد و سوره به نیت سجده خم شود .. (۲) (زنجانی :) کفایت نمی کند، بلکه باید بایستد و دوباره رکوع کند و اگر این کار را نکند نمازش باطل است . (۳) (سیستانی :) کفایت نمی کند.

[مسأله ۹۶۱ موقعی که ایستاده است]

مسأله ۹۶۱ موقعی که ایستاده است (۱) باید بدن را حرکت ندهد (۲) و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد. (۱) (صافی :) موقعی که برای تکبیره الاحرام یا قرائت ایستاده است .. (۲) (بهجت :) عمداً حرکت ندهد ..

(خوئی ، زنجانی :) مسأله موقعی که برای تکبیره الاحرام یا قرائت ایستاده است ، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود، و بنا بر احتیاط در حال اختیار به جایی تکیه نکند ولی اگر از روی ناچاری باشد اشکالی ندارد.

(سیستانی :) باید راه نرود و به طرفی خم نشود و بنا بر احتیاط لازم بدن را حرکت ندهد و در حال اختیار به جایی تکیه نکند ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط به جایی تکیه نکند ..

(مکارم :) مسأله در موقع قیام نباید بدن و پاها را حرکت دهد و به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، مانعی ندارد.

[مسأله ۹۶۲ اگر موقعی که ایستاده]

مسأله ۹۶۲ اگر موقعی که ایستاده ، از روی فراموشی بدن را حرکت دهد (۱)، یا به طرفی خم شود، یا به جایی تکیه کند،

اشکال ندارد (۲) ولی در قیام ِموقع ِ گفتن تکبیره الاحرام و قیام ِمتصل به رکوع اگر از روی فراموشـی هم باشد، بنا بر احتیاط واجب (۳)، باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند (۴). (۱) (سیستانی :) از روی فراموشی قدری راه برود ..

(۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۴) (صافی :) بنا بر احتیاط مستحب نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه در حال قیام برای حمد و سوره از روی فراموشی بدن و پاها را حرکت دهد یا به طرفی خم شود نماز باطل نیست امّا اگر در موقع تکبیره الاحرام و قیام متّصل به رکوع باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و اعاده نماید.

[مسأله ۹۶۳ باید در موقع ایستادن ، هر دو پا روی زمین باشد]

مسأله ۹۶۳ باید (۱) در موقع ایستادن ، هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد. (۲) (۱) (گلپایگانی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، نوری :) احتیاط واجب آن است که ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که .. (۲) (بهجت :) و اگر ایستادن صدق کرد و از روی فراموشی روی یک پا قرار گرفت نمازش باطل نیست ، گر چه محلّ احتیاط است .

(مکارم :) مسأله هر گاه در موقع قیام روی یک پا بایستد نمازش اشکال دارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن را به طور مساوی روی هر دو پا قرار دهد.

[مسأله ۹۶۴ کسی که می تواند درست بایستد]

مسأله ۹۶۴ کسی که می تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد (۱) نمازش باطل است . (۲) (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) که ایستادن بر او صدق نکند ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر پاها را خیلی باز بگذارد به حدّی که به او ایستاده نگویند ..

(فاضل :) که عرفاً قیام بر آن صدق نکند .. (۲) (سیستانی :) بلکه بنا بر احتیاط لازم نباید پاها را خیلی گشاد بگذارد هر چند ایستادن صدق کند.

(بهجت :) مسأله کسی که می تواند درست بایستد، لازم است پاها را طوری گشاد نگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد ولی اگر بگویند ایستاده است و یا از روی فراموشی پاها را بیش از متعارف باز کرد، نمازش باطل نمی شود گر چه محلّ احتیاط است .

(مکارم :) مسأله اگر پاها را بیش از اندازه گشاد بگذارد به طوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است مگر این

که ناچار باشد.

[مسأله ۹۶۵ موقعی که انسان در نماز می خواهد]

مسأله ۹۶۵ موقعی که انسان در نماز می خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید ولی «بِحَولِ اللّه ِوَ قُوَّتِه ِ أَقُوم ُوَ أَقعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی حرکت باشد بلکه (احتیاط واجب آن است که (۱)) در موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد.
این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزی است ، حتی (زنجانی : بنا بر احتیاط واجب در) موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد و در موقعی که می خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد باید چیزی نگوید ولی «بحول اللّه و قوته اقوم و اقعد» را باید در حال برخاستن بگوید.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) مسأله موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزی از اذکار واجب است باید بدنش آرام باشد (سیستانی : و هم چنین بنا بر احتیاط لازم وقتی که مشغول چیزی از اذکار مستحب ٌمی باشد) و در موقعی که می خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید.

[مسأله ۹۶۶ اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید]

مسأله ۹۶۶ اگر (۱) در حال حرکت بدن ذکر بگوید (۲) مثلًا موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید (۳)، چنانچه آن را به قصد ذکری که (۴) در نماز دستور داده اند بگوید (۵)، باید (۶) نماز را دوباره بخواند (۷) و اگر به این قصد نگوید، بلکه بخواهد ذکری گفته باشد نماز صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) اگر با علم و عمد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ذکر مستحبی بگوید .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) نمازش صحیح است و «بِحَول ِاللّه ِوَ قُوَّتِه ِاقُوم ُوَ أَقعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید. [پایان مسأله] (مکارم :) احتیاط آن است که نماز را دوباره بخواند مگر آن که قصدش مطلق ذکر باشد، یعنی نه آن تکبیر مخصوصی که مثلًا قبل از سجده در حال ایستادن گفته می شود، بلکه از آنجا که ذکر خدا در هر جای نماز خوب است تکبیر می گوید. (۴) (زنجانی :) ذکر خاصی که .. (۵) (سیستانی :) آن ذکر صحیح نیست ولی نمازش صحیح است و «بِحَول ِاللّه ِوَ قُوَّتِه ِاقُوم ُوَ أَقعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید. [پایان مسأله] (۶) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل ، نوری :) باید احتیاطاً .. (۷) (زنجانی :) و این امر در ذکرهای مستحب ، مطابق احتیاط وجوبی است ..

(اراکی :) چنانچه آن را به قصد ذکری که در نماز دستور داده اند بگوید، صحیح بودن نمازش مورد اشکال است ..

[مسأله ۹۶۷ حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد]

مسأله ۹۶۷ حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد (۱)، اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) و سوره (زنجانی : و تسبیحات اربعه) ..

(بهجت :) و سایر حالات اشکال ندارد. [پایان مسأله]

[مسأله ۹۶۸ اگر موقع خواندن حمد و سوره]

مسأله ۹۶۸ اگر موقع خوانـدن حمـد و سوره ، یا خواندن تسبیحات (۱) بی اختیار به قـدری حرکت کنـد که از حال آرام بودن خارج شود (۲)، احتیاط واجب (۳) آن است که بعـد از آرام گرفتن بـدن ، آن چه را در حال حرکت خوانـده دوباره بخوانـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) اگر موقع خوانـدن حمد و سوره یا ذکر واجب .. (۲) (مکارم :) و یا مثلًا در میان جمعیّت باشد و به او تنه بزنند و او را حرکت دهند .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) احتیاط مستحب ..

[مسأله ۹۶۹ اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود]

مسأله ۹۶۹ اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند (۱) و اگر از نشستن هم (۲) عاجز شود باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته بایـد چیزی نخواند (۳). (۱) (اراکی :) مگر بدانـد که بعـد از آن قبل از گذشـتن وقت توانایی بر ایسـتاده خواندن نماز را پیـدا می کنـد که در این صورت باید نماز را قطع کند و بعداً بخواند .. (۲) (بهجت :) به همه اقسامش .. (۳) (اراکی :) تا بدنش آرام نگرفته ، بنا بر احتیاط واجب قرائت و ذکر را تنها به قصد قربت بخواند نه به قصد ذکری که در نماز دستور داده اند.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید.

(فاضل :) باید چیزی از واجبات نماز را نخواند.

(زنجانی :) نباید ذکر واجب بلکه به احتیاط واجب چیزی از ذکر مستحب را به قصد ورود بخواند.

[مسأله ۹۷۰ تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند]

اشاره

مسأله ۹۷۰ تا انسان می تواند ایستاده نماز بخوانـد، نبایـد بنشـیند مثلًا کسـی که در موقع ایسـتادن ، بـدنش حرکت می کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را کج کند (۱) (یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد (۲)) باید به هر طور که می توانـد ایسـتاده نماز بخوانـد ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایسـتد، (۳) باید راست بنشیند و نشسـته نماز بخواند. (۱) (خوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی ، زنجـانی :) مختصـری کـج کنـد .. (۲) (گلپایگـانی ، صـافی :) بیشتر از معمول باز بگذارد ..

[قسـمت داخـل پرانـتز در رساله آیـات عظـام : خوئی ، زنجـانی ، سیسـتانی و تبریزی نیست] (۳) (خـوئی ، بهجت ، تـبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) اگر به هیچ قسم نتواند بایستد ..

(مکارم :) مسأله کسی که نمی تواند ایستاده نماز بخواند باید بنشیند ولی اگر بتواند بایستد و به عصا یا دیوار و مانند آن تکیه کند، یا پاهایش را از هم دور بگذارد باید ایستاده نماز بخواند مگر این که فوق العاده برای او زحمت داشته باشد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۷۹۵اگر کسی نمی تواند هم بایستد و هم رکوع و سجود را انجام دهد، بلکه یا باید بایستد و برای رکوع و سجود اشاره کند و یا بنشیند و رکوع و سجود را بدون اشاره انجام دهد، بنا بر أظهر باید صورت اول را اختیار کند.

[مسأله ۹۷۱ تا انسان می تواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند]

مسأله ۹۷۱ تا انسان می تواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طور که می تواند بنشیند و اگر به هیچ قسم نمی تواند بنشیند، باید (۱) (به طوری که در احکـام قبله گفته شـد (۲)) به پهلوی راست بخوابـد و اگر نمی تواند (۳)، به پهلوی چپ و اگر آن هم ممکن نیست (۴) به پشت بخوابد (۵)، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد (۶). (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (اراکی :) به طوری که روی او بطرف قبله باشد ..

(زنجانی :) به طوری که در احکام قبله مسأله [۷۷۹] گفته شد ..

[قسـمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۳) (بهجت :) بنـا بر أحوط .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط .. (۴) (سیستانی :) بایـد به طوری که در احکام قبله گفته شـد به پهلو بخوابـد، به طوری که جلوی بـدنش رو به قبله باشـد و تا وقتی که ممکن است به پهلوی راست بخوابـد، نباید بنا بر احتیاط لازم به پهلوی چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید .. (۵) (زنجانی :) بنا بر احتیاط. [پایان مسأله] (۶) (بهجت :) و اگر آن هم ممکن نیست ، به هر صورتی که ممکن است نماز بخوانـد ولی تا حدّ امکان طوری باشد که نزدیکتر به نماز کسـی که به طور عادی ایستاده نماز می خواند باشد و گر نه باید نزدیکتر به نماز کسی که ایستاده نمی خواند با رعایت مراتبی که گفته شد باشد.

(مکارم :) مسأله ما دام که می توانـد نشسـته نماز بخوانـد هر چنـد به چیزی تکیه کند باید خوابیده نماز نخواند و هر گاه نتواند باید به پهلوی راست بخوابد به طوری که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر نتواند به پهلوی چپ و اگر آن هم ممکن نیسـت ، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

[مسأله ۹۷۲ کسی که نشسته نماز می خواند]

مسأله ۹۷۲ کسی که نشسته نماز می خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایسـتد و از حال ایسـتاده به رکوع رود و اگر نتوانـد، بایـد رکوع را هم نشسـته بجا آورد. (مکارم :) مسأله کسـی که می تواند قسمتی از نماز را ایستاده بخواند واجب است آن مقدار را بایستد و بقیه را بنشیند و اگر نتوانست بخوابد.

[مسأله ۹۷۳ کسی که خوابیده نماز می خواند]

مسأله ۹۷۳ کسی که خوابیده نماز می خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می تواند، نشسته بخواند. و نیز اگر می توانـد بایسـتد، بایـد مقـداری را که می توانـد، ایسـتاده بخوانـد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند (۱). (۱) (زنجانی :) هم چنان که در مسأله [۹۶۹] گذشت .

خوئی ، (سیسـتانی ، تبریزی :) باید چیزی از اذکار واجب را نخواند (سیسـتانی : امّا اگر بداند مقدار کمی می تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد).

(فاضل :) باید چیزی از واجبات نماز را نخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی بر اثر ناتوانی نماز را خوابیده بخواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید آن مقدار را که می تواند بنشیند و یا اگر می تواند برخیزد.

[مسأله ۹۷۴ کسی که نشسته نماز می خواند]

مسأله ۹۷۴ کسی که نشسته نماز می خواند (۱) اگر در بین نماز بتواند بایستد باید مقداری را که می تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته ، باید چیزی نخواند. (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (مکارم :) و در اثناءِ نماز توانایی ایستادن پیدا می کند باید بایستد، ولی تا بدن آرام نگرفته است ، چیزی نخواند. (۲) (زنجانی :) چنانچه گذشت .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید چیزی از ذکرهای واجب را نخواند ((سیستانی :) امّا اگر بداند مقدار کمی می تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.)

[مسأله ۹۷۵ کسی که می تواند بایستد]

مسأله ۹۷۵ کسی که می تواند بایستد اگر بترسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد، می تواند خوابیده نماز بخواند. (مکارم :) مسأله هر گاه توانایی بر ایستادن دارد امّا می داند یا احتمال عقلایی می دهد که برای او ضرر داشته باشد یا بیماریش طولانی می شود یا مثلًا زخم یا شکستگی استخوان او دیر التیام پیدا می کند باید نشسته نماز بخواند و اگر آن هم ضرر دارد خوابیده نماز بخواند.

[مسأله ۹۷۶ اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند]

مسأله ۹۷۶ اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند می تواند اول وقت نماز بخواند اگر چه احتیاط آن است که نماز را تأخیر بیندازد (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) واجب است نماز را تأخیر بیندازد.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) بنا بر احتیاط لازم باید نماز را تأخیر بیندازد، پس اگر نتوانست بایستد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) بهتر است نماز را تأخیر بیندازد، پس اگر نتوانست بایستد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز را به جا آورد و در صورتی که اوّل وقت نماز را خواند و در آخر وقت قدرت بر ایستادن حاصل نمود باید نماز را دوباره به جا آورد.

(مکارم :) بنا بر احتیاط واجب در اوّل وقت نماز نخواند.

(سیستانی :) مسأله اگر انسان مأیوس نباشد که در آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، چنانچه اوّل وقت نماز را بخواند و در آخر وقت قدرت بر ایستادن حاصل نماید، باید نماز را دوباره به جا آورد ولی اگر مأیوس از آن باشد که بتواند نماز را ایستاده

بخواند اگر در اوّل وقت نماز را بخواند و سپس قدرت بر ایستادن پیدا کند لازم نیست نماز را اعاده کند.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان در اول وقت به اعتقاد این که تا آخر وقت از ایستادن عاجز است ،

نشسته یا خوابیده نماز خواند ولی در وقت بر نماز ایستاده قدرت پیدا کرد، باید نماز را دوباره بخواند؛ و اگر احتمال می داد که تا آخر وقت قدرت پیدا می کند و در اول وقت رجاءً نشسته یا خوابیده بر طبق حال خود نماز بخواند، چنانچه عذرش تا آخر وقت باقی نباشد، نمازش را باید دوباره بخواند و اگر باقی باشد، نمازش صحیح است ؛ بلکه اگر با یقین به این که تا آخر وقت قدرت پیدا می کند در اول وقت ، مثلًا به جهت ندانستن مسأله با قصد قربت نماز بخواند و اتفاقاً تا آخر وقت قدرت نیافت ، نماز خوانده شده صحیح است .

(فاضل :) مسأله اگر اطمینان دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شده و می تواند ایستاده نماز بخواند به احتیاط واجب باید صبر کند تا آخر وقت که اگر توانست ایستاده نماز بخواند و اگر ممکن نشد نشسته بخواند به احتیاط واجب باید صبر کند، تا آخر وقت که اگر توانست ایستاده نماز بخواند و اگر ممکن نشد نشسته بخواند، امّا اگر احتمال بدهد که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود بهتر است تا آخر وقت صبر کند.

[مسأله ۹۷۷ مستحب است در حال ایستادن بدن را راست نگهدارد]

مسأله ۹۷۷ مستحب است (۱) در حال ایستادن ، بدن را راست نگهدارد، شانه ها را پایین بیندازد، دستها را روی رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، (۲) پاها را پس و پیش نگذارد (۳)، اگر مرد است پاها را از سه انگشت ِ باز، تا یک وجب فاصله دهد و اگر زن است پاها را به هم بچسباند. (۱) (مکارم :) شایسته است .. (۲) (مکارم :) [و] مردان کمی پاها را باز بگذارند و زنان به هم بچسبانند. [پایان مسأله] (۳) (اراکی :) [و] پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد. [پایان مسأله] (بهجت :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۹۲۵)، صفحه (۶۰۶).

قرائت

[مسأله ۹۷۸ در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه]

مسأله ۹۷۸ در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید اول حمد و بعد از آن (۱) یک سوره تمام بخواند (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (سیستانی :) بعد از آن سوره و بنا بر احتیاط .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی :) و سوره «و الضّحی » و «أ لم نشرح » و هم چنین سوره «فیل » و «لإیلاف » در نماز (سیستانی : بنا بر احتیاط) یک سوره حساب می شود.

(بهجت :) مسأله در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید اول سوره حمد و بعد از آن بنا بر احتیاط در صورتی که می داند یا می تواند یاد بگیرد، یک سوره تمام بخواند و بنا بر اظهر اگر سوره «ضحی » را می خواند باید سوره «أ لم نشرح » را هم بدنبال آن بخواند و اگر سوره «فیل » را خواند سوره «قریش » را هم بخواند.

(زنجـانی :) مسأله در رکعت اول و دوم نمازهای واجب انسان بایـد اول حمـد بخوانـد و سـپس مسـتحب مؤکـد است که یک سوره تمام بخواند بلکه خواندن سوره مطابق احتیاط استحبابی نیز می باشد.

(مکارم :) مسأله در رکعت اول و دوم نمازهای واجب روزانه بایـد بعد از تکبیره الاحرام سوره حمد را قرائت کند و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب یک سوره تمام از قرآن مجیـد را ؛ و خوانـدن یک یا چنـد آیه کافی نیست . و باید توجّه داشت که سوره «فیل » و «ایلاف » یک سوره حساب می شود و هم چنین سوره «و الضحی » و «أ لم نشرح ».

[مسأله ۹۷۹ اگر وقت نماز تنگ باشد]

مسأله ۹۷۹ اگر وقت نماز تنگ باشـد، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلًا بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده ، یـا چیز دیگری به او صـدمه بزنـد (۱)، نبایـد سوره را بخوانـد (۲) و اگر در کـاری عجله داشـته باشـد (۳) می توانـد سوره را نخواند. (۱) (سیستانی :) یا آن که کار ضروری داشته باشد، می تواند سوره را نخواند بلکه در صورت تنگی وقت و در بعض از موارد ترس نباید سوره را بخواند. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) بی اشکال ، سوره لازم نیست ، بلکه اگر مستلزم ضـرر اساسی به بدن باشد، جایز نیست . (۳) (بهجت :) به طوری که اگر سوره را بخواند ضرری به او می رسد ..

(مکـارم :) مسـأله در تنگی وقت یـا در جـایی که ترس از دزد یـا درنـده ای باشـد می تـوان سوره را ترک کرد و هم چنین در جایی که عجله برای کار مهمّی داشته باشد.

[مسأله ۹۸۰ اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند]

مسأله ۹۸۰ اگر عمـداً سوره را پیش از حمد بخواند (۱) نمازش باطل است (۲) و اگر اشـتباهاً سوره را پیش از حمد، بخواند و در بین آن یادش بیایـد، بایـد سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند. (۱) (گلپایگانی :) و بعد حمد را بخواند و به رکوع رود ..

(بهجت :) و قصـد او این باشـد که سوره جزءِ نمـاز باشـد .. (۲) (گلپایگانی :) ولی اگر بعـد از حمـد سوره را دوباره بخوانـد، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره اعاده نماید ..

(بهجت :) ولی اگر قصـد او قرآن خوانـدن باشـد، مانعی ندارد و بعد از حمد یک سوره بنا بر احتیاطی که قبلًا [در مسأله ۹۷۸] ذکر شد، می خواند ..

(مکارم :) مسأله واجب است قرائت حمـد قبل از سوره باشـد و اگر عمـداً بر خلاف این انجام دهد نمازش باطل است و اگر از روی اشـتباه باشـد، چنانچه قبل از رکوع یادش بیایـد، بایـد برگردد و درست بخواند امّا اگر بعد از رسـیدن به حدّ رکوع یادش بیاید نمازش صحیح است .

(زنجـانی :) مسـأله اگر بـا علم و عمـد سوره را پیش از حمـد بخوانـد نمـازش باطـل است و اگر اشـتباهاً سوره را پیش از حمد

بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و حمد را بخواند و بعد از حمد، مستحب است سوره را دوباره بخواند.

[مسأله ۹۸۱ اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند]

مسأله ۹۸۱ اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند (۱) و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد نمازش صحیح است (۲).

(۱) (زنجانی :) اگر حمـد را فراموش کنـد، .. (۲) (اراکی :) ولی بعـد از نماز بایـد برای هر یک از آنها دو سـجده سـهو به جا آورد.

(بهجت :) ولی باید دو سجده سهو به خاطر فراموش کردن قرائت به جا آورد.

[مسأله ۹۸۲ اگر پیش از آن که برای رکوع خم شود]

مسأله ۹۸۲ اگر پیش از آن که برای رکوع خم شود، بفهمـد که حمـد و سوره را نخوانـده بایـد بخوانـد. و اگر بفهمد سوره را نخوانـده ، بایـد فقط سوره را بخواند (۱) ولی اگر بفهمـد حمـد تنها را نخوانـده ، بایـد اول حمـد و بعـد از آن دوباره سوره را بخواند (۲) و نیز اگر خم شود و پیش از آن که به رکوع برسـد، بفهمـد حمـد و سوره ، یا سوره تنها، یا حمد تنها را نخوانده ، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید. (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاطی که [در مسأله ۹۷۸] گذشت .. (۲) (بهجت :) و بعد از نماز دو سجده سهو به خاطر زیاد شدن سوره به جا آورد ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۹۸۰.

(زنجانی :) مسأله اگر پیش از آن که برای رکوع خم شود بفهمد که حمد را نخوانده باید بخواند و نیز اگر خم شده و پیش از آن که به حدّ رکوع برسد بفهمد حمد را نخوانده باید بایستد و آن را بخواند.

[مسأله ۹۸۳ سور عزائم]

مسأله ۹۸۳ اگر در نماز (۱) یکی از چهار سوره ای را که آیه سجده دارد و در مسأله ۳۵۵ گفته شد، عمداً بخواند نمازش باطل است (۲). (۱) (گلپایگـانی ، صـافی ، سیسـتانی :) اگر در نماز فریضه .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، بهجت :) نمـازش بنـا بر احتیاط باطل است . (بهجت : ولی در نماز مستحبّی ، خواندن یکی از آنها جایز است و در بین نماز سجده می کند).

(سیسـتانی :) واجب است که پس از خوانـدن آیه سـجده ، سـجده نمایـد، ولی اگر سـجده را به جـا آورد نمازش بنا بر احتیاط باطل می شود و لازم است که آن را دوباره بخواند مگر این که سـهواً سـجده کند و اگر سجده را به جا نیاورد، می تواند نماز را ادامه دهد اگر چه در ترک سجده گناه کرده است .

(زنجانی :) مسأله در نماز واجب به احتیاط واجب نباید یکی از آیه های سجده را که در مسأله [(۳۵۵)] گفته شد بخواند بلکه به احتیاط مستحب سوره هایی را که آیه سجده دارد نیز شروع نکند.

(مکارم :) مسأله هر گاه در نماز واجب یکی از چهار سوره ای را که آیه سـجده دارد، عمـداً بخوانـد، بنا بر احتیاط واجب باید سجده را به جا آورد سپس برخیزد و حمد و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و بعد اعاده نماید.

[مسأله ۹۸۴ اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد]

اشاره

مسأله ۹۸۴ اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد (۱)، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید (۲) آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند (۳) و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد (۴) باید (۵) در بین نماز با اشاره ، سجده آن را به جا آورد (۶) و به همان سوره که خوانده اکتفا نماید.

(۱) (سیستانی :) اگر مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد چه عمداً خوانده باشد چه سهواً .. (۲) (سیستانی :) می تواند .. (۳) (مکارم :) و اگر از نصف گذشته باشد، احتیاطاً نماز را اعاده کند ..

(بهجت :) بنا بر احتیاط سوره دیگر بخواند .. (۴) (خویی ، تبریزی :) احتیاطاً به سجده اشاره نموده و سوره را تمام کند و بعد از نماز باید سجده آن را به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط برای سجده واجب اشاره کند و سوره را تمام کند و بعد یک سوره دیگر احتیاطاً به قصد قربت مطلقه بخواند و به رکوع رود و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط سجده آن را به جا آورد.

(سیستانی :) باید آن طوری که در مسأله پیش گفته شد عمل کند.

(مکارم :) باید به ترتیب بالا عمل کند.

(نوری :) به همان سوره که خوانده ، اکتفا نماید و بعد از نماز، سجده آن را به جا آورد.

(بهجت :) باید بنا بر احتیاط سوره دیگری بخواند و بعد از نماز سجده آن آیه ای که سجده واجب داشته است به جا آورد. (۵) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (فاضل :) باید بنا بر احتیاط .. (۶) (اراکی :) و سپس سوره را تمام کرده و سوره دیگری هم به قصد قربت بخواند و پس از خاتمه ، نماز را اعاده کند.

(زنجانی :) مسأله اگر عمداً یا به جهت فراموشی سوره هایی را که آیه سجده دارد شروع کند، می تواند آن را رها کرده و سوره دیگری بخواند و می تواند همان سوره را ادامه دهد؛ ولی به احتیاط واجب آیه سجده را نخواند و اگر سوره ادامه دارد ادامه آن را بخواند و به رکوع رود، و اگر آیه سجده را خواند، باید سجده کند و برخیزد و حمد را خوانده ، سپس به رکوع رفته ، نمازش را تمام کند، و چنانچه عمداً آیه سجده را خوانده باشد و در نماز سجده کند، به احتیاط واجب نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر سهواً آیه سجده را خوانده و سجده کند، به احتیاط مستحب نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر آیه سجده را بخواند و سجده نکند، نمازش باطل نمی شود؛ هر چند اگر عمداً سجده نکرده باشد گناه کار است .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۹۰۰ خواندن سوره های سجده در نمازهای مستحب مانعی ندارد و باید به دنبال آیه سجده ، سجده کند سپس برخیزد و نماز را ادامه دهد.

[مسأله ۹۸۵ اگر در نماز آیه سجده را بشنود]

مسأله ۹۸۵ اگر در نماز آیه سجده را بشنود و به اشاره ، سجده کند نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه

مکارم نیست (اراکی :) مسأله اگر در نماز آیه سجده را بشنود احتیاط واجب آن است که به اشاره یا به طور عادی سجده کند و نماز را تمام کند و اعاده نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر در نماز آیه سجده را بشنود نمازش صحیح است و بنا بر احتیاط برای سجده واجب اشاره کند و بعد از نماز هم سجده را به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر در نماز آیه سجده را گوش دهد، نمازش صحیح است و (سیستانی : اگر در نماز واجب باشد) بنا بر احتیاط به سجده اشاره نماید و بعد از نماز سجده آن را به جا آورد.

(بهجت :) مسأله اگر در نماز آیه سجده را بشنود بنا بر احوط بعد از نماز سجده آن را به جا می آورد و نمازش صحیح است .

(نوری :) مسأله اگر در نماز، آیه سجده را بشنود، نماز خود را تمام کند و بعد از نماز، سجده را به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله اگر در نماز آیه سجده را گوش دهد، لازم است سجده نموده و چنانچه قبل از رکوع باشد برخاسته و پس از خواندن حمد، رکوع کرده نماز را ادامه دهد و اگر سجده نکند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است و اگر عمداً آیه سجده را گوش داده باشد و در نماز سجده کند، به احتیاط واجب نمازش را دوباره بخواند و اگر سهواً گوش داده باشد دوباره خواندن نماز لازم نیست ؛ و چنانچه امام جماعت آیه سجده را بخواند، بر وی و بر مأمومین هر چند آیه سجده را نشنیده باشند لازم است سجده نموده و چنانچه قبل از رکوع باشد برخاسته و پس از خواندن حمد رکوع نموده و نمازشان را تمام کنند و اگر سجده نکنند نمازشان صحیح است ؛ هر چند اگر عمداً باشد معصیت کرده اند.

[مسأله ۹۸۶ در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست]

مسأله ۹۸۶ در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست (۱)، اگر چه آن نماز به واسطه نذر کردن (۲) واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) بی تردید لازم نیست .. (۲) (زنجانی :) و مانند آن .. (۳) (فاضل :) هر چند به نصف آن نرسیده باشد.

[مسأله ۹۸۷ در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است]

مسأله ۹۸۷ در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است (۱) در رکعت اول بعد از «حمد»، سوره «جمعه » و در رکعت دوم بعد از «حمد»، سوره «منافقین » بخواند (۲) و اگر مشغول یکی از اینها (۳) شود، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند. (۱) (مکارم :) مستحب-است در رکعت اوّل نماز ظهرِ روز جمعه ..

(سیستانی :) در نماز جمعه و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه و عشای شب جمعه مستحب است .. (۲) (بهجت :) بلکه احتیاط مستحب-در این است که بدون عذر، اینها را ترک نکند .. (۳) (سیستانی :) در نمازهای روز جمعه ..

[مسأله ۹۸۸ اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره قل هو اللّه احد شود]

مسأله ۹۸۸ اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره «قل هو اللّه احد» یا سوره «قل یا أیها الکافرون » شود، نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه (۱) اگر از روی فراموشی به جای سوره «جمعه » و «منافقین »، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده (۲)، می تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند (۳). (۱) (بهجت :) اگر به نصف نرسیده می تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند. (۲) (اراکی :) تا از نصف نگذشته ..

[عبارت «تا به نصف نرسیده » در رساله آیات عظام : خوئی ، زنجانی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی :) و احتیاط ((زنجانی :) و احتیاط مستحب) این است که بعد از تجاوز از نصف ، سوره را رها ننماید.

(سیستانی :) و احتیاط این است که بعد از رسیدن به نصف ، سوره را رها ننماید.

(مکارم :) مسأله عدول کردن از سوره «قل هو اللّه » یا سوره «قل یا أیّها الکافرون » به سوره دیگری در هر نماز باشد جایز نیست جز در نماز جمعه که اگر به جای سوره جمعه و منافقین یکی از این دو سوره را بخواند، پیش از آن که به نصف برسد می تواند آن را رها کرده سوره جمعه و منافقین را بخواند.

[مسأله ۹۸۹ اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه]

مسأله ۹۸۹ اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه (۱) عمداً سوره «قل هو اللّه احد» یا سوره «قل یا أَیُّهَا الکافرون » بخواند، اگر چه به نصف نرسیده باشد (۲) بنا بر احتیاط واجب نمی تواند رها کند و سوره «جمعه » و «منافقین » را بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) اگر در نماز جمعه یا نمازهای روز جمعه .. (۲) (اراکی :) اگر چه از نصف نگذشته .. (۳) (زنجانی :) احتیاط مستحب این است که آن را رها نکرده ، سوره جمعه و منافقون بخواند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۹۸۸.

[مسأله ۹۹۰ اگر در نماز، غیر سوره قل هو اللّه احد بخواند]

مسأله ۹۹۰ اگر در نماز، غیر سوره «قل هو اللّه احد» و «قل یا أیها الکافرون » سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده (۱) می تواند (۲) رها کند و سوره دیگر بخواند (۳). (۱) (اراکی :) تا از نصف نگذشته .. (۲) (زنجانی :) بی اشکال می تواند .. (۳) (خوئی :) و بنا بر احتیاط ((زنجانی :) و بنا بر احتیاط مستحب) در ما بین نصف و دو ثلث رها نکند و پس از این که به دو ثلث رسید، رها کردن آن و عدول به سوره دیگر جایز نیست .

(سیستانی :) و پس از رسیدن به نصف ، بنا بر احتیاط مطلقاً رها کردن آن و عدول به سوره دیگر جایز نیست .

(صافی :) و بنا بر احتیاط ما بین نصف و ثلث آن را رها نکند و پس از این که به دو ثلث رسید عدول جایز نیست .

[مسأله ۹۹۱ اگر مقداری از سوره را فراموش کند]

مسأله ۹۹۱ اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری ، مثلًا به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود (۱) آن را تمام نماید (۲) می تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند، اگر چه از نصف گذشته باشد (۳) یا سوره ای را که می خوانده «قل هو اللّه احد»، یا «قل یا أیها الکافرون » باشد. (۴) (۱) (بهجت :) به هیچ وجه نشود .. (۲) (مکارم :) هر گاه مقداری از سوره را فراموش کند یا از جهت تنگی وقت نتواند به سوره ادامه دهد ..

(زنجانی :) اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا به جهتی مثل تنگی وقت نتواند آن را تمام نماید .. (۳) (بهجت :) و احتیاط در این است که به سوره «قل هو اللّه احد» یا «قل یا أَیُّهَا الکافرون » عدول نماید و در ظهر جمعه به سوره جمعه و منافقین ، اگر مانعی در کار نباشد.

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) اگر چه از دو ثلث هم گذشته باشد ..

(سیستانی :) اگر چه به نصف هم رسیده باشد .. (۴) (سیستانی :) و در صورت فراموشی می تواند به همان مقدار که خوانده است اکتفا نماید.

[مسأله ۹۹۲ بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند]

مسأله ۹۹۲ بر مرد واجب است (۱) حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است (۲) حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند (۳). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۳) (بهجت :) مگر در ظهر جمعه که مستحب ّاست دو رکعت اوّل را بلند بخوانند.

(زنجانی :) البته مستحب است مردها حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه و بسم اللّه الرحمن الرحیم را در همه نمازهای ظهر و عصر بلند بخوانند.

[مسأله ۹۹۳ مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد]

مسأله ۹۹۳ مرد باید (۱) در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط باید ..

(مکارم :) مسأله در جایی که باید حمد و سوره را بلند بخواند، اگر عمداً یک کلمه را آهسته بخواند نماز باطل است ، هم چنین در جایی که باید آهسته بخواند، اگر یک کلمه را بلند بخواند نماز باطل می شود.

[مسأله ۹۹۴ زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند]

اشاره

مسأله ۹۹۴ زن می توانـد حمد و سوره نماز صـبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسـته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشـنود (۱) بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند. (۲) (۱) (سیسـتانی :) و موردی باشد که شـنواندن صدا به نامحرم حرام است باید آهسـته بخوانـد. و اگر عمـداً بلنـد بخوانـد، بنـا بر احتیـاط نمازش باطل است . (۲) (خـوئی ، تـبریزی ، زنجـانی :) اگر نـامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط (زنجانی : بنا بر احتیاط مستحب) آهسته بخواند.

(بهجت :) اگر نامحرم صدایش را بشنود باید آهسته بخواند در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد مثلًا ترس فتنه و لذّت بردن در بین باشد، بنا بر اظهر.

(مکارم :) احتیاط مستحب ّ آن است که آهسته بخواند.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۹۰۹ هر گاه در اثناءِ حمد و سوره متوجّه شود مقداری را بر خلاف دستور بالا سهواً بلند یا آهسته خوانده ، لازم نیست بر گردد هر چند بهتر است که برگردد و صحیح بخواند.

[مسأله ۹۹۵ اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند]

مسأله ۹۹۵ اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است (۱) ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است (۲) و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده (۳)، لازم نیست (۴) مقداری را که خوانده دوباره بخواند. (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط ..

(زنجانی :) اگر با علم و عمد یا در حال تردید در مسأله در جایی که باید نماز را بلند بخواند آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند بلند بخواند نمازش باطل است .. (۲) (مکارم :) مگر این که در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد که بنا بر احتیاط واجب اعاده می کند.

(بهجت :) اگر از روی فراموشی باشد، یا مسأله را نداند و احتمال خلاف هم ندهد و تردید در صحت عملش نداشته باشد، به طوری که قصد قربت از او حاصل بشود نمازش صحیح است .. (۳) (زنجانی :) بفهمد فراموش کرده .. (۴) (بهجت :) بنا بر أظهر لازم نیست ..

[مسأله ۹۹۶ اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند]

مسأله ۹۹۶ اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است (۱). (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط.

(زنجانی :) مسأله اگر کسی در خواندن حمد و سوره صدایش را به قدری بلند کند که به آن فریاد گفته شود؛ نه قرائت ، نمازش باطل است .

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی در قرائت و ذکر نماز صدای خود را بیش از حدّ معمول بلند کند و با فریاد بخواند، نمازش باطل است .

[مسأله ۹۹۷ انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند]

مسأله ۹۹۷ انسان بایـد نماز را یاد بگیرد که غلط نخوانـد و کسـی که به هیـچ قسم نمی تواند صـحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طوری که می تواند بخواند و احتیاط مستحب (۱) آن است که نمـاز را به جماعت به جا آورد (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) مگر آن که بر او حرج باشد.

(مکارم :) مسأله باید قرائت و ذکر نماز را صـحیح بخواند و اگر نمی داند یاد بگیرد، امّا کسانی که نمی توانند تلفّظ صحیح را یاد بگیرنـد بایـد همان طور که می توانند بخوانند و برای چنین اشخاصـی بهتر است که تا می توانند نماز خود را با جماعت به جا آورند.

(سیستانی :) مسأله انسان باید قرائت نماز را صحیح بخواند و کسی که به هیچ قسم نمی تواند همه سوره حمد را صحیح بخواند، باید به همان نحو که می تواند بخواند اگر مقداری را که صحیح می خواند معتنی به باشد ولی اگر آن مقدار ناچیز باشد، باید بنا بر احتیاط واجب مقداری از بقیه قرآن را که می تواند صحیح بخواند به آن ضمیمه کند و اگر نمی تواند باید تسبیح را به آن ضمیمه کند و امّا کسی که نمی تواند به کلّی سوره را صحیح بخواند لازم نیست چیزی عوض آن بخواند و در هر صورت احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

[مسأله ۹۹۸ کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی داند]

مسأله ۹۹۸ کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی داند (۱) و می تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است بنا بر احتیاط واجب (۲) در صورتی که ممکن باشد، باید نمازش را به جماعت بخواند (۳). (۱) (اراکی :) و نمی تواند آن را به جماعت بخواند اگر می تواند یاد بگیرد، باید یاد بگیرد. [پایان مسأله] (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست] (۳) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را به جماعت بخواند، مگر این که بر او حرج و مشقت باشد.

(بهجت :) اگر وقت تنگ است ، دو صورت دارد: (۱) اگر در یاد گرفتن کوتاهی کرده ، در صورتی که عسر و حرج نباشد بنا بر أظهر باید نمازش را به جماعت بخواند، یا کسی بخواند و او هم همراه او بخواند یا اگر ممکن است از روی نوشته ای بخواند. (۲) اگر کوتاهی نکرده بنا بر احتیاط مستحب این کارها را انجام دهد. اگر کسی از قرآن هیچ نمی داند به مقداری که واجب است در نماز از قرآن بخواند، تسبیح و تهلیل و تکبیر می گوید.

(مکارم :) مسأله کسی که در یاد گرفتن قرائت و ذکر نماز کوتاهی کرده نمازش باطل است و اگر وقت تنگ شده احتیاط واجب آن است که با جماعت نماز بخواند و اگر دسترسی به جماعت ندارد، نمازش در تنگی وقت صحیح است .

(سیستانی :) مسأله کسی که حمد را به خوبی می داند باید سعی کند وظیفه خود را انجام دهد چه با یاد گرفتن یا تلقین باشد و چه با اقتدا در جماعت یا تکرار نماز در مورد شک باشد و اگر وقت تنگ شده است ، چنانچه نماز را به طوری که در مسأله پیش گفته شد، بخواند نمازش صحیح است ولی در صورتی که در یاد گرفتن کوتاهی کرده باشد اگر ممکن باشد برای فرار از عقوبت ، نمازش را به جماعت بخواند.

[مسأله ۹۹۹ برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند]

مسأله ۹۹۹ احتیاط واجب آن است (۱) که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (نوری :) بهتر آن است .. (فاضل :) احتیاط مستحب آن است .. (۲) (مکارم :) مگر این که از شعائر دین باشد یا حفظ احکام الهی منوط به تعلیم آن گردد.

(خوئی :) مسأله مزد نگرفتن برای یاد دادن واجبات نماز بهتر است و مزد گرفتن برای یاد دادن مستحبّات آن بدون اشکال جایز است .

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز بنا بر احتیاط واجب (زنجانی : بنا بر احتیاط) حرام است ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.

(تبریزی :) مسأله مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز اشکال دارد و مزد گرفتن برای یاد دادن مستحبّات آن بدون اشکال جایز است .

(سیستانی :) مسأله مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز بنا بر احتیاط حرام است ولی مزد گرفتن برای یاد دادن مستحبّات آن جایز است .

[مسأله ۱۰۰۰ اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند]

مسأله ۱۰۰۰ اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند (۱) یا عمداً آن را نگوید (۲) یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلًا به جای «ض » «ظ» بگوید (۳) یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهد (۴)، یا تشدید را نگوید نماز او باطل است (۵). (۱) (زنجانی :) اگر یکی از کلمات حمد را نداند یا شک داشته باشد .. (۲) (سیستانی :) اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را عمداً یا از روی جهل تقصیری نگوید .. (۳) (بهجت :) به طوری که در زبان عربی بگویند آن حرف را تلفّظ نکرده و موافق هیچ یک از قرائت های هفتگانه نباشد .. (۴) (سیستانی :) مثلًا به جای «ض » «ذ یا ز» بگوید یا زیر و زبر حروف را رعایت نکند به گونه ای که غلط شمرده شود .. (۵) (بهجت :) بنا بر احتیاط.

(مکارم :) مسأله هر گاه یکی از کلمات حمد یا سوره یا ذکرهای دیگر نماز را نداند یا زیر و زبر آن را غلط بخواند یا حرفی را به حرف دیگری تبدیل کند مثلًا به جای «ض » «ز» بگوید به طوری که از نظر لغت عرب غلط باشد، نماز او باطل است .

[مسأله ۱۰۰۱ اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند]

مسأله ۱۰۰۱ اگر انسان کلمه ای را (۱) صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده لازم نیست دوباره نماز را بخواند (۲) و یا اگر وقت گذشته قضا نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) که یاد گرفته .. (۲) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) باید دوباره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(نوری :) احتیاط واجب آن است که آن را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته ، قضا نماید.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب-دوباره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته ، قضا نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه کلمه یا تلفّظ آیه یا ذکری را صحیح می دانسته و مدّتی در نمازها خوانده و بعد می فهمد غلط بوده نمازش اعاده ندارد هر چند احتیاط مستحب اعاده یا قضای آن است .

(فاضل :) مسأله اگر اطمینان داشته باشد که حمد و سوره و اذکار واجب نماز را به صورت صحیح می خواند و بعد متوجه شود که غلط بوده نمازهایی را که خوانده صحیح است و قضا ندارد هر چند احتیاط مستحب آن است که قضا کند امّا اگر احتمال غلط بودن حمد و سوره و سایر اذکار واجب نماز را می داده و سهل انگاری کرده و نماز خوانده و بعد متوجه شود که غلط بوده نمی تواند به نمازهایی که خوانده اکتفا کند. و اگر به جهت لهجه خاصی که دارد نتواند نماز خود را به صورت عربی صحیح بخواند به همان مقدار که قدرت دارد بخواند و صحیح است .

[مسأله ۱۰۰۲ اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند]

مسأله ۱۰۰۲ اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند (۱) باید یاد بگیرد (ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جایز است همیشه وقف کند یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست و نیز اگر (۲) نداند مثلًا کلمه ای به «س » است یا به «ص » باید یاد بگیرد (۳)) و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند (۴)، مثل آن که در ما ما لا «اهدِنَا الصِّراطَ المُستَقِیم» مستقیم را (۵) یک مرتبه با سین و یک مرتبه با صاد بخواند نمازش باطل است (۶) مگر آن که هر دو جور قرائت شده باشد و به امید رسیدن به واقع بخواند. (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) یا نداند مثلًا کلمه ای به «س » است یا به «ص » .. (۲) (بهجت :) ولی اگر .. (۳) - [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، صافی و تبریزی نیست] (۴) (فاضل :) که یکی از آن دو غلط و داخل در کلام زائد است .. (۵) (خوئی :) صراط را .. (۶) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) ولی اگر آن کلمه ای را که دو جور خوانده از اذکار باشد و غلط خواندنش از ذکر بودن خارجش نکند، نمازش صحیح است .

(زنجانی :) مگر کلمه به هر دو نحو عربی صحیح باشد و یکی از آنها را به قصد ذکر بگوید.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۰۰.

(سیستانی :) مسأله اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند، یا نداند مثلًا کلمه ای به «ه» است یا به «ح »، باید وظیفه خود را به نحوی انجام دهد، مثلًا یاد بگیرد و یا به جماعت بخواند یا آن را دو جور یا بیشتر بخواند که یقین کند صحیح آن را خوانده است ولی در این صورت نماز او بر فرضی صحیح است که آن جمله غلط باز هم قرآن یا ذکر به حساب بیاید.

[مسأله ۱۰۰۳ اگر در کلمه ای واو باشد]

مسأله ۱۰۰۳ اگر (۱) در کلمه ای «واو» باشد و حرف قبل از «واو» در آن کلمه پیش داشته باشد و حرف بعد از «واو» در آن کلمه همزه «ء» باشد مثل کلمه «سوء» بهتر است (۲) آن واو را ، مدّ بدهد یعنی آن را بکشد و هم چنین اگر در کلمه ای «الف » باشد (و حرف قبل از الف در آن کلمه زبر داشته باشد (۳)) و حرف بعد از «الف » در آن کلمه همزه باشد مثل «جاءَ» بهتر است (۴) «الف » آن را بکشد و نیز اگر در کلمه ای «ی » باشد و حرف پیش

از «ی » در آن کلمه زیر داشته باشد و حرف بعد از «ی » در آن کلمه همزه باشد مثل «جی ء» بهتر آن است (۵) «ی » را با مدّ بخوانـد و اگر بعـد از این «واو» و «الف » و «ی »، به جای همزه «ء» حرفی باشد که ساکن است یعنی زیر و زبر و پیش ندارد باز هم بهـتر آن است این سه حرف را (۶) با مدّ بخواند (۷)، مثلًا در أن أن لاـ «وَ لَا الضّالِّین» که بعـد از «الف » حرف لام ساکن است ، بهتر آن است (۸) «الف » آن را با مدّ بخواند (۹). (۱) (بهجت :) رعایت مدّی که در یک کلمه واقع شده واجب است ، یعنی اگر ..

(سیستانی :) علمای تجوید گفته اند اگر .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب اگر .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، اراکی ، صافی ، بهجت ، سیستانی ، نوری :) باید ..

(تبریزی :) بنا بر احتیاط .. [عبارت «بهتر است » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، زنجانی و صافی نیست] (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، نوری :) باید ..

[عبارت «بهتر است » در رساله آیات عظام : زنجانی و تبریزی نیست] (۵) (گلپایگانی ، خوئی ، اراکی ، بهجت ، صافی ، سیستانی ، نوری :) باید ..

[عبارت «بهتر آن است » در رساله آیات عظام : زنجانی و تبریزی نیست] (۶) (خوئی ، گلپایگانی ، اراکی ، بهجت ، صافی ، سیستانی ، نوری :) باز هم باید این سه حرف را ..

(زنجانی :) باز هم بنا بر احتیاط مستحب این سه حرف را ..

(تبریزی :) باز هم این سه حرف را .. (۷) (سیستانی :) ولی ظاهراً صحّت قرائت در این چنین موارد توقّف بر مدّ ندارد پس چنانچه به دستوری که گفته شد، رفتار نکند، باز هم نماز صحیح است . بلی ، در مثل «وَ لَا الضّالِّین» که تحفّظ بر تشدید و الف توقّف بر مقداری مدّ دارد، باید به همان مقدار الف را مدّ بدهد. (۸) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، بهجت ، صافی ، تبریزی ، نوری :) باید ..

[عبارت «بهتر آن است » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۹) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی نوری :) و چنانچه به دستوری که گفته شد، رفتار نکند احتیاط واجب (گلپایگانی ، صافی : احتیاط) آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(تبریزی :) و چنانچه به دستوری که گفته شد رفتار نکند، بنا بر اظهر نماز صحیح است .

(زنجانی :) و چنانچه به دستوری که گفته شد رفتار نکند، بنا بر احتیاط مستحب نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله لازم نیست آن چه را علمای تجوید برای بهتر خوانی قرآن ذکر کرده اند، رعایت کند بلکه لازم است طوری بخواند که بگویند عربی صحیح است هر چند رعایت دستورات تجوید بهتر است .

[مسأله ۱۰۰۴ در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید]

اشاره

مسأله ۱۰۰۴ احتیاط مستحب (۱) آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید (۲) و معنی وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه ای را بگوید و بین

آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد. مثلًا بگوید علی علی لا «الرَّحمن ِالرَّحِیم ِ» و میم «الرحیم » را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مالِك ِیَوم ِالدِّین ِ»، و معنی وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند مثل آن که بگوید «الرَّحمن ِالرَّحِیم ِ» و میم «الرحیم » را زیر ندهد و فوراً «مالِك ِیَوم ِالدِّین ِ» را بگوید. (۱) (اراکی ، خوئی ، نوری :) احتیاط واجب .. (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط .. (۲) (فاضل :) أقوی این است که لازم نیست در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون را مراعات نماید ..

(بهجت :) وصل به سکون در نماز بنا بر اظهر جایز است و وقف غیر عمدی بر حرکت وضعاً صحیح است و اعاده ندارد و أحوط آن است که بدون عُذر، وقف به حرکت ننماید ..

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که در نماز وقف به حرکت ننماید و معنی وقف به حرکت آن است که زیر و زبر آخر کلمه را بگوید امّا بین آن کلمه و کلمه بعد فاصله دهد مثل این که بگوید اللّه ُاکبرُ (و آخر آن را پیش دهد) امّا مدتی سکوت کند بعد بِسم ِاللّه ِ را شروع نماید، ولی وصل به سکون مانعی ندارد هر چند ترک آن بهتر است ، معنی وصل به سکون این است که آخر جمله را بدون زیر و زبر بخواند و بلا فاصله آیه یا کلمه بعد را بگوید.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۸۲۷ تنوین و نون ساکن اگر به کلمه ای که با یکی از حروف (ی ، ر، م ، ل ، و، ن) شروع می شود برسد، واجب است که ادغام کند یعنی نون را به آن حرف تبدیل کند و با تشدید بگوید.

[مسأله ۱۰۰۵ در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند]

مسأله ۱۰۰۵ در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یك حمد بخواند یا سه مرتبه (۱) تسبیحات اربعه بگوید یعنی سه مرتبه (۲) بگوید (۳) «سُبحان َاللّه ِوَ الحَمدُ لِلّه ِوَ لا إله َالَّا اللّه ُوَ اللّه ُاکبَرُ» (۴) (و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است (۵)) و می تواند در یك رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. (۶) (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، زنجانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) یك مرتبه .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) یك مرتبه .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) یعنی بگوید .. (۴) (مکارم :) بلکه یك مرتبه نیز کافی است و مانعی ندارد در یك رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید. (۵) (خوئی ، سیستانی ، صافی ، تبریزی :) بهتر آن است که سه مرتبه بگوید ..

(زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه بگوید ..

(فاضل :) احتیاط واجب آن است که سه مرتبه تسبیحات اربعه را بگوید ..

(بهجت :) بنا بر اقوی کافی است ولی سه مرتبه فضیلت بیشتر دارد و موافق احتیاط است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه گلپایگانی نیست]

(۶) (خوئی ، تبریزی :) در نماز فرادی بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند و برای مأموم در نمازهای جهریه ، أحوط لزومی ، اختیار تسبیحات است .

[مسأله ۱۰۰۶ در تنگی وقت]

مسأله ۱۰۰۶ در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و در وسعت وقت یک مرتبه کافی است ، لکن سزاوار است ترک نشود سه مرتبه مگر در ضرورت .

(سیستانی :) و اگر به مقدار آن هم وقت ندارد، کافی است یک مرتبه «سبحان اللّه » بگوید.

[مسأله ۱۰۰۷ در رکعت سوم و چهارم نماز حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند]

مسأله ۱۰۰۷ بر مرد و زن (۱) واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند. (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط ..

[مسأله ۱۰۰۸ اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند]

مسأله ۱۰۰۸ اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید بسم اللّه آن را هم آهسته بگوید (۲). (۱) (اراکی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (فاضل :) خصوصاً برای مأموم و کسی که نمازش را فرادی می خواند.

(سیستانی :) واجب نیست بسم اللّه آن را هم آهسته بگوید مگر آن که مأموم باشد که در این صورت احتیاط واجب آن است که بسم اللّه را هم آهسته بگوید.

[مسأله ۱۰۰۹ کسی که نمی تواند تسبیحات را یاد بگیرد]

مسأله ۱۰۰۹ کسی که نمی تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند (۱)، باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (فاضل :) درست یا صحیح بخواند ..

[مسأله ۱۰۱۰ اگر در دو رکعت اول نماز تسبیحات بگوید]

مسأله ۱۰۱۰ اگر در دو رکعت اول نماز به خیال این که دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید (۱)، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند (۲) و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است (۳). (۱) (اراکی :) چنانچه بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است و اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و نمازش صحیح است ولی بعد از نماز باید دو سجده سهو به جا آورد. (۲) (فاضل :) و بنا بر احتیاط مستحب بعد از نماز سجده سهو برای تسبیحات زیادی انجام بدهد و اگر در رکوع بفهمد، نمازش صحیح است . (زنجانی :) باید حمد را بخواند .. (۳) (مکارم :) و احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد.

(بهجت ، نوری :) اگر در رکوع بفهمد، نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۰۱۱ اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال این که در دو رکعت اول است حمد بخواند]

مسأله ۱۰۱۱ اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال این که در دو رکعت اول است حمد بخواند، یا در دو رکعت اول نماز با این که گمان می کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۱۰۱۲ اگر در رکعت سوم یا چهارم می خواست حمد بخواند]

مسأله ۱۰۱۲ اگر در رکعت سوم یا چهارم می خواست حمـد بخواند تسبیحات به زبانش آمد، یا می خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد (۱) باید آن را رها کند (۲) و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند. ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده (۳) و در خزانه قلبش آن را قصد داشته می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است (۴). (۱) (سیستانی :) چنانچه به کلّی خالی از قصد نماز بوده حتّی در ضمیر ناخودآگاه .. (۲) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید آن را رها کند ..

(فاضل :) در چنین صورتی أقوی آن است آن را رها کند .. (۳) (خوئی ، اراکی ، تبریزی :) می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است .

(زنجانی :) همان را تمام می کند و نمازش صحیح است . (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر قصدش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده ، اگر چه به واسطه عادت باشد می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است .

(سیستانی :) اگر خالی از قصد نبوده ، مثل آن که عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده ، می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است .

(مکارم :) اگر هر دو در نیّت او بوده است هر کدام به زبانش آید، کافی است .

[مسأله ۱۰۱۳ کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند]

مسأله ۱۰۱۳ کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخوانـد (۱) اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود (۲) باید (۳) آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر از عادت خود غفلت نماید و به قصد اداءِ وظیفه مشغول خواندن حمد شود، کفایت می کند و لازم نیست دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند.

(صافی :) اگر با غفلت از عادت خود به قصد ادای وظیفه ، حمد بخواند کفایت می کند. (۲) (اراکی :) کفایت می کند. [پایان مسأله] (زنجانی :) اگر بدون قصد، حمد به زبانش آمد .. (۳) (فاضل :) أقوی آن است که .. (۴) (زنجانی :) ولی اگر از عادت خود غفلت کند و به قصد انجام وظیفه حمد را بخواند، می تواند آن را تمام کرده و نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۰۱۴ در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند]

مسأله ۱۰۱۴ در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند، مثلًا بگوید: «اسْتَغفِرُ اللّه رَبِی وَ اتُوبُ الَیه» یا بگوید «اللّهُم اغفِر لِی » (۱) (و اگر به گمان آن که حمد یا تسبیحات را گفته مشغول گفتن استغفار شود و شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده ، یا نه ، باید به شک خود اعتنا ننماید (۲)) ولی اگر (۳) نمازگزار پیش از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول گفتن استغفار نیست ، شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید حمد یا تسبیحات را بخواند

(۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) و اگر نمازگزار پیش از خم شدن برای رکوع اگر چه مشغول

گفتن استغفار یا بعد از فراغ از آن باشد شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید حمد یا تسبیحات را بخواند.

(سیستانی :) و اگر نمازگزار پیش از استغفار و خم شدن برای رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید حمد یا تسبیحات را بخواند؛ و اگر در حال گفتن استغفار یا بعد از آن شک کند، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید حمد یا تسبیحات را بخواند.

(زنجانی :) و کسی که مشغول گفتن استغفار است ، اگر شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، اگر به قصد ذکر خاص استغفار کرده باشد، لازم نیست حمد یا تسبیحات را بخواند ولی احتیاط مستحب آن است که حمد یا تسبیحات را به قصد ذکر مطلق ، دوباره بخواند؛ مخصوصاً اگر عادتش خواندن آن استغفار نباشد. و چنانچه به قصد این که در هر جای نماز استغفار مستحب است ، استغفار کرده لازم است حمد یا تسبیحات را بخواند و نیز اگر نمازگزار استغفار نکرده باشد پیش از خم شدن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید حمد یا تسبیحات را بخواند. (۲) [در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی به جای قسمت داخل پرانتز آمده است : و کسی که مشغول استغفار است ، اگر شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، چنانچه خود را در استغفار بعد از حمد یا تسبیحات ببیند، باید به شک خود اعتناء ننماید و الّا باید حمد یا تسبیحات را بخواند] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و نیز اگر .. (فاضل :) و هم چنین است اگر .. (۴) (فاضل :) [باید] به شک خود اعتنا نکند.

[مسأله ۱۰۱۵ اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم شک کند]

مسأله ۱۰۱۵ اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم (یا در حال رفتن به رکوع (۱)) شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند. (۲) این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، تبریزی ، مکارم و زنجانی نیست] (۲) (اراکی :) ولی چنانچه در حال رفتن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و حمد و سوره را بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) و اگر پیش از رسیدن به حدّ رکوع شک کند، لازم است برگردد و حمد یا تسبیحات را بخواند.

(مکارم :) امّا اگر هنوز به اندازه رکوع خم نشده ، احتیاط واجب آن است که برگردد و بخواند.

(زنجانی :) و اگر استغفار نکرده باشد و پیش از رسیدن به حد رکوع شک کند، لازم است برگردد و حمد یا تسبیحات را بخواند و اگر استغفار کرده باشد، حکم مسأله با همان تفصیلی است که در مسأله قبل گذشت .

[مسأله ۱۰۱۶ هر گاه شک کند که آیه یا کلمه ای را درست گفته یا نه]

مسأله ۱۰۱۶ هر گاه شک کند که آیه یا کلمه ای را درست گفته یا نه اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده ، باید (۱) آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید (۲) و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده ، چنانچه آن چیز رکن باشد

مثل آن که در رکوع شک کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر

رکن نباشـد، مثلًا موقع گفتن ب کما ب کما لا «اللّه ِ الصَّمَدُ» شک کند که «قُل هُوَ اللّه ِ أَحَدٌ» را درست گفته یا نه ، باز هم می تواند به شک خود اعتنا نکند (۳) ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صـحیح بگوید اشکال ندارد و اگر چند مرتبه هم شـک کنـد، می توانـد چنـد بـار بگویـد امّا اگر به وسواس برسـد و باز هم بگویـد، بنا بر احتیاط واجب بایـد نمازش را دوباره بخواند. (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب بایـد .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (زنجانی :) و اگر در رکوع یا بعـد از آن شک کنـد که فلان کلمه از حمد را درست گفته یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر پیش از رکوع باشـد ولی به چیزی که بعـد از آن است مشـغول شـده ؛ مثلًا موقع خواندن سوره شک کند که حمد را صـحیح خوانده یا نه ، یا موقع خوانـدن «اهدِنَا الصِّراطَ المُستَقِیم» شک کند که «إِیّاکَ نَعبُدُ وَ إِیّاکَ نَستَعِین» را صـحیح خوانده ، بنا بر احتیاط واجب باید قسمت خوانده شده را به طور صحیح به قصد قربت مطلقه تکرار کند، و اگر چند مرتبه هم شک کند، وظیفه اش همین است ؛ اما اگر به حـد وسواس برسـد نبایـد به شک خود اعتنا کنـد و چنانچه بتوانـد به وسواس خود عمل نکند و با این حال با علم به مسأله یا شک در آن ، باز هم آن قسمت را تکرار کند نمازش را باید دوباره بخواند. (۳) (اراکی :) ولی احتیاط مستحب است آن آیه و کلمه را به طور صـحیح بگویـد. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) مسأله هر گاه بعـد از تمام شدن آیه یا کلمه ای شک کنـد که آن را درست گفته یـا نه ، تـا داخل در رکن بعـد نشـده می توانـد برگردد و احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید ولی اگر جزءِ بعدی رکن باشد، مثلًا در رکوع شک کند که سوره را درست خوانده یا نه ، نمی تواند برگردد و باید به شک خود اعتناء نکند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله هر گـاه شک کنـد که آیه یا کلمه ای را درست گفته یا نه مثلًا شک کنـد که «قُل هُوَ اللّه ِ أَحَدٌ» را درست گفته یـا نه ، می توانـد به شـک خود اعتنـاء نکنـد ولی اگر احتیاطـاً آن آیه یـا کلمه را دوباره به طور صـحیح بگویـد، اشـکال نـدارد و اگر چند مرتبه هم شک کند می تواند چند بار بگوید امّا اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط مستحب نمازش را دوباره بخواند.

(سیستانی :) اگر به وسواس برسد بهتر است تکرار نکند.

(مکارم :) مسأله هر گاه در آیه و یا ذکری از نماز شک کنـد، باید آن را تکرار کند تا صـحیح بگوید، امّا اگر به حدّ وسواس برسد، باید اعتناء نکند و اگر اعتناء کند نمازش اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب باید دوباره بخواند.

[مسأله ۱۰۱۷ مستحب است در رکعت اول پیش از خواندن حمد]

مسأله ۱۰۱۷ مسـتحب است در رکعت اول ، پیش از خواندن حمد بگوید (۱): «اعُوذُ بِاللّه ِ مِنَ الشَّیطان ِ الرَّجیم ِ» و در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر «بسم اللّه » را بلنـد بگوید (۲) و حمد و سوره را شـمرده بخواند (۳) و در آخر هر آیه وقـف کند یعنی آن را به آیه بعـد نچسـباند و در حال خوانـدن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشـته باشد. و اگر نماز را به جماعت می خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادی می خواند، بعد از آن که

حمد خودش تمام شد بگوید: «الحمد للّه رب العالمین ». بعد از خواندن سوره «قل هو اللّه احد»، یک ، یا دو، یا سه مرتبه (۴) «کَذَلِکَ ٰاللّه ُربّی » یا سه مرتبه «کَذَلِکَ ٰاللّه ُرَبُّنا» بگوید (۵)، بعد از خواندن سوره کمی صبر کند بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند. (۱) (بهجت :) آهسته بگوید: .. (۲) (زنجانی :) بر مردها مستحب است در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر «بِسم ِاللّه ِالرَّحمن ِالرَّحِیم ِ» را بلند بگویند ..

(فاضل :) اگر امام جماعت است «بسم اللّه » را بلند بگوید و در حال فرادی آهسته بگوید ..

(مکارم :) «بسم اللّه » را در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر در جماعت بلند بگوید هم چنین مستحب است حمد و سوره و اذکار نماز را شمرده بخواند و آیات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معنی آنها توجّه داشته باشد و اگر نماز را با جماعت می خواند بعد از تمام شدن حمد امام به امید ثواب پروردگار بگوید «الحمد للّه رب ّالعالمین » و بعد از خواندن سوره «قل هو اللّه احد»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «کذلک اللّه ربّی » یا «کذلک اللّه ربّنا». (۳) (گلپایگانی ، صافی :) در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر «بِسم ِاللّه ِالرَّحمن ِالرَّحِیم ِ» را بلند بگوید و نیز مستحب است در تمام نمازها حمد و سوره را شمرده بخواند ..

(زنجانی :) مستحب است نمازگزار حمد و سوره را شمرده بخواند .. (۴) (بهجت :) یک یا دو مرتبه .. (۵) (سیستانی :) یک یا دو یا سه مرتبه «کذلک اللّه ربی » یا «کذلک اللّه ربنا» بگوید ..

[مسأله ۱۰۱۸ مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول]

مسأله ۱۰۱۸ مستحب است (۱) در تمام نمازها در رکعت اول ، سوره «إنا أنزلناه » و در رکعت دوم ، سوره «قل هو اللّه احد» را بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) شایسته است .. (تبریزی :) بهتر است .. (۲) (مکارم :) و هیچ سوره ای را در هر دو رکعت تکرار نکند مگر سوره «قل هو اللّه » و سزاوار نیست در تمام نمازهای شبانه روز سوره «قل هو اللّه » را ترک کند و بهتر است سوره هایی برای نماز انتخاب شود که مردم را متوجّه اموری که به آن نیاز دارند و ترک گناهانی که به آن آلوده اند، کند.

[مسأله ۱۰۱۹ مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه روز]

مسأله ۱۰۱۹ مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه روز سوره «قل هو اللّه احد» را نخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۱۸.

[مسأله ۱۰۲۰ خواندن سوره قل هو اللّه احد به یک نفس]

مسأله ۱۰۲۰ خواندن سوره «قل هو اللّه احد» به یک نفس مکروه است (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (فاضل :) چنانکه خواندن حمد هم با یک نفس مکروه است .

[مسأله ۱۰۲۱ سوره ای را که در رکعت اول خوانده]

مسأله ۱۰۲۱ سوره ای را که در رکعت اول خوانـده مکروه است در رکعت دوم بخوانـد ولی اگر سوره «قل هو اللّه احد» را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۱۸. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

رکوع

[مسأله ۱۰۲۲ در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود]

مسأله ۱۰۲۲ در هر رکعت بعد از قرائت باید (۱) به اندازه ای خم شود که بتواند دست را (۲) به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می گویند. (۳) (۱) (زنجانی :) باید به قصد خضوع .. (۲) (سیستانی :) بتواند سر همه انگشت هایش را از جمله ابهام .. (۳) (مکارم :) بلکه احتیاط واجب آن است که کف دستها را بر زانو بگذارد.

[مسأله ۱۰۲۳ اگر به اندازه رکوع خم شود]

مسأله ۱۰۲۳ اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دستها را (۱) به زانو نگذارد (۲) اشکال ندارد (۳). (۱) (سیستانی :) سر انگشتان را .. (۲) (فاضل :) خلاف احتیاط است پس احتیاط آن است که دستها را به روی زانو بگذارد گر چه ظاهر این است که واجب نیست . (۳) (صافی :) اگر چه احتیاط مستحب این است که دستها را به زانو بگذارد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۲۲.

[مسأله ۱۰۲۴ هر گاه رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد]

اشاره

مسأله ۱۰۲۴ هر گاه رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد، مثلًا به چپ یا راست خم شود (۱)، اگر چه دستهای او به زانو برسد، صحیح نیست (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) یا زانوها را به جلو بیاورد .. (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط.

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۰۴۴ قیام متصل به رکوع واجب و رکن است یعنی این که نماز گزار باید از حالت ایستاده با قصد رکوع برای رکوع خم شود لذا اگر به قصد کار دیگری خم شود مثلًا برای برداشتن چیزی یا به قصد سجده خم شود و متوجه شود که رکوع نکرده در این صورت باید مستقیم بایستد و بعد رکوع برود و اگر قبل از ایستادن رکوع به جا آورد چون قیام متصل به رکوع را مراعات نکرده نمازش باطل است .

[مسأله ۱۰۲۵ خم شدن باید به قصد رکوع باشد]

مسأله ۱۰۲۵ خم شدن باید به قصد رکوع باشد (۱)، پس اگر به قصد کار دیگر مثلًا برای کشتن جانور خم شود (۲) نمی تواند آن را رکوع حساب کند (۳) بلکه باید بایستد دوباره برای رکوع خم شود و به واسطه این عمل ، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی شود. (۱) (بهجت :) رکوع باید با قصد باشد اگر چه بعد از خم شدن پدید آید ..

(زنجانی :) خم شدن باید به قصد خضوع باشد .. (۲) (بهجت :) و قصد رکوع بعد از خم شدن بوجود آمد بنا بر اظهر کافی است . [پایان مسأله] (۳) (مکارم :) بنا بر این اگر بدون این قصد خم شود، نمی تواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد و به قصد رکوع خم شود.

[مسأله ۱۰۲۶ کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد]

مسأله ۱۰۲۶ کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلًا دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می رسد یا زانوی او پایین تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.

[مسأله ۱۰۲۷ کسی که نشسته رکوع می کند]

مسأله ۱۰۲۷ کسی که نشسته رکوع می کند، باید به قدری خم شود که صورتش

مقابل زانوها برسد (۱) و بهتر است به قـدری خم شود که صورت نزدیک جای سـجده برسد (۲). این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) بایـد به قدری خم شود که بگویند رکوع کرده است . [پایان مسأله] (زنجانی :) باید به قدری خم شود که اگر ایسـتاده رکوع می کرد کمرش را خم می نمود. [پایـان مسأله] (۲) (تبریزی ، سیستانی :) صورت مقابل جای سجده باشد.

[مسأله ۱۰۲۸ انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است]

مسأله ۱۰۲۸ انسـان هر ذکری در رکوع بگویـد کـافی است ولی احتیاط واجب آن است که (۱) به قـدر سه مرتبه (۲) «سُبحانَ اللّه ِ» یا یک مرتبه «سُبحانَ رَبِّیَ العَظِیم ِ وَ بِحمـدِه ِ» کمتر نباشـد. (۱) (اراکی :) کـافی است به شـرط آن که .. (۲) (فاضل :) ولی باید از سه مرتبه ..

(گلپایگانی :) مسأله احتیاط آن است که در رکوع سه مرتبه «سـبحان اللّه » یا یک مرتبه «سـبحان ربّی العظیم و بحمده » بگوید و سزاوار است به قدر امکان ، مراعات این احتیاط بشود اگر چه مطلق ذکر از تحمید و تسبیح و تهلیل کافی است به شـرط آن که به قدر سه «سبحان اللّه » مثلًا باشد ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری ، گفتن یک «سبحان اللّه » کافی است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله بهتر آن است که در حال اختیار در رکوع سه مرتبه «سـبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربّی العظیم و بحمـده » بگویـد و ظـاهر این است که گفتن هر ذکری که به این مقـدار باشـد کفـایت می کنـد ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک «سبحان اللّه » کافی است .

(سیسـتانی :) گر چه گفتن هر ذکری کفایت می کند و بنا بر احتیاط واجب باید به همین مقدار باشد، ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک «سـبحان اللّه » کافی است . و کسـی که نمی توانـد «سـبحان ربی العظیم » را خوب ادا کند باید ذکری دیگر مانند سه بار «سبحان اللّه » را بگوید.

(مکـارم :) مسـأله در رکوع ، واجب است ذکر بگویـد؛ ذکر رکوع بنـا بر احتیـاط واجب سه مرتبه «سـبحان اللّه » یـا یـک مرتبه «سـبحان ربّی العظیم و بحمده » است که باید به عربی صـحیح گفته شود و مستحب ّاست آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه تکرار کند.

(بهجت :) مسأله کافی بودن هر ذکری که خواست بگوید در رکوع خالی از وجه نیست ولی احتیاط مستحب ّ آن است که سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربّی العظیم و بحمده » بگوید.

(صافی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که در رکوع ، سه مرتبه «سـبحان اللّه » یا یک مرتبه «سـبحان ربی العظیم و بحمـده » بگویـد، هر چنـد ظـاهر این است که گفتن هر ذکری که به این مقـدار باشـد مثل سه مرتبه «اللّه أکبر» کفایت می کنـد ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک «سبحان اللّه » کافی است .

(زنجانی :) مسأله لازم است که در حال اختیار سه مرتبه " " سُبحانَ اللّهِ " یا یک مرتبه " سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَ بِحَمدِهِ " یا ذکر دیگری به این مقدار بگوید؛ ولی به احتیاط واجب در رکوع " سُبحانَ رَبِّیَ الأَعلی وَ بِحَمدِهِ " نگوید و در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک " سُبحانَ اللّهِ " کافی است .

[مسأله ۱۰۲۹ ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود]

مسأله ۱۰۲۹ ذکر رکوع بایـد دنبال هم و به عربی صـحیح گفته شود (۱) و مسـتحب است آن را سه یا پنـج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوینـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ذکر رکوع بایـد به عربی صـحیح گفته شود ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۲۸.

[مسأله ۱۰۳۰ در رکوع باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد]

مسأله ۱۰۳۰ در رکوع باید به مقدار ذکر واجب ، بدن آرام باشد (۱) و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دسـتور داده انـد بگوید بنا بر احتیاط واجب (۲)، آرام بودن بـدن لازم است (۳). (۱) (خـوئی :) و در ذکر مسـتحب هم آرام بودن بـدن در صورتی که قصـد خصوصـیّت نمایـد أحوط است . (تبریزی :) و در ذکر مستحب هم آرام بودن بـدن بهتر است .

(بهجت :) و آرام گرفتن بـدن در حـدّی که بگوینـد آرام گرفت ، داخـل در رکن رکـوعی است و زائـد بر آن مثـل خود ذکر رکوع ، داخل در رکن نیست ، اگر چه واجب است .

(زنجانی :) برای تحقق رکوع بایـد بعـد از خم شـدن بـدن آرام بگیرد و در حال ذکر واجب آن نیز بایـد بدن آرام باشد .. (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید بدن آرام باشد.

(سیسـتانی :) مسأله در حال رکوع باید بدن نمازگزار آرام باشد و نباید بدن خود را به اختیار به طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود حتّی بنا بر احتیاط زمانی که مشغول به ذکر واجب نیست ، و اگر عمداً این استقرار را رعایت نکند، نماز بنا بر احتیاط باطل است حتی اگر ذکر را در حال استقرار اعاده کند.

[مسأله ۱۰۳۱ اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می گوید]

مسأله ۱۰۳۱ اگر مـوقعی که ذکر واجب رکوع را می گویـد، بی اختیـار (۱) به قـدری حرکت کنـد که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن ، بنا بر احتیاط واجب (۲) دوباره ذکر را بگوید (۳)، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود، یا انگشـتان را (۴) حرکت دهد اشـکال ندارد (۵). (۱) (سیسـتانی :) سهواً یا بی اختیار .. (۲) [عبـارت «بنـا بر احتیـاط واجب » در رسـاله آیـات عظـام : اراکی ، گلپایگـانی ، بهجت و صافی نیست] (۳) (خوئی ، تـبریزی ، سیستانی :) بهتر این است که بعد از آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید .. (۴) (زنجانی :) دستها و انگشتان را .. (۵) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) ضرری ندارد.

(مکارم :) مسأله هر گاه در موقعی که مشغول ذکر واجب است کسـی به او تنه بزنـد، یا به علّت دیگری بدن از آرامش بیرون

رود، باید بعد از آرام گرفتن دوباره ذکر را بگوید، ولی حرکات مختصر اشکال ندارد.

[مسأله ۱۰۳۲ اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود]

مسأله ۱۰۳۲ اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام بگیرد عمداً (۱) ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (زنجانی :) با علم و عمد .. (۲) (سیستانی :) مگر این که دوباره ذکر را در حال استقرار در رکوع بگوید و اگر سهواً باشد لازم نیست آن را دوباره بگوید.

(گلپایگانی ، صافی :) باید بعد از رسیدن به رکوع و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنا بر احتیاط لازم نماز را پس از اتمام اعاده نماید و اگر به همان ذکر اوّل اکتفا نماید نماز باطل است .

(تبریزی :) بنا بر احتیاط، لازم است دوباره ذکر را بعد از آرام گرفتن بدن بگوید و نماز را اعاده کند.

(مکارم :) مسأله هر گاه ذکر را قبل از رسیدن به حدّ رکوع و آرام گرفتن بدن بگوید باید آن را بعد از آرام گرفتن اعاده کند، حتّی اگر عمداً این کار را بکند، احتیاط این است که نماز را نیز بعداً اعاده نماید.

[مسأله ۱۰۳۳ اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب]

مسأله ۱۰۳۳ اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب ، عمداً (۱) سر از رکوع بردارد (۲) نمازش باطل است و اگر سهواً (۳) سر بردارد (۴)، چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید نماز او صحیح است (۵). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) با علم و عمد .. (۲) (تبریزی :) که از حدّ رکوع خارج شود .. (۳) (زنجانی :) یا به جهت ندانستن مسأله .. (۴) (سیستانی :) اعاده ذکر لازم نیست . (۵) (زنجانی :) چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شود متوجه شود، باید در حال آرامی بدن ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد متوجه شود، نماز او صحیح است .

[مسأله ۱۰۳۴ اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند]

مسأله ۱۰۳۴ اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از آن که از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند (۱) و اگر نتواند در حال برخاستن ذکر را به قصد رجاء بگوید (۲). (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) و اگر آن مقدار هم نمی تواند، قبل از رسیدن به حدّ رکوع ذکر را شروع کند و یا در حال برخاستن تمام کند. (۲) (فاضل :) باید در آن حال ذکر را بگوید و اگر نتواند بنا بر احتیاط در حال بر خاستن ذکر را بگوید.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، احتیاط واجب آن است که بقیه آن را در حال برخاستن بگوید (تبریزی : و تا می تواند قبل از خروج از حدّ رکوع ، ذکر را تمام کند).

(سیستانی :) مسأله اگر نتواند به مقدار ذکر و لو یک «سبحان اللّه » در حال رکوع بماند، هر چند بدون آرامش واجب نیست

بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید هر چند بقیه آن را در حال برخاستن و قصد قربت مطلقه بگوید یا قبل از آن شروع کند.

(زنجانی :) مسأله اگر نتواند به مقدار ذکر واجب در رکوع بماند، احتیاط واجب آن است که مقداری را در حال رفتن به رکوع یا در حال بر خاستن بگوید و آن چه را می تواند در حال رکوع بگوید.

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی می تواند رکوع کند، امّا به خاطر بیماری یا علّت دیگری نمی تواند به اندازه ذکر واجب توقّف کند، باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید، هر چند بدن آرام نباشد؛ و اگر نتواند، در حال برخاستن ، ذکر را تمام کند.

[مسأله ۱۰۳۵ اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد]

مسأله ۱۰۳۵ اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد (۱) نماز صحیح است ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی «سبحان ربی العظیم و بحمده » یا سه مرتبه «سبحان اللّه » را بگوید (۲). (۱) (فاضل :) اگر به واسطه مرض و مانند آن نتواند در رکوع آرام بگیرد .. (۲) (گلپایگانی ، بهجت ، صافی ، زنجانی :) ذکر واجب را بگوید.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ذکر واجب را به نحوی که گذشت بگوید.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۳۴.

[مسأله ۱۰۳۶ هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود]

مسأله ۱۰۳۶ هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید (۱) به هر اندازه می تواند، خم شود (۲) و اگر هیچ نتواند خم شود (۳) باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند (۴) و احتیاط مستحب (۵) آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط باید .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و اشاره به رکوع نیز بنماید ..

(گلپایگانی ، صافی :) و در این صورت احتیاط لازم آن است که نماز را دوباره بخواند و رکوع آن را نشسته بجا آورد .. (سیستانی :) باید به اندازه ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود .. (۳) (سیستانی :) اگر به این مقدار نتواند خم شود .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید برای رکوع با سر اشاره نماید. [پایان مسأله] (بهجت :) باید با سر اشاره نماید و اگر آن هم ممکن نشد با چشم به وسیله بستن برای رکوع و باز کردن برای برخاستن از رکوع اشاره نماید و اگر از این هم عاجز است باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم .. (نوری :) احتیاط واجب ..

(مکارم :) مسأله کسی که نمی تواند به اندازه رکوع خم شود اگر بتواند باید به چیزی تکیه کند و رکوع نماید و اگر آن هم ممکن نشود باید به هر اندازه ممکن است خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود، باید رکوع را به صورت نشسته انجام دهد، و اگر آن هم ممکن نشود در حال ایستاده با سر اشاره می کند و اگر این را هم نتواند، به نیّت رکوع چشمها را برهم می گذارد و ذکر را می گوید و به نیّت برخاستن از رکوع چشمها را باز می کند.

(زنجانی :) مسأله هر گاه به هیچ وجه و لو به تکیه دادن به چیزی نتواند به اندازه واجب رکوع خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید و به احتیاط مستحب هر اندازه هم می تواند، خم شود.

[مسأله ۱۰۳۷ کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند]

مسأله ۱۰۳۷ کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند، باید به نیت رکوع چشمها را هم بگذارد (۱) و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع ، چشمها را باز کند و اگر از این هم عاجز است (۲) باید در قلب ، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) برای رکوع با سر اشاره کند و نمازش صحیح است و اگر نتواند با سر اشاره کند بنا بر احتیاط واجب به نیت رکوع چشمها را ببندد .. (۲) (زنجانی :) به نیت ذکر رکوع ، ذکر را بگوید و در هر دو صورت پس از وقت ، نماز را دوباره بخواند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۳۶.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که برای رکوع باید با سر اشاره کند اگر نتواند با سر اشاره کند، باید به نیت رکوع چشمها را برهم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع ، چشمها را باز کند و اگر از این هم عاجز است ، بنا بر احتیاط در قلب ، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

(سیستانی :) باید در قلب خود نیت رکوع کند و بنا بر احتیاط واجب ، با دست خود برای رکوع اشاره کند و ذکر آن را بگوید و در این صورت اگر ممکن است بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین این عمل و ایماء به رکوع در حال نشستن .

[مسأله ۱۰۳۸ کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند]

اشاره

مسأله ۱۰۳۸ کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید (۱) و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند (۲) و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می تواند برای رکوع خم شود. (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۲) (فاضل :) احتیاط واجب این است که یک نماز ایستاده بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و نماز دیگری هم بخواند .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۳۶.

(خوئی ، سیستانی :) مسأله کسی که نمی تواند ایستاده رکوع کند ولی برای رکوع می تواند در حالی که نشسته است خم شود باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و برای رکوع خم شود.

(تبریزی :) و موقع رکوع بنشیند و برای رکوع خم شود و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع

آن در حال قیام با سر اشاره نماید.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۹۳۸ هر گاه کسی بر اثر پیری خمیده شده یا به خاطر بیماری یا به علّت دیگر به حالتی شبیه رکوع در آمده بایـد در موقع نماز آن قـدر که می توانـد کمر را برای قرائت راست کنـد و اگر نمی توانـد قدری کمر را قبل از رکوع راست کنـد، سپس به حال رکوع در آید و اگر آن هم ممکن نشود برای انجام رکوع کمی بیشتر خم شود به شرط این که از حالت رکوع خارج نگردد. و اگر آن هم ممکن نشود، احتیاط این است که هم با سر اشاره کنـد و هم قصد کند که آن حالتش جزءِ رکوع باشد.

[مسأله ۱۰۳۹ اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد]

مسأله ۱۰۳۹ اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود، نمازش باطل است و نیز اگر بعد از آن که به اندازه رکوع خم شد و بدنش آرام گرفت ، به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد (۱)، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و بهتر آن است که نماز را تمام کند و از سر بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست . (۱) (فاضل :) نمازش باطل است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به اندازه رکوع خم شود، نمازش باطل است .

(زنجانی :) و دو مرتبه به قصد خضوع به اندازه رکوع خم شود و بدنش آرام گیرد، نمازش باطل است .

(گلپایگانی ، صافی : سیستانی :) اگر (سیستانی : عمداً) بعد از رسیدن به حد رکوع ، سر بردارد ..

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) یا بعد از آن که به اندازه رکوع خم شود (اراکی : و بدنش آرام گرفت ، به قصد رکوع) به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد نمازش باطل است (گلپایگانی : چون رکوع زیاد شده است).

[مسأله ۱۰۴۰ بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد]

مسأله ۱۰۴۰ بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد و (۱) بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده رود (۲) و اگر عمداً (۳) پیش از ایستادن ، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است (۴). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب .. (۲) (مکارم :) و اگر عمداً این کار را ترک کند نمازش باطل است امّا اگر از روی سهو باشد، اشکالی ندارد. (۳) (زنجانی :) اگر با علم و عمد .. (۴) (سیستانی :) اگر عمداً پیش از ایستادن به سجده رود، نمازش باطل است و هم چنین بنا بر احتیاط واجب اگر عمداً پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود.

[مسأله ۱۰۴۱ اگر رکوع را فراموش کند]

اشاره

مسأله ۱۰۴۱ اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آن که به سجده برسد، یادش بیاید (۱)، باید بایستد بعد به رکوع رود (۲) و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد (۳)، نمازش باطل است . (۱) (بهجت :) اگر به قصد رکوع خم شده بود و مختصر مکثی در رکوع کرد، فقط قیام بعد از رکوع را انجام نداده ، بنا بر این برمی گردد و آن قیام را به جا آورده و به سجده می رود و الّا باید ایستاده و بعد به رکوع رود؛ و احتیاط مستحب ّاست اگر فراموش کردن ِرکوع قبل از خم شدن باشد، نماز را

دو مرتبه بخواند و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است . (۲) (سیستانی :) و کفایت نمی کند به حالت خمیدگی به رکوع برگردد. (۳) (زنجانی :) کفایت نمی کند، بلکه باید بایستد بعد به رکوع رود.

(مکـارم :) مسأله هر گاه رکوع را فراموش کنـد و پیش از سـجده اوّل یا میان دو سـجده ، یا قبل از آن که پیشانی برای سـجده دوّم به زمین رسد متوجّه شود، باید بر گردد و بایستد و بعد به رکوع رود.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۹۳۹ رکوع از واجبـات رکنی است که اگر ترک شود یـا در یـک رکعت دو رکوع یـا بیشتر به جا آورد نماز باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو و فراموشی .

[مسأله ۱۰۴۲ اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد]

مسأله ۱۰۴۲ اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده (۱) بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کنـد و دوباره بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی :) لازم است بر گردد و رکوع را بعـد از ایسـتادن به جا آورد و در صورتی که در سـجده دوّم یادش بیاید نمازش (سیستانی : بنا بر احتیاط لازم) باطل است .

(زنجـانی :) به احتیـاط واجب دو سـجده را نادیـده گرفته و پس از انجام رکوع و سـجود نماز را تمام کنـد، پس از آن نماز را دوباره بخواند. (۲) (فاضل :) و اگر در سجده دوّم یادش بیاید، نمازش باطل است و باید آن را از سر بگیرد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۴۱.

(گلپایگـانی ، صافی :) مسأله اگر بعـد از آن که برای سـجده دوّم پیشانی به زمین رسـید، یادش بیایـد که رکوع نکرده نمازش باطل است ولی تا داخل سـجده دوّم نشـده اگر یادش بیایـد که رکوع نکرده بایـد بایسـتد و رکوع را به جا آورد و بعد از تمام شدن نماز برای زیادی سجده احتیاطاً دو سجده سهو به جا آورد و اگر احتیاطاً نماز را دوباره بخواند بهتر است .

[مسأله ۱۰۴۳ پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید]

مسأله ۱۰۴۳ مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگهـدارد و گردن را بکشـد و مساوی پشت نگهـدارد و بین دو قـدم را نگاه کنـد (و پیش از ذکر یا بعـد از آن صلوات بفرستد (۱)) و بعـد از آن که از رکوع برخاست و راست ایسـتاد، در حال آرامی بـدن بگوید «سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَه» (۲). (۱) (گلپایگانی :) ولی آن را به نیّت ذکر رکوع نگوید ..

[قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیت اللّه مکارم نیست] (۲) (بهجت :) و در حـال رکوع بلکه در تمـام احوال نمـاز، گذاشـتن

دستها در زیر همه لباسها مکروه است .

[مسأله ۱۰۴۴ در رکوع زنها دست را از زانو بالاتر بگذارند]

اشاره

مسأله ۱۰۴۴ مستحب است در رکوع زنها دست را از زانو بالاتر بگذارند (۱) و زانوها را به عقب ندهند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

سجود

[مسائلی در سجود]

[مسأله ۱۰۴۵ نماز گزار باید بعد از رکوع دو سجده کند]

مسأله ۱۰۴۵ نماز گزار بایـد در هر رکعت از نمازهای واجب و مسـتحب ، بعد از رکوع دو سـجده کند (۱) و سجده آن است که پیشـانی و کف دو دست (۲) و سـر دو زانو و سـر دو انگشت بزرگ پاهـا را بر زمین بگـذارد (۳). (۱) (زنجـانی :) یعنی به قصـد خضوع پیشـانی را به زمین بگـذارد و بنا بر احتیاط مسـتحب مقـداری از پیشانی که بر زمین قرار می گیرد کمتر از درهم نباشد (مقدار درهم در مسأله [۸۴۸] بیان شد) و باید در حال سجده ذکر بگوید و در حال ذکر، کف دو دست و دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگـذارد و نهادن پشت دست کفایت نمی کند و بنا بر احتیاط واجب باید انگشـتان دست نیز روی زمیـن قرار گیرد. (۲) (بهجـت :) تمـام کـف دو دست .. (۳) (خوئی ، تـبریزی :) سـجده آن است که پیشـانی را به قصـد خضـوع به زمین بگـذارد و در حـال سـجده در نمـاز، واجب است که کـف دو دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاهـا را به زمین بگذارد.

(سیستانی :) سجده محقّق می شود به این که به هیئت مخصوصی ، پیشانی را به قصد خضوع به زمین بگذارد و در حال سجده در نماز، واجب است که کف دو دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد. و منظور از پیشانی بنا بر احتیاط واجب وسط آن است و آن مسـتطیلی است که از کشـیدن دو خط فرضی بین دو ابرو در وسط پیشانی تا مرز موی سر به دست می آید.

مسأله از ۱۰۴۶ تا ۱۰۶۵ اختصاصی

اشاره

(بهجت :) مسأله ۸۵۵ بنا بر احتیاط مقدار پیشانی که به زمین گذاشـته می شود نباید کمتر از مقدار پهنای یک ناخن باشد، گر چه کفایت مطلق گذاشـتن پیشانی روی زمین بـدون تعیین مقـدار، خالی از وجه نیست ؛ و در صورت رعایت احتیاط در مقدار سجده گاه یعنی پهنای یک ناخن ، أحوط اتصال این مقدار از زمین است به همدیگر؛ پس سجود بر دانه های تسبیح متعارف ، خلاف احتیاط است .

[مسأله ۱۰۴۶ دو سجده روی هم یک رکن است]

مسأله ۱۰۴۶ دو سجده روی هم یک رکن است (۱) که اگر کسی در نماز واجب (۲) عمداً یا از روی فراموشی (۳) هر دو را ترک کند یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید نمازش باطل است . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) دو سجده از یک رکعت با هم رکن است .. (۲) [عبارت « در نماز واجب » در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی :) در یک رکعت ..

(زنجانی :) مسأله سجده در هر رکعت رکن است که اگر کسی در یک رکعت از نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، نمازش باطل می شود.

(سیستانی :) مسأله دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب هر چند از روی فراموشی یا جهل به مسأله در یک رکعت هر دو را ترک کند نمازش باطل است و هم چنین

است بنا بر احتیاط لازم اگر دو سجده در یک رکعت از روی فراموشی اضافه کند (جهل قصوری این است که جاهل در جهل خود معذور باشد).

[مسأله ۱۰۴۷ اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند]

مسأله ۱۰۴۷ اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل می شود و اگر سهواً یک سجده کم کند (۱) حکم آن بعداً (۲) گفته خواهد شد. (۱) (خوئی :) کم یا زیاد کند ..

(سیستانی :) کم یا زیاد کند نمازش باطل نمی شود و در صورت کم شدن ، حکم آن در احکام سجده سهو خواهد آمد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) در مسائل [(۱۲۵۱) تا (۱۲۶۲)] ..

(مکارم :) مسأله زیادی یا کمی یک سجده به شرط این که از روی سهو باشد نماز را باطل نمی کند.

(زنجانی :) مسأله اگر با علم و عمد یک سجده کم یا زیاد کند نماز باطل می شود، و اگر سهواً یک سجده زیاد کند نماز صحیح است و اگر سهواً یک سجده کم کند حکم آن در مسأله [۱۱۰۹] گفته خواهد شد.

[مسأله ۱۰۴۸ اگر پیشانی را عمداً یا سهواً به زمین نگذارد]

مسأله ۱۰۴۸ اگر پیشانی را عمداً (۱) یا سهواً به زمین نگذارد، سجده نکرده است . اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد ولی اگر پیشانی را (۲) به زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند، یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است . (۱) (سیستانی :) کسی که می تواند پیشانی را به زمین بگذارد اگر آن را عمداً .. (۲) (زنجانی :) به قصد خضوع ..

(مکارم :) مسأله هر گاه یکی از این اعضاءِ [مذکور در مسأله ۱۰۴۵] را عمداً بر زمین نگذارد، سجده اش باطل است و اگر سهواً پیشانی را به زمین نگذارد باز سجده باطل است ، امّا اگر پیشانی به زمین باشد و بعضی دیگر از اعضاء را سهواً به زمین نگذارد سجده صحیح است .

[مسأله ۱۰۴۹ در سجده هر ذکری بگوید کافی است]

مسأله ۱۰۴۹ در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که (۱) مقدار ذکر از سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سُبحانَ رَبِّیَ الأَعلی وَ بِحَمدِهِ » کمتر نباشد (۲) و مستحب است «سُبحانَ رَبِّیَ الأَعلی وَ بِحَمدِهِ » را سه یا پنج یا هفت مرتبه (۳) بگوید. (۱) (اراکی ، فاضل :) در سجده هر ذکری بگوید کافی است به شرط آن که .. (۲) (گلپایگانی :) احتیاط واجب آن است که در سجده سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربّی الأعلی و بحمده » بگوید، یا ذکر

دیگری که به قدر سه «سبحان اللّه » باشد، چنانچه در رکوع گفته شد و باید این کلمات به عربی صحیح گفته شود ..

(خوئی ، تبریزی :) بهتر آن است که در حال اختیار در سجده سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده » بگوید و باید این کلمات دنبال هم و به عربی گفته شود و ظاهر این است که گفتن ذکری که به این مقدار باشد کفایت می کند ..

(سیستانی :) بهتر آن است که در حال اختیار در سجده سه مرتبه «سُبحانَ اللّهِ » یا یک مرتبه «سُبحانَ رَبِّیَ الأَعلی وَ بِحَمدِهِ » بگوید و باید این کلمات دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود گر چه گفتن هر ذکری کفایت می کند ولی بنا بر احتیاط لازم باید به این مقدار باشد ..

(بهجت :) کفایت هر ذکری که در سجده بگوید، خالی از وجه نیست ولی احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سُبحانَ رَبِّیَ الأَعلی وَ بِحَمدِهِ» بگوید ..

(زنجانی :) یکی از واجبات سجده ، ذکر است ، و آن گفتن «سُبحانَ رَبِّیَ الاعلی وَ بِحَمدِهِ یا سُبحانَ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ» است و ظاهر آن است که گفتن هر ذکری که به مقدار اینها باشد کفایت می کند، لکن بنا بر احتیاط واجب در سجده " سُبحَانَ رَبِّیَ العَظِیمِ وَ بِحَمدِهِ " نگوید؛ و باید ذکر سجده به دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود ..

(صافی :) احتیاط مستحب آن است که در سجده ، سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربی الأعلی و بحمده » بگوید هر چند ظاهر این است که اکتفا به گفتن هر ذکری که به این مقدار باشد، مثل سه مرتبه «اللّه اکبر» جایز است ، و باید این کلمات به عربی صحیح گفته شود، .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) یا بیشتر ..

(مکارم :) مسأله ذکر سجده نیز واجب است و احتیاط آن است که حدّ اقل سه مرتبه «سبحان اللّه » یا یک مرتبه «سبحان ربّی الأعلی و بحمده » بگوید و هر چه بیشتر بگوید بهتر است .

[مسأله ۱۰۵۰ در سجود باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد]

مسأله ۱۰۵۰ در سجود باید به مقدار ذکر واجب ، بدن آرام باشد (۱) و موقع گفتن ذکر مستحب هم (۲)، اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است (۳). (۱) (بهجت :) و اگر نتوانست به اندازه ذکر واجب ، آرامش بدن داشته باشد، اصل وجوب ذکر ساقط نمی شود؛ و اگر به هیچ وجه بدنش آرام نمی گیرد أحوط این است که نماز دیگری هم بخواند و سجده آن را با اشاره انجام دهد و منظور از آرامش بدن ، توقف و مکث بین سر گذاشتن و برداشتن است .

(زنجانی :) برای تحقق سجده باید پس از رسیدن پیشانی به مُهر بدن آرام بگیرد و در حال ذکر واجب آن باید بدن آرام باشد .. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط .. (۳) (زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب .

(مکارم :) و امّا اگر به قصد ذکر مطلق باشد که در هر جای نماز جایز است ، حرکت مانعی ندارد.

(خوئی :) موقع گفتن ذکر مستحب هم آرام بودن بدن با قصد خصوصیّت ، أحوط است .

(تبریزی :) در موقع گفتن ذکر مستحب هم آرام بودن بدن بهتر است .

(سیستانی :) مسأله در حال سجود باید بدن نمازگزار آرام باشد و نباید بدن خود را به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود حتّی بنا بر احتیاط اگر مشغول به ذکر واجب هم نباشد.

[مسأله ۱۰۵۱ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد]

مسأله ۱۰۵۱ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد (۱) عمداً ذکر سجده را بگوید (۲)، یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است . (۱) (زنجانی :) با علم و عمد ذکر سجده را بگوید یا بدون ذکر یا قبل از تمام شدن آن سر از

سجده بردارد یا در حال ذکر واجب یا ذکر مستحبی که به قصد ورود می گوید بدن را حرکت دهد، نمازش باطل است و این امر در ذکر مستحب بنا بر احتیاط وجوبی است . (۲) (سیستانی :) نماز باطل است ، مگر این که ذکر را دوباره در حال آرامش بگوید و اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است .

(تبریزی :) باید دوباره ذکر را بعد از گذاشتن پیشانی و آرام شدن تکرار کند و بنا بر احتیاط نماز را نیز اعاده نماید و اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد یا پیش از آن که بدن آرام بگیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنا بر احتیاط لازم نماز را پس از اتمام ، اعاده نماید و اگر به همان ذکر اوّل اکتفا نماید نماز باطل است و هم چنین اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است .

(مکارم :) مسأله هر گاه پیش از آن که بدن آرام بگیرد، ذکر سجده را شروع کند، نماز باطل است ، هم چنین اگر قسمتی از آن را هنگام بلند شدن از سجده بگوید، امّا اگر سهواً باشد مانعی ندارد و اگر قبل از برداشتن سر از سجده متوجّه شود باید ذکر را اعاده کند.

[مسأله ۱۰۵۲ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد]

مسأله ۱۰۵۲ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد (۱)، سهواً (۲) ذکر سجده را بگوید و پیش از آن که سر از سجده بردارد، بفهمد اشتباه کرده باید دوباره در حال آرام بودن ، ذکر را بگوید (۳). (۱) [عبارت «و بدن آرام گیرد» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۲) (زنجانی :) یا به جهت ندانستن مسأله .. (۳) (سیستانی :) باید آرام بگیرد و دوباره ذکر را بگوید ولی اگر پیشانی به زمین رسیده باشد و سهواً پیش از آرامش ذکر را بگوید تکرار لازم نیست . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۰۵۱).

[مسأله ۱۰۵۳ اگر بعد از آن که سر از سجده برداشت]

مسأله ۱۰۵۳ اگر بعد از آن که سر از سجده برداشت ، بفهمد (که پیش از آرام گرفتن بدن ، ذکر را گفته (۱) یا (۲)) پیش از آن که ذکر سجده تمام شود سر برداشته نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) بفهمد که ذکر نگفته یا در حال گفتن ذکر، بدنش آرام نبوده .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست]

[مسأله ۱۰۵۴ اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید]

مسأله ۱۰۵۴ اگر موقعی که ذکر سـجده را می گویـد، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد (۱)، نماز باطل می شود (۲) ولی موقعی که مشـغول گفتن ذکر نیست ، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشـکال ندارد. (۱) (سیستانی :) اگر با استقراری که در سجود معتبر است منافات داشته باشد ..

(زنجانی :) اگر موقعی که ذکر واجب سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را با علم و عمد از زمین بردارد ..

(۲) (سیستانی :) و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب در موقعی که مشغول ذکر نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط لازم آن است که بعد از آرام گرفتن همه اعضاء دوباره ذکر واجب را بگوید و نماز را تمام کند و اعاده نماید ..

(تبریزی :) باید ذکر را دوباره بعد از گذاشتن تمام اعضاء تکرار و بعد نماز را اعاده کند ..

(بهجت :) موقعی که ذکر سجده را می گوید باید تمام هفت عضو روی زمین باشند و از زمین برداشته نشوند ..

(مکارم :) مسأله هنگامی که مشغول ذکر نیست می تواند بعضی از اعضای هفت گانه را جز پیشانی از زمین بردارد یا جابجا کند ولی در موقع ذکر جایز نیست .

[مسأله ۱۰۵۵ اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد]

مسأله ۱۰۵۵ اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده (۱) سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً (۲) از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) اگر قبل از شروع ذکر سجده یا پیش از تمام شدن آن .. (۲) [کلمه «سهواً» در رساله آیت اللّه زنجانی نیست]

[مسأله ۱۰۵۶ بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند]

مسأله ۱۰۵۶ بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

[مسأله ۱۰۵۷ جای پیشانی نمازگزار باید از جاهای زانوهایش پست تر]

مسأله ۱۰۵۷ جای پیشانی نمازگزار باید از جاهای زانوهایش (۱) پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد (۲)، بلکه احتیاط واجب آن است که جای پیشانی او از جای انگشتانش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. (۱) (اراکی :) زانوها و سر انگشتان پای او .. (فاضل :) زانوها و از جای انگشتانش .. (۲) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

خوئی ، (تبریزی :) مسأله جای پیشانی نمازگزار باید از جای سر انگشتان پای او بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. بلکه واجب آن است که جای پیشانی او از جای انگشتان پایش پست تر از چهار انگشت بسته نیز نباشد.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله جـای پیشانی نمازگزار بایـد از جای زانوها و سـر انگشـتان پای او بلنـدتر از چهار انگشت بسـته نباشـد. بلکه احتیـاط واجب آن است که جـای پیشـانی او از جای انگشـتان و سـر زانوهایش از چهار انگشت بسـته پست تر نیز نباشد.

(سیستانی :) مسأله جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوها و سر انگشتان پای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که جای پیشانی او از جای ایستادنش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد.

(زنجانی :) مسأله جای پیشانی سـجده کننـده بایـد از جای پای او عرفاً بلنـدتر و پست تر از چهار انگشت بسـته نباشـد و در این حکم فرقی بین زمین شیب دار و غیر آن نیست .

(مکارم :) مسأله بنا بر احتیاط واجب جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش بیش از چهار انگشت بسته بالاتر و پایین تر نباشد، هم چنین جای پیشانی نسبت به جای انگشتان پای او، خواه زمین سراشیبی باشد یا نباشد.

(بهجت :) مسأله جای پیشانی نمازگزار از محل ـ ایستادن او در قیام و محل ـ دو انگشت بزرگ پا در موقع سجده به اندازه یک خشت که چهار انگشت بسته است باید بلندتر نباشد و احتیاط در این است که پایین تر از چهار انگشت بسته هم نباشد.

[مسأله ۱۰۵۸ در زمین سراشیب که سراشیبی آن درست معلوم نیست]

مسأله ۱۰۵۸ در زمین سراشیب که سراشیبی آن درست معلوم نیست احتیاط واجب (۱) آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد (۲). (۱) (فاضل :) احتیاط .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) اگر جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پا و سر زانوهای او مختصری بیش از چهار انگشت بسته بلندتر باشد، اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) اگر جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتهای پای او (تبریزی : و سر زانوهای او) بیش از چهار انگشت بسته بلندتر باشد اشکال ندارد.

(بهجت :) باید جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتهای پا بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد و بنا بر احتیاط باید پایین تر نیز نباشد. (فاضل :) و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

(مکارم ، زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۵۷.

(سیستانی :) مسأله در زمین سراشیب هر چند که سراشیبی آن درست معلوم نباشد اگر جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و انگشتهای پای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر باشد نماز او محل ـ اشکال است .

[مسأله ۱۰۵۹ اگر پیشانی را سهواً به چیزی بگذارد]

مسأله ۱۰۵۹ اگر پیشانی را سهواً به چیزی بگذارد (۱) که از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است ، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی گویند در حال سجده است ، می تواند (۲) سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد (و می تواند سر را به روی آن ، که به اندازه چهار انگشت یا کمتر است بکشد (۳)) و اگر بلندی آن به قدری است که می گویند در حال سجده است احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن به روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست ، بنا بر احتیاط واجب باید (پیشانی را بلند کند و بر موضعی که بلندی زایدی ندارد بگذارد و (۴)) نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) اگر پیشانی را به چیزی بگـذارد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) باید .. (۳) (بهجت :) کم کم بکشد .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست]

(۴) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، فاضل ، نوری ، بهجت و صافی نیست (خوئی :) مسأله اگر پیشانی را اشتباهاً بر چیزی بگذارد که از جای انگشتهای پای او بلندتر از چهار انگشت بسته است ، باید سر را بردارد و بر چیزی که بلند نیست یا بلندیش به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد و بنا بر احتیاط باید نماز را بعد از تمام نمودن دوباره بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر پیشانی را اشتباهاً بر جایی بگذارد که از جای پای او بلندتر از چهار انگشت بسته است ، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی گویند در حال سجده است می تواند سر را بردارد و می تواند سر را به جایی که سجده بر آن صحیح است بکشاند و اگر بلندی آن به قدری کم است که می گویند در حال سجده است ، بنا بر احتیاط واجب سر را به جایی که سجده بر آن صحیح است بکشاند و کفایت می کند؛ و احتیاط مستحب آن است که پس از تمام کردن نماز را اعاده کند، و اگر نمی تواند سر را بکشاند، باید سر را بردارد و برجایی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و نمازش صحیح است . اگر پیشانی را اشتباهاً بر جایی بگذارد که از جای پای او بیش از چهار انگشت بسته کوتاهتر است ، بنا بر احتیاط واجب پیشانی را به جایی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و نمازش صحیح است .

(تبریزی :) مسأله اگر پیشانی را اشتباهاً به چیزی بگذارد که از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است ، باید سر را به چیزی که بلند نیست یا بلندیش به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد و بنا بر احتیاط باید پیشانی را بر جایی که بلند نیست یا بر چیزی که سجده به آن جایز است بکشد.

(سیستانی :) مسأله اگر پیشانی را اشتباهاً بر چیزی بگذارد که از جای زانوها و انگشتهای پای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر باشد، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی گویند در حال سجده است باید سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن بیش از چهار انگشت بسته نیست بگذارد و اگر بلندی آن به قدری است که می گویند در حال سجده است ، چنانچه پس از انجام ذکر واجب ملتفت شود می تواند سر از سجده بردارد و نماز را تمام کند و اگر قبل از انجام ذکر واجب ملتفت شد، باید پیشانی را از روی آن بر روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد و ذکر واجب را به جا آورد و اگر کشیدن پیشانی ممکن نباشد، می تواند ذکر واجب را در همان حال به جا آورد و نماز را تمام کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه پیشانی را سهواً بر جایی بگذارد که از محل ّزانوها یا انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته پست تر و بلندتر باشد، اگر بلندی به حدّی است که به آن سجده نمی گویند باید سر را بردارد و روی چیزی بگذارد که بلندی آن از چهار انگشت بسته کمتر است ، امّا اگر به قدری است که سجده به آن می گویند واجب است پیشانی را از روی آن به روی چیزی بکشد که به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

[مسأله ۱۰۶۰ باید بین پیشانی و آن چه بر آن سجده می کند چیزی نباشد]

مسأله ۱۰۶۰ باید بین پیشانی و آن چه بر آن سجده می کند چیزی نباشد (۱) پس اگر مهر (۲) به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد (۳) سجده باطل است ولی اگر مثلًا رنگ مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد. (۱) (خوئی :) چیزی فاصله نباشد ..

(سیستانی :) باید بین پیشانی و آن چه بر آن سجده صحیح است ، چیز دیگری فاصله نباشد .. (۲) (زنجانی :) تمام سطح مهر .. (۳) (مکارم :) پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است و شرح آن به خواست خدا در مسائل آینده ذکر می شود و اگر حائلی در این وسط باشد مانند موی سر یا چرک بودن مهر به حدّی که پیشانی به خود مهر نرسد ..

[مسأله ۱۰۶۱ در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد]

مسأله ۱۰۶۱ در سجده باید کف دست (۱) را بر زمین بگذارد (۲) ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد و اگر پشت دست ممکن نباشد، باید (۳) مچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند باید (۴) تا آرنج هر جا که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست ، گذاشتن بازو کافی است . (۱) (بهجت :) تمام کف دست .. (صافی :) کف هر دو دست .. (۲) (سیستانی :) در سجده باید دو کف دست را بر زمین بگذارد و بنا بر احتیاط واجب در صورت امکان ، همه کف دست را بگذارد .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط ((سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب) باید .. (۴) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست] (مکارم :) مسأله هر گاه نتواند کف دستها را بر زمین بگذارد باید پشت دستها را به زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست مچ دستها را بر زمین بگذارد و چنانچه آن هم ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب هر جای دست تا آرنج ممکن شود روی زمین می گذارد و در صورتی که نتواند، بازو را بگذارد.

(زنجانی :) مسأله برای سجده اگر گذاشتن تمام دست ممکن نباشد باید هر مقداری از دست را که ممکن است و لو انگشتان دست به زمین بگذارد، و بنا بر احتیاط اگر هیچ ممکن نباشد پشت دست را بر زمین بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، مچ دست را بر زمین بگذارد و اگر ممکن نباشد، تا آرنج هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است .

[مسأله ۱۰۶۲ در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد]

مسأله ۱۰۶۲ در سجده بنا بر احتیاط واجب باید سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد (۱) و اگر (۲) انگشتهای دیگر پا (۳) یا روی پا را به زمین بگذارد (۴) یا به واسطه بلند بودن ناخن ، سر شست به زمین نرسد (۵) نمازش باطل است (۶). (۱)

(گلپایگـانی ، صافی ، زنجانی ، بهجت :) در سـجده بایـد سـر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگـذارد (بهجت : و اگر روی انگشت بزرگ پا یعنی طرف ناخن و یا پشت آن را هم به زمین بگـذارد کافی بودنش خالی از وجه نیست ولی خلاف احتیاط است) ..

(فاضـل :) در سـجده بایـد دو انگشـت بزرگ پاهـا را بـه زمین بگـذارد و احتیـاط واجب این است که سـر دو انگشت بر زمین گذاشته شود .. (۲) (زنجانی :) و اگر به جای آن .. (بهجت :) و اگر فقط .. (۳) (اراکی :) اگر انگشتهای دیگر پا بدون آن که انگشت بزرگ بر زمین باشد .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) و سر دو انگشت بزرگ را به زمین نگذارد .. (۵) (مکارم :) اشکال دارد. (۶) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) و کسـی که به واسـطه ندانسـتن مسأله نمازهای خود را این طور خوانده باید بنا بر احتیاط لازم (زنجانی ، نوری : بنا بر احتیاط واجب) دوباره بخواند.

(خوئی :) مسـأله در سـجده بایـد دو انگشت بزرگ پاهـا را به زمین بگـذارد و اگر انگشت هـای دیگر پـا یا روی پا را به زمین بگـذارد یا به واسـطه بلند بودن ناخن ، شـست به زمین نرسد نمازش باطل است ، و کسـی که از روی تقصـیر و ندانسـتن مسأله نمازهای خود را این طور خوانده ، باید دوباره بخواند.

(سیستانی :) ولی لازم نیست که سر دو انگشت را بر زمین بگذارد بلکه گذاشتن پشت یا روی آنها نیز کفایت می کند ..

(سیستانی :) و اگر انگشت بزرگ را نگذارد و ..

(تبریزی :) از روی تقصیر به واسطه ندانستن مسأله ..

(تبریزی :) و اگر روی شست یا باطن آن را به زمین بگذارد، کافی است .

[مسأله ۱۰۶۳ کسی که مقداری از شست پایش بریده]

مسأله ۱۰۶۳ کسـی که مقـداری از شـست پایش بریده ، باید بقیه آن را به زمین بگذارد، و اگر چیزی از آن نمانده (۱)، یا اگر مانـده خیلی کوتاه است (۲) باید (۳) بقیه انگشـتان را بگذارد (۴) و اگر هیـچ انگشت نـدارد، باید (۵) هر مقـداری از پا باقی مانده به زمین بگذارد. (۱) (زنجانی :) یا نمی تواند بقیه را بر زمین بگذارد، باید بعضی از انگشتان دیگر را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد، باید سر هر مقداری از پا را که باقی مانده به زمین بگذارد. (۲) (سیستانی :) که نمی توان آن را به هیچ وجه بر زمیـن یـا چیز دیگری گـذاشت .. (۳) (خوئی ، تـبریزی :) بنـا بر احتیـاط بایـد .. (سیسـتانی :) بنـا بر احتیـاط واجب بایـد .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چیزی از آن نمانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است احتیاط لازم آن است که همان را به زمین گذارد و ذکر سـجده را بگویـد و بـاز بقیه انگشـتان را به زمین بگـذارد و دو مرتبه ذکر را بگویـد .. (مکارم :) اگر چیزی نمانـده بقیه انگشتان را بگذارد .. (۵) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست]

[مسأله ۱۰۶۴ اگر به طور غیر معمول سجده کند]

مسأله ۱۰۶۴ اگر به طور غیر معمول سـجده کند، مثلًا سینه و شکم را به زمین بچسباند (۱)، بنا بر احتیاط مستحب (۲) باید نماز

را دوباره بخواند (۳)، ولی اگر (۴) پاها را دراز کنـد، اگر چه هفت عضوی که گفته شـد به زمین برسـد، بنا بر احتیاط واجب (۵)، باید نماز را دوباره بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا پاها را دراز کند، ولی هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد اگر طوری است که عرفاً می گویند: سجده کرده صحیح است و الّا باطل است .

(اراکی ، خوئی ، تبریزی :) یا پاها را دراز کند (خوئی ، تبریزی : اگر چه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد) ..

(سیستانی :) یا پاها را مقداری دراز کند چنانچه بگویند سجده کرده نمازش صحیح است ولی اگر بگویند دراز کشیده و سجده صدق ننماید نماز او باطل است .

(فاضل :) و یا پاها را دراز کند اگر چه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد، باید بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند. (۲) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب .. (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) ولی اگر طوری دراز بکشد که سجده صدق ننماید نماز او باطل است . (۴) (نوری :) و اگر .. (۵) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه نوری نیست] (زنجانی :) مسأله اگر به طور غیر معمول سجده کند، مثلًا در حال سجده سینه و شکم را به زمین بچسباند یا پاها را دراز کند، اگر هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد کفایت می کند، لکن بنا بر احتیاط مستحب نماز را دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه به طور غیر معمول سجده کند، مثلًا بخوابد و هفت عضو بدن را بر زمین بچسباند، سجده اش باطل است .

[مسأله ۱۰۶۵ مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می کند]

مسأله ۱۰۶۵ مهر (۱) یا چیز دیگری که بر آن سجده می کند (۲)، باید پاک باشد، ولی اگر مثلًا مهر را روی فرش نجس بگذارد (۳)، یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد (۴) اشکال ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) مقداری از سطح مهر .. (۲) (سیستانی :) به مقداری که سجده بر آن صحیح است .. (۳) (زنجانی :) یا پشت مهر نجس باشد، سجده بر آن مانعی ندارد؛ مگر آن که موجب نجس شدن پیشانی شود به طوری که موجب بطلان نماز گردد. (۴) (سیستانی :) یا قسمتی از روی مهر پاک باشد و قسمتی نجس باشد اگر پیشانی را نجس نکند اشکال ندارد.

مسائل از ۱۰۶۶ تا ۱۰۶۸ اختصاصی

اشاره

(بهجت :) مسأله ۸۷۵ کسی که فراموش کرده که موضع سجده او نجس بوده و یا نمی دانسته و بعد از نماز فهمیده ، در

صورتی که قصد قربت داشته ، نمازش صحیح است ؛ و اگر در بین نماز فهمید، اگر در حال سجده است پیشانی را از موضع نجس کم کم بکشد تا به موضع پاک برسد و اگر بعد از سجده فهمید، سجده های گذشته صحیح است .

(بهجت :) مسأله ۸۷۶ اگر محل سجده منحصر در نجس شد، سقوط شرطیّت طهارت خالی از وجه نیست ؛ و اگر امر دائر است که به محل نجس سجده کند یا بر لباس پاک ، تخییر خالی از وجه نیست و در صورتی که امید برطرف شدن عذر را دارد، أحوط تأخیر نماز برای آخر وقت است .

(بهجت :) مسأله ۸۷۷ اگر موضعی که پیشانی بر آن گذاشته می شود نجس باشد و حالت سرایت هم نداشته باشد ولی قسمتی از آن به مقداری که برای سجده لازم است پاک باشد، سجده بر آن کفایت می کند.

[مسأله ۱۰۶۶ اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد]

مسأله ۱۰۶۶ اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد. (مکارم :) مسأله هر گاه در پیشانی دمل و مانند آن باشد و نتواند آن را بر مهر و مانند آن بگذارد می تواند مهر را در کنار پیشانی یا در هر دو طرف قرار دهد و مهر را در هر دو طرف آن قدر از زمین بلند کند که دمل در وسط آن قرار گیرد به شرط این که از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد و هر گاه دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف بیرون پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست چانه را بر مهر می گذارد و اگر آن هم ممکن نیست هر جای از صورت که ممکن شود بر مهر بگذارد و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نشود باید به اندازه ای که می تواند خم شود.

(زنجانی :) مسأله اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، که نتواند با آن سجده کند باید با جای سالم پیشانی سجده کند؛ و لو به این شکل که مهر بلندی بردارد و دمل را در کنار مهر قرار داده با قسمت سالم پیشانی سجده کند، یا زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم پیشانی را بر زمین بگذارد.

(سیستانی :) مسأله اگر در پیشانی دمل یا زخم و مانند آن باشد که نتواند آن را هر چند بدون فشار بر زمین بگذارد چنانچه آن دمل مثلًا همه پیشانی را فرا نگرفته باشد باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر سجده کردن با جای سالم پیشانی توقّف بر آن داشته باشد که زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد باید این کار را انجام دهد (منظور از پیشانی در اوّل فصل سجود [مسأله ۱۰۴۵] ذکر شد).

[مسأله ۱۰۶۷ اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد]

مسأله ۱۰۶۷ اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند (۱) و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست باید (۲) به هر جای از صورت که ممکن است سجده کند (۳) و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست (۴) باید با جلو سر سجده نماید. (۱) (بهجت :) و احتیاط در این است که اگر طرف راست ممکن است آن را برطرف چپ پیشانی مقدّم بدارد و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست باید با سر اشاره کند و اگر آن هم نشد با بستن و باز کردن چشمها سجده را انجام می دهد.

(زنجانی :) و بنا بر احتیاط مستحب طرف راست را مقدم بدارد و اگر نتواند، بر ابرو سجده کند و بنا بر احتیاط واجب ابروی

راست را مقـدم بـدارد و اگر نمی توانـد، به چـانه سـجده نمایـد و اگر ممکن نیست ، بایـد برای سـجده کردن اشاره کنـد. (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) رجاءً سجده کند ..

(۴) (گلپایگانی ، صافی :) با جلوی سر سجده نماید رجاءً و در این دو صورت با اشاره نیز رجاءً سجده نماید. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۶۶.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد بنا بر احتیاط باید به یکی از دو طرف پیشانی و چانه اگر چه به تکرار نماز باشد، سجده کند و اگر ممکن نیست فقط به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست باید برای سجده اشاره کند (تبریزی : و موی چانه حائل حساب نمی شود).

(سیستانی :) مسأله اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را به معنایی که گفته شد فرا گرفته باشد باید بنا بر احتیاط واجب دو طرف آن را که ما بقی پیشانی است یا یکی از آنها را به هر نحو که می تواند بر زمین بگذارد و اگر نتواند باید به بعضی از اجزاءِ صورت خود سجده کند و احتیاط لازم آن است که اگر می تواند به چانه سجده کند؛ و اگر نمی تواند به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر سجده کردن به صورت به هیچ وجه ممکن نبود، باید برای سجده اشاره کند.

[مسأله ۱۰۶۸ کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند]

مسأله ۱۰۶۸ کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که می تواند خم شود (۱) و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته (۲) و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است ، ولی باید (۳) کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول به زمین بگذارد. (۱) (بهجت :) باید به اندازه ای که اولین مرتبه سجود صدق می کند خم شود .. (۲) (زنجانی :) روی جای بلندی بگذارد و پیشانی را بر آن قرار دهد، به طوری که بگویند سجده کرده است و در صورت امکان باید بقیه مواضع سجده را بطور معمول بر زمین بگذارد.

(مکارم :) بر محل ّبلندتری قرار دهد، که پیشانی به آن برسد و کف دستها و زانوها و انگشتان را بطور معمول بر زمین بگذارد. (۳) (فاضل :) ولی اگر مهر را بالا بیاورد و به پیشانی بچسباند سجده صحیح نیست امّا ..

(بهجت :) ولی بنا بر احتیاط ..

(سیستانی :) مسأله کسی که می تواند بنشیند ولی نمی تواند پیشانی را بر زمین برساند، اگر بتواند به قدری خم شود که عرفاً سجده بر آن صدق کند باید به آن مقدار خم شود و مُهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است ، روی چیز بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن بگذارد ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را در صورت امکان به طور معمول بر زمین بگذارد.

مسائل از ۱۰۶۹ تا ۱۰۹۶ اختصاصی

اشاره

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۱۰۷۸ اگر چیز بلندی نباشد که مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است بر آن بگذارد، لازم است که مهر یا چیز دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.

(سیستانی :) در فرض مذکور اگر ..

(سیستانی :) و کسی هم نباشد که مثلًا مهر را بلند کند و بگیرد تا آن شخص بر آن سجده کند باید مهر یا چیز دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.

[مسأله ۱۰۶۹ کسی که هیچ نمی تواند خم شود]

مسأله ۱۰۶۹ کسی که هیچ نمی تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می تواند به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد (۱) (و اگر نمی تواند احتیاط مستحب آن است که مهر را بلند کند و به پیشانی بگذارد (۲)) و اگر با سر یا چشمها هم نمی تواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید. (۱) (فاضل :) در هر دو صورت احتیاط آن است که اگر می تواند مهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می تواند مهر را بلند کند و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر ممکن نیست مهر را به پیشانی بگذارد ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : اراکی و فاضل نیست] (خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که هیچ نمی تواند سجده نماید باید برای سجده با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید و اگر با چشمها هم نمی تواند اشاره کند بنا بر احتیاط مستحب با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند و در قلب نیز نیّت سجده نماید.

(سیستانی :) و مقداری که می تواند خم شود بر آن سجده صدق نمی کند ..

(سیستانی :) باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط لازم با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند و ذکر واجب را بگوید.

(بهجت :) مسأله کسی که هیچ نمی تواند خم شود برای سجده باید سر را به قصد سجده خم کند و برای برخاستن از سجده ، سر را بلند کند و اگر این هم ممکن نشد، به قصد سجده چشم را می بندد و به قصد برخاستن ، چشم را باز می کند و لازم نیست در این صورت بقیه اعضاء یعنی کف دست و زانو و انگشت بزرگ پا روی زمین باشد. گر چه این کار در صورت امکان موافق احتیاط است .

(زنجانی :) مسأله کسی که هیچ نمی تواند سجده کند باید در حالی که در قلب نیت سجده می کند با سر اشاره کند و کافی است و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط با چشمها اشاره کند و پس از برطرف شدن عذر نماز را دوباره بخواند؛ و اگر اشاره نیز ممکن نباشد، سجده واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب نماز را بدون سجده بخواند و بعد از برطرف شدن عذر اعاده کند و احتیاط مستحب آن است که در حال نماز به نیت سجده با دست اشاره کند و ذکر نیز بگوید.

(مکارم :) مسأله هر گاه نتواند خم شود باید با سر اشاره کند و الّا با چشمها اشاره می نماید یعنی آن را به قصد سجده می بندد و به نیّت سر برداشتن باز می کند و در هر صورت احتیاط واجب آن است که مهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد، اگر هیچ یك از اینها را نتواند احتیاط این است که در قلبش نیّت سجده کند.

[مسأله ۱۰۷۰ کسی که نمی تواند بنشیند، باید ایستاده نیت سجده کند]

مسأله ۱۰۷۰ کسـی که نمی تواند بنشـیند، باید ایسـتاده نیت سجده کند و چنانچه می تواند، برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی تواند، با چشمها اشاره نماید (۱) و اگر

این را هم نمی توانـد، در قلب نیت سـجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سـجده اشاره نماید. (۱) (فاضل :) یعنی آن را به قصد سجده می بندد و به نیّت سر برداشتن باز می کند ..

(خوئی ، بهجت ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۶۹.

[مسأله ۱۰۷۱ اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود]

مسأله ۱۰۷۱ اگر (۱) پیشانی بی اختیار از جای سـجده بلنـد شود، چنانچه ممکن باشـد (۲) باید نگذارد دوباره به جای سـجده برسد و این یک سـجده حساب می شود، چه ذکر سـجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگهدارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد (۳)، روی هم یک سـجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشـد باید بگوید (۴). (۱) (زنجانی :) اگر پس از آن که پیشانی به زمین رسـید و بـدن آرام گرفت .. (۲) (بهجت :) چنانچه در موقع سـجده استقرار پیدا کرده بود و حالا می توانـد خود را نگه دارد و به سـجده برنگردد .. (۳) (سیسـتانی :) همان یک سـجده حساب می شود ولی اگر ذکر نگفته باشـد احتیاط مستحب- آن است که آن را بگوید ولی باید به قصد قربت مطلقه باشد و قصد جزئیت نکند. (۴) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط.

(بهجت :) و اگر اسـتقرار پیـدا نکرده بود حتی اگر می توانـد خود را نگه دارد، باید به سـجده بر گردد و روی هم یک سـجده حساب می شود و باید ذکر را بگوید و اگر سجده اول است ، یک سجده دیگر به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر پیشانی بی اختیار به جای سـجده بخورد و بلند شود سـجده به عمل نیامده است و باید سـجده را به طور صحیح به جا آورد و بعد از تمام شدن احتیاط مستحب- آن است که دو مرتبه نماز را بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه پیشانی بی اختیار از جای سـجده بلند شود و بر گردد، یک سـجده حساب می شود، چه ذکر سـجده را گفته باشد یا نه ، ولی اگر اختیاراً آن را بردارد اگر قبل از ذکر و از روی عمد باشد نمازش باطل است و الّا اشکال ندارد.

[مسأله ۱۰۷۲ جایی که انسان باید تقیه کند]

مسأله ۱۰۷۲ جایی که انسان بایـد تقیه کنـد می توانـد بر فرش وماننـد آن سـجده نمایـد و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) ولی اگر بتواند بر حصـیر یا چیزی که سـجده بر آن صحیح می باشد، طوری سجده کند که به زحمت نیفتد نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید.

(فاضـل :) ولی اگر در آن مکـان حصـیر یا سـنگ یا چیزی که سـجده بر آن صـحیح است ، وجود دارد و بتوانـد طوری بر آن سجده کند که خلاف تقیه نباشد باید بر آن سجده نماید.

(سیستانی :) یا نماز را تأخیر بیندازد تا در همان جا بعد از رفع سبب تقیه به جا آورد؛ ولی اگر بتواند در همان مکان بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح می باشد، طوری سجده کند که مخالفت تقیه نکرده باشد نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید.

(مکارم :) تا روی مهر سجده کند، ولی اگر در همان جا بتواند روی سنگ یا بوریا و مانند آن سجده کند واجب است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله جایی که انسان باید تقیه کند اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح می باشد، طوری سجده کند که به زحمت نیفتد، نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید و اگر نمی تواند احتیاط لازم (صافی : احتیاط) آن است که در صورت امکان برای نماز به جای دیگر برود و الّا در همان جا نماز بخواند و بر فرش و مانند آن سجده نماید.

(صافی :) هر چند ظاهر این است که در مورد تقیه به جهت تحبیب و تألیف قلوب لازم نیست که برای نماز به جای دیگر برود.

(زنجانی :) مسأله جایی که انسان می تواند تقیه کند تا می تواند نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید؛ بلکه اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح می باشد طوری سجده کند که به زحمت نیفتد، نباید بر فرش و مانند آن سجده کند؛ بلکه اگر لازم باشد باید برای نماز به جای دیگر برود؛ بلکه اگر در صورت ناچاری هم بر فرش و مانند آن سجده نماید، باید نماز را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۰۷۳ اگر روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی گیرد]

مسأله ۱۰۷۳ اگر روی چیزی که (۱) بدن روی آن آرام نمی گیرد سجده کند باطل است (۲) ولی روی تشک پَر (۳)، یا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن آرام می گیرد سجده کند اشکال ندارد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر روی تشک پَر یا چیز دیگری که ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر روی تشک پَر و مانند آن در صورتی که ..

(زنجانی :) اگر روی تشک فنری یا چیز دیگری که .. (۲) (اراکی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) ولی چنانچه بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن ، بدن آرام بگیرد اشکال ندارد.

(مکارم :) اشکال دارد، ولی چنانکه قبلًا نیز گفتیم ، اگر در کشتی و قطار و مانند آن بتواند واجبات نماز را در حال حرکت رعایت کند نمازش صحیح است . اگر انسان روی تشک یا چیز دیگری سجده کند که بدن در اوّل آرام نیست و بعد آرام می گیرد مانعی ندارد. (۳) (بهجت :) روی تشک ..

[مسأله ۱۰۷۴ اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند]

مسأله ۱۰۷۴ اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخوانـد (۱) بنا بر احتیاط واجب بایـد در حالی که ایسـتاده است برای سجده با سـر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) می تواند ایستاده نماز بخواند و برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

(خوئی ، گلپایگـانی ، فاضل ، تبریزی ، سیسـتانی ، صافی ، نوری ، زنجانی :) مسأله اگر انسان ناچار شود که در زمین گِل نماز بخواند، چنانچه آلوده شدن بدون لباس برای او مشقّت

ندارد، باید سجده و تشهّد را به طور معمول به جا آورد و اگر مشقّت دارد، می تواند در حالی که ایستاده برای سجده با سر اشاره کند و تشهّد را ایستاده بخواند و اگر سجده و تشهّد را به طور معمول هم به جا آورد، نمازش صحیح است .

(زنجانی :) گِل آلود ..

(فاضل :) مشقّتی که معمولًا تحمّل نمی شود ..

(گلپایگانی ، صافی :) باید بنا بر احتیاط لازم ..

(زنجانی :) اگر مشقّت زیاد دارد ..

[کلمه می تواند در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و نمازش صحیح است .

(گلپایگانی ، صافی :) و اگر در عین مشقّت ..

(مکارم :) مسأله هر گاه زمین گل باشد که اگر بخواهد سجده کند بدن و لباس او آلوده می شود می تواند ایستاده نماز بخواند و برای سجده با سر اشاره کند.

[مسأله ۱۰۷۵ در رکعت اول و رکعت سومی که تشهد ندارد]

مسأله ۱۰۷۵ در رکعت اول و رکعت سومی که تشهد ندارد، مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا (۱) اگر بعد از سجده دوم بدون آن که مقداری بنشیند برای رکعت بعد برخیزد نمازش صحیح است (۲) ولی بنا بر احتیاط واجب (۳) باید بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد. (۱) (اراکی :) باید بعد از سجده دوّم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد (گلپایگانی ، صافی : و این عمل را جلسه استراحت می گویند).

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) احتیاط مستحب ((سیستانی :) احتیاط واجب) این است که بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد. (۲) (بهجت :) بنا بر أظهر .. (۳) (بهجت :) بنا بر احتیاط مستحب ..

(فاضل ، مکارم :) مسأله بعد از سجده دوم در جایی که تشهّد واجب نیست (فاضل : مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا) بهتر است لحظه ای بنشیند، سپس برای رکعت بعد برخیزد (فاضل : و این عمل را جلسه استراحت می گویند).

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

[مسأله ۱۰۷۶ باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می روید]

مسأله ۱۰۷۶ بایـد بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می رویـد، مانند چوب و برگ درخت سـجده کرد و سـجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی (۱) صـحیح نیست و نیز سـجده کردن بر چیزهای معـدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است (۲) اما سـجده کردن بر سـنگهای معدنی مانند سـنگ مرمر و سـنگهای سـیاه اشکال ندارد. (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) و معدنی مانند عقیق صحیح نیست . [پایان مسأله]

(۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی :) مسأله بایـد بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می روید مانند چوب و برگ درخت سـجده کرد و سـجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی مانـند گنـدم و جو و پنبه و آن چه که از اجزاء زمین شـمرده نشود مانند طلا و نقره و قیر و زفت و امثال اینها صحیح نیست .

(تبریزی :) قیر و نفت ..

(سیسـتانی :) ولی قیر و زفت که نوع پستی از قیر است در موقع ناچـاری ، بر چیزهای دیگری که سـجود بر آنها صـحیح نیسـت مقدم می باشند.

(مکارم :) مسأله هنگام سـجده بایـد پیشانی بر زمین یا چیزهایی که از زمین می رویـد، مانند چوب و برگ درختان باشد، ولی سجـده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی هر چنـد از زمین بروید جایز نیست و هم چنین سـجده کردن بر فلزّات مانند طلا و نقره باطل است ، امّا سجده بر سنگهای معدنی مانند سنگ مرمر و سنگهای سفید و سیاه و حتّی عقیق اشکال ندارد.

(زنجـانی :) مسأله بایـد بر زمین یا روییـدنی هایی که خوراکی و پوشاکی نیست ، ماننـد چوب و برگ درخت ، سـجده کرد و سجده بر چیزهای دیگر مانند: روییدنی های خوراکی یا پوشاکی (گندم ، جو، پنبه) و آن چه از اجزاء زمین شـمرده نمی شود و روییدنی هم نیست مانند: طلا و نقره و قیر و زفت ، صحیح نیست .

(بهجـت :) مسـأله بایـد بر زمیـن و چیزهـای غیر خـوراکی و پوشـاکی که از زمین می رویـد سـجده کرد و سـجده بر چیزهـای خـوراکی و پوشـاکی صـحیح نیست ، و منظـور از خوراکی چیزهـایی است که خـام یـا پخته آن ، عادتـاً خورده می شود؛ پس سجده بر گندم و جو و نخاله آنها که در ضـمن خورده می شود، صحیح نیست ولی سجده بر پوست برنج و خربزه و هندوانه و انار حتّی در حال اتّصال مانعی نـدارد؛ و هم چنین سـجده بر گیاهان دارویی که اختصاص به مریض دارد و به هیـچ وجه از آن در حـال سـلامت اسـتفاده نمی شود جایز است ؛ و سـجده بر تنباکو و ماننـد آن که خوراکی نیست جایز است ، به خلاف مثل قهوه و چای ؛ و منظور از پوشاکی چیزی است که عادتاً پوشیده می شود و لو بعد از ریسیدن و بافتن ، مثل پنبه و کتان و کنف ؛ ولی سـجده بر برگ درختـان و چوبهـا و آن چه که از چوب ساخته می شود و حصـیر و بادبزن و امثال آن ، جایز است و نیز سجـده کردن بر چیزهـای معـدنی ماننـد طلاـ و نقره و عقیق و فیروزه و مرمر اصـیل باطـل است ، امّا سـجده کردن بر سـنگهای معدنی مانند سنگ مرمر معمولی و سنگهای معمولی و سنگهای سیاه بنا بر اظهر اشکال ندارد.

[مسأله ۱۰۷۷ احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو]

مسأله ۱۰۷۷ احتیـاط واجب آن است که بر برگ درخت مـو (۱)، اگر تازه باشد سـجده نکنند (۲). این مسـأله ، در رساله آیت

اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) سجده نکنند. [پایان مسأله] (مکارم :) که بعضی آن را در غذا مصرف می کنند سجده نکنند. [پایان مسأله] (۲) (اراکی :) و چنانچه خشک شده باشد مانع ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) قبل از خشک شدنش سجده نکنند. [پایان مسأله]

(فاضـل :) مسأله سـجده کردن بر برگ درخت انگـور، اگر تـازه باشـد جـایز نیست ولی پس از خشـک شـدن می توان بر آن سجده کرد.

(سیسـتانی :) مسأله سـجده کردن بر برگ درخت انگور در زمانی که لطیف است و خوردن آن معمول می باشد جایز نیست و در غیر این صورت سجده کردن بر آن اشکال ندارد.

[مسأله ۱۰۷۸ سجده بر چیزهایی که از زمین می روید]

مسأله ۱۰۷۸ سـجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است مثل علف و کاه صـحیح است . (زنجانی :) مسأله سجده بر روییدنی هایی که پوشاک و خوراک انسان نیست ولی خوراک حیوان است ؛ مانند علف و کاه ، صحیح است .

[مسأله ۱۰۷۹ سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند]

مسأله ۱۰۷۹ سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند، صحیح است (۱) ولی (۲) سجده بردواهای خوراکی که از زمین می روید، (۳) ماننـد گل بنفشه و گل گاوزبان صـحیح نیست (۴). این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) هر چند ماننـد گل بنفشه برای مداوا خورده شوند. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بلکه .. (۳) (سیستانی :) و آن را دم کرده یا می جوشانند و آبش را می نوشـند .. (۴) (خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی :) صـحیح است . (مکارم :) بنا بر احتیاط صحیح نیست .

[مسأله ۱۰۸۰ سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است]

مسأله ۱۰۸۰ سـجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است (۱) و در شهرهای دیگر معمول نیست (۲) و نیز سجده بر میوه نارس صـحیح نیست (۳). (۱) (بهجت :) در آن شـهرها جـایز نیست ، و بنـا بر احتیاط در شـهرهای دیگر نیز که خـورده نمی شود، سـجده نکننـد؛ و نیز سـجده بر میوه نـارس صـحیح نیست . (۲) (سیسـتانی :) در صـورتی که در آنجاهـا هم خوردنی محسوب شود، صحیح نیست ..

(مکارم :) صحیح نیست . [پایان مسأله] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چه مأکول نباشد.

(فاضل ، نوری :) ولی سجده بر توتون جایز است . (سیستانی :) بنا بر احتیاط صحیح نیست .

(زنجانی :) مسأله سـجده بر میوه نارس صـحیح نیست و سـجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از مناطق معمول است و در منطقه های دیگر معمول نیست صـحیح نمی باشـد؛ بلی اگر چیزی در نوع مناطق خوردنی نباشد کسـی که در آن مناطق است

می تواند بر آن سجده کند.

[مسأله ۱۰۸۱ سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است]

مسأله ۱۰۸۱ سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است (۱) بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می شود سجده کرد (۲). (۱) (مکارم :) چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است و هم چنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است . [پایان مسأله (] بهجت :) بنا بر أظهر .. (۲) (گلپایگانی ، اراکی :) جایز نیست که در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی (گلپایگانی : و مانند آن) سجده کنند.

(خوئی ، تبریزی :) احتیاط مستحب ((زنجانی :) احتیاط) آن است که در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند اینها سجده نکنند.

(صافی :) جواز سجده در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن مورد تأمل است . (سیستانی :) سجده بر گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گِلی نیز اشکال ندارد.

[مسأله ۱۰۸۲ اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است]

مسأله ۱۰۸۲ اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلًا از کاه (۱) ساخته باشند، می شود بر آن سجده کرد (۲) و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد (۳). (۱) (فاضل :) یا چوب .. (۲) (بهجت :) و جواز سجده بر کاغذی که احتمال دارد از چیزهایی درست شده باشد که سجده بر آن جایز نیست مورد تأمّل است ، لذا احتیاطاً سجده ننمایند. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اشکال دارد؛ و نیز سجده کردن بر کاغذی که انسان نمی داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا از چیزی که سجده بر آن صحیح نیست اشکال دارد.

(فاضل :) سجده بر کاغذی که از پنبه تهیه می شود اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب بر کاغذی که از حریر و ابریشم ساخته می شود، نمی شود سجده کرد.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری :) مسأله سجده بر کاغذ (خوئی ، زنجانی ، تبریزی : اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد) صحیح است .

(سیستانی :) مسأله اگر کاغذ نوشتن را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مانند چوب و کاه ساخته باشند، می شود بر آن سجده کرد و هم چنین اگر از پنبه یا کتان ساخته باشند؛ ولی اگر از حریر یا ابریشم و مانند اینها ساخته باشند، سجده بر آن صحیح نیست . و امّا دستمال کاغذی ، فقط در صورتی می توان بر آن سجده کرد که معلوم باشد از چیزی ساخته شده است که سجده به آن صحیح است .

(مکارم :) مسأله سجده بر کاغذ جایز است مگر آن که یقین داشته باشیم از پنبه یا چیزهایی ساخته شده که سجده بر آنها شرعاً جایز نیست و از آنجا که غالب کاغذها را در حال حاضر از چوب می سازند و یا حدّ اقل شکّ داریم از چه می سازند، سجده بر آنها جایز است .

[مسأله ۱۰۸۳ برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشد]

مسأله ۱۰۸۳ برای سجده بهتر از هر چیز (۱)، تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشد، بعد از آن خاک ، (۲) بعد از

خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است . (۱) (مکارم :) خاک ، مخصوصاً تربت حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام است که یادآور خونهای شهیدان می باشد. [پایان مسأله] (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (زنجانی :) خاکهای دیگر ..

[مسأله ۱۰۸۴ اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد]

مسأله ۱۰۸۴ اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد (۱) و مانند اینها نمی تواند بر آن سجده کند (۲)، باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است ، سجده کند (۳) و اگر از چیز دیگر است بر همان چیز سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست (۴) و چنانچه آن هم ممکن نباشد به چیز معدنی (۵) مانند انگشتر عقیق سجده نماید (۶).

(۱) (فاضل :) یا تقیه .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) باید به لباسش سجده کند و اگر فراهم نباشد، باید بر پشت دست یا چیز دیگر که در حال اختیار سجده بر او جایز نیست سجده نماید ولی احتیاط مستحب ّ آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است بر آن چیز سجده نکند.

(گلپایگانی :) چنانچه لباس او از کتان یا پنبه است باید به لباسش سجده کند و اگر از چیز دیگر است ، باید بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید ولی احتیاط لازم آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است بر چیز معدنی سجده نکند.

(صافی :) باید به لباسش سجده کند و اگر بر آن هم نشود باید بر پشت دست .. [بقیه مثل آیت اللّه گلپایگانی] (سیستانی :) سجده بر قیر و زفت مقدّم بر سجده بر غیر آنها است ولی اگر سجده بر آنها ممکن نباشد، باید بر لباسش یا هر چیز دیگر که در حال اختیار سجده بر او جایز نیست سجده نماید ولی احتیاط مستحب ّ آن است که تا سجده بر لباسش ممکن است بر چیز دیگر سجده نکند. (۳) (مکارم :) و اگر از چیز دیگر است (مثلًا از پشم است) بر همان یا بر فرش سجده نماید و اگر آن هم ممکن نیست بر فلزّات و اشیاء معدنی سجده کند و اگر مطلقاً چیزی پیدا نمی کند که بتوان بر آن سجده کرد، بر پشت دست خود سجده می کند بنا بر این پشت دست آخرین چیزی است که می توان بر آن سجده کرد. (۴) (اراکی ، نوری :) باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر آن هم نیست (نوری : اگر از چیز دیگر است) باید بر پشت دست .. (۵) (فاضل :) بنا بر احتیاط به چیز معدنی .. (۶) (بهجت :) بنا بر أظهر. و اگر آن هم نشد، تا نزدیک زمین خم می شود و یا این که با اشاره سر، سجده می نماید.

(زنجانی :) مسأله اگر در تمام وقت چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد یا اگر دارد به جهتی مانند سرما یا گرمای زیاد نمی تواند بر آن سجده کند، چنانچه جنسی که از پنبه و کتان است در اختیار دارد باید بر آن سجده کند و اگر ندارد، باید بر پشت دست سجده کند.

[مسأله ۱۰۸۵ سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی گیرد]

مسأله ۱۰۸۵ سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی گیرد (۱) اگر بعد از آن که مقداری فرو رفت آرام بگیرد اشکال ندارد. (۱) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) باطل است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۷۳.

[مسأله ۱۰۸۶ اگر در سجده اول مهر به پیشانی بچسبد]

مسأله ۱۰۸۶ اگر در سجده اول ، مهر به پیشانی بچسبد (۱) و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد (۲).

بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، مکارم :) باید برای سجده دوّم مهر را بردارد (مکارم : و اگر به همان حال به سجده دوّم رود اشکال دارد). (۲) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) بلکه باید مهر را از پیشانی بردارد و بعد به سجده رود.

(فاضل :) اشکال ندارد و دو سجده حساب می شود ولی بهتر است مهر را از پیشانی جدا کند.

(بهجت :) اشکال ندارد اگر چه خلاف احتیاط است .

[مسأله ۱۰۸۷ اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند گم شود]

مسأله ۱۰۸۷ اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد (۱) چنانچه وقت وسعت دارد (۲)، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است (۳)، باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگری است (۴) بر همان چیز و اگر آن هم ممکن نیست بر پشت دست (۵)، و اگر آن هم نمی شود، به چیز معدنی (۶) مانند انگشتر عقیق سجده نماید. (۱) (سیستانی :) می تواند به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد، عمل نماید خواه وقت تنگ باشد یا آن که وسعت داشته باشد که نماز را بشکند و آن را دوباره بخواند. [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) و در جای دیگر، چیزی که سجده بر آن صحیح است وجود داشته باشد ..

(زنجانی ، صافی :) باید نماز را رها کند (زنجانی : و بعد از تهیه مهر دوباره نماز بخواند) و اگر وقت تنگ است باید به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید. [پایان مسأله] (۳) (فاضل :) یا چیزی که سجده بر آن صحیح است وجود نداشته باشد ..

(خوئی ، تبریزی :) باید به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید. [پایان مسأله] (۴) (گلپایگانی :) بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید و احتیاط لازم آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است به چیز معدنی سجده نکند. (۵) (اراکی ، نوری :) باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر آن هم ممکن نیست (نوری : اگر از چیز دیگری است) بر پشت دست .. (۶) (فاضل :) بنا بر احتیاط به چیز معدنی ..

(مکارم :) مسأله هر گاه در اثناءِ نماز چیزی را که سجده بر آن صحیح است از دست بدهد مثلًا بچّه ای آن را بر دارد، چنانچه وقت نماز باقی است ، نماز را تمام کرده و بنا بر احتیاط دوباره می خواند و اگر وقت تنگ است قضا ندارد؛ در هر دو صورت به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید.

[مسأله ۱۰۸۸ هر گاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته]

مسأله ۱۰۸۸ هر گاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است (۱)، اگر ممکن باشد، باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد (۲) و اگر وقت تنگ است ، به دستوری که در مسأله پیش گفته شد عمل کند. (۱) (خوئی :) باید پیشانی را از روی آن برداشته و بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده نماید و اگر ممکن نباشد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است ، به ترتیبی که در مسأله

[۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید.

(تبریزی :) باید پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر ممکن نباشد، .. [بقیه مثل آیت اللّه خوئی]

(زنجانی :) باید پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و اگر نداشته باشد به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید، و در هر صورت اگر ممکن باشد،

بنا بر احتیاط واجب سر را به روی اینها بکشد و اگر ممکن نباشد سر را بردارد و بدون نشستن ، در حال خمیده روی اینها بگذارد، و بنا بر احتیاط مستحب در تمام صورتها نماز را دوباره بخواند.

(مکارم :) اگر ممکن است و منافات با صورت نمازگزار ندارد پیشانی را به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد، و اگر دسترسی ندارد و وقت تنگ است به دستور مسأله پیش [(۱۰۸۴)] عمل کند.

(سیستانی :) چنانچه پس از به جا آوردن ذکر واجب ملتفت شود می تواند سر از سجده بردارد و نمازش را ادامه دهد و اگر قبل از به جا آوردن ذکر واجب ملتفت شود باید پیشانی خود را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و ذکر واجب را انجام دهد ولی اگر کشیدن پیشانی ممکن نباشد می تواند ذکر واجب را در همان حال به جا آورد و نمازش در هر دو صورت صحیح است . (۲) (اراکی :) و اگر ممکن نباشد ولی وقت وسعت دارد باید نماز را بشکند ..

(گلپایگانی ، صافی :) و اگر ممکن نباشد چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را رها کند و اگر وقت تنگ است در صورتی که لباسش از پنبه یا کتان است ، باید پیشانی را از روی آن به روی لباسش بکشد و اگر از چیز دیگر است پیشانی را از روی آن به پشت دست یا چیز معدنی بکشد با مراعات احتیاطی که در مسأله پیش گفته شد.

(صافی :) به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید.

[مسأله ۱۰۸۹ اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته]

مسأله ۱۰۸۹ اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است ، اشکال ندارد (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) باید بر چیزی که سجده بر او صحیح است سجده نماید و بنا بر احتیاط مستحب نماز را از سر به جا آورد و اگر این کار در دو سجده از یک رکعت اتّفاق افتاد، یک سجده را تدارک نماید و احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

(زنجانی :) باید بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده نماید و اگر نداشته باشد به ترتیبی که در مسأله [۱۰۸۴] گفته شد عمل نماید و در این مسأله فرقی نیست که این کار در یک سجده رخ داده باشد، یا در دو سجده از یک رکعت .

(تبریزی :) عیبی ندارد و بنا بر احتیاط مستحب نماز را دوباره به جا آورد و هم چنین است اگر در دو سجده از یک رکعت اتّفاق افتاد.

(مکارم :) مسأله هر گاه بعد از نماز یا بعد از سجده متوجّه شود بر چیزی سجده کرده که سجده بر آن جایز نبوده ، نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۰۹۰ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد]

مسأله ۱۰۹۰ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد و بعضی از مردم عوام (۱) که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد، اشکال ندارد و گر نه حرام است (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) بعضی از مردم .. (۲) (سیستانی :) اشکال ندارد و گر نه مشکل است .

(مکارم) اگر به قصد سجده برای امام علیه السلام باشد فعل حرام است ؛ و اگر برای شکر خدا

باشد، اشکال ندارد، ولی اگر در نظر بینندگان ، چنین نشان دهد که سجده برای امام علیه السلام است یا بهانه به دست دشمنان دهد اشکال دارد.

مستحبات و مکروهات سجده

[مسأله ۱۰۹۱ در سجده چند چیز مستحب است]

مسأله ۱۰۹۱ در سجده چند چیز مستحب است (۱): ۱ کسی که ایستاده نماز می خواند بعد از آن که سر از رکوع برداشت و کاملًا ایستاد و کسی که نشسته نماز می خواند، بعد از آن که کاملًا نشست ، برای رفتن به سجده تکبیر بگوید (۲). ۲ موقعی که مرد می خواهد به سجده برود، اول دستها را و زن اول زانوها را به زمین بگذارد. ۳ بینی را (۳) به مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد (۴). ۴ در حال سجده ، انگشتان ِ دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد، به طوری که سر آنها رو به قبله باشد. ۵ در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد و این دعا را بخواند (۵): «یا خَیرَ المَسؤُولین وَ یا خَیرَ المُعطِین َ (۶) ارزُقنِی وَ ارزُق عِیالی مِن فَضلِك َفَانَّك َذُو الفَضل ِ العَظِیم ِ» یعنی : ای بهترین کسی که از او سؤال می کنند و ای بهترین عطاکنندگان ، روزی بده به من و عیال من از فضل خودت ، پس به درستی که تو دارای فضل بزرگی . ۶ بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد (۷). ۷ بعد از هر سجده وقتی نشست و بدنش آرام گرفت تکبیر بگوید (۸). ۸ بعد از سجده اول بدنش که آرام گرفت «استَغفِرُ اللّه َرَبی وَ اتُوب ُالَیه ِ» بگوید (۹). ۹ سجده را طول بدهد (۱۰) و در موقع نشستن دستها را روی رانها بگذارد. ۱۰ برای رفتن به سجده دوم ، در حال آرامی بدن «اللّه أکبر» بگوید (۱۱). ۱۱ در سجده ها صلوات بفرستد (۱۲) و اگر آن را به قصد ذکری که در سجده ها دستور داده اند بگوید اشکال ندارد. ۱۲ در موقع بلند شدن ، دستها را بعد از زانوها از زمین بردارد (۱۳). ۱۳ مردها آرنجها و شکم را به زمین نچسبانند و بازوها را از پهلو جدا نگاه دارند و زنها آرنجها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضای بدن را به یکدیگر بچسبانند. و مستحبات دیگر سجده در کتابهای مفصّل گفته شده است (۱۴). (۱) (مکارم :) چند چیز در سجده به رجاء ثواب الهی مطلوب است .. (۲) (مکارم :) ۱ بعد از سر برداشتن از رکوع در حالی که بدن آرام است برای رفتن به سجده تکبیر گوید و هم چنین بعد از سجده اوّل و نیز برای رفتن به سجده دوّم .. (۳) (فاضل :) علاوه بر پیشانی ، بینی را .. (۴) (زنجانی :) بلکه این امر مطابق احتیاط استحبابی مؤکد است .. (۵) (فاضل :) یکی از دعاهای مناسب در سجده این است : ..

(مکارم :) از دعاهای خوب و مناسب این دعا است .. (۶) (مکارم :) یا خَیرَ المَسئُولِین َوَ اوسَع َالمُعطِین َ.. (۷) (فاضل ، مکارم :) و این را تورُّک گویند .. (۸) [مورد ۷ در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۹) (مکارم :) ۷ در میان دو سجده هنگامی که بدن آرام است «أستغفر اللّه ربّی و اتوب إلیه » گوید ..

(۱۰) (مکارم :) و تسبیح و حمد و ذکر خدا گوید .. (۱۱) [مورد ۱۰ در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۱۲) (خوئی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، زنجانی :) [پایان مورد ۱۱] (گلپایگانی :) ولی آن را به قصد ذکری که در سجده دستور داده اند، نگوید [پایان مورد ۱۱] (۱۳) (گلپایگانی ، صافی :) ۱۲ در موقع بلند شدن ، مرد اوّل زانوها و زن اوّل دستها را از زمین بردارد ..

(مکارم :) ۱۰ به هنگام بلند شدن ، اول زانوها را از زمین بردارد و بعد دستها را .. (۱۴) [مورد ۱۳ در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (بهجت :) مسأله مستحب است تکبیر گفتن در موقع رفتن به سجده و بعد از سر برداشتن از آن ؛ و مستحب است در حال تکبیر دستها را بلند کند؛ و برای مرد مستحب است در موقع سجده رفتن ، دستها را زودتر از زانوها بر زمین بگذارد و در موقع بلند شدن برای قیام ، زانوها را زودتر از دستها از زمین بردارد و زن در حال رفتن به سجده ، اول زانوها را به زمین می گذارد بعد دستها را ، و مستحب است در حال سجده بینی نیز به خاک و یا هر چه سجده بر آن جایز است گذاشته شود و بین دو سجده دعاهایی که وارد شده بخواند، مثل استغفار و مانند آن و مستحب است در بین دو سجده به حال تورّک بنشیند (یعنی بر ران چپ بنشیند و قدم راست را بر کف قدم چپ بگذارد) و بر روی دو پا نشستن مکروه است ؛ و برای زن مستحب است نشستن بر نشیمنگاه و بالا آوردن زانوها و چسباندن رانها به یکدیگر؛ و هم چنین مستحب است نمازگزار در وقت بلند شدن برای ایستادن بگوید: «بِحَول ِاللّه ِوَ قُوَّتِه ِاقوم ُوَ أَقعُدُ». [و نیز رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۹۲۵)، صفحه (۶۰۶)]

[مسأله ۱۰۹۲ قرآن خواندن در سجده مکروه است]

مسأله ۱۰۹۲ قرآن خواندن در سجده مکروه است . و نیز مکروه است برای برطرف کردن گرد و غبار، جای سجده را فوت کند. و اگر در اثر فوت کردن ، دو حرف از دهان بیرون آید (۱)، نماز باطل است (۲) و غیر اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصّل گفته شده است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) حرفی از دهان عمداً بیرون آید .. (۰) (مکارم :) عمداً کلمه دو حرفی از دهان بیرون آید، نماز اشکال دارد. [پایان مسأله] (سیستانی :) دو حرف از دهان عمداً بیرون آید .. (۲) تبریزی ، (سیستانی :) بنا بر احتیاط ..

سجده واجب قرآن

[مسأله ۱۰۹۳ سجده واجب]

مسأله ۱۰۹۳ در هر یک از چهار سوره «و النجم ، اقرء، الم تنزیل و حم سجده » یک آیه سجده است (۱) که اگر انسان بخواند یا گوش به آن دهد، بعد از تمام شدن آن آیه ، باید فوراً سجده کند (۲) و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید (۳). (۱) (زنجانی :) آیه های : ۱۵ سوره سجده و ۳۷ سوره فصلت و ۶۲ سوره نجم و ۱۹ سوره علق آیات سجده واجب است .. (۲) (زنجانی :) هر چند هنگام خواندن یا گوش دادن ، به قرآن بودن آن توجه نداشته باشد ..

(۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و (خوئی ، تبریزی : ظاهر این است که) در شنیدن بدون اختیار، سجده واجب نیست اگر چه بهتر سجده نمودن است .

(مکارم :) و اگر گوش ندهد بلکه آیه سجده به گوشش بخورد، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

(زنجانی :) و کسی که گوش نمی دهد ولی آیه را می شنود بنا بر احتیاط مستحب سجده کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله در هر یک از چهار سوره الم تنزیل « (۳۲)» و حم سجده «۴۱» و النجم «۵۳» و اقرأ «۹۶» یک آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا استماع کند بعد از تمام شدن آیه باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید و فرق نیست در استماع بین این که از خود گوینده بشنود یا به وسیله بلندگو و رادیو بشنود و هم چنین است حکم در سماع بنا بر احتیاط.

(فاضل :) مسأله در چهار سوره از قرآن مجید آیه سجده است «سوره های وَ النَّجم ۵۳ اقرَأ ۹۶ الم تنزیل ۳۲ و حم سجده ۴۱» و هر گاه انسان آیه سجده را بخواند یا گوش کند باید فوراً به سجده رود و اگر فراموش کرد هر زمان یادش آید سجده واجب است و اگر گوش ندهد بلکه آیه سجده به گوشش بخورد بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

[مسأله ۱۰۹۴ اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند]

مسأله ۱۰۹۴ اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود (۱) چنانچه گوش داده دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده یک سجده کافی است (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب ، باید دو سجده نماید.

(فاضل :) باید دو سجده انجام دهد. (مکارم :) یک سجده کافی است . (۲) (بهجت :) اگر چه احتیاط در دو سجده است . و اگر انسان چند دفعه آیه سجده را شنید و یا خود، قرائت کرد، اگر بعد از اوّلی سجده کرد، واجب است باز هم برای دفعات بعد سجده کند؛ و اگر سجده نکرد، بنا بر احتیاط واجب برای هر قرائت یا شنیدن آیه ، سجده کند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله اگر انسان موقعی که آیه سجده را گوش می دهد خودش نیز بخواند، (خوئی ، تبریزی ، زنجانی : بنا بر احتیاط واجب) باید دو سجده نماید.

[مسأله ۱۰۹۵ در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند]

مسأله ۱۰۹۵ در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند (۱) یا به آن گوش بدهد باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا بشنود ((خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) یا گوش کند) باید سر از سجده بردارد و دوباره

سجده کند. (زنجانی : و حکم خواندن و گوش دادن آیات سجده در حال نماز، در مسائل [(۹۸۳) (۹۸۵)] گذشت).

[مسأله ۱۰۹۶ اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد بشنود]

مسأله ۱۰۹۶ اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، بشنود، یا از مثل گرامافون (۱) آیه سجده را بشنود لازم نیست سجده نماید (۲)، ولی اگر از آلتی (۳) که صدای خود انسان را می رساند (۴) بشنود واجب است سجده کند.

(۱) (اراکی :) و ضبط صوت .. (بهجت :) از ضبط صوت .. (۲) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید سجده نماید .. (۳) (اراکی ، بهجت :) اگر از مثل بلندگو .. (۴) (نوری :) در حال خواندن آیه سجده و یا ضبط کرده است ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر انسان از بچّه غیر ممیّز که خوب و بد را نمی فهمد یا از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، آیه سجده را بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند و هم چنین است اگر از مثل نوار آیه سجده را بشنود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر انسان از گرامافون (خوئی : یا ضبط صوت) یا از بچّه غیر ممیّز که خوب و بد را نمی فهمد یا از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، آیه سجده را بشنود یا گوش دهد سجده واجب نیست و هم چنین است رادیو اگر به طور نوار و ضبط صوت باشد ولی اگر شخصی در ایستگاه رادیو آیه سجده را به قصد این که از قرآن است بخواند و انسان به وسیله رادیو گوش دهد سجده واجب است .

(زنجانی :) مسأله اگر آیه سجده توسط ضبط صوت و مانند آن ، یا بچه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد، خوانده شود، بنا بر احتیاط واجب باید کسی که آن را گوش می کند سجده نماید و هم چنین است پخش رادیویی یا تلویزیونی اگر صدای قرآن قبلًا ضبط شده و پخش گردد؛ ولی اگر شخصی در ایستگاه رادیو یا تلویزیون آیه سجده را بخواند و به طور مستقیم پخش شود، بر کسی که به آن گوش می دهد سجده واجب است .

(فاضل :) مسأله اگر آیه سجده را از صدا و سیما یا ضبط صوت یا رایانه بشنود، لازم نیست سجده کند، بلی اگر به صورت مستقیم از صدا و سیما پخش شود مثل این که از بلندگو بشنود باید سجده کند.

(سیستانی :) مسأله اگر انسان از شخص خواب یا دیوانه یا از بچّه ای که قرآن را تشخیص نمی دهد آیه سجده را بشنود یا گوش دهد سجده واجب است ولی اگر از گرامافون یا ضبط صوت بشنود، سجده واجب نیست و هم چنین است رادیو اگر به طور نوار ضبط صوت باشد، ولی اگر شخصی در ایستگاه رادیو آیه سجده را بخواند و انسان به وسیله رادیو گوش دهد، سجده واجب است .

(مکارم :) مسأله هر گاه آیه سجده را از مثل نوار یا رادیو گوش کند، احتیاط آن است که سجده کند.

مسأله از ۱۰۹۷ تا ۱۰۹۸ اختصاصی

اشاره

(بهجت :) مسأله ۹۰۲ در وجوب سجده برای کسی که آیه سجده را می شنود، فرق نمی کند که قرائت کننده مکلّف باشد یا نباشد؛ و آن که قرائت کننده خودش هم سجده کند یا نکند؛ و آن که صحیح قرائت کند یا غلط، امّا به صورتی که معلوم و مشخّص باشد که آیه سجده را تلاوت کرده ؛ و همین طور فرق نمی کند که به صورت حرام ، مثل غنا بخواند یا نه ؛ و آن که

شنیـدن ، به صورت حرام باشـد، مثل التـذاذ از صـدای اجنبیّه یا نه ؛ و باز هم فرق نمی کنـد که وقت گوش دادن ، بداند که به آیه سـجده گوش می دهد و یا بعد از گوش دادن ، بفهمد آیه سـجده بوده است . و امّا اگر قرائت کننده ، طفل غیر ممیّز باشد و یا از شـخص ِخواب بشـنود، سـجده واجب نمی شود؛ و هم چنین است اگر شـنونده ، کلمات و حروف را تشـخیص ندهد و فقط همهمه ای بشنود.

[مسأله ۱۰۹۷ در سجده واجب قرآن نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد]

مسأله ۱۰۹۷ در سجده واجب قرآن نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد (۱)، ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است لازم نیست مراعات کنند. (۱) (مکارم :) در سجده واجب قرآن باید پیشانی را بر چیزی بگذارد که سجده نماز بر آن جایز است بنا بر احتیاط واجب ؛ و هم چنین ستر عورت و غصبی نبودن را رعایت کند ..

(گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) مسأله در سجده واجب قرآن باید جای انسان غصبی نباشد (اراکی : و جای پیشانی او از جای زانوها و سر انگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد) ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو به قبله باشد و عورت خود را به پوشاند و بدن و جای پیشانی او پاک باشد و نیز چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط می باشد در لباس او شرط نیست امّا اگر لباس او غصبی است چنانچه سجده کردن تصرّف در آن لباس باشد سجده باطل است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله در سجده واجب قرآن باید جای انسان غصبی نباشد و (خوئی : بنا بر احتیاط واجب) جای پیشانی او از جای سر انگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو به قبله باشد و عورت خود را به پوشاند و بدن و (خوئی : جای) پیشانی او پاک باشد و نیز چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط می باشد در لباس او شرط نیست .

(سیستانی :) در سجده واجب قرآن بنا بر احتیاط واجب باید جای انسان غصبی نباشد و بنا بر احتیاط مستحب ّجای پیشانی او از جای زانوها و سر انگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد ..

(فاضل :) مسأله بنا بر احتیاط واجب در سجده واجب قرآن ، نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد ولی سایر شرایطی که در سجده نماز لازم است در این سجده واجب نیست .

(زنجانی :) مسأله در سجده واجب قرآن بنا بر احتیاط مستحب ، باید جای انسان غصبی نباشد و جای پیشانی از جای پای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد؛ لکن با وضو یا غسل بودن ، و رو به قبله بودن ، و پوشاندن بدن ، و پاک بودن جای پیشانی و رعایت شرائط لباس نماز گزار در سجده واجب لازم نیست ، اما اگر لباس او غصبی است چنانچه سجده کردن تصرف در آن لباس باشد، بنا بر احتیاط مستحب سجده باطل است .

(بهجت :) مسأله در سجده واجب قرآن باید نیّت سجده کردن را داشته باشد و مکان هم مباح باشد و طوری باشد که اگر مردم دیدند، بگویند سجده کرد؛ ولی سایر شرایطی که در سجده نماز معتبر است ، لازم نیست مانند پوشانیدن عورت و پاک بودن مهر یا چیزی که بر آن سجده می کنند و بلندتر نبودن محل ّسجده از محل ّپا و گذاشتن دستها و زانوها و نوک انگشتان بزرگ پا بر زمین و مانند اینها، اگر چه رعایت این امور، مورد احتیاط است .

[مسأله ۱۰۹۸ در سجده واجب قرآن]

مسأله ۱۰۹۸ در سـجده واجب قرآن بایـد طوری عمل کند که بگویند سـجده کرد (۱). این مسـأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (فاضل :) یعنی نیّت و صورت ظاهری سجده کفایت می کند.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۰۹۷.

(خوئی ، زنجانی :) مسأله احتیاط واجب آن است که در سجده واجب قرآن پیشانی را بر مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است گذاشته و جاهای دیگر بدن را به دستوری که در سجده نماز گفته شد بر زمین بگذارد.

(تبریزی :) باید در سجده واجب قرآن ..

گلپایگانی ، (صافی ، سیستانی :) و بنا بر احتیاط مستحب ..

مسائل از ۱۰۹۹ تا ۱۷۵۰ اختصاصی

اشاره

(مکارم :) مسأله ۹۸۵ در سجده قرآن رو به قبله بودن شرط نیست و به هر سوی می تواند سجده کند ولی بهتر رو به قبله بودن است .

(فاضل :) مسأله ۱۱۱۹ سجده واجب قرآن ، تکبیره الإحرام ، تشهّد و سلام ندارد و احتیاط واجب آن است که پس از سر برداشتن از سجده تکبیر بگوید.

[مسأله ۱۰۹۹ هر گاه در سجده واجب قرآن]

مسأله ۱۰۹۹ هر گاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگر چه ذکر نگوید کافی است و گفتن ذکر، مستحب است (۱) و بهتر است بگوید (۲): «لا إله إلَّا اللّه حَقّا حَقّا لَا إله الّا اللّه ایماناً وَ تَصدِیقاً لَا إله إلَّا اللّه عُبُودِیَّهً وَ رِقًّا سَجَدت لَکَ یا رَبِ تَعَبُّداً وَ رِقًّا لَا مُستَنکِفاً وَ لَا مُستَکبِراً بَل أَنَا عَبدٌ ذَلِیل ضَعِیف خَائِف مُستَجِیرٌ». (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و مطابق با احتیاط است .. (۲) (مکارم :) برای سجده واجب قرآن کافی است به سجده رود و ذکر گفتن واجب نمی باشد، امّا بهتر است ذکر بگوید و بهتر است این ذکر را انتخاب کند ..

(زنجانی :) مسأله برای سجده واجب قرآن اگر با شرایطی که گفته شد پیشانی را بر زمین بگذارد کافی است هر چند ذکر نگوید و گفتن ذکر مستحب است و بهتر آن است که این ذکر را بگوید: " سَجَدت لَکَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً، لا مُستَکبِراً عَن عِبادَتِکَ وَ لا مُستَنکِفاً وَ لا مُتَعَظِّماً، بَل أَنَا عَبدٌ ذَلِیل خائِف مُستَجِیرٌ " .

تَشَهُّد

[مسأله ۱۱۰۰ در رکعت دوم تمام نمازهای واجب]

مسأله ۱۱۰۰ در رکعت دوم تمام نمازهای واجب (۱) و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، (۲) باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید (۳): «اشهَدُ ان لا إِله َ إِلَّا اللّه ُوَحدَه ُلا شَرِيك َلَه ُوَ اشهَدُ ان َّ مُحَمَّداً عَبدُه ُوَ رَسُولُه ُاللّهُم َّصَل ِّعَلَى مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ» (۴). (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) و مستحب .. (۲) (زنجانی :) و در نماز وتر ..

(مکارم :) در رکعت دوم تمام نمازها، تشهّد واجب است و هم چنین در رکعت آخر نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر .. (۳) (بهجت :) ذکر تشهّد بنا بر احتیاط عبارت است از : ..

(۴) (گلپایگانی ، صافی :) و کمتر از این کفایت نمی کند و احتیاط واجب آن است که به همین ترتیب بگوید.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و احتیاط واجب آن است که به غیر این ترتیب نگوید (خوئی : و در نماز وتر هم تشهّد لازم است).

(سیستانی :) و اگر بگوید: «اشهَدُ ان لا إله الَّا اللّه وَحدَه لا شَریک لَه وَ اشهَدُ ان مُحَمَّداً صلّی اللّه علیه و آله عَبدُه وَ رَسُولُه» کفایت می کند و در نماز وتر هم تشهّد لازم است .

[مسأله ۱۱۰۱ کلمات تشهد باید به عربی صحیح]

اشاره

مسأله ۱۱۰۱ کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود. (۱)

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۹۰۷ کسی که تشهّد را نمی داند، واجب است یاد بگیرد و در تنگی وقت در صورتی که نتواند از غیر خود متابعت کند و یا از روی نوشته بخواند ترجمه آن را به زبان خودش بخواند و اگر از ترجمه هم عاجز بود، ذکر یا ترجمه ذکری را به جای آن بخواند.

[مسأله ۱۱۰۲ اگر تشهد را فراموش کند]

اشاره

مسأله ۱۱۰۲ اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده ، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آن چه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند (۱) و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را (۲) تمام کند و بعد از سلام نماز تشهد را قضا کند (۳)، و بنا بر احتیاط واجب (۴) برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد (۵). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) و بنا بر احتیاط واجب ((زنجانی ، سیستانی :) و بنا بر احتیاط مستحب) بعد از نماز برای ایستادن بی جا، دو سجده سهو به جا آورد ..

(بهجت :) باید بنشیند و تشهد را بخواند و بقیه نماز را مطابق معمول بخواند سپس بعد از اتمام نماز دو سجده سهو برای ایستادن بی جا و دو سجده سهو برای قرائت یا تسبیحات زیادی در صورتی که خوانده باشد نیز به جا آورد .. (۲) (بهجت :)

مطابق معمول .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب تشهّد را قضا کند ..

(سیستانی :) بنا بر احتیاط مستحب تشهّد را قضا کند ..

(زنجانی :) بعد از سلام نماز، دو سجده سهو به جا آورد که با آن ، تشهد فراموش شده نیز قضا می گردد. (۴) (سیستانی :) و باید ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، فاضل و صافی نیست] (۵) (مکارم :) اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، نمازش صحیح است و برگشتن واجب نیست ، ولی احتیاط آن است که بعد از نماز تشهّد را قضا کند و دو سجده سهو نیز به جا آورد.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۹۸۸ اگر شک کند که تشهّد را خوانده یا نه ، در صورتی که وارد رکعت بعد شده اعتنا نکند و اگر هنوز برنخاسته باید آن را بخواند.

[مسأله ۱۱۰۳ مستحبّ است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند]

مسأله ۱۱۰۳ مستحبّ است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: «الحَمدُ لِلّه ِ» یا بگوید: «بِسم ِ اللّه ِ وَ بِاللّه ِ وَ الحَمدُ للّه ِ وَ خَیرُ الأَسماء للّه ِ» و نیز مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یک دیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید (۱): «وَ تَقَبَّل شَفاعَتَه ُوَ ارفَع دَرَجَتَه ُ» (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بعد از صلوات در تشهد بگوید ..

(مکارم ، صافی :) بعد از تمام شدن تشهّدِ اوّل بگوید .. (۲) (مکارم :) [یعنی :] «خداوندا شفاعت پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم را به پذیر و درجه او را بالاتر ببر».

(فاضل :) و احتیاط این است که در تشهد دوّم این جمله را به قصد قربت مطلقه بگوید.

[مسأله ۱۱۰۴ زنها در وقت خواندن تشهد رانها را به هم بچسبانند]

مسأله ۱۱۰۴ مستحب است زنها در وقت خواندن تشهد، رانها را به هم بچسبانند. این مسأله ، در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست

سلام نماز

[مسأله ۱۱۰۵ بعد از تشهد رکعت آخر]

مسأله ۱۱۰۵ بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: «السَّلام ُعَلَیکَ ایُّهَا النَّبِی ُّوَ رَحمَةُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُه ُ» (۱) و بعد از آن باید بگوید: «السَّلام ُعَلَیکُم » و احوط استحبابی آن است که (۲) «وَ رَحمَةُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُه ُ» را اضافه نماید، یا بگوید: «السَّلام ُعَلَینا وَ عَلَی عِبادِ اللّه الصّالِحِین َ». (۱) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) و بعد از آن واجب است بگوید: «السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته » یا بگوید: «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین » ولی اگر این سلام را بگوید احتیاط واجب آن است که بعد از آن «السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته » را هم بگوید (صافی : چنانکه وجوب گفتن «و رحمه اللّه و برکاته » اضافه بر « السلام علیکم » نیز بنا بر احتیاط است).

(خوئی ، تبریزی :) و بعد از آن باید بگوید: «السّلام علینا و علی عِبادِ اللّه الصّالحین » و یا بگوید: «السّلام علیکم » و مستحبّ است که به جمله «السّلام علیکم » جمله «و رحمه اللّه و برکاته » را اضافه نماید و هر دو صیغه را بگوید.

(سیستانی :) و بعد از آن باید بگوید: «السّلام علیکم » و احتیاط مستحبّ آن است که جمله «و رحمه اللّه و برکاته » را به آن اضافه کند و یا آن که بگوید: «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین » ولی اگر این سلام را بگوید، احتیاط واجب آن است که بعد از آن «السّلام علیکم » را هم بگوید.

(زنجانی :) و بعد از آن باید بگوید: " السَّلام ُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللّه ِ الصّالِحین َ " و یا بگوید: السَّلام ُ عَلَیکَم " و احتیاط مستحب آن است که به جمله " السَّلام ُ عَلَیکُم " عبارت " وَ رَحمَةُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُه ُ " را اضافه نماید و به صیغه اول (" السَّلام ُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللّه ِ الصّالِحین َ ") اکتفا نکند و مستحب است هر دو صیغه را بگوید. (۲) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب ..

(اراکی :) مسأله بعد از تشهّد رکعت آخر نماز در حالی که نشسته و بدن آرام است باید

بگوید: «السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته » یا بگوید: «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین ». و مقدار واجب سلام یکی از این دو است و اگر سلام اوّل را بگوید، دوّمی مستحب است و اضافه کردن «و رحمه اللّه و برکاته » بعد از «السّلام علیکم » واجب نیست گر چه احتیاط مستحب است ، و مستحب است پس از تشهّد و قبل از سلام نماز بگوید: «السّلام علیک أیّها النّبی و رحمه اللّه و برکاته ».

(مکارم :) مسأله در رکعت آخر تمام نمازها بعد از تشهّد واجب است سلام بگوید، و سلام دارای سه صیغه است : «السّلام علیک أیّها النّبی و رحمه اللّه و برکاته »، «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین »، «السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته ». سلام واجب همان سلام سوّم است و می تواند به آن قناعت کند ولی اکتفا به سلام دوّم به تنهایی مشکل است و سلام اوّل از مستحبّات است .

(بهجت :) مسأله بعد از تشهد رکعت آخر نماز در حالی که نشسته و بدن آرام است باید سلام نماز را بگوید و مستحب است ابتدا بگوید: « السلام علیک أیها النبی و رحمه اللّه و برکاته » و بعد از آن باید بگوید: «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین » و یا این که بگوید: «السّلام علیکم » و بنا بر اظهر مستحب است ، بلکه موافق احتیاط است که بعد از آن بگوید: «و رحمه اللّه و برکاته ». و بهتر آن است که هر سه سلام را به ترتیبی که ذکر شد، بگوید.

[مسأله ۱۱۰۶ اگر سلام نماز را فراموش کند]

مسأله ۱۱۰۶ اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده ، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۱۰۷ اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید]

مسأله ۱۱۰۷ اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده است (۱)، چنانچه پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باشد نمازش صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام داده باشد (۲) بنا بر احتیاط نمازش باطل است ، گر چه صحیح بودن آن خالی از قوّت نیست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) و یا کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد یادش بیاید و کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام نداده باشد باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) یا آن که کاری که عمدی و سهوی آن ، نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام داده باشد، نمازش صحیح است . [پایان مسأله] (۲) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) نمازش باطل است .

مکارم (:) احتیاط واجب آن است که نماز را اعاده کند.

(فاضل :) مسأله اگر بعـد از این که کاری انجام دهد که نماز را باطل می کند یادش بیاید که سـلام نداده نمازش باطل است و اگر بعـد از مدتی که صورت نماز به هم خورده یادش بیاید که سـلام نداده در حالی که هیچ کاری که مبطل نماز باشد انجام نداده سلام بدهد و نمازش صحیح است و مستحب است دو سجده سهو به جا آورد.

ترتیب

[مسأله ۱۱۰۸ اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند]

مسأله ۱۱۰۸ اگر عمـداً ترتیب نماز را به هم بزنـد، مثلًا سوره را پیش از حمـد بخوانـد، یا سـجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود (۱). (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله اگر عمـداً ترتیب نمـاز را به هم بزنـد و جزئی را که رکن نیست جلوتر به جـا آورد مثلًا سوره را پیش از حمـد بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از حمد سوره را دوباره بخواند و نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی اگر به همان سوره که پیش از حمـد خوانـده اکتفا کند یا آن که جزئی را که رکن است به غیر ترتیب به جا آورد و یا یک سـجده را پیش از رکوع به جا آورد نماز باطل می شود.

(زنجانی :) مسأله اگر عمـداً ترتیب نماز را بهم بزند نمازش باطل می شود؛ چه در مورد اجزاء واجب باشد، مثلًا سـجود را پیش از رکوع به جا آورد، چه در مورد اجزاء مستحب باشد، مثلًا سوره را پیش از حمد بخواند یا قنوت را پیش از سوره بخواند.

(مکارم :) مسأله نمازگزار بایـد کارهای نماز را به ترتیبی که در مسائل گذشـته گفته شد، انجام دهد و اگر عمداً بر خلاف آن انجام دهد مثلًا سـجود را قبل از رکوع ، یا تشـهّد را قبل از سـجده انجام دهد نمازش باطل است و اگر از روی فراموشـی باشـد بایـد تا داخل رکن بعـد نشده برگردد و انجام دهد، به طوری که ترتیب حاصل شود و اگر وارد رکن بعد شده نمازش صـحیح است مگر آن که جزء فراموش شـده از ارکان نماز باشد مثل این که رکوع را فراموش کند تا وارد سـجده دوّم شود که در این صورت نمازش باطل است .

[مسأله ۱۱۰۹ اگر رکنی از نماز را فراموش کند]

مسأله ۱۱۰۹ اگر رکنی از نمـاز را فراموش کنـد و رکن بعـد از آن را به جـا آورد، مثلًا پیش از آن که رکوع کنـد دو سـجده نماید، نماز باطل است (۱). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۰۸.

(زنجـانی :) مسـأله اگر رکوع را فراموش کنـد و قبل از سـجده دوّم یادش بیایـد، بایـد برگردد و رکوع را انجام دهـد و نمازش صحیح است و اگر بعد از این که برای سـجده دوم سر را به زمین و مانند آن گذاشت یادش بیاید به احتیاط واجب دو سـجده را نادیـده گرفته و پس از انجام رکوع و سـجود نماز را تمام کند و پس از آن نماز را دوباره انجام دهد. اگر یک سـجده یا دو

سجده را فراموش کند و قبل از رسیدن به رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید بازگشته و سجده فراموش شده را انجام دهد و نمازش صحیح است و اگر بعد از رسیدن به رکوع رکعت بعد یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده ، نماز را ادامه می دهد و صحیح است و بعد از نماز قضای سجده فراموش شده و دو سجده سهو به جا می آورد و اگر یادش بیاید که دو سجده از یک رکعت را فراموش کرده ، نمازش باطل است .

[مسأله ۱۱۱۰ اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد]

مسأله ۱۱۱۰ اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد، مثلًا پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آن چه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (۱) (فاضل :) و بنا بر احتیاط مستحب برای هر زیاده ، دو سجده سهو به جا آورد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۰۸.

[مسأله ۱۱۱۱ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند]

مسأله ۱۱۱۱ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلًا حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، (۱) نمازش صحیح است (۲). (۱) (بهجت :) و در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده ، باید بگذرد و نمازش صحیح است . (۲) (زنجانی :) نمازش را ادامه می دهد و صحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۱۰۸).

(فاضل :) مسأله اگر یکی از واجبات غیر رکنی فراموش شود چنانچه آن واجب ، واجب مستقل است مثل حمد و سوره در این صورت اگر بعد از توجه بخواهد برگردد مستلزم زیادی رکن شود مثلًا سوره را فراموش کرده و در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد و اگر بازگشت مستلزم زیادی رکن نشود باید برگردد و جزء فراموش شده را به جا آورد و اعمال بعدی را به جا آورد و به احتیاط مستحب برای هر جزئی که اضافه کرده دو سجده سهو به جا آورد، امّا اگر واجبی که ترک شده مستقل نباشد بلکه در ضمن واجب دیگری باشد مثل ذکر سجده در این فرض اگر بعد از انجام واجب اصلی (سر برداشتن از سجده) یادش بیاید نمازش صحیح است و مستحب است دو سجده سهو به جا آورد.

[مسأله ۱۱۱۲ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند]

مسأله ۱۱۱۲ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست به جا آورد، (۱) مثلًا حمد را فراموش کند و سوره را بخواند ([چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد مثلًا در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده ، باید بگذرد و نماز او صحیح است و (۲)] اگر مشغول رکن بعد نشده باشد (۳)) باید آن چه را فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن ، چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده دوباره بخواند. (۱) (زنجانی :) و هنوز وارد رکن بعد نشده یادش بیاید، مثلًا تشهد را فراموش کند و تسبیحات اربعه را خوانده هنوز وارد رکوع نشده یادش بیاید، باید آن چه را فراموش کرده ، به جا آورده و بعد از آن چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده دوباره بخواند و نمازش صحیح است . (۲) [قسمت داخل کروشه در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست] (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۰۸. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۱۱.

[مسأله ۱۱۱۳ اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است]

مسأله ۱۱۱۳ اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است ، یا سجده دوم را به خیال این که سجده اول است به جا آورد، نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می شود (۱). این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست

(۱) (نوری :) ولی اگر بعد از نماز متوجه شود در صورت اول یک سجده جا مانده است قضای آن را به جا بیاورد و دو سجده سهو نیز به جا بیاورد و در صورت دوم چون یک سجده اضافه شده است دو سجده سهو برای آن لازم است .

مُوالات

[مسأله ۱۱۱۴ انسان باید نماز را با موالات بخواند]

مسأله ۱۱۱۴ انسان باید (۱) نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند (۲) و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است (۳). (۱) (تبریزی :) باید بنا بر احتیاط لازم .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۲) (زنجانی :) و اگر موالات را رعایت نکند نمازش بنا بر احتیاط واجب باطل است .. (۳) (فاضل ، نوری :) گر چه به طور سهوی باشد. (تبریزی :) نمازش اشکال دارد.

(زنجانی :) نمازش بی تردید باطل است هر چند از روی سهو یا اضطرار باشد.

(مکارم :) مسأله نمازگزار باید «موالات » را رعایت کند، یعنی در میان کارهای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهّد آن قدر فاصله نیندازد که از صورت نماز خارج شود و گر نه نمازش باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو.

[مسأله ۱۱۱۵ اگر در نماز سهواً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد]

مسأله ۱۱۱۵ اگر در نماز سهواً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود (۱) چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آن حرفها یا کلمات را به طور معمول بخواند (۲) و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش صحیح است (۳). (۱) (فاضل ، نوری :) اگر در نماز عمداً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود (فاضل : نمازش باطل نمی شود نوری : بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل می شود) و اگر سهواً باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و در صورتی که چیزی بعد از آن خوانده شده لازم است تکرار نماید .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) مگر در تکبیره الإحرام که اگر فاصله بین کلمات آن به قدری باشد که از صورت تکبیره الإحرام خارج شود نماز باطل است .

(بهجت :) و احتیاط در این است که بدون عذر و سهو، از پی در پی آوردن مسامحه نکند اگر چه طوری نیست که موالات را به هم بزند.

(زنجانی :) مسأله انسان در نماز نباید بین حروف یا کلمات فاصله بیندازد به طوری که صورت قرائت یا ذکر از بین برود و اگر عمداً به قدری فاصله بیندازد که نگویند که قرائت یا ذکر

می خواند نمازش باطل است و اگر سهواً فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد باید آن کلمات را به طور معمول بخواند، و در صورتی که چیز واجبی بعد از آن خوانده شده لازم است تکرار نماید، و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش را ادامه داده و صحیح است .

(مکارم :) مسأله اگر در میان حرفها یا کلمات قرائت یا کلمات ذکر و تشهّد سهواً فاصله بیندازد که صورت قرائت و کلمات از بین برود، ولی صورت نماز از بین نرود باید برگردد و به طور صحیح بخواند، مگر آن که وارد رکن بعد شده باشد که نمازش صحیح است و بازگشت ندارد.

[مسأله ۱۱۱۶ طول دادن رکوع و سجود]

مسأله ۱۱۱۶ طول دادن رکوع و سجود (۱) و خواندن سوره های بزرگ ، موالات را به هم نمی زند (۲). (۱) (فاضل ، مکارم :) و قنوت .. (۲) (مکارم :) بلکه أفضل است .

(بهجت :) مگر آن قدر طول بدهد که وقت نماز فوت شود، مثل عمداً خواندن سوره بزرگ در نماز صبح .

قُنوت

[مسأله ۱۱۱۷ در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم]

مسأله ۱۱۱۷ در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم ، مستحب است قنوت بخواند (۱)، و در نماز وتر با آن که یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است (و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد (۲)) و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان (۳) در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوّم چهار قنوت دارد. (۱) (مکارم :) ولی احتیاط آن است که در نماز شفع قنوت را ترک نماید ..

(سیستانی :) ولی در نماز شفع باید آن را رجاءً آورد ..

(بهجت :) بلکه احتیاط در این است که قنوت را در نمازهای واجب ترک نکند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) نماز جمعه دو قنوت دارد؛ یکی پیش از رکوع رکعت اول و یکی بعد از رکوع رکعت دوم ..

(فاضل ، زنجانی ، بهجت ، نوری :) یکی پیش از رکوع رکعت اوّل و یکی بعد از رکوع رکعت دوّم .. [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه مکارم نیست] (۳) (سیستانی :) در دو رکعت چند قنوت دارد، به تفصیلی که در محل خود خواهد آمد.

[مسأله ۱۱۱۸ اگر بخواهد قنوت بخواند]

مسأله ۱۱۱۸ اگر بخواهـد قنوت بخواند به احتیاط واجب باید (۱) دسـتها را بلند کند و مستحب است دستها را تا مقابل صورت بلند نماید و کف دسـتها را رو به آسـمان قرار دهد و به قصد رجاء، انگشتان دستها را به جز ابهام به هم بچسباند و هر دو کف دستها را پهلوی هم متّصل به هم قرار دهد و نگاهش هنگام قنوت به کف دستهایش باشد. (۱) (اراکی :) مستحب ٭است ..

گلپایگانی ، خوئی ، (تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله مستحب ٭است در قنوت دستها را مقابل صورت و کف آنها را رو به آسـمان و پهلوی هم نگهدارد و غیر شـست ، انگشـتهای دیگر را به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند (سیستانی : بلکه بنا بر احتیاط

واجب بدون دست بلند کردن ، قنوت صحیح نیست مگر در مورد ضرورت).

(مکارم :) مسأله در قنوت ، ذکر و دعای مخصوصی شرط نیست ، هم چنین بلند کردن دستها، ولی بهتر آن است دستها را تا مقابل صورت بلند کند به طوری که کف دست رو به آسمان باشد و آنها را به یکدیگر بچسباند و ذکر خدا بگوید و یا دعا کند.

(بهجت :) مسأله اگر بخواهد قنوت بخواند خوب است دستها را مقابل صورت بلند کند بلکه احتیاط در این است که در غیر موقع تقیه ، آن را ترک نکند؛ و مستحب است که کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگهدارد.

(نوری :) مسأله اگر بخواهد قنوت بخواند احتیاطاً باید دستها را مقابل صورت بلند کند و به قصد رجاء کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگهدارد و غیر از شست ، انگشتهای دیگر را به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند.

(فاضل :) اگر بخواهد قنوت بخواند باید دستها را مقابل صورت بلند کند و سزاوار نیست که ترک بشود و مستحب است ..

[مسأله ۱۱۱۹ در قنوت هر ذکری بگوید]

اشاره

مسأله ۱۱۱۹ در قنوت هر ذکری بگوید، اگر چه یک «سُبحانَ اللّه » باشد، کافی است و بهتر است بگوید (۱): «لَا إِلهَ إِلَّا اللّهُ الحَلِیمُ الکَرِیمُ لَا إِلهَ إِلَّا اللّهُ العَلِیُّ العَظِیمُ سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ وَ رَبِّ الأَرَضِینَ السَّبعِ وَ ما فِیهِنَّ وَ ما بَینَهُنَّ وَ رَبِّ العَرشِ العَظِیمِ وَ الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمِین» (۲). (۱) (مکارم :) بهتر است دعاهایی مانند دعای زیر را بخواند .. (۲) (مکارم :) و حوائج دنیا و آخرت را از خدا طلب کند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۹۲۲ أظهر، جواز قنوت به غیر عربی است ؛ و باید به هر لغتی که می خواند، صحیح بخواند تا وظیفه قنوتی را انجام داده باشد؛ و هم چنین بنا بر احتیاط واجب باید دعا خواندن به صورت غلط را در هر جای نماز که باشد، ترک کند.

[مسأله ۱۱۲۰ مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند]

مسأله ۱۱۲۰ مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند، ولی برای کسی که نماز را به جماعت می خواند، اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست (۱). (۱) (زنجانی :) بلکه مکروه است .

(مکارم :) مسأله مستحب است قنوت را کمی بلندتر بخواند ولی در نماز جماعت طوری نخواند که امام جماعت صدای او را

بشنود.

[مسأله ۱۱۲۱ اگر عمداً قنوت نخواند قضا ندارد]

مسأله ۱۱۲۱ اگر عمـداً قنوت نخوانـد قضـا نـدارد و اگر فراموش کنـد و پیش از آن که به انـدازه رکوع خم شود یادش بیایـد، مسـتحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مسـتحب است بعد از سلام نماز، قضا نماید (۱). (۱) (بهجت :) و احتمال دارد، هر جای نماز که یادش آمـد بتوانـد قنوت را به جا آورد.

ترجمه نماز

۱ ترجمه سوره حمد

فی فی لاـ «بِسمِ اللّه ِالرَّحمن ِالرَّحِیم ِ»، یعنی ابتدا می کنم به نام خداوندی که در دنیا بر مؤمن و کافر رحم می کند و در آخرت بر مؤمن رحم می نماید. «الحَمدُ لِلّه ِرَب ِّالعالَمِین » یعنی ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده همه موجودات است . «الرَّحمن ِالرَّحِیم ِ» یعنی در دنیا بر مؤمن و کافر و در آخرت بر مؤمن رحم می کند. «مالِکِ یَوم ِالدِّین ِ» یعنی پادشاه و صاحب اختیار روز قیامت است . «إِیّاک َنَعبُدُ وَ إِیّاک َنَستَعِین » یعنی فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می خواهیم . «اهدِنَا الصِّراطَ المُستَقِیم » یعنی هدایت کن ما را به راه راست که آن دین اسلام است . «صِراطَ الَّذِین َأَنعَمت َعَلَیهِم » یعنی به راه کسانی که به آنان نعمت دادی که آنان پیغمبران و جانشینان پیغمبران هستند «غَیرِ المَغضُوب ِعَلَیهِم وَ لَا الضّالِّین » یعنی نه به راه کسانی که غضب کرده ای برایشان و نه آن کسانی که گمراهند.

۲ ترجمه سوره قل هو اللّه احد

ئ کما ئ کما لا «بِسم ِاللّه ِالرَّحمن ِالرَّحِیم ِ»: «قُل هُوَ اللّه ُأَحَدٌ»، یعنی بگو ای محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم که خداوند خدایی است یگانه . «اللّه ُالصَّمَدُ» یعنی خدایی که از تمام موجودات بی نیاز است . «لَم یَلِد وَ لَم یُولَد»، فرزند ندارد و فرزند کسی نیست . «وَ لَم یَکُن لَه ُکُفُواً أَحَدٌ» یعنی هیچ کس از مخلوقات ، مثل او نیست .

۳ ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است

«سبحان ربی العظیم و بحمده »، یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم ، «سبحان ربی الاعلی و بحمده » یعنی پروردگار من که از همه کس بالاتر می باشد از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم ، «سمع اللّه لمن حمده » یعنی خدا بشنود و به پذیرد ثنای کسی که او را ستایش می کند، «استغفر اللّه ربی و اتوب الیه » یعنی طلب آمرزش و مغفرت می کنم از خداوندی که پرورش دهنده من است و من به طرف او بازگشت می نمایم ، «بحول اللّه و قوته اقوم و اقعد» یعنی به یاری خدای متعال و قوه او برمی خیزم و می نشینم .

۴ ترجمه قنوت

« لا إله إلا اللّه الحلیم الکریم »، یعنی نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی همتایی که صاحب حلم و کرم است ، « لا إله إلا اللّه العلی العظیم » یعنی نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی همتایی که بلند مرتبه و بزرگ است .

«سبحان اللّه رب السماوات السبع و رب الارضين السبع »، يعنى پاك و منزه است خداوندى كه پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمين است . «و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم »، يعنى پروردگار هر چيزى است كه در آسمانها و زمينها و ما بين آنهاست و پروردگار عرش

بزرگ است . «و الحمد للّه رب العالمین »؛ یعنی حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده تمام موجودات است .

۵ ترجمه تسبیحات اربعه

«سبحان اللّه و الحمد للّه ِ و لا ـ إله إلا اللّه و اللّه اکبر»، یعنی پاک و منزه است خداوند تعالی و ثنا مخصوص او است و نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای بی همتا و بزرگتر است از این که او را وصف کنند.

۶ ترجمه تشهد و سلام

اشاره

«الحمد للّه أشهد إن لا اله إلا اللّه وحده لا شریک له » یعنی ستایش مخصوص پروردگار است و شهادت می دهم که خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یگانه است و شریک ندارد «و اشهد إن محمداً عبده و رسوله »، یعنی شهادت می دهم که محمدصلی اللّه علیه و آله و سلم بنده خدا و فرستاده اوست «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد » یعنی خدایا رحمت بفرست بر محمّد و آل محمّد «و تقبّل شفاعته و ارفع درجته » یعنی قبول کن شفاعت پیغمبر را و درجه آن حضرت را نزد خود بلند کن « السلام علیک أیها النبی و رحمه اللّه و برکاته »، یعنی سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد. « السلام علینا و علی عباد اللّه الصالحین » یعنی سلام از خداوند عالم بر نمازگزاران و تمام بندگان خوب او، « السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته » یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما مؤمنین باد. [ترجمه بعضی از رساله ها با ترجمه متن اصلی تفاوت دارد ولی ما آنها را ذکر نکردیم و در رساله آیت اللّه بهجت ترجمه ها نیامده است]

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۹۲۵ مستحب است در حال قیام ، نگاه کردن به محل ِسجده ؛ و نیز بعید نیست استحباب ِ نگاه کردن بین دو قدم در حال رکوع و به طرف بینی در حال سجود و به دامن خود در حال نشسته و به کف دو دست در حال قنوت ؛ و مستحب است در حال قیام ، گذاشتن دستها روی رانها مقابل زانو؛ و در حال قنوت ، قرار دادن آنها مقابل صورت به طوری که کف آنها رو به آسمان باشد؛ و در حال سجده ، گذاشتن دستها مقابل گوشها یا صورت یا شانه ها و در حال نشسته ، روی رانها و در حال رکوع ، روی زانو برای مردها.

تعقیب نماز

[مسأله ۱۱۲۲ مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب شود]

مسأله ۱۱۲۲ مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود. و بهتر است پیش از آن که از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود، رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند بخواند و از تعقیب هایی که خیلی سفارش شده است ، تسبیح حضرت زهرا سلام اللّه علیها است که باید به این ترتیب گفته شود: (۳۴) مرتبه «اللّه أکبر»، بعد (۳۳) مرتبه «الحمد للّه » بعد از آن (۳۳) مرتبه «سبحان اللّه » (۱) و می شود (۲) «سبحان اللّه » را پیش از «الحمد للّه » گفت ولی بهتر است بعد از «الحمد للّه » گفته شود.

(۱) (مکارم :) و فضیلت و ثواب بسیار دارد. (۲) (بهجت :) بنا بر اظهر ..

[مسأله ۱۱۲۳ مستحب است بعد از نماز، سجده شکر نماید]

مسأله ۱۱۲۳ مستحب است بعد از نماز، سجده شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است (۱)، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه ، «شُکراً للّه ِ» یا «شُکراً» یا «عَفواً» بگوید (۲) و نیز مستحب است هر وقت نعمتی به انسان می رسد یا بلایی از او دور می شود سجده شکر به جا آورد. (۱) (مکارم :) و اگر شکر خداوند را به زبان نیز آورد بهتر است و به قصد رجاء یک مرتبه یا سه مرتبه یا صد مرتبه «شکراً للّه » بگوید و مستحب است هر وقت نعمتی به انسان برسد یا بلایی از او دفع شود سجده شکر به جا آورد. (۲) (خوئی ، تبریزی :) شکراً للّه یا عفواً بگوید ..

صلوات بر پیغمبر

مسأله ۱۱۲۴ استحباب صلوات هنگام شنیدن نام مبارک حضرت رسول ص

مسأله ۱۱۲۴ هر وقت انسان اسم مبارک حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم مانند محمّد و احمد، یا لقب و کنیه آن جناب را مثل مصطفی و ابو القاسم بگوید یا بشنود، اگر چه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله صلوات بر پیغمبر و آل او بعد از نماز، یا در حال نماز و هم چنین در سایر حالات از مستحبّات مؤکّد است و نیز مستحب است هر موقع نام مبارک حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم خواه محمّد باشد یا احمد و هم چنین لقب و کنیه آن جناب را مانند مصطفی و ابو القاسم بشنود صلوات بفرستد، حتی اگر در نماز باشد، هم چنین اگر خودش این نامهای مقدس را بر زبان جاری کند، صلوات بفرستد.

[مسأله ۱۱۲۵ موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول ص مستحب است صلوات را هم بنویسد]

مسأله ۱۱۲۵ موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم مستحب است صلوات را هم بنویسد و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می کند صلوات بفرستد (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) هر چند بر زبان جاری نکند؛ و صلوات از اذکار بسیار با فضیلت و پر ثواب است .

احکام نماز؛ قرائت و احکام آن (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[قرائت و احکام آن]

[س ۴۵۸ نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد]

س ۴۵۸: نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟

ج : بر مردان واجب است که حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بلند بخوانند. اگر سهواً یا جهلًا آهسته بخوانند نماز صحیح است ، ولی اگر از روی عمد باشد، نماز باطل است .

[س ۴۵۹ اگر قصد خواندن قضای نماز صبح نماید]

س ۴۵۹: آیا اگر قصد خواندن قضای نماز صبح را داشته باشیم باید آن را بلند بخوانیم یا آهسته ؟

ج : واجب است که قرائت حمد و سوره در نمازهای صبح و مغرب و عشاء چه اداء باشد و چه قضاء در هر حالی بلند باشد، حتی اگر قضای آنها در روز خوانده شود، و اگر عمداً بلند خوانده نشود، نماز باطل است .

[س ۴۶۰ وجوب ِبلند خواندن در نمازهای مغرب و عشاء و صبح]

س ۴۶۰: می دانیم که یک رکعت از نماز متشکل از نیت ، تکبیره الاحرام ، حمد، سوره ، رکوع و سجده است ، و از طرف دیگر در نماز ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت سوم و چهارم نماز عشاء آهسته خواندن واجب است . ولی در نماز جماعتی که از رادیو و تلویزیون مستقیماً پخش می کنند، مشاهده می شود که امام جماعت ذکر رکوع و سجده رکعت سوم را بلند می خواند، با توجه به این که آن رکوع و سجده دو جزء رکعتی هستند که آهسته خواندن در آن واجب است . این مسأله چه حکمی دارد؟

ج : وجوب ِبلند خواندن در نمازهای مغرب و عشاء و صبح و وجوب ِآهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است . همان گونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشا، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم و چهارم است . ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه ، مکلّف بین آهسته یا بلند خواندن مخیّر است .

[س ۴۶۱ نماز قضاء احتیاطی]

س ۴۶۱: اگر شخص بخواهد علاوه بر هفده رکعت نماز واجب روزانه ، هفده رکعت نماز قضاء احتیاطی هم بخواند، آیا قرائت دو رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند یا آهسته ؟

ج : در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب فرقی بین نماز اداء و قضا وجود ندارد، هر چند نماز قضا احتیاطی باشد.

[س ۴۶۲ می دانیم که کلمه صلاه]

س ۴۶۲: می دانیم که کلمه «صلاه» به حرف «تاء» ختم می شود ولی در اذان «حی علی الصلاه » با «هاء» گفته می شود، آیا این صحیح است ؟

ج : ختم لفظ صلاه به هاء، هنگام وقف اشکال ندارد، بلکه متعیّن است .

[س ۴۶۳ راجح بودن لفظ ملک بر مالک]

س ۴۶۳: با توجه به نظر حضرت امام «قدس سره » در تفسیر سوره مبارکه حمد مبنی بر راجح بودن لفظ «ملک » بر «مالک »، آیا هنگام قرائت این سوره مبارکه ، احتیاط در قرائت به هر دو صورت در نمازهای واجب و غیر واجب ، صحیح است ؟

ج : احتیاط در این مورد اشکال ندارد.

[س ۴۶۴ وقف و فاصله تا مقداری که به وحدت جمله ضرر نزند]

س ۴۶۴: آیـا صـحیح است که نمازگزار هنگام خوانـدن «غَیرِ المَغضُوب ِ عَلَیهِم » آن را بـدون عطف فوری ، با وقف بخوانـدو سپس «وَ لَا الضّالِّین» را قرائت نماید؟ آیا در تشـهد وقف بر « محمّد » « صلی اللّه علیه و آله » در جمله «اللّهُم َصل ِعلی محمّد » و سپس قرائت عبارت «آل محمّد » صحیح است ؟

ج : وقف و فاصله تا مقداری که به وحدت جمله ضرر نزند، اشکال ندارد.

[س ۴۶۵ ملاک در صحت قرائت ، موافقت آن با نحوه قرائت اهل لغت است]

س ۴۶۵: اسـتفتاء زیر از حضـرت امام «قدس سـره » شده است : با توجه به تعدد اقوال در تلفظ «الضاد» در علم تجوید، شـما به کدام قول عمل می کنید؟ امام «قدس سره » در پاسخ نوشته اند: شناخت مخارج حروف بر اساس نظرات علمای تجوید، واجب نیست ، بلکه بایـد تلفظ هر حرفی به صورتی باشد که نزد عُرف عرب صدق کند که آن حرف را ادا کرده است . سؤال ما این است

که اولًا: عبارت «نزد عرف عرب صدق کند که آن حرف را ادا کرده است » به چه معنی است ؟ ثانیاً: آیا قواعد علم تجوید هم هماننـد قواعـد علم صـرف و نحو از عرف و کلام عرب اسـتخراج نشده است ؟ در این صورت چگونه می توان قائل به جدائی آن دو از ریشه خود شـد؟ ثالثـاً: اگر برای کسـی از طریق معتبر یقین حاصل شود که حروف را هنگام قرائت از مخارج صـحیح خود ادا نمی کنـد و یا به طور کلی حروف و کلمات را صـحیح تلفظ نمی نماید و زمینه مناسبی برای یادگیری از جمیع جهات دارد، مثـل این که اسـتعداد خوبی و یـا فرصت مناسبی برای فراگیری این علم دارد، آیا واجب است در حـد اسـتعداد سـعی در آموختن قرائت صحیح نماید؟

ج : ملاک در صـحت قرائت ، موافقت آن با نحوه قرائت اهل لغتی است که قواعـد تجویـد از آنها گرفته شده است . بنا بر این اگر اختلاف نظرات علمای تجویـد در کیفیت تلفظ یکی از حروف ناشـی از اختلاف آنان در فهم نحوه تلفظ اهل لغت باشـد، مرجع حـل اختلاـف ، خود عرف اهـل لغت است . ولی اگر اختلاف نظرات آنان ناشـی از اختلاف خود آنان در کیفیت تلفظ باشـد، مکلّف در انتخاب هر یک از آن اقوال مخیّر است . کسـی که قرائت خود را صـحیح نمی دانـد، بایـد در صورت تمکن برای یادگیری قرائت صحیح اقدام نماید.

[س ۴۶۶ کسی که از ابتدا و یا بر حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشت]

س ۴۶۶: کسـی که از ابتـدا و یـا بر حسب عـادت قصـد خوانـدن سوره فاتحه و اخلاص را داشت و بسم اللّه الرحمن الرحیم را گفت ولی سهواً سوره را تعیین نکرد، آیا باید از اول ، سوره معینی را قصد نماید و بعد بسم اللّه الرحمن الرحیم را قرائت کند؟

ج : اعاده بسم اللّه الرحمن الرحیم واجب نیست ، بلکه می تواند برای خواندن هر سوره ای به آن اکتفا کند.

[س ۴۶۷ آیا اداء کامل الفاظ عربی در نماز واجب است]

س ۴۶۷: آیـا اداء کامـل الفـاظ عربی در نماز واجب است ؟ آیا اگر کلمات به صورت عربی صـحیح و کامل تلفظ نشود، نماز محکوم به صحت است ؟

ج : واجـب اسـت کـه همـه ذکرهـای واجب نمـاز از قبیـل قرائت حمـد و سـوره و غیر آنهـا به طـور صـحیح قرائت شـود و اگر نمـازگزار کیفیت صـحیح تلفـظ کلمـات عربی را نمی دانـد، واجب است که یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست ، معـذور است .

[س ۴۶۸ قرائت قلبی در نماز]

س ۴۶۸: آیا بر قرائت قلبی در نماز یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها، قرائت صدق می کند یا خیر؟

ج : عنوان قرائت بر آن صدق نمی کند و در نماز واجب است که کلمات تلفظ شوند، به طوری که قرائت بر آن صدق کند.

[س ۴۶۹ تعدادی از سوره های قرآن کریم یک سوره کامل محسوب نمی شوند]

س ۴۶۹: بنا بر نظر بعضی از مفسرین ، تعدادی از سوره های قرآن کریم مثل سوره فیل ، قریش ، انشراح ، و ضحی یک سوره کامل محسوب نمی شوند. آنان می گویند: کسی که یکی از آن دو سوره مثل سوره فیل را در نماز قرائت کند، حتماً باید بعد از آن ، سوره قریش را هم بخواند و هم چنین دو سوره انشراح وضحی باید با هم قرائت شوند. بنا بر این اگر کسی بر اثر جهل به مسأله ، سوره فیل یا انشراح را به تنهائی در نماز بخواند، وظیفه او چیست ؟

ج : اگر در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد، نمازهای گذشته او محکوم به صحت است .

[س ۴۷۰ غفلت در رکعت سوم یا چهارم نماز ظهر]

س ۴۷۰: اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم نماز ظهر، حمد و سوره بخواندو بعد از نماز متوجه شود، آیا اعاده نماز بر او واجب است ، و اگر متوجه نشود، آیا نماز وی صحیح است ؟

ج : در فرض سؤال ، نمازش صحیح است .

[س ۴۷۱ آیا بانوان می توانند، حمد و سوره نمازهای صبح]

س ۴۷۱: آیا بانوان می توانند، حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشاء را بلند بخوانند؟

ج : می توانند بلند یا آهسته بخوانند ولی اگر نامحرم صدایشان را می شنود، بهتر است آهسته بخوانند.

[س ۴۷۲ ملاک آهسته خواندن قرائت]

س ۴۷۲: طبق نظر امام خمینی «قدس سره » ملاک آهسته خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر، عدم جهر است و ما می دانیم که به استثنای ده حرف ، بقیه حروف با صدا هستند، بنا بر این اگر نماز ظهر و عصر را آهسته و بدون صدا بخوانیم ، هجده حرف صدا دار درست تلفظ نخواهند شد، خواهشمند است این مسأله را توضیح فرمائید.

ج : ملاک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست ، بلکه ملاک آشکار نکردن آن است و در مقابل ، ملاک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است .

[س ۴۷۳ افراد خارجی اعم از زن و مرد که مسلمان می شوند]

س ۴۷۳: افراد خارجی اعم از زن و مرد که مسلمان می شوند و شناختی نسبت به کلمات عربی ندارند، چگونه می توانند واجبات دینی خود اعم از نماز و غیره را انجام دهند؟ و اصولًا نیازی به فراگیری عربی برای این کار وجود دارد؟

ج : یادگیری تکبیره الاحرام ، حمد، سوره ، تشهد و سلام نماز و هر چیزی که عربی بودن در آن شرط است ، واجب است .

[س ۴۷۴ دلیلی بر این که نافله های شب]

س ۴۷۴: آیا دلیلی بر این که نافله های شب یا نافله نمازهایی که بلند خواندن قرائت در آنها واجب است ، باید بلند خوانده شوندو نافله نمازهایی که آهسته خواندن آن واجب است ، باید آهسته خوانده شوند، وجود دارد؟ اگر جواب مثبت باشد آیا اگر نافله های نمازهای جهری آهسته خوانده شوند و هم چنین بر عکس ، مجزی است ؟

ج : قرائت در نافله های نمازهای جهری مستحب است که بلند باشد و در نمازهای اخفاتی مستحب است که آهسته باشد و اگر بر عکس هم انجام شود، مجزی است .

[س ۴۷۵ قرائت سوره حمد در نماز واجب است]

س ۴۷۵: آیا بعـد از قرائت سوره حمـد در نماز واجب است که یک سوره کامل خوانده شود یا تلاوت مقداری از قرآن کریم هم کافی است ؟ و در صورت اول آیا بعد از قرائت سوره ، خواندن بعضی از آیات قرآنی جایز است ؟

ج : در نمازهـای واجب یومیه ، قرائت آیـاتی از قرآن کریم به جای سوره کامل ، مجزی نیست . ولی قرائت بعضـی از آیات به قصد قرآن بعد از قرائت یک سوره کامل ، اشکال ندارد.

[س ۴۷۶ اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه ای که انسان به آن تکلم می کند]

س ۴۷۶: اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه ای که انسان به آن تکلم می کند، اشتباهی در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات کلمات نماز رخ دهدمثلًا کلمه یولَد به جای فتح لام ، به کسر لام خوانده شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج : اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) باشد، نماز باطل است ، و الّا نماز صحیح است . البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت ، به صورت مذکور خوانده باشد، در هر صورت قضای آنها واجب نیست .

[س ۴۷۷ کسی قادر بر ادای صحیح کلمات و ذکرهای نماز نیست]

س ۴۷۷: شخصی است که حدود ۳۵ یا ۴۰ سال سن دارد و پدر و مادرش در دوران کودکی به او نماز یاد نداده اند و سواد هم ندارد، اما سعی کرده است که نماز را به صورت صحیح یاد بگیرد، ولی قادر بر ادای صحیح کلمات و ذکرهای نماز نیست و بعضی از کلمات را اصلًا نمی تواند تلفظ کند، آیا نماز او صحیح است ؟

ج : اگر آن چه را که قادر بر تلفظ آن است ، انجام دهد، نمازش محکوم به صحت است .

[س ۴۷۸ من کلمات نماز را همان گونه که از پدر و مادرم آموخته ام]

س ۴۷۸: من کلمات نماز را همان گونه که از پدر و مادرم آموخته ام و در دبیرستان آموزش داده اند، تلفظ می کردم . بعداً متوجه شدم که کلمات را اشتباه ادا می کرده ام . آیا طبق فتوای امام «قدس سره » اعاده نماز بر من واجب است یا آن که همه نمازهایی را که به آن صورت خوانده ام ، صحیح هستند؟

ج : در فرض سؤال ، تمامی نمازهای گذشته محکوم به صحت است و اعاده و قضاء ندارد.

[س ۴۷۹ کسی که بر اثر ابتلاء به بیماری لالی قادر بر تکلم نیست]

س ۴۷۹: کسی که بر اثر ابتلاء به بیماری لالی قادر بر تکلم نیست ، ولی حواس سالمی دارد، اگر نمازش را با اشاره بخواند، آیا صحیح است ؟

ج : نماز او در فرض مزبور صحیح و مجزی است .

ذکر نماز

[س ۴۸۰ قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده به جای یکدیگر]

س ۴۸۰: آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده به جای یکدیگر اشکال دارد؟

ج : اگر آنها را به قصد مطلق ذکر خداوند عزّ و جلّ بگوید، اشکال ندارد و رکوع و سجده و نماز همگی صحیح هستند.

[س ۴۸۱ اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید]

س ۴۸۱: اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید و یا بر عکس ، در رکوع ذکر سجده را بگوید و در همان حال متوجه اشتباه خود شده و آن را اصلاح نماید، آیا نماز او باطل است ؟

ج : اشکال ندارد و نمازش صحیح است .

[س ۴۸۲ اگر نماز گزار در هنگام نماز و یا بعد از فراغت از آن متوجه شود]

س ۴۸۲: اگر نماز گزار در هنگام نماز و یا بعد از فراغت از آن متوجه شود که ذکر رکوع یا سجده را اشتباه گفته است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر بعد از رکوع و سجود متوجه شود، چیزی بر او واجب نیست .

[س ۴۸۳ یک بار گفتن تسبیحات اربعه]

س ۴۸۳: آیا یک بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است ؟

ج : کافی است ، هر چند احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود.

[س ۴۸۴ تعداد تسبیحات اربعه در نماز سه مرتبه است]

س ۴۸۴: تعداد تسبیحات اربعه در نماز سه مرتبه است ، ولی فردی سهواً چهار بار گفته است ، آیا نماز او در پیشگاه خداوند مقبول است ؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۴۸۵ کسی که نمی داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم]

س ۴۸۵: کسی که نمی داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه گفته یا بیشتر و یا کمتر، چه حکمی دارد؟

ج : یک مرتبه نیز کفایت می کند و چیزی بر او واجب نیست ، و تا به رکوع نرفته می تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند که آن را سه مرتبه گفته است .

[س ۴۸۶ قرائت بحول اللّه و قوته اقوم و اقعد]

س ۴۸۶: آیا قرائت «بحول اللّه و قوته اقوم و اقعد» هنگام نماز در حال حرکت جایز است و آیا گفتن آن در حال قیام صحیح است ؟

ج : اشکال ندارد و اصولًا این ذکر در حالت قیام برای رکعت بعدی گفته می شود.

[س ۴۸۷ مراد از ذکر چیست]

س ۴۸۷: مراد از ذکر چیست ؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر « صلی اللّه علیه و آله » و خاندان آن حضرت می شود؟

ج : هر عبارتی که متضمّن ذکر خداوند عزّ و جلّ باشد، ذکر محسوب می شود و صلوات بر محمّد و آل محمّد «علیهم افضل صلوات اللّه » از بهترین ذکرهاست .

[س ۴۸۸ هنگامی که در نماز وتر که یک رکعت است]

س ۴۸۸: هنگامی که در نماز وتر که یک رکعت است دستها را برای قنوت بلند کرده و حاجات خود را از خداوند عزّ و جلّ طلب می کنیم ، آیا طلب حاجات به زبان فارسی اشکال دارد؟

ج : دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد، بلکه هر دعایی را در قنوت می توان به هر زبانی خواند.

سجده و احکام آن

[س ۴۸۹ سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک]

س ۴۸۹: سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج : سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگر چه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است .

[س ۴۹۰ گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزائیک]

س ۴۹۰: آیا گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزائیکی که دارای سوراخهای ریزی است ، اشکال دارد؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۴۹۱ سجده بر مهر که سیاه و چرک شده]

س ۴۹۱: آیا سجده بر مهر که سیاه و چرک شده ، به طوری که لایه ای از چرک روی آن را پوشانده و مانع چسبیدن پیشانی روی مهر است ، اشکال دارد؟

ج : اگر چرک روی مهر به مقداری باشد که حائل بین پیشانی و مهر شود، سجده و نماز باطل است .

[س ۴۹۲ زنی که هنگام سجده بر مهر]

س ۴۹۲: آیا بر زنی که هنگام سجده بر مهر، پیشانی وی بخصوص جای سجده با حجاب پوشیده شده است ، اعاده نمازهایش واجب است ؟

ج : اگر هنگام سجده متوجه وجود حائل نبوده ، اعاده بر او واجب نیست .

[س ۴۹۳ زنی هنگام سجده سر خود را روی مهر گذاشته]

س ۴۹۳: زنی هنگام سجده ، سر خود را روی مهر گذاشته ، متوجه می شود که پیشانی وی به طور کامل با مهر تماس ندارد، زیرا چادر یا روسری وی مانع از تماس کامل پیشانی با مهر است ، لذا سرش را از روی آن بلند کرده و بعد از رفع مانع دوباره روی مهر گذاشته است ، نماز او چه حکمی دارد؟ اگر عمل وی سجده مستقلی محسوب شود، نمازهایی که خوانده است ، چه حکمی دارد؟

ج : واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی اش را حرکت دهد تا روی مهر قرار بگیرد. اگر بلند کردن پیشانی از زمین برای سجده روی مهر بر اثر جهل یا فراموشی بوده و این عمل را فقط در یکی از دو سجده یک رکعت انجام می داده ، نمازش

صحیح است و اعاده واجب نیست . ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده یک رکعت آن را انجام داده ، نمازش باطل و اعاده آن واجب است .

[س ۴۹۴ در سجده باید هفت عضو از بدن روی زمین باشد]

س ۴۹۴: در سجده باید هفت عضو از بدن روی زمین باشد، ولی ما به خاطر وضعیت خاص جسمی که داریم ، قادر به انجام این کار نیستیم ، زیرا از معلولین جنگی که از صندلی چرخدار استفاده می کنند، هستیم و برای نماز یا مهر را به طرف پیشانی بلند می کنیم و یا آن را روی دسته صندلی چرخدار گذاشته و بر آن سجده می کنیم ، آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج : اگر قادر به گذاشتن مهر روی دسته صندلی چرخدار یا چیز دیگر مانند بالشت یا چهار پایه و سجده بر آن هستید، باید سجده را بدین نحو انجام دهید و نماز شما صحیح است . در غیر این صورت به هر نحو که می توانید هر چند با ایماء و اشاره ، سجده و رکوع را انجام دهید و نماز شما صحیح است . إن شاء اللّه موفق باشید.

[س ۴۹۵ سجده بر سنگ فرش مرمر مشاهد مشرفه]

س ۴۹۵: سجده بر سنگ فرش مرمر مشاهد مشرفه چه حکمی دارد؟

ج : سجده بر سنگ مرمر اشکال ندارد.

[س ۴۹۶ هنگام سجده بر انگشت بزرگ پا]

س ۴۹۶: آیا جایز است هنگام سجده علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر آن را هم بر زمین بگذاریم ؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۴۹۷ مهری برای نماز ساخته شده]

س ۴۹۷: امروزه مهری برای نماز ساخته شده که با شمارش رکعت ها و سجده های نمازگزار باعث می شود تا حدی شک او بر طرف گردد. با توجه به این که هنگام گذاشتن پیشانی روی آن ، مهر به خاطر دستگاه فلزی که زیر آن نصب شده است ، به سمت پائین حرکت می کند، آیا با این توصیف سجده بر آن صحیح است ؟ امیدواریم نظر شریف خود را بیان فرمائید.

ج : اگر محل گذاشتن پیشانی از چیزهائی باشد که سجده بر آن صحیح است و پس از گذاشتن پیشانی ثابت و بی حرکت بماند، سجده بر روی آن اشکال ندارد.

[س ۴۹۸ هنگام نشستن بعد از سجده]

س ۴۹۸: هنگام نشستن بعد از سجده کدام پا روی دیگری گذاشته می شود؟

ج : مستحب است که بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

[س ۴۹۹ در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب]

س ۴۹۹: در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب ، گفتن چه ذکری افضل است ؟

ج : تکرار همان ذکر واجب و بهتر است که به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر آن چه گفته شد، صلوات و دعا برای حاجت های دنیا و آخرت مستحب است .

[س ۵۰۰ شنیدن آیاتی که سجده در اثر شنیدن آنها واجب می شود]

س ۵۰۰: شنیدن آیاتی که سجده در اثر شنیدن آنها واجب می شود از نوارهای قرآن که از ضبط صوت یا صدا و سیما پخش می شود چه حکمی دارد؟

ج : در فرض مرقوم ، سجده واجب است .

سلام

[س ۵۱۰ ردّ تحیت]

س ۵۱۰: نظر جناب عالی در باره ردّ تحیتی که به صیغه سلام نباشد، چیست ؟

ج : اگر در حال نماز باشد، جواب دادن جایز نیست ، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می کند، احتیاط، جواب گفتن آن است .

[س ۵۱۱ جواب سلام کودکان]

س ۵۱۱: آیا جواب سلام کودکان اعم از دختر و پسر واجب است ؟

ج : جواب سلام کودکانِ ممیز، اعم از پسر و دختر، مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است .

[س ۵۱۲ اگر کسی سلام را بشنود]

س ۵۱۲: اگر کسی سلام را بشنود، ولی به دلیل غفلت یا هر سبب دیگر جواب سلام را ندهد، به طوری که زمان کمی فاصله شود، آیا بعد از آن گفتن جواب سلام واجب است ؟

ج : اگر تأخیر به مقداری باشد که جواب سلام و ردّ تحیت بر آن صدق نکند، واجب نیست .

[س ۵۱۳ اگر شخصی به گروهی سلام کند]

س ۵۱۳: اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید: « السلام علیکم جمیعاً»، و یکی از آنان مشغول نماز باشد، آیا بر او هم جواب سلام واجب است ، حتی اگر دیگران جواب سلام را داده باشند؟

ج : اگر کس دیگری جواب آن را بدهد، نماز گزار اقدام به جواب گفتن نکند.

[س ۵۱۴ اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند]

س ۵۱۴: اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند و یا چند نفر سلام دهند، آیا یک بار جواب دادن از همه آنها کفایت می کند؟

ج : در صورت اول یک جواب کافی است ، و در حالت دوم یک جواب به صیغه ای که شامل همه آنها گردد و به قصد جواب سلام آنان باشد، کفایت می کند.

[س ۵۱۵ شخصی هنگام سلام دادن به جای سلام علیکم]

س ۵۱۵: شخصی هنگام سلام دادن به جای «سلام علیکم » از لفظ «سلام » استفاده می کند، آیا جواب سلام او واجب است ؟

ج : اگر عرفاً بر آن تحیت و سلام صدق نماید، جواب دادن واجب است .

مُبطِلات نماز

[مُبطِلات نماز از رساله حضرت امام]

[مسأله ۱۱۲۶ دوازده چیز نماز را باطل می کند]

اشاره

مسأله ۱۱۲۶ دوازده چیز (۱) نماز را باطل می کند و آنها را مبطلات می گویند: (۱) (زنجانی :) ده چیز ..

(بهجت :) مسأله دوازده چیز نماز را باطل می کنـد و آنها را مبطلات می گویند: (۱) از بین رفتن یکی از شروط در اثناء نماز. (۲) باطل شـدن وضو یا غسل در اثناء نماز عمداً یا سـهواً. (۳) گذاشـتن دسـتها روی هم عمداً با قصد این که جزء نماز است . (۴) گفتن «آمین » عمداً بعد از حمد. (۵) برگرداندن عمدی تمام بدن به پشت سـر (روی برگرداندن از قبله). (۶) حرف زدن عمدی . (۷) خندیدن عمدی (قهقهه کردن). (۸) برای امور دنیا با صـدای بلند عمداً گریه کردن . (۹) کار زیادی که صورت نماز را بهم بزند. (۱۰) خوردن و آشامیدن در بین نماز. (۱۱) شک در رکعتهای نماز دو یا سه رکعتی . (۱۲) کم و زیاد کردن رکن نماز عمداً یا سهواً. و تفصیل موارد ذکر شده به ترتیب در مسائل بعدی ذکر می شود.

اوّل :

آن که در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود، مثلًا در بین نماز بفهمد مکانش (۱) غصبی است (۲)،

دوم :

اشاره

آن که در بین نماز عمـداً یا سـهواً یا از روی ناچاری ، چیزی که وضو یا غسل را باطل می کنـد پیش آید، مثلًا بول از او بیرون آید (۳)، ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غایط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غایط از او

خـارج شود چنـانچه به دسـتوری که در احکام وضو گفته شـد رفتار نمایـد نمازش باطل نمی شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است . (۱) (خوئی ، تبریزی :) لباسش که ساتر است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و وقت وسـعت داشته باشد و بتواند از آن مکان غصبی بیرون برود ولی اگر وقت تنگ باشـد به طوری که اگر بخواهـد بعد از بیرون رفتن نماز را بخواند قضا می شود نماز باطل نمی شود ولی باید آن را در حال بیرون رفتن تمام کنـد و هم چنین اگر نتوانـد بیرون برود مثل محبوس (زنـدانی) بایـد در همان جا نماز را تمام کنـد و صحیح است ..

(زنجانی :) مثلًا در بین نماز لباس وی نجس شده و نمازگزار با توجّه به آن ، عمداً یا به علّت ندانسـتن مسأله با همان حال نماز خود را ادامه دهد .. (۳) (سیسـتانی :) هر چند بنا بر احتیاط پیش آمدن آن پس از تمام شدن سـجده آخر نماز از روی سـهو یا ناچاری باشد ..

[مسأله ۱۱۲۷ کسی که بی اختیار خوابش برده]

مسأله ۱۱۲۷ کسـی که بی اختیار خوابش برده (۱)، اگر ندانـد که در بین نماز خوابش برده یا بعـد از آن ، بنا بر احتیاط واجب (۲) بایـد نمازش را دوباره بخوانـد (۳)، ولی اگر تمـام شـدن نمـاز را بدانـد و شـک کنـد که خواب در بین نماز بوده یا بعـد ، نمـازش صـحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) (مثلًا در حال سـجده خوابش برده) امّا نمی داند در سجده نماز بوده یا بعد از آن در سجده شکر، باید نماز را اعاده کند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم ..

[عبـارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی و زنجانی نیست] (۳) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیسـتانی :) لازم نیست نمازش را دوباره بخواند، به شرط آن که بداند آن چه از نماز به جا آورده به اندازه ای که عرفاً آن را نماز بگویند بوده است .

[مسأله ۱۱۲۸ اگر بداند به اختیار خودش خوابیده]

مسأله ۱۱۲۸ اگر بدانـد به اختیار خودش خوابیـده و شک کنـد که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادش رفته که مشـغول نماز است و خوابیـده نمازش صـحیح است (۱). این مسـأله ، در رسـاله آیـات عظـام : بهجت و مکارم نیست (۱) (تـبریزی :) و اگر احتمال دهـد خوابش در اثناءِ نماز عمـداً و با التفات به نماز بوده باید دوباره بخواند. (سیسـتانی :) با شـرطی که در مسأله پیش گفته شد صحیح است .

[مسأله ۱۱۲۹ اگر در حال سجده از خواب بیدار شود]

مسأله ۱۱۲۹ اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است ،

یا در سجده شکر (۱)، باید آن نماز را دوباره بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، صافی :) چنانچه بداند که بی اختیار خوابش برده ..

(سیستانی :) چه بداند به اختیار خوابیده یا بی اختیار خوابش برده است حکم به صحت آن می شود و اعاده لازم نیست . (۲) (خوئی ، تبریزی :) و اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و احتمال دهد که از روی غفلت در سجده نماز خوابیده نمازش صحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۲۷.

سوم :

اشاره

از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دستها را روی هم بگذارد (۱). (۱) (بهجت :) و قصدش این باشد که این کار، جزءِ نماز است یا انجام دادن آن لازم است . در غیر این صورت ، اگر عمداً این کار را بکند، از روی احتیاط نمازش را باید دوباره بخواند.

(خوئی :) سوّم : از مبطلات نماز آن است که دستها را به قصد این که جزءِ نماز باشد روی هم بگذارد و اگر به این قصد نباشد بلکه به عنوان ادب باشد بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

(تبریزی :) اگر به این قصد نباشد، بلکه به عنوان ادب در نماز باشد، نمازش صحیح است و لکن کار حرام کرده است .

(سیستانی :) سوّم : از مبطلات نماز آن است که دستها را به قصد خضوع و ادب روی هم بگذارد ولی باطل شدن نماز به این کار بنا بر احتیاط است هر چند در حرام بودنش اگر به قصد مشروعیّت آورده شود اشکالی نیست .

(مکارم :) سوّم : دست بسته نماز خواندن . اگر دست بسته نماز بخواند آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می دهند، حتی اگر به قصد ادب دستها را روی هم بگذارد، یا دست به سینه نماز بخواند، هر چند شبیه آنها نباشد احتیاط آن است که نماز را اعاده کند، امّا اگر از روی فراموشی و ناچاری یا برای کار دیگری مثل خاراندن دست و مانند آن باشد اشکال ندارد.

(نوری :) سوم : از مبطلات نماز آن است که دستها را روی هم بگذارد.

[مسأله ۱۱۳۰ هر گاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد]

مسأله ۱۱۳۰ هر گاه (برای ادب دستها را روی هم بگذارد، اگر چه مثل آنها نباشد (۱)، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره

بخواند، ولی اگر (۲)) از روی فراموشی یا ناچاری (۳) یا برای کار دیگر مثل خارانـدن دست وماننـد آن (۴)، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد (۵). (۱) [عبـارت «اگر چه مثـل آنهـا نباشـد» در رسـاله آیـات عظام : (نوری) و بهجت نیست] (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی و تبریزی نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یا تقیه .. (۴) (زنجانی :) یا بر حسب عادت .. (۵) (بهجت :) بنا بر أظهر اشکال ندارد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مورد سوّم از مبطلات نماز در همین صفحه .

چهارم :

از مبطلات نماز (۱) آن است که بعد از خواندن حمد (۲)، آمین بگوید (۳) ولی اگر (۴) اشتباهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی شود. (۱) (بهجت :) بنا بر احتیاط .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که قصد دعا ننماید، و یا به قصد این که جزءِ نماز باشد .. (۳) (سیستانی :) و باطل شدن نماز به گفتن آمین در غیر مأموم بنا بر احتیاط است ، هر چند در حرام بودنش چنانچه به قصد مشروعیّت آورده شود شکی نیست و در هر حال اگر آمین را اشتباهاً یا از روی تقیه بگوید نمازش اشکال ندارد.

(مکارم :) و احتیاط واجب این است که نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی اگر از روی اشتباه یا در حال تقیه بگوید اشکال ندارد.

(بهجت :) و گفتن آن حرام است .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) ولی اگر فقط به قصد دعا یا ..

پنجم :

اشاره

از مبطلات نماز آن است که عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد (۱) بلکه اگر عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است (۲)، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است . (۱) (زنجانی :) پشت به قبله کند یا سر را به قدری برگرداند که بیشتر از طرف راست و چپ قبله منحرف گردد .. (۲) (مکارم :) نمازش باطل است .

(سیستانی :) پنجم : از مبطلات نماز برگشتن از قبله بدون عذر است و امّا اگر با عذر باشد مثل فراموشی یا به سبب امر قهری (مانند باد شدیدی که او را از قبله برگرداند) چنانچه به طرف راست یا چپ نرسد نماز او صحیح است ولی لازم است که بعد از برطرف شدن عذر فوراً به طرف قبله برگردد و امّا اگر به طرف راست و یا چپ برسد یا پشت به قبله شود اگر فراموش کرده باشد یا غافل باشد یا در تشخیص قبله اشتباه کرده باشد و وقتی متذکر یا متوجه شود که اگر نماز را قطع کند می تواند دوباره آن را رو به قبله بخواند (هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود) باید نماز را از سر بگیرد و گر نه به همان نماز اکتفا می کند و قضا بر او لازم نیست و هم چنین است اگر برگشت او از قبله به واسطه امر قهری باشد پس چنانچه بتواند که بدون برگشتن از قبله نماز را دوباره در وقت بخواند (هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود) باید نماز را از سر بگیرد و گر نه باید همان نماز را تمام کند و اعاده و قضا بر او لازم نیست .

(بهجت :) پنجم : [از مبطلات نماز] آن که عمـداً با تمام بدن به پشت سـر یعنی بیش از سـمت راست و چپ توجّه کند و اگر فقط با صورت به طرف راست یا چپ توجّه کنـد نمازش باطل نمی شود و اگر عمـداً با تمام بـدن به راست یا چپ و یا فقط با صورت به پشت سـر توجه نماید بنا بر اظهر و أحوط نمازش باطل است و اگر سهواً و یا از روی فراموشی باشد مانعی ندارد در اوّلی ، و محل احتیاط است در دوّمی .

[مسأله ۱۱۳۱ اگر عمداً همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند]

مسأله ۱۱۳۱ اگر عمداً همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند

نمازش باطل است (۱) بلکه اگر سهواً هم صورت را به این مقدار بگرداند احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند (و لازم نیست که نماز اول را تمام نمایـد (۲))، ولی اگر سـر را کمی بگردانـد، عمداً باشد یا اشـتباهاً نمازش باطل نمی شود. (۱) (اراکی :) اگر گردش به راست یا چپ زیاد باشد، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است ، هر چند جلو بدن رو به قبله باشد .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (بهجت :) رجوع کنید به ذیل پنجم از مُبطلات در صفحه قبل .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر عمـداً سـر را به پشت بگردانـد نمازش باطل است و اگر سـهواً سـر را به این مقـدار بگردانـد، احتیـاط واجب آن است که نماز را تمام کنـد و دوباره بخوانـد ولی اگر سـر را به طرف راست یا چپ بگردانـد عمـداً باشـد یا اشتباهاً نمازش باطل نمی شود ولی کراهت دارد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر عمـداً یا سـهواً سـر را به قـدری بگرداند که مواجه طرف راست یا چپ قبله یا بیشتر باشد نمازش باطل است ، ولی اگر سـر را کمی بگردانـد که نگوینـد روی خود را از قبله برگردانده عمداً باشد یا اشتباهاً نمازش باطل نمی شود، و اگر به مقداری برگرداند که بگویند روی خود را از قبله برگردانده است ، ولی به حدّ راست یا چپ قبله نرسیده باشد، در این صورت چنانچه رو گرداندن عمدی باشد نماز باطل است و اگر سهوی باشد نماز صحیح است .

(فاضل :) مسأله اگر عمـداً یا سـهواً سـر را به قدری برگرداند که بتواند پشت سـر را ببیند نماز باطل است ولی اگر سـر را کمی بگرداند عمداً باشد یا اشتباهاً نمازش باطل نمی شود.

(مکارم :) مسأله هر گاه عمـداً یا سـهواً صورت را به تنهایی کاملًا به طرف راست یا چپ برگرداند بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده کند، ولی اگر صورت را کمی بگرداند به طوری که از قبله خارج نشود نماز باطل نمی شود.

(زنجانی :) مسأله اگر عمداً یا سـهواً سر را به قدری بگرداند که بیشتر از طرف راست یا چپ قبله منحرف گردد نمازش باطل ، ولی اگر سـر را کمی بگرداند که نگویند روی خود را از قبله برگردانده عمداً باشد یا اشـتباهاً نمازش باطل نمی شود، و اگر به مقـداری برگردانـد که بگوینـد که روی خـود را از قبله برگردانـده است ولی بیشـتر از طرف راست و چپ قبله منحرف نشـده باشد، نمازش در این صورت چنانچه رو گرداندن عمدی باشد باطل است و اگر سهواً باشد نمازش صحیح است .

(سیسـتانی :) مسأله اگر صورت خود را فقط از قبله برگردانـد ولی بدنش به طرف قبله باشد چنانچه به حدّی گردن را کج کند که بتوانـد مقـداری از پشت سـرش را ببیند حکم او همان حکم برگشـتن از قبله است که قبلًا ذکر شده و اگر انحراف او به این حـد نباشد ولی عرفاً زیاد باشد بنا بر احتیاط واجب باید اعاده کند و امّا اگر مقدار کمی گردنش را کج کند نمازش باطل نمی شود هر چند این کار مکروه است .

ششم :

اشاره

از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای بگوید که از آن کلمه قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد بلکه اگر قصد هم نکند بنا بر احتیاط واجب باید

نماز را دوباره بخوانـد در صورتی که دو حرف یا بیشتر باشـد، ولی اگر سـهواً بگویـد نماز باطل نمی شود. (خوئی ، تبریزی :) ششم : از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای بگوید که یک حرف یا بیشتر باشد اگر چه معنی هم نداشته باشد.

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) ششم : از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای (زنجانی : عمداً لفظی) بگوید که دو حرف یا بیشتر باشد؛ اگر چه معنی هم نداشته باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود.

(فاضل :) ششم : از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای را بگوید و آن را در معنایی استعمال کند، خواه یک حرف باشد یا بیشتر؛ و اگر سهواً بگوید نمازش باطل نمی شود.

(بهجت :) ششم : آن که عمـداً کلمه ای بگویـد که دو حرف یـا بیشتر داشـته ، ولی بی معنی باشـد و یـا این که یک حرف یا بیشتر بوده ، ولی معنا داشته باشد.

(سیستانی :) ششم : از مبطلات نماز آن است که عمداً تکلم کند هر چند به کلمه ای که بیش از یک حرف نداشته باشد؛ اگر آن حرف مُفهم معنای خودش باشد مثل (قِ) که در زبان عربی به معنای این است که (نگهداری کن) یا مُفهم معنای دیگری مثل (ب) در جواب کسـی که از حرف دوّم الفبـا سؤال کنـد. و چنـانچه مُفهم هیـچ معنایی نباشـد، اگر مرکّب از دو حرف یا بیشتر باشد باز هم بنا بر احتیاط مُبطل نماز است .

(مکارم :) شـشم : حرف زدن . اگر عمـداً حرف بزند حتّی یک جمله ، یا یک کلمه ، حتّی کلمه دو حرفی مانند « من » و « ما» نمـاز او باطـل است بلکه بنا بر احتیاط اگر دو حرف معنی دار هم نباشـد نماز باطل می شود (منظور از احتیاط در مبطلات نماز آن است که نماز را تمام کرده بعد اعاده کند). سخن گفتن از روی سهو و فراموشی و نسیان ، نماز را باطل نمی کند.

[مسأله ۱۱۳۲ اگر کلمه ای بگوید که یک حرف دارد]

مسأله ۱۱۳۲ اگر کلمه ای بگوید که یک حرف دارد، چنانچه آن کلمه معنی داشـته باشد مثل «ق » که در زبان عرب به معنای این است که نگهـداری کن (۱)، چنانچه معنی آن را بدانـد و قصـد آن را نمایـد، نمازش باطل می شود، بلکه اگر قصد معنای آن را نکنـد ولی ملتفت معنای آن باشـد احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و معنی آن را قصد کند نمازش باطل است و اگر قصد نکند، امّا متوجّه معنی آن باشد، احتیاط آن است که نماز را اعاده کنـد. (۲) (صافی :) [و] بلکه اگر کلمه یک حرفی ، معنی هم نداشـته باشـد احتیاط، دوباره خوانـدن آن است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر سـهواً کلمه ای بگویـد که یـک حرف یـا بیشتر دارد، اگر چه آن کلمه معنی داشـته باشد، نمازش باطل نمی شود ولی (سیستانی : بنا بر احتیاط) لازم است بعد از نماز سجده سهو به جا آورد چنانکه خواهد آمد.

(زنجانی :) مسأله اگر با عمد لفظی بگوید که دو حرف یا بیشتر دارد، نمازش باطل می شود؛ اگر چه به قصد جدی نباشد، بلکه مثلًا به جهت شوخی آن لفظ را بگوید.

(فاضل :) مسأله اگر کلمه ای بگوید چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب به معنای این است که (نگهداری کن) چنانچه معنی آن را بداند و قصد آن معنی را نماید نمازش باطل می شود، و اگر قصد معنای آن را نکند ولی ملتفت معنای آن باشد نمازش باطل نمی شود و نیز اگر آن کلمه معنایی نداشته باشد و او هم آن را در معنایی استعمال نکند ولی اگر دو حرف یا بیشتر باشد در این دو صورت نیز بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

[مسأله ۱۱۳۳ سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز]

مسأله ۱۱۳۳ سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن (۱) در نماز اشکال ندارد (۲)، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است اگر عمدی باشد (۳) نماز را باطل می کند (۴). (۱) (تبریزی :) یا اشاره کردن .. (۲) (زنجانی :) ولی اگر عمدی باشد و از آن دو حرف تولید شود مانند آخ و آه ، نماز را باطل می کند بلکه اگر یک حرف هم تولید شود به احتیاط واجب نماز را باطل می کند. (۳) (خوئی ، تبریزی :) گفتن آخ و آه و مانند اینها، اگر عمدی باشد .. (۴) (بهجت :) ولی اگر بگوید «آه مِن ذُنُوبی » اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله سرفه کردن ، آه کشیدن ، عطسه زدن ، نماز را باطل نمی کند، هر چند عمدی باشد، ولی گفتن «آخ » و «آه » و مانند اینها که دو حرف دارد اگر عمدی باشد بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

(سیستانی :) مسأله سرفه کردن و آروغ زدن در نماز اشکال ندارد و احتیاط لازم آن است که در نماز اختیاراً «آه » نکشد و ناله نکند؛ و امّا گفتن «آخ » و «آه » و مانند اینها، اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند.

[مسأله ۱۱۳۴ اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید]

مسأله ۱۱۳۴ اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید مثلًا به قصد ذکر بگوید: «اللّه أکبر» و در موقع گفتن آن ، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد (۱) ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید (۲)، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می شود. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بلکه اگر به قصد ((زنجانی :) بلکه اگر به جهت) این که چیزی به کسی بفهماند کلمه ای را به قصد ذکر بگوید اشکال ندارد.

(سیستانی :) و هم چنین اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید هر چند بداند که این کار سبب می شود که کسی متوجه مطلبی شود اشکال ندارد ولی اگر اصلًا قصد ذکر نکند یا قصد هر دو امر را بکند به نحوی که لفظ را در هر دو معنی به کار برده باشد، نمازش باطل می شود و امّا اگر قصد ذکر کند و انگیزه اش در گفتن ذکر، متوجه کردن غیر باشد، نمازش صحیح است

.

(صافی :) بلکه چنانچه برای این که چیزی را به کسـی بفهماند، به قصد ذکر آن را بگوید، نماز باطل نمی شود. (۲) (بهجت :) کلمه ای را مناسب مقصودش بگوید ..

(مکارم :) مسأله ذکر خدا، قرائت قرآن و دعا، در هر جای نماز جایز است . اگر جمله ای را مانند «اللّه أکبر» به قصد ذکر خدا بگوید، امّا در موقع گفتن ، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد، ولی دعا و ذکر به زبانهای غیر عربی اشکال دارد.

[مسأله ۱۱۳۵ خواندن قرآن در نماز]

مسأله ۱۱۳۵ خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره ای که (۱) سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد (۲) و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد (۳) اگر چه به فارسی یا زبان دیگر باشد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) غیر از چهار آیه ای که .. (۲) (زنجانی :) در مسأله [۳۵۵ و (۱۰۹۳)] گفته شد .. (نوری :) در مسأله [۳۵۵] گفته شد .. (۳) (گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) ولی احتیاط مستحب آن است که به غیر عربی دعا نکند. (فاضل :) ولی احتیاط واجب این است که به عربی باشد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۳۴.

(سیستانی :) مسأله خواندن قرآن و دعا کردن در نماز اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که به غیر عربی دعا نکند. حکم چهار آیه ای که سجده واجب دارد، در احکام قرائت مسأله [۹۸۳] گفته شد.

(بهجت :) مسأله قرآن یا دعا خواندن در نماز اشکال ندارد، مگر چهار آیه ای که سجده واجب دارند و در مسأله [۱۰۹۳] گذشت یا این که دعا خواندن ، به طوری که به نظم واجب در قرائت و یا ذکر واجب صدمه بزند و یا نفرین بر مؤمن باشد که در این صورت ، نماز باطل خواهد بود. دعا یا ذکر خداوند متعال به هر لغتی که مخصوص نمازگزار باشد، در بین نماز اگر چه به عربی نباشد، مانعی ندارد ولی خلاف احتیاط است حتّی در قنوت ولی بنا بر احتیاط واجب ذکرهای مستحبّی رکوع ، سجود و تشهّد را به غیر عربی نخواند.

[مسأله ۱۱۳۶ اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً]

مسأله ۱۱۳۶ اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً (۱) یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید اشکال ندارد (۲). (۱) (خوئی :) بدون قصد جزئیّت ..

(زنجانی :) بدون قصد وجوب یا استحباب ذکر خاص چند مرتبه بگوید اشکال ندارد، ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید کار حرامی انجام داده ؛ بلکه اگر به مسأله آگاه باشد و بتواند به وسواس عمل نکند نمازش هم باطل است . (۲) (اراکی ، گلپایگانی :) ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید نماز باطل می شود.

(بهجت :) مگر این که به نظم واجب دیگر، مثل قرائت و یا ذکر واجب صدمه بزند.

(صافی ، فاضل :) ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید اشکال دارد.

(مکـارم :) مسـأله تکرار کردن آیـات حمـد و سوره یـا ذکرهـای رکوع و سـجود و تسبیحات برای ثواب یا برای احتیاط مانعی ندارد، امّا اگر به خاطر وسوسه باشد اشکال دارد.

[مسأله ۱۱۳۷ در حال نماز انسان نباید به دیگری سلام کند]

مسأله ۱۱۳۷ در حال نماز، انسان نبایـد به دیگری سـلام کنـد و اگر دیگری به او سـلام کنـد (۱)، بایـد طوری جواب دهد که سلام مقـدم باشـد مثلًا بگویـد: «السَّلامُ عَلَیکُم » یا «سَـلامٌ عَلَیکُم » و نبایـد «عَلَیکُمُ السَّلام » بگوید. (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، صافی :) باید همان طور که او سـلام کرده جواب دهد مثلًا اگر گفته «سـلامٌ علیکم » در جواب بگوید «سلامٌ علیکُم » ولی در جواب «علیکم السّلام » (اراکی : بنا بر احتیاط واجب) باید بگوید «سلامٌ علیکم ».

(خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب باید همان طور که او سلام کرده ، جواب دهد مثلًا اگر گفته «سلامٌ علیکم » در جواب بگوید «سلامٌ علیکم » ولی در جواب «علیکم السّلام » هر صیغه ای که می خواهد می تواند بگوید.

(سیسـتانی :) بایـد جواب دهد ولی جواب باید مثل سـلام باشد یعنی نباید بر اصل سـلام اضافه داشـته باشد مثلًا نباید در جواب بگویـد «سـلامٌ علیکم و رحمه اللّه و برکاته » بلکه بنا بر احتیاط لازم نباید لفظ «علیکم » یا «علیك » را بر لفظ سـلام در جواب مقدّم بدارد اگر آن کسی که سلام کرده این چنین نکرده باشد؛ بلکه احتیاط مستحبّ آن است که جواب کاملًا همان طور که او سـلام کرده ، باشـد مثلًا اگر گفتـه «سـلامٌ علیکم » در جـواب بگویـد «سـلامٌ علیکم » و اگر گفته «السّـلام علیکم » بگـوید «السّـلام علیکم » و اگر گفته «سـلامٌ علیك » بگوید «سلامٌ علیك » ولی در جواب «علیکم السّلام » می تواند «علیکم السّلام » یا «السّلام علیکم » یا «سلام علیکم » بگوید.

(مکارم :) جواب او واجب است امّا جواب بایـد ماننـد سـلام باشـد مثلًا اگر گفت : «السّـلام علیك » در جواب بگوید «السّـلام علیك » و اگر بگوید «سلام علیکم » در جواب بگوید «سلامٌ علیکم » حتّی اگر بگوید «سلام » در جواب باید بگوید «سلام ».

(بهجت :) باید مثل سـلام او جواب بدهد؛ بنا بر این اگر گفت : «سـلامٌ علیکم »، جواب بگوید: «سلامٌ علیکم » و اگر گفت : «السّلام علیك »، باید در جواب بگوید: «السّلام علیك ».

(زنجانی :) مسأله در حال نماز، انسان نباید به دیگری سـلام کند ولی باید جواب سـلام مسلمان را بدهد، پس اگر سلام کننده کلمه " سـلام " را بر " علیکم " و مانند آن مقدم داشت ، باید نمازگزار در جواب سـلام را مقدم دارد و به احتیاط مستحب از سـایر جهـات نیز همان طور که او سـلام کرده جواب دهـد؛ مثلا اگر " السـلام " با الف و لام گفته ، او نیز با الف و لام جواب بگوید، و اگر " علیکم " به صیغه جمع گفته ، او نیز به صیغه جمع جواب دهد، و چنانچه سلام کننده " علیکم " و مانند آن را بر سـلام مقدم داشت ، بنا بر احتیاط واجب با صـیغه های سـلامی که در قرآن وارد شده است مانند " سلام علیك " یا " سلام علیکم " به قصد این که از قرآن است جواب بگوید.

[مسأله ۱۱۳۸ انسان باید جواب سلام را بگوید]

مسأله ۱۱۳۸ انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر

عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست . (مکارم :) مسأله در غیر نماز هم جواب سلام واجب ، امّا سلام کردن مستحب ٭است و باید جواب را طوری بگوید که جواب سلام محسوب شود، یعنی اگر زیاد فاصله بیندازد که جواب محسوب نشود کار حرامی کرده و جواب دادن واجب نیست .

[مسأله ۱۱۳۹ باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود]

مسأله ۱۱۳۹ باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کر باشد (۱) چنانچه انسان به طور معمول جواب او را بدهد کافی است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) یا سلام داده و تند رد شود ..

(فاضل :) باید با بلند کردن صدا یا به اشاره ، طوری جواب او را بدهد که بشنود یا متوجّه جواب سلام شود.

(سیستانی :) یا سلام داده و تند رد شود، چنانچه ممکن باشد که جواب سلام را با اشاره یا مانند آن به او بفهماند جواب دادن لازم است و در غیر این صورت جواب دادن در غیر نماز لازم نیست و در نماز جایز نیست .

(مکارم :) یا در محیطی است که سر و صدا زیاد است چنانچه به طور معمول جواب دهد کافی است و احتیاط آن است که با اشاره نیز به او بفهماند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و در صورت امکان با حرکت لب یا اشاره جواب را بفهماند.

(تبریزی :) و چنانچه سلام را در نامه یا با سفارش شخصی بفرستد جواب واجب نیست .

(زنجانی :) مسأله باید جواب سلام را به سلام کننده بفهماند؛ اگر چه سلام کننده کر باشد، و لازم نیست جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، و اگر فهماندن جواب سلام به سلام کننده ممکن نباشد؛ مثل این که شخص به انسان سلام کند و به سرعت رد شود، و یا از تلویزیون یا رادیو سلام بدهد، ظاهراً جواب سلام لازم نیست .

[مسأله ۱۱۴۰ نمازگزار جواب سلام را به قصد جواب بگوید]

مسأله ۱۱۴۰ نمازگزار (۱) جواب سلام را به قصد جواب (۲) بگوید نه به قصد دعا (۳). (۱) (نوری ، فاضل :) باید نمازگزار .. (۲) (اراکی :) به قصد قرآن .. (۳) (مکارم :) به قصد جواب بگوید نه به قصد قرائت بعضی از آیات قرآن و مانند آن .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله جواب سلام را باید به قصد ردّ تحیّت بگوید، نه به قصد قرآن یا دعا.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله واجب نیست که نمازگزار جواب سلام را به قصد دعا بگوید، یعنی از خداوند عالم برای کسی که سلام کرده سلامتی بخواهد. بلکه به قصد تحیّت نیز بگوید، مانعی ندارد.

(سیستانی :) مسأله واجب است نمازگزار جواب سلام را به قصد تحیّت بگوید و مانعی ندارد که قصد دعا هم بکند یعنی از خداوند عالم برای کسی که سلام کرده سلامتی بخواهد.

(زنجانی :) مسأله جواب سلام را باید به قصد تحیت قصد احترام مخاطب بگوید و لازم نیست جواب سلام را به قصد دعا بگوید؛ یعنی از خداوند عالم برای کسی که سلام کرده سلامتی بخواهد.

(بهجت :) مسأله نمازگزار می تواند به جای ردّ سلام ، جواب سلام را به قصد دعا بگوید.

[مسأله ۱۱۴۱ اگر زن یا مرد نامحرم به نمازگزار سلام کند]

مسأله ۱۱۴۱ اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیّز، یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد (۱) به نمازگزار سلام کند (۲)، نمازگزار باید (۳) جواب او را بدهد (۴). (۱) (بهجت :) و به معنای سلام آگاه است ..

(زنجانی :) سلام کند، باید جواب او را بگوید؛ چه در حال نماز باشد، چه نباشد. (۲) (مکارم :) به نمازگزار یا غیر نمازگزار سلام کند جواب او واجب است . (۳) (اراکی ، فاضل :) نمازگزار می تواند .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) ولی در جواب سلام زن باید بگوید: «سلام علیك » و کاف را زیر و زبر و پیش ندهد.

(خوئی ، تبریزی :) ولی در سلام زن که «سلام علیک » بگوید، باید بگوید: «سلام علیک » و کاف را زیر و زبر و پیش ندهد. (تبریزی : و بعید نیست در صورتی که کاف را زن با زبر گفته در جواب با زیر بگوید عیبی نداشته باشد). (فاضل :) و بهتر است به قصد دعا، جواب بگوید.

(سیستانی :) و اگر زن به لفظ «سلام علیك » سلام کند، می تواند در جواب بگوید: «سلام علیكِ » یعنی کاف را زیر دهد.

[مسأله ۱۱۴۲ اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد]

مسأله ۱۱۴۲ اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده ولی نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۱۴۳ اگر کسی به نمازگزار غلط سلام کند]

مسأله ۱۱۴۳ اگر کسی به نمازگزار غلط سلام کند (۱)، به طوری که سلام حساب نشود، جواب او واجب نیست (۲). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید صحیح جواب بگوید. (۲) (بهجت :) مگر این که احتمال بدهد که سلام کننده نمی تواند به طور صحیح سلام دهد، که در این صورت ردّ سلام واجب است .

(فاضل :) و اگر سلام حساب شود جواب او واجب است و بهتر است به قصد دعا جواب بدهد.

(گلپایگـانی ، صـافی ، نوری :) جواب او جایز نیست . (صافی : ولی اگر سـلام حساب شود جواب او واجب است). (مکارم :) جواب او لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر کسـی غلط سـلام کند به طوری که سـلام حساب نشود، جواب او واجب نیست ، و چنانچه در حال نماز باشد جایز نیست .

[مسأله ۱۱۴۴ جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند]

مسأله ۱۱۴۴ جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند (۱) واجب نیست (۲) و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان بگوید «سلام » یا فقط «علیك » (۳).

(۱) (گلپایگانی ، زنجانی :) و جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان در صورتی که ذمّی نباشند واجب نیست و اگر ذمّی باشند بنا بر احتیاط واجب به کلمه «علیک » اکتفا شود. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) و چنانچه در نماز باشد جایز نیست (صافی : و جواب سلام غیر مسلمان در نماز جایز نیست و در غیر حال نماز به گفتن «علیک » اکتفا شود).

(مکارم :) لازم نیست .. (۳) (فاضل :) احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان ِ اهل ذمّه بگوید «علیک ».

(بهجت :) مسأله جواب سلام کسی که مسلمان نیست ، در نماز، واجب نیست بلکه جایز هم نیست ؛ ولی در غیر نماز، ممکن است جواب به لفظ «سلام » فقط یا «علیک » فقط، جایز باشد؛ مگر این که مصلحتی در کار باشد که در این صورت با قصد قرآن خواندن ، «سلام علیک » یا «سلام علیکم » می گوید که در این صورت ، جایز و گاهی خوب و گاهی واجب می شود.

[مسأله ۱۱۴۵ اگر کسی به عده ای سلام کند]

مسأله ۱۱۴۵ اگر کسی به عده ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است ، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است .

[مسأله ۱۱۴۶ اگر کسی به عده ای سلام کند]

مسأله ۱۱۴۶ اگر کسی به عده ای سلام کند و کسی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته ، جواب دهد، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است . این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست

[مسأله ۱۱۴۷ اگر به عده ای سلام کند]

مسأله ۱۱۴۷ اگر به عده ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه ، نباید جواب بدهد، و هم چنین است (۱) اگر بداند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد (۲). اما اگر بداند که قصد او را هم داشته (۳) و دیگری جواب ندهد (۴)، باید جواب او را بگوید (۵). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب .. (۲) (زنجانی :) ولی می داند دیگری جواب سلام را می دهد .. (۳) (بهجت :) یا این که به وسیله ای بفهمد که فقط او را قصد کرده است .. (۴) (زنجانی :) یا شک داشته باشد دیگری جواب سلام را می دهد یا نه ..

(سیستانی :) یا شک کند که جوابش را داده اند یا نه .. (۵) (تبریزی :) و اگر قبل از آن که دیگری جواب دهد او جواب

بگوید، مانعی ندارد.

(بهجت :) ولی اگر بچه ممیّزی هم جواب سلام را داد، بنا بر أظهر از نمازگزار و دیگران ساقط می شود.

[مسأله ۱۱۴۸ سلام کردن مستحب است]

مسأله ۱۱۴۸ سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است (۱) که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند. (۱) (سیستانی :) در روایت است ..

[مسأله ۱۱۴۹ اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند]

مسأله ۱۱۴۹ اگر دو نفر با هم به یکـدیگر سـلام کنند، بر هر یک واجب است جواب سـلام دیگری را بدهد (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید هریک جواب سلام دیگری را بدهد.

(بهجت :) مسأله اگر دو نفر با هم در یک زمان به یکـدیگر سـلام کنند، بر هر یک واجب است جواب سـلام دیگری را بدهد ولی احتمال دارد که بر هیچ کدام ردّ سلام واجب نباشد؛ و اگر کسی به یکی از دو نفر بدون تعیین سلام کرد، جواب سلام بر هیچ کدام واجب نیست و در حال نماز جایز نیست .

[مسأله ۱۱۵۰ در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید]

اشاره

مسأله ۱۱۵۰ در غیر نمـاز، مسـتحب است جواب سـلام را بهتر از سـلام بگویـد مثلًا اگر کسـی گفت «سـلام علیکم » در جواب بگوید «سلام علیکم و رحمه اللّه ». این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۰۲۹ این که بعضی در جواب سلام می گویند: «سلام از من » کافی نیست ، بلکه سلام دیگر از ناحیه شخص مقابل محسوب می شود و هر دو احتیاطاً باید بعد از آن جواب دهند.

هفتم :

اشاره

از مبطلات نماز خنـده با صـدا و عمدی است (۱) و چنانچه سـهواً هم با صـدا بخنـدد یا لبخند بزند نمازش باطل نمی شود (۲). (۱) (مکارم :) و هم چنین خنـده ای که در آن بی اختیار باشـد؛ امّا تبسّم و لبخند نماز را باطل نمی کند هر چند عمدی باشد و نیز خنـده سـهوی به گمـان این که در حـال نمـاز نیست ، موجب باطـل شـدن نماز نمی شود. (زنجانی :) هفتم از مبطلات نماز عمداً با صدا خندیدن است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه سـهواً هم با صدا بخندد به طوری که صورت نماز از بین برود نماز باطل است ولی لبخند نماز را باطل نمی کند.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه عمداً بی صدا یا سهواً با صدا (زنجانی : یا بی صدا) بخندد، ظاهر این است که نمازش اشکال ندارد.

(بهجت :) هفتم : از مبطلات نماز، عمداً قهقهه کردن (یعنی : خندیدن شدید) است ولی اگر سهواً یا از روی فراموشی قهقهه کرد، نمازش صحیح است ؛ و اگر کسی با صدا بخندد ولی به حدِّ قهقهه نرسد، در صورتی که مقدّمه خندیدن به اختیار و توجّه او بوده است ، بنا بر أظهر نمازش باطل است و گر نه باطل بودن نماز، مطابق احتیاط است که نماز را تمام کرده و بعد ، از روی احتیاط دو مرتبه اعاده نماید.

(سیستانی :) هفتم : از مبطلات نماز، خنده با صدا و عمدی است هر چند بدون اختیار باشد اگر مقدّماتش اختیاری باشد، بلکه بنا بر احتیاط واجب هر چند هم مقدّماتش اختیاری نباشد در صورتی که وقت برای اعاده باشد باید آن را اعاده کند ولی اگر عمداً بی صدا یا سهواً با صدا بخندد نمازش اشکال ندارد.

(فاضل :) هفتم از مبطلات نماز خنـده با صـدا و مـدّ و ترجیع است و نیز بنا بر احتیاط واجب هر نوع خنـده با صـدا اگر عمـدی باشـد و چنـانچه سـهواً هم بـا صـدا بخنـدد به طوری که صورت نماز از بین برود نماز باطل است ولی لبخنـد نماز را باطل نمی کند.

(نوری :) هفتم : از مبطلات نماز خنده با صدا و ترجیع است ، و بنا بر احتیاط واجب خنده با صدا اگر چه ترجیع نداشته باشد و عمدی باشد و چنانچه سهواً با صدا بخندد، اگر به هم زننده صورت نماز نباشد یا لبخند بزنند، نمازش باطل نمی شود.

[مسأله ۱۱۵۱اگر برای جلوگیری از صدای خنده تغییر کند]

مسأله ۱۱۵۱ اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند (۱)، مثلًا رنگش سرخ شود، (۲) چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) به حدّی که از صورت نمازگزار خارج شود نمازش باطل است .

(مکارم :) و رنگش سـرخ شود و بدن تکان بخورد به طوری که از شکل نمازگزار بیرون رود، نماز او باطل است و اگر به این حدّ نرسد، اشـکالی ندارد. (۲) (خوئی ، تبریزی :) بهتر آن است که ((زنجـانی :) بنـا بر احتیـاط مسـتحب) نمـازش را دوبـاره بخواند.

(اراکی :) بنـا بر احتیـاط واجب بایـد ((سیسـتانی :) احتیـاط واجب آن است که) نمازش را دوباره بخوانـد. (بهجت :) نمازش صحیح است .

(فاضل :) چنانچه به حدّی باشد که از صورت نمازگزار خارج شود نمازش باطل است .

هشتم :

از مبطلات نماز (۱) آن است که برای کـار دنیا عمـداً با صـدا گریه کنـد، ولی اگر برای کار دنیا بی صـدا گریه کنـد اشـکال ندارد (۲) ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است . (۱) (تبریزی :) بنـا بر احتیاط .. (۲) (اراکی ، گلپایگـانی ، خوئی ، فاضـل ، صـافی ، تـبریزی ، نوری :) احتیـاط واجب آن است که برای کار دنیا بی صدا هم گریه نکند ..

(مکـارم :) هشـتم : گریه کردن . گریه کردن بـا صـدا نماز را باطل می کنـد هر چنـد بی اختیار شود، بلکه بنا بر احتیاط واجب گریه بی صـدا نیز نماز را باطل می کند؛ اینها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد، و الّا نه تنها نماز را باطل نمی کند، بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست .

(سیستانی :) هشتم از مبطلات نماز بنا بر احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا یا بی صدا گریه کند ولی اگر از ترس خدا یا از روی شوق به سوی او یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است بلکه اگر برای خواستن حاجت دنیوی از خدا، از روی تذلّل در پیشگاه او گریه کند اشکال ندارد.

(زنجانی :) مسأله گریه کردن با صدا برای کار دنیا بنا بر مشهور از مبطلات نماز است ولی ظاهراً گریه کردن نماز را باطل نمی کند و بنا بر احتیاط مستحب چنانچه گریه کند، چه با صدا باشد، چه بی صدا، نماز را تمام کرده آن را دوباره بخواند.

نهم :

اشاره

(۱) از مبطلات نماز کاری است که (۲) صورت نماز را به هم بزنـد مثل دست زدن (۳) و به هوا پریدن (۴) و مانند اینها (۵)، (کم باشد یا زیاد (۶)) عمداً باشد یا از روی فراموشی (۷). ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد (۸). (۱) (زنجانی :) هشتم : .. (۲) (بهجت :) کار زیادی است که نزد افراد متشرعه .. (۳) (فاضل :) [و] رقصیدن .. (۴) (صافی :) از روی بازی به هوا پریدن .. (۵) (سیستانی :) مثل به هوا پریدن و مانند آن .. (۶) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، مکارم و تبریزی نیست] (۷) (زنجانی :) و مانند آن ؛ .. (فاضل :) فرقی ندارد .. (۸) (بهجت :) مثل کشتن عقرب ، حفظ کردن مال ، ساکت کردن و بغل کردن و شیر دادن بچه و اشاره کردن با دست ، اشکال ندارد.

[مسأله ۱۱۵۲ اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند]

مسأله ۱۱۵۲ اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگوینـد نماز می خواند (۱) نمـازش باطل می شود (۲). (۱) (فاضل ، مکارم :) که از صورت نمازگزار خارج شود .. (۲) (تبریزی :) بنا بر احتیاط نمازش را بعد از تمام کردن اعاده کند.

[مسأله ۱۱۵۳ اگر در بین نماز کاری انجام دهد]

مسأله ۱۱۵۳ اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه نمازش صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، زنجانی :) جایز است نماز را قطع کرده و اعاده نمایـد و بهتر این است (زنجانی : احتیاط مستحب این است) که نماز را تمام کرده و دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) (صافی : احتیاط این است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند) بلی ، اگر از جهت ندانستن حکم مسأله باشد نماز را رجاءً تمام کند و بعد حکم مسأله را بپرسد و مطابق وظیفه اش عمل نماید. (تبریزی :) بنا بر احتیاط نماز را تمام کرده و دوباره بخواند.

(سیستانی :) باید نماز را اعاده نماید ولی بهتر این است که آن را تمام کرده و سپس اعاده نماید.

دهم :

اشاره

از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است ، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می خواند. (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) (دهم : از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است که) اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می خواند عمداً باشد یا از روی فراموشی نمازش باطل می شود، ولی کسی که می خواهد روزه بگیرد، اگر پیش از اذان صبح نماز مستحبی بخواند و تشنه باشد، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود، در صورتی که آب رو به روی او در دو سه قدمی باشد می تواند در بین نماز آب بیاشامد؛ امّا باید کاری که نماز را باطل می کند مثل رو گرداندن از قبله انجام ندهد.

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (گلپایگانی ، صافی :) مثل پشت کردن به قبله ..

(مکارم :) دهم : خوردن و آشامیدن به گونه ای که صورت نماز را به هم زند، موجب باطل شدن نماز است ولی اگر ذرّاتی از غذا و مانند آن در دهان باشد و موقع نماز فرو برد نماز را باطل نمی کند.

(فاضل :) دهم : از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است ، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که صورت نماز به هم بخورد نمازش باطل می شود حتّی اگر صورت نماز به هم نخورد، بنا بر احتیاط واجب نماز باطل می شود.

[مسأله ۱۱۵۴ احتیاط واجب آن است که در نماز هیچ چیز نخورد]

مسأله ۱۱۵۴ احتیاط واجب آن است که در نماز هیچ چیز نخورد و نیاشامد چه موالات نماز به هم بخورد یا نخورد و چه بگویند نماز می خواند یا نگویند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، صافی :) مسأله اگر به واسطه خوردن یا آشامیدن عمدی ، موالات نماز به هم بخورد، یعنی طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می خواند (خوئی ، صافی ، زنجانی : بنا بر احتیاط واجب) باید نماز را دوباره بخواند.

(اراکی :) مسأله احتیاط واجب آن است که در نماز از خوردن و آشامیدنی که موالات عرفی نماز را به هم می زند اجتناب کند هر چند صورت نماز از بین نرود.

(تبریزی :) مسأله اگر به واسطه عملی موالات نماز به هم بخورد، یعنی طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می خواند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را بعد از تمام کردن دوباره بخواند.

(سیستانی :) مسأله اگر خوردن یا آشامیدن عمدی صورت نماز را هم به هم بزند، بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند خواه موالات نماز به هم بخورد، یعنی طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می خواند یا نه .

(بهجت :) مسأله اگر عمداً در نماز، چیز کمی بخورد به طوری که موالات ، یعنی پی در پی آوردن کارهای نماز به هم نخورد و از صورت نمازگزار هم خارج نشود، بنا بر احتیاط واجب نمازش را باید دو مرتبه بخواند ولی اگر سهواً باشد، بنا بر أظهر نماز صحیح است .

[مسأله ۱۱۵۵ اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده]

مسأله ۱۱۵۵ اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها (۱) مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود (۲). و اگر (۳) قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می کند (۴). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی ، سیستانی :) در دهان یا لای دندانها .. (۲) (نوری :) احتیاط واجب آن است که در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده فرو نبرد .. (۳) (گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی :) و نیز اگر

کمی ..

(بهجت :) و هم چنین اگر .. (نوری :) ولی اگر .. (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی :) نمازش اشکال ندارد.

(بهجت ، نوری :) نمازش (بهجت : بنا بر اظهر) اشکال پیدا نمی کند.

(مکارم :) رجوع کنید به مورد دهم از مبطلات .

(فاضل :) مسأله اگر در بین نماز، ذرّاتی از غذا که در دهان یا لای دندانها باقی مانده فرو ببرد

نماز را باطل نمی کنـد ولی اگر قنـد یا شـکر وماننـد اینها در دهان مانـده باشد و مقصودش آن باشد که در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود، نمازش اشکال پیدا می کند.

یازدهم :

از مبطلات نماز شک در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) در صورتی که نمازگزار در حال شک باقی باشد. (تبریزی : یا مقداری از نماز را در حال شک به جا آورد).

(زنجانی :) مسأله نهم : از مبطلات نماز، شکهایی است که نماز را باطل می کند و تفصیل آنها در مسأله [۱۱۶۵] خواهد آمد.

دوازدهم :

اشاره

از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند (۱)، یا چیزی (۲) را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید (۳). (۱) (مکارم :) مانند کم و زیاد کردن رکوع ، یا دو سجده با هم ، امّا کم و زیاد کردن چیزی که رکن نیست اگر عمدی نباشد اشکالی ندارد و اگر از روی عمد باشد نماز را باطل می کند، مانند کم و زیاد کردن یک سجده . (۲) (بهجت :) از واجبات .. (۳) (صافی :) ولی زیاد شدن سهوی تکبیره الاحرام چنانکه در مسأله [۹۴۲] گفته شد، بنا بر احتیاط، موجب باطل شدن نماز است .

(تبریزی :) و در مسأله [۹۴۲] گذشت که زیادی تکبیره الإحرام سهواً مبطل نماز نیست .

(خوئی :) دوازدهم : از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم نماید. یا چیزی را عمداً در نماز زیاد کند یا رکنی را مثل رکوع یا دو سجده از یک رکعت سهواً زیاد کند و امّا زیاد کردن تکبیره الإحرام سهواً مبطل نماز نیست .

(زنجانی :) دهم : ..

(سیستانی :) یا چیزی از اجزاء نماز را عمداً زیاد کند. و هم چنین اگر رکنی را مثل رکوع یا دو سجده از یک رکعت سهواً زیاد کند نمازش بنا بر احتیاط واجب باطل می شود و امّا زیاد کردن تکبیره الإحرام سهواً مُبطل نماز نیست .

(زنجانی :) یا رکوع را سهواً زیاد کند و حکم زیاد کردن دو سجده از یک رکعت در مسأله [۱۱۰۹] گذشت .

[مسأله ۱۱۵۶ اگر بعد از نماز شک کند]

مسأله ۱۱۵۶ اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می کند انجام داده یا نه ، نمازش صحیح است .

چیزهایی که در نماز مکروه است

[مسأله ۱۱۵۷ مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند]

مسأله ۱۱۵۷ مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند و چشمها را هم بگذارد (۱)، یا به طرف راست و چپ بگرداند و با ریش و دست خود بازی

کنـد و انگشـتها را داخل هم نمایـد و آب دهان بینـدازد و به خطّ قرآن یا کتاب یا خطّ انگشتری نگاه کنـد و نیز مکروه اسـت موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شـنیدن حرف کسـی ساکت شود، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد مکروه می باشد. (۱) (خوئی ، تبریزی :) مکروه است در نمـاز صورت را کمی به طرف راست یـا چپ بگردانـد به طوری که نگویند روی خود را از قبله گردانده و الّا نماز باطل است چنانکه گذشت و نیز مکروه است چشمها را هم بگذارد ..

(سیسـتانی :) مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند به طوری که نتواند مقداری از پشت سـرش را ببیند و اگر بتواند ببیند نمازش باطل است چنانکه گذشت و نیز مکروه است چشمها را هم بگذارد ..

(بهجـت :) مسأله در نمـاز چنـد چیز مکروه اسـت : گردانـدن صـورت به مقـدار کم به طرف راست یـا چپ ، بسـتن چشـمها، گرداندن چشم به چپ و راست ، فوت کردن محل ّسـجده ، خمیازه کشـیدن ، بازی کردن با ریش یا دست ، داخل هم کردن انگشـتان ، آب دهـان انـداختن ، گرفتن آب بینی و خلـط سـینه ، نگـاه کردن به خـطّ قرآن یا کتاب یا خطّ انگشتری و هر کار دیگری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

(مکـارم :) مسـأله هر کـاری که خضوع و خشوع نمـازگزار را از بین بـبرد مکروه است ، از جمله نگـاه کردن به چپ و راسـت (البتّه اگر صـورت را زیـاد برگردانـد نمـاز اشـکال دارد) و بـازی کردن بـا ریش و بـا دست خـود و داخـل کردن انگشـتها در یکـدیگر و انـداختن آب دهـان و نگـاه کردن به خـطّ انگشتر و نیز مکروه است هنگامی که مشـغول حمـد و سوره و ذکر نماز است برای شـنیدن حرف کسـی سـاکت شود، هم چنین مکروه است که انسـان در موقع خواب آلودگی یا وقتی که نیاز به دفع بول و غایط دارد یا لباس تنگ در تن کرده نماز بخواند.

[مسأله ۱۱۵۸ موقعی که انسان خوابش می آید]

مسأله ۱۱۵۸ مـوقعی که انسـان خوابش می آیـد و نیز موقع خودداری کردن از بول و غایـط، مکروه است نمـاز بخوانـد. (و هم چنین پوشـیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه می باشد (۱)) و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصّـل گفته شـده است . (۱) [قسـمت داخل پرانتز در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (] مکـارم :) رجوع کنیـد به ذیـل مسـأله (۱۱۵۷).

مواردی که می شود نماز واجب را شکست

[مسأله ۱۱۵۹ شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است]

مسأله ۱۱۵۹ شکسـتن نمـاز واجب از روی اختیار حرام است (۱)، ولی برای حفـظ مال (۲) و جلوگیری از ضـرر مالی یا بـدنی مانعی ندارد (۳). (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب حرام است ..

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب جایز نیست .. (۲) (فاضل :) حفظ جان و مال .. (۳) (بهجت :) و هم چنین شکستن نماز مستحبّی از روی اختیار، مانعی ندارد.

(سیستانی :) بلکه برای هر غرضی دینی یا دنیوی که مورد اهتمام نماز گزار است مانعی ندارد.

(مکـارم :) مسـأله شکسـتن نمـاز واجب عمـداً، بنا بر احتیاط جایز نیست ولی برای جلوگیری کردن از ضـرر قابل توجّه مالی یا بدنی مانعی ندارد.

[مسأله ۱۱۶۰ اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ جان او واجب است]

مسأله ۱۱۶۰ اگر حفظ جان خود انسان یا کسـی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می باشد، بـدون شکسـتن نماز ممکن نباشد باید نماز را بشـکند (۱) ولی شکسـتن نمـاز برای مـالی کـه اهمّیّت نـدارد مکروه است . (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۱۶۱ اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد]

مسأله ۱۱۶۱ اگر در وسـعت وقت مشـغول نماز باشـد و طلبکار طلب خود را (۱) از او مطالبه کنـد، چنانچه بتوانـد در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکسـتن نماز، دادن طلب او ممکن نیست باید نماز را بشـکند و طلب او را بدهد، بعد نماز را بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) که زمانش رسیده ..

(مکارم :) مسأله هر گاه مشـغول نماز باشـد و طلبکاری طلب خود را مطالبه کنـد چنانچه بتوانـد در بین نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد، بهتر است در همان حال بپردازد، ولی اگر بدون شکسـتن نماز ممکن نیست ، صبر کند تا نماز تمام شود و این مقدار تأخیر، منافات با فوریّت ادای دین ندارد مگر این که ضرورت خاصّی داشته باشد، مثل این که همراهان و هم سفران طلبکار می روند و او به زحمت می افتد.

[مسأله ۱۱۶۲ اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است]

مسأله ۱۱۶۲ اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است (۱)، چنانچه وقت تنگ باشد (۲)، باید نماز را تمام کند و اگر وقت (۳) وسـعت دارد و تطهیر مسـجد نماز را به هم نمی زنـد بایـد در بین نماز تطهیر کند، بعد بقیه نماز را بخواند و اگر نماز را به هم می زند (۴)، باید نماز را بشـکند و مسـجد را تطهیر نماید بعد نماز را بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیسـت (۱) (اراکی :) باید نماز را تمام کند و بعد از آن مسـجد را تطهیر نماید و نباید نماز را قطع کند مگر آن که وقت وسعت داشته باشـد و طوری است که بعد از نماز قدرت بر تطهیر آن ندارد، که واجب است نماز را قطع کند و مسـجد را تطهیر نماید و بعد از آن نماز را اعاده نماید.

(مکارم :) و تطهیر مسـجد نماز را به هم نزنـد، آن را تطهیر کند، در غیر این صورت بعد از نماز اقدام به تطهیر مسـجد نماید و احتیاط آن است که نماز خود را طولانی نکند. (۲) (زنجانی :) به گونه ای که نمی تواند با به هم زدن نماز و تطهیر مسجد، یا

بـا تطهیر آن در بین نمـاز؛ حتی یک رکعت از نماز را هم در وقت به جا آورد .. (۳) (زنجانی :) اگر وقت به این مقـدار .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی که بعـد از نماز تطهیر مسـجد ممکن باشد شکسـتن نماز جایز نیست و اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن نباشد یا تأخیر تا بعد از نماز هتک مسجد باشد ..

(خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی :) در صورتی که بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز برای تطهیر جایز است و اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن نباشد.

[مسأله ۱۱۶۳ کسی که باید نماز را بشکند]

مسأله ۱۱۶۳ کسی که باید نماز را بشکند، اگر نماز را تمام کند معصیت کرده ، ولی نماز او صحیح است (۱) اگر چه احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند. (۱) (بهجت :) صحیح بودن نمازش خالی از وجه نیست . [پایان مسأله] (مکارم :) نماز او نیز اشکال دارد. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۱۶۴ اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود]

مسأله ۱۱۶۴ اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود (۱) یادش بیاید که اذان یا اقامه (۲) را فراموش کرده ، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند (۳). (۱) (سیستانی :) اگر پیش از قرائت یا پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، تبریزی ، صافی :) اذان و اقامه ..

(سیستانی :) اذان و اقامه یا تنها اقامه .. (۳) (گلپایگانی :) و امّا اگر فقط اذان را فراموش کرده جایز نیست نماز را بشکند.

(خوئی ، تبریزی ، صافی :) و هم چنین است اگر پیش از قرائت یادش بیاید که اقامه را فراموش کرده است .

(سیستانی :) بلکه اگر پیش از تمام شدن نماز یادش بیاید که آنها را فراموش کرده مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند. (اراکی :) می تواند برای گفتن آنها نماز را بشکند.

(بهجت :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۷۷۰)، صفحه (۵۲۷).

(زنجانی :) مسأله اگر اذان و اقامه را فراموش کرده باشد و قبل از رکوع یادش بیاید مستحب است نماز را شکسته ، اذان و اقامه بگوید و نماز را دوباره بخواند، و اگر بعد از رکوع یادش بیاید بنا بر احتیاط نمی تواند نمازش را بشکند، و اگر تنها اذان را فراموش کرده باشد، در هیچ جای نماز نمی تواند نمازش را بشکند، و اگر تنها اقامه را فراموش کرده باشد، در هر جای نماز باشد می تواند نمازش را بشکند و اقامه گفته ، نمازش را دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله اگر پیش از رکوع متوجّه شود اذان و اقامه را فراموش کرده چنانچه وقت وسعت داشته باشد، بهتر است نماز را بشکند و اذان و اقامه را بگوید و دوباره شروع کند.

مبطلات نماز (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۵۰۱ ذکر شهادت به ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام در تشهد]

س ۵۰۱: آیا نماز با ذکر شهادت به ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام در تشهد، باطل می شود؟

ج : نماز و از جمله تشهد را همان طور که مراجع عظام شیعه (کثر الله أمثالهم) در رساله های عملیّه بیان نموده اند بخوانید و چیزی بر آن اضافه نکنید هر چند که کلام حق و صحیحی باشد.

[س ۵۰۲ شخصی در عبادات خود مبتلا به ریاست]

س ۵۰۲: شخصی در عبادات خود مبتلاـ به ریاست و در حال حاضر با نفس خود مبارزه می کند، آیا این عمل وی نیز ریا محسوب می شود؟ چگونه می توان از ریا دوری کرد؟

ج : هر عملی که برای خدا انجام گیرد از جمله مبارزه با ریا، ریا محسوب نمی شود و برای

رهایی از ریا باید در عظمت خداوند متعال و ضعف و احتیاج دیگران به خداوند تفکر نماید و هم چنین در بندگی خود و دیگر مردم برای خداوند تبارک و تعالی اندیشه کند.

[س ۵۰۳ هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت]

س ۵۰۳: هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت ، بعد از قرائت سوره حمد توسط امام جماعت ، کلمه «آمین » با صدای بلند و به صورت دسته جمعی گفته می شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج : اگر مقتضای تقیه ، گفتن آمین باشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست .

[س ۵۰۴ گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم]

س ۵۰۴: گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم که در حال انجام کار خطرناکی است ، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودك یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او تکان دهیم ، آن نماز چه حکمی دارد؟

ج : اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران ، موجب خروج از هیئت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، و حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر مختصر و به نحوی باشد که با استقرار و آرامش و یا هیئت نماز منافات نداشته باشد، موجب بطلان نماز نمی گردد.

[س ۵۰۵ آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری ِ حرف خنده دار]

س ۵۰۵: آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری ِ حرف خنده دار یا پیدایش حالت خنده آوری بخندد، نمازش باطل می شود یا خیر؟

ج : اگر خنده با صدا (یعنی قهقهه) باشد، نماز باطل است .

[س ۵۰۶ آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز]

س ۵۰۶: آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز، موجب بطلان آن می گردد، و در صورتی که نماز را باطل کند، آیا معصیت و گناه محسوب می شود؟

ج : کراهت دارد ولی نماز را باطل نمی کند.

[س ۵۰۷ بستن چشمها در نماز]

س ۵۰۷: آیا بستن چشمها در نماز به این دلیل که باز بودن آنها فکر انسان را از نماز باز می دارد، جایز است ؟

ج : بستن چشم ها در نماز مانع شرعی ندارد، گر چه مکروه می باشد.

[س ۵۰۸ من گاهی در هنگام نماز]

س ۵۰۸: من گـاهی در هنگام نماز به یاد حالت های ایمانی و معنوی که در دوران جنگ با نظام کافر بعثی داشـتم می افتم که باعث افزایش حالت خشوع من می شود، آیا این کار نماز را باطل می کند؟

ج : به صحت نماز ضرر نمی زند.

[س ۵۰۹ ادامه قهر و دشمنی بین دو نفر]

س ۵۰۹: آیا ادامه قهر و دشمنی بین دو نفر، تا مدت سه روز موجب بطلان نماز و روزه آنها می گردد؟

ج : وقوع دشمنی و قهر بین دو نفر، نماز و روزه را باطل نمی کند، گر چه این عمل شرعاً مذموم است .

شکیّات

[شکیات نماز از رساله حضرت امام]

اشاره

شکیات نماز (۲۳) قسم است : هشت قسم آن (۱) شـکهایی است که نماز را باطل می کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نُه قسم دیگر آن صحیح است . (۱) (سیستانی :) شکیّات نماز ۲۲ قسم است : هفت قسم آن ..

(زنجانی :) شکیات نماز ۲۵ قسم است : ده قسم آن ..

شکهای باطل

[مسأله ۱۱۶۵ شکهایی که نماز را باطل می کند]

مسأله ۱۱۶۵ شکهایی که نماز را باطل می کند از این قرار است : اول : شک در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی (۱) مثل نماز صبح و نماز مسافر (۲)، ولی شک در شماره رکعتهای نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز را باطل نمی کند (۳). دوم : شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی . سوم : آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر. چهارم : آن که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم (۴) شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر (۵) تفصیل این مسأله در صورت چهارم مسأله ۱۱۹۹ مراجعه شود (۶). پنجم : شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج (۷). ششم : (۸) شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش . هفتم : شک در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است (۹). هشتم : (۱۰) شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش (۱۱)، چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن (۱۲). ولی اگر بعد از سجده دوم شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش برای او پیش آید احتیاط مستحب (۱۳) آن است که بنا بر چهار بگذارد (۱۴) و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند. (۱) (خوئی ، سیستانی :) دو رکعتی ِواجب .. (۲) (زنجانی :) و نیز بنا بر احتیاط واجب شک در نماز احتیاط چنانچه در مسأله [۱۲۲۹] خواهد آمد ولی شک در شماره رکعتهای نماز مستحب نماز را باطل نمی کند [پایان مورد اول]. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) شک در شماره رکعتهای نماز مستحب (گلپایگانی ، صافی : نماز مستحب ِ دو رکعتی) و نماز احتیاط، نماز را باطل نمی کند ..

(مکارم :) شک در نمازهای مستحب دو رکعتی نماز را باطل نمی کند .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) پیش از تمام شدن ذکر (تبریزی : ذکر واجب) سجده دوّم ..

(سیستانی :) پیش از داخل شدن در سجده دوّم .. (۵) (خویی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی :) [پایان مورد چهارم] (بهجت ، نوری :) که در این صورت نمازش باطل است و باید اعاده کند، و بهتر آن است که عمل به حکم شک کرده و نماز را اعاده نماید [پایان مورد چهارم] (۶) (زنجانی :) تفصیل این امر در ذیل صورت چهارم از مسأله [۱۱۹۹] خواهد آمد ..

(مکارم :) چهارم : شک در نمازهای چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد (مانند شک دو و سه قبل از اتمام دو سجده) .. (۷) (زنجانی :) [و] ششم : شک بین سه و پنج پس از رکوع .. (۸) (زنجانی :) هفتم : .. (۹) [مورد هفتم در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] [مورد هفتم در رساله آیت اللّه زنجانی نیست و به جای آن آمده است : هشتم : شک بین

چهار و پنج پس از رکوع و قبل از تمام شدن دو سجده با تفصیلی که در ذیل صورت چهارم از مسأله [۱۱۹۹] خواهد آمد] (۱۰) (زنجانی :) نهم : .. (سیستانی :) هفتم : .. (۱۱) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) به تفصیلی که خواهد آمد. [پایان مسأله] (تبریزی :) و شک بین چهار و پنج بعد از رکوع و قبل از تمام شدن سجدتین . [پایان مسأله] (زنجانی :) [و] دهم : شکی که سه طرف یا بیشتر داشته باشد، مگر شک بین دو و سه و چهار پس از تمام شدن دو سجده (البته در شک بین سه و چهار و پنج قبل از رکوع باید بنشیند و در نتیجه به شک بین دو و سه و چهار پس از تمام شدن دو سجده باز می گردد). [پایان مسأله] (۱۲) (اراکی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۱۳) (نوری :) احتیاط واجب .. (۱۴) (مکارم :) هشتم : شک بین چهار و شش یا بیشتر، ولی در اینجا احتیاط واجب آن است که مانند شک چهار و پنج عمل کند، یعنی بنا را بر چهار بگذارد ..

[مسأله ۱۱۶۶ اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید]

مسأله ۱۱۶۶ اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید (۱)، نمی تواند نماز را به هم بزند (۲)، ولی اگر به قدری فکر کند که شک پا بر جا شود به هم زدن نماز مانعی ندارد. (۱) (گلپایگانی :) و به قدری فکر کند که از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود می تواند نماز را به هم بزند و از سر بگیرد. (۲) (زنجانی :) بلکه باید قدری فکر کند که شکش پابرجا شود، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید به قدری فکر کند که صورت نماز بهم بخورد، یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بهتر آن است که (سیستانی : به همین اندازه که شک او پابرجا شد) نماز را به هم نزند بلکه به قدری فکر کند که صورت نماز به هم بخورد، یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

(بهجت :) بنا بر احوط نمی تواند نماز را بهم بزند، بلکه باید ابتدا قدری فکر کند تا علم یا گمان به یک طرف پیدا کند، ولی اگر بعد از فکر کردن هم ، شک او از بین نرود، به هم زدن نماز بنا بر اظهر مانعی ندارد و لازم نیست آن قدر صبر کند تا خود، از حالت نمازگزار بیرون رود.

(صافی :) باید نماز را بهم نزند و به قدری فکر کند که یا از صورت نمازگزار خارج شود، یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

(فاضل :) مسأله هر گاه برای نمازگزار شک پیدا شود باید مقداری فکر کند تا شاید شک او برطرف شود لذا اگر شک او برطرف شد و نسبت به یک طرف یقین یا گمان پیدا کرد و بنا بر آن گذاشته و نماز را ادامه دهد و نمازش صحیح است و اگر با مقداری فکر کردن چیزی یادش نیامد و به شک خود باقی ماند و اصطلاحاً شک مستقر شد باید به وظیفه شاک عمل کند و اگر یکی از شکهای مبطل مستقر شد نماز را قطع کند و در اینجا قطع نماز حرام نیست .

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

[مسأله ۱۱۶۷ شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد]

مسأله ۱۱۶۷ شکهایی که نبایـد به آنهـا اعتنـا کرد از این قرار است : اول : شک در چیزی که محل به جا آوردن آن ، گذشـته است (۱) مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه . دوم : شک بعد از سـلام نماز. سوم : شک بعد از گذشـتن وقت نمـاز. چهارم : شک کثیر الشک یعنی کسـی که زیاد شک می کنـد (۲). پنجم : شـک امام در شـماره رکعتهای نماز در صورتی که مأموم شـماره آنها را بدانـد و هم چنین شک مأموم در صورتی که امام شـماره رکعتهای نماز را بداند (۳). ششم : شـک در نماز مسـتحبی (۴). (۱) (گلپایگـانی ، فاضـل :) [پایـان مورد اوّل] (۲) (گلپایگـانی ، زنجـانی :) چهـارم : شک کثیر الشـک (زنجانی : یعنی کسـی که در هر سه نماز لا اقل یک بار شک می کنـد) .. (۳) (گلپایگـانی ، مکارم ، صافی ، فاضل :) پنجم : شک ِامام و مأموم (صافی : به تفصیلی که ذکر خواهد شد) .. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و نماز احتیاط.

(بهجت :) و تفصیل هر یک از این شش مورد در مسائل بعدی بیان خواهد شد.

۱ شک در چیزی که محل آن گذشته است

[مسأله ۱۱۶۸ اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه]

مسأله ۱۱۶۸ اگر در بین نماز شک کنـد که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه ، مثلًا شک کنـد که حمـد خوانده یا نه ، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده (۱) باید آن چه را که در انجام آن شک کرده به جا آورد (۲) و اگر مشـغول کاری که باید (۳) بعـد از آن انجام دهد شده (۴) به شک خود اعتنا نکنـد. (۱) (فاضل :) یا مسـتحب است انجام دهد نشده .. (نوری :) مثلًا به رکوع نرفته است ..

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده ..

(زنجانی :) چنانچه مشغول کاری که بعد از آن انجام می گیرد نشده ..

(سیسـتانی :) چنانچه مشـغول کاری باشد که شرعاً نباید در صورتی که آن کار قبلی را عمداً ترک کرده است مشغول این کار شود مثلًا در حال خواندن سوره شک کند حمد خوانده یا نه ، نباید به شک خود اعتنا کند و در غیر این صورت باید آن چه را که در انجـام آن شک کرده به جا آورد. (۲) (نوری :) یعنی حمد را بخواند .. (۳) (فاضل :) یا مستحب است .. (۴) (خوئی :) مثلًا در حال خواندن سوره شک کند حمد خوانده یا نه ..

(نوری :) مثلًا به رکوع رفته است ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر مشغول کاری که بعد از آن است شده ..

(زنجانی :) اگر مشغول کاری که بعد از آن انجام می گیرد شده ..

(مکارم :) مسأله هر گاه در اثناءِ نماز بعد از گذشتن محل ّچیزی ، شک کند آن را به جا آورده یا نه ؛ مثل

این که بعـد از داخل شـدن در رکوع ، شک در حمـد و سوره کنـد و یا بعـد از ورود در سـجده شک در رکوع کند، در هیچ یک از این موارد نباید به شکّ خود اعتنا کند، خواه جزء بعدی رکن باشد یا غیر رکن .

[مسأله ۱۱۶۹ اگر در بین خواندن آیه ای شک کند]

مسأله ۱۱۶۹ اگر در بین خوانـدن آیه ای شک کنـد که آیه پیش را خوانده یا نه ، یا وقتی آخر آیه را می خواند شک کند که اول آن را خوانـده یـا نه ، بایـد (۱) به شـک خود اعتنا نکنـد. (۱) [کلمه «بایـد» در رسـاله آیـات عظـام : گلپایگانی ، صافی و تبریزی نیست] (مکـارم :) مسأله هر گاه در آیات حمـد یا سوره شک کنـد، مثلًا موقعی که وارد آیه دوّم شـده شک کنـد آیه اوّل را خوانـده یا نه ؛ یا وارد کلمه ای از یک آیه شـده ، شک کند کلمه قبل را خوانده ؛ باید بنا بر احتیاط برگردد و آن را به قصد قربت به جا آورد و بعد دنبال آن را ادامه دهد.

[مسأله ۱۱۷۰ اگر بعد از رکوع یا سجود شک کند]

مسأله ۱۱۷۰ اگر بعد از رکوع یا سـجود شک کند که کارهای واجب آن مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکنـد. (مکارم :) مسأله هر گاه بعد از رکوع یا سـجود بداند ذکر واجب را گفته امّا نمی داند با شـرایط و به طور صحیح انجام داده یا نه ، به شکّ خود اعتنا نکند.

[مسأله ۱۱۷۱ اگر در حالی که به سجده می رود]

مسأله ۱۱۷۱ اگر در حالی که به سجده می رود شک کند که رکوع کرده یا نه (۱)، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه ، به شک خود اعتنا نکنـد (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی ، نوری :) لازم است برگشـته و بایستد و رکوع را به جا آورد و اگر شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه ، (تبریزی : باید) به شک خود اعتنا نکند.

(بهجت :) بنـا بر احتیـاط بایـد برگردد و رکوع را انجام دهـد و اگر شک کنـد که بعـد از رکوع ایسـتاده یا نه بایـد آن را بنا بر احتیاط انجام دهد.

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که برگردد و به جا آورد. [پایان مسأله] (۲) (سیستانی :) باید به شک خود اعتنا نکند.

[مسأله ۱۱۷۲ اگر در حال برخاستن شک کند]

مسأله ۱۱۷۲ اگر در حال برخاستن شک کند که تشهد را (۱) به جا آورده یا نه (۲)، باید اعتنا نکند (۳) ولی اگر شک کند که

سجده را به جا آورده یا نه ، باید بر گردد و به جا آورد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) سجده یا تشهد را .. (۲) (بهجت :) یا اگر شک کند که سجده را به جا آورده یا نه ..

(نوری :) و هم چنین در حال برخاستن اگر شک کند که سجده را به جا آورده یا نه ، باید بر گردد و به جا آورد.

(زنجانی :) باید بر گردد و به جا آورد. هم چنین است اگر در حال برخاستن از رکعت اول و سوم شک کند که سجده را به جا آورده یا نه . ولی اگر بعد از ایستادن شک کند که سجده را به جا آورده یا نه ، اعتنا نکند. (۳) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (گلپایگانی ، صافی :) احتیاطاً به قصد رجاء به جا آورد ..

(خوئی ، تبریزی :) باید برگردد و به جا آورد.

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که برگردد و به جا آورد. [پایان مسأله] (بهجت :) بنا بر احتیاط بایـد برگردد و به جا آورد بلکه در دوّمی وجوب برگشتن أظهر است .

[مسأله ۱۱۷۳ کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند]

مسأله ۱۱۷۳ کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می خواند، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند (۱) و اگر پیش از آن که مشغول حمد یا تسبیحات شود، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه باید به جا آورد. (۱) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۱۷۴ اگر شک کند که یکی از رکنهای نماز را به جا آورده یا نه]

مسأله ۱۱۷۴ اگر شک کنـد که یکی از رکنهای نماز را به جا آورده یا نه ، چنانچه مشـغول کاری که بعـد از آن است نشـده ، باید آن را به جا آورد، مثلًا اگر پیش از خواندن تشهد شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه ، باید به جا آورد و چنانچه بعـد یادش بیاید که آن رکن را به جا آورده بوده ، چون رکن زیاد شده نمازش باطل است (۱). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم .

(مکارم :) مسأله هر گاه قبل از گذشـتن محل، شک کنـد و برگردد و به جا آورد، بعد معلوم شود آن جزء را انجام داده بود و بار دوّم اضافه بوده ، اگر رکن باشد نمازش باطل می شود و اگر رکن نباشد صحیح است .

(زنجانی :) مسأله اگر قبل از سـجده شک کنـد که رکوع نماز را به جا آورده یا نه ، و آن را به جا آورد و بعـد یادش بیاید که رکوع کرده بود؛ چون رکوع زیاد شـده ، نمازش باطل است ، و اگر پیش از خوانـدن تشـهد شک کنـد که دو سـجده را به جا آورده یـا نه ، و آنهـا را به جـا آورد و بعـد یـادش بیایـد که دو سـجده انجام داده بوده ، دو سـجده زیاد کرده که حکم آن در مسأله [۱۱۰۹] گذشت .

[مسأله ۱۱۷۵ اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه]

مسأله ۱۱۷۵ اگر شک کنـد عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه ، چنانچه مشـغول کاری که بعد از آن است نشده ، باید آن را به جا آورد؛ مثلًا اگر پیش از خوانـدن سوره شک کنـد که حمد را خوانده یا نه ، باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یـادش بیایـد که آن را به جـا آورده بوده چون رکن زیاد نشـده ، نماز صـحیح است . (مکارم :) رجوع کنیـد به ذیل مسأله

.(۱۱۷۴)

(زنجانی :) مسأله اگر شک کنـد عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه ، و از آنجا که مشـغول کار بعـد از آن نشده آن را به جا بیاورد؛ مثلًا پیش از خوانـدن سوره شک کند که حمد را خوانده یا نه ، و حمد را بخواند، اگر چه بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را به جا آورده بوده ، نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۱۷۶ اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه]

مسأله ۱۱۷۶ اگر شک کنـد که رکنی را به جا آورده یا نه ، چنانچه مشـغول تشـهد است اگر شک کند که دو سـجده را به جا آورده یا نه (۱)، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را به جا نیاورده (۲)، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است (۳) مثلًا اگر پیش از رکوع رکعت

بعد یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده ، باید به جا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، نمازش باطل است (۴). (۱) (فاضل :) اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه ، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده ، نباید به شک خود اعتنا کند مثلًا اگر مشغول تشهد است و شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه ، مثلًا مشغول تشهد است اگر شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و به شک خود اعتنا نکند و بعداً یادش بیاید که آن رکن را به جا نیاورده .. (۳) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (۴) (سیستانی :) چنانکه گفته شد.

(مکارم :) مسأله هر گاه بعد از گذشتن محل ِ شک کند و طبق دستور، اعتنا نکرده و بگذرد، بعد متوجّه شود که آن عمل مشکوک را انجام نداده ، هر گاه وارد رکن بعد نشده ، باید برگردد و به جا آورد و اگر وارد رکن بعد شده ، نمازش صحیح است ، مگر آن که جزءِ مشکوکی که ترک شده رکن باشد.

(زنجانی :) مسأله اگر بعد از گذشتن محل رکوع و سجده شک کند که آن را به جا آورده یا نه ، و به شک خود اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده ، باید به دستوری که برای فراموشی رکوع و سجده در مسأله [۱۱۰۹] گفته شد عمل کند.

[مسأله ۱۱۷۷ اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه]

مسأله ۱۱۷۷ اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده ، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلًا موقعی که مشغول خواندن سوره است ، اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه ، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده ، باید به جا آورد (۱) و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است . بنا بر این اگر مثلًا در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده ، باید بخواند (۲) و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است (۳). (۱) (سیستانی :) باید آن را و آن چه بعد از آن است به جا آورد .. (۲) (سیستانی :) باید حمد و سوره را بخواند .. (۳) (فاضل :) ولی بنا بر احتیاط مستحب دو سجده سهو برای حمد که نخوانده به جا آورد و اگر واجبی که نخوانده تشهّد یا سجده باشد قضای آن را واجب است انجام دهد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱۷۶.

(زنجانی :) مسأله اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه ، و از آنجا که مشغول کار بعد از آن شده به شک خود اعتنا نکند؛ مثلًا موقعی که مشغول خواندن سوره است ، شک کند که حمد را خوانده یا نه ، و به شک خود اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده ، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است ، بنا بر این اگر مثلًا در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده ، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نمازش

صحیح است ، ولی اگر در تشهد آخر نماز متوجه شود که سجده آخر نماز را فراموش کرده ، به احتیاط واجب نماز را تمام کرده و پس از سلام سجده را قضا نموده و نماز را نیز دوباره بخواند.

[مسأله ۱۱۷۸ اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه]

اشاره

مسأله ۱۱۷۸ اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه یا شک کند درست گفته یا نه چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می زند از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند (۱) و اگر پیش از اینها شک کند، باید سلام را بگوید. امّا اگر در صحیح گفتن سلام شک کند در هر صورت باید به شک خود اعتنا ننماید چه مشغول کار دیگر شده باشد یا نه . (۱) (مکارم :) چنانچه وارد نماز دیگری شده ، یا مشغول کاری است که نماز را به هم می زند، و از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینهاست ، باید برگردد و سلام را بگوید.

(فاضل :) چنانچه مشغول تعقیب نماز یا نماز دیگر شده یا مشغول انجام کاری شده که نمازگزار را از حال نماز بیرون می برد باید به شک خود اعتنا نکند و اگر قبل از اینها در صحیح گفتن سلام شک کند نیز بنا بر احتیاط واجب یک بار دیگر سلام را تکرار کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه ، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده یا بواسطه انجام کاری که نماز را بهم می زند از حال نماز گزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شک کند باید سلام را بگوید و اگر شک کند سلام نماز را درست گفته یا نه به شک خود اعتنا نکند، هر چند وارد عمل دیگر نشده باشد.

(خوئی ، تبریزی :) چنانچه مشغول نماز دیگر شده ..

(سیستانی :) چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده یا چیزی که منافی نماز است انجام داده است ..

(خوئی ، تبریزی :) اگر چه مشغول تعقیب باشد ..

(سیستانی :) در هر جایی که باشد.

(خوئی ، تبریزی :) هر چند مشغول تعقیب هم نشده باشد.

(بهجت :) مسأله اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه ، در صورتی که مشغول تعقیب نماز شده یا به سبب انجام کاری که نماز را بهم می زند از حال نمازگزار خارج شده ، به شک خود اعتنا نمی کند، و در صورت دوّم در بعضی از موارد احتیاط مستحب در اعاده است ، و اگر پیش از اینها شک کند باید سلام را بگوید، و امّا اگر در صحیح بودن سلام شک کند، چه مشغول کار دیگر شده باشد یا نه ، باید به شک خود اعتنا ننماید.

(زنجانی :) مسأله اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه ، چنانچه مشغول کاری که محل آن پس از نماز است ، شده باشد؛ مثلًا مشغول تعقیبات یا نماز دیگر شده باشد، یا به جهت انجام کاری که نماز را بهم می زند از حالت نمازگزار بیرون رفته ، باید به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر بداند سلام نماز را گفته و شک کند صحیح گفته یا نه ، بنا بر احتیاط واجب سلام نماز را دوباره بگوید و اگر پیش از اینها شک کند که سلام را داده یا آن را صحیح گفته یا نه ، باید سلام نماز را بخواند.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۹۶۶ اگر در صحیح بودن چیزی شک کند، مثلًا تکبیره الإحرام گفت یا حمد خواند و یا آیه ای را خواند و شک کرد صحیح گفته یا نه ، نباید به شکّ خود اعتنا کند.

(بهجت :) مسأله ۱۹۶۷ اگر کسی در نماز شک کرد که ظهر را قصد کرده یا عصر را ، و می داند که قبلًا ظهر را نخوانده یا شک در خواندن آن دارد، پس اگر در وقت مختص به ظهر یا وقت مشترک است ، قصد نماز ظهر را می کند و اگر در وقت مختصّ به عصر است ، اگر تا حال ، قصد انجام تکلیف فعلی را داشته ، قصد نماز عصر می نماید و آن را تمام می کند؛ و اگر می داند که نماز ظهر را قبلًا خوانده ، پس با قصد انجام تکلیف فعلی ، قصد نماز عصر می کند و آن را تمام می کند؛ چه در وقت مشترک باشد و چه در وقت مختص به عصر.

۲ شک بعد از سلام

[مسأله ۱۱۷۹ اگر بعد از سلام نماز شک کند]

اشاره

مسأله ۱۱۷۹ اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه (۱)، مثلًا شک کند رکوع کرده یا نه ، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت ، به شک خود اعتنا نکند (۲)؛ ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد، مثلًا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت ، نمازش باطل است .
(۱) (مکارم :) خواه شکّ مربوط به عدد رکعتهای نماز باشد، یا شرایط نماز مانند قبله و طهارت و یا اجزاءِ نماز مانند رکوع و سجود، به شکّ خود اعتنا نمی کند. (۲) (زنجانی :) ولی اگر یقین داشته باشد که نمازش کامل نیست و شک وی از شکهایی باشد که در وقت نماز، آن را باطل می کند، مثلًا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت ، نمازش باطل است ، ولی اگر مثلًا بعد از سلام نماز چهار رکعتی قبل از آن که از حالت نمازگزار بیرون رود شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، نمازش باطل نیست ، بلکه بنا را بر سه گذاشته و پس از خواندن یک رکعت دیگر سلام می دهد و نماز احتیاط را که به احتیاط واجب یک رکعت ایستاده است می خواند و به جهت سلام بی جا دو سجده سهو به جا می آورد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۹۶۹ اگر در نماز، بین دو و چهار شک کرد و بنا را بر چهار گـذاشت و بعـد از سـلام ، شک او به شک بین سه و چهار تبـدیل شـد، یا آن که بین دو و سه و چهار شک کرد و بنا را بر چهار گـذاشت و بعد از سـلام ، شک او به شک بین سه و چهار تبدیل شد، أحوط این است که به وظیفه شک دوّم عمل کند؛ و اگر بین دو و چهار شک کرد و بنا را بر چهار گـذاشت و بعـد از سـلام ، شـک او به شک بین دو و سه تبـدیل شـد، علاوه بر انجام وظیفه مربوط به شک بین دو و سه ، دو سجده سهو نیز برای سلام بی جا، به جا می آورد.

(بهجت :) مسأله ۱۹۷۰ اگر بعـد از نماز شک کند که نمازی که خوانده ، به قصد ظهر خوانده یا عصـر؛ اگر مسافر نیست ، یک نماز چهار رکعتی و اگر مسافر است ، یک نماز دو رکعتی به قصـد ما فی الـذّمّه بخوانـد، کافی است ؛ و اگر شک کرد نمازی که خوانده ، واجب بوده یا مستحب ، باید نماز واجب را بخواند.

۳ شک بعد از وقت

[مسأله ۱۱۸۰ اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند]

مسأله ۱۱۸۰ اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه ، یا گمان کند که نخوانده ، خواندن آن لازم نیست (۱)، ولی اگر پیش از گذشتن وقت ، شک کند که نماز خوانده یا نه ، یا گمان کند که نخوانده ، باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده ، باید آن را به جا آورد (۲). (۱) (بهجت :) مگر گمانی که در حدّ اطمینان باشد؛ ..

(زنجانی :) مگر اطمینان داشته باشد نخوانده .. (فاضل :) به شک خود اعتنا نکند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، صافی ، زنجانی :) اگر پیش از گذشتن وقت ، شک کند که نماز خوانده یا نه ، اگر چه گمان کند که خوانده است ، باید آن نماز را بخواند.

[مسأله ۱۱۸۱ اگر بعد از گذشتن وقت شک کند]

مسأله ۱۱۸۱ اگر بعد از گذشتن وقت شک کند که نماز را درست خوانده یا نه ، به شک خود اعتنا نکند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۱۱۸۲ اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر]

مسأله ۱۱۸۲ اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر باید (۱) چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (فاضل :) (ما فی الذّمّه) بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز نخوانده و نمی داند که نماز ظهر است یا نماز عصر، باید چهار رکعت نماز به قصد ما فی الذمه بخواند، و اگر در غیر وقت اختصاصی عصر نمازی خوانده و نمی داند در آن نیت ظهر کرده یا به جهت فراموشی نیت عصر نموده ، نماز خوانده شده را نماز ظهر قرار داده ، نماز عصر را قضا می کند و احتیاط مستحب آن است که در نماز قضا، نیت خصوص ظهر یا عصر را نکند.

[مسأله ۱۱۸۳ اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا]

مسأله ۱۱۸۳ اگر بعد از گذشـتن وقت نماز مغرب و عشا، بداند یک نماز خوانده ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی ، باید قضای نماز مغرب و عشا را بخواند (۱). (۱) (زنجانی :) و هر دو نماز را به قصـد رجاء به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

۴ کَثِیرُ الشَّک «کسی که زیاد شک می کند»

[مسأله ۱۱۸۴ اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند]

مسأله ۱۱۸۴ اگر کسی (۱) در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلًا در نماز صبح و ظهر و عصر شک کنـد، کثیر الشک است و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشـد، به شک خود اعتنا نکند. (۱) (فاضل :) میزان در تشخیص کثیر الشک عُرف است و اگر کسی ..

(گلپایگانی :) مسأله اگر برای انسان حالتی پیـدا شـده باشـد که نتوانـد سه نماز پشت سـر هم بـدون شک بخواند کثیر الشـک است و باید به شک خود اعتنا نکند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کثیر الشک کسی است که عرفاً بگویند زیاد شک می کند یا این که حال او به نحوی باشد که در هر سه نماز لا اقل ـ یک مرتبه شک کند؛ چنین شخصی به شک خود اعتنا نکند. (تبریزی : و لکن معتبر است زیادی شک ـ از جهت عارضه موقّتی مانند پریشانی خاطر از غضب و ترس نباشد.) (صافی :) مسأله کثیر الشک کسی است که عرفاً بگویند زیاد شک می کند و بعید نیست کسی هم که نتواند سه نماز پشت سر هم بدون شک بخواند، کثیر الشک باشد، که باید به شک خود اعتنا نکند.

(زنجانی :) مسأله کثیر الشک : کسی است که در هر سه نماز لا اقل یک مرتبه شک می کند، چنین شخصی به شک خود اعتنا نمی کند و کسی که عرفاً بگویند زیاد شک می کند و به این اندازه نباشد، بنا بر احتیاط واجب عمل شک را مانند شخص معمولی انجام داده و اگر شک وی در عدد رکعات باشد نماز را دوباره نیز بخواند.

(سیستانی :) مسأله کثیر الشک کسی است که زیاد شک می کند به این معنی که بیش از معمول شک می کند با مقایسه حال او با حال کسانی که مانند او هستند از جهت بودن یا نبودن اسباب اغتشاش حواس ؛ و اختصاص ندارد کثیر الشک به کسی که زیاد شک کردن عادت او باشد، بلکه کافی است که در معرض عادت به کثرت شک باشد.

(مکارم :) مسأله «کثیر الشّک » یعنی کسی که زیاد شک می کند، نباید به شک خود اعتنا کند، خواه در عدد رکعات نماز باشد، یا در اجزای نماز، یا شرایط نماز. کثیر الشک کسی است که بگویند زیاد شک می کند و اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پشت سر هم شک کند، «کثیر الشک» است . هر گاه به خاطر یک حالت فوق العاده مانند بیماری ، غضب یا مصیبت موقّتاً گرفتار حالت کثرت شک شود، باید به شک ـ خود اعتنا کرده و مطابق احکام آن رفتار کند.

(بهجت :) مسأله کسی که زیاد شک می کند، نباید به شک ـ خود اعتنا کند و کثیر الشک شدن به این است که مردم بگویند تو زیاد شک ـ می کنی ؛ و زیاد شک کردن به این صورت محقّق می شود که در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلًا در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند.

[مسأله ۱۱۸۵ کثیر الشک اگر در به جا آوردن چیزی شک کند]

مسأله ۱۱۸۵ کثیر الشک اگر در به جا آوردن چیزی شک کند، چنانچه به جا آوردن آن نماز را باطل نمی کند (۱) باید بنا بگذارد که آن را به جا آورده مثلًا اگر شک کند که رکوع کرده یا نه باید بنا بگذارد که رکوع کرده است (۲) و اگر به جا آوردن آن ، نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده ؛ مثلًا اگر شک کند که یک رکوع کرده یا بیشتر، چون زیاد شدن رکوع نماز را باطل می کند، باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع نکرده است . (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، تبریزی :) کثیر الشک اگر در به جا آوردن چیزی از اجزاء نماز شک کند .. (بهجت :) چنانچه به جا نیاوردن آن نماز را باطل می کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و اگر در به جا آوردن چیزی شک کند که نماز را باطل می کند، مثل این که شک کند که نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، بنا را بر صحّت می گذارد.

(گلپايگانى ، صافى :) مسأله هر گاه كثير الشّك در به جا آوردن چيزى شك كند، بايد بنا بگذارد كه آن را به جا آورده مگر اين كه اگر آن را به جا آورده باشد نماز باطل باشد كه در اين صورت ، بايد بنا بگذارد كه آن را انجام نداده ، مثلًا اگر شك كند كه يک ركوع كرده يا بيشتر، چون با زياد شدن ِ ركوع ، نماز باطل است ، بايد بنا بگذارد كه بيشتر از يک ركوع نكرده است .

(فاضل :) مسأله كثير الشك اگر در به جا آوردن چيزى شك كند بايد بنا را بر اين بگذارد كه آن فعل را انجام داده است و نماز را ادامه دهد مثلًا اگر شك كند كه سجده كرده يا خير بنا بگذارد كه انجام داده است و اگر شك كند كه دو ركعت خوانده است يا سه ركعت بنا بگذارد كه سه ركعت خوانده است و اگر بنا بر انجام آن فعل نماز باطل مى شود بنا بگذارد كه آن را انجام نداده است مثلًا اگر در نماز صبح شك كند كه دو ركعت خوانده يا سه ركعت بنا بگذارد كه دو ركعت خوانده و نماز را تمام كند.

(مكارم :) مسأله منظور از اعتنا نكردن به شك اين است كه آن طرف را كه به نفع اوست بگيرد، مثلًا اگر شك كند سجده يا ركوع را به جا آورده ؛ بنا بگذارد كه به جا آورده است ، هر چند از محلّ آن نگذشته است ، يا اگر شكّ كند نماز صبح را دو ركعت خوانده يا سه ركعت ، بنا بگذارد كه دو ركعت خوانده است .

[مسأله ۱۱۸۶ كسى كه در يک چيز نماز زياد شک مى كند]

مسأله ۱۱۸۶ كسى كه در يک چيز نماز زياد شك مى كند (۱)، چنانچه در چيزهاى ديگر نماز شك كند (۲) بايد به دستور آن عمل نمايد (۳)، مثلًا كسى كه زياد شك مى كند سجده كرده يا نه ، اگر در به جا آوردن ركوع شك كند بايد به دستور آن رفتار نمايد يعنى اگر ايستاده (۴) ركوع را به جا آورد و اگر به سجده رفته ، اعتنا نكند. (۱) (سيستانى :) به طورى كه زيادى شك از مختصّات آن چيز حساب شود ..

(مكارم :) مثلًا در حمد و سوره .. (۲) (نورى :) بطور معمول شك كند .. (۳) (مكارم :) [و] تنها در موردى كه زياد شك مى كند اعتنا نخواهد كرد. [پايان مسأله] (۴) (خوئى ، تبريزى ، زنجانى ، سيستانى :) اگر به سجده نرفته .. (فاضل :) اگر هنوز ايستاده ..

[مسأله ۱۱۸۷ كسى كه در نماز مخصوصى مثلًا در نماز ظهر زياد شک مى كند]

مسأله ۱۱۸۷ كسى كه (۱) در نماز مخصوصى مثلًا در نماز ظهر زياد شك مى كند (۲) اگر در نماز ديگر مثلًا در نماز عصر شك كند، بايد به دستور شك رفتار نمايد. اين مسأله ، در رساله آيت اللّه بهجت نيست (۱) (سيستانى :) كسى كه هميشه .. (۲) (سيستانى :) به طورى كه كثرت شك از مختصات آن شمرده مى شود ..

(مکارم :) فقط در آن باید اعتنا نکند. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۱۸۸ کسی که وقتی (۱) در جای مخصوصی نماز می خواند]

مسأله ۱۱۸۸ کسی که وقتی (۱) در جای مخصوصی نماز می خواند زیاد شک می کند (۲)، اگر در غیر آنجا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید به دستور شک عمل نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) کسی که فقط وقتی .. (۲) (سیستانی :) به همان نحو که در مسأله قبل آمد ..

(مکارم :) مسأله اگر کسی در مکان مخصوصی (مثلًا وقتی در میان جمع نماز می خواند) زیاد شکّ می کند فقط در همان جا اعتنا به شک خود نمی کند.

[مسأله ۱۱۸۹ اگر انسان شک کند که کثیر الشک شده یا نه]

مسأله ۱۱۸۹ اگر انسان شک کند که کثیر الشک شده یا نه (۱)، باید به دستور شک عمل نماید (۲). و کثیر الشک تا وقتی یقین نکند (۳) که به حال معمولی مردم برگشته باید به شک خود اعتنا نکند. (۱) (فاضل :) یعنی چون نمی داند که آیا در سه نماز قبلی شک کرده تا کثیر الشک باشد یا فقط در دو نماز قبلی شک کرده تا کثیر الشک نباشد .. (۲) (مکارم :) بنا می گذارد بر این که کثیر الشّک نشده .. (۳) (زنجانی :) تا وقتی اطمینان نکند ..

[مسأله ۱۱۹۰ کسی که زیاد شک می کند]

مسأله ۱۱۹۰ کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند رکنی را به جا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده ، چنانچه مشغول رکن بعد نشده ، باید آن را به جا آورد (۱) و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است (۲)، مثلًا اگر شک کند رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه پیش از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید رکوع کند و اگر در سجده یادش بیاید، نمازش باطل است (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید آن رکن را و آن چه بعد از آن است به جا آورد .. (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (سیستانی :) بنا بر احتیاط باطل است .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) چنانچه پیش از سجده دوّم یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید برگردد و رکوع کند و اگر در سجده دوّم یادش بیاید، نمازش باطل است (سیستانی : بنا بر احتیاط).

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه پیش از سجده دوّم یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید برگردد و رکوع کند و نماز را تمام نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخواند و اگر در سجده دوّم یادش بیاید، نمازش باطل است .

(زنجانی :) مسأله کسی که زیاد شک می کند، اگر شک کند دو سجده را انجام داده یا نه ، و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آنها را انجام نداده ، چنانچه مشغول رکوع رکعت بعد نشده باید آنها را به جا آورد و چنانچه مشغول رکوع شده نمازش باطل است ، و اگر شک کند که رکوع را انجام داده یا نه ، و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را انجام نداده ، چنانچه قبل از سر گذاشتن به زمین برای سجده دوّم یادش بیاید باید برگردد و آن را انجام دهد و اگر پس از سر گذاشتن به زمین برای سجده دوم یادش بیاید، به احتیاط واجب دو سجده را نادیده گرفته و پس از انجام رکوع و سجود نماز را تمام کند و پس از آن نماز را دوباره به جا آورد.

[مسأله ۱۱۹۱ کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند چیزی را که رکن نیست به جا آورده]

اشاره

مسأله ۱۱۹۱ کسـی که زیاد شک می کنـد، اگر شک کند چیزی را که رکن نیست به جا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیایـد که آن را به جا نیاورده ، چنانچه از محل به جا آوردن آن نگذشـته باید آن را به جا آورد (۱) و اگر از محل آن گذشته (۲) نمازش صحیح است (۳)، مثلًا اگر شک کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه در قنوت یادش

بیایـد که حمـد نخوانده ، باید بخواند (۴) و اگر در رکوع یـادش بیایـد نمـاز او صـحیح است . این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید آن را و آن چه بعد از آن است به جا آورد .. (۲) (فاضل :) یعنی وارد رکن بعد شده .. (۳) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (سیستانی :) باید حمد و سوره را بخواند ..

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۰۶۸ اشـخاص وسواسـی باید به یقین و شک ّخود عمل نکنند بلکه مطابق اشخاص معمولی عمل کنند خواه یقین برای آنها حاصل شود یا نه ، و الّا در بسیاری از موارد نمازشان باطل خواهد بود.

۵ شک امام و مأموم

[مسأله ۱۱۹۲ اگر امام جماعت در شماره رکعتهای نماز شک کند]

اشاره

مسأله ۱۱۹۲ اگر امام جماعت در شـماره رکعتهای نماز شک کنـد مثلًا شک کنـد که سه رکعت خوانـده یا چهار رکعت (۱)، چنانچه مأموم یقین یا گمان داشته باشد (۲) که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است ، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد (۳) که چند رکعت خوانده است و مأموم در شـماره رکعتهای نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید (۴). (۱) (مکارم :) هر گاه مأموم بداند چهار رکعت خوانـده با علامتی به امام می فهمانـد و امام بایـد مطابق آن عمل کنـد و به عکس اگر امام می دانـد چند رکعت خوانده ، ولی مأموم شک می کنـد، بایـد از امام پیروی کنـد و به شک خود اعتنا نکند. (۲) (اراکی :) چنانچه مأموم بدانـد .. (۳) (اراکی :) اگر امام بداند .. (۴) (تبریزی :) و رجوع هر یـک از امام و مأموم به دیگری در غیر رکعات ، مادامی که موجب اطمینان نشود، محل ّاشکال است .

(نوری :) و به آن چه که امام یقین دارد، عمل نماید.

(زنجانی :) و ظاهراً اگر امام گمان داشـته باشد که چند رکعت خوانده و مأموم یقین داشـته باشد، باید به یقین مأموم عمل کند و همین طور است اگر مأموم گمان داشته باشد و امام یقین ، باید به یقین امام عمل کند.

(سیستانی :) و همچنین است شک هر یک از آن دو در افعال نماز مانند شک در عدد سجده .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۹۷۸ اگر در نماز جماعت ، هم امام و هم مأموم شک کنند و شک ِ هر کدام با دیگری فرق دارد، هر کدام به وظیفه خود عمل می کند. و حکم سهو امام یا مأموم یا هر دو نیز همین است .

(مکارم :) مسأله ۱۰۷۰ برای آگاه کردن امام ممکن است به عـدد رکعات نماز دست بر زانو بزنـد، یا «اللّه أکبر» بگوید و یا به هر ترتیب دیگر که سـخن گفتن و کاری بر خلاف نماز انجام دادن در آن نباشـد، ولی نبایـد قبل از امام برخیزد و نماز خود را ادامه دهد.

۶ شک در نماز مستحبّی

[مسأله ۱۱۹۳ اگر در شماره رکعتهای نماز مستحبی شک کند]

مسأله ۱۱۹۳ اگر در شماره رکعتهای نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک ، نماز را باطل می کند، باید (۱) بنا را بر کمتر بگذارد مثلًا اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، باید (۲) بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شک ، نماز را باطل نمی کند، مثلًا شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت ، به هر طرف شک عمل کند، نمازش صحیح است . (۱) و (۲) [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (مکارم :) مسأله هر گاه در عدد رکعتهای نماز مستحبی شک کند مخیّر است بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر، مگر این که طرف بیشتر، نماز را باطل کند که در این صورت بنا را بر کمتر می گذارد، مثلًا اگر شک میان یک و دو کند مخیّر است بنا را بر یک یا دو بگذارد، امّا اگر شک در میان دو و سه کند حتماً بنا را بر دو می گذارد.

[مسأله ۱۱۹۴ کم شدن رکن نافله را باطل می کند]

مسأله ۱۱۹۴ کم شدن رکن ، نافله را باطل می کند بنا بر احتیاط واجب ولی زیاد شدن رکن ، آن را باطل نمی کند (۱)، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را به جا آورد مثلًا اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده ، باید برگردد و سوره را بخواند (۲) و دوباره به رکوع رود. (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) کم شدن رکن ، نافله را باطل می کند ولی زیاد شدن رکن ، آن را باطل نمی کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره حمد را نخوانده باید برگردد و حمد را بخواند ..

(بهجت :) مسأله اگر در نماز مستحبی کاری را فراموش کرد چنانچه محل آن باقی است بنا بر اظهر باید آن را به جا آورد و در این جهت مثل نماز واجب است .

(مکارم :) مسأله کم و زیاد شدن رکن در نافله نیز اشکال دارد.

[مسأله ۱۱۹۵ اگر در یکی از کارهای نافله شک کند]

مسأله ۱۱۹۵ اگر در یکی از کارهای نافله شک کند، خواه رکن باشد یا غیر رکن ، (۱) چنانچه محل آن نگذشته ، باید به جا آورد و اگر محل آن گذشته ، به شک خود اعتنا نکند. (۱) (بهجت :) بنا بر أظهر می تواند به شک خود اعتنا نکند؛ ولی

چنانچه محل ّ آن نگذشته ، احتیاط مستحب ّ در این است که آن را به جا آورد و اگر محل آن گذشته ، به شک خود اعتنا نکند.

(مکارم :) شک در افعال نماز مستحب ّ با نماز واجب فرق ندارد، مثلًا اگر شک در حمد یا رکوع کند ..

[مسأله ۱۱۹۶ اگر در نماز مستحبی دو رکعتی ، گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود]

مسأله ۱۱۹۶ اگر در نماز مستحبی دو رکعتی ، گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود (۱) یا گمانش به دو رکعت یا کمتر برود باید به همان گمان عمل کند، (مگر آن که موجب

بطلان باشد که در این صورت گمان ، حکم شک را دارد (۲))، مثلًا اگر گمانش به یک رکعت می رود احتیاطاً باید یک رکعت دیگر بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) باید اعتنا نکند و نمازش صحیح است و اگر گمانش به دو رکعت یا کمتر برود، (گلپایگانی ، سیستانی ، صافی : بنا بر احتیاط واجب) باید به همان گمان عمل کند مثلًا اگر گمانش به یک رکعت می رود، (گلپایگانی ، سیستانی ، صافی : احتیاطاً) باید یک رکعت دیگر بخواند. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه نوری نیست] (اراکی :) مسأله گمان در رکعات نماز مستحبّی حکم شک را دارد، گر چه احتیاط مستحب است که به گمان عمل نماید مگر آن که موجب بطلان نماز باشد، پس اگر مثلًا در نماز غفیله ، گمان دارد سه رکعت خوانده بنا می گذارد که دو رکعت خوانده است .

(مکارم :) مسأله در نمازهای مستحبّی بنا بر احتیاط واجب باید به ظن و گمان خود عمل کند، تا آنجا که نماز را باطل نمی کند، مثلًا اگر گمانش به دو رکعت می رود، بنا بر آن بگذارد و اگر گمانش به سه رکعت می رود باید بنا بر همان دو بگذارد.

[مسأله ۱۱۹۷ اگر در نماز نافله کاری کند]

مسأله ۱۱۹۷ اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن (۱) سجده سهو واجب می شود، یا یک سجده (یا تشهد (۲)) را فراموش نماید، لازم نیست بعد از نماز، سجده سهو یا قضای سجده (و تشهد (۳)) را به جا آورد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، صافی ، سیستانی :) در نماز واجب .. (۲) و (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست]

[مسأله ۱۱۹۸ اگر شک کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه]

مسأله ۱۱۹۸ اگر شک کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه ، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیّار وقت معیّن نداشته باشد، بنا بگذارد که نخوانده است . و هم چنین است اگر مثل نافله یومیّه وقت معیّن داشته باشد و پیش از گذشتن وقت شک کند که آن را به جا آورده یا نه ، ولی اگر بعد از گذشت وقت شک کند که خوانده است یا نه ، به شک خود اعتنا نکند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) مسأله هر گاه بعد از گذشتن وقت نماز نافله شک کند آن را به جا آورده یا نه ؛ اعتنا نکند و اگر وقت باقی است به جا آورد.

شکهای صحیح

[مسأله ۱۱۹۹ اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شک کند]

اشاره

مسأله ۱۱۹۹ در نُه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شک کند، باید فکر نماید (۱)، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، و گر نه به دستورهایی که گفته می شود عمل نماید و آن نُه صورت از این قرار است : (۱) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) باید فوراً فکر نماید ..

(خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط مستحب ّباید فوراً فکر نماید ..

(بهجت ، زنجانی :) بنا بر احتیاط باید (زنجانی : فوراً) فکر نماید ..

(مکارم :) مسأله چنانچه گفته شد شک در عدد رکعتهای نمازهای چهار رکعتی در نُه صورت صحیح است .

اول :

آن که بعد از سر برداشتن از سجده دوم (۱) شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت (۲)، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده (یا دو رکعت نشسته (۳) به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد (۴). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوّم ..

(خوئی ، تبریزی :) بعد از تمامی ذکر سجده دوّم ..

(سیستانی :) بعد از داخل شدن در سجده دوّم .. (۲) (بهجت :) اوّل : شک بین دو و سه ، بعد از سر برداشتن از سجده دوّم بنا بر أظهر .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه نوری نیست] (۴) (اراکی :) و احتیاط واجب آن است که یک رکعت ایستاده بخواند.

(بهجت :) ولی احتیاط در این است که یک رکعت ایستاده بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) بعد از نماز، بنا بر احتیاط واجب یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

(سیستانی :) بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب دو رکعت نشسته کافی نیست .

(زنجانی :) بعد از نماز، نماز احتیاط به جا آورد که بنا بر احتیاط واجب یک رکعت ایستاده است .

(مکارم :) بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد و اگر در سجده دوّم بعد از ذکر واجب شک کند، بنا بر احتیاط واجب همین دستور را عمل کند، بعداً نماز را هم اعاده نماید (این حکم در تمام مواردی که شک باید بعد از تمام کردن سجده دوّم باشد جاری است).

دوم :

شک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم (۱) که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوّم ، ..

(خوئی ، تبریزی :) بعد از تمامی ذکر از سجده دوّم ، ..

(سیستانی :) بعد از داخل شدن در سجده دوّم ، .. (۲) (بهجت :) و بعید نیست استحباب دو سجده سهو، بعد از نماز احتیاط.

سوم :

شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم (۱) که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد (۲)، ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از این سه شک برایش پیش آید می تواند (۳) نماز را رها کند و دوباره بخواند. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بعد از تمامی ذکر از سجده دوّم ، ..

(گلپایگانی ، صافی :) بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوّم ، ..

(سیستانی :) بعد از داخل شدن در سجده دوّم ، .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (بهجت :) باید .. [کلمه «می تواند» در رساله آیت اللّه نوری نیست]

چهارم :

شک بین چهار و پنج بعد از سر بر داشتن از سجده دوم (۱) که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد (۲) ولی اگر بعد از سجده اول ، یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم ، این شک ، برای او پیش آید (۳)، بنا بر احتیاط استحبابی به دستوری که گفته شد عمل کند اگر چه نمازش باطل است و باید دوباره بخواند. (۱) (خوئی ، تبریزی :) بعد از تمام کردن ذکر از سجده دوّم ..

(گلپایگانی ، صافی :) بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوّم .. (۲) (اراکی ، مکارم ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر یکی از این چهار شک بعد از سجده اوّل ، یا پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده دوّم برای او پیش آید، نماز باطل است .

(خوئی ، تبریزی :) ولی اگر بعد از سجده اوّل یا پیش از تمامی ذکر از سجده دوم ، یکی از این چهار شک برای او پیش آید، نمازش باطل است .

(بهجت :) ولی اگر بعد از رکوع رکعتی که در آن شک کرده و پیش از سر برداشتن از سجده دوّم ، این شک برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب باید به دستوری که گفته شد عمل کند و نماز را دوباره هم بخواند.

(زنجانی :) ولی اگر بعد از تحقق سجده اول ، و پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از این چهار شک ، برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب باید به دستور همان شک عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند. (۳) (نوری :) نماز باطل است .

(سیستانی :) چهارم : شک بین چهار و پنج بعد از داخل شدن در سجده دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد. و هم چنین در هر موردی که طرف کمتر شک چهار رکعت باشد مثل شک بین چهار و شش . و در هر موردی که شک کند بین چهار رکعت و کمتر از آن و زیادتر از آن پس از داخل شدن در سجده دوّم ، می تواند بنا را بر چهار بگذارد و وظیفه در هر دو شک را انجام دهد یعنی نماز احتیاط بخواند از جهت احتمال آن

که از چهار رکعت کمتر خوانده باشد و بعد دو سجده سهو بیاورد از جهت احتمال آن که بیش از چهار رکعت آورده باشد. و در هر صورت اگر بعد از سجده اوّل و پیش از داخل شدن در سجده دوّم ، یکی از چهار شکِّ گذشته برای او پیش آید، نمازش باطل است .

پنجم :

شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد (۱). (۱) (زنجانی :) بعد از نماز، نماز احتیاط را که به احتیاط واجب دو رکعت نشسته است بخواند.

ششم :

شک بین چهار و پنج در حال ایستاده (۱) که باید بنشیند (۲) و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد (۳). (۱) (بهجت :) قبل از رکوع .. (۲) (مکارم :) تا شک او تبدیل به سه و چهار شود و بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند بعد یک رکعت نماز احتیاط ایستاده ، یا دو رکعت نشسته به جا می آورد و احتیاط واجب آن است که نماز را نیز اعاده کند. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط لازم آن است که در این صورت و هم چنین در صورت هفتم و هشتم بعد از نماز احتیاط، دو سجده سهو نیز به جا آورد.

(بهجت :) و بنا بر احتیاط دو سجده سهو نیز انجام دهد.

(زنجانی :) نماز احتیاط را که به احتیاط واجب دو رکعت نشسته است بخواند.

هفتم :

شک بین سه و پنج در حال ایستاده (۱) که باید بنشیند (۲) و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد (۳). (۱) (بهجت :) قبل از رکوع .. (۲) (مکارم :) و شکِّ او به دو و چهار بر می گردد؛ بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا می آورد و بنا بر احتیاط واجب اصل نماز را نیز اعاده می کند. (۳) (بهجت :) و بعید نیست استحباب دو سجده سهو برای آن چه زیاد شده است . و اگر این شک ، بعد از رکوع باشد، أحوط این است که آن رکعت را تمام کند و یک رکعت دیگر هم بخواند و بعد از سلام ، نماز را اعاده کند؛ و هم چنین احتیاط این است که در شک بین دو و پنج ، بعد از سر برداشتن از سجده دوّم نماز را تمام کند و دوباره آن را بخواند.

هشتم :

شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده (۱)، که باید بنشیند (۲) و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد (۳). (۱) (بهجت :) قبل از رکوع .. (۲) (مکارم :) و شک ّاو به دو و سه و چهار برمی گردد؛ بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تکمیل کرده ، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا می آورد و احتیاطاً اصل نماز را اعاده می کند. (۳) (بهجت :) سپس دو سجده سهو برای کارهای زیادی که انجام داده ، به جا آورد.

نهم :

شک بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند (۱) و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد (۲). (۱) (مکارم :) و شک ّاو به چهار و پنج برمی گردد؛ نماز را تمام کرده و دو سجده سهو به جا می آورد و بنا بر احتیاط، اصل نماز را اعاده می کند. (۲) (اراکی :) و باید دو سجده دیگر هم برای قیام بی جا به جا آورد و هم چنین برای هر چه که اضافه به جا آورده است .

(گلپایگانی ، صافی :) و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو دیگر هم برای ایستادن بی جا به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) و نیز بنا بر احتیاط واجب ((زنجانی :) و نیز بنا بر احتیاط مستحب) دو سجده سهو برای ایستادن بی جا در این چهار صورت به جا آورد.

(فاضل :) نماز را سلام دهد و سجده سهو به جا آورد.

[مسأله ۱۲۰۰ اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید]

مسأله ۱۲۰۰ اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید (۱) نباید نماز را بشکند (۲) و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است (۳)، پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند مثل رو گرداندن از قبله (۴)، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است . و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شود نماز دوّمش صحیح است . (۱) (سیستانی :) چنانچه وقت نماز تنگ باشد که نتواند نماز را از سر گیرد نباید نماز را بشکند و بایستی به دستوری که گفته شد عمل نماید. ولی اگر وقت نماز وسعت داشته باشد می تواند نماز را بشکند و از سر بگیرد. (۲) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب نباید نماز را بشکند و بایستی به دستوری که گفته شد عمل نماید. [پایان مسأله (] زنجانی :) و بایستی به دستوری که گفته شد عمل نماید. [پایان مسأله] (مکارم :) نمی تواند نماز را بشکند، بلکه باید به دستورهای بالا عمل کند و در مورد تمام شکها باید قبلًا کمی فکر کند اگر یقین به هیچ طرف حاصل نشد و یا گمان در مواردی که معتبر است بر هیچ طرف قرار نگرفت ، چنانچه از شکهای باطل باشد نماز را رها می کند و اگر از شکهای صحیح باشد به دستور آن عمل می نماید. (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (گلپایگانی ، صافی :) مثل پشت کردن به قبله ..

[مسأله ۱۲۰۱ اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط برای آنها واجب است]

مسأله ۱۲۰۱ اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط برای آنها واجب است در نماز پیش آید، (۱) چنانچه انسان نماز را تمام کند (۲) و بدون خواندن نماز احتیاط نماز را از سر بگیرد معصیت کرده است (۳). پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را

باطل می کند (۴) نماز را از سر گرفته ، نماز دوّمش هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شده نماز دوّمش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) پس از تمام شدن نماز، باید فوراً نماز احتیاط را بخواند و بدون خواندن نماز احتیاط، نماز دیگری نخواند و اگر احتیاطاً بخواهد نماز را از سر بگیرد، باید پس از خواندن نماز احتیاط باشد.

(۲) (خوئی ، تبریزی :) احتیـاط واجب ((سیسـتانی :) احتیاط مسـتحب) آن است که نماز احتیاط را بخوانـد و بـدون خوانـدن نمـاز احتیـاط، نمـاز را از سـر نگیرد و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کنـد نماز را از سـر بگیرد، نماز دومش هم (سیسـتانی : بنـا بر احتیاط واجب) باطل است ، ولی اگر بعـد از انجام کاری که نماز را باطل می کنـد مشـغول نماز شود، نماز دومش صحیح است . (۳) (بهجت :) و در صورتی که قصد قربت حاصل شود مثل این که بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شده ، نماز دوّمش صحیح است . (۴) (نوری :) مانند پشت کردن به قبله ..

[مسأله ۱۲۰۲ وقتی یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید]

اشاره

مسأله ۱۲۰۲ وقتی یکی از شـکهای صحیح برای انسان پیش آید چنان که گفته شد باید فکر کند (۱) ولی اگر چیزهایی که به واسـطه آنها ممکن است یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شود، از بین نمی رود، چنانچه کمی بعد فکر کند اشکال ندارد (۲)، مثلًا اگر در سـجده شک کنـد می توانـد تا بعـد از سـجده ، فکر کردن را تأخیر بینـدازد. این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) باید فوراً فکر کند .. (۲) (فاضل :) چنان که گفته شـد بایـد فوراً فکر کند پس اگر چیزهایی که به واسـطه آنها ممکن است یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شود برای او پیش نیایـد شـک او از بین نمی رود و چنانچه کمی بعـد هم فکر کنـد اشـکال نـدارد .. (مکارم :) رجوع کنیـد به ذیل مسأله ۱۲۰۰.

مسائل اختصاصی

(خوئی ، تبریزی :) مسـأله ۱۲۱۱ وقتی یکی از شـکهای باطل برای انسان پیش آیـد و بدانـد که اگر به حالت بعدی منتقل شود برای او یقین یا گمان پیـدا می شود جایز نیست با حالت شک نماز را ادامه دهـد مثلًا اگر در حال ایسـتادن شک کنـد که یک رکعت خوانـده یا بیشتر و بدانـد که اگر به رکوع رود به یک طرف یقین یا گمان پیـدا می کند، جایز نیست با این حال رکوع کند.

(زنجـانی :) بنـا بر احتیـاط مسـتحب بـا حـالت شـک نماز را ادامه ندهـد؛ مثلًا اگر در حال ایسـتادن شک کنـد که یک رکعت خوانده یا بیشتر و بداند که اگر به رکوع رود به یک طرف یقین یا گمان پیدا می کند، بنا بر احتیاط مستحب با این حال رکوع نکنـد، بلکه صبر کنـد تا برای وی یقین یا گمان پیـدا شود؛ ولی اگر لازم باشـد به قدری صبر کند که صورت نماز بهم بخورد لازم است به حالت بعد منتقل شود.

(سیستانی :) در صورتی که شک باطل او در دو رکعت اول نماز باشد ..

(سیستانی :) و امّا در بقیه شکهای باطل ظاهراً می تواند نماز را ادامه دهد تا یقین یا گمان برای او پیدا شود.

[مسأله ۱۲۰۳ اگر اول گمانش به یک طرف بیشتر باشد]

مسأله ۱۲۰۳ اگر اول گمانش به یک طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید (۱). و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه اوست بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف دیگر برود، باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (مکارم :) و به عکس اگر نخست حالت شک داشت و بعد گمانش بیشتر به یک طرف شد، باید مطابق گمان عمل کند، ولی اگر شک از شکهایی است که نماز را باطل می کند و پابرجا شد باید نماز را از سر گیرد و مبدّل شدن آن به ظن اثری ندارد.

[مسأله ۱۲۰۴ کسی که نمی داند گمانش به یک طرف بیشتر است]

مسأله ۱۲۰۴ کسی که نمی داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است باید احتیاط کند (۱) و در هر مورد، احتیاط به طور مخصوصی است که در کتابهای مفصل گفته شده است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید احتیاط کند در جمع بین هر دو وظیفه ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر احتمال می دهد به یک طرف گمانش زیادتر باشد باید آن طرف را بگیرد و الّا به دستور شک عمل کند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید به دستور شک عمل کند.

(فاضل :) طبق وظیفه شک عمل می نماید.

(مکارم :) مسأله کسی که نمی داند حالتی که برای او پیدا شده است «شک » است یا «ظن» باید به احکام شک عمل کند.

(زنجانی :) مسأله کسی که نمی داند عرفاً گمانش به یک طرف بیشتر است یا دو طرف در نظر او مساوی است ، بنا بر احتیاط واجب باید به دستور شک عمل کند و اگر عمل وی بر خلاف دستور گمان باشد، نماز را نیز به احتیاط واجب دوباره بخواند.

[مسأله ۱۲۰۵ اگر بعد از نماز بداند]

مسأله ۱۲۰۵ اگر بعد از نماز بداند (۱) که در بین نماز حال تردیدی داشته که مثلًا دو رکعت خوانده یا سه رکعت و بنا را بر سه گذاشته ولی نداند که گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده (۲) به احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند (۳). (۱) (فاضل :) اگر بعد از نماز بفهمد .. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۲) (فاضل :) بداند که این بنا از روی گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا از باب این بوده که هر دو طرف در نظر او مساوی بوده .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) خوب است نماز احتیاط را بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری :) باید نماز احتیاط را بخواند.

(سیستانی :) لازم نیست نماز احتیاط را بخواند.

[مسأله ۱۲۰۶ اگر موقعی که تشهد می خواند یا بعد از ایستادن شک کند]

مسأله ۱۲۰۶ اگر (موقعی که تشهد می خواند، یا (۱)) بعد از ایستادن شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح می باشد، برای او پیش آید مثلًا شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، به احتیاط واجب باید به دستور آن شک عمل کند و نمازش را هم دو باره بخواند (۲). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (اراکی :) نمازش باطل نیست ، گر چه احتیاط مستحب۔است به دستور آن شک عمل کند و نمازش را هم دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی ، صافی :) چنانچه به دستور آن شک عمل کند نمازش صحیح است . (سیستانی : ولی اگر موقعی که تشهّد می خواند یکی از آن شکها اتّفاق بیفتد، اگر شک او بین دو و سه باشد نماز باطل است و اگر بین دو و چهار یا دو و سه و چهار باشد نماز صحیح است و به دستور شک باید عمل کند).

(فاضل ، نوری :) باید به دستور آن شک عمل کند (نوری : و بنا بر احتیاط واجب نمازش را هم دوباره بخواند).

(مکارم :) بایـد بنا بگـذارد که سـجده ها را به جا آورده و به دسـتور شک عمل کنـد و نمازش صـحیح است ، ولی اگر قبل از گذشتن از محل ِ سجده شک کند، نمازش باطل است .

[مسأله ۱۲۰۷ اگر پیش از آن که مشغول تشهد شود]

مسأله ۱۲۰۷ اگر پیش از آن که مشغول تشهد شود، یا (در رکعتهایی که تشهد ندارد (۱)) پیش از ایستادن ، شک کند که دو سجده (۲) را به جـا آورده یا نه (۳) و در همان موقع یکی از شـکهایی که بعـد از تمام شدن دو سـجده صـحیح است ، برایش پیش آیـد نمـازش باطـل است . این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی و صافی نیست] (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) یک یا دو سجده .. (۳) (سیستانی :) اگر پیش از آن که مشغول تشهد شود یا پیش از ایستادن در رکعتهایی که تشهد ندارد شک کند که یک یا دو سجده را به جا آورده یا نه .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۰۶.

[مسأله ۱۲۰۸ اگر موقعی که ایستاده ، بین سه و چهار شک کند]

مسأله ۱۲۰۸ اگر موقعی که ایسـتاده ، بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنـج شک کنـد و یادش بیاید که دو سـجده ، یا یک سجده (۱) از رکعت پیش به جـا نیـاورده نمـازش باطل است (۲). این مسـأله ، در رسـاله آیت اللّه مکـارم نیست (۱) (فاضل ، نوری :) یادش بیاید که دو سجده .. (۲) (بهجت :) بنا بر أظهر.

[مسأله ۱۲۰۹ اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید]

مسأله ۱۲۰۹ اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید، مثلًا اول شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، بعـد شـک کنـد که سه رکعت خوانـده یا چهار رکعت ، بایـد به دسـتور شک دوم عمل نمایـد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۲۱۰ اگر بعد از نماز شک کند]

مسأله ۱۲۱۰ اگر بعـد از نماز شک کنـد که در نماز مثلًا بین دو و چهار شک کرده یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آن اسـت که به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) جایز

است که نماز را به هم زده و دوباره بخواند.

(تبریزی :) بهتر آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را دوباره بخواند و جایز است که نماز را به هم زده و دوباره بخواند.

(سیستانی :) می تواند به دستور هر دو شک عمل کند. و نیز می تواند پس از انجام کاری که نماز را باطل می کند آن را دوباره بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر بعد از نماز شک کند که در حال نماز مثلًا بین دو و چهار شک کرده یا بین سه و چهار، بنا بر احتیاط واجب اگر به یک شک ، گمان دارد به دستور آن عمل کند و گر نه ، دستور یکی از این دو شک را انجام داده ، و در هر دو حال نماز را دوباره بخواند، و هم چنین است اگر بیشتر از دو احتمال در باره شک داشته باشد؛ مثلًا بداند شک وی از شکهای صحیح بوده و نداند از کدام قسم آن بوده است .

[مسأله ۱۲۱۱ اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده]

مسأله ۱۲۱۱ اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده ولی نداند از شکهای باطل بوده یا از شکهای صحیح (۱) و اگر از شکهای صحیح بوده کدام قسم آن بوده است (۲) بنا بر احتیاط واجب باید به دستور شکهایی که صحیح بوده و احتمال می داده عمل

کند (۳) و نماز را هم دوباره بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید نماز را اعاده کند و اگر بداند از شکهای صحیح بوده ولی نداند کدام قسم آن بوده است جایز است نماز را دوباره بخواند.

(زنجانی :) چنانچه بداند یا احتمال دهد که بر فرض باطل بودن شک ، به سببی غیر از غفلت نماز را ادامه داده است ؛ مثلًا نماز را رجاءً ادامه داده است ، در این صورت می تواند بدون انجام دادن وظیفه شک نماز را از سر بگیرد، ولی اگر بداند که در فرض باطل بودن شک ، به جهت غفلت نماز را ادامه داده است ، بنا را بر این می گذارد که شک او از شکهای صحیح بوده ، پس اگر شک او بر فرض صحیح بودن مشخّص است ، به وظیفه همان شک عمل می کند، و اگر شک او بر فرض صحیح بودن مشخّص نیست ولی می تواند با احتیاط کردن نماز خود را درست کند، باید احتیاط کند؛ مثلًا اگر شکّ صحیح او بعد از سر برداشتن از سجده دوّم بوده و مردّد بین شکّ دو و چهار و شکّ دو و سه و چهار باشد، بنا را بر چهار گذاشته و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز احتیاط نشسته به جا می آورد، در نتیجه به وظیفه هر دو شک عمل کرده است و نمازش صحیح است ، ولی اگر نتواند با به جا آوردن وظیفه شک ، نماز انجام شده خود را درست کند و نیاز به از سر گرفتن نماز باشد، می تواند بدون انجام دادن وظیفه شک ، نماز را از سر بگیرد. (۲) (خوئی :) جایز است نماز را به هم زده و دوباره بخواند. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) باید ((تبریزی :) بهتر آن است که) دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و دو سجده سهو به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند (تبریزی : و جایز است نماز را به هم زده و دوباره بخواند). (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۲۱۲ کسی که نشسته نماز می خواند]

مسأله ۱۲۱۲ کسی که نشسته نماز می خواند اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت (۱) نشسته به جا آورد. بلکه اگر (۲) شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته به جا آورد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) یک رکعت .. (۲) (خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) و اگر .. (۳) (اراکی :) لیکن اگر شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، احتیاط واجب آن است که ابتداء یک رکعت نماز احتیاط بخواند و بعد از آن دو رکعت دیگر بخواند و نماز را هم اعاده کند.

(مکارم :) [و] هم چنین در سایر شکّها.

(گلپایگانی :) مسأله کسی که نشسته نماز می خواند، اگر شکی کند که مختار است برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته را به جا آورد و اگر شکّی کند که معیّن است برای آن نماز احتیاط ایستاده بخواند بعید نیست که یک رکعت نشسته کافی باشد به جای یک رکعت ایستاده و هم چنین دو رکعت نشسته به جای دو رکعت ایستاده ، و لکن در مثل دو و سه ، احتیاط لازم ، جمع بین یک رکعت نشسته و دو رکعت نشسته است .

(صافی :) بایـد یک رکعت نشسته را به جا آورد، و هم چنین اگر شـکی کند که معین است برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایسـتاده بخواند، یک رکعت نشسـته به جای یک رکعت ایسـتاده کافی است . و هم چنین دو رکعت نشسته به جای دو رکعت ایسـتاده ، و لکن در مثل دو و سه ، احتیاط مسـتحب ، جمع بین یک رکعت نشسته و دو رکعت نشسته ، و دوباره خواندن ِ نماز است .

(زنجانی :) مسأله کسـی که نشسـته نماز می خواند اگر بین دو و سه شک کند، به احتیاط واجب باید یک رکعت نشسـته نماز احتیـاط بخوانـد و بنـا بر احتیاط مسـتحب نماز را نیز اعاده کنـد و در شک بین سه و چهار، به احتیاط واجب دو رکعت نشسـته بخواند و سپس نمازش را از سر بگیرد، و در شک بین دو و سه و چهار، یک نماز دو رکعتی نشسته به جا آورده و به احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند، و در شک بین دو و چهار، دو رکعت نشسته می خواند.

[مسأله ۱۲۱۳ کسی که ایستاده نماز می خواند]

مسأله ۱۲۱۳ کسـی که ایسـتاده نماز می خوانـد، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایسـتادن عاجز شود (۱)، باید مثل کسـی که نماز را نشسـته می خوانـد و حکم آن در مسأله پیش گفته شد، نماز احتیاط را به جا آورد (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) و مجبور شود نشسـته نماز بخوانـد بایـد طبق آن چه در مسأله قبل آمـده به تعـداد رکعاتی که باید ایستاده بخواند نشسته بخواند. (۲) (زنجانی :) مگر این که ناتوانی وی از ایسـتادن در تمام وقت نباشد بلکه در وقت بتواند تمام نماز را ایستاده بخواند که باید نماز را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۲۱۴ کسی که نشسته نماز می خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط]

مسأله ۱۲۱۴ کسـی که نشسته نماز می خواند، اگر موقع (۱) خواندن نماز احتیاط بتواند بایسـتد باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می خواند عمل کند. (۱) (زنجانی :) اگر تنها موقع .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

شکّیات نماز (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۵۱۶ کسی که در رکعت سوم نماز شک کند]

س ۵۱۶: کسی که در رکعت سوم نماز شک کند که قنوت را به جا آورده یا خیر، چه حکمی دارد، آیا نمازش را تمام کند و یا از هنگام شک آن را قطع نماید؟

ج : به شک مذکور اعتنا نمی شود و نماز صحیح است ، و در این مورد چیزی بر مکلّف واجب نیست .

[س ۵۱۷ شک در نماز نافله]

س ۵۱۷: آیـا در نمـاز نافله به شک در غیر از رکعت های آن مثل شک در این که یک سـجده انجام داده یا دو سـجده ، اعتنا می شود؟

ج : شک در اقوال و افعال نماز نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد، یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است ، به آن اعتنا می شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است ، به آن اعتنا نمی شود.

ص: ۶۵۶

[س ۵۱۸ کثیر الشک]

س ۵۱۸: با توجه به این که کثیر الشك نباید به شك خود اعتنا کند، اگر برای او در نماز شکی پیش آمد، وظیفه اش چیست ؟

ج : باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است ، مگر آن که انجام آن موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد.

[س ۵۱۹ اگر شخصی بعد از چند سال متوجه بطلان عبادت هایش شود]

س ۵۱۹: اگر شخصی بعد از چند سال متوجه بطلان عبادت هایش شود و یا در آن شك کند، وظیفه اش چیست ؟

ج : به شك بعد از عمل اعتنا نمی شود، و در صورت علم به بطلان ، واجب است عبادت های قابل تدارک را قضاء نماید.

[س ۵۲۰ اگر شخصی سهواً بعضی از اجزاء نماز را به جای بعضی دیگر انجام دهد]

س ۵۲۰: اگر شخصی سهواً بعضی از اجزاء نماز را به جای بعضی دیگر انجام دهدو یا در هنگام نماز نگاهش به جائی بیفتد یا سهواً حرف بزند، آیا نماز او باطل است ؟ وظیفه او چیست ؟

ج : عمل سهوی در نماز موجب بطلان آن نمی شود، لیکن در بعضی از موارد باعث وجوب سجده سهو می گردد، مگر آن که رکنی از نماز را کم یا زیاد کند که موجب بطلان نماز می شود.

[س ۵۲۱ اگر فردی یک رکعت از نماز را فراموش کند]

س ۵۲۱: اگر فردی یك رکعت از نماز را فراموش کند و در رکعت آخر یادش بیاید، مثلًا فکر می کرد که رکعت اول نمازش رکعت دوم است ، لذا رکعت سوم و چهارم را هم به جا آورد، و در رکعت آخر متوجه شد که در رکعت سوم است ، وظیفه او چیست ؟

ج : واجب است هر رکعتی را که به جا نیاورده ، قبل از سلام نماز به جا آورد و سپس سلام دهد و در این صورت که تشهد واجب نماز را در محل خود انجام نداده ، باید بنا بر احتیاط قضای آن را انجام داده و دو سجده سهو برای آن به جا آورد.

[س ۵۲۲ تعداد رکعتهای نماز احتیاط]

س ۵۲۲: برای مکلّف دانستن تعداد رکعتهای نماز احتیاط، که یك رکعت است یا دو رکعت ، چگونه ممکن است ؟

ج : تعداد رکعتهای نماز احتیاط به مقدار کمبود احتمالی در نماز است . بنا بر این در شك بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است ؛ و در شك بین سه و چهار، یك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته ، واجب است .

[س ۵۲۳ اگر از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی سهواً غلط خوانده شود]

س ۵۲۳: اگر کلمه ای از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت ، سهواً غلط خوانده شود، آیا سجده سهو واجب می شود؟

ج : واجب نیست .

نماز احتیاط

[مسأله ۱۲۱۵ کسی که نماز احتیاط بر او واجب است]

مسأله ۱۲۱۵ کسی که نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند (۱) و به رکوع رود و دو سجده نماید، پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است (۲) بعد از دو سجده ، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد. (۱) (بهجت :) بنا بر أظهر حمد را بخواند .. (۲) (زنجانی :) بعد از رکعت دوّم تشهد خوانده و سلام دهد.

[مسأله ۱۲۱۶ نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد]

مسأله ۱۲۱۶ نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آن است که سوره حمد و «بسم اللّه » آن را هم آهسته بگویند (۱). (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم ، حمد را آهسته بخوانند و احتیاط مستحب آن است که «بسم اللّه » آن را هم آهسته بگویند.

(گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، نوری :) مسأله نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را به زبان نیاورند، و احتیاط واجب آن است که «بسم اللّه الرحمن الرحیم » آن را هم آهسته بگویند.

(زنجانی :) احتیاط ..

(بهجت :) مسأله نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخواند بنا بر لزوم ِ آهسته خواندن در قرائت رکعت سوم و چهارم و نیّت آن را به زبان نیاورد.

(مکارم :) مسأله نماز احتیاط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد، و حمد را باید آهسته بخواند حتّی احتیاط واجب آن است که «بسم اللّه » را نیز آهسته بگوید و در میان اصل نماز و نماز احتیاط، کاری که نماز را باطل می کند انجام ندهد.

[مسأله ۱۲۱۷ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد]

مسأله ۱۲۱۷ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد، نمازی که خوانده درست بوده ، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند. و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید (۱). (۱) (بهجت :) بلکه مثل نماز نافله می شود، که قطع و ادامه آن ، هر دو جایز است .

[مسأله ۱۲۱۸ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط]

مسأله ۱۲۱۸ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعتهای نمازش کم بوده (۱)، چنانچه کاری که نماز را باطل می کند انجام نداده ، باید آن چه از نماز نخوانده بخواند و برای سلام بی جا (۲) دو سجده سهو بنماید (۳). و اگر کاری که نماز را باطل می کند، انجام داده ، مثلًا پشت به قبله کرده ، باید نماز را دوباره به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) مثلًا به جای چهار رکعت سه رکعت خوانده .. (۲) (مکارم :) احتیاطاً .. (۳) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم ..

[مسأله ۱۲۱۹ اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد]

مسأله ۱۲۱۹ اگر بعـد از نمـاز احتیـاط بفهمـد کسـری نمـازش به مقـدار نمـاز احتیاط بوده ، مثلًا در شک بین سه و چهار، یک رکعت نمـاز احتیاط بخوانـد (۱) بعـد بفهمـد نمـاز را سه رکعت خوانـده ، نمـازش صـحیح است . (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) ایستاده بخواند ..

(زنجانی :) دو رکعت نماز احتیاط نشسته بخواند، که به منزله یک رکعت نماز ایستاده است ..

[مسأله ۱۲۲۰ اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد]

مسأله ۱۲۲۰ اگر بعـد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسـری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده (۱)، مثلًا در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط بخوانـد (۲) بعـد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده (۳)، باید (۴) کسـری نماز را به نماز متصل نموده و نماز را هم دوباره بخواند (۵). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب بایـد کسـری نماز را بلا فاصـله به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده کنـد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) ایستاده بخواند .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی ، فاضل :) بایـد نماز را دوباره بخواند. (۴) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب بایـد .. (۵) (گلپایگـانی ، صافی :) چنانچه منافی به جا نیاورده باشـد، بنا بر احتیاط لازم ، کسـری را تمام کنـد و نماز را دوباره بخواند تا یقین کند به تکلیف خود عمل کرده .

[مسأله ۱۲۲۱ اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد]

مسأله ۱۲۲۱ اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده (۱) مثلًا در شک بین سه و چهار (۲) یک رکعت نماز احتیاط بخوانـد (۳)، بعـد بفهمـد نمـاز را دو رکعت خوانـده ، چنانچه بعـد از نماز احتیاط، کاری که نماز را باطل می کنـد انجام داده ، مثلًا پشت به قبله کرده ، باید (۴) نماز را دوباره بخوانـد و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام نداده (۵) باید (۶) دو رکعت کسـری نمـازش را به جـا آورد و نماز را هم دوباره بخوانـد. (۱) (مکارم :) چنانچه بعـد از نماز احتیـاط کـاری که نمـاز را باطل می کنـد انجام نـداده ، احتیاط واجب این است کسـری نماز را به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند. (۲) (زنجـانی :) شک بین دو و سه .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) ایسـتاده بخواند .. (۴) [کلمه «باید» در رساله آیات عظـام : گلپایگانی و صافی نیست] (۵) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) نمـاز احتیـاطش (زنجانی : جزء نماز او) محسوب است و یک رکعت کسری نمازش را به جا آورد و نمازش صحیح است و برای زیادی هر یک از سلام (زنجانی : هر یک از دو سلام :) در اصل نماز و نماز احتیاط دو سجده سهو به جا آورد.

(سیسـتانی :) احتیاط لازم آن است که در این صورت نیز نمازش را دوباره بخواند و اکتفا به ضـمیمه کردن یک رکعت متصل به نماز نکند.

(بهجت :) باید یک رکعت دیگر نماز بخواند و بنا بر احتیاط نمازش را دو مرتبه اعاده کند.

(فاضل :) بایـد کسـری نمازش را به جا آورد و احتیاط این است که اصل نماز را هم دوباره بخواند. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم باید ..

[مسأله ۱۲۲۲ اگر بین دو و سه و چهار شک کند]

مسأله ۱۲۲۲ اگر بین دو و سه و چهار شک کنـد و بعـد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایسـتاده ، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانـده لازم نیست (۱) دو رکعت نمـاز احتیـاط نشسـته را بخوانـد. این مسأله ، در رسـاله آیت اللّه مکـارم نیست (۱) (بهجت :) بنا بر أظهر ..

[مسأله ۱۲۲۳ اگر بین سه و چهار شک کند]

مسأله ۱۲۲۳ اگر بین سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده را می خواند، (۱) یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده باید نماز احتیاط را تمام کند و نمازش صحیح است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت :) موقعی که یک رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند ..

(۲) (خوئی ، تبریزی :) و برای سلام زیادی سجده سهو بنماید و اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته می خواند یادش بیاید، پس اگر قبل از رکوع اوّل یادش بیاید، بایستد و نماز را مطابق کسری که دارد تمام نماید و اگر بعد از رکوع یادش بیاید، نمازش باطل است .

(بهجت :) بنا بر أظهر. ولی اگر در اثناءِ دو رکعت نماز احتیاط نشسته یادش بیاید باید احتیاطاً نمازش را اعاده کند.

(گلپایگانی ، صافی :) باید نماز احتیاط را رها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری را به جا آورد و نماز را دوباره بخواند.

(سیستانی :) باید نماز احتیاط را رها کند و چنانچه پیش از داخل شدن در رکوع یادش آمده باشد یک رکعت به طور متّصل بخواند و نمازش صحیح است و برای سلام زیادی بنا بر احتیاط لازم دو سجده سهو بنماید و امّا اگر پس از داخل شدن در رکوع یادش آمده باشد، باید نماز را دوباره بخواند و بنا بر احتیاط نمی تواند اکتفا به ضمیمه کردن رکعت باقی مانده نماید.

(زنجانی :) مسأله اگر بین دو و سه شک کند و موقعی که یک رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده نماز احتیاط را رکعت چهارم محسوب کرده ، آن را تمام کند و نمازش صحیح است و برای سلام زیادی سجده سهو بنماید، و به احتیاط استحبابی نماز را نیز دوباره بخواند. و اگر بین سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته می خواند یادش بیاید نماز را سه رکعت خوانده ، اگر قبل از رکوع اول یادش بیاید، بایستد و به احتیاط واجب قرائت را به قصد آن چه مطلوب شارع است دوباره بخواند و باید نماز را تمام نماید و اگر در رکوع اول یا پس از آن یادش بیاید، نمازش باطل است .

(فاضل :) مسأله اگر بین سه و چهار شک کند و موقعی که نماز احتیاط را می خواند یادش بیاید که سه رکعت خوانده باید نماز احتیاط را تمام کند، هر چند دو رکعت نشسته باشد و احتیاط در اعاده نماز در این صورت ترک نشود.

[مسأله ۱۲۲۴ اگر بین دو و سه و چهار شک کند]

مسأله ۱۲۲۴ اگر بین دو و سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند (۱) پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده (۲)، باید بنشیند و نماز احتیاط را یک رکعتی تمام کند (۳) و بنا بر احتیاط مستحب نماز را دوباره بخواند (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده ، نظیر آن چه در مسأله گذشته گفته شد در اینجا جاری است . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) باید نماز احتیاط را رها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری نماز را به جا آورد و نماز را دوباره بخواند. (۳) (خوئی ، زنجانی :) و برای سلام زیادی سجده سهو بنماید (زنجانی : و اگر در رکوع رکعت دوّم یا بعد از آن یادش بیاید نمازش باطل است). (بهجت :) و بنا بر اظهر نمازش صحیح است .

(۴) (نوری :) بنا بر احتیاط واجب نماز را هم دوباره بخواند.

(تبریزی :) بهتر آن است که نماز را دوباره بخواند. (فاضل :) احتیاط به اعاده نماز ترک نشود.

[مسأله ۱۲۲۵ اگر در بین نماز احتیاط بفهمد]

مسأله ۱۲۲۵ اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده (۱)، چنانچه نتواند نماز احتیاط را مطابق کسری نمازش تمام کند، باید آن را رها کند (۲) و کسری نماز را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب ، نماز را دوباره بخواند (۳)، مثلًا در شک بین سه و چهار اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می خواند، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده ، (چون نمی تواند دو رکعت نشسته را به جای دو رکعت ایستاده حساب کند، به احتیاط واجب (۴)) باید نماز احتیاط نشسته را رها کند (۵) و دو رکعت کسری نمازش را بخواند و (۶) نماز را هم دوباره به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) نظیر آن چه در مسأله [۱۲۲۳] گفته شد در اینجا می آید. [پایان مسأله] (۲) (فاضل :) و نماز را دوباره بخواند مثلًا در شک بین دو و چهار اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند و به رکوع رکعت دوّم رفته یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده باید نماز را دوباره به جا آورد. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده باید آن را رها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری نماز را به جا آورد و نماز را دوباره بخواند ..

(خوئی ، تبریزی :) باید آن را رها کند و در این صورت اگر ممکن باشد، کسری نماز را به جا آورد و اگر ممکن نباشد نماز را دو باره بخواند ..

(بهجت :) باید آن را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند .. (۴) [عبارت « به احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : خوئی ، بهجت ، تبریزی و نوری نیست] [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۵) (خوئی ، تبریزی :) پس اگر قبل از رکوع اوّل نماز احتیاط یادش آمده بود باید کسری نمازش را بخواند و اگر بعد از آن بوده باید نماز را دوباره به جا آورد.

(بهجت :) باید بعد از تمام کردن نماز احتیاط، نماز را احتیاطاً اعاده نماید و احتیاط بیشتر در این است که اگر قبل از رکوع رکعت اوّل متوجّه نقصان نماز شد، بایستد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند و بعد نمازش را دو مرتبه اعاده کند. (۶) (نوری :) و احتیاطاً ..

(اراکی :) مسأله اگر در هنگام خواندن نماز احتیاط، مقدار کمبود رکعات نماز را یادش بیاید، مسأله چند صورت دارد: الف : نماز احتیاطی که می خواند، با کمبود نماز هم در تعداد رکعات و هم در کیفیّت ، یکنواخت است ، مثل آن که در نماز شک بین سه و چهار برایش پیش آمده و وقتی مشغول خواندن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده است یادش می آید که نمازش سه

رکعت بوده ، پس باید یک رکعت نماز احتیاط را تمام کند و نمازش صحیح است . ب : نماز

احتیـاطی که می خوانـد با کمبود نماز هم در تعـداد رکعات و هم در کیفیّت مختلف است ، مثل آن که در مثال فوق هنگامی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته می خواند متوجّه شود نمازش سه رکعت بوده است که باید دو رکعت نماز را به پایان ببرد و نمـازش صـحیح است . ج : نمـاز احتیـاطی که می خوانـد بـا کمبود نماز از نظر تعـداد رکعت مختلف است ولی از نظر کیفیّت موافق است مثل آن که در نماز شک بین دو و سه و چهار پیش آمـده و هنگام خوانـدن دو رکعت نماز احتیاط ایسـتاده متوجّه می شود که نمازش سه رکعت بوده که اگر وارد رکوع رکعت دوّم نشـده باشد باید کمبود نماز را تمام نماید و نماز را دوباره بخوانـد. د: نمـاز احتیـاطی که می خوانـد با کمبود نماز از نظر تعـداد رکعت با هم یکنواخت است و لی از نظر کیفیّت مختلف می باشد که در مثال فوق ، هنگام خواندن دو رکعت نماز احتیاط نشسـته (بر فرض آن که مقدّم داشـتن دو رکعت نشسته جایز باشـد) یادش بیایـد نمازش دو رکعت بوده که اگر وارد رکوع اوّل نشـده است بنا بر احتیاط واجب باید کمبود نمازش را تمام کرده و نماز را دوباره بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر در بین نماز احتیاط بفهمـد کسـری نمازش بیشتر یا کمتر بوده ، چنانچه بتوانـد باید نماز احتیاط را مطابق کسـری نمـازش تمـام کنـد؛ مثلًا اگر شک بین دو و سه کرده و موقعی که یک رکعت نماز احتیاط ایسـتاده می خوانـد بفهمد نمازش را دو رکعتی خوانده ، باید یک رکعت نماز احتیاط را رکعت سوم خود حساب کرده آن را تمام نماید، سـپس رکعت چهارم نمازش را بخوانـد. و اگر نتواند نماز احتیاط را مطابق کسـری نمازش تمام کند باید آن را رها کند، در این صورت اگر ممکن باشد کسری نماز را به جا آورد و اگر ممکن نباشد نماز را دوباره بخواند؛ مثلا در شک بین سه و چهار، اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسـته را می خوانـد یادش بیایـد که نماز را دو رکعت خوانـده چون نمی تواند دو رکعت نشسـته را به جای دو رکعت ایستاده حساب کنـد بایـد نماز احتیاط نشسـته را رها کند، پس اگر قبل از رکوع اول نماز احتیاط یادش آمده بایـد بایسـتد و به احتیاط واجب قرائت را به قصـد آن چه مطلوب شارع است به جا آورده و پس از آن بایـد کسـری نمازش را بخوانـد و اگر بعـد از رکوع یادش بیایـد بایـد نماز را دوباره بخواند. و نیز اگر در شک بین دو و چهار هنگامی که مشـغول دو رکعت نماز احتیاط ایستاده است بفهمد نماز خود را سه رکعتی خوانده ، پس اگر در رکعت اول است ، این رکعت را رکعت چهارم به حساب آورده ، نمازش را تمام می کند و اگر در رکعت دوم قبل از رکوع باشد، باید آن رکعت را رها کرده نشسـته ، تشهد و سلام بخواند و نماز را تمام کند و اگر پس از رکوع باشد نمازش باطل است . و در همه صورتهای مسأله اگر نماز را تمام می کند، به جهت زیادی سلام باید دو سجده سهو به جا آورد.

[مسأله ۱۲۲۶ اگر شک کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده به جا آورده یا نه]

مسأله ۱۲۲۶ اگر شک کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده به جا آورده یا نه (۱)، چنانچه وقت نماز گذشته به شک خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد (۲)، در صورتی که مشغول کار دیگری نشده (۳) و از جای نماز برنخاسته (۴) و کاری هم مثل رو گرداندن از قبله (۵) که نماز را باطل می کنـد انجام نـداده بایـد نماز احتیاط را بخواند (۶) و اگر مشـغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می کند به جا آورده ، یا بین نماز و شک او زیاد طول

کشیده ، احتیاط استحبابی آن است که نماز احتیاط را به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند (۷)، اگر چه می تواند بنا بر انجام نماز احتیاط گذارد و بر همان اکتفا نماید. (۱) (بهجت :) بنا می گذارد که خوانده است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که در صورتی که از حال نماز خارج نشده ، آن را به جا آورد. [پایان مسأله] (۲) (صافی :) و یا محل به جا آوردن نماز احتیاط بعد از وقت باشد، مثل کسی که بیشتر از یک رکعت از وقت را درک نکرده باشد .. (۳) (مکارم :) باید نماز احتیاط را بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می کند به جا آورده است احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند. (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) اگر وقت دارد در صورتی که بین شک و نماز زیاد طول نکشیده (سیستانی : و در کار دیگری وارد نشده است) .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) مثل پشت کردن به قبله .. (۶) (خویی ، تبریزی ، زنجانی :) و اگر کاری که نماز را باطل می کند به جا آورده ، یا بین نماز و شک ّاو زیاد طول کشیده اعتنا به شک ّننماید.

(سیستانی :) و اگر کاری که نماز را باطل می کند به جا آورده ، یا در کار دیگری وارد شده یا بین نماز و شک او زیاد طول کشیده بنا بر احتیاط لازم باید نماز را دوباره بخواند. (۷) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب ((فاضل ، نوری :) احتیاط) آن است که نماز احتیاط را به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۲۲۷ اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کند]

مسأله ۱۲۲۷ اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کند (۱)، یا مثلًا به جای یک رکعت دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می شود (۲) بنا بر احتیاط واجب ، و باید دوباره نماز احتیاط واصل نماز را بخواند. (۱) (بهجت :) کم یا زیاد کند .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، نوری :) و باید دوباره نماز احتیاط و اصل نماز را بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) و باید دوباره اصل نماز را بخواند.

(فاضل :) و بعید نیست که در این حال تنها به اعاده اصل نماز اکتفا کند.

(بهجت :) و احتیاط در جایی که سهواً نماز احتیاط را باطل کرده باشد، این است که نماز احتیاط و اصل نماز را دوباره بخواند.

(سیستانی :) مسأله اگر در نماز احتیاط به جای یک رکعت دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می شود و باید دوباره اصل نماز را بخواند و هم چنین است بنا بر احتیاط لازم اگر در نماز احتیاط رکنی را اضافه کند.

(زنجانی :) مسأله نماز احتیاط به منزله اجزاء نماز اصلی است ، پس اگر در آن مثلًا رکوع را زیاد کند یا به جای یک رکعت ، دو رکعت بخواند نماز احتیاط باطل می شود، و باید دوباره اصل نماز را بخواند.

(مکارم :) مسأله دستور نماز احتیاط از نظر کم و زیاد کردن رکن و اجزاء غیر رکن و شک در به جا آوردن اجزاء، مانند سایر

نمازهای واجب است .

[مسأله ۱۲۲۸ موقعی که مشغول نماز احتیاط است]

مسأله ۱۲۲۸ موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شک کند، چنانچه محل آن نگذشته ، باید به جا آورد (۱) و اگر محلش گذشته ، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلًا اگر شک کند که حمد خوانده یا نه ، چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به رکوع رفته باید به شک خود اعتنا نکند. (۱) (بهجت :) باید به شک خود اعتنا نکند، اگر چه محل آن نگذشته باشد بنا بر أظهر.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۲۷.

[مسأله ۱۲۲۹ اگر در شماره رکعتهای نماز احتیاط شک کند]

مسأله ۱۲۲۹ اگر در شماره رکعتهای نماز احتیاط شک کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد (۱) ولی چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند (۲)، بنا بر کمتر گذارد (۳) و احتیاط مستحب آن است که نماز احتیاط را دوباره بخواند و بعد از آن اصل نماز را اعاده نماید. (۱) (فاضل :) و نماز را ادامه دهد و صحیح است .. (۲) (نوری :) باید نماز را از سر بخواند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست . (۳) (مکارم :) و نمازش صحیح است . (فاضل :) و نماز را تمام کند و اصل نماز را هم اعاده کند.

(اراکی :) مسأله اگر در شماره رکعتهای نماز احتیاط شک کند، بنا بر احتیاط واجب باید یا بنا را بر بیشتر بگذارد یا کمتر ولی چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند بنا بر کمتر گذارد و یا در هر حال بنا را بر کمتر بگذارد و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را دوباره بخواند و بعد از آن اصل نماز را اعاده نماید.

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) مسأله اگر در شماره رکعتهای نماز احتیاط شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد (گلپایگانی ، صافی : و در هر دو صورت بعد از تمام شدن نماز احتیاط، اصل نماز را نیز بنا بر احتیاط دوباره بخواند.) مثلًا موقعی که مشغول خواندن دو رکعت نماز احتیاط است اگر شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت ، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و اگر شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت ، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است (گلپایگانی ، صافی : و اصل نماز را نیز اعاده نماید).

(بهجت :) مسأله اگر در عدد رکعات نماز احتیاط شک کند، به آن اعتنا نمی کند و بنا بر أظهر بنا را بر صحیح بودن نماز می گذارد. و اگر بعد از نماز شک کرد که احتیاط لازم ، یک رکعت است یا دو رکعت ، احتیاطاً هر دو را به جا می آورد و سپس نماز را اعاده می کند.

(زنجانی :) مسأله اگر موقعی که مشغول نماز احتیاط است در شماره رکعتهای آن شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطـل می کنـد، به احتیـاط واجب بنا را بر کمتر بگـذارد و پس از پایان نماز احتیاط، اصل نماز را دوباره بخوانـد، و اگر طرف بیشتر نماز را باطل نمی کنـد، به احتیاط واجب بنا را بر بیشتر بگـذارد و پس از پایان نماز احتیاط، اصل نماز را دوباره بخوانـد؛ مثلًا موقعی که مشغول خواندن دو رکعت نماز احتیاط است ، اگر شک

کنـد که دو رکعت خوانـده یـا سه رکعت ، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل می کنـد، به احتیاط واجب بنا بگـذارد که دو رکعت خوانـده و پس از پایان نماز احتیاط، اصل نماز را دوباره بخوانـد، و اگر شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت ، چون طرف بیشتر نماز را باطل نمی کند، به احتیاط واجب بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و پس از پایان نماز احتیاط، اصل نماز را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۲۳۰ اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود]

مسأله ۱۲۳۰ اگر در نمـاز احتیـاط چیزی که رکن نیست سـهواً کم یا زیاد شود، سـجده سـهو نـدارد (۱). (۱) (اراکی :) بنـا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) [اگر] از چیزهایی باشد که در خود نماز سـجده سهو دارد احتیاط لازم آن است که سجده سهو را به جا آورد و اگر از چیزهایی است که سجده سهو ندارد در نماز احتیاط نیز لازم نیست .

(فاضل :) أقوی این است که سجده سهو ندارد. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۲۳۹).

(مکارم :) مسأله برای کم و زیاد کردن اجزاء نماز احتیاط از روی سهو، سجده سهو واجب نیست .

[مسأله ۱۲۳۱ اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند]

مسأله ۱۲۳۱ اگر بعـد از سـلام نماز احتیاط شک کنـد که یکی از اجزاء یا شـرایط آن را به جا آورده یا نه ، به شک خود اعتنا نکند (۱). (۱) (بهجت :) و اگر سـهواً در نمـاز احتیـاط، کلاـم بی جـا گفت ، بنـا بر أظهر سـجده سـهو واجب نیست ، اگر چه احتیاط در به جا آوردن است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۳۵.

[مسأله ۱۲۳۲ اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کند]

مسأله ۱۲۳۲ اگر در نمـاز احتیاط، تشـهد یا یک سـجده را فراموش کنـد (۱)، احتیـاط آن است که بعـد از سـلام ، آن را قضـا نماید، اگر چه واجب نیست (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و در جای خود تدارکش ممکن نباشد .. (۲) اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، (مکارم ، صافی ، فاضل :) احتیاط واجب آن است که بعد از سلام نماز، آن را (سیستانی : سجده را) قضا نماید.

(نوری :) احتیاط مستحب آن است که بعد از سلام ، آن را قضا نماید.

[مسأله ۱۲۳۳ اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده بر او واجب شود]

مسأله ۱۲۳۳ اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود، باید (۱) اول نماز احتیاط را به جا آورد (۲). (۱) (فاضل :) بنا بر أقوی باید .. (۲) (مکارم :) بعد قضای سجده یا تشهّد را و بعد سجده سهو را .

(اراکی :) مسأله اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد بر او واجب شود هر کدام را بخواهد می تواند اوّل به جا آورد، گر چه احتیاط مستحب است که اوّل نماز احتیاط را بخوانـد ولی چنانچه سجده سهو هم بر او واجب باشد، باید سجده سهو را بعد از آنها به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله اگر نماز احتیاط و دو سجده سهو بر او واجب شود، باید اوّل نماز احتیاط را به جا آورد و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر نماز احتیاط و قضای سجده بر او واجب شود.

(بهجت :) مسأله اگر هم نماز احتیاط و هم سجده سهو بر نمازگزار لازم شد، بنا بر اظهر باید نماز احتیاط را بر سجده سهو، مقدّم بدارد؛ و اگر همراه با نماز احتیاط، قضای سجده یا تشهّد هم بر او واجب شد، پس در لزوم تقدیم آنها بر نماز احتیاط و یا تأخیر، تأمّل است ؛ و در هر صورت ، علاوه بر به جا آوردن آن دو، أحوط اعاده نماز است .

[مسأله ۱۲۳۴ حکم گمان در رکعتهای نماز حکم یقین است]

مسأله ۱۲۳۴ حکم گمان در رکعتهای نماز حکم یقین است ، (۱) مثلًا اگر در نماز چهار رکعتی انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده ، نباید نماز احتیاط بخواند (۲)، ولی اگر در غیر رکعتها گمان پیدا کند باید به احتیاط عمل نماید و دستور در هر موردی طور مخصوصی است که در کتابهای مفصّل گفته شده است . (۱) (مکارم :) یعنی باید بنا بر گمان بگذارد و نماز را ادامه دهد، ولی اگر در رکعت اول و دوم باشد، احتیاط واجب این است که نماز را بعداً نیز اعاده کند. (۲) (فاضل :) و همین طور در غیر رکعتها گمان معتبر است هر چند بهتر است به احتیاط عمل کند.

(بهجت :) و هم چنین اگر به افعال نماز گمان پیدا کرد، مثلًا گمان کرد که حمد خوانده است مثل این است که یقین کرده و لازم نیست بخواند؛ و اگر گمان کرد که نخوانده ، باید دو مرتبه بخواند؛ چه گمان به چیزی پیدا کند که موجب صحیح بودن نماز است یا به چیزی که نماز را باطل می کند؛ به رکنی از ارکان نماز گمان پیدا کند یا به غیر رکن ؛ موقع شک یا فراموشی ، گمان حاصل شود یا خودبخود گمان پیدا کند. در تمام این صورتها، گمان داشتن مانند یقین است و حکم یقین را دارد اگر چه احتیاط مستحب در این است که اگر گمان به انجام دادن فعلی پیدا کرد که رکن نیست ، دو مرتبه آن را انجام بدهد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله حکم گمان در نماز مثل حکم یقین است مثلًا اگر انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده ، نباید نماز احتیاط بخواند و اگر گمان دارد رکوع کرده ، نباید آن را به جا آورد و اگر گمان دارد حمد را نخوانده ، چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به رکوع رفته نمازش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله حکم گمان در نماز نسبت به رکعات مثل حکم یقین است . مثلًا اگر نداند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت و گمان داشته باشد که دو رکعت خوانده بنا می گذارد که دو رکعت است و اگر در نماز چهار رکعتی گمان دارد که چهار رکعت خوانده ، نباید نماز احتیاط بخواند و امّا نسبت به افعال ، گمان حکم شک را دارد پس اگر گمان دارد رکوع کرده در صورتی که داخل سجده نشده است باید آن را به جا آورد و اگر گمان دارد حمد را نخوانده ، چنانچه در سوره داخل شده باشد اعتنا به گمان ننماید و نمازش صحیح است .

(زنجانی :) گمان در نماز نسبت به رکعات ، حکم یقین را دارد ..

(سیستانی :) نماز احتیاط ندارد ..

(زنجانی :) لازم نیست نماز احتیاط بخواند؛ و اما در مورد افعال ، چنانچه

گمـان به انجـام کـاری یا ترک کاری داشـته باشـد بنا بر احتیاط واجب بر طبق گمان عمل کنـد و اگر کار او بر خلاف وظیفه شک بود، نمازش را نیز دوباره بخواند.

[مسأله ۱۲۳۵ حکم شک و سهو و گمان]

مسأله ۱۲۳۵ حکم شـک و سـهو و گمـان در نمازهـای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر (۱) فرق نـدارد، مثلًا اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت ، چون شک او در نماز دو رکعتی است ، نمازش باطل می شود (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر غیر یومیه .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی :) و اگر گمان داشته باشد که دو رکعت یا یک رکعت است ، بر طبق گمان خود نماز را تمام می نماید. (مکارم :) هم چنین سایر احکام شک و سهو و ظن

سجده سهو

[مسأله ۱۲۳۶ برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به جا آورد]

مسأله ۱۲۳۶ برای سه چیز (۱) بعد از سـلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد: اول : آن که در بین نماز، سـهواً حرف بزنـد. دوم : آن که یک سـجده را فراموش کنـد. سوم : آن که در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوّم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت (۲) و در دو مورد (۳) هم احتیاط واجب آن است که سجده سهو بنماید: اول در جایی که نباید نماز را سـلام دهد مثلًا در رکعت اول سـهواً سـلام بدهد. دوم آن که تشهد را فراموش کند (۴). (۱) (اراکی :) شش چیز .. (بهجت :) پنج چیز .. (۲) (اراکی :) [و] چهارم : در جایی که نباید نماز را سلام دهد مثلًا در رکعت اوّل سـهواً سـلام دهد. پنجم : آن که تشـهّد را فراموش کند. شـشم : در جایی که باید بنشـیند، اشتباهاً بایستد و یا در جایی که باید بایسـتد اشتباهاً بنشیند و بنا بر احتیاط واجب باید برای هر چیزی که در نماز زیاد کند و یا کم کند و زمانی یادش بیاید که نتواند آن را به جا آورد، سجده سهو به جا آورد.

(بهجت :) ولی اگر قبل از تمام شـدن سـجده دوّم شک کند، عمل به وظیفه ای که قبلًا گفته شد، می نماید و بنا بر احتیاط، دو سجـده سـهو به جا می آورد؛ و هم چنین اگر در حال ایسـتاده شک کرد که شـش رکعت خوانده یا پنج رکعت ، بدون رکوع می نشیند و تشـهّد خوانده ، سـلام می دهد و دو سجده سهو برای ایستادن بی جا و دو سجده دیگر برای شکّی که کرده بنا بر احتیاط انجام می دهـد. چهارم : جایی که نبایـد نماز را سـلام دهـد، مثلًا در رکعت اوّل ، سـهواً سـلام بدهد. پنجم : اگر سـهواً چیزی از غیر رکن را کم یا زیاد کند، بنا بر احتیاط دو سـجده سـهو به جا می آورد. (۳) (نوری :) در سه مورد .. (۴) (نوری :) [و] سوم : در جایی که باید بایستد اشتباهاً بنشیند یا در جایی که باید بنشیند، اشتباهاً بایستد.

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی ، فاضل :) مسأله برای پنج چیز بعد از سـلام نماز، انسان باید دو سـجده سـهو به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد. اوّل : آن که در بین

نماز، سـهواً حرف بزنند. دوّم : جایی که نباید سـلام نماز را بدهد، مثلًا در رکعت اوّل سـهواً سلام بدهد. سوّم : آن که تشهّد را فراموش کنـد. چهارم : آن که در نماز چهار رکعتی بعـد از تمامی ذکر سـجده دوّم شک کنـد که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت . پنجم : آن که یک سـجده را فراموش کنـد یا این که (زنجانی : بنا بر احتیاط مسـتحب) در جایی که باید بایسـتد مثلًا موقع خوانـدن حمد و سوره اشـتباهاً بنشـیند و در موقعی که باید بنشـیند؛ مثلًا موقع تشـهّد اشـتباهاً بایسـتد. (خوئی : در این سـه صورت بنا بر احتیاط واجب باید) دو سـجده سـهو به جا آورد. بلکه برای هر چیزی که در نماز اشـتباهاً کم یا زیاد کند احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بنماید. و احکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) سوّم : آن که یک سـجده را فراموش کند. چهارم : آن که تشهّد را فراموش کند. پنجم : آن که در نماز چهار رکعتی بعـد از سـجده دوّم شک کنـد که چهار رکعت خوانـده یا پنـج رکعت و اگر در جایی که بایـد بایسـتد مثلًا موقع خواندن حمد و سوره اشـتباهاً بنشـیند یا در جایی که باید بنشـیند مثلًا موقع خواندن تشـهّد اشتباهاً بایستد، بنا بر احتیاط واجب ، باید دو سجده سهو به جا آورد بلکه برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بنماید. و احکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می شود.

(فاضل :) بعد از سجده دوّم ..

(زنجانی :) چهارم : آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت ، به تفصـیلی که در صورت چهارم مسأله [۱۱۹۹] گذشت ..

(تبریزی :) یا این که در جایی که بایـد بایسـتد مثلًا موقع خوانـدن حمد و سوره اشـتباهاً بنشـیند یا در جایی که باید بنشـیند مثلًا موقع خواندن تشهد اشتباهاً بایستد در همه این صُوَر بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو به جا آورد و در غیر اینها برای هر چیزی که در نماز اشـتباهاً کم یا زیاد کنـد احتیاط مسـتحب آن است که دو سـجده سـهو بنماید. و احکام این چند صورت در مسائلی گفته می شود.

(فاضل :) [و] احتیاط مستحب این است که برای قیام و یا جلوس زاید بلکه برای هر زیادی یا نقص سجده سهو به جا آورد.

(سیسـتانی :) مسأله در دو مورد بعد از سلام نماز انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد: اوّل : آن که تشـهد را فراموش کنـد. دوّم : آن که در نمـاز چهـار رکعتی بعـد از داخـل شـدن در سـجده دوّم شک کنـد که چهار رکعت خوانـده یا پنـج رکعت یا شک کنـد که چهار رکعت خوانـده یا شـش رکعت هم چنان که در مورد چهارم از شـکهای صحیـح گـذشت . و در سه مورد بنا بر احتیاط واجب سـجده سـهو لازم است : اوّل : آن که اجمالًا بدانـد که در نماز چیزی را اشـتباهاً کم یا زیاد کرده و نماز هم محکوم به صـحت باشد. دوّم : آن که در بین نماز، سهواً حرف بزنند. سوّم : جائی که نباید سلام نماز را بدهد، مثلًا در رکعت اوّل سهواً سلام بدهد.

و احتیاط مستحب آن است که اگر یک سجده را فراموش کند یا این که در جائی که باید بایستد مثلًا در موقع خواندن حمد و سوره اشتباهاً بنشیند، و در موقعی که باید بنشیند مثلًا موقع تشهد، اشتباهاً بایستد، دو سجده سهو به جا آورد؛ بلکه برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند، دو سجده سهو بنماید و احکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می شود.

(مکارم :) مسأله برای چند چیز بنا بر احتیاط واجب باید بعد از نماز دو سجده سهو به دستوری که گفته می شود به جا آورد: (۱) کلام بی جا، یعنی سهواً به گمان این که نماز تمام شده حرف بزند. (۲) سلام بی جا، یعنی مثلًا در رکعت دوّم نماز چهار رکعتی سلام بدهد. (۳) سجده فراموش شده . (۴) تشهّد فراموش شده . (۵) به جای ایستادن سهواً بنشیند، یا به جای نشستن برخیزد. (۶) در شک میان «چهار و پنج » بعد از سجده دوّم واجب است نماز را تمام کند، بعداً دو سجده سهو به جا آورد. و برای کم و زیاد کردن غیر اینها سجده سهو مستحب است .

[مسأله ۱۲۳۷ اگر انسان اشتباهاً حرف بزند]

مسأله ۱۲۳۷ اگر انسان اشتباهاً یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند، باید (۱) دو سجده سهو به جا آورد. (۱) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۲۳۶)، شماره ۱.

[مسأله ۱۲۳۸ برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می شود]

مسأله ۱۲۳۸ برای حرفی (۱) که از آه کشیدن و سرفه پیدا می شود، سجده سهو واجب نیست ، ولی اگر مثلًا سهواً آخ یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید. این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) برای صدایی ..

(سیستانی :) مسأله برای صدایی که از سرفه کردن پیدا می شود، سجده سهو واجب نیست . ولی اگر سهواً ناله بکند یا آه بکشد یا آه بگوید، باید بنا بر احتیاط واجب سجده سهو نماید.

[مسأله ۱۲۳۹ اگر چیزی را که غلط خوانده]

مسأله ۱۲۳۹ اگر چیزی را که غلط خوانده (۱) دوباره به طور صحیح بخواند، برای دوباره خواندن آن سجده سهو واجب نیست (۲). (۱) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) سهواً غلط خوانده .. (۲) (بهجت :) و هم چنین اگر در بین نماز احتیاط موجبات سجده سهو پیش بیاید، بنا بر اظهر سجده سهو واجب نمی شود.

[مسأله ۱۲۴۰ اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند]

مسأله ۱۲۴۰ اگر در نماز سهواً مدتی (۱) حرف بزند (۲) و تمـام آنها یک مرتبه حساب شود (۳)، دو سجده سهو بعد از سلام نمـاز کافی است (۴). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) سـهواً چنـد کلمه .. (۲) (سیسـتانی :) و همه آن ناشـی از یک اشـتباه باشد دو سجده سـهو بعد از سلام نماز کافی است . (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجـانی :) عرفاً یک مرتبه حساب شود .. (۴) (فاضل :) برای تمام آنها کافی است .

(مکـارم :) مسـأله اگر در نمـاز چنـد کلمه یـا چنـد جمله بگویـد به طوری که از صورت نمازگزار خارج نشود و همه آن یکی حساب شود، دو سجده سهو برای همه کافی است .

[مسأله ۱۲۴۱ اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید]

مسأله ۱۲۴۱ اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید (۱) یا بیشتر یا کمتر از سه مرتبه بگوید (۲)، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد (۳). (۱) (بهجت :) یا کمتر از یک مرتبه بگوید، دو سجده سهو به جا می آورد. (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، سیستانی :) اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید (گلپایگانی ، صافی : یا بیشتر از سه مرتبه بگوید) .. (۳) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۳۶، شماره ۶.

[مسأله ۱۲۴۲ اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید]

مسأله ۱۲۴۲ اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید: « السلام علینا و علی عباد اللّه الصالحین » (۱) یا بگوید: « السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته » باید دو سجده سهو بنماید (۲) ولی اگر اشتباهاً مقداری از این دو سلام را بگوید، یا بگوید: « السلام علیک أیها النبی و رحمه اللّه و برکاته » احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) یا بگوید: «السّلام علیکم »، اگر چه «و رحمه اللّه و برکاته » را نگفته باشد باید (سیستانی : بنا بر احتیاط لازم) دو سجده سهو بنماید، ولی اگر اشتباهاً بگوید: «السّلام علیک أیّها النّبی ّو رحمه اللّه و برکاته » احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد (سیستانی : ولی اگر دو حرف یا بیشتر از سلام را بگوید بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو انجام دهد). (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین اگر سهواً مقداری از این دو سلام را بگوید باید دو سجده سهو بنماید ولی اگر سهواً بگوید: « السلام علیک أیّها النبی و رحمه اللّه و برکاته » احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد. (۳) (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو به جا آورد.

(فاضل :) احتیاط آن است که دو سجده سهو به جا آورد.

(مکارم :) مسأله هر گاه اشتباهاً «السّلام علیک أیّها النّبی ّو رحمه اللّه و برکاته » را بگوید سجده سهو واجب نیست ، بلکه مستحب است ، ولی اگر مقداری از دو سلام دیگر را بگوید، احتیاط واجب انجام سجده سهو است .

[مسأله ۱۲۴۳ اگر در جایی که نباید سلام دهد]

مسأله ۱۲۴۳ اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتباهاً (۱) هر سه سلام را بگوید، دو سجده سهو کافی است (۲). (۱) (بهجت :) به نیّت سلام اشتباهاً .. (اراکی :) بنا بر احتیاط واجب باید سه سجده سهو به جا بیاورد.

[مسأله ۱۲۴۴ اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند]

مسأله ۱۲۴۴ اگر یک سـجده یا تشـهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید (۱)، باید برگردد و به جا آورد (۲). این مسـأله ، در رسـاله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (بهجت :) و یـا گمان کنـد که سـجده را از رکعت پیش فراموش کرده است .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) و بعد از نماز، بنا بر احتیاط

واجب (سیستانی ، زنجانی : بنا بر احتیاط مستحب) برای ایستادن بی جا دو سجده سهو بنماید.

(بهجت :) و بعد از نماز، برای قیام بی جا احتیاطاً دو سجده سهو به جا آورد و هم چنین بنا بر أحوط دو سجده سهو دیگر برای زیاد شدن قرائت یا تسبیحات اگر آنها را خوانده باشد به جا آورد.

(فاضل :) و سجده سهو برای زیادی ها که انجام شده واجب نیست .

[مسأله ۱۲۴۵ اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید]

مسأله ۱۲۴۵ اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده ، باید بعد از سلام نماز (۱) سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (بهجت :) باید بعد از سلام نماز بنا بر أظهر سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن برای تشهّد فراموش شده ، دو سجده سهو و بنا بر احتیاط واجب برای یک سجده فراموش شده نیز دو سجده سهو به جا آورد.

(سیستانی :) باید بعد از سلام نماز، سجده را قضا نماید و برای تشهّد دو سجده سهو به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده را از رکعت پیش فراموش کرده ، باید بعد از سلام ، سجده را قضا نموده و دو سجده سهو نیز به جا آورد، و بنا بر احتیاط قضای سجده را پیش از دو سجده سهو انجام دهد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده ، باید بعد از سلام نماز دو سجده سهو به جا آورد و قضای تشهد به طور مستقل نمی باشد بلکه در ضمن سجده سهو انجام گرفته است .

[مسأله ۱۲۴۶ اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورد]

مسأله ۱۲۴۶ اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورد، معصیت کرده (۱) و واجب است هر چه زودتر (۲) آن را انجام دهد (۳) و چنانچه سهواً به جا نیاورد، هر وقت یادش آمد باید (۴) فوراً انجام دهد (۵) و لازم نیست نماز را دوباره بخواند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) ولی نماز باطل نمی شود .. (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید هر چه زودتر .. (۳) (مکارم :) ولی نمازش باطل نیست . [پایان مسأله] (۴) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط باید .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۲۴۷ اگر شک دارد که سجده سهو بر او واجب شده]

مسأله ۱۲۴۷ اگر شک دارد که سجده سهو (۱) بر او واجب شـده یا نه لازم نیست به جا آورد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر شک دارد مثلًا دو سجده سهو ..

[مسأله ۱۲۴۸ کسی که شک دارد مثلًا دو سجده سهو بر او واجب شده]

مسأله ۱۲۴۸ کسی که شک دارد مثلًا دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا، اگر دو سجده بنماید کافی است .

[مسأله ۱۲۴۹ اگر بداند یکی از دو سجده سهو را به جا نیاورده]

اشاره

مسأله ۱۲۴۹ اگر بداند یکی از دو سجده سهو را به جا نیاورده (۱) باید دو سجده سهو به جا آورد و اگر بداند سهواً سه سجده کرده ، باید دو باره دو سجده سهو بنماید (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (خوئی ، تبریزی :) و تدارک ممکن نباشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که دوباره دو سجده سهو بنماید.

(گلپایگانی :) مسأله اگر بداند یکی از دو سجده سهو را به جا نیاورده و یا بداند سهواً سه سجده سهو کرده ، باید دوباره دو سجده سهو بنماید.

(صافی :) و تدارک آن ممکن نباشد ..

(سیستانی :) و تدارک آن به سبب فاصله زیاد ممکن نباشد ..

(زنجانی :) مسأله بین دو سجده سهو نباید زیاد فاصله بیندازد، به طوری که عرفاً دو کار به شمار آید؛ پس اگر عمداً یا سهواً بین دو سجده سهو فاصله زیاد بیندازد، باید دو سجده سهو را از سر بگیرد و اگر عمداً یا سهواً سه سجده نیز انجام دهد، باید دوباره سجده سهو نماید.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۱۷ اگر واجبی از واجبات سجده سهو را فراموش کرد، اگر محلّ آن نگذشته ، آن را به جا می آورد و اگر بعد از سلام فهمید، بنا بر احتیاط سجده سهو را اعاده کند.

(بهجت :) مسأله ۱۰۱۸ اگر در سجده سهو شک کرد که دو سجده به جا آورده یا یک سجده ، بنا را بر دو می گذارد اگر چه قبل از تشهّد باشد؛ و اگر شک کرد که دو سجده به جا آورده یا سه سجده ، بنا را بر دومی گذارد و هم چنین به شک در ذکر یا طمأنینه اعتنا نمی کند، اگر چه قبل از سر برداشتن از سجده باشد. امّا اگر شک کرد که اصل سجده را به جا آورده یا نه ، باید به جا آورد.

دستور سجده سهو

[مسأله ۱۲۵۰ سجده سهو]

اشاره

مسأله ۱۲۵۰ دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را (۱) به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد (۲) و بگوید (۳): «بِسمِ اللّه وَ بِاللّه وَ صَلَّی اللّه عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ » یا «بِسمِ اللّه وَ بِاللّه اللّهُمَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ» ولی بهتر است بگوید (۴): «بِسمِ اللّه وَ بِاللّه السَّلام عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحمَهُ اللّه وَ بَرَکاتُه» بعد

باید (۵) بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید (۶) و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد. (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و ذکر بگوید، و ذکر سجده سهو را به سه نحو می شود انجام داد: اوّل : «بِسم ِ اللّه ِ وَ بِاللّه ِ وَ صَلّی اللّه ُعَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه ِ» دوّم : «بِسم ِ اللّه ِ وَ بِاللّه ِ اللّهُم َصَل ِعَلی مُحَمَّدٍ وَ آل ِ مُحَمَّدٍ» سوّم : «بِسم ِ اللّه ِ وَ بِاللّه ِ السَّلام ُعَلَیک َ ایُّهَا النَّبِی ُوَ رَحمَهُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُه» و احتیاط، اختیار قسم سوّم است . بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) و أحوط این است که بگوید: «بسم اللّه و باللّه السّلام علیک أیّها النّبی ّو رحمه اللّه و برکاته »، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکری را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از تشهّد بگوید: «السّلام علیکم » و أولی این است : «و رحمه اللّه و برکاته » را اضافه کند.

(تبریزی :) و بعد از خواندن تشهد سلام دهد و اگر در سجده عوض ذکر سابق بگوید: «بسم اللّه و باللّه اللّهم ّصل ّعلی محمّد و آل محمّد» کافی است .

(نوری :) و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

(سیستانی :) و احتیاط مستحب آن است که در آن ذکر بگوید و بهتر آن است که بگوید: «بسم اللّه و باللّه السّلام علیک أیّها النّبی ّو رحمه اللّه و برکاته » بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکری را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از تشهّد بگوید: «السّلام علیکم » و أولی این است : «و رحمه اللّه و برکاته » را اضافه کند.

(مکارم :) و می گوید: «بسم اللّه و باللّه السّلام علیک أیها النّبی ّو رحمه اللّه و برکاته »، سپس سر از سجده برمی دارد و می نشیند، دوباره به سجده می رود و همان ذکر را می گوید و بعد از آن که سر از سجده برداشت تشهّد می خواند و سلام می دهد و احتیاط آن است که در تشهّد به مقدار واجب اکتفا کند و تنها به سلام آخر قناعت نماید. [و] سجده سهو باید رو به قبله ، و با حالت وضو و طهارت باشد و پیشانی را نیز بر چیزی گذارد که سجده نماز بر آن جایز است .

(زنجانی :) و دو دست و دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد؛ و نهادن پشت دست کفایت نمی کند؛ و بنا بر احتیاط واجب باید انگشتان دست نیز روی زمین قرار گیرد و بنا بر احتیاط رعایت وضو و قبله و ستر عورت را بکند و ذکری را که لازم است بگوید. ذکر سجده سهو به گونه های مختلفی در روایات آمده و چنانچه بگوید «بِسمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ السَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا النَبِی ُّوَ رَحمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه» و نیز بگوید: «وَ السَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا النَبِی ُّوَ رَحمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه»، حتماً عمل به وظیفه نموده است ، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد بگوید: «الّسلامُ عَلَیکُم »، و بهتر این است که «وَ رَحمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه» را هم اضافه کند. (۳) (بهجت :) و بنا بر احتیاط واجب ، به نحو مأثور بگوید: .. (۴) (اراکی :) و یا بگوید: .. (فاضل :) ولی بنا بر احتیاط بهتر است بگوید: .. (۵) [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۶) (بهجت :) و بنا بر اظهر وقتی سر از سجده برداشت تشهد بخواند سپس سلام بدهد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۲۰ آن چه در سجده نماز واجب است ، از قبیل گذاشتن مواضع هفتگانه بر زمین ، گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است ، نشستن بین دو سجده و طمأنینه در آنها، طهارت ، پوشش و رو به قبله بودن ، بنا بر احوط باید در سجده سهو رعایت شود.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

[مسأله ۱۲۵۱ سجده و تشهدی را که انسان فراموش کرده]

مسأله ۱۲۵۱ سجده و تشهدی (۱) را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آن را به جا می آورد، باید تمام شرایط نماز مانند (۲) پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرطهای دیگر را داشته باشد (۳). (۱) (سیستانی :) سجده ای .. (۲) (زنجانی :) مانند طهارت از حَدَث و .. (۳) (مکارم :) و باید بلا فاصله بعد از نماز انجام دهد.

[مسأله ۱۲۵۲ اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند]

مسأله ۱۲۵۲ اگر سجده یا تشهد را (۱) چند دفعه فراموش کند، مثلًا یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم فراموش نماید، باید بعد از نماز، قضای هر دو را با سجده های سهوی که (۲) برای آنها لازم است به جا آورد (۳) و لازم نیست معین کند که قضای کدامیک آنهاست . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) اگر سجده را .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) احتیاطاً .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) باید بعد از نماز، قضای هر دو را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که برای فراموشی هر کدام دو سجده سهو به جا آورد. [پایان مسأله] (مکارم :) مسأله هر گاه کسی یک یا چند سجده نماز را فراموش کرد، باید قضای آن را بعد از نماز به جا آورد (البتّه اگر دو سجده از یک رکعت فراموش شود، نماز باطل است) هم چنین اگر تشهّد را فراموش نماید باید بلا فاصله بعد از نماز آن را قضا کند و علاوه بر قضای سجده و تشهّد باید برای هر کدام بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد (ولی چنان که قبلًا نیز گفته شد، تشهّدِ سجده سهو کفایت از تشهّدِ فراموش شده می کند).

[مسأله ۱۲۵۳ اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند]

مسأله ۱۲۵۳ اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند (۱)، احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده ، اول قضا نماید (۲). و اگر نداند کدام اول فراموش شده ، باید احتیاطاً یک سجده و تشهد و بعد یک سجده دیگر به جا آورد (۳)، یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر به جا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا نموده است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد ولی برای سجده فراموش شده لازم نیست گر چه بهتر است . [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری :) می توانـد هر یکی را که بخواهـد اوّل قضا نماید اگر چه بداند کدام اوّل فراموش شده است (نوری : و ترتیب لازم نیست). [پایان مسأله] (۳) (مکارم :) تا یقین کند سجده و تشهّد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا کرده است .

[مسأله ۱۲۵۴ اگر به خیال این که اول سجده را فراموش کرده]

اشاره

مسأله ۱۲۵۴ اگر به خیال این که اول سجده را فراموش کرده ، اول قضای آن را به جا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده احتیاط واجب آن است که دوباره سجده را قضا نماید. و نیز اگر به خیال این که اول تشهد را فراموش کرده اول قضای آن را به جا آورد، و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده ، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، مکارم ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری و بهجت

نیست

مسأله اختصاصی

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۱۲۶۳ (سیستانی :) مسأله ۱۲۴۱ اگر دو سجده از دو رکعت فراموش نماید، لازم نیست هنگام قضا مراعات ترتیب نماید.

[مسأله ۱۲۵۵ اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند]

مسأله ۱۲۵۵ اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد (۱) کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می شود، مثلًا پشت به قبله نماید، باید قضای سجده و تشهد را به جا آورد (۲) و نمازش صحیح است (۳). (۱) [عبارت « یا تشهد» در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (خوئی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که بعد از قضای سجده و تشهّد، دوباره نماز را بخواند.

(گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) احتیاط مستحب آن است که بعد از قضای سجده (سیستانی : و تشهّد) دوباره نماز را بخواند. (فاضل :) احتیاط واجب اعاده نماز است .

(زنجانی :) باید سجده یا تشهد را قضا نموده و به احتیاط مستحب بعد از آن دوباره نماز را بخواند. (بهجت :) بنا بر احتیاط، نمازش را اعاده نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه بعد از نماز کاری کند که صورت نماز را به هم می زند یا نماز را باطل می کند (مثل این که پشت به قبله کند) باید قضای سجده و تشهّد را به جا آورد و نماز را بنا بر احتیاط واجب اعاده کند؛ و اگر کاری کند که سجده سهو می آورد، بعد از قضای سجده یا تشهّد احتیاط آن است که سجده سهو به جا آورد.

[مسأله ۱۲۵۶ اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید]

مسأله ۱۲۵۶ اگر بعد از سلام نماز (۱) یادش بیاید که یک سجده (۲) از رکعت آخر را فراموش کرده (۳)، باید قضای سجده ای را که فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد (۴) چه کاری که نماز را باطل می کند کرده باشد یا نه . و اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد، باید قضای تشهد را به جا آورد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد. (۱) (فاضل :) و بعد از انجام دادن کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) یا تشهد را .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) چنانچه کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت کردن به قبله (زنجانی : مثل رو گرداندن از قبله) انجام نداده ، بنا بر احتیاط واجب باید به قصد این که وظیفه خود را انجام داده باشد سجده فراموش شده و بعد از آن تشهّد و سلام و دو سجده سهو به جا آورد و نیز اگر یادش بیاید که تشهّد رکعت آخر را فراموش کرده ، باید احتیاطاً (زنجانی : به احتیاط واجب باید) به قصد این که وظیفه خود را انجام داده باشد تشهّد را بخواند و بعد از آن ، سلام دهد و دو سجده سهو بنماید. (صافی : و در هر صورت احتیاطاً دو سجده سهو برای سلام بی جا نیز به جا آورد).

(خوئی ، تبریزی :) باید برگشته و نماز را تمام نموده و دو سجده سهو برای سلام بی جا، به جا آورد. [پایان مسأله] (سیستانی :) چنانچه منافی از قبیل حدث از او سر نزده باشد باید آن را و آن چه بعد از آن است از تشهد و سلام انجام دهد و بنا بر

احتیاط واجب دو سجده سهو برای سلام بی جا به جا آورد.

(نوری :) چنانچه کاری که عمداً یا سهواً نماز را باطل می کند مثل روی گرداندن از قبله انجام داده است ، احتیاط واجب آن است که سجده فراموش شده را به جا بیاورد و بعد از آن تشهد و سلام را به جا بیاورد و دو سجده سهو نیز انجام بدهد و نیز اگر یادش بیاید که تشهد رکعت آخر را فراموش کرده ، احتیاطاً تشهد را بخواند و بعد از آن سلام دهد و دو سجده سهو نیز به جا بیاورد.

(بهجت :) باید سجده را نه به قصد ادا و نه به قصد قضا به جا آورد و ما بعد آن را که تشهّد و سلام است ، انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو برای سجده فراموش شده و دو سجده سهو برای زیاد شدن تشهّد و سلام به جا آورد. و اگر تشهّد رکعت آخر را فراموش کرده باشد و بعد از سلام یادش بیاید، در صورتی که چیزی که نماز را باطل می کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب آن تشهّد را نه به قصد ادا و نه قضا به جا آورد و سلام را هم بگوید و سپس دو سجده سهو به قصد وظیفه فعلیّه انجام دهد. (۴) (فاضل :) و اگر قبل از آن باشد باید از آن سجده به بعد را تدارک کند و برای سلام زائد دو سجده سهو به جا آورد و اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد حکم فراموشی سجده را دارد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۵۵.

[مسأله ۱۲۵۷ اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند]

مسأله ۱۲۵۷ اگر بین سلام نماز (۱) و قضای سجده یا تشهد (۲) کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود، مثل آن که سهواً حرف بزند، باید سجده یا تشهد را قضا کند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) اگر در اثناء نماز و یا بین سلام نماز .. (۲) [عبارت « یا تشهد» در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۳) (اراکی :) و بنا بر احتیاط واجب غیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهّد لازم است ، دو سجده سهو دیگر به جا آورد.

(زنجانی :) و بنا بر احتیاط مستحب علاوه بر دو سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهد به تفصیلی که در مسأله [۱۲۴۵] گذشت می نماید، دو سجده سهو دیگر نیز بنماید.

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهّد را قضا کند و غیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهّد می نماید، دو سجده سهو دیگر نیز بنماید.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب باید اوّل سجده را قضا کند و بعد دو سجده سهو بنماید.

(فاضل :) باید بنا بر احتیاط واجب اوّل سجده یا تشهّد را قضا کند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۵۵.

[مسأله ۱۲۵۸ اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را]

مسأله ۱۲۵۸ اگر نداند که سـجده را فراموش کرده یا تشهد را (۱) به احتیاط واجب بایـد هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول به جا آورد اشـکال ندارد و باید یک بار سجده سهو نیز به جا آورد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید سجده را قضا نماید و دو سجده سهو به جا آورد و احتیاطاً (سیستانی : احتیاط مستحب آن است که) تشهد را نیز قضا نماید.

(گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، نوری :) باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اوّل به جا آورد اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله اگر می داند یکی را فراموش کرده اما نمی داند کدامیک بوده ، هر دو را قضا کند و هر کدام را اول به جا آورد مانعی ندارد.

(زنجانی :) مسأله اگر می داند که یکی از سجده یا تشهد را فراموش کرده و نمی داند کدام یک بوده ، باید سجده را قضا نماید و دو سجده سهو به جا آورد که تشهد نیز اگر فوت شده باشد در ضمن آن قضا شده است و هر کدام را اول به جا آورد اشکالی ندارد.

[مسأله ۱۲۵۹ اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده]

مسأله ۱۲۵۹ اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه ، واجب نیست قضا نماید (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) واجب نیست قضا یا سجده سهو نماید.

[مسأله ۱۲۶۰ اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده]

مسأله ۱۲۶۰ اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شک کند که پیش از رکوع رکعت بعد به جا آورده یا نه ، احتیاط واجب آن است که آن را قضا نماید (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۱) (گلپایگانی :) احتیاط مستحب آن است که آن را قضا نماید.

(زنجانی :) باید آن را قضا نماید.

(سیستانی :) مسأله اگر بداند سجده را فراموش کرده و شک کند که پیش از رکوع رکعت بعد یادش آمده و به جا آورده یا نه ، احتیاط مستحب آن است که آن را قضا نماید.

[مسأله ۱۲۶۱ کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید]

مسأله ۱۲۶۱ کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، باید (۱) بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا نماید، بعد سجده سهو را به جا آورد (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط لازم باید .. (۲) (زنجانی :) بنا بر احتیاط این سجده سهو را پس از قضای سجده یا قضای تشهدی که در ضمن سجده سهو آورده می شود، به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله کسی که باید سجده را قضا نماید، اگر برای کاری سجده سهو بر او واجب شود، باید بنا بر احتیاط واجب بعد از نماز اوّل سجده را قضا نماید، بعد سجده سهو را به جا آورد.

[مسأله ۱۲۶۲ اگر شک دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده]

اشاره

مسأله ۱۲۶۲ اگر شک دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده (۱) را به جا آورده یا نه (۲)، چنانچه وقت نماز نگذشته ، باید سجده یا تشهد را قضا نماید (۳) و اگر وقت نماز هم گذشته ، بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد را قضا نماید (۴). (۱) (سیستانی :) قضای سجده فراموش شده .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (زنجانی :) باید آن را به جا آورد، هر چند وقت نماز گذشته باشد. (۳) (اراکی :) بلکه احتیاط مستحب است اگر وقت نماز هم گذشته سجده یا تشهّد را قضا نماید.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) و اگر وقت نماز گذشته قضای آن مستحب است .

(سیستانی :) بایـد سـجده را قضـا نمایـد، بلکه اگر وقت نماز هم گذشـته باشـد بنا بر احتیاط واجب بایـد آن را قضا کنـد. (۴)
(مکارم :) و نماز او صحیح است .

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۱۱۴ برای قضای سـجده یا تشـهّد بعد از نماز نیّت می کند، سـپس همان سـجده یا تشهّد را بدون اللّه اکبر و چیز اضافی دیگر قضا می کند و بعد بنا بر احتیاط سجده سهو به جا می آورد.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

[مسأله ۱۲۶۳ هر گاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند]

مسأله ۱۲۶۳ هر گاه چیزی از واجبات نماز را عمـداً کم یا زیاد کنـد، (۱) اگر چه یـک حرف آن باشـد، نماز باطل است . (۱)
(مکـارم :) نماز او باطل است ، امّا اگر به واسـطه ندانسـتن مسأله باشـد اگر آن جزء از ارکان نماز است ، نماز باطل می شود و اگر غیر از ارکان است ، نمازش صـحیح است به شـرط این که جاهل قاصـر باشد، یعنی دسترسی برای یاد گرفتن مسأله نداشته باشد.

[مسأله ۱۲۶۴ به واسطه ندانستن مسأله]

مسأله ۱۲۶۴ اگر به واسـطه ندانسـتن مسـأله ، چیزی از اجزاء نماز را کم یا زیاد کنـد اگر آن جزء، رکن نباشـد نمازش صـحیح است (۱) اگر جاهـل قاصـر باشـد، و الاـ به احتیـاط واجب ، نماز باطل است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱)
(فاضل :) نماز باطل است ؛ چه آن جزء واجب ، رکن باشد یا غیر رکن .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۶۳.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر به واسطه ندانستن مسأله چیزی از واجبات نماز را کم یا زیاد کند نماز باطل است ولی چنانچه به واسـطه ندانسـتن مسأله حمـد و سوره نماز صـبح و مغرب و عشاء را آهسـته بخواند یا حمد و سوره نماز ظهر و عصـر را بلند بخواند، یا در مسافرت نماز ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعت بخواند، نمازش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی :) از روی تقصیر ..

(اراکی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب ..

(سیستانی :) اگر به واسطه ندانستن مسأله چیزی از واجبات رکنی نماز را کم کند، نماز باطل است . و امّا کم کردن واجب غیر رکنی از جاهل قاصر (مانند کسی که به گفته شخص موثّقی یا رساله معتبری اعتماد کرده و بعداً خطای او یا رساله معلوم شده است)، نماز را باطل نمی کند و چنانچه به واسطه ندانستن مسأله هر چند از روی تقصیر ..

(زنجانی :) یا به جهت ندانستن اصل مسأله شکسته بودن ِ نماز مسافر، نماز ظهر و عصر و عشا را در مسافرت چهار رکعتی بخواند یا مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی را داشته باشد و به جهت ندانستن حکم مسأله نمازش را شکسته بخواند، نمازش صحیح است .

(تبریزی :) البته به تفصیلی که در نماز مسافر ذکر می شود.

[مسأله ۱۲۶۵ اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده]

مسأله ۱۲۶۵ اگر در بین نماز (۱) بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده (۲)، باید نماز را به هم بزنـد و دوباره با وضو یا غسل بخوانـد و اگر بعـد از نماز بفهمـد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل به جا آورد و اگر وقت گذشـته ، قضا نماید. (۱) (سیسـتانی :) یا بعد از آن .. (۲) (سیسـتانی :) بایـد نماز را دوباره با وضو یا غسل بخوانـد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مکـارم :) مسـأله هر گاه سـهواً چیزی از اجزای نماز را کم و زیاد کنـد، اگر از ارکان نماز باشـد نماز باطل است و اگر از غیر ارکان باشد نماز صـحیح است و در صورتی که شرایطی مثل وضو یا غسل انجام نشده باشد نماز باطل است ، خواه عمداً باشد یا سهواً.

[مسأله ۱۲۶۶ اگر بعد از رسیدن به رکوع یادش بیاید]

مسأله ۱۲۶۶ اگر بعـد از رسـیدن به رکوع یادش بیایـد که دو سـجده از رکعت پیش فراموش کرده ، نمازش باطل است (۱). و اگر پیش از رسـیدن به رکوع یـادش بیایـد بایـد برگردد و دو سـجده را به جـا آورد و برخیزد و حمـد و سوره یـا تسبیحـات را بخواند (۲) و نماز را تمام کند (۳). این مسـأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۲) (زنجانی :) حمـد یا تسبیحات را بخواند .. (۳) (گلپایگـانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) و بعـد از نماز بنا بر احتیاط واجب برای ایسـتادن بی جا دو سجده سهو بنماید.

(سیستانی ، زنجانی :) و بعد از نماز بنا بر احتیاط مستحب برای ایستادن بی جا دو سجده سهو بنماید.

[مسأله ۱۲۶۷ اگر پیش از گفتن السَّلامُ عَلَینا]

مسأله ۱۲۶۷ اگر پیش از گفتن «السَّلامُ عَلَینا» (۱) و «السَّلامُ عَلَیکُم » یادش بیاید که دو سـجده رکعت آخر را به جا نیاورده ، باید دو سـجده را به جا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (زنجانی :) السَّلامُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللّه ِ الصّالِحِینَ.. (۲) (اراکی :) و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد.

[مسأله ۱۲۶۸ اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید]

مسأله ۱۲۶۸ اگر پیش از سـلام نماز یادش بیایـد که یک رکعت یا بیشتر، از آخر نماز نخوانـده ، بایـد مقـداری را که فراموش

کرده به جا آورد.

[مسأله ۱۲۶۹ اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید]

مسأله ۱۲۶۹ اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده ، چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمداً یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می کند، مثلًا پشت به قبله کرده ، نمازش باطل است (۱)؛ و اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام نداده ، باید فوراً مقداری که فراموش کرده به جا آورد (۲). (۱) (بهجت :) و در غیر این صورت باید فوراً مقداری را که فراموش کرده به جا آورد. (۲) (گلپایگانی :) و برای سلام بی جا نیز دو سجده سهو بنماید.

(خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، صافی ، تبریزی :) و برای سلام زیادی نیز (سیستانی : بنا بر احتیاط لازم) دو سجده سهو بنماید.

(مکارم :) و نمازش صحیح است و احتیاط واجب آن است که سجده سهو برای سلام بی جا انجام دهد.

[مسأله ۱۲۷۰ هر گاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهد]

مسأله ۱۲۷۰ هر گاه بعـد از سـلام نماز عملی انجام دهـد که اگر در نماز عمـداً یا سـهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می کند، مثلًا پشت به قبله نماید و بعد یادش بیاید که دو سجده آخر را به جا نیاورده ، نمازش باطل است (۱)؛ ولی اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کنـد، یادش بیایـد، باید (۲) برگردد و دو سـجده ای را که فراموش کرده به جـا آورد و تشـهد و سـلام را دوباره بعد از آن بگوید و دو سـجده سهو برای سلامی که اوّل گفته به جا آورد (۳) و نمازش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اصل نماز را بعد از آن اعاده نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند یادش بیاید باید دو سجده ای را که فراموش کرده به جا آورد و دو باره تشـهّد بخواند و نماز را سلام دهد و (سیستانی : بنا بر احتیاط واجب) دو سجده سهو برای سلامی که اوّل گفته است بنماید (نوری : و احتیاط مستحب آن است که نماز را هم دوباره بخواند).

(فاضل :) و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کنـد یادش بیایـد که دو سـجده را فراموش کرده ، باید به جا آورد و دوباره تشـهّد بخواند و نماز را سـلام دهد و دو سـجده سهو برای سلامی که اوّل گفته است بنماید و احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخواند.

(بهجت :) بلکه اگر پیش از انجام کاری هم که نماز را باطل می کند یادش بیاید، دو سـجده ای را که فراموش کرده به جا می آورد و دوباره تشـهد می خواند و نماز را سـلام می دهد و برای سلامی که اوّل گفته است دو سجده سهو به جا می آورد و بنا بر احتیاط واجب بایـد نماز را اعاده کنـد. (۲) (اراکی :) بنـا بر احتیاط واجب بایـد .. (۳) (اراکی :) و اصـل نماز را بعـد از آن اعاده نماید.

[مسأله ۱۲۷۱ اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده]

مسأله ۱۲۷۱ اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده ، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده ، باید دوباره بخوانـد و اگر وقت گذشـته قضا نمایـد. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده یا از روی جهـل و غفلت یـا فراموشـی پشت به قبله یـا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده ، بایـد دوباره بخوانـد و اگر وقت گذشـته قضا نماید. ولی اگر تفحّص از قبله کرده و در تشـخیص قبله اشـتباه نموده اگر در وقت ملتفت شود باید دوباره نماز را بخواند و اگر در خارج وقت باشد، قضا ندارد. بلی ، احتیاط مستحب ّقضای آن است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده یا پشت به قبله خوانده باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته

، قضا نماید و امّا اگر بفهمد که به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده ، در صورتی که پیش از گذشتن وقت باشد، دوباره بخوانـد ولی اگر بعد از گذشـتن وقت باشد بعید نیست قضا نداشـته باشد مگر این که این عمل به جهت ندانسـتن حکم شرعی بوده باشد.

(سیستانی :) مسأله اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته ، قضا نماید و اگر بفهمد پشت به قبله خوانده یا با انحراف (۹۰) درجه یا بیشتر بوده است چنانچه وقت نگذشته باشد باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته باشد، چنانچه مردّد بوده یا جاهل به حکم بوده ، قضا لازم است و گر نه قضا لازم نیست و اگر بفهمد انحراف کمتر از (۹۰) درجه بوده است پس اگر در انحراف از قبله معذور نبوده مثل این که درجستجوی طرف قبله یا در ندانستن مسأله کوتاهی کرده باید بنا بر احتیاط نماز را دوباره بخواند چه وقت باشد چه در خارج وقت و اگر معذور بوده لازم نیست دوباره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده یا پشت به قبله به جا آورده ، باید آن را اعاده کند و اگر وقت گذشته ، قضا نماید. امّا اگر سهواً نماز را به طرف راست یا چپ خوانده نماز باطل نیست .

(زنجانی :) مسأله اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده ، یا تمام یا قسمتی از نماز را پشت به قبله ، یا با انحرافی بیشتر از طرف راست و چپ قبله به جا آورده ، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته ، قضا نماید.

(بهجت :) مسأله اگر بفهمد نمازش را پیش از وقت خوانده ، یا پشت به قبله یا با انحراف بیشتر از طرف راست و طرف چپ قبله به جا آورده ، باید دوباره بخواند؛ و اگر وقت گذشته در صورتی که قبل از وقت خوانده باید قضا کند و اگر پشت به قبله خوانده بنا بر احوط قضا نماید.

نماز مسافر

[نماز مسافر از رساله حضرت امام]

اشاره

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته به جا آورد یعنی دو رکعت بخواند (۱): (۱) (بهجت :) (۱) آن که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد. (۲) از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد. (۳) در بین راه از قصد خود برنگردد. (۴) قبل از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود یا جایی که می خواهد ده روز یا بیشتر در آنجا بماند نگذرد. (۵) برای کار حرام سفر نکند. (۶) از صحرا نشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می کنند. (۷) شغل او مسافرت نباشد. (۸) از شهر خارج شده به حدّ ترخّص برسد. تفصیل شروط ذکر شده در مسائل بعدی بیان می شود.

[شرائط]

شرط اول :

اشاره

آن که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد (۱). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) و فرسخ شرعی دوازده هزار ذراع است به ذراع متعارف ، و بعضی گفته اند این مقدار تقریباً پنج کیلومتر و نیم است .

(خوئی ، تبریزی :) و فرسخ شرعی مقداری کمتر از پنج کیلومتر و نیم است .

(نوری :) و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر و نیم است .

(زنجانی :) و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر است .

(سیستانی :) (۴۴ کیلومتر تقریباً).

(مکارم :) (حدود (۴۳) کیلومتر).

(فاضل :) شرط اوّل : آن که سفر او هشت فرسخ شرعی یعنی (۴۵) کیلومتر باشد.

[مسأله ۱۲۷۲ کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است]

مسأله ۱۲۷۲ کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است ، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد (۱)، باید نماز را شکسته بخواند (۲)، بنا بر این اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد (۳)، باید نماز را تمام بخواند (۴). (۱) (اراکی :) اگر رفتن و برگشتن او هیچ کدام کمتر از چهار فرسخ نباشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه هیچ یک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد ..

(خوئی ، تبریزی :) چنانچه رفتن و هم چنین برگشتنش کمتر از چهار فرسخ نباشد ..

(سیستانی :) خواه رفتن یا برگشتن کمتر از چهار فرسخ باشد یا نباشد ..

(زنجانی :) خواه رفتن او یا برگشتنش هر یک به اندازه چهار فرسخ باشد یا نباشد .. (۲) (اراکی :) ولی اگر رفتن یا برگشتن کمتر از چهار فرسخ باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(تبریزی :) و نیز اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ یا به عکس باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

(نوری :) در صورتی نماز او شکسته است که هر یک از رفتن و برگشتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد .. (۳) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، سیستانی ، زنجانی ، نوری :) یا به عکس باشد .. (۴) (صافی :) و اگر چه احتیاط این است که اگر رفتن مثلًا سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد جمع بین اتمام و قصر نماید. (سیستانی ، زنجانی :) باید نماز را شکسته یعنی دو رکعتی بخواند.

(بهجت :) مسأله کسی که مجموع مسافت رفت و برگشت او هشت فرسخ است ، و بخواهد همان روز که رفته است برگردد باید نماز را شکسته بخواند و هم چنین اگر رفت و برگشت در شب ، یا در روز و شب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

(مکارم :) مسأله کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ (حدود (۴۳) کیلومتر) است ، باید نماز را شکسته بخواند؛ خواه رفتنش چهار فرسخ (۵/ (۲۱) کیلومتر تقریباً) باشد یا کمتر یا بیشتر، همین اندازه که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ باشد نماز شکسته است و خواه در همان روز و شب برگردد یا فاصله ای بیفتد، مگر این که در بین این مسافت ، ده روز قصد اقامه کند.

[مسأله ۱۲۷۳ اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد]

مسأله ۱۲۷۳ اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۲۷۲).

(گلپایگانی :) مسأله اگر رفتن و برگشتن ، هر یک ، از چهار فرسخ کمتر نباشد نمازش شکسته است و روزه را نیز باید افطار نماید؛ خواه همان روز یا شب آن برگردد یا نه .

(صافی :) اگر چه همان روز یا شب آن برنگردد، اگر چه احتیاط این است که اگر همان روز یا شب آن برنمی گردد، تمام نیز بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد اگر چه روزی که می رود همان روز یا شب آن برنگردد باید نماز را شکسته بخواند اگر چه بهتر آن است که تمام نیز بخواند.

(زنجانی :) یا شب آن برنگردد، باید نماز را شکسته بخواند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام نیز بخواند.

(سیستانی :) ولی بهتر آن است که در این صورت احتیاط کرده تمام را نیز بخواند.

(بهجت :) مسأله اگر مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ باشد ولی همان روز که رفته ، نمی خواهد برگردد می تواند نماز را شکسته و یا تمام بخواند و روزه را بگیرد یا افطار کند؛ ولی احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار نماید؛ ولی اگر رفت و برگشت ، به تنهایی هشت فرسخ یا بیشتر باشد و در بین راه و مقصد، قصد ماندن ده روز نکرده باشد، باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار نماید.

[مسأله ۱۲۷۴ اگر سفر، مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد]

مسأله ۱۲۷۴ اگر سفر، مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد، یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه ، نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه (۱)، در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت دارد (۲)، باید نمازش را تمام بخواند (۳) و اگر مشقت ندارد (۴) بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند، یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند (۵). (۱) (اراکی :) باید نمازش را تمام بخواند و تحقیق لازم نیست مگر آن که به راحتی بتواند مقدار مسافت را بفهمد. (۲) (فاضل :) مشقتی دارد که معمولاً تحمل نمی شود .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) تحقیق کردن برایش لازم نیست و باید نمازش را تمام بخواند. (۴) (فاضل :) اگر مشقّت (به معنایی که گفته شد) ندارد .. (۵) (فاضل :) و یا نمازش را احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۷۵.

(مکارم :) مسأله اگر شک دارد سفر او هشت فرسخ است یا نه ، نباید نماز را شکسته بخواند، ولی در صورت شک باید از کسانی که به آن راه آشنا هستند تحقیق کند، مگر این که مشقّت زیادی داشته باشد.

[مسأله ۱۲۷۵ اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است]

مسأله ۱۲۷۵ اگر یک عادل (۱) خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است (۲) بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد. (۱) (خوئی ، سیستانی ، نوری :) اگر یک عادل یا شخص موثقی ..

(تبریزی :) اگر دو عادل یا شخص موثقی .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، نوری :) باید نماز را شکسته بخواند.

(سیستانی :) و انسان به گفته او اطمینان پیدا کند باید نماز را شکسته بخواند.

(فاضل :) ظاهر این است که با خبر عادل واحد، سفر هشت فرسخ ثابت نمی شود و باید نماز را تمام بخواند و أحوط آن است که هم شکسته و هم تمام (جمع) بخواند.

(مکـارم :) مسـأله مقـدار مسـافت را از راههـای مختلـف می توان دریـافت ؛ نخست این که خودش انـدازه گیری کرده و یقین حاصل کند، دوّم این که در میان مردم معروف باشد، سوّم این که شخص مورد اعتمادی خبر دهد.

(زنجـانی :) مسـأله اگر از راهی اطمینـان شخصـی یا نوعی حاصل شود یا دو مرد عادل خبر دهنـد که سـفر انسان هشت فرسـخ است ، باید نماز را شکسـته بخواند. و بنا بر احتیاط واجب اگر یک نفر عادل خبر دهد و اطمینان از قولش حاصل نشود نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(بهجت :) مسأله اگر علم یا اطمینان داشته باشد و یا دو نفر عادل بگویند که سفر او هشت فرسخ است ، باید ترتیب اثر بدهد و نماز را شکسـته بخواند، بلکه کافی بودن مطلق گمان ، اگر چه اطمینان نداشـته باشد خالی از وجه نیست . و اگر برای او سؤال کردن مشکل نیست و حرج ندارد باید بنا بر احتیاط سؤال کند.

[مسأله ۱۲۷۶ کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است]

اشاره

مسأله ۱۲۷۶ کسی که یقین دارد (۱) سفر او هشت فرسخ است ، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده ، باید آن را چهار رکعتی به جا آورد (۲) و اگر وقت گذشته قضا نماید (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجـانی :) یا به طریق معتبری ؛ هم چون خبر دادن دو مرد عادل ، برای او ثابت شود که .. (۲) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (فاضل ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۳۵ اگر دو نفر عادل بگوینـد سـفر هشت فرسخ است و دو نفر عادل دیگر بگویند نیست ، بنا بر احوط باید قول دوّم را بگیرد و نماز را تمام بخواند و اگر شکسته خوانده ، اعاده کند حتّی اگر بعداً هم معلوم شود که هشت فرسخ بوده ؛ مگر این که نماز اوّل را با قصد قربت خوانده باشد، که در این صورت ، همان نماز کافی است .

(بهجت :) مسـأله ۱۰۳۷ اگر طفـل ممیّزی که قصـد سـفر دارد، در بین راه بـالغ شود، در صورتی که مجموع حرکت از ابتـدای سفر، هشت فرسخ باشد، واجب است از زمان بلوغ ، نماز را شکسته بخواند.

(بهجت :) مسأله ۱۰۳۸ اگر دو هم سفر یکی معتقد به مقدار مسافت شرعی یعنی هشت فرسخ است و دیگری ، معتقد است که هشت فرسخ نیست ، باید هر کدام به وظیفه خود عمل کند و بنا بر احتیاط واجب هیچ کدام به دیگری اقتدا نکند.

[مسأله ۱۲۷۷ کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست]

مسأله ۱۲۷۷ کسی که یقین دارد (۱) سفرش هشت فرسخ نیست (۲)، یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه ، چنانچه در بین راه (۳) بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده (۴)، اگر چه کمی از راه باقی باشد، باید نماز را شکسته بخواند (۵) و اگر بعد از تمام خواندن نماز فهمید سفرش هشت فرسخ بوده ، بنا بر اقوی باید نماز را دوباره شکسته اعاده نماید (۶) و در صورتی که وقت گذشته باشد، باید بنا بر احتیاط واجب ، نماز را دوباره قضا نماید. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) کسی که قصد مسافرت به محل ِ معیّنی نموده و یقین دارد ..

(۲) (مکـارم :) و در اثنـاء راه فهمیـد که هشت فرسـخ بوده ، بایـد نمـاز را شکسـته بخوانـد و اگر تمام خوانـده اعاده کنـد. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) یا بعـد از رسـیدن به مقصد .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) بایـد نماز را شکسـته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته به جا آورد. [پایان مسأله] (۵) (خوئی ، فاضل ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی ، نوری :) و اگر تمام خوانده دوباره شکسته به جا آورد. (سیستانی : ولی اگر وقت گذشته لازم نیست قضا نماید). (۶) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله کسی که قصد محل معینی را داشته و یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست ، یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه ، چنانچه در بین راه بفهمد که مقصد او هشت فرسخ بوده ، اگر چه کمی از راه باقی باشد، بایـد نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته به جا آورد، اما اگر مثلًا قصد ملاقات شخصی را داشته و گمان می کرد که سر هفت فرسخ است ، بعد معلوم شود سر هشت فرسخی یا بیشتر است ، در این صورت اگر نمازش را تمام خوانده صحیح است ، و بعد از دانستن هم تا قصد مسافرت هشت فرسخی نکرده ، نمازش تمام است .

[مسأله ۱۲۷۸ اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است]

مسأله ۱۲۷۸ اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است ، چنـد مرتبه رفت و آمـد کند (۱)، اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخواند. (۱) (بهجت :) به نحوی که به حدّ ترخّص برگردد ..

(مکارم :) نماز او شکسـته نخواهـد بود، هر چند روی هم رفته هشت فرسخ و بیشتر شود مگر این که عرفاً به او مسافر بگویند و در این صورت بنا بر احتیاط هم نماز را تمام و هم شکسته بخواند.

[مسأله ۱۲۷۹ اگر محلی دو راه داشته باشد]

مسأله ۱۲۷۹ اگر محلی دو راه داشته باشد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ (۱) است به آنجا برود، باید نماز را شکسته بخواند (۲) و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید تمام بخواند. (۱) (زنجانی :) یا بیشتر .. (۲) (بهجت :) و اگر از راه دیگر بدون قصد برگشت برود باید تمام بخواند.

[مسأله ۱۲۸۰ اگر شهر دیوار دارد]

مسأله ۱۲۸۰ اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را (۱) از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر حساب نماید (۲). (۱) (بهجت :) ابتـدای مسافت را .. (۲) (فاضل :) و در شـهرهای بزرگ خارق العاده ، در صورتی که خارج شدن از یک محلّه تا محلّه بعدی در نظر عُرف سفر بحساب بیاید ابتدای هشت فرسخ از آخر محلّه محاسبه می شود.

(نوری :) و در این موضوع فرقی میان شهرهای نسبتاً بزرگ مانند تهران امروز یا شهرهای متوسط و کوچک تر نیست ولی در صورتی که شهر به اندازه ای بزرگ و وسیع باشد که رفتن از یک قسمت آن به قسمت دیگر آن ، مسافرت و دور شدن از وطن محسوب شود بعید نیست در این صورت که لازم باشد ابتدای هشت فرسخ را از منزل خود حساب نماید.

(مکارم :) مسأله برای حساب مسافت هشت فرسخ باید از آخرین خانه های شهر حساب کرد.

(سیستانی :) مسأله ابتدای هشت فرسخ را باید از جایی حساب کند که شخص پس از گذشت از آنجا مسافر محسوب می شود و آنجا غالباً آخر شهر است ولی در بعضی از شهرهای بسیار بزرگ ممکن است آخر محلّه باشد و انتهای آن آخرین مقصد است .

شرط دوم :

اشاره

آن که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد (۱)، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته ، باید نماز را تمام بخواند (۲). ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود (۳) یا چهار فرسخ برود (۴) و به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برگردد (۵)، باید نماز را شکسته بخواند. (۱) (سیستانی :) یعنی بداند که هشت فرسخ راه را می پیماید .. (۲) (زنجانی :) و اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا به جایی برود و به وطنش یا جایی که می خواهد ده روز بماند برگردد و مجموع این رفت و برگشت هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند. (۳) (سیستانی :) یا مثلًا مسافتی برود که با بر گشتن هشت فرسخ می شود، باید نماز را شکسته بخواند. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) (گلپایگانی : و کمتر از ده روز بماند) و بر گردد، باید نماز را شکسته بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) و چهار فرسخ دیگر به وطنش یا محلّی که می خواهد ده روز در آنجا بماند برگردد باید نماز را شکسته بخواند. (۵) (اراکی :) چنانچه برگشتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد ..

(مکارم :) مسأله شرط دوّم از اوّل قصد هشت فرسخ را داشته باشد. اگر اوّل می خواهد به محلّی که کمتر از هشت فرسخ است برود و در وسط راه یا پس از رسیدن به آن مقصد قصد کند مسافرت خود را ادامه دهد به طوری که مجموع مسافرت او هشت فرسخ باشد، چون از اوّل قصد نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر در اثناء، یا پس از رسیدن به مقصد قصد کند از آنجا هشت فرسخ یا بیشتر برود، نماز او شکسته است .

(فاضل :) مسأله شرط دوّم : آن که از اوّل مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد با توجه به این شرط، اگر فرد قصد داشته باشد به جایی برود که کمتر از هشت فرسخ می شود و بعد از رسیدن به آنجا تصمیم بگیرد به جایی دیگر برود چنانچه پس از آن هشت فرسخ می شود و حد اقل چهار فرسخ آن رفتن است نمازش شکسته است و اگر پس از آن هشت فرسخ نمی شود هر چند با محاسبه مسیر قبلی هشت فرسخ بشود نمازش تمام است و اگر از ابتدا قصد داشته باشد که به مقصد اوّل رفته و پس از آن به مقصد دوّم برود چنانچه مجموعاً هشت فرسخ می شود نمازش شکسته است هر چند مقصد اوّل کمتر از هشت فرسخ

باشد.

[مسأله ۱۲۸۱ کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است]

مسأله ۱۲۸۱ کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است ، مثلًا برای پیدا کردن

گم شده ای مسافرت می کند و نمی داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند. ولی در برگشتن ، چنانچه تا وطنش (۱) یا جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند. و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ (۲) برود و برگردد (۳)، چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود، باید نماز را شکسته بخواند (۴). (۱) (مکارم :) یا محل ِاقامتش هشت فرسخ یا بیشتر باشد، نماز او شکسته است . (۲) (اراکی :) یا بیشتر برود و برگشتن او هم از چهار فرسخ ، کمتر نباشد باید نماز را شکسته بخواند و چنانچه مجموع رفت و برگشت کمتر از هشت فرسخ نباشد ولی رفتن یا برگشتن او کمتر از چهار فرسخ باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (۳) [عبارت «و برگردد» در رساله آیات عظام : گلپایگانی و صافی نیست] (۴) (فاضل :) با شرط آن که رفتن چهار فرسخ کمتر نباشد.

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

(سیستانی :) اگر در بین رفتن قصد کند که مسافتی برود که با برگشتن هشت فرسخ می شود، باید نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) اگر در بین رفتن قصد کند به جایی برود و برگردد که رفتن و برگشتن هشت فرسخ می شود، باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۲۸۲ مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۲۸۲ مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود، پس کسی که از شهر بیرون می رود و مثلًا قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند، سفر هشت فرسخی برود چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می کند، باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد، باید تمام بخواند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (بهجت :) و احتمال دارد که مطلق گمان ، کافی باشد.

[مسأله ۱۲۸۳ کسی که قصد هشت فرسخ دارد]

مسأله ۱۲۸۳ کسی که قصد هشت فرسخ دارد (۱)، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود (۲) باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود (۳) که نگویند (۴) مسافر است ، باید نمازش را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) باید نمازش را شکسته بخواند، هر چند هر روز مقدار کمی راه برود ولی به اندازه ای باشد که به او مسافر گویند. (۲) (خوئی ، تبریزی :) وقتی به جایی برسد که اذان شهر را نشنود و اهل شهر او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل شهر را نبیند ..

(زنجانی :) وقتی به جایی برسد که اذان شهر را نشنود و مردم شهر او را نبینند ..

(سیستانی :) وقتی به حدّ ترخّص (که معنایش قبل از مسأله [۱۳۱۸] خواهد آمد) برسد .. (۳) (سیستانی :) احتیاط لازم آن است که نمازش را هم تمام و هم شکسته بخواند. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) عرفاً نگویند ..

[مسأله ۱۲۸۴ کسی که در سفر به اختیار دیگری است]

مسأله ۱۲۸۴ کسی که در سفر به اختیار دیگری است (۱)، مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می کند (۲) چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است ، باید نماز را شکسته بخواند (۳). (۱) (مکارم :) مانند پسری که با پدر خود مسافرت می کند، چنانچه بداند سفر پدرش هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند، حتّی اگر کسی را به اجبار به جایی می برند (مانند زندانی) و بداند مسافت او هشت فرسخ یا بیشتر است همین حکم را دارد، مگر این که احتمال عقلایی بدهد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از آنها جدا می شود و برمی گردد. (۲) (سیستانی :) مانند زن و فرزند و نوکر و زندانی .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و اگر نداند، بنا بر احتیاط واجب باید از او بپرسد که اگر سفر او هشت فرسخ باشد، نماز را شکسته به جا آورد.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) و اگر نداند، نماز را تمام به جا آورد، و پرسیدن لازم نیست (سیستانی : گر چه بهتر است).

(فاضل :) و در صورت شک در قصد او، احتیاط واجب این است که فحص کند ولی بر آن شخص لازم نیست به او خبر بدهد.

[مسأله ۱۲۸۵ کسی که در سفر به اختیار دیگری است]

مسأله ۱۲۸۵ کسی که در سفر به اختیار دیگری است ، اگر بداند یا گمان داشته باشد (۱) که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود (۲)، باید نماز را تمام بخواند. (۱) (بهجت :) بلکه اگر احتمال نیز بدهد .. (۲) (گلپایگانی ، سیستانی ، صافی :) و سفر نمی کند ..

(بهجت :) و برمی گردد .. (زنجانی :) [و] به سفر ادامه نمی دهد ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۸۴.

[مسأله ۱۲۸۶ کسی که در سفر به اختیار دیگری است]

مسأله ۱۲۸۶ کسی که در سفر به اختیار دیگری است ، اگر شک دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود یا

نه ، بایـد نماز را شکسـته بخواند (۱). و نیز اگر (۲) شـک او از این جهت است که احتمال می دهـد مانعی برای سـفر او پیش آید، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد باید نمازش را شکسـته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) باید نماز را تمام بخواند مگر آن که اطمینان داشته باشد که جدا نمی شود.

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی :) باید نماز را تمام بخواند ..

(فاضل :) ظاهر این است که باید تمام بخواند مگر اطمینان به عدم مفارقت داشته باشد ..

(تبریزی :) باید نماز را تمام بخواند ولی چنانچه احتمال جدا شدن او در نظر مردم به جا نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر تصـمیم داشته باشد که چهار فرسخ را سفر نماید و برای برطرف کردن موانع هم تلاش می کند ولی احتمال می دهد که مانعی غیر اختیاری

برای سفر او پیش آید، باید نماز را شکسته بخواند. و اگر احتمال می دهد که مانعی برای سفر او پیش آید و در صدد برطرف کردن آن نباشد باید نماز را تمام بخواند. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر ..

(سیستانی :) مسأله کسی که در سفر در اختیار دیگری است ، اگر اطمینان ندارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا شده و سفر نمی کند، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر اطمینان دارد، باید نماز را شکسته بخواند.

(بهجت :) مسأله کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر نداند که آن دیگری قصد هشت فرسخ را دارد یا نه ، بنا بر أحوط باید تحقیق کند و اگر تحقیق ممکن نیست باید نماز را تمام بخواند، و اگر معلوم شد که از اول قصد هشت فرسخ را داشته بنا بر أظهر باید نماز را شکسته بخواند، و أحوط جمع بین شکسته و تمام است مگر این که مسافت باقی مانده هشت فرسخ باشد که در این صورت باید شکسته بخواند.

شرط سوم :

اشاره

آن که در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود (۱)، باید نماز را تمام بخواند. (۱) (سیستانی :) و مسافتی که رفته با برگشت از هشت فرسخ کمتر است ..

[مسأله ۱۲۸۷ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود]

مسأله ۱۲۸۷ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ (۱) از مسافرت منصرف شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد، یا در برگشتن و ماندن مردّد باشد (۲)، باید نماز را تمام بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) اگر بعد از پیمودن مقداری از راه که با برگشتن هشت فرسخ می شود .. (۲) (زنجانی :) در برگشتن یا قصد اقامه ده روز مردّد باشد .. (۳) (زنجانی :) و هم چنین است اگر احتمال دهد سی روز بدون قصد در آنجا می ماند.

[مسأله ۱۲۸۸ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود]

مسأله ۱۲۸۸ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ (۱) از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد (۲) باید نماز را شکسته بخواند (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) اگر بعد از پیمودن مقداری از راه که با برگشتن هشت فرسخ می شود .. (۲) (گلپایگانی :) تصمیم داشته باشد که ده روز در آنجا بماند ..

(صافی :) تصمیم داشته باشد که پیش از ماندن ده روز از آنجا برگردد ..

(زنجانی :) تصـمیم داشـته باشد از همان راه یا راه دورتر برگردد .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) اگر چه بخواهد کمتر از ده روز در آنجا بماند.

(زنجـانی :) و هـم چنین اگر پیش از رسـیدن به چهـار فرسـخ از مسـافرت منصـرف شـود و تصـمیم داشـته باشـد از راه دیگری برگردد که مجموع رفت و برگشت به مقدار هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۲۸۹ اگر برای رفتن به محلی حرکت کند]

مسأله ۱۲۸۹ اگر برای رفتن به محلی حرکت کند (۱) و بعد از رفتن مقداری از راه بخواهد جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می خواهد برود (۲)، هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) اگر برای رفتن به محلی که هشت فرسخ باشد، حرکت کند .. (سیستانی :) اگر برای سفر هشت فرسخی به طرف محلی حرکت کند ..

(زنجانی :) اگر برای رفتن به محلی که به تنهایی یا به ضمیمه برگشت هشت فرسخ فاصله دارد حرکت کند .. (۲) (زنجانی :) به تنهایی یا به ضمیمه برگشت ..

[مسأله ۱۲۹۰ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد مردد شود]

مسأله ۱۲۹۰ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد (۱) مردد شود که بقیه راه را برود یا نه (۲) و در موقعی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند. (۱) (سیستانی :) اگر پیش از آن که هشت فرسخ را طی کند .. (۲) (صافی :) یا تصمیم بگیرد، در صورتی که به چهار فرسخ رسیده ، و قصد دارد پیش از ده روز از آنجا برگردد و هشت فرسخ دیگر برود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بعد از آن که چهار فرسخ رفت ، مردّد شود که بقیه هشت فرسخ را برود یا بدون این که ده روز در جایی بماند، به محل ّخود برگردد؛ چه در موقعی که مردّد است راه برود یا نرود باید نماز را شکسته بخواند چه آن که بعداً تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود یا این که برگردد.

(مکارم :) مسأله هر گاه بخواهد به محلّی که هشت فرسخ یا بیشتر است برود، اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد مردّد شود که بقیه راه را برود یا نه و در آنجا مقداری متوقّف شود و بعد تصمیم بگیرد بقیه راه را ادامه دهد باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۲۹۱ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد]

مسأله ۱۲۹۱ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود (۱)، یا چهار فرسخ برود و برگردد (۲) تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و نوری نیست (۱) (سیستانی :) و یا تا جایی برود که رفت و برگشتش هشت فرسخ شود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) یا مجموع رفت و برگشت وی پس از تردید هشت فرسخ باشد، تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند.

(بهجت :) یا چهار فرسخ رفته و برگردد و یا این که تصمیم بگیرد بقیه راه را برود و باقی مانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواهد برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۹۲.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بعد از آن که چهار فرسخ برود، مردّد شود که بقیه هشت فرسخ را برود یا این که به محل ّخود برگردد، ولی احتمال این را بدهد که در محل ّ تردید یا جای دیگر ده روز توقّف می نماید، (خوئی : اگر چه بعد تبریزی : و بعد) تصمیم بگیرد که بدون ماندن ده روز بقیه را برود، در این صورت لازم است نماز را تمام کند؛ چه در حال تردید راه برود چه نرود ولی اگر تصمیمش این باشد که هشت فرسخ دیگر برود، یا چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد از وقتی که شروع به رفتن نماید نمازش شکسته است .

[مسأله ۱۲۹۲ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود]

اشاره

مسأله ۱۲۹۲ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، چنانچه باقی مانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواهد برود و برگردد (۱) باید نماز را شکسته بخواند (۲). ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود روی هم هشت فرسخ باشد، بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (۳)، اگر چه جمع واجب نیست و نماز شکسته است . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه باقی مانده سفر او چهار فرسخ باشد که با برگشتن هشت فرسخ شود .. (۲) (نوری :) و اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود، روی هم هشت فرسخ باشد، نیز نماز را شکسته بخواند.

(سیستانی :) چنانچه مجموع مسافت رفت و برگشت منهای مسافتی که با تردید پیموده است کمتر از هشت فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر کمتر نیست نمازش شکسته است .

(زنجانی :) چنانچه باقی مانده سفر او کمتر از هشت فرسخ باشد و مجموع رفت و برگشت وی به استثنای مقداری را که در حال تردید راه رفته است نیز کمتر از هشت فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند .. (۳) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۲۹۱.

(خوئی :) مسأله اگر پیش از آن که چهار فرسخ برود، مردّد شود که بقیه راه را برود یا نه و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، چنانچه باقی مانده سفر او هشت فرسخ باشد یا آن که بخواهد مثلًا چهار فرسخ رفته و چهار فرسخ دیگر برگردد، از وقتی که شروع به راه رفتن بعد از تصمیمش نماید، نماز را شکسته می خواند و در این صورت نیز فرقی نیست که در حال تردید راه برود یا نرود.

(تبریزی :) مسأله اگر پیش از آن که چهار فرسخ برود، مردّد شود که بقیّه راه را برود یا نه و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را

برود یا نه ، چنانچه بعد از پیمودن مقداری از راه چنین تصـمیمی بگیرد، باید نماز را تمام بخواند و الّا بنا بر احتیاط هم شکسـته و هم تمام می خوانـد؛ مگر این که باقی مانده سـفر او هشت فرسخ باشد یا این که بخواهد مثلًا چهار فرسخ رفته و چهار فرسـخ دیگر برگردد که در این صورت ، از وقتی که شـروع به راه رفتن بعـد از تصـمیمش نمایـد، نماز را شکسـته می خوانـد؛ چه در حال تردید راه برود یا نرود.

(مکارم :) مسأله اگر در حال تردید مقداری از مسافت را طی ّ کند، سپس تصمیمش

بر ادامه راه شود، چنانچه باقی مانده راه با آن چه قبلًا با قصد طی ِ کرده هشت فرسخ یا بیشتر باشد، نماز را شکسته می خواند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۵۰ اگر در حال سفر بعد از گذشتن از حد ترخص مانعی برای مسافرت پیش بیاید تا وقتی که تصمیم او بر سفر باقی است و مشروط به تحقق امر دیگر نیست ، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر از تصمیم سفر برگردد و یا بخواهد در همان مکان ده روز بماند باید نماز را تمام بخواند.

شرط چهارم :

اشاره

آن که نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ ، از وطن خود بگذرد (۱)، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند (۲)؛ پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد (۳)، یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند (۴). (۱) (سیستانی :) و در آنجا توقّف کند .. (۲) (مکارم :) [پس] اگر مسافر به وطن خود وارد شود، سفر او قطع می گردد و هم چنین اگر به محل ِاقامه ده روز برسد، حتّی اگر تردید دارد که از وطنش بگذرد یا در جایی ده روز اقامه کند، باز هم نماز او تمام است . (۳) (سیستانی :) و در آن توقّف کند .. (۴) (سیستانی :) و اگر می خواهد از وطن بدون توقف بگذرد باید احتیاطاً هم شکسته بخواند و هم تمام .

(زنجانی :) شرط چهارم آن که تصمیم داشته باشد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود نگذرد، و در جایی قصد اقامه ده روز یا بیشتر نداشته باشد، و سی روز بدون قصد در جایی نماند؛ پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا می خواهد در جایی ده روز بماند، یا احتمال می دهد که در جایی سی روز بدون قصد بماند، باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۲۹۳ کسی که نمی داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می گذرد یا نه]

مسأله ۱۲۹۳ کسی که نمی داند (۱) پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می گذرد یا نه ، یا ده روز در محلی می ماند یا نه (۲)، باید نماز را تمام بخواند. (۱) (زنجانی :) کسی که شک دارد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ده روز در محلّی قصد اقامت می نماید یا نه ..

(زنجانی :) قصد اقامه ده روز در محلی می نماید یا نه .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل شرط چهارم .

[مسأله ۱۲۹۴ کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ ، از وطنش بگذرد]

مسأله ۱۲۹۴ کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ ، از وطنش بگذرد (۱)، یا ده روز در محلی بماند (و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند (۲))، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر باقی مانده راه هشت فرسخ باشد (۳)، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد (۴)، باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) و در آن توقّف کند ..

(زنجانی :) یا قصد داشته ده روز در محلی بماند، و نیز کسی که مردّد است از وطنش

بگـذرد، یا قصد اقامت ده روز در محلی بنماید، اگر در بین ، تصـمیم بگیرد که از وطن نگذرد یا قصد اقامه نکند، باز هم باید نماز را تمام بخوانـد، ولی اگر باقی مانده راه به تنهایی یا به ضـمیمه بر گشت ، هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسـته بخواند. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (سیستانی :) اگر باقی مانده راه هر چند با بر گشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند. (۴) (خوئی ، تبریزی :) و بر گشتن نیز چهار فرسخ باشد ..

شرط پنجم :

اشاره

آن که برای کار حرام سـفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند. و هم چنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد (۱)، یا زن بدون اجازه شوهر (۲) سفری برود که بر او واجب نباشد (۳) ولی اگر مثل سـفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسـته بخواند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) ضـرری که اقدام بر آن شرعاً حرام است داشته باشد ..

(سیسـتانی :) ضرری که موجب مرگ یا نقص عضو است داشته باشد، .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) (خوئی : در صورتی که نشوز بر او صادق شود) و فرزند با نهی پدر و مادر که موجب عقوقش باشد سفری بروند که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند.

(گلپایگانی ، صافی :) و فرزند با نهی پدر و مادر که باعث اذیّت آنها شود سفری بروند که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند.

(فاضـل ، بهجت ، نوری :) و فرزنـد با وجود نهی پـدر و مادر (فاضل : در صورتی که مخالف با آن موجب اذیت و ناراحتی یا اسائه ادب به پدر و مادر باشد) سـفری بروند که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند. (۳) (زنجانی :) زن بـدون اجازه شوهر سـفری کنـد که بـدان «نشوز» گفته شود. [پایان مسأله] (مکارم :) مسأله شـرط پنجم سفر او برای کار حرامی نباشد. اگر به قصد دزدی ، خیانت ، یا کار حرام دیگری سفر کند، باید نماز را تمام بخواند، هم چنین اگر خود سـفر حرام باشـد مثل این که چنان مسافرتی برای بـدن او ضـرر قابل ملاحظه ای دارد، یا زن بدون اجازه شوهر سفر کنـد (بنا بر احتیاط واجب)، یا فرزنـد با نهی پـدر و مادر سـفر نمایـد به طوری که مایه اذیّت آنها شود، بایـد نماز را تمام بخواند، ولی اگر سفر واجبی مانند حجّ واجب بوده باشد، رضایت شوهر و پدر و مادر شرط نیست و نماز شکسته است .

[مسأله ۱۲۹۵ سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد]

مسأله ۱۲۹۵ سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (مکارم :) رجوع کنید به ذیل شرط پنجم .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله سفری که واجب نیست اگر سبب اذیت پدر و مادر باشد، حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند، و روزه هم بگیرد.

(سیستانی :) سبب اذیت ناشی از شفقت پدر و مادر بر او باشد ..

(زنجانی :) ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند؛ هر چند سبب اذیت پدر و مادر باشد.

[مسأله ۱۲۹۶ کسی که سفر او حرام نیست]

مسأله ۱۲۹۶ کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام (۱) هم سفر نمی کند (۲)، اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهد (۳)، مثلًا غیبت کند یا شراب بخورد (۴)، باید نماز را شکسته بخواند (۵). (۱) (زنجانی :) یا ترک واجب .. (۲) (مکارم :) ولی در اثناء سفر، معصیت یا معصیتهایی انجام می دهد، مثل این که در سفر شراب بخورد، یا غیبت کند و به مردم ظلم نماید، نماز او شکسته است . (۳) (زنجانی :) یا واجبی را ترک کند .. (۴) (زنجانی :) یا نماز نخواند .. (۵) (بهجت :) و اگر مقصود از سفر، هم طاعت و هم معصیت باشد، اگر هر دو قصد، مستقل باشد باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مقصود اصلی ، طاعت است و معصیت ، مقصود فرعی و تبعی است ، نماز را شکسته می خواند.

(زنجانی :) و اگر سفر وی مستلزم معصیت یا ترک واجبی باشد نیز همین طور است ؛ هر چند احتیاط مستحب در این صورت این است که نماز را تمام نیز بخواند.

[مسأله ۱۲۹۷ اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید]

مسأله ۱۲۹۷ اگر مخصوصاً (۱) برای آن که کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید (۲) نمازش تمام است ، پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند (۳)، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً (۴) برای فرار از دادن قرض (۵) مسافرت نماید باید نماز را تمام بخواند (۶) ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند (۷) و احتیاط مستحب (۸) آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. (۱) [کلمه «مخصوصاً» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیستانی ، تبریزی و زنجانی نیست] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) چه غرض دیگری در سفر داشته باشد یا نه .. (۳) (زنجانی :) کسی که بدهکار است و وقت آن رسیده ، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و رضایت طلبکار را در تأخیر پرداخت احراز نکرده باشد، .. (۴) [کلمه «مخصوصاً» در رساله آیات عظام : خوئی ، زنجانی ، تبریزی و سیستانی نیست] (۵) (نوری :) یا ترک واجب دیگری .. (۶) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) ولی اگر سفرش برای کار دیگری است اگر چه در سفر ترک واجب نیز بنماید، باید نماز را

شکسته بخواند.

(بهجت :) ولی مسافرت برای ترک روزه ، حرام نیست . [پایان مسأله] (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند .. (۷) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چه سفر باعث ترک واجب شود و احتیاط مستحب آن است که در این صورت هم شکسته و هم تمام بخواند.

(۸) (فاضل :) احتیاط ..

(مکارم :) مسأله هر گاه برای فرار از انجام کار واجبی مسافرت نماید مثل این که بدهکار است و می تواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه می کند، امّا او برای فرار از پرداخت بدهی مسافرت نماید، باید نماز را تمام به جا آورد، ولی اگر چنین قصدی را ندارد باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۲۹۸ اگر سفر او سفر حرام نباشد]

مسأله ۱۲۹۸ اگر سفر او سفر حرام نباشد، ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد (۱)، نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) یا در زمین غصبی مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.

(بهجت :) و یا این که در زمین غصبی سفر می کند، بنا بر أظهر نمازش تمام است . (۲) (اراکی :) باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب است که تمام هم بخواند.

(سیستانی :) مسأله اگر در سفر، حیوان سواری او یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد و برای فرار از مالک مسافرت کرده باشد یا در زمین غصبی مسافرت کند، باید نماز را تمام بخواند.

(مکارم :) مسأله اگر سفر حرام نیست ولی سوار بر مرکب غصبی شود یا در زمین غصبی مسافرت می کند، بنا بر احتیاط جمع میان نماز شکسته و تمام کند، یعنی هم نماز دو رکعتی و هم چهار رکعتی به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی ماشین یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد، یا در زمین غصبی مسافرت کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

[مسأله ۱۲۹۹ کسی که با ظالم مسافرت می کند]

مسأله ۱۲۹۹ کسی که با ظالم (۱) مسافرت می کند، اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد (۲)، باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد (۳) یا مثلًا برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است . (۱) (سیستانی :) کسی که به تبع ظالم .. (۲) (سیستانی ، زنجانی :) مسافرت او کمک به ظالم در ظلمش (زنجانی : یا سبب تقویت شوکت وی) باشد ..

(نوری :) مسـافرت او کمـک به ظـالم یـا موجب شـکوه و افزایش یـافتن عظمت ظالم باشـد .. (۳) (زنجـانی :) یـا به جهتی که اهمیت آن کمتر نیست ؛ مثل نجات دادن مظلومی از مرگ ، با او مسافرت کند، نمازش شکسته است .

(مکارم :) مسأله هر گاه کسـی همراه ظالمی سـفر کند و مسافرت او کمک به ظالم محسوب شود سـفر او حرام است و نمازش را بایـد تمام بخوانـد، مگر آن که مجبور باشد یا برای انجام وظیفه مهمتری مانند نجات جان مظلومی با او سـفر کند که در این صورت نمازش شکسته است .

[مسأله ۱۳۰۰ اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند]

مسأله ۱۳۰۰ اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله در رساله آیت اللّه زنجانی نیست (مکارم :) مسأله مسافرت به قصد تفریح و گردش و استفاده از آب و هوا و مانند آن تا آنجا که موجب اسراف و کار حرام دیگری نباشد، جایز است و نماز را باید شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۰۱ اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود]

مسأله ۱۳۰۱ اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود (۱)، نمازش تمام است (۲) و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است (۳) و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود (۴)، احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد. (۱) (تبریزی :) حرام نیست ولی .. (۲) (خوئی :) نمازش در حال رفتن تمام است و در برگشتن قصر است در صورتی که به حدّ مسافت باشد ..

(سیستانی :) گر چه حرام نیست ولی نمازش در حال رفتن تمام است و در برگشتن قصر است در صورتی که به حد مسافت باشد و مانند رفتن برای شکار نباشد .. (۳) (اراکی ، تبریزی :) و هم چنین اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود (اراکی : نمازش شکسته است ؛ گر چه احتیاط مستحب است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد).

(خوئی ، سیستانی :) و هم چنین است اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود. اگر چه در این صورت احتیاط (سیستانی : احتیاط مستحب) آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(نوری :) چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود و هم چنین اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود، نمازش شکسته است و روزه را نیز نباید بگیرد. (۴) (بهجت :) پس اگر از کسانی می شود که شغلشان در مسافرت کردن است ، نمازش تمام است و روزه می گیرد. و گر نه احتیاط واجب ، در جمع بین شکسته و تمام است ولی روزه را افطار می کند.

(مکارم :) مسأله کسی که برای امرار معاش به شکار می رود سفرش حلال و نمازش شکسته است ، هم چنین اگر برای فراهم کردن درآمد بیشتر باشد، امّا کسی که برای لهو و تفریح و خوشگذرانی به شکار می رود، سفرش حرام و نمازش را باید تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۰۲ کسی که برای معصیت سفر کرده]

اشاره

مسأله ۱۳۰۲ کسی که برای معصیت سفر کرده ، موقعی که از سفر برمی گردد (۱) اگر توبه کرده (۲)، باید نماز را شکسته بخواند. و اگر توبه نکرده (۳) و چیزی هم که بازگشت را از جزئیت سفر معصیت خارج کند حادث نشده باشد باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر برگشتن به اندازه مسافت شرعی باشد چنانچه توبه کرده ، یا برگشت ، سفر مستقلّی باشد؛ باید نماز را شکسته بخواند و اگر برگشت به اندازه

مسافت شرعی نیست ولی مجموع رفت و برگشت به اندازه مسافت است ، احتیاط لازم آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(خوئی ، سیستانی :) اگر برگشتن به تنهایی هشت فرسخ است ، باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب آن است که در صورتی که توبه نکرده ، هم شکسته و هم تمام بخواند.

(تبریزی :) چنانچه قبل از برگشتن قصد اقامت کرده ، یا سی روز با تردّد در مقصد مانده ، یا توبه کرده و برگشتن به تنهایی هشت فرسخ است ، باید نماز را شکسته بخواند. و احتیاط واجب آن است که در صورتی که توبه نکرده ، هم شکسته و هم تمام بخواند و اگر برای شکار لهوی باشد و برگشتن به حدّ مسافت باشد، باید در مراجعت قبل از اقامه ، یا سی روز با تردّد در مقصد ماندن ، جمع بین قصر و تمام نماید. (۲) (مکارم :) و تا محلی که می خواهد برگردد هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند، هم چنین اگر توبه نکرده ولی در بازگشت آلوده به معصیت نیست . (۳) (اراکی :) باید تمام بخواند مگر آن که برگشتن ، سفر جداگانه ای به حساب آید، که در این صورت نماز شکسته است چه توبه کرده باشد یا نکرده باشد.

(زنجانی :) باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

(فاضل :) باید نماز را تمام بخواند و اگر برگشتن از سفر در نظر عرف ، جزء رفتن به سفر معصیت محسوب شود بعید نیست وظیفه اش تمام باشد گر چه احتیاط آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

(نوری :) و در بازگشت فقط قصد عود به وطن را دارد نماز را باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

(بهجت :) مسأله کسی که سفرش برای معصیت است اگر در بین راه توبه کرده ، در صورتی که باقی مانده سفر به اندازه مسافت شرعی باشد، نمازش شکسته است و اگر توبه نکرده و پس از ارتکاب معصیت و یا بدون آن برگشت ، در صورتی که بقیه سفر به اندازه مسافت شرعی باشد، بنا بر اظهر نماز را شکسته می خواند.

مسأله اختصاصی

(نوری :) مسأله ۱۳۰۲ شخصی که از سفر معصیت برمی گردد، چنانچه انگیزه رجوعش مقصد مستقلّی غیر از رجوع به وطن باشد نماز او شکسته است .

[مسأله ۱۳۰۳ کسی که سفر او سفر معصیت است]

اشاره

مسأله ۱۳۰۳ کسی که سفر او سفر معصیت است ، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد (۱)، چنانچه باقی مانده راه هشت فرسخ (۲) باشد، یا چهار فرسخ باشد (۳) و بخواهد برود و برگردد (۴)، باید نماز را شکسته بخواند (۵). (۱) (سیستانی :) خواه باقی مانده راه به تنهایی یا مجموع رفت و برگشت از آنجا هشت فرسخ باشد یا نه ، باید نماز را شکسته بخواند.

(۲) (مکارم :) یا بیشتر باشد و یا مجموع رفتن و برگشتن هشت فرسخ است ، باید نماز را شکسته بخواند. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) که با برگشت هشت فرسخ شود و قصد اقامه ده روز نداشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بقیه راه به اندازه مسافت شرعی نباشد ولی مجموع راهی که قبل از توبه رفته و بعد از توبه می رود، به اندازه مسافت شرعی باشد احتیاط لازم آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (۴) (خوئی ، تبریزی :) بخواهد برود و چهار فرسخ برگردد .. (۵) (فاضل :) به شرط آن که رفتن آن از چهار فرسخ کمتر نباشد.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۰۲.

(زنجانی :) مسأله کسی که سفر او سفر معصیت بوده ، یا برای معصیت سفر کرده ، اگر در بین راه سفرش حلال شود یا از قصد معصیت برگردد، چنانچه باقی مانده راه هشت فرسخ باشد، یا می خواهد به جایی رود که به ضمیمه برگشت هشت فرسخ می باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۶۰ اگر قسمتی از سفر برای کار حرام و قسمتی دیگر برای کار غیر حرام باشد آن قسمت سفر که برای غیر حرام است ملاک شروع مسافت شرعی برای شکسته بودن نماز است .

[مسأله ۱۳۰۴ کسی که برای معصیت سفر نکرده]

مسأله ۱۳۰۴ کسی که برای معصیت سفر نکرده ، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که مقدار گذشته به قدر مسافت بوده صحیح است و الّا احتیاط واجب آن است که آن نمازها را اعاده نماید.

(صافی :) در صورتی که راهی که طی کرده مسافت بوده صحیح است و الّا احتیاط واجب اعاده آنهاست .

(زنجانی :) مسأله کسی که سفر او سفر معصیت نبوده و برای معصیت هم سفر نکرده ، اگر در بین راه ، سفرش معصیت شود یا قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند، و نمازهایی را که شکسته خوانده ، در صورتی که مقدار گذشته مسافت شرعی بوده صحیح است ، و الّا احتیاط واجب آن است که آن نمازها را اعاده نماید.

شرط ششم :

اشاره

آن که از صحرا نشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می کنند (۱) و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمشان پیدا کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند و صحرا نشینها در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند. (۱) (سیستانی :) شرط ششم : آن که از کسانی نباشد که خانه شان همراه خودشان است مانند صحرا نشینهایی که در بیابانها گردش می کنند ..

(مکارم :) مسأله شرط ششم از صحرا نشین های خانه به دوش نباشد. «صحرا نشین های خانه به دوش » که وطن خاصی ندارند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیواناتشان فراهم باشد توقف می کنند باید در این مسافرتها نمازشان را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.

[مسأله ۱۳۰۵ اگر یکی از صحرا نشینها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند]

مسأله ۱۳۰۵ اگر یکی از صحرا نشینها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند (۱)، چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، احتیاط واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بدون چادر و اثاثیه ، بلکه فقط به منظور تعیین محل ّو مرتع مناسب برای احشام خودشان باشد ..

(زنجانی :) چنانچه با چادر و اثاثیه باشد نماز را تمام بخواند و الّا چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(نوری :) چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، و چادر و اثاثیه او همراهش نباشد نمازش را شکسته بخواند. (فاضل :) بدون این که منزلش همراهش باشد ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر یکی از صحرا نشینها (سیستانی : مثلًا) برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند، چنانچه با بُنه و دستگاه باشد، (سیستانی : که صدق کند خانه اش همراهش می باشد) نماز را تمام بخواند و الّا چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۰۶ اگر صحرا نشین برای زیارت یا تجارت مسافرت کند]

مسأله ۱۳۰۶ اگر صحرا نشین (۱) برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : زنجانی و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) مثلًا .. (۲) (سیستانی :) اگر صدق عنوان خانه بدوش بر آن در این سفر نکند باید نماز را شکسته بخواند و اگر صدق کند نمازش تمام است .

(مکارم :) مسأله هر گاه صحرا نشین خانه به دوش مانند مردم دیگر برای زیارت خانه خدا، یا تجارت ، یا مسافرت دیگری غیر از آن مسافرت که جزء زندگی اوست برود، باید نماز را شکسته بخواند.

شرط هفتم :

اشاره

آن که شغل او (۱) مسافرت نباشـد، بنا بر این شتر دار و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند اینها، اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند (۲) (در غیر سـفر اول (۳)) بایـد نماز را تمام بخوانند (۴). ولی در سـفر اول اگر چه طول بکشد، نمازشان شکسته است . (۱) (اراکی :) یا مقدمه شـغلش .. (۲) (اراکی :) در سـفر بایـد نماز را تمام بخوانند، ولی در سـفر اوّل نمازشان شکسته است مگر به قدری طول بکشد که بگویند مسافرت را شغل خود قرار داده ، که در این صورت نماز تمام است .

(بهجت :) نمازشان تمام است . [پایان مسأله] (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست]

(۴) (خوئی :) و ملحق می شود به کسـی که کارش سـفر است کسـی که کارش در جای دیگری است که مقـدار مُعتـدٌّ بهی از روزها را مثلًا ماهی ده روز یا بیشتر به آنجا سـفر نموده و بر می گردد مانند کسـی که اقامتش در جایی است و کارش در جای دیگر از قبیل تجارت و تدریس .

(گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین در سـفر اوّل اگر طول بکشـد یا از مکانی به مکان دیگر برود که عرفاً بگویند: عمل او سـفر است باید نماز را تمام بخواند ولی اگر سفر طولانی نباشد به طوری که عرفاً نگویند سفر عمل اوست ، نمازشان شکسته است .

(تبریزی :) و ملحق می شود به کسـی که عملش سـفر است ، شخصـی که کارش در جای معیّنی است و حدّ اقل ّ هفته ای یک بـار به آنجا سـفر نموده و برمی گردد ماننـد کسـی که اقامتش در جایی و کارش در جای دیگر است مثل رفتن برای تجارت و تدریس .

(نـوری :) ولی در سـفر اول نمازشـان شکسـته است مگر این که سـفر اول نیز طولا‌نـی باشـد که در این صورت پس از این که صدق کند که شغل او مسافرت شده نمازش تمام است .

(زنجـانی :) شـرط هفتم آن که بسـیار مسـافرت نکنـد (کثیر السـفر نباشـد)، بنـا بر این کسـی که شـغل او مسافرت است ؛ مانند ساربان و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند اینها، باید نماز را تمام بخوانند.

کثیر السـفر باید نمازش را تمام بخواند، خواه شغلش مسافرت باشد، یا بخاطر شغل و گذران زندگی بسیار مسافرت می کند، و خواه به جهت دیگر باشـد؛ بنـا بر این کسـی که در سـفر تجـارت ، یا تـدریس می کنـد، یا به جهت تفریـح مثلًا زیاد سـفر کند نمازش تمام است .

(مکـارم :) شـرط هفتم شـغل و کـار او مسـافرت نباشـد. راننـده هـا، خلبانهـا، کشتیبانها و ساربانها و ماننـد آنها که سـفر، شـغل آنهاست باید نماز را تمام بخوانند هر چند در سفر اوّل باشد.

(سیسـتانی :) شـرط هفتم : آن که «کثیر السـفر» نباشـد و امّـا کسـی که کـارش متوقف بر سـفر است ماننـد راننـده و کشتیبان و پستچی و چوپان یا کسی که زیاد سفر می کند هر چند کار او متوقف بر آن نباشد مانند کسی که سه روز در هفته در مسافرت باشد هر چند برای تفریح یا سیاحت باشد این گونه افراد باید نماز را تمام بخوانند.

مسائل اختصاصی

(اراکی :) مسأله ۱۲۹۹ کسـی که مسافرت مقدمه شغل او می باشد، حکم کسـی را دارد که شغل او مسافرت است ؛ بنا بر این کسـی که بین محل ّ کار و سـکونت او به اندازه مسافت شـرعی یا بیشتر فاصله باشد و معمولًا بین آن دو محل ّ رفت و آمد می کند، به طوری که ده روز در یک محل ّ نمی ماند، نمازش تمام است .

(بهجت :) مسأله ۱۰۶۲ مسافرتهایی که همیشه لازمه شغل انسان است ، مثل سفر برای پیدا کردن منزل قبل از حرکت کاروان ، مانند همان شغل است ؛ بخلاف مسافرتهای اتّفاقی که نماز در آن شکسته است .

(مکارم :) مسأله ۱۱۴۶ کسی که شغلش مسافرت نیست ولی مسافرت مقدّمه شغل اوست ، مانند

معلّم و کارگر و کارمندی که خودش ساکن شهری است و همه روز برای انجام کار به نقطه دیگری می رود که رفت و آمد او هشت فرسخ یا بیشتر است ، باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد.

[مسأله ۱۳۰۷ کسی که شغلش مسافرت است]

مسأله ۱۳۰۷ کسی که شغلش مسافرت است (۱) اگر برای کار دیگری مثلًا برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند (۲). ولی اگر مثلًا شوفر، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد (۳) و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند (۴). (۱) (سیستانی :) کسی که شغلش در مسافرت است .. (۲) (سیستانی :) مگر آن که عرفاً او را کثیر السّفر بگویند مانند کسی که دائماً سه روز در هفته مسافر است .. (زنجانی :) بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) اگر مثلًا راننده عده ای را برای زیارت با اتومبیل خود ببرد .. (۴) (سیستانی :) در هر حال باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۰۸ حمله دار]

مسأله ۱۳۰۸ حمله دار یعنی : کسی که برای رساندن حاجیها به مکه مسافرت می کند، (۱) چنانچه شغلش مسافرت باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر شغلش مسافرت نباشد (۲)، باید شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) اگر بسیار مسافرت می کند باید نماز را تمام بخواند، ولی امروزه که معمولًا بسیار مسافرت نمی کنند نمازشان شکسته است . (۲) (خوئی :) و فقط در ایّام حجّ برای حمله داری سفر می کند، احتیاط واجب آن است که بین نماز تمام و شکسته جمع نماید. ولی چنانچه مدّت سفر او کم باشد مثل این زمان که سفر با هواپیما است بعید نیست حکم که وظیفه او شکسته خواندن باشد.

(سیستانی :) و فقط در ایام حج برای حمله داری سفر می کند چنانچه مدت سفر او کم باشد مثلًا دو سه هفته ، نماز او شکسته است و اگر زیاد باشد مانند سه ماه ، نماز او تمام است و اگر شک داشته باشد که کثیر السفر بر او صدق می کند یا نه ، احتیاطاً جمع کند بین قصر و تمام .

(تبریزی :) و فقط در ایام حج برای حمله داری سفر می کند اگر چه مدّت سفرش کم باشد مانند این زمان که سفر با هواپیما است بنا بر احتیاط تمام و شکسته بخواند.

(نوری ، فاضل :) مسأله حمله دار یعنی کسی که فقط در ماههای حجّ به مسافرت اشتغال می ورزد، نماز را باید شکسته بخواند.

(مکارم :) مسأله کسانی که راهنمای حجّ و مدیر کاروان حجّاج و مانند آن می باشند، در صورتی که مسافرت جزء یا مقدّمه

شغل آنها محسوب شود و این کار مدّت قابل ملاحظه ای (حدود چند ماه) به طول انجامد باید نماز را تمام بخوانند.

[مسأله ۱۳۰۹ کسی که شغل او حمله داری است]

مسأله ۱۳۰۹ کسـی که شـغل او حمله داری است و حاجیهـا را از راه دور به مکه می برد، چنـانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد (۱)، باید نماز را تمام بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : زنجانی ، مکارم ، سیستانی و بهجت نیست

(۱) (خوئی :) چنانچه مقدار معتنی بهی از ایّام سال را در راه باشد ..

(تبریزی :) چنانچه چند ماه از سال را در راه باشد ..

[مسأله ۱۳۱۰ کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است]

اشاره

مسأله ۱۳۱۰ کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است ، مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند (۱) و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (تبریزی :) باید در آن سفر نماز را تمام بخواند. [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی :) باید در آن سفر نماز را تمام بخواند ..

(گلپایگانی ، صافی :) باید در سفری که برای شغلش می رود نماز را تمام بخواند ..

(فاضل :) باید در زمانی که اشتغال به سفر دارد نماز را تمام بخواند ..

(بهجت :) اگر به او راننده گفته می شود باید نماز را تمام بخواند ..

(زنجانی :) مسأله کسی که فقط در مقداری از سال شغلش مسافرت است ؛ مانند راننده ای که فقط در تابستان یا زمستان مسافران را جابجا می کند، باید در آن سفر نماز را تمام بخواند، و احتیاط مستحب آن است که شکسته نیز بخواند، ولی اگر مدت سفر او کم باشد به قدری که عرفاً به او کثیر السفر نگویند؛ مانند حمله داری که سالی یک بار حجّاج را به مکه می برد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۶۴ در کثیر السّفر لازم نیست که انسان سفرهای متعدّد داشته باشد بلکه یک سفر طولانی که بیشتر سال را فرا گیرد مثل سفرهای متعدّد است ؛ پس همین که بگویند فلانی راننده است و یا شغلش سفر است اگر چه در یک سفر طولانی و بدون تکرار و تعدّد باشد کافی است .

(سیستانی :) مسأله ۱۲۹۶ در صدق عنوان راننده و مانند آن معتبر است که تصمیم بر ادامه رانندگی داشته باشد و زمان استراحتش بیش از مقدار معمول رانندگان طولانی نباشد پس کسی که مثلًا در هفته یک روز سفر می رود، راننده بر او صدق

نمی کند و اما عنوان کثیر السفر صدق می کند بر کسی که حد اقل در هفته سه روز یا در ماه ده روز در مسافرت باشد و تصمیم بر ادامه این وضع برای حد اقل شش ماه در سال و یا سه ماه در دو سال به بالا داشته باشد (البته در ماه اوّل باید احتیاطاً جمع کند)، ولی عنوان کثیر السفر صدق نمی کند بر کسی که در هفته یك روز در سفر است و اگر در هفته دو روز در سفر باشد بنا بر احتیاط واجب هم شکسته بخواند هم تمام .

[مسأله ۱۳۱۱ راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند]

مسأله ۱۳۱۱ راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود (۱)، باید نماز را شکسته بخواند. (۱) (بهجت :) ولی این سفر جزء شغل او باشد، باید نماز را تمام بخواند.

(مکارم :) مسأله کسی که شغلش رانندگی داخل شهرهاست اگر اتّفاقاً به سفر خارج از شهر برود و هشت فرسخ و بیشتر باشد نمازش شکسته است ، امّا کسی که هم رانندگی داخل شهر می کند و هم راننده بیابانی است وقتی به خارج شهر می رود، نماز را باید تمام بخواند.

(زنجانی :) مسأله کسی که در کمتر از چهار فرسخی شهر رفت و آمد می کند به صورتی که عرفاً او را کثیر السفر می گویند، چنانچه اتفاقاً سفری برود که مسافت شرعی است بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، و اگر رفت و آمد او به جایی نزدیک شهر است به حدّی که رفتن به آنجا عرفاً مسافرت محسوب نشود، در مسافرتی که به قدر مسافت شرعی است باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۱۲ کسی که شغلش مسافرت است]

مسأله ۱۳۱۲ کسی که شغلش مسافرت است (۱) اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اوّلی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند (۲). (۱) (اراکی :) یا مسافرت مقدّمه شغل اوست ..

(خوئی ، تبریزی :) چاروداری که شغلش مسافرت است ..

(زنجانی :) کسی که زیاد مسافرت می کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است اگر در غیر وطن خود، ده روز با قصد بماند.

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۱۳.

(سیستانی :) مسأله کسی که شغلش مسافرت است چه ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند و از اوّل قصد ماندن ده روز را داشته باشد، یا بدون قصد بماند باید در همان سفر اوّلی که بعد از ده روز می رود، نماز را تمام بخواند و هم چنین است اگر در غیر وطن خود ده روز با قصد یا بدون قصد بماند ولی در خصوص چاروادار یا راننده ای که اتومبیلش را کرایه می دهد اگر چنین باشد احتیاط مستحب آن است که در سفر اوّلی که بعد از ده روز می رود هم شکسته بخواند و هم تمام .

[مسأله ۱۳۱۳ کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز بماند]

اشاره

مسأله ۱۳۱۳ کسی که شغلش مسافرت است (۱)، اگر در غیر وطن خود ده روز بماند (۲) در سفر اوّلی که بعد از ده روز می رود باید نماز را شکسته بخواند (۳). چه از اول ، قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا نداشته باشد. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) یا مسافرت مقدمه شغل اوست .. (زنجانی :) کسی که زیاد مسافرت می کند .. (۲) (اراکی :) اگر قصد ماندن داشته باشد ..

(گلپايگانی ، صافی ، زنجانی :) چنانچه از اوّل قصد ماندن ده روز را داشته ..

(نوری :) با قصد اقامه بماند .. (فاضل :) با قصد بماند .. (۳) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، گلپايگانی ، صافی :) و اگر از اوّل ، قصد مانـدن ده روز را نداشـته باشد احتياط واجب (گلپايگانی ، صافی : احتياط لازم) آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (صافی : اگر چه اکتفا به تمام هم بدون توجيه نيست).

(زنجانی :) و اگر از اول قصد ماندن ده روز را نداشته باشد، بنا بر احتياط در سفر اوّل ، هم شکسته و هم تمام بخواند.

(فاضل :) و اگر قصد ده روز ماندن را نداشته به احتياط واجب جمع بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که شغلش مسافرت است ، غیر از چاروادار اگر چه (تبریزی : اگر) در غیر وطن خود با قصد ده روز بمانـد، یا در وطن خود هر چنـد بـدون قصد باشد ده روز بماند، در سـفر اولی که بعد از ده روز می رود نیز حکمش تمام است ولی احتیاط مستحب آن است که بین نماز تمام و شکسته جمع نماید.

(تبریزی :) أظهر آن است که نمازش را تمام بخواند، اگر چه بهتر است بین شکسته و تمام جمع نماید.

(سیسـتانی :) مسأله کسـی که شـغلش مسافرت است شـرط نیست که سه بار مسافرت کنـد تا نمازش تمام باشـد بلکه همین که عنوان راننده و مانند آن بر او منطبق شود هر چند در اولین سفر باشد نمازش تمام است .

(بهجت :) مسأله کسـی که شغلش مسافرت است ، اگر در وطن یا غیر وطن خود ده روز بماند، در سفر اولی که بعد از ده روز می رود مانند سـفر اولی است که این شـغل را در ابتداء شروع کرده بود و بنا بر این تا زمانی که این سفر، عرفاً شغل او حساب نمی شود بایـد نماز را شکسـته بخوانـد. بلی مانـدن ده روز متصل در غیر وطن ، بایـد با قصـد اقامه باشد، ولی در وطن اگر چه بدون قصد هم باشد، همین حکم را دارد.

مسائل اختصاصی

(سیستانی :) مسأله ۱۳۰۱ کسانی چون چاروادار و راننـده که شـغل آنها مسافرت است ، در صورتی که مسافرت بیش از مقدار معمول بر آنها موجب مشقّت و خستگی شود باید نماز را شکسته به جا آورند.

(فاضـل :) مسأله ۱۳۳۰ اشخاصـی که شـغلشان در سـفر است ،ماننـد دانشـجویانی که جهت تحصـیل به شـهر دیگر می روند و معمولًا جمعه هـا به وطن خود بر می گردنـد یا معلمان و کارمنـدان و کارگرانی که همه روزه از وطنشان برای کار و شـغل به مسافت شـرعی می رونـد و شب بر می گردند، بنا بر احتیاط نمازشان شکسـته است و روزه آنها صـحیح نیست مگر این که در محل کار قصد ده روز کنند.

[مسأله ۱۳۱۴ کسی که شغلش مسافرت است اگر شک کند]

مسأله ۱۳۱۴ کسی که شغلش مسافرت است (۱)، اگر شک کنـد که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانـده یا نه ، باید نماز را تمـام بخوانـد. این مسأله در رسـاله آیـات عظـام : بهجت ، فاضل و سیسـتانی نیست (۱) (خوئی :) چـاروا داری که شـغلش مسافرت است .. (زنجانی :) کسی که زیاد مسافرت می کند ..

[مسأله ۱۳۱۵ کسی که در شهرها سیاحت می کند]

مسأله ۱۳۱۵ کسی که در شهرها سیاحت می کند و برای خود وطنی اختیار نکرده ، باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۱۶ کسی که شغلش مسافرت نیست]

مسأله ۱۳۱۶ کسی که شغلش مسافرت نیست ، اگر مثلًا (۱) در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرتهای پی در پی می کند، باید نماز را شکسته بخواند (۲). (۱) (زنجانی :) کسی که زیاد مسافرت نمی کند، اگر اتفاقاً .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) ولی کسی که کارش این است که هفته ای یک بار یا بیشتر برای انجام شغلی در محلّی سفر می کند، مثلًا همه روزه از تهران به کرج برای تدریس یا درس خواندن

می رود یا آن که برای کاری مثل خرید و فروش از تهران به قم یا بالعکس سفر می نماید، همین که به مقداری سفر کند که عرفاً این کار را شغل او بگویند، باید نماز را تمام بخواند.

(نوری :) ولی کسی که کارش این است که هفته ای یک بار یا بیشتر برای انجام کاری به محلی مسافرت می کند؛ مثلًا همه روزه یا دو روز یک مرتبه ، مثلًا از تهران به کرج برای تدریس یا انجام کار اداری یا برای کسب و تجارت می رود همین که مقداری سفر کند که عرفاً این کار یعنی کار توأم با سفر را شغل او بگویند نماز را تمام بخواند.

(سیستانی :) مگر آن که «کثیر السفر» باشد که در مسأله [اختصاصی (۱۲۹۶) در صفحه (۷۰۴)] معیار آن گذشت .

[مسأله ۱۳۱۷ کسی که از وطنش صرف نظر کرده]

مسأله ۱۳۱۷ کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند (۱)، اگر شغلش مسافرت نباشد (۲) باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند، مگر آن که سفرش طولانی شود و جزء افراد خانه به دوش حساب شود. (۲) (زنجانی :) اگر کثیر السفر نباشد ..

(سیستانی :) اگر عنوانی که موجب تمام شدن نماز است مانند کثیر السفر یا خانه به دوش بر او صدق نکند ..

شرط هشتم :

اشاره

آن که به حد ترخص برسد (۱) یعنی از وطنش (یا جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند (۲)) به قدری دور شود (۳) که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود ولی باید در هوا، غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره ها و گنبدها را نبیند (۴)، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوارها کاملًا معلوم نباشد کافی است (۵). (۱) (فاضل :) از حد ترخص بگذرد .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : نوری و فاضل نیست] (۳) (اراکی :) که اهل آنجا او را نبینند و اذان آنجا را نشنود. [پایان مسأله] (زنجانی :) که صدای اذان بلند آخر آنجا را نشنود و نیز اهل آن محل او را نبینند. [پایان مسأله] (۴) (گلپایگانی ، صافی :) بلی ، اگر به قدری دور شده که دیوار خانه های شهر کاملًا معلوم نیست ولی شبح آنها نمایان است ، احتیاط لازم آن است که نماز نخواند تا وقتی که شبح پنهان شود یا هم شکسته بخواند و هم تمام .

(فاضل :) یا دیوارها پیدا نباشد بلکه همین قدر که دیوار کاملًا تشخیص داده نشود کافی است ، و کسی که از جایی که قصد

کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود، تا به حدّ ترخّص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (۵) (نوری :) و کسی که از جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود، تا حد ترخص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) شرط هشتم : آن که به «حد ترخص » برسد و معنی حدّ ترخّص در (مسأله [۱۲۸۳]) گذشت و امّا در غیر وطن ، اعتباری به حدّ ترخص نیست و همین که از محل ِاقامت خارج شود، نمازش قصراست .

(سیستانی :) شرط هشتم : آن که اگر از وطن حرکت می کند به «حدّ ترخّص » برسد و امّا در غیر وطن ، حدّ ترخّص اثری ندارد و همین که از محل ِاقامت خارج شود، نمازش قصر است . حدّ ترخّص جایی است که اهل شهر حتی آنها که در خارج شهر و توابع آن هستند مسافر را نتواند ببیند و نشانه آن این است که او اهل شهر را نتواند ببیند.

(مکارم :) شرط هشتم : به «حدّ ترخّص » برسد. «حدّ ترخّص » یعنی از وطن یا محل ِاقامتش به اندازه ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و مردم شهر او را نبینند، امّا دیدن و ندیدن دیوارهای شهر اثری ندارد، ولی باید در هوا گرد و غبار یا مه یا چیز دیگری که مانع دیدن است یا سر و صدایی که مانع شنیدن است وجود نداشته باشد و اگر یکی از این دو علامت حاصل شود کافی است ، به شرط این که یقین به نبودن دیگری نداشته باشد، و الّا احتیاط، جمع میان نماز شکسته و تمام است .

[مسأله ۱۳۱۸ کسی که به سفر می رود]

اشاره

مسأله ۱۳۱۸ کسی که به سفر می رود اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند (۱) و صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (اراکی :) اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی اهل آنجا او را ببینند، یا او را نبینند ..

(خوئی ، تبریزی :) اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی اهل شهر را ببیند یا اهل شهر را نبیند .. (۲) (اراکی :) ولی اگر یکی محقّق شده و نسبت به دیگری شک ِدارد، باید نماز را شکسته بخواند مثل این که اذان آنجا را نمی شنود و نمی داند که اهل آنجا او را می بینند یا نه .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل شرط هشتم .

زنج (انی :) مسأله کسی که به سفر می رود، اگر به جایی برسد که اگر در آخر شهر با صدای بلند اذان بگویند صدای اذان را نمی شنود و اهل شهر او را نمی بینند ولی دیوارهای شهر را می بیند، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب در آن است که تمام نیز بخواند.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۷۰ اگر کسی بدون قصد سفر، تا حدّ ترخّص رفته و از آن جا، قصد سفر کرده ، همین که از آن محل شروع به حرکت کرد، به طوری که عرفاً بگویند سفرش را آغاز کرده ، باید نمازش را شکسته بخواند و در این صورت ، دیگر خروج از حدّ ترخّص آن محل ، اعتباری ندارد

و ابتدای مسافت شرعی را هم بایـد از همان جا حساب کرد؛ و هم چنین اگر در جایی بود که نه وطن او بود و نه قصد ماندن ده روز را در آن جا داشت و نه سـی و یک روز به طور تردید، در آنجا مانده بود و در عین حال ، نمازش در آن شـهر یا محل ، تمـام بود مثل این که به دنبال گم شـده ای بـدون قصـد سـفر به آن جا رسیده بود و از آنجا، قصـد سـفر کرد، خروج از حدّ ترخّص آن محل ، اعتباری ندارد و همین که مسافت شرعی را عرفاً شروع کرد، نمازش را شکسته می خواند.

(بهجت :) مسأله ۱۰۷۱ اگر مسافر به اجبار یا به اختیار خود بدون این که از قصد سفر برگردد به کمتر از حدّ ترخّص برگشت ، نمـازش در آنجـا تمام است ، ولی اگر برگشـتن او به کمتر از حـدّ ترخّص نبود نماز شکسته است ، مگر آن که از قصـد سـفر برگردد.

[مسأله ۱۳۱۹ مسافری که به وطنش برمی گردد]

مسأله ۱۳۱۹ مسـافری که به وطنش برمی گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببینـد و صـدای اذان آن را بشـنود، بایـد نماز را تمام بخواند (۱) ولی مسـافری که می خواهـد ده روز در محلی بمانـد، وقتی دیوار آنجـا را ببینـد و صـدای اذانش را بشـنود، بنـا بر احتیاط واجب بایـد نماز را تأخیر بینـدازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم شکسـته و هم تمام بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) و نیز مسافری که می خواهـد ده روز در محلی بمانـد، وقتی دیوار آنجا را ببینـد و صـدای اذانش را بشـنود، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا هم شکسته و هم تمام بخواند. (صافی : و سزاوار است این احتیاط را ترک نکند).

(اراکی :) مسأله مسـافری که به وطنش برمی گردد، وقتی به جـایی برسـد که اهل وطن او را ببیننـد و اذان آنجا را بشـنود باید نمـاز را تمـام بخوانـد و هم چنین مسـافری که می خواهـد ده روز در محلی بمانـد، وقتی که به جایی برسـد که اهل محل او را ببینند و اذان آنجا را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله مسافری که به وطنش برمی گردد، وقتی که اهل وطن خود را ببینـد و صدای اذان آن را بشـنود، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی مسافری که می خواهد ده روز در محلّی بماند، مادامی که به آن محل نرسیده نمازش قصر است .

(سیسـتانی :) مسأله مسـافری که به وطنش برمی گردد، تـا وقتی که داخل وطنش نشـده بایـد نماز را قصـر بخوانـد و هم چنین مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، مادامی که به آن محل نرسیده نمازش قصر است .

(بهجت :) مسأله مسـافری که به وطن خود برمی گردد، برای این که نماز را تمام بخوانـد، بنا بر احتیاط بایـد هم دیوار وطن را ببینـد و هم اذان آنجا را بشـنود، اگر چه أظهر، کفایت شـنیدن اذان است . ولی مسافری که می خواهد ده روز در محلّی بماند، اگر به جایی برسـد که دیوار آن محل را ببینـد و صـدای اذانش را بشـنود، چنانچه بخواهـد در آنجا نماز بخوانـد بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که به وطنش برمی گردد، وقتی به جایی برسد که صدای اذان

آخر شـهر را می شـنود یـا اهـل شـهر او را می بیننـد، بایـد نماز را تمام بخوانـد، و نیز مسافری که می خواهـد ده روز در محلی بماند، وقتی صدای اذان آنجا را بشنود یا اهل آنجا او را ببینند، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که نمازش را به تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۲۰ هر گاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود]

اشاره

مسأله ۱۳۲۰ هر گاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند، کسی که از آن شهر مسافرت می کند، وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی شد، باید نماز خود را شکسـته بخواند. و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید. (اراکی :) مسأله هر گاه شهر در بلندی باشد که انسان از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود، او را نمی بیند، کسـی که از آن شـهر مسافرت می کند، وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، آن شخص از آنجا دیده نمی شد، باید نماز خود را شکسته بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) مسأله هر گاه شـهر در بلندی باشد که از دور، اهل آن دیده شود، یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود، اهل آن را نبینـد، کسـی که از اهالی آن شـهر مسافرت می کند، وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، اهلش از آنجا دیـده نمی شـد، بایـد نماز خود را شکسـته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی راه بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.

(زنجانی :) مسأله هر گاه موقعیت جغرافیایی شـهر به طوری باشـد که از دور صـدای اذان آن شـنیده شود، یا طوری باشد که با کمی فاصـله گرفتن صدای اذان قطع گردد، اهالی آن شـهر نیز در مسافرت وقتی به جایی برسـند که صدای اذان بلند آخر شهر را نشـنوند بایـد نماز را شکسـته بخوانند، بلی اگر شـهر در مسـیر بادهای تند باشد و صدای اذان تا مسافتهای زیادی برسد، باید موقعیت متعارف را در نظر بگیرد؛ و اگر باد مانع رساندن صدای اذان باشد ولی اهالی شـهر، مسافر را ببینند، نمازش تمام است .

(مکارم :) مسأله معیار در شـهرها، شـهرهای معمولی است و اگر شهری زیاد در گودی یا در بلندی قرار گرفته باشد باید مطابق شهرهـای معمولی با آن رفتار کرد، یعنی ببینیم چه انـدازه مسافت سـبب می شود که در شـهرهای معمولی ، انسان صـدای اذان شهر را نشنود و اهالی شهر او را نبینند.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۰۷۴ در شـهرهای بزرگی مثل تهران ، همین که عرفاً صـدق کند کسـی که در آن شـهر زندگی می کند، به راحتی می توانـد در نواحی مختلف شـهر رفت و آمـد کنـد بدون این که عرف ، او را مسافر حساب کند، بنا بر أظهر آن شـهر حکم شهرهای دیگر را دارد.

[مسأله ۱۳۲۱ اگر از محلی مسافرت کند]

مسأله ۱۳۲۱ اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد وقتی به جایی برسد

که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی شد، باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (اراکی :) مسأله اگر از محلی مسافرت کند که ساکنینی ندارد وقتی به جایی برسد که اگر آن محل ساکنینی داشت در آنجا او را نمی دیدند باید نماز را شکسته بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر از محلّی مسافرت کند که اهل ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل ٍاهل داشت ، از آنجا دیده نمی شد باید نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) وقتی به جایی برسد که اگر در آخر آن محل ، با صدای بلند اذان بگویند شنیده نمی شود و اگر کسی در آن محل باشد او را نمی بیند ..

[مسأله ۱۳۲۲ اگر به قدری دور شود]

اشاره

مسأله ۱۳۲۲ اگر به قدری دور شود که نداند صدایی را که می شنود صدای اذان است یا صدای دیگری (۱)، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر بفهمد اذان می گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد، باید تمام بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و سیستانی نیست (۱) (اراکی :) و هم چنین اگر بفهمد اذان می گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۲۶.

مسائل اختصاصی

(سیستانی :) مسأله ۱۳۰۸ کسی که در کشتی یا قطار نشسته و قبل از رسیدن به حدّ ترخّص به نیّت نماز تمام مشغول شود ولی قبل از رکوع رکعت سوّم به حدّ ترخّص برسد، باید نمازش را شکسته به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله ۱۳۰۹ اگر در فرضی که در مسأله پیش گذشت بعد از رکوع رکعت سوّم به حدّ ترخّص برسد، باید نماز دیگری را شکسته به جا آورد و تمام کردن نماز اوّل لازم نیست .

(سیستانی :) مسأله ۱۳۱۰ اگر کسی یقین پیدا کند که به حد ترخّص رسیده و نماز را شکسته به جا آورد و سپس معلوم شود که در وقت نماز به حد ترخص نرسیده بود باید نماز را دوباره انجام دهد، پس چنانچه در این حال هنوز به حد ترخص نرسیده باشد، باید نماز را تمام بخواند و در صورتی که از حد ترخص گذشته باشد نماز را شکسته به جا آورد و اگر وقت گذشته نماز را مطابق وظیفه اش در هنگام فوت آن به جا آورد.

[مسأله ۱۳۲۳ اگر به قدری دور شود که اذان خانه ها را نشنود]

مسأله ۱۳۲۳ اگر به قدری دور شود که اذان خانه ها (۱) را نشنود ولی اذان شهر را که معمولًا در جای بلند می گویند بشنود، نباید نماز را شکسته بخواند. این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و مکارم نیست (۱) (فاضل :) اذان خانه های آخر شهر ..

[مسأله ۱۳۲۴ اگر به جایی برسد که اذان شهر را نشنود]

مسأله ۱۳۲۴ اگر به جایی برسد که اذان شهر را که معمولًا در جای بلند می گویند نشنود (۱) ولی اذانی را که در جای خیلی بلند (۲) می گویند بشنود، باید نماز را شکسته بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه سیستانی نیست

(۱) (مکارم :) نمازش شکسته است ، هر چند اذانی را که با بلندگوهای قوی می گویند بشنود. (۲) (زنجانی :) یا با وسایلی هم چون بلندگو ..

[مسأله ۱۳۲۵ اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان ، غیر معمولی باشد]

مسأله ۱۳۲۵ اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان ، غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه ها را نبیند (۱) و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود. (۱) (خوئی ، تبریزی :) چشم متوسط اهل شهر را نبیند ..

(مکارم :) مسأله اگر کسی گوش و چشمش از معمول ضعیف تر یا بسیار قوی تر است اعتباری به آن نیست بلکه اعتبار به گوش و چشمهای معمولی است .

(زنجانی :) مسأله اگر گوش او یا صدای اذان ، غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که گوش معمولی صدای اذان بلند معمولی را نشنود.

(سیستانی :) مسأله اگر چشم او غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط، اهل شهر را نبیند.

[مسأله ۱۳۲۶ اگر بخواهد در محلی نماز بخواند]

مسأله ۱۳۲۶ اگر بخواهد در محلی نماز بخواند که شک دارد به حد تَرَخُّص یعنی جایی که اذان را نشنود (۱) و دیوار را نبیند، رسیده یا نه ، باید نماز را تمام بخواند. و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه ، باید شکسته بخواند. و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می کند باید (۲) یا آنجا نماز نخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) و او را نبینند، رسیده یا نه باید نماز را تمام بخواند و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حدّ ترخّص رسیده یا نه ، باید شکسته بخواند. (۲) [کلمه «باید» در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (نوری :) چون در بعض موارد اشکال پیدا می کند مانند آن که در فرض مسأله موقع رفتن نماز ظهر را تمام بخواند و موقع برگشتن همان جا نماز عصر را شکسته بخواند باید یا آنجا نماز نخواند و در صورت رفتن پس از علم به رسیدن به حد ترخص نماز را شکسته بخواند و در برگشتن پس از رسیدن به خانه نماز را تمام بخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر موقعی که سفر می رود شک کند که به حدّ ترخّص یعنی : جایی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند رسیده یا نه ، باید نماز را تمام بخواند. و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حدّ ترخُّص رسیده یا نه باید شکسته بخواند. ولی اگر در برگشتن در همان جا که در رفتن تمام خوانده شکسته بخواند بنا بر احتیاط لازم باید نمازی را که در این مکان تمام خوانده قضا نماید و نمازی را که شکسته خوانده تمام اعاده نماید و اگر اعاده نکرد قضای آن را تمام بجاآورد.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) مسأله اگر موقعی که سفر می رود، شک کند که به حدّ ترخص

رسیده یا نه ، باید نماز را تمام بخواند (خوئی ، تبریزی : و مسافری که از شهر «تبریزی : از سفر» برمی گردد اگر شک کند که به حدّ ترخّص رسیده یا نه باید شکسته بخواند).

(مکارم :) مسأله هر گاه شک کند به حدّ ترخّص رسیده یا نه ، یا نداند صدایی را که می شنود صدای اذان است یا صدای دیگر، باید نماز را تمام بخواند، امّا اگر بفهمد صدای اذان است ولی کلمات آن قابل تشخیص نباشد احتیاط، جمع است .

(زنجانی :) مسأله اگر موقعی که سفر می رود، شک کند که به حدّ ترخص رسیده یا نه ، و بخواهد نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند؛ مگر برگشت به آن جا در وقت نماز چهار رکعتی عرفاً امکان نداشته باشد که باید نماز را تمام بخواند و کفایت می کند، و در برگشت از سفر نیز اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه ، و بخواهد نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۲۷ مسافری که در سفر از وطن خود عبور می کند]

مسأله ۱۳۲۷ مسافری که در سفر از وطن خود عبور می کند (۱)، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند (۲) و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (سیستانی :) اگر در آن توقّف کند باید نماز را تمام بخواند و گر نه احتیاط لازم آن است که بین قصر و تمام جمع نماید. (زنجانی :) وقتی به حد ترخص رسید، باید نماز را تمام بخواند. (۲) (خوئی :) وقتی که اهل وطن خود را ببیند ..

(اراکی :) وقتی به جایی برسد که اهل وطن او را ببینند ..

(تبریزی :) وقتی به جایی برسد که اهل وطن خود را ببیند ..

[مسأله ۱۳۲۸ مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده]

مسأله ۱۳۲۸ مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده (۱)، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود (۲)، یا چهار فرسخ برود و برگردد (۳)، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن را نبیند (۴) و صدای اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند. (۱) (سیستانی :) و در آنجا توقف می کند .. (۲) (زنجانی :) یا مجموع رفت و برگشتش هشت فرسخ باشد وقتی به حد ترخص رسید، باید نماز را شکسته بخواند. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) هشت فرسخ برود یا (سیستانی : مثلًا) چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، وقتی که به حدّ ترخص برسد باید نماز را شکسته بخواند. (۴) (اراکی :) که اهل وطن او را نبینند ..

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی در اثناءِ مسافرت به وطنش برسد، نمازش در آنجا تمام است ، ولی اگر می خواهد سفر خود را

از آنجا هشت فرسخ یا بیشتر ادامه دهد وقتی به حدّ ترخّص رسید باید نماز را شکسته بخواند.

چیزهایی که سفر را قطع می کند

[مسأله ۱۳۲۹ محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده]

مسأله ۱۳۲۹ محلی را که انسان برای اقامت (۱) و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست ، چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد (۲). (۱) (سیستانی :) اقامت دائمی .. (۲) (بهجت :) پس وطن انسان بنا بر أقوی جایی است که عرفاً آنجا را وطن شخص بدانند و لازم نیست در آنجا ملکی داشته باشد و یا این که شش ماه آنجا زندگی کرده باشد بلکه همین قدر که عرفاً آنجا، وطن او به حساب بیاید کافی است .

(فاضل :) مسأله وطن بر دو قسم است : (۱) وطن اصلی ، یعنی جایی که وطن پدر و مادر یا یکی از آنها باشد؛ چه در آنجا متولد شده باشد یا در جای دیگر. (۲) وطن غیر اصلی ، یعنی جایی که انسان با اختیار خود به عنوان وطن انتخاب کند که در دو صورت محقق می شود: الف : جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد داشته باشد تا آخر عمر در آنجا بماند. ب : جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد رفتن از آنجا را نداشته باشد و آن قدر آنجا بماند که عرفاً او را اهل آنجا بدانند. بنا بر این کسی که قصد داشته باشد مدتی هر چند طولانی در محلی بماند و بعد به جای دیگر برود آنجا وطن او نمی شود.

(مکارم :) مسأله چند چیز است که سفر را قطع می کند و باید نماز را تمام خواند:

اول رسیدن به «وطن ». منظور از وطن محلّی است که انسان آن را برای اقامت و زندگی خود انتخاب کرده ، خواه در آنجا متولد شده باشد یا نه و خواه وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آنجا را انتخاب کرده است .

[مسأله ۱۳۳۰ اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلیش نیست]

مسأله ۱۳۳۰ اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلیش نیست مدتی بماند (۱) و بعد به جای دیگر رود، آنجا وطن او حساب نمی شود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) مدّت زمانی کوتاه بماند .. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۲۹.

(مکارم :) مسأله هر گاه انسان جایی را برای «محل ّاقامت » خود انتخاب کند به طوری که وقتی در آنجاست او را مسافر نمی گویند، خواه قصد اقامت دائم داشته باشد یا موقت ، مثلًا می خواهد چند سال در آنجا بماند، این محل ّدر حکم وطن می باشد و همین گونه است حال مأموران ادارات که ممکن است هر چند سال در محلّی باشند و آنجا حکم وطنشان را دارد.

[مسأله ۱۳۳۱ تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد]

مسأله ۱۳۳۱ تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی شود مگر آن که بدون قصد ماندن ، آن قدر بماند که مردم بگویند اینجا وطن اوست (۱).

(۱) (اراکی :) و در صورتی که مدّتی زیاد بدون قصد توطّن بماند احتیاط واجب است که نمازش را شکسته و تمام بخواند.

(فاضل ، بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۳۲۹). (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۳۳۰).

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله جایی را که انسان محل ِزندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آنجا محدود به مقدار معیّن نکرده و مثل کسی که آنجا وطن اوست ، در آنجا زندگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا برمی گردد، اگر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند (صافی : در حکم) وطن او حساب می شود.

(نوری :) آنجا وطن او حساب می شود و در صدق وطن بودن قصد همیشه ماندن معتبر نیست بلی لازم است که ماندن خود را محدود به مقدار معین نکند و گر نه وطن صدق نمی کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده ، و مثل کسی که آنجا وطن اوست در آنجا زندگی می کند، مانند اکثر طلّابی که در حوزه های علمیّه ساکن می باشند که اگر مسافرتی برای آنها پیش آید، دوباره به همان جا برمی گردند اگر چه قصد نداشته باشند که همیشه در آنجا بمانند در حکم وطن او حساب می شود.

(سیستانی :) مسأله جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده ، هر چند قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند اگر طوری باشد که عرف او را در آنجا مسافر نمی گویند به طوری که اگر موقتاً ده روز یا بیشتر جای دیگری را محل ِزندگی خود قرار دهد باز هم محل ِزندگیش را جای اوّل می گویند آنجا برای او حکم وطن را دارد.

(زنجانی :) مسأله جایی را که انسان محل ِزندگی خود قرار داده ، و مثل کسی که آنجا وطن دائمی اوست در آنجا زندگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا برمی گردد؛ اگر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند، وطن او محسوب می شود، و کسانی که مانند اکثر طلّاب حوزه های علمیه و دانشجویان مدتی مثلًا به تحصیل در جایی که وطن آنها نیست اشتغال دارند و در آنجا عرفاً مسافر خوانده نمی شوند، در زمان تحصیل مثلًا آن جا در حکم وطن آنها می باشد.

[مسأله ۱۳۳۲ کسی که در دو محل زندگی می کند]

مسأله ۱۳۳۲ کسی که در دو محل زندگی می کند، مثلًا شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند، هر دو وطن اوست (۱). و اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد (۲)، اشکال دارد (۳) و باید احتیاط مراعات شود.
(۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، نوری :) و نیز اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، (نوری : تا سه و چهار تا) همه آنها وطن او حساب می شود. (بهجت : و زن ، در صورتی که زندگیش در این گونه وطن به همراه شوهرش است ، در مسأله وطن ، تابع شوهر خواهد بود. و در صورتی که فاصله بین دو وطن ، به اندازه

مسافت شرعی باشد، نمازش در آن فاصله شکسته است و در غیر این صورت ، نمازش تمام است .)

(۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته بخواند و هم تمام . (۳) (اراکی :) اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله ممکن است کسی در دو محل ّزندگی کند، مثلًا شش ماه در شهری و شش ماه دیگر در شهر دیگر؛ هر دو وطن او محسوب می شود و حتّی ممکن است انسان دارای سه وطن باشد.

(زنجانی :) مسأله کسی که در دو محل زندگی می کند چنانچه در هر یک تقریباً شش ماه از سال را زندگی می کند، هر دو وطن او محسوب می شود، ولی اگر در یکی از آن دو کمتر از شش ماه بماند آنجا وطن وی به حساب نمی آید؛ بنا بر این انسان تنها می تواند دو وطن داشته باشد و بیشتر از دو وطن امکان ندارد.

[مسأله ۱۳۳۳ در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی]

مسأله ۱۳۳۳ در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد در جاهای دیگر اگر قصد اقامه نکند نمازش شکسته است چه ملکی در آنجا داشته باشد یا نداشته باشد و چه در آنجا شش ماه مانده باشد یا نه . (گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسی که در محلی ملك دارد، اگر موقعی که آن ملك را دارد شش ماه در آنجا بماند، وقتی می تواند نماز را آنجا تمام بخواند که آنجا را برای خود وطن قرار داده باشد و به نظر عرف وطن او محسوب شود و تا به نظر عرف وطن حساب نشود باید شکسته بخواند. (صافی : ولی احتیاط مستحب آن است که کسی که منزل مسکونی در محلی دارد، و شش ماه در آنجا مانده است ، ما دام که آن منزل را دارد هر وقت در مسافرت به آنجا رسید، نمازش را هم شکسته و هم تمام بخواند).

(خوئی :) مسأله کسی که در محلی مالك منزل مسکونی است اگر شش ماه متصل با قصد در آنجا بماند، تا وقتی که آن منزل مال اوست هر وقت در مسافرت به آنجا برسد، باید نماز را تمام بخواند.

(تبریزی :) و بعد اعراض کند وطن حساب نمی شود.

(سیستانی :) مسأله بعضی از فقهاء گفته اند: کسی که در محلّی مالك منزل مسکونی است اگر شش ماه متصل با قصد اقامت در آنجا بماند، تا وقتی که آن منزل مال اوست ، آن محل حکم وطن او را دارد پس هر وقت در مسافرت به آنجا برسد، باید نماز را تمام بخواند، ولی این حکم ثابت نیست .

(بهجت :) مسأله غیر از وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد در جاهای دیگر اگر قصد اقامت ده روز نکند نمازش شکسته است ولی اگر جایی وطن او بوده و در آنجا شش ماه به قصد وطن بودن مانده است و ملك هم داشته و حالا اعراض کرده است ، احتیاط کردن در جمع بین نماز قصر و تمام و هم چنین گرفتن روزه و قضای آن خوب است و همین احتیاط، جاری است اگر در جایی شش ماه بدون قصد وطن بودن بماند و ملکی داشته باشد.

(زنجانی :) مسأله در غیر وطن فرقی نمی کند که در محلی ملك داشته باشد و در آن محل شش ماه مانده باشد یا نه ؛ هر چند

احتیاط مستحب این است که اگر در محلی ملک داشته و شش ماه در آنجا مانده ، هر وقت در مسافرت به آنجا برسد نماز را تمام هم بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه انسان در محلی زندگی می کرده و وطن او بوده چنانچه از آنجا

اعراض کند، یعنی دیگر قصد نداشته باشد در آنجا زندگی کند، هر چند گاهی به عنوان مسافرت و دیدار بستگان و دوستان به آنجا برود، نمازش در آنجا شکسته است ، خواه در آنجا ملکی داشته باشد یا نه و خواه اقوام و بستگانش در آنجا زندگی کنند یا نکنند، مگر این که قصد کند در آنجا ده روز بماند، هم چنین اگر انسان غیر از وطن اصلی خود جای دیگری را برای زندگی انتخاب کند و شش ماه یا کمتر و بیشتر در آنجا بماند بعد ، از آنجا اعراض نماید نمازش در آنجا شکسته است ، خواه ملکی در آنجا داشته باشد یا نه .

[مسأله ۱۳۳۴ اگر به جایی برسد که وطن او بوده]

مسأله ۱۳۳۴ اگر به جایی برسد که وطن او بوده و از آنجا صرف نظر کرده (۱) نباید نماز را تمام بخواند (۲)، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد. (۱) (زنجانی :) و قصد ماندن ده روز را در آن جا ندارد، باید نماز را شکسته بخواند.

(فاضل :) اگر به جایی برسد که وطن اصلی او بوده و عملًا از آنجا صرف نظر کرده یا به جایی برسد که وطن غیر اصلی او بوده و دیگر قصد ماندن در آنجا را ندارد ..

(نوری :) عملًا از آنجا صرف نظر کرده .. (۲) (بهجت :) مگر این که قبلًا شش ماه با داشتن ملك در آنجا مانده باشد که خوب است احتیاط مسأله قبلی رعایت شود، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۳۳.

[مسأله ۱۳۳۵ مسافری که قصد دارد، ده روز پشت سر هم در محلی بماند]

مسأله ۱۳۳۵ مسافری که قصد دارد، ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند، در آن محل باید نماز را تمام بخواند. (مکارم :) مسأله دوّم قصد اقامت ده روز. هر گاه مسافری می خواهد ده روز پشت سر هم در محلّی بماند، یا می داند اجباراً باید در آنجا توقّف کند، باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۳۶ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۳۶ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول (۱) تا غروب روز دهم بماند باید نماز را تمام بخواند (۲) و هم چنین اگر مثلًا قصدش این باشد که از ظهر روز اوّل تا ظهر روز یازدهم بماند، باید نماز را تمام بخواند (۳). (۱) (خوئی ، تبریزی :) از طلوع

آفتاب روز اوّل .. (سیستانی :) از طلوع فجر روز اول .. (۲) (مکارم :) آن چه برای قصد اقامه که در مسأله پیش گفته شد لازم است ، مانـدن ده روز است و امّا شب قبل از آن و شب بعـد از آن لُزومی ندارد، بنا بر این اگر از اذان صـبح روز اوّل تا غروب روز دهم بماند (یعنی ده روز و نه شب) باید نماز را تمام بخواند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط مستحب ّ آن است که در این صـورت ، نمـاز را هم شکسـته و هم تمـام بخوانـد. (بهجت :) و أحـوط این است که جـبران کمبـود را از شب یـازدهم حساب نکند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند اگر ده شبانه روز کامل

(۲۴ ساعت) در جایی بماند بی اشکال نمازش تمام است ؛ و اگر قصدش این باشد که ده روز کامل و نه شب بین آن را در جایی بماند، در این صورت نیز باید نمازش را تمام بخواند، بلکه اگر قصدش این باشد که ده روز تلفیقی کامل در جایی بماند (مثلًا تصمیم دارد از ساعت ده روز اوّل ماه تا ساعت ده روز یازدهم ماه در محلّی اقامت کند) باید نماز را تمام بخواند و در صورتی که تصمیم دارد ده روز تلفیقی ناقص در جایی بماند؛ مثلًا تصمیم بگیرد دو ساعت به غروب روز اوّل ماه تا ظهر روز یازدهم ماه در محلّی اقامت کند، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را هم شکسته و هم تمام بخواند و در غیر این چهار صورت نماز مسافر شکسته است .

(فاضل :) مسأله هر گاه شخصی بخواهد (۲۴۰) ساعت یا بیشتر در محلی بماند قصد اقامت محقق می شود و باید نماز را تمام بخواند. بنا بر این اگر ساعت (۱۰) صبح وارد شهری شود در صورتی قصد اقامت محقق می شود که بخواهد بعد از ساعت (۱۰) صبح روز یازدهم آنجا را ترک کند و اگر اذان صبح در محلی حضور پیدا کرد لازم نیست (۲۴۰) ساعت تمام شود بلکه اگر بخواهد تا غروب روز دهم بماند کفایت می کند و باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۳۷ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۳۷ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند (۱)، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواهد تمام ده روز را در یک جا بماند پس اگر بخواهد مثلًا ده روز در نجف و کوفه یا در تهران و شمیران بماند (۲)، باید نماز را شکسته بخواند (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) می تواند قصد کند در چند جا توقّف کند، به شرط این که فاصله آنها کم باشد (مثلًا یکی دو کیلومتر و یا بیشتر) به طوری که بگویند او مسافر نیست ، هم چنین هیچ تفاوتی میان شهرهای بزرگ و کوچک نیست و «بلاد کبیره » و «صغیره » تفاوتی در احکام مسافر ندارد. (۲) (زنجانی :) مثلًا در نجف و کوفه یا در قم و جمکران بماند ..

(سیستانی :) مثلًا در نجف و کوفه یا در تهران و کرج بماند ..

(فاضل :) مثلًا ده روز در نجف و کوفه بماند .. (۳) (زنجانی :) و معیار آن است که در عرف ، دو محل محسوب شوند؛ هر چند به قدری به یک دیگر نزدیک باشند که به مقدار حد ترخص نیز فاصله نباشد، یا به هم چسبیده باشند.

[مسأله ۱۳۳۸ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اوّل قصد داشته باشد]

مسأله ۱۳۳۸ مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اوّل قصد داشته باشد که در بین ده روز (۱) به اطراف آنجا برود چنانچه جایی که می خواهد برود (۲) خطه سورِ بلدِ اقامت را ۲) أن «۱» یا از بساتین و مزارع و باغات اطراف آن باشد به مقداری که رفتن به آن جا منافی با صدق اقامت در بلد نباشد باید در تمام ده روز نماز را تمام بخواند. ولی چنانچه بخواهد تا

کمتر از چهار فرسخ برود، چنانچه در نیّت او باشد که در بین ده روز فقط یک مرتبه برود و بیش از دو ساعت رفتن و برگشتن را طول ندهد، در همه ده روز باید نمازش را تمام بخواند.

(۱) (اراکی :) به مزارع و باغات آنجا برود به مقداری که رفتن به آنجا منافی با صدق اقامت در بلد نباشد، یعنی عرفاً بگویند در یک محل ٍمی ماند، باید در تمام ده روز نماز را تمام بخواند. و هم چنین اگر بخواهد به خارج از محدوده ترخّص تا کمتر از چهار فرسخ برود و زود برگردد، به طوری که عرفاً نگویند در یک محل ٍنمی ماند مثل این که بخواهد همان روز برگردد باید نماز را تمام بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) به اطراف آنجا که به قدر حدّ ترخص یا بیشتر دور باشد برود اگر مدت رفتن و آمدنش مثلًا به اندازه یک یا دو ساعت است که در نظر عرف با اقامت ده روز منافات ندارد، نماز را تمام بخواند و اگر مدت از این بیشتر باشد احتیاطاً بین شکسته و تمام جمع نماید، و اگر تمام یا بیشتر روز باشد نمازش شکسته است .

(سیستانی :) به اطراف آنجا که عرفاً جایی دیگر به حساب می آید و فاصله آن از چهار فرسخ کمتر است برود، اگر مدّت رفتن و آمدنش به اندازه ای باشد که در نظر عرف با اقامت ده روز منافات ندارد، نماز را تمام بخواند و چنانچه منافات داشته باشد نماز را شکسته به جا آورد. مثلًا اگر از اوّل قصد داشته باشد که تمام یک روز یا تمام یک شب از آنجا خارج شود با قصد اقامت منافات دارد و باید نماز را شکسته به جا آورد ولی چنانچه قصدش این باشد که مثلًا در نصف روز خارج شده و سپس برگردد، هر چند برگشتنش بعد از رسیدن شب باشد، باید نماز را تمام به جا آورد؛ مگر در صورتی که این طور خارج شدن او به مقداری تکرار شود که عرفاً بگویند در دو جا یا بیشتر اقامت دارد.

(نوری :) به اطراف آنجا از قبیل مزارع و باغستان هایی که از توابع آن محل محسوب می شود هر چند خارج از حد ترخص آنجا باشد برود، باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از توابع آنجا نباشد باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند ولی چنانچه بخواهد در تمام ده روز فقط یک ساعت یا دو ساعت برود و برگردد در همه ده روز باید نمازش را تمام بخواند.
(۲) (فاضل :) از توابع آن باشد مانند باغ های اطراف شهر باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از توابع آن نباشد و کمتر از مسافت شرعی باشد چنانچه بخواهد یک ساعت یا دو ساعت و لو در همه ده روز برود و برگردد، باید نماز را تمام بخواند و اگر بیشتر از این باشد مانند این که بخواهد بیشتر روز را به آنجا برود و شب را به این محل برگردد احتیاط واجب این است که بین نماز شکسته و تمام جمع کند و در ماه رمضان احتیاطاً روزه بگیرد و بعداً قضا کند.

(مکارم :) به اندازه ای دور نیست که جزءِ مسافرت محسوب شود، باید نماز را تمام بخواند، امّا اگر طوری است که جزءِ مسافرت محسوب می شود باید تمام ده روز را شکسته بخواند.

(بهجت :) از مقدار ترخّص دورتر نباشد، باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از مقدار ترخّص دورتر باشد ولی کمتر از مقدار مسافت یعنی چهار فرسخ شرعی باشد، چنانچه قسمت عمده روز را در محل ٍاقامت باشد کافی است و نمازش تمام است و عرفاً صدق اقامت ده روز در آنجا می کند.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، باید از اوّل ، قصدِ ماندن ده روز در آن محل ٍیا

توابع آن مانند باغها و بساتین را داشته باشد و اگر از اوّل قصد بیرون رفتن از آن محل ـ و توابع آن را داشته باشد، هر چند به حدّ ترخّص نرسد باید شکسته بخواند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند اگر از اول قصد داشته باشد در بین ده روز از آن محل و اطراف آن که عرفاً جزء محل به حساب می آید؛ مانند باغات اطراف شهر، خارج شود، چنانچه خوابگاهش در این محل باشد کافی است و لازم نیست تصمیم داشته باشد در روز یا اوایل شب به محل برگردد و اگر بخواهد هر روز نیز به خارج محل برود مانعی ندارد.

[مسأله ۱۳۳۹ مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جایی بماند]

مسأله ۱۳۳۹ مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جایی بماند (۱) مثلًا قصدش این است که اگر رفیقش بیاید، یا منزل خوبی پیدا کند، ده روز بماند، باید نماز را شکسته بخواند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) مسافری که تصمیم قطعی ندارد ده روز در محلی بماند ..

(زنجانی :) مسافری که تصمیم فعلی ندارد ده روز در جایی بماند ..

[مسأله ۱۳۴۰ کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۴۰ کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند (۱)، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد (۲)، در صورتی که مردم به احتمال او اعتنایی نکنند (۳)، باید نماز را تمام بخواند (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) اگر احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد و احتمال او عقلایی باشد (سیستانی : آن احتمال از نظر عقلا قابل توجّه باشد) باید نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) به طوری که برای ایجاد شرایط ماندن و رفع موانع آن اقدام می کند؛ هر چند احتمال عقلائی بدهد که نتواند بماند، باید نماز را تمام بخواند؛ بلی اگر تصمیم دارد چنانچه مقدمات اقامت فراهم شد ده روز بماند و برای ایجاد مقدمات اقدام نمی کند، چنانچه اطمینان داشته باشد که مقدمات فراهم می شود و عملًا ده روز می ماند، نمازش تمام بوده ، و گر نه باید نماز را شکسته بخواند. (۲) (اراکی :) باید نماز را تمام بخواند. [پایان مسأله] (۳) (گلپایگانی :) در صورتی که آن احتمال پیش مردم مورد اعتنا نباشد ..

(صافی :) در صورتی که آن احتمال پیش مردم عقلائی نباشد ..

(نوری :) در صورتی که مردم به این قبیل احتمالات اعتنا نکنند .. (۴) (مکارم :) امّا اگر احتمال وجود مانع ، قوی باشد نمازش شکسته است .

[مسأله ۱۳۴۱ اگر مسافر بداند که مثلًا ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده]

مسأله ۱۳۴۱ اگر مسافر بدانـد که مثلًا ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانـده و قصـد کند که تا آخر ماه در جایی بماند، باید نماز را تمام بخواند (۱) ولی اگر ندانـد تا آخر ماه چقـدر مانـده و قصد کند که تا آخر ماه بماند (۲) باید نماز را شکسـته بخواند اگر چه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بلکه اگر ندانـد تا آخر ماه چقـدر مانـده و قصد کند که تا آخر ماه بماند در صورتی که آخر ماه معلوم باشد مثلًا روز جمعه است ولی مسافر نمی داند که روز اوّل قصدش پنجشـنبه است تا مدّت اقامتش نه روز باشد، یا چهار شنبه است تا ده روز باشد، در این صورت نیز اگر بعـداً معلوم شود که روز اوّل قصدش چهار شـنبه بوده نمازش تمام است (تبریزی : و نیز اگر اعتقاد کند که آخر ماه فلان روز است پس ده روز تمام در محلی می ماند و بعد از خواندن نماز چهار رکعتی در آن محل معلوم شود آن روز، اوّل ماه بعدی و این ماه ، سی کم

است و در آن روز از محل خارج می شود باید تا خارج شدن ، نماز را تمام بخواند) و در غیر این صورت (تبریزی : که آخر ماه را نداند) باید نماز را شکسته بخواند اگر چه از موقعی که قصد کرده تا روز آخر ماه ده روز (خوئی : یا بیشتر) باشد.

(مکارم :) هم چنین اگر نداند آن روز چندم ماه است و تا آخر ماه چقدر مانده ، ولی قصدش این است که به هر حال تا آخر ماه بماند، چنانچه در واقع تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد، باید نماز را تمام بخواند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و بعد از قصد نیز علم پیدا نکند تا آخر ماه ده روز است ..

(زنجانی :) مسأله اگر مسافر تصمیم دارد در محلی تا زمانی معین بماند، اگر نداند چند روز در آنجا می ماند نماز را شکسته می خواند، ولی اگر بعد بفهمد که تا آن زمان ده روز بوده ، می فهمد که نمازی که شکسته خوانده باطل بوده و باید آن را دوباره بخواند و اگر وقت گذشت قضا کند، بنا بر این کسی که می خواهد تا آخر ماه در محلی بماند و چون نمی داند که ماه کامل است یا ناقص ، نماز را شکسته خوانده ، اگر بعد بفهمد که ماه کامل بوده و ده روز مانده ، نمازش را باید به صورت تمام دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید، هم چنین کسی که می خواهد تا روز مشخصی از ایام هفته مثلًا تا جمعه آینده بماند و به علت این که نمی داند تا آن روز ده روز می باشد یا نه ، نماز خود را شکسته بخواند، اگر بعد بفهمد که ده روز بوده ، نمازش باطل می باشد و باید آن را به صورت تمام دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

[مسأله ۱۳۴۲ اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۴۲ اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود، تا وقتی در آنجا هست ، باید نماز را تمام بخواند (۱). (۱) (بهجت :) و بنا بر أظهر چه این نماز چهار رکعتی را به طور ادا خوانده باشد یا قضای یک نماز چهار رکعتی باشد که در همان محل از او فوت شده باشد، ولی فقط گذشتن وقت نماز چهار رکعتی کافی نیست ؛ مثل این که در تمام وقت ، حائض یا بیهوش یا در حال جنون باشد؛ و اگر قبل از قضای نمازش ، از نیّت عدول کرده ، باید نمازش را شکسته بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، و به خاطر آن یک نماز چهار رکعتی ادایی بخواند، چنانچه پس از آن از ماندن منصرف شود یا مردّد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر پیش از آن که به خاطر قصد اقامه ، نماز چهار رکعتی بخواند از ماندن منصرف شود یا مردّد گردد، باید نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۴۳ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۴۳ مسافری که قصـد کرده ده روز در محلی بمانـد، اگر روزه بگیرد و بعـد از ظهر از مانـدن در آنجا منصـرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد،

روزه اش صحیح است و تا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند (۱) و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد (۲) روزه آن روزش صحیح است ، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد. (۱) (مکارم :) و روزه ماه رمضان را بگیرد امّا اگر نماز چهار رکعتی نخوانده روزه اش صحیح نیست و نمازها را نیز باید شکسته بخواند. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) نمازهای خود را باید شکسته بخواند و احتیاط لازم آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را نیز بگیرد و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) چنانچه یک نماز چهار رکعتی (زنجانی : چهار رکعتی ادایی) خوانده باشد، تا وقتی که در آنجا هست روزه هایش صحیح است و باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر نماز چهار رکعتی (زنجانی : چهار رکعتی ادائی) نخوانده باشد ..

(سیستانی :) چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، تا وقتی که در آنجا هست ، روزه هایش صحیح است و باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر نماز چهار رکعتی نخوانده باشد، باید احتیاطاً روزه آن روزش را تمام و آن را نیز قضا نماید و باید نمازهای خود را شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

[مسأله ۱۳۴۴ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۴۴ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن منصرف شود (۱) و شک کند پیش از آن که از قصد ماندن برگردد، یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه ، باید نمازهای خود را شکسته بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) یا در ماندن مردّد شود، و شک کند که پیش از آن نماز چهار رکعتی ادایی خوانده است یا نه ، چنانچه پس از قصد اقامه وقت به جا آوردن نماز چهار رکعتی گذشته باشد، باید نمازهای بعدی را تمام بخواند، ولی چنانچه قبل از گذشتن وقت نماز چهار رکعتی شک کند که آیا نماز چهار رکعتی خوانده یا نه ، باید آن نماز و نمازهای بعد را شکسته بخواند. (۲) (گلپایگانی :) نمازهای خود را باید در آنجا تمام بخواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که شکسته هم بخواند.

(صافی :) نمازهای خود را باید در آنجا شکسته بخواند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام هم بخواند.

(سیستانی :) شک کند که برگشتن او از قصد ماندن پس از یک نماز چهار رکعتی بوده یا قبل از آن ، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه شک کند که آیا نماز چهار رکعتی خوانده و بعد منصرف یا مردّد شده یا نه ، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۴۵ اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۴۵ اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند، مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بمانـد، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید (۱). (۱) (بهجت :) و اگر بعد از سـلام نماز، از نیّت خود برگشت ، بنا بر اظهر این برگشت از نیّت ، بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی تأثیری ندارد، و بقیه نمازهایش نیز تمام است .

[مسأله ۱۳۴۶ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند]

مسأله ۱۳۴۶ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی (۱) از قصد خود برگردد، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده (۲)، باید نماز را دو رکعتی تمام نماید و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند (۳) و اگر مشغول رکعت سوم شده (۴) نمازش باطل است و تا وقتی در آنجا هست باید نماز را شکسته بخواند اگر چه داخل در رکوع رکعت سوم شده باشد. (۱) (خوئی ، سیستانی :) اگر در بین نماز اول چهار رکعتی .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه داخل رکوع رکعت سوّم نشده ، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام نماید و احتیاطاً برای قیام بی جا دو سجده سهو به جا آورد و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند و اگر داخل رکوع رکعت سوّم شده نمازش باطل است و تا وقتی در آنجا هست ، باید نماز را شکسته بخواند. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و هم چنین است اگر مشغول رکعت سوّم شده و به رکوع نرفته باشد که باید بنشیند و نماز را شکسته به آخر برساند و اگر به رکوع رفته باشد نمازش باطل است و باید آن را شکسته اعاده نماید و تا وقتی که در آنجا هست نماز را شکسته بخواند.

(سیستانی :) و اگر به رکوع رفته باشد می تواند نمازش را به هم بزند یا تمام کند و باید آن را شکسته اعاده نماید.

(مکارم :) و اگر به رکوع رکعت سوّم رفته ، نمازش باطل است و تا وقتی که آنجاست ، باید شکسته بخواند.

(بهجت :) و اگر داخل رکوع رکعت سوّم شده و قبل از سلام نماز، از قصد اقامت منصرف شود، احتیاط در تمام کردن آن نماز و اعاده آن ، به صورت شکسته است و در بقیه مدّتی که در آنجا می ماند، بنا بر احتیاط نمازها را هم شکسته و هم تمام می خواند.

(فاضل :) و اگر داخل رکوع رکعت سوّم شده احتیاط واجب آن است که نماز را تمام بخواند و دو رکعت شکسته هم بخواند و تا آنجا می ماند این احتیاط را ترک نکند. (۴) (اراکی :) ولی وارد رکوع نشده است ، باید برگردد و نماز را دو رکعتی تمام کند و چنانچه وارد رکوع شده است ، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره شکسته بخواند، و تا وقتی در آنجا هست باید نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر در اثناء اولین نماز چهار رکعتی ادایی از قصد خود برگردد، یا در ماندن مردّد شود، چنانچه هنوز به رکوع رکعت سوم نرفته است ، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و باید آن نماز و نمازهای بعد را شکسته بخواند؛ و احتیاط مستحب آن است که آن نماز را چهار رکعتی تمام کرده و شکسته نیز بخواند و نمازهای بعد را نیز، هم شکسته و هم تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۴۷ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند]

مسأله ۱۳۴۷ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند،

تا وقتی مسافرت نکرده ، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

[مسأله ۱۳۴۸ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۴۸ مسافری که قصـد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد (۱) و می تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد (۲) و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند. (۱) (زنجانی :) باید روزه واجب معیّن مثل روزه ماه رمضان را بگیرد .. (۲) (گلپایگانی ، مکارم ، صافی ، بهجت ، سیستانی ، زنجانی :) و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

[مسأله ۱۳۴۹ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی]

مسأله ۱۳۴۹ مسافری که قصـد کرده ده روز در جایی بماند اگر (بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد (۱)) به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد (۲) به محل اقامه خود، باید نماز را تمام بخواند (۳). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رسـاله آیت اللّه فاضـل نیست] (۲) (گلپایگـانی ، صـافی :) و دوبـاره در جـای اوّل ده روز بمانـد، از وقتی که می رود تا برمی گردد و بعـد از برگشـتن بایـد نماز را تمام بخوانـد ولی اگر نخواهـد بعـد از برگشـتن ده روز بماند، در موقع رفتن به جایی که کمتر از چهـار فرسـخ است و در مـدّتی که آنجا می مانـد نماز او تمام است و از آنجا که برمی گردد، اگر قصـد هشت فرسـخ داشـته باشد شکسـته است و اگر قصد هشت فرسخ نداشته باشد تمام است . پس مثل اهل علم که برای تبلیغ به محلّی می روند اگر بعـد از قصـد ده روز و خوانـدن یک نماز چهار رکعتی به محل ـ دیگر که چهار فرسـخ نباشد دعوت شوند و بخواهند یک دهه یا یک ماه در آن دو محل ـ رفت و آمـد کننـد، نمازشان در هر دو محل ـ تمام است مگر وقتی که انشاء سـفر جدید نمایند مثل این که روز آخر رفت و آمـد از محل ـ دوّم به قصد وطن حرکت کند که در این صورت بعد از خروج از حدّ ترخّص نماز شکسـته است اگر چه از محـل ـ اوّل که محـل ـ اقامه بوده عبور نمایـد. (۳) (بهجت :) تا وقتی که سـفر شـرعی جدیدی را آغاز نکرده ، بایـد نماز را تمام بخوانـد. حتی اگر طوری خارج شود که به اقامه او صـدمه بزنند، مثل این که یک روز آنجا بماند، تا وقتی که قصد سفر جدید شرعی نکرده ، نماز تمام است .

(خوئی :) مسأله مسافری که قصـد کرده ده روز در محلّی بمانـد، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی یا بعد از ماندن ده روز اگر چه یک نماز تمام هم نخوانـده باشـد بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد و دوباره در جای اوّل خود ده روز یا کمتر بماند، از وقتی که می رود تا وقتی که برمی گردد و بعد از برگشتن باید نماز را تمام بخواند ولی اگر برگشـتن به محل ـ اقامتش فقط از این جهت باشد که در طریق سفرش واقع شده است و سفر او مسافت شرعیه باشد، لازم است موقع برگشتن نماز را شکسته بخواند.

(سیستانی :) چهار رکعت ادایی ..

(تبریزی :) در جای اول خود ده روز بماند یا در ماندن ده روز مردد باشد ..

(تبریزی :) ولی اگر بداند که ده روز نمی ماند و ..

(سیستانی :) لازم است در رفتن و برگشتن و در محل اقامت ..

(تبریزی :) لازم است موقع رفتن و برگشتن ..

(مکارم :) مسأله مسافری که قصد کرده ده روز در جایی توقف کند، چنانچه بعد از گذشتن ده روز یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و به محل ٔاقامه خود باز گردد، باید نماز را تمام بخواند و هر گاه بخواهد از محل ٔاقامت به جای دیگری برود که کمتر از هشت فرسخ است و در محل ٔدوّم ده روز بماند باید نماز خود را در مسیر راه و در جای دوّم تمام بخواند، امّا اگر هشت فرسخ یا بیشتر باشد، در مسیر راه شکسته می خواند و در محل ٔدوّم که قصد اقامه کرده تمام می خواند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که قصد کرده ده روز در محلّی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادایی ، یا بعد از ماندن ده روز اگر چه یک نماز تمام هم نخوانده باشد بخواهد به جایی که کمتر از مسافت شرعی است برود و برگردد، و دوباره در جای اول خود ده روز یا کمتر یا بیشتر بماند، از وقتی که می رود تا وقتی که برمی گردد و بعد از برگشتن ، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر برگشتن به محل اقامتش فقط از این جهت باشد که در مسیر سفرش واقع شده است و رفت و برگشت او تا جایی که می خواهد برود مجموعاً (۸) فرسخ باشد، لازم است در حال رفتن بعد از گذشتن از حد ترخّص و در مقصد و در بازگشت و در جایی که قبلًا قصد اقامه کرده بود، نماز را شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۵۰ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند]

مسأله ۱۳۵۰ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد (۱) به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آنجا بماند، باید در رفتن و در جایی که قصد ماندن ده روز کرده ، نمازهای خود را تمام بخواند (۲). ولی اگر جایی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید موقع رفتن ، نمازهای خود را شکسته بخواند و چنانچه در آنجا قصد ماندن ده روز کرد، نمازش را تمام بخواند. (۱) (فاضل :) اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی و تحقق قصد اقامت تصمیم بگیرد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر تا محلّی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید موقع رفتن شکسته بخواند و هم چنین مدّتی که در آنجا می ماند در صورتی که نخواهد ده روز بماند.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۴۹.

(خوئی ، سیستانی :) مسأله مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعت ادایی

بخواهـد به جای دیگری که کمتر از هشت فرسـخ است برود و ده روز در آنجا بمانـد، در رفتن و در محلّی که قصـد ماندن ده روز دارد، بایـد نمازهای خود را تمام بخوانـد. ولی اگر محلّی که می خواهـد برود هشت فرسـخ یا بیشتر باشد، باید موقع رفتن نمازهای خود را شکسـته بخوانـد و چنانچه نخواهد ده روز در آنجا بماند، باید مدّتی که در آنجا می ماند نیز نمازهای خود را شکسته بخواند.

(تبریزی :) و نخواهد ده روز در آنجا بماند، باید موقع رفتن و مدّتی که در آنجا می ماند نمازهای خود را شکسته بخواند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که قصد کرده ده روز در محل بماند، اگر بعد از یک نماز چهار رکعتی ادایی ، یا بعد از ماندن ده روز بخواهد به جای دیگری برود که کمتر از مسافت شرعی است در تمام مدت سفر باید نماز خود را تمام بخواند؛ خواه قصد ماندن ده روز در مقصد یا در بین راه را داشته باشد یا نه ، و اگر محلی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد در طول راه و در مقصد نمازش شکسته است ؛ مگر آن که بخواهد ده روز در مقصد بماند که باید نماز را در موقع رفتن شکسته و در مقصد تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۵۱ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۵۱ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی (۱) بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که به محل اوّلش برگردد یا نه ، یا به کلّی از برگشتن به آنجا غافل باشد، (یا بخواهد برگردد ولی مردد باشد که ده روز در آنجا بماند یا نه ، یا آن که از ده روز ماندن در آنجا و مسافرت از آنجا غافل باشد (۲)،) باید از وقتی که می رود تا برمی گردد (۳) و بعد از برگشتن ، نمازهای خود را تمام بخواند (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) چهار رکعت ادایی .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : فاضل و زنجانی نیست] (۳) (بهجت :) باید در طول مدتی که می رود و برمی گردد ..

(نوری :) باید از وقتی که می رود و برمی گردد .. (۴) (فاضل :) بلی اگر تصمیم دارد که دیگر به عنوان رجوع به محل اقامت به آنجا برنگردد احتیاط واجب این است که در راه ِرفتن به آن محل و در آنجا هم نماز شکسته بخواند و هم تمام ولی هنگام برگشت از آنجا نمازش شکسته است و اگر مسافت تا آن محل چهار فرسخ کمتر نباشد هنگام خروج از محل اقامت شکسته بخواند کافی است .

[مسأله ۱۳۵۲ اگر به خیال این که رفقایش می خواهند ده روز در محلی بمانند]

مسأله ۱۳۵۲ اگر به خیال این که رفقایش می خواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کند که ده روز در آنجا بماند (۱) و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی (۲) بفهمد که آنها قصد نکرده اند (۳)، اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آنجا هست ، باید نماز را تمام بخواند. (۱) (اراکی :) و قصدش هم مقیّد به قصد آنها نباشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) چهار رکعت ادایی .. (۳) (مکارم :) و منصرف شود تا مدتی که او در آنجاست باید نماز را تمام بخواند.

[مسأله ۱۳۵۳ اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز در محلی بماند]

مسأله ۱۳۵۳ اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد (۱)، بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند (۲) ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ (۳) در رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می شود (۴)، باید نماز را تمام بخواند.

(۱) (فاضل :) در طول این مدت نمازش شکسته است ولی .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ مردّد شود بین مانـدن در آنجا و رفتن بقیه راه ، از وقتی که مردّد می شود بایـد نمـاز را تمـام بخوانـد. ولی اگر مردّد شود بین رفتن بقیه راه و برگشـتن به محل ِخود در صورتی که به مقـدار چهار فرسخ آمده باشد باید نماز را شکسـته بخواند و اگر به قدر چهار فرسخ نباشد، نماز را تمام بخواند. (۳) (اراکی :) چهار فرسخ .. (۴) (نوری :) اگر به مقـدار چهار فرسـخ آمـده باشـد، باید شکسـته بخواند و اگر به قدر چهار فرسخ نباشد تمام بخواند.

(خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی :) مسـأله اگر مسـافر اتفاقاً سـی روز در محلّی بمانـد مثلًا در تمام سـی روز در رفتن و مانـدن مردّد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر مسافر بعـد از رسـیدن به هشت فرسـخ ، بدون قصد اقامه ده روز، سـی شـبانه روز در محلی بماند، بعد از گذشـتن سـی شـبانه روز، اگر چه مقدار کمی هم در آنجا بماند باید نماز را تمام بخواند و اگر فقط سی روز مانده باشد بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

(مکارم :) مسأله سوّم توقّف یک ماه بـدون قصـد. هر گاه مسافر در محلّی توقّف کنـد ولی نمی دانـد مدّت توقّف او چند روز است باید نماز را شکسـته بخواند، امّا بعد از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند، اگر چه مقدار کمی بعد از آن در آنجا بماند (اگر یک ماه از ماههای قمری بماند که کمتر از سی روز باشد نیز کافی است مثلًا از دهم این ماه تا دهم ماه دیگر).

[مسأله ۱۳۵۴ مسافری که می خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند]

مسأله ۱۳۵۴ مسافری که می خواهـد نه روز یا کمتر در محلی بمانـد، اگر بعـد از آن که نه روز یا کمتر در آنجا مانـد، بخواهد دوباره نه روز دیگر یا کمتر بمانـد (۱) همین طور تا سی روز (۲)، روز سـی و یکم باید نماز را تمام بخواند. (۱) (فاضل :) در تمام این مـدت تا سـی روز نمازش شکسـته است ولی از روز سـی و یکم بایـد نماز را تمام بخوانـد اگر چه به مقدار یک نماز بماند. (۲) (زنجانی :) سی شبانه روز ..

[مسأله ۱۳۵۵ مسافری که سی روز مردّد بوده]

مسأله ۱۳۵۵ مسـافری که سـی روز (۱) مردّد بـوده (۲)، در صورتی بایـد نماز را تمام بخوانـد که سـی روز (۳) را در یـک جا بمانـد، پس اگر مقـداری از آن را در جایی و مقـداری را در جای دیگر بمانـد، بعـد از سـی روز (۴) هم باید نماز را شکسـته بخواند (۵). (۱) (زنجانی :) سـی شبانه روز .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) مسافر بعد از سـی روز .. (۳) (۴) (زنجانی :) سی شـبانه روز .. (۵) (بهجت :) مگر این که قسـمت عمـده روز را در جـایی بمانـد و بقیه روز را در جـای دیگری که کمتر از

چهار فرسخ شرعی است به طوری که عرفاً صدق کند سی روز یک جا مانده است که در این صورت بعد از سی روز مثل محل ِاقامت نماز را در آن جا تمام می خواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه توقّف سی روز در یک محل ّنباشد کافی نیست ، بنا بر این اگر در جایی مثلًا بیست روز بدون قصد بماند سپس از آنجا چند فرسخ دورتر رود و بیست روز دیگر بماند نماز او شکسته است .

مسائل متفرقه

[مسأله ۱۳۵۶ مسافر می تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ص و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند]

مسأله ۱۳۵۶ مسافر می تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند (۱). ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزء این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط مستحب آن است که شکسته بخواند اگر چه اقوی ، صحت تمام است (۲) و نیز مسافر می تواند در حرم و رواق حضرت سید الشهداء علیه السلام بلکه در مسجد متصل به حرم نماز را تمام بخواند (۳). (۱) (بهجت :) و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند .. (۲) (اراکی ، بهجت :) احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند .. (۳) (اراکی :) مسافر می تواند در حرم و رواق حضرت سید الشهداء علیه السلام بلکه در تمام روضه مقدسه نماز را تمام بخواند.

(بهجت :) مسافر می تواند در کنار حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز را تمام بخواند ولی اگر در این چهار مکان نماز او قضا شد، بنا بر احتیاط واجب بطور شکسته قضا نماید اگر چه در همان مکان باشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله مسافر می تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبرصلی اللّه علیه و آله و سلم بلکه در تمام شهر مکّه و مدینه (تبریزی : مکّه قدیم و مدینه قدیم) و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند و نیز مسافر می تواند در حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز را تمام بخواند اگر چه دورتر از اطراف ضریح مقدس نماز بخواند.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) مسأله مسافر می تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم بلکه در شهر مکّه و مدینه (نوری : در تمام شهر مکّه و مدینه) و مسجد کوفه نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد در جایی که اوّل جزء مسجد کوفه نبوده و بعد به این مسجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند و نیز مسافر می تواند در حائر حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام نماز را تمام بخواند. ولی احتیاط واجب آن است که اگر دورتر از اطراف ضریح مقدّس نماز بخواند، شکسته به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله مسافر می تواند در تمام شهر مکّه و مدینه و کوفه و در حرم حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام تا مقدار (۵)/(۱۱) متر تقریباً از اطراف قبر مقدّس نمازش را تمام بخواند.

(فاضل :) مسأله مسافر مخیّر است در شهر مکّه و شهر مدینه و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند یا شکسته . و در این سه مکان ، فرقی بین بناء اصلی و اوّلیّه و آن چه بعد اضافه شده ، نمی باشد و نیز مسافر می تواند در حرم و رواق حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام ، بلکه در مسجد متّصل به حرم ، نماز را تمام یا شکسته بخواند.

(زنجانی :) مسأله در شهرهای مکه و مدینه و نجف (یا کوفه) و کربلا، تأکید بسیار شده که قصد اقامه ده روز کرده و نماز را تمام بخوانند، ولی تا قصد اقامه نکرده ، ظاهراً مانند سایر شهرها باید نماز را شکسته بخواند.

(مکارم :) مسأله در چهار محل ، مسافر مخیّر است نماز را تمام یا شکسته بخواند: «مسجد الحرام »، «مسجد پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم »، «مسجد کوفه » و «حرم حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام ». و أفضل در این موارد، نماز تمام است و فرقی میان مسجد الحرام در عصر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه هدی علیهم السلام و اضافاتی که بعداً بر آن افزوده شده یا در آینده افزوده می شود نیست ، هم چنین در مورد مسجد پیامبرصلی اللّه علیه و آله و سلم و کوفه و حرم حسینی علیه السلام .

[مسأله ۱۳۵۷ کسی که می داند مسافر است]

مسأله ۱۳۵۷ کسی که می داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند (۱)، اگر در غیر چهار مکانی که در مسأله پیش گفته شد عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است (۲) و نیز اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند (۳) باید نماز را دوباره بخواند و اگر بعد از وقت یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب ، باید قضا نماید (۴). (۱) (مکارم :) اگر عمداً تمام بخواند باطل است ، هم چنین اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند باید اعاده کند و نیز اگر حکم نماز مسافر را می دانست امّا توجّه نداشت که در حال سفر است و نماز را تمام بخواند، امّا اگر اصلًا این حکم را نمی دانست که وظیفه مسافر نماز شکسته است و هنوز این مسأله را نشنیده بود اگر به جای نماز شکسته نماز را تمام بخواند نمازش صحیح است .

(زنجانی :) اگر عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است و هم چنین است حکم کسی که فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین است اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند و در وقت یادش بیاید، ولی اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضا ندارد.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) و هم چنین است اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند، ولی در صورت فراموشی اگر بعد از وقت یادش بیاید قضا لازم نیست . (۳) (فاضل ، نوری :) (فاضل : بنا بر احتیاط واجب باید) اگر وقت هم گذشته قضا نماید. (۴) (اراکی :) اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضا ندارد.

[مسأله ۱۳۵۸ کسی که می داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۵۸ کسی که می داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند (۱)، اگر فراموش کند و بدون توجه (۲) و به طور عادت تمام بخواند نمازش باطل است (۳) و نیز اگر حکم مسافر و سفر خود را فراموش کرده باشد در صورتی که وقت داشته باشد، نمازش را دوباره بخواند (۴)، بلکه اگر وقت هم گذشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید. این مسأله ، در رساله

آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر سهواً تمام بخواند (خوئی : و در اثناءِ وقت ملتفت شود) نمازش باطل است . [پایـان مسـأله] (گلپایگـانی ، صـافی :) اگر غفلت کنـد و تمام بخوانـد، چنانچه در وقت یادش بیایـد نمازش باطل است و باید دوباره شکسته بخواند و اگر در خارج وقت یادش بیاید، قضا ندارد.

(سیستانی :) اگر سهواً تمام بخواند چنانچه در اثناءِ وقت ملتفت شود باید نماز را اعاده کند و اگر پس از گذشت وقت ملتفت شود، باید بنا بر احتیاط قضا نماید.

(زنجانی :) اگر در عدد رکعات اشتباه کند و به جای دو رکعت ، چهار رکعت بخواند، نمازش باطل است . [پایان مسأله] (۲) (فاضل ، نوری :) اگر بدون توجّه .. (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۴) (نوری :) و اگر وقت گذشته باشد باید قضا نماید. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۳۵۷).

[مسأله ۱۳۵۹ مسافری که نمی داند باید (۱) نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۵۹ مسافری که نمی داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند (۲) نمازش صحیح است . (۱) (اراکی :) مسافری که نمی داند مسافر باید .. (۲) (بهجت :) و قصد قربت در نماز داشته باشد .. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۳۵۷).

(زنجانی :) مسأله مسافری که نمی داند نماز مسافر شکسته است ، اگر تمام بخواند نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۳۶۰ مسافری که می داند باید نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۶۰ مسافری که می داند باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند، مثلًا نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند، چنانچه تمام بخواند در صورتی که وقت باقی است باید (۱) نماز را شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باید شکسته قضا نماید (۲). (۱) (بهجت :) باید بنا بر احوط .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه تمام بخواند و در وقت بفهمد، نمازش باطل است و امّا اگر بعد از گذشتن وقت بفهمد، قضا ندارد.

(خوئی :) چنانچه تمام بخواند و در وقت بفهمد، لازم است اعاده نماید و چنانچه اعاده نکرد باید قضا نماید ولی اگر در خارج وقت بفهمد، قضا ندارد.

(سیستانی :) چنانچه تمام بخواند و در وقت بفهمد، بنا بر احتیاط لازم باید اعاده نماید، و چنانچه اعاده نکرد قضا نماید؛ ولی اگر در خارج وقت بفهمد، قضا ندارد.

(تبریزی :) چنانچه تمام بخواند نمازش باطل است ، ولی اگر در خارج وقت بفهمد قضا ندارد.

(مکارم :) چنانچه تمام بخواند احتیاط آن است که به طور شکسته اعاده کند.

(زنجانی :) مسأله مسافری که می داند نماز مسافر شکسته است ، اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند؛ مثلًا نداند که در

سفری که رفت و برگشت آن هشت فرسخ است باید شکسته بخواند، چنانچه تمام بخواند نمازش باطل است .

[مسأله ۱۳۶۱ مسافری که می داند باید نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۶۱ مسافری که می داند بایـد نماز را شکسـته بخوانـد، اگر به گمان این که سـفر او کمتر از هشت فرسـخ است تمام بخواند، وقتی بفهمد که سفرش هشت فرسخ

بوده (۱)، نمازی را که تمام خوانده باید (۲) دوباره شکسته بخواند و اگر وقت هم گذشته باید شکسته قضا نماید (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) [و] هنوز وقت نماز باقی است نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته قضا ندارد و در این چهار مسأله که ذکر شد اگر در خارج وقت نیز احتیاطاً قضا نماید خوب است . (۲) (بهجت :) بنا بر احتیاط واجب باید .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر بعد از این که وقت گذشته بفهمد قضا لازم نیست .

(زنجانی :) مسأله مسافری که می داند نماز مسافر شکسته است ، اگر به گمان این که مقصد معین او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند، وقتی بفهمد که مقصدش هشت فرسخ بوده ، نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر به جا نیاورده یا بعد از وقت فهمید، باید نماز را شکسته قضا کند.

[مسأله ۱۳۶۲ اگر فراموش کند که مسافر است]

اشاره

مسأله ۱۳۶۲ اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته به جا آورد (۱) و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست (۲). (۱) (زنجانی :) و اگر آن را به جا نیاورد باید شکسته قضا نماید .. (۲) (فاضل :) ولی اگر به علت نسیان حکم بوده ، به احتیاط واجب قضای آن را در خارج وقت به جا آورد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۰۸ اگر از روی فراموشی نماز را شکسته بخواند با این که نمی دانست سفرش به اندازه مسافت شرعی هست یا نه ، یا این که می دانست به اندازه مسافت نیست ولی بعد معلوم شد که به اندازه مسافت بوده ، بنا بر اظهر اگر نیّت قربت داشت ، اعاده لازم نیست .

[مسأله ۱۳۶۳ کسی که باید نماز را تمام بخواند]

مسأله ۱۳۶۳ کسی که باید نماز را تمام بخواند (۱)، اگر شکسته به جا آورد در هر صورت نمازش باطل است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) اگر عمداً یا از روی اشتباه یا فراموشی شکسته بخواند نمازش باطل است ، حتی اگر قصد اقامه ده روز کرده و نمی دانسته که باید در این حال تمام بخواند و نماز خود را شکسته خوانده ، احتیاط واجب آن است که به صورت تمام اعاده کند. (۲) (اراکی :) و هم چنین کسی که قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد و نمی دانسته

که باید تمام بخواند و شکسته خوانده ، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را اعاده یا قضا نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مگر مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد و به جهت ندانستن حکم مسأله ، نماز را شکسته بخواند.

(زنجانی :) حتّی مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد و به جهت ندانستن حکم مسأله ، نماز را شکسته خوانده باید نماز را دوباره تمام بخواند.

(سیستانی :) و این حکم در مورد مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته و به جهت ندانستن حکم مسأله ، نماز را شکسته خوانده بر اساس احتیاط وجوبی است .

[مسأله ۱۳۶۴ اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود]

مسأله ۱۳۶۴ اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است ،

یا ملتفت شود که سفر او (۱) هشت فرسخ است (۲) چنانچه به رکوع رکعت سوّم نرفته ، بایـد نماز را دو رکعتی تمام کند (۳) و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمـازش باطل است (۴). و در صورتی که به مقدار خواندن یك رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند (۵). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) تا مکانی که منظور او بوده .. (۲) (زنجـانی :) ملتفت شود که مقصـد معیّن او در هشت فرسـخی است .. (۳) (سیسـتانی :) و اگر رکعت سوّم را تمـام کرده ، نمازش باطل است .. (۴) (مکارم :) و باید شکسته بخواند. (سیستانی :) نمازش بنا بر احتیاط باطل است .. (۵) (فاضل :) یا قضا کند.

(گلپایگانی ، صافی :) و امّا اگر قصد ملاقات شخصـی را داشت و گمان می کرد که سر هفت فرسخی است بعد معلوم شد که در سر هشت فرسخی است نمازش را باید تمام بخواند، مگر آن که فعلًا قصد سفر هشت فرسخی نماید.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) باید نماز را از سر شکسته بخواند (زنجانی : و الّا باید نماز را شکسته قضا کند).

(سیستانی :) باید نماز را دوباره شکسته بخواند و اگر وقت نیست نماز را شکسته قضا کند.

[مسأله ۱۳۶۵ اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند]

مسأله ۱۳۶۵ اگر مسافر بعضـی از خصوصـیات نماز مسافر را ندانـد مثلًا ندانـد که اگر چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن برگردد (۱) بایـد شکسـته بخوانـد چنـانچه به نیت نمـاز چهـار رکعتی مشـغول نماز شود و پیش از رکوع رکعت سوّم مسأله را بفهمد باید نماز را دو رکعتی تمام کند (۲) و اگر در رکوع (۳) ملتفت شود نمازش باطل است (۴) و در صورتی که به مقدار یك رکعت از وقت هم مانـده باشد باید نماز را شکسـته بخواند (۵). این مسـأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیسـت (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مثلًا نداند که اگر چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد ..

(زنجانی :) مثلًا ندانـد که اگر رفتن و برگشـتن بر روی هم هشت فرسـخ باشد .. (۲) (تبریزی :) و چنانچه بعـد از قیام به رکعت سوم و قبل از رکوع بفهمـد بنا بر احتیاط نماز را دوباره اعاده کنـد .. (۳) (زنجانی :) یا بعـد از آن .. (گلپایگانی ، صافی :) در رکوع رکعت سوم .. (۴) (سیستانی :) بنا بر احتیاط .. (۵) (فاضل :) یا قضا کند. (زنجانی :) و الّا باید نماز را شکسته قضا کند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) باید نماز را از سر شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۶۶ مسافری که باید نماز را تمام بخواند]

مسأله ۱۳۶۶ مسافری که بایـد نماز را تمام بخواند اگر به واسـطه ندانسـتن مسأله به نیت نماز دو رکعتی مشـغول نماز شود و در بین نماز مسأله را بفهمـد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند (۱) و احتیاط مسـتحب آن است که بعد از تمام شدن نماز دوباره

آن نماز را چهار رکعتی بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی مشغول نماز شکسته شود و در بین نمازش یادش بیاید که مسافر نیست و یا سفرش سفری نیست که نماز در آن شکسته باشد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۳۶۷ مسافری که نماز نخوانده]

مسأله ۱۳۶۷ مسافری که نماز نخوانده ، اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، باید (۱) نماز را تمام بخواند و کسی که مسافر نیست ، اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند، در سفر باید (۲) نماز را شکسته بخواند (۳). (۱) (بهجت :) بنا بر اصحّ باید .. (۲) (بهجت :) بنا بر أقوی باید .. (۳) (زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که در صورت اول شکسته و در صورت دوم تمام نیز بخواند و رعایت این احتیاط در صورت دوم مناسبتر است .

(مکارم :) مسأله هر گاه کسی اوّل وقت مسافر بوده و نماز را نخوانده و بعد به وطن یا جایی که قصد دارد ده روز بماند وارد شود باید نماز را تمام بخواند و به عکس ، اگر کسی اوّل وقت در وطن یا محلّ اقامت بوده و نماز را نخوانده مسافرت کرد، باید نمازش را در سفر شکسته بخواند.

[مسأله ۱۳۶۸ اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند]

مسأله ۱۳۶۸ اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشا قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید، اگر چه در غیر سفر (۱) بخواهد قضای آن را به جا آورد. و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید، اگر چه در سفر بخواهد آن را قضا نماید. (۱) (فاضل :) اگر چه در وطن ..

[مسأله ۱۳۶۹ مستحب است مسافر بعد از هر نمازی که شکسته می خواند]

اشاره

مسأله ۱۳۶۹ مستحب است مسافر بعد از هر نمازی که شکسته می خواند سی مرتبه بگوید (۱): «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الا اللّه و اللّه اکبر» (۲). و (۳) در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشا بیشتر سفارش شده است . بلکه بهتر است در تعقیب این سه نماز شصت مرتبه بگوید. (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) مستحب است مسافر بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید: .. (۲) (فاضل ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) و این ذکر گر چه در تعقیب هر نماز واجب مستحب است ولی در این مورد بیشتر سفارش شده است ، بلکه بهتر است در این مورد شصت مرتبه بگوید. (۳) (اراکی :) و اگر چه گفتن آن بعد از هر نماز به عنوان تعقیب مستحب است ، ولی ..

(مکارم :) مسأله مستحب است مسافر به امید ثواب الهی بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه (سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله إلا اللّه و اللّه اکبر) بگوید.

(زنجانی :) مسأله مستحب است مسافر در تعقیب هر یک از نمازهای شکسته سی مرتبه

بگوید: «سُبحانَ اللّه وَ الحَمدُ لِلّه وَ لا إِلهَ إِلَّا اللّه وَ اللّه أَكبَرُ» و چون این ذکر در تعقیب تمام نمازها برای مسافر و غیر مسافر مستحب است ، برای مسافر در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشا که شکسته می خواند، تأکید بیشتری خواهد داشت ، بلکه بهتر است شصت مرتبه بگوید.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۱۹۲ حکم نماز مسافر مربوط به آسان بودن و سخت بودن سفر نیست ، بلکه در مسافرتهای راحت امروز نیز با شرایطی که گفته شد، باید نماز را شکسته خواند.

نماز مسافر (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[مسائلی در نماز مسافر]

[س ۶۳۹ وجوب قصر بر مسافر]

س ۶۳۹: آیا وجوب قصر بر مسافر شامل همه نمازهای فریضه می شود یا اختصاص به بعضی از آنها دارد؟

ج : وجوب قصر فقط در خصوصِ نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشاء است و نماز صبح و مغرب قصر نمی شود.

[س ۶۴۰ شرائط وجوب قصر بر مسافر]

س ۶۴۰: شرائط وجوب قصر بر مسافر در نمازهای چهار رکعتی کدام است ؟

ج : امور هشتگانه ذیل است : ۱ سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ شرعی باشد، مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد. ۲ از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنا بر این اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جائی برود که فاصله آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است ، ولی از منزل تا آنجا به اندازه مسافت شرعی است ، باید نمازش را تمام بخواند. ۳ در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد، بنا بر این اگر در بین راه ، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی شود، هر چند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده ، صحیح است . ۴ قصد قطع سفر در

اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جائی که می خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند، نداشته باشد. ۵ سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنا بر این اگر سفر معصیت و حرام باشد، اعم از این که خودِ سفر حرام باشد مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد مثل سفر برای راهزنی ، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است . ۶ مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد مانند بعضی از صحرا نشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می مانند. ۷ مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر، راننده و ملوان و غیره و کسی که شغل او در سفر است ، ملحق به اینهاست . ۸ به حد ترخص برسد و منظور از حد ترخص مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی شود و دیوارهای شهر هم دیده نمی شود.

آن که شغلش مسافرت است یا سفر مقدمه شغل اوست

[س ۶۴۱ کسی که سفر مقدمه شغل اوست]

س ۶۴۱: کسی که سفر مقدمه شغل اوست ، آیا در سفر نمازش تمام و روزه اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد؟ این گفته مرجع تقلید حضرت امام خمینی «قدس سره » که می فرماید: کسی که شغل او مسافرت است چه معنایی دارد؟ آیا کسی یافت می شود که خود سفر شغل او باشد؟ زیرا چوپان و راننده و ملوان و غیر آن ها هم کارشان چوپانی و رانندگی و کشتیرانی است و اصولًا کسی که سفر را به عنوان شغل خود برگزیده باشد، وجود ندارد.

ج : کسی که سفر مقدمه کار او است ، اگر در خلال هر ده روز حد اقل یک بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه اش صحیح است ، و در کلمات فقهاء رضوان اللّه علیهم مراد از کسی که شغل او مسافرت است ، کسی است که قوام کار او به سفر است مانند شغلهایی که در سؤال ذکر شده است .

[س ۶۴۲ سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می مانند]

س ۶۴۲: نظر حضرت عالی در باره نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک سال در شهری برای کار اقامت می کنندو یا سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می مانند، چیست ؟ آیا بعد از هر سفری باید قصد اقامت ده روز کنند تا نمازشان تمام و روزه آنها صحیح باشد؟ و اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را داشته باشند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

ج : اگر حد اقل هر ده روز یک بار به خاطر شغلشان به محل کار سفر می کنند، در غیر سفر اول نمازشان تمام و روزه شان صحیح است ، ولی در سفر اول ، حکم سایر مسافرین را دارند، یعنی تا قصد اقامت ده روز را نکرده اند، نماز آنان شکسته است و روزهشان صحیح نیست .

[س ۶۴۳ نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی]

س ۶۴۳: نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی که بیشتر روزها از پایگاه های هواییشان شأن اقدام به پرواز کرده و مسافتی بسیار بیشتر از مسافت شرعی را می پیمایندو مرتب این عمل را تکرار می کنند، چه حکمی دارد؟

ج : حکم آنان همان حکم سایر رانندگان و ملوانان و خلبانان هواپیماهاست ، یعنی نماز آنها در سفر تمام و روزهشان صحیح

است .

[س ۶۴۴ قبیله هائی که یک یا دو ماه از قشلاق به ییلاق می روند]

س ۶۴۴: آیا قبیله هائی که یك یا دو ماه از قشلاق به ییلاق یا بر عکس منتقل می شوند، ولی بقیه سال را در ییلاق یا قشلاق به سر می برند، دارای دو وطن هستند؟ مسافرتهایی که در ایام اقامت خود در یکی از این دو مکان به مکان دیگر انجام می دهند، از جهت قصر یا تمام بودن نماز چه حکمی دارد؟

ج : اگر قصد نقل و انتقال همیشگی از ییلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کرده باشند، هر یك از آن دو مکان وطن آنان محسوب می شود و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می گردد، و اگر فاصله بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری ، حکم سایر مسافرین را دارند.

[س ۶۴۵ فاصله بین محل کار و محل سکونتم حدود سی و پنج کیلومتر است]

س ۶۴۵: من کارمند یکی از ادارات دولتی شهر هستم . فاصله بین محل کار و محل سکونتم حدود سی و پنج کیلومتر است که هر روز این مسیر را برای رسیدن به محل کارم طی می کنم . اگر

برای کار خاصی قصد کنم چند شب در شهر بمانم ، نمازم چه حکمی دارد، آیا واجب است نماز را تمام بخوانم یا خیر؟ به عنوان مثال هنگامی که در روز جمعه برای زیارت اقوام به شهر سمنان مسافرت می کنم ، آیا واجب است نمازم را تمام بخوانم یا خیر؟

ج : اگر مسافرت به خاطر کاری که هر روز برای آن سفر می کنید، نباشد، حکم سفر شغلی را ندارد، ولی اگر سفر بخاطر شغلی که در محل کار دارید، باشد و در ضمن ِ آن ، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می دهید و گاهی یک یا چند شب هم در آنجا می مانید، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی شود و نماز تمام و روزه صحیح است .

[س ۶۴۶ انجام کارهای خصوصی در سفر شغلی اداری]

س ۶۴۶: اگر من در محل کارم پس از پایان وقت اداری و انجام کارهای اداری که به خاطر آن مسافرت کرده ام ، به انجام کارهای شخصی بپردازم . مثلًا از ساعت هفت صبح تا دو بعد از ظهر کارهای اداری را انجام دهم و از آن به بعد مشغول انجام کارهای شخصی شوم ، نماز و روزه ام چه حکمی دارد؟

ج : انجام کارهای خصوصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری ، حکم سفر شغلی را تغییر نمی دهد.

[س ۶۴۷ نماز و روزه سربازانی که بیش از ده روز در مکانی می مانند]

س ۶۴۷: نماز و روزه سربازانی که می دانند بیش از ده روز در مکانی می مانند، ولی از خود اختیاری ندارند، چه حکمی دارد؟ امیدواریم فتوای حضرت امام «قدس سره » را هم بیان فرمائید.

ج : با اطمینان به این که ده روز یا بیشتر در یک مکان خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند و روزه بگیرند. فتوای امام «قدس سره » هم همین است .

[س ۶۴۸ نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش هستند]

س ۶۴۸: نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و بیشتر از ده روز در پادگان و بیشتر از ده روز در مناطق مرزی می مانند، چه حکمی دارد؟ خواهشمندم فتوای حضرت امام «قدس سره » را هم بیان فرمائید.

ج : اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی دارند و یا می دانند که ده روز یا بیشتر آن مقدار در آنجا خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند. فتوای امام «قدس سره » هم همین است .

[س ۶۴۹ راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواند]

س ۶۴۹: در رساله عملیه امام خمینی در بحث نماز مسافر، شرط هفتم ، آمده است : «واجب است راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواندولی در سفر اول نمازش شکسته است هر چند طولانی باشد، آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است یا با رسیدن به مقصد سفر اوّل تمام می شود؟

ج : اگر رفت و برگشت در نظر عرف ، یک سفر محسوب شود مثل استادی که از وطن برای تدریس به شهری سفر کرده و هنگام عصر یا فردای آن روز به مبدأ بر می گردد، در این صورت ، رفت و برگشت سفر اوّل محسوب می شود. و در صورتی که عرفاً یک سفر نباشد مثل راننده ای که برای حمل کالا به مقصدی حرکت کرده و از آنجا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالای جدید سفر نماید و سپس به وطن مراجعت می کند که در این فرض ، سفر اوّل با رسیدن به مقصد، تمام می شود.

[س ۶۵۰ کسی که رانندگی شغل ثابت و دائمی او نیست]

س ۶۵۰: کسـی که راننـدگی ماشـین شـغل ثابت و دائمی او نیست ، ولی برای مـدت کوتاهی وظیفه رانندگی به او محول می شودمثل سـربازانی که وظیفه راننـدگی را در پادگانها و پاسـگاهها و غیر آنها بر عهـده می گیرنـد، آیا این افراد حکم مسافر را دارند یا آن که واجب است نماز خود را تمام خوانده و روزه بگیرند؟

ج : اگر از نظر عرف ، رانندگی ماشین در آن مدت موقت شغل آنها محسوب شود، حکم سایر رانندگان را خواهند داشت .

[س ۶۵۱ اگر ماشین ِراننده ای بر اثر حادثه ای برای مدتی متوقف شود]

س ۶۵۱: اگر ماشـین ِرانـنـده ای بر اثر حـادثه ای برای مـدتی متوقف شود و رانـنـده برای تعمیر و خریـد لوازم به شـهر دیگری مسافرت نماید، با توجه به این که با ماشین خود سفر نکرده ، آیا باید در مانند این سفر نمازش را تمام بخواند یا شکسته ؟

ج : اگر در این سفر شغل او رانندگی نباشد و عرف هم این سفر را سفر شغلی نداند، حکم دیگر مسافران را خواهد داشت .

حکم دانشجویان و روحانیون

[س ۶۵۲ دانشجویانی که هر هفته حد اقل دو روز برای تحصیل مسافرت می کنند]

س ۶۵۲: دانشـجویانی که هر هفته حـد اقل دو روز برای تحصـیل مسافرت می کننـدو یا کارمنـدانی که هر هفته برای کارشان سفر می کننـد، چـه حکمی دارنـد؟ بـا تـوجه بـه این که آنهـا هر هفته مسـافرت می نماینـد، ولی امکـان دارد به خـاطر تعطیلی دانشـگاه یا کارشان به مـدت یک ماه در وطن اصـلی خود بمانند و در خلال آن مدت مسافرتی نمی کنند، آیا بعد از گذشـت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده شکسته و بعد از آن تمام است ؟

ج : در سـفر برای تحصـیل علم ، نماز شکسـته است و روزه هم صحیح نیست ، اعم از این که سفرشان هفتگی باشد یا روزانه . ولی کسـی که برای کـار آزاد یا اداری ، مسافرت می کنـد، اگر بین وطن یا محل سـکونت و محل کارش هر ده روز حـد اقل یـک مرتبه رفت و آمـد نمایـد، بایـد از سـفر دوم به بعـد نمـاز خود را تمام بخوانـد و روزه او هم صـحیح است ، و اگر بین دو سفری که برای کـار کردن می رود، ده روز در وطن یا جای دیگری بمانـد، در سـفر اولی که بعـد از اقامت ده روزه برای کار کردن می رود، نمازش شکسته است و نمی تواند روزه بگیرد.

[س ۶۵۳ دبیر شاغل در شهرستان]

س ۶۵۳: دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان می باشم با توجه به پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت به تحصیلی آموزش و پرورش ، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل دارم و بقیه ایّام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم ، نظر حضرت عالی در مورد احکام نماز و روزه این جانب چه می باشد، آیا حکم دانشجو بودن بر ما جاری است یا خیر؟

ج : اگر مأمور به تحصیل هستید نماز شما تمام است و می توانید روزه بگیرید.

[س ۶۵۴ اگر تبلیغ شغل کسی باشد]

س ۶۵۴: اگر یکی از طلاب علوم دینی قصد داشته باشد تبلیغ را شغل خود قرار دهد، آیا با این فرض می تواند در سفر نماز خود را تمام بخواند و روزه هم بگیرد؟ اگر شخصی برای کاری غیر از تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر مسافرت نماید، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر عرفاً تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر شغل و کار او محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می کند،

و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش شکسته است و روزه او صحیح نیست .

[س ۶۵۵ کسانی که مدت غیر معینی مسافرت می کنند]

س ۶۵۵: کسانی که مدت غیر معینی مسافرت می کنند مانند طلاب علوم دینی که برای درس خواندن به حوزه علمیه می روندو یا کارمندان دولت که برای کار به مدت غیر معینی به شهری اعزام می شوند، نماز و روزه این افراد چه حکمی دارد؟

ج : بر محل تحصیل یا کار حکم وطن مترتب نیست ، مگر آن که آن قدر آنجا بمانند که عرفاً وطن آنها محسوب شود.

[س ۶۵۶ طلبه علوم دینی در شهری که وطن او نیست زندگی می کند]

س ۶۵۶: طلبه علوم دینی در شهری که وطن او نیست زندگی می کند، اگر قبل از قصد اقامه ده روز می دانسته و یا قصد داشته که به طور هفتگی به مسجدی که بیرون شهر واقع است برود، آیا می تواند قصد اقامت ده روز کند یا خیر؟

ج : هنگام قصد اقامت ، قصد رفتن به کمتر از مسافت شرعی به مدت یک ساعت یا بیشتر تا ثلث روز یا شب ضرر به صحت قصد اقامت نمی زند و تشخیص این که مقصدی که قصد رفتن به آنجا را دارد، آیا داخل در محل اقامت هست یا خیر، موکول به نظر عرف است .

قصد اقامت و مسافت شرعی

[س ۶۵۷ با خواندن حد اقل یک نماز چهار رکعتی]

س ۶۵۷: من در جائی کار می کنم که کمتر از مسافت شرعی با شهر مجاور فاصله داردو چون هیچ یک از دو مکان ، وطن من نیست ، لذا در محل کارم قصد اقامت ده روز می کنم تا نمازم را تمام خوانده و بتوانم روزه بگیرم ، و هنگامی که در محل کارم قصد اقامت ده روز می کنم ، در خلال آن مدت و بعد از آن قصد رفتن به شهر مجاور نمی کنم ، حکم شرعی من در حالتهای زیر چیست ؟ (۱) اگر قبل از پایان ده روز به خاطر حادثه ای یا کاری به آن شهر بروم و بعد از تقریباً دو ساعت ، به محل کارم برگردم ؟ (۲) اگر بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم و از مقدار مسافت شرعی تجاوز نکنم و بعد از یک شب توقف ، به محل اقامتم برگردم ؟ (۳) بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم ، ولی بعد از رسیدن به آن محله ، تصمیم به رفتن به محله دیگری که با محل اقامت من بیشتر از مسافت شرعی فاصله دارد، بگیرم ؟

ج : (۱) (۲): اگر از ابتداء، قصد خروج نداشته باشید، بعد از استقرار حکم تمام بودن نماز در محل اقامت هر چند با خواندن حد اقل یک نماز چهار رکعتی در آنجا باشد، خارج شدن از آنجا به مقدار کمتر از مسافت شرعی ، در یک یا چند روز، به قصد اقامت ضرر نمی رساند، و در این صورت فرقی نمی کند که خروج قبل از پایان ده روز باشد یا بعد از آن ، و تا مسافرت جدیدی انجام نشده ، نماز تمام و روزه صحیح است . (۳) رفتن به محله های دیگر شهر محل اقامت ، هر چند با محله قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد، به قصد اقامت و حکم آن ضرر نمی رساند، ولی اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامت قبلی وی به هم می خورد و بعد از برگشت به محل اقامت ، باید دوباره قصد نماید.

[س ۶۵۸ مسافر بعد از خروج از وطن]

س ۶۵۸: اگر مسافر بعد از خروج از وطن ، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن اصلی خود را بشنودو یا دیوار خانه های آن را ببیند، آیا به مسافت شرعی ضرر می رساند؟

ج : تا از وطن خود عبور نکرده ، ضرری به مسافت شرعی نمی رساند و مسافرتش قطع نمی شود، ولی تا در داخل محدوده بین وطن و حد ترخص آن هست ، حکم مسافر بر او جاری نمی شود.

[س ۶۵۹ محل کار من که در آنجا سکونت هم دارم ، غیر از وطن اصلی ام است]

س ۶۵۹: محل کار من که در آنجا سکونت هم دارم ، غیر از وطن اصلی ام است و با آن بیش از مسافت شرعی فاصله دارد، و محل کارم را هم وطن خود قرار نداده ام و امکان دارد فقط برای چندین سال در آنجا بمانم . گاهی از آنجا برای انجام ماموریت اداری به مدت دو یا سه روز در ماه خارج می شوم ، آیا هنگامی که از شهری که در آن سکونت دارم به مقداری بیش از مسافت شرعی خارج شده و بر می گردم ، واجب است در بازگشت قصد اقامت ده روز کنم یا خیر؟ و اگر قصد اقامت ده روز واجب است ، تا چه مسافتی ، می توانم به اطراف شهر بروم ؟

ج : اگر از شهری که در آن سکونت دارید، به مقدار مسافت شرعی خارج شوید، هنگام مراجعت باید دوباره قصد اقامت ده روز نمایید، و در صورتی که قصد اقامت ده روز به طور صحیح تحقق پیدا کرد و حکم تمام خواندن نماز هر چند با خواندن حد اقل یک نماز چهار رکعتی محقق شد در صورتی که از ابتداء، قصد خروج به کمتر از مسافت شرعی داشته خروج به کمتر از مسافت شرعی به اندازه یک تا دو ساعت در یک یا چند روز که مجموعاً از مقدار ثلث روز یا شب تجاوز نکند، ضرری به حکم اقامت نمی زند، هم چنان که در خلال ده روز قصد خروج به باغها و مزرعه های محل اقامت ، به قصد اقامت آسیبی نمی رساند.

[س ۶۶۰ اگر شخصی برای چندین سال در چهار کیلومتری وطنش باشد]

س ۶۶۰: اگر شخصی برای چندین سال در چهار کیلومتری وطنش باشد و هر هفته به خانه اش برود، هنگامی که این شخص به محلی مسافرت کند که فاصله آن با وطنش بیست و پنج کیلومتر و با مکانی که چندین سال در آن درس خوانده است ، بیست و دو کیلومتر است ، نماز او چه حکمی دارد؟

ج : اگر از وطنش به آنجا مسافرت کند، نماز قصر است .

[س ۶۶۱ مسافری قصد رفتن به سه فرسخی را دارد]

س ۶۶۱: مسافری قصد رفتن به سه فرسخی را دارد، ولی از ابتدا در نظر دارد که در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به یک فرسخی برودو سپس داخل مسیر اصلی شود و به سفر خود ادامه دهد، نماز و روزه این مسافر چه حکمی دارد؟

ج : حکم مسافر را ندارد و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده ، برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست .

[س ۶۶۲ وجوب قصر نماز و افطار هنگام سفر به هشت فرسخی]

س ۶۶۲: با توجه به فتوای امام خمینی «قدس سره » مبنی بر وجوب قصر نماز و افطار هنگام سفر به هشت فرسخی ، اگر مقدار رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد، ولی در بازگشت ، به علت مشکلات راه و نبودن ماشین ، مجبور به پیمودن مسافتی بیش از شش فرسخ شود، آیا باید نماز را شکسته خواند و روزه را افطار کرد؟

ج : اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر بازگشت هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، نماز تمام و روزه صحیح است .

[س ۶۶۳ کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است ، سفر کند]

س ۶۶۳: کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است ، سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله های دیگر برود، به طوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن مسافت شرعی را نداشته و فاصله بین مقصد اول و محله های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

[س ۶۶۴ اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود]

س ۶۶۴: اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آنجا به گردش بپردازد، آیا این گردش جزء مسافتی که از منزل پیموده ، محسوب می شود؟

ج : گردش در مقصد جزء مسافت محسوب نمی شود.

[س ۶۶۵ هنگام قصد اقامت ، جایز است]

س ۶۶۵: آیا هنگام قصد اقامت ، جایز است نیّت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد بنماییم ؟

ج : قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مثل بیرون رفتن از آنجا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از یک سوم روز یا شب بیشتر نشود، در این صورت ، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی زند.

[س ۶۶ با توجه به این که رفت و آمد از محل سکونت به محل کار]

س ۶۶۶: با توجه به این که رفت و آمد از محل سکونت به محل کار که بیشتر از بیست و چهار کیلومتر از هم فاصله دارند، موجب می شود که نماز تمام خوانده شود، اگر من از شهری که در آن کار می کنم به خارج از آن و یا شهر دیگری که فاصله آن با محل کارم به مقدار مسافت شرعی نیست ، بروم و قبل از ظهر یا بعد از ظهر به محل کارم برگردم ، آیا باز هم نمازم تمام است ؟

ج : به مجرد خارج شدن از محل کار به مقدار کمتر از مسافت شـرعی ، هر چند ارتباطی با کار روزانه شما نداشته باشد، حکم نماز و روزه شما در محل کار تغییر نمی کند، و فرقی هم نمی کند که قبل از ظهر به محل کارتان برگردید یا بعد از ظهر.

[س ۶۶۷ من از اهالی اصفهان هستم]

س ۶۶۷: من از اهالی اصـفهان هستم و مدتی است که در دانشگاهی در شاهین شهر که از توابع اصفهان است مشغول به کارم ، و فاصـله بین اصـفهان و شاهین شـهر کمتر از مسافت شرعی (در حدود بیست کیلومتر) است ، ولی تا دانشگاه که در اطراف شاهین شـهر واقع شده ، بیشتر از مسافت شـرعی (در حدود بیست و پنج کیلومتر) است . با توجه به این که دانشـگاه در شاهین شهر است و راه من از وسط شهر عبور می کند، ولی مقصد اصلی من دانشگاه است ، آیا مسافر محسوب می شوم یا خیر؟

ج : اگر فاصله بین دو شهر کمتر از چهار فرسخ شرعی باشد، حکم سفر مترتب نمی شود.

[س ۶۶۸ من هر هفته برای زیارت حضرت معصومه س به شهر قم مسافرت می کنم]

س ۶۶۸: من هر هفته برای زیارت حضـرت معصومه سلام اللّه علیها و انجام اعمال مسجد جمکران به شهر قم مسافرت می کنم ، آیا در این سفر نمازم را تمام بخوانم یا شکسته ؟

ج : در این سفر حکم سایر مسافرین را دارید و نماز شما قصر است .

[س ۶۶۹ محل تولد من شهر کاشمر است]

س ۶۶۹: محل تولد من شهر کاشمر است و از سال (۱۳۴۵) هجری شمسی تا سال (۱۳۶۹) ساکن تهران بوده ام و آنجا را وطن برای خود انتخاب کردم ، و مدت سه سال است که همراه با خانواده ام برای

ماموریت اداری به بندر عباس آمده و کمتر از یک سال دیگر به شهر تهران که وطن من است ، باز خواهم گشت . با توجه به این که در مدتی که در بندر عباس هستم ، هر لحظه امکان دارد برای مأموریت به شهرهای تابع بندر عباس بروم و مدتی در آنجا بمانم و زمان مأموریت های اداری هم که به من ارجاع می شود، قابل پیش بینی نیست ، خواهشمندم اولًا حکم نماز و روزه مرا بیان فرمائید. ثانیاً: با توجه به این که در اغلب اوقات یا در بعضی از ماههای سال برای چند روز در مأموریت اداری به سر می برم ، آیا کثیر السفر محسوب می شوم یا خیر؟ ثالثاً: با توجه به این که هم سرم خانه دار و متولد تهران است و با من به بندر عباس آمده و ساکن آن شده است ، حکم شرعی نماز و روزه وی چیست ؟

ج : نماز و روزه شما در محل کار فعلی تان که وطن شما نیست ، حکم نماز و روزه مسافر را دارد، یعنی نماز شکسته است و روزه تان صحیح نیست ، مگر آن که در آنجا قصد اقامت ده روز کنید و یا در هر ده روز حد اقل یک بار به خاطر کاری که مربوط به وظیفه شما است ، مسافرت نمایید؛ و اما هم سرتان که در محل کار همراه شما است ، اگر قصد اقامت ده روز کرده باشد، نماز وی تمام و روزه اش صحیح است و در غیر این صورت نمازش شکسته است و نمی تواند روزه بگیرد.

[س ۶۷۰ شخصی قصد اقامت ده روز در جائی کرده است]

س ۶۷۰: شخصی قصد اقامت ده روز در جائی کرده است ، بخاطر این که می دانسته که ده روز در آنجا می ماند و یا تصمیم بر ماندن داشته است ولی بعد از آن که با خواندن یک نماز چهار رکعتی ، حکم تمام خواندن نماز بر او مترتب شد، مسافرتی غیر ضروری برای وی پیش می آید، آیا رفتن به آن سفر برای او جایز است ؟

ج : سفر او اشکال ندارد، هر چند غیر ضروری باشد.

[س ۶۷۱ اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا ع مسافرت نماید]

س ۶۷۱: اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا « علیه الصلوه و السلام » مسافرت نماید و با آن که می داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماندولی برای این که نمازش تمام باشد، قصد اقامت ده روز می کند، این کار او چه حکمی دارد؟

ج : اگر می داند که در آنجا ده روز نمی ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند.

[س ۶۷۲ مأمورین غیر محلی که هیچ گاه ده روز در شهر محل کار نمی مانند]

س ۶۷۲: مأمورین غیر محلی که هیچ گاه ده روز در شهر محل کار نمی مانند، ولی مسافرت آنان کمتر از مسافت شرعی است ، از جهت تمام یا شکسته بودن نماز چه وظیفه ای دارند؟

ج : اگر فاصله بین وطن و محل کار آنها به مقدار مسافت شرعی و لو تلفیقاً نباشد، احکام مسافر را ندارند، و کسی که بین وطن و محل کارش به مقدار مسافت شرعی فاصله باشد، اگر حد اقل هر ده روز یک بار بین آن دو رفت و آمد می کند، نمازش را باید تمام بخواند، ولی هر گاه ده روز یا بیشتر در وطن یا محل کار اقامت کند، در سفر اول بعد از ده روز، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت .

[س ۶۷۳ کسی که به جائی مسافرت کرده]

س ۶۷۳: کسی که به جائی مسافرت کرده و نمی داند چه مقدار در آنجا خواهد ماند، ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟

ج : وظیفه شخص مردد تا سی روز قصر است و از آن به بعد باید نمازش را تمام بخواند، هر چند در همان روز بخواهد برگردد.

[س ۶۷۴ کسی که در دو مکان تبلیغ می کند]

س ۶۷۴: کسی که در دو مکان تبلیغ می کند و قصد اقامت ده روز هم در آن منطقه دارد، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر از نظر عرف دو مکان محسوب شونـد، قصد اقامت در هر دو محل و یا در یکی از آن دو با قصد رفت و آمد به مکان دیگر در خلال ده روز، صحیح نیست .

حدّ ترخّص

[س ۶۷۵ گاهی فاصله بین بعضی از شهرها کم است]

س ۶۷۵: در آلمان و بعضـی از کشورهای اروپایی ، گاهی فاصله بین بعضی از شهرها (یعنی فاصله تابلوهای خروجی شهری و ورودی شـهر دیگر) به صد متر نمی رسد، حتی بعضی از خانه ها و خیابان های دو شهر کاملًا به هم متصل هستند، حد ترخص این موارد چگونه است ؟

ج : با فرض اتصال یکی از دو شهر به دیگری به نحوی که در سؤال آمده است ، آن دو، حکم دو محله یک شهر را دارند که خروج از یکی به دیگری مسافرت محسوب نمی شود تا نیاز به حد ترخص باشد.

[س ۶۷۶ معیار حد ترخص]

س ۶۷۶: معیار حـد ترخص شـنیدن اذان و دیـدن دیوارهای شـهر است ، آیا یکی از آن دو کافی است یا این که باید هر دو با هم وجود داشته باشند؟

ج : احوط، رعایت هر دو علامت است ، هر چند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حد ترخص کافی باشد.

[س ۶۷۷ معیار حد ترخص شنیدن صدای اذان از خانه های طرفی است]

س ۶۷۷: آیا معیار حد ترخص شـنیدن صدای اذان از خانه های طرفی است که مسافر از آن طرف شـهر خارج یا داخل آن می شود، یا این که معیار اذان وسط شهر است ؟

ج : معیار، شنیدن اذان آخر شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل آن می شود.

[س ۶۷۸ در اینجا بین اهالی یکی از نواحی راجع به مسافت شرعی اختلاف وجود دارد]

س ۶۷۸: در اینجا بین اهالی یکی از نواحی راجع به مسافت شرعی اختلاف وجود دارد. عده ای می گویند که دیوارهای آخرین خانه های منطقه که به هم متصل هستند، ملاک است . عده ای هم معتقدند که باید مسافت را از کارخانه ها و شهرکهای پراکنده ای که بعد از خانه های شهر واقع شده است ، محاسبه کرد، سؤال این است که آخر شهر کجاست ؟

ج : تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است . اگر در نظر عرف کارخانه ها و شهرکهای پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه های شهر باید حساب نمود.

سفر معصیت

[س ۶۷۹ اگر انسان بداند در سفری که می خواهد برود، مرتکب معاصی و محرمات خواهد شد]

س ۶۷۹: اگر انسان بداند در سفری که می خواهد برود، مرتکب معاصی و محرمات خواهد شد، آیا نمازش شکسته است یا تمام ؟

ج : مادامی که سفر او به خاطر ترک واجب یا فعل حرامی نباشد، نماز او مانند سایر مسافران شکسته است .

[س ۶۸۰ کسی که بدون قصد معصیت مسافرت کند]

س ۶۸۰: کسی که بدون قصد معصیت مسافرت کند، ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر قصد ارتکاب معصیت نماید، آیا نمازش را باید تمام بخواند یا شکسته ؟ آیا نمازهای شکسته ای که در طول راه خوانده ، صحیح است یا خیر؟

ج : واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده ، نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه سفر به قصد ارتکاب گناه ، شکسته خوانده است ، باید اعاده کند و تمام بخواند.

[س ۶۸۱ سفر برای تفریح یا خرید ما یحتاج زندگی]

س ۶۸۱: سفر برای تفریح یا خرید ما یحتاج زندگی با فرض فراهم نبودن مکانی برای نماز و مقدمات آن در مسافرت ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر بداند که در مسافرت مبتلا به ترک بعضی از واجبات نماز می شود، احوط این است که به آن سفر نرود، مگر آن که ترک آن برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت جایز نیست نماز را در هیچ حالی ترک نماید.

احکام وطن

[س ۶۸۲ من متولد شهر تهران هستم]

س ۶۸۲: من متولد شهر تهران هستم و پدر و مادرم در اصل از اهالی شهر «مهدی شهر» هستند، لذا چندین بار در طول سال به آنجا سفر می کنند و من هم همراه آنان می روم ، با توجه به این که من قصد بازگشت به «مهدی شهر» را برای سکونت ندارم ، بلکه قصد دارم در تهران بمانم ، نماز و روزه ام چه حکمی دارند؟

ج : در فرض مذکور، نماز و روزه شما در وطن اصلی پدر و مادرتان ، حکم نماز و روزه سایر مسافرین را دارد.

[س ۶۸۳ من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری]

س ۶۸۳: من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری که محل تولدم و محل سکونت من و خانواده ام است ، زندگی می کنم ، ولی در شهر اول به طور متوالی و مستمر ساکن نیستم ، مثلًا دو هفته یا ده روز و یا کمتر در آن می مانم و سپس به محل تولد و سکونت خانواده ام بر می گردم ، سؤال من این است که اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را در شهر اول داشته باشم ، آیا حکم مسافر را دارم یا خیر؟

ج : اگر آن شهر وطن اصلی شما نباشد و قصد توطن در آنجا را هم نداشته باشید، در صورتی که قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشید، حکم سایر مسافرین را دارید، مگر آن که آنجا محل کار شما باشد و حد اقل هر ده روز یک بار جهت کار به آنجا رفت و آمد داشته باشید که در این صورت نماز شما تمام و روزه تان صحیح است .

[س ۶۸۴ حدود دوازده سال است که در شهری بدون این که قصد زندگی دائمی]

س ۶۸۴: حدود دوازده سال است که در شهری بدون این که قصد زندگی دائمی در آن را داشته باشم ، ساکن هستم . آیا این شهر وطن من محسوب می شود؟ چه مدتی لازم است تا آن شهر وطن من شود و چگونه می توان احراز کرد که عرف آنجا را وطن من می داند؟

ج : تا وقتی که انسان ، جائی را برای ماندن همیشگی انتخاب نکرده ، وطن او محسوب نمی شود. مگر این که بدون قصد آن قدر بماند که عرفاً، وطن او محسوب شود و احراز نظر عرف به عهده مکلف است .

[س ۶۸۵ وطن شخصی تهران است]

س ۶۸۵: وطن شخصی تهران است و در حال حاضر قصد دارد در یکی از شهرهای نزدیک تهران ساکن شده و آن را وطن خود قرار دهد، ولی چون محل کسب و کار روزانه اش در تهران

است ، نمی توانـد ده روز در آنجا بمانـد، چه رسـد به شـش مـاه ، بلکه هر روز به محـل کـارش می رود و شب به آنجا برمی گردد، نماز و روزه او در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج : شـرط تحقق عنوان وطن جدید این نیست که انسان بعد از قصد توطن و سـکونت در شـهری ، شـش ماه به طور مسـتمر در آنجـا بمانـد، بلکه بعـد از این که آنجـا را به عنوان وطن جدیـد انتخـاب نمود و با این قصـد، مـدتی (اگر چه فقط شـبها) آنجا سکونت نمود، وطن او محسوب می شود.

[س ۶۸۶ محل تولد من و همسرم یک شهر است]

س ۶۸۶: محل تولد من و هم سرم شـهر کاشمر است ، ولی بعد از استخدام در یکی از ادارات دولتی ، به نیشابور منتقل شدم ، پـدر و مـادر مـا هنوز در زادگاهمـان زنـدگی می کننـد، در ابتـدای رفتن به نیشابور، از وطن اصـلی خود اعراض کردیم ، ولی اکنون بعد از پانزده سال از این امر منصرف شده ایم ، خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ فرمائید: (۱) هنگامی که به خانه پدر و مادرمـان می رویم و چنـد روز نزد آنهـا می مـانیم ، وظیفه من و هم سـرم راجع به نمـاز چیست ؟ (۲) فرزنـدان ما که در محل سکونت فعلی ما (نیشابور) متولد شده و در حال حاضـر به سن بلوغ رسـیده اند، هنگامی که به شـهر پدریمان (کاشـمر) رفته و چند روز نزد آنها می مانیم ، چه وظیفه ای دارند؟

ج : بعد از آن که از وطن اصـلی تان «کاشـمر» اعراض کردید، دیگر حکم وطن در آنجا بر شـما جاری نمی شود، مگر آن که دوباره برای زنـدگی به آنجا برگشـته و با قصد زندگی دائم مدتی در آنجا اقامت کنید و این شـهر نسبت به فرزندان شـما هم حکم وطن را ندارد و همه شما در آنجا حکم مسافر را دارید.

[س ۶۸۷ شخصی دارای دو وطن است]

س ۶۸۷: شخصی دارای دو وطن است ، در نتیجه نماز خود را در هر دو مکان تمام می خواند و روزه هم می گیرد، آیا واجب است که هم سر و فرزندان تحت تکفل وی در این مسأله از سرپرست خود تبعیت نمایند یا این که می توانند مستقل از او عمل کنند؟

ج : زن می توانـد وطن جدیـد شوهرش را وطن خود قرار ندهـد، ولی فرزندان اگر صـغیر باشـند و در تصـمیم گیری و کسـب درآمد مستقل نباشند و یا در این مسأله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آنها هم محسوب می شود.

[س ۶۸۸ اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد]

س ۶۸۸: اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد و مادر ناچار باشد که چند روزی برای وضع حمل به زایشگاه منتقل شود و بعد از تولد فرزند برگردد، وطن این طفل کجاست ؟

ج : اگر زایشگاه در وطن پدر و مادر که در آن زندگی می کنند قرار داشته باشد، همان جا وطن اصلی کودک هم خواهد بود، در غیر این صورت مجرد تولد در شهری باعث نمی شود که آنجا وطن او شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آنجا برده شده و با آنها زندگی می کند.

[س ۶۸۹ چند سال است که شخصی در شهر اهواز سکونت دارد]

س ۶۸۹: چند سال است که شخصی در شهر اهواز سکونت دارد ولی آنجا را به عنوان وطن دوم خود قرار نداده است ، اگر از آن شهر به مقدار بیشتر یا کمتر از مسافت شرعی خارج شود، هنگام بازگشت مجدد به آنجا، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج : بعد از آن که قصد اقامت در اهواز کرد و حکم تمام خواندن نماز با به جا آوردن حد اقل

یـک نمـاز چهـار رکعتی بر او مسـتقر شـد، تا از آنجا به مقـدار مسافت شـرعی و یا بیشتر خارج نشـده ، نمازش تمام و روزه او صحیح است . ولی اگر به آن مقدار از آنجا خارج شود، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت .

[س ۶۹۰ فردی هستم که قصد اعراض از وطنم را دارم]

س ۶۹۰: من فردی عراقی هسـتم که قصـد اعراض از وطنم عراق را دارم ، آیـا همه ایران را وطن خود قرار دهم یا منطقه ای را که در آن ساکن هستم و یا برای انتخاب وطن حتماً باید خانه ای بخرم ؟

ج : در وطن جدیـد، قصـد توطن در شـهر خـاص و معین و سـکونت در آن به مـدتی که انسـان عرفـاً اهل آنجا محسوب شود، شرط است ، ولی تملک خانه یا غیر آن شرط نیست .

[س ۶۹۱ کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به شهر دیگری مهاجرت نماید]

س ۶۹۱: کسـی که قبل از بلوغ از محل تولـد خود به شـهر دیگری مهاجرت نمایـد و به مسأله اعراض از وطن آگاه نباشد، الآن که به سن تکلیف رسیده ، نسبت به نماز و روزه اش در آنجا چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر از محل تولـد به تبعیت از پـدرش مهاجرت کنـد و پـدر وی قصـد بازگشت به آنجا را برای زندگی نداشـته باشد، آن مکان برای او حکم وطن را ندارد.

[س ۶۹۲ اگر شخصی وطنی داشته باشد]

س ۶۹۲: اگر شخصی وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی کند، ولی گاهی با هم سرش به آنجا می رود، آیا هم سر او در آنجا باید مانند وی نمازش را تمام بخواند یا خیر؟ و اگر هم سرش تنها به آنجا برود نمازش چه حکمی دارد؟

ج : مجرد این که آن مکان وطن شوهر اوست باعث نمی شود که وطن وی هم باشد و بر او در آنجا احکام وطن جاری شود.

[س ۶۹۳ محل کار حکم وطن را دارد]

س ۶۹۳: آیا محل کار حکم وطن را دارد؟

ج : اشـتغال به کاری در مکانی موجب نمی شود که آن مکان وطن گردد، ولی اگر از محل سکونت تا محل کار که به مقدار مسـافت شـرعی بـا هم فاصله دارنـد، در هر ده روز حـد اقل یک مرتبه رفت و آمـد نمایـد، نماز وی در آنجا تمام و روزه اش

صحیح است .

[س ۶۹۴ مراد از اعراض از وطن چیست]

س ۶۹۴: مراد از اعراض از وطن چیست ؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می خواهـد، اعراض محسوب می شود یا خیر؟

ج : مراد از اعراض ، خروج از وطن با تصـمیم بر عدم بازگشت به آن برای سـكونت است . و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست .

[س ۶۹۵ وطن اصلی و وطن دوم]

س ۶۹۵: خواهشمندیم نظر خود را در باره وطن اصلی و وطن دوم بیان فرمائید.

ج : وطن اصلی جائی است كه انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا كرده است . وطن دوم هم جائی است كه مكلّف آن را برای سكونت دائم ، و لو برای چند ماه در هر سال ، برگزیده است .

[س ۶۹۶ پدر و مادر من از اهالی شهر ساوه هستند]

س ۶۹۶: پـدر و مـادر من از اهالی شـهر ساوه هسـتند و هر دو در كودكی به تهران آمـده و در آن سـكونت كرده انـد. بعـد از ازدواج به شهر چالوس رفته و در آن ساكن شده اند، زیرا محل كار پدرم آنجا بوده است . بنا بر این من در تهران به دنیا آمده ، ولی هر گز در آن اقامت نكرده ام ، در تهران و ساوه چگونه نماز بخوانم ؟

ج : اگر بعد از تولد در تهران ، در آنجا رشد و نمو نکرده باشید، تهران وطن اصلی شما محسوب نمی شود، بنا بر این اگر تهران و ساوه را به عنوان وطن اتخاذ نکرده باشید، در آنجا حکم وطن بر شما جاری نمی شود.

[س ۶۹۷ شخصی از وطنش اعراض نکرده است]

س ۶۹۷: شخصی از وطنش اعراض نکرده است و در حال حاضر حدود شش سال است که در شهر دیگری اقامت دارد، در صورتی که به وطن خود برگردد، با توجه به این که بر تقلید امام راحل «قدس سره » باقی مانده ، آیا نماز خود را باید تمام بخواند یا شکسته ؟

ج : تا از وطن سابق خود اعراض نکرده ، حکم وطن نسبت به او باقی است و نماز وی در آنجا تمام و روزه اش صحیح است .

[س ۶۹۸ قصد قطعی بر توطّن در محل تحصیل]

س ۶۹۸: دانشجوئی خانه ای را در شهر تبریز برای تحصیل در دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است ، هم چنین وی در صورت امکان ، قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد، در حال حاضر در ایام ماه مبارك رمضان گاهی به وطن اصلی اش رفت و آمد می کند، آیا آن دو مکان ، برای او دو وطن محسوب می شوند؟

ج : اگر در حال حاضر قصد قطعی بر توطّن در محل تحصیل نداشته باشد، آنجا حکم وطن را برای او نخواهد داشت . ولی حکم وطن بودن وطن اصلی او تا زمانی که از آن اعراض نکرده ، نسبت به وی باقی است .

[س ۶۹۹ بدون این که از وطن اصلی خود اعراض کرده باشم]

س ۶۹۹: من در شهر کرمانشاه به دنیا آمده ام و شش سال است که در تهران ساکن هستم و بدون این که از وطن اصلی خود اعراض کرده باشم ، قصد توطن در تهران کرده ام . اگر در هر یک یا دو سال از منطقه ای به منطقه دیگری از مناطق تهران منتقل شوم ، نماز و روزه ام در آنجا چه حکمی دارد؟ و چون بیشتر از شش ماه است که در منطقه جدیدی از تهران ساکن هستیم ، آیا آنجا برای ما حکم وطن را دارد یا خیر؟ هنگامی که در طول روز به مناطق مختلف تهران رفت و آمد می کنیم ، نماز و روزه ما چه حکمی دارد؟

ج : اگر در تهران فعلی و یا محله ای از آن قصد توطن نموده اید، سراسر آنجا وطن شما محسوب می شود، و در تمامی محله های تهران حکم وطن بر شما جاری است و نمازتان تمام و روزه شما صحیح است و تردد شما در تهران فعلی حکم سفر را ندارد.

[س ۷۰۰ محل کار و سکونت فعلی شخصی در تهران است]

س ۷۰۰: محل کار و سکونت فعلی شخصی از اهالی روستا در تهران است و پدر و مادر او در روستا زندگی می کنندو در آن ملك و آب دارند، این شـخص برای دیدار و کمك به آنجا می رود، ولی تمایلی به بازگشت به آنجا برای سـکونت ندارد، با توجه به این که آنجا زادگاه وی است ، نماز و روزه اش در آنجا چه حکمی دارد؟

ج : اگر قصـد مراجعت به آن روسـتا برای سـکونت و زنـدگی ندارد، بلکه تصـمیم به عدم مراجعت دارد، حکم وطن بر او در آنجا جاری نمی شود.

[س ۷۰۱ محل تولد شخص هر چند در آنجا ساکن نباشد]

س ۷۰۱: آیا محل تولد شخص هر چند در آنجا ساکن نباشد، وطن محسوب می شود؟

ج : اگر در آنجا مـدتی مانده و رشد و نمو کرده باشد، تا از آن اعراض نکرده است ، حکم وطن را دارد و در غیر این صورت حکم وطن ندارد.

[س ۷۰۲ نماز و روزه کسی که سالهای زیادی در سرزمینی که وطن او نیست ، زندگی می کند]

س ۷۰۲: نماز و روزه کسی که سالهای زیادی (نه سال) در سرزمینی که وطن او نیست ، زندگی می کند، و در حال حاضر ممنوع الورود به وطن خود است ، ولی یقین دارد که روزی به آن باز خواهد گشت ، چه حکمی دارد؟

ج : نماز و روزه او در کشوری که فعلًا در آن ساکن است ، حکم نماز و روزه سایر مسافرین را دارد.

[س ۷۰۳ قصد توطن]

س ۷۰۳: شش سال از عمرم را در روستایی و هشت سال را در شهری گذرانده و در حال حاضر برای تحصیل به مشهد آمده ام ، نماز و روزه ام در هر یک از این مکانها چه حکمی دارد؟

ج : تا از روستای محل تولد اعراض نکرده اید، برای شما نسبت به نماز و روزه ، حکم وطن را دارد و در مشهد تا قصد توطن در آن نکرده اید، حکم مسافر را دارید، و شهری هم که چندین سال در آن ساکن بوده اید، اگر آن را به عنوان وطن انتخاب کرده باشید، تا از آن اعراض نکرده اید، حکم وطن را برای شما دارد و در غیر این صورت در آن حکم مسافر را خواهید داشت .

تبعیت زن و اولاد در وطن

[س ۷۰۴ تبعیت زن از وطن شوهر]

س ۷۰۴: آیا زن در وطن و اقامت تابع شوهر است ؟

ج : مجرد زوجیّت موجب تبعیّت قهری نمی شود، و زن می تواند در انتخاب وطن و قصد اقامت تابع شوهر خود نباشد. بله ، اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع اراده هم سرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که هم سرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آنجا رفته است ، وطن وی هم محسوب می شود و هم چنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان با خروج از آن و رفتن به جائی دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می گردد، و برای اقامت ده روز در سفر، اطلاع او از قصد شوهرش مبنی بر اقامت ده روز با این فرض که وی تابع اراده شوهر است برای وی کافی است ، بلکه اگر مجبور به همراهی با شوهرش در مدت اقامت در آنجا باشد، نیز حکم همین است .

[س ۷۰۵ جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج نموده است]

س ۷۰۵: جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج نموده است ، هنگامی که این زن به خانه پدرش می رود، نمازش قصر است یا تمام ؟

ج : تا زمانی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده ، نمازش در آنجا تمام است .

[س ۷۰۶ تابعیت زن و فرزندان]

س ۷۰۶: آیا زن و فرزندان مشمول مسأله « (۱۲۸۴)» رساله حضرت امام «قدس سره » هستند؟ یعنی در تحقق سفر آنها قصد سفر توسط آنان شرط نیست ؟ و آیا وطن پدر موجب تمام بودن نماز کسانی که تابع وی هستند، می گردد؟

ج : اگر در سفر تابع پدر و لو قهراً باشند، قصد پدر برای پیمودن مسافت در صورت اطلاع آنان از آن کافی است . ولی در انتخاب وطن و اعراض از آن ، اگر در تصمیم گیری و زندگی مستقل نباشند، یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آن ها برای زندگی دائمی به آن جا رفته است ، تابع وی خواهند بود.

احکام بلاد کبیره

[س ۷۰۷ بلاد کبیره]

س ۷۰۷: نظر جناب عالی در باره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در آنها چیست ؟

ج : در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آنجا ماندن ، بدون معین کردن محله خاصی از آن ، تمام آن شهر حکم وطن را در باره او پیدا خواهد کرد. هم چنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید، بدون این که محله خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحّت روزه در مورد او در تمام محله های آن شهر جاری خواهد بود.

[س ۷۰۸ بلاد کبیره]

س ۷۰۸: شخصی از فتوای امام «قدس سره » در مورد این که تهران از بلاد کبیره است ، مطلع نبوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فتوای امام «قدس سره » علم پیدا کرده است ، نماز و روزه ای را که به نحو متعارف به جا آورده ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر در حال حاضر بر تقلید امام «قدس سره » در آن مسأله باقی باشد، واجب است که اعمال گذشته اش را که با فتوای امام «قدس سره » منطبق نیست ، تدارک نماید، به این معنی که نمازهایی را که به جای شکسته ، تمام خوانده به صورت شکسته قضا کند و روزه هایی را که در حال مسافرت گرفته است ، قضا نماید.

نماز قضا

[نماز قضا از رساله حضرت امام]

[مسأله ۱۳۷۰ کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده]

مسأله ۱۳۷۰ کسی که نماز واجب (۱) خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را به جا آورد، اگر چه در تمام وقت نماز، خواب مانده یا به واسطه مستی (۲) نماز نخوانده باشد (۳)، ولی نمازهای یومیه ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده ، قضا ندارد (۴). (۱) (سیستانی :) نماز یومیه .. (۲) (مکارم :) به واسطه بیماری یا مستی .. (۳) (مکارم :) امّا کسی که در تمام وقت بی هوش بوده قضا بر او واجب نیست ، هم چنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده .

(بهجت :) ولی کسی که در تمام وقت نماز هنوز بالغ نشده و یا دیوانه و یا بی هوش است و یا زنی که در تمام وقت نماز در

حال حیض یا نفاس است ، نمازی که اینها نخوانـده انـد قضا نـدارد مگر این که قبل از تمام شدن وقت نماز، این افراد از چنین حـالی خارج شونـد یعنی شـخص غیر بالغ به تکلیف برسـد و بیهوش به هوش آیـد و زن از حیض و نفاس پاک شود و مجنون عاقل شود که در این صورت ، نمازی را که لا اقل یک رکعت از آن را و لو با تیمّم و حذف مستحبّات ، در وقت می توانسته بخواند و نخوانده ، باید قضا نماید.

(سیستانی :) و هم چنین است هر نماز واجب دیگری که آن را در وقتش نخواند، حتّی بنا بر احتیاط لازم نمازی را که در وقت معیّنی به نـذر بر او واجب شـده ؛ ولی نماز عید فطر و قربان قضا ندارند و هم چنین نمازهایی را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانـده قضا نـدارد چه نمازهای یومیه باشـد چه غیر آن و حکم قضا در نماز آیات خواهد آمد. (۴) (گلپایگـانی ، صافی :) و هم چنین کسی که در تمام وقت (صافی : بدون عمد) بی هوش بوده قضا بر او واجب نیست .

(زنجانی :) همچنین اگر به جهت بی هوشی غیر اختیاری در تمام وقت نماز قضا شود، ولی اگر بی هوشی به اختیار خود شخص باشد؛ مثل این که به خاطر عمل جراحی خود را در اختیار پزشک قرار داده و در تمام وقت هم بی هوش بوده ، به احتیاط واجب باید قضای آن را به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) نمازهایی را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده ، قضا ندارد چه نمازهای یومیه باشد چه غیر آن . (تبریزی : و نیز کسی که در تمام وقت نماز بی هوش بوده قضا ندارد چه یومیّه باشد چه غیر آن).

[مسأله ۱۳۷۱ اگر بعد از وقت نماز بفهمد]

مسأله ۱۳۷۱ اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده ، باید قضای آن را بخواند.

[مسأله ۱۳۷۲ کسی که نماز قضا دارد]

اشاره

مسأله ۱۳۷۲ کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست (۱) فوراً آن را به جا آورد (۲). (۱)(زنجانی :) لازم نیست .. (۲) (مکارم :) مگر آن که یک یا دو نماز قبل از آن قضا شده باشد که احتیاط واجب این است که پیش از نماز همان روز، آن را قضا کند.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۱۳ اگر کسی به اختیار خود سبب حصول دیوانگی یا بی هوشی ، یا حیض و نفاس در خود شود، بنا بر احتیاط واجب باید نمازهای فوت شده در آن حال را قضا نماید، خصوصاً اگر این عمل بعد از دخول وقت باشد.

(بهجت :) مسأله ۱۱۱۴ نمازهایی که واجب است قرائت در آنها بلند خوانده شود هنگام قضا هم باید بلند خوانده شود و هم چنین نمازهایی که واجب است آهسته بخواند هنگام قضا نیز واجب است آهسته بخواند و بلند یا آهسته خواندن قضای نافله ها، تابع خود آنها است .

(بهجت :) مسأله ۱۱۱۵ کسی که وضو، غسل و تیمّم برایش ممکن نیست ، در خود وقت ، نماز بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب باید در وقتی که قادر بر تحصیل طهارت است نماز را قضا نماید، خصوصاً اگر خودش با اختیار سبب از بین رفتن تمکّن شده باشد، بلکه اگر این عمل بعد از گذشتن وقت کافی برای انجام نماز صورت گیرد، باید نمازش را قضا کند.

(بهجت :) مسأله ۱۱۱۶ کافر اصلی ، به جمیع اقسام آن ، در صورتی که مسلمان شود، نمازهای سابق او قضا ندارد، و امّا

مسلمانی که نماز نخوانده اگر چه معذور بوده یا مسلمانی که مرتد شده ، اگر چه مرتدّ فطری باشد بنا بر أظهر و یا مسلمانی که محکوم به کفر است ، مثل خوارج ، در صورت توبه بر همه اینها قضا لازم است ، ولی مسلمانی که شیعه شده و نمازهایش را قبلًا مطابق مذهب خودش یا مطابق مذهب شیعه با نیّت قربت خوانده است بنا بر أظهر قضا بر او واجب نیست . و امّا اگر اصلًا نمازش را نخوانده ، باید قضا کند.

(فاضل :) مسأله ۱۳۸۶ اگر بچّه قبل از تمام شدن وقت و لو به مقدار یک رکعت بالغ شود، نماز به نحو اداء بر او واجب است و چنانچه ترک نماید قضاء آن نماز بر او واجب است

و هم چنین اگر زن حائض یا نفساء قبل از تمام شـدن وقت ، عـذر آنان برطرف شود و بتوانند با غسل و لو یک رکعت از نماز را در وقت درک بکنند.

(فاضـل :) مسأله ۱۳۸۷ بر شخصـی که نمـاز جمعه واجب است چنـانچه آن را در وقتش انجـام ندهـد، لاـزم است نمـاز ظهر را بخواند و چنانچه نماز ظهر را هم ترک کرد، باید قضاء نماز ظهر را به جا آورد.

(فاضل :) مسأله ۱۳۸۸ قضاء نمازهای واجب را در هر وقتی از شـبانه روز می توان انجام داد چه در سـفر و چه در حضـر، لکن در حضر چنانچه بخواهد نماز در سفر را قضا کند، باید به صورت قصر قضا کند و بر عکس چنانچه بخواهد در سفر، نماز قضا شده در حضر را انجام دهد، باید به صورت تمام قضا کند.

(فاضـل :) مسأله ۱۳۸۹ چنانچه نماز در مکانهایی که ماننـد مسـجد الحرام ، مکلّف مخیّر بین قصـر و اتمام است خوانـده نشود، احتیاط واجب آن است که چنانچه در غیر آن امکنه قضا کند به صورت قصر انجام دهد و چنانچه در همان امکنه بخواهد قضا کند، مخیّر است بین قصر و اتمام .

[مسأله ۱۳۷۳ کسی که نماز قضا دارد]

مسأله ۱۳۷۳ کسـی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی بخواند (۱). (۱) (مکارم :) و خواندن نماز قضا، قبل از نماز یومیّه یا بعد از آن مانعی ندارد.

(بهجت :) تا وقتی که وقت فریضه تنگ نشده ، می تواند نماز قضا یا نماز مستحبّی بخواند.

[مسأله ۱۳۷۴ اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد]

مسأله ۱۳۷۴ اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده ، مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جـا آورد (۱). این مسـأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (زنجـانی :) بهتر است قضای آنها را به جا آورد.

(مکارم :) مسأله اگر کسی گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته او صحیح نبوده ، یا فراموش کرده است ، احتیاط مستحب آن است که قضای آن را به جا آورد.

[مسأله ۱۳۷۵ قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود]

مسأله ۱۳۷۵ قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود مثلًا کسـی که یک روز نماز عصـر و روز بعد نماز ظهر را نخوانـده ، لازم نیست اول نماز عصـر و بعـد از آن نماز ظهر را قضا نماید. (اراکی :) مسأله قضای نمازهای یومیّه باید به ترتیب خوانده شود، مثلًا کسـی که یک روز نماز عصـر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده ، باید اوّل نماز عصـر و بعد از آن نماز ظهر را

قضا نماید.

(گلپایگـانی ، صافی :) مسأله قضای نمازهای یومیّه که ادای آنها بایـد به ترتیب خوانـده شود، مثل ظهر و عصـر از یک روز، یا مغرب و عشاء از یک شب باید قضای آنها را نیز به ترتیب بخواند. مثلًا اگر از کسـی نماز ظهر و عصر یک روز فوت شود باید اول قضای ظهر را بخواند و بعد از آن عصر را ، ولی اگر کسـی مثلًا یک روز نماز ظهر و روز بعد نماز عصـر را نخوانده ، می تواند اوّل نماز عصـر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید و ترتیب در بین آنها لازم نیست هر چند سـزاوار است تا ممکن اسـت رعایت ترتیب را بنماید.

(خوئی ، تبریزی ، نوری :) مسأله در قضای نمازهای یومیه ترتیب لازم نیست ، مگر در نمازهایی که در ادای آنها ترتیب هست ، مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز اگر چه بهتر (خوئی : در غیر آنها نیز) مراعات ترتیب است .

(سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله در قضای نمازهای یومیه ترتیب لازم نیست بلکه مطابق احتیاط استحبابی است ؛ مگر در نمازهایی که در ادای آنها ترتیب لازم است ؛ مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز، که در قضای آنها نیز لازم است .

(بهجت :) مسأله قضای نمازهای یومیه در صورتی که ترتیب آنها معلوم باشد باید به ترتیب خوانده شود، مثلًا کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده ، بنا بر اظهر و أحوط باید اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید.

(فاضل :) مسأله احتیاط واجب ، رعایت ترتیب در قضاء نمازهای یومیّه است برای کسی که ترتیب قضا شدن نمازهای خود را می داند و در نمازهایی که در اداء آنها ترتیب لازم است ، مانند نماز ظهر و عصر، لازم است در قضا ترتیب بین آنها رعایت شود.

(مکارم :) مسأله در نماز قضا ترتیب لازم نیست ، جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشاء از یک روز.

[مسأله ۱۳۷۶ اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه را بخواند]

مسأله ۱۳۷۶ اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند، یا مثلًا بخواهد قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند، لازم نیست آنها را به ترتیب به جا آورد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۷۵.

[مسأله ۱۳۷۷ اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده]

اشاره

مسأله ۱۳۷۷ اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده ، لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و هر یک را می تواند مقدم بدارد. این مسأله ، در رساله آیات عظام : سیستانی و مکارم نیست (گلپایگانی ، صافی :) مسأله گذشت در مسأله [(۱۳۷۵)] که در قضای نمازها ترتیب لازم نیست ، خصوصاً در صورتی که ترتیب فوت را فراموش کرده باشد مگر در جایی که در ادای آنها ترتیب واجب باشد، ولی اگر بخواهد احتیاط کند و مراعات ترتیب نماید، خوب است و اگر بخواهد طوری آنها را بخواند که یقین کند به ترتیبی که قضا شده به جا آورده است ، اگر قضای یک نماز ظهر و یک نماز مغرب بر او واجب است و نمی داند کدام اوّل قضا شده ، احتیاطاً باید اوّل یک نماز مغرب و بعد از آن یک نماز ظهر و دوباره نماز مغرب را بخواند، یا اوّل یک نماز ظهر و بعد از آن یک نماز مغرب و دوباره نماز ظهر را بخواند، تا یقین کند هر کدام را که اوّل قضا شده اوّل خوانده است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر ترتیب نمازهایی را که نخوانـده ، فراموش کنـد بهتر آن است که طوری آنها را بخوانـد که یقین کند به ترتیبی که قضا شده به جا آورده است . مثلًا اگر قضای یک

نمـاز ظهر و یـک نماز مغرب بر او واجب است و نمی دانـد کـدام اوّل قضا شـده ، اوّل یک نماز مغرب و بعـد از آن یک نماز ظهر و دوبـاره نماز مغرب را بخوانـد، یا اوّل یک نماز ظهر و بعـد از آن یک نماز مغرب و دوباره نماز ظهر را بخوانـد، تا یقین کند هر کدام را که اوّل قضا شده اوّل خوانده است .

(اراکی :) باید طوری آنها را بخواند ..

(زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که طوری آنها را بخواند ..

(اراکی :) باید اوّل ..

(اراکی :) ولی اگر نمازهـایی که ترتیب آنهـا را فرامـوش کرده به قـدری زیـاد باشـد که اگر بخواهـد به ترتیب بخوانـد، خیلی مشقّت دارد، لازم نیست آنها را به ترتیب به جا آورد.

(بهجت :) مسأله اگر کسـی ندانـد و گمان هم نـدارد که نمازهایی که از او قضا شـده کـدامیک جلوتر بوده ، بنا بر اقوی لازم نیست به طوری بخوانـد که ترتیب حاصل شود و می توانـد هر کـدام را خواست ، مقـدّم بدارد، اگر چه احتیاط در صورتی که عسـر و حرج پیش نیاید و موجب فوت آن چه یقیناً فوت شده نشود، تحصـیل یقین به ترتیب است پس اگر نداند نماز مغرب و ظهر که از او فـوت شـده ، کـدامیک جلوتر بوده یـک نمـاز مغرب بین دو ظهر یـا یـک نمـاز ظهر بین دو مغرب بنـا بر احتیـاط مستحب بخواند.

مسائل اختصاصی

(گلپایگـانی صافی :) مسأله ۱۳۸۷ اگر نمـاز ظهر یک روز و نماز عصـر روز دیگر یاد و نماز ظهر و یا دو نماز عصـر از او قضـا شـده و نمی دانـد کـدام اوّل قضـا شـده است چنانچه دو نماز چهار رکعتی بخوانـد، به نیّت این که اوّلی قضای نماز روز اوّل و دوّمی قضای نماز روز دوّم باشد، کافی است .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) در حاصل شدن ترتیب کافی است .

(گلپایگـانی ، صافی :) مسأله ۱۳۸۸ اگر یـک نمـاز ظهر و یـک نمـاز عشا یا یک نماز عصـر و یک نماز عشا از او قضا شود و ندانـد کـدام اوّل قضا شده است و بخواهد احتیاط نماید، باید طوری آنها را بخواند که یقین کند به ترتیب به جا آورده است . مثلًا اگر یـک نماز ظهر و یک نماز عشا از او قضا شـده و اوّلی آنها را نمی دانـد بایـد اوّل یک نماز ظهر، بعـد یک نماز عشـا دوباره یک نماز ظهر، یا اوّل یک نماز عشا بعد یک نماز ظهر دوباره یک نماز عشا بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) بهتر آن است ((زنجانی :) احتیاط مسـتحب آن است) که طوری آنها را بخوانـد که یقین کنـد به ترتیب به

جا آورده است ، مثلًا اگر یک نماز ظهر، و یک نماز عشا از او قضا شـده و اوّلی آنها را نمی دانـد، اول یک نماز ظهر، بعـد از آن یک نماز عشا دوباره یک نماز ظهر بخواند یا اول یک نماز عشا بعد یک نماز ظهر دوباره یک نماز عشا بخواند.

(بهجت :) مسأله ۱۱۲۲ اگر نمـاز ظهر و عصـر از او قضا شـده ولی نمی دانـد از یک روز بوده یا از دو روز و نمی دانـد کـدام زودتر قضا شـده ، می توانـد دو نماز چهار رکعتی بخوانـد: چهار رکعت اوّل به قصـد نمازی که اوّل فوت شده و چهار رکعت دوّم به قصد نماز دوّم .

[مسأله ۱۳۷۸ اگر کسی که نمازهایی از او قضا شده]

مسأله ۱۳۷۸ اگر کسی که نمازهایی از او قضا شده می داند کدام یک جلوتر قضا شده احتیاط مستحب آن است که به ترتیب قضا کند (۱). و آن چه اول قضا شده اول بخواند و دومی را بعد و همین طور. این مسأله ، در رساله آیات عظام نیست (۱) (اراکی :) باید به ترتیب قضا کند ..

(نوری :) بهتر آن است که به ترتیب قضا کند، هر چند رعایت ترتیب واجب نیست .

[مسأله ۱۳۷۹ اگر برای میتی می خواهند نماز قضا بدهند]

مسأله ۱۳۷۹ اگر برای میتی می خواهند نماز قضا بدهند (۱) و می دانند آن میت ترتیب قضا شدن را می دانسته باز لازم نیست طوری قضا را به جا بیاورند که ترتیب حاصل شود (۲). این مسأله ، در رساله آیات عظام : بهجت ، زنجانی و مکارم نیست (۱) (فاضل :) و ورثه علم به ترتیب نمازهای فوت شده داشته باشند، بنا بر احتیاط لازم است ترتیب رعایت شود و بنا بر این صحیح نیست برای میّت چند نفر را در یک وقت برای نماز اجیر نمود و لازم است برای هر یک از آنها وقتی را معیّن نمود و اگر ترتیب قضا شدن را نمی دانند این شرط لازم نیست . (۲) (اراکی :) باید طوری قضا را به جا بیاورند که ترتیب حاصل شود.

(نوری :) بهتر آن است طوری قضا را به جا آورند که ترتیب حاصل شود هر چند لازم نیست .

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۴۳.

[مسأله ۱۳۸۰ اگر برای میّتی بخواهند چند نفر را اجیر کنند]

مسأله ۱۳۸۰ اگر برای میّتی که در مسأله پیش گفته شد بخواهند چند نفر را اجیر کنند که نماز بخوانند لازم نیست برای آنها وقت مرتب معین کنند که با هم شروع نکنند در عمل (۱). این مسأله در رساله بقیه آیات عظام نیست (۱) (اراکی :) باید برای آنها وقت مرتّب معین کنند که با هم شروع نکنند.

(فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۷۹.

[مسأله ۱۳۸۱ اگر بدانند که میت ترتیب قضا شدن را نمی دانسته]

مسأله ۱۳۸۱ اگر بدانند که میت ترتیب قضا شدن را نمی دانسته یا ندانند که می دانسته (۱) لازم نیست به ترتیب برای او قضا به جا بیاورند (۲). این مسأله در رساله آیات عظام نیست (۱) (نوری :) ندانند که می دانسته یا نه یا بدانند که می دانسته .. (۲) (اراکی :) باید به تفصیلی که در مسأله [۱۳۷۷] گفته شد، طوری نمازهای او را قضا کنند که یقین به مراعات ترتیب حاصل شود.

[مسأله ۱۳۸۲ چند نفر را برای به جا آوردن نماز میت اجیر کنند]

مسأله ۱۳۸۲ در مسأله پیش اگر بخواهند چند نفر را برای به جا آوردن نماز میت اجیر کنند لازم نیست وقت معین کنند و می توانند همه با هم شروع به قضا کنند. این مسأله ، در رساله آیات عظام نیست

[مسأله ۱۳۸۳ کسی که چند نماز از او قضا شده]

مسأله ۱۳۸۳ کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند (۱) مثلًا نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است (۲) و هم چنین اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می کند. (۱) (مکارم :) مثلًا نمی داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند امّا اگر قبلًا شماره آنها را می دانسته ، ولی به واسطه سهل انگاری فراموش کرده ، احتیاط واجب آن است که مقدار بیشتر را بخواند.

(۲) (فاضل :) لکن احتیاط واجب آن است چنانچه شماره آنها را قبلًا می دانسته و بعد فراموش نموده مقدار زیادتر را بخواند.

(بهجت :) چنانچه برای او مشکل نیست و عسر و حرج در کار نباشد، لازم است آن قدر نماز بخواند تا علم پیدا کند به مقدار نمازهای قضا شده یا این که بیشتر نماز قضا خوانده است و اگر تحصیل علم ممکن نیست ، به مقداری که اطمینان پیدا کند، نماز بخواند؛ و اگر آن هم نشد، به قدری که گمان پیدا کند؛ و این احتیاطات ، در صورتی است که می داند یا احتمال می دهد که سابقاً مقدار آنها را می دانسته و الّا فقط به قدری که یقین دارد نماز بخواند و در مورد مقدار بیشتر، احتیاط کردن خوب است ولی ظاهر این است که لازم نیست .

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، صافی :) مسأله کسی که مثلًا چند نماز صبح یا چند نماز ظهر از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند مثلًا نمی داند که سه یا چهار یا پنج نماز بوده ، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است . ولی بهتر آن است که به قدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است مثلًا اگر فراموش کرده که چند نماز صبح از او قضا شده است و یقین دارد که بیشتر از ده نماز نبوده (خوئی ، تبریزی ، سیستانی : احتیاطاً) ده نماز صبح بخواند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یا فراموش کرده ، ..

(زنجانی :) و احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتر را بخواند؛ بخصوص اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده ، مثلًا اگر فراموش کرده که چند نماز صبح از او قضا شده و یقین دارد که بیشتر از ده نبوده ، به احتیاط مستحب ده نماز صبح بخواند.

(گلپایگانی ، صافی :) ولی اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده ..

[مسأله ۱۳۸۴ کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد]

مسأله ۱۳۸۴ کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد (۱). (۱) (بهجت :) گر چه مطابق احتیاط است .

گلپایگانی ، (خویی ، تبریزی ، صافی :) مسأله کسی که فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد، بنا بر احتیاط مستحب (خوئی ، تبریزی : بهتر این است که) اگر ممکن است باید اوّل آن را بخواند بعد مشغول نماز آن روز شود. و نیز اگر از روزهای پیش نماز قضا ندارد ولی یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده است ، در صورتی که ممکن باشد بنا بر احتیاط مستحب باید (خوئی ، تبریزی : بهتر این است که) نماز قضای آن روز را پیش از نماز اداء بخواند.

(فاضل :) مسأله کسی که نماز قضای روزی که می خواهد نماز اداء را بخواند بر او واجب باشد احتیاط واجب ، تقدیم نماز قضاء بر نماز اداء همان روز است .

(زنجانی :) مسأله کسی که فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد بنا بر احتیاط اگر ممکن است اول آن را بخواند، بعد مشغول نماز آن روز شود و نیز اگر یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده است ، در صورتی که ممکن باشد، بنا بر احتیاط نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند.

(سیستانی :) مسأله کسی که فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد بهتر این است که اگر وقت فضیلت نماز آن روز فوت نمی شود اوّل آن را بخواند بعد مشغول نماز آن روز شود. و نیز اگر از روزهای پیش نماز قضا ندارد ولی یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده است ، در صورتی که وقت فضیلت آن نماز فوت نمی شود بهتر این است که نماز قضای آن روز را پیش از نماز اداء بخواند.

(مکارم :) مسأله کسی که نماز قضا از روزهای پیش بر ذمّه دارد می تواند قبل از خواندن نماز قضا به نماز ادای روزانه مشغول شود، مگر آن که یک یا دو نماز قبل از آن باشد که بنا بر احتیاط واجب باید قبلًا به جا آورد.

[مسأله ۱۳۸۵ کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده]

اشاره

مسأله ۱۳۸۵ کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده و نمی داند نماز ظهر است یا عصر است یا عشاء (۱)، اگر یک نماز چهار رکعتی بخواند به نیت قضای نمازی که نخوانده ، کافی است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) نمی داند نماز ظهر است یا نماز عشاء ..

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) نمی داند نماز ظهر است یا نماز عصر .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و نسبت به جهر و اخفات مخیّر می باشد.

(زنجانی :) و هم چنین است حکم کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده ولی نمی داند مثلًا نماز ظهر است یا نماز عشا و ظاهراً می تواند حمد و سوره نماز را بلند یا آهسته بخواند.

(مکارم :) و در بلند خواندن و آهسته خواندن حمد و سوره مخیّر است .

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، صافی :) مساله (۱۳۹۰) کسی که پنج نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمی داند اوّلی آنها کدام است و بخواهد احتیاطاً مراعات ترتیب را نماید، باید نُه نماز به ترتیب بخواند مثلًا از نماز صبح شروع کند و بعد از آن که ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خواند، دو مرتبه نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب را بخواند و اگر شش نماز پشت سر هم از او قضا شده و اوّلی آنها را نمی داند، باید ده نماز را به ترتیب قضا کند و همین طور برای هر یک نمازی که به نمازهای قضای او اضافه می شود در صورتی که پشت سر هم قضا شده باشد، باید یک نماز به مقداری که گفته شد اضافه نماید مثلًا اگر هفت نماز او قضا شده و اوّلی آنها را نمی داند باید یازده نماز را به ترتیب به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله ۱۳۹۰ کسی که پنج نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمی داند اولی آنها کدام است چنانچه نه نماز به ترتیب بخواند مثلًا از نماز صبح شروع کند و بعد از آن که ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خواند، دو مرتبه نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب را بخواند، یقین به ترتیب حاصل نموده است .

(زنجانی :) مسأله ۱۳۹۰ کسی که چند نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمی داند اولی کدام است ، اگر یک بار تمام آن نمازها را بخواند و بار دیگر نمازها را به همان ترتیب به غیر از نماز آخری بخواند ترتیب یقیناً حاصل می شود؛ مثلًا کسی که پنج نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمی داند اولی آنها کدام است ، چنانکه نه نماز به ترتیب بخواند؛ مثلًا از نماز صبح شروع

کند و بعد از آن که ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، دو مرتبه نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب را بخواند یقین به ترتیب حاصل نموده است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۱۳۹۱ کسی که می داند نمازهای پنجگانه او هر کدام از یک روز قضا شده و ترتیب آنها را نمی داند چنانچه نماز یک شبانه روز را به جا آورد کافی است ولی اگر بخواهد احتیاط کند (گلپایگانی : باید پنج شبانه روز نماز بخوانـد و اگر شـش نماز از شـش روز از او قضا شـده ،) بایـد شـش شـبانه روز نماز بخوانـد و هم چنین برای هر نمازی که به نمازهـای قضـای او اضـافه شود، بایـد یک روز بیشتر بخوانـد تا یقین کنـد به ترتیبی که قضا شـده به جا آورده است ، مثلًا اگر هفت نماز از هفت روز نخوانده باشد، باید هفت شبانه روز قضا نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسـأله ۱۳۹۱ کسـی که می دانـد نمازهای پنجگانه او هر کـدام از یک روز قضا شـده و ترتیب آنها را نمی داند بهتر این است که پنج شبانه روز نماز بخواند و اگر شش نماز از شش روز از او قضا شده ، نماز شش شبانه روز را بخواند و هم چنین برای هر نمـازی که به نمازهای قضای او اضافه شود، یک شـبانه روز بیشتر بخوانـد تا یقین کنـد به ترتیبی که قضـا شده به جا آورده است ، مثلًا اگر هفت نماز از هفت روز نخوانده باشد نماز هفت شبانه روز را قضا نماید.

(زنجانی :) مسأله ۱۳۹۱ کسـی که می داند نمازهای پنجگانه او هر کدام از یک روز قضا شده و ترتیب آنها را نمی داند، برای رعـایت ترتیب می توانـد پنـج شـبانه روز نماز بخوانـد، و اگر شـش نماز از شـش روز از او قضا شـده ، می توانـد برای رعایت ترتیب شـش شـبانه روز نماز بخواند و هم چنین برای هر نمازی که به نمازهای قضای او اضافه شود، می تواند یک شـبانه روز بیشتر بخواند و یقین می کند به ترتیبی که قضا شده به جا آورده است ؛ البته با کمتر از مقدارهای ذکر شده نیز می توان ترتیب را رعایت کرد، به گونه ای که در اینجا مجال توضیح آن نیست .

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۳۹۴ (۱) (سیستانی :) مسأله ۱۳۶۶ اگر در بین نماز یادش بیاید که یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده ، یا فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد چنانچه وقت وسعت دارد و ممکن است نیّت را به نماز قضا برگرداند بهتر این است که نیّت نماز قضا کند، مثلًا اگر در نماز ظهر پیش از رکوع رکعت سوّم یادش بیاید که نمـاز صـبح آن روز قضـا شـده در صورتی که وقت نماز ظهر تنگ نباشـد، (گلپایگانی ، صافی : می توانـد) نیّت را به نماز صبح برگردانـد و آن را دو رکعتی تمام کنـد بعـد نماز ظهر را بخوانـد، ولی اگر وقت تنگ است یا نمی توانـد نیت را به نماز قضا برگردانـد، مثلًا در رکوع رکعت سوّم نماز ظهر یادش بیایـد که نماز صـبح را نخوانـده ، چون اگر بخواهد نیّت نماز صبح کند یک رکوع که رکن است زیاد می شود، نباید نیّت را به قضای صبح برگرداند.

(سیستانی :) اگر وقت فضیلت نماز آن روز فوت نمی شود ..

(گلپایگانی ، صافی :) می تواند (زنجانی : بنا بر احتیاط) نیت نماز قضا کند ..

(گلپایگانی ، صافی :) پیش از تمام شدن رکعت دوّم ..

(سیستانی :) وقت فضیلت نماز ظهر ..

(سیستانی :) اگر وقت فضیلت تنگ است ..

(زنجانی :) یک رکوع زیاد می شود ..

(بهجت :) مسأله ۱۱۲۶ کسی که می داند یکی از نمازهای پنجگانه از او فوت شده و نمی داند کدام بوده ، کافی است یک نماز صبح و یک مغرب و یک چهار رکعتی به قصد ما فی الذّمّه بخواند. و در بلند یا آهسته خواندن آن ، مخیّر است . و اگر مسافر بوده ، کافی است یک مغرب و یک دو رکعتی به قصد ما فی الذّمّه بخواند.

[مسأله ۱۳۸۶ اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد]

مسأله ۱۳۸۶ اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده (۱)، اگر چه لازم نیست نمازهای قضا را پیش از نماز ادا بخواند حتی اگر چه وقت داشته باشد و ترتیب بین نمازهای قضا را هم بداند، ولی احتیاط استحبابی آن است که نمازهای قضا، مخصوصاً نماز قضای همان روز را پیش از نماز ادا بخواند (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، بهجت ، صافی ، زنجانی ، نوری :) چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد یا نمی خواهد همه را در آن روز بخواند مستحب است (زنجانی : احتیاط آن است که) نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند و بهتر این است (گلپایگانی ، زنجانی ، صافی : احتیاط مستحب آن است) که بعد از خواندن قضای نمازهای سابق دوباره نماز قضایی را که در آن روز پیش از نماز ادا خوانده به جا آورد.

(سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) بلکه مطابق احتیاط است .

(نوری :) اگر چه ترتیب بین قضاها را می داند. (۲) (اراکی :) ولی باید بعد از خواندن قضای نمازهای سابق دوباره نماز قضایی را که در آن روز پیش از نماز ادا خوانده به جا آورد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۳۸۴.

[مسأله ۱۳۸۷ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاهای خود عاجز باشد]

مسأله ۱۳۸۷ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاهای خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۳۸۸ نماز قضا را با جماعت می شود خواند]

اشاره

مسأله ۱۳۸۸ نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا؛ و لازم نیست هر دو یک نماز را

بخوانند (۱) مثلًا اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد. (۱) (مکارم :) احتیاط این است که هر دو یک نماز را بخوانند مثلًا قضای نماز ظهر را با نماز ظهر بخواند و نماز قضای عصر را با نماز عصر.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۲۹ نمازهای مستحبّی که وقت خاص دارند، در صورت ترک ، قضای آنها مستحب است ولی اگر در اثر بیماری فوت شد، استحباب قضا، تأکّد ندارد؛ و اگر نمازهای مستحبّی فوت شده را قضا نکرد، مستحب است برای هر نماز فوت شده یک مُد طعام صدقه بدهد.

[مسأله ۱۳۸۹ مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد]

مسأله ۱۳۸۹ مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد به نماز خواندن و عبادتهای دیگر عادت دهند،

بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) (البتّه نباید این کار به صورتی انجام گیرد که موجب ناراحتی و بیزاری او از نماز گردد).

(گلپایگانی :) مسأله مستحب است اطفال مميّز را به خواندن نمازهای واجب و نوافل تمرین و عادت دهند، بلکه مستحب است آنان را به قضای نماز هم وادار نمایند و هم چنین مستحب است تمرین و عادت دادن آنان بر هر عبادت و عمل صالح و خلق و روش نیک . و واجب است بر اولیای اطفال که آنان را از هر کاری که باعث ضرر بر خودشان و یا دیگران باشد، جلوگیری کنند و از هر کاری که شارع مقدّس وجود آن را در خارج منع فرموده ، مثل زنا، لواط، غیبت و غنا واجب است اطفال را جلوگیری کرد. و حرام است آنان را در مدارس ، تحت تعلیم معلّمین فاسق و بی ایمان ، که سبب فساد اخلاق و عقیده اطفال می شوند، بگذارند؛ بلکه باید مخصوصاً در این زمان مسلمانان کمال مراقبت و مواظبت را بنمایند و تا کاملًا از وضع کودکستان ، دبستان و دبیرستان از هر جهت مطمئن نشده اند از فرستادن فرزندان معصوم خود به این گونه مراکز خودداری کنند و وزر و وبال فساد عقیده اولاد، بلکه اولاد اولاد خود را تا روز قیامت به گردن نگیرند.

(صافی :) از هر کاری که شارع مقدّس ، وجود آن را در خارج منع فرموده ، مثل زنا، لواط و دزدی واجب است اطفال را جلوگیری کرد؛ و مخصوصاً در آموزش و پرورش آنها نظارت کامل داشته باشند، که زیر نظر معلمان صالح و متعهد باشند و آنها را به کودکستان ، دبستان و دبیرستانهایی که از هر جهت مورد اعتماد باشند، بفرستند؛ و حتی حُسن انتخاب نام برای فرزندان خود را رعایت نمایند و عقیده اولاد، بلکه اولاد اولاد خود را تا روز قیامت به گردن نگیرند.

نماز قضا (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۵۲۴ من تا سن هفده سالگی با مسأله احتلام و غسل و مانند آن آشنا نبودم]

س ۵۲۴: من تا سن هفده سالگی با مسأله احتلام و غسل و مانند آن آشنا نبودم و از کسی هم در باره آنها چیزی نشنیده بودم و خودم هم معنای جنابت و وجوب غسل را نمی فهمیدم ، لذا نماز و روزه ام تا این سن اشکال دارد، امیدوارم وظیفه مرا بیان فرمائید.

ج : همه نمازهایی را که در حال جنابت خوانده اید، باید قضا کنید، ولی روزه ای را که در حال جنابت بدون علم به اصل جنابت گرفته اید، صحیح و مجزی است و قضا ندارد.

[س ۵۲۵ نماز نخواندن من به صورت مستمر نبوده]

س ۵۲۵: متأسفانه من در گذشته بر اثر نادانی و ضعف اراده مبتلا به عمل شنیع استمناء بودم ، لذا گاهی نماز نمی خواندم که مدت دقیق آن را به یاد ندارم . نماز نخواندن من به صورت مستمر نبوده ، بلکه مربوط به زمانی است که جنب بودم و غسل نکرده ام که گمان می کنم حدود شش ماه باشد. تصمیم گرفته ام نمازهایم در این مدت را قضا کنم ، آیا قضای آنها واجب

است یا خیر؟

ج : هر مقدار از نمازهای روزانه ای را که می دانید انجام نداده اید و یا در حال جنابت خوانده اید، قضای آن بر شما واجب است .

[س ۵۲۶ شخصی که نمی داند نماز قضا بر ذمّه اش هست یا خیر]

س ۵۲۶: شخصی که نمی داند نماز قضا بر ذمّه اش هست یا خیر، اگر نماز مستحبی یا نافله بخواند، بر فرض که نماز قضا داشته باشد، آیا به عنوان نماز قضای او محسوب می شود؟

ج : نوافل و نمازهای مستحب به جای نماز قضا محسوب نمی شوند، و اگر نماز قضا بر عهده او باشد، واجب است که آن را به نیت نماز قضا بخواند.

[س ۵۲۷ من حدود شش ماه است که به سن تکلیف رسیده ام]

س ۵۲۷: من حدود شش ماه است که به سن تکلیف رسیده ام . چند هفته قبل از رسیدن به آن سن فکر می کردم تنها علامت بلوغ ، تمام کردن پانزده سال هجری قمری است . ولی اکنون کتابی راجع به علامتهای بلوغ پسران خواندم که در آن علامتهای دیگری برای بلوغ ذکر شده که در من وجود دارند، ولی زمان پیدایش آنها را نمی دانم . آیا در حال حاضر قضای نماز و روزه بر عهده من هست یا خیر؟ با توجه به این که من گاهی نماز می خواندم و ماه رمضان سال گذشته را به طور کامل روزه گرفته ام ، وظیفه من در این باره چیست ؟

ج : قضای همه نمازها و روزه هایی که یقین به فوت آنها پس از رسیدن به سنّ بلوغ و تکلیف شرعی دارید، واجب است .

[س ۵۲۸ اگر شخصی در ماه مبارک رمضان سه بار غسل جنابت کند]

س ۵۲۸: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان سه بار غسل جنابت کند، مثلًا در روزهای بیستم ، بیست و پنجم و بیست و هفتم غسل نماید، و بعد یقین کند که یکی از آن غسلها باطل بوده است ، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج : روزه اش صحیح است ، ولی بنا بر احتیاط، قضای نمازها به طوری که یقین به فراغت ذمّه پیدا کند، واجب است .

[س ۵۲۹ شخصی بر اثر جهل به حکم شرعی ، مدتی ترتیب را در غسل رعایت نکرده است]

س ۵۲۹: شخصی بر اثر جهل به حکم شرعی ، مدتی ترتیب را در غسل رعایت نکرده است ، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج : اگر غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است ، قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده ، واجب است . ولی روزه اش ، اگر در آن هنگام اعتقاد به صحت غسل خود داشته ، محکوم به صحت است .

[س ۵۳۰ کسی که قصد دارد نماز قضای یک سال را بخواند]

س ۵۳۰: کسی که قصد دارد نماز قضای یک سال را بخواند، چگونه باید آن را انجام دهد؟

ج : می تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه یومیه را می خواند، آن را ادامه دهد.

[س ۵۳۱ شخصی مدت زیادی نماز قضا بر عهده دارد]

س ۵۳۱: شخصی مدت زیادی نماز قضا بر عهده دارد، آیا می تواند آنها را به ترتیب زیر به جا آورد؟ (۱) مثلًا بیست بار نماز صبح بخواند. (۲) هر یک از نماز ظهر و عصر را بیست بار بخواند. (۳) هر یک از نماز مغرب و عشاء را بیست بار بخواند و تا یک سال به همین صورت ادامه دهد.

ج : قضای نمازها به ترتیب مذکور اشکال ندارد.

[س ۵۳۲ شخصی از ناحیه سر مجروح شده]

س ۵۳۲: شخصی از ناحیه سر مجروح شده و قسمتی از مغز وی آسیب دیده که بر اثر آن دست و پای چپ و زبانش فلج گشته است .

هم چنین نماز را فراموش کرده و قادر به یادگیری آن نیست ، ولی می تواند اجزای نماز را با خواندن از کتاب و یا شنیدن از نوار، تشخیص دهد. در حال حاضر وی در رابطه با نماز دو مشکل دارد، یکی این که قدرت تطهیر محل بول و وضو گرفتن را ندارد، دوم این که در قرائت نماز مشکل دارد. تکلیف او چیست ؟ هم چنین نسبت به نمازهائی که تقریباً به مدت شش ماه از او فوت شده است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر بتواند هر چند با کمک دیگران ، وضو بگیرد، یا تیمم نماید، واجب است که نماز را به هر نحوی که می تواند بخواند، اگر چه با شنیدن از نوار یا خواندن از روی نوشته و مانند آن باشد. و در مورد طهارت بدن ، اگر قدرت بر تطهیر آن هر چند به کمک دیگران ندارد، با همان بدن نجس نماز بخواند، و نمازش صحیح است . قضای نمازهای گذشته ای هم که از وی فوت شده ، واجب است ، مگر نمازهایی که بر اثر بی هوشی که در تمام وقت نماز ادامه داشته ، از او فوت شده باشد.

[س ۵۳۳ در دوران جوانی نمازهای ظهر و عصر من بیشتر از نمازهای مغرب و عشاء و صبح قضا شده اند]

س ۵۳۳: در دوران جوانی نمازهای ظهر و عصر من بیشتر از نمازهای مغرب و عشاء و صبح قضا شده اندکه پشت سر هم بودن و تعداد و ترتیب آنها را نمی دانم . آیا در این مورد باید نماز دوره ای خوانده شود؟ و نماز دوره ای چیست ؟ امیدواریم توضیح فرمائید.

ج : در نماز قضا مراعات ترتیب واجب نیست و خواندن مقداری که یقین به قضا شدن آن دارید کافی است و دوره کردن به معنای تکرار نماز برای احراز ترتیب بر شما واجب نیست .

[س ۵۳۴ گاهی پس از ازدواج مایعی از من خارج می شد]

س ۵۳۴: گاهی پس از ازدواج مایعی از من خارج می شد که اعتقاد به نجس بودن آن داشتم . لذا به نیت غسل جنابت غسل کرده و نمازم را بدون وضو می خواندم . در رساله های عملیه این مایع ، مذی نامیده شده است . اکنون نمی دانم نمازهایی را که بدون وضو و بی آن که جنب باشم با غسل جنابت خوانده ام ، چه حکمی دارد؟

ج : قضای همه نمازهایی که بعد از خروج آن مایع ، بدون وضو و با غسل جنابت خوانده اید، واجب است .

[س ۵۳۵ کافری پس از مدتی اسلام آورده است]

س ۵۳۵: کافری پس از مدتی اسلام آورده است ، آیا قضای نماز و روزه هایی که انجام نداده ، واجب است ؟

ج : واجب نیست .

[س ۵۳۶ بعضی از افراد بر اثر تبلیغات گمراه کننده]

س ۵۳۶: بعضی از افراد بر اثر تبلیغات گمراه کننده کمونیستها چندین سال نماز و واجبات خود را ترک کرده اند، ولی بعد از

پیام تاریخی امام راحل به سران شوروی سابق پی به اشتباه خود بردند و به سوی خداوند توبه نموده اند، آنها در حال حاضر قادر به قضای همه آن نمازها و روزه ها نیستند، وظیفه آنها چیست ؟

ج : بر آنان واجب است که نمازها و روزه های فوت شده را به هر مقدار که قدرت دارند، قضا و هر مقداری که قادر نیستند وصیت نمایند.

[س ۵۳۷ شخصی فوت کرده و قضای روزه ماه مبارک رمضان و نماز بر عهده اوست]

س ۵۳۷: شخصی فوت کرده و قضای روزه ماه مبارک رمضان و نماز بر عهده اوست و فرزند ذکوری هم ندارد. مقداری مال به جا گذاشته که برای قضای یکی از نماز و روزه کفایت می کند. در این صورت قضای نماز مقدم است یا روزه ؟

ج : ترجیحی بین نماز و روزه نیست و بر ورثه واجب نیست که ما ترک وی را صرف قضای نماز و روزه او نمایند، مگر آن که در این باره وصیت کرده باشد، که در این صورت باید به وصیت او در اجیر گرفتن از ثلث ترکه برای قضای نماز و روزه اش به هر مقدار که کفایت می کند، عمل کنند.

[س ۵۳۸ من در اکثر اوقات نماز خود را خوانده]

س ۵۳۸: من در اکثر اوقات نماز خود را خوانده و در صورت فوت شدن نماز، آن را قضا کرده ام ، این نمازهای فوت شده هم مواردی بوده که یا من خواب مانده ام و یا بدن و لباسم نجس بوده و در تطهیر آنها کوتاهی کرده ام . مقدار نمازهای قضا شده یومیه ، آیات و قصر را که بر عهده من است ، چگونه محاسبه نمایم ؟

ج : قضای نمازهایی که یقین به فوت شدن آنها دارید، کافی است ، و از این مقدار هر کدام را که یقین دارید نماز قصر یا آیات بوده ، باید بر وفق یقین خود آنها را به جا آورید، و بقیه را به عنوان قضای نمازهای یومیه بخوانید و چیزی بیشتر از این مقدار بر شما واجب نیست .

[نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است]

[نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است از رساله حضرت امام]

اشاره

(نماز قضای پدر لما ۲) أن «۱» که بر پسر بزرگتر واجب است)

[مسأله ۱۳۹۰ اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد]

اشاره

مسأله ۱۳۹۰ اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می توانسته قضا کند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند و نیز روزه ای را که در سفر نگرفته ، اگر چه نمی توانسته قضا کند، واجب است که پسر بزرگتر قضا نماید، یا برای او اجیر بگیرد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (اراکی :) مسأله اگر پدر و مادر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشند، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده اند و می توانسته اند قضا کنند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگشان به جا آورد، یا برای آنان اجیر بگیرد. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشند، واجب است به همین طور عمل کند و نیز روزه ای را که در سفر نگرفته اند، اگر چه نمی توانسته اند قضا کنند، واجب است که پسر بزرگتر

قضا نماید، یا برای آنان اجیر بگیرد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر پدر به جهت عذری نماز یا روزه اش را به جا نیاورده باشد، بعد از فوت او بر پسر بزرگتر واجب است قضا نماید یا برای انجام آن اجیر بگیرد هر چند پدر نتوانسته قضا کند و بنا بر احتیاط واجب (صافی : بنا بر احتیاط) اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد؛ پسر بزرگتر باید آن را قضا نماید (صافی : یا برای او اجیر بگیرد) و در مورد مادر نیز احتیاط واجب رعایت این حکم است بلکه در صورتی که وصیّت نکرده باشند و پسر هم نداشته باشند، احتیاط واجب این است که اکبر ذکور از اولیاء میّت نماز و روزه او را قضا کند و با نبود ذکور، اناث از آنها انجام دهند.

(خوئی :) مسأله اگر پدر نماز خود را به جا نیاورده باشد و می توانسته است قضا کند و بنا بر احتیاط هر چند از روی نافرمانی ترک کرده باشد بر پسر بزرگترش واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد و قضای نمازهای مادر بر او واجب نیست هر چند بهتر است .

(تبریزی :) تا مقداری که حَرَجی نباشد واجب است ..

(سیستانی :) اگر پدر نماز خود را به جا نیاورده باشد و می توانسته است قضا کند، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده باشد، بر پسر بزرگترش بنا بر احتیاط، واجب است ..

(فاضل :) مسأله اگر پدر نماز خود را به جهت عذری که داشته است به جا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب همین طور عمل کند. و اگر پدر روزه را به جهت مرض یا سفر نگرفته باشد در صورتی که در زمان حیات می توانسته قضا کند و نکرده باید پسر بزرگتر قضا کند.

احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر نماز و روزه فوت شده مادر را قضا نماید.

(زنجانی :) مسأله اگر پدر نماز خود را به جا نیاورده باشد و می توانسته است قضا کند هر چند از روی نافرمانی ترک شده باشد، بر پسر بزرگترش لازم است که اگر دیگری نماز پدر را به جا نیاورد، او به جا آورده یا دیگری را به نماز وادار کند یا برای او اجیر کند، و قضای نمازهای مادر بر او ظاهراً واجب نیست ، بلکه مطابق احتیاط استحبابی است و مراد از پسر بزرگتر، بزرگترین پسری است که در هنگام مرگ پدر زنده باشد.

(مکارم :) مسأله بر پسر بزرگتر (یعنی بزرگترین پسری که بعد از مرگ آنها در حال حیات است) واجب است که نماز و روزه هایی که از پدر یا مادرش فوت شده و از روی نافرمانی نبوده و توانایی بر قضا داشته ، بعد از مرگ آنها به جا آورد بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند، هم چنین روزه ای را که در سفر نگرفته هر چند توانایی قضای آن را پیدا نکرده ، احتیاط آن است که پسر بزرگتر قضا نماید.

(نوری :) مسأله اگر پدر و مادر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشند و چنانچه می توانسته اند قضا کنند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگ آنها به جا آورد، یا برای آنها اجیر بگیرد و نیز روزه ای که در سفر نگرفته اند، اگر چه نمی توانسته اند قضا کنند، احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر قضا نماید، یا برای آنها اجیر بگیرد و قضای نماز و روزه ای که پدر و مادر از روی طغیان و تمرّد به جا نیاورده اند بر پسر بزرگتر واجب نیست . این حکم در باره پدر ثابت است و نسبت به مادر نیز احتیاط واجب آن است که مراعات شود.

مسائل اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۴۰۲ بر پسر بزرگتر قضای نمازهای مربوط به خود پدر و مادر واجب است امّا قضای نمازهایی که بر آنها به نحو استیجار واجب شده ، یا این که از پدر یا مادر آنها بر ذمّه آنها بوده ، واجب نیست .

(فاضل :) مسأله ۱۴۰۳ بر پسر پسر (نوه)، قضای نماز میّت در صورتی که در حال مردن میّت از همه بچه های او بزرگتر باشد، واجب نیست و احتیاط واجب آن است که اگر میّت فرزندی نداشته باشد نمازهای او را قضا کند.

(فاضل :) مسأله ۱۴۰۵ چنانچه یکی از اولاد از نظر سنّی بزرگتر و دیگری از جهت بلوغ بزرگتر باشد قضای نماز بر اوّلی واجب است .

(فاضل :) مسأله ۱۴۰۶ لازم نیست پسر بزرگتر وارث میّت باشد بنا بر این حتی اگر از ارث به یکی از اسباب منع مانند قتل یا کفر ممنوع باشد قضا واجب است .

(فاضل :) مسأله ۱۴۱۰ چنانچه دو پسر با یکدیگر دو قلو باشند، آن کسی که زودتر متولّد شده است بزرگتر است و لو این که نطفه دیگری زودتر منعقد شده باشد.

(فاضل :) مسأله ۱۴۱۱ در صورتی که شخص در وسط وقت بعد از گذشتن مقداری که امکان خواندن نماز در آن بود، بمیرد، قضاء آن نماز بر پسر بزرگتر واجب است .

(فاضل :) مسأله ۱۴۱۲ در صورتی که میّت پسر نداشته باشد بر دیگران واجب نیست نماز قضای میّت را بخوانند و چنانچه وصیت به قضا کرده باشد، باید از ثلث مال او انجام داد.

[مسأله ۱۳۹۱ اگر پسر بزرگتر شک دارد که پدر نماز و روزه قضا داشته]

مسأله ۱۳۹۱ اگر پسر بزرگتر شك دارد که پدر (۱) نماز و روزه قضا داشته یا نه (۲)، چیزی بر او واجب نیست (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، مکارم ، صافی ، نوری :) پدر و مادرش .. (۲) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) نماز قضا داشته یا نه ، .. (۳) (مکارم :) و تفحّص و جستجو نیز لازم نمی باشد.

[مسأله ۱۳۹۲ اگر پسر بزرگتر بداند که پدرش نماز قضا داشته]

مسأله ۱۳۹۲ اگر پسر بزرگتر بداند که پدرش نماز قضا داشته (۱) و شك کند که به جا آورده یا نه ، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید (۲). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل ، مکارم و بهجت نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، نوری :) پدر و مادرش نماز قضا داشته اند .. (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط، واجب است قضا نماید. (زنجانی :) بنا بر احتیاط آن را قضا کند.

[مسأله ۱۳۹۳ اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است]

مسأله ۱۳۹۳ اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است (۱)، قضای نماز و روزه پدر (۲) بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست . ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه او را (۳) بین خودشان قسمت کنند، یا برای انجام آن قرعه بزنند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) قضای نماز پدر بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست ولی احتیاط مستحب آن است که نماز او را بین خودشان قسمت کنند، یا برای انجام آن قرعه بزنند.

(فاضل :) قضا بر هیچ کدام واجب نیست لیکن احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه پدر یا مادر را بین خودشان تقسیم کنند، یا به وسیله قرعه یکی را برای انجام آن معین نمایند.

(مکارم :) یعنی تاریخ تولّد پسرها درست روشن نباشد، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هیچ کدام واجب نیست ، ولی

احتیاط مستحب آن است که بین خودشان قسمت کنند. (۲) (گلپایگانی ، اراکی ، صافی ، نوری :) پدر و مادر .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی :) نماز و روزه آنان را ..

[مسأله ۱۳۹۴ اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند]

مسأله ۱۳۹۴ اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او (۱) اجیر بگیرند بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او (۲) را به طور صحیح به جا آورد بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (۲) (خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) نماز او .. (۳) (فاضل :) و هم چنین اگر کسی مجّاناً از طرف میّت ، نماز و روزه او را قضا نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه شخص دیگری آن نماز و روزه را قضا نماید، از پسر بزرگتر ساقط می شود.

(سیستانی :) مسأله اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز او اجیر بگیرند اگر وصیت او نافذ باشد بر پسر بزرگتر قضا واجب نیست .

[مسأله ۱۳۹۵ اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر را بخواند]

مسأله ۱۳۹۵ اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر (۱) را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلًا قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، نوری :) نماز پدر و مادر .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) مثلًا قضای نماز صبح و مغرب و عشای مادرش را باید بلند بخواند.

(نوری :) مثلًا قضای نمازها را باید ایستاده بخواند، هر چند پدر یا مادر قدرت ایستادن را نداشته اند.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر و مادر را بخواند، باید در جهر و اخفات [آهسته و بلند خواندن] به تکلیف خود عمل کند، مثلًا قضای نماز صبح و مغرب و عشای مادرش را باید بلند بخواند.

(فاضل :) مسأله در بلند خواندن یا آهسته خواندن نماز، پسر بزرگتر، باید به وظیفه خویش عمل نماید. یعنی قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند اگر چه از طرف مادر قضا نماید.

(مکارم :) مسأله پسر بزرگتر هنگام قضای نماز و روزه پدر و مادر باید به تکلیف خود عمل کند، یعنی دستورات نماز و روزه را مطابق حکم مرجع تقلید خود به جا آورد.

[مسأله ۱۳۹۶ کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد]

مسأله ۱۳۹۶ کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر (۱) هم بر او واجب شود، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، مکارم ، صافی ، نوری :) پدر و مادر ..

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله کسی که خودش نماز قضا دارد، اگر نماز پدر و مادر را هم بخواهد قضا کند، هر کدام را اوّل به جا آورد صحیح است .

[مسأله ۱۳۹۷ اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر نابالغ یا دیوانه باشد]

مسأله ۱۳۹۷ اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر (۱)، نابالغ یا دیوانه باشـد وقتی که بالغ شد یا عاقل گردید، باید نماز و روزه پدر (۲) را قضا نمایـد (۳) و چنـانچه پیش از بـالغ شـدن یا عاقل شـدن بمیرد، بر پسـر دوم چیزی واجب نیست (۴). این مسـأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، نوری ، مکارم :) یا مادر .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) پدر و مادر .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، مکارم :) باید نماز پدر (مکارم : و مادر) را قضا نماید. [پایان مسأله]

(سیستانی :) بر او واجب نیست نماز پدر را قضا نماید. [پایان مسأله] (زنجانی :) باید نماز پدر را قضا نماید و اگر در حال ممیّز بودن هم نماز پدر را بخواند صحیح است و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد چنانچه نمازهای پدر خوانده نشده باشد، بنا بر احتیاط پسر دوم قضای نماز پدر را عهده دار شود. (۴) (گلپایگانی :) بر پسر دوّم واجب است بنا بر احتیاط.

(صافی :) بنا بر احتیاط مستحب بر پسر دوّم است ، و مراعات این احتیاط سزاوار است .

(فاضل :) مسأله لازم نیست که پسر بزرگتر در حال مردن پدر یا مادر بالغ باشد بلکه چنانچه طفل باشد بعد از بلوغ لازم است قضا کند و چنانچه قبل از بلوغ بمیرد، بر فرزند بعدی واجب نیست .

[مسأله ۱۳۹۸ اگر پسر بزرگتر پیش از آن که نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد]

مسأله ۱۳۹۸ اگر پسر بزرگتر پیش از آن که نماز و روزه پدر (۱) را قضا کند (۲) بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، نوری :) پدر یا مادر .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) نماز پدر را قضا کند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او به قدری طول کشیده که می توانسته قضای نماز و روزه آنها را به جا آورد، بر پسر دوّم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده ، قضای آنها بر پسر دوّم واجب است بنا بر احتیاط.

صافی : قضای آنها بنا بر احتیاط مستحب بر پسر دوم است ، و مراعات این احتیاط سزاوار است .

(زنجانی :) مسأله اگر پسر بزرگترِ عاقل ِ بالغ ، پیش از آن که نماز پدر را قضا کند بمیرد، چنانچه بین مرگ پدر و مرگ او به قدری طول کشیده که می توانسته قضای نماز آنها را به جا آورد، بر پسر دوم واجب نیست ، و اگر این مقدار طول نکشیده بنا بر احتیاط پسر دوم قضای آنها را به جا آورد.

(مکارم :) مسأله اگر پسر بزرگتر از دنیا برود، بر سایر پسران تکلیفی نیست .

(فاضل :) مسأله اگر پسر بزرگتر قبل از تمکن از قضای نمازها و روزه های فوت شده پدر بمیرد باید پسر کوچکتر از او آنها را قضا کند.

نماز قضای پدر و مادر (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۵۳۹ پدرم سکته مغزی نموده]

س ۵۳۹: پدرم سکته مغزی نموده و مدت دو سال مریض بود و بر اثر سکته قادر به تشخیص خوب و بد نبود، یعنی قدرت تفکر و تعقل از او سلب شده بود. در این دو سال نماز و روزه خود را انجام نداده است . آیا قضای نماز و روزه او بر من که

پسـر بزرگ خانواده هسـتم ، واجب است ؟ البته می دانم که اگر وی بیماریهای مذکور را نداشت ، قضای نماز و روزه های او بر من واجب بود. امیدوارم مرا در این مسأله راهنمایی فرمائید.

ج : اگر ضعف عقلی وی به حدی که عنوان جنون بر آن صدق کند، نرسیده و در تمام

اوقات نماز در حال اغماء نبوده است ، قضای نمازها و روزه های فوت شده او بر شما واجب است ، و گر نه چیزی از بابت آن بر شما نیست .

[س ۵۴۰ اگر شخصی فوت کند، چه کسی باید کفاره روزه او را بپردازد]

س ۵۴۰: اگر شخصی فوت کند، چه کسی باید کفاره روزه او را بپردازد؟ آیا بر پسران و دختران وی دادن کفاره واجب است یا شخص دیگری هم می تواند آن را بدهد؟

ج : کفاره روزه کـه بر پـدر واجـب است ، اگر به نحـو تخییری بـوده است ، یعنی وی هـم توانـائی روزه گرفتن را داشـته و هم اطعـام را ، در این صـورت اگر بتـوان آن را از تَرَکه خـارج کرد، از آن برداشت می شود و در غیر این صورت بر پسـر بزرگـتر واجب است که روزه را بگیرد.

[س ۵۴۱ مرد بزرگسالی به دلایل مشخصی از خانواده اش جدا شده]

س ۵۴۱: مرد بزرگسالی به دلایل مشخصـی از خانواده اش جدا شده و برقراری ارتباط با آنها برای او مقدور نیست . وی فرزند بزرگ خانواده هم هست و پـدرش در این مـدت فوت کرده است و نمی دانـد چه مقـدار نماز قضا و غیر آن بر عهـده پـدرش است و مـال کـافی هم برای اجیر گرفتن در اختیـار نـدارد و خودش هم به علت سن زیاد نمی توانـد آنها را به جا آورد، وظیفه وی چیست ؟

ج : قضای نمازهای پـدر واجب نیست ، مگر آن مقداری که پسـر بزرگتر یقین به فوت آن دارد و بر پسـر بزرگتر واجب اسـت که نمازهـای پـدرش را به هر صورتی که امکـان دارد، قضـا نمایـد و اگر از انجـام آن حـتی از اجیر گرفتن برای انجـام آن هم عاجز باشد، معذور است .

[س ۵۴۲ اگر فرزند بزرگ میّت دختر و فرزند دوم او پسر باشد]

س ۵۴۲: اگر فرزنـد بزرگ میّت دختر و فرزند دوم او پسـر باشد، آیا قضای نمازها و روزه های پدر و مادر بر این پسـر واجب است ؟

ج : ملاـک واجب بودن قضـای نمـاز و روزه پـدر و مـادر این است که فرزنـد مـذکّر از دیگر اولاد ذکور میّت اگر میّت اولاد ذکور داشته باشـد بزرگتر باشـد، و در فرض سؤال قضـای نماز و روزه پـدر بر پسـر که فرزنـد دوم پـدر است ، واجب است و قضای نماز و روزه ای که از مادر فوت شده ، نیز واجب است .

[س ۵۴۳ اگر پسر بزرگ چه بالغ باشد یا غیر بالغ]

س ۵۴۳: اگر پسـر بزرگ چه بالغ باشـد یا غیر بالغ ، قبل از پـدر فوت کند. آیا قضای نمازهای پدر از فرزندان دیگر ساقط می

شود؟

ج : تکلیف قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات پدر زنده باشد، هر چند فرزند اول یا پسر اول پدر نباشد.

[س ۵۴۴ من پسر بزرگ خانواده هستم]

س ۵۴۴: من پسر بزرگ خانواده هستم . آیا واجب است برای خواندن نمازهای قضای پدرم ، تا زنده است از او تحقیق کنم یا این که بر او واجب است مرا از مقدار آن آگاه نماید؟ در صورتی که مرا مطلع نکند، تکلیف من چیست ؟

ج : تفحص و سؤال بر شما واجب نیست ، ولی بر پدر واجب است تا فرصت دارد خودش بخواند و اگر نتوانست وصیت نماید. به هر حال پسر بزرگ مکلّف است که بعد از فوت پدرش ، آن مقدار از نماز و روزه هایی را که یقین دارد از پدرش فوت شده است ، قضا نماید.

[س ۵۴۵ اگر شخصی فوت کند و همه دارائی او خانه ای باشد]

س ۵۴۵: اگر شخصی فوت کند و همه دارائی او خانه ای باشد که فرزندانش در آن سکونت دارند، و نماز و روزه بر ذمه او باشدو پسر بزرگ او هم به علت کارهای روزانه قادر به قضای آن نباشد، آیا واجب است که این خانه را بفروشند و نماز و روزه او را قضا نمایند؟

ج : در فرض مرقوم ، فروش خانه واجب نیست ، ولی قضای نماز و روزه ای که به عهده پدر است ، در هر حالی بر پسر بزرگتر واجب است ، مگر در صورتی که میّت وصیت به اجیر گرفتن از ثلث ترکه اش کرده باشد و ثلث ترکه هم برای انجام همه نماز و روزه های او کفایت کند که در این صورت ثلث ترکه باید برای آن مصرف شود.

[س ۵۴۶ آیا اگر پسر بزرگ که قضای نماز پدر بر عهده اوست]

س ۵۴۶: آیا اگر پسر بزرگ که قضای نماز پدر بر عهده اوست ، فوت نماید، انجام آنها بر ذمه وارث پسر بزرگ است یا این که به پسر بعدی ِپدر (برادرِ پسر بزرگ) منتقل می شود؟

ج : قضای نماز و روزه پدر که بر پسر بزرگ واجب است ، با فوت وی پس از فوت پدرش ، بر پسر و یا برادر او واجب نمی شود.

[س ۵۴۷ اگر پدری اصلًا نماز نخوانده باشد]

س ۵۴۷: اگر پدری اصلًا نماز نخوانده باشد، آیا همه نمازهای او قضا دارد و انجام آنها بر پسر بزرگ او واجب است ؟

ج : بنا بر احتیاط در این صورت هم قضای آنها واجب است .

[س ۵۴۸ پدری که همه اعمال عبادی خود را عمداً انجام نداده است]

س ۵۴۸: پدری که همه اعمال عبادی خود را عمداً انجام نداده است ، آیا بر پسر بزرگ قضای همه نمازها و روزه هایی را که پدرش انجام نداده و به پنجاه سال می رسد، واجب است ؟

ج : اگر ترک نماز و روزه بر اثر طغیان باشد، قضای آنها بر پسر بزرگ واجب نیست . ولی در این صورت هم احتیاط در قضای آنها ترک نشود.

[س ۵۴۹ اگر قضای نماز و روزه بر عهده پسر بزرگ باشد]

س ۵۴۹: اگر قضای نماز و روزه بر عهده پسر بزرگ باشد و قضای نماز و روزه پدر هم بر آن اضافه گردد، کدام یک مقدم است ؟

ج : در این صورت مخیّر است و شروع به انجام هر کدام کند، صحیح است .

[س ۵۵۰ پدرم مقداری نماز قضا دارد]

س ۵۵۰: پدرم مقداری نماز قضا دارد، ولی قدرت انجام آن را ندارد. آیا بر من که پسر بزرگ خانواده هستم ، جایز است در زمان حیات پدرم نمازهای فوت شده او را قضا نمایم و یا شخصی را اجیر کنم تا آن را انجام دهد؟

ج : نیابت از شخص زنده برای انجام نماز و روزه قضا صحیح نیست .

نماز جماعت

[نماز جماعت از رساله حضرت امام]

[مسائلی در نماز جماعت]

[مسأله ۱۳۹۹ مستحب است نمازهای واجب را به جماعت بخوانند]

مسأله ۱۳۹۹ مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند (۱) و در نماز صبح و مغرب و عشا (۲)، خصوصاً برای هم سایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است (۳). (۱) (سیستانی :) مستحب است نمازهای یومیه را با جماعت بخوانند .. (۲) (بهجت :) بیشتر سفارش شده است . [پایان مسأله] (۳) (سیستانی :) و هم چنین مستحب است سایر نمازهای واجب را با جماعت بخوانند، ولی مشروعیت جماعت در نماز طواف و نماز آیات در غیر خسوف و کسوف ثابت نیست .

(نوری :) مسأله مستحب ـ مؤکّد است مسلمانان نمازهای واجب ، مخصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند.

(مکـارم :) مسأله نماز جماعت از مهمترین مستحبّات و از بزرگترین شعـایر اسـلامی است . و در روایات ، فوق العاده روی آن تکیه شده است ، مخصوصاً برای هم سایه مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را با جماعت بخواند.

[مسأله ۱۴۰۰ – اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند]

مسأله ۱۴۰۰ – (در روایتی وارد شده است که (۱)) اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شونـد، ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت ، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند (۲). (۱) (صافی :) در خبر است ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی و تبریزی نیست] (۲) [این روایت با تفصیل بیشتری در رساله آیت اللّه نوری آمده است] (خوئی ، سیستانی :) مسأله در روایات معتبره وارد است که نماز با جماعت بیست و پنج درجه افضل از نماز فرادی است .

(زنجانی :) مسأله در روایات معتبره وارد شده است که ثواب نماز با جماعت بیست و پنج برابر نماز فرادی ، یعنی نمازی که تنها خوانده شود، است .

[مسأله ۱۴۰۱ حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی جایز نیست]

مسأله ۱۴۰۱ حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی (۱) جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و سبک شمردن ، حرام است .

[مسأله ۱۴۰۲ مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند]

مسأله ۱۴۰۲ مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت (۱) از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود بهتر است (۲). و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن را طول بدهند بهتر می باشد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (صافی :) اگر مقداری از نماز اول وقت به تأخیر بیفتد .. (۲) (خوئی ، زنجانی :) ولی نماز فرادی در وقت فضیلت ، أفضل از نماز جماعت در غیر وقت فضیلت است ..

(سیستانی :) ولی بهتر بودن نماز جماعت در غیر وقت فضیلت نماز، از نماز فرادی در وقت فضیلت آن معلوم نیست ..

(تبریزی :) بلکه نماز جماعت در غیر وقت فضیلت از نماز فرادی در وقت فضیلت ، افضل است ..

[مسأله ۱۴۰۳ وقتی که جماعت برپا می شود]

مسأله ۱۴۰۳ وقتی که جماعت برپا می شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند. و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده ، نماز دوم او کافی است . مسأله ۱۴۰۴ اگر امام یا مأموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند (۱) در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد (۲) اشکال ندارد.

(۱) (اراکی :) اشکال دارد مگر آن که در نمازی که خوانده مأموم بوده و در نمازی که دوباره می خواند، امام جماعت باشد.

(خوئی ، تبریزی :) چنانچه احتمال فساد آن نماز را ندهد اشکال دارد مگر این که اماماً اعاده نماید به شرطی که در مأمومین کسی باشد که نماز واجب را نخوانده باشد.

(سیستانی :) هر چند استحبابش ثابت نیست ولی رجاءً آوردن آن مانعی ندارد.

(بهجت :) جواز جماعت ، محل ِ تأمّل است ولی در صورتی که جماعت دوّم دارای مزایایی باشد که در شرع ، رجحان داشته باشد و کسی بخواهد به امید مطلوب بودن ، دو مرتبه نمازش را به جماعت بخواند، بنا بر أظهر جایز است .

(زنجانی :) در صورتی که برخی از افراد جماعت دوم امام یا مأمومین افراد دیگری باشند اشکال ندارد. (۲) (فاضل :) و او امام باشد ..

گلپایگانی ، (صافی :) مسأله اگر امام یا مأموم بخواهد در نمازی که به جماعت خوانده دوباره برای مأموم دیگری که جماعت نخوانده امام شود و به جماعت بخواند جایز است ولی اگر بخواهد برای دفعه سوّم باز با جماعت بخواند اشکال دارد.

(مکارم :) مسأله جایز است «امام جماعت » که یک بار نماز خود را با جماعت خوانده آن را با جماعت دیگری دوباره بخواند، اما بیش از دو بار اشکال دارد، بنا بر این یک امام جماعت می تواند در دو مسجد اقامه جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۴۰۵ کسی که در نماز وسواس دارد]

مسأله ۱۴۰۵ کسی که در نماز وسواس دارد (۱) و فقط (۲) در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) کسی که در نماز به حدّی وسواس دارد که موجب بطلان نمازش می شود .. (۲) (مکارم :) کسی که در نماز وسواس دارد، و وسواس او اسباب اشکال نماز می شود، چنانچه بداند ..

[مسأله ۱۴۰۶ اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند]

مسأله ۱۴۰۶ اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند (۱)، چون اطاعت پدر و مادر واجب است بنا بر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (اراکی :) نماز جماعت بر او واجب می شود.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) در صورتی که ترک آن موجب عقوقش شود (زنجانی : موجب اذیتشان شود) نماز جماعت بر او واجب می شود (خوئی ، زنجانی : و در غیر این صورت واجب نیست).

(گلپایگانی ، صافی :) و از نافرمانی او اذیّت شوند، نماز جماعت بر او واجب می شود.

(فاضل :) در صورتی که ترک آن موجب اذیت و ناراحتی یا اسائه ادب به پدر یا مادر باشد واجب است نماز را به جماعت بخواند.

(نوری :) در صورتی که ترک آن موجب اذیت و ناراحتی آنها شود نماز جماعت بر او واجب می شود.

(سیستانی :) احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت بخواند البتّه اگر امر و نهی پدر یا مادر از روی شفقت نسبت به فرزند باشد و مخالفتش موجب اذیّت آنان شود، حرام است بر فرزند مخالفت نماید.

[مسأله ۱۴۰۷ نماز عید فطر و قربان]

مسأله ۱۴۰۷ احتیاط واجب آن است که نماز عید فطر و قربان را در زمان غیبت امام علیه السلام با جماعت نخوانند ولی به قصد رجاء مانع ندارد و نمازهای مستحبی را هم نمی شود به جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند. (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) مسأله نماز مستحب را نمی شود با جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند و نمازی که واجب بوده و به جهتی مستحب شده است مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان امام علیه السلام واجب بوده و به واسطه غائب شدن ایشان مستحب می باشد.

(فاضل :) و هم چنین نماز عید فطر و قربان را نیز می توانند به جماعت بخوانند.

(مکارم :) و نماز عید فطر و قربان که در زمان غیبت امام علیه السلام مستحب است .

(زنجانی :) و نیز کودك غیرِ بالغ که نماز بر وی مستحب است ، می تواند آن را به جماعت بخواند؛ ولی نمازی که واجب بوده و به جهتی مستحب است ؛ مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان حضور امام علیه السلام واجب بوده و به واسطه غایب شدن آن حضرت ، مستحب می باشد، بنا بر احتیاط به جماعت نخوانند.

(سیستانی :) نماز مستحب را نمی شود در هیچ موردی بنا بر احتیاط با جماعت خواند، ولی نماز استسقاء را که برای آمدن باران می خوانند می توان با جماعت خواند؛ و هم چنین ..

(بهجت :) مسأله نمازهای مستحبی را نمی شود به جماعت خواند، ولی خواندن نماز عید فطر و قربان در زمان غیبت امام علیه السلام به جماعت مستحب است در صورتی که شروط وجوب موجود نباشد؛ هم چنین خواندن نماز استسقاء که برای طلب باران می خوانند به جماعت مستحب است و بعید نیست استحباب جماعت در نماز غدیر که به امید مطلوبیّت خوانده شود.

[مسأله ۱۴۰۸ موقعی که امام جماعت نماز یومیه می خواند]

مسأله ۱۴۰۸ موقعی که امام جماعت نماز یومیه می خواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می شود به او اقتدا کرد (۱) ولی اگر نماز یومیه اش را احتیاطاً دوباره می خواند (۲) فقط در صورتی که مأموم احتیاطش با امام یکی باشد می تواند به او اقتدا کند.

(۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) ولی اگر نماز یومیه امام جماعت ، به عقیده مأموم احتیاطی باشد، نمی شود به او اقتدا کرد؛ مگر در جایی که مأموم و امام احتیاطِ مشابهی داشته باشند، مانند آن که دو نفر با هم

سفر کرده اند و احتیاطاً می خواهند نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند، که می تواند یکی از آنها نماز شکسته خود را به نماز شکسته دیگری و نماز تمام را به نماز تمام او اقتدا کند، و نیز در برخی صورتهای دیگر که در اینجا مجال شرح آن نیست . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) اقتدا کردن به او اشکال دارد.

(فاضل :) مأموم نمی تواند نماز خود را با او بخواند مگر این که هر دو از جهت احتیاط مثل هم و از یک جهت باشند.

[مسأله ۱۴۰۹ اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می خواند]

مسأله ۱۴۰۹ اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می خواند می شود به او اقتدا کرد؛ ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می کند (۱)، یا قضای احتیاطی نماز کس دیگر را می خواند (۲)، اگر چه برای آن پول نگرفته باشد، اقتدای به او اشکال دارد (۳) ولی اگر انسان بداند که از آن کس که برای او قضا می خواند نماز فوت شده که در این صورت اقتدای به او اشکال ندارد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا قضای نماز کسی دیگر را می خواند که معلوم نیست این نماز از او فوت شده یا نه ، اقتدای به او اشکال دارد ولی اگر معلوم باشد که این نماز از میّت فوت شده جایز است به او اقتدا کرد هر چند برای آن نماز پول گرفته باشد.

(مکارم :) اقتدا به او اشکال دارد.

(بهجت :) یا قضای نماز شخص دیگر را تبرّعاً می خواند، اقتدای به او اشکال دارد. (۲) (نوری :) قضای نماز کس ِ دیگر را می خواند .. (۳) (اراکی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) مگر این که مأموم هم نماز احتیاطی از جهت احتیاطی که امام دارد، بخواند ولی اگر انسان بداند نماز کسی که برای او قضا می خواند، فوت شده ، اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر امام جماعت قضای نماز یومیّه خود یا کس دیگر را که فوت آن یقینی باشد می خواند، می شود به او اقتدا کرد ولی اگر نماز خود یا کس دیگر را احتیاطاً قضا می کند، اقتدا به او جایز نیست (سیستانی : مگر آن که نماز مأموم هم احتیاطی باشد و سبب احتیاط امام سبب احتیاط مأموم نیز بوده باشد ولی لازم نیست که برای احتیاط مأموم سبب دیگری نباشد).

(زنجانی :) مسأله اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود یا کس دیگر را که فوت آن به عقیده مأموم یقینی باشد می خواند، می شود به او اقتدا کرد، ولی اگر به عقیده مأموم یقینی نباشد، نمی شود اقتدا نمود؛ مگر در برخی صورتهای خاص ؛ مثل آن که مأموم و کسی که امام نماز قضای او را می خواند، احتیاط مشابهی داشته باشند، چنانچه در مسأله قبل توضیح داده شد.

[مسأله ۱۴۱۰ اگر انسان نداند نمازی را که امام می خواند]

مسأله ۱۴۱۰ اگر انسان ندانـد نمازی را که امام می خوانـد نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب ، نمی توانـد به او اقتدا کند (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (زنجانی :) البته می توانـد رجاءً به او اقتدا کرده که اگر بعداً بفهمد که نماز واجب بوده ، نمازش صحیح می باشد.

شرایط نماز جماعت

[مسأله ۱۴۱۱ اگر امام در محراب باشد]

مسأله ۱۴۱۱ اگر امام در محراب باشـد (۱) و کسـی پشت سـر او اقتدا نکرده باشد کسانی که دو طرف محراب ایستاده اند و به واسـطه دیوار محراب ، امام را نمی بینند نمی توانند اقتدا کنند (۲)، بلکه اگر (۳) کسی هم پشت سر امام اقتدا کرده باشد (۴)، اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده اند (۵) و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند اشکال دارد (۶)، بلکه باطل است . (۱) (مکارم :) در جماعت چند چیز باید رعایت شود: اوّل نبودن حائل ؛ میان امام و مأموم و هم چنین میان مأمومین نسـبت به یکـدیگر بایـد چیزی که مانع دیـدن است نباشد، بلکه حائل شـیشه ای نیز اشـکال دارد امّا اگر مأموم زن باشد، حائل میان او و مردان مانعی ندارد. اگر امام در محراب باشد .. (۲) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) هم چنین است اگر به جهت حائل دیگری مثل پرده امام را نبینند .. (۳) (اراکی :) ولی اگر .. (گلپایگانی ، نوری :) بلی اگر .. (۴) (زنجـانی :) و مـأموم به جهتی ؛ مثل پرده یا دیوارِ محراب ، امام را نمی بینـد، بنا بر احتیاط اقتـدا کردن صـحیح نیست . (۵) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) و اتصال دارنـد .. (۶) (مکارم :) ولی صـفهایی که پشت سر آنها قرار دارد نمازشان صحیح است هم چنین اگر صفها به در مسجد برسد و از آن خارج گردد.

(اراکی :) اگر اتصال برقرار باشد اشـکال ندارد هر چند به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند. (گلپایگانی ، نوری :) اشکال ندارد.

(صافی :) محل تأمل است . (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست .

(خوئی ، تبریزی :) مسـأله در صـحّت جماعت شـرط است که بین امام و مأموم و هم چنین بین مأموم و مأموم دیگر که واسـطه بین مـأموم و امام است ، حائلی نباشـد و مراد از حائل چیزی است که مانع از دیـدن شود ماننـد پرده یا دیوار و امثال اینها، پس اگر در تمـام احوال نمـاز یـا بعض آن بین امـام و مـأموم یا بین مأموم و مأموم دیگر که واسـطه اتّصال است چنین حائلی باشـد، جماعت باطل خواهد شد. و زن از این حکم مُستثنی است چنان که خواهد آمد.

(سیسـتانی :) مرادا ز حائل چیزی است که آنها را از هم جـدا کنـد، خواه مانع از دیـدن شود ماننـد پرده یا دیوار و امثال اینها و خواه مانع نشود مانند شیشه ..

[مسأله ۱۴۱۲ اگر به واسطه درازی صف اول ، کسانی که دو طرف صف ایستاده اند]

مسأله ۱۴۱۲ اگر به واسـطه درازی صف اول ، کسانی که دو طرف صف ایسـتاده انـد، امام را نبینند می توانند اقتدا کنند. و نیز

اگر به واسطه درازی یکی از صفهای دیگر، کسانی که دو طرف آن ایستاده اند صف جلوی خود را نبینند (۱) می توانند اقتدا نمایند. (۱) (زنجانی :) هیچ یک از افراد صف جلوی خود را نبینند ..

[مسأله ۱۴۱۳ اگر صفهای جماعت تا درب مسجد برسد]

مسأله ۱۴۱۳ اگر صـفهای جماعت تا درب مسجد برسد، کسی که مقابل درب ، پشت صف ایستاده نمازش صحیح است (۱) و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می کنند صحیح می باشد (۲)، ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده اند و صف جلو را نمی بینند اشکال دارد، بلکه باطل است . (۱) (بهجت :) و نیز نماز کسانی که با دیـدن او، اقتدا می کنند، صـحیح می باشد. [پایان مسأله] (۲) (گلپایگانی ، نوری :) و هم چنین نماز کسانی که دو طرف او ایستاده اند و به او اتّصال دارند صحیح است ، اگر چه صف جلو را نبینند.

(اراکی :) و نماز کسانی که دو طرف او ایستاده اند و صف جلو را نمی بینند اگر اتصال برقرار باشد اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بلکه نماز کسانی که در دو طرف ایستاده اند و از جهت مأموم دیگر اتّصال به جماعت دارند نیز صحیح است .

(زنجانی :) ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده اند و هیچ یک از افراد صف جلو را نمی بینند، بنا بر احتیاط صحیح نیست ، و به طور کلی بنـا بر احتیاط در صـحّت ِ جماعت شـرط است که حائلی مانع رؤیت تمام صف قبل نشـده ، بلکه لازم است لا اقل یک نفر از صف جلویی دیده شود.

(صافی :) و احتیاط واجب آن است که کسانی که دو طرف او ایستاده اند اگر صف جلو را نبینند، اقتدا ننمایند.

(فاضـل :) ولی کسـانی که دو طرف او ایسـتاده انـد و صف جلو را نمی بیننـد، بنا بر احتیاط واجب اقتـداء آنها صـحیح نیست . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۱۱.

[مسأله ۱۴۱۴ کسی که پشت ستون ایستاده]

مسأله ۱۴۱۴ کسـی که پشت سـتون ایسـتاده ، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأموم دیگر به امام متصل نباشد، نمی تواند اقتدا کند (۱) بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشد ولی از صف جلو حتی یک نفر را هم نبیند جماعت او صـحیح نیست . (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، فاضل :) ولی اگر از طرف راست یا چپ متّصل باشد، می تواند اقتدا کند.

(بهجت :) ولی اگر از دو طرف یا یک طرف متّصل باشد و مأموم کسـی را که امام را می بیند، مشاهده کند جماعتش صـحیح است . و منظور از دیـدن امام ، این است که اگر مأمومین نباشـند، بتوانـد امام را ببینـد ولی غیر از مأمومین ، هر چه حائل شود،

موجب فرادی شدن نماز است .

(زنجانی :) بلکه بنا بر احتیاط اگر به واسطه مأموم دیگر هم متصل باشد ولی از صف قبل هیچ کس را نبیند، نماز جماعتش صحیح نیست . (مکارم :) [اگر] متّصل باشد، کافی است .

[مسأله ۱۴۱۵ جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد]

مسأله ۱۴۱۵ جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد (۱) اشکال ندارد (۲) و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد، در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد (و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند (۳))، مانعی ندارد.

(۱) (اراکی :) یعنی اگر کمتر از یک وجب باشد .. (بهجت :) مثلًا کمتر از یک وجب ..

(سیستانی :) اگر به مقدار ناچیز بلندتر باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) جای ایستادن امام باید از جای مأموم به اندازه یک وجب متعارف بلندتر نباشد و اگر کمتر از یک وجب باشد اشکال ندارد ..

(مکارم :) شرط دوّم بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأموم . جای ایستادن امام از جای مأموم بلندتر نباشد مگر به مقدار بسیار کم .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست]

[مسأله ۱۴۱۶ اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد]

مسأله ۱۴۱۶ اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد در صورتی که بلندی به مقدار متعارف زمان قدیم باشد مثل آن که امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام بایستد اشکال ندارد ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد. (اراکی :) مسأله اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد اشکال ندارد.

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) ولی اگر به قدری بلند باشد که نگویند اجتماع کرده اند، نماز جماعت صحیح نیست .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) ولی اگر به قدری بلندتر باشد که نگویند اجتماع کرده اند، جماعت صحیح نیست .

(بهجت :) مسأله اگر مکان مأموم بلندتر از مکان امام باشد و سایر لوازم و شرایط اقتدا، رعایت شود، اشکال ندارد.

(فاضل :) مسأله در صحّت اقتدا، وحدت اجتماع و اتصال صفوف معتبر است بنا بر این در ساختمان چند طبقه اگر طبقات فوقانی زیاد مرتفع نباشد و اتصال صفوف و وحدت عرفی جماعت صدق کند اقتدا صحیح است و الا صحیح نیست .

(مکارم :) مسأله بلندتر بودن جای مأموم از جای امام اشکال ندارد، ولی اگر امام در صحن مسجد بایستد و عدّه ای از مأمومین در بالکن و پشت بام و طوری باشد که به آن جماعت نگویند صحیح نیست . مثل این که امام در طبقه اوّل بایستد و مأمومین در بعضی از طبقات بالا که از جماعت دور است .

[مسأله ۱۴۱۷ اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند]

مسأله ۱۴۱۷ اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است می توانند اقتدا کنند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی که بدانند نماز او صحیح است می توانند اقتدا کنند و اگر شکّ در صحّت نماز او داشته باشند و فاصله زیاد باشد، که اتّصال بقیه صف به امام به وسیله آن طفل باشد اقتدا مشکل است بلی ، فاصله شدن یک طفل مانع نیست هر

چند نماز او باطل باشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند یک نفر که نمازش

باطل است ، فاصله شود می توانند اقتدا کنند. و امّا اگر چند نفر که نمازشان باطل است ، فاصله شوند یا از جهت دیگر فاصله زیادی باشد نمی توانند اقتدا کنند.

(زنجانی :) مسأله اگر بین مأموم و امام یا بین مأموم و مأموم دیگری که واسطه اتصال مأموم با امام است کمتر از مقدار جسد انسان در حال سجده که حدود یک متر است فاصله گردد، مانعی ندارد، ولی اگر بیش از این مقدار فاصله شود، جماعتش صحیح نیست ، بنا بر این اگر چند نفر که نمازشان باطل است فاصله شوند، نمی تواند اقتدا کند، و اگر در وسط نماز به مقدار جسد انسان در حال سجده فاصله شود، به احتیاط واجب قصد فرادی نموده نماز را تمام کند. بهر حال اگر شک داشته باشد که نماز امام یا مأمومین سمت راست یا سمت چپ یا جلو صحیح است یا نه ، می تواند به جماعت خود ادامه دهد و اقتدا نماید و بچه ممیّز؛ یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد، اگر شرایط نماز را رعایت کند، نمازش صحیح است و اگر شک داشته باشند که نمازش صحیح است یا نه ، حکم به صحّت ِ نمازش می شود.

(سیستانی :) مسأله اگر واسطه اتصال به جماعت ، بچّه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد باشد، چنانچه ندانند نماز او باطل است می توانند اقتدا کنند و هم چنین اگر شیعه اثنی عشری نباشد چنانچه نماز او بر طبق مذهب وی صحیح باشد.

(مکارم :) شرط سوّم : نبودن فاصله میان امام و مأموم . اگر یک یا چند قدم میان امام و مأموم یا مأمومین با یکدیگر فاصله باشد، به طوری که به آن جماعت گویند مانعی ندارد. بنا بر این فاصله شدن یک یا دو نفر که نماز نمی خوانند مانعی ندارد ولی مستحب است صفوف کاملًا به هم متّصل باشد.

[مسأله ۱۴۱۸ بعد از تکبیر امام]

مسأله ۱۴۱۸ بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد (۱) کسی که در صف بعد ایستاده ، می تواند تکبیر بگوید (۲) ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز باشد .. (۲) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله هنگامی که امام تکبیر می گوید و وارد نماز می شود در صورتی که صفهای جلوتر آماده نماز باشند، همه می توانند تکبیر بگویند و وارد نماز شوند و لازم نیست انتظار بکشند، تا صفهای جلو وارد نماز شوند بلکه انتظار کشیدن ، بر خلاف احتیاط است .

[مسأله ۱۴۱۹ اگر بداند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است]

مسأله ۱۴۱۹ اگر بداند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است (۱)، در صفهای بعد نمی تواند اقتدا کند، ولی اگر نداند نماز آنان صحیح است یا نه ، می تواند اقتدا نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) اگر صف جلو

حائل شود، صفهای بعد نمی توانند اقتدا کنند.

[مسأله ۱۴۲۰ هر گاه بداند نماز امام باطل است]

مسأله ۱۴۲۰ هر گاه بدانـد نماز امام باطل است مثلًا بداند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمی تواند به او اقتدا کند (۱).

(۱) (زنجانی :) ولی اگر نماز امام ، برخی از شرایط را دارا نباشد یا با برخی از موانع همراه باشد که فقدان سهوی آن شرایط یا همراه بودن سهوی آن موانع نماز را باطل نمی کند، می توان به او اقتدا کرد؛ مثل آن که امام جماعت سهواً از قبله منحرف بوده و مقدار انحرافش به بیش از سمت راست یا سمت چپ قبله نرسیده باشد، یا سهواً با لباس نجس نماز بخواند، هم چنین اگر امام برخی از کارهای نماز را ترک کند، در صورتی که انجام آن کارها از سوی امام ، به جای مأموم نباشد، بنا بر این اگر امام به جهت فراموشی در رکعت سوم و چهارم تسبیحات اربعه را نخواند، یا در رکعت قبل ، تمام یا قسمتی از حمد را نخوانده باشد، می تواند به او اقتدا کند؛ ولی در آن رکعتی که تمام یا قسمتی از حمد را نخوانده ، نمی تواند به او اقتدا کند؛ اگر چه در حال رکوع بخواهد اقتدا کند.

[مسأله ۱۴۲۱ اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده]

مسأله ۱۴۲۱ اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا کافر بوده ، یا به جهتی نمازش باطل بوده (۱) مثلًا بی وضو نماز خوانده ، نمازش صحیح است (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) عادل نبوده ، یا به جهتی نمازش باطل بوده .. (۲) (بهجت :) و هم چنین اگر در اثناء نماز به یکی از این سه امر اطّلاع پیدا کرد، نیّت فرادی می کند و بقیه نماز را می خواند و نمازش صحیح است .

(زنجانی :) و ظاهراً جماعت هم می باشد. بنا بر این اگر چه سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد و به جهت تبعیت از امام جماعت ، رکوع را زیاد کرده باشد، نمازش باطل نمی شود، هر چند زیادی سهوی رکوع نیز در نماز فرادی نماز را باطل می سازد.

(خوئی ، تبریزی :) در صورتی که مثل زیاد کردن رکوع از کارهایی که نماز فرادی را و لو سهواً باطل می کند نکرده باشد، نمازش صحیح است . (فاضل :) نماز جماعت مأموم صحیح است .

[مسأله ۱۴۲۲ اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه]

مسأله ۱۴۲۲ اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه (۱) چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأموم است مثلًا به حمد و سوره امام گوش می دهد باید (۲) نماز را به جماعت تمام کند و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه امام و هم وظیفه مأموم است (۳) مثلًا در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فرادی تمام نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر بنایش بر جماعت خواندن بوده و احتمال دهد که از روی فراموشی نیّت جماعت نکرده است ..

(سیستانی :) چنانچه به نشانه هایی اطمینان پیدا کند که اقتدا کرده باید نماز را به جماعت تمام کند و در غیر این صورت ، باید نماز را به نیّت فرادی تمام نماید.

(مکـارم :) چنـانچه در حـالی باشـد که اطمینـان پیـدا کنـد مشـغول جمـاعت است ، نمـاز را به جماعت تمام می کنـد ولی اگر اطمینان پیدا نکند، باید نماز را به نیّت فرادی انجام دهد. (۲) (فاضل ، تبریزی ، نوری :) می تواند .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) هم وظیفه منفرد و هم وظیفه مأموم است ..

(زنجانی :) مسأله اگر در بین نماز جماعت قبل از رکوع ، شک کند که تکبیره الاحرام را گفته

یا نه ، بنا بر این می گـذارد که نگفته و اگر اطمینان دارد که تکبیره الاحرام را گفته و شک کنـد که نیت جماعت کرده یا نه ، بایـد نماز را به نیت فرادی تمام کنـد، هر چنـد قبل از نماز، بنای بر جماعت خوانـدن داشـته و الآن هم مشـغول کاری باشد که مأمومین انجام می دهند؛ مثلًا به حمد و سوره امام گوش می دهد، و اگر در رکوع یا بعد از آن شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه ، یا نیت جماعت کرده یا نه ، نماز را به جماعت تمام کرده و صحیح می باشد.

[مسأله ۱۴۲۳ انسان در بین نماز جماعت]

مسأله ۱۴۲۳ انسان در بین نماز جماعت می توانـد نیت فرادی کند. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط واجب آن است که در بین نماز جماعت تا ناچار نشود، نیّت فرادی نکند. بلی ، پیش از سلام امام بدون عذر می تواند نیّت فرادی نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر مأموم در بین نماز بخواهـد قصـد انفراد نمایـد در صورتی که از اوّل نماز چنین قصـدی نداشـته ، اشکال ندارد ولی اگر از اوّل نماز قصد داشته است ، مورد اشکال است .

(سیسـتانی :) مسـأله اگر مـأموم در بین نماز بـدون عـذر قصـد انفراد نمایـد، صـحّت جماعتش محل اشـکال است ولی نمازش صحیح است مگر آن که به وظیفه منفرد عمل نکرده باشد که بنا بر احتیاط واجب باید نماز را اعاده کند ولی اگر چیزی را کم و یـا زیـاد کرده باشـد که در صورت عـذر نماز را باطل نکنـد اعاده لازم نیست . مثلًا اگر از اوّل نماز قصـد انفراد را نداشـته و قرائت را نخوانـده ، ولی در حال رکوع چنین قصـدی برایش پیـدا شود، در این صورت می تواند نمازش را به قصد انفراد تمام کند و لازم نیست که آن را اعاده نماید و هم چنین اگر یک سجده را برای متابعت زیاد کرده باشد.

(زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که در بین نماز جماعت تا ناچار نشود نیت فرادی نکند، ولی اگر نیت فرادی کرد، اشکالی ندارد، بلکه اگر از ابتدای نماز هم قصد داشته باشد که در بین نماز نیت فرادی کند، نماز جماعتش اشکالی ندارد.

(مکارم :) مسأله بدون عذر نمی توان از جماعت جدا شد و نیّت فرادی کرد، خواه از اوّل تصـمیم بر این کار داشته باشد یا در اثناء نماز.

(بهجت :) مسأله انسان در بین نماز جماعتی که خوانـدن آن به جماعت ، واجب نیست ، بنا بر اظهر می توانـد نیّت فرادی کند، اگر چه از اوّل نماز، قصد فرادی داشـته باشد. مثلًا نیّت کند که دو نماز خود را با یک نماز امام بخواند، یعنی قصد کند که بین نماز، فرادی کنـد و زودتر تمام کنـد و دوباره نماز دوّم را به او اقتـدا کنـد. ولی ممکن است از جهت اخلال به نظم جماعت و اشتباه انداختن مأمومین ممنوع باشد.

[مسأله ۱۴۲۴ اگر مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی کند]

مسأله ۱۴۲۴ اگر مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی کند لازم نیست حمد و سوره را بخواند (۱)، ولی اگر پیش از تمام شـدن حمـد و سوره نیت فرادی نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند (۲). (۱) (سیستانی :) ولی اگر بـدون عـذر باشـد یا پیش از تمام شـدن حمـد و سوره نیت فرادی نمایـد بنا بر احتیاط واجب ، لازم است همه حمـد و سوره را بخواند. (۲) (صافی :) بلکه بنا بر احتیاط، مقداری را که امام خوانده نیز بخواند.

(خوئی :) مسأله اگر مأموم بعـد از حمـد و سوره امام نیّت فرادی کنـد، بنا بر احتیاط واجب بایـد تمام حمد و سوره را بخواند و اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید، لازم است مقداری را که امام خوانده نیز بخواند.

(زنجانی :) مسأله اگر مأموم بعـد از حمـد امام نیّت فرادی کنـد لازم نیست حمـد را بخوانـد، ولی اگر پیش از تمام شـدن حمد نیت فرادی کنـد، بایـد مقـداری را که امام نخوانـده بخوانـد و احتیاط مسـتحب آن است که قبل از آن ، قسـمتی را هم که امام خوانده به نیت مردّد بین قرائت ِ واجب نماز یا قرائت قرآن بخواند.

(فاضـل ، تبریزی :) مسـأله اگر مأموم بعـد از حمـد و سوره امام نیت فرادی کنـد، لازم نیست حمـد و سوره را بخوانـد ولی اگر (تبریزی : و اگر) پیش از تمام شـدن حمـد و سوره نیت فرادی نمایـد و یا بلا فاصـله پس از اقتدا قصد داشـته که بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی نماید بنا بر احتیاط واجب حمد و سوره را از اول بخواند.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط مستحب مقداری را که امام خوانده نیز بخواند.

[مسأله ۱۴۲۵ اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید]

مسأله ۱۴۲۵ اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نمایـد، بنا بر احتیاط واجب نبایـد دوباره نیت جماعت کنـد (۱) ولی اگر (۲) مردد شود که نیت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است (۳). (۱) (گلپایگانی ، اراکی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید نمی تواند دوباره نیت جماعت کند ..

(فاضل :) اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی کند، نباید دوباره نیت جماعت کند، حتی اگر بلا فاصله بعد از نیت انفراد باشد بنا بر احتیاط واجب ؛ .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) بلکه اگر .. (صافی :) و اگر .. (۳) (خویی ، تبریزی ، صافی :) صحت جماعتش محل ِاشکال است .

(نوری :) نمازش خالی از اشکال نیست .

(مکـارم :) مسأله اگر در اثناء نماز به خاطر عـذری نیّت فرادی کنـد، نمی توانـد دوباره به جماعت برگردد و نیز اگر مردّد شود که نیّت فرادی کند یا نکند و بعد تصمیم بگیرد نماز را به جماعت تمام کند جماعت او اشکال دارد.

(سیسـتانی :) مسأله اگر در بین جماعت نیت فرادی نمایـد، نمی توانـد دوباره نیت جماعت کند، و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر مردّد شود که نیت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد که نماز را با جماعت تمام کند.

[مسأله ۱۴۲۶ اگر شک کند که نیت فرادی کرده یا نه]

مسأله ۱۴۲۶ اگر شک کنـد که نیت فرادی کرده یا نه ، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۴۲۷ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند]

مسأله ۱۴۲۷ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است (۱) و یک رکعت حساب می شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش به طور فرادی صحیح می باشد و باید آن را تمام نماید (۲). (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی ، سیستانی :) نمازش صحیح است .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) جماعت باطل است و لیکن احتیاط آن است که سر از رکوع بردارد و آن را یک رکعت حساب نموده و نماز را فرادی تمام کند و بعد دوباره بخواند، اگر چه حکم به صحّت نماز بعید نیست .

(اراکی ، خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) نمازش باطل است . (زنجانی : در این صورت بنا بر احتیاط مستحب ابتدا نماز را تمام کرده ، سپس دوباره بخواند.) (سیستانی :) می تواند نمازش را فرادی تمام کند و می تواند برای رسیدن به رکعت بعد نماز را قطع کند.

(فاضل :) جماعتش باطل است ولی نماز او به صورت فرادی صحیح است لذا آن را رکوع رکعت اوّل حساب کند و نماز خود را ادامه دهد هر چند احتیاط مستحب اعاده این نماز است .

(مکارم :) نمازش را به طور فرادی تمام کند و بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید؛ هم چنین اگر شکّ کند به رکوع امام رسیده یا نه .

[مسأله ۱۴۲۸ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند]

اشاره

مسأله ۱۴۲۸ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند (۱) که به رکوع امام رسیده یا نه ، نمازش صحیح است و فرادی می شود (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) پیش از ذکر رکوع شکّ کند .. (۲) (خوئی ، اراکی ، تبریزی :) نمازش باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) جماعت باطل است و مطابق احتیاطی که در مسأله پیش گفته شد، عمل نماید اگر چه حُکم به صحّت نماز چنانکه گذشت بعید نیست ولی اگر در حال اشتغال به ذکر رکوع یا بعد از آن شکّ کند، جماعت او محکوم به صحّت است .

(بهجت :) بنا بر احتیاط فُرادی می شود. (فاضل :) حکم مسأله قبل را دارد.

(زنجانی :) نمازش باطل می شود و بنا بر احتیاط مستحب نماز را تمام کرده ، دوباره بخواند.

(سیستانی :) چنانچه شکّش بعد از تجاوز محل باشد مثل این که بعد از تمام شدن رکوع شک کند ظاهر آن است که جماعتش صحیح است و در غیر این صورت می تواند نماز را به نیّت فرادی تمام کند. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۲۷.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۲۵۲ در رکعتهای دیگر نماز (غیر از رکعت اوّل) نیز باید خود را به رکوع امام برساند و گر نه جماعت او اشکال دارد.

[مسأله ۱۴۲۹ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند]

مسأله ۱۴۲۹ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد،

می توانـد نیت فرادی کند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد (۱) و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر برخاسـتن امام به قـدری طول بکشـد که نگویند این شـخص نماز جماعت می خواند، باید نیت فرادی نماید. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید بایستد تا امام برای رکعت بعد برخیزد ..

(خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب باید قصد فرادی بنماید.

(سیستانی :) مخیّر است نماز را فرادی تمام کند یا این که همراه امام به قصد قربت مطلقه به سجده رود و بعد در حال ایستادن تکبیر را به قصد اعم ّاز تکبیره الإحرام و ذکر مطلق تجدیـد کرده ، نمـاز را به جماعت بخوانـد یا برای رسیدن به رکعت بعد نماز را قطع کند.

(بهجت :) می توانـد نیّت فرادی کنـد یا می توانـد صبر کنـد تا در رکعت بعـد ، به امام ملحق شود؛ و در صورت ملحق شدن ، تکبیر دیگر لازم نیست .

(مکارم :) نیّت فرادی می کند و نمازش صحیح است و اعاده ندارد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط باید نماز را به صورت فرادی تمام کند. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۴۳۰ اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند]

اشاره

مسأله ۱۴۳۰ اگر اول نماز یا بین حمـد و سوره اقتدا کند (۱) و (۲) پیش از آن که به رکوع رود، امام سـر از رکوع بردارد نماز او به طور جماعت صـحیح است (۳) و بایـد رکوع کنـد و خود را به امام برساند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیسـت (۱) (مکارم :) و خود را به رکوع امام نرساند، جماعت او صحیح نیست ، مگر این که عذری داشته باشد. (۲) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی :) و اتفاقاً .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه عمداً رکوع خود را تأخیر نینداخته نماز او صـحیح است و الّا احتیاط لازم آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) نماز او صحیح است . (زنجانی : و جماعت هم حساب می شود).

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۴۹ چنانچه مأموم بترسـد که اگر ملحق به صف شود و اقتـدا کنـد، امام سـر از رکوع بردارد، می توانـد در

همـان مکانی که ایسـتاده ، اقتـدا کنـد و تکبیر بگویـد و به رکوع برود به شـرط آن که مانعی از اقتـدا در آن مکان نباشـد مثل وجود حائل یا بلند بودن جای امام ؛ بنا بر این دور بودن فاصله بین مأموم و امام یا صف جماعت بنا بر اظهر، مانع از اقتدا نیست . پس مـأموم ، بعـد از رسـیدن به رکوع امـام در حال رکوع و یا بعـد از رکوع و بنا بر احتیاط بعـد از سـجود و لو به چنـد دفعه حرکت خود را به امام یا صف ، ملحق می کنـد؛ و بنا بر احتیاط واجب در حال ذکر حرکت نکند و اگر توانست راه رفتن را به بعد از سجده تأخیر بیندازد، این کار را می کند. ولی در هر صورت ، طی کردن این فاصله نباید فعل کثیر حساب شود.

(بهجت :) مسأله ۱۱۵۰ اگر کسـی بعد از سر برداشتن امام از رکوع رسید، می تواند به امام اقتدا کند و تکبیره الإحرام بگوید، امّا رکوع به جا نیاورد ولی در یک سجده یا دو سجده ، امام را متابعت کند و در رکعت بعد ، که امام برمی خیزد، رکعت اوّل مأموم حساب می شود و بنا بر اظهر، تجدید تکبیره الإحرام لازم نیست .

[مسأله ۱۴۳۱ اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است]

مسأله ۱۴۳۱ اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیره الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید (۱) و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد (۲)، بعد بایستد و بدون آن که دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند (۳) و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند (۴). (۱) (سیستانی :) می تواند تشهد را به قصد قربت مطلقه با امام بخواند ولی سلام را بنا بر احتیاط واجب نگوید .. (۲) (بهجت :) و بنا بر احتیاط مستحب در این حال به صورت تجافی بنشیند، که توضیح آن خواهد آمد .. (۳) (زنجانی :) حمد را بخواند .. (۴) (بهجت :) و هم چنین بنا بر أظهر، در غیر تشهّد رکعت آخر هم ، می تواند چنین کند.

[مسأله ۱۴۳۲ مأموم نباید جلوتر از امام بایستد]

مسأله ۱۴۳۲ مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و اگر مساوی او هم بایستد اشکال دارد و به احتیاط واجب باید کمی عقب تر از امام بایستد (۱)، اگر چه قد او بلندتر از امام باشد که در رکوع و سجود سرش جلوتر از امام باشد. (۱) (اراکی :) به طوری که اعضاء سجده هم عقب تر باشد. [پایان مسأله] (گلپایگانی :) مسأله مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و اگر مساوی او بایستد اشکال ندارد ولی اگر قدّ او بلندتر از امام است ، بنا بر احتیاط واجب باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی ، صافی :) مسأله مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و بنا بر احتیاط واجب اگر مأموم یک مرد باشد قدری عقب تر در طرف راست امام بایستد و اگر متعدّد باشند، پشت سر امام بایستند و در صورت اوّل اگر قدّ او بلندتر از امام است بنا بر احتیاط واجب باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

(زنجانی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط ..

(تبریزی :) و بعید نیست که جایز باشد با امام برابر بایستد و لو قدّ او بلندتر از امام باشد و اگر متعدّد باشند، پشت سر امام بایستند.

(صافی :) اگر مأموم یک نفر باشد در طرف راست امام ، قدری عقب تر بایستد ..

(زنجانی :) چنانچه در مسأله [۱۴۸۰] خواهد آمد ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط باید طوری بایستد که سر او در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

(فاضل ، نوری :) مسأله مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و بنا بر احتیاط واجب قدری عقب تر از امام بایستد و چنانچه قامت او بلندتر از امام باشد به طوری که عقب تر از امام می ایستد، امّا در رکوع و سجودش جلوتر از امام باشد اشکال ندارد.

(نوری :) چنـانچه قـد او بلنـدتر از امـام باشـد، بنا بر احتیاط واجب بایـد طوری بایسـتد که در رکوع و سـجود نیز جلوتر از امام نباشد.

(سیسـتانی :) مسـأله مـأموم نبایـد جلوتر از امـام بایسـتد بلکه احتیـاط واجب آن است که اگر مأموم متعـدد باشـند، مساوی امام نایستند ولی اگر مأموم یک مرد باشد اشکال ندارد که مساوی امام بایستد.

(مکارم :) شرط چهارم مأموم جلوتر از امام نایستد. اگر مأموم در ابتدای جماعت یا در اثناء، جلوتر بایستد جماعت او باطل می شود. احتیـاط این است که مساوی هم نایسـتد، بلکه کمی عقب تر قرار گیرد و این عقب تر بودن در تمام حالات نماز مراعات گردد حتّی در حالت رکوع و سجود.

(بهجت :) مسأله مأموم نباید بنا بر أظهر جلوتر از امام بایسـتد و أظهر این است که می تواند مساوی امام بایستد ولی احتیاط در این است که مسـاوی هم نایسـتد بلکه از امـام عقب تر باشـد؛ و أفضل آن است که اگر مأموم یک نفر است ، در طرف راسـت امام بایستد و اگر بیشتر هستند، پشت سر او قرار بگیرند.

[مسأله ۱۴۳۳ – در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده نباشد]

مسأله ۱۴۳۳ – (در نماز جماعت بایـد بین مأموم و امام پرده و ماننـد آن که پشت آن دیـده نمی شود فاصـله نباشـد (۱) و هم چنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شـده است (۲)، ولی (۳)) اگر امام مرد و مأموم زن باشـد چنـانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسـطه او به امام متّصل شـده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه بنا بر احتیاط لازم شیشه و مانند آن نیز فاصله نباشد ..

(نوری :) بلکه شـیشه و مانند آن نیز نباید فاصله باشد .. (۲) (فاضل :) ولی اگر مأموم زن باشـد و امام مرد، فاصـله شدن پرده و ماننـد آن اشـکال نـدارد و فاصـله شدن پرده و مانند آن بین زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسـطه او به امام متّصـل شده است اشکال ندارد. (۳) [قسـمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، سیسـتانی و تبریزی نیست] (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۱۱.

(زنجـانی :) مسـأله در صـحت جمـاعت شـرط است که بین امـام و مأموم و هم چنین بین مأموم و مأموم دیگری که واسـطه بین مأموم و امام است ، حائلی نباشـد، (مراد از حائل ، چیزی است که مانع از دیـدن شود؛ ماننـد پرده و دیوار و امثال اینها، بلکه به احتیـاط مسـتحب شـیشه هم در بین نباشـد.) پس اگر در تمـام احوال نمـاز یـا بعض آن بین امـام و مـأموم یا بین مأموم و مأموم دیگری که واسـطه اتصال است ، حائلی باشد که مانع دیدن شود، باطل است . ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد، چنانچه بین آن زن و امام یا بین زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسـطه او به امام متصل شده است ، پرده و مانند آن حائل شود، اشکال ندارد.

[مسأله ۱۴۳۴ اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام]

مسأله ۱۴۳۴ اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام ، یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او متصل به امام است ، پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی توان دید فاصله شود، نمازش فرادی می شود و صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) پرده یا چیز دیگری حائل شود، جماعت باطل می شود و لازم است مأموم به وظیفه منفرد عمل نماید.

(گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) نمازش قهراً فرادی می شود و باید به وظیفه فرادی عمل نموده و نماز را تمام کند.

[مسأله ۱۴۳۵ اگر بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام]

مسأله ۱۴۳۵ اگر بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام به قدر گشادی بین دو قدم فاصله باشد اشکال ندارد و نیز اگر بین انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده (۱) و انسان به وسیله او به امام متصل است به همین مقدار فاصله باشد نمازش اشکال ندارد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده ، هیچ فاصله نداشته باشد. (۱) (نوری :) اگر بین انسان و مأمومی که جلوی او ایستاده ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۱۷.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط واجب آن است که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام بیشتر از یک قدمِ فراخ فاصله نباشد و نیز اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متّصل باشد، بنا بر احتیاط واجب باید فاصله جای سجده اش از جای ایستادن او بیشتر از یک قدم فراخ نباشد. و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده ، بیشتر از یک قدم معمولی فاصله ای نداشته باشد.

(اراکی :) بیشتر از یک قدم معمولی «یک گام » ..

(فاضل :) بیشتر از یک قدم معمولی ..

(اراکی ، فاضل :) بیشتر از یک قدم معمولی ..

(فاضل :) هیچ فاصله ای نداشته باشد.

(صافی :) و بهتر این است که هیچ فاصله نداشته باشد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله احتیاط واجب آن است که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام به اندازه یک متر فاصله نباشد. و هم چنین است اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متّصل باشد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده هیچ فاصله ای نداشته باشد.

(سیستانی :) بیش از بلندترین مراتب یک قدم ..

(سیستانی :) احتیاط مستحب آن است که جای ایستادن مأموم با جای ایستادن کسی که جلوی او ایستاده ، بیش از اندازه جسد انسان در حالی که به سجده می رود، فاصله نداشته باشد.

(زنجانی :) مسأله لازم است بین امام و مأموم بیش از مقدار جسد انسان در حال سجده فاصله نباشد، و بنا بر احتیاط واجب کمتر از این مقدار باشد و هم چنین است اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او قرار دارد به امام متصل باشد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده ، هیچ فاصله نداشته باشد.

(بهجت :) مسأله باید بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام به قدر یک انسان که به سجده رفته است ، فاصله نباشد؛ بنا بر این اگر بین آن دو، این مقدار فاصله بود یعنی از سر تا نوک انگشتان پای یک نفر که در سجده است ، بنا بر أظهر نماز جماعت اشکال دارد؛ و همچنین اگر بین انسان و مأمومی که جلوی او ایستاده و به وسیله او به امام متّصل است به همین مقدار فاصله باشد نمازش اشکال دارد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده ، هیچ فاصله نداشته باشد. و اگر فاصله به قدر یک گام متعارف و معمولی باشد، بنا بر اظهر اشکالی ندارد.

[مسأله ۱۴۳۶ اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده]

مسأله ۱۴۳۶ اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد (۱)، چنانچه به اندازه گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است (۲). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب باید با کسی که در طرف راست یا چپ او اقتدا کرده یک متر فاصله نداشته باشد.

(گلپایگانی ، سیستانی ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید با کسی که در طرف راست یا چپ او اقتدا کرده بیشتر از یک قدم فراخ فاصله نداشته باشد.

(سیستانی :) بیش از بلندترین مراتب یک قدم فاصله نداشته باشد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب باید با کسی که واسطه اتصال است ، کمتر از مقدار جسدِ انسان ِ در حال سجده ، فاصله داشته باشد. (۲) (اراکی :) چنانچه بیش از اندازه گشادی بین دو قدم فاصله نداشته باشند نمازش صحیح است .

(فاضل :) چنانچه بیشتر از یک قدم معمولی فاصله نداشته باشد، نمازش صحیح است .

(بهجت :) چنانچه کمتر از مقداری که در مسأله فوق گفته شد [به قدر یک انسان که به سجده رفته است]، فاصله داشته باشد نماز و جماعتش صحیح است .

[مسأله ۱۴۳۷ اگر در نماز، بین مأموم و امام]

مسأله ۱۴۳۷ اگر در نماز، بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادی می شود و صحیح است . (۱) این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (نوری :) و قصد فرادی هم لازم نیست .

(گلپایگانی ، صافی :) بیشتر از یک قدم فاصله پیدا شود نمازش صحیح است و قهراً فرادی می شود و قصد فرادی هم لازم نیست .

(خوئی ، تبریزی :) یک متر فاصله پیدا شود، باید قصد انفراد کند و نمازش صحیح است .

(فاضل :) بیشتر از یک قدم فاصله پیدا شود نمازش فرادی می شود و صحیح است .

(سیستانی :) بیش از بلندترین مراتب یک قدم فاصله پیدا شود منفرد می شود و می تواند نمازش را به قصد انفراد ادامه دهد.

(زنجانی :) بیشتر از مقدار جسد انسان فاصله شود، نمازش فرادی می شود، و بنا بر احتیاط مستحب فوراً قصد فرادی کند و اگر به اندازه جسد انسان فاصله شود، بنا بر احتیاط واجب فوراً قصد فرادی کرده ، نماز را تمام کند.

(بهجت :) به مقدار فوق [به قدر یک انسان که به سجده رفته است] فاصله پیدا شود، نمازش فرادی می شود و صحیح است .

[مسأله ۱۴۳۸ اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود]

مسأله ۱۴۳۸ اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود (۱) یا همه نیت فرادی نمایند (۲)، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد (۳) نماز صف بعد به طور جماعت صحیح و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادی می شود و صحیح است (۴). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند جماعت صف بعد صحیح است .

(زنجانی :) چنانچه فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا نکنند، نماز او فرادی می شود، بلکه بنا بر احتیاط اگر صف جلو فوراً هم اقتدا کنند، قصد فرادی کرده ، نماز را تمام کند.

(سیستانی :) و فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا نکنند جماعت صف بعد باطل می شود بلکه اگر هم فوراً اقتدا بکنند صحّت جماعت صف بعد محل ّاشکال است . (۲) (اراکی :) نماز صف بعد فرادی می شود مگر آن که افراد صف جلو فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند.

(گلپایگانی ، صافی :) نماز صف بعد فرادی می شود هر چند صف جلو فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند.

(بهجت :) چنانچه فاصله به اندازه فوق [به قدر یک انسان که به سجده رفته است] نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح و گر نه نمازشان فرادی می شود و صحیح است . (۳) (فاضل :) اگر فاصله به اندازه یک قدم معمولی بیشتر نباشد .. (۴) (فاضل :) فرادی می شود و باید طبق وظیفه فرادی نماز خود را تمام کنند.

[مسأله ۱۴۳۹ اگر در رکعت دوم اقتدا کند]

مسأله ۱۴۳۹ اگر در رکعت دوم اقتدا کند (۱)، قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد (۲) انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند (۳) و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند (۴)، یا نیت فرادی کند

و نمازش صحیح است (۵)، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند. (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، زنجانی ، سیستانی ، تبریزی :) لازم نیست حمد و سوره را بخواند ولی ..

(۲) (بهجت :) اگر در رکعت دوّم اقتدا کند، مستحب است قنوت و تشهد را با امام بخواند و احتیاط مستحب آن است که موقع خواندن تشهّد، به حال تجافی بنشیند، یعنی .. (۳) (زنجانی :) باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، آن را نخواند .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر درک رکوع هم نمی کند، احتیاط واجب آن است که حمد را تمام کند و در سجده خود را به امام برساند؛ ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که نماز را دوباره بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر در رکوع به امام نرسد، بنا بر احتیاط واجب قصد انفراد نماید.

(زنجانی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر در رکوع به امام نرسد، در سجده خود را به امام برساند و ظاهراً کافی است .

(سیستانی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر برای تمام حمد وقت ندارد، می تواند حمد را قطع کند و با امام به رکوع رود ولی احتیاط مستحب در این صورت آن است که نماز را به نیّت فرادی تمام کند.

(بهجت :) در رکوع خود را به امام برساند و چنانچه طوری است که اگر بخواهد حمد را بخواند و یا تمام کند به رکوع امام نمی رسد أظهر تمام کردن حمد است ، اگر چه احتیاط در قصد فرادی است .

(مکارم :) در رکوع خود را به امام برساند. [پایان مسأله] (۵) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۴۴۰ اگر موقعی که امام در رکعت دوّم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند]

مسأله ۱۴۴۰ اگر موقعی که امام در رکعت دوّم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوّم نمازش که رکعت سوّم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند (۱). (۱) (بهجت :) و اگر یک مرتبه تسبیحات را هم وقت ندارد، کمتر از آن بگوید و به رکوع امام برسد و اگر اصلًا وقت ندارد، قریب است که هیچ ذکر نگوید و با امام رکوع کند، اگر چه احتیاط در قصد انفراد و اتمام است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم :) باید یک مرتبه بگوید و در رکوع خود را به امام برساند.

(زنجانی :) در رکوع خود را به امام برساند. و اگر در رکوع به امام نرسد، در سجده خود را به امام برساند.

[مسأله ۱۴۴۱ اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد]

مسأله ۱۴۴۱ اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد،

بنا بر احتیاط واجب بایـد (۱) صبر کنـد تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید. (۱) (زنجـانی :) بنا بر احتیاط .. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۴۲.

[مسأله ۱۴۴۲ اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند]

مسأله ۱۴۴۲ اگر در رکعت سوم یـا چهارم (۱) امام اقتـدا کنـد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سـجده خود را به امام برساند (۲)، ولی اگر در سـجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) اگر در حـال قیـام رکعت سوم یا چهارم .. (۲) (اراکی :) بقیه مسـأله ذکر نشده .

(گلپایگـانی ، صافی :) در رکوع خود را به امام برسانـد و اگر درک رکوع هم نمی کنـد، احتیاط واجب آن است که حمـد را تمام کند و در سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که نماز را دوباره بخواند.

(خوئی ، تبریزی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر در رکوع به امام نرسد، بنا بر احتیاط واجب قصد انفراد کند.

(سیسـتانی :) در رکوع خود را به امام برساند و اگر برای تمام حمد وقت ندارد، می تواند حمد را قطع کند و با امام رکوع رود ولی احتیاط مستحب در این صورت آن است که قصد فرادی کرده و نماز را تمام کند.

(مکارم :) در رکوع خود را به امام می رساند. [پایان مسأله] (فاضل :) در رکوع خود را به امام برساند ..

(زنجانی :) مسأله اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتـدا کنـد، باید حمد را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد آن را نخواند و در رکوع خود را به امام برساند و اگر نتواند امام را در رکوع درک کند در سـجده خود را به امام برساند و در این صورت ، احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخواند.

(بهجت :) مسأله اگر در رکعت سوّم یا چهارم ، در حالی که امام ایستاده ، اقتـدا کند، بنا بر احوط باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت نـدارد، بایـد حمـد را تمام کنـد و در رکوع ، خود را به امام برساند و چنانچه طوری است که اگر حمد بخوانـد یا حمـد را بخواهد تمام کند به رکوع نخواهد رسـید، احتیاط در این است که قصد فرادی کند و حمد را تمام کرده و بقیه نماز را هم خودش بخوانـد. ولی اگر مأموم در رکعت دوّم خود چنانچه طوری است که اگر بخواهـد حمد را تمام کند، به رکوع امام نمی رسد، نمی تواند حمد را رها کرده و همراه امام به رکوع برود؛ بلکه باید حمد را تمام کند و خود را در سجده به امام برساند، گر چه احوط در این صورت ، قصد فرادی است .

[مسأله ۱۴۴۳ کسی که می داند اگر سوره را بخواند در رکوع به امام نمی رسد]

مسأله ۱۴۴۳ کسـی که می دانـد اگر سوره را بخوانـد در رکوع به امـام نمی رسـد، بایـد سوره را نخوانـد (۱) ولی اگر خـواند نمازش صحیح است (۲). این مسـأله ، در رسـاله آیات عظام : فاضل و مکارم نیست (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۲)

(اراکی :) نمازش اشکال دارد مگر آن که به وظیفه فرادی عمل نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسـی که می دانـد اگر سوره یا قنوت را تمام کنـد، به رکوع امام نمی رسد چنانچه عمداً سوره یا قنوت را بخواند و به رکوع نرسد نمازش اشکال دارد.

(خوئی ، تبریزی :) أظهر این است که نمازش صحیح است و باید به وظیفه منفرد عمل نماید.

(سیستانی :) جماعتش باطل می شود و باید به وظیفه منفرد عمل نماید.

(زنجانی :) جماعتش باطل می شود و بنا بر احتیاط، نماز را به صورت فرادی تمام کرده و آن را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۴۴۴ کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند]

مسأله ۱۴۴۴ کسـی که اطمینان دارد که اگر سوره را شـروع کند (۱) یا تمام نمایـد به رکوع امام می رسـد، احتیاط واجب آن است که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید (۲). (۱) (مکارم :) به رکوع امام می رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را بخوانـد و در این حـال اگر سوره را بخوانـد و اتّفاقاً به رکوع امـام نرسـد، جمـاعتش صـحیح است . (۲) (اراکی ، فاضل :) باید سوره را شـروع کند یا اگر شـروع کرده تمام نماید (فاضل : ولی اگر با تأخیر به رکوع می رسد لازم نیست سوره را بخواند و یا اگر شروع کرده لازم نیست آن را تمام کند).

(گلپایگانی ، صافی :) واجب نیست که سوره را شـروع کند یا اگر شـروع کرده تمام نماید بلکه می تواند به مجرّد رفتن امام به رکوع سوره را ترک نموده و به رکوع برود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسـی که اطمینان دارد که اگر سوره را شـروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، در صورتی که زیـاد طول نکشـد بهتر آن است که سوره را شـروع کنـد، یـا اگر شـروع کرده تمـام نمایـد و اگر زیاد طول بکشـد، احتیاط واجب آن است که شروع نکند و چنانچه شروع کرده تمام ننماید.

(سیسـتانی :) ولی اگر زیاد طول بکشد، به طوری که نگویند مُتابعت امام می کند باید شـروع نکند و چنانچه شـروع کرده تمام ننمایـد و گر نه جماعتش باطل خواهـد شـد ولی نمازش صـحیح است اگر به وظیفه منفرد عمل کرده باشـد به تفصـیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت .

(زنجانی :) اگر زیاد طول بکشد، چنانچه بخواهد نماز جماعتش باقی باشد، باید شروع نکند ..

[مسأله ۱۴۴۵ کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می رسد]

مسأله ۱۴۴۵ کسی که یقین دارد، اگر سوره (۱) را بخواند به رکوع امام می رسد (۲)، چنانچه سوره (۳) را بخواند و به رکوع

نرسد (۴) نمازش صحیح است (۵). (۱) (فاضل :) یا قنوت .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (سیستانی :) و متابعت امام از بین نمی رود .. (زنجانی :) و زیاد هم طول نمی کشد .. (۳) (فاضل :) یا قنوت .. (۴) (زنجانی :) ولی در سجده خود را به امام برساند .. (۵) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) جماعتش صحیح است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۴۴.

[مسأله ۱۴۴۶ اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند]

مسأله ۱۴۴۶ اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند،

ولی بایـد حمد و سوره را به قصد قربت بخواند (۱) و اگر چه بعـد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده ، نمازش صـحیح است . (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوّم بوده .

(مکارم :) و نمازش صـحیح است ، خواه معلوم شود امام در رکعت سوّم و چهارم بوده ، یا در رکعت اوّل و دوّم ؛ به شرط این که نماز ظهر و عصر باشد که حمد و سوره را امام آهسته می خواند.

(زنجانی :) می توانـد اقتـدا کنـد ولی باید حمد را به قصد قربت بخواند، و اگر بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده ، جماعتش صحیح است .

(سیستانی :) می تواند اقتدا کند و به احتیاط واجب باید حمد و سوره را بخواند ولی باید آنها را به قصد قربت بخواند.

[مسأله ۱۴۴۷ اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند]

مسأله ۱۴۴۷ اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند (۱) و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صـحیح است (۲). ولی اگر پیش از رکوع بفهمـد، بایـد حمـد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد (۳)، فقط حمـد را بخوانـد و در رکوع یا سـجده خود را به امام برساند (۴). (۱) (زنجانی :) حمـد را نخواند .. (۲) (زنجانی :) نمـازش باطـل است ، ولی اگر پیش از رکـوع بفهمـد بایـد حمـد را بخوانـد و اگر برای سوره وقت نـدارد، آن را نخوانـد و در رکوع و اگر نتواند در سجده خود را به امام برساند. (۳) (سیستانی :) به طوری که در مسأله [۱۴۴۲] گفته شد، عمل نماید. (۴) (خوئی ، تـبریزی ، مکـارم :) در رکوع خود را به امـام برسانـد (خوئی ، تبریزی : و اگر نمی رسـد، بنـا بر احتیـاط واجب قصـد انفراد نماید.) (بهجت :) فقط حمد را بخواند و بعد خود را به امام برساند.

[مسأله ۱۴۴۸ اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره بخواند]

مسأله ۱۴۴۸ اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمـد و سوره بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده ، نمازش صحیح است (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، سیستانی ، صافی ، تبریزی :) و اگر در بین حمد و سوره بفهمد، لازم نیست آنها را تمام کند.

(زنجانی :) جماعتش صحیح است و اگر در بین حمد و سوره بفهمد، لازم نیست آنها را تمام کند.

[مسأله ۱۴۴۹ اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است]

مسأله ۱۴۴۹ اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت برپا شود، چنانچه اطمینان نـدارد که اگر نماز را تمام کنـد به

جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود (۱). بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید. (۱) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده . (سیستانی :) هر چند برای درک رکعت اوّل باشد.

[مسأله ۱۴۵۰ اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است]

مسأله ۱۴۵۰ اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است جماعت بر پا شود،

چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان نـدارد که اگر نماز را تمام کنـد به جماعت برسد (۱)، مستحب است به نیت نماز مستحبی ، نماز را دو رکعتی تمام کنـد و خود را به جماعت برسانـد (۲). (۱) (مکـارم :) هر گاه مشغول نماز واجب است و جماعت برپا شود، چنانچه وارد رکعت سوّم نشده و می ترسد اگر نماز را تمام کند به جماعت نرسد .. (۲) (زنجانی :) و اگر با تمام کردن نماز مستحبی هم نمی تواند خود را به جماعت برساند، نماز مستحبی را بشکند و خود را به جماعت برساند.

[مسأله ۱۴۵۱ اگر نماز امام تمام شود]

مسأله ۱۴۵۱ اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فرادی کند.

[مسأله ۱۴۵۲ کسی که یک رکعت از امام عقب مانده]

مسأله ۱۴۵۲ کسـی که یك رکعت از امام عقب مانـده وقتی امام تشـهد رکعت آخر را می خوانـد، می توانـد برخیزد و نماز را تمام کند (۱) و یا انگشـتان دست و سـینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگهدارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعـد برخیزد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) احتیاط آن است که صبر کنـد تا امام سـلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و ادامه دهد. [پایان مسأله (] فاضل :) می تواند نیّت فرادی کند و برخیزد و نماز را تمام کند ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسـی که یك رکعت از امام عقب مانده بنا بر احتیاط واجب باید وقتی امام تشهّد رکعت آخر را می خواند، انگشـتان دست و سـینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگهدارد و صبر کند تا امام تشهّد نماز را بگوید و بعد برخیزد و واجب نیست صبر کند تا امام سلام بگوید.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) بهتر آن است که ..

(خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) صبر کند تا امام سـلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و اگر در همان جا بخواهد قصد انفراد نماید مانعی ندارد (خوئی ، تبریزی : ولی چنانچه از اوّل قصد انفراد داشته ، محلِ اشکال است).

(زنجـانی :) مسـأله کسـی که از امـام عقب مانـده ، وقتی امام تشـهد رکعت آخر را می خوانـد اگر در رکعتی باشـد که تشـهد نـدارد، تشـهد را با امام می خوانـد و بنا بر احتیاط انگشـتان دست و سـینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگهدارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و رکعت آخر را بخواند، ولی می تواند قصد فرادی کرده تشهد نخوانده برخیزد.

شرایط امام جماعت

[مسأله ۱۴۵۳ امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد]

اشاره

مسأله ۱۴۵۳ امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند (۱) و نیز اگر مأموم مرد است امام او هم بایـد مرد باشـد (۲) و اقتـدا کردن بچه ممیز که خوب و بـد را می فهمد به بچه ممیز دیگر جایز نیست (۳) و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد.

(۱) (فاضل :) و نیز امام جماعت بایـد مرد باشـد حتی برای زنان بنا بر احتیاط واجب و اقتـدا کردن بچه ممیز که خوب و بـد را می فهمـد به بچه ممیز دیگر مانعی ندارد. (۲) (گلپایگـانی :) بلکه در غیر نمـاز میّت احتیاط لازم آن است که زن امامت نکند هر چند مأموم زن باشد .. (صافی :) و در غیر نماز میت امامت زن بر زنها کراهت دارد ..

(زنجانی :) و اقتدا کردن به بچه ممیّز که خوب و بد را می فهمد، بنا بر احتیاط واجب صـحیح نیست ؛ ولی بچه ممیّز، می تواند در نماز جماعت شرکت کرده و اقتدا نماید و احکام جماعت هم بر آن بار می شود.

(مکـارم :) ولی امـامت زن برای زن مـانعی نـدارد. و هر انسـانی حلاـل زاده است خـواه مسـلمان یـا غیر مسـلمان ، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

(سیسـتانی :) و صـحّت اقتداء به بچّه ده ساله اگر چه خالی از وجه نیست ولی خالی از اشکال هم نمی باشد و عدالت این است که واجبـات را انجام دهـد و محرمات را ترک کنـد و نشانه آن حُسن ظاهر است اگر انسان اطلاع از خلاف آن نداشـته باشـد. (۳) (اراکی ، گلپایگـانی ، صافی :) مانعی نـدارد. [پایان مسأله] (خوئی ، تبریزی ، نوری :) مانعی نـدارد، اگر چه آثار جماعت بر او مترتّب نمی شود.

(بهجت :) مسأله امام جماعت باید شیعه دوازده امامی ، عاقل ، عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و بنا بر احتیاط باید بالغ باشد و نیز اگر مأموم مرد است ، امام او هم باید مرد باشد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۷۱ عدالت معتبر در امام جماعت عبارت است از حسن ظاهر یعنی دوری جسـتن از گناهان کبیره به طوری که ظاهر احوال شـخص به طور ظنّی دلالت کنـد که او بنای بر ترک گناه دارد نه آن که اتفاقاً چنـد روزی گناه را ترک کرده باشد. و مأموم باید این حسن ظاهر را احراز کند و اصرار بر گناهان صغیره به منزله گناه کبیره است .

(بهجت :) مسأله ۱۱۷۳ اگر امام جماعت در بین نماز از قیام عاجز شد لازم است مأموم نیت فرادی کند و نماز خود را بخواند و هم چنین است هر نقصی که مانع از اقتدا است .

(مکارم :) مسأله ۱۲۶۸ «عـدالت »، یک حالت خداترسـی باطنی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صـغیره باز می دارد و همین اندازه که با کسی معاشرت داشته باشیم و گناهی از او نبینیم ، نشانه وجود عدالت است و این را «حُسن ظاهر» که حاکی از ملکه باطن است ، می گویند.

[مسأله ۱۴۵۴ امامی را که عادل می دانسته]

مسأله ۱۴۵۴ امامی را که عادل می دانسته (۱)، اگر شک کند به عـدالت خود باقی است یا نه ، می تواند به او اقتدا نماید (۲).
این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) عدالت امام جماعت باید برای مأموم محرز باشد و با شک در اصـل عـدالت نمی توان به او اقتـدا کرد و در صورتی که امام را عادل می دانسـته .. (۲) (مکـارم :) مگر این که یقین به خلاف پیـدا شود.

[مسأله ۱۴۵۵ کسی که ایستاده نماز می خواند]

مسأله ۱۴۵۵ کسی که ایستاده نماز می خواند، نمی تواند (۱) به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند. و (۲) کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند اقتدا نماید (۳). (۱) (بهجت :) بنا بر أظهر نمی تواند .. (۲) (بهجت :) و هم چنین بنا بر أحوط .. (۳) (بهجت :) و کسی که در حال ایستاده ، به تکیه کردن نیاز ندارد، اقتدای او به کسی که نیاز دارد، محل ـ اشکال و احتیاط است .

[مسأله ۱۴۵۶ کسی که نشسته نماز می خواند]

مسأله ۱۴۵۶ کسی که نشسته (۱) نماز می خواند، می تواند به کسی که نشسته نماز می خواند اقتدا کند (۲) و هم چنین کسی که خوابیده است می تواند به کسی که نشسته (۳) نماز می خواند اقتدا کند (۴) ولی کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند، اقتدا نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (گلپایگانی ، زنجانی :) یا خوابیده .. (۲) (بهجت :) و با تساوی در هر نقص ، اقتدا جایز است . مثل اقتدای نشسته به نشسته ؛ ولی با اختلاف جهات کمال و نقص ، مثل اقتدای ایستاده ای که برای رکوع اشاره می کند، به نشسته ای که برای رکوع خم می شود، محل ـ اشکال است . [پایان مسأله] (۳) (نوری :) یا خوابیده .. (۴) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) اقتداء کسی که خوابیده نماز می خواند، به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند محل ـ اشکال است . [پایان مسأله] (سیستانی :) اقتداء کسی که خوابیده نماز می خواند مطلقاً محل اشکال است ، چه امام ایستاده باشد، چه نشسته ، چه خوابیده .

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب کسی که خوابیده است نباید به کسی که نشسته و یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند. [پایان مسأله] (گلپایگانی ، صافی :) کسی که خوابیده نماز می خواند، اگر بخواهد به کسی که خوابیده نماز می خواند اقتدا نماید اشکال دارد.

[مسأله ۱۴۵۷ اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند]

مسأله ۱۴۵۷ اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند، می شود به او اقتدا کرد (۱) ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز می خواند بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد (۲). (۱) (بهجت :) کسی که وظیفه اش وضو بوده ، می تواند به او اقتدا کند، ولی اگر امام با لباس نجس نماز می خواند، بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) اقتدای به او اشکال دارد.

(خوئی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی ، نوری :) مسأله اگر امام جماعت به واسطه عـذری با لباس نجس یا با تیمّم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند می شود به او اقتدا کرد.

[مسأله ۱۴۵۸ اگر امام مرضی دارد که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غایط خودداری کند]

مسأله ۱۴۵۸ اگر امام مرضی دارد که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غایط خودداری کند (۱) بنا بر احتیاط واجب ، نمی شود به او اقتدا کرد (۲). (۱) (مکارم :) و هم چنین زن مستحاضه و به طور کلّی هر کس نماز خود را به سبب عذری ، ناقص می خواند، حق ّندارد امام جماعت برای دیگران شود (بنا بر احتیاط واجب) مگر آن چه در بالا در باره تیمّم یا وضوی جبیره ای گفته شد. (۲) (بهجت :) و نیز زنی که مستحاضه نیست نمی تواند بنا بر احتیاط به زن مستحاضه اقتدا نماید.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی ، نوری :) می شود به او اقتدا کرد و نیز زنی که مستحاضه نیست می تواند به زن مستحاضه اقتدا نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر کسی نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، نمی شود به او اقتدا کرد بنا بر احتیاط واجب (صافی : بنا بر احتیاط).

[مسأله ۱۴۵۹ بنا بر احتیاط واجب کسی که مرض خوره]

مسأله ۱۴۵۹ بنا بر احتیاط واجب (۱) کسی که مرض خوره یا پیسی دارد (۲)، نباید امام جماعت شود. (۱) (گلپایگانی :) بنا بر احتیاط مستحب .. (۲) (فاضل :) و کسی که حدّ شرعی خورده است ..

(اراکی :) مسأله بنا بر احتیاط مستحب کسی که مرض خوره یا پیسی دارد امام جماعت نشود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله بهتر این است که کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، امام جماعت نشود و بنا بر احتیاط واجب به کسی که حدّ شرعی بر او جاری شده اقتدا ننمایند و هم چنین اهل شهر «خانه نشین » به اعرابی «صحرا نشین » اقتدا نکند.

(سیستانی :) و توبه کرده است اقتدا نشود.

(زنجانی ، صافی :) مسأله کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، مکروه است امام جماعت شود، (زنجانی : بلکه این کار بر خلاف احتیاط استحبابی نیز می باشد و هم چنین مکروه است ، کسی که به جهت مثلًا فلج نمی تواند شرایط قیام را رعایت کند، امام جماعت ِافرادِ سالم شود، و بنا بر احتیاط به کسی که حدّ شرعی بر او جاری شده ، اقتدا ننمایند؛ و هم چنین اهل شهر «خانه نشینان » به اعرابی «صحرا نشین »، اقتدا نکنند).

(بهجت :) مسأله امامت کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، مکروه است مگر برای کسی که مثل اوست . و امامت برای کسانی که تمایل به امامت او ندارند، مکروه است ؛ و هم چنین کسی که حدّ شرعی بر او اجرا شده ، هر چند توبه کرده و

حکم به عدالت او شده باشد مگر برای مثل خودش عَلَی الأظهر. هم چنین امامت کسی که با تیمّم نماز می خواند، برای کسی که با وضو نماز می خواند، مکروه است .

(مکارم :) مسأله کسی که بیماری جذام (خوره) یا برص (پیسی) دارد، بنا بر احتیاط نمی تواند امام جماعت شود حتّی برای مثل خودش .

احکام جماعت

[مسأله ۱۴۶۰ موقعی که ماموم نیت می کند]

اشاره

مسأله ۱۴۶۰ موقعی که ماموم نیت می کند، باید امام را معین نماید. ولی دانستن اسم او لازم نیست ، مثلًا اگر نیت کند اقتدا می کنم به امام حاضر (۱)، نمازش صحیح است . (۱) (مکارم :) و عدالت و سایر جهات در او جمع باشد کافی است .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۷۹ اگر کسی به قصد این که فلانی است ، اقتدا کند بعداً معلوم شود که شخص دیگری است ، نماز او به جماعت باطل است و لو آن دیگری هم نزد او عادل باشد؛ و اگر به صورت وجوب یا استحباب یا احتیاط مأموم قرائت نماز خود را خوانده باشد، نماز او به طور فرادی صحیح است . ولی اگر طوری بوده که اگر قبل از نماز می فهمید که دوّمی است ، به او هم مثل اوّلی اقتدا می کرد، نمازش به جماعت نیز صحیح است .

(بهجت :) مسأله ۱۱۸۱ مأموم در نماز با مخالفین (غیر شیعه) واجب است به وظیفه منفرد عمل کند؛ و اگر لازم است تقیه کند، حمد و سوره و لا أقل حمد را به صورت آهسته بخواند. ولی در غیر این صورت ، نماز را اعاده نماید.

[مسأله ۱۴۶۱ مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند]

مسأله ۱۴۶۱ مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند (۱)، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند (۲). (۱) (مکارم :) و حمد و سوره در صورتی از او ساقط است که در رکعت اوّل و دوّم با امام نماز بخواند، امّا اگر در رکعت سوّم و چهارم در حال قیام امام ، اقتدا کند باید حمد و سوره را خودش بخواند. (۲) (زنجانی :) باید حمد را بخواند.

[مسأله ۱۴۶۲ اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب]

مسأله ۱۴۶۲ اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید (۱) حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند (۲) و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که .. (بهجت

:) باید بنا بر احتیاط .. (۲) (صافی :) ولی احتیاط این است که به نیّت جزئیت نخواند، بلکه به قصد قربت مطلقه بخواند ..

(مکارم :) مسأله اگر مأموم صدای قرائت امام را در نمازهای صبح و مغرب و عشا بشنود، باید حمد و سوره را ترک کند و اگر صدای امام را نشنود، جایز است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند، امّا در نمازهای ظهر و عصر احتیاط واجب آن است که همیشه حمد و سوره را ترک نماید، امّا ذکر گفتن به طور آهسته جایز، بلکه مستحب است .

[مسأله ۱۴۶۳ اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود]

مسأله ۱۴۶۳ اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام (۱) را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند (۲). (۱) (مکارم :) یا صدای همهمه او را بشنود، احتیاط واجب ترک حمد و سوره است .

(۲) (سیستانی :) می تواند آن مقداری را که نمی شنود بخواند.

(بهجت :) باید بنا بر احتیاط همان قدر از حمد و سوره را نخواند.

[مسأله ۱۴۶۴ اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند]

مسأله ۱۴۶۴ اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند، یا خیال کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده ، نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۴۶۵ اگر شک کند که صدای امام را می شنود یا نه]

مسأله ۱۴۶۵ اگر شک کند که صدای امام را می شنود یا نه ، یا صدایی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کس دیگر، می تواند حمد و سوره بخواند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) احتیاط مستحب آن است که حمد و سوره نخواند.

(گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) می تواند به قصد قربت مطلقه حمد و سوره بخواند.

(مکارم :) مسأله هر گاه شک کند صدای امام است یا صدای کسی دیگر، بنا بر احتیاط حمد و سوره را نخواند.

[مسأله ۱۴۶۶ مأموم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر حمد و سوره نخواند]

مسأله ۱۴۶۶ مأموم باید در رکعت اول (۱) و دوم نماز ظهر و عصر حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید. (۱) (فاضل :) احتیاط واجب آن است که مأموم در رکعت اوّل ..

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۶۲.

(اراکی ، گلپایگانی ، بهجت ، صافی :) مسأله مکروه است که مأموم در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر حمد و سوره بخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله مأموم در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر، (سیستانی : بنا بر احتیاط) نباید حمد و سوره را بخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

[مسأله ۱۴۶۷ مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید]

مسأله ۱۴۶۷ مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید (۱) بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید (۲). (۱) (مکارم :) ولی در ذکرهای دیگر مانع ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر صدای امام را بشنود پیش از او نگوید. (۲) (اراکی :) باید تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید.

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید.

(سیستانی :) احتیاط مستحب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده ، تکبیر نگوید.

[مسأله ۱۴۶۸ اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد]

مسأله ۱۴۶۸ اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد نمازش صحیح است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۶۷.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله اگر مأموم سهواً پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است . و لازم نیست دوباره با امام سلام دهد. بلکه (خوئی ، تبریزی : ظاهر این است که) اگر عمداً هم پیش از امام سلام دهد، (خوئی : در صورتی که از اوّل نماز قاصد نبوده) نمازش اشکال ندارد. (زنجانی : هر چند از اوّل ِنماز قصد داشته باشد.) (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر مأموم سلام امام را بشنود، یا بداند چه وقت سلام می گوید احتیاط مستحب آن است که پیش از امام سلام نگوید و چنانچه عمداً یا سهواً پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره با امام سلام دهد.

(بهجت :) مسأله اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد بنا بر اقوی نمازش صحیح است ولی احتیاط در این است که اگر عذری ندارد و می خواهد قبل از امام سلام دهد، قصد انفراد کند.

(فاضل :) مسأله اگر مأموم عمداً پیش از امام سلام دهد اشکال دارد (یعنی بنا بر احتیاط واجب به این نماز اکتفا نکند و نماز را اعاده کند.) ولی اگر نیت فرادی کند یا سهواً پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره سلام دهد.

(نوری :) مسأله اگر مأموم پیش از امام سهواً سلام دهد، نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۴۶۹ اگر مأموم غیر از تکبیره الاحرام]

مسأله ۱۴۶۹ اگر مأموم غیر از تکبیره الاحرام و سلام (۱) چیزهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید اشکال ندارد (۲). ولی اگر آنها را بشنود، یا بداند امام چه وقت می گوید، احتیاط مستحب آن است که پیش از امام نگوید. (۱) (بهجت :) که حکم آن گذشت ..

گلپایگانی ، سیستانی ، (صافی ، زنجانی :) اگر مأموم غیر از تکبیره الاحرام .. (۲) (بهجت :) ولی مستحب آن است که پیش از امام نگوید. [پایان مسأله] (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۶۷.

[مسأله ۱۴۷۰ مأموم باید غیر از آن چه در نماز خوانده می شود]

اشاره

مسأله ۱۴۷۰ مأموم باید غیر از آن چه در نماز خوانده می شود (۱)، کارهای دیگر آن ، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد (۲). و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام (۳) انجام دهد (۴)، معصیت کرده (۵) ولی نمازش صحیح است امّا اگر (۶) در دو رکن پشت سر هم از امام جلو یا عقب بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند اگر چه بعید نیست نمازش صحیح باشد و فرادی شود. (۱) (بهجت :) و حکم آن گفته شد .. (۲) (بهجت :) و نباید پیش از امام انجام دهد؛ و هم چنین نباید زیاد از امام عقب بماند به طوری که مثلًا امام از رکوع برخیزد ولی مأموم هنوز به

رکوع نرفته باشد؛ و احتیاط در این است که با امام هم انجام ندهد بلکه کمی بعد از امام انجام دهد. ولی اگر پیش از امام مشغول افعال نماز شود، یا این که از او زیاد عقب بماند چنانچه تکبیره الإحرام را بعد از امام گفته و جماعت منعقد شده باشد نمازش بنا بر اقوی صحیح است ولی معصیت کرده است و اگر این مخالفت در نماز، زیاد واقع شود، مخصوصاً اگر در چند رکن انجام بگیرد، ممکن است از نماز جماعت خارج شود، ولی اصل نماز صحیح است .

(۳) (سیستانی :) به نحوی که متابعت صدق نکند .. (۴) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) جماعتش باطل می شود ولی اگر به وظیفه منفرد عمل نماید، نمازش صحیح است (سیستانی : به تفصیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت). [پایان مسأله] (زنجانی :) نمازش فرادی می شود و باید به وظیفه فرادی عمل نماید. [پایان مسأله] (صافی :) اگر چه معصیت کرده ، ولی نماز و جماعتش صحیح است و احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. بلی اگر عمداً قبل از تمام شدن قرائت امام رکوع کند نمازش باطل می شود. [پایان مسأله] (۵) (گلپایگانی ، اراکی :) و احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دو باره بخواند. [پایان مسأله] (فاضل :) اگر عمداً پیش از امام یا با تأخیر زیاد بعد از امام انجام دهد معصیت کرده و احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. [پایان مسأله] (۶) (نوری :) اما اگر در حال قرائت امام به رکوع رود، نمازش باطل می شود و نیز اگر ..

(مکارم :) مسأله مأموم باید کارهای نماز را مانند رکوع و سجود جلوتر از امام انجام ندهد، بلکه همراه امام یا کمی بعد از او به جا آورد.

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۱۸۹ اگر مأموم عمداً زودتر از امام سر از رکوع بردارد، باید بایستد تا امام سر از رکوع بردارد و اگر به قصد متابعت ، دوباره به رکوع برگردد، نمازش باطل است .

(بهجت :) مسأله ۱۱۹۰ اگر مأموم عمداً در غیر رکعت اوّل خودش ، زودتر از امام به رکوع برود، باید صبر کند تا امام به او برسد و با او رکوع را تمام کند و برگشتن ، جایز نیست . و در صورتی که تمام قرائت امام را درک کرده باشد، نماز او صحیح است و اگر به حالت ایستاده برگشت و با امام دوباره رکوع کرد، نمازش باطل است ، و اگر دوباره رکوع نکرد، نماز و جماعتش صحیح است ، اگر چه معصیت کرده است .

(بهجت :) مسأله ۱۱۹۲ اگر مأموم سهواً قبل از امام سر از رکوع برداشت در حالی که ذکر واجب را نگفته بود، باید به قصد متابعت به رکوع برگردد و ذکر را بگوید؛ ولی اگر دید که نمی تواند به رکوع امام برسد و امام زود سر برمی دارد، به رکوع برنگردد و به سبب نگفتن ذکر، نمازش باطل نیست .

[مسأله ۱۴۷۱ اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد]

مسأله ۱۴۷۱ اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد، باید (۱) به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است ، نماز را باطل نمی کند (۲) ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش باطل است (۳). (۱) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط ..

(زنجانی :) اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه اطمینان دارد که اگر برگردد در رکوع به امام می رسد، پس اگر بخواهد نماز جماعتش برقرار باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع نماز را باطل نمی کند ..

(۲) (سیستانی :) و اگر عمداً برنگردد جماعتش بنا بر احتیاط باطل می شود ولی نمازش صحیح است به تفصیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت ، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع امام برسد، امام سر بردارد، نمازش بنا بر احتیاط باطل است . (۳) (بهجت :) نمازش بنا بر أظهر باطل است . و هم چنین در حکم سهو است اگر فراموش کند که مأموم است و یا گمان کند که امام سر از رکوع برداشته ، و یا هر عذری که موجب ترک متابعت شده باشد.

[مسأله ۱۴۷۲ اگر اشتباهاً سر بر دارد]

مسأله ۱۴۷۲ اگر اشتباهاً سر بر دارد و ببیند امام در سجده است باید (۱) به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی شود. (۱) (سیستانی :) باید بنا بر احتیاط ..

(زنجانی :) مسأله اگر اشتباهاً سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است ، چنانچه اطمینان دارد که اگر برگردد در سجده به امام می رسد، پس اگر بخواهد نماز جماعتش باقی باشد، باید به سجده برگردد و اگر در هر دو سجده یک رکعت هم این اتفاق بیفتد، نمازش باطل نمی شود.

[مسأله ۱۴۷۳ کسی که اشتباهاً پیش از امام سر از سجده برداشته]

مسأله ۱۴۷۳ کسی که اشتباهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هر گاه به سجده برگردد (۱) و هنوز به سجده نرسیده امام سر بردارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده (۲) این اتفاق بیفتد، نماز باطل است (۳). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و معلوم شود امام قبلًا سر برداشته است ، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد نمازش (سیستانی : بنا بر احتیاط) باطل است . (۲) (فاضل :) از یک رکعت .. (۳) (زنجانی :) اگر در هر دو سجده یک رکعت این اتفاق بیفتد، به احتیاط واجب نماز را تمام کند و پس از آن دوباره به جا آورد.

[مسأله ۱۴۷۴ اگر اشتباهاً سر از رکوع یا سجده بردارد]

مسأله ۱۴۷۴ اگر اشتباهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال این که به امام نمی رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) جماعت و نمازش صحیح است . (زنجانی : هر چند معلوم شود که اگر برمی گشته به امام می رسیده است .)

[مسأله ۱۴۷۵ اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است]

مسأله ۱۴۷۵ اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است چنانچه به خیال این که سجده اول امام است ، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده (۱)، باید بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و از سر بخواند. و اگر به خیال این که سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده ، احتیاط آن است که نماز را فرادی تمام نماید اگر چه می تواند متابعت امام را بکند و به سجده رود و نماز را تمام کند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

(۱) (اراکی ، فاضل :) سجده دوّم او حساب می شود و اگر به خیال این که سجده دوّم امام است به سجده رود و (فاضل : بعد از سر برداشتن از سجده) بفهمد سجده اوّل امام بوده ، متابعت از

امام جماعت به حساب می آید و باید بار دیگر با امام به سجده رود و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دوباره بخواند.

(گلپایگانی ، خوئی ، بهجت ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) سجده دوّم او حساب می شود (بهجت : و نمازش صحیح است) و اگر به خیال این که سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اوّل امام بوده ، باید به قصد این که با امام سجده کند تمام کند و دوباره با امام به سجده رود و در هر دو صورت بهتر آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دو باره بخواند.

(زنجانی :) باید سجده را به قصد همراهی با امام تمام کند و دوباره با امام به سجده رود، و در هر صورت بنا بر احتیاط مستحب پس از تمام کردن نماز با جماعت ، آن را دوباره بخواند.

(تبریزی :) باید به قصد سجده با امام ، سجده را تمام کند و دوباره با امام به سجده رود.

(بهجت :) سجده اوّل او خواهد بود و بقیه نماز را با امام می خواند.

(گلپایگانی ، صافی :) در هر دو صورت احتیاط واجب آن است ..

(سیستانی :) در هر صورت بهتر آن است ..

[مسأله ۱۴۷۶اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود]

مسأله ۱۴۷۶ اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بر دارد به مقداری از قرائت امام می رسد (۱)، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود نمازش صحیح است (۲). (۱) (مکارم :) باید برگردد و قرائت امام را درک کند و با او به رکوع رود و هر گاه می داند به چیزی از قرائت امام نمی رسد، احتیاط واجب آن است که سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نماز را دوباره بخواند. در تمام مواردی که مأموم باید برگردد، اگر عمداً برنگردد، نمازش اشکال دارد.

(زنجانی :) باید برگردد و با امام به رکوع رود و نمازش صحیح است و اگر عمداً برنگردد، نمازش باطل است ؛ و احتیاط استحبابی آن است که به نیت فرادی نماز را تمام کند.

(بهجت :) باید سر بردارد و با امام به رکوع رود و نمازش صحیح است . (۲) (گلپایگانی :) و اگر عمداً برنگردد، احتیاط واجب آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دوباره بخواند. (اراکی :) و بنا بر احتیاط واجب در هر دو رکوع باید ذکر را بگوید.

(خوئی تبریزی ، صافی :) و اگر عمداً برنگردد، نمازش باطل است .

(سیستانی :) و اگر عمداً برنگردد، صحت جماعتش محل اشکال است ولی نمازش صحیح است به تفصیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت .

(فاضل :) و اگر عمداً برنگردد و این باعث شود که مقداری از قرائت امام را درک نکند نمازش باطل است و بنا بر احتیاط مستحب در هر دو رکوع ذکر را بگوید لیکن احتیاط واجب آن است که در رکوع اوّل یک ذکر صغیر بیشتر نگوید.

[مسأله ۱۴۷۷اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود]

مسأله ۱۴۷۷ اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی رسد (۱)، واجب است سر بردارد (۲) و با امام نماز را تمام کند

و نمازش صحیح است (اگر چه احوط استحبابی در این صورت اعاده نماز است (۳)) و اگر سر برندارد تا امام برسد نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد نمازش صحیح است و اگر به قصد این که با امام نماز بخواند، سر بردارد و با امام به رکوع رود احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و دوباره به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) اگر به قصد این که با امام نماز بخواند، سر بردارد و با امام به رکوع رود جماعت و نمازش صحیح است و اگر عمداً برنگردد، نمازش صحیح است و منفرد می شود.

(سیستانی :) لازم است ذکر رکوع را بگوید، و اگر گفتن ذکر موجب ترک متابعت امام در رکوع شود سر بردارد و با امام به رکوع رود و جماعت و نمازش صحیح است ، و اگر عمداً برنگردد، صحت جماعتش محل اشکال است ولی نمازش صحیح است به تفصیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت .

(فاضل :) به احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به او برسد و نمازش صحیح است . (۲) (بهجت :) باید سر بردارد .. (نوری :) احتیاط واجب آن است که سر بردارد .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : نوری و بهجت نیست] (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۷۶.

(زنجانی :) مسأله اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد به چیزی از قرائت امام نمی رسد اگر به قصد این که با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام به رکوع رود جماعت و نمازش صحیح است و اگر عمداً برنگردد، نمازش فرادی می شود؛ و در هر دو صورت ، بنا بر احتیاط مستحب ، پس از تمام شدن نماز، آن را دوباره بخواند.

[مسأله ۱۴۷۸اگر پیش از امام به سجده رود]

مسأله ۱۴۷۸ اگر (۱) پیش از امام به سجده رود، واجب است که سر بردارد و با امام به سجده رود و نمازش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی در این صورت اعاده نماز است . و اگر برنداشت نمازش صحیح است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (اراکی :) اگر سهواً ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر سهواً پیش از امام به سجده رود، اگر به قصد این که با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام به سجده رود، جماعت و نمازش صحیح است و اگر عمداً برنگردد نمازش صحیح و منفرد می گردد.

(سیستانی :) لازم است ذکر سجود را بگوید و ..

(زنجانی :) اگر عمداً برنگردد نمازش فرادی می گردد.

(سیستانی :) اگر عمداً برنگردد صحت جماعتش محل اشکال است ولی نمازش به تفصیلی که در مسأله [۱۴۲۳] گذشت صحیح است .

(گلپایگانی ، فاضل ، صافی :) مسأله اگر سهواً پیش از امام به سجده رود، در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد، نمازش صحیح است (گلپایگانی ، صافی : و اگر به قصد این که با

امام نماز بخواند، سر بردارد و با امام به سجده رود، احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و دوباره به جا آورد).

(بهجت :) مسأله اگر پیش از امام سهواً به سجده رود، باید سر بردارد و با امام به سجده رود و اگر برنداشت ، نمازش صحیح است .

(نوری :) اگر پیش از امام به سجده رود، احتیاط واجب آن است که سر بردارد ..

[مسأله ۱۴۷۹ اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد]

اشاره

مسأله ۱۴۷۹ اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتباهاً قنوت بخواند، یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباهاً مشغول خواندن تشهد شود مأموم نباید قنوت و تشهد را بخواند ولی نمی تواند پیش از امام به رکوع رود، یا پیش از ایستادن امام بایستد بلکه باید صبر کند (۱) تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند. (۱) (فاضل ، مکارم :) باید با علامت و اشاره ای به او حالی کند و اگر نشد، صبر کند ..

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۲۰۱ در تحقق جماعت ، فقط کافی است که مأموم نیّت اقتدا داشته باشد و نیّت امامت برای امام ، معتبر نیست . و بدون نیّت او، جماعت از طرفین محقق می شود و احکام آن ، از قبیل متابعت و شک ، جاری است . امّا در استحقاق ثواب جماعت برای امام بدون نیّت ، تأمّل است و در این صورت ، أحوط برای امام این است که احکام جماعت را بر این نماز جاری نکند.

(بهجت :) مسأله ۱۲۰۲ صاحب مسجد و امام راتِب (امامی که برای امامت آن مسجد معیّن شده) و صاحب منزل یا مستأجر آن در صورت واجد شرایط بودن از دیگران در امامت برای جماعت مقدّم هستند و مستحب است کسی را که فقیه تر یا قرائتش از دیگران بهتر، یا مسن ّتر یا هاشمی است ، امام جماعت قرار دهند.

(بهجت :) مسأله ۱۲۰۳ امام جماعت باید یک نفر باشد ولی اگر در بین نماز برای امام حادثه ای پیش آمد؛ مثل مُردن ، بی هوشی ، دیوانگی ، حدث ، مرض ، جاری شدن خون از بینی ، احتیاج به قضای حاجت و همین طور است اگر امام متوجّه شود که طهارت نداشته و یا نماز او شکسته بوده است ؛ امام یا مأمومین می توانند دیگری را امام قرار دهند، خواه آن فرد از اعضای جماعت باشد و یا کسی باشد که ابتداءً می خواهد نماز بخواند.

چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است

[مسأله ۱۴۸۰اگر ماموم یک مرد باشد]

مسأله ۱۴۸۰ اگر ماموم یک مرد باشد، مستحب است طرف راست امام بایستد و اگر یک زن باشد (۱) (مستحب است (۲) در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده اش مساوی زانو یا قدم امام باشد (۳)) و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند مستحب است مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد یا چند زن

باشند مستحب است پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند مستحب است مردها عقب امام و زنها پشت مردها بایستند. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (سیستانی :) باز هم مستحب است که در طرف راست امام بایستد ولی باید از او عقب تر بایستد، لا اقل به مقداری که جای سجده او مساوی جای دو زانوی امام در حال سجده باشد و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مستحب است مرد طرف راست امام بایستد و یک زن یا چند زن پشت سر امام بایستند، و اگر چند مرد و یک یا چند زن باشند، مستحب است مردها، عقب امام و زنها پشت مردها بایستند. (۲) (مکارم :) مستحب است امور زیر به امید ثواب الهی در جماعت رعایت شود: اگر مأموم یک مرد است ، در طرف راست امام ، یا کمی عقب تر از او بایستد و اگر یک زن است .. (۳) [در رساله آیت اللّه بهجت ، به جای قسمت داخل پرانتز آمده است : مستحب است پشت سر امام بایستد (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب اگر مأموم یک مرد باشد، (خوئی ، زنجانی : قدری عقب تر) طرف راست امام بایستد و اگر یک یا چند زن باشد، پشت سر امام بایستد و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مرد طرف راست امام (خوئی ، زنجانی : قدری عقب تر) بایستد و یک یا چند زن پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد و یک یا چند زن باشند، مردها عقب امام و زنها پشت مردها بایستند.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط ..

(صافی :) مسأله اگر مأموم یک مرد باشد، بنا بر احتیاط واجب طرف راست امام قدری عقب تر بایستد. و اگر یک زن باشد، مستحب است در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده اش مساوی زانو یا قدم امام باشد. و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مستحب است مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند. و اگر چند مرد یا چند زن باشند مستحب است پشت سر امام بایستند. و اگر چند مرد و چند زن باشند مردان پشت سر امام ، و زنان پشت سر مردان بایستند.

[مسأله ۱۴۸۱ اگر امام و مأموم هر دو زن باشند]

مسأله ۱۴۸۱ اگر امام و مأموم هر دو زن باشند احتیاط آن است که امام کمی جلوتر بایستد (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (اراکی ، صافی ، زنجانی :) بهتر است که ردیف یکدیگر بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.

(خوئی ، سیستانی :) احتیاط واجب آن است که همه ردیف یکدیگر بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد. (مکارم :) در یک صف می ایستند ولی امام کمی جلوتر می ایستد.

(بهجت :) بدون تقدّم امام بر مأموم کنار هم می ایستند.

(تبریزی :) واجب است بنا بر احتیاط ردیف یکدیگر بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.

(گلپایگانی :) مسأله در نماز میت که امامت زن بر زنان جایز است بهتر است که ردیف یکدیگر بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.

[مسأله ۱۴۸۲ مستحب است امام در وسط صف بایستد]

مسأله ۱۴۸۲ مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوی در صف اول بایستند.

[مسأله ۱۴۸۳ مستحب است صفهای جماعت منظم باشد]

مسأله ۱۴۸۳ مستحب است صفهای جماعت منظم باشد (۱) و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یکدیگر باشد. (۱) (زنجانی :) منظم و نزدیک یکدیگر باشد .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۴۸۴ مستحب است بعد از گفتن قَد قَامَت ِ الصَّلاهُ]

مسأله ۱۴۸۴ مستحب است بعد از گفتن (۱) «قَد قَامَت ِ الصَّلاهُ» مأمومین برخیزند. (۱) (اراکی :) مستحب است هنگام گفتن .. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۴۸۵ مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند]

مسأله ۱۴۸۵ مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند (۱) و عجله نکند تا افراد ضعیف به او برسند و نیز مستحب است قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر بداند همه کسانی که به او اقتدا کرده اند مایلند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، اراکی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد (زنجانی : و نیز عجله نکند تا ضعیف ترین شخص به او برسد) مگر بداند همه کسانی که به او اقتدا کرده اند، مایلند.

[مسأله ۱۴۸۶ مستحب است امام جماعت در حمد و سوره]

مسأله ۱۴۸۶ مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می خواند صدای خود را به قدری بلند کند که دیگران بشنوند ولی باید بیش از اندازه صدا را بلند نکند.

[مسأله ۱۴۸ اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده]

اشاره

مسأله ۱۴۸۷ اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده و می خواهد اقتدا کند مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، اگر چه بفهمد کس دیگری هم برای اقتدا وارد شده است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۲۰۸ مستحب ـ مؤکد است که امام بعد از نماز خود بنشیند تا همه مأمومین از نماز فارغ شوند.

چیزهایی که در نماز جماعت مکروه است

[مسأله ۱۱۴۸۸اگر در صفهای جماعت جا باشد]

مسأله ۱۴۸۸ اگر در صفهای جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد (۱). (۱) (بهجت :) [و] راه دادن افرادی که از کمال عقل برخوردار نیستند، مثل طفل ، دیوانه و ابله در صف اوّل و به خصوص نزدیک امام و یا در جایی که گمان می رود موجب فساد نماز دیگران شود، مکروه است .

(مکارم :) مسأله شایسته است به امید ثواب از امور زیر بپرهیزند: (۱) اگر در صفهای جماعت جا باشد، نمازگزار تنها نایستد. (۲) مأموم ذکرهای نماز را طوری نگوید که امام بشنود. (۳) مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را شکسته می خواند، برای کسانی که مسافر نیستند، امامت نکند. هم چنین کسی که مسافر است ، به شخص حاضر اقتدا نکند (البتّه منظور از کراهت در اینجا کمتر بودن ثواب است و گر نه نماز جماعت در هر صورت ثواب دارد).

[مسأله ۱۴۸۹ مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید]

مسأله ۱۴۸۹ مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۸۸.

[مسأله ۱۴۹۰ مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعت می خواند]

اشاره

مسأله ۱۴۹۰ مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعت می خواند مکروه است در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کند (۱) و کسی که مسافر نیست مکروه است در این نمازها به مسافر اقتدا نماید (۲). (۱) (زنجانی :) مکروه است در این نمازها به شخص غیر مسافر اقتدا کند، هم چنین شخص غیر مسافر در این نمازها، مکروه است به مسافر اقتدا نماید و در هر دو صورت بهتر است فرادی بخواند. (۲) (فاضل :) یعنی ثواب کمتری دارد، هر چند نماز جماعت افضل از نماز فرادی است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۴۸۸.

(بهجت :) مسأله اقتدای مسافر به غیر مسافر و هم چنین بر عکس مکروه است و کراهت در این موارد، به معنای کم شدن ثواب جماعت است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۲۱۱ در صورتی که جماعت برپا شد و « قد قامت الصلاه » گفته شود، خواندن نافله برای مأموم مکروه است و بنا بر اقرب ، این کراهت قبل از « قد قامت الصّلاه» نیز هست ، در صورتی که بداند به اوّل جماعت نمی رسد.

نماز جماعت (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[مسائلی در نماز جماعت]

[س ۵۵۱ امام جماعت در نماز باید چه نیتی بکند]

س ۵۵۱: امام جماعت در نماز باید چه نیتی بکند؟ آیا نیت جماعت باید بکند یا نیت فرادی ؟

ج : اگر بخواهـد فضـیلت نماز جماعت را درك كند، باید قصد امامت و جماعت كند، و اگر بدون قصد امامت نماز، مشـغول آن شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشكال ندارد.

[س ۵۵۲ در اماكن نظامی هنگام برپائی نماز جماعت]

س ۵۵۲: در امـاكن نظامی هنگام برپائی نماز جماعت كه در وقت اداری است ، تعـدادی از نظامیان به خاطر شـرایط كاری در آن شـركت نمی كنند، با آن كه انجام آن كارها بعد از وقت اداری و یا در روز بعد ممكن است . آیا این عمل سـبك شمردن نماز است ؟

ج : بهتر است برای درك فضـیلت نماز اول وقت و جماعت ، كارهای اداری به گونه ای تنظیم شود كه آنها بتوانند این فریضه الهی را به صورت جماعت و در كمترین مدت بخوانند.

[س ۵۵۳ دعاها و اعمال مستحبی زائد بر فریضه الهی نماز جماعت]

س ۵۵۳: نظر جناب عالی در باره انجام كارهای مسـتحبی مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاهای طولانی كه قبل یا بعـد از نمـاز جمـاعت و یـا در اثنـای آن در نمـاز خـانه ادارات دولتی برگزار می شودو بیشتر از نمـاز جماعت طول می كشـد، چیست ؟

ج : دعاهـا و اعمال مسـتحبی زائـد بر فریضه الهی نماز جماعت كه از شـعائر اسـلامی است ، اگر منجر به تضـییع وقت اداری و تأخیر در انجام كارهای واجب شود، اشكال دارد.

[س ۵۵۴ اقامه نماز جماعت دوم]

س س ۵۵۴: آیا اقامه نماز جماعت دوم در نزدیکی مکانی که نماز جماعت در آن جا با حضور تعداد زیادی از نمازگزاران اقامه می شود، و صدای اذان و اقامه آن شنیده می شود، صحیح است ؟

ج : اقامه نماز جماعت دوم اشکال ندارد، ولی مناسب است که مؤمنین در یک مکان اجتماع کرده و همگی در یک نماز جماعت شرکت کنند تا بر عظمت مراسم دینی نماز جماعت افزوده شود.

[س ۵۵۵ بعضی از اشخاص هنگام برپایی نماز جماعت]

س ۵۵۵: بعضی از اشخاص هنگام برپایی نماز جماعت ، اقدام به خواندن نماز فرادی می کنند، این کار چه حکمی دارد؟

ج : این عمل اگر تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست .

[س ۵۵۶ در محله ای چند مسجد وجود دارد]

س ۵۵۶: در محله ای چند مسجد وجود دارد که در همه آنها نماز جماعت اقامه می شود، خانه ای بین دو مسجد واقع شده که فاصله آن از یک مسجد ده خانه و از دیگری دو خانه است ، در این خانه هم نماز جماعت اقامه می شود، این نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج : سزاوار است که اقامه نماز جماعت وسیله وحدت و انس باشد، نه این که باعث ایجاد جو اختلاف و تفرقه گردد، در هر صورت اقامه نماز جماعت در خانه مجاور مسجد، اگر باعث اختلاف و پراکندگی نگردد، اشکال ندارد.

[س ۵۵۷ آیا جایز است شخصی بدون اجازه امام جماعت راتب مسجد]

س ۵۵۷: آیا جایز است شخصی بدون اجازه امام جماعت راتب مسجد که مورد تأیید مرکز اداره امور مساجد است ، در آن مسجد نماز جماعت اقامه کند؟

ج : اقامه نماز جماعت متوقف بر اجازه امام جماعت راتب مسجد نیست ، ولی بهتر است کسی مزاحم امام جماعت راتب مسجد هنگام حضور وی در آن مسجد برای اقامه نماز جماعت نشود، و حتی اگر ایجاد مزاحمت برای او موجب برانگیخته

شدن فتنه و مانند آن شود، حرام است .

[س ۵۵۸ اگر گاهی امام جماعت سخنی بگوید]

س ۵۵۸: اگر گاهی امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می شود؟

ج : اگر مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی زند.

[س ۵۵۹ اقتدا به امام جماعت بدون شناخت]

س ۵۵۹: آیا اقتدا به امام جماعت بدون شناخت واقعی او جایز است ؟

ج : اگر عدالت او نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است .

[س ۵۶۰ اگر شخصی اعتقاد به عدالت و تقوای فردی داشته باشد]

س ۵۶۰: اگر شخصی اعتقاد به عدالت و تقوای فردی داشته باشد و در همان زمان معتقد باشد که شخص مزبور در مواردی به او ظلم کرده است ، آیا می تواند او را به طور کلی عادل بداند؟

ج : تا برای او احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می شمارد، با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده ، مجاز نیست که حکم به فسق او نماید.

[س ۵۶۱: آیا اقتدا به امام جماعتی که می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند]

س ۵۶۱: آیا اقتدا به امام جماعتی که می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی انجام نمی دهد، جایز است ؟

ج : مجرد ترك امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عـذر مقبولی نزد مکلّف باشد، به عدالت ضـرر نمی زند و مانع اقتدا به او نیست .

[س ۵۶۲ معنای عدالت]

س ۵۶۲: به نظر شما معنای عدالت چیست ؟

ج : عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می شود انسان همیشه تقوائی داشـته باشد که مانع از ترك واجبات یا انجام محرمات شرعی است ، و برای احراز آن ، حسن ظاهر، کافی است .

[س ۵۶۳ با دسترسی به روحانی ، به غیر روحانی اقتداء نشود]

س ۵۶۳: ما تعدادی جوان هستیم که در تکیه ها و حسـینیه ها دور هم جمع می شویم و هنگام رسـیدن وقت نماز فرد عادلی را مقـدم کرده و برای نماز به او اقتـدا می کنیم . ولی بعضـی از برادران به این کار اشـکال نموده و می گوینـد امام راحل «قـدس سره » خواندن نماز پشت سر غیر عالم دینی را حرام می داند، وظیفه ما چیست ؟

ج : با دسترسی به روحانی ، به غیر روحانی اقتداء نکنند.

[س ۵۶۴ دو نفر می توانند نماز جماعت اقامه کنند]

س ۵۶۴: آیا دو نفر می توانند نماز جماعت اقامه کنند؟

ج : اگر مراد تشکیل نماز جماعتی است که مرکب از امام و یک مأموم باشد، اشکال ندارد.

[س ۵۶۵ اگر مأموم در نماز جماعت ظهر و عصر حمد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت کند]

س ۵۶۵: اگر مأموم در نماز جماعت ظهر و عصـر حمـد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت کنـد با این که بر او واجب نیست ، نماز او چه حکمی دارد؟

ج : در نمازی که باید آهسته خوانده شود، مثل نماز ظهر و عصر، قرائت برای او جایز نیست حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.

[س ۵۶۶ اگر امام جماعت با دوچرخه برای اقامه نماز جماعت برود]

س ۵۶۶: اگر امـام جمـاعت بـا دوچرخه برای اقـامه نمـاز جمـاعت برود و همه قوانین عبور و مرور را رعایت کنـد، چه حکمی دارد؟

ج : این کار به عدالت و صحت امامت جماعت ضرر نمی زند.

[س ۵۶۷ اگر انسان نماز جماعت را به طور کامل درک نکند]

س ۵۶۷: اگر انسـان نمـاز جمـاعت را به طور کامل درک نکنـد و به آخر آن برسـدو برای درک ثواب آن ، تکبیره الاحرام را گفته و به حالت تجافی بنشـیند و تشـهد را با امام بخوانـد و بعـد از سـلام او برخیزد و رکعت اول را بخواند، آیا این کار را در تشهد رکعت دوم نمازهای چهار رکعتی هم می تواند انجام دهد؟

ج : این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درک ثواب جماعت است .

[س ۵۶۸ اجرت برای نماز جماعت]

س ۵۶۸: آیا جایز است امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد؟

ج : جایز نیست ، مگر آن که برای مقدمات حضور در جماعت باشد.

[س ۵۶۹ آیا جایز است امام جماعت در یک زمان عهده دار امامت دو نماز]

س ۵۶۹: آیا جایز است امام جماعت در یک زمان عهده دار امامت دو نماز (دو نماز عید یا هر نمازی) گردد؟

ج : تکرار نمـاز جماعت برای یک بار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه مسـتحب است . ولی جواز آن در نماز عید مشکل است .

[س ۵۷۰ اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشاء باشد]

س ۵۷۰: اگر امـام جمـاعت در رکعت سوم یـا چهارم نماز عشاء باشـد و مأموم در رکعت دوم ، آیا بلنـد قرائت کردن حمـد و سوره بر مأموم واجب است ؟

ج : در فرض سؤال واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.

[س ۵۷۱ آیه صلوات بر پیامبر]

س ۵۷۱: در نماز جماعت بعد از سلام ابتدا آیه صلوات بر پیامبر تلاوت می شودو نمازگزاران سه مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد « صلی اللّه علیهم اجمعین » می فرستند، بعد از آن سه بار تکبیر می گویند و سپس شعارهای سیاسی به صورت دعا و برائت توسط مؤمنین با صدای بلند داده می شود، آیا این کار اشکال دارد؟

ج : قرائت آیه و ذکر صلوات بر پیامبر و آل او « صلی اللّه علیهم اجمعین » نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد، و مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است ، هم مطلوب است .

[س ۵۷۲ اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت به مسجد برسد]

س ۵۷۲: اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت به مسجد برسد و بر اثر جهل به مسأله ، تشهد و قنوت را که باید در رکعت بعد به جا آورد، انجام ندهد، آیا نماز وی صحیح است ؟

ج : نماز صحیح است . ولی قضای تشهد و دو سجده سهو، برای ترک تشهد بر او واجب است .

[س ۵۷۳ رضایت کسی که در نماز به او اقتدا می شود]

س ۵۷۳: آیا رضایت کسی که در نماز به او اقتدا می شود، شرط است ؟ آیا اقتدا به مأموم صحیح است ؟

ج : رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست ، و اقتدا به مأموم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می دهد، صحیح نیست .

[س ۵۷۴ دو نفر که یکی امام است و دیگری مأموم]

س ۵۷۴: دو نفر که یکی امام است و دیگری مأموم ، اقامه نماز جماعت کرده اند. شخص سومی به تصور این که فرد دوم امام است ، به او اقتدا می کندو بعد از نماز می فهمد که وی مأموم بوده نه امام ، نماز شخص سوم چه حکمی دارد؟

ج : اقتدا به مأموم صحیح نیست ، ولی زمانی که انسان نداند و به او اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه نمازگزار منفرد عمل کرده ، بدین معنی که رکنی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است .

[س ۵۷۵ کسی که قصدِ خواندن نماز عشاء را دارد]

س ۵۷۵: کسی که قصدِ خواندن نماز عشاء را دارد، آیا می تواند به کسی که نماز مغرب می خواند، اقتدا نماید؟

ج : اشکال ندارد.

[س ۵۷۶ عدم رعایت ارتفاع محل نماز امام]

س ۵۷۶: آیا عدم رعایت ارتفاع محل نماز امام نسبت به مأمومین ، موجب بطلان نماز آنها می شود یا خیر؟

ج : اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأمومین ، بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است ، موجب بطلان نماز جماعت است .

[س ۵۷۷ اگر یکی از صفهای نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد]

س ۵۷۷: اگر یکی از صفهای نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نمازشان قصراست و نماز همه افراد صف بعدی تمام باشد، اگر افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند، آیا نماز کسانی که در صف پشت سر آنها هستند، نسبت به دو رکعت آخر نماز، جماعت باقی می ماند یا فرادی می شود؟

ج : با این فرض که نماز همه افراد صف جلو قصر است ، صحت نماز جماعت صفهای بعدی محل اشکال است . احوط این است که صفهای بعدی ، بعد از این که افراد صف اول برای سلام نماز نشستند، نماز خود را به صورت فرادی بخوانند.

[س ۵۷۸ اگر مأموم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد]

س ۵۷۸: اگر مأموم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، آیا می تواند قبل از مأمومینی که بین او و امام ایستاده اند، وارد نماز جماعت شود؟

ج : اگر مأمومینی که بین او و امام ایستاده اند، بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد، به طور کامل آماده اقتدا نمودن باشند، می تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.

[س ۵۷۹ کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد]

س ۵۷۹: کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است ، چیزی نخواند، آیا اعاده نماز بر او واجب است ؟

ج : اگر قبل از رکوع متوجه شود قرائت واجب است ، ولی اگر بعد از این که داخل رکوع شد متوجه شود، نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست ؛ هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده سهو برای ترک سهوی قرائت به جا آورد.

[س ۵۸۰ برای برگزاری نماز جماعت در اداره های دولتی]

س ۵۸۰: برای برگزاری نماز جماعت در اداره های دولتی و دبیرستانها نیاز شدیدی به امام جماعت وجود دارد، و چون غیر از من عالم دیگری در منطقه وجود ندارد، مجبور هستم یک نماز را در مکان های مختلف برای سه یا چهار بار به عنوان امام جماعت اقامه کنم و چون همه مراجع نماز جماعت دوم را اجازه می دهند، آیا در بیشتر از آن نیت نماز قضای احتیاطی جایز است ؟

ج : امامت به نیت نماز قضای احتیاطی صحیح نیست .

[س ۵۸۱ اقدام به برگزاری نماز جماعت برای کارمندان]

س ۵۸۱: یکی از دانشگاهها اقدام به برگزاری نماز جماعت برای کارمندان خود در یکی از ساختمان های مربوط به دانشگاه

که در مجاورت یکی از مساجد شهر قرار دارد، کرده است ، با توجه به این که در همان زمان در آن مسجد نماز جماعت اقامه می شود، شرکت در نماز جماعت دانشگاه چه حکمی دارد؟

ج : شرکت در نماز جماعتی که از نظر مأموم واجد شرایط اقتدا و جماعت است ، اشکال نـدارد، هر چند نزدیک مسجدی باشد که در همان زمان در آن نماز جماعت برگزار می شود.

[س ۵۸۲ آیا نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که شغل قضاوت دارد]

س ۵۸۲: آیا نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که شغل قضاوت دارد، ولی مجتهد نیست ، صحیح است ؟

ج : اگر شغل قضاوت او بعد از نصب وی توسط کسی که صلاحیت نصب را دارد، باشد، مانع اقتدا به او در نماز نیست .

[س ۵۸۳ نماز مسافر]

س ۵۸۳: آیـا کسـی که در نماز مسافر مقلـد امام خمینی «قـدس سـره » است ، می توانـد به امام جماعتی که در آن مساله مقلد مرجع دیگری است ، بخصوص در نماز جمعه ، اقتدا نماید؟

ج : اختلاف در تقلیـد مانع از صـحت اقتـدا نیست ، ولی اقتـدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلیـدِ مأموم ، قصـر است و طبق فتوای مرجع تقلیدِ امام جماعت ، تمام است ، یا بالعکس صحیح نیست .

[س ۵۸۴ اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیره الاحرام به رکوع برود]

س ۵۸۴: اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیره الاحرام به رکوع برود، وظیفه مأموم چیست ؟

ج : اگر مأموم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است که نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.

[س ۵۸۵ تعدادی از دانش آموزان غیر بالغ مدارس]

س ۵۸۵: اگر تعدادی از دانش آموزان غیر بالغ مدارس بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشندو بعد از آنها تعدادی از افراد مکلّف ایستاده باشند، نماز مکلفین صفهای بعدی چه حکمی دارد؟

ج : در فرض مذکور اشکال ندارد.

[س ۵۸۶ تیمم بدل از غسل]

س ۵۸۶: آیا تیمم بدل از غسل نسبت به امام جماعتی که معذور است ، برای اقامه نماز جماعت کافی است ؟

ج : اگر شرعاً معذور باشد، می تواند با تیمم بدل از غسل ، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد.

حکم امام جماعتی که قرائت وی صحیح نیست

[س ۵۸۷ در صحت قرائت بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود دارد]

س ۵۸۷: آیا در صحت قرائت بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود داردیا این که صحت قرائت در هر حال مسأله واحدی است ؟

ج : اگر قرائت مکلّف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است ، ولی دیگران نمی توانند به وی اقتدا کنند.

[س ۵۸۸ قرائت بعضی از ائمه جماعات از جهت مخارج حروف صحیح نیست]

س ۵۸۸: قرائت بعضی از ائمه جماعات از جهت مخارج حروف صحیح نیست . آیا کسی که حروف را به طور صحیح از مخارج خود ادا می کند، می تواند به آنان اقتدا نماید؟ عده ای می گویند می توانید نماز را به جماعت بخوانید، ولی باید بعداً اعاده نمایید، من که فرصت اعاده ندارم ، وظیفه ام چیست ؟ آیا می توانم در نماز جماعت شرکت نموده ولی حمد و سوره را آهسته بخوانم ؟

ج : اگر قرائت امام از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا و نماز جماعت او باطل است و اگر نمی تواند نماز را اعاده کند، اقتدا نکردن اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، برای اظهار اقتدا به امام جماعت صحیح و مجزی نیست .

[س ۵۸۹ عده ای معتقدند که قرائت بعضی از ائمه جمعه صحیح نیست]

س ۵۸۹: عده ای معتقدند که قرائت بعضی از ائمه جمعه صحیح نیست ، زیرا یا حروف را آن گونه که هست ، ادا نمی کنندو یا حرکت آنها را طوری تغییر می دهند که دیگر آن حرف نیست . آیا اقتدا به آنان بدون اعاده نمازی که پشت سر آنان خوانده می شود، صحیح است ؟

ج : ملاک صحت قرائت عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و اداء حروف از مخارج آن به طوری که اهل لسان آن را اداء آن حرف بدانند نه حرف دیگر؛ اگر مأموم قرائت امام را مطابق قواعد و صحیح نداند، نمی تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتداء، نماز او صحیح نیست و اعاده آن واجب است .

[س ۵۹۰ اگر امام جماعت در اثنای نماز]

س ۵۹۰: اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شک کندو بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است ، نماز او و مأمومین چه حکمی دارد؟

ج : نماز محکوم به صحت است .

[س ۵۹۱ وظیفه شرعی شخص بخصوص معلم قرآن]

س ۵۹۱: وظیفه شرعی شخص بخصوص معلم قرآن کریم که یقین دارد امام جماعت نماز خود را از جهت تجوید غلط می خواند چیست ؟ در حالی که این فرد به دلیل عدم شرکت در نماز جماعت در معرض تهمت های زیادی قرار گرفته است .

ج : رعایت محسنات تجوید لازم نیست ولی اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی تواند به او اقتدا کند، لکن شرکت ظاهری در نماز جماعت برای یک غرض عقلائی ، اشکال ندارد.

امامت شخص ناقص

[س ۵۹۲ اقتدا به معلولین عزیز برای نماز]

س ۵۹۲: اقتدا به معلولین عزیز برای نماز در موارد زیر چه حکمی دارد؟ ۱ معلولینی که فاقد عضوی از اعضای بدن نیستند ولی به دلیل معیوب بودن پا، با تکیه بر عصا و دیوار می توانند بایستند. ۲ معلولینی که فاقد بند انگشت دست یا پا و یا انگشتی از دست یا پا هستند. ۳ معلولینی که همه انگشتان دست یا پا و یا هر دو آنها قطع شده است . ۴ معلولینی که قسمتی از یک دست یا پا و یا هر دو را ندارند. ۵ معلولینی که فاقد یکی از اعضای بدن هستند و به دلیل از کار افتادگی دست ، برای وضو گرفتن نایب می گیرند.

ج : به طور کلی اگر استقرار و آرامش در قیام بصورت طبیعی وجود داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده کامل با گذاشتن هفت عضو بدن بر زمین داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در غیر این صورت صحیح و مجزی نیست .

[س ۵۹۳ نماز مأمومین بر اثر جهل به حکم شرعی]

س ۵۹۳: من از طلاب علوم دینی هستم که دست راستم بر اثر عمل جراحی قطع شده است . به تازگی متوجه شده ام که امام خمینی «قدس سره » امامت فرد ناقص برای کامل را جایز نمی داند. بنا بر این خواهشمندم حکم نمازهای مأمومینی را که تا به حال امام جماعت آنان بوده ام ، بیان فرمائید.

ج : نماز مأمومین که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به شما اقتدا کرده اند، محکوم به صحت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست .

[س ۵۹۴ امام جماعت یکی از حسینیه ها]

س ۵۹۴: من از طلاب علوم دینی هستم که در جریان جنگ تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران از ناحیه انگشتان هر دو پا مجروح شدم که البته انگشت شست پاهایم کاملًا سالم است ، در حال حاضر امام جماعت یکی از حسینیه ها هستم ، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟ لطفاً آن را بیان فرمائید.

ج : با فرض سالم بودن انگشتان شست پا و در نتیجه توانائی گذاشتن آنها بر زمین هنگام سجده ، امام جماعت بودن شما از این جهت اشکال ندارد.

شرکت زنان در نماز جماعت

[س ۵۹۵ شرکت زنان در نماز جماعت]

س ۵۹۵: آیا شارع مقدس زنان را همانند مردان به شرکت در نماز جماعت مساجد یا نماز جمعه تشویق فرموده یا این که نماز خواندن آنها در خانه بهتر است ؟

ج : شرکت زنان در نماز جمعه و جماعت اشکال ندارد و ثواب جماعت دارد.

[س ۵۹۶ امامت زن در نماز جماعت]

س ۵۹۶: در چه صورتی زن می تواند امام جماعت شود؟

ج : امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است .

[س ۵۹۷ شرکت زنان در نماز جماعت]

س ۵۹۷: شرکت زنان (مانند مردان) در نماز جماعت از جهت استحباب و کراهت چه حکمی دارد؟ شرکت آنها در صورتی که پشت سر مردان بایستند چه حکمی دارد؟ آیا در حالی که پشت سر مردان برای نماز جماعت ایستاده اند، احتیاج به پرده و ساتر است ؟ اگر در نماز کنار مردان بایستند، از جهت حائل چه حکمی دارد؟ با توجه به این که پشت پرده بودن زنان هنگام نماز جماعت و سخنرانی ها و مراسم دیگر، موجب تحقیر و اهانت به آنها می شود.

ج : حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد، و اگر پشت سر مردان بایستند، احتیاجی به حائل و پرده نیست ، ولی اگر در کنار مردان بایستند سزاوار است که حائلی بین آنها باشد تا کراهت کنار هم ایستادن مردان و زنان در نماز برطرف شود، و این که وجود حائل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می شود، توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد، بعلاوه دخالت دادن نظرات شخصی در فقه صحیح نیست .

[س ۵۹۸ کیفیت اتصال و عدم اتصال صفوف زنان و مردان]

س ۵۹۸: کیفیت اتصال و عدم اتصال صفوف زنان و مردان در نماز در صورت نبودن پرده و حائل چگونه است ؟

ج : زنان می توانند پشت سر مردان بدون فاصله بایستند.

اقتدا به اهل سنت

[س ۵۹۹ نماز جماعت پشت سر اهل سنت]

س ۵۹۹: آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است ؟

ج : نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی ، جایز و صحیح است .

[س ۶۰۰ محل کار من در یکی مناطق کردنشین است]

س ۶۰۰: محل کار من در یکی مناطق کردنشین است که اکثر ائمه جمعه و جماعات آنجا از اهل سنت هستند، اقتدا به آنها چه حکمی داردو آیا غیبت آنها جایز است ؟

ج : مشارکت با آنان در نماز جمعه و جماعتشان از جهت حفظ وحدت اشکال ندارد، و از غیبت باید پرهیز شود.

[س ۶۰۱ در مکانهای مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت]

س ۶۰۱: در مکانهای مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت ، هنگام شرکت در نمازهای روزانه ، در بعضی از موارد مانند آنان عمل می کنیم ، مثل نماز بصورت تکتف و عدم رعایت وقت و سجده بر فرش ، آیا این نمازها احتیاج به اعاده دارند؟

ج : اگر حفظ وحدت مقتضی انجام آن کارها باشد، نماز صحیح و مجزی است ، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف در نماز جایز نیست ، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

[س ۶۰۲ در مکه و مدینه]

س ۶۰۲: در مکه و مدینه به استناد فتوای امام خمینی «قدس سره » نماز جماعت را با برادران اهل سنت می خوانیم و گاهی برای درک فضیلت نماز در مسجد مثل اداء نماز عصر یا عشاء بعد از نماز ظهر و مغرب آن را به صورت فرادی در مساجد اهل سنت بدون مهر و با سجده بر فرش به جا می آوریم ، این نمازها چه حکمی دارد؟

ج : نماز در فرض مذکور محکوم به صحت است .

[س ۶۰۳ مشارکت شیعیان در نماز جماعت با برادران اهل سنت]

س ۶۰۳: مشارکت ما شیعیان در نماز جماعت مساجد کشورهای دیگر با برادران اهل سنت که دست بسته نماز می خوانند، چگونه است ؟ آیا تبعیت از آنان در تکتف بر ما واجب است یا آن که باید نماز را بدون تکتف بخوانیم ؟

ج : اقتدا به اهل سنت ، برای رعایت وحدت جایز است و نماز خواندن با آنها صحیح و مجزی است ، ولی تکتف واجب نیست و بلکه جایز نیست ، مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند.

[س ۶۰۴ هنگام شرکت در نماز جماعت با برادران اهل سنت]

س ۶۰۴: هنگام شرکت در نماز جماعت با برادران اهل سنت ، چسباندن انگشتان کوچک پا در حال قیام به انگشتان پاهای دو نفری که در دو طرف نمازگزار ایستاده چنانچه آنان ملتزم هستند چه حکمی دارد؟

ج : این کار واجب نیست ، ولی انجام آن به صحت نماز ضرر نمی رساند.

[س ۶۰۵ برادران اهل سنت در ایام حج یا غیر آن]

س ۶۰۵: برادران اهـل سـنت در ایـام حـج یا غیر آن ، نماز مغرب را قبل از اذان مغرب می خواننـد، آیا برای ما اقتـدا به آنان و اکتفا به آن نماز صحیح است ؟

ج : معلوم نیست که آنان نماز را قبل از وقت بخواننـد، ولی اگر مکلّف دخول وقت را احراز نکند، نمی تواند داخل شود، مگر آن که رعایت وحدت آن را اقتضا کند که در این صورت شرکت در نماز جماعت آنان و اکتفا به آن اشکال ندارد.

نماز آیات

[نماز آیات از رساله حضرت امام]

[مسائلی در نماز آیات]

[مسأله ۱۴۹۱ نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می شود]

مسأله ۱۴۹۱ نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد به واسطه چهار چیز (۱) واجب می شود: اول : گرفتن خورشید. دوم : گرفتن ماه ، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم : زلزله ، اگر چه کسی هم نترسد. چهارم : رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ (۲) و مانند اینها (۳) در صورتی که بیشتر مردم بترسند (۴) که بنا بر احتیاط واجب باید برای اینها هم نماز آیات بخوانند (۵). (۱) (سیستانی :) سه چیز .. (۲) (بهجت :) و صیحه ترسناک و مانند اینها از چیزهایی که از آیات آسمانی و زمینی بوده و موجب ترس بیشتر مردم می شود بنا بر أظهر. (۳) (گلپایگانی :) در صورتی که به آنها آیت ، صدق کند، اگر چه کسی هم نترسد.

(خوئی ، تبریزی ، صافی :) از آیات آسمانی .. (۴) (اراکی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(خوئی ، تبریزی :) و امّا در حوادث زمینی مانند فرو رفتن آب دریا و افتادن کوه که موجب ترس اکثر مردم شود بنا بر احتیاط واجب نماز آیات ترک نشود.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط نماز آیات خوانده شود ولی بعید نیست که در حوادث زمینی که زلزله نباشد، نماز آیات واجب نباشد.

(فاضل ، نوری :) [و] بنا بر احتیاط واجب در حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافته شدن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیشتر مردم بترسند، باید نماز آیات بخوانند.

(صافی :) و در حوادث زمینی نیز که موجب ترس بیشتر مردم می شود، احتیاط واجب خواندن نماز است .

(سیستانی :) سوّم : زلزله بنا بر احتیاط واجب ، اگر چه کسی هم نترسد. و امّا در رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها از آیات آسمانی در صورتی که بیشتر مردم بترسند و هم چنین در حوادث زمینی مانند فرو رفتن زمین و افتادن کوه که موجب ترس اکثر مردم شود، بنا بر احتیاط مستحب نماز آیات ترک نشود. (۵) (مکارم :) چهارم : صاعقه و بادهای سیاه و سرخ و هر گونه حوادث خوفناک آسمانی در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بلکه برای حوادث خوفناک زمینی نیز اگر موجب وحشت بیشتر مردم شود، احتیاط واجب آن است که نماز آیات بخوانند.

[مسأله ۱۴۹۲ اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است]

مسأله ۱۴۹۲ اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند، (۱) مثلًا اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخواند. (۱) (مکارم :) مثل این که چند بار زلزله شود یا گرفتن خورشید با زلزله همراه گردد. امّا اگر در بین نماز آیات این امور واقع شود، همان یک نماز آیات کافی است .

(فاضل :) مثلًا اگر دو بار زلزله بشود باید دو نماز آیات بخواند. و همین طور اگر دو تا از آنها اتفاق بیفتد یعنی هم خورشید بگیرد و هم زلزله شود.

[مسأله ۱۴۹۳ کسی که چند نماز آیات بر او واجب است]

مسأله ۱۴۹۳ کسی که چند نماز آیات بر او واجب است ، اگر همه آنها برای یک چیز بر او واجب شده باشد، مثلًا سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است (۱)، موقعی که قضای آنها را می خواند، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها باشد (۲) و هم چنین است اگر چند نماز برای رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها بر او واجب شده باشد، ولی اگر برای آفتاب گرفتن و ماه گرفتن و زلزله ، یا برای دو تای اینها نمازهایی بر او واجب شده باشد بنا بر احتیاط واجب ، باید موقع نیت ، معین کند نماز آیاتی را که می خواند برای کدام یک آنها است (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (نوری :) یا برای چند چیز باشد مثلًا برای آفتاب گرفتن و ماه گرفتن و زلزله نمازهایی بر او واجب شده باشد .. (۲) (نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (صافی :) اگر موقع نیت معین کند نماز آیاتی را که می خواند برای کدام یک آنها است موافق با احتیاط عمل کرده است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله کسی که قضای چند نماز آیات بر او واجب است ؛ چه همه آنها برای یک چیز بر او واجب شده باشد، مثلًا سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است ، چه برای چند چیز باشد مثلًا برای آفتاب گرفتن و

ماه گرفتن و زلزله نمازهایی بر او واجب شده باشد، موقعی که قضای آنها را می خواند لازم نیست معیّن کند که برای کدامیک آنها می باشد.

(زنجانی :) مسأله کسی که چند نماز آیات بر او واجب است ، اگر آن نمازهای آیات احکام

یکسان داشته باشند، مانند: قضای نمازهایی که برای خورشید گرفتگی های متعدد خوانده می شود لازم نیست که در نیّت معین کند که برای کدام یک نماز می خواند و اگر نمازهایی بر عهده کسی باشد که احکام متفاوتی داشته باشد؛ مثلًا یکی قضای خورشید گرفتگی باشد که لازم نیست فوراً به جا آورده شود، و یکی برای زلزله است که فوریت دارد؛ یا یکی ادا و دیگری قضا باشد، باید موقع نیت معین کند که نماز آیاتی که می خواند برای کدام یک از آنها است .

(مکارم :) مسأله لازم نیست تعیین کند نمازی که می خواند، برای کدامیک از این حوادث است که رخ داده ، همین اندازه که نیّت آن چه بر او واجب است بکند، کافی است .

[مسأله ۱۴۹۴ چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است]

مسأله ۱۴۹۴ چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است ، (۱) در هر شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست (۲)، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آنها هم واجب است . (۱) (خوئی ، مکارم ، سیستانی ، بهجت ، زنجانی :) در هر جایی اتفاق بیفتد (سیستانی : و احساس شود) فقط مردم همان جا باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست (بهجت : اگر چه از توابع یکدیگر و به یک اسم معروف باشند). (۲) (تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(نوری :) در هر شهری یا نقطه دیگری اتفاق بیفتد، مردم همان شهر و آن نقطه باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست . [پایان مسأله]

[مسأله ۱۴۹۵ از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند]

مسأله ۱۴۹۵ از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند انسان باید نماز آیات را بخواند (۱) و بنا بر احتیاط واجب (۲) باید (۳) به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند. (۱) (فاضل :) و بنا بر أقوی وقت آن تا زمانی است که همه آن باز نشده باشد ..

(نوری :) و بنا بر احتیاط واجب باید از وقتی که شروع به باز شدن می کند تأخیر نیندازد. (۲) (اراکی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه بهجت نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی :) بهتر این است که ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند، انسان می تواند نماز آیات را بخواند و باید به قدری تأخیر نیندازد که تمام قرص باز شود (صافی : بلکه أحوط آن است که از قبل از شروع در باز شدن تأخیر نیندازد).

(سیستانی :) مسأله وقت شروع در نماز آیات برای کسوف و خسوف موقعی است که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند و تا زمانی که به حالت طبیعی برنگشته ادامه دارد، (اگر چه بهتر آن است که به قدری تأخیر نیندازند که شروع به باز شدن کند) ولی تمام کردن نماز آیات را می توان تا بعد از باز شدن خورشید یا ماه تأخیر انداخت .

(زنجانی :) مسأله وقت ادای نماز آیات در خورشید یا ماه گرفتگی ، از وقتی است که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند و تا وقتی که کاملًا باز شود ادامه دارد، لکن بنا بر احتیاط مستحب به قدری به تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

(مکارم :) مسأله در موقع گرفتن خورشید یا ماه ، وقت نماز آیات از موقعی است که شروع به گرفتن کرده و تا زمانی که کاملًا باز نشده ادامه دارد ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از شروع به باز شدن نماز را بخواند.

[مسأله ۱۴۹۶ اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد]

مسأله ۱۴۹۶ اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، باید نیت ادا و قضا نکند (۱) ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن ، نماز بخواند باید نیت قضا نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) نیّت ادا مانعی ندارد ..

(سیستانی :) نیت ادا مانعی ندارد، ولی بعد از باز شدن تمام آن ، نماز قضا می شود.

(بهجت ، فاضل ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب باید نیّت ادا و قضا نکند ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب نیت ادا و قضا ننماید؛ و بعد از باز شدن تمام آن ، نماز قضا می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر خوانـدن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که تمام قرص آفتاب یا ماه باز شود و بعد از باز شدن تمام آن نماز بخواند، باید نیّت قضا نماید و قبل از باز شدن تمام آن ، ادا است .

[مسأله ۱۴۹۷ اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه]

مسأله ۱۴۹۷ اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه بیشتر از خواندن یک رکعت باشد ولی انسان نماز را نخواند، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد باید نیت ادا کند (۱) بلکه اگر مدت گرفتن آنها به اندازه خواندن یک رکعت هم باشد بنا بر احتیاط واجب (۲) باید نماز آیات را بخواند و ادا است . این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) تا وقتی که به اندازه خواندن یک رکعت به وقت ِ باز شدن مانده باشد، باید نیت ادا کند. [پایان مسأله] (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه به اندازه خوانـدن یک رکعت نماز باشد، نمازی را که می خواند ادا است و هم چنین است اگر مدّت گرفتن آنها بیشتر باشد ولی انسان نماز را نخوانـد تا به انـدازه خوانـدن یک رکعت به باز شـدن تمام قرص مانـده باشد، ولی اگر مدّت گرفتن ماه یا خورشـید به

اندازه خواندن یک رکعت نباشد، بنا بر احتیاط نیّت ادا و قضا نکند و به قصد ما فی الذّمه نماز را به جا آورد.

(سیستانی :) یا کمتر ..

(سیستانی :) به اندازه خواندن یک رکعت یا کمتر به آخر وقت آن مانده باشد. [پایان مسأله]

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر مدّت گرفتن خورشید یا ماه به اندازه خواندن یک رکعت نماز یا کمتر باشد، وجوب نماز آیات در این صورت مبنی بر احتیاط است و اگر مدّت گرفتن آنها بیشتر باشد ولی انسان نماز را نخواند، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد، در این صورت نماز آیات واجب و ادا است .

(زنجانی :) مسأله اگر مدّت گرفتن خورشید یا ماه به اندازه نماز آیات باشد، باید نماز آیات به جا آورد، و تا زمانی که از گرفتن ماه یا خورشید به مقدار خواندن یک رکعت وقت باقی است ، نماز ادا است و بعد از آن نماز قضا می شود، و اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه کمتر از نماز آیات باشد، بنا بر احتیاط نماز آیات را بخواند و نیت ادا و قضا ننماید، هر چند بعد از باز شدن خوانده شود.

[مسأله ۱۴۹۸ موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد]

مسأله ۱۴۹۸ موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد، انسان باید (۱) فوراً نماز آیات را بخواند (۲) و اگر نخواند معصیت کرده (۳) و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است . (۱) (زنجانی :) مکلف باید .. (۲) (خوئی ، زنجانی :) به نحوی که در نظر مردم تأخیر محسوب نشود و اگر (زنجانی : بدون عذر) تأخیر کرد، معصیت کرده (زنجانی : و باید هر چه زودتر بخواند) و بنا بر احتیاط وقت خواندن ، نیّت ادا و قضا نکند. (۳) (مکارم :) و احتیاط مستحب آن است که تا آخر عمر هر وقت توانست بخواند.

(تبریزی :) مسأله در نماز آیات برای زلزله یا رعد و برق و بادهای سیاه و مانند آنها لازم است مکلّف نماز آیات را فوراً بخواند و چنانچه تأخیر بیندازد، أحوط آن است که به قصد ما فی الذّمّه بیاورد و قصد اداء و قضا نکند.

(سیستانی :) مسأله موقعی که زلزله می آید یا رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد و بخواهد احتیاط کند اگر وقتشان وسعت داشته باشد لازم نیست نماز آیات را فوراً بخواند و در غیر این صورت مانند زلزله باید فوراً آن را بخواند به نحوی که در نظر مردم تأخیر محسوب نشود و اگر تأخیر کرد، احتیاط مستحب آن است که بعداً بدون نیّت ادا و قضا بخواند.

[مسأله ۱۴۹۹ اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده]

مسأله ۱۴۹۹ اگر بعد از (۱) باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده ، باید قضای نماز آیات را بخواند. ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست (۲). (۱) (خوئی ، سیستانی :) اگر گرفتن آفتاب یا ماه را نداند و بعد از ..

(زنجانی :) اگر هنگام گرفتن خورشید یا ماه ، گرفتن آنها را نداند و بعد از .. (۲) (زنجانی :) و کسی که در موقع گرفتن خورشید یا ماه نماز آیات را عمداً نخوانده باشد، در صورتی که تمام ماه یا خورشید گرفته باشد بنا بر احتیاط واجب می باید

برای قضای نماز آیات غسل نموده و نماز بخواند و نماز قضا بدون غسل باطل است .

[مسأله ۱۵۰۰ اگر عدّه ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است]

مسأله ۱۵۰۰ اگر عدّه ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است چنانچه انسان از

گفته آنـان یقین پیـدا نکنـد و نماز آیات نخوانـد و بعـد معلوم شود راست گفته انـد (۱)، در صورتی که تمـام خورشـید یا ماه گرفته باشـد باید نماز آیات را بخواند (۲). و اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست بگوینـد خورشـید یا ماه گرفته ، بعد معلوم شود که عادل بوده انـد بایـد نماز آیات را بخواند (۳) بلکه اگر (۴) معلوم شود که مقـداری از آن گرفته احتیاط واجب آن است که نماز آیات را بخوانـد. (۱) (بهجت :) و یا این که دو نفر که عادل بودن آنها معلوم نیست شـهادت بدهنـد و عادل بودن آنهـا ثابت نشود و انسان نماز آیات نخوانـد و بعـد معلوم شود که عادل بوده انـد .. (۲) (گلپایگـانی ، صافی :) بلکه اگر مقـداری از آن هم گرفته باشـد، بنـا بر احتیاط مسـتحب نماز آیات را بخوانـد و هم چنین است اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست ، بگویند خورشید یا ماه گرفته ، بعد معلوم شود که عادل بوده اند.

(بهجت :) بلکه اگر معلوم شود که مقـداری از آن گرفته ، احتیـاط در آن است که نمـاز آیـات را بخوانـد. (مکـارم :) و گر نه واجب نیست .

(نـوری :) ولی اگر مقـداری از آن گرفته باشـد خوانـدن نمـاز آیـات بر او واجب نیست و هم چنین است اگر دو نفر که عـادل بودن آنان معلوم نیست بگوینـد خورشـید یا ماه گرفته ، بعـد معلوم شود که عادل بوده اند. (۳) (اراکی :) ولی اگر معلـوم شود که مقداری از آن گرفته ، در هر دو صورت احتیاط مستحب آن است که نماز آیات را بخواند. (۴) (فاضل :) بلکه اگر در هر دو صورت ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله اگر عدّه ای (خوئی ، تبریزی : که اطمینان به گفتار آنها نباشد،) بگویند که خورشید یا ماه گرفته است چنانچه انسان از گفته آنان یقین یا اطمینان شخصی پیـدا نکنـد (خوئی : و در آن اشـخاص شخصـی که ثقه باشد، نباشـد) و نمـاز آیـات نخوانـد و بعـد معلوم شود راست گفته انـد، در صورتی که تمـام خورشـید یـا ماه گرفته باشـد (تبریزی ، سیسـتانی : بایـد) نماز آیات را بخوانـد ولی اگر مقـداری از آن گرفته باشد، خواندن نماز آیات بر او واجب نیست و هم چنین است اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست ، بگویند: خورشید یا ماه گرفته ، بعد معلوم شود که عادل بوده اند.

(زنجانی :) مسأله اگر عـده ای بگوینـد که خورشـید یا ماه گرفته است ، چنانچه گفته آنان موجب اطمینان نباشـد و نماز آیات نخوانـد و بعـد مطمئن شود راست گفته اند، در صورتی که تمام خورشـید یا ماه گرفته باشد، باید نماز آیات بخواند، بلکه اگر مقـداری از آن هم گرفته باشـد، بنـا بر احتیـاط خوانـدن نماز آیات بر او واجب است ، و هم چنین است اگر یک نفر که عادل بودن او معلوم نیست بگویـد: خورشـید یا ماه گرفته و گفته او موجب اطمینان نشود و بعـد معلوم شود که خورشـید گرفته بوده است .

[مسأله ۱۵۰۱ اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی]

مسأله ۱۵۰۱ اگر انسان به گفته (۱) کسانی که از روی قاعـده علمی وقت گرفتن خورشـید و ماه را می دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته ،

بنا بر احتیاط واجب (۲) باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می گیرد و فلان مقدار طول می کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، بنا بر احتیاط واجب (۳) باید به حرف آنان عمل نماید (۴)، مثلًا اگر بگویند آفتاب فلان ساعت شروع به باز شدن می کند احتیاطاً باید نماز را تا آن وقت تأخیر نیندازد (۵). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) اگر انسان به گفته منجّمین و .. (۲) و (۳) - [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، فاضل ، صافی و سیستانی نیست] (۴) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۵) (گلپایگانی ، صافی :) اگر بگویند آفتاب فلان ساعت باز می شود باید نماز را تا آن وقت تأخیر نیندازد. (فاضل :) نباید نماز را تا آن وقت تأخیر بیندازد.

(نوری :) احتیاطاً باید نماز را از آن وقت تأخیر نیندازد.

(مکارم :) مسأله اگر از گفته منجّمین و اشخاصی که از این امور اطّلاع دارند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته ، باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می گیرد و فلان مقدار طول می کشد و به گفته آنها اطمینان پیدا کند، باید وقت را رعایت کند.

(زنجانی :) مسأله انسان از هر راهی اطمینان پیدا کند که یکی از موجبات نماز آیات به وقوع پیوسته ، باید نماز آیات بخواند، بنا بر این اگر انسان از گفته کسانی که از روی قاعده علمی می گویند فلان وقت خورشید یا ماه گرفته ، یا می گیرد و فلان مقدار طول می کشد، اطمینان پیدا کند، باید به حرف آنها عمل نماید.

[مسأله ۱۵۰۲ اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده باطل بوده]

مسأله ۱۵۰۲ اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده (۱) باطل بوده ، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (سیستانی :) اگر بفهمد نماز آیاتی که برای آفتاب گرفتگی یا ماه گرفتگی خوانده ..

[مسأله ۱۵۰۳ اگر در وقت نماز یومیه ، نماز آیات هم بر انسان واجب شود]

مسأله ۱۵۰۳ اگر در وقت نماز یومیه ، نماز آیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد (۱)، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد. و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد (۲)، باید (۳) اول آن را بخواند و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخواند. (۱) (زنجانی :) و خواندن هیچ یک از آنها فوریت ندارد .. (۲) (زنجانی :) یا خواندن آن فوریت داشته باشد مانند نماز آیات به جهت زلزله .. (۳) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست]

[مسأله ۱۵۰۴ اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است]

مسأله ۱۵۰۴ اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است (۱)، چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند بعد نماز آیات را بخواند (۲). و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید (۳) آن را بشکند و اول نماز آیات ، بعد نماز یومیه را به جا آورد. (۱) (زنجانی :) یا نماز آیات فوری بر عهده اوست ..

(۲) (زنجانی :) و الّا باید آن را بشکند، و اول ، نماز آیات ، بعد نماز یومیه را به جا آورد. (۳) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی و سیستانی نیست]

[مسأله ۱۵۰۵ اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است]

مسأله ۱۵۰۵ اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است ، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آن که نماز را تمام کرد پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.

[مسأله ۱۵۰۶ اگر در حال حیض یا نفاس زن ، آفتاب یا ماه بگیرد]

مسأله ۱۵۰۶ اگر در حال حیض یا نفاس زن ، آفتاب یا ماه بگیرد (۱) و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می شوند در حال حیض یا نفاس باشد نماز آیات بر او واجب نیست (۲) و قضا هم ندارد. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) یا رعد و برق و مانند اینها اتّفاق بیفتد، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

(سیستانی :) یا زلزله اتفاق بیفتد، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد. (۲) (فاضل :) ولی بنا بر احتیاط واجب پس از پاك شدن قضا نماید. و هم چنین اگر زلزله یا سایر آیات پدید آمد، بنا بر احتیاط واجب پس از پاك شدن نماز آیات را به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله نماز آیات بر حائض و نفساء در حال حیض یا نفاس واجب نیست ولی بعد از پاك شدن بنا بر احتیاط لازم باید (صافی : بنا بر احتیاط مستحب آن را) به جا آورد و در گرفتن ماه و خورشید بنا بر احتیاط نیّت ادا و قضا نکند ولی در غیر این دو نیّت ادا کند.

(زنجانی :) مسأله حائض و نفساء، نمی توانند نماز آیات بخوانند و اگر در حال حیض یا نفاس زن ، خورشید یا ماه بگیرد، پس اگر هنگام کسوف یا خسوف خبردار شده است ، بنا بر احتیاط واجب ، باید قضا نماید و اگر خبردار نشد و کسوف یا خسوف کلی بود، بنا بر احتیاط واجب ، قضا دارد و الّا، قضا واجب نیست . و اگر در حال حیض یا نفاس ، زلزله یا رعد و برق و مانند اینها اتفاق بیفتد، بنا بر احتیاط واجب ، باید بعد از پاك شدن ، نماز آیات را بخواند.

دستور نماز آیات

[مسأله ۱۵۰۷ نماز آیات دو رکعت است]

مسأله ۱۵۰۷ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن است که (۱) انسان بعد از نیت ، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام هد. (۱) (زنجانی :) به چند شکل می توان آن را به جا آورد: یکی از شکلهای آن این است که ..

[مسأله ۱۵۰۸ در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد]

مسأله ۱۵۰۸ در نماز آیات ممکن است انسان (۱) بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر (۲) از آن را بخواند و به رکوع رود (۳) و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع

رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نمایـد، مثلًا به قصـد سوره «قُل هو اللّه احـد»،ئ کما ئ کما لا «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ» بگویـد (۴) و به رکوع رود، بعـد بایستد و بگویـد «قُـل هُوَ اللّه ُ أَحَـدٌ» دوبـاره به رکوع رود و بعـد از رکوع بایستد و بگوید «اللّه ُالصَّمَدُ» باز به رکوع رود و بایستد و بگوید «لَم یَلِد وَ لَم یُولَد» و برود به رکوع باز هم سر بردارد و بگوید «وَ لَم یَکُن لَه ُ کُفُواً أَحَـدٌ» (۵) و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سـر برداشـتن ، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سـجده دوم تشـهد بخواند و نماز را سـلام دهد (۶). (۱) (زنجانی :) شـکل دیگر خواندن نماز آیات این است که انسان .. (۲) (خوئی ، گلپایگـانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی :) یک آیه یا کمتر یا بیشتر .. (۳) (سیستانی :) یک آیه یا بیشتر از آن را بخوانـد بلکه کمتر از یک آیه را نیز می توانـد بخوانـد، ولی بایـد بنا بر احتیاط، جمله تامّه باشد و از اوّل سوره شـروع کنـد و به گفتن «بسم اللّه » اکتفا نکند و سـپس به رکوع رود .. (۴) (مکارم :) بعـد از نیت و تکبیر و خواندن حمـد، آیه های یک سوره را پنج قسـمت کند و یک قسمت از آن را بخواند و به رکوع رود بعد سـر بردارد و قسمت دوّم از همان سوره را (بدون حمد) بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید و بعد به رکوع رود و رکعت دوّم را هم به همین صورت به جا آورد، مثلًا سوره قل هو اللّه أحد را به ترتیب زیر تقسیم کند: قبل از رکوع اوّل بسم اللّه الرحمن الرحیم بگوید .. (۵) (سیستانی :) مثلًا در سوره فلق اوّل «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ قُل أَعُوذُ بِرَبِ ِّالفَلَقِ» بگوید و به رکوع رود بعد بایستد و بگوید «مِن شَـرِّ ما خَلَقَ » دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید «وَ مِن شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ » باز به رکوع رود و بایستد و بگوید «وَ مِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی العُقَدِ» و برود به رکوع باز هم سر بردارد و بگوید «وَ مِن شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ» ..

(تبریزی :) مثلًا به قصد سوره «قل هو اللّه أحد»، «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ قُل هُوَ اللّه ُ أَحَدٌ» بگوید و به رکوع رود بعد بایستد و بگویـد «اللّه ُالصَّمَدُ» دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید «لَم یَلِد» باز به رکوع رود و بایسـتد و بگوید «وَ لَم یُولَـد» و برود به رکوع باز هم سـر بردارد و بگوید «وَ لَم یَکُن لَه ُ کُفُواً أَحَدٌ» .. (۶) (خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی ، نوری :) و نیز جـایز است که به کمتر از پنـج قسـمت تقسیم نمایـد لکن هر وقت سوره را تمام کرد، لازم است حمـد را قبل از رکوع بعـدی بخواند (تبریزی : و بنا بر احتیاط لازم با بسمله تنها رکوع نکند).

(زنجـانی :) [و] شـکل دیگر نماز آیات آن است که سوره را به کمتر از پنـج قسـمت تقسـیم کنـد، لکن هر وقت سوره را تمام کرد، لازم است حمد را بخواند، و سپس تمام یا بعضی از سوره را به شکلی که اشاره شد، بخواند و سپس به رکوع رود.

[مسأله ۱۵۰۹ اگر در یک رکعت از نماز آیات ، پنج مرتبه حمد و سوره بخواند]

مسأله ۱۵۰۹ اگر در یک رکعت از نماز آیات ، پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند (۱) مانعی ندارد (۲). (۱) (زنجانی :) پنج قسمت یا کمتر کند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) اشکال ندارد.

[مسأله ۱۵۱۰ چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است]

مسأله ۱۵۱۰ چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است در نماز آیات هم واجب و مستحب می باشد ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه به قصد امید ثواب ، بگویند « الصلاه » (۱). (۱) (بهجت :) و مستحب است نماز آیات را به جماعت بخوانند و در این صورت ، مثل نمازهای یومیّه ، قرائتهای نماز را امام می خواند و مستحب است قرائت این نماز را حتّی در آفتاب گرفتگی بلند بخوانند. (گلپایگانی :) سه مرتبه بگوید: « الصلاه ».

(خوئی ، تبریزی :) در نماز آیات در صورتی که با جماعت باشد، مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه بگویند: «الصّلاه» و در غیر جماعت چیزی نیست .

(مکارم :) در نماز آیات اذان و اقامه نیست و به جای آن سه مرتبه به امید ثواب «الصّلاه» می گوید.

(سیستانی :) در نماز آیات در صورتی که با جماعت باشد، می توانند رجاءً به جای اذان و اقامه سه مرتبه بگویند: «الصّلاه» و در غیر جماعت چیزی نیست ، ولی مشروعیت جماعت در نماز آیات در غیر گرفتن ماه و خورشید ثابت نیست .

(صافی :) در نماز آیات در صورتی که به جماعت باشد استحباب گفتن سه مرتبه « الصلاه » بعید نیست .

(زنجانی :) در نماز آیات ، اذان و اقامه مشروع نیست بلکه اگر با جماعت بخوانند مستحب است سه مرتبه بگویند: الصلاه .

[مسأله ۱۵۱۱ مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید]

مسأله ۱۵۱۱ مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید: «سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَه » و نیز پیش از هر رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید ولی بعد از رکوع پنجم و دهم ، گفتن تکبیر مستحب نیست (۱). (۱) (فاضل :) بعد از رکوع پنجم و دهم ، گفتن تکبیر به عنوان بعد از رکوع مستحب نیست ولی مستحب است به قصد قبل از سجده تکبیر بگوید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله مستحب است پیش از رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید و بعد از رکوع پنجم و دهم قبل از تکبیر «سمع اللّه لمن حمده » نیز بگوید.

(سیستانی :) بعد از رکوع پنجم و دهم ، تکبیر مستحب نیست بلکه مستحب است بگوید «سمع اللّه لمن حمده ».

(مکارم :) مسأله مستحب است در هر رکعت قبل از خم شدن برای سجده «سمع اللّه لمن حمده » و «اللّه أکبر» بگوید و نیز قبل از هر رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید.

[مسأله ۱۵۱۲ مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند]

مسأله ۱۵۱۲ مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم (۱) بخواند کافی است . (۱) (بهجت :) و یا دو قنوت ، پیش از رکوع پنجم و دهم ..

(مکارم :) مسأله مستحب است قبل از رکوع دهم قنوت بخواند.

[مسأله ۱۵۱۳ اگر در نماز آیات شک کند]

اشاره

مسأله ۱۵۱۳ اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد نماز باطل است .

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۵۲۶ چنانچه گمان به عدد رکعات و یا افعال در نماز آیات برایش پیدا شود باید به گمان عمل نماید.

[مسأله ۱۵۱۴ اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است]

مسأله ۱۵۱۴ اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است . ولی اگر (۱) مثلًا شک کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع ، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده (۲)، باید رکوعی را که شک دارد به جا آورده یا نه ، به جا آورد. و اگر برای رفتن به سجده خم شده (۳)، باید به شک خود اعتنا نکند. (۱) (زنجانی :) ولی اگر بداند در کدام رکعت است و در عدد رکوع شک کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه شک او پیش از رسیدن به سجده بوده ..

(سیستانی :) چنانچه شک او پیش از خم شدن برای سجده باشد ..

(بهجت :) چنانچه هنوز به سجده نرفته .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) ولی اگر به سجده رسیده باشد ..

(بهجت :) اگر به سجده رفته ..

(مکارم :) مسأله اگر در عدد رکوع ها شک کند، بنا بر کمتر می گذارد و اگر از محل ّ گذشته یعنی وارد سجده شده باشد، اعتنا نمی کند.

[مسأله ۱۵۱۵ هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است]

مسأله ۱۵۱۵ هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتباهاً کم یا زیاد شود نماز باطل است . (سیستانی :) مسأله هر یک از رکوعهای نماز آیات رکن است که اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل است و هم چنین است اگر اشتباهاً

کم شود و یا بنا بر احتیاط اشتباهاً زیاد شود.

(زنجانی :) مسأله اگر یکی از رکوعهای نماز آیات عمداً یا اشتباهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است .

نماز آیات (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۷۱۱ نماز آیات چیست]

س ۷۱۱: نماز آیات چیست و علت شرعی وجوب آن کدام است ؟

ج : نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و اسباب شرعی وجوب آن عبارت است از : کسوف خورشید و خسوف ماه ، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود؛ زلزله و هر حادثه غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود مانند بادهای سیاه یا سرخ و یا زرد که غیر عادی باشند؛ تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و ریختن کوه ، صیحه آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می شود. در غیر از کسوف و خسوف و زلزله ، باید آن حادثه موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه ای که ترس آور نباشد و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری گردد، اعتبار ندارد.

[س ۷۱۲ نماز آیات]

س س ۷۱۲: نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

ج : به چند صورت می توان آن را به جا آورد: صورت اول : بعد از نیت و تکبیره الاحرام ، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دو باره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد. صورت دوم : بعد از نیت و تکبیره الاحرام ، حمد و یک آیه از سوره ای را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره ای که پیش از هر رکوع ، یک آیه از آن را قرائت کرده ، قبل از رکوع آخر تمام شود. سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود، و پس از اتمام دو سجده ، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه ای از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره ای اکتفا کند، نباید سوره حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند. صورت سوم : یکی از رکعتها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر به جا آورد. صورت چهارم : سوره ای را که آیه ای از آن را در قیام پیش از رکوع اول خوانده ، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید، که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع ، سوره حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا آیه ای از آن را اگر پیش از رکوع سوم یا چهارم است ، قرائت کند، و در این صورت واجب است که آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

[س ۷۱۳ وجوب نماز آیات]

س ۷۱۳: آیا وجوب نماز آیات اختصاص به کسانی دارد که در شهر وقوع حادثه هستندو یا شامل همه مکلفینی که از آن مطلع شده اند هر چند در آن شهر نباشند نیز می شود؟

ج : وجوب آن مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه هستند و کسی هم که در شهر متصل به شهری که حادثه در آن رخ داده ، به طوری که مانند یک شهر محسوب شوند، زندگی می کند، حکم آنها را دارد.

[س ۷۱۴ اگر شخصی هنگام وقوع زلزله بیهوش باشد]

س ۷۱۴: اگر شخصی هنگام وقوع زلزله بیهوش باشد و بعد از وقوع آن به هوش آید، آیا نماز آیات بر او واجب است ؟

ج : اگر علم به وقوع زلزله پیدا نکند تا این که زمان متصل به وقت وقوع آن بگذرد، خواندن نماز آیات واجب نیست ، اگر چه احتیاط آن است که به جا آورد.

[س ۷۱۵ بعد از وقوع زلزله در منطقه ای]

س ۷۱۵: بعد از وقوع زلزله در منطقه ای ، غالباً در مدت کمی دهها پس لرزه رخ می دهد، حکم نماز آیات در این موارد چیست ؟

ج : هر زلزله ای ، چه شدید و چه خفیف ، اگر زلزله مستقلی محسوب شود، نماز آیات جداگانه ای دارد.

[س ۷۱۶ اگر مرکز زلزله نگاری ، وقوع لرزشهای خفیف زمین را]

س ۷۱۶: اگر مرکز زلزله نگاری ، وقوع لرزشهای خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه ای که ما زندگی می کنیم ، اعلام نماید، ولی ما اصلًا آنها را احساس نکنیم ، آیا در این حالت نماز آیات بر ما واجب می شود یا خیر؟

ج : اگر هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن ، خودتان آن را احساس نکنید، نماز آیات بر شما واجب نیست .

نماز عید فطر و قربان

[نماز عید فطر و قربان از رساله حضرت امام]

[مسأله ۱۵۱۶ نماز عید فطر و قربان]

اشاره

مسأله ۱۵۱۶ نماز عیـد فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السـلام واجب است و بایـد به جماعت خوانـده شود و در زمان ما که امام علیه السـلام غایب است ، مستحب می باشد (۱) و احتیـاط واجب آن است که آن را به جماعت نخواننـد (۲)، ولی به قصـد رجاء مانع نـدارد، و چنانچه ولیِّ فقیه یا مأذون از طرف او اقامه جماعت نماید اشـکال ندارد. (۱) (بهجت :) بنا بر اظهر. [پایـان مسأله] (۲) (اراکی ، گلپایگـانی ، خـوئی ، فاضـل ، نـوری ، سیسـتانی ، تـبریزی ، مکـارم ، صـافی :) می شـود آن را به جماعت یا فرادی خواند. (صافی : ولی احتیاط این است که به جماعت آن را رجاءً بخواند).

(زنجـانی :) بنـا بر احتیـاط، آن را به جمـاعت نخواننـد (برخی از مسائـل آینـده که در باره جماعت است ، بر فرض مشـروعیت جماعت می باشد).

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۲۳۳ محـل دو خطبه در نمـاز عیـد فطر و قربان ، بعـد از نماز است . و هر خطبه بنا بر أحوط بایـد مشتمل بر همـان چیزهـایی باشـد که خطبه جمعه ، مشـتمل بر آن است یعنی : حمـد و ثنای الهی و شـهادتین و سـفارش به تقوی و قرائت سوره کوتاه قرآن و نشستن امام بین دو خطبه .

(بهجت :) مسأله ۱۲۳۴ در صورتی که عیـد فطر، بعـد از ظهر ثابت شود، بعید نیست که نماز عید فطر به جماعت در فردای آن روز، بعد از طلوع آفتاب و قبل از ظهر، به امید مطلوبیّت ، بدون قصد قضا مستحب باشد.

[مسأله ۱۵۱۷ وقت نماز عید فطر و قربان]

مسأله ۱۵۱۷ وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.

[مسأله ۱۵۱۸ مستحب ّاست نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند]

مسأله ۱۵۱۸ مستحب ّاست نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند (۱) و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، (۲) بعد نماز عید را بخوانند. (۱) (زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و بعد از آن ، قربانی کنند و از گوشت قربانی قدری بخورند .. (۲) (صافی :) یا جدا نمایند ..

(گلپایگانی :) به احتیاط لازم زکات فطره را هم بدهند یا جدا نمایند ..

[مسأله ۱۵۱۹ نماز عید فطر و قربان دو رکعت است]

مسأله ۱۵۱۹ نماز عیـد فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره ، باید (۱) پنج تکبیر بگوید (۲) و بعـد از هر تکبیر یک قنوت بخوانـد و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سـجده به جا آورد و برخیزد و در

رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام هد. (۱) (بهجت :) بنا بر أحوط .. (۲) (زنجانی :) نماز عید فطر و قربان اذان و اقامه ندارد و دو رکعت است در رکعت اول بعد از خواندن حمد مستحب است سوره بخواند و بعد باید پنج تکبیر بگوید ..

(سیستانی :) مسأله نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره سه تکبیر بگوید و بهتر آن است که در رکعت اول پنج تکبیر بگوید و میان هر دو تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از تکبیر پنجم ، تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و میان هر دو تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از تکبیر چهارم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

[مسأله ۱۵۲۰ در قنوت نماز عید فطر و قربان]

مسأله ۱۵۲۰ در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکری بخوانند کافی است ولی بهتر است این دعا را به قصد امید ثواب بخوانند (۱): «اللّهُمَّ اهلَ الکِبریاءِ وَ العَظَمَهِ وَ اهلَ الجُودِ وَ الجَبَروتِ وَ اهلَ العَفوِ وَ الرَّحمَهِ وَ اهلَ التَّقوی وَ المَغفِرَهِ اسأَلُکَ بِحَقِ هذا الیَومِ الَّذِی جَعَلتَهُ لِلمُسلِمینَ عیداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ (۲) ذُخراً وَ شَرَفاً وَ کَرامَهً وَ مَزیداً ان تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ان تُدخِلَنی فی کُلِ خَیرٍ أَدخَلتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ ان تُخرِجَنِی مِن کُلِ سُوءٍ اخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً و آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم اللّهُمَّ إِنِّی اسأَلُکَ خَیرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصَّالِحُونَ وَ اعُوذُ بِکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلَصُونَ». (۱) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، سیستانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) بهتر است این دعا را بخوانند: .. (۲) (زنجانی :) ذُخراً وَ مَزیداً أَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَن تُدخِلَنِی فِی کُلِ خَیرٍ أَدخَلتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ و أَن تُخرِجَنِی مِن کُلِ شَرٍّ أَخرَجتَ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم . اللّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُکَ خَیرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ، وَ أَعُوذُ بِکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبَادُکَ الصّالِحُونَ.

[مسأله ۱۵۲۱ مستحب است در نماز عید فطر و قربان]

اشاره

مسأله ۱۵۲۱ مستحب است در نماز عید فطر و قربان قرائت را بلند بخوانند. (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۲۵.

(مکارم :) مسأله مستحب است در نماز عید فطر و قربان امور زیر را به امید ثواب پروردگار رعایت کند: ۱ قرائت نماز عید را بلند بخواند.

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، زنجانی :) مساله (۵۳۰) (۱) (نوری :) مسأله ۱۵۲۱ در زمان غایب بودن امام علیه السلام مستحب است بعد از نماز عید فطر و قربان دو خطبه بخوانند و بهتر آن است که در خطبه عید فطر احکام زکات فطره و در خطبه عید قربان احکام قربانی را بگویند.

(سیستانی :) در زمان غائب بودن امام علیه السلام اگر نماز عید فطر و قربان به جماعت خوانده شود، احتیاط لازم آن است که بعد از آن دو خطبه بخوانند ..

[عبارت «بهتر آن است که » در رساله آیت اللّه نوری نیست] (مکارم :) مسأله ۱۳۱۰ مستحب است بعد از نماز دو خطبه بخواند که با خطبه های نماز جمعه تفاوتی ندارد، تنها تفاوتش در این است که در نماز جمعه قبل از نماز و در نماز عید بعد از نماز خوانده می شود (و این خطبه در صورتی است که نماز را با جماعت بخواند).

[مسأله ۱۵۲۲ نماز عید سوره مخصوصی ندارد]

مسأله ۱۵۲۲ نماز عید سوره مخصوصی ندارد ولی بهتر است که در رکعت اول آن سوره شمس «سوره (۹۱)» و در رکعت دوم سوره غاشیه «سوره (۸۸)» (۱) را بخوانند (۲) یا در رکعت اول سوره سبح اسم «سوره (۸۷)» و در رکعت دوم سوره شمس «سوره (۹۱)» (۳) را بخوانند. (۱) (بهجت :) و یا به عکس .. (۲) (مکارم :) در رکعت اول سوره «سبّح اسم ربّك الأعلى » و در رکعت دوّم سوره «و الشّمس » بخواند. [پایان مسأله] (۳) (بهجت :) یا به عکس ..

[مسأله ۱۵۲۳ مستحب است روز عید فطر قبل از نماز عید]

مسأله ۱۵۲۳ مستحب است روز عید فطر قبل از نماز عید، به خرما افطار کند و در عید قربان از گوشت قربانی بعد از نماز قدری بخورد. این مسأله در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی و تبریزی نیست (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۱۸.

[مسأله ۱۵۲۴ مستحب است پیش از نماز عید غسل کند]

مسأله ۱۵۲۴ مستحب است پیش از نماز عید غسل کند و دعاهایی که پیش از نماز و بعد از آن در کتابهای دعا ذکر شده به امید ثواب بخواند (۱). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (نوری :) و مستحب است پیاده و پا برهنه و با وقار به نماز عید بروند و عمامه سفید بر سر بگذارند.

(اراکی :) مسأله مستحب است پیش از نماز عید غسل کند.

(گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله مستحب است پیاده و پا برهنه و با وقار به نماز عید بروند و پیش از نماز غسل کنند و عمامه سفیدی بر سر بگذارند.

[مسأله ۱۵۲۵ مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند]

مسأله ۱۵۲۵ مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند (۱) و نماز را بلند بخوانند (۲). (۱) (مکارم ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(۲) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) کسی که نماز عید می خواند، اگر امام جماعت است یا فرادی نماز می خواند نماز را بلند بخواند.

(سیستانی :) و حمد و سوره را بلند بخوانند، چه امام باشد چه منفرد.

[مسأله ۱۵۲۶ بعد از نماز مغرب و عشای شب عید فطر]

مسأله ۱۵۲۶ بعد از نماز مغرب و عشای شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر (۱) مستحب است این تکبیرها را بگوید: «اللّه ُأَکبَرُ اللّه ُأَکبَرُ لا ـ إِله َ الَّا اللّه ُو اللّه ُاکبَرُ اللّه ُأَکبَرُ وَ للّه ِ الحَمدُ اللّه ُأَکبَرُ عَلی ما هَدانا» (۲). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) بعد از نماز مغرب و عشای شب عید فطر و بعد از نماز صبح آن و بعد از نماز عید فطر (گلپایگانی ، صافی : بلکه بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز) ..

(زنجانی :) بعد از نماز مغرب و عشای شب عید فطر و بعد از نماز صبح آن و بعد از نماز عید فطر و نماز ظهر و نماز عصر روز عید فطر .. (۲) (زنجانی :) و استحباب این تکبیر در چهار نماز اول و پس از آن ، در نماز پنجم (نماز ظهر) بیشتر می باشد.

(فاضل :) بگوید: اللّه اکبر اللّه اکبر لا اله الا اللّه و اللّه اکبر و للّه الحمد اللّه اکبر علی ما هدانا.

(بهجت :) مسأله شب عید فطر بعد از نماز مغرب و عشا و روز عید بعد از نماز صبح و نیز بعد از نماز عید فطر، مستحب است این تکبیرها را بگوید: «اللّه ُاکبَرُ اللّه ُأَکبَرُ لا إِله َ إِلَّا اللّه ُو اللّه ُاکبَرُ وَ للّه ِ الحَمدُ عَلی ما هَدانا وَ الحَمدُ للّه ِ عَلی ما أَبلانا».

[مسأله ۱۵۲۷ مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز]

مسأله ۱۵۲۷ مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مسأله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید: «اللّه ُأَکبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِن بَهِیمَهِ الأنعام ِ وَ الحَمدُ لِلّه ِ عَلی ما ابلانا» (۱) ولی اگر عید قربان را در منی باشد، مستحب است (۲) بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی حجه است ، این تکبیرها را بگوید. (۱) (بهجت :) مستحب است در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است ، این تکبیرها را بگوید «اللّه اکبر، اللّه اکبر، لا ـ اله الا ـ اللّه و اللّه أکبر، اللّه أکبر و للّه الحمد، اللّه اکبر علی ما هدانا، اللّه أکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام » .. (۲) (زنجانی :) مستحب است تا از مِنی کوچ نکرده ..

[مسأله ۱۵۲۸ کراهت اقامه نماز عید در زیر سقف]

اشاره

مسأله ۱۵۲۸ کراهت دارد نماز عیـد را زیر سـقف بخواند (۱). (۱) (فاضل ، نوری :) [و] مسـتحب است نماز عیـد را در صـحرا بخوانند ولی در مکه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله مستحب است نماز عیـد را در صـحرا بخوانند ولی در مکّه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود.

(مکارم :) مسأله نماز عید را در فضای باز بخواند نه زیر سقف .

(بهجت :) مسأله مستحب است نماز عید را زیر آسمان بخواند.

مسائل اختصاصی

(گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، صافی :) مساله (۱۵۳۷) (سیستانی :) مسأله ۱۵۰۹ احتیاط مستحب آن است که زنها از رفتن به نماز عید خودداری کنند ولی این احتیاط برای زنهای پیر نیست .

(زنجانی :) مسأله ۱۵۳۷ مستحب ، بلکه مطابق احتیاط استحبابی ، است که زنها از رفتن به نماز عید خودداری کنند، ولی این امر برای پیر زنها نیست .

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی :) مسأله ۵۳۸ (۱) (سیستانی :) مسأله ۱۵۱۰ در نماز عید هم مثل نمازهای دیگر، مأموم باید غیر از حمد و سوره چیزهای دیگر نماز را خودش بخواند.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی :) مسأله ۱۵۳۹ اگر مأموم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها را گفته ، بعد از آن که امام به رکوع رفت بایـد آن چه از تکبیرها و قنوتها را که با امام نگفته ، خودش بگویـد و اگر در هر قنوت یک «سبحان اللّه » یا یک «الحمد للّه » بگوید، کافی است .

(سیستانی :) و رکوع را درک کند و اگر در هر قنوت یک بار «سبحان اللّه و الحمد للّه » بگوید کافی است و اگر فرصت نبود فقط تکبیرها را بگوید و اگر به آن مقدار هم فرصت نبود کافی است متابعت کند و به رکوع برود.

(زنجانی :) اگر در هر قنوت یک ذکر یا دعای مختصر، مثل یک سُبحان َاللّه ِ یا یک العَفوَ یا یک الجَنَّةَ بگوید، کافی است .

(صافی :) اگر در هر قنوت یک «سبحان اللّه » و یک «الحمد للّه » بگوید کافی است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله ۱۵۴۰ اگر در نماز عید موقعی برسد که امام در رکوع است ، چنانچه بتواند اقتدا کند و تکبیرها و قنوتها را مختصراً اگر چه به یک «سبحان اللّه » باشد بگوید و درک رکوع امام کند اشکالی ندارد و الّا احتیاط آن است که در حال رکوع اقتدا نکند.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله ۱۵۴۰ (سیستانی :) مسأله ۱۵۱۲ اگر در نماز عیـد موقعی برسد که امام در رکوع است ، می تواند نیّت کند و تکبیر اوّل نماز را بگوید و به رکوع رود.

[مسأله ۱۵۲۹ اگر شک کند در تکبیرهای نماز و قنوت های آن]

مسأله ۱۵۲۹ اگر شک کند در تکبیرهای نماز و قنوت های آن ، (۱) (اگر از محل آن تجاوز نکرده است (۲)) بنا بر اقلّ بگذارد و اگر بعد معلوم شود که گفته بوده اشکال ندارد (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و صافی نیست (۱) (فاضل :) چنانچه از محل آن تجاوز کرده به شک خود اعتنا نکند، ولی .. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۳) (بهجت :) و اگر در حال قنوت شک کرد که تکبیر گفته یا نه ، بنا بر أظهر به این شک اعتنا نکند.

[مسأله ۱۵۳۰ اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوت ها را فراموش کند]

مسأله ۱۵۳۰ اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوت ها را فراموش کند و به جا نیاورد (۱) نمازش صحیح است .

این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی و صافی نیست (۱) (فاضل :) و بعد از رفتن به رکوع یادش بیاید ..

(مکارم :) مسأله اگر از روی سهو، قرائت ، یا تکبیرها، یا قنوتها را فراموش کند و بعد از رفتن به رکوع یادش بیاید، نمازش صحیح است .

[مسأله ۱۵۳۱ اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیره الاحرام را فراموش کند]

مسأله ۱۵۳۱ اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیره الاحرام را فراموش کند نمازش باطل می شود. این مسأله در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، مکارم ، بهجت ، صافی ، زنجانی و سیستانی نیست

[مسأله ۱۵۳۲ اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند]

مسأله ۱۵۳۲ اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز آن را رجاءً به جا آورد (۱). و اگر کاری کند که برای آن سجده سهو در نمازهای یومیه لازم است احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز رجاءً دو سجده سهو برای آن بنماید (۲). (۱) (اراکی :) احتیاط مستحب ((نوری :) احتیاط واجب) آن است که بعد از نماز آن را به جا آورد .. (۲) (اراکی :) احتیاط مستحب ((نوری :) احتیاط واجب) آن است که بعد از نماز دو سجده سهو برای آن بنماید.

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) مسأله اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند، احتیاط آن است که بعد از نماز آن را به جا آورد و نیز اگر کاری که برای آن سجده سهو لازم است ، پیش آید بنا بر احتیاط باید بعد از نماز دو سجده سهو بنماید.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط بعد از نماز ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند، احتیاط آن است که بعد از نماز آن را به جا آورد ولی اگر کاری که برای آن در نماز یومیّه سجده سهو لازم است ، پیش آید، لازم نیست دو سجده سهو بنماید.

(مکارم :) مسأله اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند، احتیاط واجب آن است که بعد از نماز آن را به جا آورد و اگر کاری کند که در نمازهای روزانه سجده سهو دارد، احتیاط واجب آن است که سجده سهو را بعد از نماز به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله اگر در نماز عید یک سجده را فراموش کند، لازم است که بعد از نماز آن را به جا آورد و هم چنین اگر کاری که برای آن در نماز یومیه سجده سهو لازم است پیش آید، لازم است دو سجده سهو بنماید.

(بهجت :) مسأله اگر کاری کند که در نمازهای یومیّه برای آن سـجده سهو لازم است بنا بر اظهر در نماز عید سجده سهو لازم نیست . اگر چه أحوط آن است که سجده سهو به جا آورد.

نماز عید فطر و قربان (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۶۳۳ نماز عید فطر و قربان واجب نیست]

س ۶۳۳: به نظر جناب عالی ، نماز عید فطر و قربان و نماز جمعه ، از کدام نوع از واجبات است ؟

ج : در عصر حاضر نماز عید فطر و قربان واجب نیست ، بلکه مستحب است ، ولی نماز جمعه واجب تخییری است .

[س ۶۳۴ کم و زیاد کردن قنوت های نماز عید]

س ۶۳۴: آیا کم و زیاد کردن قنوت های نماز عید باعث بطلان آن می شود؟

ج : اگر مراد از کم و زیاد نمودن ، کوتاه یا طولانی خواندن قنوت ها است این کار موجب بطلان نمی شود و اگر مراد کم یا زیاد نمودن تعداد آنها است ، باید نماز را همان طور که در کتب فقهی بیان شده ، به جا آورد.

[س ۶۳۵ مصلحت اقتضا می کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود]

س ۶۳۵: در گذشته معمول بود که هر امام جماعتی نماز عید فطر را در مسجد خودش اقامه می کرد، آیا در حال حاضر اقامه نماز عید فطر و قربان توسط ائمه جماعات جایز است ؟

ج : جایز است نمایندگان ولی فقیه که از طرف وی مجاز در اقامه نماز عید هستند و هم چنین ائمه جمعه منصوب از طرف او نماز عید را در عصر حاضر به صورت جماعت اقامه نمایند، ولی احوط این است که غیر آنان آن را فرادی بخوانند و به جماعت خواندن آن به قصد رجاء نه به قصد ورود، اشکال ندارد. بله ، اگر مصلحت اقتضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود، بهتر است که غیر از امام جمعه منصوب از طرف ولی فقیه ، کسی متصدی اقامه آن نشود.

[س ۶۳۶ نماز عید فطر قضا ندارد]

س ۶۳۶: آیا نماز عید فطر قضا دارد؟

ج : قضا ندارد.

[س ۶۳۷ نماز عید فطر اقامه ندارد]

س ۶۳۷: آیا نماز عید فطر اقامه دارد؟

ج : اقامه ندارد.

[س ۶۳۸ اگر امام جماعت برای نماز عید فطر اقامه به جا آورد]

س ۶۳۸: اگر امام جماعت برای نماز عید فطر، اقامه به جا آورد، نماز او و سایر نمازگزاران چه حکمی دارد؟

ج : به صحت نماز عید امام جماعت و مأمومین ضرری نمی رساند.

اجیر گرفتن برای نماز

[اجیر گرفتن برای نماز از رساله حضرت امام]

[مسأله ۱۵۳۳ بعد از مرگ انسان ، می شود برای نماز کسی اجیر بگیرند]

مسأله ۱۵۳۳ بعد از مرگ انسان ، می شود برای نماز و عبادتهای دیگر او که در زندگی به جا نیاورده ، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد. و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است (۱). (۱) (بهجت :) صحیح و مُجزی است و در این صورت ، بر وصی یا ولی اجیر گرفتن لازم نیست .

(مکارم :) مسأله اجیر گرفتن برای قضای نماز و عبادتهای دیگر از طرف اموات خالی از اشکال

نیست ، مگر در حج؛ و اگر کسی بخواهد در عبادتهای دیگر اجیر بگیرد، قصد رجاء کند. امّا به جا آوردن نماز و روزه قضا و هم چنین نماز و روزه مستحبّی به قصد قربت و بدون گرفتن اجرت اشکالی ندارد.

(زنجانی :) مسأله بعد از مرگ انسان می شود نماز و عبادتهای دیگری را که او در زندگی به جا نیاورده ، شخص دیگری به جا آورد که به او نایب می گویند و عمل او را نیابت می نامند. و در حال حیات انسان تنها در حج و زیارت ، نیابت مشروع است به تفصیلی که در جای خود ذکر شده است . و هم چنان که نیابت تبرّعی و بدون مزد صحیح است ، نیابت با اجاره یا جعاله یا شرط ضمن عقد و مانند اینها نیز صحیح می باشد.

[مسأله ۱۵۳۴ انسان می تواند برای بعضی از کارهای مستحبی اجیر شود]

مسأله ۱۵۳۴ انسان می تواند برای بعضی از کارهای مستحبی مثل (۱) زیارت قبر پیغمبر و امامان علیهم السلام ، از طرف زندگان اجیر شود (۲) و نیز می تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نماید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (تبریزی ، سیستانی :) مثل حج و عمره و .. (۲) (مکارم :) ولی احتیاط واجب آن است که پول را برای مقدّمات کار بگیرد ..

(زنجانی :) مسأله انسان می تواند بعضی از اعمال مستحبی ؛ مانند زیارت مراقد پیامبرصلی اللّه علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام را از طرف مردگان یا زندگان به جا آورد و نیز می تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را به آنها هدیه نماید و در این دو شکل فرقی نیست که تبرّعی باشد یا با اجاره یا جعاله و مانند آن .

[مسأله ۱۵۳۵ کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده]

مسأله ۱۵۳۵ کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده ، باید یا مجتهد باشد یا مسایل نماز را از روی تقلید صحیح بداند (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) [و] یا عمل به احتیاط کند (خوئی ، تبریزی : در صورتی که موارد احتیاط را کاملًا بداند).

(نوری :) و اگر عالم به کیفیت احتیاط باشد و احتیاط کند اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده ، باید مسایل نماز را به خوبی بداند و قرائت او صحیح باشد.

(زنجانی :) مسأله کسی که برای نماز قضای میت نایب شده است ، باید یا مجتهد باشد، یا مسائل نمازش را که می خواهد بخواند از روی تقلید صحیح بداند، یا آن که عمل به احتیاط کند.

(سیستانی :) مسأله کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده ، باید یا مجتهد باشد یا نماز را بر طبق فتوای کسی که تقلید از او صحیح است انجام دهد، یا آن که عمل به احتیاط کند در صورتی که موارد احتیاط را کاملا بداند.

[مسأله ۱۵۳۶ اجیر باید موقع نیت ، میت را معین نماید]

مسأله ۱۵۳۶ اجیر باید موقع نیت ، میت را معین نماید. و لازم نیست اسم او را بداند. پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده ام کافی است .

(مکـارم :) مسـأله شخصـی که می خواهـد از طرف دیگری نمـاز یا روزه یا عبادت دیگری را به جا آورد، بایـد در موقع نیّت ، میّت را معیّن کنـد و لازم نیست اسم او را بدانـد؛ همین انـدازه که علامت و نشـانه ای برای او در قصـد و نیّت خود قرار دهد کافی است .

(زنجانی :) مسأله نایب بایـد موقع نیت قصـد نیابت کنـد و مَنوبٌ‌عَنه‌ُ را و لو اجمالًا معین نمایـد و لازم نیست اسم او را بداند؛ مثلًا اگر نیت کند: از طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده ام ، کافی است .

[مسأله ۱۵۳۷ اجیر باید خود را به جای میت فرض کند]

مسأله ۱۵۳۷ اجیر باید خود را به جای میت فرض کند و عبادتهای او را قضا نماید (۱) و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست . (۱) (اراکی ، فاضل ، بهجت :) عبادتهای او را به نیابت از او قضا نمایـد (اراکی ، بهجت : و یا به قصد به جا آوردن آن چه بر عهده میّت است انجام دهد) ..

(گلپایگانی :) اجیر باید یا خود را به جای میّت فرض کند و عبادتهای او را قضا نماید و یا عمل خود را عمل میّت فرض کند و یا قصد کند واجب میّت را به جا آورد ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اجیر باید عمل را به قصد آن چه در ذمّه میّت است بجاآورد ..

(مکـارم :) شـخص نـائب بایـد خود را به جای میّت فرض کنـد و عبادتی را که بر ذمّه اوست قضا نمایـد .. (صافی :) اجیر باید عمل را به قصد اطاعت امری که میت به آن مأمور بوده به جا آورد ..

(زنجانی :) مسأله کسـی که برای نیابت اجیر می شود، بایـد عمل را از طرف منوب عنه به جا آورد و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هـدیه کنـد کافی نیست ؛ بلی ، اگر برای اهداء ثواب اجیر شود، عمل را انجام می دهد و ثواب آن را برای منوب عنه ، هدیه می نماید.

[مسأله ۱۵۳۸ باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند]

مسأله ۱۵۳۸ باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند که نماز را به صورت صحیح می خواند. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، سیستانی :) مسأله باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند عمل را (گلپایگانی ، صافی : بطور صحیح) انجام می دهد (سیستانی : و احتمال بدهند که عمل را صحیح انجام می دهد).

(مکـارم :) مسـأله در صورتی ذمّه میّت ادا خواهـد شـد که اطمینان پیـدا شود که نائب نماز را خوانـده است و اگر شک کنـد، کافی نیست ، ولی اگر یقین داشته باشد نماز را خوانده امّا نداند صحیح انجام داده یا نه ، اشکال ندارد.

(نوری :) مسأله باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند که نماز را می خواند و اگر شک داشته باشند که صحیح انجام

می دهد یا نه اشکال ندارد.

(زنجانی :) مسأله وثوق به انجام عمل ، شرط صحت عمل نیابی نیست لکن تا زمانی که

اطمینان با طریق معتبر دیگری نباشد که نایب عمل را انجام داده است نمی توان به آن اکتفا کرد؛ پس اگر بفهمند کسی را که برای نمازهـای میت اجیر کرده انـد، عمـل را به جا نیاورده یا باطل انجام داده ، نمی توان به آن اکتفا کرد و هر گاه شک کنند که اجیر عمل را انجام داده یا نه و بگوید انجام داده ام ، چنانچه گفته او موجب اطمینان شود، کافی است ، و اگر اطمینان کنند که نـایب عمـل را انجام داده و شک کننـد که عمل او صـحیح بوده یا نه ، پس اگر احتمال بدهنـد که نایب به رعایت شـرایط عمل توجه داشته است ، کافی است .

[مسأله ۱۵۳۹ کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده]

مسأله ۱۵۳۹ کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده اگر بفهمد که عمل را به جا نیاورده ، یا باطل انجام داده ، باید دوباره اجیر بگیرد. (زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۵۳۸). این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست

[مسأله ۱۵۴۰ هر گاه شک کند که اجیر عمل را انجام داده یا نه]

مسأله ۱۵۴۰ هر گاه شک کنـد که اجیر عمل را انجام داده یا نه (۱) اگر چه بگویـد انجام داده ام ، باید دوباره اجیر بگیرد (۲). ولی اگر شک کند که عمل او صـحیح بوده یا نه ، گرفتن اجیر لازم نیست . (۱) (گلپایگانی ، صافی :) باید دوباره اجیر بگیرد ولی اگر اجیر بگویـد عمل را انجام داده ام ، کافی است و دوباره اجیر گرفتن لازم نیست و اگر شک کنـد که عمل او صـحیح بوده یـا نه ، گرفتن اجیر لازم نیست . (۲) (اراکی :) اگر بگویـد انجام داده ام گفته او قبول است و هم چنین اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه .

(خوئی :) همین که مورد اطمینان باشد و بگوید انجام داده ام کافی است و هم چنین اگر شک کند که عمل او صـحیح بوده یا نه ، بنا بر صحّت آن بگذارد.

(نوری :) همین که بگوید انجام داده ام کافی است ..

(تبریزی :) [اگر] شـخص ثقه باشـد و بگویـد انجـام داده ام کـافی است و اگر شـک کنـد که عمل او صـحیح بوده یا نه ، بنا بر صحّت آن بگذارد.

(بهجت :) اگر اجیر بگوید: انجام داده ام ، گفته او قبول است ؛ و اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه ، حمل بر صحّت می شود یعنی بنا بر این می گذارند که عمل را صحیح انجام داده است .

(سیسـتانی :) اگر چه بگویـد انجـام داده ام ولی اطمینـان به گفته او نباشـد به احتیـاط واجب بایـد دوبـاره اجیر بگیرد. و امّا اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه ، می تواند بنا بر صحّت آن بگذارد.

(زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۳۸.

(مکارم :) مسأله اگر نائب بگوید نماز را خوانده ام تنها به گفته او نمی توان قناعت کرد مگر این که فرد مورد اطمینانی باشد.
[و رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۳۸]

[مسأله ۱۵۴۱ کسی را که عذری دارد]

مسأله ۱۵۴۱ کسی را که عذری دارد و مثلًا نشسته نماز می خواند نمی شود برای نمازهای میت اجیر کرد (۱)، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید کسی را هم که با تیمم یا جبیره نماز می خواند اجیر نکنند (۲).

(۱) (اراکی :) بلکه کسی را هم که با تیمّم یا جبیره نماز می خواند، نمی شود اجیر کرد. (۲) (نوری :) اگر چه نماز میت هم همان طور قضا شده باشد.

(خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) مسأله کسی را که عذری دارد و مثلًا با تیمّم یا نشسته نماز می خواند، (سیستانی : مطلقاً بنا بر احتیاط) نمی شود برای نمازهای میّت اجیر کرد؛ اگر چه نماز میّت همان طور قضا شده باشد. (سیستانی : ولی اجیر گرفتن کسی که با وضو یا غسل جبیره ای نماز می خواند، اشکال ندارد و هم چنین اجیر گرفتن کسی که دست یا پای او قطع شده است).

(فاضل :) مسأله کسی که عذری دارد و مثلًا با تیمّم یا نشسته نماز می خواند، نمی شود برای نمازهای میّت او را اجیر کرد اگر چه از میّت به همین نحو قضا شده باشد.

(بهجت :) مسأله کسی را که عذری دارد، مثلًا نشسته نماز می خواند بنا بر احتیاط نمی توان برای نمازهای میّت اجیر کرد، بلکه کسی را هم که با تیمّم یا وضوی جبیره نماز می خواند، بنا بر احتیاط نمی شود اجیر کرد.

(زنجانی :) مسأله کسی را که عذری دارد و مثلًا با تیمم یا نشسته نماز می خواند اگر به نیابت از شخص دیگری نماز بخواند، نمی شود بدان اکتفا کرد؛ هر چند از آن شخص هم همان طور قضا شده باشد.

(مکارم :) مسأله شخصی که از میت نیابت می کند باید کسی باشد که در انجام اجزاء و شرائط نماز معذور نباشد مثلًا کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند نایب شود، حتی بنا بر احتیاط واجب کسی که با تیمم یا جبیره نماز می خواند نیابت نکند.

[مسأله ۱۵۴۲ مرد برای زن و زن برای مرد می تواند اجیر شود]

مسأله ۱۵۴۲ مرد برای زن و زن برای مرد می تواند اجیر شود (۱) و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به تکلیف خود عمل نماید (۲). (۱) (زنجانی :) می تواند نایب شود .. (۲) (زنجانی :) و نیابت ممیّز که خوب و بد را می فهمد و شرایط نماز را رعایت می کند صحیح است .

[مسأله ۱۵۴۳ لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود]

مسأله ۱۵۴۳ لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود (۱)، اگر چه بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می دانسته (۲). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) مگر در آن چه در اداء آن ترتیب لازم است مثل ظهر و عصر یک روز.

(مکارم :) خواه ترتیب آن را بدانند یا ندانند. مگر در مورد ظهر و عصر، یا مغرب و عشا از یک روز، که رعایت ترتیب در آن لازم است . (۲) (نوری :) بلی ، نمازهایی که اداء آنها ترتیب دارد مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز باید به ترتیب قضا شود.

(اراکی :) مسأله قضـای نمازهای میّت بایـد به ترتیب خوانـده شود و اگر ترتیب آنها را نمی داننـد بایـد با اجیر شـرط کننـد به قدری نماز بخواند که ترتیب به عمل آید خصوصاً اگر بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می دانسته .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) مسأله در قضای نمازهای میّت ترتیب واجب نیست

مگر در نمازهایی که ادای آنها ترتیب دارد مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز چنان که سابقاً گذشت . (سیستانی : ولی اگر او را اجیر کرده باشند که طبق فتوای مرجع میت یا ولی او عمل کند و آن مرجع ترتیب را لازم بداند باید ترتیب را رعایت نماید).

(فاضل :) مسأله قضای نمازهای میّت در صورتی که ترتیب آنها را بدانند، باید به ترتیب خوانده شود و اگر ترتیب آنها را ندانند، رعایت ترتیب لازم نیست ، ولی در مورد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز، رعایت ترتیب لازم است .

(بهجت :) مسأله اگر ترتیب قضا شدن نمازهای میّت ، معلوم است قضای آنها هم باید به ترتیب خوانده شود و اگر ترتیب نمازها را نمی دانند، چنانچه رعایت ترتیب ، مستلزم تکرار عمل باشد، لازم نیست حتّی اگر بدانند که میّت ، ترتیب نمازهای خود را می دانسته است .

[مسأله ۱۵۴۴ اگر با اجیر شرط کنند]

مسأله ۱۵۴۴ اگر با اجیر شرط کنند که عمل را به طور مخصوصی انجام دهد (۱)، باید همان طور به جا آورد (۲). و اگر با او شرط نکنند، باید در آن عمل به تکلیف خود رفتار نماید (۳) و احتیاط مستحب آن است که از وظیفه خودش و میت هر کدام که به احتیاط نزدیکتر است به آن عمل کند مثلًا اگر وظیفه میت گفتن سه مرتبه تسبیحات اربعه بوده و تکلیف او یک مرتبه است ، سه مرتبه بگوید. این مسأله ، در رساله آیت اللّه فاضل نیست (۱) (مکارم :) (مثلًا بگویند نماز را باید در مسجد یا در فلان ساعت بخواند)، باید به شرط عمل کند امّا اگر شرط خاصّی با او نکنند، مطابق تکلیف خود و طبق معمول انجام دهد. و در مستحبات نیز آن چه معمول است ، به جا می آورد و بیش از آن لازم نیست ، مگر شرط کنند. خواندن نماز آیات نیز تا شرط نکنند، لازم نیست . (۲) (سیستانی :) مگر این که یقین به بطلان عمل به آن نحو داشته باشد، .. (۳) (اراکی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله کسی که به نیابت از دیگری عبادتی انجام می دهد اگر مرجع تقلیدش امری را حرام می داند نباید مرتکب شود؛ هم چنین اگر بخواهد آثار صحت بر عملش بار کند، رعایت فتوای مرجع تقلیدش لازم است و در این امر فرقی نیست که از طرف شخص زنده باشد (مثلًا در نماز طواف) یا از طرف میت ، میت وصیت کرده باشد یا خیر، بدون مزد باشد یا با مزد.

[مسأله ۱۵۴۵ اگر با اجیر شرط نکنند]

اشاره

مسأله ۱۵۴۵ اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است به جا آورد (۱). (۱) (تبریزی :) به مقدار واجب اکتفا کند کافی است .

(بهجت :) می تواند بدون مستحبات ، نماز را به جا آورد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۵۴۴).

مسائل اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۱۵۵۲ اگر بر کسی لازم باشد که به انجام عبادتی وصیت کند، باید قید کند که فتاوای او یا مرجع تقلیدش رعایت شود و اگر در وصیت قیدی نشده باشد، خواه در اعمال واجب یا مستحب ، نایب باید فتاوای وصیت کننده یا مرجعش را نیز رعایت کند، و در مواردی

که بر ولیِ میت لازم است که برای عبادات میّت نایب بگیرد، باید در نیابت قید کند که نایب فتوای ولیِ میت یا مرجع تقلیدش را رعایت کند؛ و اگر قید هم نکرد، باید فتوای او یا مرجع تقلیدش رعایت شود، هم چنین اگر در وصیت یا در هنگام نایب گرفتن شرط کنند که عمل را بطور مخصوصی انجام دهد، باید نایب همان طور به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله ۱۵۵۳ در جایی که وصیت شده برای عبادتی نایب بگیرند، و بر ولی نیز لازم بوده که برای میت نایب بگیرد، نایب باید بین فتاوای وصیت کننده یا مرجعش و فتاوای ولیِ میت یا مرجع تقلیدش احتیاط کند، و نیز باید به تفصیلی که در مسأله [۱۵۴۴] گذشت ، فتاوای خود یا مرجع تقلیدش را نیز رعایت کند.

[مسأله ۱۵۴۶ اگر میت ترتیب نمازهایی را که قضا شده می دانسته]

مسأله ۱۵۴۶ اگر میت ترتیب نمازهایی را که قضا شده می دانسته و انسان بخواهد برای آن نمازها اجیر بگیرد لازم نیست برای هر کدام آنها وقتی را معین نماید. (اراکی :) مسأله اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میّت اجیر کند باید برای هر کدام آنها وقتی را معیّن نماید. مثلًا اگر با یکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر نماز قضا بخواند با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند و نیز باید نمازی را که در هر دفعه شروع می کند، معیّن نماید مثلًا قرار بگذارد، اوّل نمازی را که می خواند صبح باشد یا ظهر یا عصر؛ و هم چنین باید با آنها قرار بگذارد که در هر دفعه نماز یک شبانه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند، آن را حساب نکنند و دفعه بعد نماز یک شبانه روز را از سر شروع نمایند.

(گلپایگانی :) و بخواهد احتیاط کند و ترتیب را مراعات نماید ..

(صافی :) لازم نیست برای هر کدام از آنها وقتی را معین کند، ولی اگر بخواهد احتیاط و ترتیب را مراعات نماید ..

(فاضل :) در صورتی که ترتیب قضا شدن ِ نماز میت را می داند باید بنا بر احتیاط واجب ..

(فاضل :) نماز یک شبانه روز را از سر شروع نمایند. [پایان مسأله] (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) مسأله اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میّت اجیر کند، بنا بر آن چه در مسأله [۱۵۴۳] گفته شد، لازم نیست برای هر کدام آنها وقتی را معیّن نماید.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان به چند نفر برای نماز قضای میت نیابت دهد، بنا بر آن چه در مسأله [۱۵۴۳] گفته شد، لازم نیست برای هر کدام آنها وقتی را معین کند ولی احتیاط استحبابی آن است که نماز را به شکلی بخوانند که ترتیب در تمام نمازها رعایت شود.

(مکارم :) مسأله هر گاه اشخاص متعدّدی را برای قضای نماز میّت اجیر کند، لازم نیست برای هر کدام وقت معیّنی را تعیین نماید. بلکه آنها می توانند در هر وقت که بخواهند نماز را به جا آورند، ولی برای رعایت ترتیب بین نمازهای قضا، احتیاط مستحب آن است که برای هر کدام از آنها وقتی را معیّن نماید مثلًا با یکی قرار می گذارد که در فاصله صبح تا ظهر نماز قضا

به جا آورد و با دیگری از ظهر تا شب . و نیز بهتر است هر یک از آنها مقدار نمازی را که می خواند، با دیگری شبیه باشد مثلًا اگر از نماز ظهر شروع می کند و تا نماز صبح پایان می دهد (خواه یک شبانه روز بخواند یا چند شبانه روز)، دیگری نیز از ظهر شروع کند و به صبح خاتمه دهد.

(بهجت :) مسأله اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میّت ، اجیر کند در صورتی که ترتیب قضا شدن نمازها برای مستأجر معلوم است ، باید برای هر کدام آنها، وقتی را معیّن نماید؛ مثلًا اگر با یکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر نماز بخواند، با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند. و نیز باید نماز را که در هر دفعه شروع می کند، معیّن نماید؛ مثلًا قرار بگذارد نماز اوّلی که می خواند، صبح باشد یا ظهر یا عصر؛ و با نفر دوّم ، طوری قرار بگذارد که ترتیب رعایت شود.

[مسأله ۱۵۴۷ اگر کسی اجیر شود]

مسأله ۱۵۴۷ اگر کسی اجیر شود که مثلًا در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد، باید برای نمازهایی که می دانند به جا نیاورده دیگری را اجیر نمایند (۱) بلکه برای نمازهایی هم که احتمال می دهند به جا نیاورده باید بنا بر احتیاط واجب اجیر بگیرند. این مسأله ، در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و اگر احتمال می دهند که به جا نیاورده بنا بر احتیاط واجب نیز اجیر بگیرند.

(گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین برای نمازهایی که احتمال می دهند به جا نیاورده باشد بنا بر احتیاط واجب .

(فاضل :) مسأله مادامی که اجیر نمازها را نخوانده باشد ذمه میت مشغول است بنا بر این اگر اجیر فوت کند در صورتی که احتمال دهند که نمازها را نخوانده است بنا بر احتیاط واجب باید برای آن نمازها اجیر بگیرند.

(زنجانی :) مسأله اگر کسی نایب شود که مثلًا در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد، برای نمازهایی که می دانند به جا نیاورده دیگری را نایب بگیرند و اگر احتمال می دهند که به جا نیاورده بنا بر احتیاط واجب نیز، نایب بگیرند.

[مسأله ۱۵۴۸ کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده اند]

مسأله ۱۵۴۸ کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولیّ میت بدهند، مثلًا اگر نصف آنها را نخوانده ، باید نصف پولی را که گرفته از مال او به ولیّ میت بدهند و اگر شرط نکرده باشند (۱) باید ورثه اش از مال او اجیر بگیرند، امّا اگر مال نداشته باشد بر ورثه او چیزی واجب نیست (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، اگر قادر بر عمل بوده اجاره صحیح و اجاره کننده می تواند اجره المثل باقی مانده را بگیرد یا آن که اجاره را فسخ نموده و اجره المثل مقداری را که به جا آورده کسر و ما بقی را بگیرد و اگر قادر نبوده ، اجاره نسبت به ما بعدِ فوت اجیر، باطل است و می تواند اجره المسمّای باقی مانده را گرفته یا آن که اجاره مقدار

گذشته را فسخ نموده و اجره المثل او را بدهد و اگر شرط نکرده باشند که خودش بخواند ..

(سیستانی :) چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، می توانند اجره المسمّای باقی مانده را گرفته یا آن که اجاره را فسخ نمایند و اجره المثل او را بدهند و اگر شرط نکرده باشند، که خودش بخواند ..

(صافی :) چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، اگر قدرت بر عمل داشته ، اجاره صحیح است و اجاره کننده می تواند اجره المثل باقی مانده را بگیرد یا آن که اجاره را فسخ نماید و اجره المثل مقداری را که اجیر انجام داده از مال الاجاره کسر و ما بقی را استرداد نماید و اگر قادر نبود، اجاره نسبت به بعد فوت اجیر باطل است و می تواند اجره المسمای باقی مانده را گرفته یا آن که اجاره مدت گذشته را فسخ نماید و اجره المثل آن را بدهد و اگر شرط نکرده باشند .. (۲) (فاضل :) ولی بهتر است دین میّت را ادا کنند.

(بهجت :) و احتیاط، در اعلام به مستأجر است که در صورت تمکّن ، فرد دیگری را اجیر نماید.

(مکارم :) مسأله هر گاه شخص اجیر پیش از تمام کردن نماز و روزه ای که اجیر شده بود از دنیا برود در حالی که اجرت همه آنها را گرفته ، اگر شرط کرده باشند تمام نمازها را خودش به جا آورد باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او برگردانند و اگر چنین شرطی نکرده اند باید ورثه از مال او کسی را اجیر کنند تا باقی مانده را به جا آورد و اگر مالی ندارد چیزی بر ورثه واجب نیست ، ولی بهتر است دَین میّت را ادا کنند.

(زنجانی :) مسأله کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه تصریح نکرده باشند که می تواند نماز را دیگری هم به جا آورد، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولیّ میت بدهند، مثلًا اگر نصف آنها را نخوانده ، باید نصف پولی را که گرفته از مال او به ولیّ میت بدهند و اگر تصریح کرده باشد که می تواند نماز را دیگری هم انجام دهد، باید ورثه اش از مال او نایب بگیرند یا خودشان آنها را انجام دهند، اما اگر مال نداشته باشد به رورثه او چیزی واجب نیست ؛ مگر بر پسر بزرگتر که باید عبادات پدر را قضا کند چنانچه در مسأله [۱۳۹۰] گذشت .

[مسأله ۱۵۴۹ اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد]

مسأله ۱۵۴۹ اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید (۱) از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند (۲) و اگر چیزی زیاد آمد (۳) در صورتی که وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند، برای تمام نمازهای او اجیر بگیرند و اگر اجازه ندهند ثلث آن را به مصرف نماز خودش برسانند (۴). (۱) (صافی :) باید با توجه به آن چه در مسأله پیش گفته شد .. (۲) (مکارم :) و یا اگر شرط کرده اند خودش به جا آورد باقی مانده را برگردانند، امّا برای نمازهای خودش نمی توانند از مال او بردارند مگر با رضایت ورثه و یا در صورتی که وصیت کرده ، از ثلث مالش به مصرف نماز برسانند.

(زنجانی :) باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را نایب بگیرند یا خودشان آنها را انجام دهند ..

(۳) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میّت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، بعد از عمل به دستوری که در مسأله قبلی ذکر شد اگر چیزی از مال او زیاد آمد .. (۴) (صافی :) در صورتی که وصیت کرده باشد برای او نماز استیجار نمایند و ورثه هم وصیت او را در زاید بر ثلث اجازه کرده باشند، باقی مانده ترکه او را صرف استیجار نماز برای او نمایند و اگر ورثه اجازه نکردند، ثلث باقی مانده را به مصرف نمازش برسانند.

(بهجت :) مسأله اگر اجیر، تمام اجرت را بگیرد و پیش از تمام کردن نمازهای میّت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده ، دیگری را اجیر نمایند و قضای نماز خودش ، بر ولیّ اوست .

نماز استیجاری ، نوافل ، و مسائل متفرّقه نماز (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[نماز استیجاری]

[س ۷۰۹ من قادر بر خواندن نماز نیستم]

س ۷۰۹: من قادر بر خواندن نماز نیستم ، آیا جایز است که شخصی به نیابت از من نماز بخواند؟ آیا فرقی بین این که نائب طلب اجرت کند و یا طلب اجرت نکند، وجود دارد؟

ج : شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش ، به هر نحو که می تواند، انجام دهد و نماز نائب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست .

[س ۷۱۰ کسی که نماز استیجاری می خواند]

س ۷۱۰: کسی که نماز استیجاری می خواند: (۱) آیا گفتن اذان و اقامه و سلامهای سه گانه و تسبیحات اربعه به طور کامل بر او واجب است ؟ (۲) اگر یک روز مثلًا نماز ظهر و عصر را بخواند و در روز بعد نمازهای پنجگانه را به طور کامل به جا آورد، آیا رعایت ترتیب لازم است ؟ (۳) آیا در نماز استیجاری ، ذکر خصوصیات میّت شرط است یا خیر؟

ج : ذکر خصوصیات میّت لازم نیست ، و رعایت ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء شرط است ، و هر گاه در عقد اجاره کیفیت خاصی بر اجیر شرط نشده باشد و کیفیت معهودی که اطلاق عقد اجاره به آن انصراف پیدا کند، هم وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحباتی که انجام آن متعارف است بخواند، ولی واجب نیست که برای هر نمازی اذان بگوید.

نوافل

[س ۷۱۱ آیا باید نمازهای نافله بلند خوانده شود]

س ۷۱۱: آیا باید نمازهای نافله بلند خوانده شود یا آهسته ؟

ج : مستحب است که نافله های روز آهسته و نافله های شب بلند خوانده شود.

[س ۷۱۲ نماز شب به صورت نماز چهار رکعتی صحیح نیست]

س ۷۱۲: آیا جایز است نماز شب را که دو رکعت دو رکعت خوانده می شود، به صورت دو نماز چهار رکعتی و یک دو رکعتی و یک نماز وتر خواند؟

ج : خواندن نماز شب به صورت نماز چهار رکعتی صحیح نیست .

[س ۷۱۳ هنگام خواندن نماز شب]

س ۷۱۳: آیا هنگام خواندن نماز شب ، واجب است که کسی متوجه نماز شب خواندن ما نشود؟ آیا واجب است که آن را در تاریکی بخوانیم ؟

ج : در تاریکی خواندن و مخفی کردن از دیگران شرط نیست ، اما ریا هم در آن جایز نیست .

[س ۷۱۴ آیا خواندن نافله ظهر و عصر]

س ۷۱۴: آیا خوانـدن نافله ظهر و عصـر، پس از ادای نماز ظهر و عصـر و در وقت نافله ، بایـد به قصـد قضا باشـد و یا به قصـد دیگری ؟

ج : در این هنگام ، احوط ادای آن به قصد قربه إلی اللّه ، بدون قصد اداء و قضاء است .

[س ۷۱۵ کیفیت نماز شب]

س ۷۱۵: خواهشمندیم کیفیت نماز شب را به تفصیل برای ما بیان فرمائید.

ج : نماز شب یازده رکعت است ، هشت رکعت آن که به صورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می شود، نماز شب نام دارد و دو رکعت آن نمـاز شـفع است کهماننـد نمـاز صـبح خوانـده می شـود، و یـک رکعت هم نمـاز وتر نـام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مؤمنین و طلب حاجات از خداوند منّان به ترتیبی که در کتاب های ادعیه ذکر شده ، مستحب است .

[س ۷۱۶ کیفیت اقامه نماز شب]

س ۷۱۶: نماز شب به چه صورتی باید خوانده شود؟ یعنی کیفیت آن از جهت سوره و استغفار و دعا چگونه است ؟

ج : در نماز شب سوره و اسـتغفار و دعا به عنوان جزئیت شـرط نیست ، بلکه کافی است که در هر رکعت بعد از نیّت و تکبیره الاحرام ، سوره حمـد قرائت شود، و اگر خواست بعـد از قرائت حمد یک سوره از سوره های قرآن را هم قرائت کند، و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام به جا آورد.

مسائل متفرقه نماز

[س ۷۱۷ نماز صبح و خانواده]

س ۷۱۷: چگونه باید افراد خانواده را برای خواندن نماز صبح بیدار نمود؟

ج : در این مورد کیفیت خاصی در رابطه با افراد خانواده وجود ندارد.

[س ۷۱۸ نماز و روزه کسانی که به گروهها و طایفه های مختلفی منسوب هستند]

۷۱۸: نماز و روزه کسانی که به گروهها و طایفه های مختلفی منسوب هستند و نسبت به هم بغض و حسد و حتی دشمنی بدون دلیل دارند، چه حکمی دارد؟

ج : برای مکلّف اظهار حسد و کینه و دشمنی با دیگران جایز نیست ، ولی این امور باعث بطلان نماز و روزه نمی شود.

[س ۷۱۹ رزمنده ای در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه نباشد]

۷۱۹: اگر رزمنده ای در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، چگونه باید نمازش را در آنجا بخواند؟

ج : باید به هر نحوی که برایش امکان دارد، نماز بخواند. اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست ، ایماء و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است .

[س ۷۲۰ سن تعلیم احکام شرعی]

س ۷۲۰: پدر و مادر به فرزندانشان در چه سنی احکام شرعی و عبادات را باید تعلیم دهند؟

ج : مستحب است که ولیّ اطفال احکام شرعی و عبادات را پس از رسیدن آنان به سن تمیز به ایشان یاد دهد.

[س ۷۲۱ بعضی از رانندگان اتوبوس های مسافربری که بین شهرها رانندگی می کنند]

س ۷۲۱: بعضی از رانندگان اتوبوس های مسافربری که بین شهرها رانندگی می کنند، به نماز مسافران اهمیتی نمی دهند

و به تقاضـای آنـان برای توقف اتوبوس جهت ادای نمـاز، توجهی نمی کننـد، لـذا گـاهی نمـاز مسـافرین قضـا می شود. وظیفه رانندگان اتوبوس ها در این باره چیست ؟ مسافران نسبت به نمازشان چه وظیفه ای دارند؟

ج : بر مسافران واجب است که در صورت خوف از فوت وقت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نمایـد، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است ، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله ، قیام ، رکوع و سجود را رعایت کنند.

[س ۷۲۲ شرب خمر مانع از قبول نماز و روزه است]

س ۷۲۲: آیا مقصود از این گفته که «شارب خمر تا چهل روز نماز و روزه اش نماز و روزه نیست »، این است که در این مدت بر او واجب نیست نمـاز بخوانـدو بعـداً بایـد آنها را قضا کنـد؟ یا این که مقصود جمع بین قضاء و اداء است و یا آن که قضای آنها بر او واجب نیست بلکه اداء کافی است ، ولی ثواب آن از نمازهای دیگر کمتر است ؟

ج : منظور این است که شـرب خمر مـانع از قبول نمـاز و روزه است ، نه این که بـا شـرب خمر وجوب ادای نماز و روزه ساقط شود و قضاء واجب گردد یا جمع بین اداء و قضاء لازم شود.

[س ۷۲۳ ارشاد و راهنمایی]

س ۷۲۳: اگر مشاهده کنم که شخصی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می دهد، وظیفه شرعی ام چیست ؟

ج : در این مورد چیزی بر شـما واجب نیست ، مگر این که اشـتباه ناشی از جهل او به آن حکم باشد که در این صورت احوط ارشاد و راهنمایی وی است .

[س ۷۲۴ مصافحه نماز گزاران]

س ۷۲۴: نظر شـریف جناب عالی در باره مصافحه نماز گزاران بعد از اتمام نماز چیست ؟ قابل ذکر است که بعضـی از علمای بزرگـوار فرموده انـد «راجع به این موضوع چیزی از ائمه علیهم السـلام وارد نشـده است »، لـذا انگیزه ای برای انجـام مصـافحه وجود ندارد. ولی در عین حال مشاهده می کنیم که مصافحه باعث افزایش دوستی و محبت بین نمازگزاران می شود.

ج : مصافحه بعد از سلام و فراغت از نماز اشکال ندارد و به طور کلی مصافحه مؤمنین با هم مستحب است .

احکام نماز جمعه

اشاره

چون احکـام نمـاز جمعه در اکثر رسـاله های عملیه آیات عظام نیست در این رساله شـریفه هم فاقـد شـماره های ترتیبی مسائل است .

و چون تلفیق فتـاوای حضـرات مراجع عظـام در این زمینه ممکن نبوده به ناچـار این مسائل در چنـد بخش جـداگانه بشـرح زیر تنظیم گردیده است :

بخش اول : مطابق با فتاوای امام راحل و حضرات آیات اراکی ، فاضل لنکرانی ، تبریزی ، نوری همدانی و مکارم شیرازی .

بخش دوم : مطابق با فتاوای حضرات آیات خوئی و سیستانی .

بخش سوم : مطابق با فتاوای حضرات آیات گلپایگانی و صافی .

بخش چهارم : مطابق با فتاوای حضرت آیت اللّه بهجت .

ضمناً چون احکام نماز جمعه مطابق با فتاوای آیت اللّه زنجانی آماده نبود تنها چنـد مسأله که در رساله عملیه معظم له راجع به نماز جمعه آمده است بصورت جداگانه پس از بخش چهارم ذکر می شود.

بخش پنجم : مطابق با استفتاءات مقام معظّم رهبری .

بخش اوّل :

اشاره

احکام نماز جمعه مطابق با فتاوای امام راحل و حضرات آیات :

اراکی ، فاضل لنکرانی ، تبریزی ، نوری همدانی و مکارم شیرازی

نماز جمعه

(۱) در زمـان غیبت ولی عصـر عجـل اللّه تعالی فرجه الشـریف نماز جمعه واجب تخییری است (۱) یعنی مکلف می توانـد روز جمعه به جـای نماز ظهر نماز جمعه بخوانـد ولی جمعه ، افضل است و ظهر، أحوط و احتیاط بیشتر در آن است که هر دو را به

جا آورند (۲). (۱) (تبریزی :) لکن در صورت اقامه آن با شرایط، شرکت در آن بنا بر احتیاط، واجب است .

(مکـارم :) به هنگـام تشـکیل حکومت اسـلامی ، احتیـاط در انجـام نماز جمعه است . (۲) (مکـارم :) رعـایت این احتیاط لازم نیست .

(اراکی :) مسأله نماز جمعه عبادتی است هم چون نمازهای دیگر که در ظهر روز جمعه با شرایطی خاص ٛانجام می شود و در فضیلت این نماز همین بس که سوره ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا صریحاً مؤمنان را به حضور در نماز جمعه دعوت فرموده است و در آن آیه آمده است : هنگامی که صدای مؤذن بلند شد و دعوت به نماز شدی معامله و تجارت را رها ساز و برای انجام این فریضه الهی حاضر شو، که از همه چیز برای شما بهتر است ، (مراد از ذکر در آیه ، به اتفاق مفسران نماز جمعه است). و نیز در روایت آمده که : نماز جمعه باعث حرام شدن آتش جهنم است بر بدن و موجب تخفیف هولهای قیامت و کشیده شدن قلم عفو بر جرائم اعمال گذشته است . و ثواب شرکت در نماز جمعه برای غیر مستطیع ، معادل با حج است و در روایات دیگر تارکین آن را سخت نکوهش کرده تا آنجا که می خوانیم : کسی که سه هفته آن را ترک کند منافق می باشد. در زمان غیبت ، نماز جمعه ، واجب تخییری است و افضل از ظهر می باشد. در زمان غیبت ، نماز جمعه کفایت از ظهر می کند. (۲) کسی که نماز جمعه را به جا آورده واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند، ولی احتیاط مستحب آن است که آن را نیز به جا آورد.

(اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱.

شرایط نماز جمعه

۳ نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می شود، ولی زنان هم می توانند در آن شرکت کنند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

۴ نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی توان آن را به طور فرادی به جا آورد (۱). (۱) (اراکی :) اگر فرادی بخواند و یا عمداً قصد فرادی کند نمازش باطل می شود.

۵ همه شرائطی که در نماز جماعت معتبر است در نماز جمعه نیز لازم است ، مانند نبودن حائل ، بالاتر نبودن جای امام ، فاصله بیش از حدّ نداشتن و غیر اینها. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

(۶) همه شرائطی که در امام جماعت لازم است باید در امام جمعه هم باشد مانند عقل ، ایمان ، حلال زادگی و عدالت . ولی امامت کودکان و زنان در نماز جمعه جایز نیست اگر چه در نمازهای دیگر برای خودشان جایز باشد. (اراکی :) مسأله امام جماعت در نماز جمعه باید بالغ ، عاقل ، مرد، عادل ، حلال زاده و شیعه دوازده امامی باشد و سایر شرایطی که در جماعت نمازهای یومیه شرط است

هم چون فاصله نداشتن و .. در اینجا نیز معتبر است . امام جمعه لازم نیست مجتهد باشد بلکه همین قدر که بتواند دو خطبه را بخواند و شرایط دیگری هم که خواهیم گفت داشته باشد، می تواند امام جماعت نماز جمعه شود.

۷ بر هر مرد مکلف آزاد غیر مسافری که نابینا، بیمار و پیر فرتوت نباشد، نماز جمعه واجب تخییری است (۱) البته در صورتی که فاصله او تا محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ نباشد بنا بر این بر کسانی که فاقد یکی از این شروط باشند حرکت به سوی نماز جمعه به فرض این که وجوب تعیینی هم داشته باشد واجب نیست گر چه حضور در آن بر ایشان هیچ مشقتی نداشته باشد. (۱) (نوری :) واجب است .. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۹.

(اراکی :) مسأله بر مسافر، زن ، پیر، کور، دیوانه ، نابالغ ، بنده و هر کس که حضور وی باعث مشقّت و حرج برایش باشد نماز جمعه واجب نیست . بنا بر این نماز جمعه بر مردان و کسانی که سالم و تندرستند و عاقل و بالغ می باشند واجب است .

(تبریزی :) مسأله اگر در زمان غیبت نماز جمعه با شرائطش اقامه شود احتیاط واجب آن است که مکلف برای اداء آن حاضر شود و لکن حضور برای چند طایفه واجب نیست : (۱) پیرانی که ضعف دارند. (۲) زنها. (۳) مسافر در محل اقامه در صورتی که نمازش شکسته باشد، اما مسافری که نمازش تمام است حکم غیر مسافر را دارد. (۴) آنهایی که از محل نماز جمعه بیشتر از دو فرسخ دورند. (۵) مریض . (۶) عاجز مثل نابینا و شل ، البته اگر اینها در نماز جمعه حاضر شوند نماز جمعه شان صحیح است و از نماز ظهر کفایت می کند.

۸ کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه ، یک فرسخ است . (اراکی :) مسأله فاصله بین دو نماز جمعه از یک فرسخ باید کمتر نباشد؛ اگر کمتر بود، هر کدام که دیرتر شروع کرده باشند باطل است ، خواه از هم مطّلع باشند یا نه ؛ و اگر هر دو مقارن هم در یک لحظه تکبیره الإحرام بگویند، هر دو نماز باطل است و اگر وقت باقی است ، می توانند از نو نماز جمعه بخوانند و اگر وقت نماز جمعه گذشته ، باید نماز ظهر بخوانند.

۹ کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه ۵ نفر است که باید یکی از آنها امام باشد، پس نماز جمعه با کمتر از ۵ نفر واجب نیست و منعقد نمی شود ولی اگر ۷ نفر و بیشتر باشند فضیلت جمعه بیشتر خواهد بود (۱). (۱) (فاضل :) [و] پنج نفر مذکور باید شرایط زیر را داشته باشند: ۱ مرد باشند. ۲ آزاد باشند. ۳ مسافری که نمازش شکسته است نباشند. ۴ بیمار و پیر نباشند. ۵ فاصله آنها تا محل اقامه جمعه کمتر از دو فرسخ باشد و بر کسانی که این شرایط را نداشته باشند واجب نیست حتی اگر نماز جمعه واجب تعیینی باشد، امّا اگر بعد از تحقق جمعه در آن شرکت کنند نمازشان صحیح و کفایت از نماز ظهر می کند.

(اراکی :) مسأله برای تشکیل نماز جمعه باید جمعیت آنها از پنج نفر کمتر نباشد که یکی از آنها خود امام می باشد، بنا بر این غیر از امام چهار نفر اگر برای نماز جمعه حاضر شوند انعقاد آن جایز و مشروع می شود.

۱۰ در صورت وجود شرائط لازم ، نماز جمعه بر سکنه شهرها و شهرکها و حاشیه نشینان آنها و روستاییان ، چادر نشینان و بیابان گردهایی که روش زندگی آنها چنین است واجب است (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : اراکی و فاضل نیست (۱) (مکارم :) واجب تخییری است .

(۱۱) فاقدین شرائط وجوب نماز جمعه اگر اتفاقاً در نماز حاضر شوند یا با مشقت ، خود را به آن برسانند نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست . هم چنین کسانی که با وجود باران یا سرمای شدید یا نداشتن پا یا عضو دیگر که موجب مشقت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است در نماز جمعه شرکت کرده اند، نمازشان صحیح است . اما اگر دیوانه به نماز جمعه بپردازد نمازش صحیح نیست ولی نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است گر چه نمی توانند مکمل عدد لازم (۵) نفر باشند همان گونه که نمی توانند به تنهایی تشکیل نماز جمعه بدهند. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۹.

(اراکی :) مسأله کسانی که نماز جمعه بر آنان واجب نیست ، اگر در نماز جمعه شرکت کنند، نماز آنان صحیح است و به جای ظهر حساب می شود.

۱۲ مسافر می تواند در نماز جمعه شرکت کند و در این صورت نماز ظهر از او ساقط است لکن مسافرین به تنهایی (۱) بدون شرکت حاضرین نمی توانند نماز جمعه تشکیل دهند و در این صورت نماز ظهر بر آنها واجب است (۲) و نیز مسافر نمی تواند مکمل عدد لازم ۵ نفر باشد (۳) ولی اگر مسافرین قصد اقامه ده روز یا بیشتر بنمایند می توانند نماز جمعه تشکیل دهند. (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب . (۲) (تبریزی :) و نیز بنا بر احتیاط مسافر نمی تواند امام جمعه یا مکمل عدد باشد. (۳) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله مسافران به تنهایی نمی توانند نماز جمعه برپا کنند، مگر آن که تصمیم بگیرند ده روز در آنجا بمانند. مسافر هم می تواند امام جماعت در نماز جمعه باشد.

(۱۳) زنان می توانند در نماز جمعه شرکت کنند و نمازشان صحیح است و مجزی از نماز ظهر است اما به تنهایی بدون شرکت مردان نمی توانند نماز جمعه تشکیل دهند چنانکه نمی توانند مکمل عدد لازم ۵ نفر هم باشند (۱) زیرا نماز جمعه تنها با شرکت مردان منعقد می شود. (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب . (اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۱.

۱۴ خنثی مشکله کسی که مرد یا زن بودنش اصلًا معلوم نیست می تواند در نماز جمعه شرکت کند (۱) ولی نمی تواند مکمل عدد لازم (۵) نفر یا امام جمعه باشد (۲) پس اگر غیر از او فقط چهار نفر جمع شده باشند نماز جمعه برگزار نمی شود و باید نماز ظهر بخوانند. (۱) (تبریزی :) بلکه در صورت اقامه نماز جمعه با شرایط، بنا بر احتیاط باید شرکت کند. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله شخص خنثی اگر به نماز جمعه حاضر شود نمازش صحیح است ولی نمی تواند خود امام باشد.

وقت نماز جمعه

۱۵ وقت نماز جمعه با زوال خورشید شروع می شود و (تا وقتی که سایه شخص به اندازه دو قدم «پا» متعارف برسد امتداد دارد (۱). ولی (۲)) احتیاط واجب (۳) آن است که از اوائل عرفی زوال ظهر تأخیر نیاندازند و اگر تأخیر افتاد احتیاط مستحب (۴) آن است که نماز ظهر را بخوانند. (۱) (مکارم :) وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن آن ، وقت نماز جمعه پایان می یابد. (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (مکارم :) این حکم اقوی است . (۴) (فاضل :) احتیاط ..

(اراکی :) مسأله وقت نماز جمعه ظاهراً از اوّل زوال آفتاب است تا یک ساعت از زوال گذشته ؛ و اگر از این مقدار گذشت ، باید نماز ظهر بخواند و هر گاه مقدار دو خطبه کوتاه و یک رکعت از این مقدار وقت که گفتیم درک نماید، ظاهراً جمعه را درک نموده است .

(تبریزی :) مسأله وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است تا وقتی که سایه شاخص در طرف مشرق به اندازه خود شاخص شود پس هر گاه تا این وقت نماز جمعه به تأخیر افتاد وقتش خارج شده و مکلف باید نماز ظهر را به جا آورد، و احتیاط مستحب آن است که نماز جمعه را از زمانی که برای دو خطبه و اقامه نماز به مقدار متعارف لازم است تأخیر نیندازند.

۱۶ اگر امام خطبه ها را قبلًا شروع کرده و هنگام زوال به پایان برساند و نماز جمعه را شروع کند صحیح است (۱). (۱) (مکارم :) احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر بخواند.

(اراکی :) مسأله جایز است دو خطبه پیش از زوال خوانده شود ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از زوال ، خطبه نخوانند.

(تبریزی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب خطبه های نماز جمعه باید بعد از زوال خوانده شود و اگر امام ، خطبه ها را قبل از زوال شروع کند هر چند هنگام زوال به پایان برساند و نماز جمعه را شروع کند اشکال دارد و نمی توانند به آن اکتفاء کنند.

۱۷ جائز نیست امام جمعه خطبه ها را آن قدر طولانی کند که وقت نماز بگذرد و الا باید نماز ظهر را بخواند، زیرا نماز جمعه در خارج وقت آن قضا ندارد.

(اراکی :) مسأله حد اکثر طولانی شدن خطبه مقداری است که باعث گذشتن وقت نماز جمعه نشود. نماز جمعه اگر فوت شد، قضا ندارد.

۱۸ اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که پس از اتمام آن ، نماز ظهر را هم به جا آورد و اگر یک رکعت آن در وقت واقع نشده باطل است ولی احتیاط مستحب (۱) آن است که آن را تمام کند و سپس نماز ظهر را بخواند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (مکارم :) احتیاط واجب .

(تبریزی :) مسأله اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود، نماز جمعه صحیح نیست و باید نماز ظهر را به جا آورند ولی در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد احتیاط مستحب آن است که نماز جمعه را تمام کرده و سپس نماز ظهر را بخواند.

۱۹ اگر عمداً نماز جمعه را طوری به تأخیر بیاندازند (۱) که تنها برای یک رکعت آن وقت باقی باشد احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را به جا آورند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (تبریزی :) که مقداری از آن در خارج وقت واقع شود نماز جمعه صحیح نیست و باید نماز ظهر را بخوانند.

۲۰ اگر یقین دارد وقت به اندازه ای هست که می تواند حد اقل واجب را در تحقق دو خطبه و دو رکعت نماز به جا آورد بین نماز جمعه و ظهر مخیر است . و اگر یقین دارد که به این اندازه وقت نیست باید نماز ظهر را بخواند و اگر شک دارد، نماز جمعه صحیح است ولی در صورتی که پس از نماز معلوم شود (۱) که حتی برای یک رکعت هم وقت باقی نبوده ، باید نماز ظهر را به جا آورد گر چه احتیاط مستحب آن است که اگر تنها یک رکعت آن هم در وقت واقع شده ، نماز ظهر را بخواند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (تبریزی :) که مقداری از آن در خارج وقت واقع شده باید نماز ظهر را به جا آورد.

۲۱ اگر مقدار وقت را می داند ولی شک دارد که در این مقدار می تواند نماز جمعه را به جا آورد یا نه ، جایز است نماز جمعه را شروع کند؛ پس اگر وقت برای همه نماز کافی بود نمازش صحیح است و الاـ باید نماز ظهر را به جا آورد ولی احتیاط مستحب آن است که در این صورت اساساً نماز ظهر را اختیار کند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

۲۲ در صورتی که نماز جمعه با عدد کامل و در وقت دامنه دار شروع شده ولی مأمومی به رکعت اول نرسیده باشد، اگر به رکعت دوم و لو به رکوع آن برسد و اقتداء کند نمازش صحیح است (۱) به شرط آن که بداند وقت به اندازه ای هست که رکعت دوّم او هم در وقت واقع می شود در این صورت دومین رکعت نماز خود را به طور فرادی به جا می آورد ولی برای کسی که تکبیر رکوع رکعت دوم امام را درک نکرده بهتر آن است که (۲) نیت خود را به ظهر برگردانده و نماز ظهر را به جا آورد.

(۱) (فاضل :) و دومین رکعت نماز خود را به طور فرادی به جا می آورد. [پایان مسأله] (۲) (مکارم :) خلاف احتیاط است .

(تبریزی :) اگر قبل از رکوع رکعت دوم به امام برسد و اقتدا کند نمازش صحیح است (به شرط آن که وقت به اندازه ای باشد که رکعت دوم او هم در وقت واقع شود) در این صورت رکعت دوم نماز خود را بطور فرادی به جا می آورد و اگر در رکوع رکعت دوم امام را درک کند باید به قصد رجاء اقتداء کند و رکعت دوم نماز خود را بطور فرادی به جا آورد لکن نمی تواند به آن اکتفاء کند و باید نماز ظهر را هم به جا آورد.

(اراکی :) مسأله اگر مأموم به رکعت اوّل نماز جمعه نرسید و به رکعت دوم هر چند در رکوع باشد خود را برساند، صحیح است و رکعت دوم را خود با هر سوره ای که بخواهد پس از سلام امام فرادی می خواند و اگر مأموم در رکعت دوم پس از گفتن تکبیره الاحرام و رفتن به رکوع شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه نمازش باطل است و باید نماز ظهر بخواند.

کیفیت نماز جمعه

۲۳ نماز جمعه دو رکعت است و کیفیت آن مانند نماز صبح است و مستحب است که حمد و سوره با صدای بلند خوانده شود و در رکعت اول بعد از حمد، «سوره جمعه » و در رکعت دوم ، «سوره منافقون » را قرائت نمایند. (اراکی :) مسأله نماز جمعه دو رکعت است هم چون نماز صبح و به جای نماز ظهر خوانده می شود و دارای دو خطبه و شرایط خاصی است که خواهد آمد. در نماز جمعه سوره معیّنی معتبر نیست ولی مستحب است در رکعت اول پس از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره منافقون خوانده شود. احتیاط آن است که امام جمعه ، حمد و سوره نماز جمعه را بلند بخواند.

۲۴ نماز جمعه دارای دو قنوت است ، قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم پس از رکوع رکعت دوم است . (اراکی :) مسأله در نماز جمعه ، دو قنوت مستحب است : یکی در رکعت اول قبل از رکوع که پس از خواندن قنوت به رکوع رود و دیگری در رکعت دوم بعد از رکوع که پس از پایان قنوت به سجده رود.

۲۵ نماز جمعه دارای دو خطبه است که مانند اصل نماز، واجب بوده و باید توسط امام جمعه ایراد شود. بدون این دو خطبه نماز جمعه محقق نمی شود. (اراکی :) مسأله خواندن دو خطبه و مقدّم بودن آنها بر نماز، شرط صحت نماز جمعه است و اگر اخلال به هر دو یا یکی از آنها یا به تقدیم آنها نماید، باطل است .

۲۶ واجب است دو خطبه را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر اول نماز جمعه را به جا آورد باطل است و در صورتی که وقت باقی است باید پس از ایراد خطبه ها مجدداً

نماز جمعه را بخواند ولی اگر نسبت به حکم مسأله جاهل بوده یا اشتباه کرده ، اعاده خطبه ها لازم نیست (۱) بلکه اعاده نماز هم لازم نیست . (۱) (تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب حتی در صورتی که نسبت به حکم مسأله جاهل بوده یا اشتباه کرده باز باید پس از ایراد خطبه ها مجدداً نماز جمعه را بخواند و چنانچه وقت باقی نیست باید نماز ظهر را بخواند. (مکارم :) احتیاط واجب اعاده خطبه و نماز است .

(اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۲۵.

۲۷ جائز است (۱) دو خطبه نماز جمعه قبل از ظهر شرعی ایراد شود به طوری که پایان خطبه ها با ظهر شرعی مصادف باشد ولی احتیاط مستحب آن است که آنها را در وقت ظهر بخواند. (۱) (مکارم :) احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر بخوانند.

(اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶.

(تبریزی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب دو خطبه نماز جمعه باید بعد از ظهر شرعی ایراد شود و خواندن آنها قبل از ظهر جایز نیست حتی اگر پایان خطبه ها با ظهر شرعی مصادف باشد.

۲۸ در خطبه اول واجب است حمد الهی ، گر چه به هر لفظی که حمد الهی محسوب شود جایز است ، ولی احتیاط مستحب آن است که به لفظ جلاله «اللّه » باشد و احتیاط واجب (۱) آن است که پس از آن به ثنای الهی بپردازد و سپس به پیغمبر اسلام درود فرستد و واجب است مردم را به تقوی سفارش کند و یک سوره کوچک از قرآن را بخواند. و در خطبه دوم نیز حمد و ثنای الهی به صورتی که ذکر شد و درود بر پیغمبر اسلام واجب است . و احتیاط واجب (۲) آن است که در این خطبه نیز به تقوی سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن تلاوت نماید. و احتیاط مستحب و مؤکد (۳) آن است که در خطبه دوم پس از درود بر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم به ائمه معصومین علیهم السلام نیز درود بفرستد و برای مؤمنین استغفار کند. و بهتر است از خطبه های منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام یا آن چه از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده انتخاب کند. (۱) (۲) (مکارم :) بنا بر اقوی . (۳) (مکارم :) احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله باید هر یک از دو خطبه مشتمل بر حمد الهی باشد و احتیاط آن است که با لفظ «الحمد للّه » باشد و هم چنین مشتمل بر ثنای خدای تعالی و صلوات بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و آل او علیهم السلام و نیز مشتمل بر موعظه و پند باشد و نیز سوره کوچکی هم چون «قل هو اللّه » در آنها بخواند و در خطبه دوم علاوه بر آن چه گفته شد پیش از سوره صلوات بر ائمّه مسلمین بفرستد و احتیاط آن است که به نام بر آنها صلوات بفرستد، یعنی نام شریف آنها را از اول تا آخر ببرد و برای مردان و زنان مؤمن هم استغفار کند.

(تبریزی :) مسأله در خطبه اوّل واجب است حمد و ثنای الهی را گفته و مردم را به تقوی سفارش کند و یک سوره از قرآن را بخواند و در خطبه دوم نیز واجب است حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام درود فرستد و برای مؤمنین و مؤمنات استغفار کند و اگر همه آن چه را که گفته شد در دو خطبه تکرار کند مانعی ندارد.

۲۹ شایسته است امام ِخطیب ، بلیغ باشد و به تناسب اوضاع و احوال سخن گوید و عبارات فصیح و روان به کار برد، به حوادثی که در سراسر عالم بر مسلمین می گذرد بخصوص حوادث منطقه خود، آشنا باشد. مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص دهد. چنان شجاع باشد که در راه خدا از ملامت و نکوهش احدی بیم به خود راه ندهد، در اظهار حق و ابطال باطل بر حسب شرایط زمان و مکان صراحت داشته باشد، اموری از قبیل مواظبت در اوقات نماز و عمل به روش صلحا و اولیاء خدا را که موجب تأثیر کلام او در مردم است رعایت کند، کارهای او با مواعظ و وعد و وعیدهایش تطبیق نماید، از آن چه که موجب سبکی او و کلامش می شود حتی از قبیل پرگویی ، شوخی و بیهوده گویی بپرهیزد و همه این امور را تنها برای خداوند رعایت کند و هدفش اعراض از دنیا پرستی و ریاست طلبی باشد که سر سلسله همه گناهان است ، تا کلامش در جان مردم مؤثر افتد. (اراکی :) مسأله سزاوار است خطیب ، فصیح ، بلیغ ، شجاع و نترس در راه خدا و آشنای به مصالح مسلمین باشد و در زی ّ صالحان و مواظب اوقات نماز باشد و اعمالش مطابق مواعظش باشد و خود را از آن چه وهن ایجاد می کند هم چون مزاح زیاد و امثال آن پیراسته دارد.

۳۰ شایسته است امام خطیب در خطبه نماز جمعه مصالح دین و دنیای مسلمین را تذکر دهد و مردم را در جریان مسائل زیانبار و سودمند کشورهای اسلامی و غیر اسلامی قرار دهد و نیازهای مسلمین را در امر معاد و معاش تذکر دهد و از امور سیاسی و اقتصادی آن چه را که در استقلال و کیان مسلمین نقش مهمی دارد گوشزد کند و کیفیت صحیح روابط آنان را با سایر ملل بیان نماید و مردم را از دخالتهای دول ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمین که منجر به استعمار و استثمار آنها می شود برحذر دارد. خلاصه ، نماز جمعه و دو خطبه آن نظیر حج و مراکز تجمع آن و نمازهای عید فطر و قربان و غیره از سنگرهای بزرگی است که متأسفانه مسلمانان (۱) از وظائف مهم سیاسی خود در آن غافل مانده اند، چنانچه از سایر پایگاه های عظیم سیاست اسلام هم غافلند. اسلام دین سیاست آن هم در همه شئون آن است و کسی که در احکام قضایی ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی اسلام اندکی تأمل کند متوجه این معنی می شود. هر کس گمان کند دین از سیاست جدا است ، جاهلی است که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را . (۱) (فاضل :) کثیری از مسلمانان ..

(اراکی :) مسأله امام جمعه ضمن خطبه خود باید مصالح دین و دنیای مسلمانان را به آنها تذکّر دهد و آنها را از امور مختلف اجتماعی آگاه سازد.

۳۱ مستحب است (۱) امام خطیب در زمستان و تابستان عمامه داشته باشد و ردایی از برد یمنی یا عدنی به پوشد و خود را بیاراید، تمیزترین لباسهای خود را به پوشد و بوی خوش به کار برد به طوری که با وقار و سکینه باشد و قبل از خطابه هنگامی که مؤذن اذان می گوید او بر منبر نشسته باشد تا اذان به پایان رسد و خطبه را آغاز کند و هنگام صعود بر منبر خطابه روبروی مردم بایستد و سلام کند و مردم نیز با چهره های خود از او استقبال کنند و به چیزی از قبیل کمان و شمشیر (اسلحه) و عصا تکیه کند. و مردم نیز خود را روبروی او قرار دهند. (۱) (مکارم :) به قصد رجاء انجام دهد.

(اراکی :) مسأله مستحب است امام جمعه عمامه ببندد و پاکیزه ترین لباس را به پوشد و عطر استعمال کند و با وقار و طمأنینه باشد. مستحب است برای خطبه بالای منبر برود یا بر مکان مرتفعی بایستد و بر عصا و مانند آن تکیه کند و در حال خطبه باید ایستاده باشد.

۳۲ واجب است امام جمعه شخصاً و در حال ایستاده به ایراد خطبه بپردازد و اگر نتواند خطبه ها را در حال ایستاده بخواند، باید دیگری به ایراد خطبه بپردازد و امامت نماز را هم به عهده گیرد. و اگر هیچ کس برای ایراد خطبه ها در حال ایستاده پیدا نشود، نماز جمعه ساقط و نماز ظهر واجب است (۱). (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب . (اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۱.

۳۳ جائز نیست امام جمعه خطبه ها و بخصوص موعظه و توصیه به تقوی را به آهستگی ادا کند و احتیاط واجب آن است که با صدای بلند به ایراد خطبه بپردازد به طوری که حد اقل عدد لازم ۴ نفر صدای او را بشنوند (۱) بلکه احتیاط مستحب آن است که در هنگام موعظه و سفارش به تقوی صدای خود را چنان بلند نماید که همه حاضرین مواعظ او را بشنوند و در مجامع بزرگ به توسط بلند گوها به خطبه بپردازد تا تشویق و تحذیر و مسائل مهمه را به گوش همگان برساند. (۱) (مکارم :) بلکه لازم است در حدّ مقدور صدای خود را به نمازگزاران برساند.

(اراکی :) مسأله امام باید کمی بین دو خطبه بنشیند و خطبه را طوری بلند بخواند که حد اقل چهار نفر از مأمومین که دارای شرایط می باشند بشنوند.

۳۴ احتیاط مستحب آن است که امام در حال خطبه سخنی غیر مربوط به خطبه ها نگوید البته در فاصله بین خطبه ها و نماز سخن گفتن بلا مانع است . (اراکی :) مسأله مکروه است امام در بین دو خطبه حرفی غیر از خطبه بزنند.

۳۵ واجب است امام پس از خطبه اول مقدار کمی بنشیند و سپس به خطبه دوم بپردازد. (اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۳۳.

۳۶ احتیاط مستحب (۱) آن است که امام و مستمعین در حال خطبه واجد طهارت کامل که برای نماز معتبر است باشند. (۱) (مکارم :) احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله احتیاط آن است که امام هنگام ایراد خطبه با وضو و یا غسل باشد.

۳۷ احتیاط مستحب آن است که مأمومین در حال خطبه روبروی امام بوده و بیش از مقداری که در نماز می توانند خود را از قبله منحرف کنند، رو برنگردانند. (اراکی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که مأمومین رو به امام باشند و به این طرف و آن طرف متوجه نشوند امّا بعد از خطبه سخن گفتن و رو از قبله گرداندن مانع ندارد.

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و رو به امام بنشینند.

۳۸ واجب است مأمومین به خطبه های امام گوش فرا دهند و احتیاط مستحب آن است که ساکت باشند و از حرف زدن بپرهیزند که صحبت کردن در وقت خطبه ها مکروه است بلکه اگر سخن گفتن مأمومین موجب نشنیدن خطبه و از بین رفتن فائده آن باشد، سکوت لازم است . (اراکی :) مسأله احتیاط لازم آن است که مأمومین به خطبه ها گوش دهند. احتیاط مستحب آن است که مأمومین در بین خطبه ها حرف نزنند.

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه سکوت را رعایت کنند و به خطبه ها گوش فرا دهند، ولی اگر عمداً سخن بگویند نماز جمعه آنها باطل نمی شود هر چند کار خلافی کرده اند.

۳۹ احتیاط واجب آن است که امام جمعه در خطبه حمد الهی و درود بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام را به زبان عربی ایراد نماید، گر چه او و مستمعین او عرب نباشند اما می تواند در مقام وعظ و توصیه به تقوی به زبان دیگری تکلم نماید و احتیاط مستحب (۱) آن است که موعظه و آن چه را به مصالح مسلمین مربوط می شود به زبان مستمعین ادا نماید و اگر مستمعین مختلفند آنها را به زبان های مختلف تکرار کند. گر چه در صورتی که مأمومین بیش از حد نصاب چهار نفر باشند می تواند به زبان حد نصاب چهار نفر اکتفا نماید ولی احتیاط (۲) در آن است که آنها را به زبان خودشان موعظه کند. (۱) (مکارم :) احتیاط واجب . (۲) (فاضل :) احتیاط مستحب .. (مکارم :) احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله قسمت وعظ و نصیحت خطبه ها لازم نیست عربی باشد بلکه قسمت پند و مصالح مسلمین باید به زبان خودشان باشد و اگر مخلوط بودند، از لغات مختلف زبانشان باید استفاده کند.

(تبریزی :) مسأله لازم است امام جمعه مقدار واجب از دو خطبه را به زبان عربی ایراد نماید

گر چه او و مستمعین او عرب نباشند اما در مقام وعظ و سفارش به تقوی بنا بر احتیاط واجب باید بعد از گفتن آن به زبان عربی به زبانی که مستمعین آن را بفهمند تکرار کند و اگر مستمعین مختلفند باید آنها را به زبانهای مختلف تکرار کند.

۴۰ اذان دوم در روز جمعه بدعت و حرام است (۱). (۱) (فاضل :) یعنی نباید یک اذان قبل از خطبه و یک اذان بعد از خطبه بگویند.

(اراکی :) مسأله احتیاط آن است که برای نماز عصر روز جمعه اذان نگویند. در نماز جمعه فقط یک اذان کافی است و اذان دوم در صورتی که اذان اول پیش از خطبه به قصد نماز باشد بدعت است و حرام و اگر به قصد اعلام باشد اذان پس از خطبه اذان اول محسوب می شود و گاهی از این ، تعبیر به اذان سوم هم می شود.

احکام نماز جمعه

۴۱ کسی که نماز جمعه را به امامی اقتدا کرده می تواند نماز عصر را نیز به همان امام اقتداء کند و اگر بخواهد بعد از اقتداء به امام جمعه در نماز عصر احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند (۱) باید بعد از پایان نماز جماعت عصر، نماز ظهر و عصر را مجدداً به جای آورد (۲) مگر این که امام هم بعد از خواندن نماز جمعه احتیاطاً نماز ظهر را به جا آورده باشد که در این صورت اگر مأموم نیز همین طور عمل کرده لازم نیست نماز عصر را دوباره تکرار کند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (مکارم :) رعایت این گونه احتیاطات [در این مسأله] لزومی ندارد. (۲) (فاضل ، نوری :) کسی که نماز جمعه را به امامی اقتدا کرده می تواند نماز عصر را نیز به همان امام اقتدا کند، ولی اگر بخواهد احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند راه آن این است که پس از پایان نماز جماعت مجدداً نماز ظهر و عصر را (نوری : بطور فرادی) به جا آورد ..

۴۲ اگر امام و مأموم بخواهند پس از نماز جمعه نماز ظهر را احتیاطاً (۱) به جا آورند می توانند آن را به جماعت برگزار کنند ولی مأمومی که در نماز جمعه شرکت نکرده اگر به این نماز احتیاطی اقتداء کند از نماز ظهر او مجزی نیست و باید آن را اعاده نماید (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (مکارم :) رعایت این گونه احتیاطات [در این مسأله] لزومی ندارد. (۲) (فاضل :) مأمومی که در نماز جمعه شرکت نکرده ، نمی تواند به این نماز اقتدا کند و اگر به این نماز اقتدا کند از نماز ظهر او مجزی نیست و باید آن را اعاده نماید.

۴۳ اگر مأمومی که رکوع رکعت اول امام جمعه را درک کرده به علت کثرت جمعیت یا غیر آن نتواند در سجده ها با امام همراهی کند در این صورت اگر بتواند پس از قیام امام برای رکعت دوم ، سجده ها را خود به جا آورد و قبل از رکوع یا در حین آن به امام ملحق شود، نمازش صحیح است (۱). و الا باید به حال خود باقی بماند تا امام به سجده های

رکعت دوم برسد آن گاه دو سجده را به نیت سجده های رکعت اول نماز خود همراه امام به جا آورد و سپس رکعت دوم را فرادی بخواند و نمازش صحیح است . ولی اگر آنها را به نیت سجده های رکعت دوم و یا به نیت متابعت امام انجام دهد (۲) احتیاط واجب آن است که از آن دو سجده صرف نظر کرده و دو سجده دیگر به نیت سجده های رکعت اول به جا آورد و سپس به رکعت دوم بپردازد و پس از اتمام نماز، نماز ظهر را هم به جا آورد. (۱) (مکارم :) احتیاط واجب در این صورت اعاده نماز به صورت ظهر بعد از اتمام نماز جمعه است . (۲) (تبریزی :) نماز جمعه اش باطل شده و باید نماز ظهر را بخواند لکن احتیاط مستحب در این صورت آن است که از آن دو سجده صرف نظر کرده و دو سجده دیگر به نیت سجده های رکعت اول به جا آورد و سپس به رکعت دوم بپردازد و پس از اتمام نماز، نماز ظهر را هم به جا آورد.

(اراکی :) مسأله اگر مأموم در اثر ازدحام جمعیت نتوانست دو سجده رکعت اول را انجام دهد، چون یک رکن نماز کم شده است ، احتیاط واجب آن است که به صورت جمعه تمام کند و پس از آن ، نماز ظهر را بخواند.

۱۴۴اگر مأموم به قصد اتصال به نماز، در رکوع رکعت دوم تکبیر بگوید و به رکوع برود ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه ، نماز جمعه او محقق نمی شود و احتیاط واجب آن است که آن نماز را به نیت نماز ظهر به پایان برساند (۱) و سپس نماز ظهر را اعاده کند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (فاضل :) فرادی به پایان برساند.

(تبریزی :) مسأله چنانکه در مسأله ۲۲ گفته شد اگر مأموم در رکوع رکعت دوم به امام برسد باید به قصد رجاء، واردِ نماز جمعه شده و رکعت دوّم نماز خود را بطور فرادی بخواند ولی نمی تواند به آن اکتفا کند و باید نماز ظهر را هم به جا آورد.

۱۴۵اگر مأمومین پس از اتمام خطبه ها و شروع نماز امام ، از اقتداء به او خودداری کنند و امام را تنها بگذارند نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر بپردازد ولی احتیاط مستحب (۱) آن است که نیت خو درا به ظهر برگرداند و پس از اتمام آن مجدداً نماز ظهر را بخواند و احتیاط بیشتر در آن است که نماز را با همان نیت نماز جمعه تمام کند و سپس نماز ظهر را به جا آورد. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (مکارم :) نیازی به این احتیاط و احتیاط بعد نیست .

۱۴۶اگر نماز جمعه با عدد کامل حد اقل ۴ نفر به اضافه امام منعقد شود و لو این که فقط تکبیر آن را گفته باشند و سپس متفرق شوند، نماز باطل می شود؛ چه همه مأمومین یا بعضی از آنها متفرق شوند و امام باقی بماند و چه بر عکس ، چه یک رکعت کامل نماز را خوانده باشند و چه کمتر. ولی احتیاط مستحب (۱) آن است که

باقی مانده ها نماز جمعه را تمام کنند و سپس نماز ظهر را هم به جا آورند اما اگر بعضی از آنها در اواخر رکعت دوم (۲) بلکه بعد از رکوع رکعت دوم متفرق شوند نماز جمعه صحیح است و احتیاط مستحب (۳) آن است که پس از آن نماز ظهر را هم به جا آورند. (۱) (مکارم :) نیازی به این احتیاط نیست . (۲) (تبریزی :) یعنی بعد از سر برداشتن از سجده دوّم ؛ زودتر تشهد و سلام را گفته اند و متفرق شده اند نماز جمعه صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آن نماز ظهر را هم به جا آورند. (۳) (مکارم :) احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله اگر امام تکبیره الاحرام نماز جمعه را گفت و مأمومین متفرق شدند به طوری که هیچ کس باقی نماند، در این صورت نماز جمعه باطل است ولی احتیاط آن است که آن را به صورت نماز جمعه تمام کند و بعد نماز ظهر را بخواند. اگر مأمومین تکبیره الاحرام نماز جمعه را هم گفتند بعد از آن متفرق شدند باید نماز را تمام کند و احتیاط آن است که نماز ظهر را نیز بخوانند.

۱۴۷ اگر عدد مأمومین بیش از حد لازم چهار نفر برای نماز جمعه باشد پراکندگی عده ای از آنها مطلقاً ضرر ندارد به شرط آن که افراد باقی مانده از چهار نفر کمتر نباشند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

۱۴۸ اگر پنج نفر یا بیشتر، برای نماز جمعه مهیا شوند ولی در اثناء خطبه ها یا بعد از آنها و قبل از اقامه نماز متفرق شوند و برنگردند به طوری که کمتر از (۵) نفر باقی مانده باشند وظیفه افراد باقی مانده نماز ظهر است . (اراکی :) مسأله اگر در بین خطبه افراد پراکنده شدند و برای نماز باز نگشتند و تعداد افراد شرکت کننده از پنج نفر کمتر شد بر هر کدام از آنها نماز ظهر واجب است .

۴۹ در صورتی که قبل از انجام مسمّای واجب در خطبه «یعنی حد اقلی از واجبات خطبه ها که بتوان آنها را خطبه نامید» عده ای از مأمومین متفرق شوند و کمتر از چهار نفر بمانند و پس از مدت کوتاهی برگردند « به طوری که عدد لازم پنج نفر کامل شود» اگر امام در این فاصله سکوت کرده باشد، پس از مراجعت مأمومین باید از نقطه ای که خطبه را قطع نموده ادامه دهد ولی اگر «با وجود تقلیل مأمومین از حد نصاب لازم » خطبه را ادامه داده و جریان امر به صورتی بوده که افراد پراکنده صدای او را نشنیده اند (۱)، باید پس از مراجعت آنها و تکمیل عدد لازم ، آن قسمت را که در غیاب آنها خوانده اعاده کند. و اگر زمان بازگشت مأمومین طولانی باشد به طوری که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند باید امام خطبه را اعاده کند. چنانچه اگر با ورود مأمومین جدید هم عدد لازم پنج نفر کامل بشود اعاده خطبه ضرری است . این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (مکارم :) کفایت این مقدار مشکل است بلکه باید افراد در جماعت جمع باشند و خطبه را بشنوند.

۵۰ اگر مأمومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرق شوند به طوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود در صورتی که مسـمای خطبه محقق شـده باشـد اعاده خطبه واجب نیست ، گر چه مـدت تفرق طولانی باشد (۱). و در صورتی که مسـمای خطبه محقق نشده باشد اگر علت تفرق ، انصـراف مأمومین از نماز جمعه بوده احتیاط واجب آن اسـت که پس از بازگشت آنها، امام ، خطبه ها را از نو بخواند و لو این که مدت تفرق کم باشد و اگر علت تفرق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده در این صورت اگر مدت آن به قدری طولانی شود که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند واجب است خطبه هـا را از نو بخوانـد و الا خطبه قبلی را ادامه می دهـد و صـحیح است . (۱) (مکارم :) اگر فاصـله طولانی شود و موالات عرفیه به هم خورد اشکال دارد.

(اراکی :) مسأله اگر بعد از تحقّق مسـمّای واجب خطبه که در مسأله [۲۸] ذکر شد پراکنده شده اند اگر چه طول بکشد، اعاده خطبه لازم نیست و هم چنین اگر بعـد از تمام شـدن خطبه ، پراکنـده شـده باشـند. و اگر افراد تکمیل کننده عدد، قبل از تحقق صدق مسـمّای خطبه و یا در اثناء خطبه به خاطر انصراف از نماز جمعه متفرق شوند و سپس جمع گردند احتیاطاً خطبه نماز دو مرتبه خوانـده شود. و هم چنین در صورتی که پراکنـده شـدن افراد شـرکت کننـده به خـاطر بـاران و امثال آن بوده لکن تفرّق آنقـدر طولانی گردد که در نزد عرف ، اجتماع و وحـدت صـدق نکند در این صوت نیز خطبه اعاده گردد و اما اگر وحدت و اجتماع صدق کند در این صورت اعاده لازم نیست .

۵۱ اگر در جایی نماز جمعه برگزار شد نباید در فاصله ای کمتر از یک فرسخی آن نماز جمعه دیگری منعقد شود. پس اگر با فاصـله یـک فرسـخ دو نمـاز جمعه اقامه شود هر دو صـحیح است . لازم به تـذکر است که میزان در مسافت ، محل نماز جمعه است نه شـهری که نماز جمعه در آن تشـکیل شده است . بنا بر این در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است می توان چنـد نماز جمعه تشـکیل داد. (اراکی :) مسأله فاصـله بین دو نماز جمعه از یک فرسخ باید کمتر نباشد، اگر کمتر بود هر کدام که دیرتر شـروع کرده باشـد باطـل است ، خواه از هم مطلع باشـند یـا نه و اگر هر دو مقـارن هم در یـک لحظه تکبیره الاـحرام بگوینـد هر دو نماز باطل است و اگر وقت باقی است می تواننـد از نو نماز جمعه بخوانند و اگر وقت نماز جمعه گذشـته ، باید نماز ظهر بخوانند.

۵۲ احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه مطمئن شوند که در کمتر از حد مقرر نماز جمعه دیگری قبل از آنها و یا مقارن آنها برگزار نشده و نمی شود. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

۵۳ اگر دو نماز جمعه در یک زمان و با فاصله کمتر از حد معین یک فرسخ تشکیل شود هر دو باطل است . ولی اگر یکی از آنها قبلًا شروع شده و لو فقط تکبیره الاحرام

را گفته باشد دیگری باطل است ؛ چه نمازگزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها نماز جمعه دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می شود و چه ندانند. و میزان در صحت ، تقدم در نماز است (۱) نه در خطبه ها. بنا بر این اگر یکی از دو نماز جمعه در خطبه ها مقدم بوده اما نماز دوم در شروع نماز تقدم داشته نماز دوم صحیح و اولی باطل خواهد بود. (۱) (مکارم :) احتیاط آن است که خطبه ها نیز مقدم باشد.

(اراکی :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۵۱.

۵۴ اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حد لازم یک فرسخ نماز جمعه ای برپا شده ولی شک دارند که آن نماز قبلًا برگزار شده یا نه و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می شود یا نه ، در هر دو صورت می توانند خود نماز جمعه ای تشکیل دهند و هم چنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر اطمینان نداشته باشند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست

۵۵ اگر پس از پایان نماز جمعه متوجه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حد مقرر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد که قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته ، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست . گر چه قول به وجوب اعاده ، مطابق احتیاط است (۱) ولی اگر گروه سومی خواسته باشند در همان محدوده اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحت یکی از آن دو را بدهند نمی توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند. این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (فاضل :) گر چه اعاده مطابق احتیاط استحبابی است ..

۵۶ در زمان غیبت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف که نماز جمعه واجب تعیینی نیست خرید و فروش و سایر معاملات پس از اذان جمعه حرام نیست (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه اراکی نیست (۱) (فاضل :) هنگام اقامه نماز جمعه حرام نیست .

(تبریزی :) مسأله بنا بر احتیاط، در صورتی که در زمان غیبت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف نماز جمعه با شرائطش اقامه شود خرید و فروش و سایر معاملات در زمان نماز جمعه حرام است .

مسائل اختصاصی

(اراکی :) مسأله ۱۴۸۶ اگر نمازگزار اشتباهاً در رکعت دوم پس از قنوت به رکوع رود و پیش از رسیدن به حد رکوع یادش بیاید باید به سجده برود، اما اگر بعد از رسیدن به رکوع ملتفت شد، نماز جمعه باطل است و باید نماز ظهر بخواند.

(اراکی :) مسأله ۱۵۰۶ اگر بداند در صورت حرکت برای حضور در جمعه به رکوع رکعت آخر هم نمی رسد، می تواند نماز ظهر را شروع کند و لازم نیست یقین کند که نماز جمعه تمام شده است .

(اراکی :) مسأله ۱۵۱۰ نمازگزار می تواند سوره جمعه یا توحید و یا سوره دیگر را از روی نوشته یا قرآن بخواند.

(اراکی :) مسأله ۱۵۱۱ اگر در بین نماز برای امام موت یا جنون پیش آید، مؤمنین یک نفر از خود را پیش می اندازند و بقیه نماز را با او می خوانند و اگر امام بفهمد وضویش باطل بوده و یا وضو نگرفته و یا حدثی از او سر بزند، کسی را که دارای شرایط است به جای خود قرار می دهد که بقیه نماز را مأمومین با او بخوانند و در هر صورت نماز مأمومین صحیح است .

(اراکی :) مسأله ۱۵۱۲ اگر امام نتوانست کسی تعیین کند و یا مأمومین نتوانستند، احتیاط واجب آن است که نماز را به قصد جمعه تمام نمایند و سپس نماز ظهر را بخوانند.

چند سؤال از امام راحل قدس سره با حاشیه حضرات آیات : تبریزی و مکارم شیرازی

س : نرسیدن به خطبه های نماز جمعه آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج : باید سعی کنند به خطبه ها برسند و اگر نرسیدند و به نماز برسند نماز صحیح است . س : اگر کسی تمامی خطبه های عیدین و نماز جمعه را گوش نکند یعنی مثلًا وسط خطبه برسد یا این که صحبت کند به طوری که مفاهیم خطبه را آن طوری که باید بفهمد متوجه نشود، آیا نماز جمعه کفایت نماز ظهر را می کند؟ و نماز عیدین وی صحیح است یا خیر؟

ج : نماز جمعه و عید صحیح هستند و نماز جمعه کفایت از ظهر می کندِّ۲) أن «۱». س : در رساله های عملیه فارسی راجع به نماز جماعت ، شما می فرمایید اگر کسی پشت ستون بایستد اگر چه از طرف راست و چپ هم اتصال داشته باشد نمازش اشکال دارد، بنا بر این در نماز جمعه ها که عده زیادی به این طریق نماز می خوانند و فقط از طرف راست یا چپ اتصال دارند طریقه صحت نماز آنها چگونه است .

ج : اگر علاوه بر اتصال از یکی از سه طرف ، از صف قبل از خودش بعضی را ببیند جماعت صحیح است۳) أن «۲». س : معمولًا در بین خطبه های «نماز جمعه » نمازگزاران با گفتن سه تکبیر و دادن شعارهایی ، سخن امام جمعه را تأیید می نمایند، و هنگام شنیدن اسم مبارک حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه قیام می کنند و صلوات می فرستند و موقعی که امام جمعه دعا می کند آمین می گویند و گاهی عده ای حرکت می کنند و با یکدیگر حرف می زنند آیا همه اینها جایز است ؟ و نماز جمعه صحیح می شود یا نه ؟

ج : اشکال نـدارد و در فرض سؤال ، نمـاز جمعه صـحیح و مجزی از ظهر است ، ولی از حرف زدنی که فایـده خطبه را فوت کنـد، اجتناب لازم است . س : آیا زن بـدون اجازه شوهر، می تواند در نماز جمعه و دعای کمیل و راه راهپیمائیهای اسلامی ، شرکت نماید یا خیر؟

ج : خروج زن از منزل در غیر واجبات منوط به اجازه شوهر است .

بخش دوّم : احکام نماز جمعه مطابق با فتاوای حضرات آیات : خوئی و سیستانی

نماز جمعه

مسأله نماز جمعه مانند نماز صـبح دو رکعت است ، و امتیازش از نماز صبح این است که دو خطبه در پیش دارد، و نماز جمعه واجـب تخییری اسـت ، بـه این معنی که مکلـف در روز جمعه مخیر است که نمـاز جمعه را بخوانـد در صـورتی که شـرایطش موجود باشد، یا نماز ظهر به جا آورد، پس اگر نماز جمعه را به جا آورد کفایت از ظهر می کند.

شرایط واجب شدن نماز جمعه

واجب شـدن نمـاز جمعه چنـد شـرط دارد: اول : داخل شـدن وقت ، و آن عبارت از زوال آفتاب است ، و وقتش تا برابر شـدن سایه شاخص است با شاخص بنا بر اظهر، پس هر گاه تا برابر شـدن سایه با شاخص نماز جمعه را تأخیر انداخت ، وقتش خارج شـده و نمـاز ظهر را بایـد به جـا آورد. دوم : شـماره افراد، و آن هفت نفر است بـا امـام ، و هر گاه هفت نفر از مسلمانان جمع نشونـد نماز واجب نمی شود، بلی نماز جمعه از پنج نفری که یکیشان امام باشد صـحیح است . سوم : بودن امام جامع الشـرائط امامت ؛ از عـدالت و غیر آن از چیزهایی که در امام جماعت معتبر است ، هم چنان که در بحث نماز جماعت گذشت و بدون او نماز جمعه واجب نمی شود.

شرایط صحیح بودن نماز جمعه

صحیح بودن نماز جمعه چند شرط دارد: اول : جماعت بودن ، پس فرادی صحیح نیست و هر گاه مأموم قبل از رکوع رکعت دوم نماز جمعه به امام برسد مجزی خواهد بود، و یک رکعت دیگر به او اضافه می کند، و اگر در رکوع درک امام کند مجزی بودنش مشکل است و احتیاط ترک نشود. دوم : خواندن دو خطبه پیش از نماز: که در خطبه اول حمد و ثنای الهی را گفته و وصیت به تقوی و پرهیزکاری شود و یک سوره از قرآن بخواند، سپس نشسته و برخیزد، و باز هم حمد و ثنای الهی را به جا آورده و بر پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمه مسلمین صلوات فرستاده ، و برای مؤمنین و مؤمنات استغفار «طلب آمرزش » کند. و لازم است خطبه پیش از نماز باشد، پس اگر نماز را پیش از دو خطبه شروع کند صحیح نخواهد بود و خواندن خطبه پیش از زوال آفتاب جایز نیست . و لازم است کسی که خطبه را می خواند هنگام خطبه ایستاده باشد پس هر گاه خطبه را نشسته بخواند صحیح نخواهد بود و فاصله انداختن بین دو خطبه به نشستن لازم و واجب است ، و لازم است نشستن مختصر و خفیف باشد، و لازم است امام جماعت و خطیب کسی که خطبه می خواند یک نفر باشد. و أقوی این است که در خطبه طهارت شرط نیست ، اگر چه اشتراط أحوط است . و در مقدار واجب از خطبه عربیت (زبان عربی) معتبر است ، و در ما زاد بر آن معتبر نیست مگر آن که حاضرین زبان عربی را ندانند، که احوط در این صورت در خصوص وصیت به تقوی جمع بین عربیت و زبان حاضرین است . سوم : آن که مسافت بین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد، پس هر گاه نماز جمعه دیگری در مسافت کمتر از یک فرسخ بر پا باشد، و مقارن هم بودند هر دو باطل می شوند و اگر یکی سبقت بر دیگری داشت هر چند به تکبیره الاحرام باشد صحیح و دوّمی باطل خواهد بود و اگر

پس از برگزاری نماز جمعه کشف شد که نماز جمعه دیگری بر او سابق یا مقارنش در مسافت کمتر از یک فرسخ برپا شده بوده به جا آوردن نماز ظهر واجب خواهد بود، و فرقی نیست بین این که این کشف در وقت یا در خارج وقت باشد و بر پا نمودن نماز جمعه در صورتی مانع از نماز جمعه دیگر در مسافت مزبور می شود که خود صحیح و جامع شرایط باشد، و الّا در مانع بودنش اشکال است و اقرب مانع نبودن است . مسأله هر گاه نماز جمعه ای که دارای شرایط است برپا شود، بنا بر احتیاط حضورش واجب است . و در وجود حضور چند چیز معتبر است : اول : آن که مکلف مرد باشد، و حضور جمعه بر زنان واجب نیست . دوم : آزادی ، پس حضور در نماز جمعه بر بندگان (برده) واجب نیست . سوم : حاضر بودن ، پس بر مسافر واجب نیست و در مسافر فرقی نیست که تکلیف او در نماز قصر باشد یا تمام . مثل مسافری که قصد اقامه نموده باشد. چهارم : سلامت از بیماری و کوری ، پس بر بیمار و کور واجب نیست . پنجم : پیر نبودن ، پس بر پیر مردان واجب نیست . ششم : آن که بین جای شخص و جایی که نماز جمعه برپا می شود بیش از دو فرسخ فاصله نباشد و بر کسی که سر دو فرسخی است حضور واجب است و هم چنین بر کسی که حضور جمعه بر او دشوار باشد، حضور واجب نیست بلکه بعید نیست که اگر باران باشد حضور واجب نشود هر چند حرج و مشقتی نداشته باشد.

چیزهایی که در نماز جمعه معتبر است

مسأله چند حکم که به نماز جمعه راجع است از این قرار است : اول : کسی که نماز جمعه از او ساقط شده و حضورش واجب نباشد، جایز است در اول وقت مبادرت به نماز ظهر نماید. دوم : هر گاه در بلد انسان نماز جمعه جامع الشرایط برپا می شود، بنا بر احتیاط جایز

نیست . انسان بعد از زوال آفتاب سفر کند. سوم : حرف زدن هنگامی که امام مشغول خطبه خواندن است جایز نیست ، و فرقی بین ِ عـدد معتبر در اصـل وجوب نمـاز جمعه و بین بیشتر از آن نیست . چهـارم : گوش دادن به دو خطبه بنـا بر احتیاط، واجب است ولی کسانی که معنای خطبه را نمی فهمند گوش دادن بر آنها واجب نیست . پنجم : اذان دوم روز جمعه بدعت است ، و این همان اذانی است که در عرف اذان سوّم نامیـده می شود. شـشم : وقت خطبه امام ، ظاهر این است که حضور واجب نباشد. هفتم : خرید و فروش هنگامی که برای نماز جمعه ندا می شود، حرام است در صورتی که منافی نماز باشد، و الّا حرام نخواهد بود، و أظهر این است که در صورت حرمت نیز معـامله باطل نیست . هشـتم : کسـی که حضور جمعه بر او واجب بود، و ترک نموده و نماز ظهر را به جا آورد أظهر این است که نمازش صحیح باشد.

بخش سوّم : احکام نماز جمعه مطابق با فتاوای حضرات آیات : گلپایگانی و صافی

احکام نماز جمعه

نماز جمعه یکی از فرائض دینی است و وجوبش فی الجمله از ضـروریّات دین اسـلام است ، و قـدر متیقن آن است که اگر در عصـر پیغمبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله و ائمّه اطهار سـلام اللّه علیهم اجمعین به امر آن حضرت نداء به خواندن نماز جمعه می شد اقامه اش بی شک ّو تردید واجب بود.

مسأله ۱ به جا آوردن نماز جمعه در عصـر حاضـر «زمان غیبت » اگر شـرائطی که بیان خواهد شد موجود باشد احتیاطاً و برجاءِ مطلوبیت جایز است ، بلکه این احتیاط مستحسن است ، و احوط و اولی برای غیر فقیه عادل آن است که در اقامه نماز جمعه از فقیه عادل اذن بگیرد.

مسأله ۲ کسـی که نماز جمعه را به جا می آورد هر چنـد به اذن فقیه باشـد احتیاطاً نماز ظهر را نیز بخواند و اکتفا به نماز جمعه ننماید.

مسأله ۳ اقتداء به نماز عصر امامی که نماز جمعه را خوانده و نماز ظهر را نخوانده صحیح

نیست ، مگر این که بعد از نماز جمعه ، امام نماز ظهر را نیز احتیاطاً به جا آورد که در این صورت اقتداء به او در نماز عصر جایز است .

مسأله ۴ احوط آن است که در نماز ظهر به کسی که نماز جمعه را خوانده و نماز ظهر را احتیاطاً به جا می آورد اقتداء نشود، مگر کسی که خودش نیز نماز جمعه را خوانده و می خواهد نماز ظهر را احتیاطاً به جا آورد.

مسأله ۵ اولی و احوط آن است که کسی که نماز جمعه نمی خواند و در آن محلّ نماز جمعه اقامه می شود نماز ظهر خود را در روز جمعه تا گذشتن وقت نماز جمعه تأخیر بیاندازد.

آن چه قبل از نماز جمعه حرام است

بنا بر وجوب عینی نماز جمعه ، بمجرّد نداء برای نماز جمعه خرید و فروش بر کسی که وظیفه اش خواندن نماز جمعه است حرام می شود. و امّا حرمت منافیات دیگر از سایر معاملات و کارهایی که ذاتاً حرام نیستند معلوم نیست .

مسأله ۶ اقوی این است که بیع قبل از نداء برای نماز جمعه اگر منافی با آن نباشد حرام نیست و امّا اگر منافی باشد حکمش حکم سائر منافیات است ، که گفته شد حرمتشان معلوم نیست .

مسأله ۷ کسی که به واسطه وجوب نماز جمعه بیع بر او حرام شده اگر معصیت کرد و چیزی را فروخت و یا خرید، بیعش صحیح است .

مسأله ۸ هر گاه معامله بر یکی از دو طرف حرام شود اقدام طرف دیگر بر معامله مشکل است که مبادا اعانت بر اثم باشد.

مسأله ۹ کسی که نماز جمعه بر او واجب نیست بدون اشکال بیع برای او جایز است .

آن چه قبل از نماز جمعه واجب است

بنا بر وجوب تعیینی یا تخییری در صورتی که شرایط نماز جمعه موجود باشد پیش از نماز جمعه چند چیز واجب است . اوّل شتاب کردن بسوی نماز جمعه . دوّم حاضر شدن در محلّ نماز. سوّم تحصیل طهارت «غسل ، وضو، تیمّم ». چهارم رفع موانع از بدن و لباس به این که اگر نجس باشد تطهیر نماید. پنجم تحصیل ساتر اگر ساتر نداشته باشد و سایر شرائط آن . ششم خواندن دو خطبه بقصد قربت ، و نماز جمعه بدون دو خطبه صحیح نیست . و در آن دو خطبه چند امر است که به شرح ذیل باید مراعات شود: (۱) در هر یک از دو خطبه حمد خدا را به جا آورد و أحوط این است که بلفظ الحمد للّه باشد. (۲) صلوات بر پیغمبر و آل او در خطبه دوّم و أحوط در خطبه اوّل نیز وجوب آن است . (۳) موعظه نمودن و افراد را به تقوی اندرز دادن در خطبه اوّل و این موعظه در خطبه دوّم نیز ترک نشود. (۴) خواندن یک سوره کوچک در خطبه اوّلی و در خطبه دوّم نیز خواندن سوره ترک نشود. (۵) أحوط اضافه نمودن صلوات بر ائمّه معصومین علیهم السلام و طلب مغفرت برای

مؤمنین و مؤمنات است در خطبه دوّم ، و در تمام آن چه گفته شد مسمّی کفایت می کند به نحوی که عرفاً صدق کند. (۶) أحوط این است که آن دو خطبه به زبان عربی

باشـد. بلی در صـورتی که افرادی که گـوش دادن خطبه بر آنهـا واجب است به زبـان عربی آشـنا نباشـند احـوط این است که موعظه را به زبـان آنهـا تکرار کنـد، بلکه لزوم آن خـالی از قوّت نیست زیرا که موعظه و توصـیه به تقوی بر زبـانی که مسـتمع معنی آن را نفهمد صدق نمی کند.

مسأله ۱۰ کسـی که نمی توانـد خطبه را به زبان عربی بخوانـد باید یاد بگیرد، و اگر نتواند یاد بگیرد وجوب خطبه بغیر عربی و کفایت آن مشـکل است لکن احتیاط این است که خطبه را به غیر عربی خوانـده و نماز جمعه را بخوانـد و بعد نماز ظهر را هم به جا آورد.

مسأله ۱۱ اظهر جواز تقـدیم خطبه است بر زوال به نحوی که مقـارن فراغت از خطبه ظهر شود، لکن احتیاط آن است که خطبه را بعد از زوال بخواند.

مسأله ۱۲ هر گاه نماز جمعه را پیش از خطبه به جا آورد اگر چه از روی فراموشـی باشد صـحیح نیست و در این صورت برای نماز جمعه بعـدی به دو خطبه ای که بعـد از نماز اوّل خوانده شده (اگر موالات بهم نخورده باشد) می توان اکتفا کرد و تکرار آنها لازم نیست .

مسأله ۱۳ أحوط اگر أقوی نباشـد این است که امـام خودش خطبه ها را بخوانـد، و در صورتی که دیگری خطبه را بخوانـد هر چند به جهت نبودن امامی که خطبه را بخواند، اکتفاء به آن خطبه محل ـ تأمّل است و احتیاط این است که نماز ظهر نیز خوانده شود.

مسأله ۱۴ علی الأظهر واجب است کسی که خطبه را می خواند ایستاده باشد.

مسأله ۱۵ ظاهر این است که در حال خواندن هر دو خطبه طمأنینه واجب نباشد.

مسأله ۱۶ واجب است بین دو خطبه به مقداری نشسـتن فاصـله شود، و احوط آن است که آن نشسـتن مختصر و کم باشد، و بنا بر اقوی طمأنینه در آن واجب نیست .

مسأله ۱۷ سـزاوار است در هر دو خطبه طهارت و استقرار مراعات شود، و بجز مطالب خطبه سخنی نگوید و خنده و گریه نکند و سائر شرایط نماز را رعایت نماید بجز استقبال که در حال خطبه مستحب است امام رو به مأمومین بایستد.

مسأله ۱۸ احوط آن است که خطیب صدای خود را به قدر متعارف بلند کند تا در صورت امکان همه یا بیشتر مأمومین صدا را بشنوند و از مواعظ او استفاده نمایند.

مسأله ۱۹ جایز است خطیب از خطبه ای دست برداشته و خطبه دیگری را شروع کند و قطع خطبه مانند قطع نماز حرام نیست .

مسأله ۲۰ خطیب می تواند از خطبه دست برداشته و در جماعت دیگری شرکت کند مادامی که شروع به نماز نکرده باشد.

مستحبّات نماز جمعه

برای امام جمعه چند چیز مستحب است که ذیلا بیان می شود: (۱) در حال خطبه خواندن امام رو به مردم بایستد. (۲) بلیغ و توانا در سخن گفتن و موقع شناس باشد. (۳) مواظب بر نمازهای خود در وقتشان باشد. (۴) بر انجام اوامر الهی حتّی مستحبّات حریص باشد. (۵) نواهی الهی حتّی مکروهات را ترک نماید. (۶) از شبهات اجتناب نماید. (۷) از سخنان بیهوده خودداری کند

تا مواعظ او در نفوس افراد تأثیر بیشتری داشته باشد. (۸) در حال نماز در زمستان و تابستان عمّامه بگذارد. (۹) در حال نماز رداء بر دوش داشته باشد چه عبا باشد چه بُرد یمانی یا غیر اینها. (۱۰) هنگام ایراد خطبه تکیه بر عصا یا شمشیر یا غیر آن بنماید. (۱۱) هنگام روبرو شدن با مأمومین سلام بنماید. (۱۲) قبل از خواندن خطبه ها مادامی که مؤذّن مشغول اذان است امام بنشیند.

مکروهات نماز جمعه

آن چه بر امام و مأمومین هنگام ایراد خطبه کراهت دارد: (۱) آن که خطیب در حال خطبه به غیر از خطبه سخن دیگر بگوید، و أحوط ترک آن است . (۲) آن که مأمومین هنگام ایراد خطبه ها حرف بزنند، بنا بر احتیاط آنها نیز حرف نزنند و أحوط بر مأمومین آن است که خطبه ها را به دقّت گوش کنند و توجّه به مواعظ خطیب بنمایند.

مسأله ۱۲۱ اگر خطیب در اثناء خطبه حرف بزند که صورت خطبه به هم بخورد خطبه باطل می شود و هم چنین هر کاری که موجب محو صورت خطبه شود مانند راه رفتن زیاد یا چیز خوردن زیاد یا کار دیگری از این قبیل که هر کس ببیند نگوید دارد خطبه می خواند.

و به عنوان تیمّن و تبرّک ، ملخّص خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را ذکر می نماییم : «الحمد اللّه الولی ّالحمید ..» سپس خطیب به زبان حاضرین موعظه و نصیحت نموده و آنها را از مسائل مهم ّروز آگاه و به وظائف شرعیّه آشنا می نماید آن گاه یک سوره از سوره های کوچک قرآن را «سوره توحید یا و العصر یا کوثر» بخواند و مقدار کمی بنشیند و بلند شود بعد خطبه دوّم را بخواند: «الحمد للّه نحمده و نستعینه ..».

کیفیّت نماز جمعه

نماز جمعه مانند صبح دو رکعت است ولی با نماز صبح چند فرق دارد که ذیلًا بیان می شود:

مسأله ۲۲ احتیاط آن است که قرائت حمد و سوره در نماز جمعه به جهر یعنی بلند خوانده شود.

مسأله ۲۳ مستحب ّاست در رکعت اوّل بعد از حمد سوره جمعه و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره منافقین خوانده شود.

مسأله ۲۴ هر گاه در رکعت اوّل شروع به سوره جمعه و در رکعت دوّم شروع به سوره منافقین نمود، احوط آن است که به غیر آنها عدول نکند.

مسأله ۱۲۵ اگر در رکعت اوّل شروع به غیر سوره جمعه حتّی سوره جحد یا توحید نمود می تواند عدول به سوره جمعه بنماید بلکه عدول به سوره جمعه مستحب ّاست در صورتی که از نصف آن سوره نگذشته باشد، و هم چنین است اگر در رکعت دوّم شروع به سوره ای غیر از سوره منافقین نمود که می تواند از آن سوره به سوره منافقین عدول نماید در صورتی که از

نصف آن تجاوز نکرده باشد.

مسأله ۲۶ در نماز جمعه دو قنوت مستحب ِاست یکی در رکعت اوّل پیش از رکوع و دوّم در رکعت دوّم بعد از رکوع ، و در هر قنوت دعاهایی که در قنوت نمازها خوانده می شود

می توان خوانـد، و بهتر و افضـل در دو قنوت نمـاز جمعه بلکه در قنوت نمازهـای دیگر خوانـدن کلمات فرج است ، و در خبر مروی از حضـرت صادق سلام اللّه علیه است که فرمود: در قنوت رکعت اوّل نماز جمعه بعد از قرائت می گویی : لا اله الا اللّه الحلیم الکریم ..

وقت نماز جمعه

اوّل وقت نماز جمعه زوال آفتاب است و ظاهر این است که با گذشـتن مقـدار وقتی که مکلّف بتوانـد نماز جمعه را با تحصـیل طهارت و شـرکت در جماعت و سایر شـرایط بر حسب متعارف و آرامش خاطر اداء نماید، بدون سستی و تنبلی مخل ّبه آن یا عجله موجب دستپاچگی و شتاب زدگی ، وقت نماز جمعه می گذرد، و باید نماز ظهر خوانده شود.

مسأله ۲۷ هر گاه وقت بگذرد و شخص مشغول نماز باشد، اگر یک رکعت آن را در وقت درک نماید نماز را به عنوان جمعه به اتمـام برسانـد. چه امـام باشـد چه مـأموم چه منفرد در غیر این صورت ظاهر بطلان نماز جمعه و تعیین نماز ظهر است ، لکن احوط آن است که نماز جمعه را رجاءً تمام نموده و بعد نماز ظهر را بخواند.

مسأله ۲۸ هر گاه وقت نماز جمعه فوت شود قضاء ندارد، بلکه در این صورت وظیفه اش نماز ظهر است .

مسأله ۲۹ بر فرض وجوب تعیینی نمـاز جمعه هر گـاه شخصـی که وظیفه اش به جا آوردن جمعه بوده در وقت نماز جمعه نماز ظهر بخوابـد نمـاز ظهرش باطل است و بر او واجب است که برای انجام نماز جمعه سـعی کنـد پس اگر به نماز جمعه رسـید و درک کرد نمـاز جمعه را بخوانـد و الّـا بایـد نماز ظهر را اعاده نمایـد و نماز ظهر اوّل کافی نیست ، و کسـی که خیال می کرد وظیفه اش نمـاز جمعه است و نماز ظهر را به جا آورد ولی بعـد معلوم شـد که متمکّن از جمعه نبوده بایـد ظهر را اعاده نمایـد، بلی اگر طوری بوده که قصـد قربتش محقّق گشته به این که مثلًا از روی فراموشـی یا غفلت نماز ظهر را به جا آورد یا از روی جهـل خیـال کنـد نمـاز ظهرش صـحیح است و بعـد معلوم شود که متمکّن از جمعه نبوده در این صورت اعـاده نمـاز ظهر لازم نیست و هم چنین است اگر نمـاز ظهر را رجـاءً به جـا آورد و شـک ّدر تمکّن از به جا آوردن نماز جمعه داشـته باشـد سـپس معلوم شود که متمکّن از جمعه نبوده در این صورت هم نماز ظهرش صحیح است و اعاده ندارد.

مسأله ۳۰ کسـی کـه وظیفه اش به جـا آوردن نمـاز جمعه باشـد و یقین به این دارد که وقت برای دو خطبه کوتـاه و دو رکعت نماز مختصر کفایت می کند واجب است نماز جمعه را به جا آورد.

مسأله ۳۱ کسـی که وظیفه اش خوانـدن نماز جمعه است اگر شک کند که آیا وقت کافی برای نماز جمعه هست یا نیست اگر نمی داند چقدر وقت گذشته است بنا بر قول بوجوب تعیینی ، نماز جمعه بر او واجب است اگر چه ظن ّبه عدم بقاء وقت برای نمـاز جمعه داشـته باشـد، و هم چنین بنـا بر قول به وجوب تخییری و کـافی بودن نمـاز جمعه ، جـایز است نمـاز جمعه را به جا آورده و به آن اکتفا نمایـد بـدون این که نماز ظهر را به جا آورد و امّا اگر بدانـد که بیش از نیمی از وقت باقی نمانـده و نمی داند که نماز جمعه چقدر وقت لازم دارد، احوط این است که مشغول نماز جمعه بشود اگر بعد معلوم نشد که وقت کافی بوده

یا نه اقوی آن است که به نماز جمعه اکتفا نکند و نماز ظهرش را بخواند.

مسأله ۳۲ هر گاه معلوم شود که وقت برای نماز جمعه کم بوده حتّی برای درک یک رکعت ، نماز جمعه باطل و واجب است نماز ظهر را به جا آورد.

مسأله ۳۳ اگر یقین داشته باشد که وقت برای حتّی یک رکعت از نماز جمعه وسعت ندارد وقت جمعه گذشته و باید نماز ظهر را بخواند، و امّا اگر وقت برای یک رکعت یا کمتر از دو رکعت وسعت دارد، اقوی آن است که در حکم وسعت وقت است برای تمام نماز، لکن احوط این است که به نماز جمعه در چنین وقتی اکتفاء نشود و نماز ظهر را هم بخواند.

مسأله ۳۴ هر گاه مأموم یک رکعت از وقت را درک نمایـد به این که به رکوع امام در رکعت دوّم برسـد و قبل از این که امام سر از رکوع بردارد او در رکوع مستقرّ شود جمعه اش صحیح است رکعت اوّل خود را با رکعت دوّم امام و رکعت دوّم خود را به تنهایی بخواند، و امّا اگر امام را بعد از گذشتن وقت جمعه درک کند یعنی امام یک رکعت نماز خود را در وقت بخواند و مأموم در رکعت دوّم به امام برسـد، در این صورت صحّت نماز مأموم در نهایت اشکال است ، بلکه بطلانش خالی از قوّت نیست ، لکن بنا بر قول به وجوب تعیینی نماز جمعه احوط آن است که نماز جمعه را رجاءً به جا آورده ، سپس نماز ظهر را هم بخواند.

شرایط نماز جمعه

اشاره

نماز جمعه چند شرط دارد:

شرط اوّل آن که به جماعت باشد

و فرادی صحیح نیست و همین که مأموم در رکوع رکعت دوّم به امام برسد و اقتداء کند کفایت می کند و امّا جمعه امام منعقد نمی شود مگر به اقتداء حد اقل عدد از کسانی که حاضر در خطبه بودند در رکعت اوّل پس اگر امام شروع به نماز جمعه نمود، و مأمومین در رکعت اوّل اقتداء ننمودند، و در رکعت دوّم به امام ملحق شدند، نماز جمعه منعقد نمی شود بلکه احوط این است که مأمومین در اقتداء کاهلی و سستی ننموده و از اوّل نماز اقتداء نمایند.

مسأله ۳۵ هر گاه مأموم پیش از گفتن ذکر رکوع شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه بنا را بر نرسیدن بگذارد، امّا اگر بعد از تمام شدن ذکر یا بعد از سر برداشتن از رکوع چنین شکّی بنماید به این شک اعتنا نکند.

مسأله ۳۶ هر گاه امام در اثناء نماز بمیرد یا چیزی که نماز را باطل می کند بر او عارض شود مانند بی هوشی یا دیوانگی یا حدث یا غیر اینها نماز مأمومین باطل نمی شود و کسی را که دارای شرایط امامت باشد جلو بیندازند که نماز را برای آنها تمام

کند و احوط این است که کسی که موفّق به گوش دادن خطبه نشده جلو نیفتد، یا کسی که خطبه را گوش داده ولی دیگری بر او سبقت داشته و از اوّل خطبه گوش داده نیز جلو نیفتد، اگر غیر از اینها کسی نباشد احتیاط آن است که نماز جمعه را با آنها به جماعت تمام نموده و نماز ظهر را نیز به جا آورند.

مسأله ۳۷ ظاهر آن است که در صورت عوض شدن امام بر مأمومین تجدید نیّت اقتداء واجب باشد.

مسأله ۱۳۸اگر کسی که بشود به او اقتداء نمود یافت نشود، باید مأمومین نماز خود را فرادی تمام کنند، و نماز جمعه شان صحیح است ، و در صورتی که به جماعت تمام ننمایند احوط آن است که نماز ظهر را نیز به جا آورند.

شرط دوّم : عدد است

، به این معنا که حدّ اقلّ نمازگزاران که امام هم یکی از آنهاست باید پنج نفر باشند و به کمتر از آن منعقد نمی شود. و اگر هفت نفر باشند و سائر شرایط جمع باشد نماز جمعه عیناً واجب خواهد شد.

مسأله ۳۹ هر گاه بعضی از افراد جماعت بروند و عدد مطلوب یعنی حدّ اقل نمازگزاران کم شود هر چند بعد از خطبه باشد و آن افراد برنگردند یا کسانی دیگر به جای آنها نیایند و حدّ اقلّ عدد تکمیل نشود، جمعه منعقد نمی گردد و از باقی مانده جمعه ساقط می شود.

مسأله ۴۰ هر گاه افرادی که در بین خطبه رفته بودند قبل از گذشتن وقت برگردند نماز جمعه را باید بخوانند، و تکرار آن چه از خطبه شنیده شده بود در صورتی که موالات عرفیّه بهم نخورده باشد واجب نیست و الّا احوط تکرار خطبه است ، و هم چنین اگر افرادی که بعد از خطبه رفته بودند پیش از نماز برگردند.

مسأله ۴۱ هر گاه به واسطه رفتن چند نفر عدد کم شود و به جای آنها از کسانی که خطبه را گوش نکرده اند عدد تکمیل گردد، ظاهر این است که تکرار خطبه لازم باشد زیرا که عدد مذکور «پنج یا هفت نفر» در استماع خطبه ظاهراً شرط است ، هر چند جایز است دیگران که خطبه را گوش نداده اند به آنها در نماز ملحق شوند.

مسأله ۴۲ عدول از نماز جمعه به نماز ظهر دلیل ندارد. خواه نمازگزار بتواند نماز جمعه را تمام کند یا نتواند.

شرط سوّم آن که مسافت بین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد

، پس اگر در کمتر از مسافت یك فرسخ دو نماز جمعه هم زمان و با هم برپا شد، هر دو نماز باطل است .

مسأله ۴۳ هر گاه یکی از این دو نماز پیشتر از دوّمی منعقد شد، هر چند به تکبیره الإحرام باشد « به این معنی که امام جماعت یکی از دو نماز تکبیره الإحرام را جلوتر از امام جماعت نماز دوّم گفت » دوّمی باطل و اوّلی صحیح است ، خواه سبقت گیرنده بداند که نماز جمعه دیگری بعد از شروع او منعقد شده یا نداند و در صورتی که بداند جمعه دیگری در کمتر از مسافت اقامه می شود، و سبقت بگیرد این دانستن ضرر بجواز سبقت ندارد.

مسأله ۴۴ در باطل بودن جمعه دوّم فرقی نیست بین این که بدانند جمعه دیگری منعقد است یا ندانند.

مسأله ۴۵ هر گاه شکّ کند که جمعه دیگر قبلًا منعقد شده یا مقارن و هم زمان بوده ، بنا را بر عدم مقارنت و سبقت بگذارد، و تفحّص لازم نیست ، و مادامی که کشف خلاف نشده حکم به صحّت جمعه خودش می نماید.

مسأله ۴۶ کسی که نماز جمعه را زودتر شروع کرده واجب نیست به لاحق اعلام نماید و هم چنین دیگری که مطّلع است لازم نیست به لاحق اطّلاع دهد.

مسأله ۴۷ هر گاه بعد از فراغ از نماز جمعه علم حاصل شد که جمعه دیگری نیز منعقد بوده و تقدم هیچ کدام معلوم نشد هر یک از دو جماعت باید نماز ظهر را بخوانند، و اگر وقت نماز جمعه هم باقی باشد برای هیچ یک از این دو جماعت و یا جماعت سوّم خواندن نماز جمعه دیگر جایز نیست .

مسأله ۴۸ میزان در سابق بودن و لاحق بودن ، تکبیره الإحرام است نه خطبه پس اگر یکی از دو جماعت در خطبه سبقت داشت و دوّمی در تکبیره الإحرام سابق شد نماز جمعه دوّم صحیح است نه نماز جمعه اوّل .

مسأله ۴۹ فاصله یک فرسخ که معتبر است برای دو نماز است نه دو خطبه پس اگر دو خطیب هر یک در فاصله کمتر از از یک فرسخ خطبه خواندند و نماز را در فاصله یک فرسخ به جا آوردند نمازها صحیح است .

شرایط نمازگزار

نماز جمعه بر کسی که واجد شرایط ذیل باشد واجب می شود: اوّل آن که بالغ باشد، پس بر شخص نابالغ واجب نمی شود. دوّم آن که عاقل باشد و بر دیوانه واجب نیست . سوّم آن که مرد باشد و بر زن واجب نیست . و خنثی «کسی که نه مرد است نه زن یا هم مرد است هم زن » باید احتیاط به جمع بین جمعه و ظهر بنماید، گر چه اقوی آن است که می تواند به نماز ظهر اکتفاء کند، لکن احوط آن است که نماز ظهر را تا گذشتن وقت جمعه به تأخیر بیندازد چهارم آن که حاضر باشد و بر مسافر واجب نیست ، و مدار و میزان اصل سفر است نه آن که نماز شکسته باشد، بنا بر این ظاهراً در سفر معصیت واجب نیست ، و هم چنین سفر لهو و جاهایی که انسان مخیّر بین قصر و اتمام است «مکّه و مدینه و کربلا و کوفه » بلی ظاهر این است که بر کسی که در جایی قصد اقامت ده روز نموده یا سی روز در جایی به حال تردّد مانده و کسی که زیاد سفر می کند و مسافری که هشت فرسخ نرفته و مسافری که مقصدش معلوم نیست که شارع مقدّس اسلام در این قبیل موارد حکم به عدم سفر فرموده است نماز جمعه واجب است . پنجم آن که بینا باشد و بر نابینا هر چند برای او مشقّت نداشته باشد ظاهراً نماز جمعه واجب نیست . ششم سلامت از بیماری و بر شخص مریض و بیمار واجب نیست ، لکن بعید نیست که مشقّت نوعیّه معتبر باشد و مریضی که اقامه جمعه بر او مشقّت ندارد حتّی برای نوع آن مرض ظاهر این است که دلیل عدم وجوب شامل او نشود و حکم او حکم شخص سالم باشد. هفتم آن که سلامت از شلی و لنگی داشته باشد و بر کسی که پایش شل یا لنگ است و انجام نماز برای او حرجی باشد واجب نیست . و اگر حرجی نباشد احوط این است که مانند افراد سالم نماز جمعه

را به جا آورد. هشتم آن که پیر و ناتوان نباشد که برای او و امثالش حرجی باشد، پس بر پیر مردی که به جا آوردن نماز جمعه برایش حرجی باشد واجب نیست هم چنان که سایر واجبات از او ساقط می شود. و ظاهر این است که در باران مستلزم حرج نیز وجوبش ساقط می گردد. نهم آن که مسافت بین نمازگزار و بین محل ـ نماز جمعه بیش از دو فرسخ نباشد، و کسی که دو فرسخ از محل ـ نماز دور باشد و نتواند در کمتر از این مسافت آن را به جا آورد واجب نیست ، و مدار در دوری و نزدیکی شخص خود نمازگزار است نه منزل و وطنش هم چنان که مدار فقط بر رفتن به نماز است نه به برگشتن . مسأله ۵۰ هر گاه کسی که به جهت دارا نبودن شرایط مذکوره جمعه بر او واجب نیست خود را به زحمت انداخته و حاضر شد و اتّفاقاً نماز جمعه را به جا آورد نماز جمعه اش صحیح است (بجز دیوانه و بچّه غیر ممیّز) بلکه بر چنین شخصی بعد از حضور عیناً واجب می شود بنا بر قول به وجوب عینی ، جز کسی که اقامه جمعه بر او حرجی باشد ولی ظهر حرجی نباشد و امّا طفل غیر ممیّز یا نابالغ گر چه نه جمعه و نه ظهر بر او واجب است زیرا تکلیفی ندارد لکن بعید نیست که فقط جمعه برای او با اجتماع سایر شرایط مشروع باشد نه ظهر.

مسأله ۵۱ هر گاه تمام عدد لازم در نماز جمعه یا بعضشان دارای شرایط وجوب نباشند ولی شرایط صحّت نماز را دارا باشند جمعه با آنها منعقد می شود و در انعقاد آن لازم نیست تمام عدد دارای شرایط وجوب باشند. بلی مرد بودن شرط انعقاد است پس اگر حدّ اقل ـ عدد لازم پنج یا هفت نفر مرد نباشد جمعه منعقد نخواهد شد و انعقاد نماز جمعه به اطفال ممیّز مشکل است هر چند امام بالغ باشد.

مسأله ۵۲ امام جمعه باید دارای شرایط امام جماعت از قبیل عدالت و مانند آن ، باشد و چنانکه سابقاً گفته شد احوط و اولی با اذن مجتهد است .

مسأله ۵۳ کسی که جمعه از او ساقط است می تواند نماز ظهر را در اوّل وقت به جا آورد بدون این که منتظر گذشتن وقت نافله بشود.

مسأله ۵۴ کسی که نماز ظهر را به جا آورده و بعد از آن متمکّن از نماز جمعه شود نماز جمعه بر او واجب نیست بلکه مشروع نمی باشد، مگر آن که رجاءً آن را به جا آورد، هر چند به جهت تغییر موضوع باشد مثل این که هنگام اداء نماز ظهر معذور از جمعه بوده و فعلًا عذرش برطرف شده یا مسافر بوده و فعلًا به وطن خود رسیده است . بلی اگر نابالغ بالغ شود بعد از نماز ظهر، با اجتماع سایر شرایط مانند کسی خواهد بود که اصلًا نماز نخوانده ، که باید در صورتی که وقت جمعه باقی باشد نماز جمعه را بخواند بنا بر قول به تعیین ، و الّا نماز ظهر را دوباره به جا آورد. و امّا اگر نماز جمعه را بطور صحیح قبل از بلوغ به جا آورده باشد، مانند کسی است که نماز جمعه را بعد از بلوغ به جا آورده است و ظاهراً اعاده ندارد هر چند وقت آن باقی باشد.

مسأله ۵۵ کسی که تکلیفش تعییناً به جا آوردن نماز جمعه است مکروه است بعد از طلوع فجر روز جمعه مسافرت نماید، و احوط این است که تا نماز جمعه را نخوانده بعد از زوال نیز مسافرت ننماید، مگر در صورتی که در راه متمکّن از اقامه آن باشد. و امّا بعد از نماز هر چند نماز ظهر باشد کراهتی ندارد مطلقا.

مسأله ۵۶ هر گاه مأموم نتوانـد در سـجده رکعت اوّل خود را به امام برسانـد، پس اگر بتوانـد سـجده نموده و خود را به رکوع رکعت دوّم امام برساند، جمعه اش صـحیح است و هم چنین است اگر به رکوع دوم امام نرسد لکن سجده رکعت اوّل را نمود و بعد از این که امام سر از رکوع رکعت دوّم برداشت خود را به امام رساند در این صورت رکوع نماید و خود را به دو سجده امام برساند و نماز را تمام نماید البتّه در این صورت احتیاطاً نماز ظهر را نیز بخواند. و اگر از سـجود رکعت اوّل متمکّن نشد تا امـام به رکوع رکعت دوّم مشغول شـد در این صورت به رکوع نرود، بلکه صبر نمایـد تـا امـام سـر از رکوع بردارد و با امام به قصد رکعت اوّل به سجده برود و جمعه اش صحیح است ، و پس از فراغت امام از نماز رکعت دوّم را به جا آورد. و امّا اگر به قصد رکعت دوّم به سجده رفت آن دو سجده را حذف نموده و دو سجده دیگر برای رکعت اوّل نموده سپس نماز را به عنوان جمعه تمام نماید. لکن أحوط آن است که در این صورت نیز نماز ظهر را به جا آورد، و چنانچه دو سـجده را بی قصد یعنی نه به قصـد رکعت اوّل و نه به قصد رکعت دوّم به جا آورد اقوی این است که دو سـجده صـحیح است و آنها را برای رکعت اوّل حساب نموده و نماز را به قصـد جمعه تمام نمایـد، لکن احوط این است که ظهر را نیز به جا آورد، و امّا اگر متمکّن از سـجده نشود تا بعد از سجود رکعت دوّم امام ، أقوی این است که جمعه فوت شده و لازم است ظهر را فقط بخواند.

مسأله ۵۷ ظاهر این است که نماز جمعه با سایر نمازهای واجب در احکام خلل از شـکیّات و سـهویّات و غیر اینها در رکعات و اجزاءِ رکنیّه و غیر آنها و شرایط و موانع مساوی است بنا بر آن چه تفصیلًا در محلّش ذکر شده است .

آداب روز جمعه و سنن آن

در روز جمعه چنـد چیز مستحب ٍاست : اوّل غسـل کردن « به نیّت غسـل جمعه ». دوّم خوانـدن بیست رکعت نمـاز نـافله ، در حدیث مروی از حضرت رضا سلام اللّه علیه است که علّت زیادی چهار رکعت نافله در روز جمعه تعظیم آن روز است و برای این که بین آن و بین روزهای دیگر فرق داشته باشد، بلکه بعید نیست اسـتحباب دو رکعت دیگر بعد از عصـر علاوه بر بیسـت رکعت ، هم چنان که در صـحیحه اشـعری است که به شرح ذیل انجام شود: ۱ شـش رکعت وقتی که آفتاب پهن شود. ۲ شش رکعت در وقت بلنـدی آفتاب . ۳ شـش رکعت قبل از زوال آفتاب . ۴ دو رکعت هنگـام زوال آفتـاب . و این دو رکعت جایز است بعـد از زوال آفتاب خوانـده شود، و بهتر این است که بعـد از فریضه به جا آورد. و اگر شـش رکعت اوّل را بعـد از طلوع آفتـاب ، و شـش رکعت دوّم را هنگـام بلنـدی خورشـید و دو رکعت هنگام زوال و شـش رکعت سوّم را بین دو نماز یعنی بین جمعه و عصـر یا بین ظهر و عصـر به جا آورد جایز است و بنا بر قولی افضل است زیرا روایات در آن مستفیض و بسیار است و معارض نـدارد. سوّم زودتر به مسـجد برود و با وقار و آرامش نفس و خاطر باشـد. چهارم گرفتن ناخن دست و پا. پنجم کوتاه کردن موی سبیـل «شـارب ». شـشم اسـتعمال طیب و عطر زدن . هفتم بهترین لبـاس خود را به پوشـد. هشـتم هنگامی که آماده رفتن به مسجد و بیرون آمدن از منزل می شود این دعا را که از

حضرت صادق علیه السلام نقل شده بخواند: اللّهُمَّ مَن تَهَیَّأَ وَ اعَدَّ وَ استَعَدَّ لِوِفادَةٍ الی مَخلُوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وَ طَلَبَ نائِلِهِ وَ جَوائِزِهِ وَ فَواضِلِهِ وَ نَوافِلِهِ، فَالَیکَ یا سَیِّدِی وَ فادَتِی وَ تَهیِئَتِی وَ تَعبِئَتِی وَ اعدادِی وَ استِعدادِی رَجاءَ رِفدِکَ وَ جَوائِزِکَ وَ نَوافِلِکَ، فَلا تُخَیِّبِ الیَومَ رَجائِی یا مَن لا یَخِیبُ عَلَیهِ سائِلٌ وَ لا یَنقُصُهُ نائِلٌ فَانِّی لَم آتِکَ الیَومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمتُهُ وَ لا شَفَاعَهِ مَخلُوقٍ رَجَوتُهُ وَ لکِن اتَیتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلمِ وَ الإساءَهِ، لا حُجَّهَ لی وَ لَا عُذرَ، فَأَسأَلُکَ یا رَبِّ أَن تُعطِیَنِی مَسأَلَتِی وَ تُقَلِّبَنِی بِرَغبَتِی وَ لا تَرُدَّنِی مَجبُوهاً وَ خائِباً، یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ ارجُوکَ لِلعَظِیمِ، اسأَلُکَ یا عَظِیمُ أَن تَغفِرَ لِیَ العَظِیمَ، لا إلهَ الّا انتَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقنِی خَیرَ هَذَا الیَومِ الَّذِی شَرَّفتَهُ وَ عَظَّمتَهُ وَ تَغسِلنِی «وَ اغسِلنِی» فِیهِ مِن جَمِیعِ ذُنُوبِی وَ خَطایایَ، وَ زِدنِی مِن فَضلِکَ إنَّکَ أَنتَ الوَهّابُ.

بخش چهارم : احکام نماز جمعه مطابق با فتاوای حضرت آیت اللّه بهجت

نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح و به جای نماز ظهر خوانده می شود و دارای دو خطبه و شرایط خاصی است که خواهد آمد. ۱ وقت نماز جمعه اوّل ظهر شرعی که زوال شمس است می باشد مثل نماز ظهر، و بنا بر أحوط باید اوّل زوال مبادرت به انجام آن بشود با مراعات وقت خطبه ها چنانکه خواهد آمد. و در موقعی که واجب تعیینی باشد اگر مبادرت مذکور صورت نگرفت أحوط در صورت امکان جمع بین آن و نماز ظهر است که اوّل جمعه را اقامه می کنند و پس از آن ظهر را . ۲ در زمان غیبت نماز جمعه واجب تخییری است و کفایت از نماز ظهر می کند. ۳ لازم نیست که امام جمعه فقیه باشد اگر چه در صورت امکان أحوط است . ۴ هنگامی که نماز جمعه وجوب تعیینی دارد در همان حال بر مسافری که نماز را شکسته می خواند، زن ، پیر، نابینا، بنده ، و هر کس که حضور وی باعث مشقّت و حرج برایش باشد مثل مریض واجب نیست اگر چه نماز جمعه از آنها در صورتی که شرکت بکنند صحیح است و کفایت از ظهر می کند. و امّا وجوب تخییری پس برای جمیع آنها ثابت است و فرقی با دیگران ندارند، بلکه می توانند نماز جمعه مستقل (مثل جماعت مسافرین) تشکیل بدهند ولی به جماعت زنان به تنهائی ، جمعه مستقل منعقد نمی شود. ۵ فاصله بین دو نماز جمعه که هر دو واجد شرایط صحّت باشند از یک فرسخ باید کمتر نباشد و اگر کمتر بود هر کدام که دیرتر شروع کرده باشند یعنی در تکبیره الاحرام متأخّر باشند نماز آنها باطل است خواه از همدیگر مطّلع باشند یا نه ، و اگر مقارن یکدیگر شروع کرده اند هر دو نماز باطل است و در صورتی که وقت باقی است می توانند از اول یک نماز جمعه در آن وقت باقی مانده بخوانند. ۶ برای تشکیل نماز جمعه باید جمعیّت آنها از پنج نفر مرد کمتر نباشد که یکی از آنها خود امام می باشد، بنا بر این غیر از امام اگر چهار نفر مرد هم که نماز جمعه برای آنها وجوب تخییری دارد (اگر چه وجوب تعیینی نداشته باشد) برای نماز جمعه حاضر شوند انعقاد آن جائز و مشروع می شود. ۷ خواندن دو خطبه

و مقدّم بودن آنها بر نماز، شرط صحّت نماز جمعه است پس اگر عمداً نماز را بدون خطبه خواندند دوباره بعد از خواندن خطبه ها نماز را اعاده می کنند، و اگر از روی فراموشی خطبه را ترک کردند بنا بر احتیاط واجب نماز را پس از خطبه اعاده می کنند. ۸ بنا بر اظهر واجب است واجبات خطبه ها را بعد از زوال (ظهر شرعی) بخوانند پس اگر خطبه ها قبل از زوال واقع شد باید واجبات آنها را بعد از زوال اعاده کنند. ۹ باید هر یک از دو خطبه مشتمل بر حمد الهی باشد، و نیز بنا بر اظهر مشتمل بر صلوات برپیامبرصلی اللّه علیه و آله و آل او علیهم السلام باشد، و نیز باید در مجموع دو خطبه موعظه و قرائت قرآن کریم را ترک نکند بلکه بنا بر احتیاط واجب هر یک از دو خطبه باید مشتمل بر موعظه (پند و نصیحت) و قرائت قرآن باشد، بلکه احوط رعایت ترتیب مذکور و نیز قرائت سوره کامل در هر یک از دو خطبه است ، و نیز احوط لزوم اشتمال خطبه دوّم بر صلوات بر معصومین علیهم السلام به نحو تفصیل است . ۱۰ بنا بر احتیاط واجب باید خود امام جمعه خطبه ها را بخواند ولی اگر ممکن نشد می تواند دیگری بخوابد. ۱۱ بنا بر احتیاط واجب باید خطبه ها طوری خوانده شود که مستمعین تمام محتوای آن را بفهمند اگر چه به غیر عربی بیان شود، و این احتیاط در بخش موعظه خطبه ، مؤکّدتر است . ۱۲ واجب است خطیب در حال خواندن خطبه ایستاده باشد، و نیز واجب است بین دو خطبه به مقدار کمی بنشیند، و واجب است که به نحو متعارف صدای خود را بلند کند تا آن عدّه ای که می توانند بشنوند به سمع آنها برساند، اگر چه صحّت نماز جمعه با اسماع عدد لازم خالی از وجه نیست . ۱۳ بهتر است که خطیب در هنگام ایراد خطبه با طهارت باشد اگر چه بنا بر اظهر صحّت خطبه مشروط به طهارت (وضوء و غسل و تیمّم) نیست . و همین حکم در مورد مأمومین هم جاری است . و هم چنین صحّت خطبه مشروط به پاک بودن بدن و لباس هم نیست . ۱۴ حرف زدن خطیب به غیر خطبه در اثناء خطبه باطل کننده آن نیست مادامی که باعث بهم خوردن موالات و وحدت عرفیّه ای که در یک خطبه شرط است و نیز باعث فوت وقت نماز جمعه نباشد. و هم چنین است اگر مثلًا در اثناء خطبه وضوء بگیرد. ۱۵ اگر ممکن است که به وسیله بلندگو کلام خطیب به گوش تمام جمعیّت نمازگزار برسد بعید نیست که واجب باشد. ۱۶ در صورتی که مأموم در شرائطی است که اگر خطبه ها را گوش بدهد می شنود واجب است گوش بدهد، و نیز حرف زدنی که او را از این گوش دادن واجب باز دارد حرام است اگر چه باعث بطلان خطبه و نماز جمعه نسبت به او نیست . و احتیاط مستحب آن است که مأموم از حرف زدنی که او را از گوش دادن واجب هم باز نمی دارد اجتناب کند. ۱۷ اگر مأموم به خطبه ها نرسید ولی یک رکعت از نماز جمعه را درک کرد نماز جمعه او صحیح است . ۱۸ واجب است نماز جمعه را به جماعت بخوانند، و نیز جماعت شرط صحت آن است ، ولی اگر بعداً معلوم شد که امام فاسق بوده و یا طهارت نداشته بنا بر اظهر نماز جمعه صحیح است . ۱۹ امام جماعت در نماز جمعه باید از کمال عقل برخوردار باشد و مرد و عادل و بالغ و حلال زاده و شیعه دوازده امامی باشد. و لازم نیست نماز جمعه در اصل

بر او واجب تعیینی باشـد، پس مسـافر می توانـد امـام جمعه شود. و نیز سایر اموری که در جماعت نمازهای یومیّه شـرط اسـت (مثل فاصله نداشتن و غیر آن) در اینجا نیز معتبر است . (۲۰) در نماز جمعه لازم است که مأمومین قصد اقتداء به امام را داشته باشـند و احتیاط مستحب برای امام نیز این است که نیّت امامت کنـد اگر چه با عـدم نیّت امامت و تنها قصد وظیفه فعلیّه ، نماز جمعه از همگی صـحیح است . (۲۱) در نمـاز جمعه سـوره معیّنی معتـبر نیست ولی مسـتحب است در رکعت اوّل پس از حمد سوره جمعه و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره منافقون خوانده شود. (۲۲) مستحب است که حمد و سوره در نماز جمعه بلند خوانده شود. (۲۳) در نمـاز جمعه دو قنـوت مسـتحب است : یکی در رکعت اوّل قبـل از رکـوع که پس از خوانـدن قنـوت به رکوع می رود، و دیگری در رکعت دوّم بعد از رکوع که پس از پایان قنوت به سـجده می رود. (۲۴) اگر نمازگزار اشتباهاً در رکعت دوّم پس از قنوت به رکـوع رود و پیش از رسـیدن به حـدّ رکوع یـادش بیایـد بایـد به سـجده برود. و نیز اگر در حـال رسـیدن به حـدّ رکوع ملتفت شـد و در آن حـال هیـچ مکث رکوعی نکرد به سـجده می رود و نمازش صـحیح است ، امّا اگر مکث کرد نمازش باطل است . (۲۵) اگر مأموم به رکعت اوّل نماز جمعه نرسید ولی به رکعت دوّم آن که در وقت نماز جمعه به جـا آورده می شود رسـید اگر چه تنهـا به رکوع امـام برسـد نمـاز جمعه او صـحیح است و رکعت دوّم را خودش فرادی می خوانـد. ولی اگر شـک کنـد که رکوع امـام را درک کرده یـا نه ، نمـاز جمعه او باطـل است و نمـاز ظهر می خوانـد. (۲۶) در مـوقعی که نمـاز جمعه بر واجـد شـرایط وجوب تعیینی دارد، اگر بدانـد که در صورت حرکت برای حضور در جمعه به رکوع رکعت آخر هم نمی رسـد، می توانـد نمـاز ظهر را شـروع کنـد و لازم نیست یقین کنـد که نماز جمعه تمام شـده است . و هم چنین نماز ظهر صـحیح است اگر آن را با نیّت قربت خوانـد و در اثناء آن یا بعـد از فراغ معلوم شـد که از اوّل متمکّن از انجام نماز جمعه نبوده است . (۲۷) شخص خنثی اگر به نماز جمعه حاضر شود نمازش صحیح است ولی نمی تواند خود امام شود و یا تکمیل ِعـددِ لازم کند. (۲۸) اگر بعـد از زوال ، اذان نمـاز برای جمعه گفته شـد، برای دفعه دوّم اذان گفتن (به نحـوی که مخالفین انجام می دهند) بدعت و حرام است . و نیز بعد از خواندن نماز جمعه احتیاط واجب آن است که برای نماز عصر اذان نگویند. (۲۹) اگر در بین نماز، برای امام ، موت یا بی هوشی پیش آید مأمومین یک نفر از خود را که با آنها مشغول نماز بود و واجد شرایط امامت است پیش می اندازند و بقیّه نماز را با او می خوانند، و واجب است که نیّت اقتداء را تجدید کنند. و هم چنین اگر از امام حدثی سر زد، خود او یا سایرین ، دیگری را امام قرار می دهند و نماز مأمومین صحیح است . (۳۰) اگر تعیین شخصـی به جای امام ممکن نشد، پس اگر یک رکعت نماز را با جماعت تمام کرده بودند، ممکن است گفته شود که رکعت بعـد را به عنوان نماز جمعه ولی فرادی تمام کننـد (مثل مأمومی که فقط یک رکعت امام را درک کنـد) و اگر یک رکعت را تمام نکرده بودند، ممکن است گفته شود که نماز خود را به عنوان ظهر تمام کنند و صحیح باشد لکن احتیاط به تمام کردن

جمعه و پس از آن خوانـدن ظهر در صـورت دوم ترک نشـود. (۳۱) اگر در بین خطبه افراد پراکنـده شدنـد و برای نمـاز بـاز نگشـتند و تعـداد افراد شـرکت کننـده از پنـج نفر کمتر شد، بر هر کدام از آنها نماز ظهر واجب است . (۳۲) اگر بعد از تحقّق مقدار واجب خطبه یا بعد از تمام شدن خطبه پراکنده شدند و سپس بازگشـتند در صورتی که وقت نماز جمعه نگذشـته باشد اعاده خطبه لازم نیست اگر چه طول بکشـد. و اگر افراد دیگری غیر از کسانی که خطبه را گوش داده اند حاضـر شدند، خطبه اعاده می شود و نماز جمعه می خوانند. (۳۳) اگر بعد از آن که عدد لازم در نماز جمعه همگی تکبیره الاحرام را گفتند متفرّق شدن ِ آنها پیش آمد؛ پس اگر یک رکعت نماز را با جماعت تمام کرده اند و سـپس متفرّق شده اند کسی که نمازش را ادامه می دهـد به عنوان جمعه تمام می کنـد و صـحیح است ، و اگر قبل از آن متفرّق شـده اند احتیاط واجب در تمام کردن نماز به عنوان جمعه و پس از آن خوانـدن نمـاز ظهر است . (۳۴) اگر مـأموم در اثر ازدحام جمعیت نتوانست دو سـجده رکعت اوّل را همراه امـام انجام دهـد پس اگر بعـد توانست انجام دهـد و تا امام سـر از رکوع رکعت دوّم برنداشـته خود را به او برسانـد نماز جمعه او صحیح است ؛ و اگر نتوانست ، همراه امام در رکعت دوّم سجده می کند به نیّت رکعت اوّل خودش و بعد از آن یک رکعت دیگر می خواند و نماز جمعه او صحیح است .

چند مسأله راجع به نماز جمعه مطابق با فتاوای آیت اللّه زنجانی

مسأله ۷۴۲ در زمـان حضور امام علیه السـلام واجب است انسان در روز جمعه به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخوانـد؛ ولی در زمـان غیبت حضـرت عجـل اللّه تعـالی فرجه الشـریف – ، خوانـدن نمـاز ظهر در وقت امکـان حضور در نمـاز جمعه با شرایط معتبر، خلاف احتیاط است .

مسأله ۷۴۳ وقـت نمـاز جمعه از اول ظهر است تـا یـک سـاعت ، و مراد از سـاعت : (۱۲ / ۱) روز اسـت ؛ بنـا بر این در فصـول مختلف تغییر می کند.

مسأله ۹۹۶ در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول بعـد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره منافقین بخواند، و اگر مشغول یکی از اینها شود، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

مسأله ۹۹۷ اگر در نمـاز جمعه از روی فراموشـی به جـای سوره جمعه و منـافقین سوره «قـل هو اللّه احـد» یـا سوره «قـل یا أیها الکافرون » را بخوانـد می تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند و احتیاط مسـتحب این است که بعد از تجاوز از نصف رها ننماید.

مسأله ۹۹۸ اگر در نمـاز جمعه عمـداً سوره " قـل هو اللّه احـد " یـا سوره " قـل یـا أیها الکافرون " بخوانـد، اگر چه به نصـف نرسیده باشد احتیاط مستحب این است که آن را رها نکند و سوره جمعه و منافقون بخواند.

مسأله ۱۱۲۶ نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد: در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع .

احکام نماز جمعه (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[س ۶۰۶ شرکت در نماز جمعه]

س ۶۰۶: نظر جناب عالی در باره شرکت در نماز جمعه با توجه به این که در عصر غیبت حضرت حجت «عجل اللّه تعالی فرجه الشریف » به سر می بریم ، چیست ؟ اگر افرادی اعتقاد به عدالت امام جمعه نداشته باشند، آیا تکلیف شرکت در نماز جمعه از آنان ساقط می شود؟

ج : هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست ، ولی با توجه به فوائد و آثار شرکت در آن ، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به مجرد تشکیک در عدالت امام جمعه و یا عذرهای واهی دیگر، محروم سازند.

[س ۶۰۷ معنای وجوب تخییری نماز جمعه]

س ۶۰۷: معنای وجوب تخییری در مسأله نماز جمعه چیست ؟

ج : معنای آن این است که مکلّف در ادای فریضه واجب ظهر روز جمعه بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است .

[س ۶۰۸ شرکت نکردن در نماز جمعه]

س ۶۰۸: نظر جناب عالی در مورد شرکت نکردن در نماز جمعه بر اثر بی مبالاتی ، چیست ؟

ج : ترک حضور و شرکت نکردن در نماز عبادی سیاسی جمعه به خاطر اهمیت ندادن به آن ، شرعاً مذموم است .

[س ۶۰۹ نماز جمعه واجب تخییری است]

س ۶۰۹: بعضی از مردم به دلیل عذرهای واهی و گاهی بر اثر اختلاف دیدگاهها، در نماز جمعه شرکت نمی کنند، نظر جناب عالی در این باره چیست ؟

ج : نماز جمعه هر چند واجب تخییری است ، ولی خودداری از شرکت در آن بصورت دائمی وجه شرعی ندارد.

[س ۶۱۰ اقامه نماز جماعت ظهر هم زمان با اقامه نماز جمعه]

س ۶۱۰: آیا اقامه نماز جماعت ظهر هم زمان با اقامه نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه نماز جمعه جایز است ؟

ج : این کار فی نفسه اشکال ندارد و موجب برائت ذمّه مکلّف از فریضه ظهر جمعه می شود، زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه

واجب تخییری است ، ولی بـا توجه به این که اقـامه نمـاز جمـاعت ظهر در روز جمعه در مکانی نزدیک محل اقامه نماز جمعه بـاعث تفرقه صـفوف مؤمنین می شود و چه بسا در نظر مردم بی احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی اعتنایی به نماز جمعه است ، بنا بر این سـزاوار است که مؤمنین اقـدام به انجام آن نکننـد، و حتی در صورتی که مسـتلزم مفاسـد و حرام باشد، واجب است از اقامه آن اجتناب کنند.

[س ۶۱۱ خواندن نماز ظهر در فاصله زمانی بین نماز جمعه و نماز عصر]

س ۶۱۱: آیا خواندن نماز ظهر در فاصـله زمانی بین نماز جمعه و نماز عصر، جایز است ؟ اگر نماز عصر را شخصی غیر از امام جمعه بخواند، آیا اقتدا به او در نماز عصر جایز است ؟

ج : نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است ، ولی خواندن آن بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشـکال ندارد و اقتدا در نماز عصر روز جمعه به غیر امام جمعه اشـکال نـدارد، ولی هر گاه بخواهـد با مراعات احتیاط در خوانـدن نماز ظهر پس از خوانـدن نماز جمعه نمـاز عصـر را به جمـاعت بخوانـد، احتیاط کامل این است که به کسـی اقتـدا نمایـد که نماز ظهر را احتیاطاً بعـد از نماز جمعه خوانده است .

[س ۶۱۲ اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد از نماز جمعه نخواند]

س ۶۱۲: اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد از نماز جمعه نخواند، آیا مأموم می تواند آن را احتیاطاً به جا آورد؟

ج : برای او جایز است .

[س ۶۱۳ آیا بر امام جمعه کسب اجازه از حاکم شرع واجب است]

س ۶۱۳: آیا بر امام جمعه کسب اجازه از حاکم شرع واجب است ؟ مراد از حاکم شرع چه کسی است ؟ و آیا این حکم در شهرهای دور دست هم جاری است ؟

ج : اصل جواز امامت برای اقامه نماز جمعه متوقف بر این اجازه نیست ، ولی ترتب احکام نصب وی برای امامت جمعه متوقف بر این است که منصوب از طرف ولی امر مسلمین باشد و این حکم شامل هر سرزمین و شهری که ولی امر مسلمین در آن حاکم و مطاع است ، می شود.

[س ۶۱۴ آیا جایز است امام جمعه منصوب]

س ۶۱۴: آیا جایز است امام جمعه منصوب در صورت نبودن مانع یا معارض نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آنجا نصب شده ، اقامه نماید؟

ج : این عمل فی نفسه جایز است ، ولی احکام انتصاب برای امامت جمعه بر آن مترتب نمی شود.

[س ۶۱۵ انتخاب امام جمعه موقت]

س ۶۱۵: آیا انتخاب امام جمعه موقت باید به وسیله ولی فقیه باشدیا این که خود ائمه جمعه می توانند افرادی را به عنوان امام جمعه موقت انتخاب نمایند؟

ج : جایز است امام جمعه منصوب شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب کند، ولی بر امامت فرد نائب ، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی شود.

[س ۶۱۶ اگر مکلّف امام جمعه منصوب را عادل نداند]

س ۶۱۶: اگر مکلّف امام جمعه منصوب را عادل نداند و یا در عدالت او شک داشته باشد، آیا برای حفظ وحدت مسلمانان می تواند به او اقتدا کند؟ آیا کسی که در نماز جمعه شرکت نمی کند، جایز است دیگران را تشویق به عدم حضور در آن نماید؟

ج : اقتدا به کسی که او را عادل نمی داند و یا در عدالت وی شک دارد، صحیح نیست و نماز جماعت او هم صحیح نمی

باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جماعت برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه کند.

[س ۶۱۷ مجرد کشف خلاف دلیل بر دروغ گویی نیست]

س ۶۱۷: شرکت نکردن در نماز جمعه که برای مکلّف دروغ گویی ِامام جمعه آن ثابت شده است ، چه حکمی دارد؟

ج : مجرد کشف خلاف چیزی که امام جمعه گفته ، دلیل بر دروغ گویی او نیست ، زیرا ممکن است گفته او از روی اشتباه یا خطا و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به مجرد توهّم خروج امام جمعه از عدالت ، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.

[س ۶۱۸ تشخیص و احراز عدالت امام جمعه]

س ۶۱۸: آیا تشخیص و احراز عدالت امام جمعه منصوب از طرف امام راحل یا ولی فقیه عادل ، بر مأموم واجب است ، یا این که انتصاب او به امامت جمعه برای اثبات عدالت وی کافی است ؟

ج : اگر نصب او به امامت جمعه موجب وثوق و اطمینان مأموم به عدالت وی شود، در صحت اقتدا به او کافی است .

[س ۶۱۹ تعیین امام جماعت برای مساجد]

س ۶۱۹: آیا تعیین امام جماعت برای مساجد از طرف علمای مورد اطمینان ، یا تعیین ائمه جمعه از طرف ولی‌ّامر مسلمین ، نوعی شهادت بر عدالت آنان محسوب می شودیا این که باید در باره عدالت آنان تحقیق شود؟

ج : اگر نصب امام جمعه یا جماعت موجب اطمینان به عدالت وی شود، اقتدا به او جایز است .

[س ۶۲۰ در صورت شک در عدالت امام جمعه]

س ۶۲۰: در صورت شک در عدالت امام جمعه و یا خدای نکرده یقین به عدم آن ، آیا اعاده نمازهایی که پشت سر او خوانده ایم ، واجب است ؟

ج : اگر شک در عدالت یا یقین به عدم عدالت بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده آنها واجب نیست .

[س ۶۲۱ شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان کشورهای اسلامی بر پا می شود]

س ۶۲۱: شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان کشورهای اسلامی در کشورهای اروپایی و غیر آنها برگزار می شود و بیشتر شرکت کنندگان در آن و هم چنین امام جمعه از برادران اهل سنت هستند، چه حکمی دارد؟ و در این صورت آیا خواندن نماز ظهر بعد از اقامه نماز جمعه واجب است ؟

ج : شرکت در آن برای حفظ وحدت و اتحاد مسلمانان اشکال ندارد و خواندن نماز ظهر واجب نیست .

[س ۶۲۲ در یکی از شهرها مدت چهل سال است که نماز جمعه برگزار می شود]

۶۲۲: در یکی از شهرهای پاکستان مدت چهل سال است که نماز جمعه برگزار می شود. در حال حاضر شخصی بدون رعایت فاصله شرعی بین دو نماز جمعه ، اقدام به برگزاری نماز جمعه دیگری نموده که منجر به بروز اختلاف بین نمازگزاران شده است ، این عمل شرعاً چه حکمی دارد؟

ج : انجام هر گونه کاری که منجر به بروز اختلاف بین مؤمنین و پراکندگی صفوف آنان شود، جایز نیست ، چه رسد به مثل نماز جمعه که از شعائر اسلامی و از مظاهر وحدت صفوف مسلمانان است .

[س ۶۲۳ اگر فاصله بین دو نماز جمعه یک فرسخ شرعی نباشد]

س ۶۲۳: خطیب مسجد جامع جعفری در راولپندی اعلام نموده که نماز جمعه به علت کارهای ساختمانی در آن برگزار نخواهد شد، و اکنون که عملیات تعمیر مسجد به پایان رسیده ، با مشکلی مواجه شده ایم و آن این که در فاصله چهار

کیلومتری ما نماز جمعه در مسجد دیگری اقامه می شود. با توجه به مسافت مزبور آیا اقامه نماز جمعه در مسجد جامع جعفری صحیح است یا خیر؟

ج : اگر فاصله بین دو نماز جمعه یک فرسخ شرعی نباشد، نماز جمعه ای که بعد از نماز جمعه اول برگزار می شود، باطل است و در صورتی که مقارن هم اقامه شوند هر دو باطل می باشند.

[س ۶۲۴ خواندن نماز جمعه که به صورت جماعت اقامه می شود]

س ۶۲۴: آیا خواندن نماز جمعه که به صورت جماعت اقامه می شود، به طور فرادی صحیح است ؟ بدین معنی که شخصی نماز جمعه را به صورت فرادی در کنار کسانی که آن را به نحو جماعت برگزار می کنند، بخواند.

ج : از شرائط صحت نماز جمعه ، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه به نحو فرادی صحیح نیست .

[س ۶۲۵ کسی که نمازش شکسته است]

س ۶۲۵: کسی که نمازش شکسته است آیا می تواند آن را به صورت جماعت پشت سر امام جمعه بخواند؟

ج : نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است .

[س ۶۲۶ ذکر نام مبارک حضرت زهرا سلام اللّه علیها در خطبه دوم نماز جمعه واجب است ؟]

س ۶۲۶: آیـا ذکر نـام مبـارک حضـرت زهرا سـلام اللّه علیهـا به عنوان یکی از ائمه مسـلمانان در خطبه دوم نماز جمعه واجب است ؟ یا این که واجب است ذکر نام آن حضرت به قصد استحباب باشد؟

ج : عنوان ائمه مسلمین شامل حضرت زهرای مرضیه علیها السلام نمی شود و ذکر نام مبارک آن حضرت در خطبه نماز جمعه واجب نیست ، ولی تبرک جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد، بلکه امری پسندیده و موجب اجر و ثواب است .

[س ۶۲۷ در حالی که امام جمعه نماز جمعه را اقامه می کند]

س ۶۲۷: در حالی که امام جمعه نماز جمعه را اقامه می کنـد، آیا مأموم می توانـد برای خواندن نماز واجب دیگری به او اقتدا نماید؟

ج : صحت آن ، محل اشکال است .

[س ۶۲۸ خواندن خطبه های نماز جمعه قبل از وقت ظهر شرعی]

س ۶۲۸: آیا خواندن خطبه های نماز جمعه قبل از وقت ظهر شرعی صحیح است ؟

ج : خواندن آن قبل از زوال جائز است ، ولی احتیاط آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد.

[س ۶۲۹ اگر مأموم چیزی از خطبه های نماز جمعه را درک نکند]

س ۶۲۹: اگر مـأموم چیزی از خطبه هـای نمـاز جمعه را درک نکنـد، بلکه فقـط هنگـام نماز حاضـر شود و به امام جمعه اقتـدا نماید. آیا نماز او صحیح و مجزی است ؟

ج : نماز او صحیح و مجزی است ، حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک کند.

[س ۶۳۰ نماز جمعه در شهر ما یک ساعت و نیم بعد از اذان ظهر اقامه می شود]

س ۶۳۰: نمـاز جمعه در شـهر ما یک ساعت و نیم بعـد از اذان ظهر اقامه می شود، آیا این نماز مجزی از نماز ظهر است یا این که اعاده آن لازم است ؟

ج : وقت نماز جمعه از اول زوال خورشـید شروع می شود و أحوط آن است که از اوائل عرفی زوال در حدود یکی دو ساعت به تأخیر نیفتد.

[س ۶۳۱ کسی که توانائی رفتن به نماز جمعه را ندارد]

س ۶۳۱: کسی که توانائی رفتن به نماز جمعه را نـدارد، آیا می تواند نماز ظهر و عصـر را در اوائل وقت بخواندیا این که باید صبر کند تا نماز جمعه تمام شود و بعد از آن نماز ظهر و عصر را بخواند؟

ج : صبر کردن بر او واجب نیست و می تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند.

[س ۶۳۲ اگر امام جمعه منصوب ، سالم و حاضر در محل برگزاری نماز جمعه باشد]

س ۶۳۲: اگر امـام جمعه منصوب ، سالم و حاضـر در محل برگزاری نماز جمعه باشـد، آیا جایز است ، که امام جمعه موقت را مکلّف به اقامه نماز جمعه نماید؟ آیا صحیح است به امام جمعه موقت اقتدا کند؟

ج : اقامه نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه منصوب و اقتدای امام منصوب به نائب خود اشکال ندارد.

احکام روزه

[احکام روزه از رساله حضرت امام]

اشاره

روزه آن است که (۱) انسان برای انجام فرمان خداوند عالم (۲) از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آنها بعداً گفته می شود خودداری نماید (۳). (۱) (مکارم :) در هر سال واجب است همه افراد مکلّف یک ماه مبارک رمضان را به شرحی که در مسائل آینده گفته می شود، روزه بدارند. روزه آن است که .. (۲) (زنجانی :) برای خداوند متعال ..

(سیستانی :) برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند عالم .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) از نُه چیزی که بعداً گفته می شود خودداری نماید.

نیّت

[مسأله ۱۵۵۰ لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند]

مسأله ۱۵۵۰ لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا (۱) مثلًا بگوید: فردا را روزه می گیرم (۲)، بلکه همین قدر که (۳) برای انجام فرمان خداوند عالم (۴) از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است (۵) و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده ، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید. (۱) (بهجت :) یا به زبان جاری کند .. (۲) (بهجت :) قربةً إلی اللّه .. (۳) (خوئی ، تبریزی :) بلکه همین قدر که بنا داشته باشد .. (۴) (سیستانی :) بلکه همین قدر که بنا داشته باشد برای تذلل در پیشگاه خداوند عالم .. (۵) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله لازم نیست انسان نیت روزه را به زبان آورد یا از قلب خود بگذراند؛ مثلًا در قلب خود بگوید: فردا را روزه می گیرم قربةً إلی اللّه ، بلکه همین قدر که با قصد برای خداوند متعال از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است .

(مکارم :) مسأله روزه از عبادات است و لازم است با نیّت به جا آورده شود. در موقع نیّت ، لازم نیست به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، همین اندازه که در نظرش این باشد که برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا مغرب کارهایی که روزه را باطل می کند، ترک نماید کافی است . باید احتیاطاً کمی قبل از اذان صبح و کمی هم بعد از مغرب از انجام این کارها خودداری کند تا یقین حاصل کند که تمام این مدّت را روزه داشته است .

[مسأله ۱۵۵۱ انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان]

مسأله ۱۵۵۱ انسان می توانـد در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کنـد (۱) و بهتر است که شب اول مـاه هم ، نیت روزه همه ماه را بنماید (۲). (۱) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و هم چنین جایز است که شب اوّل ماه نیّت روزه همه ماه را بنمایـد و احتیاط به تجدید نیّت در هر شب ترک نشود. (۲) (فاضل :) و آن چه مهم است این است که مقارن اذان صبح هر روز نیت روزه و لو ارتکازاً داشته باشد.

[مسأله ۱۵۵۲ از اوّل شب ماه رمضان تا اذان صبح]

مسأله ۱۵۵۲ از اوّل شب مـاه رمضـان تا اذان صـبح هر وقت نیت روزه فردا بکنـد اشـكال نـدارد. (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) مسأله وقت نیت روزه ماه رمضان از اوّل شب است تا اذان صبح .

(فاضل :) مسأله در روزه واجب معیّن مثل رمضان از اوّل شب تا اذان صـبح هر وقت نیّت روزه فردا بکنـد، اشـكال نـدارد و آن چه مهم است این است که مقارن با اذان صـبح نیت روزه و لو ارتکازاً (به این نحو که اگر از او بپرسـند بگویـد روزه هسـتم) داشته باشد. و اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است یا واجب معیّن دیگر و پیش از ظهر ملتفت شود چنانچه کاری که روزه را باطل می کنـد انجام نـداده باشـد، بایـد نیّت کنـد و روزه او صـحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشـد، یا بعـد از ظهر ملتفت شود روزه او باطل می باشد ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعداً آن روزه را قضا نماید.

(زنجانی :) مسأله نیت روزه ماه رمضان وقت معین نـدارد و همین که تا قبل از اذان صـبح نیت کرده باشد، کفایت می کند، بنا بر این کسی که مثلًا در روز قبل نیت روزه کند و بعد بخوابد و تا اذان صبح هم بیدار نشود، روزه اش صحیح است .

(نوری :) مسأله نیت روزه ماه رمضان وقت معین ندارد؛ تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا بکند اشکال ندارد.

(مکارم :) مسأله نیّت وقت معیّنی نـدارد، بلکه هر موقعی تا قبل از اذان صـبح نیّت کنـد، کافی است ، و همین که برای خوردن سحری برمی خیزد و اگر از او سؤال شود منظورت چیست ؟ بگوید: «قصد روزه دارم » کافی است .

(سیسـتانی :) مسـأله آخرین وقت نیّت روزه مـاه رمضـان برای شـخص ملتفت ، هنگـام اذان صـبح است ، به این معنی که بنـا بر احتیاط واجب باید هنگام صبح امساك او همراه با قصد روزه باشد هر چند در ضمیر ناخودآگاه .

[مسأله ۱۵۵۳ وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است]

مسأله ۱۵۵۳ وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که (۱) به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد (۲) که

اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند روزه او صحیح است .

(۱) (زنجانی :) وقت نیّت روزه مستحبّی تا موقعی است که .. (۲) (مکارم :) وقت نیت برای روزه مستحبی در تمام روز نیز ادامه دارد حتی اگر مختصری به مغرب باقی مانده باشد ..

(سیستانی :) مسأله کسی که کارهایی که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، در هر وقت از روز نیّت روزه مستحبّی بکند هر چند فاصله کمی تا مغرب باشد، روزه او صحیح است .

[مسأله ۱۵۵۴ کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است]

مسأله ۱۵۵۴ کسی که پیش از اذان صبح (۱) بدون نیت روزه خوابیده است ، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند (۲)، روزه او صحیح است (۳) چه روزه او واجب باشد چه مستحب . و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید (۴). (۱) (خوئی ، تبریزی :) در غیر روزه ماه رمضان .. این مسأله در رساله آیت اللّه فاضل نیست (بهجت :) در غیر روزه معین واجب مثل روزه ماه مبارک رمضان ..

(سیستانی :) در روزه ماه رمضان و هم چنین در روزه واجبی که زمانش معین است .. (۲) (بهجت :) در حال اختیار نیت کند .. (۳) (سیستانی :) و اگر بعد از ظهر بیدار شود، باید احتیاطاً بقیه روز را به قصد قربت مطلقه امساک کند و روزه آن روز را نیز قضا نماید. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) ولی در واجب مضیق مثل روزه ماه رمضان احتیاط واجب آن است که رجاءً نیّت روزه بنماید و آن را تمام کند و بعد هم قضای آن را به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) و امّا در ماه رمضان اگر بی نیّت خوابیده باشد، اگر چه پیش از ظهر بیدار شود و نیّت کند صحّت روزه اش محل ٔاشکال است (تبریزی : و لازم است آن روز را امساک کرده ، بعد قضا نماید).

(زنجانی :) مسأله اگر عمداً در ماه رمضان بدون نیت روزه بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است ولی باید در روز از انجام کارهایی که روزه را باطل می کند خودداری ورزد و اگر در اثر غفلت بدون نیت روزه تا اذان صبح خواب بماند و قبل از ظهر بیدار شود، بنا بر احتیاط واجب روزه آن روز را بگیرد و قضا نیز بنماید و چنانچه بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه کند ولی باید در بقیه روز از مبطلات روزه اجتناب نماید.

(مکارم :) مسأله اگر در ماه رمضان نیّت را فراموش کند، چنانچه تا قبل از اذان ظهر یادش بیاید و فوراً نیّت کند و کاری را که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، روزه اش صحیح است . امّا اگر بعد از ظهر نیّت کند، صحیح نیست .

[مسأله ۱۵۵۵ اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد]

اشاره

مسأله ۱۵۵۵ اگر بخواهـد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد باید آن را معین نماید (۱)، مثلًا نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم (۲). ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کنـد که روزه ماه رمضان می گیرم (۳)، بلکه اگر نداند (۴) ماه رمضان است یا فراموش نماید، و روزه دیگری را نیت کند روزه ماه رمضان حساب می شود (۵). (۱) (بهجت :) اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه واجب دیگری بگیرد، در صورتی که آن چه بر او واجب شـده است انواع متعـدّدی باشـد، بنا بر أقوی باید آن را معیّن نماید ..

(۲) (سیستانی :) اگر بخواهد روزه قضا یا کفاره بگیرد باید آن را معین نماید مثلًا نیت کند که روزه قضا یا روزه کفاره می گیرم .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و هم چنین در روزه مستحبی و روزه ای که زمانش معین است تعیین لازم نیست ..

(نوری :) و هم چنین در روزه مستحبی که زمان خاص ندارد و روزه ای که زمانش معین است مانند روزه روز عید غدیر مثلًا تعیین لازم نیست .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه در روزه ماه رمضان اگر نداند .. (۵) (سیستانی :) و در روزه نذر و مانند آن قصد نذر لازم نیست .

(بهجت :) مگر این که روزه برای میّت گرفته باشد که در این صورت روزه ماه رمضان حساب نمی شود و صحیح بودن آن مورد تأمّل است . مگر این که مقصود او به دو قسمت جداگانه تقسیم شود یکی روزه واجب و یکی هم برای دیگری بودن روزه که در این صورت بنا بر أظهر روزه ماه رمضان محسوب می شود.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۲۷۰ هر گاه در ماه رمضان یا روزه واجب معین ، نیت روزه را عمداً ترک نماید تا صبح داخل شود، روزه آن روزش صحیح نیست و قضا بر او واجب است ولی وجوب کفّاره محل تأمل است .

[مسأله ۱۵۵۶ اگر بداند ماه رمضان است]

مسأله ۱۵۵۶ اگر بداند ماه رمضان است و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می شود و نه روزه ای که قصد کرده است (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب .

(سیستانی :) روزه ای که قصد کرده است حساب نمی شود و هم چنین روزه ماه رمضان حساب نمی شود، اگر آن قصد، با قصد قربت منافات داشته باشد، بلکه اگر منافات هم نداشته باشد بنا بر احتیاط روزه ماه رمضان حساب نمی شود.

(مکارم :) مسأله اگر عمداً در ماه مبارک رمضان نیت روزه غیر ماه رمضان را کند (در حالی که می داند در ماه رمضان روزه غیر ماه رمضان صحیح نیست) روزه او باطل است ، یعنی نه از رمضان حساب می شود و نه از غیر آن .

[مسأله ۱۵۵۷ اگر مثلًا به نیت روز اول ماه روزه بگیرد]

مسأله ۱۵۵۷ اگر مثلًا به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده ، روزه او صحیح است . (مکارم :) مسأله لازم نیست در موقع نیّت معیّن کند که روز اوّل ماه است یا دوّم یا غیر آن ، حتّی اگر روزی را تعیین کند مثلًا بگوید به نیّت روز دوّم ماه روزه می گیرم ، بعد معلوم شود سوّم بوده روزه او صحیح است .

[مسأله ۱۵۵۸ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بی هوش شود]

مسأله ۱۵۵۸ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بی هوش شود و در بین روز به هوش آید، بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد قضای آن را به جا آورد (۱).

(۱) (اراکی :) روزه آن روز باطل است ؛ گر چه احتیاط مستحب است روزه آن روز را تمام نماید.

(بهجت :) مسأله کسی که در سراسر روز بی هوش بوده در صورتی که روزه واجب معین باشد روزه بر او واجب نیست ولی اگر قبل از ظهر به هوش آید بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام کرده و قضای آن را نیز بگیرد و همین احتیاط در مورد مخالف ، اگر قبل از ظهر شیعه شود نیز جاری است .

(مکارم :) مسأله اگر پیش از اذان صبح نیّت روزه کند و بعد بی هوش یا مست شود و در بین روز به هوش آید، در حالی که هیچ کار خلافی به جا نیاورده احتیاط واجب آن است روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.

(فاضل :) مسأله اگر بعد از نیت روزه مست شود و بعد به هوش آید بنا بر احتیاط واجب باید آن روز را روزه بگیرد و قضای آن را نیز بگیرد ولی اگر بی هوش شود و بعد به هوش آید روزه را تمام کند و صحیح است .

[مسأله ۱۵۵۹ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود]

اشاره

مسأله ۱۵۵۹ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود و در بین روز به هوش آید (۱) احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) در بین روز هوشیار شود .. (۲) (اراکی :) روزه آن روز باطل است و باید قضای آن را به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاطاً امساک کند و باید قضای آن را به جا آورد.

(مکارم ، فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۵۸.

مسأله اختصاصی

(فاضل :) مسأله ۱۶۲۰ اگر بدون نیت روزه مست شود و در بین روز به هوش آید باید آن روز را روزه بگیرد و قضای آن را هم بگیرد ولی اگر بی هوش شود و در بین روز به هوش آید فقط قضای آن را بگیرد.

[مسأله ۱۵۶۰ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد]

مسأله ۱۵۶۰ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه اش صحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست

[مسأله اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است]

مسأله ۱۵۶۱ اگر ندانـد یا فراموش کنـد که ماه رمضان است (۱) و پیش از ظهر ملتفت شود، چنـانچه (کـاری که روزه را باطل می کنـد انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صـحیح است (۲). و اگر (۳)) کاری که روزه را باطل می کنـد انجام داده باشـد، (یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است (۴)) روزه او باطل می باشـد، ولی باید تا مغرب (۵) کاری که روزه را باطل می کنـد انجام ندهـد و بعـد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید (۶). (۱) (مکـارم :) و روزه نگیرد و بعـد از ظهر ملتفت شود و یـا قبـل از ظهر در حـالی که افطـار کرده باشـد، بایـد به احترام مـاه رمضان تا مغرب کارهایی که روزه را باطل می کند ترک نماید و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند.

(۲) (بهجت :) باید فوراً نیّت کند و گر نه روزه او باطل می شود. [پایان مسأله] (زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب نیت روزه نماید و بعداً روزه آن روز را قضا کند .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، تبریزی ، سیستانی و فاضل نیست] (۴) (زنجانی :) بعد از ظهر متوجه شود، ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۵) (فاضل :) باید در ماه رمضان تا مغرب .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است حکم بنا بر احتیاط واجب اگر پیش از ظهر ملتفت شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد.

(سیستانی :) و اگر بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است بنا بر احتیاط واجب نیت روزه کند رجاءً و بعد از رمضان هم آن را قضا کند و امّا اگر پیش از ظهر ملتفت شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۵۶۲ اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود]

مسأله ۱۵۶۲ اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود باید روزه بگیرد (۱) و اگر بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست (۲). (۱) (اراکی :) و هم چنین اگر بعد از اذان بالغ شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، روزه آن روز بر او واجب است .

(گلپایگانی ، صافی :) و احتیاط واجب آن است که اگر پیش از ظهر بالغ شود و مُفطِری به جا نیاورده باشد آن روز را قصد روزه کند و تمام نماید.

(بهجت :) و اگر بعد از اذان و قبل از ظهر بالغ شود، اگر چیزی که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، احتیاط واجب در این است که بقیه آن روز را روزه بگیرد و بعداً قضای آن روز را نیز بگیرد و هم چنین است اگر شخصی که جنون دارد جنونش از بین برود و این احتیاط در باره غیر بالغی است که از اول صُبح ، نیّت ِروزه نداشته است ، ولی چون روزه بچه ممیز صحیح است اگر چه بر او واجب نیست اگر نیت روزه داشته باشد و در بین روز بالغ شود، روزه آن روز او صحیح است و قضا ندارد.

(مکارم :) و اگر بعد از اذان بالغ شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد احتیاط واجب آن است که روزه را بگیرد و بعد هم قضا کند. (۲) (سیستانی :) ولی اگر قصدِ روزه مستحّبی کرده باشد احتیاط مستحب این است که آن را تمام کند.

[مسأله ۱۵۶۳ کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده]

مسأله ۱۵۶۳ کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده (۱)، اگر روزه مستحّبی بگیرد اشکال ندارد (۲). ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد (۳)، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد (۴)، و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد،

در صورتی که پیش از ظهر یـادش بیایـد، روزه مسـتحبی او به هم می خورد و می توانـد نیت خود را به روزه واجب برگرداند (۵) و اگر بعـد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است (۶) و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه اش صـحیح است (۷) گر چه بی اشکال نیست .

(۱) (سیستانی :) یا روزه کفّاره دارد .. (۲) (اراکی :) گر چه احتیاط مستحب ّاست که اوّل روزه واجبی را که برای آن اجیر شده است به جا آورد .. (۳) (سیستانی :) کسی که روزه قضای ماه رمضان دارد .. (۴) (فاضل :) کسی که روزه قضا دارد، نمی تواند روزه مستحبّی بگیرد و اگر روزه واجب دیگری دارد، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند روزه مستحبّی بگیرد ..

(بهجت :) کسی که روزه قضا دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد. [پایان مسأله] (۵) (سیستانی :) به روزه قضا بر گرداند .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه اگر بعد از مغرب یادش بیاید، معلوم نیست روزه اش صحیح باشد.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط باطل است .. (۷) (خوئی ، اراکی ، سیستانی ، فاضل ، تبریزی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده ، اگر وقت آن وسعت داشته باشد می تواند روزه مستحبی بگیرد و در صورتی که وقت ، تنگ باشد اگر روزه مستحبی بگیرد گناه کار است ، ولی روزه او صحیح می باشد و کسی که روزه قضای ماه رمضان ، یا بنا بر احتیاط روزه واجب دیگری غیر ماه رمضان دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد، مگر این که به جهتی نتواند روزه واجب بگیرد ولی بتواند روزه مستحبی بگیرد، مثلًا اگر در سفر باشد و نذر کرده باشد که در آن سفر روزه مستحبی بگیرد، روزه اش صحیح است و در جائی که نمی تواند روزه مستحبی بگیرد چنانچه فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد و در اثناء روز متوجه شود، روزه مستحبی او باطل است و حکم کسی را دارد که هنوز نیت روزه نکرده است و در برخی موارد می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند به تفصیلی که در مسأله [۱۵۶۴ و (۱۵۶۵)] خواهد آمد و در هر حال اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه مستحبی او صحیح است .

(مکارم :) مسأله کسی که برای روزه شخص مُرده ای اجیر شده ، می تواند روزه مستحبّی برای خودش بگیرد. کسی که روزه قضای ماه رمضان یا روزه واجب دیگری بر ذمّه دارد جایز نیست روزه مستحبّی بگیرد و اگر فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد چنانچه قبل از ظهر یادش بیاید می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند ولی اگر بعد از ظهر یادش بیاید روزه او باطل است .

[مسأله ۱۵۶۴ اگر غیر از روزه ماه رمضان روزه معیّن دیگری بر انسان واجب باشد]

مسأله ۱۵۶۴ اگر غیر از روزه ماه رمضان روزه معیّن دیگری بر انسان واجب باشد مثلًا نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است (۱)، و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید چنانچه کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده باشد و نیت کند (۲) روزه او صحیح (۳) و گر نه باطل می باشد. این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (مکارم :) ولی اگر یادش برود و پیش از ظهر یادش بیاید، می تواند نیّت کند.

(۲) (گلپایگانی ، صافی :) بـدون تأخیر نیّت کند .. (۳) (سیسـتانی :) و اگر بعد از ظهر یادش بیاید، احتیاطی را که در روزه ماه رمضان گفته شد، مراعات نماید.

(زنجـانی :) مسـأله کسـی که قضـای روزه ماه رمضان خودش یا روزه نـذری خودش بر عهـده اش می باشـد؛ وقت آن وسـعت داشـته باشـد یا تنگ باشـد، اگر در اثناء روز حتی بعـد از ظهر نیت کنـد روزه اش صـحیح است ، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر وقت اینها وسعت داشته باشد تا قبل از ظهر نیت کند و اگر وقت تنگ باشد قبل از طلوع فجر نیت کند و در غیر این صـورت به آن روزه اکتفـا نکنـد؛ بلی در صـورتی که نـذر کرده که روزه ای بگیرد که از اول طلوع فجر نیت آن را دارد، نمی تواند در اثناء روز نیت نماید.

[مسأله ۱۵۶۵ اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند]

مسأله ۱۵۶۵ اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند (۱) اشکال ندارد، بلکه اگر پیش از نیت تصـمیم داشـته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشـته باشد که بگیرد یا نه (۲)، چنـانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نـداده باشـد و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صـحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (گلپایگـانی ، صـافی :) اگر برای روزه ای که واجب است و روز آن معین نیست مثـل روزه کفّاره ، عمـداً تا ظهر نیت نکنـد .. (۲) (مکـارم :) هر گـاه روزه واجب غیر معیّن بر ذمّه دارد (ماننـد روزه قضـای ماه رمضان یا روزه کفّاره) وقت نیّت آن تا ظهر باقی است ، یعنی ..

(زنجانی :) مسأله کسـی که روزه واجب دیگری بر عهده اوست ؛ وقت آن وسـعت داشته باشد یا تنگ باشد، مانند روزه کفاره و روزه بـدل قربانی حـج ّو هم چنین کسـی که روزه نیابی به جا می آورد، باید قبل از طلوع فجر نیت کند و اگر در اثر غفلت نیز تا طلوع فجر نیت نکرد، به روزه آن روز اکتفاء نکنـد؛ هر چنـد احتیاط اسـتحبابی این است که اگر وقت آن تنگ باشد قبل از ظهر نیت روزه کرده ، روزه آن روز را نیز بگیرد.

[مسأله ۱۵۶۶ اگر در ماه رمضان ، پیش از ظهر کافر مسلمان شود]

مسأله ۱۵۶۶ اگر در مـاه رمضان ، پیش از ظهر کافر مسـلمان شود (۱) و از اذان صـبح تـا آن وقت کاری که روزه را باطل می کنـد انجام نـداده باشد نمی تواند روزه بگیرد و قضا هم ندارد (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب بایـد نیّت روزه کند و روزه را تمام نماید و اگر آن روز را روزه نگیرد، قضای آن را به جا آورد.

(گلپایگـانی ، صافی :) روزه بر او واجب نیست اگر چه از اذان صـبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کنـد انجام نـداده باشد؛ بلی ، بعد از اسلام تا غروب از چیزهائی که روزه دار باید از آنها خودداری نماید، خوب است خودداری کند.

(بهجت :) بنا بر احتیاط مستحب باید نیّت روزه کند و روزه را تمام نماید.

(مکارم :) چنانچه تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده ، بنا بر احتیاط واجب روزه بگیرد و قضا هم ندارد.

(۲) (اراکی :) احتیاط واجب است که در آن روز از مبطلات روزه پرهیز کند.

(فاضل :) احتیاط واجب آن است که نیت کند و روزه بگیرد و اگر روزه نگرفت قضا کند.

(زنجانی :) مسأله اگر کافری مسلمان شود قضای روزه های قبلی بر او واجب نیست ؛ بلی چنانچه در اثناء روز مسلمان شود، باید در بقیه روز از مبطلات روزه اجتناب کند؛ پس اگر قبل از ظهر مسلمان شده و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده ، احتیاط واجب آن است که در بقیه روز، نیت روزه کند و اگر آن روز را روزه نگرفت قضای آن را به جا آورد و اگر بعد از ظهر مسلمان شده لازم نیست نیت روزه کند.

(سیستانی :) مسأله اگر در روز ماه رمضان کافر مسلمان شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد بنا بر احتیاط واجب باید به قصد ما فی الذمه تا آخر روز امساك کند و اگر چنین نکرد آن روز را قضا کند.

[مسأله ۱۵۶۷ اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود]

مسأله ۱۵۶۷ اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود (۱) و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند (۲) و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست (۳). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) واجب نیست بر او که نیّت روزه کند اگر چه از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده باشد.

(بهجت :) و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، واجب بودن روزه و صحیح بودنش خالی از وجه نیست . (۲) (مکارم :) و احتیاطاً قضا هم نماید ولی اگر بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز واجب نیست ، فقط باید قضای آن را به جا آورد.

(سیستانی :) اگر در وسط روز ماه رمضان پیش از ظهر مریض خوب شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند .. (۳) (فاضل ، سیستانی :) و باید بعداً آن را قضا کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در وسط روز ماه رمضان پیش از ظهر یا بعد از آن مریض خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست هر چند تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد.

(زنجانی :) مسأله اگر مریض در اثناء روزه ماه رمضان خوب شد، چنانچه اجتناب از مبطلات روزه در قسمتی از روز که مریض بوده برای او ضرر داشته ، گرفتن روزه و اجتناب از مبطلات آن ، در بقیه روز بر او واجب نیست و اگر اجتناب از مبطلات روزه در قسمت اول روز بر او ضرر نداشته معلوم می شود که واقعاً روزه آن روز بر او واجب بوده ، پس باید در بقیه روز از مبطلات روزه اجتناب کند، پس اگر قبل از ظهر خوب شده و از اذان صبح تا آن وقت کاری که

روزه را باطل می کند انجام نداده ، بنا بر احتیاط واجب در بقیه روز نیت روزه کند و قضای آن را نیز به جا آورد، ولی اگر یکی از مبطلات روزه را به جا آورده یا بعد از ظهر خوب شده ، لازم نیست نیت روزه کند، اگر چه واجب است از مبطلات روزه اجتناب نماید و این روزه را بعداً قضا کند.

[مسأله ۱۵۶۸ روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان]

مسأله ۱۵۶۸ روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان ، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند (۱) ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود. (۱) (گلپایگانی :) و می تواند نیّت کند که اگر رمضان است ، روزه رمضان و اگر رمضان نیست ، روزه قضا یا مانند آن باشد و بهتر آن است که نیّت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود.

(خوئی ، تبریزی ، بهجت :) (خوئی ، تبریزی : یا نیّت کند که اگر رمضان است ، روزه رمضان و اگر رمضان نیست روزه قضایا مانند آن باشد) بلکه باید نیّت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود. ولی در صورتی که قصد کند آن چه را که فعلًا خدا از او خواسته است انجام دهد و بعد معلوم شود رمضان بوده نیز کافی است .

(زنجانی :) بلکه باید به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد یا قصد کند آن چه را که فعلًا خداوند متعال از او خواسته است انجام می دهد، بلکه می تواند چنین نیت کند که اگر ماه رمضان است روزه ماه رمضان و اگر ماه رمضان نیست روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن باشد، هر چند نیت کردن به این شکل خلاف احتیاط استحبابی است و در این سه صورت ، چنانچه بعد معلوم شود ماه رمضان بوده ، از ماه رمضان حساب می شود.

(سیستانی :) ولی اگر نیّت کند که اگر رمضان است روزه رمضان و اگر رمضان نیست روزه قضا یا مانند آن باشد، صحّت روزه اش بعید نیست ولی بهتر آن است که نیّت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنان چه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود و اگر قصد مطلق روزه را کند و بعد معلوم شود رمضان بوده نیز کافی است .

(صافی :) و بنا بر احتیاط، نیت قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود.

(مکارم :) مسأله «یوم الشّک » یعنی روزی که انسان شک دارد آخر ماه شعبان است یا اوّل ماه رمضان ، روزه آن واجب نیست . و اگر بخواهد روزه بگیرد، باید نیّت ماه شعبان کند، یا اگر روزه قضا به ذمّه دارد نیّت قضا کند و چنانچه بعداً معلوم شود ماه رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود، ولی اگر در اثناء روز بفهمد، باید فوراً نیت خود را به روزه ماه رمضان برگرداند.

[مسأله ۱۵۶۹ اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان]

مسأله ۱۵۶۹ اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است (۱)، باید نیت روزه رمضان کند (۲). (۱) (زنجانی :) نباید در بقیه روز نیت غیر ماه رمضان را داشته باشد.

(نوری :) و یا مردد شود که روزه خود را باطل کنـد یا نه ، یا قصد کند که روزه را باطل کند مثلًا چیزی بخورد روزه اش باطل می شود اگر چه از قصـدی که کرده برگردد و توبه نمایـد و کاری هم که روزه را باطل می کنـد انجام ندهد. (۲) (فاضل :) و لو این که بعـد از ظهر ملتفت شود و اگر به نیّت رمضان روزه بگیرد باطل است ، و لو این که در واقع رمضان باشـد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۶۸.

[مسأله ۱۵۷۰ اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد]

مسأله ۱۵۷۰ اگر در روزه واجب معینی مثـل روزه رمضـان از نیت روزه گرفتن برگردد (۱) روزه اش باطـل است ، ولی چنانچه نیت کنـد که چیزی را که روزه را باطـل می کنـد به جا آورد در صورتی که آن را انجام ندهـد روزه اش باطل نمی شود (۲).
(۱) (اراکی :) یا نیّت کنـد که چیزی را که روزه را باطل می کند به جا آورد، روزه اش باطل است . [پایان مسأله] (نوری :) و یا مردّد شود که روزه خود را باطل کنـد یا نه ، یا قصد کند که روزه را باطل کند، مثلًا چیزی بخورد، روزه اش باطل می شود، اگر چه از قصـدی که کرده برگردد و توبه نمایـد و کاری هم که روزه را باطل می کنـد انجام ندهـد. (۲) (فاضل :) روزه اش صحیـح اسـت . همیـن طـور در روزه مستحبّی و روزه واجب ِغیر معیّن اگر پیش از ظهر بعـد از این که از نیت روزه برگشـت دوباره نیّت روزه کند، روزه او صحیح است .

(بهجت :) رجوع کنید به مسأله اختصاصی (۱۳۲۸)، صفحه (۹۲۳).

(خوئی ، گلپایگـانی ، تبریزی ، صـافی :) مسـأله اگر در روزه واجب معینی مثـل روزه رمضان مردّد شود که روزه خود را باطل کنـد یا نه ، یا قصـد کنـد که روزه را باطل کند روزه اش باطل می شود اگر چه از قصدی که کرده توبه نماید و کاری هم که روزه را باطل می کند انجام ندهد.

(سیسـتانی :) اگر دو مرتبه نیت روزه نکنـد روزه اش باطـل می شود و اگر دو مرتبه نیت روزه کنـد احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و بعداً قضای آن را به جا آورد.

(مکـارم :) مسأله هر گاه در ماه رمضان یا هر روزه واجب معیّن دیگر، از نیّت روزه برگردد یا مردّد شود که روزه بگیرد یا نه ، روزه اش باطل می شود. هم چنین اگر نیّت کند چیزی که روزه را باطل می کند به جا آورد مثلًا تصمیم بر خوردن غذا بگیرد، روزه اش باطل می شود، هر چنـد اصـلًا غذا هم نخورد مگر این که در آن حال توجّه نداشته باشد که فلان عمل روزه را باطل می کند.

(زنجـانی :) مسأله اگر در اثناء روزه واجب ؛ وقت آن وسـعت داشـته یا وقت آن تنگ باشـد، قصـد کنـد که در بقیه روز روزه نباشـد، یـا مُردّد باشـد که در بقیه روز، روزه باشـد یا نه ، یا با التفات به مفطر بودن چیزی قصـد کنـد آن را به جا آورد، حکم کسـی را دارد که تا آن وقت قصد روزه نکرده است و تفصیل آن در مسائل قبل گذشت ، و اگر مردد شود که با آوردن یکی از مبطلات روزه ، روزه را باطل کند یا نه ، اگر به امید مطلوبیت از مبطلات روزه اجتناب کند، روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۵۷۱ در روزه مستحب و روزه واجبی که وقت آن معین نیست]

مسأله ۱۵۷۱ در روزه مستحب و روزه واجبی که وقت آن معین نیست ، مثل روزه

کفاره ، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، یا مردّد شود که به جا آورد یا نه ، چنانچه به جا نیاورد و پیش از ظهر دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، سیستانی :) چنانچه به جا نیاورد و در روزه واجب پیش از ظهر و در مستحب تا پیش از مغرب (سیستانی : تا پیش از غروب) دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است .

(فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۷۰.

(زنجانی :) مسأله در روزه مستحب ، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، یا مردد شود که به جا آورد یا نه ، چنانچه به جا نیاورد و پیش از مغرب دوباره نیت کند، روزه او صحیح است .

چیزهایی که روزه را باطل می کند

[مسأله ۱۵۷۲ نُه چیز روزه را باطل می کند]

مسأله ۱۵۷۲ نُه چیز (۱) روزه را باطل می کند (۲): اول : خوردن و آشامیدن ، دوم : جماع ، سوم : استمناء (۳)، و استمناء آن است که انسان با خود (۴) کاری کند که منی از او بیرون آید (۵). چهارم : دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و جانشینان پیغمبر علیهم السلام (۶). پنجم : رساندن غبار غلیظ به حلق (۷). ششم : فرو بردن تمام سر در آب (۸). هفتم (۹): باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح . هشتم : اماله کردن با چیزهای روان (۱۰). نهم : قی کردن (۱۱) و احکام اینها در مسائل آینده گفته می شود. (۱) (زنجانی :) هفت چیز .. (سیستانی :) هشت چیز .. (۲) (مکارم :) کارهایی که روزه را باطل می کند، بنا بر احتیاط نُه چیز است : .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، مکارم :) [پایان مورد سوّم] (۴) (خویی ، زنجانی ، تبریزی :) با خود یا دیگری غیر از جماع .. (۵) (سیستانی :) سوّم : استمناء: و استمناء آن است که مرد با خود یا به وسیله دیگری بدون جماع ، کاری کند که منی از او بیرون آید، و تحقق آن در زن به نحوی است که در مسأله [۳۴۶] بیان شد .. (۶) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب ..

(بهجت :) چهارم : دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و جانشینان پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام ..

(زنجانی :) چهارم : دروغ بستن بر خدا یا پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم یا یکی از امامان علیهم السلام .. (۷) (اراکی ، خوئی ، بهجت ، سیستانی ، تبریزی :) پنجم : رساندن غبار به حلق (سیستانی : بنا بر احتیاط واجب) .. [مورد پنجم در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۸) (گلپایگانی ، صافی :) که حرام است و بنا بر احتیاط لازم روزه را هم باطل می کند ..

[مورد ششم در رساله آیات عظام : سیستانی و زنجانی نیست] (۹) (زنجانی :) پنجم : .. (۱۰) (زنجانی :) ششم : اماله کردن .. (۱۱) (سیستانی ، مکارم :) عمداً قی کردن ..

(زنجانی :) هفتم : قی کردن . بجز این هفت چیز، بر روزه دار حرام است سر را در آب فرو برد ولی ظاهراً روزه را باطل نمی کند و احتیاط مستحب آن است که از رساندن غبار به حلق خودداری کند. احکام اینها در مسائل آینده گفته می شود.

۱ خوردن و آشامیدن

[مسأله ۱۵۷۳ اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد]

مسأله ۱۵۷۳ اگر روزه دار (۱) عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب ، چه معمول نباشد مثل خاك و شیره درخت و چه کم باشد یا زیاد (۲)، حتی اگر مسواك را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد روزه او باطل می شود (۳) مگر آن که (۴) رطوبت مسواك در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود (۵). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر روزه دار با التفات به این که روزه دارد .. (۲) (تبریزی ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) حتی اگر کسی نخ را با آب دهانش تر کند و دوباره به دهانش ببرد و رطوبت آن را فرو برد روزه او باطل می شود. و همین طور رطوبت مسواك ، مگر این که رطوبت آنها به طوری در آب دهان از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود. و همین طور با فرو بردن بقایای غذایی که از بین دندانها بیرون می آید روزه باطل می شود. (۳) (زنجانی :) مگر آن که رطوبت مسواك در دهان به قدری کم باشد که نگویند چیزی خورده است و منظور از کلمه «عمداً» در این مسأله و مسائل بعدی آن است که انسان با توجه به روزه دار بودن خود، کاری انجام دهد. (۴) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) بلکه اگر .. (۵) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) ولی بداند که در دهان باقی است (نوری : و با آب دهان مخلوط شده است)، بنا بر احتیاط لازم نباید آن را فرو برد.

[مسأله ۱۵۷۴ اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده]

مسأله ۱۵۷۴ اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده ، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً (۱) گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می شود. (۱) (زنجانی :) در مسأله [۱۶۶۰] ..

[مسأله ۱۵۷۵ اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد]

مسأله ۱۵۷۵ اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود. (مکارم :) مسأله خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی کند.

[مسأله ۱۵۷۶ احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولی]

مسأله ۱۵۷۶ احتیـاط واجب آن است که روزه دار (۱) از اسـتعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود خودداری کند (۲)، ولی تزریـق آمپـولی که عضو را بی حس می کنـد (۳) یا به جای دوا اسـتعمال می شود اشـکال نـدارد (۴). (۱) (فاضل :) باید روزه دار .. (نوری :) احتیاط مستحب آن است که روزه دار .. (۲) (بهجت :) بلکه اجتناب خالی از وجه نیست .. (۳) (بهجت :) یا به جهت دیگر استعمال می شود، اشکال ندارد و اجتناب از آمپولی که معلوم نیست از قسم اول باشد یا نه ، لازم نیست . (۴) (نوری :) و تزریق هیچ نوع از آمپول ها روزه را باطل نمی کند.

(اراکی :) مسأله استعمال آمپول هایی که تزریق می شود، تقویتی باشد یا غیر تقویتی ؛ و نیز سرم غذایی و تقویتی چون در موارد مذکور أکل و شرب صادق نیست اشکال ندارد. (گلپایگانی ، صافی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که روزه دار از استعمال آمپول خودداری کند و فرق بین آمپول ها نیست . و اگر لازم شد و تزریق کرد، روزه او باطل نمی شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جهت دیگر استعمال می شود، برای روزه دار اشکال ندارد. و بهتر آن است که از استعمال آمپولی که به جای دواء و غذا به کار می برند، خودداری کند.

(سیستانی :) مسأله آمپول و سرم روزه را باطل نمی کند هر چند آمپول تقویتی یا سرم قندی نمکی باشد و هم چنین اسپری که برای تنگی نفس استعمال می شود اگر دارو را فقط وارد ریه کند روزه را باطل نمی کند و هم چنین دارو در چشم و گوش ریختن روزه را باطل نمی کند اگر چه مزه آن به گلو برسد و اگر در بینی بریزد اگر به حلق نرسد روزه را باطل نمی کند.

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که روزه دار از تزریق آمپول ها و سرمهایی که به جای غذا یا دواء به کار می رود، خودداری کند ولی تزریق آمپول هایی که عضو را بی حس می کند، اشکال ندارد.

(زنجانی :) مسأله احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال سرم و آمپولی که به جای غذا بکار می رود خود داری کند، ولی تزریق آمپول دوایی و آمپولی که عضو را بی حس می کند، اشکال ندارد.

[مسأله ۱۵۷۷ اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است]

مسأله ۱۵۷۷ اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود. (فاضل :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۷۳. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۵۷۸.

[مسأله ۱۵۷۸ کسی که می خواهد روزه بگیرد]

مسأله ۱۵۷۸ کسی که می خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندانهایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود (۱) چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه اش باطل می شود (۲) بلکه اگر فرو هم نرود بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روز را بگیرد. (۱) (زنجانی :) و روزه را باطل می کند، چنانچه عمداً با خلال کردن بیرون نیاورد روزه اش باطل می باشد؛ هر چند خرده های غذا در روز فرو نرود.

(سیستانی :) باید خلال کند. [پایان مسأله] (بهجت :) باید خلال کند .. (۲) (اراکی ، خوئی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) و اگر هم فرو نرود، باز اخلال به نیّت کرده ولی اگر نمی داند که غذا فرو خواهد رفت یا نه ، مستحب است خلال

کند و اگر هم اتّفاقاً و سهواً فرو برد، روزه باطل نیست .

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، فاضل :) چنانچه خلال نکند، روزه اش باطل می شود. (گلپایگانی ، صافی ، فاضل : خواه چیزی از آن فرو رود یا فرو نرود).

(مکارم :) مسأله کسی که می خواهد روزه بگیرد، بهتر است پیش از اذان صبح دندانهایش را بشوید و خلال کند، و اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود احتیاط واجب آن است که قبلًا آن را بشوید و خلال کند و اگر نکند و غذا فرو رود، روزه را تمام کند و بعد قضا نماید.

[مسأله ۱۵۷۹ فرو بردن آب دهان ، اگر چه به واسطه خیال کردن ترشی]

مسأله ۱۵۷۹ فرو بردن آب دهان ، اگر چه به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی کند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۵۸۰ فرو بردن اخلاط سر و سینه]

مسأله ۱۵۸۰ فرو بردن اخلاط سر و سینه ، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد (۱). (۱) (اراکی :) نباید آن را فرو برد.

(سیستانی ، زنجانی :) احتیاط مستحب آن است که آن را فرو نبرد.

(بهجت :) مسأله جواز فرو بردن اخلاط سر و سینه ، در صورتی که در غیر حال روزه امری عادّی باشد و به فضای دهان نرسیده باشد خالی از وجه نیست و اگر به فضای دهان رسید و آن را فرو بُرد، بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می کند.

[مسأله ۱۵۸۱ اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد]

مسأله ۱۵۸۱ اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد (۱) می تواند (۲) به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند (۳) آب بیاشامد ولی روزه او باطل می شود (۴) و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از به جا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید (۵). (۱) (تبریزی :) یا به مرض مبتلا شود .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) واجب است .. (۳) (تبریزی :) به اندازه ای که از خوف ، نجات پیدا کند .. (۴) (بهجت :) امّا در ماه رمضان تا مغرب از سایر مفطرات اجتناب کند. (۵) (فاضل :) و قضای آن را هم بگیرد.

(زنجانی :) مسأله اگر روزه دار اتفاقاً به قدری تشنه شود که از ادامه روزه بر جان خود بترسد یا روزه بر او حرجی یا ضرری باشد، می تواند به قدری که سیر نشود، آب بیاشامد و روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد باید در بقیه روز از به جا

آوردن کاری که روزه را باطل می کند، خودداری کند؛ بلکه بنا بر احتیاط در روزه واجب غیر ماه رمضان نیز امساک نماید.

(سیستانی :) مسأله اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، یا به او ضرری برسد یا آن که به سختی بیفتد که نمی تواند آن را تحمّل کند، می تواند به اندازه ای که ترس از این امور برطرف شود، آب بیاشامد؛ بلکه در فرض ترس از مرگ و مانند آن ، واجب است ولی روزه

او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشـد، بایـد بنا بر احتیاط لازم بیشتر از آن نیاشامد و در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می کند، خودداری نماید.

(مکارم :) مسأله اگر روزه دار به انـدازه ای تشـنه شود که طاقت تحمّل آن را نـدارد و یا ترس بیماری و تلف داشـته باشد، می تواند به اندازه ضرورت ، آب بنوشد ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد، باید بقیه روز را امساک کند.

[مسأله ۱۵۸۲ جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا]

مسأله ۱۵۸۲ جویـدن غـذا برای بچه یـا پرنـده و چشـیدن غـذا و ماننـد اینها که معمولًا به حلق نمی رسـد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسـد، روزه را باطل نمی کند (۱)، ولی اگر انسان از اول بدانـد که به حلق می رسـد چنانچه فرو رود (۲)، روزه اش باطل می شود و بایـد قضـای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است (۳). (۱) (بهجت :) و احتیـاط مسـتحب است که این امور را در صورت عدم حاجت و ضـرورت ترک کنند. (۲) [عبـارت «چنانچه فرو رود» در رساله آیات عظام : خوئی ، سیسـتانی و تبریزی نیست] (۳) (گلپایگانی ، صافی :) اگر انسان از اوّل بدانـد که به حلق می رسد، روزه اش باطل می شود هر چند به حلق نرسـد و باید قضای آن را بگیرد و اگر به حلق رسیده ، کفّاره هم بر او واجب است .

(زنجانی :) مسأله جویـدن غـذا برای بچه یا پرنـده و چشـیدن غـذا و ماننـد اینها که معمولًا فرو نمی رود، اگر چه اتفاقاً فرو رود روزه را باطل نمی کنـد، ولی اگر انسان از اول بداند که فرو می رود و روزه باطل می شود، اگر قصد کند که این کار را انجام دهد، روزه اش باطل است ؛ هر چند آن را انجام ندهد و اگر در اثر انجام این کار غذا فرو رود، کفاره نیز دارد.

(مکارم :) مسأله جویـدن غـذا برای بچه و هم چنین چشـیدن غذا و مانند آن ، و شسـتشوی دهان با آب یا داروها اگر چیزی از آن فرو نرود، روزه را باطل نمی کنـد و اگر بـدون اراده به حلق برسـد، اشـکالی ندارد، ولی اگر از اوّل بداند بی اختیار به حلق می رسد روزه اش باطل است و قضا و کفّاره دارد.

[مسأله ۱۵۸۳ انسان نمی تواند برای ضعف ، روزه را بخورد]

مسأله ۱۵۸۳ انسان نمی تواند برای ضعف ، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولًا نمی شود آن را تحمل کرد (۱)، خوردن روزه اشـکال نـدارد. (۲) (۱) (بهجت :) که مشـقّت شدیـدی داشـته ، به طـوری که معمولًـا نمی شـود آن را تحمّل کرد .. (۲) (زنجانی :) بلی ، بعضی از اشخاص مانند افراد پیر می توانند به جهت مشقت ، روزه را بخورند.

(بهجت :) ولی اگر تا سال دیگر خوب شد، باید قضای آن را بگیرد.

(مکـارم :) اگر ضـعف او به قـدری است که تحمّـل آن بسـیار مشـکل شـود، می توانـد روزه را بخورد، و هم چنین اگر خوف

بیماری داشته باشد.

۲ جِماع

[مسأله ۱۵۸۴ جماع روزه را باطل می کند]

مسأله ۱۵۸۴ جماع روزه را باطل می کند (۱) اگر چه فقط به مقـدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. (۱) (مکارم :) «جماع » (نزدیکی با زن) روزه هر دو طرف را باطل می کند ..

(فاضل :) مسأله جماع اعم-از این که از جلو باشد یا از پشت ، صغیر باشد یا کبیر، روزه جماع کننده و جماع شده را باطل می کند اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم نیاید.

[مسأله ۱۵۸۵ اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود]

مسأله ۱۵۸۵ اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی شود (۱) ولی کسی که آلتش را بریده اند اگر کمتر از ختنه گاه را هم داخل کند روزه اش باطل می شود (۲). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، مکارم ، صافی ، زنجانی ، نوری ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(سیستانی :) ولی در شخصی که ختنه گاه ندارد اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود نیز روزه اش باطل می شود. (۲) (اراکی :) کسی که آلتش را بریده اند اگر کمتر از ختنه گاه را داخل کند، روزه اش باطل نمی شود.

(بهجت :) بطلان و عدم بطلان روزه اش محل اشکال است .

[مسأله ۱۵۸۶ اگر شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه]

مسأله ۱۵۸۶ اگر شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه (۱)، روزه او صحیح است (۲) و کسی هم که آلتش را بریده اند (۳) اگر شک کند که دخول شده یا نه (۴)، روزه او صحیح است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) کفّاره بر او واجب نیست و اگر قصد دخول داشته با علم به مفطر بودن دخول ، و دخول واقع نشده یا شک در آن نماید، روزه اش باطل است و قضای آن واجب است . (۲) (مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) پس چنانچه در حالی که توجه داشته که جماع روزه را باطل می کند به قصد جماع این کار را کرده ، روزه اش باطل است و قضا دارد ولی کفاره ندارد و اگر توجه نداشته است ، روزه اش صحیح است .

(نوری :) اگر قصد دخول نداشته روزه او صحیح است ولی اگر قصد دخول داشته است چه این که علم پیدا کند که دخول واقع نشده یا شک در آن کند روزه اش باطل است و قضای آن واجب است .. (۳) (فاضل :) کسی هم که مقدار ختنه گاهش قطع شده .. (۴) (اراکی :) اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه ..

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر عمداً جماع نماید و شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه ، روزه او باطل است و لازم است قضا نماید ولی کفّاره واجب نیست .

(سیستانی :) مسأله اگر عمداً قصد جماع نماید و شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه ، حکم این مسأله با مراجعه

به مسأله [۱۵۷۰] دانسته می شود و در هر صورت اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد کفاره بر او واجب نیست .

[مسأله ۱۵۸۷ اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید]

مسأله ۱۵۸۷ اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید (۱)، یا او را به جماع مجبور نمایند (به طوری که از اختیار او خارج باشد (۲)) روزه او باطل نمی شود، ولی

چنانچه در بین جماع یادش بیایـد، یا دیگر مجبور نباشـد، بایـد فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است (۳). (۱) (فاضل :) یا در خواب باشد ..

(تبریزی :) روزه او باطل نمی شود، ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید باید فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود روزه او باطـل است . (۲) [قسـمت داخـل پرانتز در رسـاله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست] (۳) (زنجانی :) بلی ، کسـی که مُکرَه می باشد و برای دفع شرّ دیگری ، جماع را اختیار می کند، روزه اش باطل می شود ولی کفاره ندارد.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله اگر فراموش کنـد که روزه است و جمـاع نمایـد یا با او جماع نماینـد، به طوری که از اختیار او خـارج باشـد، روزه او باطـل نمی شود ولی چنـانچه در بین جمـاع یـادش بیایـد، یا در بین ، مختار شود بایـد فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است و هم چنین اگر خودش از ترس جماع کند، روزه اش باطل می شود.

۳ استمناء

[مسأله ۱۵۸۸ اگر روزه دار استمناء کند]

مسأله ۱۵۸۸ اگر روزه دار استمناء کنـد یعنی بـا خود کـاری کنـد که منی از او بیرون آیـد، روزه اش باطل می شود. (خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اگر روزه دار اسـتمناء کند (معنای استمناء در مسأله [۱۵۷۲] گذشت) روزه اش باطل می شود.

[مسأله ۱۵۸۹ اگر بی اختیار منی از او بیرون آید]

مسأله ۱۵۸۹ اگر بی اختیار (۱) منی از او بیرون آید، روزه اش باطل نیست (۲). ولی اگر (۳) کاری کند که (۴) بی اختیار منی از او بیرون آیـد، روزه اش باطـل می شـود (۵). (۱) (مکـارم :) در حال خواب یا بیـداری .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجانی ، مکارم :) بقیه مسأله ذکر نشـده . (۳) (بهجت :) ولی اگر عمداً .. (۴) (نوری :) اگر کاری کند که بر حسب عادت او .. (۵) (بهجت :) در صورتی که بداند یا اطمینان داشته باشد که به سبب آن کار، منی بی اختیار خارج خواهد شد.

[مسأله ۱۵۹۰ هر گاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتلم می شود]

مسأله ۱۵۹۰ هر گاه روزه دار بدانـد که اگر در روز بخوابد محتلم می شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می آید، می تواند در روز بخوابد (۱) و چنانچه بخوابد و محتلم هم بشود روزه اش صـحیح است (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط مستحب نخوابد ولی اگر بخوابد، روزه اش باطل نمی شود.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) جایز است بخوابد هر چند به سبب نخوابیدن به زحمت نیفتد؛ و اگر محتلم شود روزه اش باطل نمی شود. (۲) (فاضل :) مخصوصاً اگر ترک خواب موجب حَرَج باشد.

[مسأله ۱۵۹۱ اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود]

مسأله ۱۵۹۱ اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۵۹۲ روزه داری که محتلم شده ، می تواند بول کند]

مسأله ۱۵۹۲ روزه داری که محتلم شـده ، می توانـد بول کند (۱) و به دسـتوری که در مسأله ۷۲ گفته شد، اسـتبراء نماید (۲)، ولی اگر بدانـد به واسـطه بول یا اسـتبراء کردن باقی مانـده منی از مجری بیرون می آیـد در صورتی که غسل کرده باشـد نمی توانـد اسـتبراء کند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) اگر چه بداند به واسـطه بول کردن ، باقی مانـده منی از مجری بیرون می آید. (۲) (گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) (زنجانی : بعد از بول اسـتبراء نماید) اگر چه بداند به واسطه بول یا استبراء کردن باقی مانده منی از مجری بیرون می آید.

(مکـارم :) هر چنـد می دانـد به واسـطه آن باقی مانـده منی از مجری بیرون می آیـد، حتّی اگر غسل کرده باشـد این کار برای روزه اش ضرری ندارد هر چند با خارج شدن باقی مانده منی از مجری ، باید مجدّداً غسل کند.

(فاضل :) مسأله روزه داری که محتلم شده می تواند قبل از غسل کردن بول کند و به دسـتوری که قبلًا گفته شد استبراء نماید، ولی اگر غسـل کرده باشـد و بدانـد که به واسطه بول یـا اسـتبراء کردن باقی مانـده منی از مجری بیرون می آیـد بنا بر احتیاط واجب نمی تواند استبراء کند.

[مسأله ۱۵۹۳ روزه داری که محتلم شده اگر بداند منی در مجری مانده]

مسأله ۱۵۹۳ روزه داری که محتلم شـده اگر بدانـد منی در مجری مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسـل منی از او بیرون می آیـد، بنا بر احتیاط واجب بایـد پیش از غسل بول کند. (۱) این مسـأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل ، مکارم :) بهتر است پیش از غسل بول کند (مکارم : ولی واجب نیست).

(سیستانی :) احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل بول کند.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب پیش از غسل بول کند.

[مسأله ۱۵۹۴ اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند]

مسأله ۱۵۹۴ اگر به قصـد بیرون آمـدن منی کاری بکند در صورتی که منی از او بیرون نیاید روزه اش باطل نمی شود (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، مکارم ، نوری :) در صورتی هم که منی از او بیرون نیاید، روزه اش باطل می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسـی که می داند که اگر عمداً منی از خود بیرون آورد روزه اش باطل می شود، در صورتی که

به قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند روزه اش باطل می شود و باید قضاء آن را به جا آورد، اگر چه منی از او بیرون نیایـد و اگر منی بیرون آیـد، علاوه بر قضا کفّاره نیز بر او لازم می شود و در هر دو صورت در ماه رمضان بایـد در بقیه روز از آن چه روزه را باطل می کند خودداری نماید.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسـی که به قصـد بیرون آمـدن منی بازی و شوخی کند، اگر چه منی از او بیرون نیاید، باید روزه را تمام کند و قضا هم بنماید.

(زنجانی :) مسأله اگر روزه دار با توجه به این که بیرون آمدن منی روزه را باطل می کند،

تصـمیم بگیرد کـاری را انجـام دهـد که مـوجب بیرون آمـدن منی می گردد، روزه اش باطـل می شود؛ هر چنـد از تصـمیمش بر گردد و کاری نکند و اگر بی توجه کاری را انجام دهد یا توجّه نداشته باشد که موجب خارج شدن منی می شود، روزه اش صحیـح است ؛ هر چنـد منی خارج شود و اگر توجه نداشـته باشد که روزه را باطل می کند و چنین تصـمیمی بگیرد، پس اگر عمداً منی از خود خارج کند روزه اش باطل می شود و الّا روزه اش صحیح است .

(سیسـتانی :) مسأله کسـی که عمـداً به قصـد بیرون آمـدن منی بازی و شوخی کنـد و منی از او بیرون نیایـد، اگر دو مرتبه نیت روزه نکند روزه او باطل است ، و اگر نیت روزه کند باید بنا بر احتیاط لازم روزه را تمام کند و قضا هم بنماید.

[مسأله ۱۵۹۵ اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند]

مسأله ۱۵۹۵ اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند (۱) در صورتی که عادت نداشته باشد که بعـد از بـازی و شوخی منی از او خارج شود (۲) اگر چه اتفاقـاً منی بیرون آیـد روزه او صـحیح است . ولی اگر (۳) شوخی را ادامه دهـد تـا آنجا که نزدیک است منی خارج شود و خودداری نکنـد تا خارج گردد روزه اش باطل است (۴). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگـانی ، صافی :) چنانچه اطمینان دارد که منی از او خارج نمی شود، اگر چه اتّفاقاً منی بیرون آید روزه او صحیح است ولی اگر اطمینان ندارد، در صورتی که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل است .

(فاضل :) و منی از او خارج شود در صورتی که عادت داشـته که با این گونه کارها منی از او بیرون می آمده ، روزه اش باطل است و اگر عـادت نداشـته که بـا این کارهـا از او منی خـارج شود و اتّفاقاً خـارج شـده بـاز روزه اش باطـل است مگر این که اطمینان داشته باشـد که منی از او خارج نمی شود. (۲) (اراکی :) و اطمینـان داشـته باشـد که منی از او خارج نمی شود .. (۳) (اراکی :) ولی اگر اطمینان به خارج نشدن منی نداشته باشد، یا .. (۴) (اراکی :) و بنا بر احتیاط واجب قضا و کفّاره دارد.

(خوئی ، سیسـتانی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اگر روزه دار بـدون قصـد بیرون آمدن (زنجانی : بیرون آوردن) منی مثلًا با زن خود بـازی و شوخی کنـد، چنـانچه اطمینـان دارد که منی از او خـارج نمی شود اگر چه اتّفاقاً منی بیرون آیـد روزه او صـحیح است . ولی اگر اطمینان ندارد، در صورتی که منی از او بیرون آید روزه اش باطل است .

(مکـارم :) مسـأله اگر روزه دار بـدون قصـد بیرون آمـدن منی مثلًا با هم سـر خود بازی و شوخی کنـد، در صـورتی که عادت نداشـته باشـد که به این مقـدار بـازی و شوخی منی از او خـارج شود، روزه اش صـحیح است . ولی اگر اتفاقاً منی بیرون آیـد، روزه اش اشکال دارد، مگر این که قبلًا مطمئن بوده که منی از او خارج نمی شود.

۴ دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم

[مسأله ۱۵۹۶ اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره]

مسأله ۱۵۹۶ اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و جانشینان آن حضرت (۱) عمداً نسبت دروغ بدهد (۲) اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است (۳) و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا سلام اللّه علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند (۴). (۱) (اراکی :) و یا سایر پیامبران و جانشینان آنان .. (۲) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود هر چند بلا فاصله توبه کند؛ و دروغ بستن به سایر انبیاء و فاطمه زهرا علیها السلام ، نیز همین حکم را دارد.

(بهجت :) روزه او باطل است و خالی از وجه نیست دروغ بستن به پیغمبران و جانشینان آنها و حضرت زهرا علیها السلام ملحق به دروغ بستن به خدا باشد و روزه را باطل کند ولی اگر شک داشته باشد که سخنی کذب است یا نه ، و به یکی از آنان نسبت دهد بنا بر اقوی روزه اش باطل نمی شود.

(گلپایگانی ، صافی :) به خدا و پیغمبران و ائمه علیهم السلام عمداً نسبت دروغ بدهد ..

(خوئی ، تبریزی :) به خدا و پیغمبران و جانشینان پیغمبران عمداً نسبتی را بدهد که دروغ است ..

(زنجانی :) به خدا یا پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم یا امامان معصوم علیهم السلام عمداً نسبتی را بدهد که دروغ است .. (سیستانی :) عمداً نسبتی را بدهد که دروغ است .. (۳) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم باطل است و هم چنین است بنا بر احتیاط مستحب دروغ بستن به حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیغمبران و جانشینان آنان . (۴) (گلپایگانی :) احتیاط واجب آن است که به حضرت زهرا علیها السلام و به جانشینان پیغمبران گذشته هم نسبت دروغ ندهد.

(اراکی :) به احتیاط واجب حضرت زهرا علیها السلام هم در این حکم مانند پیامبر و امامان علیهم السلام است .

(خوئی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که به حضرت زهرا علیها السلام هم به دروغ نسبتی ندهد.

(صافی :) بنا بر احتیاط واجب نسبت دروغ به حضرت زهرا علیها السلام و به جانشینان پیغمبران گذشته هم این حکم را دارد.

(زنجانی :) اگر به حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیامبران و جانشینان ایشان علیهم السلام هم به دروغ نسبتی بدهد بنا بر احتیاط روزه او باطل می شود.

[مسأله ۱۵۹۷ اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ]

مسأله ۱۵۹۷ اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ نقل کند (۱) بنا بر احتیاط واجب (۲) باید از کسی که آن خبر را گفته ، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید (۳) لکن اگر خودش هم خبر بدهد روزه اش باطل نمی شود. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) بنا بر احتیاط نباید به خداوند یا پیامبر صلی اللّه علیه و آله یا امام علیه السلام نسبت دهد، بلکه باید مثلًا چنین بگوید: چنین روایت شده است . (۲) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه مکارم نیست]

(۳) (خوئی ، اراکی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مثلًا بگوید: «فلان راوی چنین می گوید» و یا « در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم فرموده ..». [پایان مسأله] (فاضل :) نبایـد خودش آن را به طور جزم بگویـد و لکن اگر خودش هم به طور جزم خبر بدهد روزه اش باطل نمی شود گر چه ظن به کذب خبریا احتمال کذب خبر را بدهد.

(سیستانی :) مسأله اگر بخواهـد خبری را که دلیلی بر حجیّت او ندارد و نمی داند راست است یا دروغ نقل کند، بنا بر احتیاط واجب باید به نحو نقل بگوید و آن را به پیامبر و ائمه علیهم السلام مستقیماً نسبت ندهد.

[مسأله ۱۵۹۸ اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است از قول خدا یا پیغمبر ص نقل کند]

مسأله ۱۵۹۸ اگر چیزی را به اعتقـاد این که راست است از قول خـدا یا پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم (۱) نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده ، روزه اش باطل نمی شود. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) یا امام علیه السلام ..

[مسأله ۱۵۹۹ اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر ص روزه را باطل می کند]

مسأله ۱۵۹۹ اگر بدانـد دروغ بسـتن به خدا و پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم روزه را باطل می کند و چیزی را که می داند دروغ است به آنان نسـبت دهد و بعداً بفهمد آن چه را که گفته راست بوده ، روزه اش صـحیح است (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) روزه اش باطل است .

(گلپایگـانی ، صافی ، نوری :) روزه اش باطل است و در ماه رمضان بایـد تا مغرب از آن چه روزه را باطل می کنـد خودداری کنـد (صـافی : ولی کفـاره بر او واجب نمی شـود.) (خوئی ، تـبریزی :) مسـأله اگر چیزی را که می دانـد دروغ است به خـدا و پیغمبر نسبت دهد و بعداً بفهمد آن چه را که گفته راست بوده ، باید روزه را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.

(سیستانی :) اگر می دانسته که این کار روزه را باطل می کنـد، باید بنا بر احتیاط لازم روزه را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.

(زنجانی :) مسأله اگر بداند دروغ بسـتن به خدا و پیغمبرصـلی اللّه علیه و آله و سـلم و امام علیه السلام روزه را باطل می کند و چیزی را که دروغ می دانـد به آنان نسبت دهـد روزه اش باطل می شود، هر چنـد بعداً بفهمد که آن چه را که گفته ، راست بوده و اگر در ماه رمضان باشد باید در بقیه روز امساک کند.

(مکارم :) مسأله اگر چیزی را دروغ می دانست و به خدا و پیغمبر نسـبت داد، و بعداً معلوم شد صـحیح بوده ، روزه اش اشکال

دارد.

[مسأله ۱۶۰۰ اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً به خدا و پیغمبر ص نسبت دهد]

مسأله ۱۶۰۰ اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و جانشینان پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم (۱) نسبت دهد روزه اش باطل می شود (۲) ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند اشکال ندارد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم و امام علیه السلام .. (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم ..

(مکارم :) به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم نسبت دهد روزه اش اشکال دارد. [پایان مسأله]

[مسأله ۱۶۰۱ اگر از روزه دار بپرسند]

مسأله ۱۶۰۱ اگر از روزه دار بپرسند که آیا پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم (۱) چنین مطلبی فرموده اند؟

و او جایی که در جواب بایـد بگویـد نه ، عمـداً بگویـد بلی ، یا جایی که بایـد بگوید بلی عمداً بگوید نه ، روزه اش باطل می شود (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) یا امام علیه السلام .. (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم . (مکارم :) روزه اش اشکال دارد.

[مسأله ۱۶۰۲ اگر از قول خدا یا پیغمبر ص حرف راستی را بگوید]

اشاره

مسأله ۱۶۰۲ اگر از قول خدا یا پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم (۱) حرف راستی را بگوید بعد بگوید دروغ گفتم یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن روز که روزه می باشد بگوید آن چه دیشب گفتم راست است ، روزه اش باطل می شود (۲). (۱) (زنجـانی :) یـا امام علیه السـلام .. این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت و مکارم نیست (۲) (سیستانی :) بنا بر احتیاط، مگر آن که مقصودش بیان حال خبرش باشد.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۳۵۹ اگر در نقل احکام شـرعیه عمداً دروغ گوید، مثلًا واجبی را غیر واجب و حرامی را حلال ذکر کند، اگر منظورش نسـبت دادن آن حکم ، به خدا یا پیغمبرصـلی اللّه علیه و آله و سـلم باشد روزه اش اشکال دارد و اگر قصدش نسبت دادن فتوا به مجتهد است کار حرامی کرده ، اما روزه اش باطل نمی شود و کسـی که بدون اطلاع ، حکم مشکوکی را نقل می کند نیز همین حکم را دارد.

۵ رساندن غبار غلیظ به حلق

[مسأله ۱۶۰۳ رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند]

مسأله ۱۶۰۳ رسانـدن غبار غلیظ (۱) به حلق روزه را باطـل می کنـد (۲) چه غبـار چیزی باشـد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یـا غبـار چیزی باشـد که خـوردن آن حرام است (۳). (۱) (خوئی ، سیسـتانی :) بنـا بر احتیـاط واجب رسانـدن غبار غلیظ (خوئی : یا غیر غلیظ) ..

(زنجـانی :) بنـا بر احتیاط مسـتحب رسانـدن غبار غلیظ یا غیر غلیظ .. (۲) (اراکی :) رسانـدن غبـار به حلق بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می کند ..

(بهجت :) رساندن غبار یا دود غلیظ به حلق بنا بر اظهر روزه را باطل می کند .. (۳) (خوئی ، فاضل ، تبریزی :) مثل خاک .

(گلپایگانی ، صافی :) مثل خاک . و بنا بر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست به حلق نرساند.

(زنجانی :) مثل خاک . ولی اگر غبار را فرو برد و به قدری غلیظ باشد که به فرو بردن آن عرفاً خوردن گفته می شود، بنا بر احتیاط روزه باطل می گردد.

(سیستانی :) مثل خاک . رساندن غبار غیر غلیظ به حلق روزه را باطل نمی کند.

(نوری :) و بنا بر احتیاط واجب غباری را هم که غلیظ نیست ، به حلق نرساند.

(مکارم :) مسأله رساندن غبار غلیظ به حلق هر گاه در حلق تبدیل به گِل شود و فرو رود روزه را باطل می کند، در غیر این صورت روزه صحیح است خواه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مانند آرد، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام است .

[مسأله ۱۶۰۴ اگر به واسطه باد غبار غلیظی پیدا شود]

مسأله ۱۶۰۴ اگر به واسطه باد غبار غلیظی (۱) پیدا شود و انسان با این که متوجه است ، مواظبت نکند (۲) و به حلق برسد، روزه اش باطل می شود (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (اراکی ، خوئی ، زنجانی :) اگر به واسطه باد غباری .. (۲) (سیستانی :) متوجّه است و می تواند مواظبت کند ولی مواظبت نکند .. (۳) (خوئی ، اراکی ، سیستانی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط واجب .

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب .

(مکارم :) مسأله هر گاه بواسطه باد یا جارو کردن زمین ، غبار غلیظی برخیزد و بر اثر عدم مواظبت ، به حلق برسد، روزه اش باطل می شود (همان طور که در مسأله قبل آمد).

[مسأله ۱۶۰۵ احتیاط واجب آن است که روزه دار دود سیگار]

مسأله ۱۶۰۵ احتیاط واجب آن است که روزه دار دود سیگار (۱) و تنباکو و مانند اینها را هم به حلق نرساند (۲). ولی بخار غلیظ، روزه را باطل نمی کند، مگر این که در دهان به صورت آب درآید و فرو دهد. (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، اراکی ، فاضل ، تبریزی :) بخار غلیظ و دود سیگار .. (۲) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که روزه دار از کشیدن سیگار و تنباکو و سایر دخانیات پرهیز کند و بخار غلیظ نیز به حلق نرساند، ولی رفتن به حمام اشکال ندارد هر چند فضای حمام را بخار گرفته باشد.

(بهجت :) مسأله عدم افساد روزه به وسیله غبار یا دود غیر غلیظ و غیر جایگزین غذا و غیر مقوی خالی از وجه نیست ولی أحوط اجتناب است .

(نوری :) مسأله روزه دار باید بخار غلیظی که در دهان مبدل به آب می شود و نیز بنا بر احتیاط واجب دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را به حلق نرساند.

(زنجانی :) مسأله در ماه مبارك رمضان سیگار کشیدن و استعمال سایر دخانیات بصورت آشکار به گونه ای که بی احترامی به روزه به شمار آید جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط در غیر این صورت نیز استفاده نشود و چنانچه روزه دار در ماه رمضان از دخانیات استفاده کند، بنا بر احتیاط در بقیه روز از کارهایی که روزه را باطل می کند خودداری کرده ، روزه آن روز را نیز قضا کند.

[مسأله ۱۶۰۶ اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود]

مسأله ۱۶۰۶ اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود (۱) و مانند اینها داخل حلق شود، چنانچه یقین (۲) داشته که به حلق نمی رسد روزه اش صحیح است (۳). این مسأله ، در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) غبار یا دود .. (۲) (گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، زنجانی ، نوری :) چنانچه اطمینان ..

خوئی ، (تبریزی ، سیستانی :) چنانچه یقین یا اطمینان ..

(۳) (اراکی :) ولی اگر اطمینان ندارد احتیاط واجب است که مواظبت کند.

(خوئی ، سیستانی :) و اگر گمان می کرده که به حلق نمی رسد، بهتر آن است که آن روزه را قضا کند. (تبریزی :) و هم چنین اگر گمان می کرده که به حلق نمی رسد.

(زنجانی :) و اگر احتمال عقلایی می داده که به حلق می رساند، بنا بر احتیاط مستحب آن روزه باطل می باشد و اگر غبار و مانند آن به نحوی فرو رود که خوردن صدق می کند و آن را هم احتمال می داده ، چنانچه تمام کردن روزه لازم باشد، بنا بر احتیاط آن را تمام نموده و چنانچه قضای آن در صورت بطلان لازم است بنا بر احتیاط آن را قضا هم بنماید.

(مکارم :) مسأله در جایی که احتمال می دهد غبار یا دود به حلق برسد باید احتیاط کند، ولی اگر یقین یا گمان داشته باشد به حلق نمی رسد، روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۶۰۷ اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند]

مسأله ۱۶۰۷ اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد (۱) روزه اش باطل نمی شود (۲) و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد. (۱) (فاضل :) اشکال ندارد. [پایان مسأله] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی ، زنجانی :) مسأله اگر فراموش کند که روزه است و (زنجانی : عمداً یا در اثر عدم مواظبت) یا بی اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه اش باطل نمی شود.

۶ فرو بردن سر در آب

[مسأله ۱۶۰۸ اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد]

مسأله ۱۶۰۸ اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد (۱). ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی شود (۲). (۱) (خوئی ، بهجت :) روزه اش (بهجت : بنا بر أقوی) باطل می شود ..

(گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب ((تبریزی :) بنا بر احتیاط) روزه اش باطل می شود .. (۲) (بهجت :) و هم چنین در حالی که مانع و حائل غلیظی دور سر را فرا گرفته و یا سر به چیزی آغشته شده که مانع از رسیدن آب به آن باشد، فرو بردن تمام سر در آب ، بنا بر اظهر روزه را باطل نمی کند.

(مکارم :) مسأله روزه دار بنا بر احتیاط واجب تمام سر را عمداً در آب فرو نبرد حتی اگر بقیه بدن بیرون از آب باشد، اما اگر تمام بدن و قسمتی از سر زیر آب برود ولی مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی شود.

(زنجانی :) مسأله بر روزه دار حرام است که عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی

بدن او از آب بیرون باشد، ولی چنانچه معصیت کرده و این کار را انجام دهد، ظاهراً روزه اش باطل نمی شود و احتیاط مستحب در روزه واجب ، آن است که دوباره به جا آورد و اگر تمام بدن را آب بگیرد ولی تمام یا مقداری از سر بیرون باشد، اشکال ندارد.

(سیستانی :) مسأله فرو بردن تمام سر در آب روزه را باطل نمی کند ولی کراهت شدید دارد.

[مسأله ۱۶۰۹ اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد]

مسأله ۱۶۰۹ اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد (۱)، روزه اش باطل نمی شود (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) که هیچ وقت تمام سر زیر آب نباشد .. (۲) (بهجت :) بنا بر اظهر. (زنجانی :) روزه اش اشکالی ندارد.

[مسأله ۱۶۱۰ اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه]

مسأله ۱۶۱۰ اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه ، روزه اش صحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی ، مکارم و بهجت نیست (گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر قصد داشت که سر را زیر آب فرو ببرد و شک کرد که تمام سر زیر آب رفت یا نه ، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر به قصد این که تمام سر را زیر آب ببرد در آب فرو رود و شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه ، روزه اش باطل است ولی کفاره ندارد.

(زنجانی :) مسأله اگر شک کند که تمام سر زیر آب می رود یا نه ، می تواند سر را زیر آب کند.

[مسأله ۱۶۱۱ اگر تمام سر زیر آب برود]

مسأله ۱۶۱۱ اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می شود (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) (مکارم :) روزه اش اشکال دارد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر تمام سر زیر آب برود، اگر چه مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می شود.

(زنجانی :) مسأله جایز نیست روزه دار تمام سر را زیر آب ببرد؛ هر چند مقداری از موها بیرون بماند.

[مسأله ۱۶۱۲ احتیاط واجب آن است که سر را در گلاب فرو نبرد]

مسأله ۱۶۱۲ احتیـاط واجب آن است که سـر را در گلاـب فرو نبرد ولی در آبهـای مضـاف دیگر و در چیزهای دیگر که روان است اشـکال ندارد. این مسأله در رساله آیت اللّه سیسـتانی نیست (اراکی :) مسأله احتیاط واجب آن است که سـر را در آبهای مضاف فرو نبرد و اما فرو بردن سر در چیزهای دیگر که روان است اشکال ندارد.

(فاضل :) بخصوص گلاب ..

(نوری :) گلاب و آبهای مضاف دیگر ..

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر سر را در گلاب فرو برد بنا بر احتیاط واجب روزه باطل

می شود چنانکه احتیاط واجب آن است که سر را در آبهای مضاف دیگر هم فرو نبرد ولی در چیزهای دیگری که روان است اشکال ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله سر فرو بردن در غیر آب از چیزهای روان مانند شیر به روزه ضرری ندارد بلکه أظهر این است که فرو بردن سر در آب مضاف نیز روزه را باطل نمی کند اگر چه أحوط ترک است .

(مکارم :) مسأله فرو بردن سر در مایعاتی مانند گلاب و آبهای مضاف دیگر حکم آب مطلق را دارد.

(بهجت :) مسأله فرو بردن سر در آب مضاف ، بنا بر أحوط روزه را باطل می کند.

(زنجانی :) مسأله احتیاط مستحب آن است که روزه دار سر را در گلاب و آبهای مضاف و مایعات دیگر فرو نبرد.

[مسأله ۱۶۱۳ اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد]

مسأله ۱۶۱۳ اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (زنجانی :) اشکال ندارد و روزه او باطل نمی شود.

(مکارم :) مسأله اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد یا او را در آب بیندازند و سر او زیر آب رود یا فراموش کند که روزه است سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود، ولی اگر یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

[مسأله ۱۶۱۴ اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر آب می رود]

مسأله ۱۶۱۴ اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر آب می رود، چنانچه با توجه به این مطلب خود را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود روزه اش باطل می شود (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : بهجت ، سیستانی و مکارم نیست (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .

(اراکی :) مسأله اگر اطمینان داشته باشد که با افتادن در آب سرش زیر آب نمی رود و خود را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود روزه اش باطل نمی شود.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اگر به خیال این که آب ، سر او را نمی گیرد خود را در آب بیندازد و آب تمام سر او را بگیرد، روزه اش اشکال ندارد.

(گلپایگانی ، صافی :) اگر با اطمینان به این که ..

[مسأله ۱۶۱۵ اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد]

مسأله ۱۶۱۵ اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است ، یا آن کس دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش باطل می شود (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه سیستانی نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .

(زنجانی :) چنانچه بیرون نیاورد، معصیت کرده است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۶۱۳).

[مسأله ۱۶۱۶ اگر فراموش کند که روزه است]

مسأله ۱۶۱۶ اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (زنجانی :) مسأله اگر به جهت عذری به نیت غسل سر را در آب فرو برد؛ مثل این که فراموش کند که روزه است یا بدون تقصیر مسأله را نداند غسل او صحیح است و معصیتی نکرده است .

[مسأله ۱۶۱۷ اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد]

مسأله ۱۶۱۷ اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او، روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد، غسل صحیح و روزه باطل می باشد (۱)، ولی اگر واجب معین باشد، اگر به فرو بردن سر در آب ، قصد غسل کند، روزه او باطل است و بنا بر احتیاط واجب ، غسل او هم باطل است (۲) مگر آن که در زیر آب ، یا در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت غسل او صحیح است و اما اگر روزه ماه رمضان باشد، هم غسل و هم روزه باطل است مگر (آن که در همان زیر آب توبه نماید و (۳)) در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت غسل او صحیح است . این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) (خوئی :) چنانچه روزه او روزه رمضان باشد، روزه و غسل او هر دو باطل است و هم چنین است حکم روزه قضاء رمضان بعد از زوال علی الأحوط و اگر روزه مستحب باشد، یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد غسل او صحیح و روزه اش باطل می باشد و ظاهر این است که این حکم در روزه واجب معین نیز جاری است .

(گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) چنانچه روزه او مثل روزه رمضان ، واجب معین باشد، روزه و غسل او هر دو باطل است و اگر روزه مستحب باشد، یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد و تمام کردن آن واجب نباشد غسل صحیح و روزه باطل می باشد.

(تبریزی :) و افطار آن جایز است غسل صحیح و روزه باطل می باشد.

(فاضل ، نوری :) چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معیّن باشد، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره غسل کند و روزه را هم (فاضل : باید بنا بر احتیاط واجب) قضا نماید و اگر روزه مستحب یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفّاره وقت معیّنی ندارد، غسل صحیح و روزه (فاضل : بنا بر احتیاط واجب) باطل می باشد.

(مکارم :) چنانچه بداند روزه واجب معین است بنا بر احتیاط واجب هم روزه را باید قضا کند و هم غسل را دوباره انجام دهد. (۲) (اراکی :) روزه و غسل او باطل است .. (۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (زنجانی :) مسأله اگر بداند که روزه است و بدون عذر در روزه واجب معین برای غسل ، سر را در آب فرو برد، معصیت کرده و بنا بر احتیاط

مستحب غسلش باطل می شود؛ ولی روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۶۱۸ اگر برای آن که کسی را از غرق شدن نجات دهد سر را در آب فرو برد]

اشاره

مسأله ۱۶۱۸ اگر برای آن که کسی را از غرق شدن نجات دهد سر را در آب فرو برد، اگر چه نجات دادن او واجب باشد، روزه اش باطل می شود (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و بهجت نیست (۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .

(زنجانی :) مسأله سر به زیر آب بردن برای روزه دار همیشه حرام نیست ، بلکه ممکن است به جهتی هم چون نجات دادن کسی جایز یا لازم باشد.

(مکارم :) مسأله کسی که برای نجات غریق مجبور است سر را در آب فرو ببرد روزه اش اشکال دارد، ولی به عنوان نجات جان مسلمانی این کار واجب است ، و بعداً قضا کند.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۳۶۸ غوّاصان ، اگر سر خود را در کلاهک پنهان کنند و با آن زیر آب روند، روزه آنها صحیح است .

۷ باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

[مسأله ۱۶۱۹ اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند]

مسأله ۱۶۱۹ اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند (۱)، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید (۲)، روزه اش باطل است (۳). (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه اش صحیح است .

(اراکی :) اگر جنب در روزه رمضان و قضاء آن تا اذان صبح غسل نکند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) در روزه ماه رمضان و قضاء آن .. (۳) (گلپایگانی :) و در غیر این دو، روزه باطل نمی شود.

(صافی :) و در غیر این دو أحوط باقی نماندن بر جنابت است تا صبح .

(خوئی ، تبریزی ، بهجت ، زنجانی :) مسأله اگر جنب عمداً در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکند روزه اش باطل است و کسی که وظیفه اش تیمم است و عمداً تیمم ننماید روزه اش نیز باطل است و حکم قضای ماه رمضان بعداً خواهد آمد.

(سیستانی :) یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم ننماید، باید روزه آن روز را تمام کند و روزی دیگر را نیز روزه بگیرد و چون

معلوم نیست آن روز قضا است یا عقوبت است هم روزه آن روز از ماه رمضان را به قصد ما فی الذمه انجام دهد و هم روزی که به جای آن روز، روزه می گیرد، و قصد قضا نکند.

(زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) مسأله کسی که بخواهد روزه ماه مبارک رمضان یا قضای آن را بگیرد نباید تا اذان صبح عمداً در حال جنابت باقی بماند بنا بر این اگر عمداً غسل نکند و در تنگی وقت تیمم نیز

نکند روزه اش باطل است . بقای عمدی بر جنابت در روزه های دیگر چه واجب باشد یا مستحب ضرری برای روزه ندارد.

[مسأله ۱۶۲۰ اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است]

مسأله ۱۶۲۰ اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است (۱) تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید (۲) روزه اش صحیح است (۳). (۱) (فاضل :) اگر در روزه ماه رمضان و قضای آن .. (۲) (- فاضل ، نوری :) ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمّم کند ..

(بهجت :) ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری به اجبار نگذارد غسل و تیمّم کند و ناچار شود .. (۳) (بهجت :) ولی در صورت فراموش کردن ، روزه ماه رمضان باطل است .

(زنجانی :) خصوصاً اگر عمداً نباشد، مگر در قضای ماه رمضان که حکم آن در مسأله [۱۶۳۴] خواهد آمد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۳۶.

(اراکی :) مسأله اگر در روزه واجب غیر رمضان عمداً تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید روزه اش بنا بر احتیاط واجب باطل است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه اش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در روزه غیر ماه رمضان و قضای آن از روزه های واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معیّن است جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند أظهر این است که روزه اش صحیح است .

(سیستانی :) مسأله در غیر روزه ماه رمضان و قضای آن از اقسام روزه های واجب و مستحب اگر جنب عمداً تا اذان صبح بر حال جنابت باقی بماند، می تواند آن روز را روزه بگیرد.

[مسأله ۱۶۲۱ کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد]

مسأله ۱۶۲۱ کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد (۱) که مثل روزه رمضان وقت آن معین است (۲)، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است (۳). (۱) (گلپایگانی :) در روزه رمضان ، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، معصیت کرده ولی واجب است تیمم کند و روزه اش صحیح است و در قضاء رمضان که وقتش تنگ شده أحوط آن است که تیمم کند و روزه بگیرد و بعد هم آن را به جا آورد و در قضاء موسع ، روزه

باطل است . (۲) (فاضل :) می خواهـد روزه ماه رمضان یا قضای آن را بگیرد .. (۳) (بهجت :) باید با تیمم روزه بگیرد و روزه او بنا بر أظهر صحیح است .

(نوری :) ولی معصیت کار است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۳۶.

(خوئی :) مسأله کسـی که در شب ماه رمضان جنب است چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، بنا بر احتیاط واجب باید تیمم کند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.

(زنجانی :) چنانچه بدون عذر ..

(تبریزی ، سیستانی :) باید تیمم کند و روزه بگیرد (سیستانی : و روزه اش صحیح است).

(زنجانی :) باید تیمم کند و روزه بگیرد و به احتیاط مستحب قضای آن را هم به جا آورد.

(صافی :) مسأله کسی که جنب است و می خواهد روزه ماه رمضان یا قضای آن را بگیرد، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، معصیت کرده و أحوط آن است که تیمم کند و روزه بگیرد و بعد هم آن را به جا آورد و در قضاء موسع ، روزه باطل است .

[مسأله ۱۶۲۲ اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند]

مسأله ۱۶۲۲ اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید (۱)، (باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید (۲))، باید (۳) روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید. مثلًا اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند (۴). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) بعد از گذشتن ماه رمضان یادش بیاید .. (۲) (فاضل :) اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید باید روزه آن روزها را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید ..

[قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۳) [کلمه «باید» در رساله آیات عظام : خوئی ، فاضل و سیستانی نیست] (۴) (زنجانی :) و اگر در ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست ؛ لکن بنا بر احتیاط مستحب اگر بعد از گذشتن یک هفته یادش بیاید روزه را قضا کند بلکه به احتیاط مستحب اگر بعد از گذشتن روز جمعه هم یادش بیاید، روزه را قضا نماید.

(مکارم :) و قضاء روز چهارم ، احتیاط مستحب است .

[مسأله ۱۶۲۳ کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد]

مسأله ۱۶۲۳ کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد (۱)، اگر خود را جنب کند، روزه اش باطل است (۲) و قضا و کفاره بر او واجب می شود (۳)، ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه او صحیح است ولی گناه کار است (۴). (۱) (اراکی :) کسی که در شب ماه رمضان برای غسل وقت ندارد .. (۲) (مکارم :) روزه اش اشکال دارد و احتیاطاً قضا و کفاره به جا آورد؛ هم چنین اگر برای غسل وقت ندارد و فقط برای تیمّم وقت دارد. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(اراکی :) چه برای تیمم وقت داشته باشد یا نه . [پایان مسأله] (زنجانی :) بلی ، اگر خیال می کرده جنب کردن بر او حرام نیست قضا دارد ولی کفاره ندارد .. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه خود را جنب کند، معصیت کرده ولی واجب است تیمّم نماید و روزه اش صحیح است .

(زنجانی :) چنانچه خود را جنب کند، باید تیمم کند و روزه آن روز را بگیرد و به احتیاط مستحب قضای آن را نیز به جا آورده ، کفاره هم بدهد.

(فاضل :) با تیمّم روزه او صحیح است ، گناه کار هم حساب نمی شود.

(بهجت :) مسأله کسی که در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین دیگری ، برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، نباید خود را جنب کند؛ و هم چنین است بنا بر أظهر اگر فقط برای تیمّم وقت دارد؛ و اگر معصیت کرد و خود را جنب نمود بنا بر احتیاط واجب باید روزه اش را با تیمم بگیرد و قضای آن را نیز به جا آورد.

[مسأله ۱۶۲۴ اگر گمان کند که به اندازه غسل وقت دارد]

مسأله ۱۶۲۴ اگر گمان کند (۱) که به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده (۲) چنانچه تیمم کند روزه اش صحیح است (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : فاضل و بهجت نیست (۱) (اراکی :) اگر پس از تحقیق گمان کند .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چه جستجو کرده و چه نکرده ، واجب است با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است . (۳) (اراکی :) امّا اگر تحقیق نکرده ، بنا بر احتیاط واجب قضا دارد.

(خوئی :) مسأله اگر برای آن که بفهمد وقت دارد یا نه ، جستجو نماید و گمان کند که به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده و تیمم کند، روزه اش صحیح است . و اگر بدون جستجو گمان کند که وقت دارد و خود را جنب نماید و بعد بفهمد وقت تنگ بوده و با تیمم روزه بگیرد بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را قضا کند.

(زنجانی :) اگر در ماه رمضان ..

(زنجانی :) روزه اش بی اشکال صحیح است ، بلکه اگر ..

(تبریزی :) صحیح است .

(زنجانی :) روزه اش صحیح است ؛ هر چند احتیاط مستحب در قضا و کفاره است .

(سیستانی :) مسأله اگر بداند وقت برای غسل ندارد و خود را جنب کند و تیمم کند یا با این که وقت دارد عمداً غسل را تأخیر بیاندازد تا وقت تنگ شود و تیمم کند روزه اش صحیح است هر چند گناه کار است .

[مسأله ۱۶۲۵ کسی که در شب ماه رمضان جنب است]

مسأله ۱۶۲۵ کسی که در شب ماه رمضان (۱) جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید بخوابد (۲) و چنانچه بخوابد (۳) و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود (۴). (۱) (بهجت :) یا روزه واجب معین .. (۲) (بهجت :) در صورتی که در نخوابیدن عسر و حرج برای او نباشد، نباید بخوابد مگر بعد از غسل .. (۳) (زنجانی :) چنانچه با اختیار بخوابد ..

(۴) (زنجانی :) روزه اش باطل است و قضا بر او واجب می شود و کفاره نیز لازم است ، مگر آن که خیال می کرده بقاء بر جنابت حرام نیست و در هر حال باید در روز امساک کند.

(مکارم :) روزه اش اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب باید قضا و کفاره به جا آورد، اما اگر احتمال دهد که بیدار می شود می تواند بخوابد، و احتیاط این است که در دفعه دوم که بیدار شد نخوابد تا غسل کند.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید غسل نکرده بخوابد و چنانچه پیش از غسل بخوابد و تا صبح بیدار نشود روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب نباید غسل نکرده بخوابد و چنانچه پیش از غسل اختیاراً بخوابد و تا صبح بیدار نشود؛ باید روزه آن روز را تمام کند و قضا و کفاره بر او واجب می شود.

[مسأله ۱۶۲۶ هر گاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود]

مسأله ۱۶۲۶ هر گاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود (۱) اگر احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد (۲) بیدار می شود برای غسل ، می تواند بخوابد (۳). (۱) (خوئی :) احتیاط مستحب ((تبریزی :) احتیاط واجب) آن است که پیش از غسل در صورتی که عادتش به بیدار شدن نباشد نخوابد اگر چه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود. (۲) (اراکی :) اطمینان دارد که اگر دوباره بخوابد .. (۳) (فاضل :) در صورتی که عادتاً خواب نمی ماند.

(زنجانی :) چنانچه تردید داشته باشد که اگر بخوابد بیدار می شود یا نه ، احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل نخوابد.

(سیستانی :) اگر احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود می تواند بخوابد. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۲۵.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله جنب اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح ندارد بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از غسل بخوابد و اگر بخوابد خواب اول باشد یا دوم حکم باقی ماندن عمدی با جنابت تا صبح را دارد که باید قضاء روزه را بگیرد و کفاره نیز بدهد.

(بهجت :) مسأله هر گاه جنب در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین بخوابد و بیدار شود، اگر اطمینان به بیدار شدن پیش از اذان صبح برای غسل را ندارد باید نخوابد اگر چه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود.

[مسأله ۱۶۲۷ کسی که در شب ماه رمضان جنب است]

مسأله ۱۶۲۷ کسی که در شب ماه رمضان (۱) جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد (۲) پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصـمیم داشـته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند (۳) و با این تصـمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند روزه اش صحیح است (۴). (۱) (بهجت :) یا روزه واجب معین ..

(۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یقین (سیستانی : یا اطمینان) دارد که اگر بخوابد ..

(زنجانی ، بهجت :) می داند (بهجت : یا اطمینان دارد) که اگر بخوابد .. (۳) (زنجانی :) غسل یا تیمم کند .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) و هم چنین است کسی که عادت بیدار شدن قبل از اذان صبح را داشته و احتمال بیدار شدن را نیز بدهد. (بهجت :) باید روزه بگیرد و روزه اش صحیح می باشد.

(زنجانی :) روزه اش بدون اشکال صحیح است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله کسی که در شب ماه رمضان جنب است اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن پیش از اذان صبح را دارد جایز است با تصمیم به آن که بعد از بیدار شدن غسل کند بخوابد و چنانچه در این صورت اتفاقاً تا صبح خواب بماند روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۶۲۸ کسی که در شب ماه رمضان جنب است]

مسأله ۱۶۲۸ کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد (۱) پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند (۲)، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند (۳) روزه اش صحیح است (۴). این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) می داند که اگر بخوابد .. (سیستانی :) اطمینان ندارد که اگر بخوابد .. (۲) (زنجانی :) غسل یا تیمم کند .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط قضا بر او واجب می شود.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط مستحب روزه آن روز را قضا کند. (۴) (گلپایگانی ، صافی :) اگر خواب اولش باشد روزه اش صحیح است ، نه قضا دارد و نه کفاره ؛ و در خواب دوم و سوم فقط قضا بر او واجب می شود.

[مسأله ۱۶۲۹ کسی که در شب ماه رمضان جنب است]

مسأله ۱۶۲۹ کسی که در شب ماه رمضان (۱) جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد (۲) پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند (۳)، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه (۴)، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه اش باطل است (۵). (۱) (بهجت :) یا روزه واجب معین .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یقین دارد یا احتمال می دهد که اگر بخوابد ..

(گلپایگانی ، صافی :) می داند که اگر بخوابد .. (۳) (سیستانی :) در صورتی که بخوابد و بیدار نشود باید روزه آن روز را تمام کند و قضا و کفاره بر او لازم است و هم چنین است بنا بر احتیاط لازم اگر تردید داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل

کند یا نه .

(زنجانی :) غسل یا تیمم کند اگر بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند روزه اش باطل و قضا و کفاره لازم است ؛ و اگر تردید داشته باشد که غسل یا تیمم کند یا نه ، بنا بر احتیاط روزه اش باطل و قضا و کفاره لازم است . (۴) (نوری :) یا بی تفاوت باشد ..

(۵) (خوئی ، تبریزی ، بهجت :) روزه اش باطل و قضا و کفاره لازم است .

(مکارم :) روزه اش اشکال دارد.

[مسأله ۱۶۳۰ اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود]

مسأله ۱۶۳۰ اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد (۱) پیش از اذان صبح (۲) بیدار می شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند (۳)، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و هم چنین است اگر (۴) از خواب دوّم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد (۵) و کفاره بر او واجب نمی شود (۶). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) بداند که اگر دوباره بخوابد ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) یقین کند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد .. (۲) (مکارم :) برای غسل کردن بیدار می شود چنانچه بخوابد و بیدار نشود، احتیاطاً باید روزه آن روز را قضا کند، هم چنین است اگر برای دفعه سوّم بخوابد و بیدار نشود، ولی در هیچ یک از اینها کفّاره بر او واجب نمی شود. (۳) (زنجانی :) غسل یا تیمم کند .. (۴) (خوئی ، زنجانی ، سیستانی ، تبریزی :) و اگر .. (۵) (گلپایگانی ، صافی :) و تا اذان صبح بیدار نشود، قضای روزه آن روز بر او واجب می شود (گلپایگانی : ولی اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن نداشته باشد) بنا بر احتیاط لازم کفاره هم بر او واجب می شود.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و تا اذان صبح بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و بنا بر احتیاط استحبابی کفاره نیز بدهد (زنجانی : بلکه بنا بر احتیاط مستحب در خواب دوم و هم چنین در خواب اول در صورتی که عادت به بیدار شدن نداشته باشد، کفاره بدهد). (۶) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب در خواب سوم کفاره هم لازم است .

(بهجت :) مسأله اگر جنب در شب ماه رمضان یا روزه واجب معیّن بعد از جنب شدن خوابید و بیدار شد، در صورتی که اطمینان دارد که اگر دو مرتبه بخوابد قبل از اذان صبح بیدار می شود خوابیدن دفعه دوم بر او حرام نیست ولی خلاف احتیاط است و اگر دو باره خوابید و بیدار نشد، باید قضای آن را بگیرد و بنا بر احتیاط واجب کفّاره هم بدهد و اگر بیدار شد باز دفعه سوم خوابید و تا اذان صبح بیدار نشد قضای آن روز را باید بگیرد و وجوب کفّاره مطابق احتیاط بلکه احتیاط اقوی است .

[مسأله ۱۶۳۱ خوابی را که در آن محتلم شده نباید خواب اول حساب کرد]

مسأله ۱۶۳۱ خوابی را که در آن محتلم شده نباید خواب اول حساب کرد بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد خواب اول حساب می شود. (گلپایگانی :) مسأله بنا بر احتیاط واجب خوابی را که در آن محتلم شده ، باید خواب اول حساب کند پس اگر بعد از بیدار شدن دوباره بخوابد و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه تا اذان خواب بماند بنا بر احتیاط واجب

باید قضای آن روز را بگیرد. و اگر دوباره بیدار شود و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند در صورتی که باز هم بخوابد و تا اذان خواب بماند، باید قضای آن روز را بگیرد و کفاره بر او واجب نیست ولی احتیاط خوب است .

(صافی :) بنا بر احتیاط مستحب مؤکد کفاره هم بر او واجب می شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله مراد از خواب اول و دوم و سوم در صورتی که انسان در خواب محتلم شود خوابی است که بعد از بیدار شدن بخوابد و اما خوابی که در آن محتلم شده خواب اول حساب نمی شود.

(سیستانی :) مسأله خوابی که در آن احتلام صورت گرفته است خواب اول حساب می شود، بنا بر این اگر پس از بیدار شدن دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، چنانچه در مسأله قبل گفته شد روزه آن روز را باید قضا کند.

(زنجانی :) مسأله اگر انسان در خواب محتلم شود و بعد بیدار شود و ببیند جنب شده و دوباره بخوابد، و تا اذان صبح بیدار نشود، باید در آن روز از کارهایی که به رروزه دار حرام است ، خودداری کند و بعد ، روزه آن روز را قضا کند.

[مسأله ۱۶۳۲ اگر روزه دار در روز محتلم شود]

مسأله ۱۶۳۲ اگر روزه دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند (۱). (۱) (فاضل :) گر چه احتیاط مستحب آن است که فوراً غسل کند.

(مکارم :) مسأله هر گاه روزه دار در روز محتلم شود بهتر است فوراً غسل کند اما اگر نکند برای روزه اش اشکالی ندارد.

[مسأله ۱۶۳۳ هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود]

مسأله ۱۶۳۳ هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده ، اگر چه بداند پیش از اذان محتلم شده ، روزه او صحیح است (۱). (۱) (مکارم :) روزه اش صحیح است ، خواه بداند پیش از اذان محتلم شده یا بعد از آن ، و یا شک داشته باشد.

[مسأله ۱۶۳۴ کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد]

مسأله ۱۶۳۴ کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هر گاه تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد روزه او باطل است (۱). (۱) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چه از روی عمد نباشد، اگر وقت وسعت داشته باشد روزه او باطل

است و اگر وقت تنگ باشد، احتیاط واجب گرفتن روزه آن روز و عوض آن بعد از ماه مبارک است .

(بهجت :) بنا بر أظهر روزه او باطل است و در صورتی که وقت گرفتن روزه قضا طوری تنگ است که اگر روزه اش باطل باشد دیگر فرصتی برای گرفتن روزه قضا ندارد، احتمال دارد ملحق به روزه ماه رمضان باشد.

(سیستانی :) هر گاه تا اذان صبح عمداً جنب بماند، نمی تواند آن روز را روزه بگیرد؛ و اگر از روی عمد نباشد، می تواند، اگر چه احتیاط در ترک آن است .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۳۶.

(زنجانی :) مسأله کسی که در وسعت وقت می خواهد قضای روزه ماه رمضان را بگیرد هر گاه جنب باشد به جهت احتلام یا به سبب دیگر و تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد، روزه اش باطل است و باید در روز دیگری به جا آورد.

[مسأله ۱۶۳۵ کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد]

اشاره

مسأله ۱۶۳۵ کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده و بداند پیش از اذان محتلم شده است (۱)، چنانچه وقت قضای روزه تنگ است مثلًا پنج روز روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است (۲) بعد از رمضان عوض آن را به جا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست (۳) باید روز دیگر روزه بگیرد (۴) و در هر صورت این روز را لازم نیست روزه بگیرد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) روزه او باطل است ولی چنانچه وقت قضای روزه تا آمدن ماه رمضان دیگر تنگ است ، مثلًا پنج روز روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است بهتر آن است که آن روز را روزه بگیرد و بعد از رمضان هم عوض آن را به جا آورد.

(تبریزی :) می تواند آن روز را روزه بگیرد ولی اگر در شب بفهمد جنب شده و تا اذان صبح غسل نکند آن روز را نمی تواند روزه قضا بگیرد.

(سیستانی :) می تواند آن روز را به قصد قضای ماه رمضان روزه بگیرد.

(مکارم :) اگر وقت قضای روزه تنگ نیست بنا بر احتیاط واجب روز دیگری را روزه بگیرد، و اگر وقت قضای روزه تنگ است مثلًا پنج روز قضا به ذمّه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده ، همان روز را روزه بگیرد و روزه اش صحیح است . (۲) (گلپایگانی ، اراکی ، فاضل ، صافی :) بنا بر احتیاط واجب باید آن روز را روزه بگیرد و .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) روزه اش باطل است . [پایان مسأله] (۴) (اراکی ، فاضل :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(زنجانی :) مسأله اگر وقت قضای روزه ماه رمضان تنگ شده و تا اذان صبح جنب بماند، بنا بر احتیاط واجب روزه آن روز را گرفته ، عوض آن را هم به جا آورد.

مسائل اختصاصی

(سیستانی :) مسأله ۱۶۰۸ اگر زن در شب ماه رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند و اگر وظیفه اش تیمم است تیمم ننماید، روزه آن روز را باید تمام کند و قضای آن را نیز بگیرد؛ و در روزه قضای ماه رمضان اگر عمداً غسل و تیمم را ترک کند، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند آن روز را روزه بگیرد.

(فاضل :) مسأله ۱۶۸۹ اگر در روزه ماه مبارک رمضان محتلم شود، می تواند قبل از غسل استبراء کند ولی اگر غسل کرد، بعد

از غسل در صورتی که بداند منی از او خارج می شود، نباید استبراء کند.

[مسأله ۱۶۳۶ اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان]

مسأله ۱۶۳۶ اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان (۱) و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند (۲)،

روزه اش صحیح است (۳) چه وقت آن معین باشد و چه نباشد. این مسأله در رساله آیات عظام : اراکی و بهجت نیست (۱) (فاضل :) اگر در روزه مستحب یا واجب غیر رمضان .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و لو از روی عمد باشد، چنانچه وقت آن روز معین است مثلًا نذر کرده که آن روز را روزه بگیرد .. (نوری :) گر چه از روی عمد هم باشد .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) و اگر مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست ، احتیاط مستحب آن است که غیر از آن روز روز دیگری را روزه بگیرد. (سیستانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۶۲۰).

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در روزه واجبی غیر قضای روزه رمضان از روزه هایی که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد عمداً تا اذان صبح جنب بماند، أظهر این است که روزه اش صحیح است ولی بهتر آن است که غیر از آن روز، روز دیگری را روزه بگیرد.

(زنجانی :) مسأله اگر در غیر روزه ماه رمضان در روزه واجب دیگری مثل روزه کفاره و نذر غیر معین ، که وقت آن وسعت دارد؛ عمداً تا اذان صبح جنب بماند، أظهر این است که روزه اش صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که غیر از آن ، روز دیگری را روزه بگیرد.

(مکارم :) مسأله باطل شدن روزه به خاطر بقاء بر جنابت ، مخصوص روزه ماه رمضان و قضای آن است و در روزهای دیگر موجب بطلان نمی شود.

[مسأله ۱۶۳۷ اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود]

مسأله ۱۶۳۷ اگر زن (۱) پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند (۲)، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم نکند روزه اش باطل است (۳). (۱) (بهجت :) اگر زن در ماه رمضان .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) در روزه ماه رمضان ، روزه اش باطل است . و در غیر آن باطل نیست اگر چه أحوط غسل کردن است و زنی که وظیفه اش نسبت به حیض یا نفاس تیمم است در روزه ماه رمضان اگر عمداً پیش از اذان صبح تیمم نکند روزه اش باطل است .

(زنجانی :) تا وقت تنگ شود، باید تیمم نماید و اگر تیمم هم نکند در روزه ماه رمضان ، روزه اش باطل است و در غیر آن باطل نیست ؛ و زنی که وظیفه اش نسبت به حیض یا نفاس ، تیمم است در روزه ماه رمضان اگر عمداً پیش از اذان صبح تیمم نکند، روزه اش باطل است . (۳) (بهجت :) و وجوب کفّاره خالی از وجه نیست .

(فاضل :) روزه اش در ماه رمضان یا قضای آن باطل است و احتیاط مستحب آن است که در روزه های واجب و مستحب دیگر هم این امر رعایت شود.

(مکارم :) مسأله زنی که از حیض یا نفاس پاک شده و تا اذان صبح غسل نکرده ، در حکم کسی است که باقی بر جنابت

مانده است .

(سیستانی :) مسأله زنی که در شب ماه رمضان از حیض یا نفاس پاک شده ، اگر عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود باید تیمم نماید و روزه آن روزش صحیح است .

[مسأله ۱۶۳۸ اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود]

مسأله ۱۶۳۸ اگر زن پیش از اذان صبح (۱) از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد (۲)، چنانچه بخواهد روزه ماه رمضان یا قضای آن بگیرد باید تیمم نماید و روزه اش صحیح است (۳) و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجب مثل روزه کفاره و روزه نذری بگیرد اگر چه بدون تیمم هم روزه اش صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم کند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) در ماه رمضان .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط واجب باید تا اذان صبح بیدار بماند (خوئی : و هم چنین است حکم جنب در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد). [پایان مسأله] (سیستانی :) باید تیمم کند ولی لازم نیست تا اذان صبح بیدار بماند و هم چنین است حکم جنب در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد.

(زنجانی :) باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب تا اذان صبح از مبطلات وضو اجتناب نماید، و هم چنین است حکم جنب در صورتی که وظیفه اش تیمّم باشد. (۳) (اراکی :) چنانچه بخواهد روزه ماه رمضان بگیرد باید تیمم نماید و روزه اش صحیح است ، و اگر بخواهد روزه واجب غیر رمضان بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید تیمم نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است ، باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب تا اذان صبح بیدار بماند. و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست نمی تواند با تیمم روزه بگیرد.

(فاضل :) چنانچه بخواهد روزه رمضان بگیرد با تیمم روزه اش صحیح است ، و لازم نیست که تا صبح بیدار بماند و اگر برای تیمم هم وقت نباشد به همان نحو روزه اش صحیح است .

(نوری :) چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است ، با تیمم روزه اش صحیح است ، و لازم نیست که تا صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست نمی تواند با تیمم روزه بگیرد.

(مکارم :) مسأله اگر در ماه مبارک رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت ندارد، تیمم کند و روزه اش صحیح است ، اما اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، باید بعداً غسل کند و روزه او نیز صحیح است .

[مسأله ۱۶۳۹ اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود]

مسأله ۱۶۳۹ اگر زن نزدیک اذان صبح (۱) از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد (۲)، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده ، روزه او صحیح است (۳)، ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را

گرفته باشد صحیح بودن آن اشکال دارد. (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) در ماه مبارک رمضان .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) روزه اش صحیح است . [پایان مسأله]

(زنجانی :) روزه اش صحیح است ؛ خواه در روزه ماه مبارک رمضان باشد یا روزه واجب دیگری وقت آن وسعت داشته باشد یا تنگ باشد یا روزه مستحبی باشد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در روزه واجب که وقت آن وسعت دارد، به آن اکتفا نکند، مخصوصاً در روزه قضای ماه رمضان . (۳) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(گلپایگانی ، صافی :) چنانچه روزه ای را که می گیرد مثل روزه رمضان واجب معین باشد صحیح است و اگر روزه مستحب یا روزه ای باشد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست صحیح بودن آن اشکال دارد.

(نوری :) ولی اگر روزه مستحب یا روزه ای که وقت آن معین نیست باشد، صحیح بودن آن اشکال دارد. (فاضل ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۳۸.

[مسأله ۱۶۴۰ اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود]

مسأله ۱۶۴۰ اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است .

[مسأله ۱۶۴۱ اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند]

مسأله ۱۶۴۱ اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه هایی که گرفته صحیح است (۱). این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (فاضل :) و بنا بر احتیاط مستحب قضای آن را نیز بگیرد.

(گلپایگانی :) روزه هایی که گرفته ، اشکال دارد و احتیاط لازم آن است که قضاء آنها را بگیرد.

(صافی :) قضای روزه هایی را که گرفته بنا بر احتیاط، مستحب است که بگیرد.

(زنجانی :) مسأله اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و روزه بگیرد، روزه او صحیح است .

[مسأله ۱۶۴۲ اگر زن پیش از اذان صبح در ماه رمضان از حیض یا نفاس پاک شود]

مسأله ۱۶۴۲ اگر زن پیش از اذان صبح در ماه رمضان از حیض یا نفاس پاک شود (۱) و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند (و در تنگی وقت تیمم هم نکند (۲))، روزه اش باطل است (۳) ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلًا منتظر باشد که حمام زنانه شود (۴)، اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمم کند روزه او صحیح است (۵). این مسأله در

رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگـانی ، صافی ، نوری :) اگر زن پیش از اذان صـبح از حیض یا نفاس پاک شود .. (۲) [قسـمت داخـل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی و مکارم نیست] (۳) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

(سیسـتانی :) چنانچه گذشت روزه آن روز را باید تمام کند و قضا نماید .. (۴) (مکارم :) مثلًا منتظر باشـد که حمام باز شود یا آب حمام گرم شود و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمم کرده باشد روزه او صحیح است . (۵) (گلپایگانی ، صافی :) اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت تیمم کند یا از تیمم هم عاجز باشد روزه اش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند (سیستانی : و در تیمم کردن کوتاهی نکند) روزه او صحیح است .

(زنجانی :) مسأله اگر زن در ماه رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن و تیمم کوتاهی کند و آن دو را تا اذان صبح انجام ندهد روزه اش باطل است ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلًا منتظر باشد که حمام ، زنانه شود؛ اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان صبح غسل یا تیمم نکند، روزه او صحیح است .

[مسأله ۱۶۴۳ اگر زنی که در حال استحاضه است]

اشاره

مسأله ۱۶۴۳ اگر زنی که در حال استحاضه است (۱)، غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه (در مسأله ۴۱۷ به بعد) گفته شد به جا آورد، روزه او صحیح است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) اگر زنی که در حال استحاضه کثیره است .. (۲) (خوئی ، تبریزی :) و أظهر این است که در استحاضه متوسطه ، اگر چه غسل نکند روزه اش صحیح است .

(بهجت :) و بی وجه نیست که صحت روزه او مشروط به انجام غسلی باشد که باید برای نماز صبح انجام دهد ولی بنا بر اظهر غسل نمازهای مغرب و عشای شب گذشته و شب آینده در صحیح بودن روزه او شرط نیست ، و بنا بر احتیاط واجب مستحاضه متوسطه هم مثل کثیره ، انجام غسلی که بر او واجب است در صحیح بودن روزه اش شرط است ولی وضوی واجب بر مستحاضه قلیله ، شرط صحت روزه نیست .

(زنجانی :) مسأله زنی که در حال استحاضه است اگر غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گذشت به جا آورد، بی اشکال روزه او صحیح است ؛ بلکه اگر غسلهای خود را انجام ندهد، ظاهراً روزه اش صحیح است ، ولی احتیاط مستحب آن است که روزه را قضا نیز بنماید.

(سیستانی :) مسأله زنی که در حال استحاضه کثیره است هر چند غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه در مسأله [۳۹۶] گفته شد به جا نیاورد، روزه او صحیح است ، هم چنان که در استحاضه متوسطه اگر چه غسل نکند روزه اش صحیح است .

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۳۲۲ در تمام مواردی که غسل واجب است ، اگر نتوانست غسل کند، وجوب تیمم خالی از وجه نیست ، و بنا بر احتیاط واجب بعد از تیمم باید تا اذان صبح بیدار بماند.

[مسأله ۱۶۴۴ کسی که مس میت کرده]

مسأله ۱۶۴۴ کسـی که مس میت کرده یعنی جایی از بـدن خود را به بـدن میت رسانده ، می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میت را مس نمایـد، روزه او باطل نمی شود (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) ولی برای نماز باید غسل کند.

۸ اماله کردن

[مسأله ۱۶۴۵ اماله کردن با چیز روان]

مسأله ۱۶۴۵ اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می کند (۱)، ولی استعمال شیافهایی که برای معالجه است اشکال ندارد (۲) و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیافهایی که برای کیف کردن است (۳) مثل شیاف تریاک یا برای تغذیه از این مجری است خودداری نمایند. (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(بهجت :) بنا بر أظهر. [پایان مسأله] (۲) (اراکی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) استعمال شیافهای غیر روان که برای معالجه است اشکال ندارد و احتیاط مستحب است که از استعمال آنها نیز خودداری کند و احتیاط واجب آن است که از چیزی که جامد و مایع بودن آن مشکوک است اجتناب کند. (۳) (مکارم :) برای تغذیه است خودداری شود.

۹ قی کردن

[مسأله ۱۶۴۶ هر گاه روزه دار عمداً قی کند]

مسأله ۱۶۴۶ هر گاه روزه دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد روزه اش باطل می شود ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد (۱). (۱) (بهجت :) ولی نباید آن را عمداً فرو ببرد.

(مکارم :) مسأله قی کردن از روی عمد روزه را باطل می کند، هر چند برای نجات از مسمومیّت و درمان بیماری و مانند آن باشد ولی قی کردن بدون اختیار یا از روی سهو روزه را باطل نمی کند.

[مسأله ۱۶۴۷ اگر در شب چیزی بخورد]

مسأله ۱۶۴۷ اگر در شب چیزی بخورد که می داند به واسطه خوردن آن ، در روز بی اختیار قی می کند احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) روزه باطل نمی شود ولی احتیاط مستحب این است که چنین کاری نکند و اگر کرد، روزه را قضا نماید. (فاضل :) به احتیاط واجب روزه او باطل می شود.

(زنجانی ، سیستانی :) روزه اش صحیح است (زنجانی : ولی احتیاط مستحب آن است که روزه آن روز را قضا نماید).

[مسأله ۱۶۴۸ اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند]

مسأله ۱۶۴۸ اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید (۱). (۱) (سیستانی :) اگر به طبع خود حادث شده است لازم نیست از آن جلوگیری کند.

(زنجانی :) مسأله اگر مقدمات قی کردن برای روزه دار، بی اختیار حاصل شود و روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر یا مشقّت شدید نداشته باشد، بنا بر احتیاط مستحب از آن خودداری کند.

(مکارم :) مسأله واجب نیست روزه دار با فشار آوردن به خود، از قی کردن خودداری کند، ولی اگر ضرر و مشقتی نداشته باشد بهتر است جلوگیری کند.

[مسأله ۱۶۴۹ اگر مگس در گلوی روزه دار برود]

مسأله ۱۶۴۹ اگر مگس در گلوی روزه دار برود، چنانچه به قدری پایین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی گویند لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است و اگر به این مقدار پایین نرود (۱) باید آن را بیرون آورد اگر چه موجب شود که قی کند (۲) و روزه اش باطل شود و چنانچه فرو برد روزه اش باطل می شود و بنا بر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد. این مسأله در رساله آیات عظام : اراکی و بهجت نیست (۱) (فاضل :) و بیرون آوردن آن ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و اگر باعث قی کردن شود روزه او باطل می شود.

(نوری :) و بداند که بواسطه بیرون آوردن آن قی می کند واجب نیست بیرون آوردن و روزه اش صحیح است . (۲) (سیستانی :) مگر در صورتی که قی کردن برای او ضرر یا مشقت زیادی داشته باشد؛ و چنانچه آن را قی نکند و فرو برد روزه اش باطل می شود و اگر آن را با قی کردن خارج کند نیز روزه اش باطل می شود.

(گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی :) مسأله اگر مگس در گلوی روزه دار برود، چنانچه ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و روزه اش باطل نمی شود ولی اگر بداند که به واسطه بیرون آوردن آن ، قی می کند واجب نیست بیرون آورد و روزه اش صحیح است .

(زنجانی :) و روزه او صحیح است ؛ ولی اگر مجبور باشد که یا آن را ببلعد یا با قی کردن آن را بیرون آورد، واجب است آن را بیرون آورد و در هر دو صورت : بلعیدن و بیرون آوردن ، روزه او باطل می شود.

(مکارم :) مسأله اگر خرده های غذا یا حشره ای مانند مگس ، بی اختیار در گلوی روزه دار برود چنانچه به قدری پایین برود که نمی توان آن را بیرون آورد روزه اش صحیح است و اگر بتواند آن را بیرون آورد باید چنین کند و بیرون آوردنش ضرری برای روزه ندارد، بلکه اگر در این حال فرو برد روزه اش باطل است .

[مسأله ۱۶۵۰ اگر سهواً چیزی را فرو ببرد]

مسأله ۱۶۵۰ اگر سهواً چیزی را فرو ببرد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است (۱)، چنانچه به قدری پایین رفته باشد که اگر آن را داخل شکم کند خوردن نمی گویند لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و روزه اش صحیح است .

(خوئی ، تبریزی :) بیرون آوردن آن لازم نیست و روزه او صحیح است . (۲) (فاضل :) و اگر به وسط یا ابتداء حلق رسیده باشد باید آن را بیرون آورد و در این مورد قی کردن صدق نمی کند. (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۴۹.

(زنجانی :) مسأله اگر سهواً چیزی را فرو ببرد اگر به قدری فرو رفته باشد که به آن خوردن

بگویند، بیرون آوردن آن لازم نیست ؛ ولی اگر به قدری فرو رفته است که به آن خوردن نمی گویند پس اگر می تواند، نباید آن را بخورد؛ بلی ، چنانچه بیرون آوردن آن قی کردن بحساب می آید اگر بیرون آورد روزه اش باطل می شود، هم چنان که خوردن آن نیز روزه را باطل می کند.

[مسأله ۱۶۵۱ اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن ، چیزی از گلو بیرون می آید]

مسأله ۱۶۵۱ اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن ، چیزی از گلو بیرون می آید (۱) نباید (۲) عمداً آروغ بزند (۳) ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد. (۱) (زنجانی :) به گونه ای که به آن قی کردن می گویند ..

(سیستانی :) چنانچه طوری باشد که بر آن قی کردن صدق کند .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بنا بر احتیاط نباید .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) بلکه اگر احتمال بدهد، بنا بر احتیاط واجب آروغ نزنند.

(زنجانی :) و اگر احتمال آن را بدهد آروغ زدن ، خلاف احتیاط استحبابی است و اگر این احتمال را هم ندهد آروغ زدن هیچ اشکالی ندارد؛ هر چند آروغ زدن باعث قی گردد.

[مسأله ۱۶۵۲ اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید]

اشاره

مسأله ۱۶۵۲ اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید (۱)، باید آن را بیرون بریزد (۲) و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است (۳). (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، سیستانی ، تبریزی ، زنجانی :) اگر آروغ بزند و چیزی در گلو یا دهانش بیاید .. (۲) (مکارم :) و اگر عمداً فرو ببرد روزه اش باطل است ولی اگر بی اختیار فرو رود اشکالی ندارد. (۳) (بهجت :) و در صورت فرو بردن عمدی ، روزه اش باطل و قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(فاضل :) اگر بی اختیار فرو رود، اشکال ندارد و احتیاط مستحب آن است که قضای آن را نیز به جا آورد.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۳۲۸ اگر روزه دار با علم و عمد قصد انجام فعلی را بنماید که روزه را باطل می کند، روزه اش باطل است ولی کفاره ندارد.

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند

[مسأله ۱۶۵۳ اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد]

مسأله ۱۶۵۳ اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد روزه او باطل می شود (۱)، و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد (۲)، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۰ گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است (۳). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (نوری :) چه عالم باشد چه جاهل حتی بنا بر احتیاط واجب در مورد جاهل قاصر .. (۲) (فاضل :) و فرقی نمی کند بین روزه ماه رمضان و غیر آن و بین روزه واجب و مستحب ..

(مکارم :) هر گاه یکی از امور نه گانه ای را که قبلًا گفته شد، سهواً یا بدون اختیار به جا آورد روزه اش صحیح است ..

(زنجانی :) چنانچه از روی عمد نباشد روزه اش باطل نمی شود. ولی بقا بر جنابت در سه مورد باعث بطلان روزه می گردد؛ هر چند عمدی نباشد: (۱) بقا بر جنابت در خواب دوم

به بعد . (۲) قضای ماه رمضان . (۳) اگر غسل جنابت را فراموش کند و پس از گذشتن ماه رمضان متوجه شود و هم چنین است اگر برای خنک شدن یا بی جهت آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود به تفصیلی که در مسأله [۱۶۸۸] می آید. (۳) (سیستانی :) و چنانچه انسان نداند که بعضی از آن چه گفته شد روزه را باطل می کند اگر در این جهل کوتاهی نکرده باشد و تردیدی هم نداشته باشد یا آن که اعتماد بر حجت شرعی داشته باشد، اگر آن چیز را انجام دهد، روزه اش باطل نمی شود، مگر در خوردن و آشامیدن و جماع .

[مسأله ۱۶۵۴ اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد]

مسأله ۱۶۵۴ اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد و به خیال این که (۱) روزه اش باطل شده عمداً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می شود (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) به اعتقاد این که .. (مکارم :) به گمان این که .. (۲) (مکارم :) روزه اش باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب ، قضای آن است .

(سیستانی :) حکم مسأله گذشته در باره او جاری می شود.

[مسأله ۱۶۵۵ اگر چیزی به زور در گلوی روزه دار بریزند]

مسأله ۱۶۵۵ اگر چیزی به زور در گلوی روزه دار بریزند، (یا سر او را به زور در آب فرو برند (۱)) روزه او باطل نمی شود (۲). ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را (۳) باطل کند مثلًا به او بگویند: اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزه او باطل می شود (۴). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : زنجانی و سیستانی نیست] (۲) (زنجانی :) هم چنین است در سایر مبطلات ؛ مگر عمداً خود را در چنین شرایطی قرار داده باشد، ولی اگر مجبورش کنند که کارهایی را که روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلًا به او بگویند: اگر غذا نخوری ، ضرر جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزه او باطل می شود. (۳) (سیستانی :) به خوردن یا آشامیدن یا جماع .. (۴) (سیستانی :) و در غیر آن سه چیز نیز بنا بر احتیاط واجب باطل شود.

[مسأله ۱۶۵۶ روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند]

مسأله ۱۶۵۶ روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزه خود را باطل کند (۱)، امّا اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند روزه او صحیح است و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد (۲) روزه او باطل می شود، ولی اگر چیزی در گلویش بریزند باطل شدن روزه او محل اشکال است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) و چنانچه رفت و از روی ناچاری کاری

که روزه را باطل می کنـد انجام داد و یا چیزی در گلویش ریختنـد روزه او باطل می شود، بلکه اگر قصد رفتن کند و نرود باز هم روزه او باطل است .

(سیستانی :) و اگر برود و از روی ناچاری خودش کـاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهـد. روزه او باطل می شود و هم چنین است بنـا بر احتیـاط لازم اگر چیزی را در گلویش بریزنـد. (۲) (فاضـل :) و از اوّل هم بدانـد که ناچـار می شود روزه او باطل می شود.

(گلپایگـانی ، خوئی ، تبریزی ، صـافی ، نوری :) مسأله روزه دار نبایـد جایی برود که می دانـد (گلپایگانی ، صافی : یا ایمن از آن نباشـد که) چیزی در گلویش می ریزنـد یا مجبورش می کننـد که خودش روزه خود را باطل کنـد و اگر برود و چیزی در گلویش بریزنـد، یا از روی ناچاری خودش کاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهد روزه او باطل می شود، بلکه اگر قصـد رفتن کند، اگر چه نرود روزه اش باطل است .

(زنجانی :) مسأله روزه دار در روزه های واجب که وقت آن تنگ است ، ماننـد روزه ماه رمضان و روزه قضای ماه رمضان که وقتش تنگ شـده ، نبایـد جایی برود که می دانـد چیزی در گلویش می ریزنـد، یا مجبورش می کنند که خودش روزه خود را باطـل کنـد، و اگر برود و چیزی در گلویش بریزنـد، یـا از روی ناچـاری کاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهـد، روزه او باطل می شود، بلکه اگر با توجه به مسأله ، تصمیم به رفتن داشته باشد، روزه اش باطل می شود، اگر چه از تصمیمش منصرف شده و به آنجا نرود.

(مکـارم :) مسأله احتیاط واجب آن است که روزه دار به جایی نرود که می دانـد چیزی در گلویش می ریزنـد یا مجبورش می کنند که روزه را افطار کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن ، چیزی به خوردش ندهند روزه اش صحیح است .

آن چه برای روزه دار مکروه است

[مسأله ۱۶۵۷ چند چیز برای روزه دار مکروه است]

مسأله ۱۶۵۷ چند چیز برای روزه دار مکروه است و از آن جمله است :

دوا ریختن به چشم و سـرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضـعف می شود، انفیه کشیدن (۱) اگر ندانـد که به حلق می رسـد و اگر بداند به حلق می رسد جایز نیسـت (۲)، بو کردن گیاههای معطر، نشستن زن در آب (۳)، استعمال شیاف ، تر کردن لباسی که در بدن است ، کشیدن دندان و هر کـاری که به واسطه آن از دهان خون بیایـد، مسواک کردن به چوب تر (۴) و نیز مکروه است انسان بـدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد، یا کاری کند که شـهوت خود را به حرکت آورد (۵) و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد در صورتی که منی بیرون آید روزه او باطل می شود (۶). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) دارو در بینی ریختن .. (۲) (زنجانی :) انفیه کشیدن اگر نداند که بلعیده می شود؛ و اگر بداند بلعیده می شود جایز نیست .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) أحوط ترک نشستن زن است در آب ..

(مکارم :) نشسـتن زن در آب بنا بر احتیاط، اسـتعمال شـیاف بنا بر احتیاط، تر کردن لباس بر بدن ، کشـیدن دندان و هر کاری که سـبب خون آمـدن از دهان و موجب ضـعف شود، مسواک کردن با چوب تازه ، بوسـیدن هم سـر بـدون قصد بیرون آمدن منی ، و هر کاری که شهوت را به حرکت درآورد، اما اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد روزه او باطل می شود.

(۴) (گلپایگانی ، صافی ، تبریزی :) [و] بی جهت آب یا چیزی در دهان کردن ..

(خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) [و] بی جهت آب یا چیز روانی در دهان کردن .. (۵) (سیستانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(فاضل :) و مطمئن باشد که با این قبیل کارها از او منی بیرون نمی آید و اگر اطمینان نداشته باشد که منی بیرون نمی آید در صورتی که منی بیرون آید روزه او باطل می شود. (۶) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، تبریزی ، نوری :) اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد روزه او باطل می شود.

(زنجانی :) اگر با توجه به مساله و به قصد بیرون آمدن منی باشد، روزه او باطل می شود؛ هر چند منی بیرون نیاید.

جاهایی که قضا و کَفّاره واجب است

[مسأله ۱۶۵۸ اگر در روزه رمضان عمداً قی کند]

مسأله ۱۶۵۸ اگر در روزه رمضان عمداً قی کند یا در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۰ گفته شد سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود فقط باید قضای آن روز را بگیرد و چنانچه عمداً اماله کند یا سر زیر آب ببرد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد (۱) ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند قضا و کفّاره بر او واجب می شود. (۱) (نوری :) و اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد، قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(اراکی :) مسأله اگر در روزه رمضان عمداً قی کند یا به خدا یا پیامبر نسبت دروغ دهد و یا غبار به حلق برساند یا سر زیر آب ببرد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد و اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در روزه رمضان در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسأله [۱۶۳۰] گفته شد بیدار شود و دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود فقط باید قضای آن روز را بگیرد. ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند، قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) و یا بیدار بشود و برای مرتبه سوم بخوابد و بیدار نشود ..

(صافی :) و بنا بر احتیاط مستحب برای مرتبه سوم کفاره نیز بدهد ..

(گلپایگانی ، صافی :) و این حکم در ارتماس بنا بر احتیاط واجب است .

(بهجت :) مسأله کسی که روزه ماه مبارک رمضان بر او واجب است اگر به عمد یا شبه عمد روزه خود را باطل کند باید

علاوه بر قضای آن کفاره بدهد مگر در مواردی که بعداً گفته خواهد شد.

(فاضل :) مسأله اگر در روزه رمضان عمداً قی کند فقط قضای آن روز را باید بگیرد و چنانچه در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسأله [۱۶۳۰] گفته شد سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود یا عمداً اماله کند یا سر زیر آب ببرد یا دروغی را به خدا و پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم نسبت بدهد، بنا بر احتیاط واجب کفاره هم باید بدهد، ولی اگر غیر از اینها کار

دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند قضا و کفاره بر او واجب است .

(زنجانی :) مسأله اگر روزه دار در روزه ماه رمضان عمـداً و بدون اضـطرار و اکراه یا رعایت واجب مهمتر یا مساوی کاری که روزه را باطل می کند، انجام دهد در صورتی که می دانسته یا تردید داشته آن کار روزه را باطل می کند، قضا و کفاره بر او واجب می شود، ولی در پاره ای موارد که در مسأله [۱۶۸۸] گفته خواهد شد تنها قضا واجب می شود.

(سیسـتانی :) مسأله اگر کسـی روزه ماه رمضان را به خوردن یا آشامیدن یا جماع یا اسـتمناء یا باقی ماندن بر جنابت باطل کند در صورتی که از روی عمـد و اختیـار باشـد و از روی ناچـاری و جبر نباشـد، اضـافه بر قضا کفاره هم بر او واجب می شود، و احتیاط مستحب آن است که کسی که روزه را به غیر آن چه گفته شد باطل کند اضافه بر قضا کفاره هم بدهد.

(مکارم :) مسأله کارهایی که روزه را باطل می کنـد اگر عمـداً و با علم و اطلاع انجام دهـد علاوه بر این که روزه او باطل می شود و قضا دارد، کفاره نیز دارد، ولی اگر به خاطر ندانستن مسأله باشد کفاره ندارد، ولی احتیاط آن است که قضا کند.

[مسأله ۱۶۵۹ اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند]

اشاره

مسأله ۱۶۵۹ اگر به واسـطه ندانسـتن مسـأله کاری انجام دهـد که روزه را باطل می کنـد (۱)، چنـانچه می توانسـته مسأله را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت می شود (۲) و اگر نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد یا اصلًا ملتفت مسأله نبوده (۳) یا یقین داشـته که فلان چیز روزه را باطل نمی کنـد، کفاره بر او واجب نیست . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی :) ظاهر این است که کفاره برای او واجب نیست (تبریزی : و بایـد آن روز را امساک کرده و بعـد قضا نماید) ولی اگر عمداً به خدا و پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم به دروغ نسـبتی بدهد و بداند که حرام است کفاره نیز واجب است اگر چه نداند این عمل روزه را باطل می کند. (۲) (نوری :) بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب می شود ..

(گلپایگـانی ، صافی :) چنانچه در یاد گرفتن مسأله تقصیر کرده و در وقت به جا آوردن آن کار احتمال مفطر بودن آن را می داده کفـاره بر او واجب می شود و اگر در وقت به جـا آوردن آن غفلت داشـته کفـاره واجب نیست اگر چه أحوط است و هم چنین اگر در یاد گرفتن مسأله تقصیر نکرده باشد کفاره واجب نیست .

(صـافی :) و اگر در وقت به جـا آوردن آن غفلت داشـته ، بنـا بر احتیاط کفاره لازم است ولی اگر در یاد گرفتن مسأله تقصـیر نکرده باشد کفاره واجب نیست .

(فاضـل :) چنـانچه جاهـل مقصـر بوده بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب می شود و اگر جاهل قاصـر بوده یعنی در ندانسـتن خود

معذور بوده است مانند این که یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند کفاره بر او واجب نیست . (۳) (اراکی :) کفاره بر او واجب نیست .

(سیستانی :) مسأله اگر کسی چیزی از آن چه را که گذشت انجام دهد در حالی که عقیده

قطعی داشته که روزه را باطل نمی کند کفاره بر او واجب نیست و هم چنین است کسی که نمی دانسته روزه بر او واجب است مانند کودکان در اوائل بلوغ .

(مکارم :) مسأله هر گاه به واسطه بی اطلاعی و ندانستن مسأله کاری را انجام دهد که می داند حرام است ، ولی نمی دانسته است که روزه را باطل می کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است .

(زنجانی :) مسأله اگر به واسطه ندانستن مسأله خیال می کرده که کاری روزه را باطل نمی کند و حلال است و آن را انجام دهد فقط قضا بر او واجب است ، هر چند می توانسته مسأله را یاد بگیرد و در یاد گرفتن آن کوتاهی کرده که در این صورت ؛ اگر چه گناه کار است ، ولی کفاره لازم نیست .

مسأله اختصاصی

(زنجانی :) مسأله ۱۶۶۹ اگر روزه دار یقین کند که مغرب شده و افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده ، قضا ندارد؛ خواه علت اشتباه ، تاریکی هوا باشد یا وجود ابر ولی اگر یقین به مغرب نکرده باشد، نباید افطار کند، هر چند گمان به مغرب داشته باشد و اگر افطار کرد هم قضا و هم کفاره واجب است ، مگر بعداً معلوم شود که مغرب بوده است .

کَفّاره روزه

[مسأله ۱۶۶۰ کسی که کفّاره روزه رمضان بر او واجب است]

مسأله ۱۶۶۰ کسی که کفّاره روزه رمضان بر او واجب است ، باید (یک بنده آزاد کند یا (۱)) به دستوری که در مسأله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند (۲) یا به هر کدام یک مُد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد (۳) و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد (۴) هر چند مد که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگر چه مثلًا یک مرتبه بگوید «استغفر اللّه » و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد (۵). (۱) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه نوری نیست] (۲) (زنجانی :) یا به هر کدام یک مد طعام بدهد. مدّ بنا بر مشهور کمی بیش از نه سیر و نیم است ولی ظاهراً بیش از این مقدار است و بنا بر نظر برخی از محققان تقریباً (۹۰۰) گرم است ، و احتیاط واجب در رعایت این قول است توضیح بیشتر در باره مُدّ (که معادل (۱۴) صاع است) در مسائل نصاب زکات غلّات و زکات فطره خواهد آمد. و در طعام نیز احتیاط مستحب آن است که تنها گندم یا آرد گندم یا نان گندم داده شود، هر چند ظاهراً هر طعامی که بدهد، کافی است و اگر مقدار شصت مد برایش ممکن نباشد، هر چند مد که می تواند، به فقرا طعام بدهد و اگر یک مد هم نتواند طعام دهد استغفار می کند و احتیاط مستحب آن است که هر مقدار که می تواند به فقیر طعام دهد، و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفاره بدهد و اگر مقداری داده ، آن را تکمیل کند. (۳) (بهجت :) و دادن پول کافی نیست ولی اگر فقیر را در خرید و قبول آن وکیل کند و فقیر نیز انجام دهد کافی است .

(۴) (اراکی :) مخیّر است که هیجـده روز روزه بگیرد یا هر چنـد مـد که می توانـد به فقرا طعام بدهـد و اگر نتواند هیجده روز روزه بگیرد یا چند مد طعام بدهد، هر مقدار از این دو را که

می توانـد عمل کند و اگر آن را هم نتواند انجام دهد باید استغفار کند، اگر چه مثلًا یک مرتبه بگوید «استغفر اللّه » و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

(گلپایگانی :) هر مقـدار می تواند صدقه به فقرا بدهد و اگر از دادن صدقه هم عاجز است هیجده روز پی در پی روزه بگیرد و اگر روزه هم نتوانست بگیرد استغفار کنـد و هر قدر می تواند روزه بگیرد و اگر اصلًا نمی تواند روزه بگیرد اکتفا به استغفار نماید اگر چه مثلًا یک مرتبه بگوید «استغفر اللّه » و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

(صافی :) هر مقدار می تواند صدقه به فقرا بدهد و استغفار کند و اگر از دادن صدقه هم عاجز باشد اکتفا به استغفار نماید اگر چه مثلًا یک مرتبه بگوید «استغفر اللّه ». و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفّاره را بدهد.

(فاضل :) مخیر است بین این که هیجده روز روزه بگیرد و یا این که هر چنـد مد که می تواند به فقرا اطعام بدهد و اگر نتواند بدهد، باید استغفار کند اگر چه مثلًا یک مرتبه بگوید: استغفر اللّه و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفّاره را بدهد.
(۵) (نوری :) احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله در کفاره افطار روزه ماه رمضان بایـد یک بنـده آزاد کنـد یا به دستوری که در مسأله بعـد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد و چنان چه اینها برایش ممکن نباشد بنا بر احتیاط باید به قدر امکان تصدق و استغفار نماید و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

(سیستانی :) یک مُد که تقریباً (۷۵۰) گرم است ..

(سیستانی :) چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، باید به قدر امکان تصدق دهد و اگر ممکن نیست استغفار نماید ..

(مکارم :) مسأله کفاره روزه یکی از سه چیز است : آزاد کردن یک بنـده یا دو ماه روزه گرفتن ، یا شصت فقیر را سیر کردن (و اگر به هر کـدام یک «مُـدّ» که تقریباً (۷۵۰) گرم است گنـدم یا جو یاماننـد آنها بدهـد کافی است) و در زمان ما که بنده آزاد کردن موضوع نـدارد، در میان دو چیز دیگر مخیّر است و به جای گندم می تواند مقدار نانی بدهد که گندم آن به اندازه یک «مـد» است . هر گاه هیـچ یک از این سه کار ممکن نشود هر چنـد «مد» که می تواند به فقرا اطعام کند و اگر نتواند، باید (۱۸) روز روزه بگیرد، و اگر نتواند، هر چند روز که می تواند به جا آورد و اگر نتواند، استغفار کند و همین اندازه که در قلب بگوید: «استغفر اللّه » کافی است و واجب نیست بعداً که قدرت پیدا کرد کفاره را بدهد.

[مسأله ۱۶۶۱ کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد]

مسأله ۱۶۶۱ کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان (۱) را بگیرد، باید سی و یک روز آن را (۲) پی در پی بگیرد (۳)

و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد. (۱) (خوئی ، سیستانی :) کفاره ماه رمضان .. (تبریزی :) کفاره افطار روزه ماه رمضان ..

(۲) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) باید یک ماه تمام و یک روز آن را از ماه دیگر .. (۳) (زنجانی :) و نباید موقعی شروع کند که در بین یک ماه و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است ..

(مکارم :) احتیاط واجب آن است که (۳۱) روز آن را پی در پی به جا آورد، ولی در (۱۸) روز که در بالا گفته شد پی در پی به جا آوردن لازم نیست .

[مسأله ۱۶۶۲ کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد]

مسأله ۱۶۶۲ کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز (۱) روزی باشد که مانند عید قربان ، روزه آن حرام است (۲). (۱) (خوئی :) در بین یک ماه و یک روز .. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۲) (تبریزی :) روزه آن صحیح نیست .

(سیستانی :) نباید موقعی شروع کند که می داند در بین یک ماه و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان ، روزه آن حرام است یا روزه آن واجب است . (زنجانی :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۶۶۱).

(بهجت :) مسأله کسی که می خواهد دو ماه روزه کفاره رمضان را بگیرد باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد، بنا بر این کسی که می خواهد سی و یک روز پی در پی روزه بگیرد باید زمانی را انتخاب کند که در بین این سی و یک روز، روزی که روزه داشتن در آن حرام است ، مثل عید قربان ، وجود نداشته باشد، و هم چنین روزی نباشد که روزه آن بر او واجب باشد، مثل این که نذر کرده باشد یا ماه مبارک رمضان پیش آید.

[مسأله ۱۶۶۳ کسی که باید پی در پی روزه بگیرد]

مسأله ۱۶۶۳ کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز روزه نگیرد (۱) یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است ، مثلًا به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد باید روزه ها را از سر بگیرد. (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی ، نوری :) باید روزه ها را از سر بگیرد. (نوری : و هم چنین اگر وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است ، مثلًا به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد باید روزه ها را از سر بگیرد، در صورتی که از اول متوجه این موضوع بوده و یا شک داشته باشد). (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۶۶۲).

(مکارم :) مسأله در جایی که باید پی در پی روزه بگیرد اگر در وسط، یک روز را عمداً روزه نگیرد باید همه را از نو به جا آورد.

[مسأله ۱۶۶۴ اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد]

مسأله ۱۶۶۴ اگر در بین روزهایی که بایـد پی در پی روزه بگیرد عذری مثل حیض یا نفاس ، یا سـفری که در رفتن آن مجبور است (۱)، برای او پیش آیـد، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سـر بگیرد بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عـذر به جـا می آورد. این مسـأله در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) می توانـد بعـد از رفع مانع ادامه دهـد و لازم نیست از سر بگیرد.

[مسأله ۱۶۶۵ اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند]

مسأله ۱۶۶۵ اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند (۱)، چه آن چیز اصلًا حرام

باشـد مثل شـراب و زنا، یا به جهتی حرام شـده باشد، مثل (۲) نزدیکی کردن بـا عیـال خود در حـال حیض ، بنا بر احتیاط (۳) کفاره جمع بر او واجب می شود یعنی بایـد یک بنـده آزاد کنـد (۴) و دو ماه روزه بگیرد و شـصت فقیر را سـیر کنـد، یا به هر کـدام آنها یک مد که تقریباً ده سـیر است گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد (۵). و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها که ممکن است باید انجام دهد (۶). (۱) (زنجانی :) چنانچه آن مفطر، جماع حرام یا خوردن و آشامیدن حرام باشد .. (۲) (گلپایگانی ، تبریزی ، صافی :) مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضرر دارد (صافی : ضرر معتنی بهی دارد) و ..

(خوئی ، سیستانی :) مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضرر کلی دارد و ..

(زنجانی :) مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضـرری دارد که موجب فساد بدن می شود و .. (۳) (فاضل ، مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

[عبـارت «بنا بر احتیاط» در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، صافی و زنجانی نیست] (۴) (سیستانی :) یک کفاره کافی است ولی احتیاط مسـتحب آن است که کفاره جمع بدهـد یعنی یک بنده آزاد کند .. (۵) (سیستانی ، بهجت :) یک مد گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد ..

(زنجانی ، فاضل :) یک مُـد طعام بدهد .. (۶) (زنجانی :) و اگر آن چیز حرام غیر از جماع و خوردن و آشامیـدن باشـد کفّاره تخییری ، به تفصیلی که در مسأله [(۱۶۶۰)] گذشت بر او واجب می شود و احتیاط مستحب آن است که کفّاره جمع بدهد.

[مسأله ۱۶۶۶ اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر ص نسبت دهد]

مسأله ۱۶۶۶ اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سلم نسبت دهد (۱) کفاره جمع که تفصیل آن در مسـأله پیش گفته شـد بنـا بر احتیاط بر او واجب می شود (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی :) عمـداً نسـبت دهد .. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (اراکی :) کفاره جمع که تفصیل آن در مسأله پیش گفته شد بر او واجب می شود.

(گلپایگـانی :) اگر چه روزه خود را به چیز حرامی باطل کرده ، ولی کفاره جمع که تفصـیل آن در مسأله پیش گفته شـد بر او واجب نمی شود.

(فاضل :) که بنا بر احتیاط واجب یک کفاره بر او لازم است نه کفاره جمع .

(مکارم :) یک کفاره کافی است و کفاره جمع لازم نیست .

(صافی :) بنا بر احتیاط کفاره جمع که تفصیل آن در مسأله پیش گفته شد بر او لازم می شود.

(سیسـتانی :) مسأله اگر روزه دار، دروغی را به خـدا و پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم عمـداً نسـبت دهد، کفّاره ندارد ولی

احتیاط مستحب آن است که کفّاره بدهد.

(زنجانی :) مسأله اگر روزه دار عمداً دروغی را به خدا یا پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم یا امام علیهم السلام نسبت دهد بنا بر احتیاط، کفاره تخییری بر او واجب می شود.

[مسأله ۱۶۶۷ اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند]

مسأله ۱۶۶۷ اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، یک کفاره بر او واجب است (۱). ولی اگر جماع او حرام باشد یک کفاره جمع واجب می شود (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) برای هر کدام یک کفاره بر او واجب است و اگر جماع او حرام باشد برای هر مرتبه یک کفاره جمع واجب می شود.

(گلپایگانی ، صافی :) بنا بر احتیاط برای هر دفعه یک کفاره بر او واجب است ، ولی اگر جماع او حرام باشد، برای هر دفعه یک کفاره جمع واجب می شود.

(خوئی ، زنجانی :) برای هر دفعه یک کفاره بر او واجب است . (زنجانی : و اگر جماع او حرام باشد برای هر دفعه یک کفاره جمع واجب می شود) و ظاهر این است که استمنا نیز حکم جماع را دارد.

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب به همان اندازه کفاره بر او واجب است ، و نیز اگر جماع او حرام باشد بنا بر احتیاط واجب به همان اندازه کفاره جمع واجب می شود.

(نوری :) بنا بر احتیاط واجب برای هر دفعه یک کفاره بر او واجب است و اگر جماع حرام باشد مثل نزدیکی با زن خود در حال حیض یا زنا و تعدد پیدا کند برای هر دفعه یک کفاره جمع واجب می شود.

(تبریزی :) بنا بر احتیاط، کفّاره جمع بر او واجب است و استمناء نیز حکم جماع را دارد. (۲) (مکارم :) و هم چنین اگر در یک روز چند مرتبه کارهای دیگری که روزه را باطل می کند، انجام دهد.

(سیستانی :) مسأله اگر در یک روز ماه رمضان ، چند مرتبه بخورد یا بیاشامد یا جماع یا استمناء کند، برای همه آنها یک کفّاره کافی است .

[مسأله ۱۶۶۸ اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع]

مسأله ۱۶۶۸ اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع (۱) کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) و استمناء .. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (فاضل :) بنا بر احتیاط مستحب باید به همان اندازه که افطار کرده کفاره بدهد هر چند یک کفاره کافی است . (مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۶۷.

[مسأله ۱۶۶۹ اگر روزه دار جماع حرام کند]

مسأله ۱۶۶۹ اگر روزه دار جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع نماید یک کفاره جمع کافی است (۱). این مسأله در

رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (اراکی :) هم کفّاره جمع واجب می شود و هم باید یک بنده آزاد کند و یا دو ماه روزه بگیرد و یا شصت فقیر را سیر کند.

(نوری :) یک کفاره جمع و یک کفاره غیر جمع که یکی از سه چیز است را باید به جا بیاورد.

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب برای هر کدام کفاره مستقل واجب است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر روزه دار غیر از جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد و بعد با حلال خود جماع نماید بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره واجب می شود.

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، سیستانی :) و استمناء ..

(زنجانی :) و بعد جماع یا استمناء نماید برای هر کدام کفّاره واجب می شود.

(خوئی :) برای هر کدام یک کفاره واجب می شود.

(سیستانی :) برای هر دو یک کفاره کافی است .

(تبریزی :) برای هر دو یک کفّاره واجب می شود.

[مسأله ۱۶۷۰ اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند، انجام دهد]

مسأله ۱۶۷۰ اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند، انجام دهد مثلًا آب بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند (۱) انجام دهد (۲)، مثلًا غذای حرامی بخورد، یک کفاره کافی است (۳). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) به جز جماع که حکم آن گذشت .. (۲) (مکارم :) احتیاط واجب آن است برای هر کدام یک کفاره بدهد. (۳) (نوری :) دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند کافی است .

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر روزه دار غیر از جماع کار دیگری که حلال است و روزه را باطل می کند انجام دهد مثلًا آب بیاشامد، و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند غیر از جماع انجام دهد، مثلًا غذای حرامی بخورد یک کفاره کافی است .

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) و استمناء ..

(تبریزی :) کار دیگری که روزه را باطل می کند ..

(خوئی ، زنجانی :) و استمناء ..

[عبارت « غیر از جماع » در رساله آیت اللّه تبریزی نیست] (زنجانی :) کفاره افطار به حلال کافی است .

[مسأله ۱۶۷۱ اگر روزه دار آروغ بزند]

مسأله ۱۶۷۱ اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید (۱)، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد (۲)، روزه اش باطل است . و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می شود (۳) و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلًا موقع آروغ زدن ، خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده ، به دهان او بیاید (۴) و عمداً آن را فرو برد (۵)، باید قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط، کفاره جمع هم بر او واجب می شود (۶). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) نباید آن را فرو

ببرد، و الّا روزه او باطـل می شود و قضا و کفاره دارد، ولی کفاره جمع لازم نیست . (۲) (گلپایگانی ، صافی :) چنانچه آن را فرو بـبرد .. (۳) (سیسـتانی :) بنـا بر احتیـاط واجب ، روزه اش باطـل است و بایـد قضـای آن را بگیرد و کفّاره هم بدهـد .. (۴) (تـبریزی ، زنجـانی :) موقع آروغ زدن ، خون به دهـان او بیایـد .. (۵) (سیسـتانی :) بهتر است کفاره جمع بدهـد. (۶) (اراکی ، گلپایگانی ، زنجانی ، صافی :) باید قضای آن روزه را بگیرد و کفاره جمع هم بر او واجب می شود.

[مسأله ۱۶۷۲ اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد]

مسأله ۱۶۷۲ اگر نـذر کنـد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نمایـد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شـصت فقیر طعام دهد (۱). (۱) (فاضل :) یعنی کفاره نـذر را بدهد و قضای آن را هم بگیرد.

(بهجت :) ولی اگر نـذر او مطلق باشـد و روزی را برای آن روزه بگیرد ماننـد روزه مستحبی می توانـد در آن روز چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر افطار کند و در روز دیگری برای ادای نذرش روزه بگیرد.

(خوئی :) باید کفاره بدهد و کفاره آن به نحوی است که در کفاره حنث نذر بیاید.

(تبریزی :) باید کفاره بدهد و کفاره آن به نحوی است که در مسأله [۱۶۶۰] ذکر شد.

(سیستانی :) باید کفاره بدهد و کفاره آن در احکام نذر خواهد آمد.

(صـافی :) در کفاره آن دو قول است : یکی این است که یک بنـده آزاد نمایـد و یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصـت فقیر طعام دهـد و این قول در صورت اختیار آزاد کردن بنده یا اطعام شـصت فقیر مطابق با احتیاط است و قول دیگر تخییر بین آزاد کردن یک بنده و طعام دادن به ده فقیر یا پوشاندن آنها و اگر هیچ یک را نتواند، سه روز پی در پی روزه بگیرد.

(زنجانی :) کفاره ای ماننـد کفاره افطار روزه ماه رمضان ، بر وی لازم می گردد؛ یعنی بایـد یک بنده آزاد نماید، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد، یا به شصت فقیر به اندازه یک مد طعام دهد یا آنها را سیر کند.

[مسأله ۱۶۷۳ اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند]

مسأله ۱۶۷۳ اگر به گفته کسـی که می گویـد مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است ، قضا و کفاره بر او واجب می شود. ولی اگر خبر دهنـده عـادل بوده فقـط قضـای آن روز واجب است (خوئی ، تبریزی ، مکارم :) مسأله اگر روزه دار به گفته کسـی که می گویـد مغرب شده و اعتماد به گفته او نیست افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است (خوئی ، تبریزی : یا شک کند که مغرب بوده است یا نه) قضا و کفاره بر او واجب می شود.

(گلپایگانی ، بهجت ، صافی ، نوری :) مسأله کسی که می تواند وقت را تشخیص دهد، اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است ، قضا و کفّاره بر او واجب می شود.

(سیسـتانی :) مسأله اگر روزه را به گفته کسـی که می گویـد مغرب شده ولی اطمینان برای او حاصل نشده است ، افطار کند و بعـد بفهمـد مغرب نبوده است یا شک کند که مغرب بوده است یا نه ، قضا و کفاره بر او واجب می شود و اگر معتقد بوده که

قول او حجت است فقط قضا لازم است .

(فاضل :) مسأله اگر انسان صرفاً به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضا و کفاره بر او واجب است .

(زنجانی :) مسأله کسی که می تواند وقت را تشخیص دهد اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده و او گفته او را مورد اعتماد نمی داند، افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است یا شک کند که مغرب بوده است یا نه ، قضا و کفاره بر او واجب می شود.

[مسأله ۱۶۷۴ کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده]

مسأله ۱۶۷۴ کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده (۱) اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید (۲)، کفاره از او ساقط نمی شود بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند (۳)، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است . (۱) (بهجت :) اگر برای فرار از کفاره به سفر برود اگر چه پیش از ظهر باشد کفاره از او ساقط نمی شود.

(مکارم :) بعد به مسافرت برود، کفاره از او ساقط نمی شود. (۲) (اراکی :) بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، کفاره از او ساقط نمی شود. (۳) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) نیز کفاره بر او واجب است .

(زنجانی :) مسأله کسی که عمداً و بدون عذر روزه خود را باطل کرده ، اگر بعد از ظهر مسافرت کند کفاره از او ساقط نمی شود هم چنین است اگر پیش از ظهر مسافرت کند و از شب در فکر سفر حتّی به نحو تردید نباشد، ولی اگر از شب در فکر سفر باشد و پیش از ظهر مسافرت کند، کفاره بر او واجب نیست ؛ هر چند به جهت فرار از کفاره سفر نماید و احتیاط مستحب این است که در مسافرت پیش از ظهر هم کفاره بدهد.

[مسأله ۱۶۷۵ اگر عمداً روزه خود را باطل کند]

مسأله ۱۶۷۵ اگر عمداً روزه خود را باطل کند و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی :) احتیاط واجب این است که کفاره را بدهد.

(اراکی ، صافی :) بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب می شود.

(تبریزی :) احتیاط این است که کفاره را بدهد. و بعید نیست که در این صورت کفاره واجب نباشد.

(سیستانی :) احتیاط مستحب این است که کفاره را بدهد مخصوصاً اگر به وسیله ای مانند دارو، حیض یا مرضی را بوجود بیاورد.

[مسأله ۱۶۷۶ اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است]

مسأله ۱۶۷۶ اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده کفّاره بر او واجب نیست (۱). (۱) (صافی :) بنا بر احتیاط.

[مسأله ۱۶۷۷ اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوّال]

مسأله ۱۶۷۷ اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوّال (۱) و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول

شوّال بوده کفاره بر او واجب نیست . (۱) (زنجانی :) یا یقین کند که آخر ماه رمضان است ..

[مسأله ۱۶۷۸ اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند]

مسأله ۱۶۷۸ اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد (۱)، کفاره روزه خودش و روزه زن را بایـد بدهد (۲) و اگر زن به جمـاع راضـی بوده ، بر هر کـدام یک کفاره واجب می شود (۳). (۱) (تبریزی :) اکراه کرده باشد .. (۲) (بهجت :) ولی اگر در اثناء، زن راضـی شود، بنا بر احتیاط واجب مرد دو کفاره بدهد و زن یک کفاره ..

(سیستانی :) کفاره روزه خودش و بنا بر احتیاط، کفاره روزه زن را باید بدهد ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب علاوه بر کفاره روزه خودش ، کفاره روزه زن را نیز بایـد بدهد .. (۳) (فاضل :) و هر یک باید کفاره خودش را بدهد.

(مکارم :) ولی اگر اجبار به مفطرات دیگر کنـد گناه کرده ، اما کفاره بر هیـچ کدام واجب نیست ، اما آن کسـی که روزه اش را خورده باید قضا کند.

[مسأله ۱۶۷۹ اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند]

مسأله ۱۶۷۹ اگر زنی شـوهر روزه دار خود را مجبور کنـد (۱) که جماع نمایـد (۲)، یـا کـار دیگری که روزه را باطل می کند انجـام دهـد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهـد. (۱) (تبریزی :) اکراه کنـد .. (۲) (خوئی ، تـبریزی ، سیسـتانی :) واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

(مکارم :) فقط یک کفاره بر او واجب است و لازم نیست کفاره شوهر را بدهد.

(زنجانی :) واجب نیست به خاطر باطل کردن روزه شوهر کفاره بدهد و بر شوهر او نیز کفاره ، واجب نیست .

[مسأله ۱۶۸۰ اگر روزه دار در ماه رمضان ، با زن خود که روزه دار است جماع کند]

مسأله ۱۶۸۰ اگر روزه دار در ماه رمضان ، با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه به طوری زن را مجبور کرده باشد که از خود اختیاری نداشته باشد و در بین جماع ، زن راضی شود، باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد (۱) و اگر با اراده و اختیار عمل را انجام دهـد اگر چه مجبورش کرده باشـد مرد بایـد کفاره خودش و زن را بدهد. (۱) (اراکی :) احتیاط واجب است که مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهـد. [پایان مسأله] (فاضل :) چنانچه در ابتـدا زن را مجبور کرده باشـد ولی در بین جمـاع زن راضـی شود، بنـا بر احتیاط واجب بایـد مردد و کفاره و زن یک کفاره بدهـد. (بهجت :) رجوع کنیـد به ذیل مسأله (۱۶۷۸).

(خوئی ، گلپایگانی ، صافی :) مسأله اگر روزه دار در ماه رمضان زن خود را مجبور به جماع کنـد و در بین جماع ، زن راضـی شود، بنا بر احتیاط واجب باید مردد و کفاره و زن یک کفاره بدهد.

(تبریزی :) اکراه به جماع کند ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط ..

(سیستانی :) بر هر کدام یک کفاره واجب می شود، و احتیاط مستحب آن است که مرد دو کفاره بدهد.

(مکـارم :) مسأله هر گاه زن در آغاز، مجبور بوده و در اثناء راضـی شـده احتیاط واجب آن است که مرد دو کفاره بدهـد و بر زن چیزی جز قضا لازم نیست .

[مسأله ۱۶۸۱ اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نماید]

مسأله ۱۶۸۱ اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نمایـد، یک کفاره بر او واجب می شود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست . این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست

[مسأله ۱۶۸۲ اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند]

مسأله ۱۶۸۲ اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند به جا آورد،

کفـاره زن را نبایـد بدهـد و بر خود زن هم کفـاره واجب نیست . (مکـارم :) رجوع کنیـد به ذیل مسأله (۱۶۷۸). این مسأله در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی ، زنجـانی :) مسأله اگر مرد، زن خود را یا زن ، شوهر خود را مجبور کنـد (تبریزی : اکراه کنـد) که غیر از جمـاع کـار دیگری که روزه را باطـل می کنـد به جـا آورد، بر هیـچ یـک از آنها کفاره (زنجانی : کفاره دیگری) واجب نیست .

[مسأله ۱۶۸۳ کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد]

مسأله ۱۶۸۳ کسـی که به واسـطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی توانـد زن روزه دار خود را مجبور به جماع کنـد (۱)، ولی اگر او را مجبور نمایـد بنا بر احتیاط باید کفاره اش را بدهد (۲). (۱) (بهجت :) بقیه مسأله ذکر نشده . (تبریزی :) اکراه به جماع کند .. (۲) (اراکی ، گلپایگـانی ، فاضـل ، زنجانی ، سیسـتانی ، صافی ، نوری :) اگر او را مجبور نمایـد کفاره بر مرد نیز واجب نیست . (تبریزی :) اگر او را اکراه نماید کفاره بر مرد نیز واجب نیست .

(مکارم :) گناه کرده ، ولی لازم نیست کفاره او را هم بدهد.

[مسأله ۱۶۸۴ انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند]

مسأله ۱۶۸۴ انسان نباید (۱) در به جـا آوردن کفاره کوتاهی کنـد، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهـد. (۱) (بهجت :) اگر کفاره واجب شود نباید ..

(زنجانی :) مسأله انسان لازم نیست کفاره را فوراً بدهـد، ولی نباید آن را به قدری به تأخیر بیندازد که بگویند در انجام دسـتور الهی ، کوتاهی و مسامحه کرده است .

[مسأله ۱۶۸۵ اگر کفاره بر انسان واجب شود]

مسأله ۱۶۸۵ اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

[مسأله ۱۶۸۶ کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد]

مسأله ۱۶۸۶ کسـی که باید برای کفاره یـک روز شـصت فقیر را طعام بدهد اگر به شـصت فقیر دسترسـی دارد نباید (۱) به هر کـدام از آنهـا بیشتر از یـک مـد که تقریبـاً ده سـیر است طعـام بدهـد، یـا یـک فقیر را بیشتر از یـک مرتبه سـیر نمایـد (۲)، ولی (چنانچه انسان اطمینان داشـته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می دهد یا به آنها می خوراند (۳)) می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگر چه صغیر باشند یـک مد به آن فقیر بدهد. (۱) (خوئی ، تبریزی :) نمی تواند .. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۲) (خوئی ، تبریزی :) و زیادی را از کفاره حساب نماید ..

(مکارم :) کسی که برای کفاره روزه ، اطعام شصت فقیر را انتخاب کرده باید به هر کدام ، یک مُد طعام (تقریباً (۷۵۰) گرم) بدهد و نمی تواند چند مد را به یک نفر بدهد، مگر این که دسترسی به شصت فقیر پیدا نکند ..

(فاضل :) ولی چنانچه فقیر دارای عائله باشد انسان می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگر چه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهند بلی اگر فرزندان او صغیر باشند سهم او و بچه ها را یک جا تحویل دهد.

(۳) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی و صافی نیست] (زنجانی :) مسأله کسی که برای کفّاره یک روز، شصت فقیر را طعام می دهد نمی تواند همان مقدار را بین کمتر از شصت نفر تقسیم کند؛ ولی می تواند برای هر یک از عیالات ِ فقیر، اگر چه صغیر باشند، یک مد دیگر به آن فقیر بدهد.

(سیستانی :) مسأله کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به تمام شصت نفر دسترسی دارد نمی تواند عدد را کم کند ولی همان مقدار کفاره بدهد مثلًا به سی نفر هر کدام دو مُد طعام بدهد و به آن اکتفا کند، ولی می تواند برای هر فرد از عیال فقیر اگر چه صغیر باشند یک مُد به آن فقیر بدهد، و فقیر به وکالت از عائله یا ولایت بر آنها اگر صغیر باشند قبول نماید و اگر نتواند شصت نفر فقیر را پیدا کند و مثلًا فقط سی نفر را پیدا کند می تواند به هر کدام دو مُد طعام بدهد ولی بنا بر احتیاط واجب هر گاه تمکن پیدا کرد به سی نفر فقیر دیگر نیز یک مُد بدهد.

[مسأله ۱۶۸۷ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته]

مسأله ۱۶۸۷ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته ، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد (۱) و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد (۲). (۱) (سیستانی :) باید به ده فقیر هر کدام یک مد طعام بدهد .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، فاضل :) اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد. (فاضل : و بنا بر احتیاط مستحب شصت فقیر را طعام بدهد).

(اراکی ، مکارم :) اگر نمی تواند باید سه روز (مکارم : پی در پی) روزه بگیرد.

(زنجانی :) مسأله کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته ، اگر از شب نیت روزه کرده و پیش از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، و یا این کار را بعد از ظهر انجام دهد چه از شب نیت روزه کرده باشد یا نه باید به ده فقیر هر کدام یک مد طعام بدهد یا آنها را سیر کند، و اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد.

(بهجت :) مسأله کسی که قضای روزه ماه رمضان گرفته است ، در صورت وسعت وقت پیش از ظهر می تواند افطار کند و آن قضا را در وقت دیگری انجام دهد ولی افطار بعد از ظهر حرام است ، و اگر بعد از ظهر افطار کند باید کفاره بدهد و کفاره او اطعام ده فقیر و در صورت عدم توانایی سه روز روزه گرفتن است .

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

[مسأله ۱۶۸۸ در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است]

مسأله ۱۶۸۸ در چند صورت (۱) فقط قضای روزه بر انسان واجب است (۲) و کفاره واجب نیست : اول : آن که روزه دار در روز ماه رمضان عمداً قی کند (۳). دوم : آن که در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسأله [۱۶۳۰] گفته شد تا

اذان صبح از خواب سوم (۴) بیدار نشود (۵). سوم : عملی که روزه را باطل می کند به جا نیاورد ولی نیت روزه نکند، یا ریا کند،

یا قصد کند که روزه نباشد (۶). چهارم : آن که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد (۷). پنجم : آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه ، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده (۸) و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده ، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است (ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند (۹) که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست (۱۰)) بلکه اگر (۱۱) بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه (۱۲) و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده ، قضا واجب نیست (۱۳). ششم : آن که کسی بگوید صبح نشده (۱۴) و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است (۱۵). هفتم : آن که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می کند (۱۶) و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است . هشتم : آن که به گفته کس دیگر که عادل باشد افطار کند (۱۷)، بعد معلوم شود مغرب نبوده است (۱۸). نهم : آن که در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند (۱۹) که مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده است (۲۰) ولی اگر در هوای ابر (۲۱) به گمان این که مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده ، قضا لازم نیست (۲۲). دهم : آن که برای خنک شدن ، یا بی جهت مضمضه کند (۲۳) یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود (۲۴)، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضو مضمضه کند (۲۵) و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست (۲۶). (۱) (سیستانی :) در چند مورد غیر از مواردی که قبلًا به آنها اشاره شد .. (۲) (مکارم :) لازم است .. (۳) [مورد اول بجز رساله آیت اللّه نوری در رساله بقیه آیات عظام نیست] (۴) (گلپایگانی :) از خواب دوّم و یا سوّم .. (زنجانی :) از خواب دوم یا بیشتر ..

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، فاضل :) از خواب دوّم .. (۵) (صافی :) ولی در خواب سوم احتیاط مستحب مؤکد کفاره است ..

(زنجانی :) و کسی که در خواب محتلم شود و بعد بیدار شود و ببیند جنب شده و دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند، چنانچه در مسأله [۱۶۳۱] گفته شد.

(مکارم :) [اوّل]: در صورتی که در شب ماه رمضان جنب باشد و بخوابد و بیدار شود و برای بار دوم یا سوم بخوابد و بیدار نشود، در این صورت احتیاط واجب قضای روزه است ، امّا اگر در خواب اول بیدار نشود قضا ندارد و روزه اش صحیح است .. (۶) (اراکی ، خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، زنجانی ، نوری :) یا قصد کند کاری که (زنجانی : ملتفت است) روزه را باطل می کند انجام دهد ..

(سیستانی :) و هم چنین اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد به تفصیلی که در مسأله [۱۵۷۰] بیان شد ..

(مکارم :) [دوّم]: هر گاه کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد ولی نیت روزه نکرده باشد یا قصد کند که روزه خود را بخورد یا با ریا روزه خود را باطل نماید .. (۷) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب ..

(زنجانی :) [سوم]: در ماه رمضان ، غسل جنابت را فراموش کند و بعد از گذشتن ماه رمضان متوجه شود و اگر در ماه رمضان بعد از گذشتن یک هفته متوجه شود به احتیاط مستحب روزه را قضا نماید .. [مورد چهارم در رساله آیت اللّه سیستانی نیست] (۸) (سیستانی :) [پایان مورد پنجم] (مکارم :) هم چنین اگر بعد از تحقیق شک یا گمان کند که صبح شده است ، ولی اگر بعد از تحقیق یقین کند صبح نشده و چیزی بخورد بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست . [پایان مورد پنجم] (۹) (فاضل :) بعد از تحقیق یقین کند .. (۱۰) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام : خوئی ، گلپایگانی ، صافی و تبریزی نیست] (۱۱) (اراکی :) اما اگر .. (فاضل :) و اگر .. (۱۲) (گلپایگانی ، صافی :) یا ظن پیدا کند به آن که صبح نشده .. (۱۳) (اراکی :) قضا واجب است ..

(خوئی ، تبریزی :) باید قضای روزه آن روز را به جا آورد ..

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که قضای روزه آن روز را به جا آورد ..

(فاضل :) بنا بر احتیاط واجب قضای آن روز را به جا آورد ..

[مورد پنجم در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۱۴) (مکارم :) و هنوز وقت باقی است .. (۱۵) (مکارم :) در اینجا نیز قضا لازم است .. (۱۶) (سیستانی :) و خود هم تحقیق نکند ..

(زنجانی :) انسان به گفته او اطمینان نکند، یا خیال کند که شوخی می کند .. (۱۷) (خوئی ، گلپایگانی ، فاضل ، صافی ، تبریزی ، نوری :) آن که کور و مانند آن به گفته کسی دیگر افطار کند ..

(سیستانی :) آن که به گفته کس دیگری که گفته او شرعاً برایش حجت است یا او به اشتباه معتقد باشد که خبر او حجت است افطار کند .. (۱۸) (فاضل :) و اگر به گفته آدم دروغ گو افطار کند کفاره هم واجب می شود ..

[مورد هشتم در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (۱۹) (سیستانی :) آن که یقین یا اطمینان کند .. (۲۰) (مکارم :) [پایان مورد نهم] (گلپایگانی ، صافی :) و اگر شک داشته باشد که مغرب شده و افطار کند و معلوم شود مغرب نبوده کفاره هم واجب است .. (۲۱) (سیستانی :) هوای ابری و مانند آن .. (۲۲) (سیستانی :) وجوب قضا در این صورت بنا بر احتیاط است ..

[مورد نهم در رساله آیت اللّه زنجانی نیست]

(۲۳) (سیستانی :) آن که از جهت تشنگی مضمضه کند .. (۲۴) (خویی ، تبریزی ، زنجانی :) و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر مضمضه برای وضوی غیر نماز واجب باشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) آن که برای خنک شدن ، مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود و اگر بی جهت مضمضه کند و فرو رود احتیاط لازم قضا است .. (۲۵) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) برای وضوی نماز واجب مضمضه کند ..

(سیستانی :) برای غیر جهت تشنگی مثل مواردی که مضمضه در آن جاها مستحب است مانند وضو مضمضه کند .. (۲۶) (مکارم :) [نهم]: هر گاه برای خنک شدن ، یا بدون هدف ، آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود باید قضا کند، اما اگر فراموش کرده که روزه است و آب را فرو برد قضا ندارد، هم چنین اگر برای وضو آب در دهان کند و بی اختیار فرو رود قضا بر او واجب نیست .

[دهم]: کسی که با هم سر خود بازی کند بدون این که قصد استمناء داشته باشد و منی از او خارج شود، ولی اگر اطمینان داشت که با این کار منی خارج نمی شود و تصادفاً خارج شد روزه اش صحیح است و قضا ندارد.

(خوئی ، تبریزی :) [و دهم]: آن که کسی از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیه افطار کند لازم است قضا نماید و کفاره واجب نیست .

(فاضل :) [و دهم]: آن که با زن خود شوخی کند و بی اختیار منی از او بیرون آید، با این که از اوّل قصد نداشته ، و عادتاً هم با شوخی کردن منی خارج نمی شده ، به نحوی که مطمئن بوده که منی خارج نمی شود به احتیاط واجب قضا لازم است .

(سیستانی :) [و دهم]: آن که کسی از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیه افطار کند. اگر مورد اکراه و تقیه خوردن یا آشامیدن یا جماع باشد و هم چنین در غیر آنها بنا بر احتیاط واجب .

(صافی :) [و دهم]: آن که روزه دار از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیه افطار کند که در این صورت لازم است قضا نماید و کفاره ندارد.

(زنجانی :) [و هفتم]: آن که افطار کردن به جهتی ؛ چون اکراه یا اضطرار یا تقیه یا رعایت واجب مهمتر یا مساوی ، جایز یا واجب باشد. [هشتم]: اگر در سحر ماه رمضان افق ، ابری باشد و افطار کند، بعد معلوم شود که در روز، افطار کرده است ، باید روزه آن روز را قضا نماید؛ هر چند یقین داشته که صبح نشده است . [نهم]: آن که در سحر ماه رمضان افق ، صاف باشد و بدون نگاه کردن به افق ، غذا بخورد یا نگاه کرده و در حالی که تردید داشته که صبح شده یا نه ، غذا بخورد، بعد معلوم شود صبح بوده است ، ولی کسی که در ماه رمضان به افق صاف نگاه می کند و مطمئن شود که صبح نشده و غذا بخورد، بعد معلوم می شود که صبح بوده است ، روزه اش صحیح است . [دهم]: اگر در ماه رمضان با اطمینان به رسیدن مغرب ، یکی از

مفطرات را مرتکب شود، بعد معلوم شود مغرب نبوده است بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را قضا

کنـد، و در این مسأله فرقی نیست که هوا صـاف باشـد یـا ابری ، مکلّف بینا باشـد یا نابینا. و روزه نـذر معیّن در سه مورد اخیر حکم روزه ماه رمضان را دارد.

(بهجت :) مسأله غیر از مواردی که در مسائل گذشته بیان شد در چند صورت دیگر هم فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست : ۱ در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسائل قبلی گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بیـدار نشود ولی چنـانکه گفته شـد علاوه بر قضا، احتیاط واجب نیز در دادن کفاره است . ۲ کسـی که می تواند از صبح شدن مطلع شود، بـدون تحقیق ، کاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهـد و بعد معلوم شود که صـبح بوده است ، ولی اگر چنین کسـی تحقیق کرد و اطمینان پیدا کرد که صبح نشده ولی بعد معلوم شد که صبح شده بوده ، قضا بر او واجب نیست . ۳ کسی که قادر به تحقیق است ، به قول کسـی که می گویـد: صـبح نشده ، اعتماد کند اگر چه از حرف او اطمینان پیدا کند که شـب است ، و کـاری که روزه را باطـل می کنـد انجام دهـد و بعـد معلوم شود صـبح بوده است ، و هم چنین است اگر دو نفر عادل شهادت دهنـد صـبح نشـده و انسان یقین به شب بودن نداشـته باشد، حتی اگر از حرف آنها اطمینان پیدا کند. ۴ این که کسی بگوید: صـبح شده و انسان گمان کند شوخی می کند یا دروغ می گوید و چیزی بخورد بعد معلوم شود صـبح بوده است ، در حالی که خودش به تنهایی می توانست تحقیق کنـد. ۵ دو نفر عادل یا شـخص موثقی بگوید که مغرب شده است ، و انسان از گفته آنان اطمینان پیـدا کنـد و افطار نمایـد، اما بعـداً بفهمد مغرب نشده بود. ۶ انسان به خاطر تاریکی افطار کنـد، بعـد بفهمد مغرب نبوده است ، ولی بنـا بر احتیـاط واجب نیز در این صورت بایـد کفـاره بدهـد، ولی اگر به خاطر تاریکی اطمینان داشـت مغرب شـده و افطار کرد، بعـد معلوم شـد مغرب نبوده ، کفاره ندارد، بلکه بنا بر اظهر قضا هم واجب نیست . ۷ کسی که غسل جنابت را فراموش کنـد و روزه بگیرد، یا این که تمام روز را خواب باشـد و نیت روزه نکرده باشـد، یا روزه گرفتن را فراموش کند. ۸ شخص نابینا یا زندانی بدون سؤال و تحقیق از صبح شدن ، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است . اگر کسـی عمداً قی کند روزه اش باطل است و قضا دارد، ولی کفاره واجب نیست و در صورت اماله کردن با چیز روان ، بنا بر احتیاط واجب ، کفاره لازم است .

[مسأله ۱۶۸۹ اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد]

مسأله ۱۶۸۹ اگر غیر آب چیز دیگری را در دهـان بـبرد (۱) و بی اختیـار فرو رود یا آب داخل بینی کنـد و بی اختیار فرو رود، قضـا بر او واجب نیست . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) هر گاه چیز دیگری غیر مایعات را در دهان ببرد ..

[مسأله ۱۶۹۰ مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است]

مسأله ۱۶۹۰ مضـمضه زیاد برای روزه دار مکروه است (۱) و اگر بعد از مضـمضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد. (۱) (مکارم :) و بعد از مضمضه باید آب خارجی را از دهان بیرون بریزد و بهتر است سه مرتبه آب دهن را بیندازد.

(بهجت :) مسأله مضـمضه کردن ، یعنی آب در دهان گردانیدن برای روزه دار جایز است حتی اگر برای غیر وضو، مثل خنک شـدن باشـد، و بهتر است در غیر وضو این کـار را انجام ندهـد، و مسـتحب است بعـد از مضـمضه سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد، ولی اگر برای غیر وضوی واجب و غیر مـداوا مضـمضه یا اسـتنشاق کرد، و بدون اختیار آب در حلق او فرو رفت ، بنا بر احتیاط واجب باید قضای این روزه را بگیرد.

[مسأله ۱۶۹۱ اگر انسان بداند که به واسطه مضمضه بی اختیار یا از روی فراموشی]

اشاره

مسأله ۱۶۹۱ اگر انسان بدانـد (۱) که به واسـطه مضـمضه بی اختیـار یا از روی فراموشـی آب وارد گلویش می شود (۲)، نباید مضمضه کند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) یا ایمن نباشد .. (۲) (مکارم :) بی اختیار آب وارد گلویش می شود ..

(بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۹۰.

(سیسـتانی :) مسـأله اگر انسـان بدانـد که به واسـطه مضـمضه بی اختیـار یـا از روی فراموشـی آب وارد گلویش می شود، نباید مضمضه کند، و اگر در این صورت مضمضه کرد ولی آب فرو نرفت بنا بر احتیاط واجب قضا لازم است .

مسائل اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۳۴۷ اگر روزه دار برای درمان غیر ضروری در بینی یا گوش دارو بریزد یا سرمه بکشد اگر نداند که دارو به حلق می رسـد ولی اتفاقاً از این مجاری به حلق رسـید و پائین رفت بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه را بگیرد اما اگر بداند که به حلق می رسد، بنا بر اظهر روزه باطل و قضای آن واجب است .

(بهجت :) مسأله ۱۳۴۸ مسواک کردن برای روزه دار، مانند مضـمضه جایز و بلکه مستحب است ، ولی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوبـاره در دهـان وارد کنـد، نگـذارد آب آن داخل حلق شود، ولی اگر آب مسواک به قـدری کم باشـد که در آب دهان مستهلك می شود، مانعی ندارد.

[مسأله ۱۶۹۲ اگر در ماه رمضان ، بعد از تحقیق یقین کند]

مسأله ۱۶۹۲ اگر در ماه رمضان ، بعـد از تحقیق (۱) یقین کند (۲) که صبح نشده (۳) و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صـبح بوده قضا لازم نیست (۴). (۱) (تبریزی :) بعـد از نگاه به افق .. (زنجانی :) بعد از نظر کردن خود به افق .. (۲) (اراکی :) یا گمان نماید .. (۳) (سیسـتانی :) بعد از تحقیق برای او معلوم نشود که صبح شده .. (۴) (تبریزی :) و هم

چنین اگر نگاه کند و احراز نکند که صبح شده ، قضا لازم نیست .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۶۸۸ (صورت چهارم).

[مسأله ۱۶۹۳ اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه ، نمی تواند افطار کند]

مسأله ۱۶۹۳ اگر انسان شک کند که مغرب شـده یا نه ، نمی توانـد افطار کند (۱)، ولی اگر شک کنـد که صـبح شده یا نه ، پیش از تحقیق هم می توانـد کاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهد. (۱) (مکارم :) و اگر افطار کنـد، هم قضا دارد و هم کفاره ..

احکام روزه قضا

[مسأله ۱۶۹۴ اگر دیوانه عاقل شود]

مسأله ۱۶۹۴ اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید.

[مسأله ۱۶۹۵ اگر کافر مسلمان شود]

مسأله ۱۶۹۵ اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه های وقتی را که کافر بوده قضا نماید (۱). ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد روزه های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید. (۱) (فاضل :) هم چنین واجب نیست قضای روزه آن روزی که در آن روز مسلمان شده بگیرد؛ ولی اگر قبل از ظهر مسلمان شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب نیت کند و روزه بگیرد و اگر آن روز را روزه نگرفت بنا بر احتیاط واجب قضای آن را به جا بیاورد، ولی اگر مرتد مسلمان شود روزه های وقتی را که مرتد بوده باید قضا نماید.

(گلپایگانی ، صافی :) اگر کافر پیش از ظهر روز ماه رمضان مسلمان شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد احتیاط مستحب (صافی : احتیاط واجب) آن است که آن روز را روزه بگیرد و اگر ترک نمود قضا نماید و روزه های قبل قضا ندارد ..

[مسأله ۱۶۹۶ روزه ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده]

مسأله ۱۶۹۶ روزه ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده ، باید قضا نماید (۱) اگر چه چیزی را که به واسطه آن مست شده ، برای معالجه خورده باشد (۲)، بلکه اگر نیت روزه کرده و مست شده (۳) و در حال مستی روزه را ادامه داده تا از مستی خارج شده باشد (۴) بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام کند و بعداً قضا نماید. (۱) (فاضل :) [و] فرق نمی کند که آن چیزی را که به واسطه آن مست شده برای معالجه خورده باشد، یا این که بدون دلیل خورده باشد.

(مکارم :) هر چند ماده مست کننده را از روی اشتباه و یا برای معالجه خورده باشد، بلکه اگر نیت روزه را قبلًا کرده بعد در حال مستی روزه را تمام کند بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید. (۲) (آیات عظام :) بقیه مسأله ذکر نشده . (۳) (نوری :) اگر در اثناء روز از مستی بیرون آید بنا بر احتیاط واجب باید روزه را تمام و نیز قضا نماید و اگر در حال مستی روزه را تمام کرده باشد قضا نماید. (۴) (اراکی :) باید قضا نماید.

[مسأله ۱۶۹۷ اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد]

مسأله ۱۶۹۷ اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او بر طرف شده می تواند مقدار کمتر را

که احتمال می دهـد روزه نگرفته قضا نماید (۱)، مثلًا کسـی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی دانـد پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم (۲)، می تواند پنج روز روزه بگیرد و نیز کسی هم که نمی داند چه وقت عذر برایش پیدا شده ، می تواند مقـدار کمتر را قضا نمایـد، مثلًا اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کنـد و بعـد از رمضان برگردد و ندانـد که بیست و پنجم رمضـان مسـافرت کرده ، یـا بیست و شـشم ، می توانـد مقـدار کمتر یعنی پنـج روز را قضـا کنـد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، تبریزی ، سیسـتانی :) واجب نیست مقـدار بیشتری را که احتمال می دهـد روزه نگرفته قضا نماید ..

(زنجانی :) بنا بر احتیاط واجب بایـد مقـدار بیشتری را که احتمال می دهـد روزه نگرفته قضا نمایـد مثلًا کسـی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی داند عصـر پنجم ماه رمضان از سـفر برگشته یا عصر ششم ، به احتیاط واجب باید شش روز روزه بگیرد، ولی کسـی که نمی دانـد چه وقت عذر برایش پیدا شده ، می تواند مقدار کمتر را قضا نماید؛ مثلا اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کنـد و بعـد از ماه رمضان برگردد و ندانـد که شب بیست و پنجم ماه رمضان مسافرت کرده ، یا شب بیست و ششم ، می تواند مقدار کمتر را یعنی پنج روز (با فرض کامل بودن ماه) قضا کند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتر؛ یعنی شـش روز، را قضا نمایـد. (۲) (خوئی ، گلپایگـانی ، سیسـتانی ، تبریزی ، صـافی :) و یـا این که مثلًـا در اواخر مـاه رمضان مسافرت کرده و بعـد از رمضان برگشـته و نمی داند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده یا بیست و شـشم ، در هر دو صورت می توانـد مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند اگر چه احتیاط مسـتحب آن است که مقدار بیشتر یعنی شـش روز را قضا نماید.

(مکارم :) مسأله روزه هایی که به خاطر مسافرت یا بیماری و مانند آن ترک شده باید قضا کند، اما اگر نداند تعداد روزه های فوت شـده چه انـدازه بوده ، کافی است مقـداری که یقین دارد قضا کند و اضافه بر آن واجب نیست هر چند احتیاط مسـتحب است .

(فاضل :) مسأله اگر در تعـداد روزهایی که نگرفته و بایـد قضا کند شک دارد باید به مقداری که یقین دارد روزه نگرفته قضـا کنـد. مثلًا اگر شک کنـد که پنج روزه قضا بر عهده اوست یا هفت روزه باید پنج روز را قضا کند. بلی اگر زمان حدوث عذر را می داند ولی نمی داند چند روز طول کشـیده است مثلًا می داند روز بیستم ماه بیمار شده یا به سفر رفته و نمی داند تا بیست و پنجم ماه ادامه داشته یا تا بیست و هفتم به احتیاط واجب باید حد اکثر را قضا کند.

[مسأله ۱۶۹۸ اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد]

مسأله ۱۶۹۸ اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشـته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد (۱)، مثلًا پنج روز از رمضان آخر (۲) قضا داشـته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد باید اول ، قضـای رمضان آخر را بگیرد (۳). (۱) (مکارم :) بایـد بنا بر احتیاط اوّل قضای رمضان آخر را بگیرد. (۲) (بهجت :) از رمضان گذشته .. (۳) (زنجانی :) ولی اگر قضای ماه رمضانهای قبل را بگیرد معصیت کرده ولی روزه اش صحیح است .

(اراکی ، فاضل :) احتیاط واجب آن است که اوّل ، قضای رمضان آخر را بگیرد.

(گلپایگانی ، صافی ، نوری :) احتیاط مستحب آن است که اوّل ، قضای رمضان آخر را بگیرد.

(خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بهتر آن است که اوّل ، قضای رمضان آخر را بگیرد.

[مسأله ۱۶۹۹ اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد]

مسأله ۱۶۹۹ اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد (۱) و در نیت معین نکند (۲) روزه ای را که می گیرد قضای کدام رمضان است ، قضای سال اول حساب می شود (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست

(۱) (گلپایگانی :) که تأخیر یکی کفاره دارد و تأخیر دیگری ندارد باید در نیت معین کند روزه ای را که می گیرد قضای کدام رمضان است . (۲) (صافی :) که قضای سال آخری است ، قضای آن سال حساب نمی شود و کفاره تأخیر آن از او ساقط نمی گردد. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) قضای سال آخری حساب نمی شود. (زنجانی : بلکه از سالهای قبل حساب می شود.) (سیستانی :) قضای آخرین سال حساب نمی شود که کفاره تأخیر از او ساقط شود.

[مسأله ۱۷۰۰ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته]

مسأله ۱۷۰۰ کسی که قضای روزه رمضان را گرفته ، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد می تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید (۱). (۱) (مکارم :) ولی بعد از ظهر جایز نیست ، هم چنین اگر قضای روزه غیر معینی (مانند قضای روزه نذر) را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

(خوئی ، سیستانی :) مسأله در قضای روزه رمضان می تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید، ولی اگر وقت قضا تنگ باشد بهتر آن است که باطل ننماید.

(زنجانی :) مسأله در قضای روزه ماه رمضان ، اگر از شب نیت روزه را داشته باشد یا وقت قضا تنگ باشد جایز نیست روزه خود را باطل کند؛ خواه پیش از ظهر باشد خواه بعد از ظهر، و اگر از شب نیت نکرده باشد و وقت هم داشته باشد می تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید و بعد از ظهر نمی تواند.

(بهجت :) مسأله کسی که قضای روزه ماه رمضان گرفته است ، در صورت وسعت وقت پیش از ظهر می تواند افطار کند و آن قضا را در وقت دیگری انجام دهد ولی افطار بعد از ظهر حرام است ، و اگر بعد از ظهر افطار کند باید کفاره بدهد و کفاره او اطعام ده فقیر و در صورت عدم توانایی سه روز روزه گرفتن است .

[مسأله ۱۷۰۱ اگر قضای روزه ماه رمضان شخص دیگری را گرفته باشد]

مسأله ۱۷۰۱ اگر قضای روزه ماه رمضان شخص دیگری را گرفته باشد (۱)، احتیاط واجب آن است (۲) که بعد از ظهر روزه را باطل نکند. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) اگر قضای روزه میتی را گرفته باشد .. (فاضل :) اگر قضای روزه شخص دیگر را گرفته باشد ..

(نوری :) اگر قضای روزه معیّنی را گرفته باشد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) بهتر است ..

(گلپایگانی ، صافی ، زنجانی :) احتیاط مستحب است ..

[مسأله ۱۷۰۲ اگر به واسطه مرض ، یا حیض ، یا نفاس ، روزه رمضان را نگیرد]

مسأله ۱۷۰۲ اگر به واسطه مرض ، یا حیض ، یا نفاس ، روزه رمضان را نگیرد (۱) و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته برای او قضا کنند (۲)، اگر چه مستحب است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (سیستانی :) و پیش از گذشت زمانی که بتواند آن روزه هایی را که نگرفته قضا کند بمیرد، آن روزه ها قضا ندارند. (۲) (گلپایگانی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی ، مکارم ، صافی ، زنجانی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

[مسأله ۱۷۰۳ اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد]

مسأله ۱۷۰۳ اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد (۱)، ولی اگر به واسطه عذر دیگری مثلًا برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته باید قضا کند (۲) و احتیاط مستحب (۳) آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) باید برای هر روز یک مُد (۷۵۰ گرم تقریباً) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد ..

(زنجانی :) باید برای هر روز یک مد که به احتیاط واجب حدود (۹۰۰) گرم است طعام به فقیر بدهد .. (۲) (مکارم :) احتیاط واجب آن است که روزه هایی را که نگرفته ، بعد از ماه رمضان قضا کند و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر دهد، هم چنین ، اگر ترک روزه به خاطر بیماری بوده ، بعد بیماری رفع شده و عذر دیگری مانند مسافرت پیش آمده است . (۳) (خوئی ، اراکی ، فاضل ، سیستانی ، تبریزی ، صافی :) احتیاط واجب .. (زنجانی :) احتیاط ..

[مسأله ۱۷۰۴ اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد]

مسأله ۱۷۰۴ اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او بر طرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد باید روزه هایی را که نگرفته قضا نماید (۱) و نیز اگر در ماه رمضان ، غیر مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد روزه هایی را که نگرفته باید قضا کند (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی ، سیستانی :) و بنا بر احتیاط واجب ، برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد .. (۲) (اراکی ، خوئی ، فاضل ، تبریزی ، سیستانی :) و بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد. (صافی :) و بنا بر احتیاط مستحب کفاره نیز بدهد.

(زنجانی :) و در هر دو صورت ، بنا بر احتیاط برای هر روز یک مد طعام نیز به فقیر بدهد.

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۰۳.

[مسأله ۱۷۰۵ اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد]

مسأله ۱۷۰۵ اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً

قضـای روزه را نگیرد (۱) بایـد روزه را قضا کنـد و برای هر روز یک مـد گنـدم یا جو وماننـد اینها هم به فقیر بدهد (۲). این مسأله در رسـاله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجـانی :) تا ماه رمضان آینـده بـدون عـذر قضای روزه را نگیرد .. (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

[مسأله ۱۷۰۶ اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود]

مسأله ۱۷۰۶ اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند،

باید قضا را بگیرد (۱) و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد (۲) بلکه اگر موقعی که عذر دارد تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه های خود را قضا کند و پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند باید قضای آن را بگیرد، و احتیاط واجب (۳) آن است که برای هر روز هم یک مد غذا به فقیر بدهد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و (سیستانی : بنا بر احتیاط واجب) برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و هم چنین است (خوئی ، تبریزی : بنا بر احتیاط واجب) اگر بعد از برطرف شدن عذر تصمیم داشته باشد که روزه های خود را قضا کند ولی پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند.

(گلپایگانی ، صافی :) در تنگی وقت عذری پیدا کند، که پیش از ماه مبارک نتواند قضا نماید باید قضا را بعد بگیرد .. (فاضل :) باید قضا را در سال بعد بگیرد .. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) هر چند موقعی که عذر دارد، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه های خود را قضا کند.

(مکارم :) امّا اگر کوتاهی نکرده و اتفاقاً در تنگی وقت ، عذری پیدا شده فقط قضا لازم است .

(فاضل :) برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد .. (۳) (فاضل :) احتیاط مستحب ..

(زنجانی :) مسأله اگر در قضای روزه سستی و مسامحه کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند که موجب ترک روزه شود، باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و بعد از برطرف شدن عذر، قضا را بگیرد و اگر مسامحه نکند و تصمیم داشته باشد که روزه های خود را قضا کند، ولی پیش از آن که قضا نماید، در تنگی وقت عذر پیدا کند، پس از برطرف شدن عذر باید قضا را گرفته ، بنا بر احتیاط برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

[مسأله ۱۷۰۷ اگر مرض انسان چند سال طول بکشد]

مسأله ۱۷۰۷ اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد (۱) اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مد که تقریباً ده سیر است ، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی :) باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مد طعام (گلپایگانی ، صافی : یک مُد گندم یا جو و مانند اینها) به فقیر بدهد.

(زنجانی :) هر مقداری که تا ماه رمضان بعد برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان آخر، زمان داشته باشد باید روزه بگیرد و اگر نگرفت در سالهای بعد بگیرد و قضای روزه سالهای قبل لازم نیست بلکه برای هر روز از سالهای پیش یک مد طعام به فقیر بدهد. (۲) (فاضل :) طعام به فقیر بدهد.

[مسأله ۱۷۰۸ کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد]

مسأله ۱۷۰۸ کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد می تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) و اگر مقداری نان دهد که گندم آن به اندازه یک مد باشد کافی است ، ولی پول آن را نمی تواند بدهد مگر این که اطمینان داشته باشد آن را برای خرید نان مصرف می کند.

[مسأله ۱۷۰۹ اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد]

مسأله ۱۷۰۹ اگر قضـای روزه رمضان را چنـد سال تأخیر بینـدازد بایـد قضا را بگیرد (۱) و برای هر روز یـک مـد طعام به فقیر بدهد (۲). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) و از جهت تأخیر در سال اول برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و اما از جهت تأخیر چند سال بعدی ، چیزی بر او واجب نیست .

(زنجانی :) و از جهت تأخیر سالهای بعد چیزی بر او واجب نیست . (۲) (مکارم :) و با گذشت سالها کفّاره متعدد نمی شود.

[مسأله ۱۷۱۰ اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد]

مسأله ۱۷۱۰ اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد (۱)، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهـد، یا یک بنـده آزاد کند (۲) و چنـانچه تـا رمضـان آینـده قضای آن روزه را به جا نیاورد برای هر روز نیز دادن یک مد طعام لازم است (۳). (۱) (زنجانی :) بـدون عذر نگیرد .. این مسأله در رساله آیت اللّه مکارم نیست (۲) (زنجانی :) به تفصیلی که در مسأله [۱۶۶۰] گذشت .. (۳) (گلپایگانی ، صافی :) برای هر روز، دادن یک مد بنا بر احتیاط، لازم می شود.

(خوئی ، تبریزی :) ((سیستانی :) بنا بر احتیاط لازم) برای هر روز یک مد طعام نیز کفاره بدهد.

(زنجانی :) بنا بر احتیاط برای هر روز یک مد دیگر طعام به فقیر بدهد.

(بهجت :) مسأله کسـی که روزه ماه مبارک رمضان بر او واجب است ، اگر به عمـد یا شـبه عمد، روزه خود را باطل کند، باید علاوه بر قضای آن ، کفاره بدهد مگر در مواردی که بعداً گفته خواهد شد.

[مسأله ۱۷۱۱ اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد]

مسأله ۱۷۱۱ اگر روزه رمضان را عمـداً نگیرد و در روز کاری که روزه را باطل می کنـد انجام دهد (۱)، مثلًا چند مرتبه جماع کنـد یک کفاره کافی است . این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم ، فاضل و بهجت نیست (۱) (اراکی :) یک کفاره کافی است ولی اگر چند مرتبه جماع کند باید برای هر مرتبه یک کفاره بدهد.

(خوئی :) مسأله اگر روزه رمضان را عمـداً نگیرد و در روز مکرّر جماع یا اسـتمناء کند کفاره هم مکرر می شود ولی اگر چند مرتبه کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلًا چند مرتبه غذا بخورد یک کفاره کافی است .

(گلپایگـانی ، صافی ، نوری :) اگر روزه رمضان را عمـداً نگیرد و در روز مکرّر جماع کنـد (گلپایگانی ، صافی : بنا بر احتیاط واجب) کفاره هم مکرّر می شود ..

(سیستانی :) کفاره مکرّر نمی شود ..

(سیستانی :) و هم چنین اگر ..

(زنجانی :) یا هم غذا خورده و هم با مایع روان اماله کند ..

[مسأله ۱۷۱۲ بعد از مرگ پدر پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه او را به جا آورد]

مسأله ۱۷۱۲ بعـد از مرگ پدر پسـر بزرگتر باید قضای نماز و روزه او را به تفصـیلی که در مسأله ۱۳۹۰ گفته شـد به جا آورد ولی قضای روزه مادر، بر پسر واجب نیست (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

(۱) (فاضل :) بنا بر احتیاط واجب قضای روزه مادر را نیز به جا آورد.

(مکارم :) احتیاط این است که قضای نماز و روزه مادر را نیز انجام دهد.

(اراکی ، نوری :) مسأله بعد از مرگ پدر و مادر، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه آنان را به تفصیلی که در مسأله [۱۳۹۰] گفته شد به جا آورد.

(گلپایگانی ، صافی :) مسأله بعد از فوت پدر و هم چنین بنا بر احتیاط واجب مادر، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه آنان را به تفصیلی که در مسأله [۱۳۹۰] گفته شد به جا آورد.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای روزه او را به تفصیلی که در نماز قضای پدر، مسأله [۱۳۹۰] گفته شد به جا آورد.

(سیستانی :) مسأله بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر بنا بر احتیاط لازم باید قضای روزه ماه رمضان او را به تفصیلی که در نماز، در مسأله [۱۳۹۰] گفته شد، به جا آورد و می تواند به جای هر روز (۷۵۰ گرم) طعام را به فقیری بدهد، هر چند از مال میّت ، اگر ورثه راضی باشند.

(زنجانی :) مسأله بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای روزه او را ؛ به تفصیلی که در بخش احکام نماز در مسائل [(۱۳۹۰) به بعد] گفته شد، به جا آورد.

[مسأله ۱۷۱۳ اگر پدر غیر از روزه رمضان ، روزه واجب دیگری را نگرفته باشد]

اشاره

مسأله ۱۷۱۳ اگر پدر (۱) غیر از روزه رمضان ، روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشد (۲) باید پسر بزرگتر قضا نماید (۳). این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم و بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) و مادر .. (۲) (سیستانی :) یا اجیر شده و نگرفته باشد، قضای آن بر پسر بزرگتر لازم نیست . (۳) (اراکی ، نوری :) بنا بر احتیاط واجب باید پسر بزرگتر قضا نماید (نوری : ولی اگر برای روزه اجیر شده و نگرفته باشند، بر پسر بزرگ لازم نیست).

(گلپایگانی ، صافی :) احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر قضا نماید.

(خوئی ، زنجانی ، تبریزی :) احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر قضا نماید ولی اگر برای روزه ای اجیر شده و نگرفته باشد قضای آن بر پسر بزرگ لازم نیست . (تبریزی : و نیز اگر قضای روزه جدّ بر پدر واجب بوده و پدر آنها را نگرفته بر پسر قضای آنها لازم نیست).

(فاضل :) مسأله اگر کسی که مُرده غیر از روزه رمضان روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشد بنا بر احتیاط واجب آن را نیز پسر بزرگتر قضا نماید.

مسأله اختصاصی

(مکارم :) مسأله ۱۴۳۹ اگر ولی ّ میت نداند که میت قضای روزه بر ذمه دارد یا نه ، واجب نیست برای او قضا بگیرد و اگر اجمالًا بداند مقداری قضای روزه بر ذمّه اوست باید به اندازه ای که یقین دارد به جا آورد و بیش از آن لازم نیست .

احکام روزه مسافر

[مسأله ۱۷۱۴ مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند]

مسأله ۱۷۱۴ مسافری که بایـد نمازهای چهار رکعتی را در سـفر دو رکعت بخوانـد، نبایـد روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می خواند مثل کسـی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است (۱)، باید در سفر روزه بگیرد. (۱) (زنجانی :) مثل کسی که زیاد مسافرت می کند یا سفر او سفر معصیت است ..

(مکـارم :) مسأله شـخص مسافر (با شـرایطی که در مسأله نماز مسافر گفته شـد) نبایـد روزه بگیرد، و بطور کلی در هر موردی نماز شکسـته است روزه را باید ترک کرد و در جایی که نماز را باید تمام بخواند (مانند کسـی که شـغلش مسافرت است و یا در محلی قصد ماندن ده روز کرده) باید روزه را بگیرد.

(بهجت :) مسأله مسافری که نماز چهار رکعتی او شکسـته است ، نمی تواند در سفر روزه بگیرد، ولی مسافری که نماز او تمام یعنی چهار رکعتی است باید در حال سفر هم روزه اش را بگیرد، و تفصیل مسائل در نماز مسافر گذشت .

[مسأله ۱۷۱۵ مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد]

مسأله ۱۷۱۵ مسافرت در ماه رمضان اشـکال ندارد. ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) و هم چنین است (خوئی ، سیستانی : مطلقِ) سفر (خوئی ، تبریزی : قبل از روز بیست و چهارم) در ماه رمضان ، مگر این که سفر برای حج یا عمره یا به جهت ضرورتی باشد.

(زنجـانی :) و هم چنین است مطلق سـفر قبـل از پایـان شب بیست و سوم مـاه رمضـان ، مگر این که سـفر برای حـج یا عمره یا استقبال برادر مؤمن یا از بیم تلف مال و یا تلف جان برادر مؤمن یا به جهت ضرورت دیگر باشد.

[مسأله ۱۷۱۶ اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد]

مسأله ۱۷۱۶ اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشـد (۱) بنا بر احتیاط واجب نبایـد در آن روز مسافرت کنـد. و اگر در سـفر باشـد بایـد قصـد کنـد که ده روز در جایی بمانـد و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نـذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می تواند در آن روز مسافرت نماید. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (گلپایگانی ، نوری :) مثلًا نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، (گلپایگانی : بنا بر احتیاط لازم نوری : بنا بر احتیاط واجب) تا ناچار نشود، نمی توانـد در آن روز مسافرت کنـد و اگر در سـفر باشد چنانچه ممکن است باید بنا بر احتیاط لازم قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

(اراکی :) نباید در آن روز مسافرت کند و اگر در سـفر باشد در صورت امکان باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن

روز را روزه بگیرد.

(خوئی ، تبریزی :) مثلًا نـذر کرده باشد روز معیّنی را روزه بگیرد، بهتر آن است که تا ناچار نشود در آن روز مسافرت نکند. و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است قصد کند که

ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد. ولی ظاهر آن است که سفر جایز است و قصد اقامه واجب نیست و در صورتی که روزه نگیرد لازم است روزه آن روز را قضا کند.

(فاضل :) مثل این که نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، می تواند در آن روز مسافرت نماید هم چنین است در تنگی وقت اگر قضاء ماه رمضان به عهده اش باشد.

(سیستانی :) چنانچه به اجاره یا مانند آن واجب شده باشد یا روز سوم از روزهای اعتکاف باشد نمی تواند در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر روزه آن روز به نذر واجب شده باشد، ظاهر آن است که سفر در آن روز جایز است و قصد اقامت واجب نیست ، هر چند بهتر آن است که تا ناچار نشود مسافرت نکند و اگر در سفر است قصد اقامت نماید ولی اگر به قسم یا عهد واجب شده باشد بنا بر احتیاط واجب مسافرت نرود و اگر در سفر بود قصد اقامت کند.

(مکارم :) (مثل این که نذر کرده نیمه شعبان را روزه بگیرد) بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند، حتّی اگر در سفر است باید در جایی قصدِ توقف ِده روز کند و آن روز را روزه بگیرد.

(صافی :) مثلًا نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحب تا ناچار نشود، در آن روز مسافرت نکند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط مستحب قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

(زنجانی :) مثلًا نذر کرده باشد روز معیّنی را روزه بگیرد، تا ناچار نشود، نمی تواند در آن روز مسافرت کند، و اگر در سفر باشد، چنانچه ممکن است باید به وطن برگردد یا قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

[مسأله ۱۷۱۷ اگر نذر کند روزه بگیرد]

مسأله ۱۷۱۷ اگر نذر کند روزه بگیرد (۱) و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد (۲) باید آن را در سفر به جا آورد. و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد. (۱) (خوئی ، سیستانی :) روزه مستحبی بگیرد .. (۲) (مکارم :) یا نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

(زنجانی :) مسأله مسافر نمی تواند روزه مستحبی بگیرد، مگر در مدینه طیبه (به تفصیلی که در مسأله بعد می آید) و اگر نذر کند روزه مستحبی بگیرد، نمی تواند آن را در سفر به جا آورد، مگر در نیت نذر تصریح کرده باشد که روزه را در سفر انجام دهد، یا چه مسافر باشد یا نباشد روزه بگیرد، و لازم نیست قبل از رفتن به مسافرت نذر کند بلکه می تواند بعد از سفر نذر کند که در همان سفر روزه بگیرد.

(بهجت :) مسأله مسافر نمی تواند در سـفر روزه بگیرد، مگر این که روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در این صورت روزه گرفتن صحیح است ، و بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی را

در سفر به نیت رجاء باید گرفت ، مگر در مدینه مشرفه که بنا بر روایت ، مسافر می تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگیرد.

[مسأله ۱۷۱۸ مسافر می تواند برای خواستن حاجت]

مسأله ۱۷۱۸ مسافر می تواند برای خواستن حاجت ، سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد (۱). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) و أحوط این است که آن سه روز روزهای چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه باشد.

(فاضل :) و احتیاط آن است که سه روز پشت سر هم و چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه باشد.

(مکارم :) (هر چند قصد ده روز نکند) ولی احتیاط آن است که روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را اختیار کند. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۱۷.

[مسأله ۱۷۱۹ کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است]

مسأله ۱۷۱۹ کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است (۱) اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد روزه اش باطل می شود. و اگر تا مغرب نفهمد روزه اش صحیح است . (۱) (زنجانی :) کسی که اصلًا نمی داند روزه برای مسافر مشروع نیست ..

(بهجت :) مسأله اگر مسافر نداند که روزه در سفر صحیح نیست و روزه بگیرد روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۷۲۰ اگر فراموش کند که مسافر است]

مسأله ۱۷۲۰ اگر فراموش کند که مسافر است ، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می باشد و در سفر روزه بگیرد روزه او باطل است (۱). (۱) (مکارم :) بنا بر احتیاط واجب باید روزه را قضا کند.

(زنجانی :) مسأله کسی که برخی از جزئیات مسائل روزه مسافر را نمی داند، یا فراموش کند که مسافر است یا فراموش کند که روزه مسافر مشروع نیست و در سفر روزه بگیرد، روزه او باطل است .

[مسأله ۱۷۲۱ اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید]

مسأله ۱۷۲۱ اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند (۱) و اگر پیش از ظهر مسافرت کند (۲)، وقتی به حد ترخص برسد (۳) یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود (۴)، باید روزه خود را باطل کند (۵) و اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنا بر احتیاط، کفاره نیز بر او واجب است . (۱) (صافی :) و در صورتی که

شب نیت سفر کرده باشد احتیاط مستحب آن است که قضای آن را به جا آورد .. (۲) (مکارم :) روزه اش باطل است ، ولی قبل از آن که به حد ترخص برسد نمی تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند کفّاره بر او واجب است (منظور از حدّ ترخّص جایی است که صدای اذان شهر را نشنود، یا به جایی برسد که از نظر مردم شهر پنهان گردد). (۳) (خوئی ، تبریزی :) در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد روزه اش باطل می شود و الا بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام کند و بعداً قضا کند (تبریزی : بعداً قضا لازم نیست). و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه را باطل کند کفاره بر او واجب است .

(۴) (گلپایگانی ، صافی :) بایـد نیت روزه نداشـته باشـد (صافی : و اگر از شب ، قصد سـفر نکرده باشد احتیاط مسـتحب اتمام روزه و قضای آن است) ولی اگر قبل از ظهر به وطن برگردد و مفطر به جا نیاورده باشـد، به حـد ترخص که رسـید، باید نیت روزه نماید و روزه اش صحیح است .

(اراکی :) دیوار شهر را نبیند و اهل آنجا او را نبینند .. (۵) (نوری :) باید نیت روزه نداشته باشد ..

(بهجت :) مسـأله اگر مسافر قبل از ظهر به سـفر رود روزه اش باطل می شود، چه از شب نیت مسافرت داشـته باشـد یا نه ، ولی احتیاط مستحب این است که اگر از شب قبل تصمیم مسافرت نداشته ، مسافرت نکند.

(سیسـتانی :) مسأله اگر روزه دار بعـد از ظهر مسافرت نمایـد، باید بنا بر احتیاط روزه خود را تمام کند و در این صورت قضای آن لازم نیست و اگر پیش از ظهر مسافرت کنـد بنا بر احتیاط واجب نمی توانـد آن روز را روزه بگیرد، خصوصاً اگر از شـب نیت سـفر داشـته باشد، ولی در هر صورت نباید پیش از رسیدن به حدّ ترخص چیزی را که روزه را باطل می کند انجام دهد و گر نه کفاره بر او واجب می شود.

(زنجانی :) مسأله اگر روزه دار از شب در فکر سـفر نباشـد حتی به نحو تردیـد و در روز مسافرت کنـد باید روزه را تمام کند، چه پیش از ظهر سـفر کنـد، چه بعـد از ظهر، و چنـانچه از شب در فکر سـفر باشـد اگر بعـد از ظهر مسافرت کنـد بایـد روزه را بگیرد، و اگر پیش از ظهر مسـافرت کنـد، وقـتی به حـد ترخص برسـد می توانـد روزه را بخورد و صـحت روزه گرفتن محـل اشـکال است و می توانـد روزه را رجاءً گرفته ولی بنا بر احتیاط واجب بایـد آن را قضا کنـد، و پیش از رسـیدن به حد ترخص جـایز نیسـت روزه را بخـورد، ولی اگر روزه را خـورد، بعـد بـه سـفر رفت کفـاره نـدارد، هر چنـد کفـاره دادن مطـابق احتیـاط استحبابی است .

[مسأله ۱۷۲۲ اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد]

مسأله ۱۷۲۲ اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد (۱)، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می کنـد انجام نداده ، باید آن روز را روزه بگیرد (۲) و اگر انجام داده (۳) روزه آن روز بر او واجب نیست (۴). (۱) (خـوئی ، سیسـتانی :) اگر مسـافر در مـاه رمضـان چه آن که قبـل از فجر در سـفر بوده و چه آن که روزه بوده و سـفر نماید؛ چنانچه پیش از ظهر به وطنش برسد ..

(تبریزی :) اگر مسافر در ماه رمضان پیش از ظهر به وطنش برسـد .. (۲) (سیسـتانی :) بنا بر احتیاط واجب باید آن روز روزه را بگیرد و در این صورت قضا ندارد .. (۳) (گلپایگانی ، صافی ، نوری :) نمی تواند آن روز را روزه بگیرد.

(فاضل :) یا بعـد از ظهر به وطنش برسـد، یا به جایی برسـد که می خواهـد ده روز در آنجا بمانـد، نمی تواند در آن روز روزه بگیرد.

(مکارم :) بایـد بعـداً قضا کند و مسـتحب است باقی مانده آن روز را امساک نماید. ولی اگر بعد از ظهر وارد شود، نمی تواند روزه بگیرد.

(۴) (سیستانی :) و باید آن را قضا کند.

(زنجانی :) و در این مسأله فرقی نیست که قبل از فجر در سفر بوده و یا آن که ابتدا روزه گرفته و سپس با مسافرت ، روزه را باطل کرده و بعد به وطن یا جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند، رسیده است . (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۲۳.

[مسأله ۱۷۲۳ اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد]

مسأله ۱۷۲۳ اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند (۱)، نباید آن روز را روزه بگیرد. (۱) (سیستانی :) بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند.

(فاضل ، مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۲۲.

(بهجت :) مسأله اگر مسافر بعد از ظهر از مسافرت برگردد و ظهر آن روز در جایی که نماز تمام است نباشد، روزه آن روز باطل است ، ولی اگر قبل از ظهر برگردد، در صورتی که افطار نکرده باشد، روزه آن روز بر او واجب می شود، بنا بر این باید نیت روزه بکند و روزه اش هم صحیح است .

[مسأله ۱۷۲۴ مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد]

مسأله ۱۷۲۴ مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملًا خود را سیر کند. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

[مسأله ۱۷۲۵ کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد]

اشاره

مسأله ۱۷۲۵ کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد، یا برای او مشقّت دارد (۱)، روزه بر او واجب نیست (۲). ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. (۳) (۱) (زنجانی :) اگر چه به حدّ حرج نرسد .. (۲) (بهجت :) و چنانچه تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد أقوی وجوب قضا است ؛ و در صورتی که نتواند تا رمضان بعد روزه را قضا کند واجب است برای هر روز یک مد طعام که تقریباً ده سیر است از گندم یا جو و مانند اینها صدقه دهد؛ و هم چنین کسی که توانائی قضای روزه را داشته ولی به سبب ندانستن حکم ، قضای آن را تا رمضان بعد

تأخیر انـداخته بایـد علاوه بر قضای روزه به مقداری که گفته شد کفاره بدهد. (۳) (خوئی ، تبریزی ، سیسـتانی :) باید برای هر روز یک مد طعام گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد.

(گلپایگانی ، صافی :) بایـد برای هر روز یک مـد گنـدم یا جو وماننـد اینها به فقیر بدهد بلکه در صورت اوّل نیز بنا بر احتیاط لازم یک مد طعام بدهد.

(زنجانی :) باید برای هر روز یک مدّ: به احتیاط واجب حدود (۹۰۰) گرم ، طعام به فقیر بدهد.

(مکـارم :) مسأله مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشـکل است می تواننـد روزه را ترک کننـد، ولی بایـد برای هر روز یک مد (تقریباً (۷۵۰) گرم) گندم یا جو و مانند اینها به فقیر دهند

و بهتر آن است به جای گنـدم و جو، نان را انتخاب کنند و در این صورت احتیاط واجب این است به اندازه ای باشد که گندم خالص آن ، مقدار یک «مد» شود.

مسأله اختصاصی

(بهجت :) مسأله ۱۳۶۳ بر پسـر یا دختری که تازه بالغ شده اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفّاره هم ندارد ولی قضا دارد.

[مسأله ۱۷۲۶ کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته]

مسأله ۱۷۲۶ کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته ، اگر بعد از ماه رمضان بتواند (۱) روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید قضای روزه هایی را که نگرفته به جا آورد (۳). (۱) (زنجانی :) بدون مشقت .. (۲) (گلپایگانی :) بنا بر احتیاط لازم .. (فاضل ، صافی ، نوری :) بنا بر احتیاط مستحب ..

[عبـارت «بنـا بر احتیـاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی و زنجانی نیست] (۳) (خوئی ، سیسـتانی :) احتیاط مستحب آن است که قضای روزه هایی را که نگرفته است به جا آورد.

(تبریزی :) لازم نیست روزه را قضا نماید. (بهجت :) رجوع کنید به ذیل مسأله (۱۷۲۵).

(مکـارم :) مسـأله کسـانی که به خـاطر پیری روزه نگرفته انـد اگر در فصـل منـاسبی که هوا ملاـیم و روزها کوتاه است بتوانند قضای آن را به جا آورند احتیاط آن است که آن را قضا کنند.

[مسأله ۱۷۲۷ اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود]

مسأله ۱۷۲۷ اگر انسان مرضـی دارد که زیاد تشـنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست (۱). ولی در صورت دوم (۲) بایـد برای هر روز یک مـد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد (۳). و احتیاط واجب (۴) آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیاشامد و چنانچه بعد بتواند (۵) روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب (۶) باید روزه هایی را که نگرفته قضا نماید. (۱) (بهجت :) ولی اگر تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد واجب است قضای آن را بگیرد و در صورت عدم توانائی واجب است برای هر روز یک مد طعام از گندم و جو و مانند اینها صدقه دهد.

(سیسـتانی :) ولی در صورت دوّم بایـد برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، واجب نیسـت قضا نماید. (۲) (گلپایگانی ، صافی :) و بلکه در صورت اول هم بنا بر احتیاط لازم ..

[عبـارت « در صورت دوّم » در رساله آیت اللّه فاضل نیست] (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی ، فاضل :) بایـد برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد .. (۴) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، زنجانی ، فاضل ، صافی :) احتیاط مستحب .. (۵) (زنجانی :) بدون مشقت .. (۶) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط .. (نوری :) بنا بر احتیاط مستحب ..

[عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیات عظام : اراکی ، گلپایگانی ، صافی ، فاضل و زنجانی نیست

(مکارم :) مسأله روزه بر کسانی که مبتلا به بیماری استسقاء هستند، یعنی زیاد تشنه می شوند و توانایی روزه گرفتن را ندارند و یا برای آنها بسیار مشکل است ، واجب نیست ولی باید برای هر روز یک مد طعام که در مسأله قبل [(۱۷۲۵)] به آن اشاره شد کفاره بدهند و بهتر است که بیش از مقدار ضرورت آب نیاشامند و اگر بعداً بتوانند قضا کنند احتیاط واجب قضا کردن است .

[مسأله ۱۷۲۸ زنی که زاییدن او نزدیک است]

مسأله ۱۷۲۸ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش (۱) ضرر دارد روزه بر او واجب نیست . و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد (۲) و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست (۳) و بنا بر احتیاط واجب (۴) باید (۵) برای هر روز یک مـد طعام به فقیر بدهد. و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید. (۱) (سیستانی :) یا برای خودش .. (۲) (سیستانی :) بایـد برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه هـایی را که نگرفته بایـد قضـا نمایـد. [پایـان مسـأله (] خوئی ، تبریزی :) بایـد برای هر روز یک مـد طعام به فقیر بدهد .. (۳) (مکارم :) [و] کفاره هم ندارد، ولی بعداً قضا می کند. [پایان مسأله] (۴) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۵) (خوئی ، تبریزی :) بنا بر احتیاط مستحب ..

(گلپایگانی :) مسأله زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز بنا بر احتیاط لازم یک مد طعام به فقیر بدهد و روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید.

(بهجت :) واجب است افطـار نمایـد و برای هر روز یک مـد طعام به فقیر بدهـد و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته ، بعداً باید قضا نماید.

(صافی :) در صورت اول باید ..

(صافی :) ولی اگر روزه برای خودش ضرر دارد، رعایت این احتیاط لازم نیست ، اگر چه بهتر است ..

(زنجانی :) مسأله زن بارداری که روزه برای حملش ضـرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بایـد برای هر روز یک مـد طعام به فقیر بدهد و نیز اگر روزه برای خودش ضـرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط مستحب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت اگر تا ماه رمضان بعد بتواند بدون ضـرر روزه بگیرد باید روزه هایی را که نگرفته قضـا کند، بلکه به احتیاط واجب اگر بعد از آن نیز بتواند روزه بگیرد، قضای روزه بر او واجب می شود.

(فاضل :) مسأله اگر روزه گرفتن برای جنین زن حامله ضرر داشته باشد روزه بر او واجب نیست و باید قضای آن را بعداً بگیرد و اگر روزه گرفتن برای خود زن حامله ضـرر دارد نباید روزه بگیرد و باید قضای آن را بعداً بگیرد و یک مُد طعام نیز برای هر روز که روزه نگرفته به فقیر بدهد.

[مسأله ۱۷۲۹ زنی که بچه شیر می دهد]

مسأله ۱۷۲۹ زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است چه مادر بچه ، یا دایه او باشد، یا بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد روزه بر او واجب نیست . و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست ، و بنا بر احتیاط واجب (۱) باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، (احتیاط واجب آن است که (۲)) بچه را به او بدهد و روزه بگیرد. (۱) [عبارت «بنا بر احتیاط واجب » در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (۲) [قسمت داخل پرانتز در رساله آیت اللّه اراکی نیست] (گلپایگانی ، صافی :) مسأله زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است ، چه مادر بچه یا دایه او باشد و یا بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه یا برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، احتیاط واجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

[عبارت «و شیر او کم است » در رساله آیت اللّه زنجانی نیست] (صافی :) در صورت اوّل باید ..

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) اگر روزه برای بچه ای که شیر می خورد ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و نیز اگر برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط مستحب برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد ..

(فاضل :) اگر روزه برای بچه ای که شیر می خورد ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و نیز اگر برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد ..

(سیستانی :) ولی بنا بر احتیاط واجب این حکم اختصاص به موردی دارد که شیر دادن بچه منحصر به همین راه باشد، و امّا اگر راه دیگری برای شیر دادن بچه باشد مثلًا چند زن در شیر دادن او شرکت کنند یا از شیر دادن با شیشه و پستانک کمک بگیرد ثبوت این حکم محل اشکال است .

(زنجانی :) در هر دو صورت اگر تا ماه رمضان بعد عذرش برطرف شود و بتواند قضا کند، باید روزه هایی را که نگرفته قضا کند، بلکه اگر بعد از آن نیز عذرش برطرف شد بنا بر احتیاط واجب باید قضا کند.

(خوئی ، فاضل ، تبریزی :) واجب است ..

(تبریزی :) و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر مادر بتواند بچه خود را از شیر خشک معمولی غذا دهد.

(بهجت :) مسأله زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است ، چه مادر بچه باشد یا دایه او، چه با اجرت شیر بدهد یا بی اجرت ، اگر روزه برای خودش یا بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد، واجب است افطار کند و برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته بعد از برطرف شدن عذر، باید قضا نماید، و اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه ، از پدر یا مادر بچه یا از شخص دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، واجب است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

(مکارم :) مسأله زنانی که بچه شیر می دهند خواه مادر بچه باشند یا دایه ، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچه شود روزه بر آنها واجب نیست ، ولی برای هر روز همان کفاره (یک مد طعام) واجب است ، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند، اما اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد، نه روزه واجب است و نه کفاره ، ولی باید بعداً روزه هایی را که نگرفته اند قضا نمایند. [و] اگر کسی پیدا شود که بدون اجرت ، بچه را شیر دهد یا شخصی پیدا شود که اجرت دایه را بی منت بپردازد، در این صورت روزه گرفتن واجب است .

راه ثابت شدن اوّل ماه

[مسأله ۱۷۳۰ اول ماه به پنج چیز ثابت می شود]

مسأله ۱۷۳۰ اول ماه به پنج چیز (۱) ثابت می شود: اول : آن که خود انسان ماه را ببیند (۲). دوم : عدّه ای که از گفته آنان یقین (۳) پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم و هم چنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین (۴) پیدا شود (۵). سوم : دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم (۶) ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند (۷) یا شهادتشان خلاف واقع باشد مثل این که بگویند داخل دایره ماه طرف افق بود اوّل ماه ثابت نمی شود (۸). اما اگر در تشخیص بعض خصوصیات اختلاف داشته باشند مثل آن که یکی بگوید ماه بلند بود و دیگری بگوید نبود، به گفته آنان اول ماه ثابت می شود (۹). چهارم : سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن ، اول ماه رمضان ثابت می شود و سی روز از اوّل رمضان بگذرد که به واسطه آن ، اوّل ماه شوّال ثابت می شود (۱۰). پنجم : حاکم شرع حکم کند که اول ماه است (۱۱). (۱) (خوئی ، سیستانی ، زنجانی :) به چهار چیز .. (فاضل ، تبریزی :) به چند چیز .. (۲) (زنجانی :) یا از جهتی برای انسان یقین حاصل شود ..

(مکارم :) [اول :] دیدن ماه با چشم ، اما دیدن با دوربین و وسائل دیگری از این قبیل کافی نیست .. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، صافی ، بهجت ، تبریزی ، سیستانی :) یا اطمینان .. (۴) (خوئی ، تبریزی :) یا اطمینان .. (سیستانی :) یا اطمینان از یک منشأ عقلائی .. (۵) (بهجت :) و ممکن است از این قبیل باشد هنگامی که ماه جدید به صورت طوق دار مشاهده شود یعنی علاوه بر

نیم دایره هلال که کاملًا نورانی است نیمه دیگر آن که تاریک است

همراه بـا هاله ای از نور کم دیـده شود که چنین حالتی می توانـد نشانه این باشـد که روز گذشـته روز اول ماه بوده و فردا روز دوّم است . هم چنین اگر به دلیل دیده نشدن ماه در شب سی ام ماه گذشته بنا بر استصحاب حکم شود که آن روز روز سی ام است اما در شب سیزدهم ماه آینده ماه به صورت بدر کامل دیده شود که همین علامت می تواند نشانه این باشد که آن شب در واقع شب چهاردهم ماه است و ماه گذشته بیست و نه روز بوده است ..

(مکـارم :) [دوم :] شـهادت عـده ای که از گفته آنهـا یقین پیـدا شود (هر چنـد عادل نباشـند، هم چنین هر چیزی که مایه یقین گردد) ..

(زنجانی :) دوّم : آن که از جهتی برای انسان یا نوع مردم اطمینان حاصل شود؛ مثلًا عـده ای بگوینـد ماه را دیده ایم ، ولی اگر برای شـخص انسـان بر خلاف متعارف اطمینان حاصل شود، به گونه ای که برای نوع مردم در آن شـرایط اطمینان حاصل نمی شود نمی توانـد به اطمینـان خود اعتمـاد کنـد .. (۶) (گلپایگـانی ، صـافی :) به شـرط این که صـفت ماه را بر خلاف یکـدیگر نگوینـد و قولشان قابل تصـدیق باشد؛ پس اگر بر خلاف هم صـفت ماه را بگویند یا هوا ابر باشد و یا اگر آسـمان صاف باشـد هیـچ کس غیر از این دو نفر نبیند، کفایت نمی کند. [پایان مورد سوّم] (بهجت :) یا این که یکی بگوید ماه را دیدم و دیگری بگوید سی روز قبل ماه شعبان را دیدم ..

(زنجـانی :) و به جهتی مثل صاف بودن هوا و منحصـر بودن گواهان به دو نفر، اطمینان نوعی به اشـتباه آنها نباشـد [پایان مورد سوم] (۷) (خوئی ، تبریزی :) اوّل ماه ثابت نمی شود [پایان مورد سوّم] (۸) (بهجت :) [پایان مورد سوّم] (نوری :) اگر صفت ماه را بر خلاف یکـدیگر بگوینـد و یا آسـمان صاف باشـد و جمعیت زیادی با دقت تمام برای دیدن ماه اجتماع کنند و نبینند؛ در این صورت که احتمال عقلایی برای اشتباه آن دو نفر هست ، بگویند؛ اول ماه ثابت نمی شود ..

(سیستانی :) سوّم : دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم ، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، اوّل ماه ثـابت نمی شود و هم چنین است اگر انسـان یقین یـا اطمینان به اشـتباه آنها داشـته باشـد یا شـهادت آنان مبتلا به معارض یا در حکم معارض باشد مثلًا اگر گروه زیادی از مردم شـهر اسـتهلال نمایند، ولی بیش از دو نفر عادل کسی دیگر ادعای رؤیت ماه را نکنـد، یا آن که گروهی اسـتهلال کننـد، و دو نفر عادل از میان آنان ادّعای رؤیت کنند و دیگران رؤیت نکنند حال آن که دو نفر عادل دیگر در میان آنها باشد که در دانستن جای هلال و در تیزبینی مانند آن دو عادل اول باشند و آسمان صاف باشد و مانع احتمالی از دیـدن آن دو نباشد، در این چنین موارد، اول ماه به شـهادت دو عادل ثابت نمی شود .. (۹) (مکارم :) [سوم :] شهادت دو مرد عادل ، ولی اگر این دو شاهد صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، یا نشانه هایی بدهند که دلیل بر اشتباه آنهاست به گفته آنها اوّل ماه ثابت نمی شود .. (۱۰) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، زنجانی :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) البته این در صورتی است که اوّل ماه قبل ، مطابق همین طُرُق ثابت شده باشد ..

(۱۱) (بهجت :) بنا بر أظهر. (فاضل :) پنجم : مجتهد جامع الشرائط حکم کند که اوّل ماه است .

(مکارم :) پنجم : حکم حاکم شرع ، به این صورت که برای مجتهد عادلی اول ماه ثابت شود و سپس حکم کند که آن روز اول ماه است ، در این صورت پیروی او بر همه لازم است مگر کسی که یقین به اشتباه او دارد.

[مسأله ۱۷۳۱ اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است]

مسأله ۱۷۳۱ اگر حاکم شرع (۱) حکم کند که اول ماه است ، کسی هم که تقلید او را نمی کند، باید به حکم او عمل نماید. ولی کسی که می داند حاکم شرع (۲) اشتباه کرده ، نمی تواند به حکم او عمل نماید. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (۲) (فاضل :) مجتهد جامع الشرائط .. (مکارم :) رجوع شود به ذیل مسأله (۱۷۳۰).

(خوئی :) مسأله اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی شود و رعایت احتیاط، اولی است .

(سیستانی :) مسأله اوّل ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی شود، مگر این که از حکم او یا ثابت شدن ماه نزد او، اطمینان به دیده شدن ماه حاصل شود.

(زنجانی :) مسأله ثبوت ماه با حکم حاکم ، محل اشکال است ؛ بلی اگر موجب اطمینان شود (به تفصیلی که در مسأله قبل گذشت) کافی است .

(تبریزی :) مسأله اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت می شود مگر آن که بدانند که در حکم اشتباه شده و چنانچه حاکم شرع بگوید دو عادل نزد من به رؤیت هلال شهادت داده اند کافی است .

[مسأله ۱۷۳۲ اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی شود]

مسأله ۱۷۳۲ اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی شود (۱). ولی اگر انسان از گفته آنان یقین (۲) پیدا کند، باید به آن عمل نماید (۳). (۱) (سیستانی :) مگر این که انسان از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا کند. (۲) (خوئی ، تبریزی ، بهجت :) یا اطمینان .. (۳) (زنجانی :) اگر از گفته آنان یقین یا اطمینان برای خود انسان یا نوع مردم حاصل شود باید به آن عمل نماید، و تفصیل آن در مسأله [۱۷۳۰] گذشت .

(مکارم :) مسأله اول ماه به وسیله تقویمها و محاسبات منجمین ثابت نمی شود، هر چند آنها اهل اطلاع و دقت باشند، مگر این که از گفته آنها یقین حاصل گردد.

[مسأله ۱۷۳۳ بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن]

مسأله ۱۷۳۳ بلنـد بودن مـاه یـا دیر غروب کردن آن ، دلیل نمی شود که شب پیش ، شب اول ماه بوده است (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) و هم چنین اگر ماه طوق داشته باشد، دلیل نمی شود که شب دوّم باشد.

(خوئی ، تـبریزی :) بلی ، اگر مـاه پیش از ظهر دیـده شود آن روز اول مـاه محسوب می شود و هم چنین اگر مـاه طوق داشـته باشد معلوم می شود مال شب سابق بوده .

(زنجـانی :) بلی ، اگر مـاه پیش از ظهر دیـده شود آن روز اول ماه محسوب می شود و اگر ماه ، طوق داشـته باشـد علامت این است که آن شب ، شب دوم ماه است ، بنا بر این اگر احتمال دهیم که ماه

در شب یا روز قبل قابل رؤیت بوده و به جهتی مثلًا ابری بودن هوا، دیـده نشده ، و در شب بعد ماه طوق داشته باشد آن شب ، شب دوم به حساب می آید، ولی اگر یقین داشته باشیم که در شب و روز قبل چنانچه هوا صاف هم می بود امکان رؤیت ماه نبوده ، طوق داشتن ماه در شب بعد ، کفایت نمی کند.

[مسأله ۱۷۳۴ اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود]

مسأله ۱۷۳۴ اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود (۱) و روزه نگیرد، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش ماه را دیده ایم (۲) باید روزه آن روز را قضا نماید (۳). (۱) (مکارم :) روزه واجب نیست ، ولی اگر بعداً ثابت شود که آن روزی را که روزه نگرفته اوّل ماه بوده باید آن را قضا کند. (۲) (خوئی ، سیستانی ، بهجت ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه بعد ثابت شود که شب پیش اول ماه بوده .. (۳) (تبریزی :) و چنانچه در اثناء روز ثابت شود باید بقیه روز را امساك کند و بعد از رمضان قضا نماید.

[مسأله ۱۷۳۵ اگر در شهری اول ماه ثابت شود]

مسأله ۱۷۳۵ اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بداند که افق آنها یکی است (۱). (۱) (گلپایگانی :) یا در شهری که دیده شده آفتاب زودتر از شهر خودش غروب کند.

(اراکی :) یا شهری که ماه در آن دیده شده است در شرق آن شهر باشد.

(زنجانی :) یا در شرق ، ثابت شود.

(خوئی ، تبریزی :) مسأله اگر در شهری اول ماه ثابت شود، در شهرهای دیگر چه دور باشند چه نزدیك ، چه در افق متحد باشند یا نه ، نیز ثابت می شود در صورتی که در شب مشترك باشند و لو به این که اول شب یکی آخر شب دیگری باشد.

(نوری :) همین قدر که در شب بودن آن شب ، مثل مکه و کراچی یا لندن و کابل ، نه مثل تهران و واشنگتن ؛ اشتراك داشته باشند ثابت می شود.

(سیستانی :) مسأله اگر در شهری اول ماه ثابت شود، در شهرهای دیگر که در افق با او متّحد می باشند، اول ماه نیز ثابت می شود و مقصود از اتّحاد افق ، در اینجا آن است که اگر در شهر اوّل ، ماه دیده شود، در شهر دوم اگر مانعی مانند ابر نباشد دیده می شود و این در موردی محقق می شود که شهر دوم اگر غرب شهر اول باشد در خط عرض نزدیك به آن باشد و اگر در شرق آن است در صورتی ثابت می شود که وحدت افق معلوم باشد هر چند از این جهت که زمان ماندن ماه در افق شهر اوّل بیش از مقدار اختلاف بین غروب دو شهر باشد.

(فاضل :) مسأله اگر اوّل ماه در شهری ثابت شود برای ساکنین شهرهایی که با آن شهر هم افق یا قریب الافق هستند یا در غرب

آن شهر قرار دارند کفایت می کند ولی برای شهرهایی که در شرق آن شهر قرار دارند کفایت نمی کند.

(مکارم :) مسأله اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای شهرهای دیگر که با آن نزدیک است کافی است و هم چنین شهرهای دور دستی که افق آنها با هم متحد است ، هم چنین اگر در بلاد شرقی

ماه دیده شود برای کسانی که در بلاد غربی نسبت به آنها باشند کافی است (مثل این که اول ماه در مشهد ثابت شود مسلماً برای کسانی که در تهران هستند کافی است ولی عکس آن کفایت نمی کند).

(بهجت :) مسأله اگر در شهری ماه دیده شد در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان بکنند اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می شد چه در شرق باشد یا در غرب ، ولی اگر به این مطلب یقین نداشته باشند، نمی توانند به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کنند.

(صافی :) مسأله بعید نیست کفایت رؤیت ماه در هر محلی برای سایر نقاط.

[مسأله ۱۷۳۶ اول ماه به تلگراف ثابت نمی شود]

مسأله ۱۷۳۶ اول ماه به تلگراف ثابت نمی شود مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده اند، نزدیک یا هم افق باشند و انسان بداند تلگراف از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است . این مسأله در رساله آیات عظام : سیستانی و مکارم نیست (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله اول ماه به تلگراف ثابت نمی شود، مگر انسان بداند که تلگراف از روی شهادت دو مرد عادل یا از راه دیگری بوده که شرعاً معتبر است .

(بهجت :) مسأله اول ماه به تلگراف ثابت نمی شود، مگر این که انسان بداند که تلگراف از راهی بوده که شرعاً معتبر است مثلًا دو نفر شاهد عادل شهادت داده اند یا آن که سبب اطمینان شود اگر چه با ضمیمه نشانه ها و امارات دیگر باشد.

(صافی ، نوری :) مسأله اول ماه به تلگرام ثابت نمی شود، مگر این که انسان بداند که تلگرام ، از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است .

(فاضل :) مسأله اوّل ماه با تلفن ، تلگراف ، رادیو و وسایل اطلاع رسانی جدید در صورتی ثابت می شود که : (۱) در شهر مبدأ که اوّل ماه در آن ثابت شده به یکی از راه هایی که در مسأله [۱۷۳۰] ذکر شده ثابت شده باشد. (۲) انسان از خبر مذکور اطمینان به صحت آن پیدا کند. (۳) شهری که در آن ، اوّل ماه ثابت شده با شهر مذکور هم افق باشد یا در شرق شهر مذکور باشد.

[مسأله ۱۷۳۷ روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوّال]

مسأله ۱۷۳۷ روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوّال ، باید روزه بگیرد. ولی اگر پیش از مغرب (۱) بفهمد که اول شوّال است باید افطار کند (۲). (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی ، مکارم ، زنجانی :) اگر در اثناء روز .. (۲) (مکارم :) هر چند نزدیک مغرب باشد.

[مسأله ۱۷۳۸ اگر زندانی نتواند به ماه رمضان یقین کند]

مسأله ۱۷۳۸ اگر زنـدانی نتواند به ماه رمضان یقین کند، باید به گمان عمل نماید (۱). و اگر آن هم ممکن نباشد، هر ماهی را که روزه بگیرد (۲) صحیح است (۳) و بنا بر احتیاط واجب باید بعد از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته ، دوباره یک ماه روزه بگیرد ولی اگر بعـد ، گمان پیدا کرد باید به آن عمل نماید. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (سیستانی :) ولی اگر بتوانـد گمان قویتر پیـدا کنـد نمی توانـد به گمان ضـعیفتر عمل نمایـد و اگر عمل به گمان ممکن نباشد، باید یک ماهی را که احتمال می دهـد ماه رمضان است روزه بگیرد، ولی باید آن ماه را در نظر داشـته باشد پس چنانچه بعد بر او معلوم شود که مـاه رمضـان یا پس از آن بوده چیزی بر او نیست ، ولی اگر معلوم شود که قبل از ماه رمضان بوده بایـد روزه های ماه رمضان را قضا نماید.

(مکارم :) و آن ماه را که بیشتر احتمال می دهد که ماه رمضان است روزه بگیرد و اگر گمان برای او حاصل نشود هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح است ، ولی احتیاط واجب آن است که اگر زندان او ادامه یابد در سال آینده نیز همان ماه را روزه بگیرد. (۲) (خوئی ، زنجانی :) هر ماهی را که احتمال می دهد ماه رمضان است روزه بگیرد .. (۳) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، زنجانی ، فاضل ، تبریزی ، صافی :) ولی باید بعد از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته ، دوباره یک ماه روزه بگیرد.

(اراکی :) ولی اگر بعد گمان پیدا کرد باید به آن عمل نماید.

(فاضل :) و اگر بعد خلاف آن ثابت شود، روزه او صحیح است و اگر ثابت شود که هنوز ماه رمضان نرسیده ، باید دوباره روزه بگیرد.

روزه های حرام و مکروه

[مسأله ۱۷۳۹ روزه عید فطر و قربان حرام است]

مسأله ۱۷۳۹ روزه عید فطر و قربان حرام است . و نیز روزی را که انسان نمی داند آخر شعبان است ، یا اول رمضان ، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد حرام می باشد. (بهجت :) مسأله روزه عید فطر و قربان حرام است .

(تبریزی :) مسأله روزه عید فطر و قربان صحیح نیست و نیز روزی را که انسان نمی داند آخر شعبان است ، یا اوّل رمضان ، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد صحیح نیست .

(مکارم :) مسأله دو روز از سال روزه اش حرام است : عید فطر (اوّل ماه شوال) و عید قربان (دهم ماه ذی الحجه). روزی که انسان شک دارد که آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان اگر می خواهد روزه بگیرد باید به قصد آخر شعبان باشد و اگر به نیت اول ماه رمضان روزه بگیرد حرام و باطل است .

[مسأله ۱۷۴۰ اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود]

مسأله ۱۷۴۰ اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود (۱) و همچنین اگر شوهر، او را از گرفتن روزه مستحبی جلو گیری کند، بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند. (۱) (گلپایگانی ، صافی :) روزه بر زن حرام است و احتیاط مستحب آن است که اگر حق شوهر هم از بین نرود، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

(خوئی :) روزه او حرام است ((تبریزی :) روزه او باطل است) و احتیاط واجب آن است که اگر حق شوهر هم از بین نرود، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

(فاضـل :) جایز نیست روزه بگیرد بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود ولی شوهر او را از گرفتن روزه مسـتحبی جلوگیری کند بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند.

(نوری :) جایز نیست روزه بگیرد بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود احتیاط واجب آن است که بدون اجازه او روزه مسـتحبی نگیرد.

(زنجانی :) روزه او حرام است و بنا بر احتیاط، از حقوق شوهر آن است که زن بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

(مکـارم :) مسـأله روزه گرفتن زن (روزه مسـتحبی) در صورتی که حق شوهرش از بین برود بـدون اجازه او جایز نیست و اگر حق او از بین نرود نیز بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد.

(سیسـتانی :) مسأله اگر روزه مسـتحبی زن با حق اسـتمتاع شوهر منافات داشـته باشد حرام است و هم چنین روزه ای که واجب است ولی روز معینی نـدارد ماننـد نـذر غیر معین و در این صورت بنـا بر احتیاط واجب روزه باطل است و از نـذر کفایت نمی کند. و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی یا واجب غیر معیّن نهی نماید اگر چه با حق او منافات نداشته باشد و احتیاط مستحب آن است که بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

(بهجت :) مسأله بنا بر احتیاط روزه مسـتحبی برای زن ، بدون اذن شوهر صـحیح نیست ، چه منافات با حق شوهر داشـته باشد و چه نداشـته باشـد، و اگر شـوهر به خـاطر منافـات بـا حقش ، زن را از روزه ای که به نحوی بر خود واجب نموده منع کنـد، در صورتی که وقت روزه وسعت دارد زن نباید روزه بگیرد، ولی اگر وقت روزه تنگ شود اذن شوهر شرط نیست .

[مسأله ۱۷۴۱ روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر شود]

مسأله ۱۷۴۱ روزه مسـتحبی اولاد اگر اسـباب اذیت پـدر و مادر یا جـدّ شود جایز نیست بلکه اگر اسـباب اذیت آنان نشود (۱) ولی او را از گرفتن روزه مسـتحبی جلوگیری کنند احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد. (۱) (اراکی :) ولی پدر یا جدّ او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند نباید روزه بگیرد.

(گلپایگـانی ، صـافی :) مسـأله روزه مسـتحبی اولاد اگر باعث اذیت پـدر یا مادر شود با نهی آنان حرام است ، بلکه اگر از آن نهی نکنند ولی سـبب اذیت آنان شود، یا جدّ نهی نماید و روزه سبب اذیت او شود بنا بر احتیاط واجب روزه اولاد جایز نیست .

(خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) مسأله روزه مسـتحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر (خوئی ، تبریزی : یا جدّ) شود حرام است .

(سیستانی :) مسأله روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت ناشی از شفقت پدر و مادر شود حرام است .

(نوری :) مسأله اولاد با نهی پـدر و مادر، مخصوصاً در صورتی که روزه گرفتن آنها موجب اذیت پـدر و مادر باشـد از گرفتن روزه مستحبی خودداری کنند.

(مکارم :) مسأله روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر شود جایز نیست ، ولی اجازه گرفتن از آنها لازم نمی باشد.

(بهجت :) مسأله بنا بر احتیاط مسـتحب ّدر صـحیح بودن روزه مستحبی فرزند، اذن پدر و مادر شرط است ، گر چه بنا بر اقوی همین که موجب ناراحتی آنها نشود و یا نهی نکرده باشند روزه اش صحیح است .

(فاضل :) مسأله روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جدّ به خاطر شفقت بر اولاد شود جایز نیست .

[مسأله ۱۷۴۲ اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد]

مسأله ۱۷۴۲ اگر پسر بدون اجازه پدر (۱) روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر (۲)، او را نهی کند (۳)، باید افطار نماید. این مسأله در رساله آیات عظام : مکارم ، نوری و بهجت نیست (۱) (۲) (زنجانی :) یا مادر .. (۳) (خوئی ، تبریزی ، زنجانی :) چنانچه مخالفت او موجب اذیتش باشد ..

(گلپایگانی ، صافی :) اگر در مخالفت نهی ، اذیت می شود ..

(فاضل :) به نحوی که از روزه گرفتنش به خاطر شفقت بر وی اذیت شود ..

(سیستانی :) مسأله اگر فرزند بدون اجازه پدر یا مادر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر یا مادر او را نهی کند، چنانچه مخالفت او موجب اذیتش که ناشی از شفقت اوست باشد، باید افطار نماید.

[مسأله ۱۷۴۳ کسی که می داند روزه برای او ضرر ندارد]

مسأله ۱۷۴۳ کسی که می داند روزه برای او ضرر (۱) ندارد اگر چه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر (۲) دارد اگر چه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد (۳) و اگر روزه بگیرد صحیح نیست (۴) مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته . (۱) (۲) (سیستانی :) ضرر قابل توجهی .. (۳) (سیستانی :) واجب نیست روزه بگیرد. (۴) (اراکی ، گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(تبریزی :) و اگر شک کند روزه برای او ضرر دارد یا نه و دکتر حاذق موثق بگوید ضرر دارد یا ندارد لازم است از قول او تبعیت کند.

(زنجانی :) مسأله کسی که می ترسد روزه برایش ضرر داشته باشد، اگر چه دکتر بگوید ضرر ندارد نباید روزه بگیرد، و کسی که نمی ترسد باید روزه بگیرد، اگر چه دکتر بگوید ضرر دارد.

(بهجت :) مسأله اگر کسی مریض باشد به طوری که بداند یا گمان کند روزه گرفتن برای او ضرر دارد نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد روزه اش صحیح نیست و در صورت خوف ضرر در صورتی که خوف او عقلایی باشد می تواند روزه اش را افطار کند.

(مکارم :) مسأله کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست ، هم چنین اگر یقین ندارد امّا احتمال قابل توجهی می دهد که روزه برای او ضرر دارد، خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طبیب . اگر طبیب بگوید روزه ضرر دارد اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه بگیرد و در صورت معلوم نبودن ضرر می تواند یکی دو روز تجربه کند و بعد طبق دستور بالا عمل نماید.

[مسأله ۱۷۴۴ اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد]

مسأله ۱۷۴۴ اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال ، ترس برای او پیدا شود (۱) چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، نبایـد روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صـحیح نیست (۲) مگر آن که به قصـد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (اراکی :) نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست .

(۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، صافی ، نوری :) بقیه مسأله ذکر نشده .

(مکارم :) رجوع کنید به ذیل مسأله ۱۷۴۳.

(زنجانی :) مسأله کسی که می ترسد روزه برایش ضرر داشته باشد چنانچه روزه بگیرد، روزه اش صحیح نیست ، مگر به جهتی مثلًا جهل با قصد قربت روزه بگیرد، و بعد بفهمد که ضرر نداشته است .

(سیستانی :) مسأله اگر انسان یقین یا اطمینان داشته باشد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد یا آن را احتمال بدهد، و از آن احتمال ، ترسی برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر عقلا به جا باشد، واجب نیست روزه بگیرد، بلکه اگر آن ضرر موجب هلاکت یا نقص شود روزه حرام است و در غیر این صورت اگر رجاءً روزه بگیرد و بعد معلوم شود ضرر قابل توجهی نداشته روزه اش صحیح است .

[مسأله ۱۷۴۵ کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد]

مسأله ۱۷۴۵ کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته (۱)، باید قضای آن را به جا آورد (۲). (۱) (اراکی :) روزه اش صحیح است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (خوئی :) در صورتی که ضرر به مرتبه ای باشد که با علم و عمد ارتکاب آن حرام است ..

(سیستانی :) ضرر قابل توجهی داشته .. (۲) (خوئی ، گلپایگانی ، تبریزی ، سیستانی ، صافی ، فاضل :) بنا بر احتیاط واجب .

(مکارم :) بنا بر احتیاط.

(زنجانی :) مسأله کسی که نمی ترسد روزه برایش ضرر داشته باشد، اگر روزه بگیرد و بعد معلوم شود که روزه برای او ضرر داشته ، روزه اش باطل است .

[مسأله ۱۷۴۶ غیر از روزه هایی که گفته شد، روزه های حرام دیگری هم هست]

مسأله ۱۷۴۶ غیر از روزه هایی که گفته شد، روزه های حرام دیگری هم هست که در کتابهای مفصل گفته شده است . این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست

[مسأله ۱۷۴۷ روزه روز عاشورا، و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است]

مسأله ۱۷۴۷ روزه روز عاشورا، و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان ، مکروه است (۱). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (فاضل :) ولی مستحب است در روز عاشورا انسان بدون قصد روزه تا عصر از خوردن و

آشامیدن خودداری کند. (مکارم :) و روزه میهمان بدون اجازه میزبان نیز کراهت دارد.

روزه های مستحب

[مسأله ۱۷۴۸ روزه تمام روزهای سال]

مسأله ۱۷۴۸ روزه تمام روزهای سال ، غیر از روزه های حرام و مکروه که گفته شد مستحب است . و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است که از آن جمله است : (۱) پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه و چهار شنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است . و اگر کسی اینها را به جا نیاورد، مستحب است قضا نماید (۱) و چنانچه اصلًا نتواند روزه بگیرد، مستحب است برای هر روز یک مُد طعام یا (۶)/ (۱۲) نخود نقره (۲) به فقیر بدهد.

(۲) سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه . (۳) تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه یک روز باشد. (۴) روز عید نوروز، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعده (۳) روز اول تا روز نهم ذی حجه «روز عرفه »، ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است . عید سعید غدیر « (۱۸) ذی حجه » (۴). روز اول و سوم محرم (۵). میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم « (۱۷) ربیع الأوّل » (۶). روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم « (۲۷) رجب » و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر رساند، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند، مستحب است (۷) دعوت او را قبول کند و در بین روز افطار نماید (۸). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (مکارم :) [پایان مورد اول] (۲) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) نقره سکه دار .. (زنجانی :) یک مد طعام یا یک درهم .. (۳) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، تبریزی ، صافی :) ۴ روز عید نوروز، چهارم تا نهم شوّال و روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعده ..

(زنجانی :) ۴ روز چهارم تا نهم شوّال ، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعده ..

(مکارم :) ۴ روز عید نوروز، روز بیست و چهارم ذی الحجه و بیست و نهم ذی القعده .. (۴) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) و روز مباهله « (۲۴) ذی حجه » .. (۵) (خوئی ، گلپایگانی ، سیستانی ، تبریزی ، مکارم ، زنجانی ، صافی :) روز اول و سوم و هفتم محرّم .. (۶) (گلپایگانی ، خوئی ، صافی ، زنجانی ، تبریزی ، سیستانی :) و روز پانزدهم جمادی الاولی .. (۷) (زنجانی :) اگر قبل از ظهر باشد مستحب است .. (۸) (خوئی ، سیستانی ، تبریزی :) اگر چه بعد از ظهر باشد.

مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می کند خودداری نماید

[مسأله ۱۷۴۹ برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند]

مسأله ۱۷۴۹ برای شش نفر (۱) مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کاری که روزه را باطل می کند خودداری نمایند: اول : مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برسد. دوم : مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند برسد (۲). سوم : مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند، انجام داده باشد. (۳) چهارم : مریضی که بعد از ظهر خوب شود (۴). پنجم : زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود (۵). ششم : کافری که در روز ماه رمضان مسلمان شود (۶). این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (خوئی ، تبریزی ، سیستانی :) پنج نفر .. (زنجانی :) هشت نفر .. (۲) (خوئی :) و هم چنین است اگر پیش از ظهر برسد در صورتی که قبلًا در سفر افطار کرده باشد .. (زنجانی :) با توجه به مسأله [۱۷۲۱] ..

(۳) (سیستانی :) و اما چنانچه انجام نداده باشد بنا بر احتیاط واجب باید روزه بگیرد .. (۴) (مکارم :) هر چند تا آن ساعت چیزی نخورده .. (۵) (زنجانی :) [و] زنی که بعد از ظهر حائض شود .. (۶) (گلپایگانی ، صافی :) ششم : کافری که بعد از ظهر مسلمان شود یا پیش از ظهر مسلمان شود و پیش از مسلمان شدن مفطر به جا آورده باشد.

(سیستانی :) پنجم : کافری که مسلمان شود و قبلًا کاری را که روزه را باطل می کند انجام داده باشد.

(زنجانی :) ششم : کافری که در بین روز مسلمان شود. هفتم : کودکی که در بین روز بالغ شود. هشتم : دیوانه ای که در بین روز عاقل شود.

(مکارم :) ششم : افراد غیر مسلمانی که در روز ماه رمضان بعد از ظهر مسلمان شوند، ولی اگر قبل از ظهر باشد و چیزی نخورده باشند احتیاط واجب آن است که روزه بگیرند.

[مورد ششم در رساله آیات عظام : خوئی و تبریزی نیست]

[مسأله ۱۷۵۰ مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند]

مسأله ۱۷۵۰ مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را (۱) پیش از افطار کردن بخواند. ولی اگر کسی منتظر اوست یا میل زیادی به غذا دارد که نمی تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن به جا آورد. این مسأله در رساله آیت اللّه بهجت نیست (۱) (زنجانی :) نماز مغرب را ..

احکام روزه (استفتاءات از مقام معظم رهبری)

[شرائط وجوب الصوم و صحته]

[س ۷۳۱ دختری که به سن تکلیف رسیده است]

س ۷۳۱: دختری که به سن تکلیف رسیده ، ولی به علت ضعف جسمانی توانائی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد تا این که ماه رمضان سال بعد فرا می رسد، چه حکمی دارد؟

ج : ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بلکه قضای روزه های ماه رمضان که از او فوت شده ، بر وی واجب است .

[س ۷۳۲ دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند]

س ۷۳۲: دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است ، چه حکمی دارند؟ آیا سن

بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است ؟

ج : بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرها جایز نیست ، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن بر ایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آنها جایز است .

[س ۷۳۳ زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی دانم]

س ۷۳۳: من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی دانم ، از جناب عالی خواهشمندم بیان فرمائید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است ، و آیا کفاره روزه بر من واجب است یا به علت جهل به مسأله قضای آن کفایت می کند؟

ج : فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است ، و در مورد روزه ، اگر بعد از رسیدن قطعی به سن تکلیف ، در اثر کوتاهی در یادگیری مسأله و حکم شرعی ، عمداً افطار کرده باشید، علاوه بر قضا، کفاره هم واجب است .

[س ۷۳۴ دختر نه ساله ای که روزه بر او واجب شده]

س ۷۳۴: اگر دختر نه ساله ای که روزه بر او واجب شده ، به دلیل دشواری ، روزه اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟

ج : قضای روزه هایی که از ماه رمضان افطار کرده ، بر او واجب است .

[س ۷۳۵ اگر فردی به خاطر عذری قوی احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست]

س ۷۳۵: اگر فردی به خاطر عذری قوی ، پنجاه در صد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده ، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

ج : اگر افطار عمدی روزه ماه مبارك رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است . اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلائی داشته باشد، کفاره واجب نیست ، ولی قضا بر او واجب است .

[س ۷۳۶ کسی که بر اثر عذر مسافرت ، روزه ماه رمضان از او فوت شده]

س ۷۳۶: شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت ، نمی تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، آیا کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟

ج : کسی که بر اثر عذر مسافرت ، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته ، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تأخیر واجب نیست .

[س ۷۳۷ اگر شخص روزه دار جنب باشد]

س ۷۳۷: اگر شخص روزه دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسی نماید، آیا روزه اش باطل می شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسی نموده است ، آیا قضای آن واجب است ؟

ج : اگر غسل ارتماسی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه دار بودن باشد، غسل و روزه او صحیح است و قضای روزه اش بر او واجب نیست .

[س ۷۳۸ اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد]

س ۷۳۸: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال داردو آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟

ج : روزه اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده ، واجب است و کفاره ای هم ندارد.

[س ۷۳۹ اگر روزه ضرر داشته باشد]

س ۷۳۹: اگر هواپیما در ارتفاع بالا ـ و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان ، کفاره و

قضای روزه بر آنها واجب می شود؟

ج : اگر روزه برای آنها ضرر داشته باشد، جایز است که با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن را به جا آورند و در این حالت کفاره بر آنها واجب نیست .

[س ۷۴۰ اگر زن در ماه مبارک رمضان دو ساعت یا کمتر مانده به اذان مغرب حیض شود]

س ۷۴۰: اگر زن در ماه مبارك رمضان دو ساعت یا کمتر مانده به اذان مغرب حیض شود، آیا روزه اش باطل می شود؟

ج : روزه اش باطل است .

[س ۷۴۱ کسی که با پوشیدن لباس مخصوص در آب فرو رود]

س ۷۴۱: کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود، در آب فرو رود، روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط وجوبی قضای آن لازم است .

[س ۷۴۲ مسافرت عمدی در ماه رمضان]

س ۷۴۲: آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن ، جایز است ؟

ج : مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت ، و لو این که برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است .

[س ۷۴۳ شخصی که روزه واجب بر عهده اش است]

س ۷۴۳: شخصی که روزه واجب بر عهده اش است و قصد دارد که آن را بگیرد، ولی بر اثر پیشامدی نتواند روزه بگیردمثلًا بعد از طلوع خورشید آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بین راه هم مرتکب هیچ یك از مفطرات نشد، ولی وقت نیت روزه واجب از وی فوت شد، و آن روز هم از روزهایی است که روزه در آن مستحب است ، آیا می تواند نیت روزه مستحبی کند یا خیر؟

ج : اگر قضای روزه ماه رمضان بر ذمه اش باشد، نیت روزه مستحبی حتی بعد از فوت وقت نیت روزه واجب ، از وی صحیح نیست .

[س ۷۴۴ اعتیاد به سیگار و روزه رمضان]

س ۷۴۴: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می کنم که تندخو نباشم نمی توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می برم ، تکلیف من چیست ؟

ج : روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید.

زن باردار و شیرده

[س ۷۴۵ روزه گرفتن بر زن باردار]

س ۷۴۵: آیا روزه گرفتن بر زن بار داری که نمی داند روزه بر جنین او ضرر دارد یا خیر، واجب است ؟

ج : اگر بر اثر روزه ، خوف ضرر بر جنین داشته باشد و خوف وی هم دارای منشاء عقلائی باشد، افطار بر او واجب است و در غیر این صورت واجب است که روزه بگیرد.

[س ۷۴۶ زنی که کودک خود را شیر می داده و باردار هم بوده]

س ۷۴۶: زنی که کودک خود را شیر می داده و باردار هم بوده و در همان حال روزه ماه رمضان را هم گرفته است ، و هنگام زایمان فرزندش مرده به دنیا آمد، اگر از ابتدا احتمال ضرر را می داده و در عین حال روزه گرفته است : (۱) آیا روزه اش صحیح است یا خیر؟ (۲) آیا دیه بر ذمه

او هست یا خیر؟ (۳) اگر احتمال ضرر نمی داده ، ولی بعداً معلوم شده که روزه گرفتن برای جنین ضرر داشته ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر با وجود خوف از ضرری که دارای منشاء عقلائی است ، روزه گرفته باشد و یا بعداً برایش معلوم شود که روزه برای وی یا برای جنین اش ضرر داشته ، روزه اش صحیح نیست و قضای آن بر او واجب است ، ولی ثبوت دیه جنین متوقف بر این است که ثابت شود فوت جنین مستند به روزه گرفتن وی است .

[س ۷۴۷ خوف ضرر بر طفل]

س ۷۴۷: من به لطف خداوند متعال دارای فرزندی هستم که شیر خوار است . إن شاء اللّه تعالی به زودی ماه مبارك رمضان فرا خواهد رسید. در حال حاضر می توانم روزه بگیرم ولی در صورت روزه گرفتن ، شیرم خشك خواهد شد. با توجه به این که دارای بنیه ضعیفی هستم و کودکم هر ده دقیقه شیر می خواهد، چه وظیفه ای دارم ؟

ج : اگر به دلیل کم یا خشك شدن شیرتان بر اثر روزه ، خوف ضرر بر طفل خود داشته باشید، روزه تان را افطار کنید، ولی برای هر روزی باید یك مد طعام به فقیر بدهید و قضای روزه را هم بعداً به جا آورید.

بیماری و منع پزشک

[س ۷۴۸ پزشکانی که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می کنند]

س ۷۴۸: بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟

ج : اگر پزشك امین نباشد و گفته او هم اطمینان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتباری ندارد و در غیر این صورت نباید روزه بگیرد.

[س ۷۴۹ ناتوانی از روزه گرفتن بر اثر بیماری]

س ۷۴۹: مادرم تقریباً سیزده سال بیمار بود و به همین دلیل نمی توانست روزه بگیرد. من دقیقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتیاج به مصرف دارو بوده است ، امیدواریم ما را راهنمایی فرمائید که آیا قضای روزه ها بر او واجب است ؟

ج : اگر ناتوانی او از روزه گرفتن بر اثر بیماری بوده ، قضا ندارد.

[س ۷۵۰ من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته ام]

س ۷۵۰: من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته ام ، در حال حاضر چه تکلیفی دارم ؟

ج : واجب است روزه هایی را که در ماه مبارك رمضان نگرفته اید با این که به سنّ تکلیف رسیده بودید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده ، کفاره هم بر شما واجب است .

[س ۷۵۱ چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده]

س ۷۵۱: چشم پزشك مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتی چشم به هیچ وجه نباید روزه بگیرم ، ولی من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتی برای من در اثنای ماه رمضان شد. به طوری که در بعضی از روزها هنگام عصر احساس ناراحتی می کنم ، لذا متحیر و مردد هستم بین این که روزه نگیرم و یا ناراحتی ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم . سؤال این است که آیا اصولًا روزه گرفتن بر من واجب است ؟ و در روزهایی که روزه می گیرم و نمی دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم یا نه ، آیا

روزه ام را ادامه دهم ؟ و نیت من چگونه باید باشد؟

ج : اگر از گفته پزشک متدین و امین اطمینان حاصل کنید که روزه برای چشم شما ضرر دارد و یا خوف ضرر داشته باشید، روزه گرفتن برای شما واجب نبوده و بلکه جایز هم نیست ، و با خوف ضرر نیت روزه صحیح نیست و در صورت عدم خوف ضرر نیت روزه اشکال ندارد، ولی صحت روزه متوقف بر این است که برای شما واقعاً ضرر نداشته باشد.

[س ۷۵۲ اگر روزه ضرر دارد واجب نیست]

س ۷۵۲: من از عینک طبی استفاده می کنم و در حال حاضر چشمانم بسیار ضعیف است . هنگامی که به پزشک مراجعه کردم به من گفت که اگر برای تقویت چشمانم تلاش نکنم ، ضعیف تر خواهند شد، بنا بر این اگر از روزه ماه رمضان معذور باشم ، چه وظیفه ای دارم ؟

ج : اگر روزه برای چشمان شما ضرر دارد، واجب نیست روزه بگیرید، بلکه واجب است افطار کنید و اگر بیماری شما تا ماه رمضان آینده استمرار پیدا کرد، قضای روزه بر شما واجب نیست ، ولی واجب است که عوض هر روز یک مد طعام به فقیر بدهید.

[س ۷۵۳ عدم قدرت بر روزه گرفتن]

س ۷۵۳: مادرم به بیماری شدیدی مبتلاست و پدرم نیز از ضعف جسمانی رنج می برد و در عین حال هر دو روزه می گیرند که گاهی مشخص است که روزه باعث تشدید بیماری آنها می شود، تا کنون نتوانسته ام آنها را قانع کنم که لا اقل هنگام شدت بیماری روزه نگیرند. خواهشمندیم ما را در مورد حکم روزه آنها راهنمایی فرمائید.

ج : ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد و در عین حال بخواهد روزه بگیرد، روزه گرفتن برای وی حرام است .

[س ۷۵۴ در سال گذشته توسط پزشک متخصص مورد عمل جراحی کلیه قرار گرفتم]

س ۷۵۴: در سال گذشته توسط پزشک متخصص مورد عمل جراحی کلیه قرار گرفتم . وی مرا از گرفتن روزه تا آخر عمر منع نمود، ولی در حال حاضر هیچ مشکل و دردی احساس نمی کنم و حتی به طور طبیعی غذا می خورم و آب می نوشم و هیچ یک از عوارض بیماری را هم حس نمی کنم ، وظیفه من چیست ؟

ج : اگر خود شما از ضرر روزه خوف ندارید و حجت شرعی هم بر آن ندارید، واجب است روزه ماه رمضان را بگیرید.

[س ۷۵۵ اگر پزشک شخصی را از روزه گرفتن منع کند]

س ۷۵۵: اگر پزشـک شخصـی را از روزه گرفتن منع کنـد آیـا با توجه به این که بعضـی از پزشـکان اطلاعی از مسائل شـرعی ندارند، عمل به گفته او واجب است ؟

ج : اگر مکلّف از گفته پزشـک یقین پیـدا کنـد که روزه برای او ضـرر دارد و یـا از گفته وی یا منشاء عقلائی دیگری برای او خوف از ضرر حاصل شود، روزه گرفتن برای او واجب نیست ، بلکه جائز هم نیست .

[س ۷۵۶ در کلیه های من سنگ جمع می شود]

س ۷۵۶: در کلیه های من سنگ جمع می شود و تنها راه جلوگیری از جمع شدن سنگ در کلیه ، نوشیدن مستمر مایعات است و از آنجایی که پزشکان معتقدند که من نباید روزه بگیرم ، تکلیف واجب من نسبت به روزه ماه مبارک رمضان چیست ؟

ج : اگر جلوگیری از بیماری کلیه مستلزم نوشیدن آب یا سایر مایعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نیست .

[س ۷۵۷ مبتلایان به مرض قند]

س ۷۵۷: از آنجا که مبتلایان به مرض قند مجبورند هر روز یک یا دو بار آمپول انسولین تزریق کنندو نباید در وعده های غذائی آنها تأخیر و فاصله بیفتد، زیرا باعث پائین آمدن میزان قند خون و در نتیجه نوعی تشنج و بی هوشی می شود، لذا گاهی پزشکان به آنها توصیه می کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمندیم نظر شریف خود را در باره روزه این افراد بیان فرمائید.

ج : اگر بدانند که خودداری از خوردن و آشامیدن از طلوع فجر تا غروب ، به آنان ضرر می رساند یا خوف ضرر داشته باشند، روزه گرفتن بر آنها واجب نبوده و بلکه جایز نیست .

مبطلات روزه

[س ۷۵۸ اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد]

س ۷۵۸: من در روز ماه رمضان به علت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می کند انجام دهم ، از تصمیم خود منصرف شدم حکم روزه ام چیست ؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟

ج : در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به طوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه اش باطل می شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد. امّا اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر مانند نذر معین و امثال آن نیز دارای همین حکم است .

[س ۷۵۹ اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید]

س ۷۵۹: آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه اش باطل می شود؟

ج : روزه به سبب آن باطل نمی شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

[س ۷۶ حکم استعمال دخانیات]

س ۷۶۰: حکم استعمال دخانیات مانند سیگار در حال روزه چیست ؟

ج : احتیاط واجب آن است که روزه دار از دودهای انواع دخانیات و نیز مواد مخدّری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می شود خودداری کند.

[س ۷۶۱ آیا ماده ناس که از توتون و غیر آن ساخته می شود]

س ۷۶۱: آیا ماده «ناس » که از توتون و غیر آن ساخته می شود و برای چند دقیقه زیر زبان گذاشته شده و سپس از دهان بیرون انداخته می شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج : اگر آب دهان مخلوط به ماده «ناس » را فرو ببرد، موجب بطلان روزه اش می شود.

[س ۷۶۲ نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد]

س ۷۶۲: نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود داردو با فشار دادن آن داروی مایع بصورت پودر گاز از طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب تسکین حال وی می گردد. گاهی بیمار مجبور می شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز است ؟ با توجه به این که بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیر ممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

ج : اگر ماده مذکور هوای فشرده همراه با داروئی هر چند به صورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود، صحت روزه محل اشکال است و در صورتی که روزه گرفتن بدون استعمال

آن ، ممکن نیست یا مشقّت دارد، جائز است از آن استفاده کند، لکن احتیاط آن است که مبطل دیگری انجام ندهد و در صورت تمکّن (بدون استفاده از آن) روزه ها را قضا نماید.

[س ۷۶۳ من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه هایم می آید مخلوط می شود]

س ۷۶۳: من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه هایم می آید مخلوط می شودو گاهی نمی دانم آب دهانی که فرو می برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه ام با این حال چه حکمی دارد؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

ج : اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست ، و هم چنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون ، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی زند.

[س ۷۶۴ در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم]

س ۷۶۴: در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندانهایم را مسواک نزدم ، و بدون این که باقی مانده غذاهای لابلای دندانها را عمداً به بلعم ، خودبخود بلعیده شده است . آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است ؟

ج : اگر علم به وجود باقی مانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده ، قضای روزه بر شما واجب نیست .

[س ۷۶۵ از لثه شخص روزه داری خون زیادی خارج می شود]

س ۷۶۵: از لثه شخص روزه داری خون زیادی خارج می شود، آیا روزه اش باطل می شود؟ آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است ؟

ج : با خروج خون از لثه تا آن را فرو نبرده است ، روزه باطل نمی شود. هم چنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی رساند.

[س ۷۶۶ داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری های زنان وجود دارد]

س ۷۶۶: داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری های زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می شود، آیا استفاده از آن موجب بطلان روزه می شود؟

ج : استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمی رساند.

[س ۷۶۷ تزریق آمپول]

س ۷۶۷: نظر شریف جناب عالی در باره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه داران در ماه مبارک رمضان ، چیست ؟

ج : احتیاط واجب آن است که روزه دار از آمپول های مقوّی یا مغذّی و هر آمپولی که در رگ تزریق می شود و نیز انواع سرم ها خودداری کند، لکن آمپول های داروئی که در عضله تزریق می شود و نیز آمپول هایی که برای بی حسّ کردن به کار می رود، مانعی ندارد.

[س ۷۶۸ خوردن قرص فشار خون]

س ۷۶۸: آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

ج : اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می شود.

[س ۷۶۹ خوردن قرص]

س ۷۶۹: اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزه ام ضرر نمی زند؟

ج : خوردن قرص روزه را باطل می کند.

[س ۷۷۰ حکم افطار عمدی]

س ۷۷۰: اگر شوهر با هم سر خود در ماه رمضان جماع نماید و زن نیز به آن راضی باشد چه حکمی دارد؟

ج : بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است .

[س ۷۷۱ اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاعبه نماید]

س ۷۷۱: اگر مردی با هم سرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاعبه نماید، آیا به روزه اش ضرر می رساند؟

ج : اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی کند، ولی اگر باعث انزال منی شود، جایز نیست و روزه باطل می شود.

بقاء بر جنابت

[س ۷۷۲ باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح]

س ۷۷۲: اگر فردی به سبب برخی از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقی بماند آیا روزه گرفتن در آن روز برای او جایز است ؟

ج : در غیر ماه رمضان و قضای آن اشکال ندارد، ولی نسبت به روزه ماه رمضان و قضای آن ، اگر معذور از غسل است ، تیمم کردن بر او واجب است و اگر تیمم هم نکند، روزه اش صحیح نیست .

[س ۷۷۳ اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد]

س ۷۷۳: اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است ، آیا کفاره روزه هایی که در حال جنابت گرفته بر او واجب است یا این که قضای آنها کافی است ؟

ج : در فرض مرقوم قضا کفایت می کند.

[س ۷۷۴ آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید]

س ۷۷۴: آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه قضا یا مستحب بگیرد؟

ج : اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند، روزه ماه رمضان و قضای آن از او صحیح نیست ، ولی اقوی صحت روزه های دیگر بخصوص روزه مستحبی است .

[س ۷۷۵ شخصی در ماه رمضان در جائی مهمان شد]

س ۷۷۵: شخصی در ماه رمضان در جائی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه های شب محتلم گردیدو چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت ، برای فرار از روزه ، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون این که چیزی بخورد به قصد مسافرت ، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

ج : اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست .

[س ۷۷۶ کسی که آب در اختیار ندارد]

س ۷۷۶: کسی که آب در اختیار ندارد و یا به دلیل عذرهای دیگر غیر از تنگی وقت نمی تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند؟

ج : اگر وظیفه او تیمم باشد و بعد از این که خود را جنب کرده ، وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است .

[س ۷۷۷ شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده]

س ۷۷۷: شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده و متوجه محتلم شدن خود نشده و دوباره خوابیده و در اثنای اذان صبح بیدار شده و علم به جنابت خود پیدا می کند و

یقین دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است ، روزه او چه حکمی دارد؟

ج : اگر پیش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است ، روزه اش صحیح است .

[س ۷۷۸ اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود]

س ۷۷۸: اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتلم شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید این که برای غسل کردن بیدار می شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخیر بیندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟

ج : در فرض سؤال باید روزه را قضا نماید و بنا بر احتیاط مستحب ، کفاره نیز بدهد.

[س ۷۷۹ اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه]

س ۷۷۹: اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه ، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر بعد از بیداری اول اثری از احتلام در خود مشاهده نکند، بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه اش صحیح است ، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است .

[س ۷۸۰ اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند]

س ۷۸۰: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از یک هفته متوجه شود که آن آب نجس بوده است ، نماز و روزه او در این مدت چه حکمی دارد؟

ج : نمازش باطل و قضای آن واجب است ، ولی روزه های او محکوم به صحت است .

[س ۷۸۱ شخصی مبتلا به بیماری بیرون آمدن مستمر قطرات بول است]

س ۷۸۱: شخصی مبتلا به بیماری بیرون آمدن مستمر قطرات بول به صورت موقت است ، یعنی بعد از بول کردن ، به مدت یک ساعت یا بیشتر قطرات آن از او خارج می گردد. با توجه به این که وی در بعضی از شبها جنب شده و گاهی یک ساعت قبل از اذان بیدار می شود و احتمال می دهد که بعد از آن منی با قطرات بول خارج شود، نسبت به روزه اش چه تکلیفی دارد؟ وظیفه او برای این که با طهارت داخل وقت شود، چیست ؟

ج : اگر قبل از اذان صبح ، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن انجام داده ، روزه او صحیح است ، هر چند بعد از آن بدون

اختیار از او منی خارج شود.

[س ۷۸۲ اگر شخصی قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد]

س ۷۸۲: اگر شخصی قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، چه مدتی برای غسل کردن وقت دارد؟

ج : در فرض سؤال ، جنابت به روزه آن روز او ضرر نمی زند، ولی واجب است که برای نماز غسل کند و می تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

[س ۷۸۳ اگر غسل جنابت برای روزه ماه رمضان یا روزه های دیگر فراموش شود]

۷۸۳: اگر غسل جنابت برای روزه ماه رمضان یا روزه های دیگر فراموش شودو در اثناء روز به یاد انسان بیفتد، چه حکمی دارد؟

ج : اگر در روزه ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید، روزه اش باطل است و احوط این است که قضای روزه ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود. ولی در سایر روزه ها، روزه بر اثر آن باطل نمی شود.

استمناء

[س ۷۸۴ آمیزش جنسی حرام]

س ۷۸۴: حکم کسی که با آمیزش جنسی حرام یا استمناء یا خوردن و نوشیدن حرام روزه خود را در ماه رمضان باطل نموده چیست ؟

ج : در فرض مرقوم باید شصت روز روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام نماید و احتیاط مستحب آن است که هر دو را انجام دهد.

[س ۷۸۵ کفاره جمع]

س ۷۸۵: اگر مکلّف علم داشته باشد به این که استمناء روزه را باطل می کند، ولی عمداً آن را انجام دهد، آیا کفاره جمع بر او واجب می شود؟

ج : اگر عمداً استمناء کند و منی هم از او خارج شود، کفاره جمع بر او واجب نمی شود لکن احتیاط مستحب آن است که کفاره جمع بپردازد.

[س ۷۸۶ بطور غیر ارادی منی خارج شده است]

س ۷۸۶: در ماه مبارک رمضان بدون وجود هیچ یک از آثار استمناء فقط بر اثر حالتی که هنگام مکالمه تلفنی با یک زن نامحرم در خود احساس کردم مایع منی از من خارج شد، با توجه به این که مکالمه با او به قصد لذت نبوده ، خواهشمندم لطف نموده و به سؤالات من پاسخ فرمائید، آیا روزه ام باطل است یا خیر؟ در صورت بطلان ، آیا کفاره هم بر من واجب است یا خیر؟

ج : اگر خروج منی بر اثر صحبت با یک زن جزء عادت های قبلی شما نبوده و مکالمه تلفنی با او هم بدون قصد لذت و ریبه بوده و در عین حال بطور غیر ارادی منی از شما خارج شده است ، موجب بطلان روزه نمی شود و چیزی هم بر اثر آن بر شما واجب نیست .

[س ۷۸۷ عادت به استمناء]

س ۷۸۷: شخصی چندین سال عادت به استمناء در ماه رمضان و غیر آن داشته است ، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج : استمناء مطلقاً حرام است و اگر منجر به خروج منی شود، موجب غسل جنابت هم می شود، و اگر این عمل در حال روزه

در روز ماه رمضان صورت بگیرد، در حکم افطار عمـدی با حرام است ، و اگر نماز و روزه را با حالت جنابت و بـدون غسل و تیمم انجام دهد، نماز و روزه اش باطل و قضای آنها واجب است .

[س ۷۸۸ استمناء توسط همسر]

س ۷۸۸: آیا استمناء توسط هم سر، حکم استمناء حرام را دارد؟

ج : این کار، از موارد استمناء حرام نیست .

[س ۷۸۹ آیا جایز است شخص مجرد در صورتی که پزشک منی او را برای آزمایش بخواهد]

س ۷۸۹: آیـا جـایز است شـخص مجرد در صورتی که پزشـک منی او را برای آزمایش بخواهـد و راه دیگری هم برای خارج کردن منی نداشته باشد، استمناء نماید؟

ج : اگر معالجه متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

[س ۷۹۰ استمناء جایز نیست]

س ۷۹۰: بعضـی از مراکز پزشـکی برای انجام آزمایشـهای پزشـکی بر روی منی از انسان می خواهند که اسـتمناء کند تا معلوم شود که وی قادر بر بچه دار شدن هست یا خیر، آیا استمناء برای او جایز است .

ج : استمناء جایز نیست ، هر چند برای تشخیص قدرت وی بر بچه دار شدن باشد، مگر آن که ضرورتی ایجاب کند.

[س ۷۹۱ تخیّل به قصد برانگیختن شهوت]

س ۷۹۱: تخیّل به قصد برانگیختن شهوت در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟

الف : تخیّل هم سر ب : تخیل زن اجنبی ج : در فرض اول در صورتی که حرامی مانند انزال بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد و در فرض دوّم ، احتیاط در ترک آن است .

[س ۷۹۲ در اثناء روزه استمناء نموده]

س ۷۹۲: شخصی در ابتدای سن بلوغ روزه می گرفته ، ولی در اثناء روزه استمناء نموده و جنب شده و به همین صورت چند روز روزه گرفته است ، در حالی که جهل داشته به این که برای روزه گرفتن تطهیر از جنابت واجب است . آیا قضای روزه های آن روزها کافی است یا این که تکلیف دیگری دارد؟

ج : در فرض سؤال ، قضا و بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او واجب است .

[س ۷۹۳ نگاه کردن به قصد انزال]

س ۷۹۳: شخص روزه داری در ماه رمضان به صحنه شهوت انگیزی نگاه کرده و جنب شده است . آیا با این کار روزه اش باطل می شود؟

ج : اگر نگاه کردن او به قصد انزال بوده و یا می دانسته که اگر به آن منظره نگاه کند، جنب می شود و یا عادت او بر این بوده است و در عین حال عمداً نگاه کرده و جنب شده ، حکم جنابت عمدی را دارد یعنی هم قضاء بر عهده او می باشد و هم کفّاره .

[س ۷۹۴ بعدد دفعات آمیزش جنسی یا استمناء کفاره بدهد]

س ۷۹۴: انسان روزه داری که در یک روز بیش از یک بار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد وظیفه اش چیست ؟

ج : فقط یک کفاره بر او واجب می شود، بلی اگر این کار آمیزش جنسی یا استمناء باشد احتیاط واجب آن است که بعدد دفعات آمیزش جنسی یا استمناء کفاره بدهد.

احکام مبطلات روزه

[س ۷۹۵ تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی]

س ۷۹۵: آیـا تبعیت از اهل سـنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی و مجالس رسـمی و غیر آن ، جایز است ؟ اگر مکلّف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دلیلی برای التزام به آن وجود ندارد، وظیفه اش چیست ؟

ج : تبعیت از دیگران در افطـار روزه بـدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست ، و اگر از موارد تقیه باشـد افطار جایز است ، ولی روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست به طور اختیاری افطار نمایـد مگر بعـد از آن که داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسی و یا با حجت شرعی احراز نماید.

[س ۷۹۶ خوردن و آشامیدن روزه را باطل می کند]

س ۷۹۶: اگر روزه دار باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا یا نوشیدن کند، آیا روزه ام باطل می شود؟

ج : خوردن و آشامیدن روزه را باطل می کند، هر چند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگری باشد.

[س ۷۹۷ اگر چیزی به زور وارد دهان روزه دار شود]

س ۷۹۷: اگر چیزی به زور وارد دهـان روزه دار شود و یـا سـر او به همـان صورت داخـل آب گردد، آیـا روزه اش باطـل می شود؟ اگر وادار به باطـل کردن روزه اش شود، مثلًا به او بگوینـد که اگر روزه ات را نخوری ، ضـرری به خودت یا مالت وارد می سازیم ، او هم برای دفع این ضرر غذا

بخورد، آیا روزه اش صحیح است ؟

ج : روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمی شود، ولی اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود، روزه اش باطل خواهد شد.

[س ۷۹۸ اگر روزه دار جاهل باشد به این که تا به حد ترخص نرسیده]

س ۷۹۸: اگر روزه دار جاهل باشد به این که تا به حد ترخص نرسیده ، نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است ، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمی دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

ج : حکم او همان حکم افطار عمدی است .

[س ۷۹۹ هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم]

س ۷۹۹: هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم ، مقداری از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن ، آن را فرو بردم ، آیا روزه ام صحیح است یا خیر؟ در بعضی از روزهای ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک ، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم . این کار برای چند روز تکرار شد، آیا روزه ام در آن روزها صحیح است یا خیر؟

ج : فرو بردن اخلاط سر و سینه ضرری به روزه نمی رساند، ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجرِ روزی که می خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل به جای آن ، اگر بخاطر عذر شرعی باشد و یا تیمم در آخر وقت و به خاطر تنگی آن باشد، موجب بطلان روزه نیست و روزه شما با تیمم صحیح است . در غیر این صورت ، روزه شما در آن روزها باطل است .

[س ۸۰۰ فرو بردن غبار هنگام روزه موجب باطل شدن آن است]

س ۸۰۰: من در معدن آهن کار می کنم که طبیعت آن اقتضا می کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می شود، بقیه ماههای سال هم به همین صورت بر من می گذرد، تکلیف من چیست ؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است ؟

ج : فرو بردن غبار هنگام روزه موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند.

کفاره روزه و مقدار آن

[س ۸۰۱ دادن پول یک مد طعام به فقیر]

س س ۸۰۱: آیا دادن پول یک مد طعام به فقیر تا با آن غذائی برای خودش بخرد، کافی است ؟

ج : اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفاره قبول می کند، اشکال ندارد.

[س ۸۰۲ اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده ای از مساکین شود]

س ۸۰۲: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده ای از مساکین شود، آیا می تواند اجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به عنوان کفاره به او داده شده است ، بردارد؟

ج : مطالبه اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است ، ولی نمی تواند آن را بابت کفاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفاره به فقرا داده شود، بردارد.

[س ۸۰۳ یک مد طعام برای هر روزی]

س ۸۰۳: زنی به علت بارداری و نزدیکی وقت زایمان ، نمی توانـد روزه بگیرد و می دانـد که باید آنها را بعد از زایمان و قبل از ماه رمضان آینده قضا نماید،

اگر به طور عمـدی یـا غیر عمـدی تـا چنـد سـال روزه نگیرد، آیا فقط کفاره همان سال بر او واجب است یا آن که کفاره تمام سالهایی که روزه را به تأخیر انداخته ، واجب است ؟

ج : فـدیه تأخیر قضای روزه ماه رمضان هر چنـد به مـدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد، یک بار واجب است و آن عبارت است از یک مـد طعام برای هر روزی ، و فـدیه هم زمانی واجب می شود که تأخیر قضای روزه ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بر اثر سهل انگاری و بدون عذر شرعی باشد، ولی اگر به خاطر عذری باشد که شرعاً مانع صحت روزه است ، فدیه ای ندارد.

[س ۸۰۴ زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است]

س ۸۰۴: زنی به علت بیمـاری از روزه گرفتن معـذور است و قـادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینـده هم نیست ، در این صورت آیا کفاره بر او واجب است یا بر شوهرش ؟

ج : اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بیماری و تأخیر قضای آن هم از جهت ادامه بیماری بوده است ، برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیه بر خود زن واجب است و چیزی بر عهده شوهرش نیست .

[س ۸۰۵ شخصی ده روز روزه بر عهده دارد]

س ۸۰۵: شخصـی ده روز روزه بر عهـده دارد و در روز بیسـتم شـعبان شـروع به روزه گرفتن می کنـد، آیا در این صورت می تواند عمداً روزه خود را قبل یا بعد از زوال ، افطار کند؟ در صورتی که قبل یا بعد از زوال افطار نماید، چه مقدار کفاره دارد؟

ج : در فرض مذکور افطار عمدی برای او جایز نیست و اگر عمداً افطار کند، در صورتی که قبل از زوال باشد، کفاره ای بر او واجب نیست و اگر بعد از زوال باشد، کفاره بر او واجب است که عبارت است از غذا دادن به ده مسـکین ، و در صورت عدم تمکّن ، واجب است سه روز روزه بگیرد.

[س ۸۰۶ زنی در دو سال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده]

س ۸۰۶: زنی در دو سـال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قـدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشـته است ، ولی در حـال حاضـر توانـائی روزه گرفتن را دارد، حکم او چیست ؟ آیـا کفاره جمع بر او واجب است یا فقط قضای آن را بایـد به جا آورد؟ تأخیر او در قضای روزه چه حکمی دارد؟

ج : اگر بر اثر عـذر شـرعی روزه مـاه رمضان را نگرفته ، فقط قضا بر او واجب است ، و اگر عـذر او در خوردن روزه خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده ، بایـد علاوه بر قضا، برای هر روز یک مـد طعام به عنوان فدیه بپردازد، و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعـد ، بـدون عذر شـرعی به تأخیر انداخته ، فدیه دیگری هم بر او واجب است یعنی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

[س ۸۰۷ رعایت ترتیب بین قضا و کفاره]

س ۸۰۷: آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفاره ، در کفاره روزه واجب است یا خیر؟

ج : واجب نیست .

قضای روزه

[س ۸۰۸ قضای روزه های ماه رمضان]

س س ۸۰۸: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهده ام می باشد، وظیفه من چیست ؟ آیا قضای آنها بر من واجب است ؟

ج : قضای روزه های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده ، واجب است .

[س ۸۰۹ اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود]

س ۸۰۹: اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند، آیا کفاره بر او واجب است یا خیر؟

ج : کفاره بر او واجب نیست .

[س ۸۱۰ قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است]

س ۸۱۰: کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به همین دلیل نمی توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفاره بر آنها واجب است ؟

ج : اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است ، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشند، قضای روزه هایی که از آنان فوت شده کافی است ، و واجب نیست برای هر روزی یک مد طعام فدیه بدهند، هر چند احتیاط در جمع بین قضا و فدیه است . ولی اگر تأخیر در قضای روزه به خاطر سهل انگاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیه بر آنها واجب است .

[س ۸۱۱ شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده]

س ۸۱۱: شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است ، فعلًا توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است ، ولی توانائی قضای همه روزه های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفاره هایش را بپردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

ج : قضای روزه های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی شود، ولی نسبت به کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان ، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید استغفر الله (از خداوند بخشایش می طلبم).

[س ۸۱۲ من به علّت عدم قدرت مالی و بدنی نتوانستم]

س ۸۱۲: من به علّت عدم قدرت مالی و بدنی نتوانستم برای انجام کفاره هایی که بر من واجب شده بود روزه بگیرم و یا به مساکین اطعام نمایم و در نتیجه ، استغفار نمودم لکن به لطف الهی اکنون توان روزه گرفتن یا اطعام نمودن دارم ، وظیفه ام چیست ؟

ج : در فرض مرقوم ، انجام کفاره لازم نیست گر چه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

[س ۸۱۳ شخصی بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان]

س ۸۱۳: اگر شخصی بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه هایش را به تأخیر اندازد،

چه حکمی دارد؟

ج : فدیه تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد ، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی شود.

[س ۸۱۴ فردی که به مدت صد و بیست روز روزه نگرفته]

س ۸۱۴: فردی که به مدت صد و بیست روز روزه نگرفته ، چه وظیفه ای دارد؟ آیا باید برای هر روز شصت روز روزه بگیرد؟ و آیا کفاره بر او واجب است ؟

ج : قضای آن چه از ماه رمضان از او فوت شده ، بر او واجب است ، و اگر افطار عمدی و بدون عذر شرعی بوده ، علاوه بر قضا، کفاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر و یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مدّ است .

[س ۸۱۵ تقریباً یک ماه روزه گرفته ام]

س ۸۱۵: تقریباً یک ماه روزه گرفته ام به این نیت که اگر روزه ای بر عهده ام باشد قضای آن محسوب شود و اگر روزه ای بر عهده ام نیست به قصد قربت مطلق باشد، آیا این یک ماه روزه

به حساب روزه های قضائی که بر ذمّه دارم ، محسوب می شود؟

ج : اگر به نیت آن چه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده اید، اعم از روزه قضاء یا مستحبی ، روزه گرفته اید و روزه قضا هم بر عهده شما باشد، به عنوان روزه قضاء محسوب می شود.

[س ۸۱۶ کسی که نمی داند چه مقدار روزه قضا دارد]

س ۸۱۶: کسی که نمی داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبی بگیرد، اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، آیا به عنوان روزه قضا محسوب می شود؟

ج : روزه هایی را که به نیت استحباب گرفته به جای روزه قضایی که بر عهده اش هست ، محسوب نمی شود.

[س ۸۱۷ کسی که عمداً روزه اش را افطار کرده]

س ۸۱۷: نظر شریف جناب عالی در باره شخصی که بر اثر جهل به مسأله ، عمداً روزه اش را افطار کرده ، چیست ؟ آیا فقط قضا بر او واجب است یا این که کفاره هم باید بدهد؟

ج : اگر به سبب بی اطلاعی از حکم شرعی بوده و در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد، باید قضای روزه ها را به جا آورد ولی کفّاره بر او واجب نیست .

[س ۸۱۸ کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانائی ، نتوانسته روزه بگیرد]

س ۸۱۸: کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانائی ، نتوانسته روزه بگیرد، آیا فقط قضا بر او واجب است یا قضا و کفاره با هم بر او واجب است ؟

ج : اگر گرفتن روزه برای او حرجی نبوده و عمداً افطار کرده ، علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگیرد مریض شود، فقط قضای روزه ها بر عهده او می باشد.

[س ۸۱۹ کسی که تعداد روزهایی که روزه نگرفته را نمی داند]

س ۸۱۹: کسی که تعداد روزهایی که روزه نگرفته و مقدار نمازهایی را که نخوانده نمی داند، وظیفه اش چیست ؟ کسی هم که نمی داند روزه اش را بر اثر عذر شرعی افطار کرده و یا عمداً آن را خورده است ، چه حکمی دارد؟

ج : جایز است که به قضای آن مقدار از نماز و روزه هایش که یقین به فوت آنها دارد، اکتفا نماید، و در صورت شک در افطار عمدی کفاره واجب نیست .

[س ۸۲۰ اگر شخصی که در ماه رمضان روزه دار است]

س ۸۲۰: اگر شخصی که در ماه رمضان روزه دار است ، در یکی از روزها برای خوردن سحری بیدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهدو در وسط روز حادثه ای برای او اتفاق بیفتد و روزه را افطار کند، آیا یک کفاره بر او واجب است یا کفاره جمع ؟

ج : اگر روزه را تا حدی ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگی و گرسنگی برای او حرجی شود و در نتیجه آن را افطار نماید، فقط قضا بر او واجب است و کفاره ای ندارد.

[س ۸۲۱ یقین به اشتغال ذمّه]

س ۸۲۱: اگر شک کنم در این که اقدام به گرفتن قضای روزه هایی را که بر عهده ام بوده ، کرده ام یا خیر تکلیف من چیست ؟

ج : اگر یقین به اشتغال قبلی ذمّه خود دارید، واجب است به مقداری که موجب یقین به انجام تکلیف می شود، روزه قضاء بگیرید.

[س ۸۲۲ کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته]

س ۸۲۲: کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و یک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است ، و در مورد آن هجده روز

نمی دانسته که با ترک عمدی روزه کفاره بر او واجب است ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر روزه ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر شرعی افطار کرده ، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بدهد اعم از این که هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفاره و یا جاهل به آن باشد.

[س ۸۲۳ اگر پزشک به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر دارد]

س ۸۲۳: اگر پزشك به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر دارد و او هم روزه نگیرد، ولی بعد از چند سال بفهمد که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشك در تشخیص خود اشتباه کرده است ، آیا قضا و کفاره بر او واجب است ؟

ج : اگر از گفته پزشك متخصص و امین و یا از منشأ عقلائی دیگر، خوف از ضرر پیدا کند و روزه نگیرد، فقط قضا بر او واجب است .

مسائل متفرقه روزه

[س ۸۲۴ زنی در حال روزه نذری معین حیض شود]

س ۸۲۴: اگر زنی در حال روزه نذری معین حیض شود، چه حکمی دارد؟

ج : روزه با عارض شدن حیض باطل می شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است .

[س ۸۲۵ شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود روزه گرفته]

س ۸۲۵: شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود روزه گرفته و در صبح روز بیست و هشتم به دبی مسافرت کرده و در روز بیست و نهم به آنجا رسیده و متوجه شده که در آنجا عید اعلام شده است ، او اکنون به وطن خود برگشته ، آیا قضای روزه هایی که از وی فوت شده ، واجب است ؟ اگر یك روز قضا نماید، ماه رمضان نسبت به او بیست و هشت روز می شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بیست و نهم در جائی بوده که در آنجا عید اعلام شده بود، این شخص چه حکمی دارد؟

ج : اگر اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان ، به نحو شرعی و صحیح باشد، قضای آن روز بر او واجب نیست ، ولی با فرض این که افق دو محل یکی بوده این امر کشف می کند که یك روز روزه در اول ماه از او فوت شده ، لذا واجب است قضای روزه ای را که یقین به فوت آن دارد، به جا آورد.

[س ۸۲۶ اگر روزه داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد]

س ۸۲۶: اگر روزه داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جائی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است ، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است ؟

ج : روزه او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض این که در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده ، برای او جایز است .

[س ۸۲۷ شهیدی وصیت نموده که احتیاطاً از طرف وی چند روز روزه قضا بگیرد]

س ۸۲۷: شهیدی به یکی از دوستانش وصیت نموده که احتیاطاً از طرف وی چند روز روزه قضا بگیرد، ولی ورثه شهید به این مسائل پایبند نیستند و طرح وصیت او هم برای آنها ممکن نیست و روزه گرفتن هم برای دوست آن شهید مشقت دارد، آیا راه حل دیگری وجود دارد؟

ج : اگر آن شهید به دوست خود وصیت کرده که خودش شخصاً برای او روزه بگیرد، ورثه او در این مورد تکلیفی ندارند، و اگر برای آن فرد روزه گرفتن به نیابت از شهید مشقت دارد، تکلیف از او ساقط است .

[س ۸۲۸ من فردی کثیر الشک هستم]

س ۸۲۸: من فردی کثیر الشک هستم و یا به تعبیر دقیق تر زیاد وسوسه می شوم ، و در مسائل

دینی بخصوص فروع دین زیـاد شک می کنم ، یکی از موارد آن این است که در ماه رمضان گذشـته شک کردم که آیا غبار غلیظی که وارد دهان من شده آن را فرو برده ام یا خیر؟ و یا آبی را که داخل دهانم کردم ، خارج کرده و بیرون ریختم یا نه ؟ در نتیجه آیا روزه من صحیح است یا خیر؟

ج : روزه شما در فرض سؤال محکوم به صحت است و این شکّها اعتباری ندارند.

[س ۸۲۹ حدیث شریف کساء]

س ۸۲۹: آیا حدیث شـریف کساء را که از حضـرت فاطمه زهرا سلام اللّه علیها نقل شده ، حدیث معتبری می دانید؟ آیا نسبت دادن آن در حالت روزه به حضرت زهرای مرضیه سلام اللّه علیها جایز است ؟

ج : اگر نسبت دادن آن به صورت حکایت و نقل از کتابهایی باشد که آن را نقل کرده اند، اشکال ندارد.

[س ۸۳۰ هنگام روزه مستحبی به خوردن غذا دعوت شود]

س ۸۳۰: از بعضـی از علما و غیر آنان شـنیده ایم که اگر انسان هنگام روزه مسـتحبی به خوردن غذا دعوت شود، می تواند آن را قبول کرده و مقداری از غذا میل کندو با این کار روزه اش باطل نمی شود، بلکه ثواب هم دارد امیدواریم نظر شـریف خود را در این باره بیان فرمائید.

ج : قبول دعوت مؤمن در حال روزه مسـتحبی ، شرعاً امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می کند، ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی سازد.

[س ۸۳۱ دعاهایی مخصوص ماه رمضان]

س ۸۳۱: دعاهـایی مخصوص مـاه رمضـان به صورت دعـای روز اول و روز دوم تـا آخر مـاه وارد شـده است ، قرائت آنهـا در صورت شک در صحتشان چه حکمی دارد؟

ج : به هر حال اگر قرائت آنها به قصد رجاء ورود و مطلوبیت باشد، اشکال ندارد.

[س ۸۳۲ شخصی قصد داشت روزه بگیرد]

س ۸۳۲: شخصـی قصـد داشت روزه بگیرد، ولی برای خـوردن سـحری بیـدار نشـد، لـذا نتوانست روزه بگیرد. آیـا گنـاه روزه نگرفتن او به عهـده خود وی است یـا کسـی که او را بیـدار نکرده است ؟ اگر فردی بـدون سـحری روزه بگیرد، آیـا روزه اش صحیح است ؟

ج : در این مورد چیزی بر عهده دیگران نیست ، و روزه بدون خوردن سحری هم صحیح است .

[س ۸۳۳ روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام]

س ۸۳۳: روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام ، چه حکمی دارد؟

ج : اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه مکرمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد، بر او واجب است بعد از این که دو روز روزه گرفت ، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند. ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه او در سفر صحیح نیست و با عدم صحت ِروزه ، اعتکاف هم صحیح نیست .

رؤیت هلال

[س ۸۳۴ وضعیت هلال در آخر یا اوّل ماه]

س ۸۳۴: همان طور که می دانید، وضعیت هلال در آخر یا اوّل ماه به یکی از حالت های زیر است : ۱ غروب هلال قبل از غروب خورشید باشد. ۲ غروب هلال مقارن با غروب خورشید باشد. ۳ غروب هلال بعد از غروب خورشید باشد. امیدواریم بیان فرمائید که کدامیک از

حالات سه گانه فوق را می توان به وسیله برنامه های محاسبه کننده الکترونیکی دقیق برای دورترین نقاط عالم محاسبه کرد؟ آیا استفاده از این محاسبات برای تعیین اول ماه قبل از حلول آن امکان دارد یا این که حتماً باید ماه با چشم رؤیت شود؟

ج : معیارِ اول ماه ، هلالی است که بعد از غروب خورشید غروب کند و رؤیت آن ، قبل از غروب ممکن باشد، و محاسبات علمی اگر موجب یقین برای مکلف نشود، اعتبار ندارد.

[س ۸۳۵ آیا رؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین]

س ۸۳۵: آیا رؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده توسط رایانه ، برای اثبات اول ماه کفایت می کند؟

ج : رؤیت با وسیله ، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است . ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد. پس رؤیت با چشم و با عینك و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست محل اشکال است .

[س ۸۳۶ اگر هلال ماه شوال در یک شهر دیده نشود]

س ۸۳۶: اگر هلال ماه شوال در یک شهر دیده نشود، ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، آیا کافی است یا تحقیق بیشتری واجب است ؟

ج : اگر مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد، کافی است و نیازی به تحقیق نیست .

[س ۸۳۷ تعیین اول ماه رمضان و عید سعید فطر]

س ۸۳۷: اگر تعیین اول ماه رمضان و عید سعید فطر به علت عدم امکان رؤیت هلال اول ماه به سبب وجود ابر در آسمان یا اسباب دیگر، ممکن نباشدو سی روز ماه شعبان یا ماه رمضان کامل نشده باشد، آیا برای ما که در ژاپن زندگی می کنیم ، جایز است که به افق ایران عمل کرده و یا به تقویم اعتماد کنیم ؟ وظیفه ما چیست ؟

ج : اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاوری که یك افق دارند، و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود، باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود، و رؤیت هلال در ایران که در غرب ژاپن واقع است ، برای کسانی که مقیم ژاپن هستند، اعتبار ندارد.

[س ۸۳۸ اتحاد افق در رؤیت هلال]

س ۸۳۸: آیا اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است یا خیر؟

ج : رؤیت هلال در شهرهایی که در افق متحد و یا نزدیک به هم هستند و یا در شهرهایی که در شرق واقع شده اند، کافی است .

[س ۸۳۹ اتحاد افق]

س ۸۳۹: مقصود از اتحاد افق چیست ؟

ج : منظور از آن ، شهرهایی است که در طول خط واحدی واقع شده اند. بنا بر این اگر دو شهر در یک خط طولی باشند (مراد از طول ، طول در اصطلاح علم هیئت است)، گفته می شود که آنها در افق متحد هستند.

[س ۸۴۰ اگر روز بیست و نهم ماه در تهران و خراسان عید باشد]

س ۸۴۰: اگر روز بیست و نهم ماه در تهران و خراسان عید باشد، آیا برای افرادی هم که در شهری مانند بوشهر مقیم هستند، جایز است افطار کنند؟ با توجه به این که افق تهران و خراسان با افق بوشهر یکی نیست .

ج : به طور کلّی اگر اختلاف بین افق دو شهر به مقداری باشد که با فرض رؤیت هلال در یکی ، هلال در دیگری قابل رؤیت نباشد، رؤیت آن در شهرهای غربی برای مردم شهرهای شرقی که خورشید در آنها قبل از شهرهای غربی غروب می کند، کافی نیست ، بر خلاف عکس آن .

[س ۸۴۱ اگر بین علمای یک شهر راجع به ثبوت هلال یا عدم آن اختلاف رخ دهد]

س ۸۴۱: اگر بین علمای یك شهر راجع به ثبوت هلال یا عدم آن اختلاف رخ دهد و عدالت آنها هم نزد مکلّف ثابت بوده و به دقت همه آنها در استدلال خود مطمئن باشد، وظیفه واجب کلّف چیست ؟

ج : اگر اختلاف دو بیّنه به صورت نفی و اثبات باشد، یعنی یکی مدعی ثبوت هلال و دیگری مدعی عدم ثبوت آن باشد، این اختلاف موجب تعارض دو بینه و تساقط هر دو است ، و وظیفه مکلّف این است که هر دو نظر را کنار گذاشته و در باره افطار کردن یا روزه گرفتن به آن چه که مقتضای اصل است ، عمل نماید. ولی اگر بین ثبوت هلال و عدم علم به ثبوت آن اختلاف داشته باشند، به این صورت که بعضی از آنها مدعی رؤیت هلال باشند و بعضی دیگر مدعی عدم مشاهده آن ، قول کسانی که مدعی رؤیت هلال هستند، در صورت عادل بودن ، حجت شرعی برای مکلّف است و باید از آن متابعت کند، و هم چنین اگر حاکم شرعی حکم به ثبوت هلال نماید، حکم وی حجت شرعی برای همه مکلفین است و باید از آن پیروی کنند.

[س ۸۴۲ اگر شخصی هلال ماه را ببیند]

س ۸۴۲: اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رؤیت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست ، آیا او مکلّف است که رؤیت هلال را به حاکم اطلاع دهد؟

ج : اعلام بر او واجب نیست مگر آن که ترك آن مفسده داشته باشد.

[س ۸۴۳ حکم حاکم به رؤیت هلال]

س ۸۴۳: همان گونه که می دانید اکثر فقهای بزرگوار پنج راه برای ثبوت اول ماه شوال در رساله های عملیه خود بیان کرده اندکه ثبوت نزد حاکم شرع در ضمن آنها نیست ، بنا بر این چگونه بیشتر مؤمنین به مجرد ثبوت اول ماه شوال نزد مراجع ، روزه خود را افطار می کنند؟ شخصی که از این راه اطمینان به ثبوت هلال پیدا نمی کند، چه تکلیفی دارد؟

ج : تا حاکم حکم به رؤیت هلال نکرده ، مجرد ثبوت هلال نزد او، برای تبعیّت دیگران از وی کافی نیست ، مگر آن که اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

[س ۸۴۴ اگر ولی امر مسلمین حکم نماید که فردا عید است]

س ۸۴۴: اگر ولی امر مسلمین حکم نماید که فردا عید است و رادیو و تلویزیون اعلام کنند که هلال در چند شهر دیده شده است ، آیا عید برای تمامی نواحی کشور ثابت می شود یا فقط برای شهرهایی که ماه در آنها دیده شده و شهرهای هم افق با آنها، ثابت می گردد؟

ج : اگر حکم حاکم شامل همه کشور باشد، حکم او شرعاً برای همه شهرها معتبر است .

[س ۸۴۵ کوچکی هلال و باریک بودن و اتصاف آن به خصوصیات هلال شب اول]

س ۸۴۵: آیا کوچکی هلال و باریک بودن و اتصاف آن به خصوصیات هلال شب اول ، دلیل بر این محسوب می شود که شب قبل شب اول ماه نبوده ، بلکه شب سی ام ماه قبلی بوده است ؟ اگر عید برای شخصی ثابت شود و از این راه یقین پیدا کند که روز قبل عید نبوده ، آیا قضای روزه روز سی ام ماه رمضان را باید به جا آورد؟

ج : مجرد کوچکی و پائین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست ، ولی اگر مکلّف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

[س ۸۴۶ یوم الشک]

س ۸۴۶: آیا استناد به شبی که در آن ماه به صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) و اعتبار آن به عنوان دلیل برای محاسبه اول ماه جایز است تا از این راه وضعیت یوم الشك معلوم شود که مثلًا روز سی ام ماه رمضان است و احکام روز ماه رمضان بر آن مترتب شود، مثلًا بر کسی که این روز را بر اساس بیّنه روزه نگرفته ، حکم به وجوب قضای روزه شود و کسی هم که به دلیل استصحاب بقای ماه رمضان روزه گرفته ، بری ء الذمّه باشد؟

ج : امر مذکور حجت شرعی بر آن چه ذکر شد، نیست ، ولی اگر مفید علم به چیزی برای مکلّف باشد، واجب است که طبق آن عمل نماید.

[س ۸۴۷ استهلال در اول هر ماه]

س ۸۴۷: آیا استهلال در اول هر ماه واجب کفائی است یا احتیاط واجب ؟

ج : استهلال فی نفسه واجب شرعی نیست .

[س ۸۴۸ آیا اول ماه مبارک رمضان و آخر آن با رؤیت هلال ثابت می شود]

س ۸۴۸: آیا اول ماه مبارك رمضان و آخر آن با رؤیت هلال ثابت می شود یا با تقویم ، هر چند ماه شعبان سی روز نباشد؟

ج : اول یا آخر ماه رمضان با رؤیت شخص مکلّف یا با شهادت دو فرد عادل یا با شهرتی که مفید علم است یا با گذشت سی روز و یا به وسیله حکم حاکم ثابت می شود.

[س ۸۴۹ اگر تبعیت از اعلام رؤیت هلال توسط یک دولت جایز شد]

س ۸۴۹: اگر تبعیت از اعلام رؤیت هلال توسط یك دولت جایز شد، و آن اعلام معیاری علمی برای ثبوت هلال سرزمین های دیگر را تشکیل دهد، آیا اسلامی بودن آن حکومت شرط است ، یا این که عمل به آن حتی اگر حکومت ظالم و فاجر هم باشد، ممکن است ؟

ج : ملاك در این مورد، حصول اطمینان به رؤیت در منطقه ای است که نسبت به مکلّف کافی محسوب می شود.

[س ۸۵۰ اعتکاف در مساجد جامع و غیر جامع]

س ۸۵۰: خواهشمند است نظر مبارك خود را در خصوص اعتکاف در مساجد (جامع و غیر جامع) بیان فرمائید.

ج : در مسجد جامع صحیح است و در مسجد غیر جامع رجاءً اشکال ندارد. و تعریف مسجد جامع در مباحث نماز گذشت .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹